



قرآن مجید

ترجمہ فارسی

مبنی بر اردو ترجمہ

حضرت میرزا طاہر احمد

خليفة المسيح الرابع رحمه الله تعالى

مترجم: سيد عاشق حسين

ناشر: انتشارات اسلم انترنا سיוنال با مسئوليت محدود

اسلام آباد . تلفورڈ . سی . انگلستان

THE HOLY QUR'AN
ARABIC TEXT AND PERSIAN TRANSLATION

First published in UK in 1989

Present edition (completely new translation) printed in India
in 2003

Translated into Persian by : Syed Aashiq Hussain Shah

© Islam International Publications Limited

Published by :

Islam International Publications Limited

“Islamabad”

Sheephatch Lane

Tilford, Surrey GU10 2AQ

United Kingdom

Printed in India at:

Printwell

146-Industrial Focal Point

Amritsar (Punjab) India

ISBN : 1 85372 784 9

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیشگفتار

مست فرقان آفتاب علم و دین تا برندت از گمان سوی یقین
مست فرقان از خدا حَبْلَ الْمَتِينِ تا کشندت سوی ربُّ العالمین
مست فرقان روز روشن از خدا تا دهندت روشنی دیده ها

قرآن کتاب آسمانی مبنی بر کلام خدای متعال آفرینندهٔ همه جهانهاست. این کلام خدای متعال بیش از ۱۴۰۰ سال قبل بر حضرت محمد ﷺ خیر الانام، خاتم النبیین بمعنوان کمال نعمت در حجاز [عربستان] فرود آمد و تعلیم دین و احکام شریعة را تکمیل نموده و نازل آمدن هرگونه احکام شریعت را پایان داد. این کتابی یگانه است که میتواند جوامع بشری را از جمله ابعادش برای تامین نیازهای این دنیا و آخرت که در رأس همه آنها شناسائی و عبادت خدای یگانه است بروشنی هدایت نماید و بطوریکه از اشعار مزبور در فوق از حضرت میرزا غلام احمد قادیانی مسیح موعود و مهدی معهود علیه السلام حاکی است قرآن آفتاب علم و دین است که تعلیم آن انسان را از هرگونه شک و شبه پاك نموده و تا بکمال یقین میرساند. این بسوی خدای متعال میکشد و این روز روشن است که دیده ها را روشنی میبخشد.

در آغاز نزول قرآن که از سال ۶۱۰ میلادی شروع شد تعداد مردم باسواد در صدی بسیار کم را تشکیل میداد اما خدای متعال نازل کننده این کلام بندگان خدمتگذار خود مانند حضرت علی، ابوبکر، زید بن ثابت، زبیر ابن الاعوام رحمت خدا برایشان باد را برای نوشتن و از ههای کلام تهیه فرمود و آن کلام پاك کلمه بکلمه نگاشته شد. زاید بر آن افراد زیادی از یاران پیغمبر اکرم

ﷺ قرآن را به همان صورت که وحی میشد ازبر مینمودند. برای اعراب از بر کردن شعرها مرچند طولانی تر میبود مشکلی نداشت. درحقیقت آنان دراین کار توانائی فوق العاده و بی نظیری داشتند و هزارها اشعار شعرا را از بر مینمودند.

برای نگهداری از قرآن همان از ابتدای نزول تا تکمیل آن کتاب مقدس مردو روش یعنی نوشتن و از بر کردن پیش گرفته شد و درنتیجه واژههای این کتاب خجسته بدون تحریف و دست خوردگی درصورت اصلی خود ثابت مانده است. همان از آن زمان تا اکنون فیلسوفان و نویسندگان اروپائی بسیار سعی بخرج دادند تا بتوانند حقایق این کلام را وارونه نشان دهند ولی با شکستی کامل روبرو شده اند.

قرآن ادعا نمود که چنانچه همه متفکرین عالم گرد آیند و کنگره جهانی تشکیل داده و همدیگر را یاری دهند و بهم فکر کنند تا سوره‌ها مانند کوچکترین سوره قرآن را بیآورند، نخواهند توانست پیروزی بدست آورند. بهمین ترتیب مدعی شد که خدای متعال نازل کننده آن کلامی مقدس است و او خود آنرا نگهداری خواهد نمود.

همین علت است که با وجود شدیدترین انتقادات عاقبت انتقادکنندگان مجبور به پذیرفتن این حقیقت شدند که قرآن مقدس که امروز در دست ما مسلمانان است همان قرآن است که از طرف خدای متعال بر پیغمبر اسلام حضرت محمد ﷺ وحی فرستاده شد و ایشان آنرا بدست یاران خود سپردند. در اینمورد نویسندگان جهانی بارها در نوشته های خود رای مثبت خویش را اظهار داشته اند که اینجا نیاز به توضیح بیشتر ندارد.

طبق قرآن ایمان آوردن به وحدانیت خدا، همه پیغمبران، کتب آسمانی، وجود

فرشتگان، روز قیامت و قضاء و قدر لازم است.

قرآن توحید خدای متعال آفریدگار و پروردگار همه جهانها را اولی تر از همه اعتقادات قراردادده است.

قرآن اعلام نمود که بسوی هر قریه و مردم هر زمان رسولان فرستاده شد. بطوریکه میفرماید:

وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ

ترجمه: و نیست قومی مگر آنکه در ایشان هشداردمنده نباشد.

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ

ترجمه: و یقیناً در هر قومی رسولی برانگیختیم [تا ابلاغ نماید که ای مردم!] خدا را عبادت کنید و از سرکشان دوری گزینید.

قرآن ایمان آوردن به تمامی رسولان بلا امتیاز زمان و مکان لازم قرارداد. ضمناً برای آتیه هم علی الخصوص در سوره جمعه مژده داد که آن رسول یعنی محمد ﷺ در آخرین نیز مبعوث میشود که در امر واقع دلالت بر ظهور حضرت مسیح موعود و مهدی معهود میکند و ظهور این پیکر پاک از احادیث نبوی ﷺ و از کتب ادیان دیگر ثابت است. طبق سوره الصف قرآن این وجود عالی مقام دین اسلام که کمال همه ادیان است را بر هر کدام بخش دین برتر به اثبات خواهد رساند.

بعقیده جماعت احمدیه جهانی در اسلام آن وجود پاک نامی صد سال پیش در قادیان شهری کوچک در هندوستان بنام میرزا غلام احمد قادیانی ظهور کرد و دیری نپایید که ایشان بنیادجماعت احمدیه در اسلام را بنا نهادند و همه جهانیان را بسوی اسلام بطریق جالب دعوت کرده اعلام فرمودند که خدا

یکتا است و رسول اکرم حضرت محمد ﷺ خاتم النبیین است و قرآن همه کتب آسمانی را پایان دهنده است و من همان مسیح موعود و مهدی معهود هستم که درباره او ادیان قبلی و رسول اکرم ﷺ مژده دادند و به جماعت خود سفارش نمودند که قرآن را بدست گرفته و به تعلیم آن عمل کنان همه جهانیان را بسوی اسلام که تنها دین راستین در جهان است دعوت نمایند.

پس، سپاس مخصوص خدا را که جماعت امروز در بیشتر از صدوپنجاه هفت کشور دنیا مراکز برای اشاعت دین دارد و قرآن را در هفتادوشش زبان جهانی ترجمه کرده که از اینها پنجاه و شش به چاپ رسیده و بیست زیر چاپ است موجب گسترش تعلیم قرآن در زبانهای محلی مردم جهانی شده است و بازم بر سبیل پیشوائی حضرت میرزا طاهر احمد خلیفه المسیح الرابع رحمه الله تعالی امام عالی سعی جماعت برآنست که قرآن در بیشتر زبانهای جهانی ترجمه کرده و منتشر نموده شود. "ایم تی آ" سیمای مسلم تلویشن روزانه بیست و چهار ساعت تعلیم قرآن را با دیگر برنامه های سودمند به اکناف جهان پخش مینماید.

اینک ترجمه بزبان فارسی است و سپاس خدای متعال را که کوشش ما به ثمر رسید. اساس این ترجمه، ترجمه آردو زبان از حضرت امیرالمومنین خلیفه المسیح الرابع است و این ترجمه ایشان بطریق جدیدی و نتیجه تفکر و کوشش شب و روز چندین سال ایشان است و ایشان ترجمه را فراخور علم جدید بیان فرموده به اثبات رسانده اند که قرآن محض مجموع اساطیر پیشینیان نیست بلکه بعنوان سرگذشت های پیشینیان بسیار پیشگوئیهای حیاتی را بیان کرده است که هرکدام در زمان خود بظهور رسیده و این

سلسله در آتیه نیز تا قیامت ادامه خواهد داشت.

این ترجمه فارسی نتیجه کاری شب و روز آقای سید عاشق حسین است و از این همکاری ایشان قدر شناسی نموده لازم میدانیم که از نامهای آن دوستان گرامی هم یاد آوری شود که قبلاً در کار مقدماتی ترجمه همکاری کرده وقت طولانی خویش را در این راه خرج داده بودند:

(۱) آقای محمد افضل احمدی (۲) آقای عبدالخالق (۳) آقای ریاض باری (۴) شادروان آقای ملک مشتاق احمد (۵) شادروان آقای نعمت علی در پیشگاه پروردگار عالمیان دست به دعا است که او قادر و توانا این ترجمه را موجب هدایت بیشتر مردم قرار دهد و هر کدام به مرنحوی هم در تکمیل این کار خجسته کوشش و یاری کرده است، او قبول فرموده او را اجری بزرگ اعطاء بفرماید. آمین

با احترامات فوق

منیرالدین شمس

آدیسنال وکیل التصنیف جماعت احمدیه

فوریه ۲۰۰۳

شماره جزء و نام	صفحه	نام و شماره سوره	صفحه	تعداد آيات
١		الفاتحة ١	٢	٧
١	٤٦-١	البقرة ٢	٣	٢٨٧
٢	٨٨-٤٧			
٢	١٣٢-٨٩	آل عمران ٣	١٠٦	٢٠١
٤	١٧٨-١٣٤	النساء ٤	١٦٦	١٧٧
٥	٢٢٠-١٧٩			
٦	٢٦٤-٢٢١	المائدة ٥	٢٣٢	١٢١
٧	٣١٣-٢٦٥	الانعام ٦	٢٧٩	١٦٦
٨	٣٥٨-٣١٤	الاعراف ٧	٢٣٢	٢٠٧
٩	٤٠٤-٣٥٩	الانفال ٨	٣٩١	٧٦
١٠	٤٤٧-٤٠٥	التوبة ٩	٤١٧	١٢٩
١١	٤٩٤-٤٤٨	يونس ١٠	٤٦١	١١٠
		هود ١١	٤٩٢	١٣٤
١٢	٥٤١-٤٩٥	يوسف ١٢	٥٢٥	١١٢
١٣	٥٩٣-٥٤٢	الرعد ١٣	٥٥٧	٤٤
		ابراهيم ١٤	٥٧٤	٥٣
١٤	٦٣٩-٥٩٤	الحجر ١٥	٥٩٣	١٠٠
		النحل ١٦	٦٠٦	١٢٩
١٥	٦٩١-٦٤٠	بنى اسرائيل ١٧	٦٤٠	١١٢
		الكهف ١٨	٦٦٩	١١١
١٦	٧٤٣-٦٩٢	مريم ١٩	٧٠٠	٩٩

شماره جزء و نام	صفحه	نام و شماره سوره	صفحه	تعداد آيات
		طه	٢٠	٧١٩
١٧ اقرب للناس	٧٩٠-٧٤٤	الانبياء	٢١	٧٤٤
		الحج	٢٢	٧٦٨
١٨ قذافح	٨٤٢-٧٩١	المؤمنون	٢٣	٧٩١
		النور	٢٤	٨١٢
		الفرقان	٢٥	٨٣٦
١٩ قال الذين	٩٠٢-٨٤٤	الشعراء	٢٦	٨٥٥
		النمل	٢٧	٨٨٣
٢٠ امن خلق	٩٤٧-٩٠٣	القصص	٢٨	٩١٠
		المنكبات	٢٩	٩٣٦
٢١ اتل ما وحي	١٠٠٦-٩٤٨	الروم	٣٠	٩٥٤
		لقمن	٣١	٩٧٠
		السجده	٣٢	٩٨٤
		الاحزاب	٣٣	٩٩٣
٢٢ و من يقنت	١٠٠٧-١٠٦٠ سبا		٣٤	١٠٢١
		فاطر	٣٥	١٠٣٩
		يس	٣٦	١٠٥٤
٢٣ ومالي	١١٢٢-١٠٦١	الصفت	٣٧	١٠٧١
		ص	٣٨	١٠٩٤
		الزمر	٣٩	١١١١
٢٤ فمن اظلم	١١٧٢-١١٢٣	المومن	٤٠	١١٣٤

شماره جزء و نام	صفحه	نام و شماره سوره	صفحه	تعداد آيات
		خَمّ السجده ٤١	١١٥٨	٥٥
٢٥ اليه يرد	١١٧٣ - ١٢٢٨	الشورى ٤٢	١١٧٥	٥٤
		الزخرف ٤٣	١١٩٣	٩٠
		الدخان ٤٤	١٢١٠	٦٠
		الجاثيه ٤٥	١٢١٩	٣٨
٢٦ حم	١٢٢٩ - ١٢٩٠	الاحقاف ٤٦	١٢٢٩	٣٦
		محمد ٤٧	١٢٤٢	٣٩
		الفتح ٤٨	١٢٥٤	٣٠
		الحجرات ٤٩	١٢٦٧	١٩
		ق ٥٠	١٢٧٥	٤٦
		الذّٰرِيٰتِ ٥١	١٢٨٤	٦١
٢٧ قال فما خطبكم	١٢٩١ - ١٣٦٠	الطور ٥٢	١٢٩٦	٥٠
		النجم ٥٣	١٣٠٤	٦٣
		القمر ٥٤	١٣١٥	٥٦
		الرحمن ٥٥	١٣٢٣	٧٩
		الواقعه ٥٦	١٣٣٧	٩٧
		الحديد ٥٧	١٣٤٩	٣٠
٢٨ قد سمع الله	١٣٦١ - ١٤٢١	المجادله ٥٨	١٣٦١	٢٣
		الحشر ٥٩	١٣٧٠	٢٥
		المتحنه ٦٠	١٣٧٩	١٤
		الصّف ٦١	١٣٨٧	١٥

شماره جزء و نام	صفحه	نام و شماره سوره	صفحه تعداد آيات
		الجمعه ٦٢	١٢ ١٣٩٢
		المنفقون ٦٣	١٢ ١٣٩٧
		التغابن ٦٤	١٩ ١٤٠١
		الطلاق ٦٥	١٣ ١٤٠٧
		التحریم ٦٦	١٣ ١٤١٤
٢٩ تبارك النبی ١٤٢٢ - ١٤٩٧		الملك ٦٧	٣١ ١٤٢٢
		القلم ٦٨	٥٣ ١٤٣٠
		الحاقه ٦٩	٥٣ ١٤٣٧
		المعارج ٧٠	٤٥ ١٤٤٥
		نوح ٧١	٢٩ ١٤٥٢
		الجن ٧٢	٢٩ ١٤٦٠
		المزمل ٧٣	٢١ ١٤٦٧
		المدثر ٧٤	٥٧ ١٤٧٢
		القيمه ٧٥	٤١ ١٤٧٩
		الدمر ٧٦	٣٢ ١٤٨٦
		المرسلت ٧٧	٥١ ١٤٩٢
٣٠ عمّ ١٤٩٨ - ١٦١٠		النبا ٧٨	٤١ ١٤٩٨
		التّازعات ٧٩	٤٧ ١٥٠٣
		عبس ٨٠	٤٣ ١٥١٠
		التكوير ٨١	٣٠ ١٥١٥
		الانفطار ٨٢	٢٠ ١٥٢٠

شماره جزء و نام صفحه نام و شماره سوره صفحه تعداد آيات

۳۷	۱۵۲۳	۸۳	المطففين
۲۶	۱۵۲۸	۸۴	الانشقاق
۲۳	۱۵۳۲	۸۵	البروج
۱۸	۱۵۳۶	۸۶	الطارق
۲۰	۱۵۳۹	۸۷	الاعلى
۲۷	۱۵۴۲	۸۸	الفاشيه
۳۱	۱۵۴۶	۸۹	الفجر
۲۱	۱۵۵۱	۹۰	البلد
۱۶	۱۵۵۴	۹۱	الشمس
۲۲	۱۵۵۷	۹۲	الليل
۱۲	۱۵۶۰	۹۳	الضحى
۹	۱۵۶۳	۹۴	الم نشرح
۹	۱۵۶۵	۹۵	التين
۲۰	۱۵۶۷	۹۶	الملق
۶	۱۵۷۱	۹۷	القدر
۹	۱۵۷۳	۹۸	اليّنة
۹	۱۵۷۶	۹۹	الزلزال
۱۲	۱۵۷۸	۱۰۰	الفديت
۱۲	۱۵۸۱	۱۰۱	القارعه
۹	۱۵۸۴	۱۰۲	۱ لتكاثر
۴	۱۵۸۶	۱۰۳	المصر

شماره جزء و نام	صفحه	نام و شماره سوره	صفحه تعداد آيات
الهمزه	١٠٤	١٥٨٨	١٠
الفيل	١٠٥	١٥٩٠	٦
قريش	١٠٦	١٥٩٢	٥
الماعون	١٠٧	١٥٩٤	٨
الكوثر	١٠٨	١٥٩٦	٤
الكاغرون	١٠٩	١٥٩٨	٧
النصر	١١٠	١٦٠٠	٤
اللهب	١١١	١٦٠٢	٦
الاغلاص	١١٢	١٦٠٤	٥
الفلق	١١٣	١٦٠٦	٦
الناس	١١٤	١٦٠٨	٧

۱ - سورة الفاتحة

این سوره در دوره ابتدائی مکه نازل شده بود و مطابق بعضی از روایات مستند در مدینه دوباره نازل شد و با بسم الله هفت آیت دارد.

این سوره خلاصه جمله مضامین قرآن است و بعلمت همین دلیل یکی نام این سوره ام الكتاب نیز است. علاوه بر این نامهای دیگر نیز دارد مثلاً فاتحة الكتاب، الصلوة، الحمد، ام القرآن، السبع المثانی، الشفاء، الكنز و غیره.

خدای متعال حضرت مسیح موعود علیه السلام را علی الخصوص علم تفسیر این سوره اعطا کرد. لذا حضرت مسیح موعود تفسیر این سوره را علی الخصوص در زبان عربی رقم نمودند.

سُورَةُ الْفَاتِحَةِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ سَبْعُ آيَاتٍ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①
بسیاربخشنده بارها رحم کننده (۱)	الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ②
ستایش مطلق برای خدا پروردگار	الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ③
مه جهانها است (۲)	مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ ④
[اوبلااستدعاوبلا امتیاز] بینهایت	إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ⑤
بخشنده بارهارحمکننده است (۳)	إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ⑥
مالک روز جزاء (۴)	صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ ⑦
تنها ترا عبادت میکنیم و تنها از	غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ⑧
تو یاری میجوئیم (۵)	
ما را براه راست هدایت کن (۶)	
بر راه آنانکه بر ایشان انعام	
کردی بر ایشان که غضب کرده	
نشد و گمراه نشدند (۷)	

۲- سورة البقرة

این سوره در اولین و دومین سال دوره مدینه نازل شده بود و با بسم الله ۲۸۷ آیت دارد.

همان درابتداء این سوره اعتقادات اساسی مانند خدای متعال، وحی و الهام و ایمان به آخرت بیان میشوند. درسوره الفاتحه سه گروه عبارت از انعام یافته، مفضوب علیهم و ضالین، ذکر شده بودند. سوره البقرة پس از ذکر گروه انعام یافته، تفصیل از نواقص اعتقادات گروه مفضوب علیهم و زشت کاریها و فسق و فجور آنها بیان میکند.

این سوره معجزه ای شگفت انگیز است که وقایع پیغمبران گوناگون را از ابتداء آفرینش گرفته تا ذکر حضرت اقدس محمد ﷺ ارائه داده و تاقیامت مخاطرات درپیش اسلام را نیز خاطر نشان کرده است. پس از ذکر حضرت آدم علیه السلام سخن از پیغمبران متعلق به ادیانی بزرگ گفته میشود که شامل حضرت ابراهیم علیه السلام، حضرت موسی علیه السلام، حضرت عیسی علیه السلام و آنحضرت ﷺ است. خواندن این سوره چنین میرساند گویی که شریعت بتمام در این نازل شده است و هیچ پهلوی از شریعت اسلامی باقی مانده به نظر نمیرسد. اگرچه در سورتهاى بعدی برخی جنبه های دیگر نیز یافت میشود، اما این سوره هر موضوعی را فی حد ذاته احاطه کرده دیده می شود. در حدیث آمده است که رسول الله ﷺ فرمودند که يك قسمت هر چیز بمنزله قلّه آن میباشد و قرآن مجید را قلّه سورة البقرة است. در این سوره آیتی است که سردار همه آیتهای قرآن میباشد و آن آیت الکرسی است. پس

این شأن اعجازی آنحضرت ﷺ است که این سوره به ایشان اعطاء شد. این سوره عبارت از مسائل نماز و روزه و زکوة و حج نیز است. علی الخصوص حاکی از ذکر آن ادعیه حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام است که ایشان هنگام بازسازی بیت الله در بارگاه خداوندی عرض نموده بودند.

در این سوره سخن از آن میثاق نیز می‌رود که خداوند با بنی اسرائیل بسته بود و آنان از روی بدبختی خود به نقض آن پیمان برخاستند و بعدها همین پیش زمینه برای بعثت حضرت مسیح علیه السلام اثبات شد.

در پایان این سوره آیتی است از آنچه چنین برمی‌آید که مجمل هرکدامین ادعیه در آن فراگرفته شده است و گویی که آن بعنوان يك گنج لامتناهی ادعیه اعطاء شده است.

☆ سُورَةُ الْبَقَرَةِ مَدِينَةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ مِائَتَانِ وَسِتُّعٌ وَثَمَانُونَ آيَةً وَأَرْبَعُونَ رُكُوعًا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بسیاربخشنده بارما رحم کننده (۱)

أَنَا اللَّهُ أَعْلَمُ - منم خدا داناتر از

الجزء ۱

الْمَرَّةِ ②

همه (۲)

این "آن" کتابی است. در این هیچ شکمی نیست. متقیان راهدایت دهندۀ

عبدالمستاجرین
صالحین ۱۳۳۳

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى

لِّلْمُتَّقِينَ ③

است (۳)

ایشان که بگیب ایمان آورند نماز

بپای دارند و انفاق کنند از آنچه

بدیشان رزق دادیم (۴)

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ

الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ④

وآنانکه ایمان میآرنده آنچه به

سوی تونازلکرده شد و آنچه پیش

ازتونازلکرده آمد و آنان به آخرت

یقین دارند (۵)

وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا

أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ ⑤ وَيَا آخِرَةَ هُمْ

يُوقِنُونَ ⑥

هماناندبرهدایتی ازپروردگارخود

و همانها رستگاراند (۶)

أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ ⑦ وَأُولَئِكَ

هُمْ الْمَفْلُحُونَ ⑧

یقیناً آنانکه کفرکردند [دراینحال

که]برآنان برابر است خواه آنها را

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ

بترسانی یا آنها را نترسانی، ایمان
نمی‌آرند (۷)

خدا بر قلبهای آنها و برگوشهای
آنها مهر نهاده و بر چشمان آنان برده
است و آنها را عذابی بزرگ است (۸)
و برخی از مردم اند که گویند ما
به خدا و به روز آخرت ایمان
آوردیم حالانکه آنها ایمان آوردگان
نیستند (۹)

خدعه کنند به خدا و آنانکه ایمان
آوردند حالانکه خدعه نکنند جز به
خود شان و درک نمیکنند (۱۰)
در قلبهای آنها مرضی است. پس خدا
مرضی را به آنها افزایش داد و
آنها را عذابی دردناک است بدانچه
دروغ می گفتند (۱۱)

و چون به آنها گفته شود فساد در
زمین نکنید گویند ما فقط اصلاح
کنندگانیم (۱۲)

باش ایقیناً ما نهافساد کارانند ولی
در نمی‌یابند (۱۳)

ءَاَنْذَرْتَهُمْ اَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۷﴾

خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ
وَعَلَىٰ اَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ ۗ وَ لَهُمْ

عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۸﴾

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَاٰلِیَوْمِ

الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِيْنَ ﴿۹﴾

يُخٰدِعُوْنَ اللّٰهَ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا ۗ وَمَا

يَخٰدِعُوْنَ اِلَّا اَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُوْنَ ﴿۱۰﴾

فِي قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ ۗ فَزَادَهُمُ اللّٰهُ

مَرَضًا ۗ وَ لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ۙ بِمَا كَانُوْا
يَكْذِبُوْنَ ﴿۱۱﴾

وَ اِذَا قِيْلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوْا فِی الْاَرْضِ ۗ

قَالُوْا اِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُوْنَ ﴿۱۲﴾

اِلَّا اِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُوْنَ وَلٰكِنْ

لَا يَشْعُرُوْنَ ﴿۱۳﴾

و چون به آنها گفته شود ایمان آورید آن طور که مردم ایمان آورده اند گویند: آیا ایمان آوریم بطوریکه بیخردان ایمان آورده اند. باش! آنها خود بیخرد اند ولی نمیدانند (۱۴)

و چون دیدن کنند به آنانکه ایمان آوردند گویند، ما ایمان آوردیم و دمیکه بسوی شیطانهای خود جدا شوند گویند یقیناً ما با شما نیستیم. براستی ما [بآنها] فقط تمسخر کنندگانیم (۱۵)

خدا به سخریه آنها پاسخ دهد و به آنها فرصت دهد تا درسرکشی خود سرگردان شوند (۱۶)

همانها اند که گمراهی را ببهای هدایت خریدند. پس نه داد و ستد به آنها سودی داد و نه هدایت یافتگان شدند (۱۷)

مثل آنان بمثل آنست که آتشی بر افروخت. پس دمیکه آن [آتش]

وَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ اٰمِنُوْا كَمَا اٰمَنَ النَّاسُ قَالُوْۤا اَنْتُمْ مِّنْ اٰنَۤا مِّنْ كَمَا اٰمَنَ السُّفَهَاءُ ۗ اَلَا اِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلٰكِنْ لَا يَعْلَمُوْنَ ۙ (۱۴)

وَ اِذْ اَقُوۡا الَّذِيْنَ اٰمَنُوۡا قَالُوۡا اَمَّا ۙ وَاِذَا خَلُوۡا اِلٰى شَيْطٰنِيۡنِهِمْ ۙ قَالُوۡا اِنَّا مَعَكُمْ ۙ اِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِءُوْنَ ۙ (۱۵)

اِنَّ اللّٰهَ يَسْتَهْزِئُ بِهٖمْ وَيَمُدُّهُمْ فِى طُغْيٰنِهِمْ يَعْمَهُوْنَ ۙ (۱۶)

اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ اشْتَرَوْا الضَّلٰلَةَ بِالْهُدٰى ۙ فَمَا رَبِحَتۡ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوۡا مُهْتَدِيۡنَ ۙ (۱۷)

مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِى اسْتَوْقَدَ نَارًا ۙ فَلَمَّا اَضَاءَتْ مَا حَوْلَهٗ ذَهَبَ اللّٰهُ نُوْرَهُمْ

پیرامون او را روشن ساخت خدا
نور آن [افروزنده] ها را برگرفت
و آنها را در تاریکیها [بطوری] ترک
کرد که هیچ نمیدیدند (۱۸)

کر، گنگ، کور اند. پس آنها [به
هدایت] برنگردند (۱۹)

یا [مثل آنان] مانند بارانی است که
از آسمان فروریزد. در آن تاریکیها و
رعد و برق است. بعلت غرشهای ابر
از ترس مرگ، سرانگشتان خود
را در گوشهای خود مینهند و خدا
کافران را احاطه کرده است (۲۰)

نزدیک است برق بینائی آنان را
برگیرد. هرگاه آن بر آنها می‌درخشد
در آن [کمی] راه می‌روند و هرگاه آن
بر آنها تاریک سازد می‌ایستند و اگر
خدا بخواهد شنوائی آنان و بینائی
آنان را بر می‌گیرد. یقیناً خدا بر
هر چیز مدام قدرت مند است (۲۱)

ای مردم! عبادت کنید آن پروردگار
خود را که آفرید شمارا و آنانرا که

وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلْمٍ لَا يَبْصُرُونَ ﴿۱۸﴾

صُمًّا بَكْمًا عَمَىٰ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿۱۹﴾

أَوْ كَصَيْبٍ مِّنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمٌ
وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي
أُذَانِهِمْ مِّنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ ۗ
وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿۲۰﴾

يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ ۗ كُلَّمَا
أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ ۗ وَإِذَا أظْلَمَ
عَلَيْهِمْ قَامُوا ۗ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ
بِسْمِعِهِمْ وَأَبْصَارَهُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۲۱﴾

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ
وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿۲۲﴾

قبل از شما بودند تا تقوی را فرا
گیرید(۲۲)

آنکه زمین را برای شما گسترشی
و آسمان را (از روی بقای شما)
شالوده ای ساخت و آبی از آسمان
فروریخت پس بدان هر نوع میوه
ها را رزقی برای شما درآورد. پس
برای خدا شریکانی قرار ندهید
حالانکه شما میدانید(۲۳)

و اگر شما در تردیدید از آنچه بر بنده
خود نازل کردیم پس هیچ سوره ی
مثل آن را بیآرید و سرپرستان خود
جز خدا [فرا گرفته ها] را فراخوانید
اگر شمار است گویانید(۲۴) ++

پس اگر نکنید و هرگز نتوانید کنید

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ
بِنَاءً ۖ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ
مِنَ الشَّجَرِ رِزْقًا لَّكُمْ ۖ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ
أندَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٣﴾

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا
فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ ۖ وَادْعُوا
شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ
صَادِقِينَ ﴿٢٤﴾

فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا

++ آیت ۲۴: در قرآن مجید اعلام گامی برای آوردن نظیر يك سورة و گامی ده سورة و
گامی برای جمله قرآن است. آنجا که اعلام برای آوردن نظیر يك سورة است منظور
از آن توان سورة البقرة هم شد. از این سورة چنین برمیآید گویی که جمله مسائل
قرآن در این سورة بیان شده است و آنجا که اعلام برای آوردن نظیر ده سورة
است بدین معنای است که انسان هر کدام ده سورة قرآن را هر کجا از آن بخواهد
چه کوچک تر از سوره های اخیر چه طولانی تر، بگزیند او عاجز از آوردن نظیر
آن خواهد ماند تا چه رسد به اینکه همه قرآن باشد.

پس بترسید از آن آتش که سوخت
آن انسانها و سنگهاست. آن برای
کافران آماده شده است (۲۵)

و مژده بده به آنانکه ایمان آوردند
و نیکو کاریها انجام دادند که ایشان
رباغهاست که در دامنه آنها نهرها
روانست. هرگاه از آن [باغ]ها میوه
های بعنوان رزقی داده شوند گویند،
اینکه همان است که قبلاً هم داده
شدیم حالانکه قبلاً مانند آن [رزق]
داده شده بودند و ایشانرا در آن
[باغ]ها جفت های پاکشده باشند
و ایشان در آن جاودانند (۲۶)

مانا خدا عار ندارد که مثلی زند
آنچه به پشه است تا آنچه برتر از
آنست. پس نسبت به آنانکه ایمان
آورده اند میدانند که این از
بیت پروردگار ایشان حق است و اما
نسبت به آنانکه کفر کردند گویند
خدارا از این مثل منظور چیست؟
بسیاری را بدین [مثل] گمراه میکند

النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ
أَعَدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ﴿۲۵﴾

وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ
لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
كُلَّمَا رَزَقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رَزَقُوا قَالُوا
هَذَا الَّذِي رَزَقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَتُوا بِهِ
مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ
وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۲۶﴾

إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا
بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا
فَيَعْلَمُونَ أَنََّّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا
الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ
بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ
كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ ﴿۲۷﴾

و کسیرا با این گمراه نمی گرداند

جز فاسقان (۲۷) ++

[یعنی] آنانکه عهد خدایی را پس از توثیق آن بشکنند و ببرند آن [مناسبات] را که خدا امر به پیوند آن کرده و در زمین فساد کنند همانها زیانکارانند (۲۸)

چطور خدارا انکار کنید حالانکه شما مردگانی بودید پس او شما را زنده کرد. باز شمارا بمیراند و باز شما را زنده خواهد کرد. سپس بسوی او باز گردانیده خواهید شد (۲۹)

اوست آنکه جمیع آنچه در زمین است را برایشما آفرید. سپس نظر را بسوی آسمان گماشت و آنرا هفت آسمان متوازن ساخت و او به هر چیز صاحب علم دائمی است (۳۰)

الَّذِينَ يَتَّقُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ
وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ
وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ ۗ أُولَٰئِكَ هُمُ
الْخٰسِرُونَ ﴿٢٨﴾

كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا
فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ
ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٩﴾

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ
جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ
سَبْعَ سَمَاوَاتٍ ۗ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٣٠﴾

++ آیت ۲۷: فافوقها - چیزی که پشه بر خود برداشته است. آنچه فوق آنست و آن میکروب مالیریای است و بیشترین مردم جهان جان خود را از مالیریا و بیماریهای مالیریایی از دست میدهند و جمله "خدا شرم ندارد" را مفهوم اینست که قطعاً جای شرمندگی نیست زیرا این مثل بسیار برتر است.

و [یادکن] چون پروردگار تو به فرشتگان گفت یقیناً من در زمین خلیفه‌ی قراردمنده‌ام. گفتند آیا در آن قراردمی آنرا که در آن فساد کند و خونها بریزد حالانکه ما باستایش تو تسبیح گوئیم و تقدیس تو را بیان کنیم. گفت یقیناً من میدانم آنچه شما نمیدانید (۳۱)

و [خدا] جمله نامهارابه آدم آموخت. سپس آن [آفریده] ما را بفرشتگان عرضه نمود و گفت به نامهای ایشان مرا خبر دهید اگر شما راستگویان اید (۳۲) ++

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ۗ قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَآءَ ۗ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ ۗ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۳۱﴾

وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلٰٓئِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هٰٓؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صٰٓدِقِينَ ﴿۳۲﴾

++ آیت ۳۲: واژه اسماء چندین معنای دارد مثلاً:

- (۱) حقایق اشیاء (سراخلافه)۔
- (۲) اسماء زبان عربی (من الرحمان)۔
- (۳) آن صفات که در فرشتگان نبودند.
- (۴) نامهای آن پیغمبران که ظهور ایشان از نژاد آدم قرار بود و فرشتگان را در این باب هیچ دانشی نبود و هنگامیکه آدم نامهای آن پیغمبران را خواند فرشتگان مبهوت ماندند.

[بر صفحه ۱۲ ادامه دارد]

[فرشتگان] گفتند، تو پاکی. نیست ما
رادانشی جز آنچه بما موختی همانا
تو مدام دانای صاحب حکمت
ای (۳۳)

[خدا] گفت: ای آدم! نامهای ایشان
را بدیشان خبریده. پس چون [آدم]
نام های آنانرا بدیشان خبر داد
فرمود آیانگفته بودم بشما که یقیناً
من میدانم غیبهای آسمانها و زمین
و میدانم آنچه عیان کنید و آنچه
نهان کنید (۳۴)

و چون بفرشتگان گفتیم که برای
آدم سجده کنید پس ایشان سجده
کردند جز ابلیس. او ابا کرد و تکبر
نمود و از کافران بود (۳۵)

قَالُوا سُبْحٰنَكَ لَا عِلْمَ لَنَا اِلَّا مَا
عَلَّمْتَنَا ۗ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَلِيْمُ الْحَكِيْمُ ﴿۳۳﴾

قَالَ يَا اٰدَمُ اَنْبِئْهُمْ بِاسْمَائِهِمْ ۗ فَلَمَّآ
اَنْبَاَهُمْ بِاسْمَائِهِمْ ۙ قَالَ اَلَمْ اَقُلْ لَّكُمْ
اِنَّيْۤ اَعْلَمُ غَيْبِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۙ
وَ اَعْلَمُ مَا تُبْدُوْنَ وَمَا كُنْتُمْ
تَكْتُمُوْنَ ﴿۳۴﴾

وَ اِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ
فَسَجَدُوْا اِلَّا اِبْلِیْسَ ۗ اَبٰی وَ اسْتَكْبَرَ ۙ
وَ كَانَ مِنَ الْكٰفِرِيْنَ ﴿۳۵﴾

بقیه آیت ۳۲: در نتیجه بعثت پیغمبران نیز موضوع یَسْفِكُ الدِّمًا راست میاید ولی
بنحوی دیگر. فرشتگان را تا این حد اندازه ای بود که وقتی که کسی از جانب
خدا نماینده ای مامور شد خون در زمین ریخته خواهد شد اما ایشان را به این امر
علم نبود که پیغمبران در اینمورد تقصیری نخواهند داشت بلکه مقصر مخالفان
ایشان خواهند بود.

وگفتیم ای آدم تو و زوجت در بهشت مسکن بگزین و شما دوی مرجای درآن خواستید فراوان بخورید و به نزدیک آن درخت نروید وگرنه هر دوی شما از ستمکاران خواهید شد(۳۶) ++

پس شیطان آندو را ازآن [درخت] لغزاندو آندورا ازآن[حالت] که در آن بودند بدرکرد و گفتیم بیرون روید[درحالیکه] بعضی از شما بعضی دشمن شوند و شمارا تا زمانی در این زمین قرارگاه و بهره برداری است(۳۷)

پس آدم از پروردگار خود کلماتی فراگرفت و توبه کنان بسوی او روی آورد یقیناً او است که بسیار

وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ
وَكَلا مَنِهَارَ عَدَا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا
هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٣٦﴾

فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا
كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ
لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ
مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿٣٧﴾

فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ ۗ
إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿٣٨﴾

++ ایت ۳۶: اینجا واژه "شجره" بمعنای آن احکام شریعت است که به او امر نمی مربوط میباشد و اگر خلاف آنها عمل شود آنگاه برای انسان امن ازگیتی نابود میگردد. ضمناً در اینجا خطاب به دونفر است اما بدین معنای نیست که تنها آدم و حوا درجنت زیست میکردند. زیرا واژه های آیتی مجاور "اهبطوا منها جميعاً" میفهماند که دیگرانی از بنی آدم نیز در آنجا زندگی میکردند.

بذیرنده توبه و بارها رحمنکننده

است (۳۸)

گفتیم همه از آن خارج شوید. پس
زمانیکه شمارا از سوی من هدایتی
آید پس آنانکه از هدایتم پیروی
کنند پس نه برایشان بیسی باشد

و نه ایشان اندوهگین شوند (۳۹)
و آنانکه انکار کردند و به آیات ما
تکذیب کردند همانها اهل آتشند. آنها
مدت دراز در آن میمانند (۴۰)

ای بنی اسرائیل! بیاد آورید نعمتی
را که بر شما ارزانی داشتم و بعهد
من وفا کنید من بعهد شما وفا کنم
و تنها از من بترسید (۴۱)

و ایمان آورید به آن [کلام] که تصدیق
کننده آن نازل کردیم که بشماست
و به انکار آن پیشی نگیرید و به
آیاتم بهائی ناچیز نگیرید و تنها
مرا تقوی کنید (۴۲)

و حق را بیاطل قاطی نکنید و نه
حق را کتمان کنید حالانکه شما

قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَاٰمَا يٰۤاٰتِيْنَكُمْ
مِّنِّيْ هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَاىَ فَلَا خَوْفٌ
عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ ﴿۳۸﴾

وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَكَذَّبُوْا بِآيٰتِنَاۤ اُولٰٓئِكَ
اَصْحٰبُ النَّارِ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ﴿۳۹﴾

يٰۤاٰنِيْنَ اِسْرَآءِيْلَ اذْكُرُوْا نِعْمَتِيْ الَّتِيْ
اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَاَوْفُوْا بِعَهْدِيْ اَوْفٍ
بِعَهْدِكُمْ وَاِيَّاىَ فَاَرْهَبُوْنَ ﴿۴۰﴾

وَاٰمَنُوْا بِمَا اَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ
وَلَا تَكُوْنُوْا اَوَّلَ كٰفِرِيْهِ ۗ وَلَا تَشْتَرُوْا
بِآيٰتِيْ ثَمًا قَلِيْلًا ۗ وَاِيَّاىَ فَاتَّقُوْنَ ﴿۴۱﴾

وَلَا تَلْبِسُوْا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوْا
الْحَقَّ وَاَنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ﴿۴۲﴾

میدانید (۴۳)

و نماز را بپای دارید و زکات دهید
و بتمظیم کمرخم کنید بابتمظیم
کمرخم کنندگان (۴۴)

آیا مردم را به نیکی امر کنید و
خودتانرا فراموش میکنید حالانکه
شما کتاب میخوانید پس چرا به
خرد نمیابید (۴۵)

و با صبر و نماز یاری جوئید و حتمًا
آن گرانست جز بر فروتنان (۴۶)
آنانکه باور کنند که پروردگار خود
را دیدار خواهند کرد و اینکه آنان
بسوی او بازگشتگانند (۴۷)

ای بنی اسرائیل! بخاطر آورید آن
نعمتم را که بر شما ارزانی داشتم
و آنکه من شمارا بر عالمیان فضیلت
دادم (۴۸)

و بترسید روزیکه کسی بکار کسی
نیاید و نه شفاعت از او پذیرفته
شود و نه بدلی از او گرفته شود
نه آنان یاری کرده شوند (۴۹)

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا
مَعَ الرَّاكِعِينَ ﴿۴۳﴾

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ
أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا
تَعْقِلُونَ ﴿۴۴﴾

وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا
لَكِبْرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ ﴿۴۵﴾

الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَقَّوْنَ رَبَّهُمْ
وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿۴۶﴾

يَبْنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ ذُكِرُوا بِغَاظِ آيَاتِي
أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَإِنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى
الْعَالَمِينَ ﴿۴۷﴾

وَأَتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْرِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ
شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ
مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿۴۸﴾

[بیاد آورید] هنگامیکه شما را از فرعونیان که شمارا بدترین عذاب میکردند نجات دادیم. آنها پسران شمارا میکشتمند و زنان شمارا زنده میگذارند شمارا از پروردگار شما در آن آزمایشی بزرگ بود (۵۰)

و آنگاه که دریا را برایشما شکافتیم و شما را نجات دادیم در حالیکه فرعونیان را غرق ساختیم و شما [این همه را] تماشا میکردید (۵۱)

و هنگامیکه بموسی وعدهٔ چهل شب دادیم. سپس بعد از [رفتن] او گوساله را [معبود] فرا گرفتید و شما ستم کاران بودید (۵۲)

باز از آن پس از شما درگذشتیم تا باشد که شما سپاسداری کنید (۵۳)

هنگامیکه به موسی کتاب دادیم و فرقان تا باشد که شما هدایت یابید (۵۴)

و وقتیکه موسی بقوم خود گفت ای قوم من! گوساله را [معبود] گرفته

وَإِذْ نَجَّيْنَكُمْ مِنَ آلِ فِرْعَوْنَ
يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ
أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ ۗ وَفِي
ذَلِكَ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿٥٠﴾

وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا
آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿٥١﴾

وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ
اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ ﴿٥٢﴾

ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ
تَشْكُرُونَ ﴿٥٣﴾

وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ
لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿٥٤﴾

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ أِنَّكُمْ
ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ

یقیناً شما بر جانهای خود دستمزد کردید. پس توبه کنان بسوی پروردگار خود روی آورید و نفوس خود را بکشید. این برای شما نزد آفریدگار شما بسیار بهتر است. پس او توبه را پذیرفته بر شما مهربان شد. یقیناً او بسیار توبه پذیر و بارها رحم کننده است (۵۵) ++

و چون گفتید ای موسی! هرگز تورا باور نکنیم تا آنگاه که خدا را آشکارا ببینیم پس صایقه شما را فراگرفت و شما چشم دوخته میدیدید (۵۶)

باز شما را از [حالتی مانند] مرگ بر خیزانندیم تا باشد شما سپاسداری کنید (۵۷)

و افکنندیم بر شما سایه ابرها و بر شما ترنجبین و سلوی نازل کردیم.

++ آیت ۵۵: فاقتلوا انفسکم - به این معنای نیست که همدیگر را بکشید بطوریکه معمولاً علمای میپندارند بلکه به این معنای است که از گناهان خود توبه کرده و نفس های خود را بکشید.

فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا
أَنْفُسَكُمْ ۗ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ
بَارِئِكُمْ ۗ فَتَابَ عَلَيْكُمْ ۗ إِنَّهُ هُوَ
التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿۵۵﴾

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نُؤْمِنَ بِكَ حَتَّىٰ
نَرَىٰ اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّعِقَةُ
وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿۵۶﴾

ثُمَّ بَعَثْنَاكُم مِّن بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ
تَشْكُرُونَ ﴿۵۷﴾

وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ
الْمَنَّانَ وَالسَّلْوَىٰ ۗ كُلُّوْا مِمَّن طَيِّبَاتِ مَا

بخورید پاکیزه های را از آنچه
به شما رزق اعطا کنیم و ستم به
ما نکردند بلکه برجانهای خویش
ستکاران بودند (۵۸)

و چون گفتیم بداخل این قریه
بشوید و بخورید از آن هر جا
خواستید بفروانی و اطاعت کنان
داخل درب [بزرگ] شوید و بگویید
"بار سبک کرده شود". ما از
خطاهای شما در گذریم و حتماً احسان
کنندگان را زیاد خواهیم داد (۵۹)

پس بدل کردند آنانکه ستم کردند
سخن را غیر از آنکه برای آنان گفته
شد. پس عذابی نازل کردیم از آسمان
بر آنانکه ستم کردند بدانعلت که
نافرمانی میکردند (۶۰)

و چون موسی آب برای قوم خود
خواست آنگاه گفتیم ضربه بعصای
خود بر تخته سنگ بزن. آنگاه
دوازده چشمه از آن جوشید و هر
کدامین مردم مشربگاه خود را

رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا
أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿۵۸﴾

وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا
حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ
سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ
خَطِيئَتَكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ﴿۵۹﴾

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ
لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا
مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿۶۰﴾

وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا
اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ
مِنْهُ اثْنَا عَشَرَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ
مَّشْرَبَهُمْ كُلُوا وَاشْرَبُوا مِن رِّزْقِ اللَّهِ

وَلَا تَعْتَوُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿۱۱﴾

بشناخت. بخورید از رزق خدا و بنوشید و بطور فتنه گر فساد در زمین مگسترانید (۶۱)

و چون گفتید: ای موسی! ما نخواهیم توانست بريك طعام صبر کنیم پس در حق ما از پروردگار خود دعا کن که برای ما آن چیزها بیرون آورد که زمین میرویاند - سبزی و خیار و گندم و عدس و پیازش. او گفت: مگر میخواهید آنچه را که بهتر است تبدیل کنید با آنچه که پستتر است؟ در شهری داخل شوید پس یقیناً برای شما است آنچه خواسته اید و ذلت و بیچارگی بر آنها افکنده شد و با غضب خدا بازگشتند. این بدانعلت بود که آنها به آیتهای خدا انکار می کردند و انبیاء را بناحق می کشتند. [بلی!] این بدانعلت بود که نافرمانی کرده و تجاوزگری می کردند (۶۲)

مانا! کسانی که ایمان آوردند و

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُصِِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاجِدْ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُثَبِّتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصِلِهَا ۗ قَالَ أَتَسْتَبِدُّونَ الَّذِينَ هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ ۗ اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مِمَّا سَأَلْتُمْ ۗ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ ۗ وَبَاءَؤُا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ ۗ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّاتِ بِغَيْرِ الْحَقِّ ۗ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿۱۱﴾

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصْرَىٰ

آنانکه یهوداند و نصاری و پیروان دیگر کتابهای الهی مرکه به خدا و روز آخرت ایمان آورد و شایسته کاری ها انجام داد پس برای همه آنان پاداش آنان نزد پروردگار آنانست و نه بر ایشان بیسی است و نه ایشان اندوه خوردند(۶۳)++
 و چون پیمانی موثق شمارا گرفتیم و طور را بر شما بلند کردیم - آنچه را به شما در داده ایم بقوت بگیرید و آنچه را در آن است ذکر کنید تا توانید [از هلاك] مصون باشید(۶۴) ++ص.۲۲

وَالصَّيِّئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
 وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ
 وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۶۳﴾

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ
 الطُّورَ ۚ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ
 وَادْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿۶۴﴾

++آیت ۶۳: این آیت قرآن و دیگر آیتهای متشابه آن عدالتمندی را مثلهای بلند مرتبت میباشند. در این امر جای تردید نیست که نجات ترجیحاً به آنان داده شود که ایمان راستین بر محمد رسول الله ﷺ بیاورند اما میتوان بسیار کثیر مردم باشند که پیغام اسلام به ایشان درست ابلاغ نشده باشد. بلکه میلیونهای مردم اند که پیغام اسلام را دریافته اند. لذا قرآن مجید اعلام میکند که اگر مردم این قبیل اعتقاد به خدا داشته باشند و یقین دارند که پس از مرگ برانگیخته و پرسیده شوند پس اگر ایشان عمل کنند برآن شریعت خود که برای ایشان نازل شد و آنرا میدانند پس درقبال آن نیکیها که برای خدا انجام دهند به پاداشی نیکوتر برخوردار شوند و ایشان را هیچ اندوهی فرا نخواهد گرفت.

بازهم سربچی کردید. پس اگر
 فضل خدا و رحمت او بر شما نبود
 حتماً از زیانکاران میشدید(۶۵)
 و همانا دانسته اید آنان را از
 خودتان که در مورد سبت تجاوز
 کردند - آنگاه به آنها گفتیم که
 بوزینگان خوار شوید(۶۶)++

ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَلَوْلَا فَضْلُ
 اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ
 الْخُسِرِينَ ﴿٦٥﴾
 وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنْكُمْ فِي
 السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿٦٦﴾

پس ما این [بیحرمتی] سبت را بعلت

فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا

++ آیت ۶۴: "و رفعا فوقكم الطور" برخی از مفسران از این واژه ها چنین خیال
 میکنند که کوه طور آنآ از زمین راست کرده شده بود حال اینکه معنای این فقط
 اینقدر است که آنگاه ایشان در سایه کوه طور بودند. بسا اوقات يك کوه کمی پیش
 آمدگی دارد و به رهگذری که از نزدش بگذرد چنین بچشم میخورد گویی که آن بر
 او خم شده است. گاهی در سایه چنین کوه لشکری کامل میتواند جاگیرد.

آیت ۶۶- قرده خاسئین - منظور میمون اصلی نیست بلکه علمای کجروانند که آنان
 فرمان برگشت به مقام ابتدائی تر خود داده میشوند. طبق نظریه ارتقائی دارون
 انسان قبلاً میمون بود. پس این نشانه ای است از صداقت قرآن که حالت ابتدائی
 انسان از میمون ظاهر کرده شد. یقیناً منظور از این علمای کجروانند. چنانچه رسول
 الله ﷺ نیز همینطور بيشگوئی فرمودند: "تكون في امتي فرقة فيصير الناس الى علمائهم
 فاذا هم قرده و خنازير" یعنی در امت من ترس و وحشت پدید خواهد آمد آنگاه
 مردم بسوی علمای خودشان خواهند رفت آنگاه خواهند دید که در آنجا میمونها و
 سورها نشسته اند... [کنز العمال جلد ۱۶ صفحه ۸۰ حدیث شماره ۳۸۷۲۲۷ ناشر
 مؤسسة الرسالة بیروت ۱۹۸۵ .

منظره ای پیش روی آن و پشت
سر آن موجب عقوبت و برای
متقیان پندی بزرگ قرار
دادیم (۶۷)

و گامیکه موسی بقوم خود گفت،
همانا خدابه شما فرمان دمد که گاوی
[خاص] را بکشید. گفتند، آیامارا به
سخریه میگیری؟ او گفت پناه به
خدایمیرم که از جاهلان باشم (۶۸)
گفتند بخاطر ما از پروردگار خود
دعا کن برای ما روشن سازد که
آن چیست؟ گفت، همانا او گوید
آن گاوی است نه خیلی سالخورده
ونه جوان - میانه ایندواست. پس

بجا آورید آنکه فرمان شوید (۶۹)
گفتند، بخاطر ما از پروردگار خود
دعا کن بمارو روشن سازد که رنگش
چیست؟ گفت، همانا فرماید یقیناً
آن گاویست زرد فام خیلی روشن
که رنگش بینندگان را سرور
میآورد (۷۰)

وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ﴿۶۷﴾

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ
أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً ۗ قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا
هُزُؤًا ۗ قَالَ أَعُمِدُوا بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ
الْجَاهِلِينَ ﴿۶۸﴾

قَالُوا ادْعُ لِنَارِكَ يَبِّينْ لَنَا مَا هِيَ ۗ
قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا فَارِصٌ وَلَا
بِكْرٌ ۗ عَوَانَ بَيْنَ ذَلِكَ ۗ فافْعَلُوا مَا
تُؤْمَرُونَ ﴿۶۹﴾

قَالُوا ادْعُ لِنَارِكَ يَبِّينْ لَنَا مَا لَوْ نُهَا ۗ
قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءٌ
فَاقِعٌ لَّوْنُهَا سُرَّةُ الثُّرَيِّينَ ﴿۷۰﴾

گفتند بخاطر ما از پروردگار خود دعا کن برای ما پیداتر سازد که آن چیست؟ چه همه گاوهای بر ما مشتبه شده اند و انشاء الله حتماً ما هدایت یافتگانیم (۷۱)

گفت مانا او گفته است حتماً آن گاوی است بدون رام که بزمین شخم زند و نه بکشت آبیاری کند. آن سالم است و لکه ای در آن نیست. گفتند اکنون حقیقت را آوردی. پس آنرا ذبح کردند حال آنکه [قبلاً] کنندگان نبودند (۷۲)

و هنگامیکه نفسی را کشتید و درباره آن اختلاف کردید و خدا آشکار کننده بود آنچه را شما پنهان می کردید (۷۳) ++

پس گفتیم [بخاطر ارزیابی] این [واقعه] را با برخی دیگر شبیه به آن مقایسه کنید اینگونه خدا مردگان را [بامواخذه قاتلان آنها] زنده کند و آیتهای خود را به شما نشان

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ ۚ إِنَّ الْبَقَرَ تَشْبَهُ عَلَيْنَا ۗ وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ ﴿٧١﴾

قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا ۗ قَالُوا لئن جِئْت بِالْحَقِّ ۗ لَدَبَّحْنَاهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ ﴿٧٢﴾

وَإِذْ قَاتَلْتُم نَفْسًا فَادَرَأْتُم فِيهَا ۗ وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَّا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ ﴿٧٣﴾

فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا ۗ كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى ۗ وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٧٤﴾

دمد تا شما بخرد بیابید(۷۴)++
 باز از آن پس قلبهای شما سفت شد
 گویی آنها مانند سنگ بود یا در
 سنگدلی از آنها سختتر حالانکه از
 سنگها بعضی است که حتماً از آنها
 نهرهای بیرون آید و یقیناً از آنها
 بعضی است که چون بشکافد از
 آنها آب بیرون آید و یقیناً از آنها
 برخی است که از خشیت خدا
 فرود آید و نیست خدا بفطرت از
 آنچه میکند(۷۵)

آیا انتظار دارید که شمارا باور
 کنند حالانکه گروهی از آنها کلام
 خدا را میشوند و پس از فرا گرفتن
 آن در آن تحریف میکنند حالانکه
 آنها خوب میدانند(۷۶)

ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ
 كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ
 الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ
 مِنْهَا لَمَا يَشَّقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ
 مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ
 بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٧٥﴾

أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا بِالْكُمْ وَقَدْ كَانُوا
 فَرِيقًا مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلِمَ اللَّهِ ثُمَّ
 يَحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ
 يَعْلَمُونَ ﴿٧٦﴾

++ آیات ۷۳ - ۷۴: مفسران معنای این آیات نیز درست فرامیگیرند و گویند که
 اگر کسی کشته شود آنگاه چند تکه گوشت گاوی بر بدن مقتول برنید و بر اثر این
 عمل مشخص میگردد که قاتلش کیست [تفسیر فتح البیان] در حالیکه قرآن در اینجا
 بوضوح بیان میکند که به حالات مقتول رای کرده حالات همانندش را مقایسه کنید که
 این تضیه چگونه روی نمود.

و هنگامیکه با آنانکه ایمان آوردند دیدن کنندگویند ما ایمان آوردیم و هنگامیکه برخی از آنها ببرخی دیگر سوا میشوند گویند: آیا به آنها آن امور بیان میکنید که خدا بر شما وا کرده است تا بوسیله ایمان به شما نزد پروردگارتان محاجه کنند پس آیا عقل نمی کنید؟ (۷۷)

آیا نمیدانند که یقیناً خدا میداند آنچه را نمان کنند و آنچه را عیان کنند (۷۸)

و میان آنها بیسوادان اند که هیچ دانشی به کتاب جز آرزوهای [خود] ندارند و آنان فقط حدس میزنند (۷۹)

پس هلاکت بر آنانکه کتاب را با دست خود نوشته بازگویند این از جانب خدا است تا بیدل آن بهائی ناقابل بگیرند. پس برای آنها هلاک است از آنچه دست های آنان

وَإِذْ يَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بِبَعْضِهِمْ إِلَىٰ بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٧٧﴾

أَوْ لَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٨﴾

وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِي وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ ﴿٧٩﴾

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيُشْتَرَوْا بِهِ تَمَتُّاقًا لِيَلَا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا

يَكْسِبُونَ ﴿٨٠﴾

نوشته و هلاک است برای آنان
بعثت آنچه کسب کنند (۸۰)

و گویند مرگزاتش بما لس نکند
جز چند روز. بگو آیا از خدا پیمانی
گرفته اید؟ پس مرگز خدا خلاف
پیمان خود نکند یا بر خدا حرف
میزنید آنچه را نمیدانید (۸۱)

حقیقت اینست آنکه بدی کسب
کرد تا آن انتها که خطاهایش او را
فراگرفت پس همانها اهل آتش اند.
آنها در آن مدت دراز میمانند (۸۲)

و کسانی که ایمان آوردند و نیکو
کاری کردند ایشان اهل بهشتند
ایشان در آن جاویدانند (۸۳)

و چون [از آنها] میثاق بنی اسرائیل
گرفتیم که بفریاد خدا بکسی عبادت
نکنید و به والدین با حسن عمل
رفتار کنید و به خویشان و یتیمان
و تهی دستان نیز و به مردم سخن
نیکوی بگویید و نماز بهای دارید
و زکات دهید. باز هم [از پیمان]

وَقَالُوا لَنْ نَمَسَّنَا النَّارَ إِلَّا أَيَّامًا
مَعْدُودَةً ۗ قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا
فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ ۗ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى
اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٨١﴾

بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ
خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۗ هُمْ فِيهَا
خَالِدُونَ ﴿٨٢﴾

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ
أَصْحَابُ الْجَنَّةِ ۗ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٨٣﴾

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا
تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ ۗ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا
وَوَدَى الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ
وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا ۗ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ
وَآتُوا الزَّكَاةَ ۗ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا لَاقِلِيلًا
مِّنْكُمْ ۗ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٨٤﴾

روگردانی کردید جز اندک از
شما و شما اعراض کنندگان
بودید (۸۴)

و چون [از شما] پیمانی موثق شما
گرفتیم که خون خودتان را نه
ریزید و افراد خود را از شهرهای
خود بیرون نرانید. پس اقرار
کردید و شما گواه بودید (۸۵)

باز هم شما اید آنانکه مردم خود
را میکشید و گروهی از خودتان را
از شهرهای آنان بیرون میرانید.
شما بگناه و تعدی برخلاف آنها به
مدیگر پشتمانی میکنید و اگر نزد
شما اسیر شده بیایند آنان را فدیة
گرفته آزاد میکنید حالانکه آن
بیرون کردن آنان بر شما حرام
بود. پس آیا به بعضی از بخش های
کتاب ایمان آورده و به بعضی
انکار میکنید؟ پس چیست پاداش
کسی از شما که اینگونه عمل کند
جز ذلت در زندگانی دنیا و روز

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ
دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ
دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ
تَشْهَدُونَ ﴿٨٥﴾

ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ
وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ
دِيَارِهِمْ تُظْهَرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ
وَالْعُدْوَانِ وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أُسْرَى
تُفْدُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ
إِخْرَاجُهُمْ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ
وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ
يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ
الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ
الْعَذَابِ ۗ وَمَا لِلَّهِ بِعَافٍ لِّعَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٨٦﴾

روز قیامت به سوی عذابی سخت
تر برگردانده شوند و خدا بغفلت
نیست از آنچه میکنید (۸۶)

مانهاند که زندگی دنیا را بیهای
آخرت خریدند. پس نه عذاب از
آنها کاسته شود و نه آنها یاری
کرده شوند (۸۷)

و یقیناً موسی را کتاب دادیم و
بعد از او هم پیایی رسولان
فرستادیم. عیسی ابن مریم را
آیتهای روشن دادیم و او را با
روح القدس تائید نمودیم. پس
آیا هرگاه شما رارسولی بیاید با
آن سخنان که نفس های شماخوش
ندارد تکبر خواهید کرد؟ و به بعضی
از ایشان تکذیب کرده و بعضی
را خواهید کشت؟ (۸۸)

وگفتند، دل های ما مجسم پرده
است. در حقیقت خدا آنها را
بعلت کفرشان لعنت کرده است
پس بکمی ایمان میآورند (۸۹)

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ
الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ ۗ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ
العَذَابُ وَلَا هُمْ يَنْصُرُونَ ﴿٨٧﴾

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ
بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ ۗ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ
الْبَيِّنَاتِ وَإَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ ۗ أَفَكُلَّمَا
جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُكُمْ
اسْتَكْبَرْتُمْ ۗ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ ۖ وَفَرِيقًا
تَقْتُلُونَ ﴿٨٨﴾

وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ ۗ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ
بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ ﴿٨٩﴾

و چون آمد ایشانرا کتابی از جانب خدا که آن [تعلیم] را تصدیق میکرد که در دست آنها بود حالانکه قبلاً داشتند برخلاف آنها که کفر کردند [از خدا] یاری میطلبیدند پس هرگاه آمد آنانرا آنچه را شناختند به آن انکار کردند. پس لعنت خدا باد بر کافران (۹۰)

بسیار بد است آنچه ببهای جانهای خود بدست آوردند که آن حق را انکار میکنند که خدا نازل کرد [خلاف] این [امر] سرکشیده که خدا بر هر که از بندگان خود میخواستند باغضب بر خود رانازل میکند. پس باغضب بر غضب بازگشتند و کافران را عذابی خوارکننده است (۹۱)

و چون بدیشان گفته شود که ایمان آورید بر آنچه خدا نازل کرده است گویند ما بر آن ایمان آورده ایم که بر ما نازل کرده آمد و انکار کنند از آنچه جز آنست حالانکه آن

وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ^۱ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا^۲ فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ^۳ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ^۴

بِسْمَا أَشْتَرُوا بِهِ^۵ أَنفُسَهُمْ^۶ أَن يَكْفُرُوا بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ بَعِيًّا^۷ أَن يُنَزَّلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ^۸ فَبَاءُوا بِغَضَبٍ عَلَى غَضَبٍ^۹ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ^{۱۰}

وَإِذْ أَقِيلَ لَهُمْ^{۱۱} آمُونًا^{۱۲} أَنزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُوْمِنُ بِمَا أَنزَلَ عَلَيْنَا^{۱۳} وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ^{۱۴} وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَهُمْ^{۱۵} قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ^{۱۶} مِنْ قَبْلُ إِنْ

كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿۹۱﴾

حق است. آن تصدیق کننده برای آنچه است که نزد آنهاست. بگو پس قبلاً چرا پیغمبران خدا را میکشید اگر شما ایمان آوردگانید؟ (۹۲)

و یقیناً موسی بانشانه های روشن نزد شما آمده بود بازهم شما بعد از او گوساله را [معبود] بگرفتید و شما ستمکاران بودید (۹۳)

و وقتی که پیمان شما [از شما] گرفتیم و طور را بر شما افراشتیم [به این فرمان که] آنچه را بشما در داده ایم بقوت بگیرید و گوش فرا دهید. گفتند شنیدیم و نافرمانی کردیم و بعلت کفر آنها به قلبهای آنها محبت گوساله نوشانیده شد. بگو بسیار زشت است آنچه ایمانتان شما را به آن امر کند اگر شما مومنانید (۹۴)

بگو اگر خانه خدادیگران را ترک کرده خالصانه برای شماست پس به مرگ آرزو کنید اگر شما راست

وَلَقَدْ جَاءَكُمْ مُّوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ ﴿۹۳﴾

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاسْمِعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِسْمَائِي أُمْرُكُمْ بِهِ إِيْمَانُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿۹۴﴾

قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۹۵﴾

گویانید (۹۵)

و هرگز به آن آرزو نکنند بسبب
آن چه دستهای آنان پیش فرستاده
است و خداستمکاران را خوب

میداند (۹۶)

و برای زندگی آنها را حریصترین
همه مردم خواهی یافت حتی از
آنها [هم بیشتر] که شرک کردند.
هر کدام از آنها دوستدارد کاشکی
هزار سال عمر داده شود حالانکه
اگر طول عمر داده شود [اینهم]

عذاب را از او دورکننده نیست و
خداینا است به آنچه میکنند (۹۷)

بگو آنکه دشمن جبرائیل است
پس [بداند] بیگمان اوست که این
[کلام] را بر قلب تو بفرمان خدانازل
کرد تصدیق کننده آن را که پیش
روی آن است و مومنان را هدایت

و مژده است (۹۸)

هر که دشمن خدا و فرشتگانش و
رسولانش و جبرائیل و میکائیل

وَلَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ۗ
وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿۹۵﴾

وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاتِهِمْ
وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يُوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ
يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُرَّزِحٍ لَهُ
مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ ۗ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا
يَعْمَلُونَ ﴿۹۶﴾

قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلْجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ
عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ
يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿۹۷﴾

مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ
وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ

لِّلْكَافِرِينَ ۝

است پس یقیناً خدا دشمن کافران
است (۹۹)

و بیگمان نشانه های تابان بر تو
نازل کرده ایم و کسی به آنها انکار
نکند جز فاسقان (۱۰۰)

آیا مرگه عقد عهد نمایند گروهی از
آنها [عهد] را دور خواهد انداخت؟
بلکه اکثر آنها ایمان ندارند (۱۰۱)
و مرگه آنها را رسولی آمد از جانب
خدا تصدیق کننده آنچه نزد آنهاست
گروهی از آنها که کتاب داده شدند
کتاب خدا را پشت سر انداختند
گویی آنها نمیدانند (۱۰۲)

و آنان پیروی کردند آنچه را که
شیطانها خلاف ملک سلیمان می
خواندند و سلیمان کفر نکرد بلکه
شیطانها کفر کردند - آنها به مردم
جادوئی میآموختند و [بعکس] آنچه
دربابل بر دو فرشته هاروت و
ماروت نازل کرده شد [داستان
این طور است که] آندو چیزی به

وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ ۖ وَمَا
يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ ۝

أَوْ كَلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا بِنَدْوِهِ فَرِيقٌ
مِّنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝

وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ
مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ
أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ
ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝

وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيْطَانُ عَلَىٰ مُلْكِ
سُلَيْمَانَ ۖ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ
الشَّيْطَانَ كَفَرُوا وَيَعْلَمُونَ النَّاسَ
السَّحْرَ ۗ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ الْمَلَائِكَةِ بِبَابِلَ
هَارُوتَ وَمَارُوتَ ۗ وَمَا يَعْلَمَانِ مِنْ
أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا
تَكْفُرْ ۖ فَيَعْلَمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ

کسی نمیآموختند تا آنگاه که میگفتند: مافقط بطور آزمایش ایم پس کفرمکن - پس آنها از آندو سخنی فرامیگرفتند که به آن میان زن و شوهر جدائی میفکندند و آنان بوسیله آن به کسی زیان رساننده نبودند جز به اذن خدا و [شاگردان شیطانها] آن امر فرا میگرفتند که آنانرا زیان میزد و آنها را سودی نمیداد حالانکه خوب دانسته بودند آنکه این معامله کرد برایش در آخرت سهمی نیست و بسیار زشت بود به بهائی آنچه جانهای خود را فروختند کاشکی میدانستند(۱۰۳) ++

بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ^ط وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ^ط وَيَعْلَمُونَ مَا يُضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ^ط وَلَقَدْ عَلِمُوا الْمَنَ اشْتَرَاهُ مَالَهُ فِي الْأُخْرَةِ مِنْ خَلْقٍ^ط وَلَيْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ^ط لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ^{١٠٣}

++ هاروت و ماروت دو انسان بودند که اینجافرشته سیرت یاد شده اند و ایشان برای برانگیختن انقلاب چنان امور میآموختند که هدایت بود که مخفی نگهداشته حتی کسی به همسر خود هم افشانکند. البته ایشان اینکار به فرمان خدا میکردند و اما بعدما ایشان را مثل قرار داده این طریق کار از راه سرکشی برای سرنگونی دولتهای استوار دنبال کرده شد. قرآن هاروت و ماروت را بیگناه گرداند چه ایشان اینکار برای خدا میکردند در حالیکه دیگر مردم اینکار از روی خود گزایی میکنند.

وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَآتَوُا التَّوْبَةَ لَآتَيْنَهُم مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرًا لَّو كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿١٠٤﴾
 و اگر ایمان میآوردند و تقوی اختیار میکردند یقیناً پاداش [آن] از جانب خدا خیلی نیکوی میشد کاشکی می دانستند (۱۰۴)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمَعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٠٥﴾
 ای کسانی که ایمان آورده اید [به رسول ما] "راعنا" مگویید. بلکه بگویید که بر ما نگاه بفرما و گوش فرادهمید و برای کافران عذابی دردناک است (۱۰۵) ++

مَّا يُوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَن يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِّنْ خَيْرٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿١٠٦﴾
 دوست ندارند آنانکه کفر کردند از اهل کتاب و نه مشرکان که بر شما از پروردگار شما خیری نازل شود و خدا هر که را خواهد خاص رحمت خود بر میگزیند و خدا را فضلی عظیم است (۱۰۶)

مَّا نُنسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٠٧﴾
 هر چه آیتی را نسخ کنیم یا از یاد محو سازیم بهتر از آن یا مانند آن را میآریم. آیا نمیدانی که یقیناً

++ آیت ۱۰۵- در این آیت گفتن "راعنا" منع شده است چه آنها به بهانه "راعنا" یعنی بر ما رحم کن "راعنا" یعنی "ای چوپان ما" میگفتند و قرآن به آنها هدایت کرد که گفتار راست را بکار گرفته باید "انظرنما" گفته شود.

خدا بر هر چیز که بخواهد مدام
قدرتمند است (۱۰۷) ++

آیا نمدانی که یقیناً خدا است
که پادشاهی آسمانها و زمین از آن
اوست و شمارا بفریاد خدا کسی
سرپرستی و یابوری نیست (۱۰۸)

آیا دوستدارید که به رسول خود
سؤال کنید چنانکه قبلاً موسی
سوال کرده شد؟ پس آنکه ایمان
را به کفر تبدیل کند حتماً از راه
راست گمراه شد (۱۰۹)

بسیاری از اهل کتاب دوستدارند
کاشکی شما را پس از ایمانتان

++ آیت ۱۰۷ - مفسران در مورد این آیت هم عموماً لیز میخورند و ترجمه میکنند که

آیتی که خدای متعال در قرآن نازل کرده آن توان نسخ شد و یکی بهتر از آن توان
آمد و بدینسان این جدل طولی ناسخ و منسوخ راه افتاد و مفسران پنجم آیت
را ناسخ و منسوخ قراردادند در حالیکه از قرآن هیچ هم نسخ نیست. قبل از حضرت
مسیح موعود علیه السلام تازمان حضرت شاه ولی الله شاه محدث دهلوی این مسئله
تا حد اکثر حل شده بود جز پنج آیت و آنان نیز از برکت علم الکلام حضرت
مسیح موعود علیه السلام حل و فصل شدند. جماعت احمدیه اعتقاد دارد که از قرآن
هیچ هم نسخ نیست بلکه اینجا اشاره به شریعتهای قبلی است چه هرگاه آنها نسخ
یابفراموشی سپرده شدند پس همانند آنها یا بهتر از آنها نازل کرده شد.

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ ۗ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ
وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿۱۰۷﴾

أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا
سُئِلَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ ۗ وَمَنْ يَتَّبِعِ
الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ
السَّبِيلِ ﴿۱۰۸﴾

وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ
يَرَوْكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَقَارِئًا ۗ

کافرانی بازگردانند بعلت حسدی که از نفسهای آنها است پس از آنکه حق برای آنان آشکار شد. پس عفو کنید و درگذرید تا آنگاه که خدا فیصل خود را صادر کند همانا خدا بر هر چیزی که بخواهد مدام قدرتمند است (۱۱۰)

و نماز را بپای دارید و زکات دهید و هر چه نیکی برای نفس خود پیش فرستید آنها نزد خدا بیابید یقیناً خدا بیناست به انکار که میکند (۱۱۱)

و گویند هرگز کسی مگر آنکه یهود است یا مسیحی وارد بهشت نشود. این [تنها] آرزوهای آنانست. بگو دلیلی ثابت خود بیاورید اگر شما راستگویانید (۱۱۲)

بلی! هر که خود را به خدا بسپارد و احسان کننده است پس پاداش او نزد پروردگارش است و نه ایشان در بیم شوند و نه ایشان اندوهگین

حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَأَعْتَوْا وَأَصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۱۱۰﴾

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿۱۱۱﴾

وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصْرًا ۚ تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ ۗ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۱۱۲﴾

بَلَىٰ ۗ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ ۗ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۱۱۳﴾

گردند (۱۱۲)

و یهودیان گفتند [بنائی] مسیحان بر چیزی نیست و مسیحان گفتند [بنائی] یهودیان بر چیزی نیست در حالیکه آنها کتاب میخوانند. بر همین منوال گفتند ناآگاهان شبیه به گفتارشان. پس خدا روز قیامت میان ایشان در امری که داشتند در آن اختلاف میکردند فیصل

خواهد داد (۱۱۴)

و کیست ستم کارتر از آنکه بازداشت که در مساجد خدا ذکر او برپا کرده شود و در پی ویرانی آنها سعی کرد آنها را سزاوار نبود که وارد آنها میشدند مگر ترسان. آنها را ذلت در دنیا و آنها را در آخرت عذابی بسیار بزرگ است (۱۱۵)

و از آن خدا است مشرق و مغرب. پس بهر سو رو کنید همان جا جلوه خدا است. یقیناً خدا خیلی گشایش بخشای مدام دانائی است (۱۱۶)

وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصْرَىٰ عَلَىٰ شَيْءٍ ۗ وَقَالَتِ النَّصْرَىٰ لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَىٰ شَيْءٍ ۗ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ ۗ كَذٰلِكَ قَالَ الَّذِيْنَ لَا يَعْلَمُوْنَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ ۗ فَاَللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ۗ فَيَمَّا كَانُوْا فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ ﴿۱۱۲﴾

وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنْ مَّنَعَ مَسْجِدَ اللّٰهِ اَنْ يُذَكَّرَ فِيْهَا سْمُهُ وَسَعٰى فِيْ خَرَابِهَا ۗ اُولٰٓئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ اَنْ يَدْخُلُوْهَا اِلَّا خٰٓفِيْنَ ۗ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَّلَهُمْ فِي الْاٰخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيْمٌ ﴿۱۱۳﴾

وَاللّٰهُ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ ۗ فَاَيْمَا تُوتُوْا فَتَمَّ وَجْهُ اللّٰهِ ۗ اِنَّ اللّٰهَ وَّاسِعٌ عَلِيْمٌ ﴿۱۱۶﴾

وگفتند خداپسری برگزیده است. او پاک است بلکه هر چه در آسمانها و زمین است از آن اوست. همه فرمانبرداران اویند (۱۱۷)

او آغاز کننده آفرینش آسمانها و زمین است و چون امری را مقدر کند پس آنرا فقط میگوید باش پس آن رونهاده و منتها میشود (۱۱۸) و آنانکه هیچ دانشی ندارند می گویند چرا خدا بما تکلم نمیکند یا ما را آیتی نیاید. بر همین منوال کسانی که قبل از آنان بودند شبیه به گفتار آنان گفتند. دلپایشان بهم متشابه شده اند. یقیناً ما آیات را برای قومی که باور کنند بروشنی بیان کرده ایم (۱۱۹)

یقیناً ما تورا مژده دهنده و هشدار دهنده با حق فرستاده ایم و درباره جهنمیان پرسیده نشوی (۱۲۰) و هرگز یهود و نصاری از تو خوشنود نشوند تا آنگاه که از کیش آنها تقلید

وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحٰنَهُ ۗ بَلْ لَّهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۗ كُلٌّ لَّهِ فِتْنٰوْنَ ﴿۱۱۷﴾

بَدِيعُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۗ وَاِذَا قَضٰى اَمْرًا فَاِمَّا يَاقُوْلُ لَهُ كُنْ فَيَكُوْنُ ﴿۱۱۸﴾

وَقَالَ الَّذِيْنَ لَا يَعْلَمُوْنَ لَوْلَا يَكْلُمُنَا اللّٰهُ اَوْ تَاتِيْنَا اٰيَةً ۗ كَذٰلِكَ قَالَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِّثْلَ قَوْلِهِمْ ۗ تَشَابَهَتْ قُلُوْبُهُمْ ۗ قَدْ بَيَّنَّا الْاٰيٰتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُوْنَ ﴿۱۱۹﴾

اِنَّا اَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيْرًا وَّاُنذِيْرًا وَّاَلَّا تُسْئَلُ عَنْ اَصْحٰبِ الْجَحِيْمِ ﴿۱۲۰﴾

وَلَنْ تَرْضٰى عَنْكَ الْيَهُودُ وَّلَا النَّصٰرٰى حَتّٰى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ ۗ قُلْ اِنْ هَدٰى اللّٰهُ

نکنی. بگو. یقیناً هدایت خدائی
 هدایت حقیقی است و اگر از
 تحریک نفس آنها تقلید کنی پس
 از اینکه دانش بتو آمده است هیچ
 کس تو را از خدا سرپرست و
 یاریگر نباشد (۱۲۱)

کسانیکه ما به آنها کتاب داده ایم
 و آنرا سزاوار تلاوت آن تلاوت
 میکنند همانند که به آن ایمان
 میآرند و هر که این [کتاب] را انکار
 کند پس همانها زیانکارانند (۱۲۲)

ای بنی اسرائیل بیاد آرید آن نعمتم
 را که بر شما ارزانی داشتم و این
 که من شما را بر همه جهانیان
 فضیلت دادم (۱۲۳)

و بترسید از روزیکه کسی بدرد
 کسی نخورد و بدل از او قبول
 کرده نشود و نه شفاعت بدو سود
 دهد و نه آنان یاری شوند (۱۲۴)

و هنگامیکه ابراهیم را پروردگارش
 بکلماتی آزمایش کرد و او آنها را

هُوَ الْهُدَىٰ ۖ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ
 بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ ۖ مَا لَكَ مِنَ
 اللَّهِ مِنْ وَّالِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿١٢١﴾

الَّذِينَ آتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ
 تِلَاوَتِهِ ۖ وَأُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ ۖ وَمَنْ
 يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخٰسِرُونَ ﴿١٢٢﴾

يُبْنِي إِسْرَائِيلَ ۖ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي
 أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَلَّنِي فَفَضَّلْتَكُمْ عَلَى
 الْعَالَمِينَ ﴿١٢٣﴾

وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ
 شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا
 شَفَاعَةٌ ۖ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿١٢٤﴾

وَإِذْ بَدَّلْنَا إِبْرَاهِيمَ رَبَّهُ بِكَلِمَاتٍ
 فَأَتَمَّهُنَّ ۖ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ

إِمَامًا قَالُومِنْ ذُرِّيَّتِي قَالُ لَا يَنَالُ
عَهْدِي الظَّالِمِينَ ﴿۱۲۵﴾

بپایان برد [خدا] گفت: یقیناً من تو
را برای مردم امامی بزرگ
برگزیننده ام. او گفت و از نژادم
نیز. [خدا] گفت قرارم به ستم
گران نرسد (۱۲۵) ++

وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمَّا
وَآتَخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى
وَعَهْدَنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَاسْمِعِيلَ أَن طَهِّرَا
بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ
السُّجُودِ ﴿۱۲۶﴾

و وقتی ماخانه [خود] را برای مردم
مرجع تکراری و جای امن قرار
دادیم و از مقام ابراهیم جای نماز
بگیرید و به ابراهیم و اسماعیل
سفارش کردیم که شادوی خانه ام
را برای طواف کنندگان و معتکفان
ورکوع کنندگان و سجده آرنندگان

++ آیت ۱۲۵: در این آیت سخن از آن آزمایش حضرت ابراهیم گفته میشود وقتی
ایشان به رتبه نبوت برگزیده شده بودند و وقتی که ایشان آن آزمایش را بپایان
بردند نگاه بدیشان گفته شد که شمارا امام برای مردم بسیار کثیری برمیگزینیم.
فرقه شیعیان از مطلب این آیت استدلال کرده میگویند که رتبه امامت بالاتر از رتبه
نبوت است زیرا طبق این آیت يك نبی به رتبه امامت برگزیده میشود. این استدلال
صحیح نیست. حقیقت اینست که رتبه امامت محض بالاتر از رتبه نبوت نیست بلکه
آن امامت که از روی رتبه نبوت میرسد بالاتر شناخته میشود. اینجا حضرت
ابراهیم با واژه های «اماماً للناس» خطاب شده اند و مفهوم اینست که بپاداش
بپایان بردن این آزمایش شما تا روز قیامت برای مردم جهان بعنوان مثال آورده
میشوید.

پاك بداريد(۱۲۶)

و چون ابراهيم گفت، پروردگارا! اينرا شهرى ايمن و امن دهنده بساز و اهل آنرا آنکه از آنان به خدا و روز آخرت ايمان آرد از ميوه هاى مرنوع رزق اعطا کن. او گفت آن که کفر کند او را نيز کمى بهره مند خواهم ساخت. سپس او را ناچاراً بسوى عذاب آتش بکشم و [آن] بسيار زشت جاىگاه است(۱۲۷)

و وقتیکه ابراهيم پايه‌هاى بيت [خانه خدا] را استوار مىکرد نيز اسماعيل [با اين دعا که] پروردگارا! از ما قبول بفرما. يقيناً تو خيلى شنواى دانائى(۱۲۸)

پروردگارا ما را دو بنده فرمان بردار خود و از ذريت ما امتى فرمانبردار خود برگزين و ما را اسلوب عبادات و قربانيهاى ما بياموز و توبه قبول کرده بر ما ميل بفرما. يقيناً توبه نهايت توبه

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۗ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ ۗ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿۱۲۷﴾

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا ۗ إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۱۲۸﴾

رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ ۗ وَإِرِنَا مَسْكَنًا وَتُبَّ عَلَيْنَا ۗ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿۱۲۹﴾

پذیروبارهارا حکمنده ای (۱۲۹)
 پروردگارا ادرآنان رسولی بزرگ
 از خود ایشان برانگیز که آیات تو
 را بر آنها فروخواند و بدیشان علم
 کتاب و حکمت بیاموزد و بدیشان
 پاک سازد یقیناً تو صاحب غلبه
 کامل صاحب حکمت ای (۱۳۰)

و کیست که از ملت ابراهیم رو
 گردانی کند جز کسیکه خود را به
 نادانی برانگیخت و یقیناً او را در
 دنیا برگزیدیم و در آخرت نیز از
 صالحان خواهد بود (۱۳۱)

[بیاد آورید] و قتیکه خدا به او گفت
 گردن نه. او [بیساخته] گفت من که
 [از پیش] برای پروردگار جهانها
 گردن نهاده ام (۱۳۲)

و ابراهیم از این بابت بفرزندان
 خود توصیه کرد و هم یعقوب: ای
 فرزندان من یقیناً خدا این دین
 را برای شما برگزیده است. پس
 هرگز نمرید جز در حالیکه شما

رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو
 عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ
 وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ ۗ إِنَّكَ أَنْتَ
 الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۱۲۹﴾

وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ
 سَفِهَ نَفْسَهُ ۗ وَلَقَدِ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا
 وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿۱۳۰﴾

إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمُ لَقَالَ أَتَسْلَمُ
 لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۳۱﴾

وَوَضَّيْ بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَيْنَهُ وَيَعْقُوبَ ۗ
 يَبْنِيَنَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمْ الدِّينَ فَلَا
 تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿۱۳۲﴾

مسلمانید(۱۳۳)

آیا شاخص حضور داشتید چون یعقوب را مرگ فرار سید؟ هنگامیکه او از فرزندان خود پرسید: چیست را پس از من عبادت کنید؟ گفتند: معبود تو و معبود پدران تو ابراهیم و اسمعیل و اسحاق را عبادت خواهیم کرد که معبود یگانه است و ما فقط فرمانبرداران او خواهیم بود(۱۳۴)

این امتی بود که درگذشت. برای آن بود آنچه آن کسب کرد و برای شما است آنچه شما کسب میکنید و شما پرسیده نشوید درباره آنچه آنان میکردند(۱۳۵)

و گویند یهود بیباید یا نصرانی تا هدایت بیابید. بگو [نه خیر] بلکه تنها امت ابراهیم حنیف [مورد نظر] است و قطعاً او از مشرکان نبود(۱۳۶)

بگوئید ایمان آوردیم به خدا و

أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتَ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنِّي بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَاللَّهُ أَبَاكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿۱۳۴﴾

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۳۵﴾

وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿۱۳۶﴾

قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا

آنچه بر ما فرو فرستاده آمد و آنچه بسوی ابراهیم و اسمعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط فرو فرستاده شد و آنچه به موسی و عیسی داده شد و آنچه بهمه انبیاء از پروردگار ایشان اعطا شد. میان هیچکدام از ایشان جدائی نمیکنیم و ما برای او تسلیم شده ایم (۱۳۷)

پس اگر آنان ایمان بیاورند بطوریکه شما بر آن ایمان آورده اید پس آنها هدایت یافتند و اگر روی بر تابند پس [عادتا] آنها مدام در نفاق اند. پس خدا شمارا به [سرکوبی] آنها بس است و او بس شنوای مدام دانا است (۱۳۸) رنگ خدا را بگیرید و کیست نیکوتر از خدا در رنگ و ما او را عبادت میکنیم (۱۳۹)

بگو آیا درباره خدا بما محاجه میکنید بآنکه او پروردگار ما و هم پروردگار شما است و اعمال

أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ ۗ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ ۗ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿۱۳۷﴾

فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ اهْتَدَوْا ۗ وَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ ۗ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ ۗ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۱۳۸﴾

صِبْغَةَ اللَّهِ ۗ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً ۗ وَنَحْنُ لَهُ عِيدُونَ ﴿۱۳۹﴾

قُلْ أَتَحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا ۗ وَرَبُّكُمْ ۗ وَلِنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ ۗ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ ﴿۱۴۰﴾

ما برای ما است و اعمال شما برای
 شماست و مافقط برای او خالص
 شده ایم (۱۴۰)

ایامیگوئید که ابراهیم و اسمعیل
 و اسحق و یعقوب و اسباط حتماً
 یهودیامسیحی بودند. بگو آیا شما
 زیاد میدانید یا خدا؟ و کیست ستم
 کارتر از آنکه آن گواهی را کتمان
 کند که از خدا نزد او [امانت] است
 و خدا بغفلت نیست از آنچه می
 کنید (۱۴۱)

این امتی بود که درگذشت. برای
 آن بود آنچه آن کسب کرد و
 برای شما است آنچه شما کسب
 کنید و شما پرسیده نشوید از
 آنچه آنان میکردند (۱۴۲)

أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ
 وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا
 هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ ۗ قُلْ ءَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَم
 اللَّهُ ۗ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً
 عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ ۗ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا
 تَعْمَلُونَ ﴿۱۴۰﴾

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ
 وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ ۗ وَلَا تَسْأَلُونَ عَمَّا
 كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۴۱﴾

سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّهُمْ ^{۱۴۳} حَتْمًا ^{۱۴۳} گویند بیخردان از مردم
 عَنِ قِبَلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ ^{۱۴۳} که چه آنان را از آن قبله خود که
 الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يُهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى ^{۱۴۳} بر آن بودند برگرداند. بگو مشرق
 صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿۱۴۳﴾ و مغرب از آن خدا است. هر که را
 خواهد به صراط مستقیم هدایت
 میکند (۱۴۳)

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا ^{۱۴۳} و اینگونه شمارا امت میانی قرار
 شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ ^{۱۴۳} دادیم تا بر مردم گواه باشید و
 عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي ^{۱۴۳} رسول بر شما گواه باشد - آن
 كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ ^{۱۴۳} قبله که [قبلاً] بر آن بودی فقط
 الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِنْ ^{۱۴۳} برای این قرارداد داده بودیم تا آنکه
 كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ ^{۱۴۳} از بی رسول برود را از آنکه روی
 وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ ^{۱۴۳} پاشنه های خود برگردد باز شناسیم
 بِالنَّاسِ لِرءَوْفٍ رَحِيمٍ ﴿۱۴۴﴾ و براستی این گران بود جز بر آنان
 را که خدا هدایت کرد و نیست
 خدا که ایمانتان را ضایع دهد
 یقیناً خدا به مردم بسیار مهربان
 بارها رحم کننده است (۱۴۴) ++

قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ ^{۱۴۳} همانا دیدیم برگشتن روی تورا
 فَلَوْلَيْتَكَ قِبَلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ ^{۱۴۳} بسوی آسمان پس لازم بود که تو

++ آیت ۱۴۴: خیر الامور اوسطها - [الحديث]

شَطَرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ۖ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوُتُوا وَجُوهَكُمْ شَطْرَهُ ۗ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ ۗ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ﴿۱۴۵﴾

را بسوی قبله بگردانیم که آن به تو خوش می‌آمد. پس روی خود را بسوی مسجد حرام بگردان و شما هر کجا باشید روی خود را بسوی آن بگردانید و یقیناً آن‌انکه کتاب داده شدند مسلماً میدانند که این از پروردگار آنان حق است و خدای خبر نیست از آنچه می‌کنید (۱۴۵)

وَلَيْنُ اتَّيْتِ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَا تَتَّبِعُوا قِبَلَتَكَ ۖ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبَلَتِهِمْ ۗ وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبَلَةَ بَعْضٍ ۗ وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ ۗ إِنَّكَ إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿۱۴۶﴾ و قد لازم

و هر چند تو آنان را که کتاب داده شدند هر آیتی هم می‌آوردی نه بودند که از قبله تو تقلید می‌کردند و تو هم نیستی که مقلد قبله آنها باشی و نه بعضی از آنان از قبله بعضی تقلید کنند و اگر از هوای نفسانی آنها تقلید کنی بعد از آنکه دانش بتو آمد یقیناً تو در آن صورت از ستمکارانی (۱۴۶)

الَّذِينَ اتَّيْتَهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبَاءَهُمْ ۗ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿۱۴۷﴾ بعضی

کسانی که به آنان کتاب داده ایم آنان [با مشاهده آثار الهی در رسول] او را میشناسند بطوریکه پسران خود را میشناسند و همانا

گرومی از آنها حق را پنهان کنند

در حالیکه آنها میدانند (۱۴۷)

[حتماً این] حق است از پروردگار

تو۔ پس ازدودلان مباش (۱۴۸)

و هر کدام را محل توجه است که

اوبسوی آن روی می‌آرد. پس در

نیکبها از مدیگر سبقت جوید.

مرکجا باشید خدا مه شمارا جمع

کرده خواهد آوردیقیناً خدا بر هر

چیز مدام قدرتمند است (۱۴۹)

و از هرکجا بیرون آمدی پس روی

خود را بسوی مسجد حرام بگردان

یقیناً آن از پروردگارتو حق است

و نیست خدا به غفلت از آنچه

عمل کنید (۱۵۰)

و از هرکجا بیرون آمدی پس روی

خود را بسجده حرام بگردان و

شما هرکجا باشید روی خود را

بسوی آن بگردانید تا مردم را

برشماحتی نباشد جزکسانی از

آنانکه ستم کردند. پس از آنان نه

الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ
الْمُتَرَدِّينَ ﴿۱۴۸﴾

وَلِكُلِّ وُجْهَةٍ هُوَ مَوْبُؤُهُمْ فَاسْتَبِقُوا

الْخَيْرَاتِ ۗ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ

اللَّهُ جَمِيعًا ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۱۴۹﴾

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ

الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ۗ وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ ۗ

وَمَا لِلَّهِ بِعَافٍ لِمَا تَعْمَلُونَ ﴿۱۵۰﴾

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ

الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ۗ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا

وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ ۗ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ

عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ ۗ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا

مِنْهُمْ ۗ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي ۗ

ترسید بلکه از من بترسید و تا نعمت خود را بر شما بکمال برسانم و تا شما هدایت بیابید (۱۵۱)

بطوریکه رسولی در شما از خود شما فرستاده ایم که آیات ما را بر شما فرو میخواند و شما را پاک میسازد و به شما کتاب می آموزد و حکمت [آفر] و بشما می آموزد آنچه را نمیدانستید (۱۵۲)

پس یاد کنید مرا منهم یاد بدارم شمارا و شکر کنید مرا و مرا ناشکری نکنید (۱۵۳)

ای آنانکه ایمان آورده اید با صبر و نماز [از خدا] یاری جویید. حتماً خدا با صابران است (۱۵۴)

و آنرا که در راه خدا کشته شوند مرده مگوئید بلکه ایشان زنده اند و اما شما درک نکنید (۱۵۵) و حتماً شمارا از بیم و گرسنگی و زیان دارائیا و جانها و میوهها بکمی آزمایش کنیم و به شکیبایان

وَلَا تَمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٥١﴾

كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ﴿١٥٢﴾

فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ ﴿١٥٣﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿١٥٤﴾

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَ لَكِن لَّا تَشْعُرُونَ ﴿١٥٥﴾

وَتَبَلَّوْا كُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالسَّمَرَاتِ ۗ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ ﴿١٥٦﴾

مژده بده (۱۵۶)

آنانکه هر گاه ایشانرا سختی برسد
گویند همانا ما از آن خدایم و حجتاً
ما بسوی او باز گشتگانیم (۱۵۷)

ایشانند که بر آنان از پروردگار
ایشان بر کت‌های است و رحمت و
ایشان هدایت یافتگانند (۱۵۸)

یقیناً صفا و مروه از شمارهای خدا
است. پس هر که حج این بیت کند
یا عمره بجا آورد بر او هیچ گناهی
نیست که ایندوی را طواف نیز
کند و هر که بکوشد تا زیادتی بر
نیکی باشد پس یقیناً خدا سپاس
نواز مدام دانا است (۱۵۹)

همانا آنانکه کتمان کنند آنچه از
نشانه های تابان و هدایت که نازل
کرده ایم از این پس که آنرا برای
مردم در کتاب به روشنی بیان
کردیم همانها اند که خدا بر آنها
لعنت کند و همه لعنت کنندگان
بر آنها لعنت کنند (۱۶۰)

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿١٥٦﴾

أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ
وَرَحْمَةٌ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ ﴿١٥٨﴾

إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِن شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ
حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ
يَطُوفَ بِهِمَا ۗ وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ
اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ ﴿١٥٩﴾

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ
وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي
الْكِتَابِ ۗ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ
اللُّعُنُونَ ﴿١٦٠﴾

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُّوْا فَاوْتِيكَ
 أَتُوبُ عَلَيْهِمْ ۗ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١٦١﴾

مگر آنانکه توبه کردند و اصلاح کردند و آن [نشانه های تابان خدا] را به صراحت بیان کردند پس آنان اند که توبه قبول کرده بر آنان میل کنم و من پذیرنده توبه بارها رحیمکننده ام (۱۶۱)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ
 أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ
 وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿١٦٢﴾

مانا آنانکه کفر کردند و مردند در حالیکه آنها کافران بودند آنانند که بر آنها لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم است (۱۶۲)

خٰدِيْنَ فِيهَا لَا يَخَفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ
 وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿١٦٣﴾

مدت دراز در آن [لعنت] بمانند و نه عذاب از آنها کاسته شود و نه آنها مهلت داده شوند (۱۶۳)

وَاللَّهُمُّ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
 الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿١٦٤﴾

و معبود شامع بود یگانه است. نیست معبودی جز او که رحمن و رحیم است (۱۶۴)

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
 وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي
 تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا
 أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَّاءٍ فَأَحْيَا بِهِ

یقیناً در آفرینش آسمانها و زمین و از پس هم آمدن شب و روز و کشتیهای که در دریا حرکت کنند با آنچه [کالا] که بمردم سود دهد و آبی که خدا از آسمان نازل کرد

پس به آن زمین را بعد از مردنش احیاء نمود و جنبندگانی مرگونه را در آن گسترش داد و تغییر دادن رخ بادها سوسو و ابرها که بین آسمان و زمین مسخرند حتماً آیاتی است قومی را که عقل کنند (۱۶۵)

و کسانی از مردم اند که در مقابل خدا امتیاز برگزینند و مانند محبت خدا با آنها محبت کنند در حالی که آنانکه ایمان آوردند در محبت خدا ثابتتر [از هر محبت] اند و کاشکی آنانکه ستم کردند حالی شوند چون عذاب را مشاهده کنند [بفهمند] که نیرو تماماً از آن خدا است و آنکه حتماً خدا سخت عذاب است (۱۶۶)

منگامیکه آنانکه پیروی شدند از آنها که [از آنان] پیروی کردند بیزاری جویند و عذاب را مشاهده کنند و همه اسباب [نجات] آنها قطع

الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ ۗ وَ تَصْرِيفِ الرِّيحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿١٦٥﴾

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ ۗ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ ۗ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا ۗ وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ ﴿١٦٦﴾

إِذْ تَبَرَأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا ۗ وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ ﴿١٦٧﴾

شود (۱۶۷)

و کسانی که پیروی کردند گویند:
کاشکی ما را مجالی بود که از
آنها همانگونه بیزاری میکردیم
که از ما بیزاری کرده اند. اینگونه
خدا اعمال آنانرا برای آنها مایه
حسرتهاى خود آنان بنمایش
خواهد گذاشت و آنها بیرون
روندگان از آتش نباشند (۱۶۸)

ای مردم! بخورید از آن حلال و
پاکیزه های که در زمین است و
گام برگامهای شیطان ننهید همانا
او دشمنی آشکار شماست (۱۶۹)
همانا او شما را فرمان کند فقط به
زستی و فحشائی و اینکه بسوی
خدا آن سخنان منسوب کنید که
خودتان هم نمیدانید (۱۷۰)

و هنگامیکه به آنها گفته شود که
آنرا پیروی کنید که خدا نازل کرده
است گویند: بلکه ما پیروی کنیم
آنچه را که بر آن پدران خود را

وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ
مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا مِنَّا ۗ كَذَلِكَ يَرِيهِمُ
اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ ۗ وَمَا هُمْ
بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ ﴿١٦٨﴾

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا
طَيِّبًا ۗ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ ۗ إِنَّهُ
لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿١٦٩﴾

إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوْءِ وَالْفَحْشَاءِ وَإِن
تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿١٧٠﴾

وَإِذْ أَقِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا
بَلْ نَتَّبِعُ مَا آفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا ۗ أَوْ لَوْ كَانَ
آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ ﴿١٧١﴾

یافتیم. آیا هر چند پدران آنها خرد
نداشتند و راه هدایت نه پیموده
بودند [باز هم از آنها پیروی خواهند
کرد؟] (۱۷۱)

و مثل آنانکه کفر کردند بمثل آن
است که بانگ میزند به آنچه که
نمیشود. [این چیزی نیست] مگر
اینکه خواندن و صدا زدن [بی
تائیر] است. آنها کر، لال، کوراند
پس آنها عقل نمیکنند (۱۷۲)

ای آنانکه ایمان آورده اید بخورید
از پاکیزه‌های که بشما رزق داده
ایم و به خدا سپاس گوید اگر
شما عبادت را خاص او می
گذارید (۱۷۳)

[خدا] بر شما حرام کرده است فقط
مردار و خون و گوشت خوک و
آنچه جز خدا بنام کسی دیگر ذبح
کرده شود. اما آنکه [از گرسنگی]
ناچار گردد و به رغبت نخورد و
تجاوز گرنیست پس بر او گناهی

وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعُقُ
بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً ۗ صُمُّ
بِكُمْ عَمَّا فَعَّمُوا لَا يَعْقِلُونَ ﴿۱۷۱﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا
رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ رِايَةً
تَعْبُدُونَ ﴿۱۷۲﴾

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ
الْخِزْيِيرِ وَمَا أُهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ ۚ فَمَن
اضْطَرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ
عَلَيْهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿۱۷۳﴾

نیست. همانا خدا بسیار آمرزنده

بارها رحمنکنده است (۱۷۴)

همانا کسانی که آنچه را کتمان کنند که خدا در کتاب نازل کرده است و ببدل آن بهائی ناقابل می پذیرند آنانند که در شکمهای خود نمیخورند جز آتش و خدا در روز قیامت بدیشان حرف نزند و نه ایشانرا پاکسازد و برای آنها عذابی دردناک است (۱۷۵)

آنان اند که گمراهی را ببهائی هدایت خریدند و عذاب را ببهائی آمرزش. پس بر آتش آنها چه شکیبا اند (۱۷۶)

این بدانعلت است که خدا کتاب را با حق نازل کرده است و کسانی که در کتاب اختلاف کرده اند به عناد خوی بسیار فرو رفته

اند (۱۷۷)

نیکی آن نیست که روی خود را بسوی مشرق و مغرب بگردانید

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا ۗ أُولَٰئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ ۗ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۱۷۴﴾

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَاةَ بِالْهُدَىٰ وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ ۚ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ ﴿۱۷۵﴾

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَّلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ﴿۱۷۶﴾

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ

بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ
وَالنَّبِيِّينَ ۚ وَآتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوِي
الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ
السَّبِيلِ ۗ وَالسَّالِفِينَ ۚ وَفِي الرِّقَابِ ۚ
وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ ۚ وَالْمُوقُونَ
بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا ۗ وَالصَّابِرِينَ فِي
الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ ۗ
أُولَٰئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا ۗ وَأُولَٰئِكَ هُمُ
الْمُتَّقُونَ ﴿۷۸﴾

بلکه نیکی از آن اوست که به خدا
و روز آخرت و فرشتگان و کتاب
و پیغمبران ایمان آورد و مال دهد
بدوستی او به خویشان و یتیمان
و مستمندان و مسافران و سائل
ها و برای آزادی گردنها و نماز
را بجای دارد و زکوت دهد و به
عهد خود وفا کنند هرگاه عهد بنندند
و در فقر و رنج و هنگام کارزار
شکیبایان اند همانند که صداقت
را پیش گرفتند و همانند که متقی
اند (۱۷۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كَتَبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ
فِي الْقَتْلِ ۗ الْحَرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ
وَالْأُنثَىٰ بِالْأُنثَىٰ ۗ فَمَنْ عَفَىٰ لَهُ مِنْ أَخِيهِ
شَيْءٌ فَاتَّبِعْهُ بِالْمَعْرُوفِ ۚ وَادَّأءَ إِلَيْهِ
بِإِحْسَانٍ ۗ ذَٰلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ
وَرَحْمَةٌ ۗ فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَلَهُ
عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۷۹﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید
قصاص کشتگان بر شما واجب
کرده شد. آزاد به آزاد و بنده به
بنده و زن بزن است و کسیکه
برایش چیزی از جانب برادرش
عفو شود پس پیروی کردن بروش
پسندیده و بدو پرداختن است با
برتربھائی - این از پروردگار
شما تخفیف و رحمت است. پس

هر که از این پس تعدی نماید او

را عذابی دردناکست (۱۷۹)

و شما را در قصاص حیات است

ای خردمندان تا باشد که تقوی

را اختیار کنید (۱۸۰)

برشما فرض کرده شد هنگامیکه

بکسی از شما مرگ فرارسد اگر

دارائی بازگذارد در حق والدین

و خویشان به متعارف وصیت

کند. این بر متقیان واجب

است (۱۸۱)

پس هر که آنرا پس از شنیدن آن

تغییر دهد پس مسلماً گناهش بر

آنان است که آنرا تغییر دهند.

یقیناً خدا بسیار شنوای مدام دانا

است (۱۸۲)

پس آنکه از وصیت کننده وهمه

طرفداری کردن یا گناه کردن را

دارد باز میان [وارثان] سازگاری

نماید پس بر او گناهی نیست.

همانا خدا آمرزندهٔ بارها رحم

وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيٰوةٌ يَاۤاُولِ
الْاَبۡبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ ﴿۱۸۰﴾

كُتِبَ عَلَيْكُمۡ اِذَا حَضَرَ اَحَدَكُمُ
الْمَوْتُ اِنْ تَرَكَ خَيْرًاۙ الْوَصِيَّةُ
لِلَّذِيْنَ وَالِدِيْنَ وَالْاَقْرَبِيْنَ بِالْمَعْرُوْفِ
حَقًّا عَلٰى الْمُتَّقِيْنَ ﴿۱۸۱﴾

فَمَنْ بَدَّلَهُۥۙ بَعْدَ مَا سَمِعَهَاۙ فَاِنَّمَا اِثْمُهُۥ عَلٰى
الَّذِيْنَ يَبَدِّلُوْنَهٗۙ اِنَّ اللّٰهَ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ﴿۱۸۲﴾

فَمَنْ خَافَ مِنْ مَّوۡصٍ جَنَفًا وَّ اٰثِمًا
فَاَصْلَحَ بِيْنَهُمْ فَلَا اِثْمَ عَلَيْهِۙ اِنَّ اللّٰهَ
غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿۱۸۳﴾

۲۲
ب

کننده است (۱۸۳)

ای آنانکه ایمان آوردید روزه بر شما فرض کرده شد بطوریکه فرض کرده شد بر آنانکه قبل از شما بودند تا باشد که متقی شوید (۱۸۴)

همین چند روزهاست. پس کسی از شما که مریض است یا بر سفر است پس شمار را در روزهای دیگر تکمیل کند و بر آنانکه طاقتش آورند فدیة غذا دادن به نیازمندی است. پس هر که بکوشد نیکی را فراتر از فرض بعمل آورد آنگاه این برای او بسیار نیکو است. اگر روزه بگیرد برای شما بهتر است اگر شما میدانید (۱۸۵) ++

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ
كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ
لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿۱۸۳﴾

أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ ۖ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ
مَّرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ
أُخْرٍ ۗ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ
طَعَامٍ مَسْكِينٍ ۖ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ
خَيْرٌ لَهُ ۗ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ
كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۱۸۴﴾

++ آیت ۱۸۵ - يطيقون را دو معانی است (۱) آنانکه طاقت آورند (۲) آنانکه طاقت نیاورند - در این واژه سلب و ایجاب هر دو معنی موجود است - معانی اش اینست آنانکه بسبب مجبوری آنی و بیماری نتوانند روزه بگیرند و برای روزه طاقت میآورند باید فدیة بپردازند و باید روزه های ناگرفته را در روزهای دیگر بگیرند و آنانکه روزه گرفتن را اصلاً طاقت نیاورند برای آنان فدیة دادن بس است و بعدها روزه گرفتن هم لازم نیست.

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ
هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى
وَالْفُرْقَانِ ۚ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ
فَلْيَصُمْهُ ۗ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ
فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ ۗ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ
الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ
وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا
هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۱۸۷﴾

ماه رمضان آنست که در آن قرآن
مردم را هدایت و نشانه های روشن
به تفصیل هدایت و امور حق را
از باطل جداکننده، نازل کرده شد.
پس آنکه از شمایین ماه را دریابد
پس باید روزه های آن را بدارد
و آنکه مریض است یا مسافر پس
شمار را در روزهای دیگر تکمیل
کردن است. خدا برایشما آسانی
میخواهد و برای شما دشواری
نمیخواهد و تا شمار را [براحتی]
تکمیل کنید و خدا را بزرگ دارید
بنابر آن هدایت که به شما داد و
تا شما سپاس بگذارید (۱۸۶)

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ ۗ
أَجِيبْ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ ۗ
فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِلَعَلَّهُمْ
يَرْشُدُونَ ﴿۱۸۷﴾

و هنگامیکه بندگانم تو را از من
بپرسند پس یقیناً من نزدیک ام
و دعای دعاکننده را هرگاه از من
دعا کند مستجاب نمایم. پس باید
سخنم را بلیک گویند و بمن ایمان
آرند تا آنان هدایت یابند (۱۸۷)
شبهای صیام نزدیکی کردن با زنان

أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَىٰ

خودبرایشما حلال کرده شد. آنها شمارا لباس اند شما آنها را لباس اید. خدا دانست که شما به نفسهای خود حق کشی میکردید پس او بر شما برحمت خود متمایل شد و از شما عفو نمود. پس اکنون با آنان مباشرت کنید و بجوئید آنچه خدا در حق شما نوشته است و بخورید و بیاشامید تا آنگاه که در بامگاه خط سپیدی از خط سیاهی [شب] برایشما آشکار گردد. سپس روزه را تا شب تکمیل کنید و به آنان نزدیکی نکنید در حالیکه شما در مساجد معتکفانید. این حدهای خدا است پس نزدیک آنها نشوید. این طور خدا آیتهای خود را برای مردم بصراحت بیان میکند تا باشد که آنان تقوی را پیش گیرند (۱۸۸) ++ ص: ۶۲

و مالهای خود را میان خود به فریب نخورید و نه آنها را به

نَسَآئِبِكُمْ ۱ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ
 لَهُنَّ ۲ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ
 أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ ۳
 فَالَّذِينَ بَاشِرُوا هُنَّ وَأَبْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ
 لَكُمْ ۴ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ
 الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ
 الْفَجْرِ ۵ ثُمَّ أَتَمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ ۶ وَلَا
 تَبَاشِرُوا هُنَّ وَأَنْتُمْ عَكْفُونَ ۷ فِي
 الْمَسْجِدِ ۸ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا
 تَقْرُبُوهَا ۹ كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ
 لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿۱۸۸﴾

وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ
 وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ

فرمانروایان عرضه نمایند تا پاره
از مالهای مردم را بگناه بخورید
در حالیکه شما میدانید (۱۸۹)

أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ
تَعْلَمُونَ ﴿۱۸۹﴾

درباره هلاکها از تو میپرسند. بگو
اینها وسیله تعیین وقت برای
مردم و حج است و نیکی این
نیست که به خانه ما از پشت آنها
داخل شوید. بلکه نیکوکاراوست
که تقوی فراگیرد و به خانه ما
از درهای آنها داخل شود و تقوی
را پیش گیرد تا باشد که شما
رستگار شوید (۱۹۰)

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْآهْلِ ۱ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ
لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ ۲ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا
الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ
اتَّقَى ۳ وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا ۴ وَاتَّقُوا
اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۱۹۰﴾

و در راه خدا قتال کنید آنها را
که به شما قتال کنند و تعدی نکنید
همانا خدا تجاوزگران را دوست نه

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ
وَلَا تَعْتَدُوا ۱ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿۱۹۱﴾

آیت ۱۸۸ - عموماً اصحاب رسول در ماه رمضان شبگاه از نزدیکی کردن به مسران
برهیز میجستند و در این آیت ایشان مجاز ساخته شدند و در آیتی مجاور نزدیکی
کردن فقد هنگام اعتکاف نهی شده است. زاید بر آن در اینجا خط سپیدی و خط
سیاهی را ذکر است. مفهومش این نیست که در تاریکی رفته این دو خط را
بازشناسید بلکه معنای آن اینست که چون قبل از گسترش روشنائی صبحگاه.
نخستین تیغ آفتاب بامدادی پدید آید سحرگاه پایان مییابد.

دارد (۱۹۱)

و [حين قتال] آنها را بکشید مرکبا آنها را دریا بیدوبیر و نکند آنها را از جائیکه شمارا بیرون کرده بودند و فتنه سختتر از قتل است و نزد مسجد حرام با آنها قتال نه کنید تا آنگاه که بشما در آن قتال کنند. پس اگر به شما قتال کنند آنگاه شما آنها را بکشید. پاداش کافران همین است (۱۹۲)

پس اگر دست بردارند پس خدا بسیار آمرزنده بارها رحم کننده است (۱۹۳)

و با آنها قتال کنید تا آنگاه که هیچ فتنه باقی نماند و [فرا گرفتن] دین برای خدا باشد پس اگر باز ایستند آنگاه تعدی نیست جز بر ستمکاران ++ (۱۹۴)

وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ
وَأَخْرِجُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ أَخْرَجَكُمُ
وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ ۗ وَلَا
تُحِلُّوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى
يُفْتَلَوْكُمْ فِيهِ ۗ فَإِنِ قُتِلُوا فَمَا
فَأَقْتُلُوهُمْ ۗ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكٰفِرِينَ ۝۱۱۲

فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝۱۱۳

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ
الدِّينُ لِلَّهِ ۗ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا
عَلَى الظَّالِمِينَ ۝۱۱۴

++ آیت ۱۹۴: فرمان قاتلوا خلاف آنهاست که مردم را بزور شمشیر به ارتداد وا میدارند و در اینصورت جنگ دفاعی جایز است تا آن انتها که آنها از فتنه ارتداد دست بردارند.

ماه حرام بموض ماه حرام وممه
 حرمتهاى راقصاص است. پس آنکه
 برشما تجاوز کند پس براو تجاوز
 کنید به مثل آنچه برشا تجاوز
 کرد و از خدا بترسید و بدانید که
 خدا با متقیان است (۱۹۵) ++

و در راه خدا انفاق کنید و خود
 را بدستهای خود بھلاك مندازید
 واحسان کنید. حتماً خدا
 محسان را دوست دارد (۱۹۶)

وحج وعمره را بخاطر خدا تکمیل
 کنید. پس اگر باز داشته شوید آن
 گاه هرچه از قربانی میسر شود
 [بدمید] و سرخود را متراشید تا
 آنگاه که قربانی به جای [ذبح] خود
 برسد. پس کسی از شما که مریض
 است و او را درسش آزاری
 است پس از روزه یا صدقه داده

الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ
 وَالْحُرُمَاتِ قِصَاصٌ ۚ فَمَنِ اعْتَدَى
 عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا
 اعْتَدَى عَلَيْكُمْ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ
 وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ
 مَعَ الْمُتَّقِينَ ﴿۱۹۵﴾

وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا
 بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ ۗ وَأَحْسِنُوا ۗ إِنَّ
 اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿۱۹۶﴾

وَأْتِمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ ۚ فَإِنْ
 أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ ۚ
 وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ
 الْهَدْيُ مَحِلَّهُ ۚ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا
 أَوْ بِهِ آذَىٰ مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ
 أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ ۚ فَإِذَا أَمِنْتُمْ
 فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا

++ آیت ۱۹۵: ماهای که در آنها قتال حرام است البته قتال در آنها آنگاه جایز است
 وقتیکه کسی مخالف یا غیر مسلم به آنها احترام نگذارد. هرگز برای مسلمانان
 لازم نیست که بی دفاع دست بسته بنشینند.

اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ ۚ فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ
فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا
رَجَعْتُمْ ۚ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ۚ ذَلِكَ
لِمَنْ لَّمْ يَكُنْ أَهْلَهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ
الْحَرَامِ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ
شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿١٧٧﴾

ع ۸

یا قربانی کرده فدیہ دادن است. پس هرگاه ایمن شدید آنوقت آن که بخواهد از عمره باحج بهره مند شود آنگاه هرچه از قربانی میسر شود [بدمد] و آنکه [توان] نیابد پس روزه سه روز گرفتن است هنگام حج و هفت چون برگردید - اینست ده [روز] تمام. این برای کسی است که خانواده او نزد مسجد حرام نیستند و به خداتقوی پیشگیرید و بدانید که خداسخت عقوبت است (۱۹۷)

ماه‌های حج مشخص است پس آنکه در این‌ها به حج تصمیم گرفت آنگاه در حج نه شهوت رانی است، نه زشتکاری است و نه جدل است و هرچه نیکی انجام دهید خدا آن را بداند و توشه راه جمع کنید پس حتمًا بهترین توشه راه تقوی است و از من بترسید ای خردمندان (۱۹۸)

الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَةٌ ۚ فَمَنْ فَرَضَ
فِيهَا الْحَجَّ فَلَارَ فِتْنَةَ وَلَا فُسُوقَ ۚ وَلَا
جِدَالَ فِي الْحَجِّ ۚ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ
يَعْلَمُهُ اللَّهُ ۚ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ
التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ ﴿١٧٨﴾

برشما باکی نیست که از پروردگار خود خواهان فضل باشید. پس چون از عرفات برگردید آنوقت نزد مشعر حرام خدا را ذکر کنید و او را یاد کنید بدانسان که او شما را هدایت داده است و از این پیش شما یقیناً از گمراهان بودید (۱۹۹) سپس [شمانیز] برگردید از جائیکه مردم بر میگرددند و از خدا آمرزش بخواهید. یقیناً خدا بسیار آمرزنده بارها را رحمنکننده است (۲۰۰)

پس هنگامیکه مناسک حج را تمام کنید آنوقت خدا را یاد کنید آنگونه که پدران خود را یاد میکنید بلکه سرشارتر از آن یاد. پس کسی از مردم است که گوید پروردگارا! بده ما را در دنیا و او را در آخرت هیچ بهره نیست (۲۰۱)

و کسی از آنها میگوید: ای پروردگار ما! اعطاکن مارا نیکوی در دنیا و نیکوی در آخرت و مارا از عذاب

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّنْ رَبِّكُمْ^ط فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ^ص وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَيْكُمْ^ج وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الصَّالِينَ^{١٩٩}

ثُمَّ أَفِضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ^{٢٠٠}

فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا^ط فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ^{٢٠١}

وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ^{٢٠٢}

آتش نکه دار(۲۰۲)

همانند که ایشانرا پاداشی است
از آنچه کسب کنند و خدا زود
حساب است(۲۰۳)

و در این روزهای معدود خدا را
یاد کنید. پس آنکه برشتابد در دو
روز بر او باکی نیست و آنکه تاخیر
کند باز بر او باکی نیست [این برای
اوست که تقوی کند و از خدا
بترسید و بدانید که شما بسوی
او محشور کرده شوید(۲۰۴)

و از مردم کسی است که گفتارش
درباره حیات دنیا تورا خوش آید
و خدا را گواه نماید بر آنچه در
دلش است حالانکه او ستیزه گری
سرسخت است(۲۰۵)

و چون صاحب اختیار گردد در
زمین سعی کند تا در آن فساد
بگستراند و کشت و نسل را بهلاک
برساند و خدا هرگز فساد را دوست
ندارد(۲۰۶)

أُولَٰئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا ۗ وَاللَّهُ
سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿٢٠٣﴾

وَأَذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ ۗ فَمَنْ
تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ ۚ وَمَنْ
تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ ۗ لِمَنِ اتَّقَىٰ ۗ وَاتَّقُوا
اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٢٠٤﴾

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ
الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ ۗ وَهُوَ
الذَّالِي خَصَامٌ ﴿٢٠٥﴾

وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا
وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ ۗ وَاللَّهُ
لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ ﴿٢٠٦﴾

و چون بدو گفته شود که برای خدا تقوی اختیار کن خود خواهی او را بر گناه ثابت میدارد. پس جهنم برای او بس است و یقیناً آن جایگاه بسیار زشت است (۲۰۷) و کسی از مردم است که جان خود را بطلب خوشنودی خدا میفروشد و خدا بر بندگان بسیار مهربان است (۲۰۸)

ای کسانی که ایمان آورده اید همگی شمایه حلقه اطاعت در آئید و گام بر گام های شیطان ننهید. یقیناً اودشمنی آشکار شما است (۲۰۹) پس اگر لغزیدید از آن پس که نشانه های روشن شمارا آمد آنگاه بدانید که خدا صاحب غلبه کامل صاحب حکمت است (۲۱۰)

آیا فقط برای این انتظار دارند که خدا آنانرا در سایه های ابرها بیاید و فرشتگان و کارگزارانیده شود و باز گشت همه امور بسوی

وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسِبْهُ جَهَنَّمَ ۗ وَلَيْسَ الْمُهَادِدُ ۝

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ ۝

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَآفَّةً ۚ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوتِ الشَّيْطَانِ ۗ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ۝

فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْهُ بَعْدَ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ ۗ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ۝

خداست (۲۱۱)

پرس از بنی اسرائیل چه بسا
آیت های تابان بدیشان داده
بودیم و هرکه نعمت خدا را تبدیل
کند از آن پس که آن او را برسد
آنگاه یقیناً خدا سخت عقوبت
است (۲۱۲)

زندگی دنیا بکسانیکه کفر کردند
زیبا بنمایش گذارده شد و آنها به
کسانی که ایمان آوردند تسخر
میکنند و کسانیکه تقویٰ پیش
گرفتند روز قیامت بالاتر از آنها
باشند و خدا رزق را بهرکه خواهد
بیحد و حساب اعطا کند (۲۱۳)

مردم يك امت بودند. پس خدا
انبیاء را مژده دهندگان و بیم
دهندگان فرستاد و با ایشان کتابی
باحق نازل کرد تا در میان مردم
قضاوت کند در آن امور که در آن
اختلاف کردند و اختلاف در این
[کتاب] فقط آنهائی میان خود

سَلَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا آتَيْتَهُمْ مِنْ آيَةٍ
بَيِّنَةٍ ۖ وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا
جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢١١﴾

رُزِقَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا
وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ
اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ
يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٢١٢﴾

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً ۗ فَبَعَثَ اللَّهُ
النَّبِيِّنَّ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ ۖ وَأَنْزَلَ
مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ
فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ ۗ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا
الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ
الْبَيِّنَاتُ ۗ بَعْضًا مِنْهُمْ جَاهِلُونَ ۗ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ

گردن کشی کنان کردند که آن [کتاب] داده شدند پس از آنکه آنها را نشانه های آشکار آمده بود. پس خدا آنان را که ایمان آورده بودند به اذن خود برای آنچه در آن اختلاف میکردند رهنمائی کرد و خدا هر که را خواهد رهنمائی به صراط مستقیم میکند (۲۱۴) ++

آیاگان کردید که وارد بهشت شوید در حالی که هنوز شما را حالتی همچون کسانی که قبل از شما بودند نیامده است ایشان را سختیها ورنجهای رسیدولرزانده شدند تا آن انتها که رسول و آنان که با او ایمان آورده بودند فریاد

أَمْوَالِ مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِأَذْنِهِ ط
وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ
مُسْتَقِيمٍ ﴿٢١٤﴾

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا
يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ ط
مَسَّهُمُ الْبُاسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزِلُوا
حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ
مَتَى نَصُرَ اللَّهُ أَلاَّ إِنَّ نَصَرَ اللَّهُ
قَرِيبٌ ﴿٢١٥﴾

++ آیت ۲۱۴: قبل از اینکه پیغمبری ظهور کند مردم همه ایشان همسنگ میشوند. اگر چه ظاهر آیه رسولان قبلی ایمان دارند اما در فسق و فجور بهم میباشند. این سخن کلی است که پیش از ظهور رسولی همه ملتها چه مومن چه غیر مومن همه یک روش را دنبال میکنند. دمیکه آن پیغمبر کتاب و فرامین آنرا نسبت به امر و نهی توضیح میدهد آنگاه مخالفت آن پیغمبر مردم را در دو گروه منقسم میسازد که یکی از آنان پیروان پیغمبر و دیگران مخالفان او میباشند.

زندد انجام یاری خدا تا بچند کشد؟
باش! یاری خدا یقیناً نزدیک
است (۲۱۵)

مسئلت کنند از تو که چه انفاق
کنند؟ بگو هر چه از مال انفاق کنید
پس برای والدین و خویشان و
یتیمان و ناداران و درماندگان راه
است و هر چه نیکوکاری کنید پس
خدا احتسابه آن آگاه است (۲۱۶)

قتال بر شما واجب کرده شد و لو
آن شمارا ناخوش داشت و امکان
دارد که چیزی شمارا ناخوش دارد
و آن برای شما بهتر است و امکان
دارد که چیزی شمارا خوش دارد
و آن برایشما بسیار بد است و
خدا میداند حالیکه شما نمی
دانید (۲۱۷)

مسئلت کنند از تو درباره ماه حرام
یعنی قتال در آن - بگو قتال در آن
[گناهی] بزرگست و بازداشتن از
راه خدا و به او انکار کردن و از

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ
مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّهِ وَاللِّدِينِ وَالْأَقْرَبِينَ
وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا
تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿٢١٥﴾

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَّكُمْ
وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ
لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ
لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢١٦﴾

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ
قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدُّ عَنْ سَبِيلِ
اللَّهِ وَكَفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ
أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ

مسجد حرام [باز داشتن] و اهل
[اصلی] آنرا از آن بیرون راندن
نزد خدا [گناهی] بزرگتر از آنست و
فتنه بزرگتر از قتل است و آنها
شارا پیوسته کارزار کنند تا آن
نهایت که اگر طاعت آورند شما
را از دین شما بازگردانند و هر
که از شما از دین خود بازگردد
و بپردد در حالیکه او کافر است
پس همانها که اعمالشان درد دنیا و
آخرت پوچ شد و همانها اهل
آتشند. آنها مدت دراز در آن
خواهند ماند (۲۱۸)

یقیناً کسانی که ایمان آوردند و
آنها که مهاجرت نمودند و در راه
خدا جهاد کردند ایشانشانند که رحمت
خدا میخوانند و خدا آمرزنده ی
بارها رحم کننده است (۲۱۹)

درباره شراب و قمار از تو
مسئلت کنند. بگو در ایندو [جنبه]
گناه بزرگتر است و برای مردم

أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ ۖ وَلَا يَزَالُونَ
يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ
إِنْ اسْتَطَاعُوا ۖ وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ
دِينِهِ فِيمْتٍ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَٰئِكَ حَبِطَتْ
أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۖ وَأُولَٰئِكَ
أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢١٨﴾

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا
وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۗ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ
رَحْمَتَ اللَّهِ ۖ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢١٩﴾

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ ۖ قُلْ
فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ
وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا ۖ

وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ ۗ قُلِ الْعَفْوَ ۗ
 كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ
 تَتَفَكَّرُونَ ﴿۳۳﴾

فوائدنیز است و [جنبه] گناه ایندو
 بزرگتر از بهره ایندو است و
 مسئلت کنند چه چیز انفاق کنند.
 بگو آنچه زاید بر نیاز است. این
 گونه خدا آیات خود را باخاطر شما
 به تصریح بیان میکند تا باشد شما
 تفکر کنید (۲۲۰) ++

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۗ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ
 الْيَتَامَىٰ ۗ قُلِ إِصْلَاحٌ لَّهُمْ خَيْرٌ ۗ وَإِنْ
 تُخَالِفُواهُمُ فَاِخْوَانُكُمْ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ
 الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ ۗ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ
 لَأَعْتَبَتْكُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿۳۳﴾

درباره دنیا و آخرت و از یتیمان
 تورا میپرسند. بگو اصلاح کردن
 آنان نیکوکاری است و چنانچه
 به آنان آمیزش کنید پس برادران
 شمایند و خدا اصلاح آورنده را
 از فسادکننده خوب میداند و اگر
 خدا میخواست حتماً شما را به
 سختی روبرو میساخت. یقیناً خدا

++ آیت ۲۲۰: در این آیت برای حرام و حلال يك اصل استوار بیان شده است. آن
 چیزها که مصرف آنها سودمندتر از زیان است ملالند و چیزهاییکه سودمند اما ضرر
 آنها زیادتر از فایده است آنها حرامند. الکحل اگر نوشیده شود ضرر میرساند لذا
 کم نوشیدن نیز حرام است. اما در علم طب الکحل را اهمیتی فوق العاده است.
 عصاره بوی خوش در محلول الکحل بهم آمیخته هر چند بر لباس پاشیده شود هرگز
 مستی نیآرد.

صاحب غلبه کامل صاحب حکمت
است (۲۲۱)

وبازنان مشرکه ازدواج نکنید
تا آنگاه که ایمان آورند و کنیزک
مومنه بهتر از زنی مشرکه است
ولو شمارا خوش دارد و مردان
مشرک را [بازنان مومنه] تزویج
ندمید تا آنگامکه ایمان آرند و
حتماً بنده ی مومن بهتر از [آزاد]
مشرک است ولو شمارا خوش
دارد. همانها اند که بسوی آتش
دعوت میکنند و خدا بفضل خود به
سوی بهشت و آمرزش میخواند و
آیتهای خود را برای مردم بروشنی
بیان کند تا آنان پند بگیرند (۲۲۲)
و درباره قاعدگی از تو میپرسند
بگو آن [حالت] رنج است. پس در
قاعدگی از زنان دوری جوید و
با آنها نزدیکی نکنید تا آنگاه که
پاک شوند پس چون پاک شوند
پس با آنها نزدیکی کنید از طریق

وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَةَ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ^ط
وَلَا مَمْلُوءَةً مُّؤْمِنَةً خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَ لَوْ
أَعَجَبْتُمْ^ق وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ
يُؤْمِنُوا^ط وَ لَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ
وَ لَوْ أَعَجَبَكُمْ^ط أُولَٰئِكَ يَدْعُونَ إِلَى
النَّارِ^ج وَ اللَّهُ يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّةِ
وَ الْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ^ج وَ يَبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ
لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ^ح

۲۷
ع
۱۱

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ^ط قُلْ هُوَ آذَى^ل
فَاعْتَرِزُوا النَّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ^ل وَلَا
تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهَرْنَ^ج فَإِذَا تَطَهَّرْنَ
فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ^ط إِنَّ اللَّهَ
يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ^ح

که خدا بشما فرمان کرده است.
یقیناً خدا بسیار توبه کنندگان و
پاکان را دوستدارد (۲۲۳)

زنان شما کشت شما اند. پس
بیایید بنزد کشت خود بطوریکه
بخواهید و چیزی برای نفسهای خود
پیش بفرستید و از خدا بترسید
و بدانید که حتماً شما با او ملاقات
کنید و بومنان مژده بده (۲۲۴) +

خدا را هدف سوگندهای خود
قرار ندهید تا از نیکی کردن، تقوی
کردن و بین مردم اصلاح نمودن
گریز کنید و خدا بسیار شنوای
مدام دانا است (۲۲۵)

خدا شمارا بر قسمهای بیپوده شما
مواخذه نکند اما بسبب آن [گناه]
که قلبهای شما کسب کند شما را
مواخذه کند و خدا بسیار آمرزنده

+ آیت ۲۲۴: ستمگران این آیت را برای نزدیکی غیرعادی با زنان خود جواز قرار
میدهند. این ظلم بزرگی است. کلمه حرت یعنی کشت دال بر آن اعضای بدن است
که موجب تولدنسل اند در صورتیکه نزدیکی غیرعادی هرگز موجب تولدنسل نیست.

نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ
أَن تَشْتُمُوا وَقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ^ط
وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلْقَوَةٌ^ط
وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٢٤﴾

وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ
تَبَرُّوا وَاتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ^ط
وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٢٥﴾

لَا يَأْخُذُكُمْ اللَّهُ بِاللَّعْوْفِ فِي أَيْمَانِكُمْ
وَلَكِنْ يَأْخُذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ
قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿٢٢٦﴾

بردبار است (۲۲۶)

و برای کسانی که درباره زنان خود ایلاء کنند چهارماه انتظار کشیدن است. پس اگر رجوع کنند آنگاه خدا آمرزنده ی بارها رحمکنده

است (۲۲۷)

و اگر به طلاق آهنگ کنند پس یقیناً خدا شنوای مدام دانا

است (۲۲۸)

و زنانیکه طلاق داده شوند تاسه پاکی خود را نگهدارند و برای آنان روانیست آنچه را خدادر رحمهای آنان خلق کرده کتمان نمایند اگر به خدا و روز آخرت ایمان دارند و در آنصورت شوهران آنان بیشتر حقدارند که آنها را باز گیرند چنانچه بسازگاری اراده کنند و زنان را [حقوق] است چنانکه به متعارف کسی [مرد] را بر آنها است در حالیکه مردان را بر آنان رجحان هم است و خدا

لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصٌ
أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ ۚ فَإِنْ فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ
غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۲۲۶﴾

وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ
عَلِيمٌ ﴿۲۲۷﴾

وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ
قُرُوءٍ ۗ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا
خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنُ
بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۗ وَبَعُوهُنَّ حَتَّى
يَرِدَهُنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا
وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۗ
وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ ۗ وَاللَّهُ عَزِيزٌ
حَكِيمٌ ﴿۲۲۸﴾

صاحب غلبه کامل و صاحب

حکمت است (۲۲۹)

طلاق دو بار است. بعداً بمتعارف نگه داشتن است یا بوجه نیکو رها کردن است و شمارا روانیست که چیزی از آنچه به آنها دادید پس گیرید مگر اینکه آندوی بترسند که حدهای خدا را بپا نه خواهند کرد و اگر بترسید که آن دوی حدهای خدا را بپا نخواهند کرد پس بر آندو باکی نیست که آنزن [بخاطر بپایان دادن تنازعه] بدوستی چیزی رادرحق مرد ترك کند. این حدهای خداست و از آنها تجاوز نکنید و هر که از حدهای خدا تجاوز کند پس آنانند که ستم کارانند (۲۳۰)

پس اگر او آنزن را طلاق دهد پس آن زن برای او حلال نمیگردد تا زمانی که آنزن باشوهری بغیر از او نکاح کند. پس اگر او [هم] به

الطَّلَاقُ مَرَّتَيْنِ ۖ فَمَا سَكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ
تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ ۗ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ
تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ
يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ ۗ فَإِنْ
خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ ۗ فَلَا جُنَاحَ
عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ ۗ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ
فَلَا تَعْتَدُوهَا ۚ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ
فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٣٠﴾

فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا حِلَّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى
تُكْرِعَ زَوْجًا غَيْرَهُ ۗ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا
جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ

آنزن طلاق دهد در آن صورت برآندو باکی نیست که بهم دیگر رجوع کنند اگر یقین دارند که [این بار] خدای خدا را بیامینند و این خدای خدا است که آنها را برای قومی که میدانند بصراحت بیان کرده ایم (۲۳۱)

و هنگامیکه به زنان طلاق دهید و بغایت مدت معین خود برسند آنگاه یا آنها را طبق دستور نکه دارید یا آنها را بمتعارف رها کنید و بازمدارید آنان را به اذیت ناتمندی کنید و هر که اینکار کند یقیناً بر خود ستم کرد و آیات خدا را بباد سخریه نگیرد و بخاطر آریدنعمت خدا را بر خود و آنچه از کتاب و حکمت بر شما نازل کرد. بدینوسیله او به شما پند میدهد و از خدا بترسید و بدانید که خدا بهر چیز نیک دانا

است (۲۳۲)

يُفِي مَا حُدُّوْا لِلّٰهِ ۙ وَتِلْكَ حُدُوْدُ اللّٰهِ
يَسِّرُهَا لِلْقَوْمِ يَعْلَمُوْنَ ﴿۳۱﴾

وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَّغُنَّ أَجَلَهُنَّ
فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ
بِمَعْرُوفٍ ۖ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا
لِّتَعْتَدُوا ۗ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ
نَفْسَهُ ۚ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا
وَأذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ
عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةَ يَعِظُكُمْ
بِهِ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ
شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿۳۱﴾

و وقتی که بزنان خود طلاق دادید و بغایت مدت معین خود برسند پس آنها را بازندارید که با [دیگر] شوهران خود نکاح کنند چون آندو به متعارف رضای هم بروند. این بند به او داده میشود آنکه از شما به خدا و روز آخرت ایمان دارد. این [طریق] شما را نیکوتر و پاکتر کننده است و خدا میداند

در حالیکه شما نمیدانید (۲۳۲)

و بایستی مادران کودکان خود را دو سال تمام شیردهند بخاطر آن [مرد] که میخواهد رضاعت را پایان برد و خوراک و لباس آن زنان به متعارف بر صاحب فرزند است و تنی تکلیف نمیشود جز توانایش. مادر بمناسبت کودکش آزار داده نه شود و هم نه پدر بمناسبت فرزند خود و بر وارث هم مانند آنست و اگر آن دو با رضایت و مشورت هم بخواهند

وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضُوا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ ۗ ذَلِكَ يُوعِظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۗ ذَلِكَُمْ أَزْوَاجُكُمْ وَأَطْهَرُ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿۳۳﴾

وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ ۗ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۗ لَا تُكَلِّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا ۗ لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ ۗ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ ۗ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا ۗ وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْرِعُوا فَأَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ

شیرد بازگیرند پس برآند و باکی نیست. اگر بخواهید به فرزندان خود [از جای دیگر] ارضاع کنید باز هم بر شما گناهی نیست و قتیکه آنچه بمتعارف طی کردید پرداخت کرده باشید و از خدا بترسید و بدانید که خدا بینا است به آنچه عمل کنید (۲۳۴)

و کسانی از شما که بمیرند و مسرین باز گذارند آن زنان خود را چهار ماه و ده روز نگهدارند. پس هرگاه بنهایت زمان معین خود برسند آنگاه در مورد آنچه بمتعارف در حق خود انجام دهند بر شما گناهی نیست و خدا مدام آگاهست بآنچه انجام دهید (۲۳۵) و هیچ گناهی بر شما نیست اگر به خواستگاری [آن] زنان به آنها بکنایه تعریض کنید یا در دلهای خود پنهان دارید. خدا میداند که حتمًا شما آنها را بخاطر خواهید

عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ^ط وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ^{٢٣٤}

وَالَّذِينَ يَتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ^ب أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا^ع فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ^ط وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ^{٢٣٥}

وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُم بِهِ مِنْ خُطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ^ط عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلَكِنْ لَا يَأْتِيَنَّكُمْ عِدَّتُهُنَّ سِرًّا^ب إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا

مَعْرُوفًا وَلَا تَعْرَمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ
حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ ۗ وَاعْلَمُوا أَنَّ
اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ
وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿۲۳﴾

عقود

داشت. اما با آنها قرار مخفی نگذارید
جز اینکه سخنی نیکو بگوئید و
قصد عقد ازدواج نه کنید تا آنگاه
که بنهایت زمان معین خود
برسند و بدانید که خدا میداند
آنچه در دلهای شماست پس از
[عقوبت] او حذر کنید و بدانید که
خدا آمرزنده بردبار است (۲۳۶)
شماراگنای نیست اگر بزنانی
طلاق دهید که به آنها نزدیکی
نکرده اید یا مهریه آنها مقرر
نداشته اید و آنها را کمی بفرستند
کنید. توانگر را فراخور توانائی
او و بر ناتوان فراخور توانائی
او بفرستد. [این باید] بمتعارف
کمی متاعی باشد و این بر محسان
لازم تر است (۲۳۷)

و اگر به آنها طلاق دهید قبل از این
که به آنها نزدیکی کردید و برای
آنها مهریه مقرر داشته اید آنگاه
نصف آن [بدهید] ک مقرر کردید

لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا
لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً ۗ
وَمِعْوَهُنَّ عَلَىٰ الْمَوْسِعِ قَدَرُهُ وَعَلَىٰ
الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا
عَلَىٰ الْمُحْسِنِينَ ﴿۲۳﴾

وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ
وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فِضْفُ مَا
فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوا الَّذِي

بِيَدِهِ عَقْدَةُ النِّكَاحِ ۖ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ
لِلتَّقْوَى ۖ وَلَا تَتَسَوُا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ
إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿۲۳۸﴾

جز اینکه آنها ببخشند یا آنکس
ببخشد که عقدنکاح در دست او
است و اگر در گذرید این نزدیکتر
به تقوی است و میان خود برتر
بهائی را فراموش نکنید یقیناً خدا
بينااست به آنچه میکنید (۲۳۸)

حِفْظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ
الْوَسْطَى ۖ وَكُومُوا لِلَّهِ قَتِينًا ﴿۲۳۹﴾

بر نمازهای [خود] مراقبت کنید
خصوصاً نماز میانه را و برای خدا با
تسلیم کامل بپایستید (۲۳۹) ++
پس اگر بیدارید آنگاه پیادگان
یا سواران [نماز بخوانید] باز چون
ایمن شدید آنگاه خدا را یاد کنید
همانطور که او آموخت شما را آن
چه را نمیدانستید (۲۴۰)

فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجًا لَا أَوْرُكْبَانًا ۖ فَإِذَا
أَمِنْتُمْ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ
تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ﴿۲۴۰﴾

و آنان از شما که میمیرند و همسران
باز گذارند در حق همسران خود
برای بهره گیری يك ساله بدون
اخراج [از منازل] وصیت کنند ز پس

وَالَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْكُمْ وَيَدْرُونَ
أَرْوَاجًا ۖ وَصِيَّةً لِأَرْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى
الْحَوْلِ غَيْرِ إِخْرَاجٍ ۚ فَإِنْ خَرَجْنَا فَلَا

آیت ۲۳۹- و ازه صلاة وسطی را معنای عمومی نماز ظهر است حالانکه صلاة وسطی
هر يك آن نماز است که عیناً میان مشغولیات خوانده شود. هر چند مشغولیات
بیشتر اهمیت این نماز بیشتر.

جَنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَا فِي أَنْفُسِنَا
 مِنْ مَّعْرُوفٍ ۖ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٤١﴾

اگر آنها [بمیل خود] در روند آنگاه
 درباره آنچه بمتعارف در حق خود
 انجام دهند بر شما گناهی نیست و
 خدا صاحب غلبه کامل صاحب
 حکمت است (۲۴۱)

وَالْمُطَلَّقَاتُ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ ۖ حَقًّا
 عَلَى الْمُتَّقِينَ ﴿٢٤٢﴾

و زنان مطلقه را نیز بمتعارف
 بهره مند ساختن است. [این در حق
 آنها] بر متقیان بفرض است (۲۴۲)
 اینطور خدا آیتهای خود را برای
 شما روشن سازد تا شما عقل
 کنید (۲۴۲)

كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ
 تَعْقِلُونَ ﴿٢٤٣﴾

آیا جهت آنها حالی نشدی که از
 خانه های خود از ترس مرگ
 خارج شدند و هزاران بودند؟ پس
 خدا به آنها گفت که مرگ را
 قبول کنید سپس [این طور] آنها
 را زنده کرد. یقیناً خدا بر مردم
 بسیار فضل بخشاء است و اما
 بیشتر مردم [به او] سپاسداری
 نمیکنند (۲۴۴) ++

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ
 وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ ۖ فَقَالَ لَهُمْ
 اللَّهُ مَوْتُوا ۖ ثُمَّ أَحْيَاهُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَذُوُ
 فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا
 يَشْكُرُونَ ﴿٢٤٤﴾

++ آیت ۲۴۴: معنای موتوا مرگ بدنی نیست چه خودکشی حرام است [بقیه ص ۸۴]

و قتال کنید در راه خدا و بدانید که خدا شنوای مدام دانا است (۲۴۵)

کیست آنکه به خدا قرض حسنه دهد تا او آنرا برایش چندین برابر بیفزاید و خدا [رزق را] جمع میکند و می گشاید و شما بسوی او بازگردانیده میشوید (۲۴۶)

آیا بحال سرداران بنی اسرائیل بعد از موسی نگاه نکردی چون آنها به پیغمبری گفتند بر ایما پادشاه برانگیز تا در راه خدا قتال کنیم. گفت، آیا چون نیستید اگر جنگ بر شما واجب گردد جنگ نکنید؟ گفتند و چیست ما را که در راه خدا جنگ نکنیم حالانکه از خانه های خود و از فرزندان خود بیرون

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٤٥﴾

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضِعُّهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْضِي وَيَبْصُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٤٦﴾

أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَامِنِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّهِمْ إِنَّهُمْ إِنبِئْنَا مِنْ مَلَائِكَةٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَاؤُنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ

بقیه ص: ۸۳ قرآن از طرف دیگر بارها اعلان کرده است هر که یگبار ازین دنیا رفت دوباره برنمیگردد لذا معنی موتوا وارد کردن مرگ بر هوایی نفسانی است بطوریکه قول صوفیان است موتوا قبل ان تموتوا - قبل از آنکه شما را فوت آید خودتان بمیرید.

رانده شدیم. پس گامیکه جنگ بر آنها لازم کرده شد روی برتابیدند جز اندکی از آنها و خدا به ستم کاران بخوبی آگاه است (۲۴۷)

و پیغمبر آنان بدیشان گفت. خدا برای شما طالوت را پادشاه برانگیخته است گفتند چطور میشود که او را بر ماسلطنت باشد حالانکه ما برای پادشاهی سزا وارتر از او هستیم و او فراخی مال هم نداده شده است. گفت: یقیناً خدا او را بر شما برگزیده و او را در علم و جسم فراخی افزوده است و خدای پادشاهی خود را به هر که بخواهد در میدمد و خدا گشایش بخشاء صاحب علم دائمی است (۲۴۸) ++

و پیغمبرایشان بدیشان گفت همانا علامت پادشاهی او آن است که بشما تابوتی میرسد که در آن از پروردگار شما سکنه و

تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلاً مِّنْهُمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿٢٤٧﴾

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَلَيْسَ أَلَىٰ يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ ۗ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَهُ مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٤٨﴾

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ

باقیمانده آن چیزاست که آل موسی و آل هارون وا گذاشتند. فرشتگان آنرا برداشته باشند یقیناً شمارا دراین آیتهای است اگر شما دارندگان ایمان اید(۲۴۹)++

پس هنگامیکه طالوت با لشکر خود رهسپارشد گفت: یقیناً خدا شما را از نهری آزمایش میکند. پس هرکه از آن [پیری] بنوشد از من نیست و آنکه از آن ننوشد از من است مگر آنکه به کفی بدست خود بگیرد. پس نوشیدند از آن مگر اندکی از آنها. پس هنگامیکه او و آنانکه با او ایمان آورده بودند از آن نهر عبور کردند [نافرمانان] گفتند: امروز به [مقابل] جالوت و لشکریانش مارا تابی نیست. آنانکه گمان کردند که آنان از خدا دیدارکننده اند گفتند چه بسا گروهی کم تعداد

تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ ۱۰۱ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُمۡ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۱۰۲

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ ۱۰۳ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ ۱۰۴ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي ۱۰۵ وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ ۱۰۶ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ ۱۰۷ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ ۱۰۸ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ ۱۰۹ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلتَمُوا اللَّهَ ۱۱۰ كَمۡ مِّن فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ ۱۱۱ غَلَبَتْ فِتْنَةُ كَثِيرَةٍ ۱۱۲ بِإِذْنِ اللَّهِ ۱۱۳ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ۱۱۴

باذن خدا برگرومی بسیار تعداد
غالب آمدند و خدا با شکیبایان
است (۲۵۰) ++

پس گامیکه برای [مقابله] جالوت
ولشکریانش نمودار شدند گفتند:
پروردگارا! صبر بر ما نازل کن و
قدمهای ما را ثابت بدار و ما را بر
قوم کافران یاری کن (۲۵۱) ++

پس ایشان به اذن خدا آنها را
مزیت دادند و داود جالوت را
کشت و خدا او را پادشاهی و
حکمت در داد و آموخت او را از
آنچه دوستداشت و اگر خدا بعضی
از مردم را با بعضی حفظ نمی
کرد حتماً زمین پر فساد میشد و
اما خدا را بر عالیشان فضلی
فراوان است (۲۵۲) ++

این آیه‌های خدا است که بر تو
بحق میخوانیم و بیگمان تو از
پیغمبران هستی (۲۵۲)

وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا
أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا
وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ۝

فَهَرَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ ۖ وَقَتَلَ دَاوُدُ
جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ
وَ عَلَّمَهُ مَا يَشَاءُ ۖ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ
بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ
وَ لَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ۝

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ ۖ
وَ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ۝

آیتها ۲۴۸ تا ۲۵۲ - اگر این آیات به وقت خوانده شوند مراد از جالوت همان حضرت

داود علیه السلام اند که دشمن ایشان جالوت بود. پس اگر این آیتها در تسلسل خوانده شوند واژه های جلوتر "قتل داود جالوت" روشن میسازند که آن جالوت که در اینجا مذکور است دشمن حضرت داود بود که از دست ایشان شکست خورد. قبل ازین ایشان بنام داود خوانده نشدند. علت این معلوم میگردد که ایشان را نبوت و حکمت پس ازین غلبه اعطا شد و مراد از حکمت، نبوت بدون شریعت نیز میباشد.

تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى
بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ
بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ ۗ وَابْنُ عِيسَى ابْنُ
مَرْيَمَ ابْنُتِ الْبَيْتِ وَإِيذْنَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ ۗ
وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ مِنْ
بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ
وَلَكِنْ اختلفوا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ
وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ ۗ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا
اقْتَتَلُوا ۗ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ﴿٢٣﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا انْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ
مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةً
وَلَا شَفَاعَةً ۗ وَالْكَافِرُونَ هُمُ
الظَّالِمُونَ ﴿٢٥﴾

۲۳
ع

۲۳
ع

ایشان پیغمبران اند که بعضی از
ایشان را بر بعضی فضیلت دادیم
بعضی از ایشان اند که خدا با
ایشان [رویا روی] تکلم کرد و
بعضی را رفعت رتبه و مقام داد
وعیسی بن مریم را نشانه های
آشکار دادیم و او را با روح القدس
تایید نمودیم و اگر خدا میخواست
آنانکه پس از ایشان بودند از این
پس که نشانه های روشن به آنان
آمده بود به جان همدیگر نمی
پرداختند و اما آنها [از هم] اختلاف
کردند. پس از آنها بودند که ایمان
آوردند و از آنها بودند که انکار
کردند و خدا اگر میخواست بقتل
همدیگر نمیپرداختند و اما خدا
انجام دهد مرچه میخواست (۲۵۴)
ای کسانی که ایمان آورده اید
انفاق کنید از آنچه بشما در داده
ایم از آن پیش که روزی فرا
رسد که در آن نه دادوستد باشد

ونه دوستی و نه شفاعت و کافران

اند که ستمکارانند (۲۵۵)

خدا اجز او کسی معبود نیست -

مدام زنده قائم بالذات - نه او را

غنودگی فرا گیرد و نه خواب.

هرچه در آسمانها است و هرچه در

زمین از آن او است. کیست که

در محض او بلاذن او شفاعت کند.

او میداند هرچه پیش روی آنها

است و هرچه پشت سر آنها است

و از علم او احاطه نکنند هیچ هم

مگر به آن [اندازه] که او بخواهد.

پادشاهی او بر آسمانها و زمین پهن

است. نگهداری مردو به او سنگینی

نکند. او صاحب بلندترین شأن و

صاحب عظمت است (۲۵۶)

دردین اجبار نیست، مسلماً هدایت

از گمراهی باز شناخته شد. پس هر

که به طاغوت انکار کند و ایمان به

خدا آورد پس او چنگ زد به دست

گیره که آنرا گسیختن نیست و

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۚ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ۚ لَا

تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ ۚ لَهٗ مَا فِي السَّمَوَاتِ

وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ

إِلَّا بِإِذْنِهِ ۚ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا

خَلْفَهُمْ ۚ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ

إِلَّا بِمَا شَاءَ ۚ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ

وَالْأَرْضَ ۚ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا ۚ وَهُوَ

الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿٢٥٦﴾

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ ۚ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ

الْغَيِّ ۚ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ

بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ

لَا انْفِصَامَ لَهَا ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٥٧﴾

خدا بسیار شنوا صاحب علم دائمی

است (۲۵۷) + +

خدا دوستدار آنان است که ایمان آوردند. آنانرا از تاریکیها بروشنی بیرون میآورد و آنانکه کفر کردند دوستان آنها طاغوت اند که آنها را از روشنی به تاریکی ها بیرون میآرند. آنها اهل آتشند که مدت دراز در آن میمانند (۲۵۸)

آیا بحال آنکس نگرستی که با ابراهیم در مورد پروردگارش محاجه کرد چه خدا اورا پادشاهی در داده بود و چون ابراهیم گفت پروردگارم آنست که زنده میکند و میمیراند. او گفت منم زنده میکنم و می میرانم. ابراهیم گفت براستی خدا خورشید را از شرق

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۗ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ ۗ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۲۵۸﴾

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحِبُّ وَيُمِيتُ ۗ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ ۗ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿۲۵۷﴾

++ آیت ۲۵۷ - مطابق آیه ایمان کسی را با اجبار تبدیل کردن کلیه منع است لا اکراه فی الدین - مفهومش اینست که اجبار در دین به ذره هم جایز نیست البته بر کسیکه حق آشکار شد مثلش طوری است گویی که او چنگ زده به دستگیره ی که دستش میتوان برید ولی از آن دستگیره جدا نتوان کرد.

میآرد تو آنرا از غرب بیآر. پس
آنکه کفر کرده بود سرگشته ماند
و خدا قوم ستمگران را هدایت
نمیدهد (۲۵۹) ++

یا مثل آنکس را [اندیشیدی] که بر
شهری گذر کرد در حالیکه آن بر
سقفهای خود افتاده بود؟ او گفت:
خدا چطور آنرا بعد از مرگش زنده
کند؟ پس خدا وی را وادار به
[حالتی مانند] مرگ صد سالگی
کرد. سپس وی را برخیزاند.
پرسید چند [در این حالت] ماندی؟
او گفت: روزی یا پاره از روز.
[خدا] گفت: بلکه صد سال ماندی.
پس بسوی خوردنی خود و
آشامیدنی خود بنگر که آن
ناپوسیده است و به اولاغ خود
بنگر. اینست تا تو را برای مردم

أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ
عَلَى عُرُوشِهَا ۚ قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ
مَوْتِهَا ۚ فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ
بَعَثَهُ ۖ قَالَ كَمْ لَبِثْتُ ۗ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا
أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ ۗ قَالَ بَلْ لَبِثْتُ مِائَةَ
عَامٍ ۖ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ
يَتَسَنَّهْ ۗ وَانظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ
آيَةً لِلنَّاسِ ۖ وَانظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ
نُنشِرُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لحمًا ۖ فَلَمَّا تَبَيَّنَ
لَهُ ۗ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ ﴿٢٥٩﴾

++ آیت ۲۵۹ - شان استدلال حضرت ابراهیم اینست چون شخص متقابل ایشان
خورشیدپرست بود بدو گفتند، بر خورشید غلبه بیآب، پروردگارم آنرا از شرق می آرد
تو آنرا از غرب بیآر. پس او مبہوت ماند چه او نمیتوانست حرفی خلاف دین خود بزند.

آیتی قراردمیم و بسوی استخوانها
 بنگر که چطور آنها را بر خیزانیم
 سپس به آنها گوشت میپوشانیم.
 پس چون امر بر او روشن شد
 گفت: بخردیافته ام که خدا به هر
 چیز مدام قدرتمند است (۲۶۰) ++
 و [آیاتدبر کردی] چون ابراهیم
 گفت: پروردگارا! مرا نشان بده
 چگونه مردگان را زنده کنی؟
 گفت: آیا ایمان نیاورده ای؟ او
 گفت: بلی. و اما [پرسیده ام] تاqlیم
 اطمینان بیابد. او گفت: چهارپرنده
 بگیر و آنها را با خود رام کن باز
 از آنها یکایک را بر هر کوهی بگذار.
 سپس آنها را بخوان که بشتاب

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي
 الْمَوْتَىٰ قَالَ أَوَلَمْ تُؤْمِنُ ۖ قَالَ بَلَىٰ
 وَلَكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي ۖ قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً
 مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ
 كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِيَنَّكَ
 سَعْيًا ۖ وَاعْلَمَنَّ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٦٠﴾

آیت ۲۶۰- ظاهراً از این آیت چنین میرسد بطوریکه مفسران نیز اخذ کرده اند که
 خدا شخصی را به صدسال میراند و پس از صد سال زنده نمود که خورد و خوراک
 و اولاش و غیره موجود و سالم بود. این استنباطی بی اساس و گستاخگویی
 نسبت به قرآن است. درحقیقت خدا او را در حالت خواب یک شبی، رویدادهای
 صدسال آینده را نشان داد. پس وقتی که او بیدار شد خداوند بدو گفت اینک نگاه
 کن که الاغت و هم خورد و خوراک همینطور موجود است که شب اینجا گذارده
 بودی.

نزد تو می‌آیند و بدان که خدا
صاحب غلبه کامل صاحب حکمت
است (۲۶۱) ++

مثل کسانی که مالهای خود را در
راه خدا انفاق میکنند بمثل دانه
است که هفت خوشه می‌رویاند.
در هر خوشه صد دانه باشد و خدا
بهر که می‌خواهد [از اینهم] افزونتر
میدهد و خدا فراخ عطاء صاحب
علم دائمی است (۲۶۲)

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ
اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَتَتْ سَمْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ
سُبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضْعِفُ لِمَنْ
يُشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٦١﴾

آنانکه مالهای خود را در راه
خدا انفاق میکنند سپس آنچه انفاق
الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
لَمْ يَلِيَهُمْ مِمَّا أَنْفَقُوا مِثْرًا وَلَا أَدَىٰ ۗ

آیت ۲۶۱ - مفسران در مورد این آیت نیز اشتباه میکنند چون می‌پندارند که به حضرت
ابراهیم فرمان شده بود که چهار پرنده را بی‌روانند و باز آنها را قیمة قیمة کرده
کم کم قیمة را به اطراف شمال، جنوب، شرق و غرب بنهد و از آن پس آنها را بسوی
خود بخواند تا می‌آیند. لغت زبان عربی هرگز بدین معنا اجازه نمیدهد. کلمات
"صرمن الیک" بمعنای "أَمَلْتَنَ، مِنَ الصُّورِ اِی الْمَیْلِ" است - فعل صر از صور مشتق
است یعنی مایل کردن پس "صرمن الیک" را معنی است که آنها را بسوی خود مایل
کن و رام [انس گرفته] کن و قال بعضهم: صرمن ای صح بهن - بعضیها گفتند که صرمن
را معنای است که آنها را صدا کرده بسوی خود بخوان [مفردات امام راغب] پس
بر همین منوال آن روان خجسته که می‌خواهند به خدا انس گیرند چون خدا ایشان
را ندا بزند بی اختیار بسوی خدا می‌گرایند.

میکنند منتی و اذیتی را بدنبال نمی آرند پاداش ایشان نزد پروردگارایشان است و نه ایشان در بیم باشند و نه ایشان اندوه خورند(۲۶۳)

سخنی نیکو و گذشت بهتر از آن صدقه است که آن با آزاری دنبال شود و خدا بی نیاز بردبار است(۲۶۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید صدقات خود را با منت و آزار بهدرندمید مانند کسیکه مال خود را بریاء مردم انفاق کند و ایمان به خدا و روز آخرت نیآرد. پس مثل او بمانند سنگی هموار است که بر آن [لایه] خاک باشد. بر آن بارانی سنگین قطران بیارد و آنرا تهی و تمیز بگذارد. مرچه کسب کنند بر آن هیچ اختیاری ندارند و خدا قوم کافران را هدایت نمیدهد(۲۶۵)

لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۖ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۲۶۳﴾

قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتَّبِعَهَا آذَى ۖ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ ﴿۲۶۴﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى ۚ كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءً لِلنَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۖ فَمَثَلُهِ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا ۖ لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿۲۶۵﴾

وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمُ ابْتِغَاءَ
مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ
كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ
أَكْلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ
فَظَلَّ^ط وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ^{۳۷}

و مثل آنانکه انفاق کنند مالهای
خود را بطلب خوشنودی خدا و
برای استواری بعضی از نفوس خود
همچون آن باغی است که برجای
بلند واقع باشد [و] آنرا بارانی
سنگین قطران برسد پس میوه
خود را فزونتر بیآرد و اگر باران
سنگین قطران به آن نرسد همین
باران نم نم بسنده است و خدا به
آنچه کنید بینا است (۲۶۶)

أَيُّوَدُّ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّنْ
نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ^ل
وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَةٌ ضِعْفًا^ث
فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ^ط
كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ
تَتَّقُرُونَ^ع

آیا کسی از شما دوستدارد که او
راباغی از خرما و انگور باشد که در
دامنه آن نهرها روان باشد. برای
او در آن میوه های مرنوع باشد
و او را پیری رسیده باشد در حالی
که او را فرزندان ناتوان باشند.
آنگاه آنرا گردبادی برسد که
در آن آتش [سان گرما] باشد پس
آن [باغ] بسوزد. اینگونه خدا آیات
را برای شماروشن میسازد تا باشد
شما تفکر کنید (۲۶۷)

ای کسانی که ایمان آورده اید انفاق کنید از آن پاکیزه های که کسب کنید و از آنچه که از زمین برایشما بیرون آوردیم و قصد نه کنید به ناپاک که از آن [در راه خدا] انفاق کنید حالیکه خودتان گیرنده آن نیستید مگر اینکه در مورد آن نادیده بگیرید و بدانید که خدا بی نیاز صاحب ستایش است (۲۶۸)

شیطان شمارا تهدید تهدید می کند و بفحشائی فرمان می دهد حالیکه خدا شمارا از خود وعده آمرزش و فضل می دهد و خدا فراخ عطاء صاحب علم دائمی است (۲۶۹)

هر که را خواهد حکمت اعطا کند و آنکه حکمت داده شد پس یقیناً او خیر فری فریوان داده شد و کسی بپندنگیرد جز صاحبان خرد (۲۷۰) و مرچه از نفعه انفاق کردید یا از نذرماندر کردید پس یقیناً خدا آن

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ ۗ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿۲۶۸﴾

الشَّيْطَانُ يُعِدُّكُمْ لِلقَمْرِ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ ۗ وَاللَّهُ يَعِدُّكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا ۗ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿۲۶۹﴾

يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا ۗ وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿۲۷۰﴾

وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ نَفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ نَذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ ۗ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ

أَنْصَارٍ ﴿٢٧١﴾

را میدانند و ستکارانرا یاوری

نیست (۲۷۱)

اگر صدقات را آشکارا دمید پس این خیلی خوب است و اگر آنها را پنهان کنید و آنها را به تهیدستان بدمید پس آن برای شما نیکوتر است و [خدا] بسی از گنامان شما را از شادور کند و خدا مدام آگاه است به آنچه انجام دهید (۲۷۲)

هدایت آنها بر تو نیست و لكن خداست که بهره خواهد هدایت میدهد و هر چه از مال انفاق کنید پس بنفع خود شما است و شما که فقط بطلب خوشنودی خدا انفاق میکنید و هر چه از مال انفاق کنید بلاکم و کاست به شما باز گردانیده شود و قطعاً شماست مکرده

نشوید (۲۷۳)

[این انفاق] برای آن نیازمندان است که در راه خدا محصور کرده شدند و آمدوشد در زمین راطاقت

إِنْ تَبَدُّوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ ؕ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهِيَ خَيْرٌ لَّكُمْ ۗ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٢٧٢﴾

لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يُشَاءُ ۗ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَا يُنْفِسْكُمْ ۗ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ ۗ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُؤَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ ﴿٢٧٣﴾

لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ ؕ

تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ ۚ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ
 إِحْقَاقًا ۖ وَمَا تَسْتَفْتَوْنَ مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ
 بِهِ عَلَيْهِمْ ۝

۲۷
 ع ۝

نیارند. نادانی آنان را بعلمت
 خودداری آنان [ازسوال کردن]
 توانگر می‌شمارد [اما] ایشان را
 از سیمای ایشان می‌شناسی. ایشان
 از مردم با اصرار و الحاح سوال
 نمیکنند و هرچه از مال انفاق
 کنید پس یقیناً خدا به آن آگاه
 است (۲۷۴)

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
 سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ
 رَبِّهِمْ ۖ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ
 يَحْزَنُونَ ۝

۲۷۵
 ع ۝

آنانکه اموال خود را شب و روز
 نهان و عیان انفاق کنند پس آنان
 را پاداش ایشان نزد پروردگار
 ایشان است و نه ترسی برایشان
 باشد و نه ایشان اندوه خورند
 (۲۷۵)

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا أَلَّا يَقُومُوا إِلَّا
 كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ
 الْمَسِّ ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ
 الرِّبَا ۗ وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا ۗ
 فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَىٰ فَلَهُ
 مَا سَلَفَ ۗ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ ۗ وَمَنْ عَادَ

۲۷۶
 ع ۝

آنهاکه رباخوردند نمیایستند مگر
 مانند ایستادن آنکه مسّ شیطان
 او را حواس باخته ساخته است
 این بدانعلت است که آنها گفتند
 که تجارت مانند ربا است در
 حالیکه خدا تجارت را حلال و
 ربا را حرام ساخته است. پس آنکه

به او پندی از پروردگار خود برسد و دست [از رباً] بردارد پس آنچه گذشته است برای او است و کارش با خدا است و آنکه اینکار را اعاده کند پس همانند که اهل آتشند. آنها در آن مدت دراز بمانند (۲۷۶) خدا رباً را میزداید و صدقات را میفزاید و خدا هر ناسپاسی بزهکار را دوست ندارد (۲۷۷)

بیگمان کسانی که ایمان آوردند و نیکوکاریها کردند و نماز را بپای داشتند و زکوت دادند آنها را پاداش ایشان نزد پروردگار ایشانست. نه بیمی برایشان باشد و نه ایشان اندوه خورند (۲۷۸)

ای آنانکه ایمان آورده اید از خدا بترسید و ترك کنید آنچه از رباً باقی مانده است اگر شما مومنانید (۲۷۹)

پس اگر [ترك] نکنید آنگاه از خدا و رسول اعلام جنگ بشنوید

فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۲۷۶﴾

يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرِي بِالصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ ﴿۲۷۷﴾

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۲۷۸﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۲۷۹﴾

فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ

واگرتوبه کنید آنگاه رأس المال
شما برای شما است. نه ستم کنید
ونه ستم بر شما کرده شود (۲۸۰)
و اگر کسی تهدید است پس تا
توانگری مهلت دادن است و اگر
صدقه دهید شما را نیکوتر است
کاش شما میدانستید (۲۸۱)

و بترسید از روزیکه در آن بسوی
خدا بازگردانیده شوید. سپس هر
جان داده شود درخور آنچه کسب
کرد و قطعاً آنها ستم کرده
نشوند (۲۸۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید!
چون بهمدیگر برای زمانی معین
به وام معامله کنید آنگاه آنرا
بنویسید و نویسنده میان شما
باید به داد بنویسد و نویسنده ی
خودداری نکند از اینکه بنویسد.
پس باید بنویسد بطوریکه خدا
او را آموخته است و بایددیکته
گوید آنکه بر او حق [دیگری] است

أَمْوَالِكُمْ ۖ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ ﴿٢٨٠﴾

وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ ۗ
وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ
تَعْلَمُونَ ﴿٢٨١﴾

وَأَتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَىٰ اللَّهِ ۖ ثُمَّ
تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا
يُظْلَمُونَ ﴿٢٨٢﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَيْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ
أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ ۗ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ
كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ ۚ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ
يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ ۚ فَلْيَكْتُبْ ۚ
وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ
وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا ۚ فَإِنْ كَانَ الَّذِي
عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا

وباید از خدا پروردگار خود بترسد و هیچ هم از آن کم و کاست نکند پس اگر آنکه بر او حق [دیگری] است نادان یا ناتوان است یا نتواند اینکه دیکته گوید [آنگاه بجایش] دیکته گوید بداد آنکه ولی او است و دو مرد گواه را از مردان خود بگواهی بگیرد. پس اگر دو مرد نباشند آنگاه يك مرد و دو زن از گواهان که آنها را دوستدارید چه اگر یکی از آندو زن فراموش کند پس دیگری یادش بدهد و گواهان هرگاه خوانده شوند خودداری نکنند و [معامله] کوچک است یا بزرگ از نوشتن [قرارداد کامل] آن بمدتی معین بتنگ نیآیید این طرز عمل شما نزد خدا منصفانه ترو به برقراری شهادت اقدامی استوارتر و به این امر نزدیکتر باشد که به شك مبتلا نگردید [نوشتن لازم است] مگر

يَسْتَطِيعَ أَنْ يُبْلَّ هُوَ فَلْيَمْلِكْ وَلِيَّهُ بِالْعَدْلِ ۗ وَأَشْهَدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَيْنِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى ۗ وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا ۗ وَلَا تَسْمَعُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ آجَلِهِ ۗ ذَلِكُمْ أَقْضَىٰ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا ۗ أَلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا ۗ وَأَشْهَدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ ۗ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ ۗ وَإِنْ تَفَعَّلُوا فَإِنَّهُ فَسُوقٌ بِكُمْ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۗ وَيَعْلَمُكُمْ اللَّهُ ۗ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٨٢﴾

اینکه دادوستد بین شما حاضر و دست و بدست باشد. آنگاه بر شما باکی نیست که آنرا نه نویسید و چون بهم دادوستد [مدت دار] کنید گواه بگیرید و آزار داده نه شود نویسنده و نه گواه و اگر بکنید پس مسلماً این برای شما گناهی بزرگست و از خدا بترسید در حالیکه خدا به شما میآموزد و خدا بهر چیز نیک دانا است (۲۸۳)

و اگر بر سفر باشید و نویسنده نیابید آنگاه گروئی بدست - و اگر کسی از شما کسی را امین داند پس باید آنکه امین شناخته شد امانت او را ادا کند و باید از خدا پروردگار خود بترسد و گواهی راکتمان نکنید و هر که آنرا کتمان کند پس یقیناً قلبش گناهکار است و خدا میدانند آنچه میکنید (۲۸۴)

هر چه در آسمانهاست و هر چه در زمین از آن خداست و اگر آنچه

وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا
فَرِهْنِجْ مَقْبُوضَةً ۖ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم
بَعْضًا فليؤدِّ الَّذِي أُوتِيَ مَنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ
اللَّهَ رَبَّهُ ۗ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ ۗ وَمَنْ
يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثَمُ قَلْبًا ۗ وَاللَّهُ بِمَا
تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿٢٨٣﴾

۲۹
ع
۷

لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَإِنْ
تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفَوُوهُ

را که در دلهای شما است عیان کنید یا آنرا نهان کنید خدا شما را با آن محاسبه خواهد کرد. پس مرکه را بخواید میآمرزد و مرکه را خواهد عذاب میدمد و خدا بر هر چیز مدام قدرتمند است (۲۸۵)

ایمان آورد رسول بر آنکه بر او از پروردگار او نازل کرده شد و مومنان. هر یک به خدا و فرشتگان او و کتابهای او و رسولان او ایمان آورد [با این گفتار که ما] میان میجکدام از رسولان او فرق نمی گذاریم و گفتند ما شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! طالب بخشش تو هستیم و بازگشت به سوی تو است (۲۸۶)

خدا کسی را مکلف نمیکند مگر باندازه توانایش. در حق او است آنچه [نیکی] بدست آورد و برخلاف او است آنچه [بدی] بدست آورد. پروردگارا! اگر فراموش کنیم یا

يُحَاسِبُكُمْ بِهِ اللَّهُ ۗ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٨٥﴾

أَمِنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ
وَالْمُؤْمِنُونَ ۗ كُلٌّ آمِنٌ بِاللَّهِ وَمَلَكِهِ
وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ ۗ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ
رُسُلِهِ ۗ وَ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ۗ
غُفِرَ لَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٢٨٦﴾

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا
كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ ۗ رَبَّنَا لَا
تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا ۗ رَبَّنَا وَلَا
تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَىٰ

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا
 طَاقَةَ لَنَا بِهِ^ع وَاعْفُ عَنَّا^ع وَاعْفِرْنَا^ع
 وَارْحَمْنَا^ع أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى
 الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٢٨٧﴾

ع
 ۸

خطا ما را به مواخذه نگیر.
 پروردگارا! باری بر ما نگذار که
 بر پیشینیان ما [در نتیجه گناهان
 آنها] گذارده بودی. پروردگارا!
 باری بر ما نگذار که ما را به آن
 تاب آوردن نیست و از ما عفو کن
 و ما را بیمارز و بر ما رحم کن.
 توئی مولای ما پس ما را در
 مقابل قوم کافران پیروزی
 اعطاء کن (۲۸۷)

۳ - سورة آل عمران

این سوره در سومین سال هجرت در مدینه نازل شد و با بسم الله ۲۰۱ آیت دارد.

در این سوره مخصوصاً سخن از آن سه گروه ضالین گفته میشود که در سوره الفاتحه مذکور اند و از این جهت درباره آغاز مسیحیت، تولد حضرت مریم و تولد معجزات حضرت عیسی علیه الصلوة والسلام و از آن سلوک مهر و برتربهایی که خداوند در حق حضرت مریم علیها الصلوة والسلام نشان داد و چطور او رزقی را از غیب برای ایشان میفرستاد نیز ذکر میشود. اوضاع حاکی از اینست که آرزو فوق العاده‌ی که به دل حضرت زکریا علیه السلام در مورد فرزندی پاک راه یافت ناشی از فکر کردن ایشان نسبت به پاکیزگی حضرت مریم بود.

در این سوره معجزات حضرت عیسی علیه السلام از این جهت یاد شدند که آنچه از خواندن بایبل درباره معجزات ایشان اشتباهاً فرا گرفته میشود قرآن آن همه را با بیان کردن حقیقت معجزات رد کرده است. اینجا سخن از وفات طبیعی حضرت عیسی نیز گفته میشود.

در این سوره در مقابل میثاق یهود ذکر از میثاق انبیاء که از همه ای پیغمبران گرفته شد یافت میشود. میثاق انبیاء مجملأعبارت از اینست که اگر بعد از شما چنین پیغمبران خداوند ظهور کنند که به تعلیمات نیکوی شما تصدیق کننده و برآن عمل کنندگان باشند آنگاه بر ملتهای شما بفرض است که به ایشان یاری دهند. این آن میثاقی است که در سوره الاحزاب

نیز تذکر داده میشود و از آنحضرت ﷺ نیز همین میثاق گرفته شده بود. در این سوره علاوه بر دیگر امور فلسفه قربانی از دارائی ما نیز بیان شده است یعنی قربانی شما تا آنگاه که چیزی را که دوست دارید و آنچه زیباترین بچشم بخورد، در راه خدا انفاق نکنید، پذیرفته نمیشود. پیروزی معجزانه آنحضرت ﷺ در بدر که زمان پیروزیهای اسلام از آن پس آغاز گرفت نیز یاد کرده میشود. ذکر از جنگ احد نیز است که چگونه یاران رسول الله ﷺ در پیروی حضرت اسماعیل علیه السلام جانهای خود را قربان مانند گاؤ و میشها در راه خدا کردند ولی دامن رسول الله ﷺ را از دست ندادند.

☆ سُوْرَةُ آلِ عِمْرَانَ مَدِيْنَةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ مِائَتًا آيَةً وَآيَةٌ وَعِشْرُونَ رُكُوْعًا

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیاربخشنده بارهارحمکننده (۱)

أَنَا اللَّهُ أَغْلَمُ - منم خدا داناتر از

الْمَلَأُ ②

مه (۲)

خدا! جز او هیچ معبود نیست

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ③

او لم یزل و لایزال است (۳)

او کتاب را بر تو بحق نازل کرد

نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا

تصدیق کننده آنچه پیشروی آنست

بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ ④

ونازل کرد تورات وانجیل را (۴)

از این قبل مردم راهدایت و نازل

مِنْ قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ ⑤

کرد فرقان را. یقیناً آنانکه به

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ

آیتهای خدا کفر کردند آنرا از نابی

شَدِيدٌ ⑥ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ ⑦

سخت است و خدا صاحب غلبه

کامل و انتقام گیرنده است (۵)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ

یقیناً خدا است که چیزی براو در

وَلَا فِي السَّمَاءِ ⑧

زمین و نه در آسمانها مخفی نمی

ماند (۶)

اوست آنکه به شما شکل میدهد

هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ

در رحمها هر طور که میخواهد.

يَشَاءُ ⑨ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ⑩

میچ معبودی نیست مگر او که
صاحب غلبه کامل صاحب حکمت
است (۷)

اوست آنکه نازل کرد بر تو کتاب
را [که] از آنست آیت‌های [بمعنوا]
محکمت [که] آنها مادر کتاب اند و
برخی دیگر [بمعنوا] متشابهات
است. پس آنانکه در دل‌های آنها
کجی است آنگاه آنها از پی فتنه
گری و بغا طر تا ویلش آنچه از آنرا
دنبالکنند که متشابهات است حال
آنکه تا ویلش ندانند مگر خدا و آنان
که به علم نافذند. ایشان میگویند
ما بر این ایمان آوردیم و همه ای
آن از پروردگارا ما است و کسی بند
نمیگرد جز خردمندان (۸) ++

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ
مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ
مُتَشَبِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ
فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ
وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا
اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ
أَمْثَلُهُ كُلِّ مَنْ عِنْدَ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا
أُولُو الْأَلْبَابِ ۝

رَبَّنَا لَا تَزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ
آیت ۸- برخی از آیت‌های قرآن در این معنا محکمت اند که از آنها دیگر میچ معنای
نادرست نتوان گرفت و اما تاویل آیت های متشابه احتمال میدهد که معنای
نادرست گرفته شود. پس اگر این تاویل عطف به محکمت کرده شود آنگاه آیت
های محکم آنرا رد میکنند و به همین دلیل آنان ام الكتاب گفته میشوند.

گردپس از آنگاه که ماراهدایت دادی و مارا از نزد خود رحمت بده.

یقیناً تو بسیار فراخ اعطائی (۹)

ای پروردگارا! یقیناً تو همه مردم را برای روزیکه در آن شکی نیست جمع کننده ای. یقیناً! خدا خلف وعده نمیکند (۱۰)

البته آنانکه کفر کردند مالهای آنان و فرزندان آنان در مقابل خداهمیچ بکارآنان نیایند و همانها سوخت آتش اند (۱۱)

مانند شیوه قوم فرعون و آنهایی که پیش از آنها بودند به آیات ما تکذیب کردند پس خدا آنها را به گناهان آنان بگرفت و خداسخت عقوبت است (۱۲)

بگوبه آنها که کفر کردند که حتماً مغلوب کرده شوید و جمع کرده به سوی جهنم برده شوید و آن جایگاهی بسیار زشت است (۱۳)

یقیناً برای شما آیتی بود در دو

لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةٌ إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴿۹﴾

رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِعَادَ ﴿۱۰﴾

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِي عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا ۗ وَأُولَئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ ﴿۱۱﴾

كَذَابِ آلِ فِرْعَوْنَ ۗ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۗ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا ۖ فَآخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ ۗ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿۱۲﴾

قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ ۗ وَبِئْسَ الْمَهَادُ ﴿۱۳﴾

قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِتْنِ الْأَقْتَاتِ ۗ فَمَنْ

گروه که رویا روی هم شدند. گروهی بخاطر خدا قتال میکردند و دیگری کافر بودند که آنها را ایشان بچشم ظاهر دو برابر خود میدند و خدا بهر که بخواهد مورد تاییدیاری خود قرار میدهد. یقیناً اهل بصیرت را در این مایه عبرت است (۱۴)

مردم را اغراض نفسانی نسبت به زنان و پسران و فراوانی طلا و نقره و اسب های نشاندار و دامها و کشت. آراسته بنمایش گذارده شد. اینهمه متاع دنیا است و آن خدا است که نزد او بازگشتگامی نیکوتر است (۱۵)

بگو آیاشمارا به چیزهای نیکوتر از این آگهی دم؟ آنانکه پرمیز کاری کنند را نزد پروردگار ایشان باغهایست که در دامنه آنها نهرهای روان است - در آنها جاویدانند و زوجهای پاک شده و خوشنودی

تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلِهِمْ رَأَى الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصَرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ ⑤

رُزِينٌ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ⑤ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنُ الْمَأْتِ ⑤

قُلْ أَوْسِبِكُمْ بِخَيْرٍ مِّنْ ذِكْمِ ⑤ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ ⑤ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ⑥

خدا است و خدا به بندگان بینا است (۱۶)

[این برای] آنانست که گویند: ای پروردگار ما! یقیناً ما ایمان آوردیم پس گناهان ما را برای ما بی‌آمرز و مارا از عذاب آتش نگهدار (۱۷)

[این باغها برای] صبرکنندگان و راستگویان و فرمان برداران و انفاق کنندگان و استغفار کنندگان صبح گامان است (۱۸)

خدا استوار بر دادگواهی دهد که یقیناً هیچ معبودی نیست جز او و فرشتگان و اهل دانش [نیز گواهی دهند که] هیچ معبودی نیست جز او که صاحب غلبه کامل صاحب حکمت است (۱۹)

مرآینه دین نزد خدا اسلام است و آنها که کتاب داده شدند اختلاف نکردند مگر از هم سرکشی کنان از آن پس که علم به ایشان آمد و

الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا أَمَتَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿١٦﴾

الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْمُتَّقِينَ وَالْمُتَّقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ ﴿١٧﴾

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۖ وَالْمَلِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ ۗ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٨﴾

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ ۗ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ ۗ وَمَنْ

هر که به آیت‌های خدا انکار کند پس
یقیناً خدا زود حساب است (۲۰)

پس اگر به تو محاجه کنند آنگاه
بگو: من توجه خود را خالصانه
تسلیم رضای خدا کرده ام و هم
ایشان که از من متابعت کردند و
بگو به آنانکه کتاب داده شدند
و بیسوادها آیا اسلام آورده اید؟

پس اگر اسلام آوردند آنگاه یقیناً
هدایت یافتند و اگر روی برتابند
پس بر تو فقط ابلاغ کردن [پیغام]
است و خدا بینندگان بیناست (۲۱)

یقیناً آنانکه به آیات خدا انکار
کنند و بناحق به مخالفت انبیاء
میپردازند و شدیداً مخالفت کنند به
آنانکه به استواری انصاف امر
کنند پس به آنها به عذاب دردناک
مژده بده (۲۲) ++

همانند که اعمال ایشان به هدر
رفت دردناک و در آخرت و ایشان

يَكْفُرُ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ①

فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسَلَّمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ
وَمَنِ اتَّبَعْنِي ۖ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ
وَالْأُمِّيِّينَ ۖ أَسَلَّمْتُ ۗ فَإِنْ أَسَلَّمُوا فَقَدْ
اهْتَدَوْا ۗ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلْغُ
وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ②

يَع

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ
النَّبِيَّاتِ بِغَيْرِ حَقٍّ ۗ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ
يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ ۗ فَبَشِّرْهُمْ
بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ③

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ حَصَطْنَا فِي الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ ۗ وَمَالَهُمْ مِّنْ نَّصِيرِينَ ④

++ آیت ۲۲: قتل بمعنای شدید مخالفت و تحریم اجتماعی نیز است.

را کسی از یاوران نباشد(۲۳)
 آیا ندیدی بسوی آنها که سهمیه
 از کتاب داده شدند، بسوی کتاب
 خوانده میشوند تا میان ایشان
 قضاوت کند با این وجودگروهی
 از آنها پشت گردانده میروند و
 آنها اعراض کنندگانند(۲۴)

این بدانعلت است که آنان گفتند
 که آتش مارا هرگز لمس نکند جز
 روزهای معدود و فریب داد آنها را
 در دین خود آنچه برمی یافتند(۲۵)
 پس چطور باشد هنگامیکه آنان را
 جمع کنیم برای روزیکه در آن
 شکی نیست و هر تن آنچه کسب
 کرد تمام داده شود و قطعاً آنها
 ستم کرده نشوند(۲۶)

بگوای خدای من مالك سلطنت!
 هر که را خواهی سلطنت میدمی و
 از هر که خواهی سلطنت پس می
 گیری و هر که را خواهی ارجمند
 گردانی و هر که را خواهی خوار

الْمَتْرَإِ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا صِيبًا مِّنَ
 الْكِتَابِ يُدْعُونَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ
 بِهِمْ ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِّنْهُمْ وَهُمْ
 مُّعْرِضُونَ ﴿٢٤﴾

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِن تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا
 أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ وَغَرَّهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا
 كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٢٥﴾

فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ
 فِيهِ ۗ وَوَفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ
 وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٢٦﴾

قُلِ اللَّهُمَّ مَلِكُ الْمَلِكِ تُؤْتِي الْمَلِكَ مَن
 تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمَلِكَ مِمَّنْ تَشَاءُ
 وَتُعِزُّ مَن تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَن تَشَاءُ ۗ بِيَدِكَ
 الْخَيْرُ ۗ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٧﴾

کنی. خیر بدست تو است. بیگمان
تو بر هر چیز مدام قدرتمندای (۲۷)
تو شب را به روز داخل کنی و
روز را به شب داخل کنی و از
مرده زنده بیرون آری و از زنده
مرده بیرون آری و رزق را به هر
که خواهی بی حساب میدهی (۲۸)

و مومنان بفریاد مومنان کافران
رادوست نگیرند و هر که اینکار
کند پس [اورا] از خدا در چیزی
[تعلق] نیست جز اینکه از آنها کاملاً
در حساب باشید و خدا شمارا از
خویشتن بر حذر سازد و بازگشت
به سوی خدا است (۲۹)

بگو خواه پنهان کنید هر چه در
سینه های شماست یا آنرا عیان
کنید خدا آنرا میداند و میداند
آنچه در آسمان ها است و آنچه در
زمین است و خدا بر هر چیز مدام
قدرتمند است (۳۰)

روزیکه هر جان آنچه از نیکی

تَوَلَّجَ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتَوَلَّجَ النَّهَارَ فِي
الَّيْلِ وَتَخْرُجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ
وَتَخْرُجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ
تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۝۲۸

لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ
مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ
فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا
مِنْهُمْ تَقَاتًا وَيَحْذَرِكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ
وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ۝۲۹

قُلْ إِنْ تُحِبُّوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْدُوهُ
يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا
فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝۳۰

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ

بجا آورد و آنچه از بدی انجام داد
را پیشروی خود حاضر یابد و
آرزو کند کاشکی میان او و میان
آن [بدی] فاصله دور میبود و خدا
شمارا از نفس خود میترساند در
حالیکه خدا بر بندگان بس مهربان
است (۳۱)

بگو اگر خدا را دوست دارید پس
از من اقتدا کنید. خدا شمارا دوست
داشته و گناهان شما را برای شما
خواهد آمرزید و خدا آمرزگاری
بارها رحمنکننده است (۳۲)

بگو خدا و [این] رسول را پیروی
کنید. پس اگر پشت کنند پس خدا
هرگز کافران را دوست ندارد (۳۳)
یقیناً خدا، آدم و نوح و آل
ابراهیم و آل عمران را در مقابل
همه جهانیان برگزید (۳۴)

بعضی از ایشان نسلهای بعضی اند
و خدا بسیار شنوای مدام دانا
است (۳۵)

مُحَضَّرًا ۱۱ وَمَا عَمِلْتُمْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّونَ ۱۲
لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا ۱۳
وَيُحَذِّرُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ ۱۴ وَاللَّهُ رَعُوفٌ ۱۵
بِالْعِبَادِ ۱۶

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي ۱۷
يُحِبِّكُمْ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۱۸
وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۱۹

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ ۲۰ فَإِنْ تَوَلَّوْا ۲۱
فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكٰفِرِينَ ۲۲

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ ۲۳
إِبْرٰهِيمَ وَآلَ عِمْرٰنَ عَلَى الْعٰلَمِينَ ۲۴

ذَرِيَّةً بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ ۲۵ وَاللَّهُ سَمِيعٌ ۲۶
عَلِيمٌ ۲۷

إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي
نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ
مِنِّي ۚ إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۳۶﴾

[بیاد آرید] هنگامیکه زنی عمران
گفت: ای پروردگار من ایقیناً من
آنچه را در شکم من است [از
گرفتاریهای دنیا] رها نموده برای تو
نذر کردم. پس از من بپذیر. یقیناً
تو بسیار شنوایی دانائی (۳۶)

فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا
أُنْثَىٰ ۖ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ ۖ وَلَيْسَ
الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ ۚ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ
وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذَرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ
الرَّجِيمِ ﴿۳۷﴾

پس هنگامیکه او آنرا زائید گفت
پروردگارا! من که آن را دختر
زائیده ام حالیکه خدا نیکتر می
داند آنچه را که زائیده بود و نرینه
مانند مادینه نیست و [افزود] من
وی را مریم نام داده و نژاد وی
را از شیطان رانده درگاه درپناه
تو میگذارم (۳۷) ++

فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا
حَسَنًا ۖ وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا ۖ كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا

پس پروردگارش او را بطریقی
نیکوتر پذیرفت و وی را بنحوی

++ آیت ۳۷: چون زن عمران درباره دختر بچه زاده خود [حضرت مریم] گفت اینکه
دختری است حالانکه من از خدا پسری خواسته بودم آنگاه خدا گفت خدا نیک
میداند که پسر و دختر جدا جدا اند اما دختری که به تو اعطا شد این مانند
دختران عامی نیست بلکه خدای متعال در این صلاحیت نهاده است که وی را
میتوان بدون مفاربت بچه ای متولد شود.

زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ ۗ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا ۚ
 قَالَ يَمْرِيءُ أَنَّىٰ لَكَ هَذَا ۖ قَالَتْ هُوَ مِنْ
 عِنْدِ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ
 حِسَابٍ ﴿٣٨﴾

نیکوتر رشدونمو کرد و زکریا
 را کفیل وی برگماشت. هرگاه
 ذکرینازد وی وارد محراب میشد
 نزدش رزقی مییافت. او گفت: ای
 مریم این به تو از کجا میآید؟
 وی گفت: این از نزد خدا است.
 یقیناً خدا آنکه را میخواهد رزق
 بدون حساب اعطا میکند (۳۸)

هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ ۖ قَالَ رَبِّ هَبْ
 لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً ۗ إِنَّكَ سَمِيعُ
 الدُّعَاءِ ﴿٣٩﴾

اینجا زکریا از پروردگار خود دعا
 کرد، پروردگارا! مرا از نزد خود
 نژادی پاک بده. یقیناً تو بسیار
 شنونده دعائی (۳۹)

فَنَادَتْهُ الْمَلِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي
 الْمِحْرَابِ ۗ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَىٰ
 مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا
 وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٤٠﴾

پس فرشتگان به او درحالیکه او
 در محراب برپا ایستاده عبادت
 میکرد ندا کردند که خدا تورا به
 یحیی مژده میدهد که تصدیق کننده
 کلمه خدا و سردار و نگهدار نفس
 خود و از نیکوکاران بر رتبه نبوت
 باشد (۴۰)

قَالَ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغَنِيَ
 الْكِبَرُ وَامْرَأَتِي عَاقِرٌ ۗ قَالَ كَذَلِكِ اللَّهُ

او گفت: ای پروردگار من! چطور
 مرا پسری امکان دارد درحالیکه

پیری مرا در رسیده و همسرم نازا است. او گفت، همینطور خدا هر چه خواهد انجام میدهد (۴۱) او گفت، پروردگارا! برای من آیتی قرار بده. گفت: آیتی برای تو اینست که سه روز به مردم جز رمزی حرف نزن و پروردگار خود را بسیار یاد کن و شبگاه و بامگاه او را تسبیح بگو (۴۲)

و چون فرشتگان گفتند، ای مریم! یقیناً خدا تو را برگزیده و تو را پاک کرده و تو را بر زنان جهانیان فضیلت داده است (۴۳)

ای مریم! فرمانبردار پروردگار خود باش و سجده کن و با تعظیم کمر خم کنندگان کمر خم کن (۴۴) این از خبرهای نهان است که آنرا بر تو وحی مینمائیم و تو نزد آنها نه بودی هنگامیکه قرعه خود را میزدند که کدامین از آنها کفالت مریم را به عهده بگیرد و

قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً ۗ قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْرًا ۗ وَ أَذْكَرَّ بَكَ كَثِيرًا ۗ وَ سَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ ﴿١١﴾

وَ أَذْكَرَّ بَكَ كَثِيرًا ۗ وَ سَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ ﴿١١﴾

وَ أَذْكَرَّ بَكَ كَثِيرًا ۗ وَ سَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ ﴿١١﴾

ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ ۗ وَ مَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَقُولُونَ أَفَلَا مَهْمُ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ ۗ وَ مَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ ﴿١٥﴾

نه تو نزد آنها آنگاه بودی که
ستیزه میکردند(۴۵)

چون فرشتگان گفتند: ای مریم
یقیناً خدا از جانب خود ترا به کلمه
پاک مژده میدهد که نامش مسیح
ابن مریم باشد. او در دنیا صاحب
منزلت و هم در آخرت از مقربان
خواهد بود(۴۶)

و حرف زند ب مردم در گهواره و
در کهولت و از نیکوکاران
بباشد(۴۷)++

وی گفت: ای پروردگار من! پسر
برای من چگونه میتواند بود
حالیکه هیچ بشر مرا لمس نکرده
است. او گفت همینطور خدا هر چه
خواهد میفریند. هر آن به امری

إِذْ قَالَتِ الْمَلِكَةُ مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ
بِكَلِمَةٍ مِنْهُ ۖ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ
مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ
الْمُقَرَّبِينَ ۝٤٦

وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ
الصَّالِحِينَ ۝٤٧

قَالَتْ رَبِّ أَلَيْسَ لِي وَلَدٌ وَلَمْ
يَمَسَّنِي بَشَرٌ ۗ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ
مَا يَشَاءُ ۗ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ
كُنْ فَيَكُونُ ۝٤٨

++آیت ۴۷: این آیت را یکی این تفسیر کرده میشود که او در گهواره سخن میگفت و
دعوی رسالت میکرد. اگر اینطور بود یقیناً یهودیان او را همان در کودکی میکشند.
درحقیقت او خوابهای خود را در گهواره بیان میکرد چه کودکانی در گهواره می
توانند خوابهای نیکو بینند و بیان کنند. ولی رسالت به او در سن کهولت داده
شد و آنگاه یهودیان به مخالفت برخاستند.

تقدیر کند پس به آن میگوید باش.
 آنگاه آن روی نهاده و منتها می
 شود (۴۸)

و [خدا] او را کتاب و حکمت
 بیاموزد و تورات و انجیل (۴۹)
 و رسولی باشد بسوی بنی اسرائیل
 [و ابلاغ کند] که من شمارا از
 پروردگارشما آیتی آورده ام که
 من برایشما از گل همچون پرندۀ
 بیآفرینم. پس در آن بدمم که آن به
 اذن خدا [بیدرنگ] پرندۀ [طیر
 روحانی] بگردد و کوری مادرزاد
 و بیسی را شفاء بدمم و مردگان
 [روحانی] را به اذن خدا زنده
 بنمایم و شما را خبر دمم به آنچه
 بخورید و آنچه در خانه های خود
 بیاندوزید. یقیناً شمارا در این امر
 حتماً آیتی است اگر شما ایمان
 آوردگانید (۵۰) ++

وَيَعْلَمُهَا الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ
 وَالْإِنْجِيلَ ﴿٤٨﴾

وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ
 جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ ۚ أَنِّي أَخْلُقُ
 لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ
 فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ وَأُبْرِئُ
 الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ
 اللَّهِ ۗ وَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا
 تَدْخِرُونَ ۚ فِي بُيُوتِكُمْ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ
 لَآيَةً لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿٤٩﴾

++ آیت ۵۰: جمله کلمات این آیت تعبیر میطلبند. در گل دمیده مرغی پرواز کننده را

در آوردن دال بر این تمثیل است که مردمان زمینی از دیدن حضرت عیسی [ص: ۱۲۲]

و تصدیق کننده آنرا که در تورات
پیشروی من باشد تا بعضی از آن
چیزها که بر شما حرام شده بود
را برایشما حلال نمایم و از جانب
پروردگارتان برایشما آیتی آورده
ام. پس به خدا تقوی کنید و مرا
اطاعت کنید (۵۱)

یقیناً خدا پروردگارم و پروردگار
شماست. پس او را عبادت کنید.
همین راه راست است (۵۲)
پس هنگامیکه عیسی احساس کرد
که در آنها [میل] کفر است او گفت.
کیستند که [برای خواندن] بسوی
خدایارانم شوند. حواریان گفتند

وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ
وَلَا حِلَّ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ
وَجِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ
وَأَطِيعُوا ۝۵۱

إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ ۗ هَذَا
صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ۝۵۲

فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ
أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ ۗ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ
نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ ۗ آمَنَّا بِاللَّهِ ۗ وَاشْهَدْ بِأَنَّا
مُسْلِمُونَ ۝۵۳

در بلندبهای روحانی پرواز میکردند. همین طور کوری مادر زاد ویسی آنانند که
دلهای ایشان پیسی و کورند. بعنوان مثال از بسیار کثیر آیتهای قرآن پیدا است که
کلمه کوران معنی کوران ظاهری را نمیدهد بلکه منظورش کوران دلهايند در حالیکه
زنده کردن مردگان هم همین مفهوم را میپردازد که مردگان روحانی را زندگانی
روحانی اعطا کرده شود.

أَنْتَبَّحْتُمْ بِمَا تَكُلُّونَ غَالِبًا مَنْظُورٍ مِنْ أَوْهَامِهَا أَمُوزِشْ خُورِدْ وَ خُورَاكْ اسْتِ وَ بِيَانْ
شده است که حضرت عیسی بقوم خویش هدایت میکردند که کدام چیز را بخورند
و از کدام یکی پرهیز نمایند.

ما یاران خدا ایم. ما به خدا
ایمان آورده ایم و گواه باش که
ما مسلمانانیم (۵۲)

پروردگارا! ما ایمان آوردیم به
آنچه نازل کردی و رسول را
پیروی کردیم. پس ما را در
گواهان [حق] بنویس (۵۴)

[و منکران مسیحی] تدبیر کردند و
خدا نیز تدبیر کرد و خدا بهترین
تدبیر کنندگانست (۵۵)

منگامیکه خدا گفت: ای عیسی!
من ترا وفات دهنده و بسوی خود
رفع کننده ام و ترا پاک کرده
جدا کننده ام از آنها که کفر
کردند و آنها را که از تو پیروی
کردند بر آنها که کفر کردند تا
روز قیامت برتر قرار دهنده ام.
پس بازگشت شما بسوی من
است. آنگاه میان شما در
اموریکه در آنها اختلاف میکردید
فیصل خواهم داد (۵۶)++

رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ
فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ﴿۵۳﴾

وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ
الْمُكْرِينَ ﴿۵۴﴾

إِذْ قَالَ اللَّهُ يُعِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ
وَرَأَيْكَ إِلَىٰ وَمَطَّهَّرَكَ مِنَ الَّذِينَ
كَفَرُوا وَأَوْجَاعِلِ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ
الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِلَىٰ
مَرْجِعِكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ
فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿۵۵﴾

پس آنانکه کفر کردند را بعدابی
شدید در دنیا و در آخرت معذب
کنم و آنها را کسی از یاوران
نباشد(۵۷)++

و اما کسانیکه ایمان آوردند و
نیکو کاری کردند آنها را پاداش
ایشان کامل داده شود و خدا
ستمکاران را دوست ندارد(۵۸)++
اینست از آیتها و ذکری حکمت
مند که آنرا بر تو میخوانیم(۵۹)++
یقیناً مثل عیسی نزد خدا بمثل
آدم است. وی را او از گل آفرید.
سپس او را گفت: باش. پس او
روی نهاد و منتها شد(۶۰)++

فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأَعَذَّ اللَّهُ لَهُمُ عَذَابًا
شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ
نَاصِرِينَ ﴿٥٧﴾

وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
فَيُؤْتِيهِمْ أَجْرَهُمُ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿٥٨﴾

ذَلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ
الْحَكِيمِ ﴿٥٩﴾

إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ ۖ خَلَقَهُ
مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٦٠﴾

++ آیات ۵۶ تا ۶۰: اینجا کلمه متوفیک بیشتر و کلمه رافعک پس ازان آمده است. اگرچه
منظور از رافعک بلندی درجات است اما برای آنانکه اصرار میورزند که منظور
از این رفع بدنی است این دلیل محکمی است که اول وفات واقع شد و پس از
آن بالا بردن است. پس ثابت شد که منظور از این رفع روحانی است.

[در صفحه ۱۲۵ ادامه دارد]

حق از جانب خدا است پس
 مرگز از دو دلان مباش(۶۱)
 پس هرکه از این پس که دانش به
 تو آمد در اینمورد به تو محاجه
 کند آنگاه بگو بیایید که پسران
 ماویسران شما و زنان ماوزنان
 شما و نفوس ما و نفوس شما را
 بخوانیم سپس مباحله کنیم و بر
 دروغگویان لعنت خدا افکنیم(۶۲)
 یقیناً این بیان حق است و هیچ
 معبودی نیست جز خدا و یقیناً
 خدا صاحب غلبه کامل صاحب

الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ
 الْمُمْتَرِينَ ﴿٦١﴾
 فَمَنْ حَا جَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ
 الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ آبَاءَنَا
 وَآبَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا
 وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ
 اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ ﴿٦٢﴾

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ
 إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٦٣﴾

بقیه آیات ۵۶-۶۰: از صفحه ۱۲۴:

مثال عیسی با آدم بدین منظور آورده شد که در آغاز حضرت آدم بر اثر فرمان
 "کن" از گل بوجود آمدند و با این وجود انسان بودند و چون حضرت عیسی نیز
 در نتیجه فرمان "کن" بوجود آمدند پس ایشان نیز انسان است.

در اینجا واژه کن فیکون اشاره بسوی آغاز آفرینش انسان است و منظور اینست
 که چون خدایه آفرینش انسان آهنگ کرد پس فرمود باش آنگاه او آغاز کرد
 و برایش مقدر بود که تا پایان تکمیل ارتقاء خود ادامه دهد.

حکمت است (۶۳)

پس اگر روی برتابند پس یقیناً خدا
مفسدان را بخوبی میداند (۶۴)

بگو ای اهل کتاب بیایید بسوی
سخن که میان ما و شما یکسان
است اینکه عبادت نکنیم جز به
خدا و چیزی را با او شریک قرار
ندیم و کسی از ما کسی را جز
خدا پروردگار نگیرد پس اگر
روی برتابند پس بگو، گواه باشید

[فقط] ما مسلمانیم (۶۵)

ای اهل کتاب! چرا در مورد ابراهیم
محاجه میکنید در صورتیکه تورات
وانجیل فقط پس از او نازل آمده
بود. پس آیا بخردن مییابید؟ (۶۶)

گوش کنید! شما کسانی هستید که
بهم نزاع میکنید در آن امری که
به آن شما را دانشی است پس
برای چه جدل میکنید در آن امر
که شما را به آن هیچ دانشی
نیست! و خدا میداند و شما

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ ﴿٦٣﴾

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ
سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ
وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا
بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا
فَقُولُوا الشَّهْدُ وَإِنَّا مَسْلُومُونَ ﴿٦٤﴾

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ
وَمَا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ إِلَّا مِنْ
بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٥﴾

هَأَنْتُمْ هَؤُلَاءِ حَاجِّتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ
عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ
عِلْمٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٦﴾

نمیدانید(۶۷)

ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی بلکه پیوسته به خدا متمایل فرمانبردار بود و قطعاً از مشرکان نبود(۶۸)

براستی نزدیکترین کسانی به ابراهیم آنانند که از او پیروی کردند و این پیغمبر و کسانی که ایمان آوردند و خدا ولی مومنان است(۶۹)

گرومی از اهل کتاب دوستدارند کاشکی شما را گمراه سازند در حالیکه جز خود کسی را گمراه نسازند اما درنمیابند(۷۰)

ای اهل کتاب! چرا به آیتهای خدا انکار میکنید حالیکه شما [آنها را] مشاهده میکنید؟(۷۱)

ای اهل کتاب! چرا حق را بیاطل درهم میآمیزید و حق را کتمان می کنید با آنکه شما میدانید.(۷۲)

و گرومی از اهل کتاب گفتند:

مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا
وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ
الْمُشْرِكِينَ ﴿٦٨﴾

إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ
وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ
الْمُؤْمِنِينَ ﴿٦٩﴾

وَدَّتْ طَّائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ
يَضِلُّوكُمْ ۖ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ
وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿٧٠﴾

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ
وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ ﴿٧١﴾

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ
بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ
تَعْلَمُونَ ﴿٧٢﴾

وَقَالَتْ طَّائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمَنُوا

اوائل روز ایمان آورید به آنکه نازل کرده شد بر آنانکه ایمان آوردند و آخرش انکار کنید تا باشد که آنها باز گردند (۷۳)

و ایمان نیاورید جز به آنکه از دین شما پیروی کند. بگو براستی هدایت خدا هدایت است. این [لازم نیست] که احدی داده شود مانند آنچه شما داده شدید یا [اگر نداده شوند پس حق خود شمرده] نزد خدا باشد ما حجاجه کنند بگو یقیناً فضل بدست خدا است. آنرا دردمد به هر که میخواهد و خدا خیلی گشایش بخشای صاحب علم دائمی است (۷۴)

هر که را خواهد خاص رحمت خود قرار میدهد و خدا را فضلی عظیم است (۷۵)

و از اهل کتاب کسی است اگر انبوه مال بدو بسیاری حتماً آن را به تو بازگرداند و از آنان کسی

بِالَّذِي أَنْزَلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجْهَ النَّهَارِ وَكَفَرُوا بَعْدَ ذَلِكَ يَعْلَمُونَ ﴿٧٣﴾

وَلَا تَتُومِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنَّ الْهُدَىٰ هُدَىٰ اللَّهِ أَنْ يُؤْتَىٰ أَحَدٌ مِّمَّا أُوتِيتُمْ أَوْ يُحَاجُّوكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٧٤﴾

يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٧٥﴾

وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِطَارٍ يُؤَدُّهُ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بَدِينَارٍ لَا يُؤَدُّهُ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمَّتْ

است اگر بدیناری بدو بسپاری به تو باز نگرداند مگر اینکه بر سرش و ایستی. این بدانعلت است که آنها گویند که در مورد امیان بر ما راه [ایراد] نیست و بر خدا دروغ میبندند با آنکه آنها [حقیقت را] خوب میدانند (۷۶)

بلی امر که بعهده خدای وفا کرد و تقوی پیش گرفت پس یقیناً خدا دوستدار متقیان است (۷۷)

یقیناً آنانکه عهدهای خدا و سوگندهای خود را ببهای ناچیز معامله کنند همانند که هیچ بهره برایشان در آخرت نباشد و خدا به آنها تکلم نکند و روز قیامت بسویشان ننگرد و آنها را پاک نسازد و آنها را عذابی دردناکست (۷۸)

و یقیناً از آنها [امل کتاب] گروهی اند که به [خواندن] کتاب زبان خود را میچرخانند تا آن را از کتاب بپندارید در حالیکه آن از

عَلَيْهِ قَائِمًا ۱۰۱ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّمِينَ سَبِيلٌ ۱۰۲ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ۱۰۳

بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ۱۰۷

إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ ۖ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۱۰۸

وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلْوُونَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ ۚ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ

کتاب نیست وگویند آن از جانب خدا است حالانکه آن از جانب خدا نیست. آنها بر خدا دروغ بندند باآنکه آنها میدانند(۷۹)

امکان ندارد بشری را که خدا او را کتاب و حکمت و نبوت دهد باز از آن پس به مردم گوید که خدا را رها کرده بندگان من باشید و اما [گوید] مردان خدا پرست باشید بدانعلت که شما بکتاب آموزش میدهند بدانعلت که شما [از آن] آموزش میگیرید(۸۰)

و به شما این امر نکند که فرشتگان و پیغمبران را خدایان برگزینید. آیا او شمارا بکفر امر کند پس از آنکه شما فرمانبردار شده اید؟(۸۱)

و چون خدا میثاق انبیاء گرفت، درحالیکه شمارا از کتاب و حکمت در داده ام باز اگر شما را رسولی بیاید تصدیق کننده به آنچه در دست شما است باید به او ایمان

وَمَا هُمْ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿۷۹﴾

مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنَّبُوءَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ ﴿۸۰﴾

وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿۸۱﴾

وَإِذَا أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَتَنْصُرُنَّهُ ۗ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ

آوردید و باید او را یاری دهید.
گفت، آيا شما اقرار ميکنيد و در
اين مورد بمن عقد پيمان ميکنيد؟
گفتند، ما اقرار کرديم. گفت پس
گواه باشيد و منهم با شما از
گواهان مستم (۸۲) ++

پس هر که از اين بعد روي
برگرداند پس همانند که فاسقان
اند (۸۳)

پس آيا آرزوي دارند جز به دين
خدا در حالیکه هر چه در آسمانها و
در زمين است چارونما چار فرمان
برداراوشده است و بسوي او
بازگشت داده شوند (۸۴)

وَ أَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذٰلِكُمْ اِصْرِي ۗ قَالُوۡا
اَقْرَرْنَا ۗ قَالَ فَاشْهَدُوۡا وَاَنَا مَعَكُمْ مِّنَ
الشَّاهِدِيۡنَ ﴿۸۲﴾

فَمَنْ تَوَلَّىٰ بَعْدَ ذٰلِكَ فَاُوۡلٰٓئِكَ هُمُ
الْفٰسِقُوۡنَ ﴿۸۳﴾

اَفْغَيَّرَ دِيۡنِ اللّٰهِ يَبۡغُوۡنَ وَاِلٰهَ اَسۡلَمَ مَن
فِي السَّمٰوٰتِ وَاَلۡاَرۡضِ طَوۡعًا
وَّكَرۡهًا وَاِلَيْهِ يُرۡجَعُوۡنَ ﴿۸۴﴾

++ آیت ۸۲ - در قرآن کریم دو میثاق را ذکر است - یکی میثاق بنی اسرائیل و دومین میثاق انبیاء که از آنحضرت صلی الله علیه وسلم هم گرفته شد [الاحزاب ۸] مرکزیت کلام اینست که هرگاه شمارا رسولانی آیند که همان سخنان گویند که شما میگویید پس اقرار کنید که هرگز ایشان را انکار نکرده و بلکه تصدیق خواهید کرد. اینجابرای این موضوع توضیح لازم است که رسولی بسوی رسولان که فرستاده نمیشود بلکه رسولان بسوی قومهای خود میآیند. پس منظور همانست و پیغمبران گفته شدند که به قومهای خویش توصیه کنید که هرگاه رسولی آید که مصدق من است پس او را انکار نکنید بلکه حتماً او را یاری دهید.

قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ
عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ
وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ
مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ
رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ
مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿۸۵﴾

بگو ما به خدا و آنچه بر ما نازل
کرده آمد و آنچه بر ابراهیم و
اسماعیل و اسحاق و یعقوب و
اسباط نازل کرده شد و آنچه به
موسی و عیسی و پیغمبران از
پروردگار ایشان داده شد ایمان
آورده ایم و میان هیچکدام از
ایشان جدایی نمیکنیم و ما
برای او تسلیم شده ایم (۸۵)

وَمَنْ يَّبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ
مِنْهُ ۗ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَسِرِينَ ﴿۸۶﴾

و هر که دینی جز اسلام را دوست
دارد پس هرگز از او قبول کرده
نشود و او در آخرت از زیان
کاران باشد (۸۶)

كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا ۖ وَابْعَدَ
إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ
وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي
الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿۸۷﴾

چطور خدا قومی را هدایت دمد که
پس از ایمان خود کفر کردند با
آنکه گواهی داده بودند که این
رسول حق است و ایشان را ادله
روشن آمده باشند و خدا به قومی
ستمکار هدایت نمیدهد (۸۷)

أُولَٰئِكَ جَزَاءُ وَّهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللَّهِ
وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿۸۸﴾

مانهاند که پاداش آنها این است
که بر آنها لعنت خدا و فرشتگان

و همه مردم باد(۸۸)

آنها در آن بمدت دراز میمانند. نه عذاب از آنان کاسته شود و نه آنان مهلت داده شوند(۸۹)

مگر کسانی که پس از این توبه کردند و اصلاح کردند درآنصورت خدا بسیار آمرزنده بارها رحم کننده است(۹۰)

یقیناً آنها که کفر کردند پس از ایمان خود سپس برکفر همی افزودند توبه آنها قطعاً پذیرفته نشود و همانند که گمراهانند(۹۱) البته آنانکه کفر کردند و مردند در حالیکه آنها کافران بودند از هیچ کدامین آنها طلاء به پری زمین هم پذیرفته نشود اگرچه بخوامند که آنها فدیه دهند. همانها اند که برایشان عذابی دردناک است و آنها را کسی از یاوران نباشد(۹۲)

خُلِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿٨٨﴾

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٩٠﴾

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ أَزَادُوا كُفْرًا لَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ ﴿٩١﴾

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا فَلَنْ يُمْسَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِلءُ الْأَرْضِ ذَهَبًا وَلَوْ افْتَدَى بِهِ ۗ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴿٩٢﴾

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ ۗ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿١١﴾

هرگز به نیکی نایل نمی‌شوید تا آنگاه که از آن چیزها انفاق کنید که دوست دارید و آنچه از چیزی انفاق کنید یقیناً خدا به آن خوب دانا است (٩٣)

همه غذاها بر بنی اسرائیل حلال بود جز آنچه اسرائیل بر خود حرام کرد از آن پیش که تورات نازل کرده میشد. بگو، پس تورات را بیارید و آنرا بخوانید اگر شما راستگویانید (٩٤)

پس هر که از این پس بر خدا دروغ بریافت پس همانهاست مکاران اند (٩٥)

بگو خدا راست گفت. پس از ملت ابراهیم حنیف پیروی کنید و او از مشرکان نبود (٩٦)

یقیناً اولین خانه که برای [فایده] مردم بنا کرده شد آنست که در بگه است - خجسته و هدایت برای

كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حِلالًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنزَلَ التَّوْرَةُ ۗ قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَةِ فَاتْلُوهَا إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١١﴾

فَمَنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿١١﴾

قُلْ صَدَقَ اللَّهُ ۗ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا ۗ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١١﴾

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبْرَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ ﴿١١﴾

ممه جهانها است(٩٧)++

در آن آیتهای روشن است [یعنی] مقام ابراهیم و هر که داخل آن شد ایمن باشد و این حق خدا بر مردم است که حج خانه [او] کنند هر که بسوی آن راه بردن راتوان دارد و هر که انکار کند آنگاه یقیناً خدا از

ممه جهانها بی نیاز است(٩٨)

بگو، ای اهل کتاب! چرا آیتهای خدا را انکار میکنید در حالیکه خدا گواه است بر آنچه عمل کنید(٩٩)

بگو، ای اهل کتاب! چرا آنکس را که ایمان آورده است از راه خدا آنرا کج خواسته باز میدارید با آنکه [بر حقیقت] گواه اید و خدا بفغلت

نیست از آنچه عمل کنید(١٠٠)

فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ
وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا ۗ وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ
حُجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا ۗ
وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿٩٨﴾

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ
اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ ﴿٩٩﴾

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَن
سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ تَبْغُونَهَا عِوَجًا وَأَنْتُمْ
شُهَدَاءُ ۗ وَمَا اللَّهُ بِعَافٍ لِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٠٠﴾

آیت ٩٧- اینجا اول بیت وضع للناس گفته شد و وضع لله نه گفته شد. در این واژه ما بدین امر اشاره است که چون آدمی از غارها بر سطح زمین بیرون آمده مسکن گزید پس نخستین تعمیر خانه کعبه باعث شد که او آموزش فرهنگ و مدنیت را آغاز کند. بهمین دلیل در این جا نام مکه بجای مکه، بگه گفته شد که نام باستانی آن مقام عالی مرتبت است.

ای آنانکه ایمان آورده اید اگر شما از پی گروهی از آنها که کتاب داده شدند رفتید شمارا پس از ایمانتان کافران بازگردانند (١٠١)

و چگونه انکار کنید حالانکه آیتهای خدا بر شما خوانده میشود و رسول او در شما است و هر که به خدا جنگ زد پس حتماً به صراط مستقیم هدایت داده شد (١٠٢)

ای کسانی که ایمان آورده اید خدا را تقوی کنید سزاوار تقوای او و هرگز نمیرید مگر در حالیکه شما مسلمانید (١٠٣) ++

و همگی به رسن خدا جنگ بزنید و تفرقه نیفکنید و نعمت خدا را بر خود بخاطر آورید چون شما دشمن همدیگر بودید. پس اودلهای

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا فَرِيْقًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كُفْرِينَ ﴿١٠١﴾

وَ كَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ ۗ وَمَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿١٠٢﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٠٣﴾

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ۗ وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ

آیت ١٠٢- لا تموتن الا وانتم مسلمون را این معنای نیست که پیش از مرگ مسلمان بشوید زیرا مرگ در اختیار انسان نیست. مفهوم اینست که هیچ گاه در هیچ بخش زندگی اسلام را ترک نکنید تا هرگاه شمارا مرگ آید باید عمل کننده بر تعلیم اسلام باشید.

شمارا بهم پیوند داد پس بنعمت او برادران شدید، و شما برکنار حفره آتش بودید پس او شمارا از آن نجات داد. اینگونه خدا آیت های خود را برای شما به سرحاح بیان کند تا باشد که شما هدایت بیابید (١٠٤)

و باید از شما جماعتی باشد [که] مدام بسوی نیکی بخوانند و به معروفات امر کنند و از منکرات بازدارند و همانها موفق شدگانند (١٠٥) و نباشید مانند آنانکه از هم پاشیده و به اختلاف برخاستند از این پس که ایشان را نشانه های روشن آمده بود و آنها ایند که بر آنها عذابی بزرگ است (١٠٦)

روزیکه چهره های بدرخشند و چهره های تیره گون باشند. آنگاه آنان که چهره های آنان تیره گون گردند [خطاب شوند] آیا پس از ایمان خود کافر شده بودید؟ اینک

فَأَصْحَابُكُمْ يَنْعَمْتُمْ بِبِعَمَّتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا ۚ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٠٤﴾

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ۗ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٠٥﴾
وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ ۗ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٠٦﴾

يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ فَكَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿١٠٧﴾

[طعم] عذاب بچشید چه شما انکار
می کردید (۱۰۷)

واما آنانکه چهرهای ایشان روشن
گردد آنگاه در رحمت خدا اند و
ایشان در آن جاویدانند (۱۰۸)

این آیه‌های خدا است که آنها را
بر تو بحق میخوانیم و خدا برای
جهانهای ستم نمیخواهد (۱۰۹)

و از آن خدا است هر چه در آسمانها
است و هر چه در زمین است و همه
امور به خدا برگردانده شود (۱۱۰)

شما بهترین امت اید که برای مردم
در آورده شدید. شما به معروفات
امر میکنید و از منکرات نهی میکنید
و به خدا ایمان میآورید و اگر
اهل کتاب ایمان میآوردند حتمًا
برایشان بهتر بود و در آنان هم
مومن اند در حالیکه بیشتر آنان

فاسقانند (۱۱۱)

هرگز نتوانند بشما رنجی برسانند
جز گزندی ناچیز و اگر به شما

وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وَجُوهُهُمْ ففِي
رَحْمَةِ اللَّهِ ۗ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١٠٨﴾

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ ۗ وَمَا
اللَّهُ يُرِيدُ ظَلْمًا لِّلْعَالَمِينَ ﴿١٠٩﴾

وَاللَّهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ
وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿١١٠﴾

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ
تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ
الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ ۗ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ
الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرَ الْأُمَّةِ مِنْهُمْ
الْمُؤْمِنُونَ وَآكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿١١١﴾

لَنْ يَضُرُّوكُمْ إِلَّا أَذًى ۗ وَإِنْ
يُقَاتِلُوكُمْ يُؤْتُوْكُمْ الْاَدْبَارَ ۗ ثُمَّ

لَا يُضْرُونَ ﴿٣٣﴾

بجنگند به شما پشت برگردانند

سپس یاری داده نشوند (١١٢)

خواری بر آنها افکنده شد هر جای یافته شوند جز آنانکه در [پناه] پیمان خدا و در [پناه] پیمان مردم اند و باغضب خدا بازگشتند و بر آنها درماندگی افکنده شد چه آنها به آیتهای خدا انکار میکردند و انبیاء را بناحق سخت مخالفت می کردند و این بدانعلت بود که نافرمانی میکردند و تعدی همی کردند (١١٣)

همه یکسان نیستند. در اهل کتاب گروهی [بر مسلک خود] برقرار اند. آنان در پاره های شب آیات خدا را تلاوت کرده و سجده می کنند (١١٤)

ایشان ایمان به خدا و روز آخرت میآورند و بمعروفات امر کنند و از منکرات نهی کنند و در کارهای نیکو از همدیگر سبقت

ضَرَبْتُ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةَ أَيْنَ مَا تَفْقَهُوا إِلَّا
بِحَبْلِ مِنَ اللَّهِ وَحَبْلِ مِنَ النَّاسِ وَبَاءُ وُ
بِعُضْبٍ مِنَ اللَّهِ وَضَرَبْتُ عَلَيْهِمُ
الْمَسْكَنَةَ ۗ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يُكْفِرُونَ
بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ ۗ
ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿٣٣﴾

لَيَسُوْا سَوَاءً ۗ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ
قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ
يَسْجُدُونَ ﴿٣٤﴾

يَوْمُئِذٍ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ
بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ
وَيَسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ ۗ وَأُولَٰئِكَ مِنْ

الصَّالِحِينَ ﴿١١٥﴾

جویند و همانها اند که از شایسته کارانند (۱۱۵)

و هر چه نیکوکاری کنند پس هرگز به آن ناسپاسی کرده نشوند و خدا متقیان را خوب میدانند (۱۱۶)

یقیناً آنها که کفر کردند آنها را مالهای آنان و اولاد آنان هیچ هم بی نیاز از خدا نسازد و همانها اند که اهل آتشند. آنها در آن مدت دراز میمانند (۱۱۷)

مثل هر آنچه که آنها در این دنیا خرج کنند مثل بادی است که در آن سرمائی شدید باشد و بر کشتزار قومی بوزد که بر جانهای خود ستم کردند و آن [کشت] را نابود سازد و خدا بر آنها ستم نکرد بلکه آنها بر جانهای خود ستم کنند (۱۱۸)

ای کسانی که ایمان آوردید کسی را جز مردم خود دوست صمیمی نگیرید، آنها به گزند شما کوتاهی نکنند - دوست دارند که شما رنج

وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوا بِهِ
وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ ﴿١١٦﴾

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ
أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا
وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا
خَالِدُونَ ﴿١١٧﴾

مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ
قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتْهُ
وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ أَنفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿١١٨﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً
مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا
وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ

بکشید. یقیناً کینه آنها از دمانهای آنها پدیدار است و آنچه دل‌های آنان پنهان سازد از این بزرگتر است. البته ما آیت‌های خود را برای شما بوضوح بیان کرده ایم اگر شما عقل کنید (۱۱۹)

اینک شماید که آنها را دوست دارید درحالی‌که آنها شما را دوست ندارند و شما بکتاب بتامی آن ایمان دارید و هرگاه بشما ملاقات کنند گویند ما ایمان آورده ایم و چون جدا شوند بر شما پر خشم سرانگشتان خود را می‌گزند. بگو بخشم خود بمیرید حتماً خدابه امور سینه‌ها دانا است (۱۲۰)

اگر خوبی بشمارسد آنها را ناخوش دارد و اگر سختی بشما رسد به آن خرسند شوند و اگر صبر کنید و تقوی اختیار کنید نیرنگی آنها هیچ گزندی بشما نرساند. یقیناً خدا احاطه کننده است آنچه را

أَفَوَاهِهِمْ ۖ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ ۗ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١١٩﴾

هَآأَنْتُمْ أَوْلَآءُ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ ۚ وَإِذْ لَقُّوَكُمْ قَالُوا أَمَنَّا ۗ وَإِذْ خَلَوْا عَصُوا عَلَيْكُمْ أَلَا نَأْمَلُ مِنَ الْغَيْظِ ۗ قُلْ مَوْتُوْا بَغِيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿١٢٠﴾

إِنْ تَمَسَّكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ ۚ وَإِنْ تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَّفْرَحُوا بِهَا ۗ وَإِنْ تُصِبرُوا وَاتَّقُوا ۖ لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا ۗ إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿١٢١﴾

عمل کنند (١٢١)

و [بیاد آر] هنگامیکه بامداد از خانواده خود جدا شدی تا مومنان را برای جنگ در سنگرها ترتیب دهی و خدا بسیار شنوای دانا است (١٢٢)

هنگامیکه دو گروه از شما درصدد شدند که بلغزند درحالیکه خدا ولی آندو بود و مومنان باید تنها بر خدا توکل کنند (١٢٣)

و یقیناً خدا [قبلاً] شمارا در بدریاری کرد حال آنکه شما ناتوان بودید. پس برای خدا تقوی کنید تا باشد که شما سپاس بگذارید (١٢٤)

چون بمومنان میگفتی که آیا برای شهابس نیست که پروردگار شهابا سه هزار فرشته فرود فرستادگان شمارا مدد کند؟ (١٢٥)

بلی، اگر شکیبائی گزینید و تقوی پیش گیرید درحالیکه آنها از خشم خود [جوشان] بر شما بتازند

وَإِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ
الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ
عَلِيمٌ ﴿١٢١﴾

إِذْ هَمَّتْ طَّائِفَتٌ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلُوا
وَاللَّهُ وَلِيُّهُمَا طَّ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ
الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٢٢﴾

وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ
فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُشْكُرُونَ ﴿١٢٣﴾

إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ
يُمَدِّدَ كُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ
مُنزَلِينَ ﴿١٢٥﴾

بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَاتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ
فَوْرِهِمْ هَذَا يُمَدِّدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ

آنگاه خدا شمارا با پنجهزار فرشته

عذاب کننده یاری کند (١٢٦)

و خدا این [وعده] برای شما فقط

مژده قرارداد و تا دل‌های شما بآن

اطمینان یابد در حالیکه یاری فقط

از نزد خدا صاحب غلبه کامل

صاحب حکمت داده میشود (١٢٧)

تادسته ای را از آنها که کفر کردند

حک کند یا آنها را سخت خوار نماید

پس نامراد برگردند (١٢٨)

هیچ از امر در اختیار تونیست -

خواه [خدا] بر آنان توبه قبول کرده

متمايل شود یا عذابشان دهد بحر

حال آنها ستمگرانند (١٢٩)

و آنچه در آسمانها است و آنچه در

زمین از آن خدا است، او مرکه را

خواهد می‌آمرزد و مرکه را خواهد

عذاب کند و خدا آمرزگاری بارها

رحمکننده است (١٣٠)

ای کسانی که ایمان آورده اید رباء

را سودهائی چند برابر کشیده

الَّذِينَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ ﴿١٢٦﴾

﴿١٢٦﴾

وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ

وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ ۗ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا

مِنَ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿١٢٧﴾

لَيَقْطَعَنَّ طَرَفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاُو

يَكِبْتَهُمْ فَيَنْقَلِبُوا خَائِبِينَ ﴿١٢٨﴾

لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ ۗ أَوْ يَتُوبَ

عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ ﴿١٢٩﴾

وَاللَّهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ

يَعْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ ۗ

وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٣٠﴾

﴿١٣٠﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا

أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ

تُقَلِّحُونَ ﴿١٣١﴾

نخورید و تقوای خدا پیش گیرید تا

باشد که شما رستگار شوید (١٣١)

و بترسید از آن آتش که برای

کافران مهیا شده است (١٣٢)

وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ﴿١٣٢﴾

و اطاعت کنید از خدا و رسول

تا رحم کرده شوید (١٣٣)

وَاطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿١٣٣﴾

و بشتابید بسوی آمرزشی از

پروردگار خود و بهشتی که فراخی

آن بر آسمانها و زمین محیط

است. آن برای متقیان مهیا شده

است (١٣٤) ++

وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ

عَرْضُهَا السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ

لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٤﴾

[یعنی] آنانکه انفاق کنند درخوش

حالی و تنگدستی و فروخورندگان

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ

وَالْكُظُمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ

++ آیت ١٣٤ - از این آیت برمیاید که جنت بر آسمان مقامگاه جداگانه نیست. چه

در این آیت فرمانست که هر چند عرض زمین و آسمانست همان قدر عرض جنت است.

چون آنحضرت صلی الله علیه وسلم این آیت را بر اصحاب خود خواندند یکی از

ایشان پرسید یا رسول الله اگر جنت فقط بر آسمان و زمین محیط است پس جهنم

کجا است؟ ایشان فرمودند سبحان الله فاین الیل اذا جاء النهار [مسند احمد بن

حنبل - مسند المکیین، حدیث ردیف ١٥١٠٠، تفسیر الرازی زیر آیت هذه] که

سبحان الله چون روز آید آنگاه شب کجا میباشد یعنی جهنم هم همانجاست

مگر شما آنرا درک نمیکنید. پس این تصور باطل است که جنت و جهنم راعرض

جداگانه است. جنتیان و جهنمیان همان در یک کاینات زندگی میکنند.

النَّاسِ ۝ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣٥﴾

خشم و از مردم گذشت کنندگان و
 خدامحسنانرا دوست دارد(۱۳۵)
 بعلاوه آنانکه چون فحشائی کنندیا
 برجانهای خود ستم کنند بیادخدا
 میافتند - پس برای گناهان خود
 آمرزش میطلبند و کیست جز خدا
 که گناهان بیآمرزد و آنان دانسته
 اصرار نیورزند بر آنچه انجام
 داده باشد(۱۳۶)

وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا
 أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا
 لِذُنُوبِهِمْ ۖ وَمَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا
 اللَّهُ ۖ وَلَمْ يُصِرُّوْا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ
 يَعْلَمُونَ ﴿١٣٦﴾

مانها اند که مزد ایشان از
 پروردگار ایشان آمرزش و باغ
 هایست که در دامنه آنها نهرهای
 روانست و در آنها جاویدانند و
 عمل کنندگان را چه نیکو مزدی
 است(۱۳۷)

أُولَٰئِكَ جَزَاءُ وَهُمْ مَغْفِرَةٌ ۖ مَنْ رَبِّهِمْ
 وَجَّتْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
 خَالِدِينَ فِيهَا ۖ وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَمِلِينَ ﴿١٣٧﴾

البته سنی پیش از شما گذشته
 است. پس بگردید در زمین پس
 بگردید فرجام تکذیب کنندگان
 چه سان بود(۱۳۸)

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ ۖ فَسِيرُوا فِي
 الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
 الْمُكذِبِينَ ﴿١٣٨﴾

این بیان است برای مردم [تا
 راستی و ناراستی بازشناخته شود]

هُذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ
 لِّلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٩﴾

و متقیان را هدایت و نصیحت

است (۱۳۹)

و سست نشوید و غم نخورید و حتمًا

شما غالب آیند گانید اگر شما

مومنانید (۱۴۰)

اگر جراحی بشما رسیده پس

یقینًا جراحی مانند آن به قومی

[متقابل] هم رسیده است و این

روزگاری است که آنرا میان مردم

میگردانیم تا خدا آنانکه ایمان

آورده اند را بیآزماید و از شما

شهبان برگزیند و خدا ستمکاران

را دوست ندارد (۱۴۱)

و تا خدا آنان را که ایمان آورده

اند پاک نماید و کافران را نابود

سازد (۱۴۲)

آیا گمان میکنید که وارد بهشت

شوید در حالیکه هنوز خدا کسان را

از شما که جهاد کرده اند آزمایش

نکرده است؟ و [این روش خدا

بدانعلت است تا] خدا شکیبایان

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ

الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٤٠﴾

إِنْ يُمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ

قَرْحٌ مِثْلُهُ ۗ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ

النَّاسِ ۚ وَلَيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ أَمْؤُوا

وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ

الظَّالِمِينَ ﴿١٤١﴾

وَلَيُمَجِّصَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ أَمْؤُوا وَيَمَحَقَّ

الْكُفْرَيْنَ ﴿١٤٢﴾

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا

يَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ

الصَّابِرِينَ ﴿١٤٣﴾

را بشناسد(١٤٣)

و یقیناً شامرگ را آرزو میکردید
پیش از اینکه آنرا بر خورد کنید
پس اکنون آنرا دیده اید و شما
خیره خیره مینگرید(١٤٤)

و نیست محمد جز پیغمبری. یقیناً
پیش از او پیغمرانی گذشته اند.
پس آیا اگر او وفات کند یا کشته
شود روی پاشنه های خود باز گردید؟
و هر که بر پاشنه های خود باز گردد
پس هرگز به خدا هیچ زیانی نه
رساند و یقیناً خدا به سپاسداران
پاداش میدمد(١٤٥) ++

و به هیچ کس امکان نیست که
بمیرد جز به اذن خدا. این نهایت
زمانی نوشته شده است و هر که

وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَتُّونَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ
تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿١٤٣﴾

وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ
قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَأَيْنُ مَاتَ أَوْ قُتِلَ
انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ
عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصُرَ اللَّهُ شَيْئاً
وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ ﴿١٤٥﴾

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ
كِتَابًا مُوَجَّلاً وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا

+++ ١٤٥- در این آیت وفات مسیحی را اعلان قطعی است چون گفت که محمد هم
رسول خداست و از رسولی بیش نیست و هر چند رسولان قبل از ایشان بودند
همه درگذشتند. چون کلمه "خلا" مطلقاً درباره کسی گفته شود منظور از آن چنین
گذشتن نیست که مسافری میگذرد بلکه در اینجا مفهوم "گذشتن" وفات است. پس
اگر حضرت عیسی رسولی بودند حتماً وفات یافته اند.

ثواب دنیا خواهد او را از آن
 دمیم و هر که ثواب آخرت خواهد
 او را از آن دمیم و سپاسداران را
 پاداش حتماً میدهم (١٤٦)

و چه بسا پیغمبر بودند که بسیار
 ربانیون با آنان همراه قتال کردند
 پس برای [سختی] که به ایشان
 رسیده کمزور شدند [به دشمن]
 افتادگی نشان دادند و خدا صبر
 کنندگان را دوست دارد (١٤٧)

و سخن ایشان نبود جز اینکه
 گفتند: پروردگارا! گناهان ما و
 تجاوزگری ما که در کار خود کرده
 ایم برای ما بی‌آمرز و قدمهای ما
 ثابت بدار و ما را در مقابل قوم
 کافران پیروزی اعطا کن (١٤٨)
 پس ایشان را پاداش دنیا و
 پاداش نیکوی آخرت دادیم و
 خدا شایسته کاران را دوست
 دارد (١٤٩)

ای آنانکه ایمان آورده اید اگر از

نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ
 نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ ﴿١٤٦﴾

وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قُتِلَ لَمَعَهُ رِبِّيُّونَ
 كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي
 سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا
 وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ ﴿١٤٧﴾

وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا
 اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا
 وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ
 الْكَافِرِينَ ﴿١٤٨﴾

فَأَنَّهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحَسَنَّ ثَوَابِ
 الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٤٩﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا اللَّهَ

كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ
فَتَقَبِّلُوهُنَّ خَيْرِينَ ﴿٥٠﴾

بَلِ اللّٰهُ مَوْلَاكُمْ ۗ وَهُوَ خَيْرُ
الْمُصْرِرِينَ ﴿٥١﴾

سَلِّقْنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَالرُّعْبَ
بِمَا أَشْرَكُوا بِاللّٰهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ
سُلْطٰنًا وَمَا لَهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ
مَثْوٰى الظّٰلِمِينَ ﴿٥٢﴾

وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللّٰهُ وَعَدَهُ اِذْ تَحْسُونَهُمْ
بِاٰذِنِهِ ۗ حَتّٰى اِذَا فِشَلْتُمْ وَتَنٰزَعْتُمْ فِي
الْاَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا اَرٰكُمْ مَا
تُحِبُّونَ ۗ مِّنْكُمْ مَّنْ يُرِيْدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ
مَّنْ يُرِيْدُ الْاٰخِرَةَ ۗ ثُمَّ صَرَفَكُمْ
عَنَّهُمْ لِیَبْتَلِيَكُمْ ۗ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ
وَ اللّٰهُ ذُو فَضْلٍ عَلٰى الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿٥٣﴾

پی آنان رفتید که کفر کردند شما را بر باشنه هایتان برگردانند و شامزبان کشیده بازگردید (۱۵۰) بلکه خدا مولای شما است و او بهترین یاوران است (۱۵۱)

حتماً ما در قلبهای آنها که کفر کردند بیم افکنیم چه آنها شریک خدا قرار دادند آنچه را که برای آن او هیچ دلیلی نازل نکرد و مأوی آنها آتش است و ستمکاران را چه زشت جای گاه است (۱۵۲)

و البته خدا وعده خود را به شما راست گردانید هنگامیکه باذن او آنها را از بیخ بر میکنید تا آنگاه که شماترسیدید و درمورد دستور [رسول] بهم ستیزیدید و نافرمانی کردید پس از آنکه خدا آنچه به شما نشان داد که دوست داشتید - کسانی از شما بودند که طالب دنیا بودند و کسانی از شما بودند که طالب آخرت بودند.

سپس او شمارا از آنها دور کرد
تا شمارا بیآزماید و یقیناً او از
شماعفو کرد و خدا را بر مومنان
فضلی فراوان است (١٥٣)

هنگامیکه پا بفرار گذاشته پشت
سر به کسی ننمیدیدید و رسول
[ایستاده] در دسته آن دگرتان شما
را فرامیخواند پس خدا شمارا به
عوض يك اندوه، اندوهی بزرگ
رساند تا افسوس نخورید بر آنچه
از دست دادید و نه به آن سختی
که به شما رسید و خدا آگاه است
بدانچه عمل کنید (١٥٤)

سپس بعد از اندوه بخاطر آرامش
بر شما چرت نازل کرد که دسته از
شمارا فرامیگرفت در حالیکه عدۀ
بودند که آنها را جانهای خود غمناک
مینمود و به خدامانندگان جاهلیت
بغیر از حق گمان میبردند. آنان
میگفتند، آیا از امر چیزی بدست ما
است؟ بگو براستی امر بتمامی آن

إِذْ تَصْعَدُونَ وَلَا تَلُونِ عَلَى أَحَدٍ
وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أَخْرَابِكُمْ
فَأْتَابِكُمْ غَمًّا بَغِيًّا لِكَيْلَا تَحْزَنُوا
عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَا أَصَابَكُمْ ۗ وَاللَّهُ
خَيْرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٥٣﴾

ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُم مِّنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنًا
نُّعَاسًا يَغْشَى طَآئِفَةً مِّنْكُمْ
وَطَآئِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ
يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ
يَقُولُونَ هَلْ لَّنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ ۗ
قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ ۗ يُخْفُونَ فِي

بدست خدا است - در دلهای خود پنهان کنند آنچه برای تو آشکار نمیسازند. گویند، اگر از امر چیزی در اختیار ما بود قطعاً در اینجا کشته میشدیم. بگو اگر شما در خانه های خودتان هم بودید حتماً برای آنها که قتل مقدر شده بود بسوی قتل گامهای خود بیرون میآمدند و [این به آن علت است] تا خدا بیازماید آنچه در سینه های شما است و تا خالص گرداند آنچه در دلهای شما است و خدا به امور سینه ها دانا است (۱۵۵)

یقیناً کسانی از شما که برگشتند روزی که دو لشکر روبروی هم شدند این شیطان بود که آنها را لغزاید بعلت برخی از آن اعمال که کسب کردند و البته خدا از آنها عفو نمود یقیناً خدا آمرزگار ی بردبار است (۱۵۶)

ای کسانی که ایمان آورده اید مانند

أَنْفُسِهِمْ مَا لَا يُبَدُونَ لَكَ ۖ يَقُولُونَ لَوْ
كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَّا قَاتَلْنَا هَهُنَا ۖ
قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ
كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمْ ۚ
وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ
وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ
بِدَاتِ الصُّدُورِ ﴿١٥٥﴾

إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى
الْجَمْعَيْنِ ۗ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ
بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا ۗ وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ
عَنْهُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿١٥٦﴾

۱۱
۷

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ

آنها نشوید که انکار کردند و در مورد برادران خود چون در زمین سفر کردند یابه غزوه بیرون آمدند گفتند: اگر نزد ما بودند نمی‌مردند و کشته نمی‌شدند. خدا می‌خواهد این [آرزو] را در دل‌های آنان حسرتی قرار دهد و خدا است که زنده میکند و می‌میراند و خدا بینای آنست که عمل کنید (١٥٧)

و اگر کشته شدید در راه خدا یا مردید یقیناً آمرزش و رحمت خدا نیکوتر از آن است که جمع کنید (١٥٨)

و اگر مردید یا کشته شدید حتماً به سوی خدا محشور کرده شوید (١٥٩)

پس بسبب رحمت خدا است که بر ایشان نرم شدی و اگر تو تندخو و سختدل بودی یقیناً آنها از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. پس از آنها عفو کن و برای ایشان

كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غَزَىٰ لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قَتَلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَٰلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ ۗ وَاللَّهُ يَخِي وَيُمِيتُ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١٥٧﴾

وَلِئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مِتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ﴿١٥٨﴾
وَلِئِنْ مِتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ ﴿١٥٩﴾

فَبَارِحْمَةً مِّنَ اللَّهِ لَئِن تَلَّهُمْ ؕ وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ ۗ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ ؕ

فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ﴿١٦٠﴾

آمزش بطلب و درامر [مهم] با آنها مشورت کن و هنگامیکه تصمیمی بگرفتی پس بر خدا توکل کن یقیناً خدا توکل کنندگان را دوست دارد (١٦٠) ++

إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ ۗ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُم مِّنْ بَعْدِهِ ۗ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٦١﴾

اگر خدا شما را یاری کند پس کسی بر شما غالب شونده نیست و اگر شمارا ترک کند پس کیست بعد از او که شمارا یاری کند. پس باید مومنان بر خدا توکل کنند (١٦١)

وَمَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يُغَلَّ ۗ وَمَنْ يُغَلَّ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٦٢﴾

و امکان پذیر نیست پیغمبری را که خیانت کند و هر که خیانت کند روز قیامت [شومی] آنچه را خیانت کرد با خود آورد. سپس هر تن بتمام داده شود آنچه کسب کرد و آنها

++ آیت ١٦٠ - در این آیه نخست نرم دل بودن آنحضرت صلی الله علیه وسلم را ذکر است بطوریکه جای دیگر فرمود: بالمومنین رء وف رحیم (التوبه ١٢٨) دومین بدین امر اعلان قطعی است که اصحاب طمع ورزیده گرد آنحضرت جمع نشده بودند و اگر آنحضرت گنجهای جهان را هم بر آنان هزینه میکردند باز هم همچون پروانه ها گرد آنحضرت جمع نمی شدند. با این وجود هم گفته شد که در امور مهم با آنان مشورت کن اما تصمیم نهائی بدست تو است و لازم نیست که مشورت آنان قبول کرده شود و وقتی که تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن و او یاور تو میشود.

ستم نشوند(١٦٢)

پس آیا آنکه از پی رضای خدا برود
مانند اوست که با سخط خدا باز
گردد و مأوی او جهنم است و چه

زشت باز گشتگامی است(١٦٢)

آنان نزد خدا به مراتبی مختلف
[منقسم] اند و خدا بینای آن است

که میکند(١٦٤)

یقیناً خدا بر مومنان منت نهاد
چون رسولی در ایشان از خود
ایشان برگزید. او آیتهای او را
برای ایشان تلاوت میکند و ایشان
را پاک میسازد و ایشان را دانش

کتاب و حکمت میآموزد در حالیکه
قبلاً یقیناً در گمراهی آشکارا

بودند(١٦٥)

آیا هرگاه بشما سختی برسد که
دو برابر آن [بدشمن] رساندید [باز
هم] گویند که این از کجا است. بگو
آن از جانب نفسهای شماست. یقیناً
خدا بر هر چیز مدام قدرتمند

أَفَمَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانِ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ
بِسَخَطِ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ^ط

وَبُئْسَ الْمَصِيرُ^{١٦٢}

هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا

يَعْمَلُونَ^{١٦٣}

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ

فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ

آيَاتِهِ وَيُرَكِّبُ لَهُمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ

وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي

ضَلَالٍ مُّبِينٍ^{١٦٥}

أَوَلَمَّا أَصَابَتْكُمْ مُّصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُمْ

مِثْلَهَا قُلْتُمْ أَلَيْ هَذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ

أَنفُسِكُمْ^ط إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^{١٦٦}

است (١٦٦)

و آن گزندی که شمارا در آنروز رسید که دو گروهی روبروی هم شدند پس آن به اذن خدا بود و برای این بود تا مؤمنان را نمایان سازد (١٦٧)

و تا آنانکه دو رؤی کردند را بشناسد و [چون] به آنها گفته شد بیایید در راه خدا قتال کنید یا دفاع کنید گفتند اگر جنگ کردن را میدانستیم حتماً دنبال شما می آمدیم. آنها در آنروز نزدیکتر بکفر از ایمان بودند. آنان به زبان های خود میاورند که دردلهای آنان نیست و خدا داناتر به آن است که کتمان کنند (١٦٨)

آنانکه برای برادران خودگفتند با آنکه خودشان در عقب نشستند که اگر ازپی ما میرفتند کشته نمیشدند. بگو پس مرگ را ازجانهای خود برگردانید اگر شما راستگویان

وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ التَّمِي الْجَمْعِينَ
فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٦٦﴾

وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَأَتَّبَعْنَاكُمْ هُمْ لِلْكُفْرِ يَوْمِيذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ
يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَايَكْتُمُونَ ﴿١٦٧﴾

الَّذِينَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ
أَطَاعُونَا مَا قَاتَلُوا قُلْ فَادْرءُوا عَن
أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٦٨﴾

اید (١٦٩)

و آنانکه در راه خدا کشته شوند
مرده میندازید بلکه زنده اند و
از نزد پروردگار خود رزق داده
شوند (١٧٠)

بسیار خرسندند بدانچه خدا بفضل
خود ایشان را در داده است و
درباره بازماندگان خود که هنوز
با ایشان ملحق نشده اند مؤذگان
دریابند که آنان را هیچ بیسی
نیست و ایشان اندوهناک نخواهند
شد (١٧١)

ایشان نویدمائی مییابند به نعمت
و فضل خدا و اینکه خدا پاداش
مومنان را به هدر نمیدهد (١٧٢)
آنانکه به خدا و رسول لبیک
گفتند پس از آنکه به ایشان
جراحی رسیده بود، کسانی از
ایشان را که احسان کردند و
تقوی را پیشه کردند پاداش
بزرگی است (١٧٣)

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ
أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ ﴿١٦٩﴾

فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ
وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ
مِنْ خَلْفِهِمْ أَلا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ
يَحْزَنُونَ ﴿١٧٠﴾

وَقِيلَ لَهُمْ

يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ
وَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٧١﴾
الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ
مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا
مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرَ عَظِيمٍ ﴿١٧٢﴾

وَقِيلَ لَهُمْ
مَنْ أَضَاعَ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ

[یعنی] کسانی که مردم به آنان گفتند: همانا مردم بر خلاف شما جمع شده اند پس از آنها بترسید [این] بر ایمان ایشان افزود و گفتند، خدا مارا بس است و او چه نیکو کار سازاست (١٧٤)

پس بانعمت خدا و فضل بازگشتند. گزند به ایشان لمس نکرد و ایشان خوشنودی خدا را دنبال کردند و خدا را فضلی بزرگ است (١٧٥) یقیناً این تنها شیطان است که دوستان خود را میترساند پس از آنها نترسید و از من بترسید اگر شما مومنانید (١٧٦)

و تو را غمناک نسازد آنانکه در کفر بشتاب پیش میروند. یقیناً آنها هیچ گزندی به خدا نرسانند. خدا میخواهد در آخرت برایشان هیچ سهمی قرار ندهد و برایشان عذابی بزرگ است (١٧٧)

براستی آنانکه کفر را بیهای ایمان

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ﴿١٧٦﴾

فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمَسَّهُمْ سَوْءٌ ۖ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ ﴿١٧٥﴾

إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ ۗ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا رَبَّكَ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿١٧٦﴾

وَلَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ ۗ إِنَّهُمْ لَن يَضُرُّو اللَّهَ شَيْئًا ۗ يُرِيدُ اللَّهُ آلَا يَجْعَلَ لَهُمْ حِطًّا فِي الْآخِرَةِ ۗ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٧٧﴾

إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَن

خریدند هرگز به خدا هیچ گزندی نرسانند و آنها را عذابی دردناک است (١٧٨)

و کسانی که کفر کردند گمان نکنند که مهلت دادن ما آنها را در حق آنان بهتر است. آنها را مهلت فقط برای این میدهم تا بر بزهکاری بیفزایند و آنها را عذابی خوار کننده است (١٧٩)

نیست خدا که مومنان را رها سازد بر آن حال که بر آن شماید تا آنگاه که پلید و ناپاک را از حلال و پاک تمیز دهد و نیست خدا که همه شمارا بر غیب مطلع سازد بلکه خدا از پیغمبران خود هر که را میخواهد برمیگزیند. پس به خدا و رسولان او ایمان آرید و اگر ایمان آرید و تقوی پیش گیرید پس شما را مزد بزرگی است (١٨٠)

و کسانی که بخل ورزند بدانچه ها

يَضُرُّوْا وَاللّٰهُ سَمِيْعٌ وَّلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿١٧٨﴾

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا اَنَّهُمْ اَمَلُوْا لَهُمْ خَيْرٌ لَّا نَفْسِهِمْ ۗ اِنَّمَا اُمَلُوْا لَهُمْ لِيَزْدَادُوْا اِثْمًا وَّلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿١٧٩﴾

مَا كَانَ لِلّٰهِ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلٰى مَا اَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتّٰى يَمِيْزَ الْخَبِيْثَ مِنَ الطَّيِّبِ ۗ وَمَا كَانَ لِلّٰهِ لِيُظْلِعَكُمْ عَلٰى الْغَيْبِ وَّلٰكِنَّ اللّٰهَ يَجْتَبِيْ مِنْ رُّسُلِهٖ مَنْ يَّشَآءُ ۗ فَاٰمِنُوْا بِاللّٰهِ وَرُسُلِهٖ ۗ وَاِنْ تُوْمِنُوْا وَتَتَّقُوْا فَلَكُمْ اَجْرٌ عَظِيْمٌ ﴿١٨٠﴾

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِيْنَ يَبْخُلُوْنَ بِمَا اٰتٰهُمْ

که خدا آنان را بفضل خود اعطا کرد گمان نکنند که آن برای آنان نیکو است بلکه آن برای آنان خیلی زشت است. آنچه ما که در آن بخل کردند در روز قیامت طوق آنها گردانده شود و میراث آسمانها و زمین از آن خدا است و خدا به آن چه عمل کنید آگاه است (۱۸۱)

یقیناً خدا شنید گفتار آنانکه گفتند خدا تهیدست است و ما ثروتمند ایم. حتماً نوشته داریم آنچه گفتند و [اینکه] آنها رسولان را بناحق بشدت مخالفت کردند و گوئیم عذابی سوزنده بچشید (۱۸۲)

اینست بدانچه دستهای شما پیش فرستاد و اینکه خدا برای بندگان ستم ران نیست (۱۸۳)

آنانکه گفتند یقیناً خدا از ما پیمانی گرفته است که بهیچ رسولی ایمان نیاوریم تا آنگاهکه ما را قربانی بیارد که آتش آن را بخورد. بگو

اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرٌ لَّهُمْ ^ط بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ ^ط سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ^ط وَ لِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ^ط وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ^ع

١٨١

لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ ^ط سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا ^ط وَقَتْلَهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ^ط وَ نَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ^ع

١٨٢

ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ ^ع

الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عٰهَدَ إِلَيْنَا آلا نُوْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ ^ط قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ قَبْلِي

پیش از منم پیغمبرانی نزد شما با
نشانه های روشن و با آن [سخن]
که میگوید آمده بودند پس چرا
با ایشان ستیزه جوئی سرسخت
کردید اگر شما راست گویان
اید (١٨٤) ++

بِالْبَيِّنَاتِ وَإِلَازِي قُلْتُمْ فَلِمَ
قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٨٤﴾

پس اگر بتو تکذیب کرده اند پس
رسولانی پیش از تو نیز تکذیب
شده بودند. ایشان با نشانه های
روشن و صحیفه ها و کتاب
درخشنده ای آمده بودند (١٨٥) .

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ رَسُولٌ مِّنْ
قَبْلِكَ جَاءَ وَإِلَازِي وَالرُّبُرِ وَالْكِتَابِ
الْمُنِيرِ ﴿١٨٥﴾

++ آیت ١٨٤: یهود اعتقاد داشتند هر چه قربانی بحضور خدا آورده شود علامت قبولیت آن اینست که آتشی از آسمان باریده آن قربانی را میخورد. لذا از آنحضور صلی الله علیه وسلم مطالبه شد که چنین قربانی را بیآر که آتش از آسمان باریده آنرا بخورد. آنگاه خدا در پاسخ این مطالبه گفت که اگر رسولی راستگو را این علامت است پس به قول شما در زمان رسولان قبلی هم قربانی میشد و آتش از آسمان آمده آنرا میخورد پس با این وجود چرا دیگر انبیا را مخالفت شدیدی کردید؟

++ معنای قتل ضرب شدیدم است بطوریکه نوشته است تكون استعارة الفعل على قسمين: احدهما أن يشبه الضرب الشديد مثلاً بالقتل، و يستعار له اسمه ثم يشق منه قتل بمعنى ضَرْبٍ يَضْرِبُ ضَرْباً شَدِيداً [تفسیر روح المعانی سورة الفتح زیر آیت انا فتحناك فتحاً مبيناً].

مرتن چشنده مرگ است و پاداش خود بتمام فقط روز قیامت داده شوید پس آنکه از آتش نگاه داشته و به بهشت داخل کرده شد پس یقیناً موفق شد و زندگی دنیا جز بهره گیری فریبنده چیزی نیست (١٨٦)

حتماً در مالهای خود و جانهای خود آزموده شوید و البته از آنانکه بیش از شما کتاب داده شدند و کسانیکه شرک ورزیدند سخنانی دل آزار بفروانی خواهید شنید اگر صبر کنید و تقوی پیش گیرید پس این از کارهای پر همت است (١٨٧)

و هنگامیکه خدا از آنها که کتاب داده شدند پیمانی بگرفت که حتماً شما این کتاب را برای مردم بروشنی بیان کرده و مرگز آنرا کتمان نخواهید کرد. اما آنها آن [میثاق] را پشت سر خود نهادند و

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ۗ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
أَجْرَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ فَمَنْ زُحِرَ
عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ ۗ وَمَا
الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ ﴿١٨٦﴾

لَتُبْلَوْنَ فِيْ أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ۗ
وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ
قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيْرًا ۗ
وَإِنْ تَصْبِرُوا وَاتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ
عَزْمِ الْأُمُورِ ﴿١٨٧﴾

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ
لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ ۗ
فَبَدَّوْهُ وَرَأَى ظُهُورَهُمْ وَأَشْتَرَوْا بِهِ
ثَمًا قَلِيْلًا ۗ فَبَسَّ مَا يَشْتَرُونَ ﴿١٨٨﴾

به [عوض] آن بهائی ناچیز گرفتند.
پس چه زشت است آنچه می
خرند (١٨٨)

کسانیکه به کرده های خود دلشاد
شوند و دوستدارند که برای آن
کارها نیز ستوده شوند که انجام
نداده اند پس هرگز آنها را از
عذاب رستگار نه پندار بلکه آنها
را عذابی دردناک است (١٨٩)

و پادشاهی آسمانها و زمین از آن
خدا است و خدا به هرچیز مدام
قدرتمند است (١٩٠)

بیگمان در آفرینش آسمانها و
زمین و دگرگونی شب و روز برای
خردمندان نشانه هایست (١٩١)

کسانیکه ایستادگان و نشستگان و
برپهلوهایی خود خدا را یاد میکنند
و در آفرینش آسمانها و زمین فکر
واندیشه کنند [و بیساخته گویند]
پروردگارا! هرگز تو این [عالم] را
بلامقصد و نیافریده ای توپاکی پس

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا آتَوْا
وَيُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا
فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ
وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ١٨٩

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَاللَّهُ
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ١٩٠

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَإِخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي
الْأَبْصَارِ ١٩١

الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ
جُوهِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا
سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ١٩٢

مارا از عذاب آتش نگهدار (١٩٢)
 پروردگارا! آنکه را به آتش داخل
 کردی پس او را خوارگرداندی و
 ستمکاران را هیچکس یاور نه
 باشد (١٩٣)

پروردگارا! یقیناً ما گوش کردیم
 منادیی را که به ایمان منادی
 میکرد که بر پروردگار خود ایمان
 آورید. پس ما ایمان آوردیم. ای
 پروردگار ما! پس گناهان ما را
 برای ما بیامرز و زشتی های ما
 را از ما دور کن و ما را با نیکو
 کاران بمران (١٩٤)

پروردگارا! ما را درده آن وعده که
 تو برای ما بر رسولان خود فرض
 نمودی [یعنی میثاق النبیین] روز
 قیامت ما را خوار نگردانی. یقیناً
 تو خلاف وعده نمیکنی (١٩٥) ++

پس پروردگارا! ایشان دعای ایشان
 را استجابت نمود [و فرمود] که
 من عمل هیچ عمل کننده از شما

رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تَدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ
 أَخْرَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ﴿١٩٢﴾

رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ
 أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا
 ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ
 الْأَبْرَارِ ﴿١٩٣﴾

رَبَّنَا وَإِنَّا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا
 تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ
 الْمِيعَادَ ﴿١٩٥﴾

فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ
 عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّمَّنْ ذَكَرُوا وَأُنشِجَ

بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ ۚ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا
وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي
سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ
عَنَّهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَا أُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّةَ
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۚ ثَوَابًا مِّنْ
عِنْدِ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ ﴿١١٦﴾

خواه مرد است یا زن ضائع
نمیدم. بعضی از شما از بعضی
اند. پس کسانی که مهاجرت کردند
و از خانه های خود بیرون رانده
شدند و در راه من آزاریده شدند
و قتال کردند و کشته شدند یقیناً
من زشتیهای ایشان را از ایشان
دور کرده و حتماً آنها را وارد باغ
های نمایم که در دامنه آنها نهرهای
روانست. این مزدی از محضر خدا
است و خدا است که نزد او
بهترین مزد است (۱۹۶)

لَا يَعْزُوكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي

الْبِلَادِ ﴿١١٧﴾

مَتَاعٍ قَلِيلٍ ۖ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ ۗ

وَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿١١٨﴾

آمد و رفت آنها در شهرها که کفر
کردند تو را نفریبند (۱۹۷)
این بهره ای ناچیز موقتی است.
سپس مأوی آنان جهنم است و چه
زشت جایگاهی است (۱۹۸)

++ آیت ۱۹۵: پس از علی کلمه لسان رسلك نیست بلکه فقط رسلك است. این "علی" بفرض است و مفهومی اینست بطوریکه توسط پیغمبران بر قوم های ایشان تو فرض کرده بودی که آنان یعنی قومهای رسولی آینده حتماً یاری کنند پس اگر آنان اینطور نکنند این اشتباه است و گرنه خدا که بحر حال طبق وعده رسولان را غالب مینماید.

لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَزَاءٌ
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا
تُزَلَّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ طُومًا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ
لِلْأَبْرَارِ ﴿١٩٩﴾

اما آنانکه به پروردگار خود تقوی
کنند برایشان باغهای است که در
دامنه آنها نهرهای روان است. آنان
در آنها جاویدانند. این از نزد خدا
پذیرائی است و آنچه نزد خدا است

﴿١٩٩﴾

برای نیکان نیکوتر است (١٩٩)
و یقیناً از اهل کتاب کسانی اند که
به خدا و آنچه بسوی شما نازل کرده
شده و آنچه بسوی آنان نازل کرده آمد
برای خدا فروتنان ایمان می آورند
آیتهای خدا را به بهاء ناچیز نمی
فروشد آنانند که پاداش ایشان
نزد پروردگارا ایشان است. یقیناً
خدا زود حساب است (٢٠٠)

وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ
وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ
خُشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا
قَلِيلًا أُولَئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ
رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿٢٠٠﴾

ای آنانکه ایمان آوردید صبر کرده
و به صبر سفارش کنید و به نگهداری
مرزها آماده باشید و به خدا تقوی
کنید تا شما پیروزمند شوید (٢٠١)

﴿٢٠٠﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا الصَّبْرُ وَاصْبِرُوا
وَ رَابِطُوا^{٢٠١} وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ
تُفْلِحُونَ ﴿٢٠١﴾

++ آیت ٢٠١ - مفهوم "رابطوا" بر طول مرز اسبابستن است یعنی هیچگاه از حمله دشمن
بی خوف نباشید بلکه بر مرزها حاضر بوده میتوان اخبار آنطرف مرز را بدست
آورد همینطور بر مرزها اسبابا بستن دشمن را برای حمله ناگهانی مجال نمیدهد.

٤ - سورة النساء

این سوره در میان سومین و پنجمین سال هجرت نازل شد و با بسم الله

١٧٧ آیت دارد.

آغاز این سوره با چنین آیتی میشود درجه شروع شدن آفرینش معجزانه ای انسان ذکر شده است. گویی واژه آدم را تفسیری جدید درآورده میشود. این سوره به آخرین قسمت سوره قبلی وابستگی عمیقی دارد. در آخر سوره قبلی علاوه بر تعلیم صبر به این امر آموزش داده میشود که بهمدیگر برای شکیبائی سفارش کرده و از مرزهای خودنگهبانی کنید. ضمناً در این سوره سخن از کار زارهای هولناکی با دشمنان اسلام گفته میشود که در نتیجه آن بسیاری از زنان بیوگان و بچه های یتیمان میمانند. برای حل مشکلات ناشی از جنگها و درباب حقوق بیوگان و یتیمان پیشنهادی است که بابیش از یک زن عقد ازدواج بسته شود بشرطیکه انصاف رعایت کرده شود و اگر انصاف امکان پذیر نیست باید به یک زن اکتفا کرده شود.

ضمناً به اصل اساسی برای نظام وراثت طبق تعلیم اسلام تفصیل داده

میشود.

در این سوره از مناسبات یهودیان و مسیحیان بهمدیگر و بعثت حضرت مسیح به اینصورت ذکر میشود که چون یهود همه پیمانهای خود را نقض کرده و سختدل شده و تلاش کرده که حضرت مسیح را بدار آویخته بکشند آنگاه چگونه خداوند به نجات حضرت مسیح برآمد و کوششهای یهودیان را برای کشتن حضرت مسیح به دار کشیده به ناکامی و بی مرادی روبروی نموده و

حضرت مسیح را از آن تمامی تهمت‌های پاک ثابت گرداند که یهودیان بر او و مادر پاکدامن او زده بودند.

مضافاً در این سوره از هجرت حضرت مسیح نیز در صورت این پیشگوئی مذکور است که از اهل کتاب هیچ گروهی باقی نخواهد ماند که به صداقت و وفات طبیعی ایشان ایمان نیآورده باشد. این پیشگوئی بصورت مهاجرت ایشان از راه افغانستان به کشمیر تحقق یافته است.

☆ سُوْرَةُ النِّسَاءِ مَدِيْنَةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ مِائَةٌ وَسَبْعٌ وَسَبْعُونَ آيَةً وَأَرْبَعَةٌ وَعِشْرُونَ رُكُوْعًا

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

ای مردم! تقوی کنید، پروردگار خود

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ

را آنکه شما را از یکتا آفرید و

مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا

جفت آنرا از خود آن درآورد و

وَبَتٍّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً ۚ

از آندو مردان و زنان فراوان

وَاتَّقُوا اللّٰهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ

گسترانید و بترسید از آن خدای

إِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ②

که بنام او ازهم درخواست کنید

[تعلق] [رحمها] [ارعايت کنید] [یقیناً]

خدا بر شما نگهبان است (۲)

و یتیمان را مالهای آنان بدهید و

وَأْتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا

ناپاکیزه هارا ببدل پاکیزهها نه

الْخَيْثَ بِالطَّيِّبِ ۚ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ

گیرید و مالهای آنها را با اموال

إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ ۗ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا ③

خود موردطمع قرار ندهید. حتماً

آن گناهی بزرگست (۳)

و اگر بیم دارید که در مورد یتیمان

وَأِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ

بداد رفتار نتوانید کنید، آنگاه آنکه

فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مِمَّنِّي

از زنان شمارا خوش آید دو و سه

وَتِلْكَ وَرُبْعٌ ۚ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا

و چهار را به عقد ازدواج درآرید

فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ۗ ذَٰلِكَ
أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا ۝

و اگر بیم دارید که بداد رفتار
نخواهید کرد پس یکی [بس] است
یا آنانکه دستهای راست شما مالک
است. این نزدیکتر [به این] است
که شما بی عدالتی نکنید (٤) ++

وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً ۗ فَإِنْ
طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ
هِنًا مَّرِيًّا ۝

و مهریه های زنان به آنها با طیب
خاطر بپردازید و اگر بدوستی بشما
از آن و ادمند پس آنرا بمیل و رغبت
بکار خود ببرید (٥)

وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ
اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا
وَأَكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا ۝

و ندهید به ابلهان آنمال خود که
خدا باعث استواری شما قرارداد
و آنانرا از آن بخورانید و آنانرا
بپوشانید و به آنان سخن نیکوی
بگویید (٦)

++ آیت ٤- دو، سه و چهار زن گرفتن بمنزله فرمان نیست بلکه مفهوم این است که
یکوقت فقط چهارتا زوجة توان داشت در حالیکه قبل از آن در اعراب تعداد زنان را
میچ حدوحصری نبود. لذا این آیت تعداد زوجات را بجای اضافه محدود میسازد. البته
حالت جنگ، چون بسیار کثیر زنان اسیر میآرد و کفالت یتیمان، گرفتن بیش از یک
زن را اجازه میدهد بشرطیکه عدل را توان رعایت کرد. کسانیکه این اجازه را بهانه
قرارداده بیشتر از یک زن میگیرند وزن قبلی را کالمعلق رها میکنند مرکز تعلیم اسلام
را اقتداء نمیکند بلکه هوائی نفسانی خود را پیروی کرده بیش از یک زن
میگیرند.

وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ ۚ
فَإِنْ اُنْتُم مِّنْهُمْ رُّشَدًا فَادْفَعُوا
إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ ۚ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا
وَبِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا ۚ وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا
فَلْيَسْتَعْفِفْ ۚ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ
بِالْمَعْرُوفِ ۗ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ
أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ ۗ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ
حَسِيبًا ﴿٥﴾

و یتیمان را بیآزمایید تا آنوقت
که به سن نکاح برسند. آنگاه اگر
در آنها احساس خردکنید پس مال
های آنان را به آنان برگردانید و
آن [اموال] را اسرافاً و عجولانه
بربزرگ شدن آنها پیشی گرفته
نخورید، و آنکه ثروتمند است باید
[از آن اموال] برهیز کند و آنکه
نادارست بطریق مناسب بخورد.
پس گامیکه مالهایشان را به آنان
بازدهید پس بر آنها گواه قرار دهید
و خدا برای حساب گرفتن بس
است (٧)

لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدِينَ
وَالْأَقْرَبُونَ ۚ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا
تَرَكَ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ
أَوْ كَثُرَ ۗ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا ﴿٥﴾

مردان را از آنچه والدین و
خویشان ارث گزارند سهمی است
و هم زنان را سهمی است از آنچه
والدین و خویشان ارث گذارند
خواه آن کم است یا زیاد. این
سهمی بفرض است (٨)

وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ
وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينُ فَأَرْزُقُوهُمْ مِنْهُ

و اگر هنگام تقسیم خویشان [که
حق ندارند] و یتیمان و مساکین

وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا ①

حاضر آیند آنگاه بدیشان هم بدهید

و به آنان سخن نیکوی بگویید (٩)

و باید بترسند آنها که اگر پس

از [فوت] خود فرزندان ناتوان وا

گذارند که برایشان علاقه مند

بودند و باید به خدا تقوی پیش

گیرند و باید لب به گفتار راست

و درست بکشایند (١٠)

مسلمانانیکه اموال یتیمان را

به ستم میخورند در شکمهای خود

فقط آتش پر میکنند و یقیناً در

آتشی شعله ور افکنده شوند (١١)

خدا به شما درباره فرزندان شما

توصیه میکند. سهم مرد برابر دو

زن است و اگر آنها از دو زن بیشتر

باشند آنگاه برایشان دوسوم

آنست که کسی ارث گذاشت و

اگر یک زن است پس وی رانصف

است و برای والدین آن [متوفی]

هریک از آندو را یک ششم آنست

که او ارث گذاشت اگر او را

وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ

ذُرِّيَّةً ضِعْفًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا

اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ②

إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُونَ أَمْوَالَ الْيَتِيمِ ظُلْمًا

إِنَّمَا يَأْكُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا ③

وَيَصْلُونَ سَعِيرًا ④

ع
١٣

يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ

مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ ⑤ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً

فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ ⑥ وَإِنْ

كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ ⑦ وَلَا بَوَیْهَ

لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ ⑧ إِنْ

كَانَ لَهُ وَلَدٌ ⑨ فَإِنْ لَّمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ

وَوَرِثَهُ أَبُوهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ ⑩ فَإِنْ كَانَ

لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمَّهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةِ
يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ ^١ أَبَاؤُكُمْ
وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ
لَكُمْ نَفْعًا ^٢ فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ ^٣ إِنَّ اللَّهَ
كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ^٤

اولاد بود. و اگر او را اولاد نه
بود و والدینش از او ارث برند
آنگاه مادرش رایك سوم است و
اگر او را برادران [وخواهران]
باشند آنگاه برای مادرش يك ششم
است پس از [ادای حق] وصیت که
او کرد یا بدهی. پدران شما و پسران
شما نمیدانید که کدامین از آنها
از جهت سودمندی شما نزدیک تر
اند. این از جانب خدا معین شده
است. یقیناً خدا مدام دانا و
صاحب بسیار حکمت است (١٢)

و برایشما نصف آنچه است که
زنان شما ارث گذارند اگر آنها را
اولاد نیست. پس اگر آنها را اولاد
است آنگاه برای شما یکچهارم
است از آنچه که آنها ارث گذارند
پس از [ادای حق] وصیت که کرده
باشند یا بدهی و برای ایشان يك
چهارم از آنچه است که شما ارث
گذارید و شما را اولادی نیست و

وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ
لَمْ يَكُنْ لِهِنَّ وَكِيلٌ فَإِنْ كَانَ لِهِنَّ وَكِيلٌ
فَلَکُمُ الرَّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةِ
يُوصِينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ ^١ وَلِهِنَّ الرَّبْعُ مِمَّا
تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَكِيلٌ فَإِنْ كَانَ
لَكُمْ وَكِيلٌ فَلِهِنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ مِنْ
بَعْدِ وَصِيَّةِ تُوَصَّوْنَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ ^٢ وَإِنْ

كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَلَةً أَوِ امْرَأَةً وَلَهُ
 أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا
 السُّدُسُ ۚ فَإِن كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ
 فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةِ
 يُوصى بِهَا أَوْ دَيْنٍ ۗ غَيْرَ مَضَارٍ ۚ
 وَصِيَّةً مِّنَ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ ١٣

اگر شما اولاد دارید آنگاه برایشان يك هشتم است از آنچه که ارث گذاری پس از [ادای حق] وصیتی که کرده باشید یا بدهی و اگر ارث گذار مردی است یا زنی کلاله [یعنی بی فرزند و بلا پدر و مادر] او را برادری یا خواهری است پس سهم هریک آنها يك ششم است و اگر آنها بیشتر از آن باشند آنگاه آنها در يك سوم بهم شریکند پس از [ادای حق] وصیت که کرده شد یا بدهی و بلا مضرت کسی. این از جانب خدا سفارش است و خدا مدام دانا ی بردبار است (١٣)

تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ ۗ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ
 وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ
 تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ۗ وَذَلِكَ
 الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ١٤

این حدما ی خدا است و هر که از خدا و رسولش پیروی کند او وارد باغهای کرده شود که دردمانه آنها نهرهای روانست و در آنجا جاودان باشد و این پیروزی بزرگ است (١٤)

وهرکه از خدا و رسولش نافرمانی کند و از حدود او تجاوز نماید او به آتشی وارد کرده شود که در آن مدت دراز بماند و او را عذاب مهین^{١٥} عذابی رسوا کننده است (١٥)

و آنهایی از زنان شما که به فحشائی مرتکب شده باشند بر آنها چهارگواه از خودتان بگیرید. پس اگر آنها گواهی دهند آنگاه زنان را در منازل نگهدارید تا آنگاه که فوت به آنها برسد یا خدا برایشان راهی آن دگر قرار دهد (١٦) ++

و آندو مرد از شما که به آن [فحشائی] مرتکب شوند پس به آنها کیفر [بدنی] بدهید. پس اگر توبه کنند و روی به اصلاح آورند آنگاه از آنها اعراض کنید. یقیناً خدا پذیرنده توبه و بارها رحم

وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ ١٥

وَالَّتِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِّنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَفَّيَهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا ١٦

وَالَّذِينَ يَأْتِيَنَّهُا مِنْكُمْ فَادُّوهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا ١٧ إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَّحِيمًا ١٧

++ آیت ١٦ - کلمات "خدا برایشان راهی آن دگر قرار دهد" را دو مفهوم توان باشد یکی اینکه شوهرش بیشتر درگذرد و زوجه آزاد شود و دومین اینکه شوهرش وی را طلاق دهد تا با مردی دیگر عقد ازدواج ببندد.

کننده است (١٧)

یقیناً بر خدا فقط توبه آنها قبول
کردن است که فحشائی را به
حماقت [خود] ارتکاب کنند و از آن
پس بزودی توبه کنند پس آنانند
که خدا توبه قبول کرده بر آنان
تمایل شود و خدا مدام دانای
صاحب بسیار حکمت است (١٨)

إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ
السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ
فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ^ط وَكَانَ اللَّهُ
عَلِيمًا حَكِيمًا^{١٨}

++ آیات ١٦-١٧: این آیات را تعلق به جنسی بی راهی است آنچه را امروزها گه
مومننت میگویند یعنی مرد با مرد و زن با زن بی حیائی را ارتکاب کند. برای زنان
چهارگواه لازم اند ولی برای مردان لازم نیستند. این برای عصمت زنان از تهمت بیجا
نگهداری است. این فرمان که بیرون رفتن اینچنین زنان را بازدارید این معنای
ندارد که آنانرا در خانه محبس کنید بلکه مفهومش اینست که نگذارید که آنها بلا
اجازت تنها از خانه بیرون روند و موجب گسترش این بی حیائی شوند.
اینجا سوال برمیآید که این جلوگیری چرا برای مردان الزامی نیست. بدیهی است
که قرآن کریم مردان را برای اداره کردن مخارج و سایر نیازهای زندگی خانواده
مسؤل میگرداند و اگر آنان در منازل بازداشته شوند دیگر زندگانی روزانه خانواده
به دشواری روبرو میشود. لذا بجای نگهداری در منازل فرمان شد که آنان کیفر
بدنی داده شوند و این کیفر مشروط به مشتاد یا صد شلاق نیست بلکه این کیفر بر
حسب حالات است. در حالیکه اگر احتیاطی فوق بکار گرفته شود نیازه کیفری باقی
نیگذازد. اگر کیفر بدنی به زنان جایز بود پس در زندگی حضرت رسول الله صلی الله
علیه وسلم حتی يك مثل باید صورت عمل میگرفت حالانکه بعضی از زوجات آنحضرت
گاهی موجب ناراحتی ایشان هم شدند که قرآن در این مورد ذکر کرده است.

وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ
السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ
الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْإِثْمَ وَلَا الَّذِينَ
يَمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارٌ ۗ أُولَٰئِكَ أَعْتَدْنَا
لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١١﴾

و نیست توبه آنها که بفحشائی
عمل همی کنند تا آن انتها که هرگاه
بکسی از آنها فوت فرارسد گوید
یقیناً اکنون من توبه میکنم و
نیست [توبه] آنها که بپیرند حالانکه
آنها کافرانند. همانند که برای آنها
عذابی دردناک مهیا کرده ایم (۱۹)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا
النِّسَاءَ كَرْهًا ۗ وَلَا تَعْضَلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا
بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ
بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ
فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا
شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا ﴿٢٠﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید شما
را حلال نیست که میراث زنان
را به اجبار ببرید و بر آنها تنگ
نگیرید تا از آنچه به آنها داده باشید
بکمی ببرید مگر اینکه فحشائی
آشکارا بیارند و با آنان به رفتار
نیکوئی زندگی کنید. پس اگر شما
را خوش ندارد آنگاه چه بسا چیزی
را دوست ندارید و خدا در آن برکت
فراوانی نهاده است (۲۰)

وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَّكَانَ
زَوْجٍ ۖ وَآتَيْتُمْ أَحَدَهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا
مِنْهُ شَيْئًا ۗ آتَاخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ﴿٢١﴾

و اگر میل کنید که زن را با زنی
دیگر بدل کنید و به یکی از آنها
پوست گاو پر از زروسیم [یعنی
مالی فراوان] داده باشید باز هم

هیچ چیزی از او پس نگیرید.
آیا آنرا با تهمت و گناهی آشکارا
پس خواهم گرفت؟ (۲۱)

و از چه روی آنرا میگیرید با
آنکه بعضی از شما بعضی [در خلوت]
بهم رسیده اند و آنها از شما پیمانی
محکم [وفاء] گرفته اند (۲۲)

و نکاح نکنید با آنها از زنان که
پدران شما نکاح کرده باشند جز
آنچه گذشته است. بلاشک این
فحشائی بزرگ و نفرت انگیز و
راهی بسیار زشت است (۲۳)

برایشما حرام کرده شدند مادران
شما و دختران شما و خواهران شما
و عمه های شما و خاله های شما و
برادرزادگان شما و خواهرزادگان
شما و مادران شما که بشما شیر
دادند و خواهران رضاعی شما و
مادران زنان شما و دختران که در
کنار تربیت شما پرورش مییابند
از آن زنان شما که با آنها نزدیکی

وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ
إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذَنَّ مِنْكُمْ مِيثَاقًا عَظِيمًا ﴿٢١﴾

وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ
إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ ۗ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً
وَمَقْتًا ۗ وَسَاءَ سَبِيلًا ﴿٢٢﴾

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ
وَأَخَوَاتُكُمْ وَعُمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ
الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَوَأُمَّهَاتُ النِّسَاءِ
الَّتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرَّضَاعَةِ
وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ الَّتِي فِي
حُجُورِكُمْ مِمَّنْ نِسَاءُكُمُ الَّتِي دَخَلْتُمْ
بِهِنَّ ۚ فَإِنْ لَّمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا

کرده باشید. پس اگر با آنها نزدیکی
 نکردید آنگاه هیچ گناهی بر شما
 نیست، و همسران آن پسران شما
 که از صلب شما اند و اینکه دو
 خواهر را بهم در نکاح خود در آرید
 جز آنچه گذشت. یقیناً خدا آمرزنده
 بارها رحم کننده است (۲۴)

جُنَاحَ عَلَيْكُمْ^۱ وَحَلَائِلَ أَبْتَائِكُمُ
 الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ^۲ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ
 الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ^۳ إِنَّ اللَّهَ كَانَ
 غَفُورًا رَحِيمًا^۴

وآنان از زنانیکه شوهر دارند [نیز بر شما حرامند] جز آنانکه دستهای راست شما مالک است. این بر شما فریضه خدا است و آنچه بغیر از آنست برای شما ملال گردانده شد اینکه خواستگاری کنید با مالهای خودپارسیان و نه زناکاران. پس چنانچه از آنان کام دل بردید پس به آنان مهریه بفرض بپردازید و در این امر بر شما باکی نیست که پس از تعیین مهریه به [تغییر] آن برضای هم برسید. یقیناً خدا مدام دانای صاحب حکمت است (۲۵)

و اگر بکسی از شما توان نیست که با زنان مومنه آزاد عقد ازدواج بندد آنگاه از آن کنیزکان مومنه خود که دست راست شما مالک شد [نکاح کند] و خدا به ایمان شما داناتراست. بعضی از شما از بعضی اند. پس با آنان نکاح کنید با اجازه مالکان ایشان و آنان را مهریه

وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ۚ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ ۚ
وَأَجَلَ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا
بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسْفِحِينَ ۗ
فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ
أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً ۗ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ
فِيمَا تَرَضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ ۗ
إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿۲۵﴾

وَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ
الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مِمَّا مَلَكَتْ
أَيْمَانُكُمْ ۚ مِنْ فَتْيَتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ۗ وَاللَّهُ
أَعْلَمُ بِأَيْمَانِكُمْ ۗ بَعْضُكُمْ مِنْ
بَعْضٍ ۗ فَانكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ
وَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ
مُحْصَنَاتٍ غَيْرِ مُسْفِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ

أَخْدَانٍ ۱۰ فَإِذَا أَحْصَيْتَ فَإِنَّ آتِيَنَ
بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى
الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ۱۱ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ
الْعَنَتَ مِنْكُمْ ۱۲ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ
لَّكُمْ ۱۳ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۱۴

ع

آنان بدستور بدمید [اگر] پاك -
دامنان اند نه زناكاران و نه
دوست گیرندگان مخفی. پس
گامیکه عقد ازدواج بسته باشند
بازاگر فحشائی آورند آنگاه کیفر
آنان نسبت به زنان آزاد نصف
است. این [رعایت] برای کسی از
شما است که از گناه میترسد و
صبر کردن شما در حق شما بهتر
است و خدا آمرزگاری بارها
رحم کننده است (۲۶)

خدا میخواید برایشما به روشنی
بیان کند و شمارا به راه آنان
رهنمائی کند که پیش از شما
بودند و اوتوبه قبول کرده بر شما
برگردد و خدا صاحب علم دائمی
صاحب حکمت است (۲۷)

و خدا میخواید که توبه قبول
کرده بر شما برگردد و آنانکه هوای
نفسانی را دنبال میکنند دوست
دارند که بر غیبت کامل طرفدار

يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذَيِّبَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ
الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ ۱۵
وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۱۶

وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ
الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهْوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا
عَظِيمًا ۱۸

[آنها] بشوید (۲۸)

خدا میخوامد که [بار را] از شما
سبک کند و انسان ناتوان آفریده
شد (۲۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید
مالهای خود را میان خود بیاطل
مورد طعمه قرار ندهید جز اینکه
دادوستد برضای هم شما باشد و
خود را [در اقتصاد] بهلاک نرسانید.
یقیناً خدا در حق شما بارها رحم
کننده است (۳۰)

و هر که اینکار تعدی کنان و ستم
کنان انجام دهد پس بزودی او
را به آتش افکنیم و این خدا را
آسان است (۳۱)

اگر شما از گناهان سنگین که از
آنها نهی میشوید دوری گزینید
ما بدی های شما را از شما دور
سازیم و شما را به مقام ارجمندی
داخل نماییم (۳۲)

و به آن برتری که خدا بعضی

يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ^ج وَخِزْيَ
الْإِنْسَانِ ضَعِيفًا^{۳۰}

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُلُوا أَمْوَالَكُمْ
بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً
عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ^ت وَلَا تَقْتُلُوا
أَنْفُسَكُمْ^ط إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا^{۳۱}

وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ
نُصَلِّيهِ نَارًا^ط وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا^{۳۲}

إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ
عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا
كَرِيمًا^{۳۳}

وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى

بَعْضٍ^ط لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبُوا^ط
 وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَ^ط وَسَلُوا
 اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ^ط إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ
 عَلِيمًا^{٣٣}

از شمارا بر بعضی داده است حرص
 نخورید مردان را سهمیه است
 از آنچه آنها کسب کنند و زنان را
 سهمیه است از آنچه آنها کسب
 کنند و از خدا فضل او را طلب
 کنید. یقیناً خدا بهر چیز مدام دانا
 است (۳۳)

وَلِكُلِّ جَعَلْنَا مَوَالِي مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدِينَ
 وَالْأَقْرَبُونَ^ط وَالَّذِينَ عَقَدَتْ أَيْمَانُكُمْ
 فَآتُوهُمْ نَصِيبَهُمْ^ط إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ
 شَيْءٍ شَهِيدًا^ع

ووالدین و خویشان هر چه به ارث
 گذارند برای هر کدام میراثدار
 قرار داده ایم و با آنانکه پیمان
 موثق خود بسته اید به آنها هم
 سهمیه آنان بدهید. یقیناً خدا بر
 هر چیز گواه است (۳۴)

الرِّجَالِ قَوْمُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ
 اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ
 أَمْوَالِهِمْ^ط فَالضَّالِّحَاتُ قِنْتِ
 حَفِظْتِ لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ^ط
 وَالَّتِي تَخَافُونَ نُسُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ
 وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرَبُوهُنَّ^ع

مردان بر زنان سرپرستند بدانچه
 رجحان که خدا بعضی از آنان را
 بر بعضی در داده است و بدانعلت
 که از مالهای خود [بر زنان] هزینه
 میکنند پس زنان شایسته کار
 فرمانبردار و در نهان هم نگه
 دارند به آنچه آنها اند که خدا
 نگه داشت [آنها فرمان] کرد و آن

فَإِنْ أَطَعْتُمْ كُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا^ط
 إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا ﴿۳۵﴾

زنان که از سرکشی آنها میترسید
 [مقدمًا] به آنها اندرز دهید باز
 آنها را در خوابگاهها تنها بگذارید
 و آنها را [بالضرورت] کیفر بدنی
 بدهید. پس اگر از شما تمکین کنند
 باز برخلاف آنها راه [تجاوزگری]
 تلاش نکنید. یقیناً خدا بسیار بلند
 بسیار بزرگست (۳۵)

وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا
 مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا^ج إِنْ
 يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا^ط إِنَّ
 اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا ﴿۳۶﴾

و اگر شما میان آندو ترس نفاق
 دارید آنگاه داوری از خانواده
 آنمرد و داوری از خانواده آن زن
 تعیین کنید. اگر آندو وفق را دوست
 دارند یقیناً خدا میان آندو وفق
 خواهد داد یقیناً خدا صاحب علم
 دائمی خوب آگاه است (۳۶)

وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا
 وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ
 وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ
 وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ
 وَابْنِ السَّبِيلِ^ل وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ^م

و خدا را عبادت کنید و چیزی
 را با او شریک قرار ندهید و
 احسان کنید به والدین و خویشان
 و یتیمان و همسایه خویشی و
 همسایه بیگانه و همدمان و راه
 گذران و آنها که در ملک دستهای

راست شما اند و قطعاً خدا دوست ندارد آنکه خود بسند و فراخنده است (۳۷)

[یعنی] آنانکه بخل میورزند و مردم را ببخل امر میکنند و کتمان میکنند آنچه خدا بفضل خود آنها را داده است و برای کافران عذابی خوار کننده آماده کرده ایم (۳۸)

و آنانکه مالهای خود را بریاء مردم انفاق میکنند و برخدا ایمان ندارند و نه بر روز آخرت و آنکه شیطان او را همدمی است پس چه زشت همدمی است (۳۹)

و برایشان چه مشکلی بود اگر به خدا و به روز آخرت ایمان می آوردند و انفاق میکردند از آنچه خدا به آنان اعطا کرده است و خدابه آنان خوب آگاه است (۴۰)

یقیناً خدا باندازه ذره هم ستم نکند و اگر نیکوکاری باشد آنرا

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا ﴿٣٧﴾

الَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ﴿٣٨﴾

وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ ۗ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا ﴿٣٩﴾

وَمَا ذَا عَلَيْهِمْ لَوْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَانْفَقُوا ۗ أَرَأَيْتُمْ لَو أَنَّ اللَّهَ تَوَلَّىٰ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا ﴿٤٠﴾

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ ۖ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً يُّضَعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ

أَجْرًا عَظِيمًا ①

میفزاید و از نزد خود پاداشی
بزرگ اعطا میکند (۴۱)

پس چطور شود حال چون از هر
کدام امت گواه ای آوریم و تو
را بر همه آنها گواه آوریم (۴۲)

آنروز کسانی که کفر کردند و به
رسول نافرمانی کردند بخواهند
کاشکی [دفن شده] خاک بر آنها
یکسان کرده میشد و هیچ سخن
را از خدا کتمان نتوانند کنند (۴۳)

ای کسانی که ایمان آورده اید
بنماز نزدیک نشوید درحالی که
درحواس نباشید تا آنگاه که
بدانید آنچه میگویید و نه در
حالت جنابت مگر اینکه رمگذر
اید. تا آنگاه که غسل کنید و اگر
شما بیمارید یا برسفرید یا کسی
از شما از جای قضای حاجت آمد
یا با زنان نزدیکی کردید و آب
درنیابید آنگاه بخاک پاکیزه
تیمم کنید. پس بر صورتهای خود

فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ
وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا ①

ع
۱۱

يَوْمَ يَذِيقُ يَوْمَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصُوا
الرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّى بِهِمُ الْأَرْضُ
وَلَا يَكْفُرُونَ اللَّهَ حَدِيثًا ①

ع
۳

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ
وَأَنْتُمْ سُكَرَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ
وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ
تَغْتَسِلُوا ① وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ
سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ
لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا
صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ
وَأَيْدِيكُمْ ① إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا غَفُورًا ②

و بردستهای خود مسح کنید. یقیناً
خدا بسیار عفوکننده ی آمرزنده
است (۴۴)

آیا بحال آنها نگریستی که بخشی
از کتاب داده شدند گمراهی را
میخرند و دوستدارند که شما از
راه بی راه شوید (۴۵)

و خدا دشمنان شما را زیاده تر
میداند و خدا بس است برای
دوستی کردن و خدا بس است
برای مدد کردن (۴۶)

کسانی از آنها که یهودند بعضی
کلمات را از جای خود تغییر میدهند
و میگویند ما شنیدیم و نافرمانی
کردیم و بشنو درحالیکه هیچ
شنوانشوی و "راعنا" زبانهای خود
را برتابیده و در دین طعنه زده و
اگر آنان میگفتند شنیدیم و اطاعت
کردیم و گوش فرما و بر مانگاه
بفرما مسلماً برایشان نیکتر و
برقرارتر میبود و اما خدا

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ
الْكِتَابِ يَشْتَرُونَ الضَّلَاةَ وَيُرِيدُونَ
أَنْ تَضِلُّوا السَّبِيلَ ۝

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَائِكُمْ ۗ وَكَفَى بِاللَّهِ
وَلِيًّا ۗ وَكَفَى بِاللَّهِ نَصِيرًا ۝

مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن
مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا
وَأَسْمَعُ غَيْرَ مُسْمِعٍ وَرَاعِنَا لَيًّا
بِالْسِنَتِهِمْ وَطَعْنَا فِي الدِّينِ ۗ وَلَوْ أَنَّهُمْ
قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأَسْمَعُ وَانظُرْنَا
لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَقْوَمًا ۗ وَلَكِنْ لَعَنَهُمُ
اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ۝

بسبب کفرشان به آنها لعنت کرد
پس قطعاً آنها ایمان نیاورند جز
چندی (۴۷)

ای کسانی که کتاب داده شدید
ایمان آرید به آنچه نازل کرده
ایم تصدیق کننده آنکه در دست
شماست پیش از آنکه بعضی
چهرهها را داغدار سازیم و آنها
را بر بشتهای خود بازگردانیم یا
لعنشان کنیم بطوریکه بر اصحاب
سبت لعنت کرده بودیم و امر
خدا حتمی الوقوع است (۴۸)

یقیناً خدا نیا مرز د که به او شریکی
قرار داده شود و بغیر از این
بیامرزد برای آنکه بخواهد و آنکه
با خدا شریک قرار دهد پس یقیناً
گناهی بزرگ بر یافته است (۴۹)

آیا بحال آنها ننگریستی که خود
را باک قرار میدهند؟ بلکه خدا
هر که را خواهد باک مینماید و
آنها به اندازه رشته میان هسته هم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا
مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ
وُجُوهًا فَتَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا
أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ ۗ
وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا ۝۴۸

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا
دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ ۗ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ
فَقَدِ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا ۝۴۹

الْمُتَرَاتِلِ إِلَى الَّذِينَ يَزُكُّونَ أَنفُسَهُمْ ۗ بَلِ
اللَّهُ يَزِيغِي مَنْ يَشَاءُ وَلَا يُلْطَمُونَ فَتِيلًا ۝

ستم کرده نه خواهند شد(۵۰)

ببین چطور برخدا دروغ بر
میافند و این بس است گناهی
نمایان(۵۱)

آیابحال آنهانگریستی که بخشی
ازکتاب داده شدندباینهمه بربتان
وشیطانهایمان میآورند و درباره
آنهاکه کفرکردندمیگویندکه اینها
ازآنان که ایمان آوردند ازروی
مسلك راستتراند(۵۲)

همانند که خدا لعنشان کرد و
آنکه را خدالعتت کرد پس هرگز
برای اوکسی راییاورنیابی(۵۳)
آیا آنان را سهمی در پادشاهی
است پس درآنصورت که بمردم
باندازه نقیری هم ندمند(۵۴)

آیاحسدبرند مردم رابدانعلت که
خدا بفضل خود آنهارا درداد.پس
البته مابه آل ابراهیم هم کتاب و
حکمت داده بودیم و ایشان را
پادشاهی بزرگ اعطا کرده

أَنْظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ
الْكَذِبَ ۗ وَكَفَىٰ بِهِ إِثْمًا مُّبِينًا ۝٤٧

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ
الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ
وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَى
مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا ۝٥٢

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ ۖ وَمَنْ يَلْعَنِ
اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا ۝٥٣

أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّنَ الْمُلْكِ فَإِذَا لَا
يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا ۝٥٤

أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ
مِّنْ فَضْلِهِ ۗ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ
الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَهُمْ مَّلَكًا عَظِيمًا ۝٥٥

بودیم (۵۵)

پس از آنها بود آنکه به آن ایمان آورد و از آنها بود آنکه از آن روی گردانید و [این قبیل مردم را] جهنم سوزان بس است (۵۶)
 همانا آنانکه به آیتهای ما انکار کردند حتماً آنها را به داخل آتش کنیم. هرگاه پوستشان سوخته شود پوستهای دیگر برایشان تبدیل کنیم تا عذاب را بچشند. یقیناً خدا صاحب غلبه کامل صاحب حکمت است (۵۷)

و کسانی که ایمان آوردند و اعمال شایسته انجام دادند حتماً ایشان را وارد باغ های نمایم که در دامنه آنها نهرهای روان است و در آنها جاودانان اند. برایشان در آنها زوج های پاکیزه اند و ایشان را وارد سایه های آکنده نمایم (۵۸)
 یقیناً خدا به شما دستور میدهد که امانات را بحقداران آنها بسپارید

فَمِنْهُمْ مَّنْ آمَنَ بِهِ وَمِنْهُمْ مَّنْ صَدَّ عَنْهُ ۗ وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا ﴿۵۶﴾

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَإِلَّا يَتَسَوَّفُ نُصَلِّيَهُمْ نَارًا ۗ كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿۵۷﴾

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۗ لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ ۗ وَسَنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا ﴿۵۸﴾

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا ۗ وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ

تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ ۗ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ
بِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا ﴿۵۹﴾

و هنگامیکه میان مردم حکومت
کنید بداد حکومت کنید. همانا چه
پربرکت است آنچه خدا به شما
نصیحت میکند. حتماً خدا بسیار
شنوای بیناست (۵۹) ++

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا
الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن
تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ
وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ ۗ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿۶۰﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید از
خدا اطاعت کنید و از رسول
اطاعت کنید و از صاحبان امر خود
و اگر در امری [با صاحبان امر]
اختلاف پیدا کنید پس آنرا به خدا
و رسول برگردانید اگر شما به
خدا و روز آخرت ایمان دارید.
این بسیار خوب است و از جهت
فرجام نیکوتر است (۶۰) ++

الْمُتَرِّ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا
++ آیت ۵۹- اینجا مفهوم امانت حق رأی در انتخابات است که در نتیجه آن حق
حکومت بدست میآید پس حق رأی امانتی است که باید برسد او را که حقدار
آنست و این جمهوریت واقعی است و چون رأی آورده حکومت به دست آید باید
دادگری بکار گرفته و از جانبداری حزبی خود داری شود. در جمهوریت دروغین
امروزه با افراد حزب خویش انصاف میشود البته با حزب مخالف بیعدالتی روا
پنداشته میشود.

برند که ایمان آورده اند بدانچه که برتو نازل کرده شد و آنچه که پیش از تو نازل کرده آمد؟ آنان دوستدارند که داوری را بسوی شیطان برند حالیکه فرمان شده بودند که او را انکارکنند و شیطان دوستدارد که آنها را در گمراهی

دور گمراه سازد(۶۱)

و آنگاه که گفته شوند که بیاید به آنکه خدا نازل کرده و به رسول، منافقان را بینی که دوری‌گزینند از تو دور(۶۲)

پس چنانست چون به آنها گزندی میرسد بعلت آنچه دستهای آنان پیش فرستاد آنگاه سوگند یاد کرده نزد تو می‌آیند که ما را جز احسان و اصلاح قصدی دیگر نبود(۶۳)

بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ ۗ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿٦١﴾

وَإِذْ قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا ۗ ﴿٦٢﴾

فَكَيْفَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ ۗ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ۗ ثُمَّ جَاءُوكَ يَحْلِفُونَ ۗ بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا إِحْسَانًا وَتَوْفِيقًا ﴿٦٣﴾

آیت ۶۰ ص#۱۹۰- کلمه منکم از آیت اولی الامر منکم را ترجمه کرده برخی علماء این استدلال میکنند که حاکم باید از خود مسلمانان باشد و حاکمی غیر مسلم را اطاعت لازم نیست. این عقیده اشتباهی است [ص#۱۹۲]

مانند که خدا حال دل‌های آنانرا خوب میداند. پس از آنها اعراض کن و به آنها پند بده و به آنها سخنی بگو که در نفس‌های آنان رسنده باشد (۶۴)

و فرستادیم هیچ رسولی را مگر به اذن خدا اطاعت شود اگر نزد تو می‌آمدند گامیکه بر جانهای خود ستم کردند و از خدا آمرزش می‌خواستند و هم رسول برای آنان آمرزش می‌طلبیدحتماً خدا را پذیرنده توبه و بارها رحم کننده می‌یافتند (۶۵)

پس نخیر، سوگند به پروردگارتو ایمان [واقعی] نمی‌آرند تا آنگاه که

بقیه صفحه ۱۹۱- زیر آنها مسلمانان که در کشورهای غیرمسلم زیست میکنند یا هجرت کرده به چنین کشوری می‌روند زیر فرمان قوانین حکومت آن کشور زندگی میکنند.

دومین وقتی که حاکم مسلمان است با او چه اختلاف توان باشد که آن بسوی خدا و رسول فرستاده شود. اینجا منظور از خدا و رسول تعلیم قرآن است. پس حاکم خواه مسلمان است یا غیر از مسلمان اگر فرمان دهد که برخلاف تعلیم اساسی قرآن عمل کنید در آن صورت فرمانش را رد کرده پیروی از قرآن کردن است.

أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا ①

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ ط وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا ②

فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ

تو را داور قرار ندهند در آنچه از هم
ستیزه دارند و از آن پس درباره
آنچه قضاوت کنی در دلهای خود
تنگی نداشته باشند و کاملاً گردن
نهند (۶۶)

و اگر ما بر آنان فرض کرده بودیم
که نفسهای خود را بکشید و از
منازل خود بیرون روید میجکس
به آن عمل نمیکرد جز آنکه از آنها
و اگر آنها عمل میکردند آنرا که
به آن توصیه شدند حتماً برای آنان
نیکی و پایداری برای ثبات قدمها
میبود (۶۷)

و در آن صورت حتماً آنها را از نزد
خود پاداشی بزرگ میدادیم (۶۸)
و یقیناً آنها را براه راست هدایت
میکردیم (۶۹)

و هر که از خدا و این رسول
اطاعت کند پس ایشان با کسانی
اند که خدا برایشان انعام کرد
یعنی از انبیاء و صدیقان و شهیدان

حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿٦٦﴾

وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمُ أَنْ
أَنْفُسِكُمْ أَوْ آخِرُ جُورٍ مِنْ دِيَارِكُمْ مَا
فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ ۗ وَلَوْ أَنَّهُمْ
فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ
وَآسَدَتْ ثِيَابُكُمُ ۗ ﴿٦٧﴾

وَإِذْ آتَيْنَهُمْ مِنْ لَدُنَّا أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٦٨﴾

وَلَهَدَيْنَهُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ﴿٦٩﴾

وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ
الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ
وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ ۗ

وَحَسَنٌ أَوْلَٰئِكَ رَفِيقًا ﴿٧٠﴾

و صالحان و ایشان بسیارخوب
رفیقانند (۷۰) ++

ذٰلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللّٰهِ ۗ وَكَفٰى بِاللّٰهِ
عٰلِمِۙمًا ﴿٧١﴾

این فضلی است از جانب خدا و
خدا را بس دانشی است (۷۱)

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا خُذُوْا حِذْرَكُمْ
فَاَنْفِرُوْا ثُبٰتًا وَاَنْفِرُوْا جَمِيعًا ﴿٧٢﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید
وسیله حفاظت خود را فراگیرید.
باز خواه گروه گروه کوچ کنید
یا در جمع کوچ کنید (۷۲)

وَإِنَّ مِنْكُمْ لَمَنْ لَّيَبْطِئَنَّ ۖ فَإِنْ

++ آیت ۷۰- در این آیت بسیار امور مورد توجه است- (۱) الرسول- آل بمعنی خاص

و منظور آنحضرت ﷺ است یعنی این رسول خاص. (۲) اگر این رسول را پیروی
کنید از جمله آنان شوید که انبیا، صدیقان، شهیدان و صالحان را شامل دارند و
مفهوم اینست که از متابعت آنحضرت ﷺ نبی هم میتواند باشد یعنی آنکه از ایشان
اطاعت کننده است (۳) علماء اصرار میورزند که معنی "مع" «همراه» است و «از»
نیست و در تایید استدلال خود کلمات "حسن اولئك رفیقاً" را میآورند که "ایشان
بهترین همراهان هستند" یعنی با انبیا میباشند و خود ایشان انبیا نیستند. این
جمله نسبت به آنحضرت ﷺ گستاخ گوئی است زیرا در این صورت معنای این آیت
اینست که آنانکه آنحضرت ﷺ را اطاعت کنند با انبیا میتوانند باشند ولی خود
ایشان نبی نشوند و همینطور با صدیقان و صالحان و شهیدان میباشند و خود ایشان شامل
این گروه نیستند در حالیکه "مع" در آیتهای دیگر مثلاً آل عمران ۱۹۴، النساء
۱۴۷، الحجر ۲۲ بمعنای "من" آمده است. بعلاوه بعد از مع الذین انعم الله علیهم کلمه
من النبیین است و این "من" بیانیه گفته میشود، که مفهومی "از ایشان" است.

تاخیر کند و اگر شمارا سختی
رسد گوید، خدا بر من منت نهاد
که با آنها بیننده [آن سختی]
نشدم (۷۳)

و اگر بشما فظلی از خدا رسد حتماً
گوید گویی هیچ دوستی میان
شما و میان او نبوده، ای کاش
من با آنها بودم پس به پیروزی
بزرگ موفق میشدم (۷۴)

پس حتماً در راه خدا آنان قتال
کنند که زندگی دنیا را ببهائی
آخرت میفروشند و آنکس که در
راه خدا قتال کند بازگشته شود
یا غلبه یابد پس [در هر صورت] او
را پاداشی بزرگ دهیم (۷۵)

و چیست شمارا که قتال نکنید
در راه خدا و برای آن مردان و
زنان و کودکان که ناتوان کرده
شدند، آنانکه گویند، پرورگارا! ما
را ازین شهر که ساکنانش ستمکار
اند بیرون بساز و برای ما از نزد

أَصَابَكُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ
عَلَيْنَا إِذْ لَمْ أَكُنْ مَعَهُمْ شَهِيدًا ﴿٧٣﴾

وَلَئِنْ أَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِّنَ اللَّهِ لَيَقُولَنَّ
كَانَ لَمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ
يَلِيَّتِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧٤﴾

فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ
الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي
سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ
نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٧٥﴾

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ
وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا
مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا
وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا

مِنْ لَّدُنْكَ نَصِيرًا ﴿٧٦﴾

خود سرپرستی قراربده و برای
ما از محضر خود یاوری بگمار (۷۶)
آنانکه ایمان آوردند در راه خدا
قتال میکنند و آنانکه کفر کردند
در راه شیطان قتال میکنند. پس
شما دوستان شیطان را قتال کنید
یقیناً نیرنگ شیطان ناتوان
است (۷۷)

الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ
الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ
كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا ﴿٧٧﴾

ع
٧

آیا بسوی آنان ننگریستی که به
آنها گفته شد که دست بردارید و
نماز بپای دارید و زکات دهید.
پس هرگاه قتال بر آنها واجب
کرده شد ناگهان گروهی از آنها
میترسند از مردم مانند ترسیدن
از خدا یا سختتر از آن ترس و
گفتند: پروردگارا! چرا قتال بر ما
فرض کردی؟ چرا نه مارا مدتی
کوتاه سهل دادی. بگو بهره
گیری دنیا خرد است و آخرت
برای آنکس خیلی بهتر است که
تقوی فراگرفت و به اندازه رشته

الْمَرْتَرِ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ
وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كَتَبَ
عَلَيْهِمُ الْقِتَالَ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ
النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً
وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا
أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ
الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَىٰ
وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا ﴿٧٨﴾

میان هسته ستم نشوید (۷۸)

مرکجا باشید مرگ شمارا دریابد
 ولو شما دربرجهای استوار باشید
 واگر آنها را نعمت برسد میگویند
 این از جانب خداست واگر به
 آنها گزند برسد گویند [ای محمد]
 این از نزد تو است. بگوهر چیز
 از جانب خداست. پس این مردم
 راجیست که به فراگرفتن سخن

نزدیک نمیشوند (۷۹)

هرچه نعمت به تو برسد از جانب
 خداست و هرچه گزند بتو برسد
 پس از نفس تو است وتورا رسولی
 برای همه جهانها فرستاده ایم و
 خدا بطور گواه بس است (۸۰)

مرکه این رسول را پیروی کند
 پس او خدا را پیروی میکند و
 مرکه روی برتابد پس ما تو را
 بر آنها نگهبانی نفرستاده ایم (۸۱)
 و میگویند <اطاعت>. اما هرگاه از
 نزد تو بیرون روند عده از آنها

أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَدْرِكَكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ
 كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ ۖ وَإِنْ تُصِبْهُمْ
 حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ
 تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ ۖ
 قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ۖ فَمَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ
 لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا ۝

مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ۗ وَمَا
 أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ ۖ
 وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا ۖ وَكَفَى بِاللَّهِ
 شَهِدًا ۝

مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ ۗ وَمَنْ
 تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَفِيظًا ۝

وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَأُوا مِنْ
 عِبَدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ غَيْرَ

الَّذِي تَقُولُ^ط وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّنُونَ^ج
فَاعْرِضْ عَنْهُمْ^ط وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ^ط
وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا^{۸۱}

جز آنچه گفتی را مبحث قرار داده شب میگذارند و خدا مینوسد آنچه بیتوته کنند پس از آنها اعراض کن و بر خدا توکل کن و خدا بس کارساز است (۸۲)

پس آیا به قرآن تأمل نمیکنند که اگر جز خدا از جانب کسی دیگر بود یقیناً در آن بسیار اختلاف مییافتند (۸۳) ++

و مرگاه آنها را خبر از امن یا خوف برسد آنها پخش میکنند و اگر [بجای پخش کردن] آنها بعرض رسول یا صاحبان امر از خودشان میرسانند کسانی از آنها که میتوانند استدلال کنند یقیناً از حقیقت آگاه میشوند و اگر فضل خدا و رحمت او برشان بود حتماً

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ^ط الْقُرْآنَ^ط وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا^{۸۲}

وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ^ط وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَ الَّذِينَ يَسْتَبِطُونَ^ط مِنْهُمْ^ط وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ الْإِقْلِيلًا^{۸۳}

+ ایت ۸۳: این ایت بر صداقت قرآن دلیلی است که در این هیچ اختلافی نیست با آنکه بیست و سه سال بر نبی امی نازل میآمد و در این طول مدت حتی یکی درس خوانده هم میتواند خیلی از سخنان را فراموش کند پس يك نبی امی را چگونه ممکن بود که کتابی را از خود میساخت و آن مفایرت نداشته باشد.

از شیطان پیروی میکردید جز
 کمی (۸۴)

پس قتال کن در راه خدا و تو
 تکلیف کرده نمیشوی جز نفس
 خود و مومنان را به قتال تشویق
 کن. بعید نیست که خدا جنگ آنان
 را جلو گیرد که کفر کردند و خدا
 سختتر است در جنگ و سخت تر
 است در عقوبت (۸۵)

هر که شفاعت نیکوی مینماید او
 را از آن بهره است و هر که شفاعت
 بدی نماید او را از آن بهره است
 و خدا بر هر چیز نیرومند است (۸۶)
 و چون شمارا ارمغانی تقدیم کرده
 شود شما نیکوتر از آن تقدیم کنید
 یا لا اقل همانندی را بازگردانید.
 یقیناً خدا بر هر چیز حساب گیرنده
 است (۸۷) ++

فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا
 نَفْسَكَ وَحَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى
 اللَّهُ أَنْ يَكْفِكَ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللَّهُ
 أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنكِيلًا ①

مَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ
 مِنْهَا وَمَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ
 كِفْلٌ مِنْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
 مُقِيتًا ②

وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ
 مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ
 شَيْءٍ حَسِيبًا ③

++ آیت ۸۷: تعلیم است که چون ارمغانی داده شود باید دهنده را بهتر از آن یا حد
 اقل همانندش پس بدهید. مفهومش این نیست که همان ارمغان برگردانید یا کالائی
 مادی بهتر از آن بدهید بلکه تعلیمی که آنحضرت صلی الله علیه وسلم [صفحه ۲۰۰]

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۖ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ ۗ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا ۝۸۸

خدا نیست هیچ معبودی جز او. حتماً شما را جمع کند بسوی روز قیامت که در آن شکی نیست و که راستتر از خدا در سخن است (۸۸)

فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِتْنِينَ وَاللَّهُ أَرْكَسَهُمْ بِمَا كَسَبُوا ۗ أَتُرِيدُونَ أَنْ تَهْدُوا مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ ۗ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا ۝۸۹

پس چیست شمارا که درباره منافقان دو گروه شده اید حالانکه خدا آنها را نگونسار ساخت بدانچه کسب کردند آیا می‌خواهید هدایت دهید آنکس را که خدا گمراه قرار داده است و هرکس را خدا گمراه قرار دهد پس هرگز برای او راهی نخواهی یافت (۸۹)

وَدُّوَالَّذِينَ كَفَرُوا ۖ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً ۗ فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۗ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ ۗ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ

دوستدارند کاشکی شما همانطور کفر کنید که آنها کفر کردند پس با هم یکسان شوید پس از آنها دوست نه گیرید تا آنگامکه در راه خدا مجرت کنند. پس اگر روی برتانبند پس آنها را بگیرید و آنها را بکشید هر جای

بقیه صفحه ۱۹۹ - باگفتن "جزاکم الله خيراً" بما دادند بهترین تحفه هاست اما برخی از مردم اینرا حیلله برای پنهان داشتن حرص خود قرار میدهند. ایشان ارمغان میگیرند اما متناوباً فقط جزاکم الله گفتن را بس میدانند.

وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿۱۰﴾

آنها را دریابید و نگیرید از آنها

دوستی و نه یاریگر (۹۰)

مگر کسانی که بقومی مربوط اند که میان شما و میان آنها میثاقی است یا آنها نزد شما می آیند که سینه های ایشان [ازین جهت] احساس تنگی کند که شمارا جنگ کنند یا قوم خود را جنگ کنند و خدا اگر دوست داشت آنها را بر شما مسلط میکرد آنگاه حتماً بشما قتال میکردند. پس اگر از شما کناره گیری کنند و بشما قتال نه کنند و دست آشتی به سوی شما دراز نمایند آنگاه خدا برای شما برخلاف آنها هیچ جوازی قرار نداده است (۹۱)

کسانی دیگر را خواهی یافت که میخواهند که هم از شما این باشند و هم از قوم خود این باشند. هرگاه بسوی فتنه گری برگردانده شوند در آن واژگون کرده شوند.

إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ
وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاءُوكُمْ حَصْرَتٌ
صُدُّوهُمْ أَنْ يَقَاتِلُوكُمْ أَوْ يُقَاتِلُوا
قَوْمَهُمْ ۗ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ
عَلَيْكُمْ فَلَقَتَلُوكُمْ ۚ فَإِنْ اعْتَزَلُوكُمْ
فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَالْقَوَا إِلَيْكُمْ السَّلَامُ ۗ
فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا ﴿۱۱﴾

سَتَجِدُونَ آخِرِينَ يَرِيدُونَ أَنْ
يَأْمَنُوكُمْ وَيَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ ۗ كُلَّمَا رُدُّوا
إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكَسُوا فِيهَا ۚ فَإِنْ لَمْ
يَعْتَزِلُوكُمْ وَيَلْقُوا إِلَيْكُمْ السَّلَامَ

پس اگر از شما کناره گیری نکنند و دست آشتی بسوی شما دراز نه کنند و دستهای خود را باز ندارند پس آنها را بگیرید و آنها را بکشید هر جا آنها را یافتید. همانند که بر علیه آنها ما شما را حجتی روشن اعطا کرده ایم (۹۲)

و شاید مومنی را که مومنی را بکشد مگر بخطا و هر که مومنی را به خطا بکشد آنگاه بنده ای مومن را آزاد کردن و خون بهاء مقرر شده [به رضای هم] به وارثان او ادا کردن است جز اینکه آنها عفو نمایند و اگر او [مقتول] از قومی دشمن شما باشد و مومن است باز هم يك بنده مومن را آزاد کردن است و اگر او از قومی است که میان شما و میان آنها میثاقی است آنگاه خون بهاء مقرر شده [به رضای هم] به وارثان او پرداختن و بنده ای مومن را

وَيَكْفُوا أَيَدِيَهُمْ فَخُدُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ
حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ ۱۰ وَأُولَئِكَ جَعَلْنَا
لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطٰنًا مَّبِيّنًا ۱۱

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا
خَطَاً ۱۰ وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ
رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَّدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهَا
إِلَّا أَنْ يَصَّدَّقُوا ۱۱ فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ
عَدُوًّا لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ
مُؤْمِنَةٍ ۱۰ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ
وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهَا
وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ ۱۱ فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ
فَصِيَامٌ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِّنَ
اللَّهِ ۱۰ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ۱۱

آزاد کردن است و آنکه را این
توان نیست آنگاه دو ماه متوالی
روزه گرفتن است. این توبه از
خدا [بفرض] است و خدا دانائی
صاحب حکمت است (۹۲)

و آنکه مومنی را بعد بکشد پس
پاداش او جهنم است. او در آن مدت
دراز میماند و خدا بر او خشناک
شد و او را لعنت کرد و برایش
عذابی بزرگ مهیا کرده است (۹۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید
وقتی در راه خدا مسافرت کنید
آنگاه دقت کنید و آنکس را که به
شما سلام کند، نگویید که تو مومن
نیستی. شما خواهان مالهای دنیا
هستید پس نزد خدا غنایمی فراوان
است. شما ازین پیش همین طور
بودید. پس خدا بر شما منت نهاد.
پس [خوب] رسیدگی کنید یقیناً خدا
آگاه است بدانچه عمل کنید

(۹۵) ++ حاشیه ص: ۲۰۴

وَمَنْ يُقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فِجْرًا أَوْهُ
جَهَنَّمَ خُلِدًا فِيهَا وَعَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ
وَلَعْنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا ﴿۹۵﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ
اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَى
إِلَيْكُمْ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ
عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ
كَثِيرَةٌ ۗ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنْ
اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا
تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿۹۵﴾

لَا يَسْتَوِي الْقَعْدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ
 غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي
 سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ^ط فَضَّلَ
 اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ
 عَلَى الْقَعْدِينَ دَرَجَةً^ط وَكَأَلَا وَعَدَ اللَّهُ
 الْحُسْنَى^ط وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى
 الْقَعْدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا^{١٦}

خانه نشینان از مومنان بلا داشتن
 گزند و جهادکنندگان با مالهای خود
 و جانهای خود در راه خدایکسان
 نیستند. خدا جهادکنندگان با مال
 های خود و جان های خود را بر خانه
 نشینان رتبه نمایان اعطا کرده
 است حالانکه خدابه هرکس وعده
 نیکوئی داده است و خدا مجاهدین
 را بر خانه نشینان فضیلت پاداشی
 معظم داده است (۹۶)

دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً^ط وَكَانَ اللَّهُ
 غَفُورًا رَحِيمًا^{ع ١٧}

[این] از جانب او مراتب و آمرزش
 و رحمت است و خدا آمرزگاری
 بارها رحم کننده است (۹۷)

إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّيْتُمُ الْمَلَائِكَةَ ظَالِمِينَ
 أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ^ط قَالُوا كُنَّا
 مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ^ط قَالُوا أَلَمْ

یقیناً آنانکه فرشتگان آنها را وفات
 دهند که بر جانهای خود ستم رانند
 [فرشتگان به آنها] گویند: شما در
 چه حال بودید؟ پاسخ دهند: ما که

++ ایت ۹۵: از این آیت پیدا است که هرکدام را که راه میرود دشمن پنداشته تشدد
 کردن مجاز نیست. برای شناختن کسی فقط سلام گفتنش به شما بس است. اما شکفت
 انگیز است که در این زمان دگرگونیا علمای کجروانان از گفتن سلام سختی
 میکنند.

تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا^ط
فَأُولَئِكَ مَا لَهُمْ جَهَنَّمُ^ط وَسَاءَتْ
مَصِيرًا^ل

إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ
وَالْوُلْدَانَ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا
يَهْتَدُونَ سَبِيلًا^ل

فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُوَ عَنْهُمْ^ط
وَكَانَ اللَّهُ عَفُوًّا غَفُورًا^ل

وَمَنْ يُّهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ
مُرْغَمًا كَثِيرًا أَوْ سَعَةً^ط وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ
بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ
يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ^ط
وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا^ل

ع
۱۱

وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ

میهن ناتوان ساخته شده بودیم.
[ملائک] گویند: آیا زمین خدا فراخ
نبود تا در آن هجرت میکردید؟ پس
مانهاند که مأوی آنها جهنم است
و چه زشت جای گامی است (۹۸)

جز آن مردان و زنان و کودکان
ناتوان ساخته که نه هیچ حيله
ای را در اختیار داشتند و نه
راهی [نجات را] میآفتند (۹۹)

پس آنانند که بعید نیست که خدا
از ایشان عفو نماید و خدا بسیار
عفوکننده ی آمرزنده است (۱۰۰)
و هر که در راه خدا مهاجرت کند در
زمین فرصتهای بسیار برای خوار
ساختن [دشمن] و فراخی بیابد و آنکه
از خانه خود بسوی خدا و رسول
مهاجرت کنان بیرون رود پس
[در این حال] مرگ به او فرارسد پس
اجرش بر خدا است و خدا آمرزنده
ی بارها رحم کننده است (۱۰۱)

و هر گاه در زمین سفر [جهاد] کنید

پس شما را باکی نیست که نماز را کوتاه کنید اگر بیدارید که آنانکه کفر کردند شما را دچار آزمایش سازند. یقیناً کافران شما

را دشمنی آشکار اند (۱۰۲)

و هنگامیکه تومیان آنان باشی و برای ایشان بیش نمازی کنی آن گاه باید گروهی از آنها با تو بیایستند و باید سلاح خود را دم دست بدارند و هنگامیکه سجده کردند پس باید پشت سر شما بروند و گروهی دیگر که نماز نخوانده اند بیایند و با تو نماز بخوانند و باید اسلحه خود و وسایل دفاع خود را بگیرند. آنانکه کفر کردند دوستدارند که شما از اسلحه خود و بار و اسباب خود غافل بشوید تا آنها یکباره بر شما بتازند، و بر شما باکی نیست که اگر شما را از باران مشکلی است یا مریض آید که اسلحه را بنهید و احتیاط

عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ ۚ
إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يُفْتِنَكُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا ۗ
إِنَّ الْكُفْرِينَ كَانُوا أَعْدَاؤَ مُؤْمِنِيَّآ ۖ

وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ
فَلْتَقُمْ طَائِفَةً مِنْهُمْ مَعَكَ وَلِيَأْخُذُوا
أَسْلِحَتَهُمْ ۗ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ
وَرَائِكُمْ ۖ وَلَتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَىٰ لَمْ
يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلِيَأْخُذُوا
حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ ۗ وَالَّذِينَ كَفَرُوا
لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ
فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً ۗ وَلَا
جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أذىٌ مِّنْ
مَّطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَّرْضَىٰ أَنْ تَضَعُوا
أَسْلِحَتَكُمْ ۗ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ
أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا ۖ

لازم را درپیش گیرید. البته خدا
برای کافران عذابی خوار کننده
آماده کرده است (۱۰۳)

و هنگامیکه نماز بپایان بردید
پس خدا را ایستادگان و نشتگان
و بر پهلوهای خود یاد کنید و هر
گاه آسوده خاطر شدید پس نماز
رابپای دارید. یقیناً نماز برای
مومنان طبق وقت مقرر واجب
است (۱۰۴)

و در تعقیب قومی [مخالف] سست
نه شوید. اگر شمارنج میکشید پس
یقیناً آنها هم رنج میکشند بطوری
که شمارنج میکشید حالیکه شما از
خدا امید دارید به آنچه آنها امید
ندارند و خدا صاحب علم دائمی
صاحب حکمت است (۱۰۵)

یقیناً ما کتاب را بسوی تو بحق
نازل کردیم تا بین مردم طبق آن
فیصل دهی که خدا به تو نمایانده
است و در حق خیانت کاران

فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَمًا
وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ ۚ فَإِذَا
اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ ۚ إِنَّ الصَّلَاةَ
كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّقُوتًا ﴿۱۰۳﴾

وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ ۗ إِن تَكُونُوا
تَأْمُونًا فَإِنَّهُمْ يَأْمُونُ كَمَا تَأْمُونُ ۚ
وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ ۗ وَكَانَ
اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿۱۰۴﴾

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ
بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَبَكَ اللَّهُ ۗ وَلَا تَكُنْ
لِلْخَافِينَ خَصِيمًا ﴿۱۰۵﴾

ستیزه کننده ای مباش (۱۰۶)

و از خدا آمرزش بخواه یقیناً خدا
بسیار آمرزنده ی بارها رحمنکننده
است (۱۰۷)

و جدال نکن از آنها که به جانهای
خود خیانت کرده اند. یقیناً خدا
دوست ندارد آنرا که خیانتکاری
گنهار است (۱۰۸)

آنها از مردم پنهان میشوند ولی
از خدا نتوانند پنهان شوند و او
با آنها است چون آن گفتگو کرده
شب بسر برند که او را خوش
ندارد و خدا احاطه کننده آن است
که عمل میکنند (۱۰۹)

اینک شما آن کسانی که در زندگی
دنیا از جهت آنهاستیزه کنید پس
[بگویید] چه کس در روز قیامت
از جهت آنها با خدا مجادله کند؟ یا
چه کس حامی آنان شود؟ (۱۱۰)
و هر که زشتکاری کند یا برجان
خودستم راند سپس از خدا آمرزش

وَاسْتَغْفِرِ اللّٰهَ ۚ إِنَّ اللّٰهَ كَانَ غَفُورًا
رَّحِيمًا ﴿۱۰۶﴾

وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنفُسَهُمْ ۚ
إِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا ﴿۱۰۷﴾

يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ
مِنَ اللّٰهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا
يَرْضَىٰ مِنَ الْقَوْلِ ۚ وَكَانَ اللّٰهُ بِمَا
يَعْمَلُونَ مُحِيطًا ﴿۱۰۸﴾

هَآنَتُمْ هَآؤُلَآءِ جَدَلْتُمْ عَنْهُمْ فِي الْحَيٰوةِ
الدُّنْيَا ۖ فَمَنْ يُجَادِلُ اللّٰهَ عَنْهُمْ يَوْمَ
الْقِيَامَةِ ۖ أَمْ مَن يَكُونُ عَلَيْهِمْ وَكَيْلًا ﴿۱۰۹﴾

وَمَن يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ
يَسْتَغْفِرِ اللّٰهَ يَجِدِ اللّٰهَ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿۱۱۰﴾

بخواهد خدا را آمرزنده بارها رحم

کننده مییابد (۱۱۱)

و هر که گناه کسب کند پس آنرا

فقط برخلاف جان خود کسب کند

و خدا صاحب علم دائمی صاحب

حکمت است (۱۱۲)

و هر که خطا کند یا گناه سپس برای

آن بربیگنای تهمت زنده پس یقیناً

او تهمتی بزرگ و گنای آشکار

بدوش گرفته است (۱۱۳)

و اگر نبود بر توفضل خدا و رحمت

او محتماً گروهی از آنها قصد داشتند

که ترا گمراه سازند حالانکه جز

خودشان کسی را گمراه نسازند و

نتوانند هیچ گزندی بتو برسانند

و خدا بر تو کتاب و حکمت نازل کرد

و به تو آموخت آنچه نمیدانستی و

خدا را بر توفضلی بزرگست (۱۱۴)

دربسیاری از مشورت‌های مخفی

آنها جنبه نیکی نیست مگر اینکه

کسی به صدقه یا نیکی امر کند

وَمَنْ يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُ عَلَى
نَفْسِهِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿۱۱۲﴾

وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ
بَرِيئًا فَقَدْ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ﴿۱۱۳﴾

ع ۱۱۳

وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّتْ
طَآئِفَةٌ مِّنْهُمْ أَن يُّضِلُّوكَ ۗ وَمَا
يُّضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَضُرُّونَكَ
مِنْ شَيْءٍ ۗ وَأَنزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ
وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ ۗ
وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا ﴿۱۱۴﴾

ع ۱۱۴

لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّن نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ
أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ

بَيْنَ النَّاسِ ^ط وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ
مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١١٥﴾

یامیان مردم سازگاری دهد و هر
که این را به خوش نودی خدا
آرزو کرده انجام دهد پس حتماً او
را پاداشی بزرگ دهیم (۱۱۵)

وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ
الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ
نُؤَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصَلِّهِ جَهَنَّمَ ^ط وَسَاءَتْ
مَصِيرًا ﴿١١٦﴾

و هر که بمخالفت رسول برخیزد
پس از آنکه هدایت بر او روشن
شد و غیر از راه مومنان را دنبال
کند ما او را بهمان جهت برگردانیم
که او برگشته است و او را به
داخل جهنم نمایم و آن چه زشت
جایگاه است (۱۱۶)

ع
۱۴

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا
دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ ^ط وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ
فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿١١٧﴾

قطعاً خدا نمیآمرزد که با او شریکی
قرارداده شود و آنچه بغیر از آن
است برای هر که خواهد میآمرزد
و هر که به خدا شریک قرار دهد
پس یقیناً او در نهایت ضلالت گم
گشته است (۱۱۷)

إِنْ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهَا إِلَّا إِنثَاءً وَإِنْ
يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَرِيدًا ﴿١١٨﴾

آنها نمیخوانند بغیر از او مگر
[بتان] مادگان را و نمیخوانند جز
شیطانی سرکش را (۱۱۸)

لَعَنَهُ اللَّهُ وَقَالَ لَا تَخْذَنْ مِنْ عِبَادِكُمْ

نَصِيْبًا مَّفْرُوضًا ﴿١١٩﴾

گفت: یقیناً من از بندگان تو سهمی

معین خواهم گرفت (۱۱۹)

وحتماً آنها را گمراه سازم و آنها را به امیدهای بیفکنم وحتماً آنها را فرمان دمم آنگاه برگوش های چهار پایان جراحی رسانند و حتماً آنها را فرمان دمم آنگاه آفرینش خدا را تغییر دهند و مرکه جز خدا شیطان را دوست گرفت پس یقیناً او به زبانی آشکارا دچار گردد (۱۲۰) ++

وَلَا ضَلَّاهُمْ وَلَا مَنِيْنَهُمْ وَلَا مَرْتَهُمْ
فَلْيَبْتَئِكُنَّ اِذَانَ الْاَنْعَامِ وَلَا مَرْتَهُمْ
فَلْيَعِيْرَنَّ خَلْقَ اللّٰهِ ۗ وَمَنْ يَتَّخِذِ
الشَّيْطٰنَ وَلِيًّا مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ فَقَدْ خَسِرَ
خُسْرًا اَمِيْنًا ﴿١٢٠﴾

او آنها را وعده های دهد و آنها را به آرزوهای بیافکند و شیطان آنها

يَعِدُّهُمْ وَيَمِيْنُهُمْ ۗ وَمَا يَعِدُّهُمْ
الشَّيْطٰنُ اِلَّا غُرُوْرًا ﴿١٢٠﴾

++ آیت ۱۲۰- این آیه حاکی از يك پیشگوئی بزرگست که در زمانی "Genetic

Engineering [علم تکوین] ایجاد خواهد شد یعنی دانش پژوهان تلاش کنند تا آفرینش خدا را تغییر دهند بطوریکه امروز میشود. چون اینکار با امر شیطان صورت عملگیرد لذا آنان زیانکاران بزرگ گفته شدند و کیفر آنان جهنم بیان شد. در مورد ایجادات همین يك پیشگوئی جنبهٔ اخطار را همراه دارد. قرآن مجید پراز کثیر پیشگوئی هاست اما نسبت به هیچکدام جنبه اخطار ذکر نشده. پس جینیتک انجیرنگ به همان اندازه جایز است تا برای حفاظت آفرینش خدا بکار گرفته شود و اگر برای تبدیلی آفرینش بکار رود به زیان بزرگی توان منجر شد. گروه بزرگی از دانش پژوهان نیز استفاده از جینیتک انجیرنگ را برای تبدیلی آفرینش خدا مخالفت میکنند.

را جز فریب هیچ وعده ی نمی

دهد (۱۲۱)

همانهاست که مأوی آنان جهنم است

و از آن گریزگامی نیابند (۱۲۲)

و آنانکه ایمان آوردند و شایسته

کاریها کردند حتماً آنها را بداخل

باغهای نمائیم که در دامنه آنها

نهرهای روان است. آنان در آنها

جاویدانند. این وعده راست خدا

است و چه کس راست تر از خدا

در قول است (۱۲۳)

[فیصل] نه به آرزوهای شما باشد

و نه به آرزوهای اهل کتاب. هر که

زشتکاری کند او به آن پاداش داده

شود و جز خدا کسی را یارویاور

نخواهد یافت (۱۲۴)

و هر که از مردان و زنان شایسته

کاریها کند و او مومن است پس

همانهاست که بداخل بهشت کرده

شوند و به اندازه نقیری هم ستم

نشوند (۱۲۵)

أُولَئِكَ مَا أُوْبَهُمْ جَهَنَّمُ ۖ وَلَا يَجِدُونَ

عَنْهَا مَحِيصًا ﴿۱۲۱﴾

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا

الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۖ وَعْدَ اللَّهِ

حَقًّا ۖ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا ﴿۱۲۲﴾

لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلِ

الْكِتَابِ ۖ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزِبْهُ وَلَا

يُجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿۱۲۳﴾

وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ

أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ

الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا ﴿۱۲۴﴾

وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ
 وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا
 وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا ﴿۱۳۱﴾

و کیست نیکوتر از آنکس در دین
 که روی خود را تماماً بسوی خدا
 بیآرد و احسان کننده باشد و از
 پی دین ابراهیم حنیف برود و
 خدا ابراهیم را دوست گرفته
 بود (۱۲۶)

وَاللَّهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ
 وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا ﴿۱۳۲﴾

و هر چه در آسمانهاست و هر چه در
 زمین است از آن خدا است و خدا
 هر چیز را فرا گرفته است (۱۲۷)

وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ ۗ قُلِ اللَّهُ
 يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ ۗ وَمَا يُثَلِّي عَلَيْكُمْ فِي
 الْكِتَابِ فِي يَتِمَى النِّسَاءِ الَّتِي لَا تُولُونَهُنَّ
 مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ
 وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوُلْدَانِ ۗ وَأَنْ
 تَقُومُوا لِلْيَتَامَى بِالْقِسْطِ ۗ وَمَا تَفْعَلُوا
 مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا ﴿۱۳۳﴾

و جهت زنان از توفتوی میپرسند.
 بگو خدا جهت آنان شمارا فتوی
 میدهد و [متوجه سازد به] آنچه در
 کتاب جهت آن زنان یتیم بر شما
 خوانده شده که شما آنها را نمیدید
 آنچه در حق آنان فرض است با آن
 که دوستدارید بدیشان نکاح کنید
 و بخاطر مستضعفان از کودکان
 نیز [خدا فتوی میدهد] و [ناکید می
 کند] که برای یتیمان با عدالتندی
 بپاخیزید و هر چه نیکوکاری انجام
 دهید پس یقیناً خدا به آن خوب

آگاه است (۱۲۸)

و اگر زنی از شوهرش بیم ناسازگاری یا عدم توجه ای را دارد پس بر آندو باکی نیست که بهم اصلاح نموده میان خود صلح دهند و صلح [بهر حال] بهتر است و بخل در نفسها بودیعت نهاده شده است و اگر احسان کنید و تقوی رابیش بگیرید پس حتماً خدا آگاه است به آنچه عمل کنید (۱۲۹)

و هرگز نتوانید که بین زنان بداد رفتار کنید هر چند علاقه مندید. پس [اقدامیتوانید به یکسو] با تمام میل متمایل نشوید گویی آن [یکی] را معلق بگذارید و اگر اصلاح آورید و تقوی کنید پس یقیناً خدا آمرزگار بارها را حکمکننده است (۱۳۰) ++

وَإِنِ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿۱۲۹﴾

وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا رَحِيمًا ﴿۱۳۰﴾

++ آیت ۱۳۰: در صورت بیشتر از يك زن با هر کدام محبت یکسان داشتن در اختیار نیست چه این به دل تعلق دارد البته کارانصاف در اختیار انسان است. پس تاکید شده که اگر زنان بیشتر از یکتن باشند باید بداد رفتار شود و هیچ کدام از آنان چنین ترك کرده نشود که از وی نگهداری نکنید.

و اگر آندو جدا شوند پس خدا مریک
را بموجب گشایش او بی نیاز سازد
و خدا گشایش بخشای صاحب
حکمتی فراوان است (۱۳۱)

و از آن خدا است هر چه در آسمانها
است و هر چه در زمین است و
آنرا که پیش از شما کتاب داده
شدند توصیه کرده بودیم و هم
شما را که خدا را تقوی پیش
گیرید و اگر انکار کنید پس
یقیناً از آن خدا است هر چه در
آسمانها است و هر چه در زمین
است و خدا بی نیازی صاحب
ستایش است (۱۳۲)

و برای خدا است آنچه در
آسمانها است و آنچه در زمین
است و خدا را کارسازی بس
است (۱۳۳)

اگر او بخواهد شما را از بین
میبرد ای فرزندان آدم! و دیگران
را میآرد و خدا بر این امر مدام

وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ^ط
وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا ﴿١٣١﴾

وَاللَّهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ^ط
وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ
قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ^ط وَإِنْ
تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي
الْأَرْضِ^ط وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا ﴿١٣٢﴾

وَاللَّهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ^ط
وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿١٣٣﴾

إِنْ يَشَاءُ يُدْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ
بِآخَرِينَ^ط وَكَانَ اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ قَدِيرًا ﴿١٣٤﴾

قدرتمند است (۱۳۴)

هر که ثواب دنیا بخواهد پس نزد خدا هم مزد این دنیا است و هم مزد آخرت و خدا بسیار شنوای بی‌نا است (۱۳۵)

ای کسانی که ایمان آورده اید برای خدا گواهی داده استوار کنندگان داد گری باشید هر چند برخلاف خودتان یا والدین و خویشان باشد اگر کسی ثروتمند است یا تهیدست پس خدانگهبان مردوی آنان است. پس از پی هوای نفسانی خود نروید مبادا ازدادگری بگریزید. اگر سخن بیجانید یا پهلوتی کنید پس خدا آگاه است به آنچه مکنید (۱۳۶) ++

ای کسانی که ایمان آورده اید ایمان آورید به خدا و رسولش و آن کتاب

++ آیت ۱۲۶: این آیت تعلیم عدل را هنگام گواهی دادن هم بکار می‌بندد یعنی بر هر کدام گواه بفرض است که گواهی بداد دهد هر چند برخلاف خویشان یا والدین یا خویشاوندان باشد.

مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا ﴿١٣٥﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوِّمِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَّوْا أَوْ تُعْرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿١٣٦﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا امْنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِ

وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ^ط وَمَنْ
يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ
وَالْيَوْمِ الْأَخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا^{۳۷}

که او بر رسول خود نازل کرده
است و آن کتاب که قبلاً نازل
کرده آمد و هر که انکار کند به
خدا و فرشتگان او و کتابهای او
و رسولان او و روز آخرت پس
یقیناً او در نهایت گمراهی گم
گشته است (۱۳۷)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا
ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آذُوا كُفْرًا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ
لِيَغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا^{۳۸}

یقیناً کسانی که ایمان آوردند باز
انکار کردند باز ایمان آوردند و
باز انکار کردند باز بر کفر افزودند
نیست خدا که آنها را بیامرزد و آنها
راره هدایت بنمایاند (۱۳۸) ++

بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا^{۳۹}

موده بده به منافقان که برایشان
عذابی دردناک است (۱۳۹)

الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ
دُونِ الْمُؤْمِنِينَ^ط أَيَتَّبِعُونَ عِنْدَهُمْ

[یعنی] آنانکه مومنان را رها کرده
کافران را دوست میگیرند آیا نزد

++ آیت ۱۳۸- این آیت به این عقیده نفی میکند که مجازات مرتد قتل است. لذا
فرمود اگر کسی مرتد گردد باز ایمان آورد باز مرتد شود باز ایمان آورد پس کارش با خدا
است و اگر در حالت کفر بمیرد پس حتماً جهنمی است و اگر مجازات او قتل است
دیگر ذکر از تکراراً ایمان آوردن او و تکراراً مرتد شدن او هرگز الزامی نبود.

الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا^ط

آنها خواهان عزت اند؟ پس یقیناً
عزت تماماً از آن خدا است (۱۴۰)

والبته او در کتاب بر شما نازل
کرده است که هرگاه بشنوید که
به آیتهای خدا انکار کرده یا به آنها
تمسخر میشود پس هرگز با آنان
نشینید تا آنگاه که به سخنی جز
آن درآیند [وگرنه] یقیناً شما هم
آنگاه همانند آنها بشوید یقیناً خدا
جميع منافقان و کافران را در

جهنم جمع کننده است (۱۴۱) ++
[یعنی] آنانکه درباره شما [برای
خبرهای بد] چشمدارند پس اگر
برایشما از جانب خدا فتح باشد
گویند، آیا ما با شما نبودیم و
اگر کافران را [در پیروزی] سهمی
باشد گویند: آیا [نخست] بر شما غلبه
نیافته بودیم و شما را از مومنان

وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا
سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا
فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي
حَدِيثٍ غَيْرِهِ^ك إِنَّكُمْ إِذَا مَثَلْتُمْ^ط إِنَّ
اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي
جَهَنَّمَ جَمِيعًا^ل

الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ^ح فَإِنْ كَانَ لَكُمْ
فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ^ك
وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ^ج قَالُوا أَلَمْ
نَسْتَوْذُ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُمْ مِنَ
الْمُؤْمِنِينَ^ط فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ
الْقِيَامَةِ^ط وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى

++ آیت ۱۴۱: اینجا بوضوح فرمانست که آنها تیکه بیفرمان و کلام الهی را بباد سخریه
میگیرند با آنها نه نشینید الا همانند آنها میشوید. اما فرمان این نیست که با آنها قطع
رابطه کنید بلکه آنان که ازین کار توبه کنند با آنان رابطه داشتن مجاز است.

الْمُؤْمِنِينَ سَيِّئًا ۝

۱۱۲

نگهداری نکرده بودیم؟ پس خدا در روز قیامت میان شما قضاوت کند هرگز خدا کافران را اختیاری بر مومنان ندهد (۱۴۲)

البته منافقان به خدا خدعه کنند حالانکه او خودش آنها را به خدعه گرفتار کند و [آنانند که] چون بنماز بپاخیزند بابتی میلی بپاخیزند و به رخ مردم میکشند و خدا را یاد نکنند جز اندکی (۱۴۲)

میان این دودلان میمانند و نه به طرف اینانند و نه به طرف آنانند و هر که را خدا گمراه سازد پس هرگز برای او راه [هدایت] نمی یابی (۱۴۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید مومنان را رها کرده کافران را دوست نگیرید. آیا میخواهید تا برای خدا دلیلی روشن برخلاف خود فراهم آورید؟ (۱۴۵)

بیگمان منافقان در پائین ترین

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَدِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ ۖ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَىٰٓ يُرَآءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا ۝

مُذَبِّدِينَ بَيْنَ ذَلِكَ ۗ لَا إِلَىٰ هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَىٰ هَؤُلَاءِ ۚ وَمَنْ يُضَلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا ۝

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكٰفِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ۗ أَلْتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطٰنًا مُّبِينًا ۝

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ

التَّارِجَ ۚ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا ﴿١٤٦﴾

درجه آتشند و برایشان هیچ

یاوری نخواهی یافت (۱۴۶)

مگر آنانکه توبه کرده و اصلاح

کردند و به خدا [باوفاداری] جنگ

زدند و دین خود را برای خدا

خالص نمودند. پس آنانند که با

مومنان اند و بزودی خدامومنان را

پاداش بزرگی میدهد (۱۴۷)

خدا به عذاب کردن شما چه کار

دارد اگر سپاس گذاریدید و ایمان

آوردید بلکه خدا که بسیار نوازنده

سپاس صاحب علم دائمی است

(۱۴۸)

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا

بِاللَّهِ وَأَخْضَعُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَئِكَ مَعَ

الْمُؤْمِنِينَ ۗ وَسَوْفَ يُؤْتِي اللَّهُ

الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١٤٧﴾

مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ

شَكَرْتُمْ وَأَمَّنْتُمْ ۗ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا

عَلِيمًا ﴿١٤٨﴾

خدا دوست ندارد آشکارا سخن گفتن را بگفتار ناپسند جز کسی که براوستم شده است و خداشنوائی صاحب علم دائمی است (١٤٩)

اگر عیان کنیدی یکی رایا آنرا پنهان دارید یا از بدی چشم فرو بندید پس یقیناً خدا عفو کننده مدام قدرتمند است (١٥٠)

یقیناً کسانی که به خدا و رسولان او انکار کنند و میخواهند که میان خدا و رسولان او تفریق کنند و گویند به بعضی ما ایمان آوریم و بعضی انکار کنیم و دوستدارند که راهی میان اینرا پیش گیرند (١٥١) ++

همانها کافران حقیقی اند و برای کافران عذابی رسوا کننده مهیا کرده ایم (١٥٢)

و کسانی که به خدا و رسولان او ایمان آوردند و میان هیچ کدام از

لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوِّءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ۗ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا ﴿١٤٩﴾

إِنْ تُبَدُّوْا خَيْرًا أَوْ تُخَفُّوْهُ أَوْ تَعْفُوْا عَنْهُ سُوِّءٌ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا ﴿١٥٠﴾

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ مِنْ بَعْضٍ وَنَكْفُرُ مِنْ بَعْضٍ لَا يُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا ﴿١٥١﴾

أُولَٰئِكَ هُمُ الْكٰفِرُونَ حَقًّا ۗ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَٰفِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا ﴿١٥٢﴾

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ ۗ أُولَٰئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمُ

++ آیت ١٥١: این آیت منکران حدیث [فرقه اهل قرآن] را که حدیث نبوی

را انکار کرده و درگفته خدا و گفته رسول تفریق مینمایند، رد کرده است.

أَجُورَهُمْ ۖ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۝١٥٦

ایشان تفریق نکردند آنانند که او
به ایشان پاداش ایشان بزودی
بدمد و خدا آمرزگاری بارها
رحم کننده است(۱۵۶) ++

اهل کتاب از تو مسئلت کنند که
کتابی را برآنان از آسمان [بصورت
عینی] فرود آر. پس البته از موسی
از اینهم بزرگتر خواسته بودند پس
گفتند: خدا را بما آشکارا فرابنما.
پس صاعقه آنان را بعلت ستمگری
آنان بگرفت. سپس گوساله را [به
معبودیت] گرفتند بعد از اینکه نشانه
های تابان آنان را آمده بود. باین
همه از آن نادیده گرفتیم و به
موسی حجتی روشن دادیم(۱۵۴)

و بسبب پیمان ایشان طور را
فرا ایشان بلند کردیم و گفتیم به
ایشان که [خدارا] اطاعت کنان
بداخل در شوید و گفتیم به آنان

يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تُنزِلَ عَلَيْهِمْ
كِتَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَىٰ أَكْبَرَ
مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ
الصَّعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ۚ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ
مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ فَعَفَوْنَا عَنْ
ذَلِكَ ۚ وَآتَيْنَا مُوسَىٰ سُلْطَانًا مُّبِينًا ۝١٥٥

وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ الطُّورَ بِمِيثَاقِهِمْ وَقُلْنَا
لَهُمْ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُلْنَا لَهُمْ لَا
تَعْدُوا فِي السَّبْتِ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا

++ آیت ۱۵۳: اینجا تکراراً گفته شد افانکه به خدا و رسول ایمان میارند در گفته

خدا و گفته رسول تفاوت نمیگذارند.

عَلِيظًا ١٥٥

که درباره سبت تجاوز نکنید و از آنان پیمانی موثق گرفتیم (۱۵۵) پس بیهم زدن آنان پیمان خویش و انکار آنان به آیتهای خدا و بنا حق مخالفت شدید آنان از پیمبران و سخن ایشان که قلبهای ما در پرده است بلکه بحقیقت خدا بعلت کفر آنان بر [دل] آنها مهر نهاده است پس ایمان نیاورند جز کمی (۱۵۶)

بعلاوه بکفر آنان و گفتن آنان بهتان بزرگی برخلاف مریم (۱۵۷) وبگفتار آنان که یقیناً ما عیسی ابن مریم پیغمبر خدا را کشتیم حال آنکه نه او را بقتل رساندند و نه او را [تامرگ] بدار آویختند بلکه [جریان] برای آنان مشتبه ساخته شد و البته کسانی که در این اختلاف دارند حتماً درباره آن متردد اند. آنها را در مورد آن هیچ دانشی نیست جز اینکه از گمان پیروی

فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ وَكُفْرِهِمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ ۗ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ۝

وَبِكُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَى مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيمًا ۝

وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ ۗ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ ۗ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ ۗ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ ۗ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا ۝

میکنند و به یقین او را نه

کشتند(۱۵۸)++

بلکه خدا او را بسوی خود رفع کرد

و یقیناً خدا صاحب غلبه کامل

صاحب حکمت است(۱۵۹)++

نیست [گرومی] از اهل کتاب مگر

که پیش از مرگ او حتماً بر او

ایمان آرد و در روز قیامت او بر

آنان گواه خواهد بود(۱۶۰)++

بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ ۖ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا

حَكِيمًا ﴿١٥٩﴾

وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ الَّذِينَ لَآ يَأْتُونَكَ بِهٖ قَبْلَ

مَوْتِهِ ۖ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا ﴿١٦٠﴾

++آیت ۵۸: این آیت این ادعا اشتباهی یهود را رد میکند که ما مسیح را بقتل

رساندیم حالانکه آنان مسیح را نه بقتل رسانده کشته بودند و نه بدار کشیده.

صَلْبُوهُ را منظور فقط بدار آویختن نیست بلکه نتیجه اش را بدست آوردن است

یعنی بدار آویخته بمرگ رساندن است زیرا که بسیاری مردم بدار آویخته زنده

فرو آورده میشوند و هیچ گاه گفته نمیشود که آنها بدارکشیده کشته شدند. لذا

این آیت حاکی از این نتیجه است که یقیناً آنان به کشتن مسیح موفق نشده بودند.

”شَبَّ لَهُمْ“ را این تفسیر اشتباه است که شخصی دیگر مشابه مسیح شده بود و سپس

او بدارکشیده کشته شد حالانکه این قطعاً برخلاف محاوره زبان عربی است و گرنه

باید ذکر از آن نفر میشد که شبیه مسیح را اختیار کرده مشابه مسیح گردید. ”شَبَّ لَهُمْ“

را واضحاً این معنای است که آنان به شبه افتادند و جریان بر آنان مشتبه گردید.

++آیت ۱۵۹: این آیت این ادعای بعضی از علماء را رد میکند که رفع حضرت عیسی

بسوی آسمان شد و واضحاً حاکی از اینست که بل رفعه الله الیه یعنی خدا رفع او را

بسوی خود کرد. سوال اینست که کدام جا خالی از خداست که رفع حضرت مسیح

به آنسو کرده شد؟ حقیقت اینست در جای که مسیح بود خدا همانجا بود [ص#۲۲۵]

فِظْلُمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ
طَيِّبَاتٍ أَجَلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنِ سَبِيلِ
اللَّهِ كَثِيرًا ﴿١٦١﴾

پس آنها که یهود بودند پاکیزه
های را که [قبلاً] بر آنان حلال بود به
علت تجاوزگری آنان و بازداشتن
آنان (مردم را الجوجانه) از راه خدا
بر آنها حرام نمودیم (١٦١)

وَآخِذْهُمْ بِالرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ
أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ ۗ وَاعْتَدْنَا
لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٦٢﴾

و [بعلت] گرفتن آنان رباء حالیکه
از آن نهی شده بودند و خوردن
آنها مالهای مردم بباطل [کیفرشان
کردیم] و برای کافران از آنها عذابی
دردناک آماده کرده ایم (١٦٢)

لَكِنَّ الرِّسْخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ
وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ
وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ
وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ

اما آنکسان از آنان [یهود] که بعلم
نافد و مومنان [راستین] اند ایمان
میارند به آنچه برتونا زل کرده شد
و آنچه قبل ازتونا زل کرده آمدوبیا
دارندگان نماز و دهنندگان زکات و

پس رفع را معنی بلندی درجات است.

++ آیت ١٦٠: ان من اهل الكتاب را دو مفهوم میتوان باشد. یکی اینکه از اهل کتاب
يك نفرم نیست که قبل از مرگش بر او ایمان نیآرد و دومین اینکه از اهل کتاب
يك گروهی هم نیست که پیش از مرگش بر وی ایمان نیآورد و همین درست است. اگر
اولین معنا گرفته شود یعنی اگر مفهوم "مرگش" مرگ مسیح گرفته شود این فقط
ادعای است زیرا میلیونها یهود مردند که نه قبل از مرگ خودشان بر مسیح [ص: ٢٢٦]

وَالْيَوْمَ الْآخِرَ ۗ أُولَٰئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١٦٢﴾

ایمان آوردگان به خدا و روز آخرت ایشانند که بزودی ایشانرا

پاداش بزرگی بدهیم (١٦٢)

إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَىٰ نُوحٍ
وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ ۗ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ
إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ
وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَىٰ وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ
وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَبِهِ دَاوُدَ زَبُورًا ﴿١٦٣﴾

یقیناً ما بسوی تو وحی فرستاده ایم همانگونه که وحی فرستادیم بسوی نوح و پیغمبران پس از او و وحی فرستادیم بسوی ابراهیم و اسمعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان و به داود زبور

داده بودیم (١٦٤)

وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ
وَرُسُلًا لَمْ نَقْضُصْهُمْ عَلَيْكَ ۗ وَكَلَّمَ اللَّهُ
مُوسَىٰ تَكْلِيمًا ﴿١٦٤﴾

و پیغمبرانی اند که قصص ایشان از این پیش بر تو بیان کرده ایم و بعضی رسولان اند که قصص ایشان بر تو بیان نکرده ایم و خدا با

موسی بسیار تکلم کرد (١٦٥) ++

رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ

بقیه آیت ١٦٠: ایمان آوردند و نه قبل از فوت مسیح بر او ایمان آوردند. لذا موضوع "گروه" بدانعلت درست است زیرا که حضرت مسیح پس از هجرت خود بسوی قبائلی گمشده آنوقت وفات یافتند که افرادی کم و بیش از هر قبیله بر ایشان ایمان آورده بودند و این واقعه در کشمیر صورت گرفته بود.

دندگان [فرستادیم] تا پس از
[آمدن] رسولان مردم را درمقابل
خدا حجتی نباشد و خدا صاحب
غلبه کامل صاحب فراوان حکمت
است (١٦٦)

اما خدا گواهی میدهد که هرچه او
بر تو نازل کرده است بعلم [نافذ]
خود نازل کرده است و فرشتگان
نیز گواهی میدهند درحالیکه خدا
بطورگواه بس است (١٦٧)

یقیناً کسانی که کفر کردند و از راه
خدا بازداشتند البته درنهایت
گمراهی فرورفته اند (١٦٨)

یقیناً کسانی که کفر کردند و ستم
راندند نمیشود که خدا آنان را
بیامرزد و نه [ممکن است] که آنها

لِّلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ ۗ وَكَانَ
اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿١٦٦﴾

لَكِنَّ اللَّهَ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ
يَعْلَمُهُ ۗ وَالْمَلِكَةُ يَشْهَدُونَ ۗ وَكَفَى بِاللَّهِ
شَهِيدًا ﴿١٦٧﴾

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاصَّدُوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ
قَدْ ضَلُّوا ضَلًّا بَعِيدًا ﴿١٦٨﴾

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ
لِيُغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا ﴿١٦٩﴾

++ آیت ١٦٥: از احادیث اثبات میشود که تعداد انبیاء در کل عالم یکصد و بیست و
چهار هزار است و افضل ترین همه ایشان حضرت محمد صلی الله علیه وسلم هستند.
قرآن فقط چندین پیغمبران را بعنوان مثال ذکر کرده است و آن حالات که بر
ایشان و بر قومهای ایشان در زمان خود ایشان گذشته بود بر رسولانی دیگر که
در قرآن مذکور نیستند و قومهای ایشان نیز بر همین منوال گذشته است.

را بر راهی بنهد (١٦٩)

جزراه جهنم که در آن مدت دراز
 بمانند و خدارا این آسانست (١٧٠)
 ای مردم! شمارا رسول از پروردگار
 شما بحق آمده است. پس ایمان
 آرید که برایشما بهتر است و اگر
 کفر کنید آنگاه یقیناً از آن خدا است
 مرچه در آسمانها و زمین است و
 خدا صاحب علم دائمی صاحب
 حکمت است (١٧١)

ای اهل کتاب در دین خود تجاوز
 گری نکنید و بر خدا هیچ نگویید
 جز راستی. مسیح عیسی بن مریم
 نیست مگر رسول خدا و کلمه او
 است که آنرا بسوی مریم نازل کرد
 و از جانب او روحی است. پس به
 خدا و رسولان او ایمان آرید و
 نگویید "سه دستبرداری که خوش
 بختی شما است. یقیناً تنها خدا معبود
 یگانه است. او منزه است که او را
 پسری باشد. از آن او است مرچه

الْأَطْرِيقَ جَهَنَّمَ خُلْدَيْنِ فِيهَا أَبَدًا
 وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿١٧٠﴾
 يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ
 مِنْ رَبِّكُمْ فَأَمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ ۗ وَإِنْ
 تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١٧١﴾

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا
 تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ ۗ إِنَّمَا الْمَسِيحُ
 عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَةٌ
 أَنْزَلْنَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَآمَنُوا
 بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ۗ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ ۗ إِنَّهُوَ
 خَيْرٌ لَكُمْ ۗ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَ
 أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ
 وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿١٧٢﴾

در آسمانها است و هر چه در زمین
است و خدا کارسازی بس است
(١٧٢) ++

هرگز مسیح ناپسند ندارد که بنده
خدا باشد و نه فرشتگان مقربان
او و هر که از عبادت او خود داری
نماید و تکبر کند پس حتماً او همه
را بسوی خود جمع کند (١٧٢)

بس آنانکه ایمان آوردند و شایسته
کاریها کردند پس او ایشان را
پاداش ایشان بتمام دهد و ایشان
را بفضل خود بیفزاید و اما آنها

لَنْ يَسْتَنْكَفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ
وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ ۗ وَمَنْ يَسْتَنْكَفْ
عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ
جَمِيعًا ﴿٣٧﴾

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
فِيؤْتِيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ
فَضْلِهِ ۗ وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنْكَفُوا فَاسْتَكْبَرُوا

++ آیت ١٧٢: مسیحیان از این آیت استنباط میکنند که مسیح يك رسول معمولی نبود بلکه کلمه خدا بود و این کلمات را عطف به بایبل میکنند که درابتداء او کلام بود و کلام با خدا بود و کلام خدا بود [یوحنا باب ١ آیت ١] آنان مسیح را کلمه الله یا کلام الله قرار میدهند. البته ده آیت اخیر سوره کهف این ادعا را رد میکنند و خصوصاً در این آیت که اگر تمامی دریاها مرکب شوند و دریا های مانند آنها کمک کنند باز هم کلمات خدا تمام نمیشوند. پس مفهوم کلمه ، "کن" گفتن خدای است که در نتیجه آن همه چیزها جاندار و بی جان بوجود آمدند و مسیح هم یکی از آنها بود.

++ آیت ١٧٣: در این آیت از جانب حضرت عیسی به این امر انکار میشود که ایشان از بنده بودن خدا انکار میکردند چه این آن بهتان بزرگ است که مقام حضرت مسیح را بالا نیبرد بلکه ایشان را انکار کننده ای قرار میدهد.

که [عبادت را] ناپسند کرده و تکبر نمودند پس او آنها را بعدایی درد ناک معذب کند و برای خودشان جز خدا یار و یاورى نیابند (١٧٤) ای مردم! شمارا حجت بزرگی از خدا آمده است و بسوی شما نوری روشن کننده نازل کرده ایم (١٧٥) پس اما آنانکه به خدا ایمان آوردند و به او جنگ زدند پس حتماً ایشان را بداخل رحمت و فضل خود نماید و ایشان را براه راست هدایت دهد (١٧٦)

فتوی میخوانند از تو بگو خدا شما را درباره کلاله فتوی میدهد. اگر مردی ببرد که او را فرزندی نیست اما او را خواهری است آنگاه برای آن خواهر نصف آن است که او ارث گذاشت حالانکه او آن خواهر را وارث کامل است اگر وی را فرزندی نیست و اگر دو خواهر اند آنگاه آندورا دو سوم

فَيَعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ۗ وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿١٧٤﴾

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا ﴿١٧٥﴾

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ ۗ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمًا ﴿١٧٦﴾

يَسْتَفْتُونَكَ ۗ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ ۗ إِنَّ امْرَأًا وَأَهْلَكَ لَيْسَ لَهُ وَكَدَّوْلَةٌ ۗ أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ ۗ وَهُوَ يَرِيهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَكَدٌّ ۗ فَإِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الشُّلْثُنُ مِمَّا تَرَكَ ۗ وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِجَالًا وَنِسَاءً فَلِلَّذَكَرِ مِثْلُ حِظِّ الْأُنثِيَيْنِ ۗ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَنْ

تَصَلُّوا لِلَّهِ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلَيْهِمْ ٣٧

آنست که آن برادر ارث گذاشت
و اگر برادرانی مردان و زنان
اند آنگاه مرد را برابر دو سهم
زن است. خدا برای شما بروشنی
بیان نموده است مبدا گمراه
شوید و خدا به هر چیز نیک
آگاه است (۱۷۷)

٥ - سورة المائدة

این سوره در آخر دور مدنی نازل شده بود و با بسم الله ١٢١ آیت دارد.

در این سوره حقیقت از بسیاری معجزات حضرت مسیح علیه السلام بیان شده است. این بیان تفسیرها که "خوانی نعمت" بصورت عینی بر ایشان از آسمان نازل شده بود پرده از حقیقت این نیز با این بیان برداشته میشود که در حقیقت این یک پیشگوئی بود که ملتهای مسیح در نتیجه دعاها و قربانی های حضرت مسیح برخوردار به رزقی فراوان خواهند شد. اما اگر ایشان به این نعمتها ناسپاسی کنند که بدبختانه علامات آن به ظهور آمده است، آنگاه در مقابلش عقوبت هم آنقدر هولناک داده خواهد شد که هیچگاه به جهانیان داده نشده است.

آن نواقص که در یهود بعثت عهد شکنی پدید آمد امت محمدی از آنها جلوتر متنبه ساخته شده اند.

پیش از این در سوره البقرة سخن از حلال و حرام بودن انواع خوردنیها گفته شده است. اما در اینجا آن یک سخن تازه ای گفته میشود که اسلام را بر هر یک دین دیگر ممتاز مینماید و آن اینست که رزق نه فقط حلال بلکه باید طیب نیز باشد. پس اگرچه رزق بظاهرا حلال است باز هم نیکوتر این امر است که تا وقتی که آن به نهایت خود پاکیزه و صحت افزا نباشد از میل کردن آن خود داری کرده شود.

پیش از این ذکر از تعلیم در هر حال استوار ماندن بر عدالتمندی

رفته است. اینک در این سوره موضوع گواهی آغاز میشود و سخن از استوار ماندن بر عدالت نسبت به گواهی بدین نحوی قشنگ گفته میشود که اگر با قومی دشمنی دارید باز هم باید به حقوق ایشان رعایت شود و حساب خود را با آنان تسویه کرده دامن دادگری را از دست ندهید.

در این سوره مجدداً ذکر از میثاق کرده بیان میشود که چگونه یهود چون آنان میثاق را نقض کردند به جنگ بغض و عناد درآمدند به هفتاد و دو فرق منقسم شدند و این زمینه بعثت حضرت عیسی اثبات شد. ایشان بی هفتاد و سومین فرق نجات دهنده ای را ریختند. اما بعنوان پیشگوئی این سخن هم گفته میشود که قوم ایشان از نصیحت ایشان بهره مند نشده و گروه درگروه منقسم شده و بدنبال حسدو کینه و غرض ورزی میان ایشان بنای جنگ های جهانی نهاده خواهد شد و در این جنگها ملت های مسیحی ضد مدیگر خواهند جنگید.

در این سوره آنجا که سخن از بیکار قوما و قتل و غارتگری مدیگر آنان میرود ذکر خصوصی از آن يك گروه میشود که ستمگری و سفاکی را به نهایت آن خواهد رساند [آیه ٣٤]. امروزها ذکر از رفتار ظالمانه نسبت به کودکان در کشورهای اروپائی نیز یافت میشود چه جائیکه سخن از اوضاع کشورهای شرقی بیان آورده شود که بر از این نوع روشها میباشد. چنین جرمهای هولناک وجود دارد که باید در مقابل آنها عقوبت نیز بنحوی عبرتناک کرده شود تا موضوع آیه "فشرد بهم من خلفهم" تکمیل شود و عقوبتهای هولناک را مشاهده کرده مجرمانی باقی مانده دست از این زشتکاریها بردارند. این سوره صدای را برخلاف هر نوع ستمکاریها بلند میکند. ضمناً گفته

میشود که نمیتوان رخصت داد که دین کسی به اجبار تغییر داده شود. اگر کسانی بر اثر سختی اجبار مرتد شوند آنگاه خداوند بعموض آنان قومهای اعطانماید که آنان در عدد از عدد مرتدما بسیار کثیر باشند و در حق مومنان مهرورزی و در مقابل کافران سرسختی نشان دهند.

در این سوره ذکرى از آن تعلیم قرآن نسبت به عدل و انصاف یافت میشود که در هیچکدام کتاب دنیا وجود ندارد و فرموده میشود که علاوه بر ایمان آوردگان بر آنحضرت ﷺ پیروان دیگر ادیان نیز اگر بر تعلیم خود مخلصانه عمل کنند و بر آخرت یعنی بر اعتقاد جواب گوئی نسبت به اعمال خود استوار باشند آنگاه خداوند ایشان را در مقابل بهترین اعمال ایشان بهترین پاداش خواهد داد. باید ایشان در مورد فرجام خود هرگز در بیم نباشند و اندوه نخورند.

در مورد آن ذکر از بغض و عناد همدیگر که در این سوره ادامه دارد علت‌های دیگر نیز بیان میشود. یکی از این علتها شراب و دومین قمار است. اگرچه اینها دارای کمی مزیت نیز میباشد ولی مضرات اینها در مقابل مزایای اینها بزرگتر است.

در این سوره سخن از وفات مسیح علیه السلام بصراحت گفته و ایشان بعنوان رسولی یکتاپرست معرفی میشوند. ایشان هیچگاه قوم خود را تعلیم به پرستش سه تائی و شرک نداده بودند و این آموزش از جانب ایشان نبود که خدای یگانه را رها کرده من و مادرم هر دو تائی را بر مقام معبودیت برگزینید.

☆ سُوْرَةُ الْمَائِدَةِ مَدْنِيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ مِائَةٌ وَاحِدٌ وَعِشْرُونَ آيَةً وَسِتَّةٌ عَشْرَ رُكُوعًا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده، بارها رحم کننده (۱)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ ۗ

ای کسانی که ایمان آورده اید به پیمانها وفا کنید. حلال کرده شد

برایشمادامهای چهارپا جز آنچه بر شما خوانده میشود. اما حلال قرار

دمندگان شکار نشوید در حالیکه

شما در احرام اید. ما ناخدا فیصل

میدهد آنچه میخواهد (۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید بی

احترامی نکنید شعایر الله را و

نه ماه حرام را و نه قربانی و نه

دامهای را که برای قربانی قلاده

بسته شد و نه کسانی را که در تلاش

فضل و خوشنودی پروردگار خود

به بیت حرام قصد کرده باشند و

چون احرام در آورید آنگاه شکار

کنید و دشمنی قومیکه شمارا از بیت

حرام بازداشتند شما را و ندارد

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ

وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ

وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ فَضْلًا

مِّن رَّبِّهِمْ وَرِضْوَانًا ۗ وَإِذَا حَلَلْتُمْ

فَاصْطَادُوا ۗ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا ب

قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ

تَعْتَدُوا ۗ وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى ۗ

وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ۗ

که تجاوز کنید و در نیکوکاری و تقوی همکاری کنید و برگناه و ستم همکاری نکنید و از خدا بترسید. یقیناً خدا سخت عقوبت است (٣)+
 حرام کرده شد بر شما مردار و خون و گوشت حوک و آنچه بنام غیر از خدا ذبح کرده شود و خفه کرده، زیرکتک مرده و مرده از بلندی فرو افتاده و ضربه شاخ خورده و آنچه را درنده خورد مگر آنچه را [پیش از مرگش] ذبح کنید و نیز ذبح کرده بر قربانگاه های معبودان باطله و اینکه باتیرها قرعه افکنید - اینهمه ناپاک است. امروز آنانکه کفر کردند از [مداخله کردن در] دین شما نومید شدند.

وَاتَّقُوا اللَّهَ ۖ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٣﴾

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالذَّمْرُ وَلَحْمُ
 الْخَيْزِيرِ وَمَا أَهَلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ
 وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ
 وَالطَّيْحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ ۗ
 وَمَا ذَبَحَ عَلَى التُّصْبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا
 بِالْأَزْلَامِ ۗ ذَٰلِكُمْ فِسْقٌ ۗ الْيَوْمَ يَئِسَ
 الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ
 وَاحْشَوْنِ ۗ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ
 وَأَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ

++آیت ٣: در آیات ٢ و ٩ این سوره فرمان شده است که با دشمن هم بداد کامل رفتار کرده شود - خواه آن دشمنی بعلت اختلافات دنیائی است یا بر اساس اختلافات دینی است. در این آیت ٣ گفته شد که اگرچه دشمن شما را از رفتن به خانه کعبه بازداشت باز هم علت این دشمنی دینی شما را به بیدادگری مجاز نمیگرداند. اگر مسلمانان این دو آیت را صمیمانه بعمل میآوردند هیچگاه گمراه نمیشدند.

لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي
مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ
غَفُورٌ رَحِيمٌ ④

پس از آنها نترسید و از من بترسید.
امروز من دین شما را برای شما
کامل کردم و نعمت خود را بر شما
تمام نمودم و اسلام را دین شما
پسند کردم. پس آنکه در گرسنگی
بیچاره گردد، تمایل بگناه ندارد
پس یقیناً خدا آمرزگاری بارها
ترحم کننده است (٤)

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ ۖ قُلْ أُحِلَّ لَكُمْ
الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُم مِّنَ الْجَوَارِحِ
مَكْلَبِينَ ۖ تَعْلَمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ
فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا
اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۖ إِنَّ اللَّهَ
سَرِيعُ الْحِسَابِ ⑤

مسئلت کنند چه برای آنان حلال
کرده شده است. بگو، برای شما
حلال کرده شد همه پاکیزه ها و
آنچه به بعضی از جانوران شکاری
برای شکار میآموزید [بدانید که]
شما آنها را از آنچه میآموزید که
خدا بشما آموخت پس بخورید از
آنچه آنها برای شما نگهدارند و
نام خدا بر آن بخوانید و خدا را
تقوی فراگیرید. یقیناً خدا زود
حساب است (٥)

الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ ۖ وَطَعَامُ
الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ ۖ

امروز حلال کرده شد بر شما همه
پاکیزهها، و طعام [پاکیزه] آنها که

کتاب داده شدند نیز بر شما حلال است در حالیکه طعام شما برای ایشان هلال است و زنان پاکدامن از مومنات و زنان پاکدامن از آنان که پیش از شما کتاب داده شدند چون به نکاح درآورده آنان را مهریه آنان بپردازید و زناکاران و گیرندگان به دوستی مخفی نه باشید [نیز حلالند] و هر که به ایمان انکار کند حتماً عملش ساقط شود و او در آخرت از زیانکاران است (٦). ای کسانی که ایمان آورده اید هرگاه بنماز بپا خیزید پس رویهای خود و دستهای خود را تا آرنج بشویید و سرهای خود را مسح کنید و پاهای خود را تا قوزق [بشویید] و اگر شما جنبی باشید آنگاه [استحمام کرده] خود را خوب پاک کنید و اگر شما بیمارید یا در مسافرت یا کسی از شما از قضای حاجت آمده است یا با زنان مباشرت کردید و آب

وَطَعَامَكُمْ حَلَّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مَحْصِنِينَ غَيْرِ مُسْفِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ ۗ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَسِرِينَ ٥

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ ۗ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا ۗ وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ ۗ مَا يُرِيدُ

در نیابید آنگاه با خاکی پاکیزه تیمم کنید و بردستهای خود و رویهای خود از آن مسح کنید. خدا را خوش ندارد که بر شما سخت گیرد و اما دوست دارد شما را پاکسازد و نعمت خود را بر شما به اتمام رساند تا شما سپاسداری کنید (٧)

و یاد کنید نعمت خدا را بر خود و آن پیمان را که او به شما بست چون گفتید که شنیدیم و فرمان بردیم و از خدا بترسید. یقیناً خدا به رازهای سینه ما خوب دانا است (٨)

ای کسانی که ایمان آورده اید قیام کنید گمان به استواری برای خدا بحق داد گواهان باشید و هرگز شما را دشمنی قومی بر نیانگیزد که داد نکنید این نزدیکتر به تقوی است و از خدا بترسید. یقیناً خدا آگاه است به آن عمل که انجام دهید (٩)

خدا وعده داده به کسانی که

اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٧﴾

وَأَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٨﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوْمِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ آلَا تَعْدِلُونَ ۗ اِعْدِلُوا ۗ هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۗ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٩﴾

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿١٠﴾

ایمان آوردند و نیکوکاری کردند که
برایشان آمرزش و پاداشی بزرگ
است (١٠)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ
أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿١١﴾

و آنها که کفر کردند و آیتهای ما
را رد کردند آنها اهل جهنم
اند (١١)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ
عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ قَوْمٌ أَنْ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ
أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ ۖ وَاتَّقُوا
اللَّهَ ۗ وَعَلَى اللَّهِ فليتوكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٢﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید
نعمت خدا را بر خودتان یاد کنید
چون قومی آمنگ داشت که دست
های [شر] خود را بسوی شما دراز
کنند پس او دست های آنان را از
شما بازداشت و از خدا بترسید.
پس باید مومنان فقط بر خدا
توکل کنند (١٢)

وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ
وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ
اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ ۗ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ
وَأَتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي
وَعَزَّزْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا
حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ

و یقیناً خدا میثاق بنی اسرائیل
[نیز] گرفته است و ما در آنها
دوازده سردار برگماشته بودیم و
خدا گفت یقیناً من باشما هستم اگر
نماز را بپای داشتید و زکات دادید
و به رسولان من ایمان آوردید و
به ایشان یاری دادید و به خدا

قرضه حسنه تقديم نموديد حتماً گناهان شمارا از شما دور ساخته شما را وارد باغهای نمايم که در دامنه آنها نهرهای روانست . پس آنکه از اين بعد کفر کرد پس او از راه راست گمراه شد (١٣)

پس بسبب نقض کردن آنها پيمان خود را لعنشان کرديم و قلبهای آنانرا سفت ساختيم . آنها کلمات را از موضع خود برميگرداندند و فراموش کردند بخشی از آنچه را که برای آن خوب تذکر داده شده بودند و پيوسته برخيانت آنها جز کمی از آنها مطلع ميشوي . پس عفو کن از آنان و نادیده بگیر . يقيناً خدا محسنان را دوست دارد (١٤) و کسانی که گفتند ما نصاری هستیم از آنان [نیز] پيمانی موثق آنان گرفتيم . پس آنها [نیز] بخشی از آن را فراموش کردند که به آن اکیداً نصیحت شدند . آنگاه ماميان آنان

وَلَا دَخَلَتْكُمْ جَنَّتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
الْأَنْهَارُ ۚ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ
ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿١٣﴾

فَبِمَا نَقَضْتُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعْنَتُهُمْ وَجَعَلْنَا
قُلُوبَهُمْ قَسِيَةً ۚ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ
مَوَاضِعِهِ ۚ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ ۚ
وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا
قَلِيلًا مِّنْهُمْ ۚ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ ۗ إِنَّ
اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٤﴾

وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصْرَىٰ أَحَدُنَا
مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ ۚ
فَاعْرَيْبْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى
يَوْمِ الْقِيَامَةِ ۗ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا

يُصْعَقُونَ ﴿١٥﴾

تاروزقیامت عداوت و کینه مقدر
 نمودیم و حتمًا خدا آنها را به
 [بدفرجام] آن [صنائع] آگاه سازد که
 میساختند (١٥)

ای اهل کتاب یقینًا شما را آمد
 رسول ماکه برایشما بسیاری از آن
 امور که شما از کتاب [خود] کتمان
 میکردید بصراحت بیان میکند و
 از بسیاری نادیده میگیرد. یقینًا
 شما را از خدا نوری و کتابی روشن
 آمده است (١٦)

خدا بوسیله آن آنانرا که از پی
 خوشنودی او روند به راه سلامتی
 هدایت میکند و ایشان را باذن خود
 از تاریکیها بسوی روشنی درآورد
 و ایشان را بسوی صراط مستقیم
 هدایت نماید (١٧)

البته کفر کردند آنها که گفتند یقینًا
 او خدا عیسی ابن مریم است. بگو
 کی را بر خدا هیچ هم اختیار است
 اگر او بخواهد که عیسی ابن مریم

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ
 لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ
 وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ
 نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ ﴿١٦﴾

يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مِنَ اتِّبَاعِ رِضْوَانِهِ سُبُلَ
 السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ
 بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿١٧﴾

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ
 ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا
 إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ

و مادرش و هرچه در زمین است
 مگی را نابودسازد و از آن خدا
 است پادشاهی آسمانها و زمین و
 آنچه میان آندو است. او میآفریند
 هرچه دوستدارد و خدا به هر چیز
 مدام قدرتمند است (١٨)

وَأَمَّهُ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ۖ وَاللَّهُ
 مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۗ
 يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
 قَدِيرٌ ﴿١٨﴾

و یهود و نصاری گفتند ما فرزندان
 خدا و مقبولان اوئیم. بگو پس چرا
 او شمارا بسبب گناهانتان عذاب
 نمیدهد؟ بلکه شمائیدبشری از آنان
 که او آفریده است. او میآمرزد
 آنکه را خواهد و آنکه را خواهد
 عذاب میدهد و پادشاهی آسمانها
 و زمین و آنچه میان آندو است
 از آن خدا است و بازگشت بسوی
 او است (١٩)

وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّاصِرِيُّ نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ
 وَأَحِبَّاؤُهُ ۗ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ
 بِذُنُوبِكُمْ ۗ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ ۗ
 يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ
 مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۗ
 وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿١٩﴾

ای اهل کتاب! یقیناً شمارا رسول
 ما پس از انقطاع طولانی رسولان
 آمده است که [امور مهم] را برای
 شما به روشنی بیان میکند مبادا
 بگویید که مارانه مژده دهنده آمد

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ
 لَكُمْ عَلَىٰ فَتْرَةٍ مِّنَ الرَّسُلِ أَنْ تَقُولُوا مَا
 جَاءَنَا مِن بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ ۗ فَقَدْ
 جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ

شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٥٠﴾

ع ٨

و نه بیم دهنده پس یقیناً شمارا
مژده دهنده و بیم دهنده آمده
است و خدا بر هر چیز مدام
قدرتمند است (٢٠)

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يُقَوْمِ اذْكُرُوا
نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ
وَجَعَلَ لَكُم مِّلُوكًا ۖ وَآتَاكُم مَّا لَمْ يُؤْتِ
أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ ﴿٥١﴾

و [بیادآورید] هنگامیکه موسی
بقوم خود گفت: ای قوم من نعمت
خدارا بر خودتان بیادآورید چون
او در شما رسولان برگزید و شما
را پادشاه برگماشت و شما را در
داد آنچه که به هیچ یک از جهانها
نداده بود (٢١)

يُقَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي
كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتُدُّوا عَلَيَّ آدْبَارِكُمْ
فَتَقْلَبُوا وَخَيْرِينَ ﴿٥٢﴾

ای قوم من! به این ارض مقدس
در آید که خدا برایشما نوشته
است و برپشتهای خود برنگردید
و گرنه زیانکاران بازگردید (٢٢)

قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ
وَإِنَّا لَنُذْخِلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْهَا
فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ ﴿٥٣﴾

گفتند ای موسی! یقیناً در این
[ارض مقدس] قومی بسیار سخت
گیر اند و هرگز ما به آن وارد نه
شویم تا آنگامکه آنها از آن بیرون
نروند. پس اگر آنها از آن بیرون
روند آنگاه یقیناً ما بداخل آن

شويم (٢٣)

از کسانی که میترسیدند دومی که خدا برآندو انعام کرده بود گفتند: بر آنها از در [بزرگ] وارد شوید. پس آنگاه که [یکبار] داخل آن شدید پس حتماً شما غالب آیندگانید و بس بر خداتوکل کنید

اگر شما مومنان اید (٢٤)

گفتند: ای موسی قطعاً ما به آن وارد نشویم تا آنگاه که آنها در آن اند. پس برو تو و پروردگارت مردو بجنگید ما اینجا نشتگانیم (٢٥)

او گفت: ای پروردگار من! یقیناً من جز خویشتن و برادرم بر کسی اختیار ندارم. پس میان ما و میان

قوم فاسقان تفکیک بنما (٢٦)

[خدا] گفت: یقیناً این [ارض مقدس] چهل سال بر آنان حرام کرده شد. آنان در زمین سرگردان میمانند. پس برای قوم زشتکاران افسوس

مخور (٢٧)

قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَعْمَرَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا إِذْ خَلُّوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ ۚ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غُلَبُونَ ۗ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٢٣﴾

قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَنْ نَدْخُلَهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ ﴿٢٥﴾

قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ﴿٢٦﴾

قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ ۗ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ﴿٢٧﴾

و قصه دو فرزند آدم را برای آنان بحق حکایت کن گامیکه آندو قربانی تقدیم نمودند. آنگاه قربانی یکی از آندو پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد. او گفت: حتماً من ترا میکشم. او پاسخ داد بر راستی خدا فقط قربانی پرهیزکاران را می پذیرد (٢٨)

اگر تو دست خود را بسوی من دراز کردی تا مرا بکشی نیستم من که دست خود را بسوی تو دراز کنم تا ترا بکشم. یقیناً من از پروردگار جهانها بیم دارم (٢٩)

یقیناً من میخواهم که تو گناه من و گناه خود را بدوش گرفته [در محضر خدا] برگردی تا از جمله اهل جهنم بشوی و ستمکاران را همین پاداش است (٣٠)

باز هم نفسش قتل برادر خود را برایش زیبا بنمایش گذاشت. پس او را کشت و از جمله زیانکاران

وَإِثْلَ عَلَيْهِمْ نَبَأُ ابْنِي آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا بَنِيهِمَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ ۗ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ ۗ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ﴿٢٨﴾

لَيْسَ بَسَطْتُ إِلَى يَدِكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطِ يَدِي إِلَيْكَ لِأَقْتُلَكَ ۚ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿٢٩﴾

إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوَ آيَاتِي وَآيَاتِكَ فَتَكُونُ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ ۗ وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ ﴿٣٠﴾

فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسَهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَسِرِينَ ﴿٣١﴾

شد (٢١)

آنوقت خدا کلاغی را فرستاد که در زمین می‌گند تا او را بفهماند که جسد برادرش را چسان بپوشاند. گفت، وانفسا! عاجز ماندم که مانند این کلاغ میشدم تا جسد برادرم را میپوشاندم. پس او از جمله

پشیمانان شد (٢٢)

بدانعلت ما بر بنی اسرائیل فرض نمودیم که هر که نفسی را بکشد که او کسی را نکشته باشد یا فساد در زمین نکرده باشد آنگاه گویی او همه مردم را کشت و هر که او را زنده داشت آنگاه گویی او همه مردم را زنده کرد و یقیناً رسولان ما ایشان را با نشانه های آشکار آمدند البته بازم بسیاری از آنها

در زمین تجاوزگرانند (٢٣)

یقیناً پاداش آنانکه با خدا و رسول او بجنگند و سعی کنند در زمین فساد بگسترانند فقط اینست که

فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارِي سَوْءَةَ أَخِيهِ ۗ قَالَ يُوَيْلَتَىٰ أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُوَارِي سَوْءَةَ أَخِي ۗ فَاصْبِحْ مِنَ التَّوَّابِينَ ﴿٢١﴾

مطابق حدیث السائرين

مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِعَدْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا ۚ وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا ۚ وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ ﴿٢٣﴾

إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ

بسختی کشته شوند یا بدار کشیده شوند یا دستهای آنان یا پاهای آنان از سمت مخالف بریده شود یا از میهن تبعید شوند. این برای آنان خواری در دنیا است و برای آنها در آخرت عذابی بزرگ است (۳۴) مگر آنها که توبه کنند پیش از اینکه بر آنها غلبه یابد. پس بدانید که خدا آمرزندهٔ بارها رحم کننده است (۳۵)

ای کسانی که ایمان آورده اید خدا را تقوی فراگیرید و واسطه تقرب او را تلاش کنید و در راه او جهاد کنید تا موفق شوید (۳۶) ++

یقیناً کسانی که کفر کردند اگر چه از آن آنها میبود جمیع آنچه در زمین است بلکه مانند آن با آن علاوه تا آنرا روز قیامت به نجات از عذاب

مَنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْنَ مِنَ الْأَرْضِ ۗ ذَٰلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٥﴾

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ ۗ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٥﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٦﴾

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَالَّذِينَ هُمْ مَآ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لِيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ ۗ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧﴾

++ آیت ۲۶: مراد از وسیله آنحضرت صلی الله علیه وسلم است و اکنون هیچ وسیله نیست جز آنحضرت [ص] که تعلق را مستقیماً با خدا برقرار سازد. آن دعا که بعد از آذان خوانده میشود با ذکر کلمه وسیله همین موضوع را تأیید میکند.

فداکنند از آنها پذیرفته نمیشد و

برای آنها عذابی دردناکست (٣٧)

آرزوکنند که از آتش بیرون روند

و آنان از آن بیرون روندگان نه

باشند برای آنان عذابی پایدار

است (٣٨)

و مرد دزد یا زن دزد دستهای

آندو را بیریدکه پاداشی باشد به

آنچه آندو کردند [این] از خدا عبرتی

است و خدا صاحب غلبه کامل

صاحب حکمت است (٣٩) ++

پس آنکه پس از استمکاری خود

توبه کرد و اصلاح نمود پس یقیناً

خدا توبه قبول کرده بر او متمایل

شود یقیناً خدا آمرزنده بارها رحم

کننده است (٤٠)

يُرِيدُونَ أَنْ يُخْرِجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ

بِخُرْجَيْنَ مِنْهَا ۗ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴿٣٨﴾

وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا

جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ

عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٣٩﴾

فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ

يَتُوبُ عَلَيْهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٤٠﴾

أَيَانْمِيدَانِي كِه پَادشَاهِي آسْمَانِهَا وَ

++ آیت ٣٩: کلمات "السارق والسارقة" بردزدها حرفه و خو گرفته ها از مرد و زن

دلالیت میکند و آنکس که بعلت تهیدستی چیزی از خوردنیها و نوشیدنیها بدزد او

شامل این فرمان نیست. هنگام مَخَصَه یعنی گرسنگی شدید که خوک هم جایز میشود.

گرسنه ای اگر چیزی بلا اجازه بخورد مورد آن کیفر نیست که دستش بریده شود.

زمین از آن خدا است. او هر که را خواهد عذاب دهد و هر که را خواهد میآمرزد و خدا بر هر چیز مدام قدرتمند است (٤١)

ای رسول تو را اندوهگین نسازند آنها که در کفر میشتابند یعنی آنانکه بادمان های خود گویند ایمان آورده ایم در حالیکه دلهای آنان ایمان نه آورده است، نیز آنانکه یهود شدند. آنان دروغ را بدقت شنوندگانند و [سخنان] قومی دیگر را که نزد تو نیامده اند هم بدقت شنوندگانند و کلمات را بعد از قرار دادن در مواضع خود تحریف میکنند و [دار و دسته خود را] گویند: اگر این داده شوید آنرا بگیرید و اگر این داده نه شوید پس حذر کنید و کسیکه خدا آزمایش او را خواهد پس تو برای [نجات] او از خدا، هیچ اختیار نه داری. همانند که خدا نمیخواهد که دلهای آنان پاک گردد برای

وَالْأَرْضُ ط يَعَذَّبُ مِنْ يَشَاءُ وَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ ط وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤١﴾

يَأَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَقْوَابِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنُ قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّعُونَ لِقَوْمٍ آخَرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ ط يَحْرِفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ ج يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِن لَّمْ تُوْتُوهُ فَاحْذَرُوا ط وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَن تَمْلِكَ لَهُ مِنْ اللَّهِ شَيْئًا ط أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ ط لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ ط وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٤١﴾

مواقف ٣ عبدالمطلب

آنان خواری است دردنيا وآنانرا
 در آخرت عذابى بزرگ است(٤٢)
 دروغ را بدقت شنوندگان وحرام
 رافزونترخورندگان، پس اگر اينها
 نزد تو بيايند خواه ميان آنان
 داورى کن يا اعراض کن و اگر
 از آنان اعراض کنى پس مرگز
 هيچ ضررى بتو نه رسانند و اگر
 داورى کنى پس ميان آنان بداد
 داورى کن. يقيناً خدا داد گران
 را دوستدارد(٤٣)

سَمْعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَلُونَ لِلسُّحْتِ ٥
 فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ
 أَعْرِضْ عَنْهُمْ ٦ وَإِنْ تَعْرِضْ عَنْهُمْ
 فَلَنْ يَصْرِوْكَ شَيْئًا ٧ وَإِنْ حَكَمْتَ
 فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ ٨ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ
 الْمُقْسِطِينَ ٩

وچطور تو را داور قرار دهند حالى
 كه تورات نزد آنان است درجه
 حكم خدا است؟ باز هم آنان پس از
 آن روى برتابيده ميروند و مرگز
 آنان ايمان آوردگان نيستند(٤٤)

وَكَيفَ يُحْكُمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ
 فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ
 وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ ١٠

يقيناً ما تورات را نازل كرديم
 در چه هدايتى بود نيز نورى.
 پيغمبران آنانكه [كليۀ به خدا]
 گردن نهادند براى يهوديان بدان
 داورى ميكرند و خداپرستان و

إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ
 يُحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا الَّذِينَ
 هَادُوا وَالرَّبَّنِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا
 اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ

هم دانشمندان بعلمت آنکه نگهداری کتاب بعهدہ ایشان بود [بدآن داوری میکردند] و بر آن گواه بودند. پس نترسید از مردم بلکه از من بترسید و آیتها را ببهای بی ناچیز معامله نکنید و آنکه داوری نکند مطابق آنچه خدا نازل کرده است پس همانها کافراند (٤٥)

و فرض کرده بودیم بر آنان در آن [تورات] که جان به جان و چشم به چشم و بینی به بینی و گوش به گوش و دندان به دندان و به جراحتها قصاص است. پس کسیکه آنرا [بدوستی] تصدق کند پس آن برای [گناهان] او کفاره است و آنکه داوری نکند به آنچه خدا نازل کرد پس همانها ستمکارانند (٤٦)

و بی ردبا ایشان گرفته عیسی ابن مریم را بدنبال فرستادیم تصدیق کننده آنچه از تورات که پیشروی او بود و او را انجیل

شُهِدَاءٌ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَ اَخْشَوْنَ
وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَّمْ
يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ
الْكَافِرُونَ ﴿٤٥﴾

وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ
وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ
وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ
وَالْجُرُوحَ قِصَاصًا فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ
فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَّهُ وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا
أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٤٦﴾

وَقَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ
مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ
وَأَنْبِئُهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ

دادیم درجه هدایتی بود نیزنوری
و تصدیق کننده برای آنچه بود که
از تورات پیشروی او بود و متقیان
را هدایتی و پندی بود (٤٧)

و باید اهل انجیل داوری کنند طبق
آنچه خدا در آن نازل کرده است
و آنکه داوری نکند طبق آنچه خدا
نازل کرد پس همانا فاسقانند (٤٨)

و کتاب را بسوی تو بحق نازل
کرده ایم تصدیق کننده برای آنچه
از کتاب که پیشروی آنست و بر آن
نگهبانست. پس میان آنان داوری
کن مطابق آنچه خدا نازل کرده
است و هوس رانی آنها را پیروی
نکن دور از آنچه حق که تورا
آمده است. برای هر کدام از شما
مسئله و دینی قراردادیم و اگر
خدایم داشت حتماً شما را يك
امت میساخت و اما [میخواهد] که
شمارا بیازماید در آنچه شمارا داد
پس در نیکیها از همدیگر سبقت

و مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ
وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٤٧﴾

وَلِيَحْكُمَ أَهْلَ الْإِنجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ
فِيهِ ۖ وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ
فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفٰسِقُونَ ﴿٤٨﴾

وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا
بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ
فَأَحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ
أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ ۗ لِكُلِّ
جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَا جَا ۗ وَلَوْ
شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلٰكِنْ
لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا
الْخَيْرَاتِ ۗ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا
فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٤٩﴾

جوید. بازگشت همه شما بسوی خدا است. آنگاه او شما را آگاه سازد به آنچه شما در آن اختلاف میکردید (٤٩)

و [بازاکیداً گویم که] داوری کن میان آنها مطابق آنچه خدا نازل کرد و هوای نفسانی آنها را دنبال نکن و از آنها حذر کن که تو را از بعضی آن تعلیم که خدا به تو نازل کرده است به آزمایش نینکنند. پس اگر روی برتابند آنگاه بدان که خدا حتماً میخواید که بعضی از گناهان آنان بر آنان مصیبت بیافکند و حتماً بسیاری از مردم فاسقاند (٥٠)

پس آیا داوری [به طریق] جاهلیت را دوست دارند؟ و اهل یقین را نیکوتر در داوری کردن از خدا کیست؟ (٥١)

ای کسانی که ایمان آورده اید یهود و نصاری را دوست نگیرید. آنها

وَأَن احْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَن يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِن تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَن يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِن كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ ﴿٥٠﴾

أَفْحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ^ط وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿٥١﴾

٥١

وَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَلَّمَهُمْ مِمَّا يَبْغُونَ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصْرَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ^ط

وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ ۗ

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٥٦﴾

[فقط] همديگر را دوست اند و آنکس از شما که آنها را دوست گيرد پس يقيناً او از آن آنها شد. يقيناً خداستمکاران را هدايت نمي دهد (۵۲)

پس آنان را که دردلهاشان مرضی است ببینی در آنها پرشتاب میروند گویند، میترسیم مبادا سختی زمان ما را برسد. پس نزدیک است که خدا بیآرد [روز] پیروزی یا امری از نزد خود. آنگاه پشیمان شوند بر آنچه دردلهای خود پنهان کنند (۵۳) و کسانی که ایمان آوردند گویند آیامانانند که به خدا قسمهای جدی خود میخورند که حتماً آنان باشا اند. اعمال ایشان بهدر رفت پس زیانکاران شدند (۵۴)

فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ

يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ

تُصِيبَنَا دَآبِرَةٌ ۗ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ

بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَيُصِيبُ حُجُوعًا

مَا أَسْرَوْا فِي أَنْفُسِهِمْ لَدِيمِينَ ۗ ﴿٥٣﴾

وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ

أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ آيْمَانِهِمْ إِنَّهُمْ

لَمَعَكُمْ ۗ حِطَّتْ أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا

خَسِرِينَ ﴿٥٤﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ

فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ

وَيُحِبُّونَهُ ۗ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ

ای کسانی که ایمان آورده اید مرکه از شما از دین خود برگردد پس حتماً خدا قومی را [ببدل] آورد که اوایشانرا دوست داشته و ایشان

او را دوست داشته باشند - بر مومنان مهربان و بر کافران بسیار سخت باشند - در راه خدا جهاد کنند و از ملامت هر ملامت کننده ناترس باشند. این فضل خدا است. او اینرا میدهد هر که را دوستدارد و خدا گشایش بخشای صاحب علم دائمی است (٥٥)

یقیناً دوست شما فقط خدا است و رسول او و آنانکه ایمان آوردند آنانکه نماز را بپای دارند و زکوت دهند و آنانکه [بمحضور خدا] بتعظیم کمر خم کنندگانند (٥٦)

و هر که دوست گیرد خدا را و رسولش و آنانکه ایمان آوردند پس یقیناً گروه خدائی اند که ایشان پیروزمندان اند (٥٧)

ای کسانی که ایمان آورده اید از

عَلَى الْكُفْرَيْنَ يَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ۗ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ
يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۝٥٥

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا
الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ
وَهُمْ رَاكِعُونَ ۝٥٥

وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا
فَأِنَّ جَرْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ ۝٥٧

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ

++ آیت ٥٥: این آیت این خیال را رد میکند که کافر مرتدی قتل است و میگوید که اگر کسی از شما از دین مرتد گردد آنگاه خداوند شما را ببدلتش قومی بزرگ اعطا میکند که ایشان با مومنان محبت داشته و در مقابل کافران استوار باشند.

آنانکه پیش شما کتاب داده شدند کسانیکه دین شما را به تمسخر و بازی گرفتند و کافران را دوستان برنگزینید و از خدا بترسید اگر شما مومنانید (٥٨)

و چون شما بنماز فراخوانید آنها آنرا بتمسخر و بازی میگیرند چه آنها قومی اند که عقل نکنند (٥٩)
 بگو ای اهل کتاب از ما فقط برای این انتقاد میکنید که به خدا و آنچه بر ما نازل کرده شد و آنچه پیش از ما نازل کرده آمد ایمان آورده ایم و بر راستی که بسیاری از شما فاسقانند (٦٠)

بگو آیا شما را به بدتر ازین خبر دهم که نزد خدا [برای شما] پاداشی است؟ آنکس که خدا او را لعن کرد و بر او خشم گرفت و بعضی از آنها را بوزینگان و خوکان قرارداد در حالیکه آنها شیطان را پرستیدند همانها بدتر در رتبه و

اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَ لَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ
 أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَافِرَ
 أَوْلِيَآءَ ۗ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٥٨﴾

وَ إِذْ أَدَّيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوا هَاهُنَا
 وَ لَعِبًا ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٥٩﴾

قُلْ يَا هَلْ الْكِتَابِ هَلْ تَقْمُونَ مِنَّا إِلَّا
 أَنْ أَمَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ
 مِن قَبْلُ ۗ وَإِنَّ أَكْثَرَكُمْ فَسِقُونَ ﴿٦٠﴾

قُلْ هَلْ أُنبِئُكُمْ بِشَرٍّ مِّنْ ذَٰلِكَ مَثُوبَةً
 عِنْدَ اللَّهِ ۗ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَ غَضِبَ عَلَيْهِ
 وَ جَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَ عَبَدَ
 الصَّاغُوتَ ۗ أُولَٰئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَ أَضَلُّ
 عَن سَوَاءِ السَّبِيلِ ﴿٦٠﴾

گمراهتر از راه اند(٦١)

و چون نزد شما میآیند گویند ما ایمان آوردیم حالانکه آنها بکفر خود بداخل شده بودند و با همان خارج شدند و خدا داناتراست به آنچه پنهان کنند(٦٢)

و بسیاری را از آنها درگناه و تعدی و حرام خوردن آنان بر همدیگر پیشی گرفته بسیار کوشا می بینی. چه زشت است آنچه میکنند(٦٣) چرا ربانیان و دانشمندان [مامور برنگهداری کلام الله] آنها را از گفتن آنان گناه را و از خوردن آنان حرام باز نداشتند. یقیناً زشت است آنچه میکردند(٦٤)

و یهودیان گفتند که دست خدا بسته است. دستهای خود آنها بسته است و لعنت شدند بموجب آنچه گفتند. بلکه مردود دست خدا باز است. او انفاق کند هرگونه میخواهد و آنچه برتواز خدای تو

وَإِذَا جَاءُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَقَدْ دَخَلُوا بِالْكَفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهِ^{٦١} وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ^{٦٢}

وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السَّحْتَ^{٦٣} لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ^{٦٤}

لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبُّ بَنِيُونَ وَالْأَجْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السَّحْتَ^{٦٥} لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ^{٦٦}

وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا^{٦٧} بَلْ يَدُهُ مَبْسُوطَةٌ لَيْسَ يَنْفِقَ كَيْفَ يَشَاءُ^{٦٨} وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا^{٦٩} وَالْقَيْنَا

نازلكرده شد البته بسيارى را از آنها درسركشى و كفر بيفزايد و ميان آنان تاقيمات دشمنى و كينه افكنده ايم. هرگاه آتش جنگ را برافروزند خدا آنها فرونشاند و درزمين به گسترده فساددوئندگى كند و خدا فسادكاران را دوست ندارد(٦٥)

واگراهل كتاب ايمان آورده و تقوى پيش ميگرفتندحتماً بديهاى آنان را از آنان دور مينموديم و حتماً آنها را وارد باغهاى پر نعمت ميكرديم(٦٦)

و اگر آنها تورات و انجيل را و آنچه بر آنان از خدای آنان نازل کرده شد برپا ميداشتند، آنگاه از فراز خود و از زير پاهاى خود ميخوردند. گروهى از آنها ميان ^٩ رو اند درحاليكه چه زشت است آنچه بسيارى از آنان ميكنند(٦٧) اى رسول! بخوبى ابلاغ كن آنچه

بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ۗ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ ۗ وَيَسْعُونَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ﴿٥٦﴾

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَادْخُلَتْهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ ﴿٦٦﴾

وَلَوْ أَنَّهُمْ آقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ ۗ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ ۗ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ ﴿٦٧﴾

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ

بر تو از خدای توفروفرستاده شد
و اگر بجانیآوری گویی پیغام او
رانرسانده ای و خدا تورا از مردم
حفظ مینماید. یقیناً خدا به قوم
کافران هدایت نمیدهد (٦٨)

بگوای اهل کتاب نیستید بر امری
تا آنگاه که بپای نداشتید تورات و
انجیل را و آنچه بر شما از خدای
شما نازل کرده شد و البته آنچه
بر تو از پروردگارتونازل کرده
شد بسیاری را از آنها در سرکشی
و کفر میفزاید. پس بر قومی کافر
افسوس مخور (٦٩)

یقیناً کسانی که ایمان آوردند و
آنانکه یهود و صابی و مسیحی شدند
هر که به خدا و روز آخرت ایمان
آورد و نیکوکاری کرد پس نیست
بیمی بر آنان و نه آنان اندوه
خورند (٧٠)

یقیناً ما میثاق بنی اسرائیل
گرفتیم و بسوی آنان رسولانی

رَبِّكَ ۗ وَإِنْ لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ
رِسَالَاتَهُ ۗ وَاللَّهُ يَعْصَمُكَ مِنَ النَّاسِ ۗ إِنَّ
اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿٦٨﴾

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ
تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ
إِلَيْكُمْ مِّن رَّبِّكُمْ ۗ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا
مِّنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا
وَكَفْرًا ۗ فَلَتَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٦٩﴾

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ
وَالنَّصَارَىٰ مَن آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ
يَحْزَنُونَ ﴿٧٠﴾

لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَارْسَلْنَا
إِلَيْهِمْ رَسُولًا ۗ لَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا

فرستادیم. هرگاه آنان را رسولی آمد با آن چیزی که به دلهای آنان خوش نداشت آنگاه گروهی را تکذیب کرده و به گروهی ستیزه گری ظالمانه میپرداختند (٧١)

و پنداشتند که فتنه نخواهد بود. پس کور و کر شدند. باز از این پس خدا توبه قبول کرده بر آنان متمایل شد. بازهم بسیاری از آنان کور و کر ماندند و خدا بینای آن بود که انجام میدادند (٧٢)

همانا کفر کردند آنها که گفتند خدا او مسیح ابن مریم است در حالیکه مسیح میگفت: ای بنی اسرائیل به خدا پروردگار من و پروردگار خود عبادت کنید. برآستی او آنکه به خدا شریک قرار دهد پس یقیناً خدا بهشت را بر او حرام نموده و مأوی او آتش است و ستمکاران را کسی یاور نیست (٧٣)

البته آنها کفر کردند که گفتند

لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُهُمْ ۖ فَرِيقًا كَذَّبُوا
وَفَرِيقًا يَّقْتُلُونَ ﴿٧١﴾

وَحَسِبُوا ۖ أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةً فَعَمُوا
وَصَمُّوا ۖ ثُمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمُوا
وَصَمُّوا كَثِيرًا مِنْهُمْ ۗ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا
يَعْمَلُونَ ﴿٧٢﴾

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ
ابْنُ مَرْيَمَ ۗ وَقَالَ الْمَسِيحُ بَنِيَّ
إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ ۗ إِنَّهُ
مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ
وَمَا أَوْهِنُ النَّارَ ۗ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ
أَنْصَارٍ ﴿٧٣﴾

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ

یقیناً خدا سومین سه است حالانکه
جز معبودیگانه هیچ معبودی نیست
و اگر باز نیایستند از آنچه میگویند
آنگاه حتماً به کسانی از آنها که کفر
کردند عذابی دردناک برسد (٧٤)

پس آیاتوبه کنان بسوی خدا خم
نیشوند و از او آمرزش نمی
طلبند حالیکه خدا بسیار آمرزنده ی
بارها رحم کننده است (٧٥)

مسیح ابن مریم فقط رسولی
است. یقیناً رسولانی که پیش از
او بودند در گذشته اند و مادرش
درستکاره بود. هر دوی غذا می
خوردند. بنگر چطور آیتهای خود
را برای آنان بوضوح بیان می
کنیم. سپس بنگر به کجا گول
زده برده میشوند (٧٦) ++

ثَلَاثَةٌ وَمَا مِنْ آلَهِ إِلَّا إِلَهُ وَاحِدٌ وَإِن لَّمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٤﴾

أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٧٥﴾

مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَأَنَّا بِكُلِّ الْغَنَامِ أَنْظَرُكُمْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ نَنْظُرُ إِلَىٰ يَوْمِ كُفُونٍ ﴿٧٦﴾

++ آیت ٧٦: در این آیت نیز وفات حضرت عیسی را تذکر است زیرا واژه قدخلت بطوریکه قبلاً بیان شد برای گذشتن راه گفته نمیشود بلکه بروفات گفته میشود. برای این بیشتر دلیل اینست که او و مادرش هر دوی غذا میل میکردند گویی اکنون آندو غذا نمیخورند زیرا هر دوی در گذشته اند. اگر حضرت عیسی [ص ٢٦٢]

بگو آیا خدا را ترك کرده عبادت
 ميكنيد آنچه را كه نه زيان و نه
 سود شمارا اختيار دارد؟ و خدا
 است كه اوبسيار شنوائى صاحب
 علم دائمى است (٧٧)

بگو ای اهل كتاب! بناحق دردين
 خود تجاوزگرى نكنيد و هواى
 نفسانى آنمردم را پيروي نكنيد
 كه پيش از شما گمراه شدند و
 بسيارى را گمراه كردند و از راه
 اعتدال گمراه شدند (٧٨)

كسانى از بنى اسرائيل كه كفر
 كردند بر آنها از زبان داؤد و
 عيسى ابن مريم لعنت افكنده شد
 چه نافرمانى كردند و داشتند
 تجاوز ميکردند (٧٩)

آنان بازنميايستادند ازبدي كه آن

بقيه آيت ٧٦: بعلمت رفع الى السما طعام خوردن را ترك کرده اند انگاه حضرت
 مريم كه برآسمان بالا نرفته اندو با اين وجود ايشان طعام خوردن را ترك کرده
 اند. پيدااست كه علت وفات ايشان است. لذا حضرت مسيح نيز مانند مادر خود
 غذا نميخورند زيرا كه ايشان نيز در گذشته اند.

قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ
 لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ
 الْعَلِيمُ ﴿٧٧﴾

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ
 غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ
 ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا
 عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ ﴿٧٨﴾

لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى
 لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ۗ ذَلِكَ بِمَا
 عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿٧٩﴾

كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ ۗ

لَيْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٨٠﴾

را می‌کردند. یقیناً زشت بود آنچه
می‌کردند (٨٠)

تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ
كَفَرُوا لَيْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ
أَنْ سَخَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ لَهُمْ
خُلْدٌ ﴿٨١﴾

بسیاری را از آنها می‌بینی دوست
می‌گیرند آنها را که کفر کردند. البته
زشت است آنچه نفسهای آنان
برای آنان پیش فرستاد که خدا
بر آنان خشناک شد و آنها مدت
دراز در عذاب ماندگارند (٨١)

وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَمَا
أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ
وَلَكِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ فَسِقُونَ ﴿٨٢﴾

و اگر ایمان می‌داشتند به خدا و
این پیغمبر و آنچه بر او نازل کرده
شد هرگز آنها [کافران] را دوست
نیگرفتند و اما بسیاری از آنها
فاستاند (٨٢)

لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا
الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَ لَتَجِدَنَّ
أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا
إِنَّا نَصْرِي ذَلِكَ يَأْتِيهِمْ قَسِيسِينَ
وَرَهْبَانًا وَ أَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٨٣﴾

یقیناً در دشمنی آنانکه ایمان
آوردند سخت‌تر یهودیان و آنها را
می‌یابی که شرک کردند و یقیناً در
دوستی آنهاکه ایمان آوردند نزدیک
تر آنها را می‌یابی که گویند ما مسیحی
ایم چه در ایشان عبادت گذاران
و اختیار کنندگان رهبانیت اند و
اینکه ایشان تکبر نمی‌کنند (٨٣)

وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ وَهُمْ كَمَا يُكَلِّمُ الَّذِينَ لَا يَفْقَهُونَ وَاللَّهُ يَخْتَارُ ^{۸۴} وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ أُولَئِكَ سَاءَ مَا يَحْكُمُ اللَّهُ وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ ^{۸۵}

و هنگامیکه میشوند آنچه را که به سوی این پیغمبر نازل کرده شد بینی که چشان ایشان اشک ریزد از آنچه حق را شناختند - گویند پروردگارا! ما ایمان آوردیم. پس ما را با گوامان بنویس (۸۴)

وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبَّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ ^{۸۵}

و چیست ما را که به خدا و به آن حق ایمان نیاوریم که ما را آمده است با آنکه آزمند بودیم که پروردگار ما ما را به گروه نیکو

کاران درآرد (۸۵)

فَأَثَابَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ ^{۸۶}

پس خدا ایشان را پاداش داد بموجب آنچه گفتند بهشتی که در دامنه آنها نهرهای روان است. ایشان در آنها جاویدانند و پاداش

محسنان همین است (۸۶)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ^{۸۷}

و کسانی که کفر کردند و آیات ما را رد نمودند همانها اهل جهنم اند (۸۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرِمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ

ای کسانی که ایمان آورده اید حرام مگردانید آن پاکیزه‌های را که

لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿۸۸﴾

خدا برای شما حلال نموده است و تجاوز نکنید. یقیناً خدا تجاوزگران را دوست ندارد (۸۸)

و بخورید حلال و پاکیزه‌های از آنچه خدا بشما رزق در داده است و تقوای آن خدا را پیش گیرید که شما به او ایمان آورندگان اید (۸۹)

خدا شما را به سوگندهای یاوه شامواخذه نکند اما شما را مواخذه کند به آن وعده‌های که تسهبا خورده کردید. آنگاه کفاره این به ده مسکین طعام دادن است از [آن طعام] میانه که به خانواده خود اطعام کنید یا به آنان لباس دادن است یا گردن بنده آزاد کردنست پس آنکه ندارد پس روزه سه روز [گرفتن] است. این کفاره عهد شما است چون سوگند خورده باشید و از سوگندهای خود حفاظت کنید. اینگونه خدا آیت‌های خود را برای

وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ ﴿۸۹﴾

لَا يُوَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسْكِينٍ مِنْ أَوْسَطِ مَا تَطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ ۖ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ۚ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ ۚ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ ۚ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۹۰﴾

شما بصراحت بیان مینماید تا باشد
 که شما سپاسداری کنید (۹۰) ++
 ای کسانی که ایمان آورده اید
 مسکرات و قمار باختن و بت
 پرستی و تیرهای قمارمه ناپاک
 و از عمل شیطان است. پس از
 آنها اجتناب کنید تا باشد که شما
 موفق شوید (۹۱)

یقیناً شیطان دوستدارد که از
 طریق مسکرات و قمار میان شما
 دشمنی و کینه بیفکند و شما را از
 یاد خدا و از نماز باز دارد. پس
 آیا شما باز ایستادگانید؟ (۹۲)

و از خدا اطاعت کنید و از رسول
 اطاعت کنید و [از بدی] حذر کنید و
 اگر پشت کنید پس بدانید که بر
 رسول مافقط آشکارا ابلاغ کردن
 است (۹۲)

کسانی که ایمان آوردند و نیکوکاری

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ
 وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ
 عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ
 تُفْلِحُونَ ﴿٩١﴾

إِنَّمَا يَرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ
 الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ
 وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ
 فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ ﴿٩٢﴾

وَاطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ
 وَاحْذَرُوا فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا إِنَّمَا
 عَلَى رَسُولِنَا الْبَلْغُ الْمُبِينُ ﴿٩٣﴾

لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

++ ایت ۹۰: در گفتگوی روزانه کلمات والله بالله را عادتاً بر زبان راندن قابل
 مواخذه نیست ولی قسم را جداً بدروغ خوردن مورد مواخذه است.

کردند را گناهی نیست در آنچه بخورند آنگاهکه تقوی کنند و ایمان آورند و شایسته کاری کنند و باز [فراتر] تقوی کنند و [فراتر] ایمان آورند باز هم تقوی کنند و احسان کنند و خدا محسنان را دوست دارد (۹۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید حتماً خدا شمارا آزمایش کند از طریق چنین شکار که دستهای شما و تیرهای شما به آن برسد تا خدا نمایان سازد آنانرا که غایبانه از او میترسند. پس آنکه پس از این تعدی نماید آنگاه برایش عذابی دردناک است (۹۵)

ای کسانی که ایمان آورده اید شکار نکشید درحالیکه احرام گرفته اید و آنکه از شما آنرا بعمد بکشد آنگاه بطورکیفر مانند آن چهارپا که او کشت و دو دادگر از شما به آن فیصل دهند قربانی به کعبه

جَنَاحٍ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿٩٤﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَبِئْسَ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِنَ الصَّيْدِ تَلَاءَةً أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحِكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ ۚ فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٩٥﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ ۗ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ أَوْ

عَدَلْ ذَلِكَ صِيَامًا لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِ ٥
 عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ ٥ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ
 اللَّهُ مِنْهُ ٥ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ ٥

رسیده دادن است یا کفاره غذا
 دادن به مسکینان است یا معادل
 آن روزه گرفتن است تا او عقوبت
 کار خود را بچشد. خدا عفو نمود از
 آنچه گذشت. پس آنکه تکرار کند
 خدا از او انتقام گیرد و خدا
 صاحب غلبه کامل انتقام گیرنده
 است (٩٦)

أَحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا
 لَكُمْ وَاللِّسْيَارَةَ ٥ وَحُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ
 الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرْمًا ٥ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي
 إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ٥

برایشا شکار دریائی و طعام کردن
 آن حلال کرده شد. این برای بهره
 مندی شما و مسافران است و شکار
 خشکی برایشا حرام کرده شد
 مادامیکه احرام گرفته اید و خدا
 را تقوی پیش گیرید که بسوی
 او محشور کرده شوید (٩٧)

جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا
 لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ
 وَالْقِلَابِدَ ٥ ذَلِكَ لِيَتَّعَلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ
 مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ
 بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ٥

خدا کعبه بیت حرام را موجب
 پایداری [دین و اقتصاد] مردم قرار
 داد و ماه حرام و [دامهای] قربانی
 و دامهای فلاده بگردن بسته را.
 این [تنبیه] است تا بدانید که خدا
 میداند آنچه در آسمانها است و

آنچه در زمین است و اینکه خدا
 به هر چیز دانا است (۹۸)
 و بدانید که خدا سخت عقوبت
 است و اینکه خدا آمرزنده ی
 بارها رحم کننده است (۹۹)
 نیست بر رسول مگر بخوبی ابلاغ
 کردن پیغام را و خدا میداند آنچه
 عیان کنید و آنچه نهان کنید (۱۰۰)
 بگو ناپاک و پاک یکسان نیست
 هر چند فراوانی ناپاک ترا شکفت
 آورد. پس ای خردمندان خدا را
 تقوی کنید تا موفق شوید (۱۰۱)
 ای کسانی که ایمان آورده اید نه
 پرسید از آنچه شما که اگر بر شما
 آشکار گردد شمارا ناپسند آید و اگر
 از آنها پرسید می که قرآن نازل
 شود برای شما فاش ساخته شود.
 خدا از آنها نادیده گرفته است و
 خدا آمرزنده ی بردبارست (۱۰۲) +

إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ
 اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿۹۸﴾

مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ
 مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ ﴿۹۹﴾

قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ
 أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ
 يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۱۰۰﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنَ أَشْيَاءَ
 إِن تَبَدَّلَ لَكُمْ تَسْوَأٌ فَإِن تَسَلَّوْا عَنْهَا
 حِينَ يَنزِلَ الْقُرْآنُ تَبَدَّلَ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ
 عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿۱۰۱﴾

++ آیت ۱۰۲: بسیاری از امور بوضاحت ممنوع نشدند و این در حق نوع انسان رحمتی
 است و درخور موقعیت برای خودرایی کردن نیز اشاره است. اما بعضیها را [ص: ۲۷۱]

قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِّنْ قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ ﴿١٠٣﴾
 مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ ۗ وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ ۗ
 وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٠٤﴾

البته قومی پیش از شما نیز این [سخنان] پرسیده بودند. سپس به آنها انکار کنندگان شدند (۱۰۳) و خدامقررنداشته است بحیره و نه سائبه و نه حام و اما آنها که کفر کردند بر خدادروغ میبندند و بیشتر آنها عقل نمیکنند (۱۰۴) ++

++بقیه آیت ۱۰۲: عادت بود که هنگام نزول وحی سوالهای دگرگونه میکردند. آنگاه لازم بود که آنها پاسخ داده میشدند والا میپنداشتند که سوالهای که به خاطر خطور کند وحی به آنها پاسخ نمیگوید. در آیت مجاور ذکر از قومی است که در گذشته بود و گفته شود که آنان هنگام نزول وحی سوال کرده خودشان را به دشواریها روبرو کرده بودند.

++آیت ۱۰۴: بحیره: "بَحْرَتُ الْبَعِيرِ" یعنی است "شفتت اذنه شَقًّا وَاسِمًا" من گوش شتر را خوب شکافتم (مفردات) و بحیره آن شتر ماده را گویند که گوشهایش شکافته شده باشد. در زمان جاهلیت رسم بر این بود که چون شتر ماده ی دهه تا بچه میزاد گوشهایش را شکافته و آنرا آزاد میگذارند - نه کسی بر آن سوار میشد و نه آن بار میشد (مفردات). سائبه: منظور آن شتر ماده است که در چراگاه آزاد گذارده شود و آن نه از آبشخور بازداشته شود و نه از چرا. در زمان جاهلیت این رسم آنوقت بعمل میآمد چون آن شتر ماده پنج تا بچه رامیزاد.

وصیلة: اینهم در زمان جاهلیت رسمی بود که چون بزنی ماده دویچه نروماده را دو قلم میزاد آنها را ذبح نمیکردند تا با ذبح کردن یکی به دومین اذیت نشود. حام: گاوی نر که اگر از نسلش ده بچه زاده میشد آنرا میرهانیدند و بر آن نه کسی سوار میشد و نه از آن کاری دیگر گرفته میشد و نه از آب و چرا بازداشته میشد.

ووقتی برای آنان گفته شود بیایید بسوی آنچه خدا نازل کرده است و بسوی رسول گویند، مارابس است آنچه پدران خود را برآن یافتیم. آیا اگر پدران آنان هیچ ندانستند و نه هدایت یافتند؟ [باز هم بس است] (١٠٥)

ای کسانی که ایمان آورده اید [تکلیف] بر شما نفسهای خودتان است. آنکس که گمراه شد شمارا زیان نرساند و قتیکه بر هدایت باشید. بازگشت جمیع شما بسوی خدا است. پس او شمارا آگاه سازد به آنچه شما میکردید (١٠٦)

ای کسانی که ایمان آورده اید چون به احدی از شما مرگ فرارسد هنگام وصیت برای گواهی میان خودتان دو گواه دادمند از خودتان گرفتن است. یا اگر در زمین سفر میکنید و مصیبت مرگ شما را برسد، دوتن دیگر غیر از خودتان

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ ﴿١٠٥﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ ۗ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٠٦﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ أَوْ آخَرَ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ ۗ

تَحِبُّوْنَ هَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمْنَ
بِاللَّهِ إِنْ أَرْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَانًا وَلَوْ
كَانَ ذَا قُرْبَىٰ ۗ وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا
إِذَا لَمِنَ الْأَثِمِينَ ﴿١٠٧﴾

را [گواه مقرر کنید]. شما آندو را
پس از نمازی نگهدارید. اگر از
آندو شك دارید پس آندو به خدا
سوگند یاد کنند که به این [گواهی]
هیچ بهاء قبول نکنیم هر چند
[خلاف] خویشاوند است و نه کتمان
کنیم گواهی خدا را که در آن
صورت یقیناً ما از جمله گناه
کاران می‌شویم (۱۰۷)

فَإِنْ عَثَرَ عَلَىٰ أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِثْمًا
فَأَخْرَجَ يَقُولُ مِنْ مَقَامِهِمَا مِنَ الَّذِينَ
اسْتَحَقُّ عَلَيْهِمُ الْأَوْلِيَانِ فَيُقْسِمْنَ بِاللَّهِ
لَشَهَادَتُنَا أَحَقُّ مِنْ شَهَادَتِهِمَا وَمَا
اعْتَدَيْنَا إِلَّا إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿١٠٨﴾

پس اگر آگاهی حاصل شد که آندو
مرتکب گناه شده اند آنگاه بجای
آندوی دوتن دیگر از آنانکه بر علیه
حقشان دوتن اولی مرتکب شدند
بلند شوند. پس به خدا سوگند
یاد کنند که گواهی آنان راستتر
از آن دو تن است و [از انصاف]
تجاوز نکرده ایم. یقیناً در آن صورت

ما از ستمکاران می‌شویم (۱۰۸)
این [طریق] نزدیکتر است که
[گواهان اولی] گواهی رأی المین
دمند و گرنه در بیم میمانند مبادا

ذَلِكَ أَذَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلَىٰ وَجْهَيْهَا
أَوْ يَخَافُوا أَنْ تُرَدَّ أَيْمَانٌ بَعْدَ
أَيْمَانِهِمْ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاسْمَعُوا ۗ وَاللَّهُ

لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿١٠٩﴾

پس از سوگندهای آندو [دیگر] سوگندهای آنها رد کرده شود و برای خدا تقوی فراگیرید و گوش بازدمید و خدا قوم فاسقان را هدایت نمیدهد (۱۰۹)

روزیکه خدا مه رسولان را جمع کند و بپرسد: شما را چه جواب داده شد؟ [رسولان] گویند: ما را هیچ دانشی نیست یقیناً توئی که به غیبهها دانا هستی (۱۱۰)

وقتیکه خدا گفت. ای عیسی ابن مریم! بیاد آر آن نعمتم را بر خویش و بر مادرت چون تورا با روح القدس تایید کردم. تو در گهواره و کهلتنی به مردم حرف میزدی و چون تورا کتاب و حکمت و تورات و انجیل آموختیم و چون تو باذنم از گل مانند شکل پرنده خلق میکردی باز در آن می دمیدی پس باذنم پرنده ی میشد و باذنم کور و پیسی را شفا میدادی و

يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ ۗ قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا ۗ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ﴿١١٠﴾

إِذْ قَالَ اللَّهُ لِعِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ادْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ ۖ إِذْ أَيَّدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ ۖ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا ۖ وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ ۖ وَإِذْ تَخَلَّقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي ۖ فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي ۖ وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي ۖ وَإِذْ كَفَّمْتُ بَنِي

إِسْرَاءَ نِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ
فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا
سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿١١١﴾

چون باذنم مردگان را بیرون
میآوردی و چون بنی اسرائیل را
از تو باز داشتم آنگاه که بانسانه
های تابان نزد آنان آمده بودی و
کسانی از آنها که کفر کرده بودند
گفتند، این چیزی جز جادویی
آشکارا نیست (۱۱۱)

وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ امْنُوا بِي
وَبِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَاشْهَدْ بِأَنَّا
مُسْلِمُونَ ﴿١١٢﴾

و هنگامیکه بسوی حواریان وحی
فرستادم که بر من و رسولانم
ایمان بیآورید، گفتند ما ایمان
آوردیم و گواه باش به اینکه ما
فرمانبرداران شده ایم (۱۱۲)

إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ لِيَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ
هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنَزِّلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً
مِّنَ السَّمَاءِ ط قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ
مُؤْمِنِينَ ﴿١١٣﴾

چون حواریان گفتند: ای عیسی
ابن مریم! آیا پروردگارتو را
امکان است که برای ما خوانی
نعمتها از آسمان فروآرد؟ [مسیح]
گفت: برای خدا تقوی فراگیرید
اگر شما مومنانید (۱۱۳)

قَالُوا نُرِيدُ أَنْ نَأْكُلَ مِنْهَا وَتَطَهِّرَ
قُلُوبَنَا وَنَعْلَمَ أَنْ قَدْ صَدَقْتَنَا وَنَكُونَ

ایشان گفتند: ما دوستداریم از
آن بخوریم و دلهای ما اطمینان
یابد و بدانیم که بما راست گفته

عَلَيْهَا مِنَ الشَّهِدِينَ ﴿١١٥﴾

﴿١١٥﴾

ای و بر آن گواهان شویم (۱۱۴)
عیسی ابن مریم گفت: ای خدا ای
پروردگارا! خوانی نعمتها از
آسمان بر ما فرود بیار که اولین
مارا و آخرین مارا عیدی و آیتی
از تو باشد و بما رزق اعطا کن و
تو بهترین رزق دهندگانی (۱۱۵)

قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا
أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا
عَيْدًا لِأَوْلَادِنَا وَأَخْرِنَا وَأَيَّةً مِنْكَ
وَأَرْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّزُقِينَ ﴿١١٥﴾

خدا گفت: حتماً آنرا بر شما نازل
کنم. پس آنکه از شما بعداً ناسپاسی
کند آنگاه حتماً او را عذابی دهم
که هیچ يك از جهانیان رانخواهم
داد (۱۱۶)

قَالَ اللَّهُ إِنَّي مُنْزِلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ
يَكْفُرْ بَعْدُ مِنْكُمْ فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ عَذَابًا
أَلِيمًا ﴿١١٦﴾

﴿١١٦﴾

[و بخاطر آورد] و وقتی که خدا گفت،
ای عیسی ابن مریم! آیا به مردم
گفته بودی که من و مادرم را جز
خدا دو معبود بگیرید؟ [عیسی]
گوید، تو پاک. برایم غیر ممکن
بود که سخنی میگفتم که به آن
برایم حقی نیست. اگر آنرا گفته
بودم پس حتماً تو آنرا میدانستی
تو میدانی آنچه در دلم است و

وَإِذْ قَالَ اللَّهُ لِعِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَنْتَ
قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمَّيَ إِلَهَيْنِ
مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ
لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقٍّ إِنَّا كُنَّا
كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعَلَّمَ مَا فِي
نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ
أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ﴿١١٧﴾

من نمیدانم آنچه در دل تو است.
 یقیناً تو که به همه رازها نیک
 دانائی (۱۱۷) ++

من برای آنان چیزی نگفتم جز آن
 چه مرا امر کرده بودی که خدا را
 عبادتکنید که پروردگارم و پرور-
 دگارتان است و مراقب بودم بر
 آنان تا دمیکه در آنان بودم. پس
 گامیکه مرا وفات دادی بس تو بر
 آنان مراقب بودی و تو بر هر چیز
 گواه هستی (۱۱۸) ++

مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ
 اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ ۚ وَكُنْتُ
 عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَّا دُمْتُ فِيهِمْ ۚ فَلَمَّا
 تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ ۚ
 وَأَنْتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿١١٨﴾

++ آیت ۱۱۷: سخن از این موضوع میرود که روز قیامت حضرت عیسی گویند که
 هیچگاه من ب مردم این آموزش نداده بودم که من و مادرم را جز خدا به معبودیت
 برگزینید. این امر از بایبل نیز ثابت است و در انجیل حتیّ یک آیت هم نیست
 که در آن حضرت مسیح گفته باشند که من و مادرم را جز خدا معبود بسازید. بلکه
 بعکس چون شیطان ایشان را بطور آزمایش گفت که مرا سجده کن باز هم ایشان به
 او نکفتند که باید تو مرا سجده کنی.

++ آیت ۱۱۸: روز قیامت از این بیان حضرت مسیح که تا آنگاه که من میان آنان
 بودم چیزی جز آن نگفتم که به من گفتی روشن میسازد که تا وقتیکه حضرت مسیح
 در میان ایشان در فلسطین بودند هیچگاه ایشان آنانرا برای پرستش خود
 نیاموختند اما چون از آنجا هجرت کردند بمدها بخشی از قومش که پیشوای آنان
 سنت پال بود حضرت مسیح را معبود برگزیدند.

إِنْ تُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ عَبَادُكَ ۚ وَإِنْ
تَغْفِرَ لَهُمْ فإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ
الْحَكِيمُ ﴿١١٩﴾

قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ
صِدْقُهُمْ ۗ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۗ رَضِيَ اللَّهُ
عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ۗ ذَلِكَ الْفَوْزُ
الْعَظِيمُ ﴿١٢٠﴾

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا
فِيهِنَّ ۗ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٢١﴾

ع

اگر عذابشان کنی باز هم آنان
بندگان تویند و اگر برای آنان
بی‌آمرزی پس یقیناً تو صاحب غلبه
کامل صاحب حکمت ای (۱۱۹) ++
خداوند گفت، این روزی است که
راستگویان را راستگویی ایشان
سود میدهد. آنان را باغهای است
که در دامنه آنها نهرهای روانست.
ایشان در آنها جاویدانند. خدا از
آنان خوشنود شد و آنان از او
خوشنود شدند. این پیروزی بسیار
بزرگ است (۱۲۰)

پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه
در آنها است از آن خدا است و
او به هر چیز مدام قدرتمند
است (۱۲۱)

++ آیت ۱۱۹: حضرت مسیح علیه السلام از روی این آیه با حکمت بزرگ در حق
گناهمکاران دعای آمرزش کرده اند که اگر تو آنان را عذاب کنی بندگان تویند و
اگر بی‌آمرزی تو صاحب غلبه کامل و صاحب حکمت هستی.

۶ - سورة الانعام

این سوره در مکه نازل شد و با بسم الله ۱۶۶ آیت دارد.

آخرین آیت سوره گذشته حاکی از این امر بود که هر چه در تمام جهانها و در میان آنها است را مالك خدای متعال است و در آغاز این سوره مجدداً این ذکر با وضاحت بیشتر و شأن والاتر بدین ترتیب شده است که ستایش مخصوص برای آن خدای متعال به تنهایی است که آفریدگار زمین و آسمان است و برای پی بردن کنه وجود آنها با وجود حائل بودن تاریکیهای گوناگون آن نور فراست نیز اعطاء کرده شد که بوسیله اش آن تاریکیها پیوسته دور خواهد شد. پس پیشرفت علمی امروز پرده ای را از تاریکیهای آفرینش زمین و آسمان به طریقی برداشته است که پیوسته انسان را علمی بیشتر از گنه وجود آنها و مافیها، بدست میرسد و هر يك تاریکی به نور تبدیل میشود. بطوریکه در آغاز ذکر از دور شدن تاریکیهای آسمان یافت میشود همانطور ذکر از تبدیل شدن تاریکیهای دشت و دریا به نور نیز یافت می شود. ضمناً از آسمانها عذابها نیز بر انسانها بعلت تاریکیهای درونی ایشان، نازل میشود. آیت ۶۶ این سوره عبارت از این موضوع میباشد.

یکسو پژوهشگران علم اند که تاریکیهای آسمان و زمین در نتیجه پژوهش ایشان تبدیل به نور کرده میشود و از سوی دیگر آن بندگان بزرگ خداوند مانند حضرت ابراهیم علیه السلام و دیگرانند که خداوند ایشان را ملکوت زمین و آسمان نشان میدهد و نور آسمانی بر ایشان میبارد بطوری که در آیت ۷۶ ذکر میشود.

در این سوره پیوسته ذکر از پیغمبران و نازل شدن کتابها و نور هدایت برایشان، یافت میشود. بعلاوه در این سوره دانه های سربسته و هسته های را شکافته از تاریکیهای آنها جوانه زدن درختانی سرسبز را ذکر است. بر همین منوال ستارگان را ذکر است که چگونه آنها تاریکیهای دشت و دریا را دور کرده موجب رهنمائی مسافران میشوند.

در رکوع این سوره که با آیت ردیف ۹۶ میآغازد آیتی بزرگ عبارت از این موضوع است که از سبزه، دانه های رویهم چیده میرستد و باز میوه های میروئید. باید بر فرایند رسیدن این میوه ها فکر کرد. کسانی را که به آیتهای خداوند مؤمن اند در این نشانه های بیشتر است.

ضمناً سبزه از کلوروفیل [CHLOROPHYLL] نمو میکند. این امر نشانه ای بزرگ است. پژوهندگان علم را در این هیچ عمل ارتقائی دیده نمیشود. این يك ماده شیمی است که از هر کدام ماده شیمی دیگر پیچیده تر است و بمحض آغاز زندگی ضرورت از کلوروفیل پیش میآید که انسان از آن بوجود آمد. آنگاه کلوروفیل کدام مراحل را عبور داده بوجود آمد. این مسئله هنوز هم لاینحل است. خصوصاً قابل توجه این امر است که کلوروفیل حیات را از نور میسازد و نه از آتش. همان موضوع نور که آن کدامین انقلابات را در زمین و آسمان بوجود آورد، در پایان این سوره، به اوج خود میرسد.

این سوره حاکی از چنین توهمات فرسوده از مشرکان است که مربوط به "انعام" یعنی دامهای است. خدای متعال آنها را موجب استواری زندگانی مردم قرارداد ولی آنان تمامی سخنان پر حکمت نسبت به دامها را بعلت رسم های مشرکانه ضایع دادند.

در پایان این سوره توضیح از حلال و حرام بودن نه تنها در تعلق دامها داده میشود بلکه سخنان از جهت حرام و حلال بودن امور اخلاقی نیز بیان شده است. به بیان دیگر همراه با حلال و حرام بودن غذاهای جسمانی ذکر از حلال و حرام بودن غذاهای روحانی نیز رفته است. علاوه بر آن تعلیم از نشان دادن حسن عمل را در حق والدین که برای فرزندان خود متحمل به زحماتی طاقت فرسا میشوند، آموخته میشود.

منتها، در پایان این سوره چنین آیتی است که فرمانبردار بودن آنحضرت ﷺ را برای پروردگار خود با آن کمال ذکر میکند که ذکر کردن بهتر از آن امکان ندارد و در تمامی کتابهای آسمانی، آیتی عبارت از این موضوع یافت نمیشود. آنحضرت ﷺ فرمان میشوند که اعلام کنند، نمازهایم و قربانیهایم همه آنها، نه تنها از دامهای چهارپا بلکه قربانیهای احساسات قلبی، زندگانیم و مرگم خالصاً برای خدای من وا گذار شده است.

☆ سُورَةُ الْاِنْعَامِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ مِائَةٌ وَسِتُّ وَسِتُّونَ آيَةً وَعِشْرُونَ رُكُوعًا

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]
 بسیاربخشنده بارها رحم کننده (۱)
 ستایش مطلق برای خدا است
 آنکه آسمانها و زمین را آفرید و
 تاریکیها و نورها پدید آورد. بازهم
 کسانی که کفر کردند به پروردگار
 خود شرك میورزند (۲)

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ
 وَالْاَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمٰتِ وَالنُّورَ ۗ ثُمَّ
 الَّذِیْنَ كَفَرُوْا بِرَبِّهْمُ یَعْدِلُوْنَ ②

او است آنکه شمارا از گل آفرید
 سپس نهایت زمانی را تعیین کرد
 و [علم] نهایت زمانی معین نزد او
 است بازهم شما دولی کنید (۳) ++
 و همان خداست در آسمانها و در
 زمین او میداند نهان شمارا و عیان
 شمارا و میداند آنچه میکنید (۴)

هُوَ الَّذِیْ خَلَقَكُمْ مِّنْ طِیْنٍ ثُمَّ قَضٰی
 اَجَلًا ۗ وَاَجَلَ مُّسَمًّی عِنْدَهُ ۗ ثُمَّ اَنْتُمْ
 تَمْتَرُوْنَ ③

وَهُوَ اللّٰهُ فِی السَّمٰوٰتِ وَفِی الْاَرْضِ ۗ
 یَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَیَعْلَمُ مَا
 تَكْسِبُوْنَ ④

++ آیت ۳: از کلمه "اجل" مرگ تصادفی یا مرگ از بیماری منظور است که میتوان قبل از
 آن مدت معین پیش آید که برای عمر عادی امکان پذیر است. مثلاً انسان هم برای صنائع
 خود اجل مسمی مقرر میکند مثلاً فلان فلان پل حداکثر برای فلان مدت درست کار
 میکند و از آن پس خراب کرده شود ولی تصادفاً میتوان زودتر از اجل مسمی [مدت
 معین] از بین برود.

و آنان را هیچ آیتی از آیتهای
 پروردگار آنان نیاید مگر از آن
 اعراض کنندگانند(۵)

پس آنان تکذیب کردند بحق هر
 گاه آنانرا آمد. پس بزودی آنانرا
 خبرهای [تکمیل] آن [سخن] برسد که
 به آن استهزاء میکردند(۶)

آیاندیدند که چه بساقومهای پیش
 از آنان را هلاک نمودیم که آنان
 را آن قدرت در زمین داده بودیم
 که چنان قدرت بشمانداده ایم و
 بر آنها ابرها، بارانی ریزه ریز
 باریده فرستادیم و نهرهای ساختیم
 که به تصرف آنها روان بود. سپس
 آنان را بعلت گناهان آنها هلاک
 نمودیم و پس از آنان دیگر قومهای
 را رشدونمو دادیم(۷)

و اگر کتابی نوشته در کاغذ بر تو
 نازل میکردیم باز آنرا با دستهای
 خود لمس میکردند حتماً آنها که کفر
 کردند میگفتند، این فقط جادویی

وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا
 كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿٥﴾

فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ ۖ فَسَوْفَ
 يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا يَستَهزِءُونَ ﴿٦﴾

أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ
 قَرْنٍ مَكَّ كُهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّنْ
 لَهُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا
 وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ
 فَآهَلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ
 بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ ﴿٧﴾

وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَابٍ
 فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا
 إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ ﴿٨﴾

آشکار است (۸)

و گویند چرا فرشته براو نازل نه کرده شد؟ بگو اگر فرشته را نازل میکردیم حتماً کار گذرانیده میشد آنموقع آنها هیچ فرصتی داده نمی شدند (۹)

و اگر این [رسول] را فرشته ی بر میگزیدیم [باز هم] حتماً او را [به شکل] آدمی بر میگزیدیم و امر را بر آنها مشتبه میداشتیم آنچه را [حالا] مشتبه میپندارند (۱۰)

و یقیناً پیش از توهم به پیغمبران تمسخر شد. پس آنرا که به ایشان تمسخر کردند آن [سخن] فرا گرفت که به آن تمسخر میکردند (۱۱)

بگو، سیر کنید در زمین سپس بنگرید فرجام مکذبان چطور [بد] بود (۱۲)

بگو از آن کیست آنچه در آسمانها و زمین است؟ بگو از آن خدا است. او رحمت را بر خود فرض

وَقَالُوا لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ ۖ وَلَوْ أَنْزَلْنَا مَلَكَ الْقَضِي الْأَمْرُ لَمَّا لَا يُنظَرُونَ ﴿۸﴾

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكَ لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبِسُونَ ﴿۹﴾

وَلَقَدْ اسْتَهْزَيْ بِرُسُلٍ مِّنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿۱۰﴾

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ﴿۱۱﴾

قُلْ لِمَنْ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ قُلْ لِلَّهِ ۗ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ ۗ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ ۗ

الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ
لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٣﴾

کرده است و حتماً شمارا تا روز
قیامت گردآورد درچه شکی نیست
و کسانیکه بخویشتن زیان دادند
پس آنها ایمان نخواهند آورد (۱۳)
و از آن او است آنچه در شب و
روز ساکن شود و اوبسیار شنوای
دانا است (۱۴)

وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ۗ وَهُوَ
السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿١٤﴾

بگو. آیا بفیر از خدا که ابداع کننده
آفرینش آسمانها و زمین است کسی
دیگر را دوست بگیرم؟ در حالیکه
او میخورد و خورانیده نمیشود.
بگو یقیناً من فرمان شده ام که
اولین هر آنکس باشم که ایمان
آورد و هرگز از مشرکان مباش (۱۵)
بگو اگر پروردگار خود را نافرمانی
کنم یقیناً من از عذاب روزی بزرگ
میرسم (۱۶)

قُلْ أَعْيَرَ اللَّهُ اتَّخِذُ وَلِيًّا فَاطِرِ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا
يُطْعَمُ ۗ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ
مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٥﴾

قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ
يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٦﴾

کسیکه آنروز [عذاب] از او
برگردانده شود آنگاه یقیناً او بر
اوترحم کرد و این پیروزی آشکار
است (۱۷)

مَنْ يُصْرَفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ ۗ
وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ ﴿١٧﴾

و اگر خدا بتو زیان برساند پس نیست آنرا دورکننده ای جز او و اگر او تو را خیری رساند پس او بر هر چیز مدام قدرتمند است (۱۸)

و او بر بندگان خود باشان جلالی غالب است و او صاحب حکمت مدام آگاه است (۱۹)

بپرس، کدام سخن بزرگتر گواهی است؟ بگو: خدا بین من و بین شما گواه است و این قرآن بسوی من وحی شده است تا با آن مشدار دم به شما و مرکس را که این برسد. آیا شما حتماً گواهی می دهید که جز خدا معبودانی دیگر هستند؟ بگو، من گواهی نمیدهم بگو: یقیناً فقط او معبودیگانه است و یقیناً من برکنار ام از آنچه شما شرک میورزید (۲۰)

کسانیکه ما به ایشان کتاب دادیم آنرا میشناسند بطوریکه فرزندان خود را میشناسند. آنانکه خود را

وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ ۗ وَإِنْ يَمَسُّكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۱۸﴾

وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ ۗ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿۱۹﴾

قُلْ أَيْ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً ۗ قُلِ اللَّهُ شَهِدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ ۗ وَأَوْحَىٰ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنَ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ أَئِنَّكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ إِلَهَةً أُخْرَىٰ ۗ قُلْ لَا أَشْهَدُ ۗ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ وَإِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ﴿۲۰﴾

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبَاءَهُمْ ۗ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۲۱﴾

به خسارت انداختند پس آنها

ایمان نیارند (۲۱)

و کیست ستمکارتر از آنکس که بر

خدا دروغ بربافت یا به آیت‌های

او تکذیب کرد. یقیناً ستمکاران

موفق نمی‌شوند (۲۲)

و روزیکه جمیع آنها را جمع کنیم

باز آنها که شرک ورزیدند را گوئیم

کجا اند شریکان شما که شما آنان

را [شریک خدا] می‌پنداشتید؟ (۲۳)

سپس هیچ فتنه آنها باقی نماند جز

اینکه گویند، سوگند به خدای ما

که پروردگار ما است هرگز ما

مشرکان نبودیم (۲۴)

نگاه کن چگونه خلاف خود دروغ

گویند و آنچه برمی‌بافتند از آنها

گم گردد (۲۵)

و از آنان کسانی که گوش به تو

فرا میدهند در حالیکه بر دل‌های

آنان پرده افکنده ایم [بعلمت آن

ممکن نیست] که آنها درک کنند و

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا

أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ ۗ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ

الظَّالِمُونَ ﴿۲۲﴾

وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ

أَشْرَكُوا آئِينَ شُرَكَاءِكُمْ ۗ الَّذِينَ كُنتُمْ

تَزْعُمُونَ ﴿۲۳﴾

ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فِئْتَهُمُ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ

رَبِّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ ﴿۲۴﴾

أَنْظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَضَلَّ

عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿۲۵﴾

وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ ۗ وَجَعَلْنَا

عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي

أَذَانِهِمْ وَقْرًا ۗ وَإِنْ يَرَوْا كَلِمًا

در گوشه‌های آنان سنگینی است و اگر نشانه‌ی تمامتر هم مشاهده کنند به آن ایمان نیاورند [بیبیک اند] تا آن انتها که چون نزد تو آیند به تو محاجه کنند. کسانی که کفر کردند گویند این فقط داستانهای پیشینیان است (۲۶)

و آنان از آن باز میدارند و هم [خودشان] از آن دوری میجویند و نیستند ملامت کنندگان جز خودشان را و درک نمیکنند (۲۷)

و کاش میدیدی چون بر آتش [کمی] نگه داشته شوند پس گویند ای کاشکی بازگردانیده شویم و به آیتهای پروردگار خود تکذیب نه کنیم و از مومنان بشویم (۲۸)

حقیقت اینست که برای آنان پدیدار شده است آنچه قبلاً پنهان میداشتند. اگرچه برگشت داده شوند حتماً آنرا تکرار کنند که از آن نهی شده بودند و حتماً آنها

لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمْ
يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا
إِلَّا آسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٢٦﴾

وَهُمْ يَهْتُمُونَ عَنْهُ وَيَنْتَوْنَ عَنْهُ وَإِنْ
يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا
يَشْعُرُونَ ﴿٢٧﴾

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا
يَلَيْتَنَا نُرْدُ وَلَا نُكْذِبُ بِآيَاتِ رَبِّنَا
وَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٨﴾

بَلْ بَدَّلَهُمْ مَا كَانُوا يَحْفُونَ مِنْ قَبْلُ
وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا هُوَ عَنْهُمْ وَإِنَّهُمْ
لَكَاذِبُونَ ﴿٢٩﴾

دروغ گویانند (۲۹)

و گویند، نیست این [زندگانی] جز
زندگانی این دنیای ما و هرگز ما
برخیزانده نشویم (۳۰)

و کاش! میتوانستی بنگری چون
روبروی پروردگار خود بازداشته
شوند. [خدا] گوید، آیا این حق
نیست؟ گویند، بلی سوگند به
پروردگار ما [این حق است]. او
گوید، پس عذاب را بجشید چه
شما انکار میکردید (۳۱)

یقیناً زیان کردند آنها که بملاقات
خدا انکار کردند تا آنگاه که چون
ساعت آنها را ناگهان آمد گفتند:
وانفسا! بر آن کوتاهی که در این
میکردیم و آنها بار خود را بر پشت
های خود بردارند. باش! چه زشت
است آنچه بردارند (۳۲)

و زندگانی دنیا بازی و سرگرمی
محض برای تکمیل خواهشهای
نفسانی طریقی است که از برتر

وَقَالُوا إِن هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا
نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ﴿۲۹﴾

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ ۖ قَالَ
أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ ۖ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا ۗ
قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ
تَكْفُرُونَ ﴿۳۰﴾

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ ۗ حَتَّىٰ
إِذَا جَاءَتْهُمْ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا
يَحْسِرَتْنَا عَلَىٰ مَا فَرَّطْنَا فِيهَا وَهُمْ
يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ ۗ
أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ ﴿۳۱﴾

وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ ۗ
وَلَلْآزَارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ ۗ

أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿۳۳﴾

هدف زندگانی بازدارد و خانه
آخرت برای آنانکه تقویٰ پیش
گیرند بهتر است. پس آیا عقل
نمی‌کنند؟ (۳۳)

البته ما میدانیم آنچه می‌گویند تو
را اندوه گین مینماید. پس در
حقیقت آنهانه تنهابتو تکذیب کنند
بلکه ستمکاران به آیتهای خدا
انکار کنند (۳۴)

و یقیناً رسولانی پیش از تو هم
تکذیب شدند. پس ایشان صبر
کردند بر آنچه تکذیب کرده و
آزاریده شدند تا آنگاه که ایشان
رایاری ما رسید و کلمات خدا را
کسی تغییر دهنده نیست و یقیناً تو
را خبرهای آن رسولان آمده
است (۳۵)

و اگر اعراض کردن آنان تو را
گران گذرد پس اگر میتوانی
تلاش کن سوراخی در زمین یا
نردبانی در آسمان پس [بوسیله آن]

قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ
فَأِنَّهُمْ لَا يَكْذِبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ
بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ ﴿۳۴﴾

وَلَقَدْ كَذَّبْتَ رَسُولٌ مِّنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا
عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَأَوْدُوا حَتَّىٰ أَنهْمُ
نَصْرُنَا ۗ وَلَا مَبْدَلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ۗ وَلَقَدْ
جَاءَكَ مِنْ نَّبِيَّي الْمُرْسَلِينَ ﴿۳۵﴾

وَأِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنْ
اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ
أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ ۖ وَلَوْ

آنرا آیتی را بیار. و اگر خدا دوست داشت حتماً جمع آنها را بر هدایت گرد میآورد. پس از ناآگامان مباش (۳۶)

تنها آنان لبیک گویند که گوش فرا دهند و خدا مردگان را برخیزاند باز بسوی او برگردانده شوند (۳۷) و گویند چرا آیتی بر او از پروردگار او فرو نفرستاده شد؟ بگو یقیناً خدا تواناست بر اینکه آیتی بزرگ فرو آرد ولی بیشتر آنان ندانند (۳۸)

و نیست جنبنده ی در زمین و نه پرنده که [در آسمان] با دو بال خود پرواز کند مگر ملتهای مانند شما اند. ما در کتاب چیزی فرو نگذاشته ایم. منتها بسوی پروردگار خود محشور کرده شوند (۳۹)

و کسانی که به آیتهای ما تکذیب کردند در تاریکیها [سرگردان] گردند و گنگ اند. خدا هر که را خواهد گمراه میگرداند و هر که را خواهد

شَاءَ اللَّهُ لَجَمْعَهُمْ عَلَى الْهُدَىٰ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿٣٦﴾

إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ ^{آیتها} وَالْمَوْتَىٰ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ﴿٣٧﴾

وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يُنَزِّلَ آيَةً وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٨﴾

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَيْرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَّةٌ أَمْثَلَكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ ﴿٣٩﴾

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمُّوا وَبُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ مَنْ يَشَأِ اللَّهُ يُضِلَّهُ وَمَنْ يَشَأِ يُجْعَلُهُ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٤٠﴾

برصراط مستقیم قرار میدهد (۴۰)
 بگو: آیا انگاشدید که اگر شما را
 عذاب خدا بیاید یا بیاید شما را
 ساعت سختی آیا خواهید خواند
 کسی را بغیر از خدا؟ اگر شما
 راستگویانید (۴۱)

[نخیر] بلکه او را خواهید خواند.
 آنگاه او اگر بخواهد دور کند آن
 [سختی] را که بسوی آن [او را
 برای یاری] میخوانید و فراموش
 کنید آنچه شرك میورزید (۴۲)
 و یقیناً بسوی بساملتها قبل از تو
 [رسولان] فرستادیم. پس آنانرا گاه
 بسختی و گاه بتنگی گرفتیم تا باشد
 که تضرع کنند (۴۳)

پس چرا هنگامیکه آنانرا سختی
 ما رسید به زاری نیفتادند. اما دل
 های آنان سفت شده بود و شیطان
 برای آنان مزین ساخت آنچه
 میکردند (۴۴)

پس مرگاه فراموش کردند آنچه

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ
 أَوْ أَتَتْكُمْ السَّاعَةُ أَعْبِرُوا لَلَّهِ تَدْعُونَ
 إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۴۱﴾

بَلْ إِلَيْهِ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ
 إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ ﴿۴۲﴾

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّنْ قَبْلِكَ
 فَآخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ
 يَتَضَرَّعُونَ ﴿۴۳﴾

فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ
 قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ
 مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۴۴﴾

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ

را که به آن بشدت تذکر داده شده بودند پس دربهای هر چیز را بر آنها باز نمودیم تا آن انتها که چون آنها به آنچه اعطا شده بودند فرحناک شدند ناگهان آنها را بگرفتیم پس فوراً آنها نومید شدند (۴۵)

پس ریشه قومیکه ستم میکردند برکنده شد و ستایش مطلق برای پروردگار همه جهانهاست (۴۶)

بگو آیا انگاشتید، خدا اگر برگردد شنوائی شما و بینائی شما و بر دلهایتان مهنهد کدام معبود است جز خدا که آن [نیرو] را بشما [باز] بیآرد. نگاه کن چطور آیتها را چرخانده بیان میکنیم باز هم آنها روگردانی میکنند (۴۷)

بگو، آیا انگاشتید، اگر عذاب خدا شمارا ناگهان بیاید یا آشکارا آیا کسی [دیگر] ملامت جز قوم ستم گران کرده شود (۴۸)

أَبْوَابِ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ ﴿٤٥﴾

فَقَطَّعَ دَابِرَ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا ۗ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٦﴾
قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ
وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ مِّنْ
إِلَٰهِ غَيْرِ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِهِ ۗ أَنْظُرْ كَيْفَ
نُصِّرِفُ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْذِقُونَ ﴿٤٧﴾

قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ
بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ
الظَّالِمُونَ ﴿٤٨﴾

ومانمی فرستیم رسولان را مگر
مژده دهندگان و بیبدمندگان پس
آنکه ایمان آورد و اصلاح کنند آنگاه
نه آنان در بیم باشند و نه آنان
اندوه خورند (۴۹)

وآنانکه آیات ما را تکذیب کردند
به آنها عذاب میرسد بدانعلت که
داشتند زشتکاریها میکردند (۵۰)
بگو: نمیگویم بشما نزد گنجهای
خدا است و نه غیب را دانم و نمی
گویم به شما که من فرشته‌ی ام -
پیروی نمیکنم جز آنچه را که به
سوی من وحی کرده میشود. بگو
آیا کور و بینا یکسانند؟ پس آیا
تفکر نمی کنید؟ (۵۱)

و بوسیله این [قرآن] هشدار بده
ایشان را که میترسند که بسوی
پروردگار خود محسور کرده شوند.
آنانرا جز این [قرآن] نکسی ولی
است و نه شفاعت کننده - تا باشد
که تقوی پیش گیرند (۵۲)

وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ
وَمُنذِرِينَ ۚ فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا
خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۴۹﴾

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ
بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿۵۰﴾

قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا
أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ ۚ
إِن تَتَّبِعُوا إِلَّا مَا يُوْحَىٰ إِلَيْكُمْ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي
الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ ۗ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ ﴿۵۱﴾

وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا
إِلَىٰ رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وِلَىٰ
وَلَا شَفِيعٌ لَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿۵۲﴾

و طرد مکن آنان را که صبحگامان
و شامگاه پروردگار خود را در
تلاش خوشنودی او میخوانند. هیچ
از حساب آنان بر تونیست و نه
از حساب تو بر آنانست. اگر [با این
وجود] آنانرا طرد کنی پس از
ستمکاران شوی (۵۳)

و اینگونه بعضی از آنان را به
بعضی آزمایش میکنیم تا میگویند،
آیا [بس] آنانند از میان ما که خدا بر
آنها منت نهاده است؟ آیا خدا دادنا تر
به سپاسداران نیست؟ (۵۴)

و چون نزد تو آیند کسانی که به آیات
ما ایمان میآوردند پس بگو سلام بر
شما. پروردگار شما رحمت را [برای
شما] بر ذرات خود فرض نموده است
[یعنی] کسی از شما که بدی از او
به نادانی سرزند سپس توبه کند
و اصلاح نماید آنگاه یقیناً او
بسیار آمرزنده بارها رحم کننده
است (۵۵)

وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ
وَالْعُشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ
حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ
مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٥٣﴾

وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لِيَقُولُوا
أَهَؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنَا
أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ ﴿٥٤﴾

وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا قُلْ
سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ
الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا
بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ
غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٥٥﴾

و اینطور آیتها را تفصیل دهیم و
[اینست] تا راه مجرمان آشکار
گردد (۵۶)

بگویقینا نهی شده ام تا عبادت
کنم آنهایی را که جز خدا میخوانید.
بگو مرگز تقلید از هوای نفسانی
شما نکنم [الا] حتماً بیدرنگ گمراه
میشوم و من از هدایت یافتگان
نباشم (۵۷)

بگو، یقیناً من از پروردگار خود بر
دلیلی روشن استوارم و شما آن
را رد کرده اید. نیست بدست من
آنچه برای آن تعجیل کنید. داوری
فقط بدست خدا است. او سراینده
حق است و او بهترین داوران
است (۵۸)

بگو اگر بدست من بود آنچه به
آن تعجیل میکنید حتماً کار میان
من و شما گذرانیده میشد و خدا
داناتر به ستمکاران است (۵۹)

و کلیدهای غیب نزد اوست. آنها

وَكَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ
سَيَلِّمُونَ الْمُجْرِمِينَ ﴿٥٦﴾

قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ
مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ لَا اتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ
قَدْ ضَلَلْتُ إِذَا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ﴿٥٧﴾

قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَكَذَّبْتُمْ بِهِ
مَا عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنْ
الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ يَقْضِي الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ
الْفَصِلِينَ ﴿٥٨﴾

قُلْ لَوْ أَنَّ عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ
لَقَضِيَ الْأَمْرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَاللَّهُ
أَعْلَمُ بِالظَّالِمِينَ ﴿٥٩﴾

وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا

هُوَ^ط وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ^ط وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ^ط اِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظِلْمِ الْاَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ اِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٦٠﴾

را جزا و کسی نمیداند و او میداند آنچه در دشت و دریا است و برگی فرو نمیریزد مگر او آنرا میداند و دانه ای در تار و پودهای زمین [نهان] نیست و نه چیزی تر و نه خشک مگر در کتابی آشکار [مذکور] است (٦٠)

وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُمْ بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُّسَمًّى^ج ثُمَّ اِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٦١﴾

و او است آنکه شمارا در شب [بصورت خواب] اوقات میدهد و می داند آنچه در روز کردید. سپس شما را در آن [بگناه روز] برمیخیزاند تا نهایت زمانی معین [شما] بپایان برده شود. سپس بازگشت شما به سوی او است. سپس شمارا آگاه سازد به آنچه می کردید (٦١)

وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً^ط حَتَّىٰ اِذَا جَاءَ اَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفْرِطُونَ ﴿٦٢﴾

و او بر بندگان خود با شأن جلالی غالب است و بر شما نگهبانان می فرستد تا آن نهایت که چون به کسی از شما مرگ برسد فرستادگان ما او را اوقات میدهند و ایشان هیچ پهلوی را فرو نمیگذارند (٦٢)

ثُمَّ رُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ ۗ أَلَا لَهُ
الْحُكْمُ ۗ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ ﴿٦٣﴾

سپس بسوی خدا که مولای حق
ایشان است برگردانیده شوند.
باش افرمان از آن اوست و او زود
ترین حساب گیرندگانست (۶۳)

بگو کیست که شما را از تاریکی
های دشت و دریا نجات میدهد -
او را بزاری و پنهانی میخوانید
که اگر ما را از این [سختی]
نجات دهد حتماً ما از سپاسگذاران
شویم (۶۴)

قُلْ مَنْ يُنجِيكُمْ مِنْ ظُلْمِ الْبَرِّ
وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً ۗ
لَئِنْ أَنْجَيْنَا مِنْ هَذِهِ لَنُكَوِّنَنَّ مِنَ
الشَّكِرِينَ ﴿٦٤﴾

بگو خدا است که شما را از آن و
از هراندومی نجات میدهد. باز هم
شما شك میآورید (۶۵)

قُلِ اللَّهُ يُنجِيكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ
تُمْ أَنْتُمْ تُشْرِكُونَ ﴿٦٥﴾

بگو او قدرتمند است که عذاب را
بر شما از فوق شمایا از زیر پایهای
شما بفرستد یا شما را به شك مبتلا
کرده گروه گروه بسازد و بعضی
را از شما سختی از جانب بعضی
بجشاند. بنگر دلایل را چطور
تفسیر داده بیان کنیم تا باشد که
بفهمند (۶۶)

قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ
عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ
أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا وَيُدْبِقَ بَعْضَكُمْ
بِأَسْبَعْ بَعْضٍ ۗ أَنْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ
الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ ﴿٦٦﴾

وَكَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ ۗ قُلْ^ط
لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ ۗ ۝۱۷

و قوم تو آنرا تکذیب کرده اند
در حالیکه آن حق است. بگو من بر
شما نگهبان نیستم (۶۷)

لِكُلِّ نَبَأٍ مُّسْتَقَرٌّ ۖ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۝۱۸

هر پیشگوئی را نهایت زمان و جای
گاه معین است و زود بدانید (۶۸)

وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا
فَاعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي
حَدِيثٍ غَيْرِهِ ۗ وَإِمَّا يُنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ
فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرَىٰ مَعَ الْقَوْمِ
الظَّالِمِينَ ۝۱۹

و چون بینی آنها را که به آیتهای
ما ریشخند کنند پس اعراض کن از
آنها تا حرف بغیر از آن بزنند و اگر
شیطان از یاد تو ببرد پس بعد از
بیاد آمدن هرگز با مردم ستمگران
منشین (۶۹) ++

وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِّنْ
شَيْءٍ ۚ وَلَكِنْ ذِكْرَىٰ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۝۲۰

و نیست چیزی از حساب آنها بر
ایشان که تقوی فراگیرند. اما این
تذکر است تا آنان تقوی را فرا
گیرند (۷۰)

وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا
وَغَرَّتُهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَذَكِّرْ بِهِ ۚ أَنْ
تُسْأَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ ۗ كَيْسَ لَهَا مِنْ

و بگذارید آنانرا که دین خود را
ببازی و هزل گرفته اند و زندگانی
دنیا آنها را فریب داد و بوسیله این
[قرآن] آنان را تذکر کرده مبادا کسی

++ آیت ۶۹: منظور این نیست که برای همیشه از آنها قطع رابطه کنید بلکه نباید
با آنها بنشینید تا آنگاه که از این عمل زشت خود داری نکنند.

دُونَ اللَّهِ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ ۚ وَإِنْ تَعْدِلْ
كُلَّ عَدْلٍ لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا ۗ أُولَئِكَ الَّذِينَ
أَبْسَلُوا بِمَا كَسَبُوا ۗ لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ
حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا
يَكْفُرُونَ ﴿٧﴾

ع
۱۴

ملاك شود بد آنچه بدست آورد حال
آنکه نه اورا یاری است و نه شفاعت
گری مگر خدا و اگر بجای خود مریک
بدلی متقابل هم دمد از او گرفته
نشود. همانند که ملاک کرده شدند
بد آنچه بدست آوردند و آنان را
نوشیدنی از آب جوشان و عذابی
دردناکست چه کفر میکردند (۷۱)

بگو آیا بخوانیم آنچه راجز خدا که
نه مارا سود میدهد و نه مارا زیان
میزند و برپاشنه های خود باز
گردیم پس از آنکه خدا بما هدایت
داد مانند آنکس که شیطانها او را
فریب داده در زمین سرگردان
ساخته اند؟ او رایارانی باشند که
به سوی هدایت فراخوانند که بیآ
نرد ما. بگو: همانا هدایت آنست که
هدایت خدائی باشد و ما امر شده
ایم که برای پروردگار همه جهانها
تسلیم شویم (۷۲)

و اینکه نماز را بپای دارید و او

قُلْ أَدْعُوا مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا
وَلَا يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلَىٰ أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ
هَدَانَا اللَّهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ
فِي الْأَرْضِ حَيْرَانٌ ۗ لَهُ أَصْحَابٌ
يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَىٰ انْتِنَا ۗ قُلْ إِنْ هَدَىٰ
اللَّهُ هُوَ الْهُدَىٰ ۗ وَأَمِرْنَا لِنُسَلِّمَ لِرَبِّ
الْعَالَمِينَ ﴿٧﴾

وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَهُوَ الَّذِي

إِلَيْهِ يُخْشَرُونَ ﴿۷۲﴾

را تقوی اختیار کنید و او است
آنکه بسوی او محشور کرده
شويد (۷۲)

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
بِالْحَقِّ ۗ وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ ۗ قَوْلُهُ
الْحَقُّ ۗ وَلَهُ الْمَلَكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ ۗ
عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ ۗ وَهُوَ الْحَكِيمُ
الْخَبِيرُ ﴿۷۳﴾

و او است آنکه آسمانها و زمین
را بحق آفرید و روزیکه گوید
باش آنگاه آن رو نهدو منتها
بشود. سخن او حق است و روزی
که در صور دمیده شود پادشاهی
از آن او است. اونهان و عیان رادانا
است و او صاحب حکمت مدام
آگاه است (۷۴)

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ أَرَزَرَأْتَتَّخِذُ
أَصْنَامًا إِيَّاهُ ۚ إِنِّي آرَبُكَ وَقَوْمَكَ
فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿۷۵﴾

و [بیاد آر] هنگامیکه ابراهیم به
پدر خود آزر گفت، آیا بتان را
بعبودیت گرفته ای؟ براستی من
تو و قوم تورا در گمراهی آشکار
میبینم (۷۵)

وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ
الْمُوقِنِينَ ﴿۷۶﴾

و اینگونه ما [حقیقت] پادشاهی
آسمانها و زمین را به ابراهیم نشان
میدادیم تا او از یقین کنندگان
باشد (۷۶)

فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا ۖ قَالَ

پس چون تاریکی شب او را احاطه

هُذَارِئِي^٤ فَلَمَّا أَفَلَّ قَالَ لَا أَحِبُّ
الْأَفْلِينَ^{٧٧}

کرد او ستاره ای دید و گفت:
[گویی] این پروردگارم است.
پس چون آن فرو رفت، گفت: من
فروفتگان را دوست ندارم (٧٧)+

فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَذَا رَبِّي^٤
فَلَمَّا أَفَلَّ قَالَ لَيْسَ لِي لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي
لَا كُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ^{٧٨}

پس چون او ماه تابان را دید گفت:
[گویی] این پروردگارم است پس
وقتی آنهم فرونشست گفت، اگر پرورد-
گارم مرا هدایت نمیکرد حتماً
از گروه گمراهانان میشدم (٧٨)+

فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هَذَا رَبِّي
هَذَا أَكْبَرُ^٤ فَلَمَّا أَفَلَّتْ قَالَ يَقَوْمِ إِنِّي
بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ^{٧٩}

پس چون او به خورشید درخشان
نگاه کرد، گفت، این پروردگارم
است. این بزرگتر است. چون
آنهم فرو رفت گفت، ای قوم من
بیزارم از آنچه شما شرک می
آرید (٧٩)++

++ در آیات ٧٧ الی ٧٩ سخن از مشاجره حضرت ابراهیم با قوم خودشان گفته
میشود که گاه بگاه تا سه روز ادامه داشت. حضرت ابراهیم برای دروغ در آوردن
قوم خویش ستارگان را ذکر کرد که شما آنها را معبود میسازید درحالیکه آنها
فرو میروند. باز فراتر از آن ذکر از ماه آورده گفت که برخی از شما اینتراپرستش
میکنند با آنکه اینهم فرو میروند. پس در آخر خورشید را ذکر کرد چه بسیاری از قومش
خورشیدپرستان بودند و گفت اگرچه این بزرگتر است و این را بر مقام [ص ٣٠٣]

یقیناً من آورده ام روی خود را
مدام متمایل بسوی آنکه آسمانها
و زمین را آفرید و من از مشرکان
نیستم (۸۰)

و قومش با او محاجه می کرد. او
گفت آیا در مورد خدا بمن محاجه
میکنید در حالیکه او بمن هدایت
داده است و من از [گزند] آنچیزها
نمیترسم که با او شریک می
گردانید جز اینکه خدا بخواهد
چیزی. پروردگارم هر چیزی را بعلم
احاطه کرده است. آیا پند نمی
پذیرید (۸۱)

و چطور بترسم از آنچه شرک می
آرید با آنکه خود نمیترسید که آن

إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلذِّمَىٰ فَطَرِ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ خَافِقًا وَمَا أَنَا مِنَ
الْمُشْرِكِينَ ﴿٨٠﴾

وَ حَاجَّهٖ قَوْمُهُ ۖ قَالَ أَتُحَاجُّونِي فِي اللَّهِ
وَقَدْ هَدَانِي ۗ وَلَا أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ
إِلَّا أَن يَشَاءَ رَبِّي شَيْئًا ۗ وَسِعَ رَبِّي كُلَّ
شَيْءٍ عِلْمًا ۗ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ﴿٨١﴾

وَ كَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا
تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُم بِاللَّهِ مَا لَمْ

بقیه صفحه ۳۰۲ ربوبیت آورده تعظیم میدمید اما بنگرید که اینهم فرو میرود لذا
بجای خدا کسی دیگر را معبود قرار دادن شما دروغی محض است. درباره این آیت
برخی از مفسران این زمان داستانی شگفت انگیز بیان میکنند که حضرت ابراهیم
را پدرش در غار زندانی کرده بود و چون ایشان از غار بیرون آمدند نخست بار
ستاره را دیدند و باز ماه را دیدند و باز خورشید را دیدند و اول بار ایشان را
معلوم شد که آنها فرورفتگانند. اما این داستان درست نیست.

يُنزِلُ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطٰنًا فَاٰمِ
الْفَرِيقَيْنِ اَحْسٰى بِالْاٰمِنِۙ اِنْ كُنْتُمْ
تَعْلَمُوْنَ ﴿۸۱﴾

تفاتی

چیزها را شریک خدا قرار میدهمید
که در حق آن هیچ دلیلی بر شما
فروفرستاده است. پس کدام یک
از دو گروه شایسته تر است برای

ایمن شدن اگر شما علم دارید (۸۲)
کسانی که ایمان آوردند و ایمان
خود را بستمکاری مبهم نساختند
ممانه‌اند که برای ایشان امن است
و ایشان هدایت یافتگانند (۸۳)

۱۰

الَّذِينَ اٰمَنُوْا وَلَمْ يَلْبِسُوْا اِيْمَانَهُمْ
بِظُلْمٍۙ اُولٰٓئِكَ لَهُمُ الْاٰمَنُۙ وَهُمْ
مُهْتَدُوْنَ ﴿۸۲﴾

و این حجت ما بود که آنرا به
ابراهم خلاف قوش داده بودیم.
ما مراتبی هر که رابخواهیم بالا می
بریم یقیناً پروردگار تو صاحب
حکمت صاحب علم دائمی است
(۸۴)

وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا اِبْرٰهِيْمَ عَلٰى
قَوْمِهِۦ ۙ تَرْفَعُ دَرَجٰتٍ مِّنْ لِّشَآءٍ ۙ اِنَّ
رَبَّكَ حَكِيْمٌ عَلِيْمٌ ﴿۸۳﴾

وَوَهَبْنَا لَهٗ اِسْحٰقَ وَيَعْقُوْبَ ۙ كُلًّا
هٰدِيْنَۙ وَنُوْحًا هٰدِيْنَۙ مِّنْ قَبْلُۙ وَمِنْ
ذُرِّيَّتِهٖۙ دَاوُدَ وَسُلَيْمٰنَ ۙ وَاَيُّوْبَ
وَيُوْسُفَ وَمُوْسٰى وَهٰرُونَ ۙ وَكَذٰلِكَ
نَجْزِي الْمُحْسِنِيْنَ ﴿۸۴﴾

و وی را اسحاق و یعقوب دادیم همه
را هدایت نمودیم و از پیش نوح
را هدایت داده بودیم و از نژاد او
داوود و سلیمان و ایوب و یوسف
و موسی و هارون را و محسنان
را همین گونه پاداش میدهمیم (۸۵)

وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِيلَاسَ ۗ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ ﴿٨٦﴾

و زکریا و یحییٰ و عیسیٰ و ایلیاس و
الیاس را که همه از صالحان
بودند (۸۶)

وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا ۗ
وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٨٧﴾

و اسمعیل و الیسع و یونس و
لوط و همه ایشانرا بر همه جهانها
برتری دادیم (۸۷)

وَمِنَ آبَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ
وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ
مُّسْتَقِيمٍ ﴿٨٨﴾

و از پدران ایشان و نسلهای ایشان
و برادران ایشان [هم بعضی را
فضیلت دادیم و] برگزیدیم و
ایشانرا به صراط مستقیم هدایت
دادیم (۸۸)

ذَٰلِكَ هُدَىٰ اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ مِّنْ
عِبَادِهِ ۗ وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحِطَّ عَنْهُمْ مَا
كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٨٩﴾

اینست آن هدایت خدا که او به
آن مرکه از بندگان خود بخواند
رهنمائی میکند و اگر شرک می
آوردند حتماً ضائع میشد از ایشان
آنچه میکردند (۸۹)

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ أُتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ
وَالنَّبُوَّةَ ۗ فَإِن يَكْفُرْ بِهَا هُوَ لَا إِفْقَادَ
وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لِّيَسُوْا بِهَا يَكْفُرِينَ ﴿٩٠﴾

ایشانند آنانکه ایشان را کتاب و
حکمت و نبوت در دادیم. پس اگر
این مردم از آن انکار کنند پس
حتماً آنرا بقومی واگذاریم که به
آن منکران نباشند (۹۰)

أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدْمُهُمْ
اقتدِهٖ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا
إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿٩١﴾

ایشانند که خدا آنانرا هدایت داد. پس از هدایت ایشان اقتدا کن. بگو من بابت این از شما مزدی نمیطلبم. این برای همه جهانها فقط بندی است (۹۱)

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا
أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْنَا مِنْ شَيْءٍ قُلْ مَنْ
أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا
وَهُدًى لِلنَّاسِ لِتَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ
تُبَدُّونَهَا وَمَنْ حَفُونَ كَثِيرًا وَعَلِمْتُمْ مَا
لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ
كُذِّبَهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ ﴿٩٢﴾

و آنان قدر خدا را شایان قدر او نشناختند چون گفتند. خدا چیزی را بر بشری فرو نفرستاد. بگو. که آن کتاب را نازل کرد که موسی برای مردم نور و هدایت آورده بود؟ شما آنرا اوراقی پراکنده ساختید. [کمی] از آنرا آشکار مینمودید و بیشتر از آنرا نهان میکردید در حالیکه شما را آموختیم آنچه را نمیدانستید شما و نه پدران شما. بگو خدا است [هر چیز برای من]. پس آنها را در یاوه گویهای خود بازی کنان برهان (۹۲)

وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبْرَكًا مُصَدِّقًا
الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى

و این کتابی خجسته است که آن را نازل کردیم تصدیق کننده آنکه پیش روی آنست و تاهشدار دمی

به مادر قریه ما و آنها که پیرامون آن اند و آنانکه به آخرت ایمان دارند و آنانکه بر نماز خود نگه داری کنندگانند (۹۳)

و کیست ستمکارتر از آنکه بر خدا دروغ بست یا گفت که بسوی من وحی فرستاده شد در حالیکه چیزی به سوی او وحی کرده نشد و آنکه گوید من کلامی شبیه به آن نازل کننده ام که خدا نازل کرده است. کاشکی مینگریستی آنگاه که ستمکاران در یورش سختیهای مرگ باشند و فرشتگان دست های خود دراز کرده [گویند] جانهای خود بیرون آرید. امروز به عذابی زبون عقوبت کرده شوید بدانچه بر خدا بناحق میگفتید و شما از آیتهای او تکبر میکردید (۹۴) و البته بسوی ما همانگونه فردا فرد آمده اید که نخست بار شما را آفریدیم و نعمتهای که بشما داده

وَمَنْ حَوَّلَهَا^{۱۱} وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ^{۱۲} وَهُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ^{۱۳}

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ^{۱۴} وَمَنْ قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ^{۱۵} وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ^{۱۶} أخرجوا أَنْفُسَكُمْ^{۱۷} الْيَوْمَ تُجْرُونَ^{۱۸} عَذَابَ الهُونَ بِمَا كُنتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ^{۱۹}

وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فِرَادَى كَمَا خَلَقْنَاكُمْ^{۲۰} أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُمْ مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ

ظُهُورِكُمْ^ع وَمَا نَرَىٰ مَعَكُمْ
شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ
شُرَكَاءُ ۗ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَصَلَ
عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ^ع ۝۱۵

۱۱
۱۷

بودیم را پشت سر نهاده اید و
[چه شد که] با شما آن شفعیان
را نمی بینیم که گمان میکردید
که آنها در حق شما شریکان [خدا]
اند. شما از هم جدا شدید و از شما
ناپیداشد آنچه را شما [شريك] می
پنداشتید (۹۵)

یقیناً خدا شکافنده دانه و هسته
است. او زنده را از مرده بیرون
میآرد و مرده را از زنده بیرون
میآرد. اینست پروردگار شما پس
کجا فریب برده میشوید (۹۶)

او شکافنده صبحگاهان است. او
شب را ساکن قرارداد و خورشید
و ماه [در گردش خود] تابع حساب
اند. این تقدیر صاحب غلبه کامل
مدام دانا است (۹۷) ++

إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَىٰ ۗ يُخْرِجُ
الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ
الْحَيِّ ۗ ذَٰلِكُمْ اللَّهُ فَالِقُ تُو فَكُونُ^ع ۝۱۶

فَالِقُ الْإِصْبَاحِ ۗ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا
وَ الشَّمْسِ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ۗ ذَٰلِكَ
تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ^ع ۝۱۷

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا

++ آیت ۹۷: اینجا در مقابل گردش ماه و خورشید بجای زمین برای شب گفته میشود
زیرا که مردم آنزمان زمین را ساکن میپنداشتند و در کلمه "سکنا" این معنا نیز
شامل است که آن باعث آرامش است.

بِهَا فِي ظُلُمَاتٍ أَلْبَسْنَا وَابْحَرًا ۗ قَدْ فَصَّلْنَا
الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿۹۸﴾

ساخت تا شما بوسیله آنها در تاریکی های دشت و دریا هدایت یابید. البته ما آیتهای را بصراحت بیان نموده ایم برای قومیکه دانشمند اند (۹۸)

وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ ۗ قَدْ فَصَّلْنَا
الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ ﴿۹۹﴾

واوست آنکه شمارا از یکتن آفرید پس قرارگاه موقت و جایگاه حفاظت مدام [ساخت]. یقیناً ما آیتهای را برای قومی صاحب فهم و تدبیر بتفصیل بیان کرده ایم (۹۹)

وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً ۖ فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتٍ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا ۖ وَمِنَ النَّخْلِ مِنَ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَبَّتِ مِنَ الْأَعْنَابِ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُسْتَبَهِمًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ ۗ نُنْظِرُ وَإِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكُمْ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿۱۰۰﴾

واوست که آب را از آسمان نازل کرد. پس به آن هر نوع روئیدنی را رویانیدیم. پس از آن سبزه را بیرون آوردیم و از آن در می آوریم دانه های روی هم چیده و از خرما از خوشه های آن میوه های بهم پیوسته و فرورفته و باغهای انگور و زیتون و انار را که [از این میوه ها] بعضی مشابه و بعضی نامشابه است. بنگرید بسوی میوه هایش چون پرت می شود و آن برسد. یقیناً

در این آیه‌ها است برای قومیکه
ایمان آورند (۱۰۰)

و آنها جنی را شریک خدا قرار داده
اند حالانکه او آنها را آفریده است
و برای او بدون علم پسران و
دختران تراشیده اند. او پاک
است و بلندتر است از آنچه می
سرایند (۱۰۱)

او زمین و آسمان را ابداع کننده
از عدم است. چگونه پسری برای
او میتواند باشد در حالیکه او را
زنی نیست و او هر چیز را آفریده
است و او بهر چیز دانا است (۱۰۲)

این است خدا پروردگار شما. هیچ
معبودی نیست جز او. او آفریدگار
هر چیز است. پس او را عبادت کنید
و او بر هر چیز نگهبان است (۱۰۳)

چشمان نتواند او را دریابد بلکه
او به چشمان در رسد و او دقیق
بین مدام آگاه است (۱۰۴) ++

یقیناً شمارا سخنان بصیرت بخش

وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ
وَخَرَائِفَ الْبَيْنِ وَبَدَتِ بِغَيْرِ عِلْمٍ
سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ ﴿١٠٠﴾

ع
١٨

بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَلَى يَكُونُ
لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ صَاحِبَةً وَخَلَقَ كُلَّ
شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٠١﴾

ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ
شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴿١٠٢﴾

لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ
الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ﴿١٠٣﴾

قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ

أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ^٤ وَمَنْ عَمِيَ^٥ فَعَلَيْهَا^٦
وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ^٧

از پروردگار خود آمده است. پس آنکه بینا شد آنگاه بنفع خود او است و آنکه کور ماند پس خلاف خود او است و من بر شما نگهبان نیستم (۱۰۵)

وَكَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِيَتَّقَوْا
وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ^٨

و اینگونه ما آیتهای پروردگار را گردانده بیان میکنیم تا بگویند که تو خوب آموزش گرفتی و خوب آموزش دادی و تا به روشنی بیان کنیم برای قومیکه علم دارند (۱۰۶)

إِتَّبِعْ مَا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ^٩ لَا إِلَهَ
إِلَّا هُوَ^{١٠} وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ^{١١}

پیروی کن به آنچه که از پروردگار تو برتو نازل کرده شد. هیچ معبودی نیست جز او و روی از مشرکان برگردان (۱۰۷)

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا^{١٢} وَمَا جَعَلْنَاكَ

و اگر خدا میخواست شرک نمی

++ آیت ۱۰۴: مردم میپندارند که دید از گره چشم بیرون آمده چیزهای دور را میبینند حالانکه این آیت اینرا رد کرده و گفته است که روشنی خودش بجشم میرسد و همین موضوع بر اهل بصیرت خدای متعال صدق میکند. هیچکس را اختیار نیست که او خود خدای متعال را بجشم دل ببیند. البته خدا هرگاه خودش خواهد بر بندگان نیکان خود ظاهر میشود.

عَلَيْهِمْ حَفِيظًا^٧ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ
بِوَكِيلٍ^٨

ورزیدند و تو را بر آنها محافظ
مقرر نداشتی ایم و نه تو بر آنها
نگهبان ای (۱۰۸)

وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ
فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ^٩ كَذَلِكَ
زَيَّالِكُمُ الْأُمَّةُ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ
مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ^{١٠}

ودشنام ندمید آنها را که آنها جز خدا
میخوانند الا دشمنی کنان بنادانی
خدا را دشنام دهند. اینگونه هر قوم
را اعمال ایشان زیباشان داده ایم.
سپس بازگشت آنها بسوی پرور -
دگار خود است. پس او آنها را آگاه
سازد به آنچه میکردند (۱۰۹) ++

وَاقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ
جَاءَتْهُمْ آيَةٌ لَّيُؤْمِنُنَّ بِهَا قُلْ إِنَّمَا
الْآيَةُ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ^{١١} أَتَاهَا إِذَا
جَاءَتْ لَا يَوْمُنُونَ^{١٢}

وسوگندمای جدی خدا یاد کرده
گویند که اگر آنها را یکی آیت هم
بیاید حتماً به آن ایمان آورند. بگو
آیتها تماماً فقد نزد خدا است. اما
شمارچه چیزی حالی کند هنگامی

++ آیت ۱۰۹: در این آیه گریه به عدالت مندی عظیم الشان تعلیم داده میشود که به
معبودانی دروغین مخالفان دشنام ندمید زیرا شما که میدانید که آنها دروغین اند
اما مخالفان شما نمیدانند. بنابراین اگر آنان بنادانی به خدا فحش دادند آنگاه
شما مسؤل اید. سپس این قاعده بیان میشود که به هر کس ایمان خود پسند میفتد.
البته خداوند روز قیامت فیصل خواهد داد که کدام یک درست بود و کدام یک
نادرست. البته کار در این دنیا نیز گذرانیده میشود ولی دروغگویان نمیفهمند.

که آن [آیت] ها می‌آید آنها ایمان
نمی‌آیند (۱۱۰)

و دلهای آنان و چشمان آنان را
دگرگون می‌سازیم بطوریکه اول
باربه این [رسول] ایمان نیاورده
بودند و آنها را در سرکشی خود
سرگردان رها مینمایم (۱۱۱)

وَنُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَأَبْصَارَهُمْ كَمَا لَمْ
يُؤْمِنُوا بِآيَةِ أَوَّلِ مَرَّةٍ وَنَذَرُهُمْ فِي
طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١١١﴾

ع
١٢
١٣

وَلَوْ أَنَّنَا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلٰٓئِكَةَ
 وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتٰى وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ
 قُبٰلًا مَا كَانُوْا يُؤْمِنُوْا اِلَّا اَنْ يَّشَاءَ اللّٰهُ
 وَلٰكِنَّ اَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُوْنَ ﴿١١٢﴾

و اگر نازل میکردیم فرشتگان را
 بر آنها و مردگان با آنها تکلم می
 کردند و هر چیز را روبروی آنها گرد
 میآوردیم باز هم نبودند که ایمان
 میآوردند جز اینکه خدا میخواست
 ولی بیشتر از آنان خود را بنادانی
 میزنند (۱۱۲)

وَكَذٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شٰٓئِطِيْنَ
 الْاِنْسِ وَالْجِيْنَ يُوحِيْۤ اِلَيْهِمْ اِلَىۤ بَعْضِ
 زُخْرَفِ الْقَوْلِ غُرُوْرًا وَّلَوْ شَاءَ رَبُّكَ
 مَا فَعَلُوْهُ فَذَرَّهُمْ وَمَا يُفْتَرُوْنَ ﴿١١٣﴾

و اینگونه ما برای هر کدام پیغمبر
 شیطان های انسان و جن رادشمن
 قرار دادیم. برخی از آنها بسوی
 برخی سخنان آراسته ای رافریب
 داده وحی میکنند و اگر پروردگار
 تو میخواست اینطور نمیکردند.
 پس آنها و آنچه برمیافند را
 ترك کن (۱۱۳)

وَلِتَصْغٰى اِلَيْهِ اَفِيْدَةُ الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ
 بِالْاٰخِرَةِ وَلِيَرٰضُوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوْا مَا هُمْ
 مُّقْتَرِفُوْنَ ﴿١١٤﴾

و تا دلهای آنانکه به آخرت ایمان
 نمیآورند، به سوی این [فریب]
 متمایل شوند و تا به آن دل
 بسپارند و تا آنها آنچه [اعمال
 زشت] که بدست آورنده اند بدست
 میآرند (۱۱۴)

پس آیا غیر از خدا را حکم کننده
خواهم با آنکه او است آنکه کتاب
را با بیان تفصیل تمام بسوی شما
نازل کرد و آنانکه کتاب داده شدند
میدانند که آن از پروردگار تو
بحق نازل کرده شد. پس از شک
کنندگان مباش (۱۱۵)

و سخن پروردگار تو از روی
صداقت و عدالت بنهایت رسید.
سخنان او را کسی تغییر دهنده
نیست و او بسیار شنوای صاحب
علم دائمی است (۱۱۶)

و اگر از بی بیشتر از اهل زمین
روی تو را از راه خدا گمراه
سازند. آنها پیروی نمیکنند جز گمان
راو آنها فقط حدس میزنند (۱۱۷)
یقیناً پروردگار تو داناتر است
به آنکس که از راه او گمراه
است و او به هدایت یافتگان
نیز داناتر است (۱۱۸)

پس بخورید از آنچه بر آن نام

أَفَغَيْرَ اللَّهِ أَبْتَغِي حَكْمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ
إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مَفْصَّلًا وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ
الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِنْ رَبِّكَ
بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿١١٥﴾

وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا
لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ ۗ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿١١٦﴾

وَإِنْ تُطِغْ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ
يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ۗ إِنْ يَتَّبِعُونَ
إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿١١٧﴾
إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَنْ
سَبِيلِهِ ۗ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿١١٨﴾

فَكُلُوا مِمَّا ذَكَرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ

بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ ﴿٣٦﴾

خدا یاد شده است اگر به آیت‌های او مؤمنانید (۱۱۹)

و چیست شما را که نخورید از آنچه بر آن نام خدا یاد شده است درحالیکه او هرچه بر شما حرام است را تفصیل داده است مگر آنچه بسوی آن [از شدت گرسنگی] ناچار کرده شوید و البته بسیاران بلاعلم به هوای نفسانی خود [مردم را] گمراه سازند یقیناً پروردگارتو به تجاوزگران داناتراست (۱۲۰) و عیان گناه و نهان آن [مردو] را ترك کنید بر راستی کسانی که کسب گناه کنند حتماً پاداش داده شوند به آن [کاربدی] که می‌کردند (۱۲۱) و نخورید از آنچه بر آن نام خدا یاد نشود و یقیناً آن ناپاک است. و یقیناً شیطانها بسوی دوستان خود وحی میکنند تا شما محاجه کنند و اگر از آنها پیروی کنید حتماً شما مشرکان شوید (۱۲۲)

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذَكَرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ ۗ وَإِنَّ كَثِيرًا لِّيُضِلُّونَ بِأَهْوَاءِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۗ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ ﴿٣٦﴾

وَذَرُوا ظَاهِرَ الْإِثْمِ وَبَاطِنَهُ ۗ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْإِثْمَ سَيَجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٣٧﴾

وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا يَدْعُرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ ۗ وَإِنَّ الشَّيْطَانَ لِيُوحِيَ إِلَىٰ أَوْلِيَٰهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ ۗ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ ﴿٣٨﴾

أَوْ مَنْ كَانَ مِيثَاقَ حَيْبِنُهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا
يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلَهُ فِي
الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا ۗ كَذَلِكَ
زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٢٣﴾

آیا آنکه مرده بود باز ما او را
زنده کردیم و برای او نوری
قرار دادیم که به آن در مردم راه
رود مانند آنست که مثلش اینست
که در تاریکیها باشد که هیچگاه
از آن بیرون آینده نیست. اینطور
کافران را زیبا نشان داده شود آن
چه میکردند (۱۲۳)

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكْبَرًا
مُجْرِمٍ مِمَّنْ لَمْ نُكْرِمُوا فِيهَا وَمَا يَمْكُرُونَ
إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿١٢٤﴾

و اینطور مادر مریک قریه ارشدان
مجربان آن را نهادیم تا در آن
تزویر کنند و تزویر نکنند مگر به
جانهای خود و درک نکنند (۱۲۴)

وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَا حَتَّى
نَأْتِيَ بِمِثْلِهَا آيَةً ۗ وَرَسُولُ اللَّهِ أَعْلَمُ
بِئْسَ الْفِتْنَىٰ يَخْلُقُ الَّذِينَ
حَيْثُ يُجْعَلُ رِسَالَتُهُ ۗ سَيُصِيبُ الَّذِينَ
أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ
بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ ﴿١٢٥﴾

و چون آنان را آیتی بیاید گویند.
مرگز ایمان نیاریم تا آنگاه که
[نشانه ای] مثل آن داده شویم که
[قبلاً] رسولان خدا داده شدند.
خدا داناتر است که رسالت خود
را کجا برگزیند و آنانکه جرم
کردند یقیناً به آنها از جانب خدا
ذلت و عذابی سخت برسد. چه
داشتند نیرنگ میکردند (۱۲۵)

پس آنکس که خدا بخواهد که او را هدایت کند سینه او را برای اسلام باز میسازد و آنکه را خواهد که او را گمراه سازد سینه او را کاسته تنگ میگرداند گویی او زور کرده در [بلندی] آسمان بالامی رود. اینگونه خدا بر آنها که ایمان نمیآرند پلیدی مینهد (۱۲۶)

و این راه راست پروردگارتو است. یقیناً ما آیتها را برای قومیکه پند گیرند آشکارا بیان میکنیم (۱۲۷)

برایشان نزد پروردگار ایشان خانه امن است و او ولی ایشان است بعلت آنچه میگردند (۱۲۸) و [بیاد آور] روزیکه جمیع آنها را محشور کنند [و گوید] ای گروه جنها شماعوام الناس را استثمار کردید و یاران آنها از عوام الناس گویند پروردگارا بعضی از ما از بعضی بهره کشی کردیم و به آن نهایت زمانی

فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ
لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ
صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَسْمَاءَ ۖ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى
الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٢٦﴾

وَهَذَا صِرَاطَ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا ۖ قَدْ فَضَّلْنَا
الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ﴿١٢٧﴾

لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ
بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٢٨﴾

وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ جَمِيعًا لِمَعْشَرِ الْجِنِّ
قَدِ اسْتَكْبَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ وَقَالَ
أَوْلِيؤُهُمْ مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمَعَ
بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَوَلَعْنَا أَعْبَأَ الَّذِي أَجَلَّتْ
لَنَا قَالِ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَلِدِينَ فِيهَا إِلَّا

مَا شَاءَ اللَّهُ ۖ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿۳۱﴾

خود رسیدیم که برای ما معین
داشتی. او گوید، جایگاه شماتش
است که مدت دراز در آن میمانید
جز آنچه خدا بخواهد. یقیناً پرور-
دگار تو صاحب حکمت صاحب
علم دائمی است (۱۲۹)

وَكَذَلِكَ نُؤَيِّنُ بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا
بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿۳۲﴾

و اینگونه مابعضی ستمکاران را بر
بعضی مسلط مینمایم بعلت آنچه
کسب میکنند (۱۳۰)

يَمْعَشَرُ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ الْمَيَاتِكُمْ
رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي
وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا
شَهَدْنَا عَلَىٰ أَنفُسِنَا وَعَرَّثَهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا
وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ ﴿۳۳﴾

ای گروه جنها و آدمیان آیا شما
را رسولانی از خود شما نیآمدند
که آیتهای مرا بر شما میخواندند و
شمارابه ملاقات امروز شما هشدار
میدادند؟ گویند، ما خلاف نفسهای
خود گواهی دهیم و زندگی دنیا آنها
را فریب داد و خلاف خود گواهی دهند
که آنها کافران بودند (۱۳۱) ++

++ آیت ۱۳۱: کلمات "معشر الجن" را معنا مخلوقی بغیر از انسان نیست بلکه این کلمات
دال بر اعیان انسانها و ابر قدرتها و نیز مردم کوچک و ملت های کوچک میباشد. اگر
این درست نیست دیگر چرا رسولانی که بسوی جنهای آمدند بعلت مومن شدن، آنانرا
نوید از بهشت نیدادند. هیچ جای در احادیث ذکر از موجودی جنها در بهشت نیست.

اینست چه پروردگارتو هیچ قریه
را به ستم هلاک نمیکند حالیکه
مردمش غافل باشند (۱۳۲)

و همه رادرجات است فراخور آن
چه کردند و پروردگارتو به غفلت
نیست از آنچه میکنند (۱۳۳)

و پروردگارتو بی نیاز و صاحب
رحمت است. اگر بخواهد شمارا
ببرد و برگزیند جانشین پس از
شما آنکه را بخواهد بطوریکه شما
را از نسل قومی دیگر پدید
آورد (۱۳۴)

یقیناً به آنچه هشدار داده میشوید
حتی الوقوع است و هرگز [مارا]
عاجزکنندگان نیستید (۱۳۵)

بگو ای قوم من ابرجای خود بکنید
آنچه توانید. البته منهم کننده ام.
پس زود بدانید که [بهترین] فرجام
خانه برای کیست. یقیناً استمکاران
بیروزمند نمیشوند (۱۳۶)

و برای خدا گزیده اند سهمی از

ذَلِكَ أَنْ لَمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى
بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَفِلُونَ ﴿١٣٢﴾

وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا ۖ وَمَآرَبُكَ
بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٣٣﴾

وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ ۗ إِنْ يَشَاءُ
يُدْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ
كَمَا أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَّةٍ قَوْمٍ آخَرِينَ ﴿١٣٤﴾

إِنَّ مَا تُوَعَّدُونَ لَأَتِي ۗ وَمَا أَنْتُمْ
بِمُعْجِزِينَ ﴿١٣٥﴾

قُلْ يَقَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي
عَامِلٌ ۚ سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۗ مَنْ تَكُونُ لَهُ
عَاقِبَةُ الدَّارِ ۗ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿١٣٦﴾

وَجَعَلُوا لِلَّهِ مَا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ

آن مزرعه و دامهای که خود او آفریده است. پس گویند بزعم خود که این برای خداست و این برای شریکان ما است. پس آنچه برای شریکان آنها است به خدا نمیرسد و آنچه برای خدا است پس آن به شریکان آنها میرسد. چه زشت است آن فیصل که می دهند (۱۳۷)

و اینگونه بسیاری را از مشرکان شریکان آنها کشتن اولاد خود زیبانشان داده اند تا آنها را برباد دهند و دین آنها را بر آنها مشتبه سازند و اگر خدا میخواست این طور نمیکردند پس بگذار آنها و آنچه را برمیافند (۱۳۸)

و گویند بزعم خود که این دامها و کشت ممنوع است. آنها را کسی نخورد تا ما بخوایم و دامهای است که سواری بر پشت آنها حرام کرده شد و دامهای است که نام خدا بر

نَصِيًّا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِرِزْعِهِمْ وَهَذَا لِشُرَكَائِنَا^۷ فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ^۸ وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَى شُرَكَائِهِمْ^۹ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ^{۱۰}

وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتْلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَاؤُهُمْ لِيُرْدُوهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ^{۱۱} وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرَّهُمْ وَمَا يُفْتَرُونَ^{۱۲}

وَقَالُوا هَذِهِ أَنْعَامٌ وَحَرَّمَ حِجْرٌ^{۱۳} لَا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَنْ لَشَاءٍ بِرِزْعِهِمْ وَأَنْعَامٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَامٌ لَا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءً عَلَيْهِ^{۱۴}

سَيَجْزِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿١٣٩﴾

آنها نمیخوانند براو دروغ بسته.
او آنها را حتماً کیفر دهد به آنچه
بریافتند (۱۳۹)

وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِّذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَىٰ أَزْوَاجِنَا وَإِنْ يَكُنْ مَيْتَةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ ۗ سَيَجْزِيهِمْ وَصَفَّهُمْ ۗ إِنَّهُ ۖ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿١٤٠﴾

وگویند آنچه در شکمهای این دام
ماست به مردان ما اختصاص دارد
و بر زنان ما حرام است و اگر
آن مرده باشد آنگاه آنها در آن
بهم شریک اند. حتماً [خدا] آنها
را به بیان آنها کیفر دهد. یقیناً او
صاحب حکمت صاحب علم دائمی
است (۱۴۰)

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَىٰ اللَّهِ ۗ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿١٤١﴾

البته زیان کردند آنانکه اولاد خود
را سفاکانه بدون علم کشتند و حرام
کردند بر خدا دروغ بسته آنچه
را خدا به آنان رزق داده بود.
یقیناً آنها گمراه شدند و هدایت
یافتگان نبودند (۱۴۱)

وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ جَبْتٍ مَّعْرُوشٍ وَغَيْرِ مَّعْرُوشٍ وَالتَّخْلِ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرَّمَانَ

او است که باغهای داربست زده و
بی داربست زده و درختان خرما
و مزرعه که میوه آن گوناگونست
و زیتون و آনার را مانند و مغایر

همدیگر رویانید. چون به بار آید میوه آن بخورید و روز درو آن حق او را بدهید و اسراف نکنید چه خدا اسراف کنندگان رادوست ندارد (۱۴۲)

و از دامها بار بردار و برای سواری [آفرید]. بخورید از آنچه خدا به شما رزق داده است و قدم بر قدم های شیطان ننهید. یقیناً او دشمنی آشکار شما است (۱۴۳)

[خدا] هشت جفت [آفرید]. دو از گوسفند و دو از بز. بگو، آیا او دو نر را حرام کرد یا دو مادینه را یا آنچه را رحمهای دو مادینه احاطه کرده است. مرا آگاه کنید بدانند اگر شما راستگویانید (۱۴۴)

و دو از شتر و دو از گاو است. بگو، آیا او دو نر را حرام کرد یا دو ماده را یا آنچه را رحمهای دو ماده احاطه کرده است. آیا شما گواه بودید چون خدا شما را به آن

مُتَّشَابِهًا وَعَيْرَ مُتَّشَابِهٍ ۗ كَلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ ۗ وَلَا تُسْرِفُوا ۗ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ۗ

وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةٌ وَفَرَسَاتٌ ۗ كَلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ ۗ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ۗ

ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ ۚ مِنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ ۗ قُلْ آلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيَيْنِ ۗ نَسِئُونَ ۗ نَسِئُونَ بَعْلِمَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۗ

وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ ۗ قُلْ آلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيَيْنِ ۗ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ وَضَعَكُمُ اللَّهُ فِي بَهْدَائِهِ

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا
يُضِلُّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۗ إِنَّ اللَّهَ
لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٤٥﴾

توصیه کرده بود؟ پس کیست ستم
کارتر از آنکه برخدا دروغ بندد
تا مردم را بدون علم گمراه سازد.
یقیناً خدا قوم ستمکاران را هدایت
نمیدهد (۱۴۵)

قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَىٰ
طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً
أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ فَإِنَّهُ
رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا ۗ أُولَٰئِكَ لَئِيْلٌ غَافِلُونَ
أَضْطَرُّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ
عَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٤٦﴾

بگوید آنچه بسوی من وحی شده
است حرامی نمییابم برخوردارند
که آن را بخورد مگر که مردار
باشد یا خونی ریخته یا گوشت
خوک چه آن ناپاک است یا
پلیدی که بر آن نام غیر از خدا
خوانده شد. اما آنکه بدون تمایل
و بدون تجاوزگری ناچار است
آنگاه یقیناً خدا آمرزنده ی بارها
رحم کننده است (۱۴۶)

وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمًا كُلَّ ذِي ظُفْرٍ
وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْعَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ
شُحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا
أَوِ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ۗ ذَٰلِكَ
جَزَاؤُهُمْ بِبَغْيِهِمْ ۗ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿١٤٧﴾

و بر آنانکه یهود شدند هر کدام
جانور ناخن دار حرام کرده بودیم
و از گاؤ و گوسفند پیه مردو را
بر آنها حرام ساخته بودیم مگر
آنچه بر پشتهای آنها برداشته یا به
روده های استخوانها آمیخته باشد.

آنها را این پاداش از نافرمانی آنها
 داده بودیم و حتماً ما را استگویان
 ایم (۱۴۷)

پس اگر آنها از توتکذیب کنند
 پس بگو پروردگار شمارا رحمتی
 فراوانست و عقوبت او از قوم
 جریمکاران بازداشته نشود (۱۴۸)
 کسانی که شرك کردند حتماً گویند
 اگر خدا میخواست هرگز شرك
 نمیکردیم و نه پدران ما و نه چیزی
 را حرام میگردانیم. همانگونه
 دروغ گفته بودند کسانی که پیش
 از آنها بودند تا آن انتها که عقوبت
 ما را چشیدند. بگو، آیا شمارا دانشی
 است پس آنرا برای ما بیرون
 آورید. شما فقدگمان را پیروی کنید
 و شما فقط تخمین میزنید (۱۴۹)+

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ
 وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ
 الْمُجْرِمِينَ ﴿١٤٨﴾

سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا
 أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ
 شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ
 حَتَّى ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ
 عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا
 الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ ﴿١٤٩﴾

+ آیت ۱۴۹: نخست توجه به این سوال جلب کرده میشود که اینطور گفتن که اگر
 خدا اجازه شرك نمیداد ما و پدران ما، شرك نمیکردیم، قضیه راحل میکند یعنی
 آنان پیروی از پدران خویش میکنند و نه از تعلیم خدا... سپس بلافاصله گفته میشود
 که اگر کتاب الهامی مبنی بر جواز شرك را دارید، آنرا ارائه دهید.

بگو، پس حجت بکمال رسیده از آن خدا است پس اگر او می خواست حتماً شامه را هدایت میداد (۱۵۰)

بگو، آن گوامان خود را بخوانید که گوامی میدهند که خدا آن چیزها را حرام کرده است. پس اگر گوامی دهند آنگاه توباً آنها گوامی نده و از موسهای آنها پیروی مکن که به آیتهای ما تکذیب کردند و آنها که به آخرت ایمان نیآرند و آنها به پروردگار خود شریک قرار می دهند (۱۵۱)

بگو، بیآیید تا بخوانم آنچه پروردگار شما بر شما حرام کرده است - [یعنی] هرگز چیزی را به او شریک قرار ندمید و [لازماً] با والدین باحسن عمل رفتار کنید و از بیم تنگی رزق، اولاد خود را نکشید، مائیم که بشما رزق می دمیم هم به آنها نیز و به فحشائیه

قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ ۚ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿۱۵۰﴾

قُلْ هَلْ مَسَّ شُهَدَاءُ كُمُ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَذَا ۚ فَإِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدُ مَعَهُمْ ۚ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِالْآيَاتِ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ ﴿۱۵۱﴾

قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّي كُفْرًا عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدِينَ إِحْسَانًا ۚ وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ ۗ نَحْنُ نَرِزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ ۚ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ ۚ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ۗ

چه از آنها عیان است و چه نهان است نزدیک نرویدونکشیدجانی را که خدا حرام کرده است مگر بحق. این [امر] است که به آن خدا به شما توصیه کرده است تا باشد که شما بخردیابید (۱۵۲) ++

و نزدیک به دارائی یتیم جز به طریق شایسته ای مشوید تا بسن بلوغ خود برسد و کیل و ترازو را بداد تمام ببیماید. ما بکسی تکلیف نمیکنیم جز بگشایش او و گامیکه سخن گوید پس عدالت را پیش گیرید هر چند از نزدیکان باشد و به عهد خدائی وفا کنید. این امری است که او شمارا به آن توصیه میکند تا پند بگیرید (۱۵۲)

و [توصیه میکند] که همین راه راست من است. پس اینرا دنبال کنید و از راههای متفرقه پیروی

ذِكْمَ وَصَّكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿۱۵۲﴾

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ ۚ وَأَوْفُوا بِالْكَيْلِ وَالْمِيزَانِ بِالْقِسْطِ ۚ لَأَنْكَلِفَ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ۚ وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ ۚ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ۗ ذِكْمَ وَصَّكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿۱۵۲﴾

وَأَنَّ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاتَّبِعُوهُ ۚ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ ۗ

++ ایت ۱۵۲: قتل اولاد نگاه جرم شمارشود چون تولد بچگان از بیم کمی رزق جلو گرفته شود، وگرنه این نوع جلوگیری از روی حفظ سلامت مجاز میباشد.

ذِكْرِكُمْ وَصَّيْتُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٥٩﴾

نکنید که شمارا از راه او متلاشی کند. این امری است که شما را به آن تاکید مینماید تا باشد که تقوی را فراگیرید (۱۵۴)

ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ﴿١٥٥﴾

سپس موسی را کتاب دادیم که فراخور هر آنکس بود که احسان را بکار میگرفت و هرچیز را تفصیل بود و هدایت بود و رحمت بود تا بقاء پروردگار خود ایمان آورند (۱۵۵)

وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿١٥٦﴾

و این کتاب خجسته ای است که ما آنرا نازل کرده ایم. پس فرمان از این برید و تقوی را فراگیرید تا ترحم کرده شوید (۱۵۶)

أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَنْزَلَ الْكِتَابَ عَلَى طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِنَا وَإِنْ كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ لَغَفْلِينَ ﴿١٥٧﴾

مبادا بگویند کتاب پیش از ما فقط بر دو گروه برگ نازل کرده شد حالیکه ما از خواندن آنها نا آگاه بودیم (۱۵۷)

أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْكِتَابُ لَكُنَّا أَهْدَى مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَكُمْ

یابگویند. اگر کتاب بر ما نازل کرده میشد حتماً بیشتر از آنها هدایت می یافتیم. پس اینک شما را دلیلی

بِئْسَئِنَّةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَهَدَىٰ وَرَحْمَةً فَمَنْ
 أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَّبَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ
 عَنْهَا سَنَجْرِي الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ
 آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ ﴿١٥٨﴾

روشن از پروردگارتان آمده است
 و[آن] هدایت است و رحمت است
 پس کیست ستمکارتر از آنکه به
 آیتهای خدا تکذیب کند و روی از
 آنها بگرداند. کسانی که از آیتهای ما
 روگردانی میکنند حتماً آنها را عذاب
 سخت پاداش دهیم چه اعراض
 میکردند (١٥٨)

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ
 يَأْتِي رَبُّكَ أَوْ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ
 يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا
 إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ
 كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انظُرُوا
 إِنَّمَا تَنْتَظِرُونَ ﴿١٥٩﴾

آیا انتظار دارند جز اینکه آنها را
 فرشتگان آیند یا پروردگارتو آید
 یا شماری از نشانه های پروردگار
 تو برسد؟ [اما] روزیکه بعضی از
 نشانه های پروردگار تو برسد
 ایمانش سود نبخشد نفسی را که
 پیش از آن ایمان نیاورده بود یا
 درحالت ایمان خود نیکی کسب
 نکرده بود. بگو منتظر باشید
 البته مانیز منتظرانیم (١٥٩)

إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا
 لَسَتْ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَىٰ

یقیناً کسانی که دین خود را پراکنده
 ساختند و گروه گروه شدند تو را
 هیچ بستگی به آنها نیست. کار آنان

اللَّهُ لَمَّا يَنْتَهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿١٦٠﴾

فقط به خداست. سپس آنها را آگاه سازد به آنچه که می‌کردند (۱۶۰) کسیکه شایسته کاری آورد پس او را ده باره مثل آنست و آنکه بدی آورد پس او فقط مثل آن پاداش داده شود و مرگز آنهاست کرده نشوند (۱۶۱)

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مِثَالِهَا
وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا
مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٦١﴾

بگو یقیناً پروردگارم مرا بسوی راه راست هدایت داد [آنچه را] دینی برقرار، ملت ابراهیم خنیف [برگزید] و او از مشرکان نه بود (۱۶۲)

قُلْ إِنِّي هَدَيْتِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ
مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ
خَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٦٣﴾

بگو عبادت من و قربانی من و زندگی من و مرگ من تنها برای خداست که پروردگار همه جهانها است (۱۶۳)

قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي
لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٤﴾

اورا کسی شریک نیست و به این امر شده ام و من اولین مسلمانان هستم (۱۶۴)

لَا شَرِيكَ لَهُ ۚ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ
الْمُسْلِمِينَ ﴿١٦٥﴾

بگو آیا جز خدا پروردگاری بخوام حالانکه او پروردگار هر چیز است

قُلْ أَعْبُدُ اللَّهَ ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّيَ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ ۚ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا ۚ

وَلَا تَرِزُوا زُرَّةً وَزُرَّاءَ حُرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ
رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ
فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿١٦٥﴾

و نفسی [بدی] کسب نمیکند مگر
خلاف خودو هیچ باربرباردیگری
را بر ندارد. سپس بازگشت شما
بسوی پروردگار شماست. پس او
شما را آگاه سازد به آنچه شما
در آن اختلاف میکردید (۱۶۵)

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ خَلْفَ الْأَرْضِ
وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ
لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ ۗ إِنَّ رَبَّكَ
سَرِيعُ الْعِقَابِ ۗ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٦٦﴾

و او است آنکه شما را وارث زمین
قرار داد و بعضی از شما را بر بعضی
در مراتب رفعت داد تا شما را
بیازماید در آنچه شما را اعطا کرد
و یقیناً او آمرزنده بارها رحم
کننده است (۱۶۶)

۷- سورة الاعراف

این سوره با استثنای چند آیاتش درمکه نازل آمده بود و با بسم الله ۲۰۷ آیت دارد.

دو سوره قبلی - سوره البقرة و سوره آل عمران - با حروف مقطعات "آلّم" شروع شده بودند. در این سوره حرف "ص" بر "آلّم" علاوه شده است. از این آگاهی پیدامیشود که موضوعاتی که در سوره های قبلی مزبور است بر آنها اینک موضوعاتی دیگر اضافه میشود که تعلق به صادق بودن خدای متعال دارد. در این سوره حرف "ص" رامیتوان بمعنای صادق القول نیز گرفت. اما در آیه ۳- سینه مبارک آنحضرت ﷺ را ذکر از کلمه "صدر" یافت میشود. از این معلوم میشود که آنحضرت ﷺ را در باره مضامین سوره های که با "آلّم" شروع میشوند و اینکه آنها از جانب خدای متعال هستند، یقین و علم کامل بود.

در این سوره نسبت به سوره های قبلی این موضوع اضافی بیان میشود که نه تنها آنهائیکه ایمان نیآوردند پرسیده شوند بلکه پیغمبران نیز پرسش شوند که تا چه حدی تکلیف خودشان را بجا آورده بودند.

در این سوره باز ذکر از آدم میشود. او به امر خدا آفریده شد و گاهی که خداوند روح خود را در او دمید سپس نوع بشر به اطاعت او فرمان شدند. اینجا ذکر از آنحضرت ﷺ به این معنا است که بزرگترین سجده بحضور خدا ایشان کرده بودند و بهمین نسبت جمیع نوع انسان به اطاعت ایشان فرمان شدند. در پایان سوره گذشته ذکر از این سجده آنحضرت ﷺ

با این کلمات رفته است - قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنَسْكَيَ وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ". پس کسیکه هر چیز او برای خدا واگذار گردد بحضور او بتعظیم خم شدن هرگز شرک نیست بلکه اطاعت از او اطاعت از خدا خواهد بود. بعدما ذکر از آن جامه ای است که بظاهر حضرت آدم بشکل برگها تن کرده بودند اما معنای آن جز جامه تقوی جامه دیگری نیست. به این نحو نسل انسان مگذار داده شد که بطوریکه یکبار شیطان آدم را لغزانیده بود او امروز نیز همچنان قومهای پیغمبران را نیرنگ میزند. معنای بیرون رفتن از بهشت عبارت از تجاوز کردن از اوامر شریعت میباشد. زیرا که بهشت همان در دایره شریعت واقع است و بیرون از آن جز جهنم چیزی نیست. امروز نیز نوع انسان بعلت تجاوزگری از حدود شریعت مبتلا به هر نوع جهنم از حیث بدنی و روحی گردانده شده اند. این موضوع که زینت حقیقی زینت تقوی است در این سوره بدین ترتیب بیان میشود که از رفتن به مسجد نایل به زینت نمیشوید تا آنگاه که زینت خود یعنی تقوی را باخود همراه نبرید.

در این سوره سخن از آن بلندترین مقام آنحضرت ﷺ گفته میشود که به هیچکدام پیغمبر دیگری نصیب نشده است. ایشان و یاران ایشان چنین معرفت به شناسائی اهل بهشت اعطا شدند که روز قیامت هر کدام روان را از روی رفعت معنوی خود بشناسند که آیا آن روان بهشتی است یا جهنمی.

پس از آن، ذکر شماری از پیغمبران گذشته میرود که ایشان نیز برای رهنمائی قومهای خویش فرستاده شده بودند و ایشان بیهای فداکاریهای

والای خود قومهای خود را سامان هدایت مهیا کرده بودند اما در مقابل همه ای رسولان بزرگترین مهیا کننده اسباب هدایت آنحضرت ﷺ میباشند. سپس تفصیل به این امر داده میشود که پیغمبران پیشین نیز بر مراتبی بلندتر روحانی برگزیده شده بودند ولی فیض ایشان محدود بود و هیچکدام پیغمبر پیش از آنحضرت ﷺ بر رتبه فیض بخش جهانی برگزیده نشده بود. پس رسول الله ﷺ بعنوان سردار تمامی پیغمبران بنا بر این برگزیده شدند که ایشان برخوردار به رساندن رحمت به همه جهانها بودند یعنی رحمت بودند برای خاوران و باختران و نیز برای عرب و عجم. همچنان رحمت بودند برای انسانها و جمله جنبنندگان و آفریدگان و سخن بدین امر بسیار در احادیث نیز یافت میشود.

قیامتهای که قرار بود بوسیله آنحضرت ﷺ برپا کرده شوند نخستین آن در زندگانی ایشان برپا شده بود. ذکر از آن در آیه مبارکه "اقتربت الساعة وانشق القمر" یافت میشود و دومین قیامت قرار بود که در زمان "آخرین" صورت بگیرد. آنگاه آن مردگان که پس از احیاء دوباره مردگان شدند مجدداً آنها را به حیاتی برخوردار کردن بود. و سپس قیامت دیگری آنست که قرار بود بر اشرارالناس واقع گردد. این قیامتها وابستگی عمیقی به بعثت آنحضرت ﷺ دارند.

☆ سُورَةُ الْأَعْرَافِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ مِائَتَانِ وَسَعٌ آيَاتٌ وَأَرْبَعَةٌ وَعِشْرُونَ رُكُوعًا

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده بارها رحمتکننده (۱)

الْمَصَّ ②

الف لام میم صاد [أَنَا اللَّهُ أَعْلَمُ

صَادِقُ الْقَوْلِ] من خدا از همه

داناتر و راست گفتار ام (۲)

[این] کتابی بزرگ است که به

سوی توناز لکرده شد. پس درسینه

تو از آن احساس تنگی نباشد تا

به آن هشدار دمی و مومنان را

تذکراست (۳)

پیروی کنید از آنچه از پروردگار

شما به سویتان نازل کرده شد

و به ترک او از خداوندان پیروی

نکنید. بسیار کم است آن پند که

شما میگیرید (۴)

چه بسا از قریه های است که آنها

را هلاک ساختیم. پس عذاب ما

آنها را آمدشگاه یا آنان به قیلوله

بودند (۵)

كِتَابٍ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ

حَرْجٌ مِّنْهُ لِتُنذِرَ بِهِ وَذِكْرَى

لِلْمُؤْمِنِينَ ③

اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا

تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ ۗ قَلِيلًا مَّا

تَذَكَّرُونَ ④

وَكَمْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا

بَيَاتًا أَوْ هُمْ قَائِلُونَ ⑤

فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ إِذْ جَاءَهُمْ بُأَسْنَا إِلَّا
أَنْ قَالُوا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ①

پس فریاد آنها نبود منگامیکه عذاب
ما آنها را آمد جز اینکه گفتند، یقیناً
ما ستمکاران بودیم (۶)

فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ
وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ ②

پس یقیناً ما خواهیم پرسید از
آنان که پیغمبرانی بسوی آنها
فرستاده شده بودند و البته از
پیغمبران نیز خواهیم پرسید (۷)
و وقایع تاریخی را البته برآنان
بعلم خواهیم خواند و میجگاہ ما
غایب نمانده ایم (۸)

فَلَنَقُصِّبَ عَلَيْهِمْ بِعِلْمٍ وَ مَا كُنَّا
غَائِبِينَ ③

و آنروز فقط حق وزین گردد. پس
وزن کرده های آنانکه وزین باشد
پس آنان پیروزمندانند (۹)

وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ ④ فَمَنْ ثَقُلَتْ
مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ①

وآنکه وزن کرده هایش سبک آمد
پس همانها اند که خویشتنان را
زیان دادند چه به آیتهای ما بی
عدالتی میکردند (۱۰)

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ
خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا
يُظْلِمُونَ ②

و یقیناً شمارا در زمین تمکن دادیم
و برای شما در آن امرار معاش
نهادیم. کم است آن سپاس که می

وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْنَا لَكُمْ
فِيهَا مَعَايِشَ ③ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ④

گذارید (۱۱)

و یقیناً ما شمارا آفریدیم. سپس شما را صورت دادیم. سپس بفرشتگان گفتیم که برای آدم سجده کنید. پس همه سجده کردند جز ابلیس.

او از سجده کنندگان نشد (۱۲)

[خدا] گفت، چه مانعی تو شد که سجده نکردی چون بتو فرمان کردم. گفت، من بهتر از اویم. مرا از آتش خلق کردی و او را از

گل خلق کردی (۱۳)

[خدا] گفت: از این خارج شو. پس توفیق نیابی در آن تکبر کنی. پس خارج شو یقیناً تو از خوارشدگان ای (۱۴)

او گفت. مرا فرصت بده تا روزیکه مردم برخیزانده شوند (۱۵)

[خدا] گفت. یقیناً تو از مهلت دادگان ای (۱۶)

او گفت: پس چون مرا گمراه قرار دادی یقیناً من در کمین ایشان بر راه راست تو بنشینم (۱۷) ++

وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَكِ اسْجُدُوا لِلْآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ ﴿۱۲﴾

قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ ۚ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ ﴿۱۳﴾

قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّغِيرِينَ ﴿۱۴﴾

قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ ﴿۱۵﴾

قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ﴿۱۶﴾

قَالَ فِيمَا آغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿۱۷﴾

ثُمَّ لَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ ﴿١٨﴾

سپس حتماً آیم بر آنان از پیشروی آنان و پشتسر آنان و از راستهای آنان و از چپهای آنان و بیشتر آنها را سپاسگذار نیایی (۱۸)

قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْمُومًا مَّدْحُورًا لَمَنْ يَتَّبِعْكَ مِنْهُمْ لَا مَلَكَ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿١٩﴾

[خدا] گفت: بیرون شو از اینجا مذمت شده و رانده شده. البته آنکه از آنها از تو پیروی کند حتماً جهنم را از جمیع شما پرکنم (۱۹)

وَيَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٢٠﴾

و ای آدم تو و زوجت در بهشت مسکن گزینید و بخورید از هر کجا خواستید و نزدیک این درخت نه روید که از ستمکاران شوید (۲۰)

فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوَاتِحِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ ﴿٢١﴾

پس شیطان آندو را وسوسه داد تا برای آندو آشکار سازد بعضی از عورتهای را که بر آندو پنهان کرده شد و گفت، پروردگارتان شما دوی را از این درخت فقط برای

++ آیت ۱۷: تا محافظت خصوصی از خدای متعال نباشد گسانیکه بر راه مستقیم گامزن اند نیز از نیرنگ شیطان محفوظ نیستند. درباره گسانیکه قرآن مجید مفضوب علیهم و ضالین گفته است ایشان نیز بر راه مستقیم گامزن بودند ولی از نیرنگ شیطان لغزانیده شدند.

این نهی کرده است مبادا دوفرشته بشوید یا از جاویدان بشوید (۲۱) و [شیطان] برای آندو قسمها خورد که من فقط از اندرزگویان شما هستم (۲۲)

پس آندو را بفریب عشوه کرد. پس وقتی که آندو از آن درخت به لب زدند پس عریانیهای ایشان بر آندو پدیدار شد و برگهای بهشت را بر خود پوشاندن گرفتند و پروردگار ایشان به آندو ندا کرد آیاشمارا ازین درخت نهی کرده و نه گفته بودم که یقیناً شیطان دشمنی آشکار شما است (۲۳)

آندو گفتند، پروردگارا ابر جانهای خود ستم کردیم و اگر ما را نه بخشی و بر ما ترحم نکنی حتماً از زیانکاران باشیم (۲۴)

[خدا] گفت، مه [از اینجا] بیرون روید [حالیکه] بعضی از شما بیعضی دشمن باشند و شما را در زمین

وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ الصَّٰحِحِينَ ﴿٢١﴾

فَدَلَّهُمَا بِعُرْوَةٍ ۚ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَ
بَدَتْ لُهُمَا سَوَآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفْنَ
عَلَيْهِمَا مِنْ وَّرَقِ الْجَنَّةِ ۖ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا
أَلَمْ أَنهَكُمَا عَن تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُلُّ
لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٢٢﴾

قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ
تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ
الْخٰسِرِينَ ﴿٢٣﴾

قَالَ اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ ۚ
وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ

حِينَ ١٥

تا زمانی قرارگاه و بهره ناچیزی
کشیدن است (٢٥)

[خدا] گفت، شما در این زیست کنید
و در این بمیرید و از این بیرون
آورده شوید (٢٦)

ای فرزندان آدم! یقیناً نازل کرده
ایم برایشما لباسی که عورت‌های
شما را میپوشد و موجب زینت
است و نسبت به لباس تقوی! آنکه
بهترین است. این کمی از آیه‌های
خدا است تا باشد که ایشان پند
بپذیرند (٢٧)

ای فرزندان آدم! هرگز شیطان شما
را به آزمایش نیفکند بطوریکه
مادرو پدر شما را از بهشت خارج
گردانده بود. او لباس ایشانرا از
ایشان برکنده بود تا عورت‌های
ایشان را برایشان آشکار سازد.
یقیناً او و دارودستانش شما را از
جای بنگرند که شما آنها را نتوانید
بنگرید. یقیناً ما شیطانها را دوستان

قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا
تُخْرَجُونَ ١٦

يَبْنِيَّ آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا
يُؤَارِي سَوَاتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسَ
التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ
لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ١٧

يَبْنِيَّ آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا
أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا
لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوَاتِهِمَا ۗ إِنَّهُ
يَرِيكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِمَّنْ حَيْثُ لَا
تَرَوْنَهُمْ ۗ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيْطَانَ أَوْلِيَاءَ
لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ١٨

آنهائی قرار دادیم که ایمان نمی

آرند (۲۸)

و منگامیکه فحشائی کنند گویند

ما پدران خود را برآن یافتیم و

خدا ما را برای آن دستور داده

است. بگو یقیناً خدا به فحشائی

دستور نمیدهد. آیا بر خدا میگویند

آنچه نمیدانید (۲۹)

بگو. پروردگارم به عدالتمندی

امر کرده است نیز اینکه در هر

مسجدی رویهای خود را [بسوی خدا]

راست نمایید و دین را برای او

خالص کرده او را بخوانید. شما

[پس از مرگ] برگردید بطوری

که او شما را نخستین بار ابداع

کرد (۳۰)

او گروهی را هدایت داد و گروهی

است که بر آنها گمراهی لازم شد.

مانا آنان خدا را ترک کرده

شیطانها را دوست گرفتند و گمان

کنند آنها هدایت یافتگانند (۳۱)

وَإِذْ أَفَعَلُوا فاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا

آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ

بِالْفَحْشَاءِ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۲۸﴾

قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا

وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ

مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ

تَعْوَدُونَ ﴿۲۹﴾

فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ

إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيْطِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ

اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنََّّهُم مُّهْتَدُونَ ﴿۳۱﴾

يَبْنِيْ اٰدَمَ خُذُوْا زِيْنَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ
وَكُلُوْا وَاشْرَبُوْا وَلَا تُسْرِفُوْا ۗ اِنَّهٗ لَا يُحِبُّ
الْمُسْرِفِيْنَ ﴿٣٧﴾

بِسْمِ

ای فرزندان آدم در هر کدام مسجد
زینت خود [لباس تقوی] اختیار
کنید و بخورید و بنوشید و زیاده
روی نکنید یقیناً خدا زیاد روی
کنندگان را دوست ندارد (۳۲)

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِيْنَةَ اللّٰهِ الَّتِيْ اَخْرَجَ لِعِبَادِهِ
وَاطْيَبَتِ مِنَ الرِّزْقِ ۗ قُلْ هِيَ لِلَّذِيْنَ
اٰمَنُوْا فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَّوْمَ الْقِيٰمَةِ ۗ
كَذٰلِكَ نَفِصَلُ الْاٰيٰتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُوْنَ ﴿٣٧﴾

بگو که آن زینت خدا را که او
برای بندگان خود پدید آورد و
پاکیزه های رزق را حرام کرده
است؟ بگو آنها در این دنیا برای
مومنان است و در روز قیامت که
خالصاً برایشان است. اینگونه ما
آیتهای خود را بروشنی بیان کنیم
برای قومیکه دانشمند اند (۳۳)

قُلْ اِنَّمَا حَرَّمَ رِبِّيْ الفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ
مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ ۗ وَاِلَّا تُرْمَوْنَ بِغَيْرِ الْحَقِّ
وَاَنْ تُشْرِكُوْا بِاللّٰهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهٖ سُلْطٰنًا
وَاَنْ تَقُوْلُوْا عَلٰى اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ ﴿٣٤﴾

بگو. پروردگارم فحشایهاچه عیان
از آنها و چه نهان و گناه و بغی
بناحق و اینکه با خدا شریک قرار
دهید آنچه را که بحق آن او دلیلی
نازل نکرده است و اینکه بر خدا
سخنی گوئید که نمیدانید. حرام
قرار داده است (۳۴)

وَلِكُلِّ اُمَّةٍ اَجَلٌ ۗ فَاِذَا جَآءَ اَجَلُهُمْ لَا

و برای هر کدام امت نهایت

زمانی معین است. پس هرگاه نهایت زمانی ایشان برسد نتوانند تاخیر کنند لحظه‌ی و نتوانند پیشی گیرند (۲۵)

ای فرزندان آدم! هرگاه شما را بیاید رسولی از خود شما که آیت‌های مرا بر شما فروخواند آنگاه هر که تقوی راپیش گیرد و اصلاح نماید پس نیست ایشان را بیمی‌ونه اندوه خوردند (۲۶) +

و کسانی که به آیت‌های ما تکذیب واز آنها سرباز زدند همانها اهل جهنم اند و آنها مدت دراز در آن می مانند (۲۷)

پس کیست ستمکارتر از آنکه بر خدا دروغ بزند یا به آیت‌های او تکذیب کند همانها اند که آنها را سهم آنان از نوشته تقدیر برسد تا چون فرشتگان ما نرد آنها بیایند

يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ﴿٢٥﴾

يَبْنِي آدَمَ إِمَامًا يَا تَيْبَتِي كُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي لَفَمِنَ الثَّقَىٰ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٦﴾

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٧﴾

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ ۗ أُولَٰئِكَ يَأْتُهُمُ نَصِيبُهُم مِّنَ الْكِتَابِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمْ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُوا آئِنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ

++ آیت ۲۶: خطاب عمومی به فرزندان آدم است که هرگاه آنانرا رسولان ما بیایند و

آیت‌های خدا را بر آنان بخوانند آنگاه باید شما از آنها روگردانی نکنید.

مِنْ دُونِ اللَّهِ ^ط قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا
عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا الْكَافِرِينَ ﴿٣٨﴾

که آنرا وفات دهند گویند، کجا
اند آنچه ما را جز خدا میخواندید؟
[جواباً] گویند، آنها همه از ما گم
گشته اند و خلاف نفسهای خود
گواهی دهند که آنها کافران
بودند (۳۸)

قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ
مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ ^ط كُلَّمَا دَخَلَتْ
أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا ^ح حَتَّىٰ إِذَا دَارَكُوا
فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَبْتُمْ لِأَوْلِهِمْ
رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ عَذَابًا
ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ ^ط قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٍ
وَلَكِن لَّا تَعْلَمُونَ ﴿٣٩﴾

[خدا] گوید، بداخل آتش شوید با
قوم های از جن و انس که پیش
از شما در گذشته اند. هرگاه امتی
وارد [آتش] شوند برخواهر [دار
ودسته] خود لعنت فرستند تا آن
انتها که هرگاه همه در آن جمع
شوند آخرین آنان درباره اولین
خود گویند پروردگارا! همانها
ما را گمراه کرده بودند. پس عذاب
آتش را برای آنها دو برابر بیا فزا.
او گوید، هر کس را [عذاب] دو برابر
میرسد و اما شما نمیدانید (۳۹)

وَقَالَتْ أَوْلَهُمْ لِأُخْرَبْتُمْ فَمَا كَانَ
لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ فذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا

[گروه] اولین ایشان به آخرین
خود گویند: شما را بر ما هیچ برتری
نیست. پس عذاب آتش را بچشید

بعلمت آن گناه که میکردید (۴۰)
یقیناً کسانی که به آیت‌های ماتکذیب
کردند و از آنها تکبر نمودند برای
آنان درب‌های آسمان گشوده نه
شود و وارد بهشت نشوند تا
آنگاه که شتری به چشمه سوزان
برود و مجرمان را پاداش این
گونه میدهم (۴۱)

برای آنها جایگامی است مهیا
شده در جهنم و از فوق آنان پوشه
های [ظلمت] لا به لا باشد و ستم
کاران را پاداش اینگونه می
دهیم (۴۲)

و کسانی که ایمان آوردند و اعمال
نیکی بجا آوردند مانفسی را فراتر
از گنجایش او تکلیف نمیکنیم.
ایشان اهل بهشتند. ایشان در آن
جا ویدانند (۴۳)

و هر کینه را از سینه‌های آنان
برکشیم. زیر آنها نهرهای روان
شود و ایشان گویند ستایش مطلق

كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿٤٠﴾
إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا
تُفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ
الْجَنَّةَ حَتَّىٰ يَلْبِغَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ ۗ
وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ ﴿٤١﴾

لَهُمْ مِّنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ فَوْقِهِمْ
غَوَاشٍ ۗ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿٤٢﴾

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا
نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ۗ أُولَٰئِكَ
أَصْحَابُ الْجَنَّةِ ۗ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٤٣﴾

وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غِلٍّ تَجْرِي
مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ ۗ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ

برای آن خداست که ما را برای اینجا هدایت نمود حالیکه مرکز ما راه یافتگان نبودیم اگر خدا ما را هدایت نמידاد. یقیناً رسولان پروردگارا بحق آمده بودند و ندا کرده شوند که این آن بهشت است که شما وارث آن قرار داده شدید بعلت آنچه میکردید (۴۴)

و بهشتیان به جهنمیان ندا زنند که یقیناً ماصدق کرده یافتیم آنچه پروردگارا وعده داد. آیا شما نیز صدق کرده یافتید به آنچه پرورد - دگارتان وعده داد؟ [جهنمیان] گویند. بلی. آنگاه منادیی در میان ایشان بانگ زندگه لعنت خدا باد برستمکاران (۴۵)

آنانکه از راه خدا باز میدارند و آن را کج میخوانند و آنها به آخرت منکرانند (۴۶)

و در میان ایشان پرده حائل است و برجهای مرتفع مردانی

الَّذِي هَدَيْتَنَا إِلَىٰ هَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَيْتَنَا اللَّهُ ۖ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ مِنَّا بِالْحَقِّ ۖ وَنُودُوا أَنْ تِلْكَ كُمُ الْجَنَّةِ أَوْ رِثْمُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٤٤﴾

وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا ۖ قَالُوا نَعَمْ ۗ فَأَذْرَكُ مَوْذِنٌ مِّنْ بَيْنِهِمْ أَنْ نُعْنَهُ اللَّهُ عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿٤٥﴾

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا ۗ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ ﴿٤٦﴾
وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ ۗ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمِهِمْ ۗ وَنَادُوا

اند که همه را به سیمایشان
بشناهند و بهشتیان را ندا کنند که
درود بر شما. ایشان بداخل آن
[بهشت] نشده اند حالانکه ایشان

[به آن] آرزو خواهند داشت (۴۷)

و چون دیدگان ایشان بسوی
جهنمیان برگردانده شود گویند،
ای پروردگارا! ما را با قوم ستم
کاران نگردان (۴۸)

و اهل جامای مرتفع مخاطب
شوند به مردانی که آنها را از
سیمای ایشان بشناسند و گویند،
نه گرد هم آیی شما بکار شما آمد
و نه آنچه شما تکبر می
ورزیدید (۴۹)

آیا همانها نیستند که شما قسمها می
خوردید که خدا برایشان ترحم
نخواهد کرد؟ [ای مومنان!] بداخل
بهشت شوید. شمارا نه بیمی است
و نه شما اندوهگین شوید (۵۰)
اهل آتش ندا زنند اهل بهشت را

أَصْحَابِ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَّمَ عَلَيْكُمْ
لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ ﴿۴۷﴾

وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ
أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ
الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿۴۸﴾

وَنَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا
يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمِهِمْ قَالُوا مَا أَغْنَى
عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ
تَسْتَكْبِرُونَ ﴿۴۹﴾

أَهْوَلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَأْتِيهِمُ اللَّهُ
بِرَحْمَةٍ أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ
عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ﴿۵۰﴾

وَنَادَى أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ
أَفِضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِزْزِقْكُمْ اللَّهُ

قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهَا عَلَى الْكَافِرِينَ ۝۵۱

که کسی از آب و آنچه خدا بشما
رزق در داده است بسوی ما نیز
بریزید. گویند، یقیناً خدا این هر
دو را بر کافران حرام نموده
است (۵۱)

الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَ لَعِبًا
وَ غَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنسِفُهُمْ
كَمَاسٍ مَّوَالِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُوا
بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ۝۵۲

کسانیکه دین خود را ببازی و
هزل گرفتند و زندگی دنیا آنها
را فریبداد پس امروز ما ایشان
را همانگونه فراموش نمایم که
ملاقات اینروز خود را فراموش
کرده بودند و چه به آیتهای ما
انکار میکردند (۵۲)

وَلَقَدْ جِئْتَهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ
هُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝۵۳

و یقیناً ما ایشان را کتابی آورده
بودیم که آنرا بر مبنای علم تفصیل
داده بودیم آن هدایت و رحمت
بود آنرا که ایمان میآوردند (۵۳)
آیا آنها فقط به تاویل آن انتظار
دارند؟ روزیکه تاویل آن بیاید
آنهائی که ازین پیش آن [کتاب]
را فراموش کرده بودند گویند:
رسولان پروردگار ما یقیناً بحق

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ ۗ يَوْمَ يَأْتِي
تَأْوِيلَهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ
جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ ۚ فَهَلْ لَنَا مِنْ
شُفْعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلْ

آمده بودند. پس آیامارا ازشفعیان هستند که برای ماشفاعت کنند یا ما برگردانده شویم تا عمل کنیم بغیر از آنکه میگردیم. یقیناً جانهای خود را زیان زدند و ناپیدا شد از آنها آنچه برمیافتند (۵۴)

یقیناً پروردگارتان آن خدای است که آسمانها و زمین را درشش زمان آفرید. سپس بر عرش قرار گرفت او روز را با شب میپوشاند در حالیکه روز آنرا بشتاب میطلبد و خورشید و ماه و ستارگان [را آفرید که] به امرش مسخر شده اند. باش! آفریدن و امر کردن برای او اختصاص دارد. بس تنها او صاحب برکت ثابت شد که پروردگار همه جهانها است (۵۵) ++

غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ ۗ قَدْ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٥٤﴾

۱۱۳

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ۗ يُغْشَىٰ اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا ۗ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مَسْحَرَاتٍ بِأَمْرِهِ ۗ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ ۗ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٥٥﴾

++ آیت ۵۵: منظور از شش روز شش دور است و یک دور میلیونها ساله هم توان باشد. مفهوم "استوار بر عرش" اینست که پس از آفرینش را تمام کرده خدا از آفریدگان خود بی تعلق نمیشود بلکه همچون یک پادشاه که قوم خویش را نگهبانی میکند خدا هم آفرینشهای خود را نگهبانی میکند.

پروردگار خود را با تضرع و نهانی
 بخوانید یقیناً او تجاوزگران را
 دوست ندارد (۵۶)

و در زمین پس از اصلاحش فساد
 نگسترید و او را با بیم و امید
 بخوانید. یقیناً رحمت خدا نزدیک
 محسان است (۵۷)

و او است آنکه بادها را پیشرو
 رحمت خود مژده دهنده میفرستد
 تا آن انتها چون آن ابری سنگین
 را بر میدارد آنرا به دیاری
 مرده میرانیم. پس آب را از آن
 نازل میکنیم. پس به آن هرنوع
 میوههای را در میآوریم. همینگونه
 مامردگان را [زننده کرده] بیرون
 میآوریم تا شمایند بپذیرید (۵۸)
 و سر زمین پاك را رستنی آن به
 اذن پروردگارش [پاك] بیرون
 آید و از آنکه ناپاکست بیرون
 نمیآید جز چیزی بپست. این طور ما
 آیتهای خود را بیان کنیم برای

ع

أَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ
 لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿٥٦﴾

وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا
 وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ
 قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٧﴾

وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا ابْنَ يَدَى
 رَحْمَتِهِ ۗ حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا لِّثِقَالًا
 سَقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ
 فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ ۗ كَذَلِكَ
 نُخْرِجُ الْمُوتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٥٨﴾

وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ
 رَبِّهِ ۗ وَالَّذِي خَبُثَ لَا يَخْرِجُ إِلَّا
 نَكِدًا ۗ كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ
 يَشْكُرُونَ ﴿٥٩﴾

قومیکه سپاسگذارند (۵۹)

البته مانوح را نیز بسوی قومش فرستاده بودیم. پس او گفت: ای قوم من خدا را عبادت کنید که شمارا جز او هیچ معبودی نیست. یقیناً من بر شما از عذاب روزی بزرگ میترسم (۶۰)

سرداران قومش گفتند، ای نوح یقیناً ما تو را در گمراهی آشکارا می بینیم (۶۱)

[نوح] گفت: ای قوم من! گمراهی به من نیست بلکه از پروردگار همه جهانها رسولی هستم (۶۲)

پیامهای پروردگار خود را بشما ابلاغ مینمایم و شمارا نصیحت میکنم و می دانم از خدا آنچه شما نمیدانید (۶۳)

آیاتعجب میکنید که شما را پندی از پروردگار شما بر مردی از خود شما آمده تا شما را هشدار دهد و تا تقوی را اختیار کنید و تا

لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ ۖ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٥٩﴾

قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرِيكَ فِي صَلَاتٍ مُّبِينٍ ﴿٦٠﴾

قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَلَٰكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦١﴾

أَبَلِّغُكُمْ رِسَالَتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٢﴾

أَوْ عَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٦٣﴾

باشد که رحم کرده شوید (۶۴)
 پس او را تکذیب کردند و ما او
 و آنرا که با او درکشتی بودند
 نجات دادیم و آنانکه به آیتهای
 ماتکذیب کردند را غرق نمودیم.
 یقیناً آنها قومی کور بودند (۶۵)

و بسوی عاد برادر آنان هود [
 را فرستادیم] او گفت ای قوم
 من! خدا را عبادت کنید. شمار هیچ
 معبودی نیست جز او. آیا شما تقوی
 را اختیار نمیکنید؟ (۶۶)

آن سرداران از قومش که کفر
 کرده بودند گفتند: یقیناً ما ترا
 در سفاقت مینگریم و بر راستی ما
 میپنداریم که حتماً تو از دروغ
 گویانی (۶۷)

[هود] گفت: ای قوم من! سفاقتی در
 من نیست بلکه من رسولی ام از
 پروردگار جهانها (۶۸)

پیغامهای پروردگار خود را بشما
 ابلاغ مینمایم و من برایشما

فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي
 الْفُلِكِ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
 إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ ١٥

ع
١٥

وَالِى عَادِ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَقَوْمِ
 اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنَ الْإِغْيَرَةِ ١٥ أَفَلَا
 تَتَّقُونَ ١٦

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ إِنَّا
 نَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنُظُنُّكَ مِنَ
 الْكَاذِبِينَ ١٧

قَالَ يَقَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي
 رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ١٨

أَبْلَغُكُمْ رَسُولًا لِّرَبِّي وَإِنَّا لَنُكَلِّمُكُمْ نَاصِحًا
 أَمِينًا ١٩

نصیحت کننده ای مورد اعتماد

هستم (۶۹)

آیا تعجب میکنید که شما را پندی
از پروردگارتان بر مردی از خود
شما آمده است تا شما را هشدار
دهد و بیاد آورید چون او بعد
از قوم نوح شما را جانشین قرار
داد و در آفرینش نسل شما فرای
داده شما را افزود. پس بیاد آورید
نعمتهای خدا را تا رستگار

شوید (۷۰)

گفتند: آیا نزد ما آمدی تا خدا را
یکتانه عبادت کنیم و رها کنیم
آنها را که پدران ما عبادت می
کردند؟ پس بیار برای ما از آن
چه ما را میترسانی اگر تو از

راستگوییانی (۷۱)

او گفت یقیناً ناپاکی و غضب از
پروردگارتان بر شما واجب شده
است آیا درباره آن نامه‌های بمن
ستیزه میکنید که شما و پدران

أَوْعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَ كُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ
عَلَى رَجُلٍ مِّنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ ۖ وَادْكُرُوا
إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ
وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَضْطَةً ۚ فَادْكُرُوا
آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٦٩﴾

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذْرًا
مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا ۚ فَاتَّبِعْنَا إِنْ
كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٧٠﴾

قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ رِجْسٌ
وَغَضَبٌ ۖ أَتُجَادِلُونَنِي فِي أَسْمَاءِ
سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا نَزَّلَ اللَّهُ

شما بر نهاده اید در حالیکه خدا در حق آنها هیچ دلیلی نازل نکرده است. پس منتظر باشید. منهم با شما از جمله منتظرانم (۷۲)

پس ما او را و آنانکه با او بودند بر رحمت خود نجات دادیم و ریشه آنها که به آیتهای ما تکذیب کردند بر کندهیم و آنها ایمان آوردگان نه بودند (۷۲)

و بسوی نمود برادر ایشان صالح [را فرستادیم که] گفت: ای قوم من خدا را عبادت کنید. شمارا جز او هیچ معبودی نیست یقیناً شما را دلیلی آشکار از پروردگارتان آمده است. این ناقه خدا برای شما آیتی است. پس آنرا بگذارید که در زمین خدا چرا کند و آنرا نیآزاید که شما را عذابی دردناک فرا گیرد (۷۴) ++

بِهَٰمِنْ سُلْطٰنٍ ۙ فَاَنْتَظِرُوْا اِلَيَّ مَعَكُمْ مِّنَ الْمُنْتَظِرِيْنَ ﴿٧٢﴾

فَاَنْجَيْنٰهُ وَالَّذِيْنَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَقَطَّعْنَا دَاۤ اِبْرَ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا اٰيٰتِنَا وَمَا كَانُوْا مُؤْمِنِيْنَ ﴿٧٣﴾

وَ اِلٰى ثَمُوْدَ اَخَاهُمْ صٰلِحًا ۙ قَالَ يٰقَوْمِ ۙ اَعْبُدُوْا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَيْرُهُ ۙ قَدْ جَآءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ ۙ هٰذِهِ نٰقَةٌ ۙ اللّٰهُ لَكُمْ اٰيَةٌ فَاذْرُوْهَا تَاْكُلْ فِيْ اَرْضِ اللّٰهِ وَلَا تَمْسُوْهَا بِسُوْءٍ فَيَاْخُذْكُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿٧٤﴾

++ آیت ۷۴: منظور از ناقه الله آن ناقه حضرت صالح بود که سوار بر آن قومش را پیغام رسالت ابلاغ میکردند. چون شماری از سرداران بدبخت که عدویشان را نه میگویند آن ناقه را بی کرده جلوتبلیغ رسالت را گرفتند مستوجب عذاب شدند.

و یاد کنید چون او شمارا پس از قوم
عاجانشین برگزید و شما را در
زمین آبادان کرد. شما در میداین
آن قصرها بنا کنید و برای ساختن
خانه ما کوه ما را میتراشید. پس
بیاد آید نعمتهای خدایا و منسدانه
در زمین تباهاکاری نکنید (۷۵)

آن سرداران از قومش که تکبر
کرده بودند به مستضعفان یعنی
آنانکه ایمان آورده بودند گفتند
آیا میدانید که صالح از پروردگار
خود پیغمبر شده است. آنان گفتند:
یقیناً ما با آن پیغام که او فرستاده
شد به آن ایمان می‌آریم (۷۶)

آنانکه تکبر کردند گفتند: یقیناً ما
آنرا که به آن شما ایمان آورده اید
انکار میکنیم (۷۷)

پس آنها ناقه را پی کردند و از
فرمان پروردگار خود نافرمانی
کردند و گفتند. ای صالح ایبار برای
ما به آنچه ما را میترسانی اگر تو

وَاذْكُرُوا اِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ
وَبَوَّأَكُمْ فِي الْاَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ
سُهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ
يُبُوتًا فَادْكُرُوا الْاِثْمَ الَّذِي كُنْتُمْ فِي
الْاَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿٧٥﴾

قَالَ الْمَلَا الَّذِيْنَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ
لِلَّذِيْنَ اسْتَضَعِفُوا الْمَنْ اَمِنْ مِنْهُمْ
اَتَعْلَمُونَ اَنْ صَالِحًا مَّرْسَلٌ مِنْ رَبِّهِ
قَالُوا اِنَّا بِمَا اُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ ﴿٧٦﴾

قَالَ الَّذِيْنَ اسْتَكْبَرُوا اِنَّا بِالَّذِيْ اَمْتُمْ بِهِ
كٰفِرُونَ ﴿٧٧﴾

فَعَقَرُوا وَالتَّاقَةَ وَعَعْتَوْا عَنْ اَمْرِ رَبِّهِمْ
وَقَالُوا اِيصْلِحْ اِنْتَابِمَا تَعِدُنَا اِنْ كُنْتَ مِنَ
الْمُرْسَلِيْنَ ﴿٧٨﴾

از رسولانی (۷۸)

پس زلزله شدید آنها را بگرفت و در خانه های خود بروی زانوها افتاده ماندند (۷۹)

پس او از آنها روی برگرداند و گفت: ای قوم من! یقیناً من پیغام پروردگار خود را بشمارسانیده ام و شمارا نصیحت کرده ام ولی شما نصیحت کنندگان را دوست ندارید (۸۰)

و لوط را [فرستادیم] چون بقوم خود گفت: آیاشا فحشائی آورید که به آن هیچیک از جهانیان پیشی نگرفت (۸۱)

یقیناً شما زنان را ترك کرده نزد مردان از روی شهوت میآیید بلکه شما قوم تجاوزگرانید (۸۲)

و جواب قومش نبود جز اینکه گفتند، آنها را از شهر خود تبعید کنید. همانا آنها کسانی اند که خودشان را پارسا میدانند (۸۳)

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جُثَمِينَ ﴿٧٨﴾

فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَاقَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّصِيحِينَ ﴿٧٩﴾

وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿٨٠﴾

إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ ۗ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ﴿٨١﴾

وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِنْ قَرْيَتِكُمْ ۗ إِنَّهُمْ أَنْفُسٌ يَتَطَهَّرُونَ ﴿٨٢﴾

پس او و املش رانجات دادیم
جز مسرش که آنزن از جمله
باز ماندگان شد (۸۴)

وبرآنها نوع باران بارانیدیم. پس
بنگر که عاقبت مجرمان چگونه
بود (۸۵)

وبسوی مدین برادرایشان شعیب
را [فرستادیم] او گفت: ای قوم
من خدا را عبادت کنید. شمارا جز
اومیچ معبودی نیست. شمارا از
پروردگاتان نشانه ای روشن آمده
است. پس کیل و ترازو را کامل
دهید و مردم را از کالایشان کم و
کاست ندهید و در زمین پس از
اصلاح آن فسادنگسترید. این در
حق شما بهتر است اگر شما مومنان
اید (۸۶)

ونه نشینید بر هر بزرگراهی تهدید
کسان و از راه خدا باز داشته آن
کس را که براو ایمان آورده باشد
و شما آن [راه] را کج میخواستید

فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ ۗ كَانَتْ مِنَ
الْغَابِرِينَ ﴿۸۴﴾

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا ۖ فَانظُرْ كَيْفَ
كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ ﴿۸۵﴾

وَالِى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا ۗ قَالَ يَاقَوْمِ
اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنَ الْعِيزَةِ ۗ قَدْ
جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ ۖ فَأَوْفُوا
الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ
أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ
إِصْلَاحِهَا ۗ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ
مُؤْمِنِينَ ﴿۸۶﴾

وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ
وَتَصَدُّونَ ۚ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ ۗ مَنْ أَمَنَ بِهِ
وَتَبِعُوهُنَّاءَ عَوجًا ۗ وَادْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ

و بیاد آورید چون شما کم بودید
 پس اوشماراتکشیر کرد و بنگرید
 که عاقبت فسادکاران چگونه
 بود (۸۷)

و اگر گروهی از شما ایمان آورده
 اند بر آن [هدایت] که به آن من
 فرستاده شده ام و گروهی ایمان
 نیاورند پس صبر کنید تا آنگاه
 که خدا میان ما فیصل دهد و او
 بهترین فیصل دهندگانست (۸۸)

قَلِيلًا فَكَثَّرَكُمْ ۖ وَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ
 عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ﴿٨٧﴾

وَإِنْ كَانَ ظَافِقَةً مِنْكُمْ مُّمْنُوا بِالَّذِي
 أَرْسَلْتُ بِهِ وَظَافِقَةً لَّمْ يُؤْمِنُوا
 فَاصْبِرُوا حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ
 خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ﴿٨٨﴾

آن سرداران از قوم او که تکبر کرده بودند گفتند: ای شعیب! احتماً ما تورا و آنانکه با تو ایمان آورده اند از شهر بیرون کنیم یا باید در ملت ما باز گردید. او گفت، آیا اگر چه ما ناپسند دارندگان هم باشیم؟ (۸۹)

یقیناً ما بر خدا دروغ بندیم اگر باز گردیم در ملت شما پس از آنکه خدا ما را از آن نجات داده است. برای ما غیر ممکن است که در آن باز گردیم مگر که خدا پروردگار ما بخواهد. پروردگار ما هر چیز را بدانش فرا گرفته است. ما بر خدا توکل میکنیم. ای پروردگار ما! میان ما و میان قوم ما فیصل بده و تو بهترین فیصل دهنده گانی. (۹۰)

و آن سرداران از قومش که کفر کرده بودند گفتند، اگر شما از شعیب فرمان بردید آنگاه حتماً

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِنُخْرِجَنَّكَ يَشْعِيبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا كَرِهِينَ ﴿٨٩﴾

قَدْ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ إِذْ نَجَّيْنَا اللَّهُ مِنْهَا وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُوذَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّنَا وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ ﴿٩٠﴾

وَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِيَنِ اتَّبَعْتُمْ شُعَيْبًا إِنَّكُمْ إِذًا لَخُسْرَونَ ﴿٩١﴾

شما زیان کارانید (۹۱)

آنگاه زلزله شدید آنها را بگرفت
و درخانه های خود به روی در
افتادگان شدند (۹۲)

آنانکه شعیب را تکذیب کردند
گویی هیچگاه در آن [میهن] اسکان
نداشتند. آنهاکه شعیب را تکذیب
کردند آنها زیانکاران بودند (۹۳)

پس [شعیب] از آنها روی برگرداند و
گفت ای قوم من! یقیناً پیامهای
پروردگار خود را به شما ابلاغ
نموده ام و برای شما پند گفته
ام. پس چگونه بر قوم کافران
افسوس بخورم (۹۴)

و در هیچ قریه ای رسولی نه
فرستادیم مگر که ساکنانش را
[بکفرشان] گناه بتنگی و گناه
بسختی بگرفتیم تا باشد که آنها
زاری کنند (۹۵)

پس حالت سختی را به خیر و
نعمت تبدیل نمودیم تا آن انتها

فَأَخَذْتَهُمُ الرَّجْفَةَ فَأَصْبَحُوا فِي
دَارِهِمْ جِثْمِينَ ﴿٩١﴾

الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا
فِيهَا ۗ الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَانُوا
هُمُ الْخٰسِرِينَ ﴿٩٢﴾

فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ
أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ
فَكَيْفَ أَتَى عَلَى قَوْمٍ كٰفِرِينَ ﴿٩٣﴾

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّبِيٍّ إِلَّا
أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ
لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ ﴿٩٤﴾

ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ
عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ

که [آنها] فرو گذاشتند و گفتند البتہ سختی و آسایش که به پدران ما نیز میرسید. پس ناگهان آنها را بگرفتیم در حالیکه آنها میچ درک نمیکردند (۹۶)

و اگر ساکنان قریه ما ایمان می آوردند و تقوی را اختیار میکردند یقیناً درهای برکاتی را از آسمان و زمین بر آنها میگشودیم. اما آنها تکذیب کردند. پس ما آنها را بگرفتیم بیاداش آنچه کسب می کردند (۹۷)

پس آیا ساکنان قریه ما ازین ایمن شده اند که عذاب شبی ما آنها را برسد حالیکه آنها خفتگان اند (۹۸)

و آیا ساکنان قریه ما ازین ایمن شده اند که عذاب چاشتگاهی ما آنها را برسد در حالیکه آنها بازی کنانند (۹۹)

پس آیا از تدبیر خدا ایمن شده

وَالسَّرَّاءِ فَأَخَذْنَهُمْ بَغْتَةً وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿۱۱﴾

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿۱۱﴾

أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيَاتًا وَ هُمْ نَائِمُونَ ﴿۱۲﴾

أَوْ أَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَ هُمْ يَلْعَبُونَ ﴿۱۳﴾

أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ ۚ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ

إِلَّا الْقَوْمَ الْخَاسِرُونَ ﴿١٠٠﴾

ع
ج

اند؟ پس ایمن شده خیال نکند از
تدبیر خدا جز قوم زیان
کاران (۱۰۰)

آیا برای آنانکه این زمین را بعد
از ساکنان آن ارث کرده اند
رهنمائی نکرد که اگر بخواهیم آنها
را بپاداش گناهمان آنها کفیم
و بر قلب های آنها مهرنیم تا آنها
نشنوند [و نفهمند] (۱۰۱)

این آن قریه هایست که اخبار
بعضی از آنها را برای توحکایت
میکنیم و یقیناً آنان را رسولان نشان
بانسانه های آشکار آمده بودند ولی
نبودند که ایمان میآوردند چه قبلاً
[نیز به رسولان] تکذیب کرده
بودند. این گونه خدا بر دلهای
کافران مهر مینهد (۱۰۲)

و بسیاری را از آنان پاس دهنده
هیچ عهدی نیافتیم و یقیناً بسیاری
را از آنان زشتکاریافتیم (۱۰۳)
باز پس از آنها موسی را با

أولم يهد للذين يريثون الأرض من
بعد أهلها أن لو نشاء أصبناهم
بذنوبهم^ع ونطبع على قلوبهم فهم
لا يسمعون ﴿١٠١﴾

تلك القرى نقض عليك من أنبائها^ع
ولقد جاءتهم رسلهم بالبينت^ع فما
كانوا ليؤمنوا بما كذبوا من قبل^ط
كذلك يطبع الله على قلوب
الكَفِرِينَ ﴿١٠٢﴾

وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ وَإِنْ
وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ ﴿١٠٣﴾
ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَى بِآيَاتِنَا إِلَى

آیتهای خود بسوی فرعون و سرداران او مبعوث نمودیم. پس آنان به آن [آیت] ما بی انصافی کردند. پس بنگر فرجام فساد کاران چگونه بود(۱۰۴)

وموسیٰ گفت: ای فرعون براستی من از پروردگار همه جهان ها رسولی ام(۱۰۵)

واجب است بر من که بر خدا جز حق سخنی نگویم. نشانه ای روشن از پروردگارتان برایشما آورده ام. پس بنی اسرائیل را با من بفرست(۱۰۶)

[فرعون] گفت: اگر نشانه آورده ای پس آنرا بیار اگر تو از راستگویان ای(۱۰۷)

پس او عصای خود را افکندید پس ناگاه آن علناً زدهائی بود(۱۰۸) +
و او دست خود را بیرون کشید پس ناگاه به بینندگان سفید دیده می شد(۱۰۹) ++

فِرْعَوْنَ وَمَلَأْ بِهِ قُلُوبَهُمْ فَأَنظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ﴿١٠٤﴾

وَقَالَ مُوسَىٰ يُفِرْعَوْنَ إِنِّي رَسُولٌ مِّنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٠٥﴾

حَقِيقٌ عَلَىٰ أَنْ لَا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ ۗ قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِّنْ رَبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿١٠٦﴾

قَالَ إِنَّ كُنْتَ جِئْتَ بِآيَةٍ فَأْتِ بِهَا إِن كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِينَ ﴿١٠٧﴾

فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ ﴿١٠٨﴾
وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنّٰظِرِينَ ﴿١٠٩﴾

سرداران از قوم فرعون گفتند
حتماً این جادوگر ماهری
است (۱۱۰)

او میخواید شما را از سرزمین
شما بیرون کند [فرعون گفت] شما
چه مشورت میدهید (۱۱۱)

گفتند، او و برادرش را فرصت
بده و در شهرها گردآوردگان را
بفرست (۱۱۲)

آنان هر نوعی جادوگر حرفه ای
را نزد تو بیارند (۱۱۳)

و جادوگران بر فرعون آمده
گفتند، یقیناً ما را پاداشی بزرگ
است اگر ما غالب آئیم (۱۱۴)

او گفت، بلی! بعلاوه حتماً شما از
جمله مقربان شوید (۱۱۵)

قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا
لَسِحْرٌ عَلِيمٌ ﴿۱۱۰﴾

يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ ۚ
فَمَاذَا تَأْمُرُونَ ﴿۱۱۱﴾

قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِي
الْمَدَائِنِ خَبِيرِينَ ﴿۱۱۲﴾

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سِحْرٍ عَلِيمٍ ﴿۱۱۳﴾

وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا
لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ ﴿۱۱۴﴾

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿۱۱۵﴾

آیات ۱۰۸ - ۱۰۹: این دو نشان از آن نه نشان است که حضرت موسی و حضرت
هارون علیهما السلام را از جانب خدا اعطاشد. از دیگر آیتها مشخص میشود که
چوب دستی بیقین ماری نشده بود بلکه دیدگان بینندگان در اثر تصرف خدای
متعال چوب دستی را ماری میدیدند. همینطور چگونگی دست حضرت موسی بود
که رنگش همان طبیعی بود اما بینندگان را بعنوان نشانه درخشان دیده میشد.

گفتند: ای موسی! [نخست] یا تو
بیفکن یا اینکه ما افکنندگان
باشیم (۱۱۶)

او گفت، شما بیفکنید. پس دمیکه
افکندند چشمان مردم را جادویی
کردند و آنانرا سخت ترساندند و
تردستی بزرگ آوردند (۱۱۷) ++
و ما بسوی موسی وحی فرستادیم
که عصای خود را بیفکن. پس ناگهان
آن فرو میبرد آن دروغ را که آنها
بهم مییافتند (۱۱۸) ++

پس حق واقع شد و آنچه داشتند
می کردند دروغ درآمد (۱۱۹)
پس آنان آنجا مغلوب کرده شدند
و خوار باز گشتند (۱۲۰)
و جادو گران به حالت سجده
افکنده شدند (۱۲۱)

قَالُوا يَا مُوسَى إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ
تَكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِينَ ﴿١١٦﴾

قَالَ اتَّقُوا فَلَمَّا أَتَقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ
النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُوا بِسِحْرِ
عَظِيمٍ ﴿١١٧﴾

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ
فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ﴿١١٨﴾

فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا
يَعْمَلُونَ ﴿١١٩﴾
فَغَلَبُوا هَمَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَغِيرِينَ ﴿١٢٠﴾

وَأَلْقَى السَّحْرَ سُجْدِينَ ﴿١٢١﴾

++ آیت ۱۱۷ - ۱۱۸: اینجا حقیقت جادو افشا کرده شد. کلمات "سحرو اعین الناس" می
گوید که چشمانشان را چگونه مسریم سان فرا گرفت با آنکه ریسمان از حالت
اصلی خود تغییر نیافته بود. این عمل حضرت موسی را نیز تحت تاثیر گذاشت اما چون
خدا فرمان کرده که چوبدستی را بیفکن پس تاثیر جادو شکست و از سربینندگان فرو رفت.

قَالُوا أَمْثَلِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٢٢﴾

گفتند، ما ایمان آوردیم به پروردگار همه جهانها - (۱۲۲)

رَبِّ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿١٢٣﴾

پروردگار موسی و هارون (۱۲۳)

قَالَ فِرْعَوْنُ أَمْثَلُ بِهِ قَبْلَ أَنْ أَدْنَلَ كُمْ ۚ إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَّكْرٌ مُّمَوِّهٌ فِي

فرعون گفت: آیا بر او ایمان آورده اید پیش از آنکه من شمارا اجازه میدادم؟ یقیناً این دسیسه‌ی است که در شهر به نیرنگ درست کرده

الْمَدِينَةَ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا ۚ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿١٢٤﴾

اید تا ساکنان آنرا از آن بیرون رانید. پس شما به زودی بدانید (۱۲۴)

لَا قَطْعَ ۚ أَيْدِيكُمْ وَأَرْجُلِكُمْ مِّنْ

حتماً دست و پاهایتان را از سمت مخالف میبرم سپس حتماً جمیع شما را بدار میکشم (۱۲۵)

خِلَافٍ ۚ ثُمَّ لَا صَلْبَ لَكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿١٢٥﴾

گفتند، یقیناً ما بسوی پروردگار خود بازگشتگانیم (۱۲۶)

قَالُوا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ ﴿١٢٦﴾

و عیبی از ما نمیکنی مگر که ما به آیتهای پروردگار خود ایمان آوردیم چون ما را آمد. پروردگارا! صبر را بر ما بریز و ما را مسلمانان بمیران (۱۲۷)

وَمَا تَنْتَقِمُ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا

جَاءَنَا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوْقِنَا

مُسْلِمِينَ ﴿١٢٧﴾

﴿١٢٦﴾

وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَدْرُ

وسرداران از قوم فرعون گفتند،

مُوسَىٰ وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ
وَيَذَرَكْ وَالْهَتَكَ ۗ قَالَ سَنُقْتِلُ
أَبْنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِ نِسَاءَهُمْ ۗ وَإِنَّا
فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ ﴿١٢٧﴾

آیا موسی و قومش را واگذاری
تادرزمین فسادکنند و تو و معبودان
تو را ترك کنند. او گفت. حتماً ما
پسران آنانرا کشته و زنان آنان
را زنده نگهداریم و یقیناً ما بر
آنها سخت زورمند ایم (۱۲۸)

قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ
وَاصْبِرُوا ۗ إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا
مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۗ وَالْعَاقِبَةُ
لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٢٨﴾

موسی بقوم خود گفت: یاری جوید
از خدا و صبر کنید. یقیناً زمین از آن
خدا است. او آنکه را از بندگان
خود خواهد وارث آن میگرداند
و فرجام نیکو برای پرهیزکاران
است (۱۲۹)

قَالُوا أُوذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَ مِنْ بَعْدِ
مَا جِئْتَنَا ۗ قَالَ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ
عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ
فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ﴿١٢٩﴾

[قومش] گفتند، ما آزاریده شدیم
پیش از آنکه نزد ما میامدی و هم
پس از آنکه نزد ما آمدی. گفت
نزدیک است که پروردگارتان
دشمن شمارا نابودسازد و شمارا
درزمین جانشین نماید پس بنگرد
چگونه عمل میکنید (۱۳۰)

وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ
وَنَقْصِ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ

و یقیناً ما فرعونیان را با قحطی
و زیان میوهها بگرفتیم تا آنها

فَإِذَا جَاءَتْهُمْ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَذِهِ ۗ
وَأِنْ تُصَبِّهُمُ سَيْئَةٌ يَظْتَرُوا بِمُوسَى
وَمَنْ مَعَهُ ۗ إِلَّا إِنَّمَا ظَنُّرُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ
وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٣١﴾

بند بگیرند (۱۳۱)

پس هنگامیکه آنها را خوبی می‌آمد
میگفتند، این از آن ماست و اگر
آنها را بدی می‌آمد آن را نحوست
موسی و آنانکه با او بودند قرار می
دادند. باش. مجوز از نحوست آنها
نزد خدا است و اما بیشتر آنان
نمیدانند (۱۳۲)

وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِيهِ مِنْ آيَةٍ لِّتَسْحَرَ نَابِهَا ۗ
فَمَا نَحْنُ بِكَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿١٣٢﴾

وگفتند هر چند آیتی می‌خواهی بی‌آر
تا به آن ما را مسحور کنی باز هم بر
تو ایمان آرندگان نیستیم (۱۳۳)

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ
وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالدَّمَ آيَاتٍ
مُفَصَّلَاتٍ ۗ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا
مُجْرِمِينَ ﴿١٣٤﴾

آنگاه بر آنها طوفان و ملخها و
شپشها و قورباغه ها و خون را آیتها
جداگانه ی فرستادیم. پس تکبر
کردند و قومی محرم بودند (۱۳۴)
و هرگاه عذابی بر آنها واقع شد
گفتند ای موسی! از پروردگار خود
برای ما دعا کن بنام آن وعده که
نزد تو است. پس اگر این عذاب را
از ما برطرف کردی حتماً حرف تو
را باور کنیم و بنی اسرائیل را

وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَى
ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ لَئِنْ
كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ بِكَ
وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿١٣٥﴾

بتو بفرستیم (۱۳۵)

پس وقتی که عذاب را از آنها دور کردیم تا مدت معینی که آنانرا به آن رسیدن بود، ناگاه آنان پیمان شکنی کردند (۱۳۶)

پس از آنان انتقام گرفتیم و آنان را در دریا غرق ساختیم چه آنها به آیتهای ما تکذیب کردند و از آنها غفلتکاران بودند (۱۳۷)

و مردم که بینوایان شمرده شدند را وارث شرق ها و غربهای آن زمین گردانیدیم که در آن برکت نهاده بودیم و سخنان زیبای پرور - دگارتو در حق بنی اسرائیل به پایان رسید چه شکیبائی کردند و آنچه فرعون و قومش میکردند و آن ساختمانها بلند که میساختند را نابود ساختیم (۱۳۸)

و بنی اسرائیل را از دریا عبور دادیم. پس آنان بر قومی درآمدند که در محضر بتان خود [عبادت

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الرِّجْزَ إِلَىٰ آجَلٍ هُم بِلُغْوِهِ إِذَا هُمْ يَنْكُتُونَ ﴿١٣٥﴾

فَأَنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بِآيَاتِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ ﴿١٣٦﴾

وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ ﴿١٣٨﴾

الربع

وَجُوزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَىٰ قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَىٰ أَصْنَامٍ

گذاران نشسته] بودند. آنان گفتند، ای موسیٰ برای ما معبودی بساز چنانکه آنانرا معبودهای است. او گفت، یقیناً شما يك قوم بیخردان اید (۱۳۹)

یقیناً حالتی که در آن این مردم اند نابود شونده است و آن عمل که میکنند باطل است (۱۴۰)

[موسیٰ] گفت، آیا برایشما معبودی بغیر از خدا بخواهم حالانکه اوشما را برمه جهانها فضیلت داد (۱۴۱) و [یاد کنید] وقتیکه ما شمارانجات دادیم از فرعونیان که شما را عذاب سخت میدادند. آنان پسران شما را میکشتند و زنان شما را زنده نگه میداشتند و شمارا در آن از پروردگار شما آزمایشی بزرگ بود (۱۴۲)

و موسیٰ را وعده سی شب دادیم و آنها را با ده [شب علاوه کرده] تکمیل نمودیم. پس وقت معین

لَهُمْ ۚ قَالُوا لِمَوْسَىٰ اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ ۚ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ ﴿۱۳۹﴾

إِنَّ هَؤُلَاءِ مُمْتَبَّرٌ مَّا هُمْ فِيهِ وَبِطُلٌّ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۴۰﴾

قَالَ أَغْيَرَ اللَّهُ أَبْغِيكُمْ إِلَهًا وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿۱۴۱﴾

وَإِذْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ ۚ يُقْتَلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ ۗ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿۱۴۲﴾

وَوَعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَّمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْنَةٍ مِّمَّاتٍ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً

پروردگارش چهل شب تمام شد. و موسیٰ به برادر خود هارون گفت در قوم جانشینم باش و اصلاح کن و راه فسادکاران را دنبال مکن (۱۴۳)

و چون موسیٰ به وقت معین ما آمد و پروردگارش با او تکلم کرد. او گفت، ای پروردگار من! بمن نمایش بده تا بسوی تو چشم افکنم. او گفت: هرگز به دیدن من تاب نداری. ولی بسوی کوه بنگر اگر آن بجای خود برقرار ماند آنگاه میتوانی مرا ببینی. پس هنگامیکه پروردگارش بر کوه تجلی نمود پس آنرا ریزه ریزه برد و موسیٰ بیهوش افتاد. پس دمیکه به هوش آمد گفت، تو پاک‌ی. توبه کنان بسوی تو می‌گیرایم و من نخستین مومنان ام (۱۴۴) ++

وَقَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ ﴿١٤٣﴾

وَلَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ ۚ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنظُرَ إِلَيْكَ ۗ قَالَ لَنْ نَرِيكَ وَلَكِنِ انظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي ۗ فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا ۗ فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحٰنَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٤٤﴾

++ آیت ۱۴۴: حضرت موسیٰ علیه السلام بعلت ساده دلی خود پنداشتند که اگر خدا بخواهد ایشان میتوانند خداوند را در صورت عینی ببینند. در پاسخ این [ص: ۲۷۲]

قَالَ يُمُوسَىٰ إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى
النَّاسِ بِرِسَالَتِي وَبِكَلَامِي ۖ فَخُذْ
مَا آتَيْتُكَ وَكُن مِّنَ الشَّاكِرِينَ ﴿١٤٥﴾

گفت: ای موسی تورا با پیغامات
خود و یا کلام خود بر همه مردم
برگزیده ام. پس محکم بگیر آنچه
را به تو داده ام و از سپاسگذاران
باش (۱۴۵)

وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَنْوَاعِ مِن كُلِّ شَيْءٍ
مُّوعِظَةً وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ ۚ فَخَذَهَا
بِقُوَّةٍ وَأَمَرَ قَوْمَكِ يَا خُذُوا بِأَحْسَنِهَا ۗ
سَأُورِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ ﴿١٤٦﴾

و هر چیزی را برای او در تختیها
به رشته تحریر داشتیم که پند
آمیز و هر چیزی را تفصیلی بود.
پس آنرا بقوت بگیر و بقوم خود
امر کن که به نیکوترهای آن
[تعلیم] تمسک جویند. بزودی من
خانه فاسقان پشمانشاندم (۱۴۶)

سَأَصْرِفُ عَنْ آيَتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي
الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ ۗ وَإِن يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ
لَّا يُؤْمِنُوا بِهَا ۗ وَإِن يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ
لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ۗ وَإِن يَرَوْا سَبِيلَ
الْغَىِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ۗ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ

من [توجه] آنانرا که در زمین بناحق
تکبر کنند از آیتهای خود برگردانم
و اگر هر کدام آیتی را مشاهده کنند
باز هم به آن ایمان نیارند و اگر
بینند راه هدایت را آنرا قبول نه
کنند حالانکه اگر راه گمراهی را

بقیه آیت: ۱۴۴: درخواست خدا گفت. انسان که نتواند غرضی صایقه را تحمل کند
دیگر چطور تاب آورد که چهره خدا را نگاه کند. پس چون صایقه بطورنشانه بر
کوه نازل آمد حضرت موسی بیهوش افتاد و چون بهوش آمد بحضور خدا توبه کرد.

بینند آنرا قبولکنند. این بود چه به آیتهای ما تکذیب کردند و از آنها غفلت کنندگان بودند (۱۴۷)

و آنانکه به آیتهای ما و ملاقات آخرت تکذیب کردند اعمال آنها ضایع رفت. آنان پاداشی داده نشوند جز آنچه داشتند عمل می کردند (۱۴۸)

وقوم موسی بعد از او گوساله از زیورات خود را [به معبودیت] بگزیدند که بیکری [بیجان] بود و آن ماغ گاؤ میکشید. آیاندیدند که آن نه به آنان حرفی زند و نه برای [راست] هدایت دهد. به آن تمسک جستند و دستمگران بودند (۱۴۹)

و چون دچارندامت شدند و دیدند که گمراه شده اند گفتند اگر پروردگار ما بر ما ترحم نکند و ما را نه آمرزد یقیناً از زیان کاران میشویم (۱۵۰)

و هنگامیکه موسی بسوی قوم خود

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ ﴿١٤٧﴾

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ ۗ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٤٨﴾

۷
۷

وَاتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَىٰ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَّهُ خُوَارٌ ۗ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا ۗ اتَّخَذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ ﴿١٤٩﴾

۷
۷

وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِن لَّمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿١٥٠﴾

وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ

أَسِفًا ۱ قَالَ يُسْمَأَخَلُّفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي ۲
 أَعَجَلْتُمْ أَمْرَ رَرِبِّكُمْ ۳ وَالْقَى الْأَلْوَاخَ
 وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ ۴ قَالَ ابْنَ
 أُمَّرٍ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّفُونِي وَكَادُوا
 يَقْتُلُونَنِي ۵ فَلَا تَشْمِتْ بِي الْأَعْدَاءَ وَلَا
 تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۶

خشمناك و افسوس كنان برگشت
 گفت، بدا از جانشینی که در غیاب
 من کردید آیا در مورد فرمان
 پروردگار خود شتاب کردید؟ و
 الواح را [بزیر] افکند و سر
 برادر خود را گرفته او را بسوی
 خود کشید. او گفت: ای پسر مادرا
 قوم مرانان توان شمردند و نزدیک
 بود مرا بکشند. پس مرا موجب
 شادمانی دشمنان نسا و نه مرا
 با قوم ستمکاران بگردان (۱۵۱)
 [موسی] گفت: ای پروردگار من!
 بیمارم را و برادرم را و ما را
 بداخل رحمت خود بنما و تو ترحم
 کننده ترین ترحمکنندگانی (۱۵۲)
 یقیناً آنانکه گوساله را فرا گرفتند
 آنان را غضب از پروردگار آنان
 و رسوائی در زندگی دنیا است و
 دروغ بهم بافندگان را اینگونه
 پاداش می دهیم (۱۵۳)
 و کسانی که بدیها انجام دادند سپس

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلَا خِي وَأَدْخِلْنَا فِي
 رَحْمَتِكَ ۷ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّحِيمِينَ ۸

إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيئَالَهُمْ
 غَضَبٌ مِّنْ رَبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ
 الدُّنْيَا ۹ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ ۱۰

وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِنْ

توبه کردند و ایمان آوردند البته
پروردگار تو بازهم آمرزگاری
بارها رحم کننده است (۱۵۴)

و هنگامیکه خشم موسی فرونشست
الواح را برداشت و در مندرجات
آنها برای آنانکه از پروردگار
خود می ترسند هدایت و رحمت
بود (۱۵۵)

و موسی از قوم خود مفتاد مرد
را برای وقت معین مابگزید. پس
چون آنانرا رزه بگرفت [موسی] گفت،
ای پروردگار من! اگر می
خواستی از قبل آنها را هلاک می
کردی و مرانیز. آیامارا هلاک کنی
به آنکاری که سفیهان ما کردند!
یقیناً این از جانب تو آزمایشی
است. تو به این [آزمایش] هرکه را
خواهی گمراه میکنی و هرکه را
خواهی هدایت میدهی. تو مولای
مائی. پس ما را بآمرزو بر ما ترحم
کن و تو بهترین آمرزندگان

بَعْدَهَا وَأَمَّنُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا
لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٥٤﴾

وَلَمَّا سَكَتَ عَنْ مُوسَى الْغَضَبُ أَخَذَ
الْأَلْوَابَ ۗ وَفِي نُسُخَتِهَا هُدًى وَرَحْمَةٌ
لِّلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ ﴿١٥٥﴾

وَاخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا
لِّمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ
رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ مِنْ قَبْلُ
وَإِيَّاي ۗ أَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا ۗ
إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ
وَتَهْدِي مَنْ تَشَاءُ ۗ أَنْتَ وَلِيُّنَا
فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ ﴿١٥٥﴾

مستی (۱۵۶)

و بنویس برای ما خیر و نعمت در این دنیا و در آخرت. یقیناً ما بسوی تو [توبه کنان] آمده ایم. گفت: عذابم است که آنرا میرسانم به هر که بخوام در حالیکه رحمت هر چیز را احاطه کرده است. پس آن [رحمت] را لازم گردانم برای آنانکه تقوی پیشگیرند و زکوت دهند و آنانکه به آیتهای ما

ایمان می‌آیند (۱۵۷)

کسانیکه پیروی میکنند از آن رسول امی که او را نزد خود در تورات و انجیل نوشته می‌یابند. او ایشانرا به معروفات امر میکند و ایشانرا از منکرات نهی میکند و پاکیزهای را برایشان حلال قرار میدهد و ناپاکیزه های را برایشان حرام میگرداند و بار آنان و طوق آنانرا که بر آنان بود از آنان بر میدارد. پس آنانکه به

وَ اَكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي
الْآخِرَةِ اِنَّا هُدْنَا اِلَيْكَ ؕ قَالَ عَذَابِي
اَصِيبُ بِهٖ مَنْ اَشَاءُ ؕ وَ رَحْمَتِي
وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ ؕ فَسَاكُنْهَا لِلَّذِيْنَ
يَتَّقُوْنَ وَ يُؤْتُوْنَ الزَّكٰوةَ وَ الَّذِيْنَ هُمْ
بِآيٰتِنَا يُؤْمِنُوْنَ ﴿١٥٦﴾

الَّذِيْنَ يَتَّبِعُوْنَ الرَّسُوْلَ النَّبِيَّ الْاُمِّيَّ
الَّذِيْ يَجِدُوْنَہٗ مَكْتُوْبًا عِنْدَهُمْ فِي
التَّوْرَةِ وَ الْاِنْجِيْلِ ؕ يٰۤاٰمُرُهُمْ
بِالْمَعْرُوْفِ وَ يَنْهٰهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ
وَ يُحِلُّ لَہُمْ الطَّيِّبٰتِ وَ يَحْرِمُ عَلَيْهِمْ
الْحَبِيْثٰتِ وَ يَضَعُ عَنْہُمْ اِصْرَهُمْ
وَ الْاَغْلٰلَ الَّتِيْ كَانَتْ عَلَيْهِمْ ؕ فَالَّذِيْنَ
اٰمَنُوْا بِہٖ وَ عَزَّزُوْهُ وَ نَصَرُوْهُ وَ اتَّبَعُوْا

آن ایمان می‌آرند و او را گرامی دارند و او را یاری‌کنند و از پی آن نور روند که با او نازل‌کرده شد همانها اند که موفق شدگان اند (۱۵۸)

التَّوْرَ الَّذِي أَنْزَلْنَا مَعَهُ^۱ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۱۵۸﴾

۱۵۸

بگو، ای مردم براستی من بسوی همه شما رسول آن خدا ام که پادشاهی آسمانها و زمین از آن او است. نیست هیچ معبودی جز او. او زنده میکند و مییراند. پس ایمان بی‌آرید به خدا و رسولش نبی امی آنکه به خدا و کلمات او ایمان دارد و او را پیروی کنید باشد که هدایت بیابید (۱۵۹)

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَأَمَّا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿۱۵۹﴾

و از قوم موسی عده بودند که باحق [بمردم] هدایت میکردند و به آن داد‌گری میکردند (۱۶۰)

وَمِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ﴿۱۶۰﴾

وایشان را دوازده قبیله - قوم‌ها - منقسم کردیم و بسوی موسی چون قوش از او آب خواست و حی‌فرستادیم که با عصای خود

وَقَطَّعْنَاهُمْ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا^۱ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنْ اصْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ^۲

بر سنگ ضربه بزن. آنگاه از آن دوازده چشمه جست زدومه مردم آبشخور خود را شناختند و بر آنان سایه ابر کردیم و بر آنان ترنجبین و بلدرچین نازل کردیم [و گفتیم] بخورید از آن پاکیزه های که بشما رزق داده ایم و ما ستم نه کردیم اما آنان بر جانهای خودشان ستمکاران بودند (۱۶۱)

و گامیکه به آنان گفته شد که در این شهر مسکن گزینید و از آن از هر جای خواستید بخورید و بگویید "حطه" [ما را بیامرزد] و اطاعت کنان وارد درب بزرگ شوید. ما خطاهای شمارا برایشما میآمرزیم و محسانرا حتماً بیفزاییم (۱۶۲)

پس آنانکه از آنها ستم کردند سخن را بدل کردند جز آنچه برای آنها گفته شده بود. پس ما بر آنها عذابی از آسمان نازل کردیم بعلت آنچه ستم میکردند (۱۶۳)

فَأْتَبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا ۖ قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ ۖ وَظَلَلْنَا عَلَيْهِمُ الْعَمَامَ ۖ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى ۖ كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ ۖ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿١٦١﴾

وَإِذْ قِيلَ لَهُمْ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَعْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَتَكُمْ ۖ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٦٢﴾

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِنْ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَظْلِمُونَ ﴿١٦٣﴾

و بپرس آنها را از آن قریه که کنار دریا بود گامیکه در مورد سبت تجاوز میکردند چون روز سبت آنان مای مای آنها آنرا گروه گروه میآمدند و روزیکه سبت نمیگرفتند آنان را نمیآمدند. این گونه آنان را آزمودیم بدانچه داشتند فسق میآوردند (۱۶۴)

و [بیاد آور] چون گروهی از آنان گفتند چرا قومی را اندرز گویند که خدا ملامت کننده آنان یا آنان را عذاب کننده عذابی سخت است. گفتند این معذرتی است بسوی پروردگارتان باشد که آنان تقوی اختیار کنند (۱۶۵)

پس چون آنرا که به آن توصیه کرده شدند بفراموشی سپردند، ما آنانکه نهی کننده بدیها بودند را نجات دادیم و ستمکاران را بعد از سبختی برگرفتیم چه زشت کاری می کردند (۱۶۶)

وَسَأَلَهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ
الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ
حِثَّائِهِمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَعًا وَيَوْمَ لَا
يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ
بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿١٦٤﴾

وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ
قَوْمًا ۗ اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ
عَذَابًا شَدِيدًا ۗ قَالُوا مَعذِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّكُمْ
وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿١٦٥﴾

فَلَمَّا سَوَّأْنَا دُكْرُوَابَهُ أَنْجَبْنَا الَّذِينَ
يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا
بِعَذَابٍ بَیِّنٍ ۖ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿١٦٦﴾

فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَآئِهِمْ قُلْنَا لَهُمْ
كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿١٧٧﴾

بازهم وقتیکه نافرمانی کردند آن
امری را که از آن نهی شده بودند
آنرا گفتیم بوزینه های خوار
شوید (۱۶۷)

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لِيُبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ
الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ
رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ ۖ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ
رَّحِيمٌ ﴿١٧٨﴾

[و بیاد آری] وقتیکه پروردگار تو
اعلام کرد که حتماً تا روز قیامت
کسانیرا بر آنان مسلط میکند که
آنرا سخت عذاب خواهند کرد.
یقیناً پروردگارتو زود عقوبت
است بآنکه یقیناً او آمرزگاری
بارها رحمنکنده است (۱۶۸)

وَقَطَّعْنَهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَّمًا مِنْهُمْ
الضَّالِّحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَلِكَ
وَبَلَّوْنَهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ
يَرْجِعُونَ ﴿١٧٩﴾

و آنرا در زمین قوم در قوم
منشعب کردیم و در آنان نیکو
کاران بودند و در آنان غیر از این
نیز بودند و ما آنان را بحالتهای
نیکو و حالتهای بد آزمودیم باشد
آنان [بهدایت] برگردند (۱۶۹)

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا
الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَى
وَيَقُولُونَ سَيُعَذِّبُنَا ۚ وَإِنِّي آتِيهِمْ

پس جانشینی کردند پس از آنان
جانشینانی که کتاب را ارثانه گرفته
بودند. آنان بهره موقتی این دنیا
را فرا گرفته و میگفتند، ما بخشوده

شویم و اگر آنها را بهره ای مانند آن میآمد آنرا میگرفتند. آیا پیمان کتاب که بر آنان فرض بود گرفته نشد که بر خدا جز حق لب بسخن نگشایند و آنچه در آن است را خوانده بودند و خانه عاقبت نیکوتر است برای آنانکه تقوی اختیار کنند. پس آیا عقل نمی کنند؟ (۱۷۰)

و آنانکه بکتاب تمسک جویند و نماز را بپای دارندیقیناً ما پاداش اصلاح کنندگان را ضائع نمی دهیم (۱۷۱)

و چون کوه را بر آنان بلند کردیم گویی آن سایانی بود و پنداشتند که آن بر آنان فروآینده است. آنچه به شما در داده ایم را بقوت بگیرید و آنچه در آن است را فراگیرید تا تقوی را اختیار کنید (۱۷۲)

و وقتی که پروردگارتو گرفت از

عَرَضَ مِثْلَهُ يَأْخُذُوهُ ۗ أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ ۗ وَالذَّارِ الْأَخْرَةَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ ۗ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿۷﴾

وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ ۗ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ ﴿۷﴾

وَإِذْ تَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَنُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ ۗ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَادْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿۷﴾

ع
ع
ع

وَإِذْ أَخَذْنَاكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ

بنی آدم از صلب آنان [ماده
تخلیق] نژاد آنان و آنان را بر
نفسهای خود گواه ساخت [و پرسید]
آیا پروردگار شما نیستیم؟ آنها گفتند
بلی گواهی میدیم. مبادا روز
قیامت بگویید ما از این نا آگاه
بودیم (۱۷۳) ++

یا گوید شرك كه قبلاً پدران ما
كرده بودند و مانسلی پس از آنان
بودیم. پس آیا ما را هلاك مىكنی
بدآنچه دروغ گویانكردند (۱۷۴) +

ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ
أَنْفُسِهِمْ ۗ أَلَسْتَ بِرَبِّكُمْ ۗ قَالُوا بَلَىٰ ۗ
شَهِدْنَا ۗ أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا
عَنْ هَذَا غُفْلِينَ ﴿١٧٣﴾

أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ
وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ ۗ أَفَتُهْلِكُنَا
بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ ﴿١٧٤﴾

++ آیت ۱۷۳: چنانچه از بنی آدم حتّی قبل از آفرینش آنان نسبت به نسل ایشان
فرمان بود که آنان بر هستی خدای متعال گواه باشند. پس نژادی که هنوز بدنیا
نیآمده باشد چه طور از آنان بیمانی گرفته شد؟ منظور ازین فقط اینقدر است که
ایمان بر هستی خدای متعال داخل در سرشت انسان است. پس آن تصور خدا که
در تمامی دنیا یافت میشود این يك حادثهٔ اتفاقی نیست بلکه این مَرْتسم در
سرشت انسان است.

++ آیت ۱۷۴: بلند کردن کوه راهرگزاین معنای نیست که کوه از بن کنده بر فراز
آنها راست شد. بلکه شماری کوه ها بر رهگذرها بطوری خمیدگی دارند که رهگذران
زیر آنها میگذرند. اینجانبیز همین مفهوم است. اما خونی که آنوقت آنان را فرا گرفته
بود از آن چگونگی ایشان استفاده کرده خداوند به آنان توصیه کرد که باید
تعلیم تورات را بقوت بگیرند.

و اینگونه ما آیتها را تفصیل دمیم تا باشد آنان [بحق] باز گردند (۱۷۵)
 و بیانکن برای آنها حکایت آنکس که ما او را نشانه های خود داده بودیم پس او از آنها سربیزی کرد. پس شیطان او را تعقیب کرد و او از گمراهان شد (۱۷۶)

و اگر می خواستیم حتماً با آن [نشانه] ما او را رفعت میدادیم اما او بسوی زمین میل کرده هوای نفسانی خود را دنبال کرد. پس مثلش بمثل سگ است که اگر بر او حمله کنید عوعوزبان کشد و اگر ترکش کنید باز هم عوعوزبان کشد. این است مثل قومی که آیات ما را تکذیب کردند. پس این داستان را بر آنان حکایت کن باشد که آنان بتفکر بپردازند (۱۷۷) ++

وَكَذَلِكَ نَقُصُّ الْأَيَاتِ وَلَعَلَّهُمْ
 يَرْجِعُونَ ﴿٧٥﴾
 وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ
 مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ
 الْغَاوِينَ ﴿٧٦﴾

وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ
 إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ
 الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلُ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ
 تَتَرَكَّهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ
 كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ
 لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٧٧﴾

++ آیت ۱۷۷: فردی که در این آیت کریمه ذکر شده است مفسران او را بلمع باعور مینامند. این شخص طبعاً با چنین صفات روحانی متزین بود که آنها را [ص: ۳۸۴]

بسیار زشت است مثل قومیکه به آیات ماتکذیب کردند و بودند بر جانهای خودستم میکردند (۱۷۸)
آنکه را خدا هدایت دهد پس او هدایت یافته است و آنکه را گمراه سازد همانها زیانکارانند (۱۷۹)

و بسیار کثیر از جن و انس را برای جهنم آفریده ایم آنان دل‌های دارند که به آن در نیابند و آنان چشمانی دارند که به آن نمی بینند و آنان گوش‌های دارند که بدان نشنوند و آنان مانند دام‌های اند بلکه آنان [از آنها هم] گمراهتر اند. همانها غفلت کنندگانند (۱۸۰)

همه نام‌های زیبا برای خدا است پس او را به آن [نام]‌ها بخوانید و ترك کنید آنها را که در نام‌های او

سَاءَ مَثَلًا لِّلْقَوْمِ الَّذِيْنَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
وَأَنفُسَهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ ﴿١٧٨﴾

مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِيٌّ ۖ وَمَنْ يُضِلِّ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخٰسِرُونَ ﴿١٧٩﴾

وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيْرًا مِّنَ الْجِيْنِ
وَالْإِنْسِ ۗ لَهُمْ قُلُوْبٌ لَا يَفْقَهُوْنَ بِهَا
وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُوْنَ بِهَا ۗ وَلَهُمْ
أُذُنٌ لَا يَسْمَعُوْنَ بِهَا ۗ أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ
بَلْ هُمْ أَضَلُّ ۗ أُولَئِكَ هُمُ الْغٰفِلُونَ ﴿١٨٠﴾

وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوْهُ بِهَا
وَذُرُوا الَّذِيْنَ يُلْحِدُوْنَ فِيْٓ أَسْمَائِهِ ۗ

بقیه آیت ۱۷۷: بکارگرفته میتواندست به تقرب خدا برخوردار شود. ولی بدبختانه او بسوی زمین میل کرد. پس مثل به سگی پیش آورده شد که خواه این را سنگ زنی یا زنی عوعو کرده ناتوان میشود. پس این کس نیز از راه راست برگشت زده برخلاف حق در هرزه سرائی فرورفت.

کج روی کنند. پس آنها پاداش داده شوند آنچه بودند می کردند (۱۸۱) و از آنانکه ما آفریده ایم گروه های اند که بحق هدایت مینمایند و به آن عدالت میکنند (۱۸۲) و آنانکه به آیتهای ماتکذیب کنند تدریجاً آنها را از جهتی بگیریم که که هیچ ندانند (۱۸۳) و آنان را مهلت میدهم و تدبیرم بسیار برقرار است (۱۸۴) آیا تفکر نکنند که صاحب آنها را جنونی نیست. او فقط بیم دهنده آشکارا است (۱۸۵) آیا نینگرد در پادشاهی آسمانها و زمین و هر چه خدا آفریده است و اینکه ممکن است که مدت معین آنها فرار رسیده باشد. پس ازین بعد بکدام سخن ایمان آورند؟ (۱۸۶) آنکس را خدا گمراه قرار دهد او را کسی هدایت دهنده نیست و آنها را در سر کشیهای خود سرگردان

سَيَجْزُونَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۸۱﴾

وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ﴿۸۲﴾

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۸۳﴾

وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ ﴿۸۴﴾

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِمْ مِّنْ حِجَّةٍ إِن هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿۸۵﴾

أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ لَّا أَنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ ﴿۸۶﴾

فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ﴿۸۷﴾

مَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿۸۸﴾

رما میکند (۱۸۷)

درباره قیامت از تو مسئلت میکنند که چه وقت آن برپا کرده شود؟ بگو علمش فقط نزد خدا است. نیست کسی جز او که آنرا بروقت خود جلوه گر نماید. آن در آسمانها و زمین گران است. شما را نمیآید مگر ناگهان. تو را می پرسند گویی تو از آن کاملاً می دانی. بگو علمش فقط نزد خداست

اما بیشتر مردم نمیدانند (۱۸۸)

بگو من برای نفس خود نه سود را اختیار دارم و نه زیان را مگر آنچه خدا خواهد و اگر غیب را میدانستم البته از دارایی فراوان جمع میکردم و سختی به من نمیرسید. من فقط بیم دهنده و مژده دهنده ام قومی را که

ایمان میآرند (۱۸۹)

او است آنکه شمارا ازیک جان آفرید و ساخت از وی جفتش را

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ
إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا
لِيُوقْتِهَا إِلَّا هُوَ تَنَقَّلْتُ فِي السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمُ إِلَّا بَعَثَةٌ
يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ خَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا
عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا
يَعْلَمُونَ ﴿۱۸۷﴾

قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا
إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ
الْغَيْبَ لَأَسْتَكْمَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا
مَسَّنِيَ السُّوْءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ
لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿۱۸۸﴾

مآلهة ۱۸۷ السعديين
ع ۱۸۸

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ
وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا

تَعْلَمَهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ^ع
 فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِن آتَيْتَنَا
 صَالِحًا لَتَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿١٩٠﴾

تا بسوی او تسکین یابد. پس چون او وی را پوشاند پس وی باری سبک را برداشت پس به آن حرکت کرد. پس چون وی گرانبار شد مردو از خدا پروردگار خود دعا کردند که اگر مارا بسری سالم دهد حتمًا از سپاس گذاران شویم (۱۹۰)

فَلَمَّا أَتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ فِيمَا
 آتَاهُمَا^ع فَتَعَلَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿١٩١﴾

پس گامیکه [خدا] آندورا [پسری] سالم درداد. آندو در آن [اعطا] که او آنرا در داد شریکان او بگزیدند. پس خدا بالاتر آن است که شرک میورزند (۱۹۱)

أَيُّ شِرْكٍ كُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَهُمْ
 يُخْلَقُونَ ﴿١٩٢﴾

آیاشریک قرار میدهند آنچه مارا که چیزی نمیآفرینند حالیکه خود آنها آفریده میشوند؟ (۱۹۲) و آنها یارایی به کمک کردن آنرا ندارند و نه یارایی به یاری کردن خودشان را دارند (۱۹۳)

وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَ لَا
 أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ ﴿١٩٣﴾

و اگر آنها را بسوی هدایت بخوانید شمارا پیروی نکنند. یکسان است

وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى
 لَا يَتَّبِعُوكُمْ سِوَاءَ عَلَيْكُمْ

أَدْعُوهُمْ أَمْ أَنْتُمْ صَامِتُونَ ﴿۱۹۴﴾

برای شما خواه آنان را بخوانید

یا شما خاموشان مانید (۱۹۴)

إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ

یقیناً آنان را که جز خدا خوانید

بندگانى همچون شمايند. يس آنها

أَمْثَالِكُمْ فَأَدْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ

را پيوسته بخوانيد باز بايد

شمارا اجابت کنند اگر شما راست

إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۱۹۵﴾

گویانید (۱۹۵)

أَلَهُمْ آرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ آيْدٌ

آيا آنان را پاهائى است که بدان

راه روند يا آنان را دست هائى

يَبْطِشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يَبْصُرُونَ

است که بدان بگيرند يا آنانرا

چشمائى است که بدان بينند يا

أَمْ لَهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا قُلْ

آنانرا گوشهائى است که بدان

بشنوند؟ بگو شريكان خود را

تَنْظُرُونَ ﴿۱۹۶﴾

بخوانيد بعد ما خلاصم نيرنگ زنيد

و مرگز مجالم ندميد (۱۹۶)

إِنَّ وَلِيََّ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ ۗ وَهُوَ

يقيناً ياورم آن خدا است که کتاب

رانا نازل کرد و او [فقط] نيكوکاران

يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ ﴿۱۹۷﴾

را كفيل مي باشد (۱۹۷)

وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ

و آنها را که جز او ميخوانيد نتوانند

شمارا يارى کنند و نتوانند خودشان

نَصْرَكُمْ وَلَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ ﴿۱۹۸﴾

را يارى کنند (۱۹۸)

وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَسْمَعُوا
وَتَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا
يُبْصِرُونَ ﴿١١٩﴾

خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ

الْجَاهِلِينَ ﴿١٢٠﴾

وَأَمَّا يَنْزِعُكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ

فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ ۗ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٢١﴾

و اگر آنان را بسوی هدایت بخوانی
نشنوند و به آنها نگر به تو میبینند
بینند در حالیکه نمی بینند (۱۱۹)
عفو کن و به نیکوکاری امر کن و
از بیخردان اعراض کن (۲۰۰)

و اگر تورا و سوسه ای از شیطان
برانگیزد پس به خدا پناه بر.
یقیناً او بسیار شنوای صاحب علم
دائمی است (۲۰۱)

یقیناً کسانی که تقوی اختیار کنند
هرگاه به ایشان و سوسه ای از
شیطان برسد [خدا را] بسیار
یاد کنند پس ناگاه ایشان صاحب
بصیرت میشوند (۲۰۲)

و برادران [شیطانی] آنان آنها را
در گرامی میکشند. سپس کوتاهی
نمی کنند (۲۰۳)

و هرگاه به آنها آیتی نیآوری
گویند چرا آن را نگزیدی. بگو
من فقط از آن پیروی کنم که
بسوی من از پروردگارم وحی

إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَئِفٌ مِّنَ
الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ ﴿١٢٢﴾

وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّونَهُمْ فِي الْغَيِّ ثُمَّ
لَا يُقْصِرُونَ ﴿١٢٣﴾

وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ بآيَةٍ قَالُوا لَوْلَا
اجْتَبَيْتَهَا قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰ
إِلَيَّ مِنْ رَبِّي ۗ هَذَا بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ

وَهَدَىٰ وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٢٠٤﴾

کرده میشود. این از پروردگارتان
سخنانی بصیرت افروز و هدایت
و رحمت است برای قومی که
ایمان می‌آیند (۲۰۴)

وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا
لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٢٠٥﴾

و هرگاه قرآن فروخوانده شود
پس برای آن گوش بازدهید و
ساکت باشید، باشد بر شما رحم
کرده شود (۲۰۵)

وَإِذْ كُنَّا فِي نَفْسِكَ نَتَضَّرَّعًا
وَخِيفَةً وَدُؤَانَ الْجَهْرِمِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ
وَالْأَصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ ﴿٢٠٦﴾

و یادکن پروردگار خود را صبح و
شام در دل خود بزاری و ترسان و
بغیر از صدای بلند و از غافلان
مباش (۲۰۶)

إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا
يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ
وَيَسْبِغُونَ لَهُ وَيَسْجُدُونَ ﴿٢٠٧﴾

همانا آنانکه نزد پروردگارتو
میمانند از عبادت او سرباز نمی
زنند و او را تسبیح گویند و او
را سجده کنند (۲۰۷)

﴿٢٠٧﴾

۸ - سورة الانفال

این سوره در مدینه نازل شد و با بسم الله ۷۶ آیت دارد.

در سوره گذشته الاعراف [آیت ۱۸۸] زمان ظهور آن ساعت که کافران پرسیده بودند در این سوره ذکر از نخستین مظهر آن ساعت بتفصیل بیان کرده و گفته میشود که آن ساعت بر اهل عرب بظهور رسیده و در نتیجه آن زمان کفر و شرک خاتمه خواهد یافت.

در پایان سوره گذشته این هشدار داده شد که حالاتی مشکلات انگیز صورت خواهد گرفت لذا بایستی اینک از همین الآن به حضور خدا فروتنی کنان و پنهان و عیان زاری کرده به دعاها بپرداز زیرا که همه ای مشکلات تنها از دعاها می تو دور خواهد شد.

بمحض آغاز این سوره مؤده ای است که در نتیجه این مشکلات فقر مومنان دور کرده میشود. باز در ادامه ذکر مشکلات، نخست سخن از جنگ بدر گفته میشود. بطوریکه در پایان سوره قبلی توجه خصوصی به دعاها جلب کرده شد لذا ما می بینیم که برای مسلمانان پیروزی بدر نیز ناشی از ادعیه خصوصی آنحضرت ﷺ صورت گرفته بود و الا در مقابل آن ۲۱۲ یار که با ایشان در این جهاد همراه بودند نیرو تهاجمی مشرکان مکه جز جنبه روحانی از هر جهتی از آنجمله مرکبها و مهمات جنگی، تیراندازهای زبردست و برای برانگیختن احساسات جنگاوری ارتشیان چنین زنانی زبردست در سرودن ترانه ماکه بر اثر سرودن آنها ارتشیان را چگونگی جنون فرامیگرفت.

برخوردار بودند. با اینهمه پیروزی را فقط آن دعا‌های آنحضرت ﷺ آوردند که ایشان درخیمه خود به چنین نهایت تضرع کرده بودند که درحالت زاری جامه از شانه مبارک ایشان تکراراً فرومینتاد و حضرت ابوبکر صدیق آنرا برجاش نیاراستند. اوج این دعا این بود که آنحضرت ﷺ تکراراً بمرض رساندند. اللَّهُمَّ إِن تَهْلِكْ مَذَّةَ أَعْصَابِهِ مِنْ أَهْلِ الْإِسْلَامِ لَا تَعْبُدُنِي الْإَرْضِ [مسلم. کتاب الجهاد] یعنی منظور از آفرینش جن و انس عبادت است و اگر این بندگان که ایشان را من خالصانه به عبادت تو تربیت کرده ام کشته شدند دیگر هیچگاه جماعتی از عبادت گذاران خاص تو بوجود نخواهد آمد. پس در جنگ بدر تاج پیروزی را سزاوار فقط دعا‌های آنحضرت ﷺ بود.

بعلاوه مومنان فهمانیده شدند که مقیاس مهم جهت تفکیک کردن راستگویان و دروغگویان را از یکدیگر، تنها تقوی است. لذا اگر شما برای آینده نیز گمان دارید که بر ابرقدرتهای دنیا برتری بدست آورید باید بر تقوی استوار باشید.

در عین حال این نیز رسانده میشود که رسول الله ﷺ و رفیقان ایشان هرگز تا آن نهایت دست به قتال نمیشدند اگر در دین ایشان تلاش به تغییر دادن نمیشد. همیشه بزرگترین فتنه در دنیا بهمین علت بوجود میآمده و در آینده هم خواهد آمد چون تلاش شود که دین مردم با شمشیر تغییر داده شود. البته در اینصورت دفاع تا آن نهایت مجاز است که این فتنه کلیه از بین برود.

ضمناً این امر نیز فهمانیده میشود که ثبات قدم را فراوانی یاد خدا لازم است. پس کسانی که یاد خدا را طی جنگهای هولناک نیز بپا می دارند، موده ای داده میشوند که شما اید که به رستگاری نایل شوید زیرا که هر نوع رستگاری بستگی به ذکر خدا دارد.

دوآیت اخیر این سوره حاکی است که اگر فشار از جانب دشمن افزایش یابد و از میهن خود ناچار به مهاجرت شوید پس این هجرت در راه خدا قابل قبول است و بیاداش این، از جانب خدا پیروزی اعطا کرده و خداوند بعلاوه آموزش در رزق مهاجران نیز برکت خواهد نهاد. این پیشگویی همواره به شأن بلند تحقق مییافته است. آن برکت رزق که ذکرش در آغاز این سوره در صورت انفال شده است اینک آن برکت رزق را صورت های دیگر نیز بیان کرده گفته میشود که در نتیجه هجرت رزق مهاجران بسیار فراخی خواهد یافت.

☆ سُورَةُ الْاَنْفَالِ مَدِيْنَةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سِتُّ وَ سَبْعُوْنَ اَيَةً وَ عَشْرَةٌ رُكُوْعَاتٍ

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

بسیار بخشنده بارها رحیمکننده (۱)

تو را از غنائم پرسند بگو غنائم
از آن خدا و رسول است پس به
خدا تقوی اختیار کنید و میان
خود اصلاح دهید و خدا و رسول
او را پیروی کنید اگر شما مومنان
اید (۲)

يَسْئَلُوْنَكَ عَنِ الْاَنْفَالِ ۗ قُلِ الْاَنْفَالُ لِلّٰهِ
وَالرَّسُوْلِ ۗ فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَصْلِحُوْا ذَاتَ
بَيْنِكُمْ ۗ وَاَطِيعُوا اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗٓ اِنْ
كُنْتُمْ مُّوْمِنِيْنَ ②

مومنان فقط آنانند که هرگاه خدا
را ذکر شود دلهای ایشان میلرزد
و هرگاه آیتهای او برایشان فرو
خوانده شود برایمان ایشان می
افزاید و برخدای خود توکل می
کنند (۳)

اِنَّ الْمُوْمِنُوْنَ الَّذِيْنَ اِذَا ذُكِرَ اللّٰهُ
وَجِلَتْ قُلُوْبُهُمْ وَاِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمُ اٰيٰتُهٗ
زَادَتْهُمْ اِيْمَانًا وَّعَلٰى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُوْنَ ③

آنانکه نماز را بجای دارند و انفاق
کنند از آنچه به ایشان اعطا کرده
ایم (۴)

الَّذِيْنَ يُقِيْمُوْنَ الصَّلٰوةَ وَ مِمَّا رَزَقْنٰهُمْ
يَنْفِقُوْنَ ④

مانها مومنان حقیقی اند و برای
ایشان نزد پروردگار ایشان

اُوْلٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُوْنَ حَقًّا ۗ لَهُمْ
دَرَجٰتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ مَغْفِرَةٌ وَّ رِزْقٌ

كْرِيْمًا ۝

مراتبی بزرگ و آمرزش و رزقی
کریمانه است (۵)

بطوریکه خدا تورا از خانه خود
بحق بیرون آورده بود حالیکه
یقیناً گروهی از مومنان را ناخوش
داشت (۶)

مواجه کنند بتو درباره حق پس
از آنکه آشکار شده است گویی
آنها به سوی مرگ کشانده شوند
و آنها آن را مشاهده میکردند (۷)
و [بیاد آورید] چون خدا بشما وعده
یکی از دو گروه میداد که آن برای
شما است در حالیکه شما دوست
داشتید آنکه گزند نارسان است
برای شما باشد و خدا بر آن
بود که حق را با سخنان خود
ثابت نماید و ریشه کافران را
برکند (۸)

تا حق را ثابت نماید و باطل را
خط بطلان کشد هر چند مجرمان
را ناخوش دارد (۹)

كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ
وَإِنَّ فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَرِهُونَ ۝

يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا
يَسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ ۝

وَإِذِيعِدُكُمْ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهُمَا
لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنْ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ
تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ
بِكَلِمَتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ ۝

لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ
الْمُجْرِمُونَ ۝

و[بیاد آرید] چون به پروردگار خود التجامی کردید. پس او برای شما قبول کرد [بدین وعده] که من شما را با يك هزار فرشته پشت سرمم آیندگان کمک خواهم کرد (۱۰)

و خدا آن را برای شما فقط مژده ساخته بود و تا بدان دلهایتان اطمینان یابد و گرنه مرنوع کمک فقط از نزد خدا است. یقیناً خدا صاحب غلبه کامل صاحب حکمت است (۱۱)

چون او از جانب خود بر شما آرامش داده خواب آسایش را بر شما می پوشاند و نازل میگرد بر شما از آسمان آبی تابدان شما را خوب پاک سازد و آلودگی شیطان را از شما دور نماید و تا دلهای شما را تقویت دهد و تا به آن قدمهای شما ثابت بگرداند (۱۲)

إذ تَسْتَعِينُونَ رَبَّكُمْ فَأَسْتَجَابَ لَكُمْ
أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِأَيْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ
مُرْدِفِينَ ﴿١٠﴾

وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَتَظْمِينَ بِهٖ
قُلُوبُكُمْ ۗ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ
اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿١١﴾

إذ يُعْشِيكُمْ الْعُغَاسَ أَمَنَةً مِنْهُ وَيُنزِلُ
عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ
وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ
وَلِيُرِيْطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ
الْأَقْدَامَ ﴿١٢﴾

و تیکه پروردگار تو بسوی فرشتگان وحی میکرد که من با شما. پس آنان که ایمان آوردند را استوار بدارید و حتماً در دل های آنها که کفر کردند من ترس خواهم افکند. پس گردنهای [آنها] بزنید و هر بند آنها را بزنید (۱۳)

اینست چه آنها به خدا و رسول او سخت مخالفت کردند و هر که بمخالفت خدا و رسول او برخیزد پس یقیناً خدا سخت عقوبت است (۱۴)

این [پاداش شما] است. پس آنرا بچشید و کافران را عذاب آتش است (۱۵)

ای کسانی که ایمان آورده اید هر گاه به لشکری بزرگ آنها که کفر کردند مصادف شوید پس هرگز پشت به آنها نگردانید (۱۶)
و آن روز هر که پشت خود به آنها بگرداند مگر آنکه برای تدبیر

إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَأَةِ الَّتِي مَعَكُمْ فَثَبَّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَالِقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَأَصْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَأَصْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ ۝

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقَّوْا اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۚ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝

ذَلِكُمْ فَذُوقُوهُ وَأَنَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابَ النَّارِ ۝

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذْ أَلْقَيْتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَرَحْقًا فَلَا تُؤْتُوهُمْ الْآدْبَارَ ۝

وَمَنْ يُؤَلِّمِهِمْ يَوْمَ ذِذْبُرَةَ إِلَّا مَتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مَتَحِيزًا إِلَى فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ

جنگی است یا برای پیوستن به گروهی [دیگر خود] بکوشد پس او با خشم خدا بازگردد و مأوی او جهنم است و چه زشت مأوی است (۱۷)

پس شما آنها را نکشید بلکه خدا آنها را کشت و [ای محمد] آنچه [سنگ ریزه هابسوی آنها] پرتاب کردی تو پرتاب نکردی بلکه خدا پرتاب کرد و تا او مومنان را از جانب خود به آزمایشی نیکو مبتلا کند. یقیناً خدا شنوای صاحب علم دائمی است (۱۸) ++

ذُرِّكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مَوْهِنٌ كَيْدَ الْكَافِرِينَ ﴿١١﴾ این بود حال شما و این [هم حق]

++ آیت ۱۸: این آیت حاکی از پیروزی در جنگ بدر است. بظاهر آن بدست اصحاب انجام داده شد. اما چون ایشان کافران را بقتل میرساندند در تحت تصرف خدا چنان میکردند. بظاهر علت بزرگی جهت آن پیروزی این شد که آنحضرت صلی الله علیه وسلم سنگریزه هارا پرتاب کردند و درتاییدش وزیدن گردبادهای شدید از جانب مسلمانان بسوی کافران شروع شد و راز قتل کافران از جانب خدا در این واقعه استثنائی پنهان است که چشمان کافران از گردبادهای شدید کورمانند گردید و قتل کردن آنها برای لشکر مسلمانان آسان شد و منظور از کفک فرشتگان نیز همین نکته است.

بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ ۗ وَيَسَّ
الْمَصِيرُ ﴿١٧﴾

فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ ۗ
وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ
رَمَىٰ ۗ وَيُبَلِّغُ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَآءٌ
حَسَنًا ۗ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٨﴾

است که خدا سست کننده نیرنگ
کافران است (۱۹)

[ای مومنان] اگر پیروزی می
جستید پس یقیناً پیروزی شما را
آمد و [ای منکران] اگر دست
بردارید برایشما بهتراست و اگر
[شرارترا] تکرار کنید ما [عذابرا]
تکرار نمائیم و گروه شامیچ
بکارشمانیاید هر چند بسیار باشد
و [بدانید] اینکه خدا با مومنان
است (۲۰)

ای کسانی که ایمان آورده اید
خدا و رسول او را اطاعت کنید
و از او روگردانی نکنید حالیکه
شما گوش میکنید (۲۱)

و همچون آنان نشوید که گفتند
گوش کردیم در حالی که آنها
گوش فرا نمیدادند (۲۲)

یقیناً بدترین جنبنده ها نزد خدا
آن کروگنگ اند که عقل نمی
کنند (۲۳)

إِنْ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمْ الْفَتْحُ وَإِنْ
تَنْتَهُوا فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَإِنْ تَعُودُوا
نَعُدْ وَلَنْ تُغْنِيَ عَنْكُمْ فِئَتُكُمْ شَيْئًا
وَلَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٩﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ
وَلَا تَوَلَّوْا عُنُقَهُ وَانْتُمْ تَسْمَعُونَ ﴿٢٠﴾

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ
لَا يَسْمَعُونَ ﴿٢١﴾

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الضَّمُورُ
الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يُعْقِلُونَ ﴿٢٣﴾

و اگر خدا در آنها نیکوئی میدید
 حتماً آنها را می‌شنوید و اگر به آنان
 می‌شنوید باز هم از حق روگردانی
 کنان پشت بر میگردانند (۲۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید خدا
 و رسول او را بیک گوید مرگه
 شمارا فراخواند تا او شمارا زنده
 نماید و بدانید که خدایان انسان
 و قلبش حائل میشود و اینکه یقیناً
 بسوی او گرد آورده شوید (۲۵) ++
 و برسید از فتنه‌ی که نرسد فقط
 به آنهایی از شما که ستم کردند و
 بدانید که خدا سخت عقوبت
 است (۲۶)

و بیاد آورید چون شما کم بودید
 و در زمین ناتوان شمرده میشدید

++ آیت ۲۵: درین آیت توضیح از زنده شدن مردگان بوضاحت موجود است.
 مسیحیان اشتباماً از "احیاء موتی" مردگان را ظاهراً زنده کردن می‌پندارند. پس
 چون آنحضرت صلی الله علیه وسلم مردگان معنوی را بسوی خود فراخواند که
 بیایید تا شما را زنده کنم آنگاه این امر آشکار شد که آنها مردگان دفن در قبرها
 نبودند بلکه مردگان روحانی از اعراب بودند.

وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ^ط
 وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُّعْرِضُونَ^{٢٤}

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ
 وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ^ع
 وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ
 وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ^{٢٥}

وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا
 مِنْكُمْ خَاصَّةً^ح وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ
 الْعِقَابِ^{٢٦}

وَأذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ
 فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ

[و] میترسیدید مبادا مردم شما را
بربایند پس او شمارا پناهداد و
به یاری خود شما را تایید کردو
شمارا از پاکیزهها رزق داد باشد
که شما سپاسگذارید (۲۷)

ای کسانی که ایمان آورده اید خدا
و رسول را خیانت نکنید و الا به
امانت های خود نیز خیانت کننده
شوید در حالیکه شما [این خیانت
را] بدانید (۲۸)

و بدانید که دارائیهائی شما و
اولاد شما فقط آزمایشی است و
یقیناً پاداشی بزرگ نزد خدا
است (۲۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید اگر
از خدا بترسید او برایشان شانه ای
ممتاز قرار دهد و زشتیهای شما را
از شما دور سازد و شمارا بیامرزد
و خدا را فضلی بزرگ است (۳۰)
و چون آنها که کفر کردند درباره
توتوطه میچیدند تا تو را پایبند

النَّاسِ قَالُوا كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ عَنْ رِزْقِ اللَّهِ
وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ
تَشْكُرُونَ ﴿٢٧﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ
وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمْنِيَكُمْ وَأَنْتُمْ
تَعْلَمُونَ ﴿٢٨﴾

وَأَعْلَمُوا أَنَّ مَا أَمْوَالِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ
فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿٢٩﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ
لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ
وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٣٠﴾

وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ
أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ

وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ^ط وَاللَّهُ خَيْرٌ
الْمُكْرِمِينَ ﴿٣١﴾

کنند یا تورا بکشند یا تورا تبعید
کنند و آنها نیرنگ می‌کردند حالی
که خدا باطل کننده نیرنگ بود و
خدا بهترین [پاسخ دهنده] نیرنگ
کنندگان است (۳۱)

وَإِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمُ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا
لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا^ل إِنْ هَذَا إِلَّا
أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٣٢﴾

و چون آیت‌های ما بر آنها فرو خوانده
شود گویند حتماً ما شنیدیم. اگر هم
خواستیم حتماً مثل آن می‌گفتیم.
این جز اساطیر پیشینیان چیزی
نیست (۳۲)

وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ
مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِّنَ
السَّمَاءِ أَوْ ائْتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٣٣﴾

[و یاد کن] چون می‌گفتند خدا یا! اگر
اینست حق از جانب تو پس باران
سنگ را از آسمان بر ما ببار یا
عذابی دردناک بر ما ببار (۳۳)

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ^ط
وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ
يَسْتَغْفِرُونَ ﴿٣٤﴾

و نیست خدا عذابشان کند در
حالی که در میان آنها تویی و نیست
خدا آنها را عذاب کند در حالی که
آنها آمرزش می‌طلبند (۳۴)

وَمَا لَهُمْ آلَا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ
يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا
أَوْلِيَاءَهُ^ط إِنْ أَوْلِيَاؤُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ

و چیست آنها را که خدا آنان را
عذاب نکند با آنکه باز می‌دارند از
مسجد حرام حالاتکه صاحبان آن

وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٥﴾

نیستند. صاحبان آن جز متقیان
کسی نیست اما بیشتر آنان نمی
دانند(۳۵)++

وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً
وَتَصْدِيَةً ۚ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ
تَكْفُرُونَ ﴿٣٦﴾

و نیست نماز آنان نزد خانه [کعبه]
جز سوت کشیدن و دست زدن پس
بچشید عذاب به آن سبب که کفر
می کردید(۳۶)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ
لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ۚ فَسَيُنْفِقُونَهَا
ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ۖ ثُمَّ يُغْلَبُونَ ۗ
وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ ﴿٣٧﴾

براستی آنانکه کفر کردند مالهای
خود را انفاق میکنند تا از راه خدا
بازدارند پس حتماً آنان آنها را
[بهمین منظور] انفاق میکنند. باز
آن [انفاق] بر آنها حسرتی بگردد.
سپس مغلوب کرده شوند و آنانکه
کفر کردند بسوی جهنم محشور
کرده شوند(۳۷)

لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ
الْخَبِيثَ بَعْضَهُ عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمَهُ
جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ ۗ أُولَٰئِكَ

تا خدا ناپاک را از پاک جدا سازد
و ناپاک را رویهم بنهد. پس آن
جمع را متراکم سازد پس آن را
در جهنم بیفکند. همانها زیانکاران

آیت ۳۷: تسلط مشرکان بر مسجد فقط ظاهری بود. درحقیقت مستحقان آن مکان
متبرکه که چه قبل از تسلط و چه بعدا همان مومنان بوده اند.

هُمُ الْخٰسِرُونَ ﴿۳۸﴾

اند (۳۸) ع ۱۸

بگو. آنانرا که کفر کردند اگر دست بردارند آنچه گذشته برای آنها بخشوده شود و اگر تکرار [جرم] کنند پس سنت پیشینان [مانند آنها] گذشته است (۳۹)

و بجنگید به آنها تا آن انتها که فتنه باقی نماند و دین خالصانه برای خدا گردد. پس اگر دست بردارند آنگاه یقیناً خدا بسیار بیناست به آنچه میکنند (۴۰) ++

و اگر روی برتابند پس بدانید که خدا والی شماست. چه خوب والی و چه خوب یاورى است (۴۱)

قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا اِنْ يَنْتَهُوْا يُغْفَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ ۚ وَاِنْ يَّعُوْذُوْا فَمَا قَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْاَوَّلِيْنَ ﴿۳۹﴾

وَقَاتِلُوْهُمْ حَتّٰى لَا تَكُوْنَ فِتْنَةً وَّيَكُوْنَ الدِّيْنُ كُلُّهُ لِلّٰهِ ۚ فَاِنْ اَنْتُمْ وَاٰفِآءَ اللّٰهِ بِمَا يَعْْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ ﴿۴۰﴾

وَاِنْ تَوَلَّوْا فَاَعْلَمُوْا اَنَّ اللّٰهَ مَوْلٰىكُمْ ۗ وَاِنَّ اللّٰهَ لَيَبْصِيْرٌ ﴿۴۱﴾

++ آیت ۴۰: این آیت جهت مسئله ارتداد دلیلی استوار است. اینجا فتنه بمعنی

کسی را از دینش بزور برگرداندن است. پس تا آنگاه که دین خالصاً برای خدا نگردد جهاد برخلاف اجبارکنندگان باهمان اسلحه روا است که با آن برای ارتداد مومنان کوشش میکنند. منظور از فتنه برآتش بریان کردن هم است.

وبدانید هر چه مال غنیمت بدست آورید يك پنجم آن برای خدا [کارهای دین] و برای رسول و خویشان و یتیمان و مستمندان و درماندگان راه است اگر شما ایمان دارید بر خدا و آنچه بر بنده خود روز فیصل دهنده نازل کردیم روزی که دو جمعیت روبروی هم قرار گرفتند و خدا بر هر چیز مدام قدرتمند است (۴۲)

[یاد کنید] روزیکه شما در کنار زیرین وادی بودید و آنها در کنار بالاتر و قافله پاینتر از شما دو بود و اگر [به گروهی برای جنگ] باهم عهد میگذارید بازهم در وعده گاه اختلاف میکردید و اما [اینطور شد] تا خدا آن کار را بگذراند که حتمی الوقوع بود تا آنکه را از روی دلیلی روشن جواز هلاکت باشد همان هلاک گردد و آنکه باید از دلیلی روشن

وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ ۚ إِن كُنتُمْ آمَنتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقِي الْجَمْعَيْنِ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤٢﴾

إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَهُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَىٰ وَالرَّكْبُ أَسْفَلَ مِنْكُمْ ۗ وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ لَا خْتَفْتُمْ فِي الْمِيعَادِ ۗ وَلَكِن لِّيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيْتِنَا وَيُخَيِّبَ مَنْ حَيَّ عَن بَيْتِنَا ۗ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٤٣﴾

زنده ماند همان زنده بماند یقیناً
 خدایس شنوای صاحب علم دائمی
 است (۴۳) ++

وقتی که خدا آنها را به تودرخواست
 اندک نشان میداد و اگر تو را
 بسیار نشان میداد [ای مومنان!]
 حتماً میترسیدید و در این امر مهم
 اختلاف میکردید اما خدا از آن
 [شمارا] نگهداشت یقیناً و به راز
 سینه ها نیک داناست (۴۴) ++

و هنگامیکه آنها را به شما چون
 رویا روی هم شدید اندک نشان
 میداد و شمارا در نگاه آنها اندک
 نشان میداد تا خدا آنکار را بگذراند
 که حتمی الوقوع بود همه امور به
 سوی او برگردانده شود (۴۵) ++

إذِ يُرِيكَهُمُ اللَّهُ فِي مَآمِكَ قَلِيلًا ۖ وَلَوْ
 أَرَاكُمْ كَثِيرًا لَّفَشِلْتُمْ
 وَلَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَلَكِنَّ اللَّهَ
 سَلَّمَ ۗ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۝۴۳

وَإِذِ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ اتَّقَيْتُمْ فِي
 أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَيُقَلِّلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ
 لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا ۗ وَإِلَى اللَّهِ
 تُرْجَعُ الْأُمُورُ ۝۴۴

++ آیات ۴۳-۴۵: پیش از جنگ بدر مسلمانان را برای جنگ خیال هم نبود بلکه
 ایشان را درباره قافله تجاری اهل مکه خبر رسیده بود و برای جلوگیری آن قافله
 رفته بودند چه اهل مکه بر آن بودند که تمامی منافع سفر تجاری این قافله را
 برخلاف مسلمانان در جنگ بکار ببرند. این يك تدبیر خصوصی از جانب خدا بود که
 او مسلمانان را با این وجود که در عدد کم بودند برای مقابله لشکری بزرگ همت
 قسمت کرد و الا بسیاری از ضعیفان برای مقابله لشکری آنقدر بزرگ حتی [ص: ۴۰۷]

ای کسانی که ایمان آورده اید هرگاه با گروهی برخورد کنید پس پایداری نشان دهید و خدا را بسیار یاد کنید تا پیروزی را بدست آورید (۴۶)

و خدا و رسولش را اطاعت کنید و از هم نزاع نکنید و گرنه ترسو شده و رعب شما از میان می‌رود. پس صبر کنید یقیناً خدا با صبر کنندگان است (۴۷)

و مشوید مانند آنانی که از خانه های خود خرامان و به ریاء مردم در آمدند و از راه خدا باز می‌داشتند و خدا احاطه کرده بود آنچه را انجام می‌دادند (۴۸)

و چون [انسانی] شیطان [کردار] به

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٤٦﴾

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿٤٧﴾

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطْرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿٤٨﴾

وَإِذْ زَيْنَ لَهْمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَاهُمْ وَقَالَ لَأَ

++ بقیه آیات ۴۳-۴۵: خانه ها بیرون نیامدند.

ليهلك من هلك عن بينة - اینجا سخنی عبارت از حکمت عمیقی عنوان میشود یعنی آنانی که دلیلی روشن را که بینة نامدار دارد باشند ایشان از برکت این دلیل حتماً پیروز شدند. بعکس آنها که فاقد دلیل باشند منتها هلاک میشوند. بحرحال جنگ ظاهری است یا جدال مسایل کسانی که مجهز به بینة باشند حتماً برندگان اند و آنها که بی آنند منتها هلاک شوندگانند.

آنها اعمال آنان مزین نشان داد
وگفت، امروز هیچکدام از مردم بر
شما غالب شونده نیست و منم پناه
دهنده شما. پس چون هر دو گروه
روبروی هم شدند او بر پاشنهای
خود برگشت وگفت من از شما بری
الذمه شدم. یقیناً من بینم آنچه شما
نبینید. بر راستی من از خدا میترسم
و خدا سخت عقوبت است (۴۹)

[بیاد آرید] چون منافقان و آنانکه
در دلهای آنها بیماریست میگفتند
که آنها را دین آنها بفریب انداخته
است حالیکه هر که به خدا توکل
کند آنگاه یقیناً خدا صاحب غلبه
کامل صاحب حکمت است (۵۰)

و اگر میدیدی چون فرشتگان آنها
که کفر کردند را وفات دهند و بر
روپا آنها و پشتهای آنها ضربه
زنند و [گویند] عذاب سوزنده را
بچشید (۵۱)

اینست بدانعلت که دستهایتان

غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي
جَارٌّ لَكُمْ^ج فَلَمَّا تَرَ آتِ الْفِتْنِ نَكَصَ
عَلَى عَقْبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكُمْ إِنِّي
أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ
شَدِيدُ الْعِقَابِ^ع

ج
ع

إِذ يَقُولُ الْمُنْفِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ
مَّرَضٌ غَرَّهُمْ^ط أَلَاءَ دِينِهِمْ^ط وَمَنْ
يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ
حَكِيمٌ^ح

وَلَوْ تَرَى إِذِ اتَّوَفَى الَّذِينَ كَفَرُوا
الْمَلَائِكَةَ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ
وَأَذْبَارَهُمْ^ح وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ^ح

ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْت أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ

بِظُلْمٍ لِّلْعَبِيدِ ﴿٥٧﴾

پیش فرستاد درحالیکه نیست
خدا که ستمی اندکتر بر بندگان
کننده باشد (۵۲)

مانند شیوه فرعونیان و آنانکه
پیش از آنها بودند [شیوه شام
همانطور است] آنها آیتهای خدا
را انکار کردند پس خدا آنها را
به گناهانشان بگرفت یقیناً خدا
بسیار نیرومند سخت عقوبت
است (۵۳)

این بدانعلت است که خدا آن
نعمت را که بر قومی ارزانی
داشته باشد تغییردهنده نیست
تا آن انتها که بحال خود تغییر
دهند و بدانید که خدا بسیار شنوا
صاحب علم دائمی است (۵۴)

مانند فرعونیان و آنانکه پیش از
آنها بودند [شیوه شام نیز همانطور
است] آنها به آیات ما تکذیب کرده
بودند پس ما آنها را بسبب گناهان
آنها هلاک ساختیم و فرعونیان

كَذَّابٍ آلِ فِرْعَوْنَ ۗ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۗ
كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ ۗ
إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٥٧﴾

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِّعْمَةً
أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُ مَا
بِأَنْفُسِهِمْ ۗ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٥٤﴾

كَذَّابٍ آلِ فِرْعَوْنَ ۗ وَالَّذِينَ مِنْ
قَبْلِهِمْ ۗ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ
فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ
فِرْعَوْنَ ۗ وَكُلٌّ كَانُوا ظَالِمِينَ ﴿٥٥﴾

را غرق کردیم و آنها همه ستمکاران بودند (۵۵)

یقیناً بدترین جنبندها نزد خدا آنانند که کفر کردند و آنها ایمان نمی‌آوردند (۵۶)

[یعنی] آنان که با ایشان پیمان بستنی سپس هربار پیمان خود را می‌شکنند و آنها نمی‌ترسند (۵۷)

پس اگر در جنگ با آنان برخورد کنی پس با [فرجام] آنان پراکنده بساز آنها را که پشت سر آنان اند تا باشد که آنها پند بگیرند (۵۸)

و اگر از قومی ترس خیانت داری پس به آنها معامله بمثل کن. هرگز خدا خیانتکاران را دوست ندارد (۵۹)

و کسانی که کفر کردند هرگز گمان نکنند که پیشی گرفته اند. قطعاً آنها نتوانند بمعجز بی‌آیندند (۶۰)

و هر چه امکان دارید برای ایشان آماده کنید از نیرو و اسبان

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٥٥﴾

الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ ﴿٥٧﴾

فَأَمَّا تَتَقَفْتَهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِّدْهُمْ مِّنْ خَلْفِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَدَّكُرُونَ ﴿٥٨﴾

وَأَمَّا تَخَافُ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةٌ فَأَنْذِرْهُمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ ﴿٥٩﴾

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِلَهُمْ ۗ لَا يُعْجِزُونَ ﴿٦٠﴾

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ ۗ وَعَدُّوا لِلَّهِ

وَعَدُّوْكُمْ وَاٰخِرِيْنَ مِنْ دُوْنِهِمْ لَا تَعْلَمُوْنَهُمْ ۗ اَللّٰهُ يَعْلَمُهُمْ ۗ وَمَا تُنْفِقُوْا مِنْ شَيْءٍ فِىْ سَبِيْلِ اللّٰهِ يُوَفِّ اِلَيْكُمْ وَاَنْتُمْ لَا تظَلُمُوْنَ ۝

بسته [در امتداد خط مرز تا] به آن دشمن خدا و دشمن خود و علاوه بر آنها دیگران را نیز بترسانید. نمیدانید آنها را، خدا است که آنها را میداند. آنچه از چیزی براه خدا انفاق کنید تماماً بسویتان پس داده شود و شما حق تلفی کرده نشوید (۶۱)

وَ اِنْ جَاحَظُوا لِّلسَّلَامِ فَاْجِزْ لَهَا وَ تَوَكَّلْ عَلٰى اللّٰهِ ۗ اِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيْمُ ۝

و اگر به صلح میل کنند پس تو نیز به صلح بگرا و بر خدا توکل کن یقیناً او شنوای صاحب علم دائمی است (۶۲)

وَ اِنْ يُرِيْدُوْا اَنْ يَّخْدَعُوْكَ فَاِنَّ حَسْبَكَ اللّٰهُ ۗ هُوَ الَّذِىْ اَيْدِكَ بِبَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِيْنَ ۝

و اگر بخواهند بتو طفره زنند آنگاه یقیناً خدا برای تو بس است. اوست آنکه بانصرت خود و بامومنان، تو را کمک کرد (۶۲)

وَ اَلْفَ بَيْنَ قُلُوْبِهِمْ ۗ لَوْ اَنْفَقْتَ مَا فِى الْاَرْضِ جَمِيعًا مَّا اَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوْبِهِمْ ۗ وَاَلَيْسَ اللّٰهُ اَلْفَ بَيْنَهُمْ ۗ اِنَّهُ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ ۝

و قلبهای ایشان را پیوند داد. اگر هر چه در زمین است همه راهزینه میکردی نه بودی میان دلهایشان پیونددهی. ما خدایان آنان پیوند داد. یقیناً او صاحب غلبه کامل

صاحب حکمت است (۶۴)

ای پیغامبر! خدا بس است تورا و
آنانرا که از مومنان تورا پیروی
نمایند (۶۵)

ای پیغمبر! مومنان را بر قتال
تحریض کن. اگر از شما بیست صبر
کنندگانند آنان بر دویست چیره
شوند و اگر از شما یکصد [صبر
کنندگان] اند بربیک هزار از آنها که
کفر کردند غالب آیند. چه آنان
کسانیند که درک نکنند (۶۶) ++

اکنون خدا از [تکلیف] شما کاسته
است چون او میداند که هنوز
در شما ضعف است. پس اگر از
شما یکصد صبرکنندگان باشند آنگاه
به اذن خدا بر دویست غلبه یابند

++ ایت ۶۶: حضرت محمد صلی الله علیه وسلم فرمان شدند که مومنان را بر جنگ
تحریض کن. اگر چه ایشان کم عدد اند اما وعدهٔ خدای است که میتوانند بر عدد ده
برابر خود غلبه یابند. مفهوم این نیست که تک نفر میتواند بر عدد ده برابر خود
غلبه یابد بلکه يك عدد معین نقل شده است که اگر صد نفر اند عین ممکن است بر
هزار نفر غالب آیند.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ
مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۱۵

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى
الْقِتَالِ ۱۶ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ
صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ ۱۷ وَإِنْ يَكُنْ
مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ
كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ۱۸

إِنَّ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ
ضَعْفًا ۱۹ فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ
يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ ۲۰ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ
يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ ۲۱ وَاللَّهُ مَعَ

الصَّابِرِينَ ﴿٦٧﴾

واگرازشمايك هزار باشند بر دو
هزار [نفر دشمن] چيره شوند و
يقيناً خدا با صبر كنندگانست (٦٧)+
سزاوار پيغمبری نيست كه او را
اسيران [غلام] باشند تا آنگاه كه
در زمين قتالی خونبار نكند. شما
متاع دنيا را دوستداريد در
حاليكه خدا را آخرت پسند آيد و
خدا صاحب غلبه كامل صاحب
حكمت است (٦٨)

اگر [به شما سلوك آمرزش] از پيش
تقدير نشده بود حتماً شما را به
پاداش آنچه بدست آورديد عذابي
خيلي بزرگ ميرسيد (٦٩)

پس بخوريد حلال و پاكيزه را
عَنْ اَزْآنِجِهْ بَهْ غَنِيْمَتِ بَرْدِيْدِ وَخَدَا رَا

مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَى حَتَّى
يُشْخِنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَصَ
الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ
عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٦٨﴾

لَوْلَا كِتَابٌ مِّنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا
أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٦٩﴾

فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا ۚ وَاتَّقُوا
اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٧٠﴾

++ ايت ٦٧: در اين آيت مذکور است كه سردست شما در حالت ناتواني قرار
داريد كه نه شما را غذای كامل ميسر است و نه مهات جنگ. لذا يكصد نفر شما بر
دويست نفر غالب آيند. اما چون رعب شما برقرار شود آنگاه از نسلهاي آينده بر
هزار و ده هزار نفر هم ميتوانيد غلبه يابيد. جهت فتح بزرگ كه براي آيندگان
پيشگوئي شد. بنيادش همان از دست مومنان اولی نهاده شده بود.

تقوی اختیار کنید و یقیناً خدا
آمرزندهٔ بارها رحم کننده است
(۷۰)

ای پیغمبرآنان از اسیران که در
دست شما اند بگو اگر خدا در
دلهای شما نیکی بداند شما را
نیکوتر از آنچه بدهد که از شما
گرفته شد و شما را بیامرزد و
خدا آمرزندهٔ بارها رحمکننده
است (۷۱)

و اگر آرمگ کنند به خیانت تو پس
پیش ازین به خدا خیانت کرده
بودند پس او آنها را بیچاره
ساخت و خدا صاحب علم دائمی
صاحب حکمت است (۷۲)

یقیناً کسانی که ایمان آوردند و
مهاجرت کردند و با مالهای خود
و جانهای خود در راه خدا جهاد
کردند و آنانکه [مهاجران را] در
منازل خود پناه دادند و یاری
کردند همانهاست که بعضی از ایشان

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ
الْأَسْرَى إِنَّ يَعْلَمِ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ
خَيْرًا يُؤْتِيكُمْ خَيْرًا مِمَّا أُخِذَ مِنْكُمْ
وَيَغْفِرْ لَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٧١﴾

وَإِنْ يُرِيدُوا خِيَاتَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ
مِنْ قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ
حَكِيمٌ ﴿٧٢﴾

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا
بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
وَالَّذِينَ آوَوْا وَانصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ
أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۗ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ
يُهَاجِرُوا أَمْوَالُكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ

به بعضی دوست اند و آنانکه ایمان آوردند اما مهاجرت نکردند شما را هیچ [جواز] از دوستی آنان نیست تا آنگاه که مهاجرت کنند و اگر در دین از تو یاری جویند پس بر شما لازم است که یاری کنید مگر که خلاف قومی باشد که میان شما و میان آنها پیمانی است و خدا به آنچه عمل کنید عمیقاً بینا است (۷۳)

و کسانی که کفر کردند بعضی از آنها دوستان بعضی اند اگر آن را بجانیه آورید [که آموزش داده شدید] در زمین فتنه و فساد بزرگ می باشد (۷۴)

و کسانی که ایمان آوردند و مهاجرت کردند و در راه خدا جهاد کردند و آنانکه پناه دادند و یاری کردند همانهاست که مومنان واقعی هستند. ایشان را آمرزش و رزقی کریمانه ی است (۷۵)

حَتَّىٰ يَهَاجِرُوا ۗ وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿۷۳﴾

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۗ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُن فِتْنَةً فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ ﴿۷۴﴾

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿۷۵﴾

وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنِّي بَعْدُ وَهَاجَرُوا
 وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنكُمْ ۗ
 وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي
 كِتَابِ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٧٦﴾

وکسانیکه بعدما ایمان آوردند و
 مهاجرت کردند و با شما همراه
 کردند ایشان از خود شمایند و
 [نسبت به] خویشاوندان در کتاب
 خدا بعضی از آنان ببعضی نزدیکتر
 اند. یقیناً خدا به هر چیز خوب دانا
 است (۷۶)

۹- سورة التوبة

این سوره بلافاصله پس از سوره الانفال در مدینه نازل شد و ۱۲۹ آیت دارد.

پایان سوره الانفال از وضعیت جنگها و ناشی از آنها پدید آمدن مشکلات و بعدها بدست آمدن نعمتها حاکی بود و تصویر بعدی آن وضعیت در آغاز این سوره توبه کشیده ذکر میشود که دشمنان حتماً مغلوب شده و وادار به عقدپیمانها با آنحضرت ﷺ و یاران ایشان خواهند شد. پس انصاف تقاضا دارد که تاآن نهایت که آنان استوار بر پیمانهای خودشان باشند باید از جانب مسلمانان هرگز پیمان شکنی بعمل نیاید.

ذکر ازعواقب عهد شکنی از سوره الفاتح شروع شده در تمام سوره هایپیشین بنحوی گوناگون یافت میشود. آن ذکر در این سوره نیز موجود است. اما بطوریکه دشمنان نقض پیمان کرده مجازات میشوند. مومنان هشدار داده میشوند که ایشان را بحر حال به پیمانهای خویش وفا کردن است.

دراین سوره این ذکرپیوسته یافت میشود که پیروزی مسلمانان متکی بر برتری تجهیزات جنگی یا تزیید عددی نیست و نمیتواند باشد و در ادامه این سخن مثل ازجنگ چنین داده میشود. آنگه گام مسلمانان بر کافران برخوردار به برتری عددی بودند و بر پایه آن برتری شماری از مسلمانان پیدا شدند که کافران را چطور ممکن است که پیروز باشند در حالیکه قبلاً ما یا آن وجود که کم عدد بودیم بر جمعیتی بسیار کثیرانان پیروزمند میشدیم. ایشان پند داده میشوند که وقتیکه شما کم عدد بودید فقط بعلت دعاهای

آنحضرت ﷺ پیروزمند میشدید. پس اینک گمان شما نسبت به برتری تعداد شکسته میشود. اما شما پس از این شکست بسیار خطرناک دوباره در نتیجه دعاها و صبر و همت همین رسول خدا ﷺ پیروز خواهید شد.

بعدها ذکر از ارزانی داشتن دارائیهها میباشد. بعلت آن ارزانی منافقان از روی حسادت حتی بر آنحضرت ﷺ نیز که مستقیماً مسؤل از جهت توزیع آن بودند، تهمت خیانتکاری زدند. حالانکه آنحضرت ﷺ آن مالها را نه برای خویشاوندان خود بلکه جهت بهبودی مهاجران، فقیران و تهیدستان و کسانی در گرداب مشکلات فرا گرفته و کسانی غرق در تاوان بدهی ما، بکار میبردند. پس در ضمن، آنها هشدار داده میشوند که اگر آنها بر این رسول امین ﷺ هم تهمت خیانتکاری زنند حتماً به هلاک افکنده شوند. حقیقت امر اینست که اینچنان افتراء کنندگان خودشان از امثال کسانی بی دیانت و خیانکاران میباشد.

در پایان این سوره آیتی عبارت از این است که این آن رسول است که خالصاً جهت بهبودی شما رنج میکشد. شما هر چه رنج در راه خدا میکشید بر او سخت میگذرد. آن سختی که بر کفار میگذرد هرگز بستگی به سختی قلب او را ندارد. قلب او بیگمان پر از مهر و رحمت همگانه و تمثلی زنده از خدای رؤف الرحیم است.

سُورَةُ التَّوْبَةِ مَدْيَنَةٌ وَهِيَ مِائَةٌ وَتِسْعٌ وَعِشْرُونَ آيَةً وَ سِتَّةَ عَشَرَ رُكُوعًا

[اعلام] بیزاری است از جانب خدا
و رسول او بسوی آن مشرکان که
با آنها پیمان بسته اید (۱)

پس بگردید در زمین چهار ماه و
بدانید نیستید شما که خدا را به
عجز آرید و اینکه خدا کافران را
خوارکننده است (۲)

و از خدا و رسول او در روز حج
اکبراعلانی است که خدا از کافران
کلیتاً بیزار است و رسول او نیز.
پس اگر توبه کنید پس آن برای
شما بهتر است و اگر روی برتابید
بدانید نیستید شما که خدا را به
عجز آرید و به آنانکه کفر کردند به
عذابی دردناک مژده بده (۳)

بِرَاءَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ
عٰهَدْتُمْ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ ۝۱

فَسِيءُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ
وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ
وَ أَنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكٰفِرِينَ ۝۲

وَإِذْ قَالَ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ
الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ
الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ
خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ
غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ
كَفَرُوا بِعَذَابٍ آلِيمٍ ۝۳

این امر لایق تذکر است که قبل از سوره التوبه بسم الله نیست. قرآن مجید را
جله ۱۱۴ سوره است و بسم الله فقط در آغاز ۱۱۳ سوره مرقوم است. اما این اعجاز
از قرآن است که جای دیگر در سوره النمل در ضمن نامه از حضرت سلیمان بنام ملکه
سباسبم الله الرحمن الرحيم کاملاً نوشته عدد بسم الله به عدد سوره ۱۱۴ میرسد.

إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوا شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مَدَّتِهِمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ④

مگر از مشرکان به آنانکه عقد پیمان کردید و سپس هرگز نقض پیمان نکردند و خلاف شایه احدی پشتبانی نکردند پس پیمانشان را به آنان بپایان برید تا مدتی که به آنان [مقرر] دارید. یقیناً خدا دوستدار متقیان است (۴)

فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَحْضِرُوهُمْ وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ ۚ إِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ⑤

پس چون ماههای حرام بگذرد آنگاه قتال کنید به مشرکان [عهد شکن] هر کجا آنها را بیابید و دستگیرشان کنید و محصورشان کنید و برایشان برهریک کمینگاه بنشینید. پس اگر توبه کنند و نماز را بپای دارند و زکوت دهند پس راه آنها را ترک کنید. یقیناً خدا آمرزنده بارها را محمکنده است (۵)

وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلِمَةَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ۗ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ ⑥

و اگر احدی از مشرکان از تو پناه طلبد پس او را پناه بده تا آنگاه که او کلام الهی را بشنود پس از آن او را تا جای ایمن برسان. این [تخفیف] بدانعلت است که

آنها قومی اند که دانشی ندارند (۶)

چسان پیمان مشرکان جزبا آنان که در مسجد حرام پیمان بستید نزد خدا و رسولش درست میشود! پس تا آنگاه که آنها در حق شما [برعهد] ثابت مانند شما هم در حقشان ثابت بمانید. یقیناً خدا

متقیان را دوستدارد (۷)

چطور [عهد آنها مورد اعتماد] است حالیکه اگر بر شما غلبه یابند جهت شما پیمانی و تکلیفی را مراقبت نکنند. شمارا بادهنهای خود خشنود سازند حالانکه دلهای آنها منکرند

و اکثر آنها فاسقانند (۸)

آنها ببدل آیتهای خدا بهائی ناقابل قبول کردند و از راه او بازداشتند یقیناً بسیار زشت است

آن کار که میکنند (۹)

جهت مومنان هیچ پیمانی و تکلیفی را رعایت نکنند. همانها

تجاوز گراند (۱۰)

كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ①

كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَى قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ ②

اِشْتَرَوْا بِآيَاتِ اللَّهِ ثُمَّ قَلِيلًا فَصَدَّوْا عَنْ سَبِيلِهِ ③ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ④

لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً ⑤ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ ⑥

فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ
فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ ۗ وَتَفْصِيلُ الْآيَاتِ
لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿۱۱﴾

پس اگر توبه کنند و نماز را بجای
دارند و زکوت دهند آنگاه در
دین برادران شمایند و ما آیتهای
را تفصیل میدهم برای قومی که
دانشمندند (۱۱)

وَإِنْ تَكْفُرُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ
وَطَعْنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَلِئِمَّةَ
الْكُفْرِ ۗ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ
يَنْتَهُونَ ﴿۱۲﴾

و اگر آنها سوگندهای خود را
پس از عهد خود بشکنند و در دین
شما طعن زنند پس با پیشوایان
کفر جنگ کنید. یقیناً سوگندهای
آنان هیچ اعتبار ندارد [اینگونه]
ممکن است آنها باز ایستند (۱۲)

أَلَا تُقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ
وَهُمْ مُواخِرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ
بَدَّءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ ۗ أَتَخْشَوْنَهُمْ
فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُؤْمِنِينَ ﴿۱۳﴾

آیاشما با قومی جنگ نکنید که
سوگند های خود را شکستند و به
تبعید رسول آهنگ کردند و همانها
اندکه اول بار خلاف شما آغاز
[تجاوزگری] کردند. آیا شما از آنها
میترسید حالانکه خدا سزاوارتر
است که از او بترسید اگر شما
مومنانید (۱۳)

قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ
وَيُخْزِهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ

قتال کنید به آنها. خدا بدست
شما عذابشان کند و آنها را رسوا

صُدُّورَقَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ ۝۱۰

کند و شمارا خلاف آنها یاری دهد
وسینه های مومنان را درمان
کند (۱۴)

وَيُذْهِبْ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ ۗ وَيَتُوبُ اللَّهُ
عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝۱۰

و خشم از دل‌های آنان دورسازد و
خدا بر هر که خواهد توبه قبول
کند و متمایل گردد و خدا بسیار
دانای صاحب حکمت است (۱۵)

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ
الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ
دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ
وَلِجَآءِ اللَّهِ خَيْرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝۱۱

آیا گمان کنید که همینطور رها کرده
شوید در حالی که خدا هنوز آنان
از شمارا که جهاد کردند و خدا و
رسول او و مومنان را رها کرده
کسی را دوست صمیمی نگرفتند
[به آزمایش افکنده] باز نشناخته
است و خدا مدام آگاه است به
آنچه می‌کنید (۱۶)

مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسْجِدَ
اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ ۗ
أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ ۗ وَفِي النَّارِهِمْ
خَالِدُونَ ۝۱۱

مشرکان رانیست که مساجد خدا
را آباد کنند با آنکه آنها بر علیه
خویشان گواه بکفراند. همانها اند
که اعمالشان هدر رفت و آنها
مدت دراز در آتش میانند (۱۷)

إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسْجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ

مساجد خدا را آباد کند فقط آنکه

به خدا و روز آخرت ایمان آرد و نماز را بپای دارد و زکات دهد و نترسد جز از خدا. پس نزدیک است این مردم از جمله هدایت یافتگان شوند (۱۸)

آیا شما به حاجیان آب دادن و مراقب بودن مسجد حرام رامانند آنکس قرار میدهند که به خدا و روز آخرت ایمان آورد و در راه خدا جهاد کرد؟ آنان نتوانند نزد خدا یکسان باشند و خدا قومی ستمکار را هدایت نمیدهد (۱۹)

آنانکه ایمان آوردند و مهاجرت کردند و در راه خدا با دارائی های خود و جانهای خود جهاد کردند نزد خدا در رتبه بلندترند و همانند که برتر شوندگان اند (۲۰)

بروردگار آنان ایشانرا از جانب خود برحمت خود و خوشنودی و باغهای مژده میدهد که در آنها

وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى
الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَى
أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ﴿١٨﴾

أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَآجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ
الْحَرَامِ كَمَنْ أَمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۗ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ
اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٩﴾

الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي
سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْثَرُ
دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ ۗ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿٢٠﴾

يُغْفِرُ لَهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ
وَجَنَّتْ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ ﴿٢١﴾

ایشان را نعمتهای پایداری است (۲۱)
ایشان در آنها جاویدانند یقیناً خدا
است که نزد او اجری بزرگ
است (۲۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید
پدران خود و برادران خود را
بدوستی فرانگیرید اگر آنان در
مقابل ایمان کفر را دوست دارند
و کسانی از شما که آنها را دوست
گیرند پس همانهاست مکارانند (۲۳)
بگو اگر پدرانتان و فرزندانتان و
همسرانتان و خویشانانتان و آن
مالها که آنها را کسب میکنند و
تجارتی که از کسادی آن می
ترسید و خانه های که آنها را
دوستدارید برای شما از خدا و
رسولش و جهاد در راه او گرامی
- تر اند پس منتظر باشید تا آن
گاه که خدا فرمان خود را بیآرد
و خدا زشت کرداران را هدایت
نمی دهد (۲۴)

خُلِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۗ إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ
عَظِيمٌ ﴿٢١﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ
وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ
عَلَى الْإِيمَانِ ۗ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَمِنْكُمْ
فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٢﴾

قُلْ إِن كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ
وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ
وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ
كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ
إِلَيْكُمْ مِّنْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي
سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ ۗ
وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٢٣﴾

یقیناً خدا شمارا در بسیار میدانها
 كمك داده است و [بویژه] در روز
 حنین چون شما را فزونی خود
 به تکبر و ادا داشت اما آن هیچ
 بکار شما نیامد و زمین با آنهمه
 فراخی بر شما تنگ شد باز پشت
 کرده روی بر تابیدید (۲۵)

سپس خدا آرامش خود را بر
 رسول خود و بر مومنان نازل کرد
 و لشکرانی فر فرستاد که شما
 آنها را نمیدیدید و کسانی که کفر
 کردند را عذاب داد و کافران را
 همین پاداش است (۲۶)

سپس خدا بر هر که بخواهد توبه
 قبول کنان متمایل شود و خدا
 آمرزنده ی بارها رحم کننده
 است (۲۷)

ای کسانی که ایمان آورده اید
 بیگمان مشرکان ناپاکند. پس آنها
 پس از این سال به مسجد حرام
 نزدیک نشوند و اگر از فقر بیم

لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ
 وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ
 فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمْ
 الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمُ
 مُدْبِرِينَ ﴿٢٥﴾

ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ
 وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ
 تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ
 جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ﴿٢٦﴾

ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَى مَنْ
 يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٧﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ
 نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ
 عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ

يُغْنِيكُمْ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٢٨﴾

دارید پس خدا شمارا بفضل خود
توانگرسازد یقیناً خدا صاحب علم
دائمی صاحب حکمت است (۲۸) +

قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ
الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ
وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ
الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا
الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ ﴿٢٩﴾

قتال کنید آنان از اهل کتاب را
که ایمان نمی‌آیند به خدا و نه به
روز آخرت و نه حرام دانند آنچه
را خدا و رسول او حرام قرار داده
است و راه دین حق را اختیار
نکنند تا آنگاه که جزیه را با
دست [ادا] کنند و بیچارگان

گردند (۲۹)

+ آیت ۲۹۸: منظور از نجس بودن مشرکان نه نجاست بدنی بلکه نجاست اعتقاد
آنان میباشد. پس باز داشتن مشرکان از برگزاری مراسم حج دال بر اینست که
آنها نباید با حرکات مشرکانه خود رخصت به برگزاری مراسم حج داده شوند چه
در زمان جاهلیت آنان گامی تخت و گامی بابتان خود مراسم حج برگزار میکردند.
حضرت امام ابوحنیفه و دیگر فقیهان حنفی ورود مشرکان در مساجد مسلمانان حتی
در مسجد حرام نیز مجاز میگردانند. البته آنها مجاز نیستند تا با رسمهای مشرکانه
خود حج یا عمره را بجا آرند. چنانچه نوشته است. "لِأَنَّهُ لَيْسَ الْمَرَادُ مِنَ آيَةِ
(انما المشركون نجس فلا يقربوا المسجد الحرام) النهي عن دخول المسجد
الحرام. و انما المراد النهي ان يحج المشركون او يعتمروا كما كانوا يعملون في
الجاهلية - الفقه الاسلامي و ادلته". تالیف الدكتور وهبة الزحيلي. جلد ۶ -
صفحات ۴۳۴ و ۴۳۵ - دارالفکر دمشق.

و یهود گفتند عزیر پسر خدا است و مسیحیان گفتند مسیح پسر خدا است. این گزاف دهن های آنانست. آنان هم آواز به سخن آنان می شوند که قبلاً کفر کرده بودند. خدا نابودشان کند کجا برگردانیده شوند (۳۰)

آنها علمای دین خود و راهبان خود را بغیر از خدا خدایانی برگزیده اند و هم مسیح ابن مریم را. حالانکه فرمان نشده بودند مگر که برای خدای یگانه عبادت کنند. هیچ معبودی نیست جز او. او منزّه است از آنچه شرک میورزند (۳۱)

آنها خواهند نور خدا را بآباد دهن های خود خموش کنند و خدا [هر سخنی دیگر را] رد کند مگر که نور خود را بکمال برساند و لو کافران را ناخوش گذرد (۳۲) او است آنکه رسول خود را با

وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصْرَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَتَلَهُمُ اللَّهُ ۗ أَلَمْ يُوَفِّكُونَهُ ۖ

اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا ۗ لَآ إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۗ سُبْحٰنَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۖ

يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِقُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ۖ

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ

الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ ۗ وَلَوْ كَرِهَ
الْمُشْرِكُونَ ﴿٣٣﴾

م.

هدایت و دین حق فرستاد تا آن
را بر هر کدام دین غلبه دهد و هر چند
مشرکان را ناخوش دارد (۳۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن كَثِيرًا مِّنَ الْأَجْبَارِ
وَالرُّهْبَانِ لِيَآكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ
بِالْبَاطِلِ وَيُصَدِّدُونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ ۗ
وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا
يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۗ فَبَشِّرْهُمْ
بِعَذَابِ أَلِيمٍ ﴿٣٤﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید یقیناً
از علماء دین و راهبان بسیاری
اند که مالهای مردم را با باطل مورد
طعمه قرار میدهند و از راه خدای باز
میدارند و آنانکه طلا و نقره را
اندوخته و در راه خدا انفاق نمی
کنند آنها را بعد از این در دوزخ
بده (۳۴)

يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا
جِبَاهُهُمْ وَجُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ ۗ هَذَا
مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ ۗ لَأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا
كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ ﴿٣٥﴾

روزیکه شعله آتش جهنم بر آن
[طلا و نقره]ها افکنده شود. پس
به آن پیشانیهای آنها و پهلوهای
آنها داغ کرده شود [و خطاب شود]
اینست آنچه برای جانهای خود
اندوخته بودید. پس [طعم] آنرا
بچشید که شما میاندوختید (۳۵)
یقیناً عدد ماهها نزد خدا از روزی
که او آسمانها و زمین را آفرید در
کتاب خدا دوازده ماه است. چهار

إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ
شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ

از آنها حرمت دارد. اینست دین برقرار. پس در این [ماه]ها برجان های خودستم نکنید و [در ماههای دیگر] همه بامم بامشركان قتال کنید بطوریکه آنها همه بامم بشما قتال کنند و بدانید که خدا با متقیان است (۳۶)

یقیناً نستی در کفر افزایشی است. آنانکه کفر کردند به آن گمراهتر کرده شوند. آنها سالی آنرا حلال می شمارند و سالی آنرا حرام قرار میدهند تا شمار را وفق دهند به آنچه خدا حرام قرار داده است. پس آنها حلال قرار میدهند آنچه را خدا حرام کرده است. زشتی اعمالشان به آنها زیبا نشان داده شد و خدا قوم کافران را هدایت نمیدهد (۳۷) ++

وَالْأَرْضُ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ۗ ذَلِكَ
الَّذِينَ الْقِيمُ ۗ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ
أَنْفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً
كَمَا يَفْعَلُونَكُمْ كَافَّةً ۗ وَاعْلَمُوا أَنَّ
اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ﴿٣٦﴾

إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ
الَّذِينَ كَفَرُوا يُحِلُّونَهُ عَامًا
وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًا لِيُؤَاطُوا عِدَّةَ مَا
حَرَّمَ اللَّهُ فَيُحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زُرِينَ
لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي
الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿٣٧﴾

++| آیت ۳۷: نستی عبارت از این است که اعراب قبل از اسلام ماه های حرمتدار را بمیل خود پس و پیش میکردند تا انجام دهند کارها مثل جنگها و غیره که در این ماه ها حرام بود و بعداً بعضی از ماه های دیگر را حرمت دار قرار دهند.

ای کسانی که ایمان آورده اید
 چیست شمارا که چون به شما گفته
 شود که براه خدا [برای جهاد] در
 آید سنگین شده به سوی زمین
 میگرایید. آیا به زندگی دنیا از
 آخرت خوشنودتر شدید؟ پس
 متاع دنیا در آخرت بس حقیر
 است (۳۸)

اگر [برای جهاد] بیرون نیاید او
 شمارا بعدابی دردناک عذاب کند
 و ببدل شما قومی دیگر را بیآرد
 و نیستید شما به او هیچ گزندی
 برسانید و خدا بر هر چیز مدام
 قدرتمند است (۳۹)

اگر شما او [رسول] را یاری نکنید
 البته خدا که او را آموغ هم
 یاری داد چون آنانکه کفر کردند
 اوراتبعد کرده بودند حالیکه او
 یکی از دو بود چون آندو درغار
 بودند گامیکه او به همراهی خود
 گفت، غم مخور یقیناً خدا با ما

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ
 أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَتَأْتَلْتُمْ إِلَى
 الْأَرْضِ ۗ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ
 الْآخِرَةِ ۗ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي
 الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ ﴿٣٨﴾

إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا
 وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ
 شَيْئًا ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٣٩﴾

إِلَّا تَنْضُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ
 الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِي اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ
 إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ
 مَعَنَا ۗ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ
 بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ

كَفَرُوا وَالسُّفْلَىٰ ۗ وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ
الْعُلْيَا ۗ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿۱۰﴾

است. پس خدا آرامش خود را بر
آنان نازل کرد و او را با لشکرهای
کمک کرد که آنانرا ندیده آید و
سخن آنانکه کفر کردند پست تر
گردانید و تنها سخن خدا است که
آن برتر است و خدا صاحب غلبه
کامل صاحب حکمت است (۴۰)

کوچ کنید سبکبار و سنگینبار و
با مالهای خویش و جانهای خویش
در راه خدا جهاد کنید. این برای
شما خیری است اگر شما
بدانید (۴۱)

اگر فاصله نزدیک بود و سفر
آسان حتماً دنبال تو راه میفتادند
اما رنج کشیدن برای آنها دور
از کار است و حتماً به خدا قسمها
خوردند که اگر ما را توان بود
یقیناً با شما بیرون می رفتیم و
جانهای خود را به هلاک میدهند
و البته خدا میداند که حتماً آنها
دروغگو یانند (۴۲)

انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا
بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۗ
ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۱۱﴾

لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا
لَاتَّبَعُوكَ وَلَكِنْ بَعَدَتْ عَلَيْهِمُ
الشُّقَّةُ ۗ وَسَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا
لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ ۗ
وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿۱۱﴾

عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذِنَتْ لَهُمْ حَتَّىٰ
يَتَّبِعِينَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ
الْكَذِبِينَ ﴿٤٣﴾

گذشت کند خدا از تو، چرا به آنها
اجازه دادی تا آنگاه که برای تو
عیان میشد آنانکه راست گفتند و
دروغگو یانرا باز میشناختی (۴۳)
آنانکه به خدا و روز آخرت ایمان
دارند اصلاً از تو اجازه نمیخواهند
که با مالهای خود و جانهای خود
جهاد کنند و خدا متقیان را خوب
میداند (۴۴)

لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ
وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ
وَأَنْفُسِهِمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ ﴿٤٤﴾

رخصت از تو فقط آنها میطلبند
که به خدا و روز آخرت ایمان
ندارند و در شك خود دو دلی
میکند (۴۵)

إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ
وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي
رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ ﴿٤٥﴾

و اگر قصد داشتند [جهاد را] بیرون
روندحتماً برای آن آماده میشدند
ولی خدا خوش نداشت که آنها
[برای این هدف عالی] برخیزند و
آنها را بازداشت و گفته شد که با
بازنشستگان بنشینید (۴۶)

وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً
وَلَكِنْ كَرِهَ اللَّهُ انبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ
وَقِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ ﴿٤٦﴾

و اگر آنها در شما [برای جهاد]
بیرون میرفتند شما را جز

لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا
وَلَا أَوْضَعُوا خِلَافَكُمْ يَبْغُونَكُمْ

الْفِتْنَةَ^ج وَفِيكُمْ سَمْعُونَ لَهُمْ^ط وَاللَّهُ
عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ^{٤٧}

اختلال حال چیزی نمیفرودند و
مرکبها رامیان بشماتند میدواندند
برای شما فتنه را خواسته و در
شمانیزسخنان آنانرا بدقت گوش
کنندگان اند و خدا به ستم کاران
خوب آگاه است (۴۷)

یقیناً قبلاً نیز آنها برای شما فتنه
میخواستند و امور را زیور و
کرده پیش تو آوردند تا آنگاه که
حق آمد و امر خدا پدیدار شد و
آنها [آنها] ناخوش میداشتند (۴۸)
و از آنها است آنکه میگوید که
مرا رخصت بده و مرا به فتنه
نیفکن. باش! آنها در فتنه که فرو
افتاده اند و یقیناً جهنم کافران
را احاطه کننده است (۴۹)

اگر بتو خیر و نعمت برسد آنها را
خوش ندارد و اگر بتو سختی برسد
گویند ما که کار خود را از پیش
بدست گرفته بودیم و روی بر
تابیده میروند در حالیکه آنها

لَقَدْ ابْتَغَوُا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَقَلَبُوا لَكَ
الْأُمُورَ حَتَّى جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ
وَهُمْ كَرِهُونَ^{٤٨}

وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ ائْذَنْ لِي وَلَا تَنْقِصِي^ط
أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا^ط وَإِنَّ جَهَنَّمَ
لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ^{٤٩}

إِنْ تُصِيبَكَ حَسَنَةٌ فَسُؤِهِمْ^ج وَإِنْ
تُصِيبَكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرَنَا
مِنْ قَبْلُ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ فَرِحُونَ^{٥٠}

بسیار شادمانند (۵۰)

بگو ما را میچ گزندی نرسد جز آنچه خدا برای ما نوشته است. او مولای ما است. پس باید مومنان بر خدا توکل کنند (۵۱)

بگو آیا برای ما جز یکی از دو سخن نیکو را انتظار دارید؟ در حالیکه ما برای شما انتظار داریم که خدا بر شما عذاب بفرستد از نزد خود یابدست ما. پس منتظر باشید یقیناً ما نیز با شما منتظرانیم (۵۲)

بگو انفاق کنید بدخواه یا با کرامت هرگز از شما قبول کرده نشود. یقیناً شما قومی زشت کردار اید (۵۳)

و محروم نکرد آنها را که قبول کرده شود از آنها مالهای آنان جز اینکه خدا و رسولش را انکار کرده بودند و اینکه به نماز نمی آمدند جز کسلناک و انفاق نمی کردند مگر در حالیکه آنها کرامت

قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَ عَلَى اللَّهِ فليتوكل المؤمنون ﴿٥١﴾

قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ ۗ وَ نَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمْ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِّنْ عِنْدِهِ أَوْ بآيِدِينَا ۗ فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ ﴿٥٢﴾

قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَنْ يُتَقَبَلَ مِنْكُمْ ۗ إِنَّكُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَسِيقِينَ ﴿٥٣﴾

وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقَبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ ۗ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كَسَالِي ۗ وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَرِهُونَ ﴿٥٤﴾

داشتمند (۵۴)

پس مالهای آنان و اولاد آنان تو را شکفت نیارد. خدا فقط اینرا میخواهد که آنها را بوسیله خودشان در زندگی دنیا عذاب کند و جانهای آنان بیرون رود در حالیکه آنها کافر اند (۵۵)

و قسمها خوردند به خدا که یقیناً آنها از شما اند حالانکه از شما نیستند بلکه قومی ترسو اند (۵۶) اگر پناهمگامی یا غاری یا گریز گامی بیابند حتماً بسوی آن عدول کنند حالیکه آنان بشتافتند (۵۷)

و در آنها بعضی اند که جهت صدقات به تو تهمت میزنند. پس اگر از آنها داده شوند خوشنود میگردند و اگر از آنها چیزی داده نشوند بی درنگ آنان قهر کنند (۵۸)

و کاشکی آنها خوشنود میشوند به آنچه خدا و رسولش به آنها در داد و میگفتند که خدا مارا بس است

فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ ۗ^ط
إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ
الدُّنْيَا وَتَرْهَقَ أَنْفُسَهُمْ وَهُمْ
كَفِرُونَ ﴿٥٥﴾

وَيَخْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنْكُمْ ۗ وَمَا
هُمْ مِنْكُمْ وَلَكِنَّمْهُمْ قَوْمٌ يَفْرُقُونَ ﴿٥٦﴾

لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَأً أَوْ مَخْرَبًا أَوْ
مُدْخَلًا لَوَلَّوْا إِلَيْهِ وَهُمْ يَجْمَحُونَ ﴿٥٧﴾

وَمِنْهُمْ مَن يُلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ ۚ فَإِنْ
أَعْطُوا مِنْهَا رِضْوَانًا لَّمْ يَعْطُوا
مِنْهَا إِذًا هُمْ يَسْخَطُونَ ﴿٥٨﴾

وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ
وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا

اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ
رُغْبُونَ ﴿٥٨﴾

﴿٥٨﴾

وحتماً خدا بفضل خود ما را [بسیار]
اعطا کند نیز رسول او و یقیناً
ما صمیمانه بسوی خدا میل می
کنیم (۵۹)

صدقات فقط برای ناداران و
مساکین و کارکنان بر آنها و کسانی
که دلداری آنان مطلوب است و
آزادی گردنها و غرامتداران و انفاق
درواه خدا و برای بهبودی در ماند
- گان راه [مخصوص] است این از
جانب خدا بفرض است و خدا
صاحب علم دائمی صاحب حکمت
است (۶۰)

و در آنها برخی اند که به پیغمبر
اذیت کنند و گویند او سراپا گوش
است. بگو سراپا گوش برای بهتری
شما است. او به خدا ایمان دارد و
مومنان را قبول کند و رحمتی است
برای آنان از شما که ایمان آورده
اند و آنان را که به رسول خدا اذیت
کنند عذابی دردناک است (۶۱)

إِنَّمَا الصَّدَقَتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ
وَالْعَمِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمَوْلَّاتِ قُلُوبُهُمْ وَفِي
الرِّقَابِ وَالْغُرَمِيِّنَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ
السَّبِيلِ ۖ فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ ۖ وَاللَّهُ عَلِيمٌ
حَكِيمٌ ﴿٥٩﴾

وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ
هُوَ آذُنٌ حَجْرٌ ۖ قُلْ أَدُنُّ خَيْرٌ لَّكُمْ يَوْمَ مَن
بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ بِالْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ
آمَنُوا مِنْكُمْ ۖ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ
اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦٠﴾

برای شما تسبهای خدای خوردند
تا شما را خشنود سازند در حالیکه
خدا و رسول او سزاوارتر بودند
که ایشانرا خشنود میکردند اگر
مومنان بودند (۶۲)

آیانمیدانند هر که به خدا و رسول
اودشمنی ورزد پس برایش حتماً
آتش جهنم است که مدت دراز در
آن بماند. این رسوائی بزرگ
است (۶۳)

منافقان اظهار ترس کنند مبادا
جهت آنها سوره‌ی نازل کرده شود
که آنان را به آن مطلع سازد که
در دل‌های آنان است. بگو بلاشک
تمسخر کنید خدا که حتماً آشکار
کند از آنچه شما بیدارید (۶۴)

و اگر از آنان بپرسی حتماً گویند
ما که تنها شوخی و خوش گذران
میکردیم. بگو، آیا به خدا و آیت
های او و رسول او استهزاء می
کردید؟ (۶۵)

يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيَرْضَوْكُمْ وَاللَّهُ
وَرَسُولُهُ أَحْسَىٰ أَنْ يَرْضَوْهُ إِنَّ كَانُوا
مُؤْمِنِينَ ﴿١١﴾

﴿١١﴾

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَنِ يُحَادِدِ اللَّهَ
وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا
ذَلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ ﴿١٢﴾

يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ
سُورَةٌ تَنْبِئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ ۗ قُلْ
اسْتَهْزِئُوا إِنَّا لِلَّهِ مُخْرِجٌ مَّا تَحْذَرُونَ ﴿١٦﴾

وَلَيْنِ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا
نَخُوضُ وَنَلْعَبُ ۗ قُلْ أَيْلَهُ وَآيَتِهِ
وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ ﴿١٥﴾

هیچ عذری نیآورید. یقیناً شما پس از ایمان خود کافر شدید. اگر گروهی از شما را عفو کنیم، میشود گروهی را عذاب نیز کنیم چه آنها جرم کارانند (۶۶)

منافق مردان و منافق زنان از هم نسبت دارند. آنان به منکرات امر کنند و از معروفات باز دارند و مشت های خود را [از انفاق در راه خدا] گره کنند. آنها خدا را فراموش کردند پس اونیز آنها را فراموش کرد. یقیناً منافقان اند که آنها فاسقان اند (۶۷)

خدا به منافق مردان و منافق زنان وعده آتش جهنم داده است. آنها در آن ب مدت دراز بمانند. این برای آنان بسند است و خدا به آنها لعنت کرد و آنها را عذابی پایدار است (۶۸)

مانند آنانکه پیش از شما بودند. آنها فزونتر از شما در نیرو و

لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ^ط إِنْ نَعَفُ عَنْ طَآئِفَةٍ مِّنْكُمْ نَعَذِّبُ طَآئِفَةً بِآلِهِمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ^ع

ع
ط

الْمُنْفِقُونَ وَالْمُنْفِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ^ط نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ^ط إِنَّ الْمُنْفِقِينَ هُمُ الْفٰسِقُونَ^ع

ع
ط

وَعَدَّ اللَّهُ الْمُنْفِقِينَ وَالْمُنْفِقَاتِ وَالْكٰفِرَ نَارَ جَهَنَّمَ خٰلِدِينَ فِيهَا^ط هِيَ حَسْبُهُمْ^ع وَلَعَنَهُمُ اللَّهُ^ع وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ^ل

كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَآكْثَرَ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا

بیشتر در دارائیهها و فرزندان بودند. پس آنها از سهم خودشان بهره ای برداشتند پس شما از سهم خود بهره ای برداشتید همچون آنانکه پیش از شما از سهم خود بهره ای برداشتند. و شما مرزگی کردید بطوریکه آنها مرزگی کرده بودند. همانانند که اعمال ایشان در دنیا نیز در آخرت هدر رفت و همانها زیانکاران واقعی اند (۶۹)

آیا به آنها نرسید خبر آنانکه پیش از آنها بودند - قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و اهل مدین و شهرهای که زیر و روشدند. آنان را رسولان ایشان بانسانه های آشکار آمدند. پس نبود خدا که به آنها ستم میکرد بلکه خود برجان های خودشان ستم میکردند (۷۰) و مومن مردان و مومن زنان دوستدار همدیگرند. آنان معروفات را امر کنند و از منکرات بازدارند

بِخَلْقِهِمْ فَاسْتَعْتَمُوا بِخَلْقِكُمْ كَمَا
اسْتَمْتَعِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلْقِهِمْ
وَخَضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا أُولَئِكَ
حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
وَأُولَئِكَ هُمُ الْخٰسِرُونَ ﴿۶۹﴾

الْمَ يَأْتِيهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمُ
نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ اِبْرٰهِيْمَ
وَأَصْحَابِ مَدِيْنٍ وَالْمُؤْتَفِكِ اِنَّهُمْ
رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ فَمَا كَانَ اللّٰهُ
لِيُظْلِمَهُمْ وَلٰكِنْ كَانُوْا اَنْفُسَهُمْ
يُظْلِمُوْنَ ﴿۷۰﴾

وَالْمُؤْمِنُوْنَ وَالْمُؤْمِنٰتُ بَعْضُهُمْ اَوْلِيَاءُ
بَعْضٍ يٰۤاْمُرُوْنَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ
عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيْمُوْنَ الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُوْنَ

و نماز را بیای دارند و زکوت دهند و اطاعت کنند از خدا و رسول او. همانها ایند که بر آنان خدا ترحم کند و یقیناً خدا صاحب غلبه کامل صاحب حکمت است (۷۱)

خدا به مومن مردان و مومن زنان وعده ای داده است به بهشتی که در دامنه آنها نهرهای روانست و ایشان در آنها جاویدان اند و به خانه های بسیار پاکیزه در بهشتی دائمی البته خوشنودی خدا [از اینهمه انعامها] بزرگترست همین پیروزی بزرگ است (۷۲)

ای پیغمبر! جهاد کن با کافران و منافقان و بر آنها سخت بگیر و مأوی آنها جهنم است و چه بد جای گاه است (۷۳)

سوگندهای خدای یادکنند که آنها نگفتند حالانکه بیگمان آنها کلمه کفر گفتند و پس از اسلام خودشان کافر شدند. و قصد داشتند به آنچه

الزُّكُوةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ^ط
أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ
عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٧١﴾

وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا
وَمَسْكِنٍ طَيِّبَةٍ فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ^ط
وَرِضْوَانٍ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرَ^ط ذَلِكَ هُوَ
الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٧٢﴾

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ
وَاعْلُظْ عَلَيْهِمْ^ط وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ^ط
وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿٧٣﴾

يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا^ط وَلَقَدْ قَالُوا
كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ
وَهُمْ مُؤْمِنَاتٌ مَّيْلًا وَنَالُوا^ط وَمَا نَقَمُوا إِلَّا

أَنْ أَغْنِيَهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ ۚ
فَإِنْ يَتُوبُوا إِلَيْكَ خَيْرًا لَّهُمْ ۚ وَإِنْ يَتَوَلَّوْا
يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا ۖ فِي الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ ۚ وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ
وَلَا نَصِيرٍ ﴿٧١﴾

نایل نشدند و آنها [بامومنان] کین
نداشتند جز برای اینکه خدا و
رسولش آنانرا بفضل خود ثروتمند
ساخت. پس اگر توبه کنند در حق
ایشان نیکو است و اگر روی
ببرتابند خدا آنانرا در دنیا و آخرت
عذابی دردناک دهد و آنانرا در زمین
نه یاری باشد و نه یاورى (۷۴)

وَمِنْهُمْ مَّنْ عٰهَدَ اللّٰهَ لَئِنْ اٰتٰنٰمِنْ
فَضْلٍ لَّنُصَدِّقَنَّ وَلَنْكُوفَنَّ مِنْ
الصّٰلِحِيْنَ ﴿٧٥﴾

و شماری از آنانند که عهد خدای
بستند که اگر او مارا از فضل خود
دردهد حتمًا صدقات دهیم و یقینًا
از نیکوکاران شویم (۷۵)

فَلَمَّا اٰتٰهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوْا بِهٖ وَتَوَلَّوْا
وَهُمْ مُّعْرِضُوْنَ ﴿٧٦﴾

پس چون خدا ایشان را از فضل
خود درداد به آن بخل کردند و
از [قول خود] عدول کردند در این
حال که آنها اعراض کنندگان
بودند (۷۶)

فَاَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِيْ قُلُوْبِهِمْ اِلَى يَوْمٍ
يَلْقَوْنَهٗ بِمَا اَخْلَفُوا اللّٰهَ مَا وَعَدُوْهُ
وَبِمَا كَانُوْا يَكْذِبُوْنَ ﴿٧٧﴾

پس خدا در دلهای ایشان عقوبت
نفاق نهاد تا آنروز که با او ملاقات
کنند به آن علت که خلاف کردند
آنچه را با خدا عقد پیمان کردند

و بدانعلت که دروغ می‌گفتند (۷۷)
 آینداند که خدازهای ایشان و
 دسیسه های ایشان را خوب میدانند
 و اینکه خدا به همه غیبها بس آگاه
 است (۷۸)

کسانیکه در صدقات تهمت زنند
 بر آنان از مومنان که مشتاقانه
 نیکوکاری کنندگانند و بر آنانکه
 جز زحمت خود چیزی ندارند.
 باز آنانرا بیادسخریه میگیرند
 حتماً خدا بسخریه آنها پاسخ گوید
 و آنانرا عذابی دردناکست (۷۹)

آمزش بطلب برای آنها یا آمزش
 نه طلب برای آنها اگر برای آنها
 هفتاد بار آمزش بطلبی بازم
 هرگز خدا برای آنها نیامزد چه
 آنها خدا و رسول را انکار کردند
 و خدا بدکرداران را هدایت نمی
 دهد (۸۰)

بازگذاشتگان بر بازنشتن خود
 برخلاف رسول خدا شاد شوند و

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ
 وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ۝۷۷

الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ
 الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا
 يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ
 مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ
 عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝۷۸

اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ ۗ إِنْ
 تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ
 اللَّهُ لَهُمْ ۗ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ
 وَرَسُولِهِ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
 الْفَاسِقِينَ ۝۷۹

فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلْفَ
 رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا

بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا
لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ
حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ ﴿۸۱﴾

نایسند داشتند تا به مالهای خود
و جانهای خود در راه خدا جهاد
کنند و گفتند در گرما کوچ نکنید.
بگو آتش جهنم در تپش فرونتر
است کاشکی درك میکردند (۸۱)
پس باید کم بخندند و زیاد
بگیرند. اینست مزد به آنچه
کسب میکردند (۸۲)

فَلْيُضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا
جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿۸۲﴾

پس اگر خدا تو را به گروهی از
آنها باز بردو [برای جهاد] از تو جواز
خروج [باتو] بخواهند پس بگو [در
آینده برای جهاد] ابدأً من بیرون
نخواهید رفت و قطعاً همراه من
بادشمن قتال نخواهید کرد. یقیناً
شمانخستین بار به خانه نشینی
خشنود شدید پس اکنون با باز
نشتگان بنشینید (۸۳)

فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِنْهُمْ
فَأَسَآذْ نُوكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ
تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَلَنْ تُقَاتِلُوا مَعِيَ
عَدُوًّا إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ أَوَّلَ
مَرَّةٍ فَأَقْعُدُوا مَعَ الْخُلَفَاءِ ﴿۸۳﴾

و برای کسی از آنها بمیرد ابدأً
نماز [جنازه] نخوان و بر قبرش
[برای دعا] نیایست. یقیناً آنها
به خدا و رسول او انکار کردند و

وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا
وَلَا تُقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ
وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَسِقُونَ ﴿۸۴﴾

مردند درحالیکه زشت کرداران
بودند (۸۴)

و تو را مالهای آنها و اولاد آنها
شگفت نیآرد. خدا فقط این می
خواهد که عذابشان کند در این
دنیا به [وسیله] خودشان و جانهای
آنها بیرون رود در حالیکه آنها
کافر باشند (۸۵)

و هرگاه سوره ی نازل کرده شود
که به خدا ایمان آورید و همراه با
رسول او جهاد کنید ثروت مندان
آنها از تورخت خواهند و گویند
بگذارید که ما با باز نشتگان
باشیم (۸۶)

آنان برای امرخسود شدند که
با زنانی بازنشتگان شدند و بر
دلهای آنها مهر نهاده شد. پس آنان
فهم نکنند (۸۷)

اما رسول و آنانکه با او ایمان
آورده اندایشان با مالهای خود و
با جانهای خود جهاد میکنند همانها

وَلَا تُعْجِبُكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا
يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الدُّنْيَا
وَتَرْهَقَ أَنْفُسَهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ ﴿۸۵﴾

وَإِذَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ أَنْ أَمُؤُا بِاللَّهِ
وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُوا
الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ
الْقَعْدِيِّنَ ﴿۸۶﴾

رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ
وَطَبَعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ ﴿۸۷﴾

لَكِنِ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ
جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولِيكَ

اند که [تمام] خیرها برای ایشان است و همانها پیروز ماندند (۸۸)

خدا برای ایشان بهشت‌های آماده کرده است که در دامنه آنها نهرهایی روان است. ایشان در آن جاویدانند. این پیروزی بزرگ است (۸۹)

و عذرخواستگان از بادیه نشینان [هم] آمدند تا بدیشان رخصت [بازنشستن] داده شود و [اینطور] آنانکه به خدا و رسول دروغ گفتند باز نشنند. حتماً عذابی دردناک برسد به کسانی از آنها که کفر کردند (۹۰)

نیست باکی بر ناتوانان و بر مریضان و نه بر آنانکه چیزی ندارند تا انفاق کنند در صورتیکه مخلص خدا و رسول او باشند و بر محسان هیچ راه انتقاد نیست و خدا آمرزنده‌ی بارها رحم کننده است (۹۱)

لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۸۸﴾
 أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿۸۹﴾

وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۹۰﴾

لَيْسَ عَلَى الضَّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۹۱﴾

وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ
قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ
تَوَلَّوْا وَعَيْنُهُمْ تَفِيضٌ مِنَ الدَّمْعِ
حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ ﴿٩٣﴾

و نه [باکی است] بر آنانکه مرگاه
آیند نزد تو تا آنان را [برای جهاد
بر مرکبی] سوار کنی تو گوئی
که نمی یابم چیزی که بر آن شما
را سوار کنم. ایشان برگشتند در
حالیکه چشمان ایشان اشکبار
بود از اندوه که چیزی ندارند تا
آنها [در راه خدا] انفاق کنند (۹۲)
جواز گرفت فقط برخلاف آنان
است که از تو رخصت میخواستند
در حالیکه آنها توانگر اند. آنها
راضی شدند به آنکه با زنانی باز
نشتگان شوند و خدا بر دلهای
آنان مهر نهاد پس آنها دانشی
ندارند (۹۳)

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ
وَهُمْ أَغْنِيَاءُ رِضْوَانًا يَكُونُوا مَعَ
الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ
فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٩٣﴾

هنگامیکه بسوی آنان برگردید
برای شماعذر آرند. بگو عذر خواهی
نکنید هرگز ما به شما باور کننده
نیستیم. البته خدامارا به اخبار
شما آگاه ساخته است و خدا به
اعمال شما مینگرد نیز رسول او.
پس شما بسوی دانای عیان و نهان
برگردانده شوید. پس او شما را
آگاه سازد به آنچه شما می
کردید (۹۴)

حتماً برای شما سوگندهای خدائی
یاد کنند هنگامیکه بسوی آنان
بازگردید تا شما از آنها درگذرید.
پس [بلاشک] از آنها درگذشت کنید
بحر حال آنها ناپاک اند و مأوی
آنها جهنم است بیاداش آنچه
کسب میکردند (۹۵)

برای شما قسمها خوردند تا از آنها
خشنود شوید. پس اگر شما از آنها
خوشنود شوید پس خدا قطعاً از
قوم زشتکاران خشنود نشود (۹۶)

يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ
قُلْ لَا تَعْتَذِرُونَ وَالنَّوُّ مِنْ لَدُنْكُمْ
قَدْ بَانَ اللَّهُ مِنْ آخْبَارِكُمْ وَسَيَرَى اللَّهُ
عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ لِمَ تَرُدُّونَ إِلَىٰ عِلْمِ
الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ
تَعْمَلُونَ ﴿٩٤﴾

سَيَخْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ إِذَا انْقَلَبْتُمْ
إِلَيْهِمْ لِتُعْرِضُوا عَنْهُمْ فَأَعْرِضُوا
عَنْهُمْ إِنَّهُمْ رَجِسٌ وَمَآؤُهُمْ
جَهَنَّمُ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٩٥﴾

يَخْلِفُونَ لَكُمْ لِتَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنْ
تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَىٰ عَنِ
الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ﴿٩٦﴾

و بادیه نشینان در کفر و نفاق سخت تر اند و بیشتر متمایلند که آن حدما را که خدا بر رسول خود نازل کرده است نشناسند و خدا صاحب علم دائمی صاحب حکمت است (۹۷)

و از بادیه نشینان چنین اند که آنچه را [در راه خدا] انفاق کنند. غرامت گیرند و برای شاحوادث روزگار را انتظار دارند. حوادث روزگار برای آنانست و خدا شنوای صاحب علم دائمی است (۹۸)

و برخی از بادیه نشینان اند که به خدا و روز آخرت ایمان دارند و آنچه انفاق کنند را موجب قربت های خدا و دعاهای رسول میگیرند. باش ایقیناً این برای ایشان موجب قربت است. یقیناً خدا ایشان را در رحمت خود وارد کند. یقیناً خدا آمرزنده بارها رحم کننده است (۹۹)

الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ
أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى
رَسُولِهِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٩٧﴾

وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ
مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُّ بِكُمُ الدَّوَابِّ ۗ
عَلَيْهِمْ دَآئِرَةُ السَّوْءِ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ
عَلِيمٌ ﴿٩٨﴾

وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرْبًا لِلَّهِ
وَصَلَاتٍ الرَّسُولِ ۗ إِلَّا إِنَّمَا قُرْبَةٌ
لَهُمْ ۗ سَيَدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ ۗ إِنَّ
اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٩٩﴾

ع

سبقتداران اولین از مهاجران و انصار و آنانکه با حسن عمل از ایشان پیروی کردند خدا از آنان خشنود شد و آنان از او خشنود شدند و برای ایشان بهشتی مهیا کرده است که در دامنه آنها نهرهای روان است. آنان در آنها جاودانان اند این پیروزی بزرگ است (۱۰۰)

و برخی از آن بادیه نشینان که پیرامون شما اند منافقان اند و از اهل مدینه نیز آنان برنفاق ثابت میمانند. تو آنها را نمی دانی ما آنها را میدانیم. ما آنها را دو بار عذاب خواهیم کرد. سپس بعد از بزرگ برگردانده شوند (۱۰۱)

و برخی دیگرانند که به گناهان خود اعتراف کردند. آنان کرده های پسندیده را با دیگر ناپسندیده قاطی کردند. بعید نیست خدا توبه پذیرفته بر آنان باز گردد.

وَالسُّبْقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ
وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ
لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٠٠﴾

وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ
مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا
عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ
نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ
يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ ﴿١٠١﴾

وَأَخْرُوجُ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا
عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا عَسَىٰ اللَّهُ أَنْ
يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٠٢﴾

یقیناً خدا آمرزندهٔ بارها رحم

کننده است (۱۰۲)

از مالهای ایشان صدقه بگیر. بدین
سان آنان را پاک کرده و آنانرا
تزکیه کنی و برای آنان به دعا
بپرداز. یقیناً دعای توبرای آنان
آرامشی است و خدا شنوای صاحب

علم دائمی است (۱۰۳)

آیا نمیدانند که بس خدایست که
توبه بندگان خود را قبول میکند و
صدقات را میپذیرد و اینکه بس
خدا بسیار پذیرندهٔ توبه بارها

رحمکننده است (۱۰۴)

و بگو عمل بکنید پس خدا به
اعمال شما مینگرد. هم رسول او،
نیز مومنان، و [منتها] به سوی
دانای نهان و عیان برگردانیده
شوید. پس او شما را آگاه سازد

به آنچه شما میکردید (۱۰۵)

و برخی دیگرانند که منتظر از
فرمان خدا واگذار شده اند -

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ
وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَاصَلِّ عَلَيْهِمْ ۗ إِن
صَلُّوتَكَ سَكَنٌ لَّهُمْ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ
عَلِيمٌ ﴿۱۰۳﴾

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ
عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ
التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿۱۰۴﴾

وَقُلْ اْعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ
وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ ۗ وَسَتُرَدُّونَ إِلَى
عِلْمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنبِّئُكُمْ بِمَا
كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۱۰۵﴾

وَآخَرُونَ مُرْجُونَ لَأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا
يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ ۗ وَاللَّهُ

عَلَيْمٌ حَكِيمٌ ﴿۱۳۷﴾

خواه عذابشان کند و خواه توبه قبول کرده بر آنان متمایل شود و خدا صاحب علم دائمی صاحب حکمت است (۱۰۶)

و آنانکه به آزاریدن و توسعه کفر و تفرقه انداختن میان مومنان و فراموشی کمین گاه برای آنکس که از قبل با خدا و رسول او محاربه کند، مسجدی ساختند و هرآینه سوگند های یاد کنند که ما را قصد نبود جز خوبی حالانکه خدا گواهی میدهد که حتماً آنها دروغ گویانند (۱۰۷) ++

ابتدا در آن نیایست. یقیناً مسجدی که بنیاد آن از روز اول بر تقوی نهاده شد سزا وارتر است که در آن [برای عبادت] بیایستی. در آن مردان اند که دوستدارند که پاک

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ ۚ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ ۗ وَاللَّهُ يَسْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿۱۳۷﴾

لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا ۗ لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ ۗ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَّطَهَّرُوا ۗ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ ﴿۱۳۸﴾

++ آیت ۱۰۷: صدور فرمان واضح جهت خراب کردن مسجد ضرار بنا بر این بود که آن يك را مشركان بعنوان پایگاه برای فعالیتهای مخفی برخلاف اسلام بکار می گرفتند و الا احترام مساجد بفرض است.

شوند و خدا پاکان را دوست دارد (۱۰۸)

پس آیا آنکه ساختمان خود را بر تقوی و خشنودی [او] بنیاد نهد بهتر است یا آنکه ساختمان خود را بر کناره‌ی سست و فرورفتنی بنیاد نهد؟ پس آن با آن در آتش جهنم بیفتد و خدا بقوم ستمکاران هدایت نمیدهد (۱۰۹)

ساختمان ایشان که آنان بنا کرده اند پیوسته در دلهای آنان شک افکند جز آنکه دلهای آنان [از ترس خدا] پاره پاره گردد و خدا صاحب علم دائمی صاحب حکمت است (۱۱۰)

یقیناً خدا از مومنان جانهای ایشان و مالهای ایشانرا خریداری کرده است که [ببدل آن] برای ایشان بهشت است. ایشان در راه خدا قتال میکنند پس قتل میکنند و قتل کرده میشوند. این وعده که

أَفَمَنْ أَسَّسَ بُيُوتَهُ عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ
وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُيُوتَهُ عَلَىٰ
شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ ۗ
وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿۱۰۹﴾

لَا يَزَالُ بُيُوتَهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي
قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ ۗ وَاللَّهُ
عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۱۱۰﴾

۴۳

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ
وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ ۗ
يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ
وَيُقْتَلُونَ ۗ وَعَدَّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ
وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ ۗ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ

مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبِشِرُوا بِعَيْبِكُمُ الَّذِي
بَايَعْتُمْ بِهِ ۗ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿۱۱۱﴾

در تورات و انجیل و قرآن [بیان]
است بر او حق است و کیست وفا
دارتر از خدا در وعده خود. پس
خرسند شوید بر آن داد و ستد
خود که با او انجام داده اید و
همین پیروزی بزرگست (۱۱۱)

الَّذِينَ الْعَبْدُونَ الْحَمِيدُونَ السَّاجِدُونَ
الرُّكَّعُونَ السُّجِدُونَ الْأَمْرُونَ
بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ
وَالْحَفِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ ۗ وَبَشِّرِ
الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۱۲﴾

توبه کنندگان، عبادت گذاران،
ستایش کنندگان، سیرکنندگان، به
تعظیم [خدا] کمر خم کنندگان، سجده
کنندگان، امرکنندگان به معروفات
و نهی کنندگان از منکرات و نگه
داران حدمای خدا [مه مومنانند]
و مومنان را مژده بده (۱۱۲)

مَا كَانَ لِلثَّيْبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ
يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولِي
قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ
الْجَحِيمِ ﴿۱۱۳﴾

امکان پذیر نیست پیغمبر را و
آنانکه ایمان آوردند که برای
مشرکان استغفار کنند اگرچه
نزدیکان باشند ازین بعد که برای
ایشان روشن شده باشد که آنان
جهنمیانند (۱۱۳) ++

وَمَا كَانَ اسْتَغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأبيه إِلَّا
عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ

و استغفار ابراهیم برای پدر خود
در خصوص آن وعده بود که او به

او [پدر] داده بود. پس هرگاه او را آشکار شد که اودشمن خدا است از اوبیزاری جست. یقیناً ابراهیم بسیار نرم دل و بردباد بود (۱۱۴) + و نیست خدا که قومی را پس از هدایت آنان گمراه سازد تا آنگاه که برای آنان آشکار نماید که از چه کار پرهیز کنند. یقیناً خدا به هر چیز دانا است (۱۱۵)

یقیناً خدا است که پادشاهی آسمانها و زمین از آن اوست. او زنده کند و میمیراند و شمارا جز خدا کسی دوست است و نه مددگار (۱۱۶) . یقیناً خدا توبه قبول کرده بر پیغمبر و مهاجران و انصار متمایل شد. آنان که در وقت تنگی او را پیروی کردند

أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ ۗ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ
لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ ﴿١١٤﴾

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ
حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ ۗ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ
شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١١٥﴾

إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ
يُحْيِي وَيُمِيتُ ۗ وَمَا لَكُمْ مَن دُونِ اللَّهِ مَن
وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿١١٦﴾

لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ
وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ

آیات ۱۱۳ - ۱۱۴: هیچ پیغمبر یا مومنان را روا نیست که برای آنکس دعای مغفرت کنند که در حالت شرك بمیرد. تا آنجا که استغفار حضرت ابراهیم برای پدر خود مربوط است چون ایشان به پدر خود قول داده بودند پس ایشان وعده خود را وفا کرده برایش دعای مغفرت کردند تا آنگاه که برایشان آشکار کرده شد که پدر ایشان دشمن خدا بود. سپس حضرت ابراهیم از استغفار برای پدر خویش توبه کردند.

از این پس که نزدیک بود که دلهای گروهی از آنان زیغ گردد بازهم توبه آنانرا قبول کرد. یقیناً او برای ایشان بسیار مهربان بارها رحم کننده است (۱۱۷)

و خدا بر آن سه تن [نیز مهربان شد] که باز گذاشته شدند تا آن گامه که زمین بر آنها با وجود فراخی تنگ شد و جانهای آنان بر آنها تنگ آمد و پنداشتند که از خدا هیچ پناه گامی نیست جز بسوی او. باز او متمایل به پذیرفتن توبه بر آنان بازگشت کرد تا آنان توبه کنند. یقیناً تنها خدا پذیرنده توبه بارها رحم کننده است (۱۱۸) ++

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ

++ آیت ۱۱۸: اینجا سخن از آن سه تن اصحاب گفته میشود که در غزوه تبوک عقب ماندند و چون سبب اینکار پرسیده شدند دروغ را به کار بستند. و گرنه خیلی منافقان نیز بهانه های بریافته بودند ولی آنها هرگز مجازات نشدند اما این سه تن مستوجب مجازات تحریم اجتماعی قرار گرفتند و سپس بفرمان خدا این مجازات به عفو منجر شد. [بقیه ص: ۴۵۷]

مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ مِّنْهُمْ
ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ^ط إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ
رَّحِيمٌ^ل (۱۱۷)

وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلَفُوا^ط حَتَّى إِذَا
ضَاقتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحَبَتْ
وَضَاقتْ عَلَيْهِمْ أَنفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَنْ لَا
مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ^ط ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ
لِيَتُوبُوا^ط إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ^ع (۱۱۸)

الصّٰدِقِيْنَ ﴿۱۹﴾

تقوی اختیار کنید و با صادقان

بیاشید (۱۱۹)

اهل مدینه را و آن بادیه نشینان که پیرامون آنانند سزاوار نبود که رسول خدا را رها کرده بازمی نشستند و نه اینکه جانهای خود را برجان او ترجیح میدادند [این قربانی نفسها لازم بود] چه واقمیت همین است که آنانرا در راه خدا تشنگی و سختی و گرسنگی نمی رسید و نه قدم نهند بررامی که قدم نهادن آنان کافران را به خشم میآرد و نه از جانب دشمنان [منگام قتال] به چیزی نایل میشوند مگر ببدل آن در حق آنان نیکوکاری نوشته میشود. یقیناً خدا پاداش مومنان را ضائع ندهد (۱۲۰)

مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ ۗ ذَٰلِكُمْ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطَّوْنُ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نَيْلًا إِلَّا كَتَبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿۲۰﴾

بقیه آیت ۱۱۸: ضمناً این آیت یقین محکم از آنحضرت ﷺ بر مستی خدای متعال و روز قیامت را خاطر نشان میکند و الاً آن منافقان که بهانه های بریافته آورده بودند بیشتر از آن سه تن سزاوار مجازات بودند اما ایشان ﷺ به آنها کیفر نکردند بلکه کار آنها را بر روز قیامت واگذارند.

مینطور انفاق نمیکنند چه کم چه زیاد و نه وادی طی کنند مگر درحق آنان نوشته میشود تا خدا ایشانرا پاداش دهد به نیکوترین اعمال که میکردند (۱۲۱)

و مومنان را غیر ممکن است که همه باهم بیرون روند. پس چرا نمی شود که گروهی از هر فرق ایشان بیرون روند تا دانش دین را فراگیرند و تا قوم خویش را هشدار دهند چون بسوی ایشان برگردند باشد که آنان [از هلاک] حذرکنند (۱۲۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید جنگ کنید به آنان از نزدیکان خود که از کافرانند و باید در شما سختی بیابند و بدانید که خدا با متقیان است (۱۲۳)

و هرگاه سوره ی نازل کرده میشود پس بعضی از آنها میگویند کدام یکی از شما است که این

وَلَا يَنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً
وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ
لِيَجْزِيََهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٢١﴾

وَمَا كَانِ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً
فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ
لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا
رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ ﴿١٢٢﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ
مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً
وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ﴿١٢٣﴾

وَإِذَا مَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُمْ مَن يَقُولُ
أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ

[سوره] اورا در ايمان افزوده است
 پس آنانکه ايمان آورده اند اين
 آنانرا در ايمان افزوده است و
 آنان [برای آینده] مژده های در
 ميبابند (۱۲۴)

واما کسانیکه دردلهای آنان بیماری
 است [این سوره] آنها را ناپاکی
 بر ناپاکیشان ميفزايد و آنان می
 ميرند در حالیکه کافر اند (۱۲۵)

آيانمينگرند که آنها سالی یکبار یا
 دوبار آزوده ميشوند باز هم نه توبه
 میکنند و نه آنها پند میپذیرند (۱۲۶)
 و هرگاه سوره ی نازل کرده شود
 بعضی از آنان به بعضی مینگرند
 [گویی بکنایه گویند] آیا کسی شما
 را ميبیند؟ باز روی برگردانند و
 خدا دلهای آنانرا برگردانده چه
 آنان قومی اند که نمیفهمند (۱۲۷)

یقیناً شمارا رسولی از خود شما
 آمده است او را شاق است که
 شما رنج برید و برای [خوبی]

أَمْؤَا فَرَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَ هُمْ
 يَسْتَبْشِرُونَ ﴿١٢٤﴾

وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ
 فَرَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَى رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا
 وَ هُمْ كَافِرُونَ ﴿١٢٥﴾

أُولَٰئِكَ يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ
 مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ
 يَذْكُرُونَ ﴿١٢٦﴾

وَإِذَا مَا أَنْزَلَتْ سُورَةً نَظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَى
 بَعْضٍ ۗ هَلْ يَرَاكُمْ مِّنْ أَحَدٍ ثُمَّ
 انصَرَفُوا ۗ صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ
 قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ﴿١٢٧﴾

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ
 عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ

عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿١٢٨﴾

شما آزمند است. برای مومنان بی نهایت مهربان بارها رحم کننده است (۱۲۸)

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَعَلَّ اللَّهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿١٢٩﴾
 هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿١٣٠﴾

پس اگر سرپیچی کنند آنگاه بگو برای من خدا بس است. جز او هیچ معبودی نیست. بر او توکل می کنم و او پروردگار عرش عظیم است (۱۲۹)

تَوَكَّلْتُ

۱۰ - سورة يونس

این سوره مکی است و با بسم الله ۱۱۰ آیت دارد.

سورة البقرة و سورة آل عمران را مقطعات آلم است درحالیکه در این سوره بجای "میم" "را" است. لذا روشی از ترجمه قبلی را دنبال کرده میتوان ترجمه کرد که **أَنَا اللَّهُ أَرَى** - منم خدا من میبینم.

موضوع این سوره آن ابتلا است که حضرت یونس علیه السلام را فراگرفت. لذا این سوره یونس نام داده شد. خداوند سرآغاز این سوره سوالی مطرح کرد که آیا مردم را شگفت انگیز است که وحی بریکتن از خودشان فرو فرستاده شد؟ پاسخ این سوال اینست که تعجب مردم مبنی برحالت نفسانی خودشان است. چون ایشان در کارهای دنیائی غرق شده اند. پس خداوند وحی را برایشان نازل نمیکند و آنان این وضعیت خویشتن را واحد اندازه گیری قرارداد میپندارند که خدا نمیتواند وحی را بر هیچکدام از بندگان خود نازل کند.

بلافاصله پس از این، فرمان خدا حاکی است که آن خدا که جمله کاینات را آفرید و هر یک اقدام را بخوبی تدبیر کرده است آیا او این کار را ضائع خواهد داد؟ بلندترین قله این تدبیردال بر اینست که چنین يك شفیع یعنی آنحضرت ﷺ ظهور میکند که به اذن خدا نه تنها بندگان نیکوکار از امت خود را شفاعت کند بلکه بندگان نیکوکار از امتهای پیشین را نیز شفاعت خواهد کرد.

ضمناً آنحضرت ﷺ را به خورشید تشبیه داده و نقل میشود که روشنائی

خورشید نظام زندگی رافیز بخش است و برپایه فیض آن، بدری کامل را بظهور آمدن است. آن بدر طی تاریکیهای شب نیز فیض روشنائی از خورشید را پیوسته روی زمین خواهد رساند.

این امر شگفت انگیز است که در این عالم مادی نیز در روشنائی ماه برخی از رستنیها با چنین سرعت رشدونمو میکند که صدا از نمودن آنها شنویده میشود. چنانچه دانشمندان میگویند که ازخيارها، بعلت سرعت رشدونمو آنها چنین صدای درمیآید که شنیده میشود. پس همان خدا است که هم روز را وسیله حیات قرارداد و هم شب را.

سورة یونس چنین قومی را ذکر میکند که کلیه از آن عذاب نگهداشته شدند که به آن هشدار شده بودند و سورة بعد از این یعنی سورة مود چنین قومی را ذکر میکند که ناشی از انکار خود کلیه ملام کرده شدند.

☆ سُورَةُ يُونُسَ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ مِائَةٌ وَعَشْرُ آيَاتٍ وَ أَحَدَ عَشَرَ رُكُوعًا

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

[أَنَا اللَّهُ أَرَى] منم خدا من می

الرَّكَعِ تِلْكَ آيَةُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ ②

بینم. این آیت‌های کتاب حکمتمند

است (۲)

آیا مردم را شگفت آورد که به

أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ

سوی مردی از خود ایشان وحی

مِنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا

فرستاده ایم که مردم را هشدار بده

أَنَّ لَهُمْ قَدَمٌ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۚ قَالَ

و آنانکه ایمان آورده اند را مؤده

الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ ③

بده که قدم ایشان نزد پروردگار

ایشان برحق است. کافران گفتند

یقیناً این جادویی آشکارا است (۳)

إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ

یقیناً پروردگار شما آن خدا است

وَالْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى

که آسمانها و زمین را در شش روز

عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ ۗ مَا مِنْ شَفِيعٍ

آفرید. سپس بر عرش قرار گرفت.

إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ۗ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ

او هر کاری را تدبیر میکند. نیست

فَاعْبُدُوهُ ۗ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ④

او. اینست خدا پروردگار شما پس

او را عبادت کنید. پس آیا اندرز
نمیگیرید؟ (۴)

بازگشت جمع شامبوسی او است.
این وعده خدا راست است. یقیناً
او آفرینش را آغاز میکند باز آن
را تکرار میکند تا آنان را که
ایمان آوردند و نیکوکاریها کردند
بدادپاداش دهد و آنانکه کفر کردند
را آشامیدنی از آب جوشان و عذابی
دردناک است چه داشتند کفر می
کردند (۵)

او است آنکه خورشید را وسیله
درخشش و ماه را وسیله روشنی
ساخت و برایش منازل مقرر
داشت تا شما شمارسالها و حساب
را فراگیرید. خدا این [مه] را فقط
بعق آفریده است و آیتها را برای
قومیکه دانشمندند بصراحت بیان
میکند (۶)

یقیناً در دگرگونی شب و روز و
آنچه خدا در آسمانها و زمین آفریده

إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا ۖ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا ۖ
إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ
الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ ۖ
وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ
وَعَذَابٌ أَلِيمٌ ۖ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ۝

هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ
نُورًا وَقَدَّرَ لَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ
وَالْحِسَابَ ۖ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ ۚ
يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۝

إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ
اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ

يَتَّقُونَ ﴿٧﴾

است آیتهای است برای قومیکه
تقوی اختیار کنند(۷)

یقیناً کسانی که بملاقات ما توقع نه
دارند و بر زندگی دنیا خشنود
شدند و به همان اطمینان یافتند
و کسانی که آنها از آیتهای ما غافل
اند(۸)

مانهاند که مأوی آنها آتش است
بدآنچه کسب میکردند (۹)
مرآینه کسانی که ایمان آوردند و
نیکو کاریها انجام دادند آنان را
پروردگار ایشان به [خاطر] ایمان
ایشان هدایت خواهد داد. تحت
ایشان در باغ هایی پر نعمت نهر
های روان باشد(۱۰)

گفتار ایشان در آنجا [اینست] "بار
الها! تو پاک هستی" و تحیت ایشان
در آنجا سلام است و پایان سخن
ایشان این است که ستایش مطلق
از آن خدا است که پروردگار همه
جهانها است(۱۱)

إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا
بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَأَطْمَأْنَوْا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ
عَنْ آيَاتِنَا غٰفِلُونَ ﴿٨﴾

أُولَٰئِكَ مَا لَهُمْ النَّارُ بِمَا كَانُوا
يَكْسِبُونَ ﴿٩﴾

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
يَهْدِيهِمْ رَبُّهُم بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ
تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿١٠﴾

دَعْوُهُمْ فِيهَا سُبْحٰنَكَ اللَّهُمَّ
وَمَجِيدُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ ۖ وَآخِرُ دَعْوُهُمْ
أَنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١١﴾

و اگر خدا به شرارت مردم با
 همان تمجیل عقوبت میکرد که
 آنان برای خیر تمجیل میکنند حتمًا
 نهایت زمانی ایشان گذرانیده
 میشد اما ما آنانکه از ملاقات ما
 توقع ندارند را درسرکشی های
 خود سرگردان ترك میکنیم (۱۲)

و مرگه آدمی راستی برسد مارا
 بر پهلوی خود [دراز کشیده] یا نشسته
 یا ایستاده میخواند و چون سختی
 اش را از او دور سازیم به طوری
 بگذرد گویی میجگه مارا بسوی
 آن سختی که به او رسید نخوانده
 بود اینگونه تجاوزگران را اعمالی
 که انجام میدهند زیبا نشان داده
 میشود (۱۳)

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونََ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا
 ظَلَمُوا وَجَاءَهُمْ رَسُولُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ
 وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَلِكَ نَجْزِي
 الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ۝

وَلَوْ يُعِجِلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتَعْجَلَهُمْ
 بِالْخَيْرِ تَقْضَى إِلَيْهِمْ أَجَلُهُمْ قَدْ زُرَّ
 الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ
 يَعْمَهُونَ ۝

وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجُبِيَّةٍ
 أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَابِئًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ
 ضُرَّهُ مَرَّ كَانُ لَمْ يَدْعُنَا إِلَى ضُرِّ مَسَّهُ
 كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا
 يَعْمَلُونَ ۝

مجرمان را اینگونه پاداش می

دهیم (۱۴)

بازهم ما شما را پس از آنها در

زمین جانشین قرار دادیم تا بنگریم

که چگونه عمل میکنید (۱۵)

و هنگامیکه آیتهای آشکارا ما بر

آنان فروخوانده میشود کسانیکه

ملاقات ما را توقع ندارند گویند

بفیراز این قرآنی دیگر بیار یا

همان را تبدیل کن. بگو برای من

ممکن نیست که آنرا از جانب خود

تبدیل کنم. من فقط از آن پیروی

میکم که بسوی من وحی فرستاده

میشود. اگر من از پروردگار خود

نافرمانی کنم همانا از عذاب روزی

بزرگ میترسم (۱۶)

بگو اگر خدا میخواست من این

کلام را بر شما فرو نمیخواندم و

نه [خدا] آنرا بشما مطلع میساخت.

پس البته عمری از این پیش میان

شما مانده ام پس آیا فهم نمی

ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ

بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ﴿۱۵﴾

وَإِذْ أَنْتَلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ ۚ قَالَ الَّذِينَ

لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا إِنَّا وَهَّاءٌ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هَذَا

أَوْ بَدِّلْهُ ۚ قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ

تِلْقَائِي أَنفُسِي ۚ إِنَِّّي أَسْمِعُ الْأُمِّيِّينَ

إِلَىٰ ۚ إِنِّي أَخَافُ أَنْ عَصَيْتُمْ رَبِّي

عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿۱۶﴾

قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَا

أَدْرِكُمْ بِهِ ۗ فَقَدْ لَيْسْتُ فِيكُمْ عُمْرًا مِمَّنْ

قَبْلِهِ ۚ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿۱۷﴾

کنید (۱۷) ++

پس کیست ستنکارتر از آنکس که
بر خدا دروغ بست یا به آیتهای او
تکذیب کرد. یقیناً مجرمان موفق نمی
شوند (۱۸)

و عبادت کنند بغیر از خدا آنها را
که نه ضرشان رسانند و نه
سودشان دهند و گویند. آنها نزد خدا
مارا شفاعت کنندگانند. بگو. آیا به
خدا خبر میدید آنچه را او در
آسمانها و زمین نمیداند؟ او پاک
است و بسیار بلندتر است از آن

چه شما شرک میورزید (۱۹)

و مردم جز یک امت بیش نبودند
پس آنان اختلاف پیدا کردند و اگر
از جانب پروردگارتو فرمان [قضا

++ آیت ۱۷: مشرکان به رسول الله ﷺ تهمت میزدند که او قرآن را بدروغ به خدا

نسبت داده است. در واژه ما "تقد لبنت نیکم عمراً این تهمت را با قاطعیت رد
کرده و گفته می شود که آن پیغمبر را که خودتان صدیق و امین می گفتید و قبل از
دعوی پیغمبری تا چهل سالگی که او هیچگاه و به هیچکس دروغ نگفته بود اینک
چطور ناگهان او دروغ گفتن را گرفت

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا
أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ ۗ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ ﴿١٨﴾

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ
وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ
شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ ۗ قُلْ أَنتَبِئُونَ اللَّهَ بِمَا
لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ ۗ
سُبْحٰنَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿١٩﴾

وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً
فَاخْتَلَفُوا ۗ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ
رَبِّكَ لَفُضِّي بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٢٠﴾

وَقَدَرْنَا بِمِشْرِ نَكْرَفْتَهُ بُوَدْحَتْمَا جِهت
 آنکار میانشان قضاوت کرده می
 شد که در آن اختلاف میکردند (۲۰)
 و گویند، چرا بر او از پروردگارش
 آیتی نازل کرده نمیشود؟ بگو غیب
 تنها از آن خدا است. پس منتظر
 باشید. یقیناً من هم با شما از
 منتظرانم (۲۱)

وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ
 رَبِّهِ فَقَدْ لَئِمَّا الْعَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا
 إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ ﴿٢١﴾

ع
 ۷

و چون ما مردم را پس از آن
 سختی که به آنان رسید رحمت
 خود بچشانیم ناگهان درباره آیت
 های مانیرنگ کردن میگیرند. بگو،
 خدا [جواباً] زودتر نیرنگ است.
 یقیناً آنچه نیرنگ کنید فرستندگان
 مامینویسند (۲۲)

وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ
 مَسَّهُمْ إِذْ أَلَّهُمْ مَكْرًا فِي آيَاتِنَا قُلِ اللَّهُ
 أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا
 تَمْكُرُونَ ﴿٢٢﴾

او است آنکه شما را در دشت و
 دریا حرکت میدمد تا آنگاه که
 چون شما در کشتیها میباشید و آنها
 با کمک بادهای خوشایند با آنان
 حرکت میکنند و به آن آنان خرسند
 میشوند که ناگاه بادی تند آنها را

هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ
 حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرَينَ بِهِمْ
 بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ
 عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ
 مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا

درمیگیرد و موج از هر سوی بر آنها میآید و گمان برند که آنان در آن [موج] ما فرا گرفته شدند [آنگاه] خدا را میخوانند دین را برای او خالص کرده که اگر ما را از آن نجات دهی یقیناً از سپاسگذاران میشویم (۲۳)

پس چون اونجاتشان دم‌بیدرنگ آنها در زمین بناحق تجاوز میکنند. ای مردم! یقیناً تجاوزگری شما تنها بر خود شماست. [شمارا] کمی بهره‌کشی از زندگی دنیا است سپس بازگشت شما بسوی ما است. پس شما را خبر کنیم به آنچه شما می‌کردید (۲۴)

البته مثل زندگی دنیا بمثل آن آبی است که ما آن را از آسمان نازل کردیم. پس رویدنی زمین با آن درآمیخت از آنچه میخورند مردم و چهارپایان تا آنگاه که چون زمین آرایش خود را فرا

اللَّهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَكِنَّ أَكْثَرَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿٢٣﴾

فَلَمَّا أَنْجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغَيْتُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ لَمَتَاعِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٤﴾

إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ كُلُّ إِذَا آخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَدِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا

أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَهَا حَصِيدًا
كَانَ لَمْ تَعْنِ بِالْأَمْسِ ۖ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ
الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿۳۵﴾

گرفته زیبا میشود و ساکنانش
گمان برند که آنها بر آن اختیاری
کامل دارند پس فرمان ما شبی
یا روزی به آن میرسد و آنرا بحالت
درویده تبدیل میکنیم گویی تا
دیروز آنرا هیچ وجودی نبود.
اینگونه ما آیات را برای قومیکه
تعقل کنند بتفصیل بیان کنیم (۲۵)
و خدا شمارا بسوی خانه سلامتی می
خواند و هر که را میخواند براه
راست هدایت میکند (۲۶)

وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ ۖ وَيَهْدِي مَنْ
يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿۳۶﴾

آنانکه احسان کردند را پاداش
نیکو است و از آن هم فزونتر و
تیرگی و ذلت هرگز چهره های
ایشان را فرانگیرد. همانا بهشتیانند
ایشان در آن جاویدانند (۲۷)

لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ ۖ وَلَا
يَرْهَقُوا وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ ۗ أُولَٰئِكَ
أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۳۷﴾

و آنانکه بدیها کسب کردند را عوض
هر بدی مثل آنست و خواری آنها را
فراپوشد. آنها را از خدا هیچ نجات
دمنده نیست. گویی چهره هایشان از
پاره های شب تار پوشانده است.

وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ
بِمِثْلِهَا وَتَرَهُمْ مُّذَمِّينَ ذِلَّةً ۖ مَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ
مِنْ عَاصِمٍ ۗ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ
وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِّنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا ۗ

أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٨﴾
 وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ
 أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنْتُمْ وَشُرَكَاءُكُمْ ۖ
 فَزَيَّلْنَا بَيْنَهُمْ وَقَالَ شُرَكَاءُهُمْ مَا
 كُنْتُمْ إِلَّا نَاتِعِبُدُونَ ﴿٢٩﴾

مانها اهل آتش اند. آنان در آن
 مدت دراز خواهند ماند (۲۸)
 و [بیاد آرید] روزیکه آنان جمیع را
 محشور کنیم. سپس به آنانکه شرک
 کردند گوئیم بایستید برجای خود
 و شریکانتان. پس میان ایشان
 جدائی نهیم و شریکان ایشان
 گویند که شما ما را پرستش
 نمیکردید (۲۹)

فَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِنْ
 كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لَغْفِيلِينَ ﴿٣٠﴾
 هَٰئِلِك تَبَلَّوْا كُلَّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ
 وَرُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقُّ وَضَلَّ
 عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٣١﴾

پس خدایان ما و میان شما گواه
 بس است. یقیناً ما از پرستش کردن
 شما بیخبر بودیم (۳۰)
 در آنجا هر جان بداند آنچه پیش
 میفرستاد و آنان بسوی خدا بآلک
 حقیقی خود برگردانده شوند و
 آنچه فرا مییافتند از آنها ناپیدا
 گردد (۳۱)

قُلْ مَنْ يَرِزُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ
 أَمْ مَنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ
 يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ

بگو کیست که شمارا از آسمان و
 زمین رزق اعطا میکند یا کیست که
 برگوشها و چشمها اختیار دارد و زنده
 را از مرده درآرد و مرده را از

مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ ۖ فَسَيَقُولُونَ
اللَّهُ ۗ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿۳۱﴾

زنده درآرد و کیست که نظام
[کاینات] را بتدبیر اداره میکند
آنگاه حتمًا گویند خدا. بگو چرا
دیگر تقوی اختیار نمیکنید (۳۲)
پس همین است خدا پروردگار
حقیقی شما. پس بعد از حق چیست
جز گمراهی. پس بکجا برگردانده
می شوید (۳۳)

فَذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ ۗ فَمَاذَا بَعَدَ
الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ ۗ فَأَلَىٰ تَصْرَفُونَ ﴿۳۲﴾

اینگونه سخن پروردگارتو صدق
میکند بر آنها که نافرمانی کردند که
هرگز آنها ایمان نخواهند آورد (۳۴)
بپرس، آیا از شریکانتان کسی است
که آفرینش را آغاز کند و تکرار
کند؟ بگو، خدا است که آفرینش
را آغاز کند و آن را تکرار کند.
پس شما به کجا فریب داده می
شوید؟ (۳۵)

كَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ
فَسَقُوا أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۳۳﴾

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَبْدُوا
الْخَلْقَ ثُمَّ يَعْبُدُهِ ۗ قُلِ اللَّهُ يَبْدُو الْخَلْقَ
ثُمَّ يَعْبُدُهِ ۗ فَأَلَىٰ تَوْفَكُونَ ﴿۳۴﴾

بپرس آیا از شریکانتان کسی است
که بسوی حق هدایت کند؟ پس
آیا آنکه بسوی حق هدایت کند سزا
وارتر است که پیروی کرده شود

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى
الْحَقِّ ۗ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ ۗ أَفَمَنْ
يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ لَا

یا آنکه هدایت نسیاید مگر که او هدایت داده شود؟ پس چه شد شما را چطور قضاوت کنید؟ (۳۶)

و بیشتر آنها فقط گمان را پیروی می کنند [در حالیکه] گمان از حق هیچ هم بی نیاز نمی سازد. یقیناً خدا خوب میدانند آنچه را انجام میدهند (۳۷)

و نیست این قرآن که دور از خدا بوده بهم بافته شود و اما آن را تصدیق کننده است که پیش روی آنست و آن کتاب را تفصیل است که در آن شکی نیست - از جانب پروردگار جهانها است (۳۸)

آیا میگویند که او آنرا بهم بافته است؟ بگو، پس سوره ای مثل آن بیارید و [برای مدد] جز خدا هر که را میتواند فراخوانید اگر شما راستگویانید (۳۹)

بلکه تکذیب کردند آنچه را که دانش آنرا فرانگرفتند و هنوز

يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَٰ فَمَا لَكُمْ^{٣٦}
كَيْفَ تَحْكُمُونَ^{٣٦}

وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ^{٣٧}

وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ^{٣٨}

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ^{٣٩} قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَعْظَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ^{٣٩}

بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ^{٤٠} كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ

قَبْلِهِمْ فَأَنْظِرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ﴿۱۱﴾ تاویل آن بدیشان نرسیده است.

مانگونه تکذیب کردند کسانی که پیش از آنها بودند. پس نگاه کن فرجام ستمگران چگونه شد (۴۰)

و کسانی اند از آنانکه به آن ایمان میآیند و کسانی اند که به آن ایمان نمیآیند و پروردگار تو به فساد کاران داناتراست (۴۱)

و اگر از تو تکذیب کنند پس بگو عمل من برای من است و عمل شما برای شماست. شما برکنار آید از آنچه من عمل کنم و من برکنارم از آنچه شما عمل کنید (۴۲)

و کسانی از آنها اند که به تو گوش فرا میدهند. پس آیا تو میتوانی به گنگان بشنوانی ولو خرد نه داشته باشند (۴۳)

و کسانی از آنها اند که بسوی تو مینگرند. پس آیا تو میتوانی کوران را هدایت دهی اگر چه بصیرت نداشته باشند (۴۴)

وَمِنْهُمْ مَّنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُمْ مَّنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ ۗ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ ﴿۱۲﴾

وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ إِنِّي عَمَلِي وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ ۗ أَنْتُمْ بَرِيئُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ ﴿۱۳﴾

وَمِنْهُمْ مَّنْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ ۗ أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ ﴿۱۴﴾

وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ إِلَيْكَ ۗ أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمْىَ وَلَوْ كَانُوا لَا يَبْصُرُونَ ﴿۱۵﴾

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ
النَّاسَ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٤٥﴾

یقیناً خدا بر مردم هیچ هم ستم
نمیکند و امامردم خود بر جانهای
خود ستم میکنند (۴۵)

وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبَسُوا إِلَّا
سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ
خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا
مُهْتَدِينَ ﴿٤٦﴾

و روزیکه او آنها را محشور کند
[فکرکنند] گویی آنان [بر زمین] جز
ساعتی از روز مکث نکردند. آنان
از همدیگر معرفی پیداکنند. البته
خسارت دیدند آنانکه از ملاقات
خدا انکار کردند و نتوانستند از
جمله هدایت یافتگان باشند (۴۶)

وَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ
نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِنَّمَا رُجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ
عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ ﴿٤٧﴾

و اگرتورا بنمایانیم کمی به آن
که آنها را هشدار میدادیم یا تو را
وفات دهیم بهر صورت بازگشت
ایشان بسوی ما است. سپس خدا
گواه است به آنچه میکنند (۴۷)+

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ فَإِذَا جَاءَ

و هر کدام امت را رسولی است.

++ ایت ۴۷: ازین ایت پیدا است که لازم نیست که جمله پیشگوییهای پیغمبری حتماً در حین حیات وی تحقق یابند البته بعضی از آنها در زندگانی وی صورت ظهور میگیرند. قرآنی که بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم نازل آمد پیشگوییهای بی شمار و تاقیامت را ذکر میآورد که ظهور آنها پس از رحلت ایشان شروع شد و تا امروز بظهور میآیند و تا قیامت صورت ظهور را خواهند گرفت.

رَسُولَهُمْ قَضَىٰ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا
يُظْلَمُونَ ﴿٤٨﴾

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدِ إِنْ كُنْتُمْ
صَادِقِينَ ﴿٤٩﴾

قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا
مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ
أَجَلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا
يَسْتَقْدِمُونَ ﴿٥٠﴾

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيِّنَاتًا أَوْ
نَهَارًا مَآذًا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ ﴿٥١﴾

أَمْ إِذَا مَا وَقَعَ أَمْتُمْ بِهِ الْآلَنَ وَقَدْ
كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ ﴿٥٢﴾

ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ

پس گامیکه رسول ایشان آمد کار
میان آنان بدادگذرانیده شود و
هرگز ایشان ستمکرده نشوند (۴۸)
وگویند، انجام این وعده تا به چند
کشد اگر شمارا استگویانید؟ (۴۹)

بگو، برای نفس خودم نه زیان را
اختیاری دارم و نه سود را مگر
آنچه خدا بخواهد. هر کدام امت
را نهایت زمانی معین است. چون
آن نهایت زمانی ایشان برسد پس
نمی‌توانند از آن لحظه ای تاخیر
کنند و نمیتوانند پیشی گیرند (۵۰)

بگو، مرا حالی کنید اگر شما را
عذاب خدا شبگاه بیآیدیا در روز
چطور مجرمان از آن بعجله فرار
کنند؟ (۵۱)

آیا سپس به آن ایمان آرید وقتی
که واقع شود؟ آیا الان [راه فرار
است] و شما که بتعجیل آنرا می
خواستید (۵۲)

سپس به کسانی که ستمکردند گفته

شود که [اکنون] عذاب را پیوسته
بچشید. آیا پاداشی داده میشوید
مگر آنچه کسب میکردید؟ (۵۳)

و میپرسند از تو آیا آن حق است؟
بگو، آری قسم به پروردگارم که
یقیناً آن حق است و نیستید شما
[آنها] بمعجز آرنندگان (۵۴)

و اگر چه بود نفسی را که ستم کرد
جمله آنچه در زمین است حتماً
آنها فدایم داد و چون بنگرند عذاب
راندامت رانها ن کنند و میان آنها
قضاوت بداد شود و آنان ستم کرده
نشوند (۵۵)

باش یقیناً از آن خدا است آنچه
در آسمانها و در زمین است اما
اکثرشان نمیدانند (۵۶)
او زنده میکند و میمیراند و بسوی
او برگردانده شوید (۵۷)

ای مردم! شمارا آمد امر نصیحت از
پروردگارتان، و درمانی برای آن
[بیماری] که در سینه ما است و

الْخُلْدِ ۚ هَلْ تُجْرُونَ إِلَّا يَمَا كُنْتُمْ
تَكْسِبُونَ ﴿۵۳﴾

وَيَسْتَبِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ قُلْ إِي وَرَبِّي ۚ إِنَّهُ
لَهُ الْحَقُّ ۖ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿۵۴﴾

وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي
الْأَرْضِ لَأَفْتَدَتْ بِهِ ۖ وَأَسْرُ وَالْتَدَامَةَ
لَمَّارٍ أَوْ الْعَذَابَ ۚ وَفُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ
وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿۵۵﴾

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ
أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ
لَا يَعْلَمُونَ ﴿۵۶﴾
هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿۵۷﴾

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكْمُ مَوْعِظَةٌ مِّنْ
رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ ۗ وَهُدًى

وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٥٨﴾

برای مومنان هدایت و رحمتی

است (۵۸)

بگو [این] بفضل خدا و برحمت او است. پس به این باید بسیار خرسند شوند. این نیکوتر است از

آنچه میاندوزند (۵۹)

بگو آیا نمی انگارید آنچه را که خدا برای شما رزق نازل کرد. پس خودتان از آن حرام و حلال گزیدید؟ بگو آیا خدا شما را مجاز گرداند یا بر خدا دروغ

می بندید (۶۰)

و چیست روز قیامت پنداشت آنانکه بر خدابر بافند؟ یقیناً خدا را بر مردم فضلی فراوانست. اما اکثرشان سپاس نمیگزارند (۶۱)

و تو در حالت خصوصی نمیباشی و نه در آن [حالت] قرآن را فروخوانی و [ای مومنان] هیچ کاری [نیکو] نمیکند مگر ما بر شما گواه هستیم چون در آن فرو میروید و پنهان

قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا ۗ هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ﴿٥٩﴾

قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا ۗ قُلْ آللَّهُ أَذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ ﴿٦٠﴾

وَمَا ظُرُّ الَّذِينَ يُفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٦١﴾

وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُنْفِضُونَ فِيهِ ۗ وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي

الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ
ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ ﴿١١﴾

نمیاند از پروردگارتو به اندازه
ذره ای هم در زمین و نه در آسمان
و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر
مگر در کتابی روشن [مرقوم]
است (۶۲)

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا
هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١٢﴾

باشایقیناً دوستان خدای اند که
نه ترس است ایشان را و نه
ایشان غمگین شوند (۶۳)

الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿١٣﴾

آنانکه ایمان آوردند و داشتند
تقوی را فرا میگرفتند (۶۴)

لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي
الْآخِرَةِ ۗ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ۗ ذَلِكَ
هُوَ الْقُوَى الْعَظِيمُ ﴿١٤﴾

ایشان را مژده است در زندگانی
دنیا هم در آخرت. سخنان خدا
تغییر ناپذیر است. این پیروزی
است که بسیار بزرگست (۶۵)

وَلَا يَحْزَنُكَ قَوْلُهُمْ ۗ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا ۗ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿١٥﴾

و گفتارشان تو را اندوهگین نه
سازد. یقیناً عزت تمامتر از آن خدا
است. او است که بسیار شنوای
صاحب علم دایمی است (۶۶)

أَلَا إِنَّ اللَّهَ مِنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي
الْأَرْضِ ۗ وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ

باشایقیناً از آن خدا است آنکه
در آسمانها و آنکه در زمین است
و آنانکه بغیر از خدا میخوانند [در

واقع] از شریکان پیروی نمیکنند
[بلکه] از بی‌گمان خالی روند و تنها
حدس زنند (۶۷)

اوست آنکه شب را برای شما
قرار داد تا در آن آرامش یابید و
روز را بینائی بخش. یقیناً در آن
نشانه‌ها است قومی را که گوش
فرا دهند (۶۸)

گویند که خدا پسری برگزیده
است. او بی‌نیاز است. از آن او
است آنچه در آسمانهاست و آنچه
در زمین. نزد شما به آن [دعوی]
هیچ دلیلی نیست. آیا جهت خدا
حرف زنید آنچه را نمیدانید؟ (۶۹)
بگو یقیناً کسانی که برخدا دروغ
بندند موفق نمیشوند (۷۰)

دردنیاکمی بهره کشی است. سپس
بازگشت ایشان بسوی ما است.
سپس آنها را عذاب سخت چشانیم
چه آنها کفر میکردند (۷۱)

و بخوان بر آنان خبر نوح چون

دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ ۗ إِنَّ يَتَّبِعُونَ إِلَّا
الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿٦٧﴾

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الَّيْلَ لَتَسْكُنُوا فِيهِ
وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ
لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴿٦٨﴾

قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحٰنَهُ ۗ هُوَ
الْعَزِيزُ ۗ لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي
الْأَرْضِ ۗ إِنَّ عِنْدَكُمْ مِّنْ سُلْطٰنٍ بِهٰذَا
أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٩﴾

قُلْ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ
لَا يُفْلِحُونَ ﴿٧٠﴾

مَتَاعٌ فِي الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ
نُذِيقُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا
يَكْفُرُونَ ﴿٧١﴾

وَإِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ

او بقوم خود گفت ای قوم من! اگر بشما مَوْضِع من ونصیحت کردن من به آیات خداگران میگردد پس برخداتوکل میکنم. پس جمع کنید توانائی خود و شریکان خود را - باز از آن پس که کار خود بر شما مبهم نماند باز بسوی من بگذرانید

و مرا فرصتی ندهید (۷۲)

پس اگر روی برگردانید آنگاه در مورد مزد سؤال از شما نمیکنم و مزدم جز خدا بر کسی نیست و امر شده ام که از فرمان برداران باشم (۷۳)

پس او را تکذیب کردند. آنگاه ما او و آنانکه با او درکشتی بودند را نجات دادیم و آنان را جانشین قراردادیم و آنها را که آیات ما را تکذیب کردند غرق ساختیم پس بنگر عاقبت هشدار دادگان چگونه شد (۷۴)

سپس بعدما رسولانی را بسوی

يُقَوْمِ اِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذِكْرِي بَايَاتِ اللّٰهِ فَعَلَى اللّٰهِ تَوَكَّلْتُ فَاجْمَعُوا اَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ اَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا اِلَيَّ وَلَا تَنْظُرُوْنَ ﴿٧٢﴾

فَاِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُمْ مِنْ اَجْرٍ اِنْ اَجْرِي اِلَّا عَلَى اللّٰهِ وَاَمْرٌ اَنْ اَكُوْنَ مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ ﴿٧٣﴾

فَكَذَّبُوهُ فَجَبَّيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِكِ وَجَعَلْنَاهُمْ حَلِيفًا وَاَعْرَفْنَا الَّذِيْنَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُتَذَكِّرِيْنَ ﴿٧٤﴾

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ رُسُلًا اِلَى قَوْمِهِمْ

فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيَوْمِئِذٍ
بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ كَذَلِكَ نَضَعُ عَلَى
قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ ﴿٧٥﴾

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمُ مُوسَى وَهَارُونَ
إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا
وَكَانُوا قَوْمًا مَجْرِمِينَ ﴿٧٦﴾

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ
هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿٧٧﴾

قَالَ مُوسَى اتَّقُوا اللَّهَ لَئِنَّمَا
جَاءَكُمْ مِنْ سِحْرٍ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ
السَّحَرُونَ ﴿٧٨﴾

قَالُوا أَجِئْنَا لِنُلْفِتَنَّا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ
آبَاءَنَا وَتَكُونَ لَكُمْ الْكِبْرِيَاءُ فِي
الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمْ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٧٩﴾

قوم های آنان مبعوث کردیم که
آنانرا بانسانه های روشن آمدند
پس نبودند تاایمان آورند بر آنچه
به آن قبلاً تکذیب کرده بودند.
اینگونه بردلهای تجاوزگران مهر
مینهمیم (۷۵)

سپس موسی و هارون را بسوی
فرعون و سرداران او با آیتهای خود
مبعوث کردیم. آنها آنها تکبر
کردند و قوم مجرمان بودند (۷۶)
پس چون آنان را حق از سوی ما
آمدگفتند. یقیناً این جادویی آشکار
است (۷۷)

موسی گفت آیا جهت حق چون
نزد شما آمد اینگونه حرف میزنید؟
آیا آن جادویی است حالیکه جادو
گران موفق نمیشوند (۷۸)

گفتند. آیا نزد ما آمدی تا ما را از آن
[مسلك] برگردانی که بر آن پدران
خود را یافتیم و بزرگی در زمین
برایشما دوی باشد حالانکه نیستیم

ماکه برایشمادوی ایمان آریم (۷۹)
و فرعون گفت هر کدام جادوگری
ماهر را نزدم بیارید (۸۰)

پس چون جادوگران آمدند موسی
به آنهاگفت، بیفکنید آنچه شما را
افکندن است (۸۱)

پس چون افکندند [آنچه افکندنی
بود] موسی گفت آنچه آورده اید
فربس محض است. حتماً خدا آن را
باطل کند یقیناً خدا کار مفسدان
را درست قرار نمیدهد (۸۲)

و خدا حق را با کلمات خود راست
میگرداند اگر چه مجرمان را ناپسند
گذرد (۸۳)

پس بر موسی ایمان نیآوردند جز
فرزندان [شماری] از قوم او ازین
ترس که فرعون و سردارانش آنان
را به آزمایش نیفکنند و یقیناً
فرعون در زمین بسیار گردنکش
بود و یقیناً از بسیار تعدی کنندگان
بود (۸۴)

وَقَالَ فِرْعَوْنُ اَنْتَوْنِ بِكُلِّ سِحْرِ
عَلَيْمٍ ۝۸۰

فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالَ لَهُمْ مُوسَى
اَلْقُوا مَا اَنْتُمْ مُلْقُونَ ۝۸۱

فَلَمَّا اَلْقَوْا قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُمْ بِهِ
السِّحْرُ ۝۸۱ اِنَّ اللّٰهَ سَيَبْطِلُهُ ۝۸۱ اِنَّ اللّٰهَ لَا
يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِيْنَ ۝۸۲

وَيُحِقُّ اللّٰهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ
الْمُجْرِمُونَ ۝۸۳

فَمَا اَمِنَ لِمُوسَى اِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّنْ قَوْمِهِ
عَلَى خَوْفٍ مِّنْ فِرْعَوْنَ وَمَلَآئِهِمْ اَنْ
يَّقْتُلُوهُمْ ۝۸۴ وَاِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْاَرْضِ
وََاِنَّهٗ لَمِنَ الْمُسْرِفِيْنَ ۝۸۴

و موسیٰ گفت ای قوم من اگر شما بر خدا ایمان آورده اید پس [تنها] بر او توکل کنید اگر شما فرمان برداران [واقعی] هستید (۸۵)

پس آنان گفتند، بر خدا توکل می کنیم. پروردگارا! ما را برای قومی ستمکار آزمایش قرارنده (۸۶) و ما را برحمت خود از قوم کافران نجات بده (۸۷)

و ما به موسی و برادرش وحی فرستادیم که شادوی برای قوم خود در مصر خانه های بسازید و خانه های خود را قبله رخ قرار دهید و نماز را بپای دارید و مومنان را مؤده بده (۸۸) ++

و موسیٰ گفت پروردگارا! یقیناً تو فرعون و سردارانش را در زندگانی دنیا زینت و مالها داده ای پروردگارا! آیا [برای اینکه از راه توبه بازدارند؟] پروردگارا! مالهای آنها را نابود بساز و بر دلهای آنها سخت

وَقَالَ مُوسَىٰ يُقَوْمُ إِنْ كُنْتُمْ آمْتُمْ بِاللَّهِ
فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَسْلُومِينَ ﴿٨٥﴾

فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا
فِتْنَةً لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٨٦﴾

وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٨٧﴾

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّأْ
لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بِيوتًا وَاجْعَلُوا
بِيوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ
الْمُؤْمِنِينَ ﴿٨٨﴾

وَقَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ فِرْعَوْنُ
وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
رَبَّنَا لِيُضِلُّوْا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ
عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ وَأَشْدُدْ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَلَا
يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿٨٩﴾

بگیرس آنها ایمان نیارند تا آنگاه

که عذاب دردناک را بینند (۸۹)

او گفت، دعای شما دوی مستجاب

شد. پس شما دوی استوار باشید

و هرگز دنبال نکنید راه آنان را

که نمی دانند (۹۰)

و بنی اسرائیل را از دریا عبور

دادیم. پس فرعون و لشکرش از

روی سرکشی و تجاوزگری آنان

را تعقیب کردند تا آن نهایت که

چون غرق او را درگرفت گفت،

من ایمان میآریم که هیچ معبودی

نیست مگر آنکه به او بنی اسرائیل

ایمان آوردند و من از فرمانبرداران

هستم (۹۱)

آیا الان [ایمان] حالیکه قبلاً نافرمانی

قَالَ قَدْ أُجِيبْتُ دَعْوَتَكُمْ فَاستَقِيمَا
وَلَا تَتَّبِعِنَّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۹۰﴾

وَجُورًا بِنَبِيِّ إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ
فِرْعَوْنُ وَجُودُهُ بَغْيًا وَعَدْوًا ۗ حَتَّى إِذَا
أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ
إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا
مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿۹۱﴾

أَلَّنْ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ

++ آیت ۸۸: این آیت حاکی از چنین سخنی است که آنحضرت علیه السلام از خود نمی

توانستند آنرا بپندارند و نه در بایبل مذکور است. پس این تهمت هم نسبت دروغ

دارد که ایشان بدین امر آگاه در نتیجه شنیدن بیان از دانشمندان بائبل شده

بودند. اما حالا وابستگان به باستان شناسی مساکن بنی اسرائیل مدفون زیر

خاک را در مصر کشف کرده اند از آنچه این امر به اثبات میرسد که خانه های بنی

اسرائیل در يك سمت یعنی برخ قبله ساخته شده بودند.

الْمُفْسِدِينَ ﴿١٣﴾

فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ
خَلَقَ آيَةً ۗ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ عَنِ
آيَاتِنَا لَغَفْلُونَ ﴿١٤﴾

میکردی و از مفسدان بودی (۹۲)
پس امروزتورا بابتنت نجات می
دهیم تا برای پسینیان خود نشانه
ی [عبرت] قرارگیری وهرآینه کثیر
مردم از آیتهای ما اصلاً غافلان
اند (۹۳) ++

والبته مابنی اسرائیل را جایگاه
راستی مهیا کرده و ایشان را از
پاکیزه ها رزق دادیم. پس ایشان
اختلاف نکردند تا آنگاه که علم
ایشان را آمد. یقیناً پروردگار تو
فیصل دهد میان ایشان در امریکه
در آن اختلاف میکردند (۹۴)

پس اگرتو از آن در شکی که ما
بسوی تونازل کرده ایم پس بپرس

وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مَبَوَّأً صِدْقٍ
وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ ۖ فَمَا اخْتَلَفُوا
حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْعِلْمُ ۗ إِنَّ رَبَّكَ يَفْضِي
بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١٥﴾

فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِّمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ
فَسْأَلِ الَّذِينَ يَاقُرْءُونَ ۚ انْكِتَبَ مِنْ

++ آیت ۹۲: این آیت هم به اثبات میرساند که قرآن مجید از جانب عالم الغیب

نازل شد زیرا در زمان آنحضرت صلی الله علیه وسلم نعش فرعون را به کنایه هم
ذکر نبود. اما در زمان حاضر وابستگان به باستان شناسی نعش آن فرعون را که
درمقابل حضرت موسی آمده بود کشف کرده اند. ازاین نعش آشکارمیآیدکه فرعون
را باوجود غرقش پیش از مرگش در آورده بودند و پس از این واقعه حدود شصت
سال ارکار افتاده بستری شده بود. گویی جمعاً او نود سالگی عمر کرد. برای

اطلاع بیشتر مراجعه شود: [Ian Wilson Exodus 1985]

آنانکه کتاب قبل از تو [فرستاده]
رامیخوانند. یقیناً حق است که از
پروردگارتو بسوی تو آمده است
پس از دو دلان مباش (۹۵)

و مباش از آنانکه به آیتهای خدا
تکذیب کردند و گرنه تو از سخت
زیانکاران شوی (۹۶)

یقیناً آنانکه فرمان پروردگارتو
بر آنان راست آمد ایمان نخواهند
آورد (۹۷)

هر چند آنانرا هر کدام آیتی بیاید
تا آن نهایت که عذاب دردناک را
رویت کنند (۹۸)

پس چرانبودند ساکنان هیچ قریه
ای که ایمان میآوردند و ایمانشان
آنانرا سود میداد جز قوم یونس.
گامیکه ایشان ایمان آوردند عذابی
رسواکننده را از ایشان در حیات
دنیا دور کردیم و تا مدتی ایشان
را متنعم نمودیم (۹۹)

و اگر پروردگارتو میخواست یقیناً

قَبْلِكَ لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا
تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿۱۵﴾

وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ
فَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿۱۶﴾

إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا
يُؤْمِنُونَ ﴿۱۷﴾

وَلَوْ جَاءَتْهُمْ كُلُّ آيَةٍ حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ
الْأَلِيمَ ﴿۱۸﴾

فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ أَمَنَتْ فَفَنَعَهَا إِيمَانُهَا
إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ
عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ ﴿۱۹﴾

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ

هر که در زمین است همه آنها بام
ایمان می‌آوردند. پس آیا تو می
توانی مردم را وادار کنی تا آن
نهایت که ایمان آوردگان
بباشند (۱۰۰)

و هیچ جان را ممکن نیست که
بدون اذن خدا ایمان بی‌آورد و او
بر [رویهای] آنانکه خرد را به
کار نبرند پلیدی [دلهاشان] می
افکند (۱۰۱)

بگو، بنگرید هر چه در آسمانها و
زمین است و نیست آیتها و
مشدارها که به کار قومی آید که
ایمان نمی‌آرند (۱۰۲)

پس آیا انتظار دارند جز روزگاری
رامانند آنانکه پیش از آنان بودند؟
بگو پس منتظر باشید البته منهم
باشما از منتظرانم (۱۰۳)

سپس [بوقت عذاب] رسولان و
آنانکه ایمان آورند را اینطور
نجات میدهم. واجب است بر ما

كُلُّهُمْ جَمِيعًا ۱۰۰ اَفَاَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى
يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ۱۰۱

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ اَنْ تُؤْمِنَ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ ۱۰۱
وَيَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِيْنَ لَا يَعْقِلُوْنَ ۱۰۲

قُلْ اَنْظِرُوْا مَاذَا فِي السَّمٰوٰتِ
وَالْاَرْضِ ۱۰۲ وَمَا تُغْنِي الْاٰيٰتُ وَالتُّذٰرُ
عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُوْنَ ۱۰۳

فَهَلْ يَنْتَظِرُوْنَ اِلَّا مِثْلَ اَيَّامِ الَّذِيْنَ
خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ ۱۰۳ قُلْ فَاصْبِرْ وَاِلٰى
مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِيْنَ ۱۰۴

ثُمَّ نَنْجِيْ رُسُلَنَا وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كَذٰلِكَ ۱۰۴
حَقًّا عَلَيْنَا نَجِ الْمُؤْمِنِيْنَ ۱۰۵

که مومنان را نجات دهیم (۱۰۴)
 بگو ای مردم! اگر شما از دینم
 در شك اید پس من پرستش نمی
 کنم آنان را که شما بغیر از خدا
 پرستش میکنید. اما من عبادت کنم
 آن خدا را که شما را وفات میدهد
 و فرمان شده ام که از مومنان
 باشم (۱۰۵)

و مواره بحق [خدا] متمایل شده
 توجه خود را بر دین راست کن
 و از مشرکان مباش (۱۰۶)
 و بغیر از خدا آن را نخوان که نه
 تو را سود میدهد و نه تورا ضرر
 میرساند. پس اگر اینکار کردی
 آنگاه حتمًا بی درنگ تو از ستم
 کاران میشوی (۱۰۷)

و اگر خدا به تو سختی رساند
 آنگاه نیست آنرا دور کننده مگر
 او و اگر بخواهد برای تو خیر
 و نعمت را، آنگاه کسی نیست فضل
 او را برگرداند. او آن [فضل] را

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِّنْ
 دِينِي فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِّنْ
 دُونِ اللَّهِ وَلَكِن أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي
 يَتَوَقَّعُكُمْ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ
 الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٤﴾

وَأَنْ أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلَا
 تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٠٥﴾

وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا
 يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مَنَّ
 الظَّالِمِينَ ﴿١٠٦﴾

وَأِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ
 إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ
 لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ
 وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿١٠٧﴾

میرساند به هر که از بندگان خود
 بخوامد و او بسیار آمرزنده و
 بارها رحم کننده است (۱۰۸)

بگو: ای مردم! یقیناً شما را حق
 از پروردگارتان آمد. پس آن که
 هدایت یابد پس حتماً فقط برای
 نفس خود هدایت مییابد و آنکه
 گمراه گردد پس حتماً خلاف خود
 گمراه میگردد و من بر شما
 نگهبان نیستم (۱۰۹)

و پیروی کن آنچه را بر تو وحی
 فرستاده میشود و شکیباش تا
 آن نهایت که خدا فیصل دهد و او
 بهترین فیصل دهندگانست (۱۱۰)

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ
 رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي
 لِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا ۖ وَمَا
 أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ ۝

وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتَّىٰ
 يَحْكُمَ اللَّهُ ۗ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ۝

۱۱ - سورة هود

این سوره مکی است و با بسم الله ۱۲۴ آیت دارد.

این سوره به سوره قبلی بستگی دارد و آن بستگی ضمن شرح سوره قبلی تعریف شده است. این سوره را این پهلو بسیار نمایانست که از روی آیت ۱۱۳ "فاستقم كما امرت ومن تاب معك" چنین مسؤلیتی سنگین بمهده آنحضرت ﷺ گذاشته شد که ایشان فرمودند "شَيَّبَتْنِي هُودٌ" یعنی سوره هود که مرا پیر کرد. بعلاوه این سوره حاکی از ذکر آن قومهاست که بعلمت انکار بھلاك رسانده شدند. سرگذشت آن مردم نیز آنحضرت ﷺ را بسیار رنجه کرد.

آیه ۱۸ این سوره حاکی از آن يك گواهی است که در حق آنحضرت ﷺ قبل از ظهور ایشان از جانب حضرت موسی علیه السلام داده شد و در عین حال ذکر از آن گواه نیز می رود که بعد از آنحضرت ﷺ ظهور کننده است. در سوره البروج آن گواه بصورت کلمات "شاهد و مشهود" مذکور است یعنی زمانی خواهد بود که در آن شاهی بزرگ در حق مشهودی بزرگ یعنی آنحضرت ﷺ گواهی به صداقت ایشان خواهد داد.

پس از این سوره یوسف آغاز میکند. این سوره عبارت از داستانی بهترین داستانهاست. لذا در پایان این سوره فرمان خدای متعال حاکی است که قصه های پیغمبران که برای آنحضرت ﷺ بیان میشود از این جهت است که دل ایشان استوار گردد و کنایه ای است به این امر که مقصود از بیان کردن سرگذشت مردم در سوره هود دال بر این نیست که ایشان رنج ببرند.

☆ سُورَةُ هُودٍ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ السَّنَمَلَةِ مِائَةٌ وَارْبَعٌ وَعِشْرُونَ آيَةً وَعَشْرَةٌ رُكُوعَاتٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

الرَّ كِتَابٌ أَحْكَمْتُ آيَتُهُ ثُمَّ قُضِلَتْ
مِنْ لَدُنِّ حَكِيمٍ خَيْرٍ ①

أَلَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ ۗ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ
نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ ①

وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ
يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى
وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ ۗ وَإِنْ تَوَلَّوْا
فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]
سیاربخشنده بارهارحم کننده (۱)
أَنَا اللَّهُ أَرَىٰ مِنْمُ خُدا - من می
بینم - [این] کتابی است که آیتهای
آن محکم شده است. سپس از
جانب صاحب حکمتی مدام آگاه
خوب آشکار ساخته شده است (۲)
[مشداردهد] که بغیر از خدا هیچ را
عبادت نکنید. یقیناً من شما را از
جانب اوبیم دهنده ای مژده دهنده
ای هستم (۳)

واینکه از پروردگار خود آمرزش
بطلبید پس توبه کنان بسوی او
فروتن شوید. او شمارا تا مدتی مقرر
به بهترین سامان معیشت برخوردار
دارسازد و هر صاحب فضیلت را
شایان شأن او فضل اعطا کند و
اگر شما روی برتابید آنگاه یقیناً

من درباره شما از عذاب روزی
بزرگ میترسم (۴)

بازگشت شما بسوی خداست و او
بر هر چیز مدام قدرتمند است (۵)
باش ایقینا آنها سینه های خود را می
گردانند تا بتوانند از او پنهان شوند.
باش! وقتی که آنها لباس خود را
تن کنند او میداند آنچه را نهان
کنند و آنچه را عیان کنند. یقیناً او
از رازهای سینه ما دانا است (۶)

إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ ۚ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ ۝

أَلَا إِنَّهُمْ يَمْتَنُونَ صُدُورَهُمْ لَيَسْتَخْفُوا
مِنْهُ ۗ أَلَا حِينَ يَسْعَوْنَ فِي آيَاتِهِمْ
يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ۗ إِنَّهُ
عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۝

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا
كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ⑦

و هیچ جنبنده در زمین نیست مگر رزقش بر خدا است و او میداند آرامشگاه موقت آنرا و قرارگاه دائم آنرا هر چیز در کتابی آشکار است (۷)

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۗ وَلَئِنْ قُلْتَ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ ⑧

و اوست آنکه آسمانها و زمین را در شش روز آفرید و تختش بر آب بود تا شمار آزمایش کند که عملکرد کدام یکی از شما قشنگتر است. اگر بگوئی که یقیناً شما پس از مرگ بر خیزانده شوید حتماً آنان که کافر شدند گویند. این فقط جادوئی آشکار است (۸) ++

وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ ۗ أَلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ

و اگر عذاب را تا مدتی کوتاه از آنها به تاخیر اندازیم حتماً گویند چه چیز آن را بازداشته است. باش! روزیکه آنها را بیاید محال است

++ آیت ۸: کان عرش علی الماء را مفهوم این نیست که نمودبالله روح خدا بر آب شنا میکرد بلکه مفهومش اینست که خدا بنیاد تمام زندگی را از آب نهاده است و زندگی روحانی نیز بر آن آب روحانی انحصار دارد که از آسمان بر پیغمبران نازل کرده میشود.

بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿۹﴾

که از آنها برگرداند شود و درگیرد
آنها را آن [مشدار] که به آن داشتند
استهزا می کردند (۹)

وَلَيْنِ أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَا مِنْهُ إِنَّهُ لَكَيْفُوسٌ كَفُورٌ ﴿۱۰﴾

و اگر انسان را از جانب خود رحمت
بجشانیم سپس آنرا از او بازگیریم
یقیناً او سخت نوמיד و ناسپاس
می گردد (۱۰)

وَلَيْنِ أَذَقْنَاهُ نِعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَّاءَ مَسَّتْهُ
لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي ۗ إِنَّهُ
لَفَرِحٌ فَخُورٌ ﴿۱۱﴾

و اگر پس از سختی که بدو رسید
او را نعمت بجشانیم حتماً گوید.
رنجها از من دور شد. یقیناً او [بر
امری کوچکتر هم] شادمان و بسیار
فیس کننده است (۱۱)

إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿۱۲﴾

جز آنانکه صبر کردند و نیکوکاریها
بجا آوردند همانانند که ایشان را
آمزش و پاداشی بسیار بزرگ
است (۱۲)

فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضُ مَا يُوْحَىٰ إِلَيْكَ
وَصَاطِقٌ فِيهِ صَدْرُكَ ۗ أَنْ يَقُولُوا الْوَلَا
أَنْزَلَ عَلَيْهِ كَنْزًا ۗ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ
إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

آیا برای تو امکان دارد که کمی از آن
وحی را که بسوی تو فرستاده می
شود ترك کنی چه سینه تو به آن
تنگ میشود که میگویند چرا نه
گنجی بر او فرود فرستاده شد یا

وَكَيْلٌ ۝۱۳

فرشته ای با او فرود می‌آید. توفیق
بیم دهنده ای و خدا بر هر چیز
نگهبان است (۱۳)

یا میگویند که او بر برفته است. پس
بگو. ده سوره بر برفته مثل آن
بی‌آرید و هر که رابتوانید [بیاری
خود] بخوانید جز خدا اگر شما
راستگویانید (۱۴)

پس اگر شما را جوابی مثبت ندهند
آنگاه بدانید که این فقط بعلم خدا
نازل کرده شده است و این [هم
بدانید] که جز او هیچ معبودی
نیست. پس آیا شما فرمانبرداران
میشوید [یا خیر]؟ (۱۵)

هر که خواستار زندگی دنیا و زینت
آنست آنها را عوض اعمالشان تمام
در این [دنیا] میدهیم و آنان در آن
حق کشی کرده نشوند (۱۶)

همانند که در آخرت نیست برای
آنها جز آتش و هر چه در این [دنیا]
صنعت کردند هدر رود و باطل

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَبَهُ ۗ قُلْ فَأْتُوا بِحُجْرٍ
سُورٍ مِّثْلِهِ مَفْتَرِيَّتٍ وَادْعُوا مَنِ
اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ
صَادِقِينَ ۝۱۴

فَأَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّ مَا
أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ۝۱۵

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا
نُوفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا
يُبْخَسُونَ ۝۱۶

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا
النَّارُ ۗ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبِطُلَّ مَا

كَأُوَاعِمَلُونَ ﴿۱۷﴾

گردد آنچه میکردند (۱۷)

پس آیا آنکه بر دلیلی روشن از پروردگار خوداست و از پی او يك گواه آینده است و از پیش او کتاب موسی پیشواورحمت است [آیا میتواند دروغگوی باشد؟] همان مردم [مخاطبان رسول موعود] به او ایمان خواهند آورد پس آنکه از حزبها او را انکار کند پس وعده گاه او جهنم است. پس درباره آن درشکی نباش. یقیناً همین حق است از پروردگارتو اما کثیر مردم ایمان نمیآرند (۱۸)

و کیست ستمکارتر از آنکس که بر خدا دروغ بندد. همانند که به حضور پروردگار خود عرضه شوند و گواهان گواهی دهند که همانند که بر پروردگار خود دروغ بستند. باش! بر ستمکاران لعنت خدا است (۱۹)

کسانیکه از راه خدا باز میدارند

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدًا مِّنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ كُتِبَ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً ۗ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ ۗ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ ۖ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ ۗ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ ۗ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ ۗ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۱۸﴾

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ۗ أُولَٰئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ ۗ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿۱۹﴾

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ

وآن را کج میخواستند و آنها را
 که به آخرت انکار کننده اند (۲۰)
 همانند که هیچگاه در زمین نه
 خواهند توانست [خدا داران را]
 بجز آورند. گذشته از خدا آنان
 را کسی دوست نیست. عذاب برای
 آنان افزوده شود. آنان شنیدن را
 طاقت نیآوردند و نتوانند بینند.
 (۲۱)

همانند که خودشان رازیان زدند
 و هرچه دروغ می بستند از دست
 آنها در رفت (۲۲)
 بیگمان در آخرت آنها زیانکار
 تران اند (۲۳)

یقیناً آنانکه ایمان آوردند و نیکو
 کاریها کردند و بسوی پروردگار
 خود فروتن شدند همانان اهل
 بهشت اند. ایشان در آن جاودان
 اند (۲۴)

مثل دو گروه مانند کور و کر و
 بینا و شنواست. آیا آندو در مثل

وَيَبْغَوْنَهَا عَوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ
 كَفِرُونَ ﴿٢٠﴾

أُولَٰئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي
 الْأَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ
 أَوْلِيَاءَ ۗ يُضْعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ ۗ مَا
 كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ وَمَا كَانُوا
 يَبْصُرُونَ ﴿٢١﴾

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ
 وَصَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٢٢﴾

لَا جَرَمَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ
 الْأَخْسَرُونَ ﴿٢٣﴾

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 وَأَخْبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ ۗ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ
 الْجَنَّةِ ۗ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٤﴾

مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَىٰ وَالْأَصْمَىٰ
 وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ ۗ هَلْ يَسْتَوِينَ

مَثَلًا ۱۰ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ۱۱

ع

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ ۱۲ إِنِّي لَكُمْ
نَذِيرٌ مُّبِينٌ ۱۳

أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ ۱۴ إِنِّي أَخَافُ
عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمِ الْيَوْمِ ۱۵

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا
نَرَبِكَ إِلَّا بَشْرًا مِثْلَنَا وَمَا نَرَبِكَ
أَتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا بِادِّى
الرَّأْيِ ۱۶ وَمَا نَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ
بَلْ نَنظُّكُمْ كَذِبِينَ ۱۷

قَالَ يَقَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ
مِّن رَّبِّي وَأَنْتُمْ رَحِمَةٌ مِّنْ عِنْدِهِ فَعَمِيتُمْ
عَلَيْكُمْ ۱۸ أَنْزَلْنَاكُمْ مَوَهَا وَأَنْتُمْ لَهَا
كِرْهُونَ ۱۹

یکسانند؟ آیا پند نمیگیرید؟ (۲۵)
و یقیناً نوح را بسوی قومش
فرستادیم [او گفت] یقیناً من برای
شما بیم دهنده‌ی آشکارم (۲۶)

اینکه شما جز خدا کسی را عبادت
نکنید. یقیناً من جهت شما از عذاب
روزی دردناک میترسم (۲۷)

پس سرداران از قومش که کفر
کرده بودند گفتند ما تو را بشری
مانند خود بیش نبینیم. بعلاوه نمی
بینیم ترا جز اینکه آنانکه از تو
پیروی کرده اند آنها در نظر ظاهری
درماندگان مانند او هیچ برتری
را برای تو بر خود ما میبینیم بلکه
شمارا دروغگویان میپنداریم (۲۸)

گفت ای قوم من اینگرید اگر من
از پروردگار خود بر دلیلی روشن
[استوار] ام و او از جانب خود
مرا رحمتی اعطا کرد و [این امر]
بر شما پنهان ماند. آیا میتوانیم شما
را بزور به آن واداریم با آنکه شما

آنرا ناپسند دارید؟ (۲۹)

و ای قوم من! برای منی طلبم از شما مالی را. مزد من بر کسی نیست جز خدا و آنانکه ایمان آورده اند را طرد کننده نیستم. یقیناً ایشان پروردگار خود را دیدار خواهند کرد اما من شما را قومی خود را به

نادانی زده مینگرم (۳۰)

و ای قوم من! که مرا یاری کند از خدا اگر آنرا طرد کنم. پس آیا بپند نمیگیرید؟ (۳۱)

و نمیگوئم برایشما که نزد من گنج های خدا است و نه غیب را میدانم و نمیگوئم که من فرشته ای ام و [حتی] نمیگویم کسانی را که چشمان شما فرومایه بیند خدا آنرا به هیچ خیری برخوردار نکند. خدا داناتر است به آنچه در دلهای ایشان است. [اگر اینطور گویم] آنگاه یقیناً من از جمله ستم کاران باشم (۳۲)

وَيَقَوْمٍ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَا لَآ إِنِّ
أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَمَا أَنَا بِطَارِدٍ
الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُلَقُّو رَابِهِمْ
وَلَكِنِّي أَرُكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ ﴿۲۹﴾

وَيَقَوْمٍ مِّنْ يَّبْصُرِنِي مِنَ اللَّهِ إِنِّ
طَرَدْتُهُمْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿۳۰﴾

وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا
أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَلَا
أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ إِنِّ
يُؤْتِيهِمُ اللَّهُ خَيْرًا اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي
أَنْفُسِهِمْ إِنِّي إِذًا لَّمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿۳۱﴾

گفتند: ای نوح بما جدال کردی و درجدال ازما فزونی یافتی. پس اینک برای ما بیاور به آنچه مارا تهدید میکردی اگر تو از راست گویانی (۳۳)

او گفت: تنها خداست که شمارا به آن بیاید اگر بخواست و نیستید شما که [او را] بمجز آورید (۳۴) و نصیحتم بشما سودی ندهد اگر هم بخواهم شمارا نصیحت کنم. اگر خواهد خدا که شمارا گمراه کند. او پروردگار شماست و به سوی او برگشت داده شوید (۳۵)

ایا میگویند که او آنرا بر بافته است بگواگر من آنرا بر بافته ام پس نکبت جرم من بر خودم است و من از آن جرم بیزارم که شما می کنید (۳۶)

و بسوی نوح وحی فرستادیم که ایمان نمیآورد از قوم توجز آنکه ایمان آورده است پس به آنچه

قَالُوا يٰ نُوحُ قَدْ جَدَلْتَنَا فَا كَثُرْتَ جِدَالَنَا
فَاتِيَا مَا تَعِدُنَا اِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ ﴿٣٣﴾

قَالَ اِنَّمَا يٰ تِيكُمْ بِهٖ اللّٰهُ اِنْ شَاءَ و مَا
اَنْتُمْ بِمُعْجِزِيْنَ ﴿٣٤﴾

وَلَا يَنْفَعُكُمْ نَصِيحِي اِنْ اَرَدْتُ اَنْ
اَنْصَحَ لَكُمْ اِنْ كَانَ اللّٰهُ يُرِيْدُ اَنْ
يُّغْوِيَكُمْ ۗ هُوَ رَبُّكُمْ ۗ وَاِلَيْهٖ
تُرْجَعُوْنَ ﴿٣٥﴾

اَمْ يَقُوْلُوْنَ اِفْتَرٰهٗ ۗ قُلْ اِنْ اِفْتَرَيْتُهُ
فَعَلَيْ اِجْرَامِي وَاَنَا بَرِيءٌ مِّمَّا
تُجْرَمُوْنَ ﴿٣٦﴾

وَاَوْحٰى اِلٰى نُوْحٍ اَنْهٗ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ
قَوْمِكَ اِلَّا مَنْ قَدْ اٰمَنَ فَلَا تَتَّبِعِيسٓ بِمَا

كَأُوَيَّفَعُلُونَ ﴿٧٧﴾

کنند دلگیر نشو (۳۷)

و پیش چشمان ما و [طبق] وحی
ماکستی بساز و جهت آنها که ستم
کردند بمن حرفی نزن حتماً آنها
غرق شدگانند (۳۸)

و او کشتی میساخت و هرگاه
سرداران قومش از آنجا گذر می
کردند او را ببادسخریه میگرفتند.
او گفت، اگر شما از ما تمسخر می
کنید پس یقیناً ما از شما تمسخر
خواهیم کرد همانگونه که شما
تمسخر میکنید (۳۹)

پس بزودی بدانید که کیست که
او را عذابی رسواکننده بیاید و
بر او عذابی پایدار فرود آید (۴۰)
تا آن انتها که چون فرمان ما در
رسید و چشمه ها جوشید ما [به نوح]
گفتیم که در این [کشتی] هر کدام
جفت جفت [از جانورانی بضرورت]
واهل خود را جزیعت آنکه فرمان
ما پیشی گرفته است و هر که ایمان

وَاصْبِرْ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلَا
تَخَاطَبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ
مُغْرَقُونَ ﴿٧٨﴾

وَاصْبِرْ الْفُلْكَ ^{قَد} وَكَلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأَ
مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالُوا إِنَّ
تَسْخِرُوا مِنْنَا فَإِنَّا نَسْخِرُ مِنْكُمْ كَمَا
تَسْخِرُونَ ﴿٧٩﴾

فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ^{لَمَنْ} يَا أَيُّهَا عَذَابٌ
يُجْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴿٨٠﴾
حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُورُ أَقْلُنَا
أَحْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَئِشَ الشُّعَيْنِ
وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ
أَمِنَ ^{لَمَّا} آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ ﴿٨١﴾

آورده است سوار کن حالانکه با
 او ایمان نیآوردند جز کم (۴۱) ++
 و او گفت درآن سوارشوید -
 حرکت کردندش و لنگر انداختنش
 بنام خدا است. یقیناً پروردگارم
 خیلی آمرزندهٔ بارها رحم کننده
 است (۴۲)

و آن با آنان در موجها مانند کومها
 حرکت میکرد و نوح پسر خود را
 در حالیکه او در جای جدا بود ندا
 کرد. ای پسر! با ما سوار شو و
 با کافران نباش (۴۳)

او گفت. بزودی من به کومی پناه می
 برم که مرا از آب مصون کند. او
 گفت. امروز از امر خدا کسی نجات
 دهنده نیست مگر آنکس را که او
 ترحم کند. آنگاه میان آندو موج
 حائل شد و او از غرق شدگان
 شد (۴۴)

وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللّٰهِ مَجْرِبَهَا
 وَمُرْسَاهَا ۗ إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٤٢﴾

وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ
 وَنَادَى نُوْحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ لِّبَنِيِّ
 ارْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ ﴿٤٣﴾

قَالَ سَاوِيَ إِلَىٰ جِبَلٍ يَّعِصْمُنِي مِنَ
 الْمَاءِ ۗ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللّٰهِ
 إِلَّا مَنْ رَّحِمْنَا ۗ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ
 فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ ﴿٤٤﴾

++ آیت ۴۱: منظور جفت هر کدام جانور نیست والا گشتی برای جانوران گفایت نمیکرد
 مفهوم اینست که جفت جفت از آن جانوران بگیر که ضرورت انسان است.

وگفته شد: ای زمین آب خود را فروبر و ای آسمان بس کن و آب خشک شد و امر گذرانیده شد و آن [کشتی] بر [کوه] جودی ایستاد و گفته شد هلاک باد قوم ستم کاران را (۴۵)

و نوح به پروردگار خود ندا کرد و گفت: ای پروردگار من! پسر من از اهل من است و یقیناً وعده تو راست است و تو بهترین حکم کنندگانی (۴۶)

[خدا] گفت، ای نوح! یقیناً او از اهل تو نیست، البته او کرداری ناپاک بود، پس از من سوالی نکن که به آن ترادانشی نیست، یقیناً من به تو پند میدهم مبادا از جمله جاهلان بشوی (۴۷)

او گفت: ای پروردگار من! براستی من ازین امر به تو پناه میبرم که از تو سوالی کنم که به آن مرا دانشی نیست و اگر مرا نیامرزی

وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَسْمَاءِ
أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ
وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا
لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٤٥﴾

وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي
مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ
أَحْكَمُ الْحَكَمِينَ ﴿٤٦﴾

قَالَ يُونُسُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ
عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِي مَا لَيْسَ
لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ
مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿٤٧﴾

قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا
لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي
وَتَرْحَمْنِي أَكُنْ مِنَ الْخَسِرِينَ ﴿٤٨﴾

و بر من ترحم نکنی حتماً از جمله
زیانکاران میشوم (۴۸)

قِيلَ يٰهُوَ اَهْبِطْ بِسَلْمٍ مِّنَّا وَبَرَكَاتٍ
عَلَيْكَ وَعَلَىٰ اُمَمٍ مِّمَّنْ مَعَكَ ۗ وَاُمَمٌ
سَمِعْنَاهُمْ لَمْ يَمْسُحْهُمْ مِّنَّا عَذَابٌ
الَيْمٌ ﴿٤٨﴾

خطاب شد: ای نوح! پائین شو با
سلامتی از ما و برکتهای که بر تو
و آن قومهاست که با تو [سوار]
اند و قومهایی دیگر نیز اند که
حتماً به آنان بهره مند سازیم سپس
به آنها از ماعذابی دردناک خواهد
رسید (۴۹)

تِلْكَ مِنْ اٰثَٰرِ الْغَيْبِ نُوْحِيهَا اِلَيْكَ مَا
كُنْتَ تَعْلَمُهَا اَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ
هٰذَا ۗ فَاَصْبِرْ ۗ اِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِيْنَ ﴿٤٩﴾

مطابق ۱۱۱۱۱۱۱۱

این از خبرهای غیب است که
بسوی تو وحی میفرستیم - پیش
ازین نه تو و نه قوم تو این را
[میدانستید]. پس شکیبای باش یقیناً
عاقبت نیکو برای متقیانست (۵۰)

وَالِىٰ عَادٍ اٰخَاهُمْ هُوْدًا ۗ قَالَ يَقَوْمِ
اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَيْرِهٖ ۗ اِنْ
اَنْتُمْ اِلَّا مُفْتَرُوْنَ ﴿٥٠﴾

و بسوی عاد برادرشان هود را
[فرستادیم] او گفت: ای قوم من! خدا را
عبادت کنید شمارا کسی
معبود نیست مگر او. شما فقط
دروغ بافندگانیید (۵۱)

يَقَوْمِ لَا اَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ اَجْرًا ۗ اِنْ
اَجْرِيْ اِلَّا عَلَى الَّذِى فَطَرَنِيْ ۗ اَفَلَا

ای قوم من! من از شما برای این مزدی
نمی طلبم مزد من نیست جز بر آنکه

تَعْقِلُونَ ﴿۵۱﴾

مرا آفرید. پس آیا عقل نمی

کنید؟ (۵۲)

ای قوم من! از پروردگار خود
استغفار طلبید. سپس توبه کرده
بسوی او فروتنی کنید. او بر
شما ابرهای بسیار بارنده خواهد
فرستاد و شمارا توانائی بر توانائی
شما بیفزاید و مجرمانه پشت کرده

نروید (۵۳)

آنها گفتند: ای هودانه دلیلی واضح
نزد ما آورده ای و نه ما از گفتار
محض تو معبودان خود را ترك
کنندگانیم و ما برای تو ایمان
آرندگان نیستیم (۵۴)

ما نمیگوئیم جز اینکه بعضی از
معبودان ما تورا بشومی گرفته
اند. او گفت. یقیناً من خدا را
گواه میگردانم و هم شما گواهی
نمید که من بیزارم از آنچه شريك
قراردمید - (۵۵)

[یعنی] جز او پس همه بهم خلافم

وَيَقَوْمٍ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ
يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا
وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا
مُجْرِمِينَ ﴿۵۲﴾

قَالُوا يَهُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ
بِتَارِكِي آلِهَتِنَا عَنْ قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ
بِمُؤْمِنِينَ ﴿۵۳﴾

إِنْ نَقُولُ إِلَّا اعْتَرَبَكَ بَعْضُ آلِهَتِنَا
سُوءًا ۗ قَالَ إِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ وَاشْهَدُوا
أَنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ﴿۵۴﴾

مِنْ دُونِهِ فَكَيْدُونِي جَمِيعًا ۗ لَا

تَنْظُرُونَ ﴿۵۶﴾

نیرنگ زنید، سپس مرا فرصتی
ندهید (۵۶)

یقیناً من فقط برخدا توکل دارم
که پروردگار من و پروردگار شما
است، نیست جنبنده ی مگراو [آن
را] به موی بالای پیشانیش گرفته
است، یقیناً پروردگارم بر راه
راست [یافتنی] است (۵۷)

پس اگر شما روی برتابید آنگاه
من آن سخنان را بشما ابلاغ کرده
ام که با آن بسوی شما فرستاده
شدم و پروردگارم بجای شما قومی
دیگر را جانشین قرار دهد و نیستید
شما که او را هیچ هم گزندی
برسانید، یقیناً پروردگارم بر هر
چیز نگهبان است (۵۸)

و هنگامیکه فرمان ما فرارسید ما
هود و آنانکه با او ایمان آورده
بودند را برحمتی از ما نجات دادیم
و آنان را از عذابی سخت ننگ
داشتیم (۵۹)

إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ ۗ مَا
مِن دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا ۗ إِنَّ رَبِّي
عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿۵۷﴾

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ
إِلَيْكُمْ ۗ وَيَسْخَلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ ۚ
وَلَا تَصْرُوهَ شَيْئًا ۗ إِنَّ رَبِّي عَلَى كُلِّ
شَيْءٍ حَفِيظٌ ﴿۵۸﴾

وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَالَّذِينَ
آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا ۗ وَنَجَّيْنَاهُمْ مِّنْ
عَذَابٍ غَلِيظٍ ﴿۵۹﴾

و اینانند عاد - آنان آیتهای خدا را
انکار و از رسولان او نافرمانی
کردند و از هر زورمندی سرکش
فرمان میبردند (۶۰)

پس پی آنها افکنده شد لعنت در این
دنیا و روز قیامت. باش! یقیناً عاد
از پروردگار خود انکار کردند. باش!
هلاک باد عاد قوم لوط را (۶۱)

و بسوی نمود برادر ایشان صالح
را [فرستادیم] او گفت، ای قوم من!
خدا را عبادت کنید. نیست شمارا
معبودی مگر او. او است که شمارا
از زمین پدید آورد و شمارا در
آن آبادان کرد. پس از او استغفار
بطلبید. پس توبه کنان بسوی او
بگرایید. یقیناً پروردگارم قریب
و اجابت کننده [دعا] است (۶۲)

گفتند: ای صالح پیش ازین تو میان
ما مرجع امید بودی. آیا مارا از
پرستش آن باز میداری که آنرا
بدران ما می پرستیدند و البته

وَتِلْكَ عَادٌ جَحَدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا
رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا أَمْرَ كَلِّ بْنِ جَبْرٍ عَنِيْدٍ ۝

وَأَتَّبَعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَ يَوْمَ
الْقِيَامَةِ ۝ أَلَا إِنَّ عَادًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ ۝ أَلَا
بَعْدَ لِعَادٍ قَوْمٌ هُوْدِيٌّ ۝

وَإِلَى ثَمُوْدَ أَخَاهُمْ صَالِحًا ۝ قَالَ يَقَوْمِ
اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ ۝ هُوَ
أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ
فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوَبُّوا إِلَيْهِ ۝ إِنَّ
رَبِّي قَرِيْبٌ مُجِيْبٌ ۝

قَالُوا يٰصَالِحُ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ
هَذَا ۝ اتَّهْنَا أَنْ تَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا
وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ

هَرِيْبٍ ۱۷

ما درشکی شورانگیزایم از آنچه

بسوی آن ما را میخوانی (۶۲)

او گفت. ای قوم من! مرا حالی کنید

اگر من از پروردگارم بر دلیلی

روشن [استوار] ام و او از جانب

خود مرا رحمت اعطا کرده است

باز از او نافرمانی کنم آنگاه چه

کس است مرا درمقابل خدا یاری

دهد. پس شما را در چیزی نیفزاید

جز زیان (۶۴)

و ای قوم من! این ناقه [وقف

در راه] خدا شمارا نشانه ای است.

پس آنرا بگذارید که در زمین

خدا چرا کند و آنرا هیچ گزندی

نرسانید و گرنه عذابی زود رس

شما را فرا گیرد (۶۵)

باز هم آن را بی کردند. پس او گفت

سه روز درخانه های خود خوش

گذرانی کنید این وعده است که

دروغ در نمیآید (۶۶)

پس چون فرمان ما فرارسید ما

قَالَ يَقَوْمِ اَرَايْتُمْ اِنْ كُنْتُ عَلٰى بَيِّنَةٍ

مِنْ رَبِّيْ وَاَتٰنِيْ مِنْهُ رَحْمَةً فَمَنْ يَنْصُرُنِيْ

مِنَ اللّٰهِ اِنْ عَصَيْتُهُ ۗ فَمَا تَزِيْدُوْنِيْ

غَيْرَ تَحْسِيْرٍ ۝۱۷

وَيَقَوْمِ هٰذِهِ نٰقَةٌ اللّٰهُ لَكُمْ اٰيَةٌ فَذَرُوْهَا

تَاْكُلْ فِيْ اَرْضِ اللّٰهِ وَلَا تَمْسُوْهَا بِسُوْءٍ

فَيَاْخُذْكُمْ عَذَابٌ قَرِيْبٌ ۝۱۸

فَعَقَرُوْهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوْا فِيْ دَارِكُمْ

ثَلَاثَةَ اَيّٰمٍ ۗ ذٰلِكَ وَعَدُّ غَيْرُ مَكْدُوْبٍ ۝۱۹

فَلَمَّا جَاءَ اَمْرُنَا نَجَّيْنَا صٰلِحًا وَالَّذِيْنَ

صالح و کسانیکه با او ایمان آوردند
 را برحمت خود نجات دادیم و از
 رسوائی آن روز [حفظ نمودیم].
 یقیناً پروردگارتو مدام قدرتمند
 صاحب غلبه کامل است (۶۷)

و کسانیکه ستم کردند را عذابی
 غرش کنان در گرفت و آنها در خانه
 های خود پرویهای خود بر افتاده
 ماندند (۶۸)

گویی میجگاه در آنها زیست نمی
 کردند. باش! نمود از پروردگار خود
 انکار کردند. باش! هلاک باد نمود
 را (۶۹)

و همانا فرستادگان مانند ابراهیم
 با مژده آمدند. گفتند. سلام. او نیز
 گفت. سلام. پس او درنگ نکرد که
 به گوساله بریان آمد (۷۰)

پس چون او دید که دستهای ایشان
 [به غذا] نمیرسد ایشان را غریبه
 پنداشت و از ایشان احساس ترس
 کرد. گفتند. نترس. حتماً بسوی قوم

أَمْوَامَهُ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَمِنْ خِزْيِ
 يَوْمِئِذٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ ﴿۷۰﴾

وَ أَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا
 فِي دِيَارِهِمْ جِثْمِينَ ﴿۷۱﴾

كَانَ لَمْ يَغْنَوْهَا إِلَّا أَنْ تَمُودًا
 كَفَرُوا وَارْتَبَهُمُ الْآبَعْدُ التَّمُودَةُ ﴿۷۲﴾

وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلَنَا إِبْرَاهِيمَ
 بِالبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَّمَ فَمَا
 لَيْتَ أَنْ جَاءَ بِعَجَلٍ حَيْنٍ ﴿۷۳﴾

فَلَمَّا رَأَى أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكَرَهُمْ
 وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ
 إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمِ لُوطٍ ﴿۷۴﴾

وَأَمْرَاتُهُ قَابِئَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا
بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ ﴿٧١﴾

لوط فرستاده شده ایم (۷۱) و همسرش [درکنار] ایستاده بود. پس وی خنده کرد. آنگاه ما وی را به اسحاق مژده دادیم و پس از اسحاق، یعقوب نیز (۷۲)

قَالَتْ يَوَيْلَ لِيَءِ الدُّوَانَا عَجُوزٌ وَهَذَا
بَعْلِي شَيْخًا ۖ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ ﴿٧٢﴾

وی گفت، ای وای! آیا من بچه ای میزایم حالیکه من سالمندم و این شوهرم پیرمردی است. یقیناً این چیزی بسیار عجیب است (۷۳)

قَالُوا اتَّعَجِبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمَتُ اللَّهِ
وَبَرَكَتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ ۖ إِنَّهُ
حَمِيدٌ مُجِيدٌ ﴿٧٣﴾

ایشان گفتند: آیا از امر خدا تعجب میکنی؟ ای اهل بیت بر شما رحمت خدا و برکات او باد. یقیناً او صاحب ستایش صاحب بزرگی است (۷۴) پس هنگامیکه خوف از ابراهیم دوز شد و مژده به او رسید او جهت قوم لوط بما به مجادله پرداخت (۷۵)

فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ
وَجَاءَتْهُ الْبُشْرَىٰ يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ ﴿٧٤﴾

یقیناً ابراهیم خیلی بردبار، نرم دل و انابت کننده ای بود (۷۶)

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ ﴿٧٥﴾

ای ابراهیم! از این [امر] اعراض کن. یقیناً فرمان پروردگارتو صادر

يَا إِبْرَاهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا ۖ إِنَّهُ قَدْ جَاءَ
أَمْرٌ رَبِّكَ ۖ وَإِنَّهُمْ لَبِهِمُ عَذَابٌ غَيْرُ

مَرْدُودٍ ﴿۷۷﴾

شده است و حتماً آنها را عذابی

آید که برگردانده نشود (۷۷)

و هنگامیکه فرستادگان ما نزد

لوط رسیدند او از ایشان ناخوش

آمد و از ایشان دلگیر شد و گفت

این روزی بسیار سخت است (۷۸) +

و قوم او پرشتاب بسوی او آمدند

در حالیکه قبلانیز بدیها میکردند.

او گفت، ای قوم من! اینان دخترانم

اند. ایشان نزد شما نیز پاکیزه اند.

پس خدایا تقوی اختیار کنید و مرا

در مهمانهای من رسوان کنید. آیا در

شما یکی هم خردمند نیست؟ (۷۹) +

گفتند البته تو میدانی که ما را در

دختران تو هیچ حقی نیست و البته

تو میدانی آنچه ما میخواهیم (۸۰) +

او گفت: کاشکی مرا نیروی بود به

مقابله شما یا توانستم بسوی تکیه

گاهی استوار پناه برم (۸۱)

گفتند، ای لوط یقیناً ما فرستادگان

پروردگارتو هستیم. هرگز آنها بتو

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ

وَضَاقَ بِهِمْ ذُرْعًا وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ

عَصِيبٌ ﴿۷۸﴾

وَجَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ ^ط وَمِنْ

قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ ^ط قَالَ يَقَوْمِ

هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا

اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ فِي صَيْفِي ^ط أَلَيْسَ

مِنْكُمْ رَجُلٌ رَّشِيدٌ ﴿۷۹﴾

قَالُوا الْقَدْ عَلِمْتَ مَا لَنَا فِي بَنَاتِكَ مِنْ حَقٍّ ^ج

وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا تُرِيدُ ﴿۸۰﴾

قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أُوَدِّعُ إِلَىٰ رُكْنٍ

شَدِيدٍ ﴿۸۱﴾

قَالُوا ايْلُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصْلُوا

إِلَيْكَ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ

وَلَا يَلْتَمِثُ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا أَمْرًا تَكُ^ط
 إِنَّهُ مُصِيبُهَا مَا أَصَابَهُمْ^ط إِنَّ^ط
 مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ^ط أَلَيْسَ الصُّبْحُ^ط
 بِقَرِيبٍ^{٥٢}

نمیرسند. پس درباره شب با اهل
 خود کوچ کن و کسی از شما بیشتر
 ننگرد جز همسرتو. حتماً او را نیز
 برسد همان سختی که به آنها رسیده
 است و عدمگاه آنها صبحگاه است.
 آیا صبح نزدیک نیست؟ (۸۲)

فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا^ط
 وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِّنْ سِجِّيلٍ^ط
 مَّنصُورٍ^{٥٣}

پس چون فرمان ما در رسید. آن
 [قریه] را زیرورو نمودیم و بر
 آنها سنگهای کلوخه روی هم چیده
 بارانیدیم (۸۳)

مُسَوِّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ^ط وَمَا هِيَ^ط مِنْ^ط
 الظَّالِمِينَ يَبْعِدُونَ^{٥٤}

که نزد پروردگار تو علامتگذارده
 بودند و این [سلوک] از ستمگران
 دور نیست (۸۴)

وَالِى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَاقَوْمِ^ط
 اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ^ط وَلَا^ط
 تَتَّقُوا الْمَكِّيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي^ط

و بسوی مدین برادر ایشان شعیب
 را [فرستادیم]. او گفت، ای قوم من
 خدا را عبادت کنید. برایشما کسی

++ آیات ۷۸ - ۸۰: این تفسیر از بعضی از مفسران که نمودن باله حضرت لوط به
 قومش دختران خود را پیشنهاد کرد درست نیست. امر واقعی اینست که قوم لوط
 پس از تکذیب وی اینطور میپنداشت که شاید او مردم را از بیرون به آن قریه
 آورده برخلاف آنها توطئه میچیند. لذا او قوم خود را برای شرم آوری گفت
 در صورتیکه دخترانم در خانه های شما متامل اند باز چطور امکان پذیر است که
 من برخلاف شما توطئه بچینم.

معبود نیست مگر او، و کیل و میزان را کم ندهید. یقیناً من شما را ثروتمند مییابم و بر شما از عذاب روزی فرا گیرنده میترسم (۸۵)

و ای قوم من کیل و میزان را بداد بتمام دهید و ب مردم کالای ایشان کم ندهید و در زمین مفسدانه آشوب نگسترانید (۸۶)

آنچه از خدا [در تجارت] باقی بماند برای شما خیر و نعمت است اگر شما مومن اید و من بر شما نگاهبان نیستم (۸۷)

گفتند: ای شعیب آیا نمازت تورا امر میکند که ماترک کنیم آنچه را پدران ما پرستش میکردند یا این که جهت مالهای خود بر وفق میل خود کار نکنیم؟ حتماً تو بس بردبار و خردمند ای (۸۸)

او گفت ای قوم من [اقلأ] مرا حالی کنید که اگر من از پروردگار خود بر دلیلی آشکار هستم و او بمن

أَرْكُمْ خَيْرًا لِّيَ أَخَافُ عَلَيْكُمْ
عَذَابَ يَوْمٍ مَّحِيْطٍ ﴿٨٥﴾

وَيَقُوْمُ أَوْقُوا النِّمْيَالَ وَالْمِيزَانَ
بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ
وَلَا تَعْتَوُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿٨٦﴾

بَيَّيْتُ اللَّهُ خَيْرًا لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ
مُؤْمِنِينَ ۗ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيْظٍ ﴿٨٧﴾

قَالُوا يَشْعِيبُ أَسْلَوْتَك تَأْمُرُكَ أَنْ
تَتْرَكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي
أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ ۗ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ
الرَّشِيدُ ﴿٨٨﴾

قَالَ يَقُوْمُ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيْتَةٍ
مِّن رِّبِّيَ وَرَزَقْنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا ۗ وَمَا

أَرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنهَكُمُ
عَنهُ ۗ إِنَّ أَرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا
اسْتَطَعْتُ ۗ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ ۗ
عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ﴿۸۹﴾

از خود رزقی پاکیزه اعطا میکند
[بازهم خواسته شما را انجام دهم]
درحالیکه نمیخواهم که خلاف شما
کنم جهت آنچه از آن شما را باز
دارم - نمیخواهم مگر اصلاح
هرچه بتوانم و مرا توان نیست
مگر به [یاری] خدا. براو توکل می
کنم و بسوی او انابت میکنم (۸۹)

وَيَقَوْمٍ لَا يُجْرِمُهُمْ شِقَاقِي أَنْ
يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ
قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ ۗ وَمَا قَوْمَ لُوطٍ
مِّنكُمْ بِبَعِيدٍ ﴿۹۰﴾

و ای قوم من! دشمنی من شما را
و اندارد برکاری که شما را برسد
[رنج] مانند آنچه بقوم نوح و قوم
هود و قوم صالح رسیده بود و قوم
لوط نیز از شما دور نیست. (۹۰)

وَاسْتَغْفِرُكُمْ وَأَرْبَابَكُمْ ثُمَّ تَوَبَّوْا إِلَيْهِ ۗ إِنَّ
رَبِّيَ رَحِيمٌ وَدُودٌ ﴿۹۱﴾

و از پروردگار خود آمرزش بطلبید.
باز توبه کنان بسوی او روی بیارید
یقیناً پروردگارم بارها رحمکننده
و بسیار دوستدار است. (۹۱)

قَالُوا لَيْسَ غِيبٌ مَا نَفَقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا
تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرُكَ فِينَا ضَعِيفًا وَلَوْلَا
رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ ۗ وَمَا أَنْتَ عَلَيْنَا

حتماً ما تورا سنگسار میکردیم
و تو بر مقابل ما هیچ برتری نه
داری (۹۲)

او گفت: ای قوم من آیا قبيله من
نزد شما از خدا قدرتمندتر است
و او را شما بی اعتنائی کرده
پشت سر خود افکنده اید. یقیناً
پروردگارم آنچه عمل کنید، را
احاطه کرده است (۹۳)

و ای قوم من! بکنید برجائی خود
[آنچه میتوانید] و یقیناً من هم
کننده ام [آنچه میتوانم] بزودی
بدانید که را آن عذاب میآید که
او را رسوا کند و کیست که او
دروغگوی است و مراقبت کنید
یقیناً من هم باشما مراقبت کننده
ام (۹۴)

پس چون فرمان ما در رسید ما
شعیب و کسانی که با او ایمان آورده
بودند، را برحمت خود نجات دادیم
و کسانی که ستم کردند را عذابی

قَالَ يُقَوْمِ ارْهَطِيْ اَعْرُ عَلَيْكُمْ مِّنْ
اللّٰهِ ۗ وَاَتَّخَذْتُمُوْهُ وِرَآءَ كُمْ ظَهْرِيًّا ۗ
اِنَّ رَبِّيْ بِمَا تَعْمَلُوْنَ مُحِيْطٌ ﴿١١﴾

وَيَقَوْمِ اَعْمَلُوْا عَلٰى مَكَانَتِكُمْ اِنِّيْ
عَامِلٌ ۗ سَوْفَ تَعْلَمُوْنَ ۗ مَنْ يَّاتِيْهِ
عَذَابٌ يُخْزِيْهِ وَ مَنۢ هُوَ كَاذِبٌ ۗ
وَاَرْتَبُوْا اِنِّيْ مَعَكُمْ رَقِيْبٌ ﴿١١﴾

وَلَمَّا جَاءَ اَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَّ الَّذِيْنَ
اٰمَنُوْا مَعَهٗ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَاَخَذَتِ الَّذِيْنَ
ظَلَمُوْا الصَّيْحَةَ فَاصْبَحُوْا فِيْ دِيَارِهِمْ

جُثَمِينَ ﴿١٥﴾

باخروش مهیب درگرفت پس در
خانه های خود بروی چانه ها فرو
افتاده ماندند(۹۵)

گویی که آنان هیچگاه در آنها نبوده
اند. باش برای مدین آنگونه ملاک
است که قوم ثمود ملاک شد(۹۶)
و یقیناً فرستادیم موسی را با
آیتهای خود و دلیلی آشکار و
ادله روشن(۹۷)

بسوی فرعون و سردارانش پس
آنها از فرعون فرمان بردند حالانکه
فرمان فرعون درست نبود (۹۸)
او روز قیامت قوم خود را پیشرو
شود و آنها را وارد آتش کند و
چه زشت است محل ورود که بر
آن وارد کرده شود(۹۹)

وافکنده شد لعنت پی آنها در این
دنیا و روز قیامت. چه زشت است
عطاء که کرده شدند(۱۰۰)

این [خبر] از اخبار قریه ما است که
آنها برای تو حکایت میکنیم. بعضی

كَانَ لَمْ يَخُونَا فِيهَا إِلَّا بَعْدَ الْمَدِينِ
كَمَا بَعَدَتْ ثَمُودُ ﴿١٦﴾

ع
خ

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطٰنٍ
مُّبِينٍ ﴿١٧﴾

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ
فِرْعَوْنَ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ ﴿١٨﴾
يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ
النَّارَ ۖ وَيُسَّ الْوُرْدُ الْمَوْرُودُ ﴿١٩﴾

وَأَتَّبَعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةً وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
يُسَّ الرَّفْدِ الْمَرْقُودُ ﴿٢٠﴾

ذٰلِكَ مِنْ اٰنْبَاءِ الْقُرٰى نَقَّصْنٰ عَلَيْكَ مِنْهَا

قَابِمْ وَحَصِيدٌ ﴿۱۰۱﴾

از آنها برقرار اندو بعضی درو کرده شدند (۱۰۱)

وَمَا ظَلَمْنَهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ
فَمَا آغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ
مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ لَّمَّا جَاءَ أَمْرُ
رَبِّكَ ۗ وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ ﴿۱۰۲﴾

و ما آنها را ستم نکردیم بلکه آنها
برجانهای خود ستم میکردند پس
هیچ بدرانیشان نخوردند معبودان
ایشان که آنها را گذشته از خدا
میخواندند چون فرمان پروردگار
تو آمد و آنها آنانرا جز ملاک در
چیزی نیفزودند (۱۰۲)

وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقَرْيَ
وَهِيَ ظَالِمَةٌ ۗ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ ﴿۱۰۳﴾

و گرفت پروردگار تو همینطور
است چون او قریه های رامی
گیرد درحالتیکه آنها ستمکارند.
یقیناً گرفت او المناکی بسیار شدید
است (۱۰۳)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمَنْ خَافَ عَذَابَ
الْآخِرَةِ ۗ ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لِّهٖ
النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ ﴿۱۰۴﴾

یقیناً در این امر آیتی بزرگ است
برای آنکه از عذاب آخرت میترسد
این روزی است که برای آن مردم
جمع کرده شدند و این روزی است
که گواهی داده شد (۱۰۴)

وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مُّعَدُّودٍ ﴿۱۰۵﴾

و ما آنرا جز شمرده به زمانی معین
بتاخیر نمیاندازیم (۱۰۵)

روزیکه آن بیاید هیچ جان بلا
 اذن او تکلم نکند. پس در آنها هم
 بدبختند و هم خوش بختند (۱۰۶)

پس کسانی که بدبختند آنگاه آنها
 در آتش اند. برای آنها در آن ناله
 کردن و فریاد زدن است (۱۰۷)

مادامیکه زمین و آسمان برقرار
 است ایشان در آن ماندگار اند
 مگر آنچه پروردگارتو بخواهد
 یقیناً پروردگارتو هر چه رابخواید
 کننده است (۱۰۸) ++

و اما کسانی که خوش بختند ایشان
 اهل بهشتند و در آن جاویدانند
 مادامیکه زمین و آسمان برقرار
 است مگر که پروردگارتو بخواهد
 این عطای بلا انقطاع است (۱۰۹)

يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ ۗ
 فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ ﴿١٠٦﴾

فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَيُنَادُونَ فِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا
 زَفِيرٌ وَشَهيقٌ ﴿١٠٧﴾

خُلْدِيْنَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ
 وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ ۗ إِنَّ رَبَّكَ
 فَعَالٌ لِّمَا يَرِيدُ ﴿١٠٨﴾

وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فَيُنَادُونَ فِي الْجَنَّةِ خُلْدِيْنَ
 فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا
 مَا شَاءَ رَبُّكَ ۗ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْدُوذٍ ﴿١٠٩﴾

++ آیات ۱۰۸ - ۱۰۹: ازین دو آیت بظاهر چنین گمان شود که همچون بهشت جهنم
 نیز دائمی است ولی در آیتی که نسبت به جهنم است باگفتن "الا ما شاء ربك" سخن
 تمام کرده شد. در حالیکه آیت ۱۰۹ که حاکی از ذکر بهشت است گوید "عطاءً غیر
 مجذوذ" یعنی عطایی که بلا انقطاع است. ضمناً "خلود" برای مدت دراز گفته میشود.
 لازم نیست که معنی آن "همیشگی" باشد.

فَلَاتُكُ فِي مَرِيَةٍ مِّمَّا يَعْْبُدُ هُوَ لَآءِ ۚ
 مَا يَعْْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْْبُدُ آبَاؤُهُمْ
 مِنْ قَبْلُ ۚ وَإِنَّا لَمُوقِفُوهُمْ نَصِيبُهُمْ غَيْرَ
 مَقْضُوصٍ ۙ ﴿١١٠﴾

پس در شك مباش از آنچه این
 مردم پرستش کنند. اینها پرستش
 نکنند مگر بطوریکه پیش از این
 پدران ایشان پرستش میکردند و
 یقیناً ما به آنها سهم ایشان بی کم

ۛ

و کاست تمام خواهیم داد (۱۱۰)
 و یقیناً ما موسی کتاب داده بودیم
 پس در این هم اختلاف کرده شد و
 اگر از پروردگارتو فرمانی پیشی
 نگرفته بود حتماً کار میان ایشان
 گذرانیده میشد و یقیناً آنها درشکی
 مضرب کننده مستند (۱۱۱)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ ۚ
 وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقَضَىٰ
 بَيْنَهُمْ ۚ وَاللَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ ۙ ﴿١١١﴾

و یقیناً پروردگارتو همه آنها را
 عوض اعمال ایشان تمام دهد.
 حتماً او بخوبی آگاه است به آنچه
 انجام میدهند (۱۱۲)

وَإِنْ كُنَّا لَمَّا لِيَوْفِيَنَّهُمْ رَبُّكَ أَعْمَاهُمْ ۚ
 إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۙ ﴿١١٢﴾

پس استوار باش بطوریکه فرمان
 داده میشوی و آنانکه با تو توبه
 کنندگانند و قدم فراترا از حد نهند.
 یقیناً او دقیقاً بینا است به آنچه
 عمل کنید (۱۱۳)

فَأَسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ
 وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۙ ﴿١١٣﴾

و بسوی آنها میل نکنید که ستم کردند و گرنه آتش شمارا نیز می گیرد و گذشته از خدا شمارا هرگز سرپرستان نیستند. سپس یاری کرده نشوید (۱۱۴)

و نماز را هر دو سر روز و هم در پارهای شب بپای دار. حتماً نیکیها بدیها را می برد. این تذکراست متذکران را (۱۱۵)

پس صبر کن چه یقیناً خدا اجر محسنان را ضائع نمیدهد (۱۱۶)
پس چرا در قرنهای پیش از شما چنین خردمندان نبودند که در زمین از فساد جلوگیری میکردند جز آنکه از آنها که ما آنها را نجات دادیم و کسانی که ستم کردند از پی آنچه رفتند که بنا بر آن [پیشینیان] سرکش قرار داده شدند و آنان مجرمان بودند (۱۱۷)

و نیست پروردگار تو که قریه مارا به ستم ملامت سازد در حالیکه

وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمْ
النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ
ثُمَّ لَا تَنْصُرُونَ ﴿١١٤﴾

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَرُفَا مِنْ
الَّيْلِ ۚ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهَبْنَ السَّيِّئَاتِ ۚ
ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّكِرِينَ ﴿١١٥﴾

وَأَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ
الْمُحْسِنِينَ ﴿١١٦﴾
فَلَوْ لَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا
بَقِيَّةً يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا
قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ ۗ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ
ظَلَمُوا مَا أَتَرَفُوا فِيهِ وَكَانُوا
مُجْرِمِينَ ﴿١١٧﴾

وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ
وَأَهْلَهَا مُصْلِحُونَ ﴿١١٨﴾

اهالیان آنها به اصلاح پرداخته
باشند(۱۱۸)

و اگر پروردگار تو میخواست
مردم را يك امت میساخت او.
آنها پیوسته اختلاف کنندگان
اند(۱۱۹)

مگر آنکه را پروردگارتو ترحم
کند و او آنان را به این خاطر
آفرید و این سخن پروردگارتو
صدق کرد که حتماً من جهنم را از
جنهاو مردم پُرخواهم کرد(۱۲۰)

وآنجمله که ازخبرهای انبیاء برتو
بیان کنیم آنچه است که دل تورا
به آن ثبات دهیم وتورا آمده است
دراین[اخبار]حق وپندی ومومنان
را درس عبرت است(۱۲۱)

و بگو به کسانیکه ایمان نیآورده
اند بکنید آنچه بتوانید بر جای
خود حتماً ما هم کنندگانیم(۱۲۲)
پس منتظر باشید ما هم منتظران
ایم(۱۲۳)

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً
وَاحِدَةً وَلَا يَرَاؤُونَ مُخْتَلِفِينَ ﴿۱۱۸﴾

إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ ۗ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ
وَتَمَّتْ كَلِمَةَ رَبِّكَ لَأَمَلَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ
الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿۱۱۹﴾

وَكَلَّا لَأَنْقُصَنَّ عَلَيْكَ مِنْ أَتْبَاءِ الرُّسُلِ مَا
نُحِيتَ بِهِ قُودًا ۚ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ
الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۲۰﴾

وَقُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ أَعْمَلُوا عَلَىٰ
مَكَانَتِكُمْ ۗ إِنَّا عَامِلُونَ ﴿۱۲۱﴾

وَانظِرُوا ۗ إِنَّا مُنْتَظِرُونَ ﴿۱۲۲﴾

وغيب آسمانها و زمين از آن خدا
 است و كار بتنامي آن بسوي او
 برگردانده ميشود. پس او را
 عبادت كن و بر او توكل كن
 پروردگار تو از آن بغفلت نيست
 كه عمل ميكنيد(۱۲۴)

وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ
 يُرْجَعُ الْأُمُورُ كُلُّهَا فاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ
 عَلَيْهِ ۗ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٢٤﴾

۱۲ - سورة يوسف

این سوره در مکه نازل شد و با بسم الله ۱۱۲ آیت دارد.
 آغاز این سوره نیز با مقطعات "الر" است و دارای همان معنای است که
 قبلاً نقل شد.

بلافاصله دنبال این، ذکر از آن یکی از بهترین قصص می‌رود که موجب
 بهشت قلبی آنحضرت ﷺ میشود در مقابل آن یکی رنج آور که سوره هود
 حاکی از آن بود. اینجا لازم است که واژه قصص شرح مجمل داده شود. قصص
 را معنا قصه و داستانی محض نیست بلکه آن وقائع از ازمه گذشته است که
 دنبال پژوهش عیناً به واقعیت منجر میشوند.

آغاز این سوره با ذکر روایی از حضرت یوسف علیه السلام میشود که
 عبارت از آنهمه وقائع است که ایشان را بعدها پیش آمد و حضرت یعقوب
 علیه السلام از این رویاء تعبیر کردند که حضرت یوسف را از برادران
 خویش احتمال زیان و ضرر است. لذا ایشان توصیه کردند که او لب به این
 رویاء پیش برادران خویش نگشاید.

این سوره عبارت از آن علم تعبیر رویاء است که به حضرت یوسف
 علیه السلام ارزانی داشته شد. بعنوان مثال، آندو زندانیان که با ایشان همراه
 بودند تعبیر از رویای آندو عیناً همانطور راست آمد که حضرت یوسف بیان
 کرده بودند. و بعدها آن زندانی که طبق تعبیر رویایش مؤده نجات داده شده
 بود باعث شد که پادشاه بواسطه او تعبیر آن رویای خود را از حضرت یوسف
 بطلبد که نسبت به آن درباریانش اظهار داشتند که آن تحریک نفسانی است.

ضمناً تعبیر رویای پادشاه از حضرت یوسف باعث شد که آن واقعه بزرگ که طبق تعبیر خواب پادشاه منجر به گرسنگی و مرگ تهیدستان مصر و حومه اش میشد، پیش بینی شود و مردم از جنگ فقرو فاقه نجات داده شوند و مواد غذایی ایشان برای هفت سال متوالی تهیه و توزیع کرده شود و کار تدارکاتی اینهمه به حضرت یوسف واگذار کرده شد و منتها بدین علت والدین و برادران ایشان در پناه ایشان درآمدند و همه ایشان برای حضرت یوسف در حضور خدای متعال سجده کردند.

اینهمه چنین وقایع تاریخ است که آنحضرت ﷺ را بر آنها از پیش هیچ علم و اطلاعی نبود. بنابراین دلیل به ایشان گفته شد که آنوقت تو در ایشان نبودی که اینهمه در جریان بود. این فقط خدای علیم و خبیر است که تو را از حقیقت این وقایع آگاه میسازد.

پایان این سوره با آیتی عبارت از این سخن داده میشود که نقل کردن این وقایع همچون حکایت کردن قصه ها یا داستانها عمومی نیست بلکه این وقایع در نهان خردمندان را بسیار عبرت انگیز است و بیگمان تمامی سوره یوسف توجه را جلب بسوی بیشمار وقایع عبرت انگیز مینماید.

☆ سُورَةُ يُوسُفَ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ السَّمَلَةِ مِائَةٌ وَ اثْنَا عَشْرَةَ آيَةً وَ اثْنَا عَشَرَ رُكُوعًا

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

[أَنَا اللَّهُ أَزِي] منم خدا من می

بینم. این آیت‌های کتاب روشن

است (۲)

یقیناً ما آنرا قرآنی عربی نازل کرده

ایم تا باشد که شما عقل کنید (۳)

بوسیله این قرآن که بر تو وحی

فرستاده ایم ما از بهترین حقایق

تاریخی به اثبات رسیده رابه تو

بیان میکنیم والبته قبلاً [از این

وقایع] از ناآگامان بودی (۴)

هنگامیکه یوسف به پدر خود گفت:

ای پدر من! برآستی من [در خواب]

یازده ستاره و خورشید و ماه را

دیدم [و] آنها را برایم سجده کنان

دیدم (۵)

[پدر] گفت، ای پسر عزیزم! این

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

الرَّحْمٰنُ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ②

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ③

نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ ④ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الْغَفْلِينَ ⑤

إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ ⑥

قَالَ يَبْنِي لَا تَقْصُصْ رُءْيَاكَ عَلَيَّ

رویاء را بر برادران خود بیان
نکنی و گرنه آنان برخلاف تو
نیرنگی زنند. یقیناً شیطان دشمنی
آشکارا انسان است (۶)

و اینگونه پروردگارت تو را
برگزیند و تو را دانش ژرف
اندیشی اموری آموزد و نعمت خود
را تمام کند بر تو و بر آل یعقوب
چنانکه قبلاً آنرا برپدران تو
ابراهیم و اسحاق تمام کرد یقیناً
پروردگار تو صاحب علم دائمی
صاحب حکمت است (۷)

یقیناً در [واقعه] یوسف و برادرانش
استفسار کنندگان را آیتهاست (۸)
چون گفتند که یوسف و برادرش
پدر ما را عزیزتر از ما اند حالانکه
ما گروهی نیرومندتریم. حتماً پدر
ما در اشتباهی آشکار است (۹)
یوسف را بکشید یا او را جای دیگر
ببفکنید. [اینگونه] توجه پدرتان
صرفاً برایشما میماند و از آن پس

إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا ۗ إِنَّ
الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٦﴾

وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ
تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ
وَعَلَىٰ آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَىٰ أَبَوَيْكَ
مِنْ قَبْلُ ۖ إِنَّ رَبَّكَ
عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٧﴾

ع
۱۱

لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٍ
لِّلسَّائِلِينَ ﴿٨﴾
إِذْ قَالُوا لِيُوسُفَ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا
مِمَّا نَحْنُ بِعُصْبَةٍ ۗ إِنَّ آبَاءَنَا لَفِي ضَلَالٍ
مُّبِينٍ ﴿٩﴾

اقْتُلُوا يُوسُفَ أَوْ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَحُلُّ
لَكُمْ وَجْهَ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ

قَوْمًا صَالِحِينَ ﴿۱۰﴾

قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ
وَأَقْوَاهُ فِي غَيْبَتِ الْجُبِّ يَلْتَقِطُهُ
بَعْضُ السَّيَّارَةِ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ ﴿۱۱﴾

قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَى يُوسُفَ
وَإِنَّا لَهُ لَنَصِحُونَ ﴿۱۲﴾

أَرْسَلَهُ مَعَا غَدَايَرْتَع وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ
لَحَافِظُونَ ﴿۱۳﴾

قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِي أَنْ تَذْهَبُوا بِهِ
وَأَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ وَأَنْتُمْ عَنْهُ
غَافِلُونَ ﴿۱۴﴾

قَالُوا لَيْسَ أَكْلَهُ الذِّئْبُ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ
إِنَّا إِذَا لَخِيسْرُونَ ﴿۱۵﴾

گروهی نیکوکاران بشوید (۱۰)

گوینده از آنها گفت یوسف را
نکشید بلکه او را در قعر چاه در
جوار چراگاه بیفکنید. او را برخی
از کاروانیان بر میدارد اگر شما
کنندگانید [اینطور کنید] (۱۱)

گفتند، ای پدر ما! چیست تو را که
جهت یوسف ما را باور نمیکنی
حالانکه ما برای او خیر خواهان
هستیم (۱۲)

فردا او را با ما بفرست تا باخوشی
و فراخی بخورد و بیآشامد و بازی
کند حالیکه یقیناً ما برای او نگه
بانان ایم (۱۳)

او گفت، یقیناً این امر مرا بفکر
میفکند که شما او را ببرید و میترسم
مبادا او را گرگی بخورد در حالیکه
شما از او غفلتکاران باشید (۱۴)

گفتند، اگر او را گرگی بخورد در
حالیکه ما گروهی نیرومندتریم
یقیناً ما آنگاه زیانمندان ایم (۱۵)

پس هنگامیکه او را بردند و برای این امر متفق شدند که او را در قمر چاه در جوار چراگاه بیفکنند آنگاه به سوی او وحی فرستادیم که [روزی] حتماً آنها را ازین کردارشان آگاه سازی حالیکه آنان درک نخواهند کرد [که توجه کس هستی] (۱۶)

و شبگاه گریه کنان نزد پدر خود آمدند (۱۷)

گفتند، ای پدرمان! برآستی ما بهم مسابقه کرده بدور رفتیم و یوسف را نزد اثاث خود گذاردیم پس او را گرگی خورد و نیستی تو ما را باور کننده ولو ما راستگویان باشیم (۱۸)

و برپیراهن او خونی جعل کرده آوردند. [پدر] گفت بلکه نفسهایتان این امر سنگین را برایشما آسان و معمولی ساخته است. پس [چه می توانم کنم جز] صبری نیکو و خدا است [که از او] یاری خواسته

فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَاجْمَعُوا أَن يَجْعَلُوهُ فِي غَيْبَتِ الْجُبِّ وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٦﴾

وَجَاءُوا أَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ ﴿١٧﴾

قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتَاعِنَا فَأَكَلَهُ الذِّئْبُ وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَّنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ ﴿١٨﴾

وَجَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ ۗ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا ۖ فَصَبِرْ ۖ جَمِيلٌ ۗ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ ﴿١٩﴾

[شود] بر آنچه بیان میکنید (۱۹)
 و کاروانی آمد پس سقای خود را
 فرستادند. پس او دلو خود را فرو
 نهاد. او بانگ زد. مژده باد این
 پسری است و او را جهت مال
 تجاری پنهان کردند و خدا آگاه بود
 به آنچه میکردند (۲۰)

و او را بیبائی ناچیز به چند
 درهما فروختند و جهت آن بی از
 بودند (۲۱)

و آنکس که او را در مصر خرید به
 زن خود گفت: او را منزلی آبرومند
 بده. ممکن است ما را سودمند باشد
 یا ما او را فرزندی بگیریم و
 اینگونه یوسف را در زمین جای
 دادیم و [اینطور شد] تا او را دانش
 ژرف اندیشی از امور بیآموزیم و
 خدا بر فرمان خود غالب است
 اما اکثر مردم فهم نمیکنند (۲۲)

و چون به عمر توانائی خود رسید ما
 او را حکمت و دانش اعطا کردیم و

وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ
 فَأَدْلَى دَلْوَهُ قَالَ يَبْشَىٰ هَذَا غُلْمٌ
 وَأَسْرُوهُ بِضَاعَةٌ وَاللَّهُ عَالِمٌ بِمَا
 يَعْمَلُونَ ﴿۲۰﴾

وَسَرَّوهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ
 مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ ﴿۲۱﴾

وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لِمْرَأَتِهِ
 أَكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ
 نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ
 فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِيلِ
 الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ
 وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۲۲﴾

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا
 وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿۲۳﴾

مزد محسنان اینگونه میدهم (۲۳)
 و آنزنگه اودر خانه اش بود او را
 برخلاف میلش بکام خودخواست
 و درها را بست و گفت بسویم بیا.
 او گفت، پناه بر خدا. همانا پروردگار
 من او است که جای باش مرا نیکو
 ساخت و یقیناً ستمکاران موفق
 نمی شوند (۲۴)

و یقیناً آنزن برای او قصد کرد و
 یوسف نیز آنزن را قصد میکرد
 اگر از پروردگار خود دلیلی قاطع
 را مشاهده نکرده بود. این بود تا
 مازشتی و فحشائی را از او دور
 داشته باشیم. یقیناً او از بندگان
 مخلصان ما بود (۲۵)++

وَرَاوَدْتُهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ
 وَغَلَقَتِ الْاَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْت لَكَ^ط
 قَالَ مَعَاذَ اللّٰهِ اِنَّهُ رَبِّيْ اَحْسَنَ مِمَّوَايَ^ط
 اِنَّهُ لَا يَفْلِحُ الظّٰلِمُوْنَ ﴿۲۴﴾

وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ^ع وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا اَنْ رَّا
 بُرْهَانَ رَبِّهٖ^ط كَذٰلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهٗ
 السُّوْءَ وَالْفَحْشَآءَ^ط اِنَّهٗ مِنْ عِبَادِنَا
 الْمُخْلَصِيْنَ ﴿۲۵﴾

++ آیت ۲۵: مَمَّ بِهَا را این معنای نیست که حضرت یوسف نیز به بدی آهنگ کرده
 بودند بلکه این کلمات را باید با کلمات "لولا ان رآ برهان ربه" بهم خواند تا معلوم
 گردد که مفهوم اصلی اینست که یوسف هم ببدی متمایل میشد اگر او قبل از این
 برهان خدای را ندیده بود. و برهان حاکی از چنین برهان نیست که ایشان در عین
 آن حال مشاهده کرده باشند بطوریکه شماری از مفسران نقل کرده اند بلکه همان
 دم کودکی حضرت یوسف را بر همین خدائی نشان داده شدند و پس از آن متمایل
 بودن ایشان به بدی خارج از موضوع و امکان بود.

و مردوی بسوی درب شتافتند و آن زن پیرامن اورا از پشت [کشیده] پاره کرد و آندو آقای آنزن را نزد درب یافتند. آن زن گفت: آنکه به اهل خانه تو بدی را قصد کند مجازات او چیست جز اینکه شود زندانی یا عذابی دردناک (۲۶)

او گفت: خود شست که به لفراندن من از نفس خودم کوشیده بود و از اهل خانه آنزن یک گواه این گواهی داد که اگر پیرامنش از پیش پاره شده است آنگاه آنزن راست گفت و او از دروغگویان است (۲۷)

و اگر پیرامنش از پشت پاره شده باشد آنگاه آنزن دروغ گفت و او از راستگویانست (۲۸)

پس هنگامیکه او پیرامنش را از پشت پاره شده دید گفت: یقیناً این خدعه از خدعه های شامزنانست. البته خدعه شامزنان بسیار بزرگ

وَاسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ
وَ أَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَا الْبَابِ ۗ قَالَتْ مَا
جَزَاءٌ مِنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ
يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢٦﴾

قَالَ هِيَ رَأَوْتُ نَفْسِي وَ شَهِدَ
شَاهِدٌ مِنْ أَهْلِهَا ۗ إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ
مِنْ قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَ هُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٢٧﴾

وَ إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ
وَ هُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٢٨﴾

فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ
كَيْدِكُنَّ ۗ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ ﴿٢٩﴾

است (۲۹)

یوسف! از این امر اعراض کن و [ای زن!] تو گناهان خود را استغفار بطلب، حتماً تو از خطا کارانی (۳۰)

و زنان شهر گفتند که زن سردار غلام خود را برخلاف میل او جهت نفسش میلفزاند. او [یوسف] از روی محبت دل آزن را شیفته کرده است. یقیناً ما آزن را در

گمراهی آشکار میبینیم (۳۱)

چون آزن به نیرنگهای آزنان شنید آنها را دعوت کرد و برای ایشان پشتیها مهیا کرد و به هر کدام آنها کارد داد و [به یوسف] گفت روبروی آنها برو. پس چون آنها او را دیدند او را بسیار عالی مرتبه یافتند و دستهای خود را قطع کردند و گفتند که پاکست خدا. این بشر نیست. این نیست مگر فرشته

معزز (۳۲) ++

يُوسُفُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا ^{سنة} وَاسْتَغْفِرِي لِذَنبِكِ ^ع إِنَّكَ كُنْتَ مِنَ الْخَاطِئِينَ ^ع

وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ ^ع قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا ^ط إِنَّا نَتَرَّبَهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ^ع

فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ ^ب وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكًا ^ب وَأَتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا ^ب وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ ^ع فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا ^ط إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ ^ع

++ آیت ۳۲: "قطعن ایدیهن" را این معنای نیست که آن زنان مستغرق در [ص#۵۳۵]

قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنِنِي فِيهِ ۖ وَلَقَدْ
رَأَوْتُهَا عَنْ نَفْسِهِ فَأَسْتَعْصَمَ ۖ وَلَئِن
لَّمْ يَفْعَلْ مَا أَمَرُهُ لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُونَا
مِّنَ الصَّغِيرِينَ ﴿٣٣﴾

آنزن گفت: این آنکس است که
جهت او مرا ملامت میکردید. یقیناً
من بلغزاندن او از نفسش کوشش
کرده بودم اما او نجات یافت و
البته اگر نکند آنچه من او را
فرمانکنم حتماً او زندانی گردد و
حتماً از جمله فرومایگان خواهد
شد (۳۳)

قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا
يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ ۖ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي
كَيِّدُهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنَّ مِنَ
الْجَاهِلِينَ ﴿٣٤﴾

او گفت، ای پروردگار من! زندان
برایم محبوبتر از آنست که بسوی
آن مرا میخواند و اگر نیرنگ آنها
از من دور نکنی من بسوی آنها میل
کرده و از جاهلان خواهم شد (۳۴)

فَأَسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ
كَيْدَهُنَّ ۖ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٣٥﴾

پس پروردگارش دعای او را
مستجاب کرد و نیرنگ آنها را از
او برگرداند. یقیناً او بسیار شنوا
صاحب علم دائمی است (۳۵)

ثُمَّ بَدَأَ لَهُمْ مِن مِّنْ بَعْدِ مَا رَأَوُا الْآيَاتِ

بعدها آنچه علامات را دیدند که بر

بنیبه آیت ۳۲: خوشگلی حضرت یوسف بردستان خود چاقو راندند بلکه این عبارت
را یکی دیگر مفهوم اینست که آنان او را از دسترس خود بالاتر یافتند و واژه
های "اکبرنه" هم همین موضوع را تایید میکنند.

لَيْسُ جُنَّتُهُ حَتَّىٰ حِدِينَ ﴿٦٦﴾

﴿٦٦﴾

ایشان پدید آمد که باید او را تا

زمانی زندانی کنند (۳۶)

و با او دو جوان نیز وارد زندان شدند. یکی از آندو گفت، برآستی من خودم را [بخواب] دیدم که جهت شراب می فشارم و دیگری گفت برآستی من خودم را [در خواب] دیدم که بر سرم نانهای برداشته ام که از آن پرندگان میخورند. ما را از تعبیر آنها مطلع ساز. یقیناً ما تو را از محسنان میبینیم (۳۷)

او گفت که بشما طعامی که بشما داده میشود نمیرسد مگر من پیش از رسیدن آن نزد شما دوی تعبیر آنها را برای شما دوی بیان میکنم. این [تعبیر] از آن [علم] است که پروردگارم مرا آموخته است یقیناً من مسلک آن قوم را ترک کرده ام که به خدا ایمان نمی آوردند و آنان آخرت را انکار میکردند (۳۸)

وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيْنِ ۗ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرِنِي أَخَصِرُ خَمْرًا ۗ وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرِنِي أَخْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْرًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ ۗ نَبِّئْنَا بِتَأْوِيلِهِ ۗ إِنَّا نَارِيكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٦٧﴾

قَالَ لَا يَأْتِيكُمْ مَا طَعَامٌ تُرْزَقُونَ إِلَّا نَبَأُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمْ ۗ ذَلِكُمْ مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي ۗ إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿٦٨﴾

و من ازپی دین پدران خود
ابراهیم و اسحاق و یعقوب رفته
ام و مارا ممکن نبود که چیزی را
به خدا شریک قرار میدادیم. این
از فضل خدا بود که او بر ما و بر
مردم [مومنان] کرد اما اکثر مردم
سیاس نمیگویند (۳۹)

او گفت ای دو رفیق زندانم ! آیا
خدایانی مختلف بهترند یا خدای
یکتا صاحب جبروت (۴۰)

گذشته از او بجزی عبادت نمی
کنید مگر آن نامهای را که شما و
پدران شما [برای خدایان دروغین]
نامگذاری کرده اند. خدا در تائید
آنها هیچ دلیلی استوار نازل نکرده
است. حکم کردن تنها از آن خدا
است. او امر کرده است که جز
خاص او کسی را عبادت نکنید.
اینست دین قائم و قائم کننده اما
اکثر مردم نمیدانند (۴۱)

ای دور رفیق زندانم! یکی از شما دوی

وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ
وَيَعْقُوبَ ۗ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ
مِنْ شَيْءٍ ۗ ذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا
وَعَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ
لَا يَشْكُرُونَ ﴿٣٩﴾

لِصَاحِبِي السِّجْنِ ۖ أَرَبَابٌ مُتَّفَقُونَ
خَيْرٌ أَمَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿٤٠﴾

مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءُ
سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ
اللَّهُ بِهِمْ مِنْ سُلْطَانٍ ۗ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا
لِلَّهِ ۗ أَمَرَ الْأَلَا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ۗ ذَلِكَ
الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ
لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤١﴾

لِصَاحِبِي السِّجْنِ ۖ أَمَّا أَحَدُكُمَا فَيَسْقِي

رَبَّهُ خَمْرًا^ع وَأَمَّا الْآخِرُ فَيُصَلِّبُ فَتَأْكُلُ
الطَّيْرُ مِنْ رَأْسِهِ^ط قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ
تَسْتَفْتِينَ^ل

به آقای خود شراب بنوشاند و اما
دیگری بدارکشیده شود و پرنندگان
از سرش [پنجول زده] بخورند. آن
امر که جهت آن استفهام می
کردید گذرانیده شد (۴۲)

وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِنْهُمَا اذْكُرْنِي
عِنْدَ رَبِّكَ^ك فَأَنسَهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ
فَلَبَثَ فِي السِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ^ل

و او به آنکس که برای او از آن
دوی گمان میرفت که نجات خواهد
یافت گفت که نزد آقای خود از
من ذکر کن. اما شیطان او را
فراموش ساخت که به آقای خود
ذکر میکرد. پس او چند سال در
زندان ماند (۴۳)

ع
۱۰

وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ
سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعٌ سُئِلَتْ
خُضْرًا وَأُخْرًا يُبْسِتُ^ط يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ
أَفْتُونِي فِي رُءْيَايَ إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّءْيَا
تَعْبُرُونَ^ل

و پادشاه گفت، برآستی من [در
خواب] هفت گاؤ فربه می بینم که
هفت تا لاغر آنها را میخورند و
هفت خوشه سرسبز می بینم و
دیگر برخی خشک نیز است. ای
سرداران! مرا از تعبیر این خوابم
حالی کنید اگر شما خوابها را
تعبیر میکنید (۴۴)

آنان گفتند، این خوابهای پراکنده

قَالُوا أَصْغَاتُ أَحْلَامٍ^ع وَمَا نَحْنُ

وبی اساس است و ما از تعبیر خواب
های پراکنده و بی اساس دانشی
نداریم (۴۵)

آنگاه آنکس که از آندو رهائی
یافته بود و پس از مدت مدیده
بیادش آمد گفت، من شما را به
تعبیر آن آگاه میسازم. پس مرا
[بسوی یوسف] بفرستید (۴۶)

یوسف ای درستکار! ما را در مورد
هفت گاؤ فربه که آنها را هفت لاغر
میخورند و هفت خوشه سرسبز و
دیگر خشک حالی کن تا من بسوی
مردم برگردم و تا باشد که آنها
[تعبیر آن را] بدانند (۴۷)

او گفت، شما هفت سال متوالی
کشت میکنید. پس آنچه درو کنید
را درخوشه ها بگذارید جز اندک
که آنرا خواهید خورد (۴۸)

سپس از آن بعدشمارا هفت [سال]
بسیار سخت آید که همه آنچه برای
آنها پیش فرستادید را بخورند جز

بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعِلْمَيْنِ ﴿٤٥﴾

وَقَالَ الَّذِي نَجَمْنَهُمَا وَاذْكَرَ بَعْدَ آيَةٍ
أَنَا نَبِيُّكُمْ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ ﴿٤٦﴾

يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ
بَقَرَاتٍ سِيَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعُ عِجَافٍ وَسَبْعِ
سُنْبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَبْيَسُ لَعَلَّيْ
أَرْجِعَ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٤٧﴾

قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَابَّاءَ فَمَا
حَصَدْتُمْ فَذَرَوْهُ فِي سُنْبُلَةٍ إِلَّا قَلِيلًا
مِّمَّا تَأْكُلُونَ ﴿٤٨﴾

ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ
مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا

مُحْصُونَ ﴿۵۹﴾

آن اندک که [برای کشتن آینده]

نگاه خواهید داشت (۴۹)

سپس از آن بعدسالی آید که در آن
مردم خیلی سیراب کرده شوند و

در آن آب میوه بفشردند (۵۰)

وپادشاه گفت، او را نزدم بیارید.

اما چون فرستاده نزد او آمد او

گفت، توبسوی آقای خود برگرد و

از او بپرس که قصه آنزنهاچه بود

که دستهای خودراقطع کرده بودند

یقیناً پروردگارم از خدعه آنها به

خوبی آگاه بود (۵۱)

او [پادشاه پرسید، ای زنان!]

بگوئید کارشماچه بود چون شما

خواستید که یوسف راجهت نفس

او بلغزانید. آنها گفتند: پاك است

خدا. ما را از هیچ بدی برخلاف او

آگهی نیست. زن عزیزگفت: اکنون

چون حق پدید آمده است من

[اقرارمینمایم که] تنها من او را

جهت نفس اولغزانده بودم و البته

مُرِّيَاتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٍ فِيهِ يُغَاثُ
النَّاسُ وَفِيهِ يَعْصُرُونَ ﴿۵۹﴾

وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ ۚ فَلَمَّا جَاءَهُ
الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ إِلَىٰ رَبِّكَ فَسْأَلْهُ مَا
بِالْنِسْوَةِ الَّتِي قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ ۗ إِنَّ
رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ ﴿۵۱﴾

قَالَ مَا خَطْبُكُمْ اذْ رَاوَدْتُنَّ يُوسُفَ
عَنْ نَفْسِهِ ۗ قُلْنَ حَاشَ لِلّٰهِ مَا عَلِمْنَا
عَلَيْهِ مِنْ سُوْءٍ ۗ قَالَتْ اِمْرَاَتُ الْعَزِيْزِ
الَّتِي حَصَّصَ الْحَقُّ اَنَّا رَاوَدْتُهُ عَنْ
نَفْسِهِ وَاِنَّهُ لَمِنَ الصّٰدِقِيْنَ ﴿۵۱﴾

اوبیگمان از صادقان بود (۵۲)
 این است تا او [پادشاه] بداند که
 من او را در غیب خیانتی نکردم
 و یقیناً خدا نیرنگ خیانتکاران را
 به هدف نمیرساند (۵۳)

ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ
 اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ ﴿٥٣﴾

و میرا قرارندهم نفس خودم را
یقیناً نفس ببدی بسیار امر کننده
است جز آنکه راپروردگارم ترحم
کند. یقیناً پروردگار من آمرزنده
بارها رحم کننده است (۵۴)

و پادشاه گفت، او را نزد من
بیارید. من او را برای خودم
برمیگزینم. پس چون او به او
گفتگو کرد گفت، یقیناً تو از امروز
نزدما صاحب رتبه قابل اعتماد
هستی (۵۵)

او گفت، مرا بر دارائی کشور
بگمارید. یقیناً من نیک نگهبان،
دانشمند هستم (۵۶)

و اینگونه یوسف رادر کشور رتبه
دادیم. او در آن مرجا میل داشت
رحل اقامت میافکند. ما رحمت
خویش را به مرکه خواهیم می
رسانیم و پاداش محسنان راضاع
نمیدهم (۵۷)

والبته پاداش آخرت نیکوتر است

وَمَا أَبْرَىٰ نَفْسِي ۚ إِنَّ النَّفْسَ
لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي ۗ
إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٥٤﴾

وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَسْخِطُكَ
لِنَفْسِي ۚ فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ
لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ ﴿٥٥﴾

قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ ۚ إِنِّي
حَفِيظٌ عَلَيْمٌ ﴿٥٦﴾

وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ ۚ
يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ ۗ لَنُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا
مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٧﴾

وَلَا جُرْ إِلَّا خَيْرٌ لِّلَّذِينَ آمَنُوا

وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿٥٧﴾

۷
۴

برای آنانکه ایمان آوردند و تقوی را اختیار کردند (۵۸)

وَجَاءَ إِخْوَةَ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ
فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ ﴿٥٨﴾

و برادران یوسف آمدند پس بر او وارد شدند. آنگاه او آنان را شناخت در حالیکه آنان از او ناشناسان ماندند (۵۹)

وَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَّازِهِمْ قَالَ ائْتُونِي
بِأَخٍ لَّكُمْ مِّنْ أَبِيكُمْ ؕ أَلَا تَرَوْنَ أَنِّي
أَوْفَىٰ بِالْكِيلِ وَأَنَا خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ ﴿٥٩﴾

و چون آنها را با اثاث آنها آماده کردگفت شمارا از پدرتان برادری است او را نزد من بیارید. آیا نه دیدید که من کیل را تمام میدهم و من بهترین میزبانانم (۶۰)

فَإِن لَّمْ تَأْتُونِي بِهِ فَلَا كَيْلَ لَكُمْ عِنْدِي
وَلَا تَقْرَبُونِ ﴿٦٠﴾

پس اگر او را نزد من نیارید آن گاه برای شما نزد من کیلی نیست و نزدیکم نیایید (۶۱)

قَالُوا سَرَّأَوْدَعْنَهُ أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَاعِلُونَ ﴿٦١﴾

آنها گفتند. حتمًا جهت او بپدرش گریز زنیم و البته ما [هرچه خواهیم] انجام دهندگانیم (۶۲)

وَقَالَ لِفَتِيلِهِ اجْعَلُوا بِضَاعَتَهُمْ فِي
رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَا إِذَا انْقَلَبُوا
إِلَىٰ أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٦٢﴾

و خدمتکاران خود را گفت سرمایه آنان [که پرداخته اند] را در بارهای ایشان بنهید تا وقتیکه بسوی خانواده خود بازگردند از این

امر قدردانی کنند تا باشد که آنها
برگردند (۶۳)

پس چون بسوی پدر خود برگشتند
گفتند، ای پدر ما! کیل از ما منع
کرده شد. پس برادر مارا با ما
بفرست تا کیل بدست آریم و
یقیناً مانگهدارندگان اوئیم (۶۴)
او گفت، آیا جهت او شمارا باورکنم
جز آنگونه که قبلاً جهت برادرش
شمارا باور کرده بودم. پس تنها
خدا بهترین نگهدارنده است و
او ترحم کننده بالاترین ترحم
کنندگان است (۶۵)

و چون آنها بار خود را باز
کردند یافتند که سرمایه ایشان
بسویشان پس داده شده است.
گفتند، ای پدر ما! [دیگر] چه می
خواهیم اینست راس المال ماکه
بمابیس داده شده است. ما برای
خانواده خود غله آورده و از برادر
خود نگهداری کرده و کیل به

فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَىٰ آبِيهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مَنَعَ
مِنَّا الْكَيْلُ فَأَرْسِلْ مَعَنَا آخَانَ نَكْتُلْ
وَأِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿١٤﴾

قَالَ هَلْ آمَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا آمَنُكُمْ
عَلَىٰ آخِيهِ مِن قَبْلُ ۗ قَالَ اللَّهُ خَيْرٌ حِفْظًا
وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّحِيمِينَ ﴿١٥﴾

وَلَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ وَجَدُوا بِضَاعَهُمْ
رُدَّتْ إِلَيْهِمْ ۗ قَالُوا يَا أَبَانَا مَا نَبْغِي ۗ
هَذِهِ بِضَاعُ غَتَّنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا وَنَمِيرُ أَهْلَنَا
وَ نَحْفَظُ آخَانَ وَ نَزِدُكَ دَكِيلًا بَعِيرٍ ۗ ذَٰلِكَ
كَيْلٌ لِّسَيْرٍ ﴿١٦﴾

بار شتری اضافه خواهیم آورد.

این کیلی آسان است (۶۶)

او گفت، هرگز من او را با شما نه فرستم تا شما بمن عهدخدائی محکم ندمید که حتماً او را نزد من [باز] میآرید مگر که شما فرا گرفته شوید. پس چون آنها به او عهد محکم خود دادند او گفت، خدا وکیل است بر آنچه ما می گوئیم (۶۷)

وگفت: ای پسران! از يك در وارد نشوید بلکه از درهای متفاوت وارد شوید و نیستیم من که شما را از [تقدیر] خدا هیچ هم بی نیاز سازم. فرمان فقط از آن خدا است بر او توکل میکنم و پس باید همه توکل کنندگان بر او توکل کنند (۶۸)

و چون آنان از آنجا که پدر آنان فرمان کرده بود وارد شدند نبود او که آنانرا از [تقدیر] خدا هیچ بی نیازم ساخت جز اینکه آرزوی

قَالَ لَنْ أُرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّى تُؤْتُونِ
مَوْثِقًا مِّنَ اللَّهِ لَتَأْتِنِي بِهِ إِلَّا أَنْ يُحَاطَ
بِكُمْ ۚ فَلَمَّا آتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ اللَّهُ عَلَى
مَا نَقُولُ وَكَيْلٌ ۝۷

وَقَالَ يَبْنَى لَا تَدْخُلُوا مِن بَابٍ وَاحِدٍ
وَادْخُلُوا مِن أَبْوَابٍ مُّتَفَرِّقَةٍ ۗ وَمَا
أَغْنِي عَنْكُمْ مِّنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ۗ إِنِ
الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ ۗ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ
فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ۝۸

وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُمْ ۗ
مَا كَانَ يُغْنِي عَنْهُمْ مِّنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا
حَاجَةً فِي نَفْسِ يَعْقُوبَ قَضَاهَا ۗ وَإِنَّهُ

ذَوُعِلْمٍ لِّمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ
النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٦٩﴾

ع

دردل یعقوب بود که آنرا برآورد
و یقیناً او صاحب دانش بود چه ما
او را خوب آموخته بودیم اما
بیشتر مردم نمیدانند (۶۹)

وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ أَوَى إِلَيْهِ
أَخَاهُ قَالَ إِنِّي أَنَا خُوكَ فَلَا تَبْتَسِ
بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٧٠﴾

و چون بر یوسف وارد شدند او
برادر خود را نزد خود جای داده
گفت یقیناً من برادرتو ام. پس غم
نخور به آنچه میکرده اند (۷۰)

فَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَّازِهِمْ جَعَلَ
السِّقَايَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ
أَيُّهَا الْحَيُّ إِنَّكُمْ لَأَسْرِ قُونَ ﴿٧١﴾

پس چون آنرا با بارایشان آماده
کرد آبخور را [بی خواست] در رحل
برادر خود نهاد. پس جارچی جارزد
ای کاروانیان! یقیناً شما دزدان
اید (۷۱)

قَالُوا وَقَبِلُوا عَلَيْهِمْ مَاذَا تَفْقَدُونَ ﴿٧٢﴾

آنان بسوی ایشان روی کرده
گفتند. شما چه گم میابید (۷۲)

قَالُوا نَفْقَدُ صَوَاعِ الْمَلِكِ وَلِمَنْ جَاءَ بِهِ
حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ ﴿٧٣﴾

گفتند. پیمانۀ کیل پادشاه را گم
میابیم و هر که آنرا بیآرد او را
[غله] [ببارشتری] داده شود و من به
آن ضامن ام (۷۳) ++

++ آیت ۷۳: نهادن پیمانۀ در رحل قصد نبود و الا اگر این تدبیر از حضرت یوسف
بود خدا نمیگفت که او اینرا برای یوسف تدبیر کرد.

گفتند: سوگند به خدا میدانید که نیآمده ایم تا در زمین فساد کنیم و هرگز ما دزدنیستیم (۷۴)

گفتند: پس عوض آن چیست اگر دروغگو باشید؟ (۷۵)

گفتند: عوض آن او است که در رحلش آن [پیمانه] یافت شود ستم کاران را پاداش اینطور دهم (۷۶)

پس [جارجی] بیش از باربرادش از بارهای آنها [بازرسی] آغازید و آن [پیمانه] را از باربرادش درآورد. اینطور ما برای یوسف تدبیر کردیم. او را غیر ممکن بود که برادر خود را در حکمرانی پادشاه نگهدارد مگر که خدا خواهد. هر که را خواهیم به مراتب بلندتر می‌رسانیم و بالاتر هر کدام اهل علم یک صاحب علم است (۷۷)

گفتند، اگر او سرقتی کرده است پس یک برادرش نیز پیش از این سرقتی کرده بود. آنگاه یوسف

قَالُوا تَاللّٰهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَّا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْاَرْضِ وَمَا كُنَّا سِرِّقِينَ ﴿٧٤﴾

قَالُوا فَمَا جَزَاؤُهُ اِنْ كُنْتُمْ كٰذِبِيْنَ ﴿٧٥﴾

قَالُوا جَزَاؤُهُ مَنْ وُجِدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاؤُهُ ۗ كَذٰلِكَ نَجْزِي الظّٰلِمِيْنَ ﴿٧٦﴾

فَبَدَا يٰٓاُوْعِيْتَهُمْ قَبْلَ وِعَاۤءِ اَخِيۡهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِنْ وِعَاۤءِ اَخِيۡهِ ۗ كَذٰلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ ۗ مَا كَانَ لِيَاۡخُذَ اَخَاهُ فِي دِيۡنِ الْمَلِكِ اِلَّا اَنْ يَّشَآءَ اللّٰهُ ۗ نَرْفَعُ دَرَجٰتٍ مِّنْ نَّشَآءٍ ۗ وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيۡمٌ ﴿٧٧﴾

قَالُوا اِنَّ يَّسْرِقُ فَقَدْ سَرَقَ اَخٌ لَّهُ مِنْ قَبْلُ ۗ فَاَسْرَهَا يُّوسُفُ فِيۡ نَفْسِهٖ وَلَمْ

آنرا در دل خود فروبرد و آنرا بر آنها ابراز نکرده [در دل خود] گفت، شما بدتر اید از روی رتبه و خدا داناتر است به آنچه شما

شرح میدمید (۷۸)

گفتند، ای صاحب اختیار! برایستی پدرش خیلی پیراست. پس بجای او یکی از ما را بگیری. یقیناً ما تو را از محسنان می بینیم (۷۹)

او گفت من از این امر به خدا پناه می برم که یکی را بگیرم بجای آنکه نزدش متاع خود را یافته ایم. آنگاه یقیناً ما از ستمکاران

ایم (۸۰)

پس چون آنها از او نومید شدند برای مشورت یکسوس شدند. بزرگتر آنها گفت که آیا نمیدانید که پدرتان از شما عهدی موثق خدائی گرفته بود و پیش ازینهم درباره یوسف زیاده روی کرده اید پس هرگز این سرزمین را ترك نکنم

يُبِدِّهَا لَهُمْ ۚ قَالَ اَنْتُمْ شَرٌّ مَّكَانًا ۗ وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا تَصِفُوْنَ ﴿٧٨﴾

قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ ۗ إِنَّا نَنْرَيْكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٧٩﴾

قَالَ مَعَاذَ اللّٰهِ اِنْ نَأْخُذُ اِلَّا مَنْ وَّجَدْنَا مَتَاعًا عِنْدَهُ ۗ اِثْنَا اِذَا اَظْلَمُوْنَ ﴿٨٠﴾

فَلَمَّا اسْتَيْسَسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا ۗ قَالَ كَبِيرُهُمْ اَلَمْ تَعْلَمُوْا اَنَّ اَبَاكُمْ قَدْ اَخَذَ عَلَيْكُمْ مَوْثِقًا مِّنَ اللّٰهِ وَمِنْ قَبْلُ مَا فَرَطْتُمْ فِيْ يُوْسُفَ ۚ فَلَنْ اَبْرَحَ الْاَرْضَ حَتّٰى يَأْذَنَ لِىْ اَبِىْ اَوْ يَحْكُمَ اللّٰهُ لىْ ۗ وَهُوَ خَيْرُ الْحٰكِمِيْنَ ﴿٨١﴾

تا پدرم بمن فرمان دهد یا خدا
تکلیفم را روشن سازد و او
بهترین حکم کنندگان است (۸۱)
بسوی پدرتان بازگردید و بگویید
ای پدر ما! پسر تو سرفتی کرده
است و گواهی ندهیم جز آنچه
بما دانشی است و هرگز ما بر
غیب نگهبانان نیستیم (۸۲)

و پسر از [اهل] آن قریه که در
آن بودیم و از آن کاروان که
در آن ما آمده ایم و یقیناً ما راست
گویانیم (۸۳)

او گفت [نخیر] بلکه نفسهایتان
کاری سنگین را برایتان سبک و
معمولی ساخته است. پس صبر زیبا
[باید پیش گرفت] امکان دارد که
خدا ایشان همه را نزد ما بیآرد.
یقیناً او صاحب علم دائمی صاحب
حکمت است (۸۴)

و روی خود را از آنها بر گرداند و گفت
و افسوس بر یوسف و چشمانش

اِرْجِعُوا اِلَيَّ اَبِيكُمْ فَاقُولُوا لِيَا اَبَانَا اِنَّ
ابْنَكَ سَرَقٌ ۚ وَمَا شَهِدْنَا اِلَّا بِمَا عَلَّمَنَا
وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حٰفِظِيْنَ ﴿۸۱﴾

وَسَلِّ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيْهَا وَالْعِيْرَ الَّتِي
اَقْبَلْنَا فِيْهَا ۗ وَاِنَّا لَصٰدِقُوْنَ ﴿۸۲﴾

قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ اَنْفُسُكُمْ اَمْرًا ۗ
فَصَبِّرْ ۗ جَمِيْلٌ ۗ عَسَىٰ اللّٰهُ اَنْ يَّاتِيَنِيْ
بِهِمْ جَمِيْعًا ۗ اِنَّهُ هُوَ الْعَلِيْمُ الْحَكِيْمُ ﴿۸۳﴾

وَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَا اَسْفَىٰ عَلٰى
يُوْسُفَ وَاَبْيَضَّتْ عَيْنُهُ مِنَ الْحَزَنِ

فَهُوَ كَظِيمٌ ﴿۸۵﴾

اشکبار شد و او نهیفته اندوه
بود (۸۵) +

آنان گفتند، سوگندبه خدا پیوسته
از یوسف یاد خواهی کرد تا آن
انتها که [بر اثر اندوه] از پایبستی یا
از هلاک شدگان بشوی (۸۶)

او گفت، من رنج و الم خویش را
تنها بحضور خدا فریادمیزم و از
خدا میدانم آنچه شاندا نید (۸۷)
ای پسرانم! بروید و یوسف و
برادرش را تلاش کنید و از رحمت
خدا و نومید نشوید و همانا از رحمت
نومید نشود جز قوم کافران (۸۸)

پس گاهی که بر او وارد شدند گفتند،
ای صاحب اختیار! ما و خانواده ما

قَالُوا تَاللّٰهِ تَتَّبِعُوا تَذَكَّرُ يُوْسُفَ حَتّٰى
تَكُوْنَ حَرَضًا اَوْ تَكُوْنَ مِنَ الْهٰلِكِيْنَ ﴿۸۶﴾

قَالَ اِنَّمَا اَشْكُوْا بَنِيَّ وَحُرْنِيْ اِلَى اللّٰهِ
وَاعْلَمُ مِنَ اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ ﴿۸۷﴾
يٰۤبَنِيَّ اذْهَبُوْا فَتَحَسَّسُوْا مِنْ يُّوْسُفَ
وَاجْنِهٖ وَلَا تَأْيِسُّوْا مِنْ رُّوْحِ اللّٰهِ ۗ اِنَّهٗ
لَا يٰۤاَيُّسُ مِنْ رُّوْحِ اللّٰهِ اِلَّا الْقَوْمُ
الْكٰفِرُوْنَ ﴿۸۸﴾

فَلَمَّا دَخَلُوْا عَلَيْهِ قَالُوْا يَاۤيُّهَا الْعَزِيْزُ
مَسَّنَا وَاَهْلَنَا الضَّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ

+ آیت ۸۵: چشمان سفید شدن را معنا چشمان گور شدن نیست بلکه اشکبار شدن است.
حضرت امام رازی نوشته اند که ابیضت عیناه کنایه به کثرت گریه است. ضمناً
مینویسد عند غلبه البكاء یكثر الماء فی العین فتصیر العین کأنها ابیضت من بیاض
ذلك الماء [تفسیر کبیر رازی].

واژه کظیم نیز موبداین مفهوم است. زیرا که این از کظم مشتق است و به معنای
احساسات اندوه را تحمل کردن است. بدین علت چشمان حضرت یعقوب اشکبار
شد.

را تنگحالی رسیده و با متاعی
ناقابل آمده ایم. پس مارا کیلی
کامل بدهی و بر ما صدقه کن یقیناً
خدا تصدق کنندگان را پاداش
میدهد (۸۹)

او گفت، آیا میدانید آنچه شما به
یوسف و برادرش کردید چون
شما جاهل بودید (۹۰)

گفتند، آیا واقماً تو یوسف ای؟ او
گفت، من یوسف ام و این برادرم
است یقیناً خدا بر ما منت نهاده
است. البته هر که تقوی اختیار کند
و صبر کند پس یقیناً خدا پاداش
محسنان راضاع نمیدهد (۹۱)

گفتند، سوگند به خدا یقیناً خدا تو
را بر ما فضیلت داده است و بی
گمان ما خطا کاران بودیم (۹۲)
او گفت امروز بر شما هیچ ملامت
نیست خدا شما را بیامرزد و او
بهترین ترحم کنندگان است (۹۳)
بیراهم را ببرید و آنرا روبروی

مَرْجُةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ
عَلَيْنَا ۗ إِنَّ اللَّهَ بِجَزَى الْمُتَصَدِّقِينَ ۝۸۹

قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ
وَآخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ ۝۹۰

قَالُوا أَإِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ ۗ قَالَ أَنَا
يُوسُفُ وَهَذَا أَخِي ۗ قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا ۗ
إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ
أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ۝۹۱

قَالُوا اتَّاللَّهُ لَقَدْ أَشْرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا
لَآخِطِينَ ۝۹۲

قَالَ لَا تَثْرِبَ عَلَيْكُمْ أَيُّومَ ۗ يَعْفِرُ اللَّهُ
لَكُمْ ۗ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّحِيمِينَ ۝۹۳

إِذْ هَبُوا بِيَقْمِصِي هَذَا فَأَلْقَوْهُ عَلَىٰ وَجْهِهِ

أَيُّ يَاتِ بَصِيرًا^ع وَأَتُونِي بِأَهْلِكُمْ
أَجْمَعِينَ^ع

پدرم بنهید که حقیقت بر او آشکار
گردد و همه خانواده خود را نزد
من بیارید (۹۴)

وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي
لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَنْ تَفْتَدُونِ^ع

پس گامیکه کاروان راهی شد
پدر ایشان گفت: یقیناً من بوی
یوسف می یابم خواه مرا دیوانه
بگردانید (۹۵)

قَالُوا تَاللَّهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ^ع ۱۱

گفتند: سوگند به خدا تو مبتلا به

همان اشتباه قدیمی هستی (۹۶)
پس چون مزده دهنده آمد و او
آن پیراهن را روبروی او نهاد
پس حقیقت برای او آشکار شد.
او گفت: آیا من بشما نمی گفتم
که یقیناً من از خدا آنچه میدانم
که شما نمی دانید (۹۷)

فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَى وَجْهِهِ
فَارْتَدَّ بِصِيرًا^ع قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ^ع إِنِّي
أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ^ع ۱۷

گفتند: ای پدر ما! برای ما آمرزش
گاهان ما بطلب یقیناً ما خطاکار
بودیم (۹۸)

قَالُوا يَا بَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا
خَاطِئِينَ^ع ۱۸

او گفت، حتماً برای شما از پروردگار
خود آمرزش میطلبم یقیناً او
آمرزگاری بارها رحم کننده

قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ
هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ^ع ۱۹

است (۹۹)

پس گامیکه بریوسف وارد شدند او والدین خویش رانزد خود جای داد و گفت، اگر خدا خواهد ایمن وارد مصر شوید (۱۰۰)

و والدین خود را با عزت بر تخت نشاند و همه برای او سجده کنان فرو افتادند و او گفت: ای پدر من! این بود تعبیر رویای قبلی من. پروردگارم آنرا راست گرداند و بر من بسی منت نهاد چون از زندان بیرونم آورد و شمارا از صحرا آورد پس از آنکه شیطان بمیان من و برادرانم فساد انداخته بود. یقیناً پروردگار من برای هر که خواهد لطف کننده است. یقیناً او صاحب علم دائمی صاحب حکمت است (۱۰۱)

ای پروردگار من! یقیناً مرا بهره از امور سلطنت دادی و مرا دانش ژرف بینی امور آموختی.

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ أَوَىٰ إِلَيْهِ
أَبَوَيْهِ وَقَالَ ادْخُلُوا مَعِيَ إِن شَاءَ اللَّهُ
أَمِينٌ ۝

وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ
سُجَّدًا ۖ وَقَالَ يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُءْيَايَ
مِن قَبْلُ ۖ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا ۖ وَقَدْ
أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجْتَنِي مِنَ السِّجْنِ
وَجَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدْوِ مِنْ بَعْدِ أَنْ نَزَغَ
الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي ۖ إِنَّ رَبِّي
لَطِيفٌ لِّمَا يَشَاءُ ۖ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ۝

رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ
تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ ۚ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ

وَالْأَرْضُ أَنْتَ وَبِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۗ
تَوَقَّئِنِي مُسْلِمًا وَالْحَقَّيْنِي بِالصَّالِحِينَ ﴿۱۰۲﴾

ای آفریدگار آسمانها و زمین! توئی
دوست من در دنیا و آخرت. مرا
فرمانبردار بمیران و مرا بحلقه
صالحان شامل بدار (۱۰۲)

ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ ۗ وَمَا
كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ
وَهُمْ يَمْكُرُونَ ﴿۱۰۳﴾

این از خبرهای غیب است که ما
آنها بسوی تو وحی کنیم و تو نزد
آنها بودی چون در کار خود به
توفیق هم رسیدند حالیکه دسیسه
میکردند (۱۰۳)

وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ
بِمُؤْمِنِينَ ﴿۱۰۴﴾

و بیشتر مردم هر چند بخواهی
ایمان نخواستند آورد (۱۰۴)

وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۗ إِنْ هُوَ إِلَّا
ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿۱۰۵﴾

و تو از آنها در قبال این [خدمت]
مزدی نمیخواهی. اینکه همه جهانیان
را نصیحت است (۱۰۵)

وَكَأَيِّنْ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ ﴿۱۰۶﴾

و چه بسا آیتهاست در آسمانها و
زمین که بر آنها میگذرند حالیکه
آنها اعراض کنندگانند (۱۰۶)

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ أَلْفِ يَوْمٍ مُشْرِكُونَ ﴿۱۰۷﴾

و بیشتر ایشان برخدا ایمان نمی
آرند مگر در اینحال که شرک
میورزند (۱۰۷)

أَفَأَمِنُوا أَنْ تَأْتِيَهُمْ غَاشِيَةٌ مِنْ عَذَابِ

بس آیا ایمن شده اند که از عذاب

اللّٰهُ اَوْ تَاتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿۱۳﴾

خدا آنها را [رنجی] فراگیرنده
آید یا ناگهان آنها را ساعت
[انقلاب] آید و آنها از آن بیخبر
باشند؟ (۱۰۸)

بگوا نیست راه من. من بسوی خدا
می خوانم. من بر بصیرت هستم و
آنکه از من متابعت کرد هم و
خداپاک است و من از مشرکان
نیستم (۱۰۹)

و پیش از تو نفرستادیم کسی از
ساکنان شهرها را جز مردانی که
بسوی ایشان وحی مینمودیم. آیا
در زمین سیر نکرده اند تا ببینند
که فرجام آنها که از پیش ایشان
بودند چگونه بود و البته خانه
آخرت برای ایشان بهتر است که
تقوی بیش گیرند. پس آیا عقل
نمیکنید؟ (۱۱۰)

تا آن نهایت که چون رسولانشان
[از آنها] نومید شدند و [مردم]
گمان کردند که آنها دروغ گفته

قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ
بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي ۖ وَسُبْحَانَ اللَّهِ
وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿۱۴﴾

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجَالًا نُوحِيَ
إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ ۖ أَفَلَمْ يَسِيرُوا
فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۖ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ
لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا ۖ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿۱۴﴾

حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ
قَدْ كَذَّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا ۖ فَنُجِّيَ مَنْ

شدند نصرت ما در رسید. پس نجات داده شد هر که را خواستیم و عذاب ما از قوم مجرمان باز داشته نمیشود (۱۱۱) ++

البته در بیان وقایع تاریخی آنها اهل خرد را عبرتی بزرگ است و این يك قصه بر بافته نیست بلکه تصدیق میکند آنرا که پیش روی آنست و هر چیز را تفصیل میدهد و هدایت و رحمت است قومی را که ایمان میآرند (۱۱۲)

++ آیت ۱۱۱: كَذَّبُوا را معنای است که به آنان دروغ گفته شد و اینجا بدین معنی است که آنان پنداشتند که پیغمبران به آنان دروغ گفته اند حتی چون کمک خدا به پیغمبران رسید آن مردم فهمیدند که هر چه پیغمبران گفته بودند آن درست بود.

نَشَاءُ^ط وَلَا يُرَدُّ بَأْسَنَا عَنِ الْقَوْمِ
الْمُجْرِمِينَ^{۱۱۱}

لَقَدْ كَانَ فِي قَصصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي
الْأَلْبَابِ^ط مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى وَلَكِنْ
تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ
شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ^{۱۱۱} ع

۱۳ - الرعد

این سوره در مکه نازل شد و با بسم الله ۴۴ آیت دارد.

سراغاز این سوره بعلاوه "آلم" حرف "ر" است و "آلمر" را معنا است

"أَنَا اللَّهُ أَعْلَمُ" یعنی منم خدا داناتر از همه و من می بینم.

در این سوره پرده از چنین رازهای کاینات برداشته شده است که قبلاً

آنحضرت ﷺ را بر آنها هیچ علم نبود. در این سوره به این امر نیز کنایه

است که آن اخبار که پیش از این بر تو بیان شد آنها نیز از سوی خدای

عالم الغیب است و شور دل را در آنها جای نیست.

سخن اساسی که از رازهای کاینات در اینجا ارائه داده شد آن حقیقت

از قوه جاذبه یعنی Gravity است. فرمود که زمین و آسمان تصادفاً از خود بر

مدار خود استوار نیست بلکه بمیان تمامی اجرام فلکی يك نیرو مخفی کار

میکند که شما آنرا به چشمان نمیتوانید ببینید. ناشی از این نیرو تمامی

اجرام فلکی بر مدار خود بطوری قرار دارند که گویی بر ستونها استوار

اند. زبردستان علم فلکیات نیز قوه جاذبه را همین معنامیکنند. برای تفصیل

دادن این موضوع اینجا محل صحبت نیست.

موضوعی دیگر که در متن این سوره است عبارت از این است که چه

گونه ای خدای متعال ناشی از آب شفاف هر چیزی از زمین را زندگی داده

است. آب دریائی آنقدر شور است که از آن جانوران زمینی و نباتات بجای

حاصل کردن زندگی به کام مرگ کشیده میشوند. در ضمن این سوره حاکی

از نظام و فرایندی است که طبق آن آب دریائی چطور تصفیه کرده بر بلندی

های کوهها برده میشود و از آنجا باریده چطور طی بازگشتش بسوی دریا. زندگی را به هر سو پخش میکند. این نظام به برق آسمانی بستگی عمیقی دارد. این برق بعلت تبخیرشدن آب دریاها صورت حاصل میکند. آب نیز بدون غرش این برق نمیتواند بصورت قطره ها بر زمین ببارد. این غرشهای برق به گاه ها چنین هولناک است که درمورد بعضیها بجای زندگی بخشیدن موجب هلاک آنها میگردد. نظر به این فرموده شد که فرشتگان هنگام غرش برقها بحضور خداوند به لرزه میفتند. خداوند پیش از این فرمود که برای محافظت هرانسان پیشرویش و پشت سرش چنین نگهبانان مامور اند که وی را فقط فراخور تقدیر خدا و فرمان او، نگهداری میکنند. این يك موضوع علمی و بسیار دقیق است که اینجا گنجایش برای شرح آنرا نه دارد. ولی هرکدام که توفیق یابد میتواند در دریای معناهای آن غوطه ور شده دانه های حکمت را درآورد.

ضمناً این سوره عبارت از این موضوع نیز است که ما هرچیز را جفت جفت خلق کرده ایم. اعراب تا این حد میدانستند که خرما را جفت جفت است اما نسبت به دیگر اشجار و ثمرات ایشان را هرگز دانش نبود که آنها را نیز جفت جفت است. پس این موضوع جدیدی نقل میشود. دانشمندان امروزه این موضوع را به آن ژرفای پی برده اند که طبق بیان ایشان نه فقط زنده نباتات را جفت جفت است بلکه مالیکیولز و آتمز را نیز جفت جفت یافت میشود. درمقابل ماده Matter ضد ماده Anti-matter رانیز جفتی است. گویی که اگر کاینات بتمام آن جمع کرده شود پس مثبت ماده اش با منفی ماده اش آمیخته معدوم شود و فلسفه از نیستی به هستی آمدن نیز با کمک

آن معناها که در این آیتها پنهان است حل میشود.

مضافاً برای اتمام حجت بر دشمنان آنحضرت ﷺ دلیلی زبردست داده میشود. این دلیل دال بر اینست که چطور این پیغمبر عظیم الشان ﷺ و یاران ایشان میتوانند مغلوب شوند در صورتی که سرزمین ایشان پهن تر و سرزمین دشمنان تنگتر میشود. سپس آنحضرت ﷺ دلجوئی کرده میشوند که خواه شما فتح عظیم الشان اسلام را بچشمان خود ببینید یا نبینید منتها دین شما را در اکناف عالم پیروزند خواهیم ساخت.

☆ سُوْرَةُ الرَّعْدِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ اَرْبَعٌ وَ اَرْبَعُوْنَ اَيَّةٌ وَ سِتَّةٌ رُكُوْعَاتٍ

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]
 بسیار بخشنده بارها را حکمکننده (۱)
 اَنَا اللهُ اَعْلَمُ وَ اَرَى - منم خدا
 داناتر از همه و میبینم. این آیت
 ها از کتاب کامل است و آنچه از
 پروردگارتو بسوی تو نازل کرده
 آمد حق است اما بیشتر مردم
 ایمان نمیآرند (۲)

خدا است آنکه آسمانها را بر
 افراشت بدون ستونهای که آنها
 را بتوانید ببینید. سپس بر عرش
 قرار گرفت و خورشید و ماه را
 بر خدمت گماشت. هر کدام تا مدت
 معین حرکت میکنند. او هر امر را
 با تدبیر انجام میدهد. او آیتها را
 بوضوح بیان میکند تا باشد که
 شما ملاقات پروردگار خود را
 باور کنید (۳)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①
 الْمَرْءُ تِلْكَ اٰیَةُ الْكِتٰبِ ۙ وَالَّذِیْ
 اُنزِلَ اِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ وَلٰكِنْ اَكْثَرُ
 النَّاسِ لَا یُؤْمِنُوْنَ ②

اللّٰهُ الَّذِیْ رَفَعَ السَّمٰوٰتِ بِغَیْرِ عَمَدٍ
 تَرَوْنَهَا ۙ اَسْتَوٰی عَلَی الْعَرْشِ وَسَخَّرَ
 الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۙ كُلٌّ یَّجْرِیْ لِاَجَلٍ
 مُّسَمًّی ۙ یُدْرِیُّ الْاَمْرَ یَفْصِلُ الْاٰیٰتِ
 لَعَلَّكُمْ بِلِقَآءِ رَبِّكُمْ تُوْقِنُوْنَ ③

و اوست آنکه زمین را گسترانید
و در آن کوهها و نهرهای نهاد و
در آن از هر نوع میوه ما جفت
جفت قرارداد. او روز را با شب
میپوشاند. یقیناً در آن آیتهاست

برای قومی که تفکر کنند (٤)

و در زمین قطعه هایی مجاور و
باغهایی انگور و کشتزار و درخت
های خرما هم. از یک اصل چند
رسته و از یک اصل یک رسته [که
همه] از یک آب سیراب کرده شود
و ما در طعم برخی را بر برخی
برتری دادیم یقیناً در این آیتها

است قومی را که عقل کنند (٥)

و اگر تو تعجب کنی آنگاه این
قول ایشان عجبتراست که آیا
چون خاک شویم حتماً ما در
آفرینشی جدید آیم؟ همانند که
به پروردگار خود انکار کردند و
همانند که در گردن های آنها
طوقها باشد و همانها اهل آتش اند.

وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا
رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الشَّجَرِ جَعَلَ
فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشَى اللَّيْلُ النَّهَارُ
إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ④

وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُّتَّجِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ
مِّنْ أَعْنَابٍ وَزُرُوحٌ وَأَنْخِيلٌ صَوَّانٌ
وَعَايِرٌ صَوَّانٌ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ
وَنُفُصٌّ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ
إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ⑤

وَإِنْ تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ إِذَا كُنَّا
تُرَابًا إِنْ أَلْفَيْ حَلْقٍ جَدِيدٍ أُولَئِكَ
الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ
الْأَعْمَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ
النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ⑥

آنها در آن مدت دراز بمانند (۶)

و بدی را از توبه شتاب میخوانند
بیش از خوبی در حالیکه قبل از
آنان مثلهای [عبرت ناک] گذشته
است و یقیناً پروردگار تو برای
مردم با وجود استمکاری آنها بسیار
آمرزنده است و یقیناً پروردگار
تو سخت عقوبت است (۷)

و آنانکه کفر کردند گویند، چرا نه
شد که براو از پروردگارش يك
نشانه هم نازل کرده میشد. نیست
مگر تویك بیم دهنده هستی، و هر

کدام قوم را يك رهنا است (۸)
خدا میداند آنچه [حمل] هر ماده
بردارد و آنچه رحم کم کند و
آنچه میفزاید و هر چیز نزد او
به اندازه ای است (۹)

او دانای نمان و عیان است
بسیار بزرگ متعال است (۱۰)
یکسانست از شما آنکه گفتار را
پنهان کرد و آنکه آنرا آشکار کرد

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالسَّيِّئِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ
وَقَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِهِمُ الْمَثَلُ^ط وَإِنَّ
رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِّلنَّاسِ عَلَى ظُلْمِهِمْ^ع
وَإِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ الْعِقَابِ^و

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَالْوَالَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ
آيَةً مِنْ رَبِّهِ^ط إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ
قَوْمٍ هَادٍ^ع

اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيصُ
الْأَرْحَامُ وَمَا تَرْدَادُ^ط وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ
بِمِقْدَارٍ^و

عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ^و
سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَن أَسْرَأَ الْقَوْلَ وَمَن جَهَرَ
بِهِ وَمَن هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ

بِالنَّهَارِ ⑩

و آنکه در شب پنهان شونده و در روز [علنی] رونده است (۱۱)

فرشتگان شب و روز از پیش روی او و از پشت سر او از فرمان خدا او را پاسداری میکنند حتماً خدا تغییرنمیدهد حالت قومی را تا آن نهایت که تغییر ندهند آنچه در نفسهای آنانست. پس چون خدا اراده کند به قومی بد فرجام را پس برایش برگشت نیست و برای آنها گذشته از او هیچ کار سازی نیست (۱۲) ++

اوست آنکه شمارا بایم و امید برق [آسانی] نشاندهد و ابرهای وزین را بالا میبرد (۱۳)

و تسبیح گوید بانگ ابر به ستایش او و فرشتگان نیز از ترس او و اوبرقهای غریبه را می

لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ ۗ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءَ آفَآءٍ أَلَمْ يَرَ ذَلِكَ؟ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَّالٍ ⑪

هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنشِئُ السَّحَابَ الثِّقَالَ ⑫

وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ ۗ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَهُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ ۗ

آیت ۱۲: من امر الله بظاهر از روی محاوره عربی باید بامر الله باشد یعنی با امر خدا. اما این اسلوب خاص دارای دو معنی است که از امر خدا برای نگهداشتن از تقدیر خدا، امر خدا ظاهر میشود.

وَهُوَ شَدِيدُ الْحَالِ ﴿۱۱﴾

فرستد. پس بوسیله آنها هر که را خواهد سختی میرساند درحالیکه آنها جهت خدا جدال کنند و او سخت عقوبت است (۱۴)

ودعای راستین از او کرده میشود و آنان را که گذشته از خدا می خوانند برایشان هیچم استجابت نکنند جز اینکه آنها مانند کسی اند که دو دست خود را بسوی آب دراز کند تا آن بدهنش برسد حالی که آن به او رسنده نیست و دعای کافران نیست جز در گمراهی سرگردانی (۱۵)

و خدا را سجده کند هر چه در آسمانهاست و زمین کام و ناکام وهم سایه هایشان بامگاه وشام گاه [بسجده افتاده است] (۱۶)

بپرس کیست پروردگار آسمانها و زمین؟ بگو خداست. بگو پس آیا جز او معبودان را فرا گرفته اید که برای خودشان هم سود و زیان

لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ شَيْءٌ إِلَّا كَبَاسِطٍ كَفَيْهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِمْ وَمَا دَعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ﴿۱۱﴾

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلْمُهُم بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ﴿۱۱﴾

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلِ

را اختیار ندارند؟ بپرس آیا کور
و بینا یکسانند یا آیا ظلمت‌ها و روشنی
یکسان است یا شریکان خدای که
قرار داده اند آنها مانند آفرینش
او آفریده اند تا این آفرینش
برایشان مبهم شده است؟ بگو خدا
آفریدگار هر چیزی است و او یکتا
صاحب جبروت است (۱۷)

او آب را از آسمان نازل کرد که
وادیها باندازه خود جاری شد. پس
سیل کف بالایی را برداشت و
چیزی که بر آن افروزند آتش را
بخواست زیورها یا کالاهای مانند
آن. از آن نیز کفی مانند اینست.
اینگونه خدا حق و باطل را مثال
میزند. پس آنچه کف است آنگاه
دور میشود و اما آنچه مردم را
سود رساند پس در زمین مکت
میکند. بدینسان خدا مثلها را
بیان میکند (۱۸)

برای آنانکه به دعوت خدا

هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ ۗ أَمْ هَلْ
تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ ۗ أَمْ جَعَلُوا
لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهُ
الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ ۗ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ
وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿۱۷﴾

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ
بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا ۗ وَمِمَّا
يُوقَدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ
مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهٗ ۗ كَذٰلِكَ يُضْرِبُ اللّٰهُ
الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ ۗ فَاَمَّا الزَّبَدُ فَيَذٰهَبُ
جُفَاءً ۗ وَاَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي
الْاَرْضِ ۗ كَذٰلِكَ يُضْرِبُ اللّٰهُ
الْاَمْثَالَ ﴿۱۸﴾

لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ الْحُسْنَىٰ ۗ

وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي
الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ
أُولَئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَاهُمْ
جَهَنَّمُ ۖ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ۝

ع ۱۳

لیک گویند خوبی است. و آنانکه
به دعوت او لیک نگویند اگرچه
آنچه در زمین است سراسر و
برابر آن بعلاوه آن، از آن آنها باشد،
حتماً آنرا فدا داده خویشان را
نجات دهند. همانند که برای آنها
حساب است بسیار بد و جایگاه
آنها جهنم است و چه زشت جای
گاه است (۱۹)

أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ
الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَى ۖ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو
الْأَلْبَابِ ۝

پس آیا آنکه میداند که آنچه بر
تواز پروردگارتونازل کرده شد
حق است مانند آنکس است که او
کور است؟ یقیناً بند تنها اهل
خرد میپذیرند (۲۰)

الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ
الْمِيثَاقَ ۝

کسانیکه به عهدخداى وفا کنند و
عهد موثق را نقض نکنند (۲۱)

وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ
يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ
سُوءَ الْحِسَابِ ۝

و کسانیکه پیوند کنند آنچه را
خدا به پیوند آن فرمان کرده
است و از پروردگار خود هراس
دارند و از حساب بد ترسناک
اند (۲۲)

و کسانی که به طلب خوشنودی
 پروردگار خود صبر کردند و نماز را
 بیای داشتند و انفاق کردند از
 آنچه ما بدیشان در دادیم مخفی و
 علنی و بانیکیها بدیهارا دور کنند
 همانند که خانه آخرت برای
 ایشان است (۲۳)

بهشتهای جاودان که بداخل آنها
 شوند ایشان و آنکه از پدرانشان
 و مسرانشان و نژادشان اصلاح
 کرد و فرشتگان از هر در بر
 ایشان وارد خواهند شد (۲۴)

سلام باد بر شما بیاداش آنچه
 شکیائی نشان دادید. پس چه
 تشنگ است خانه آخرت (۲۵)

و آنانکه عهدخداى را پس از توثیق
 آن بشکنند و ببرند آنچه را که خدا
 به پیوند آن فرمان کرده است و
 در زمین فساد کنند همانند که
 بر آنها لعنت است و برای آنها
 بسیار زشت خانه است (۲۶)

وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ
 وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ
 سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرءُونَ بِالْحَسَنَةِ
 السَّيِّئَةِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ ﴿۱۳﴾

جَنَّتْ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ
 آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ
 وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ ﴿۱۴﴾

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ
 عُقْبَى الدَّارِ ﴿۱۵﴾

وَالَّذِينَ يَتَّقُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ
 مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ
 يُؤْصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ
 لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ﴿۱۶﴾

اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ ۗ^ط
وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ
الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ ﴿٢٧﴾

ع ۴

خدا برای هر که خواهد رزق را فراخ گرداند و تنگ گرداند و آنان بر زندگی دنیا دلخوش شده اند و زندگی دنیا در آخرت [بخاطر] نباشد جز مایه عیش (۲۷)

و کسانی که کفر کردند گویند، چرا بر او از پروردگارش يك نشانه هم نازل نشد. بگو، همانا خدا هر که را خواهد گمراه میگرداند و هدایت میکند او را بسوی خود که فروتنی کند (۲۸)

آنانکه ایمان آوردند و دلهای ایشان از یاد خدا آرامش یابد باش! دلهای از یاد خدا آرامش مییابد (۲۹)
آنانکه ایمان آوردند و نیکوکاری کردند مقامگاه تمیز است برای ایشان و بسیار قشنگ بازگشت گاهی است (۳۰)

اینطور ما تورا در قومی فرستادیم که پیش از آنها بسا امتها در گذشته بودند تا تو آنها را بر آنها فروخوانی

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ ۗ قُلْ إِنْ اللَّهُ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أُنَابَ ﴿٢٨﴾

الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ ۗ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ﴿٢٩﴾

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحَسَنُ مَا أَجْرٌ ﴿٣٠﴾

كَذَلِكَ أَرْسَلْنَا فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ لِيَتْلُوا عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَهُمْ يَكْفُرُونَ

بِالرَّحْمَنِ ۖ قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۚ
عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ ﴿۳۱﴾

که ما به سوی تو وحی کرده ایم
حالیکه آنها از رحمان انکارکنند.
بگو، او پروردگار من است. هیچ
معبودی نیست مگر او، براو توکل
میکنم و بسوی او روی فروتن می
آورم (۳۱)

و اگر قرآن میبود که کوهها بوسیله
آن حرکت داده میشدند یا زمین
بوسیله آن از هم شکافته میشد یا
مردگان بوسیله آن بتکلم آورده
میشدند [بازهم دودلی داشتند]
بلکه فیصل تما ترازان خدا است.
پس آیاسانیکه ایمان آورده اند
ازین امر باخبر نشدند که اگر خدا
میخواست همه مردم را یکجا
هدایت میداد؟ و آنانکه کفر کردند
آنها را پیوسته آفت کوبی میرسد
بعلت کرده هایشان یا آن [آفت]
نزدیک خانه های آنها نازل آید تا
آنگاه که وعده خدا برسد. یقیناً خدا
خلف وعده نکند (۳۲) ++ ص: ۵۷

وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ
قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كَلِمَ بِهِ الْمَوْتُ ۖ
بَلْ لِلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا ۖ أَفَلَمْ يَأْتِ
الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهَدَى
النَّاسَ جَمِيعًا ۖ وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا
تُصِيبُهُمْ بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ
قَرِيبًا مِّنْ دَارِهِمْ حَتَّىٰ يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ ۖ
إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿۳۲﴾

ع

و یقیناً رسولان پیش از تو هم
 بباد سخریه گرفته شدند. پس من
 آنانکه کفر کردند را مهلت دادم
 سپس آنها را بگرفتیم. پس عقوبت
 من چطور [عبرتتاک] بود (۳۳)

پس آیا آنکه نگهبانست بر هر کس
 به آنچه او کسب کرد [محاسب
 الحق نیست؟] و شریکان خدا قرار
 داده اند. بگونه‌ماشان برخوانید
 یا اورا خبر دهید به آنچه اودر زمین
 نمیدانند یا این فقط از سخنان ریاء
 است؟ واقعیت اینست آنانکه کفر
 کردند را نیرنگشان زیبا نشان
 داده شدو آنها از [هدایت] بازداشته
 شوند و آنرا که خدا گمراه سازد
 پس او را کسی هدایت دهنده
 نیست (۳۴)

وَلَقَدْ اسْتَهْزَيْتُمْ بِرُسُلِي مِّنْ قَبْلِكَ
 فَأَمَلَيْتُمُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتَهُمْ^{۳۳}
 فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ^{۳۳}

أَفَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِمَا
 كَسَبَتْ^{۳۳} وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ^{۳۳} قُل
 سَمُّوهُمْ^{۳۳} أَمْ تُنَبِّئُونَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي
 الْأَرْضِ^{۳۳} أَمْ يَبْظَاهِرُونَ مِنَ الْقَوْلِ^{۳۳} بَلْ زُيِّنَ
 لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرُهُمْ وَصُدُّوا عَنِ
 السَّبِيلِ^{۳۳} وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ
 هَادٍ^{۳۳}

آیت ۳۲: نیست تلاوت قرآن که کوهها از آن حرکت کنند و نه زمین میشکافت مگر
 اینهمه فقط بفرمان خدا ممکن است. این سخن کنایه ای است به این امر نیزکه
 ناشی از گفته ای حضرت مسیح نه کوهها حرکت کردند و نه زمین میشکافت و نه
 مردگان زنده میشدند جز اینکه امر خدا کارفرما بود.

آنانرا درزندگی دنیا عذاب است و عذاب آخرت سختتر است و کسی آنها را از خدا نجات دهنده نیست (۳۵)

مثل است آن بهشتی را که به متقیان وعده داده شد که در دامنه آن نهرهای روانست. خوردنیهای آن برقرار است و هم سایه آن. این عاقبت است آنانرا که تقوی اختیار کردند و عاقبت کافران آتش است (۳۶)

وآنانکه بدیشان کتاب دادیم خرسند شوند به آنچه بسوی تو فرو فرستاده شود و بعضی از احزاب اند که بیعضی [بخشهای] آن انکار میکنند. بگو: من فقط [این] فرمان شده ام که خدا را عبادت کنم و با او شریک قرار ندم. من به سوی او دعوت میکنم و برگشت من بسوی او است (۳۷)

و بدینسان ما آنرا حکمی فصیح

لَهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَعَذَابٌ
الْآخِرَةُ أَشَقُّ ۚ وَمَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ
وَاقٍ ۝

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ ۗ تَجْرِي
مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۗ أُكْلُهَا دَائِمٌ
وَوَظْلُهَا ۗ تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا ۗ
وَعُقْبَى الْكَافِرِينَ النَّارُ ۝

وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَفْرَحُونَ بِمَا
أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمِنَ الْأَحْزَابِ مَنْ يُنْكِرُ
بَعْضَهُ ۗ قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ
وَلَا أُشْرِكُ بِهِ ۗ إِلَيْهِ أَدْعُوا وَإِلَيْهِ
مَأبٍ ۝

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا ۗ وَلَئِنْ

و بلیغ نازل کردیم و اگر پس از آنکه دانشی به تو آمد از پی هوای نفسانی آنها رفتی کسی بغیر از خدا تو را دوست و نجات دهنده نیست (۳۸)

و یقیناً ما رسولانی پیش از تو فرستادیم و برای ایشان همسران و فرزندان قرار دادیم و نیست ممکن رسولی را که آیتی بدون اذن خدا بیآرد و هر یک زمان معین را نوشته ای است (۳۹)

خدا هر چه را می خواهد محو میسازد و ثابت میدارد و منبع همه نوشته ها نزد او است (۴۰)

و اگر بعضی از آن وعده های انذاری را که به آنها میدهم به تو نشان دهم یا تو را وفات دهم پس [در هر صورت] بر تو فقط ابلاغ کردن و حساب کردن بر ما است (۴۱)

آیا نه نگریستند که ما زمین را از کناره های آن می کامیم و خدا

اتَّبَعَتْ اَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ ۗ مَا لَكَ مِنَ اللّٰهِ مِنْ وَّلِيٍّ وَّ لَا وَاقٍ ۙ ﴿٣٨﴾

وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ اَزْوَاجًا وَّ ذُرِّيَّةً ۗ وَ مَا كَانَ لِرَسُولٍ اَنْ يَّاتِيَ بِآيَةٍ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ ۗ لِكُلِّ اَجَلٍ كِتَابٌ ﴿٣٩﴾

يَمْحُو اللّٰهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ ۗ وَ عِنْدَهُ اُمُّ الْكِتَابِ ﴿٤٠﴾

وَ اِنْ مَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ اَوْ نَتَوَقَّيَنَّكَ فَاِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَ عَلَيْنَا الْحِسَابُ ﴿٤١﴾

اَوْ لَمْ يَرَوْا اَنَّا نَاتِي الْاَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ اَطْرَافِهَا ۗ وَ اللّٰهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقَّبَ

لِحُكْمِهِ ۖ وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿۴۷﴾

فیصل میکند و فرمان او را کسی
بازدارنده نیست و او زود حساب
است (۴۲)

وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ
الْمَكْرُ جَمِيعًا ۖ يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ
نَفْسٍ ۖ وَسَيَعْلَمُ الْكُفْرُ لِمَنْ عُقِبِيَ
الدَّارِ ﴿۴۸﴾

و یقیناً کسانی که قبل از آنان بودند
نیز نیرنگ کرده بودند حالانکه
نیرنگ کلیه بدست خدا است. او
میداند آنچه هر جان کسب کند و
منکران حتماً بدانند که فرجام
[نیکو تر] خانه برای کیست (۴۳)

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا ۖ
قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ ۗ
وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ ﴿۴۹﴾

و گویند کسانی که کفر کردند که
تو فرستاده ای نیستی. بگو، میان
من و میان شما گواه بس است
خدا و آنکس که نزد او علم
کتاب است (۴۴)

۱۴ - سورة ابراهيم

این سوره مکی است و بابسم الله ۵۳ آیت دارد. این سوره نیز با همان حروف مقطعات از سوره الرعد "الر" شروع میشود و همان شرح شامل شرح این سوره نیز میشود.

پایان سوره قبلی عبارت از این آیه است، "وگویند کسانی که کفر کردند که تو رسول نیستی. بگو، خدا میان من و شما گواه بس است و هم آنکه علم کتاب همراه دارد."

پس آغاز این سوره نیز با ذکر کتاب میشود و نزول کتاب را این حکمت بیان میشود که این بر تو برای این نازل کرده میشود که مردم از تاریکیها به نور درآورده شوند. در ضمن ذکر است که حضرت موسی علیه السلام نیز کتاب بهمین منظور داده شدند. سپس تذکر از آن هشدار از حضرت موسی است که ایشان قوم خویش را دادند که شما و آنها که در زمین زندگی می کنند همگانه انکار کنید پس خدا از انکار شما بی نیاز است و اگر شما او را ستایش نکنید او در ذات خود صاحب ستایش است.

پس از آن سخن از سایر پیغمبران و علت مخالفت از قومهای ایشان گفته میشود. انکار آنان بدانعلت بود که آنها پیغمبران را انسانی مانند خویش میپنداشتند که وحی پاک از خدا نمیتواند بر ایشان نازل شود.

در این سوره يك سخن جدید اینست که مبحث عقیده قتل مرتد برداشته میشود. حقیقت امر اینست که عقیده قتل مرتد عقیده اجتماعی از منکران پیغمبران بود. پس آنها هر کدام پیغمبر را مرتد انگاشته هشدار میدادند که

می بایستی او به دین ایشان برگردد و الا آنها بپاداش ارتدادش او را تبعیدخواهند کرد. لذا خداوند به رسولان خود وحی فرستاد آنانکه خواهان ملاکت شما اند خودشان ملاک کرده خواهند شد، تا آن انتها که آن مال و منال که خویشان را به مالکیت آن گماشته اند شما وارث آنها میگردید.

در این سوره شرح فوق العاده ای از حرف "کلمة" داده میشود و معنای واژه "شجرة" نیز بروشنی بیان شده است. مثل شجره طیبه بمثل انسانهای پاک یعنی پیغمبران میباشد که ظاهراً اصل ایشان به زمین پیوست است ولی ایشان غذاروحانی خود از آسمان میگیرند و ایشان را این غذا بی آنکه فصل بهار است یا پاییز در هر حال اعطاء میشود. عیناً خلاف این، شجره خبیثه حاکی از آن کسانست که به مخالفت پیغمبران میپردازند و مثل آنها بمثل آن درختان است که اصل آنها به ژرف زمین نه پیوسته و تندی بادها آنها را برکنده جابجا میپراکند. پس منتها مخالفان انبیاء که به دنبال تندی آرزوی نفس خویش موضع نیرنگ خود را گاه بگاه تغییر حال داده به مخالفت انبیاء برخیزند نیز به حالت نابودی کشیده شوند.

ضمناً آن دعا از حضرت ابراهیم علیه السلام است که به خانه کعبه بستگی دارد. در این التجا کرده شد که به بومیان مجاورخانه کعبه از دورا دور انواع میوه ما ارزانی داشته شود و بعداً همینطور بظهور آمد. ایشان هم میوه های جسمانی ارزانی داشته شدند و هم میوه های روحانی و اجمالاً ذکر از این درسوره قریش نیز رفته است. بزرگترین میوه های روحانی در وجود مبارک آنحضرت ﷺ ظاهر شد. ایشان بصورت آن شجره طیبه بظهور آمدند که نوع بشر را از میوه های آسمانی بفرآوانی بهره مند ساخت.

در پایان این سوره فرموده شد که کفار خلاف اسلام یا رسولان هر چه نیرنگ زنند و حتی کوه ها نیز از نیرنگ آنها بحرکت آیند بازهم نیستند که رسولان خدا را ناکام سازند.

اینجا مثل زدن از کوه ها دال بر اینست که آنحضرت ﷺ نیز در صورت رسولی متشابه کوهی سرافراشته تر از جمله رسولانی کوه مانند میباشند. پس پایان این سوره عبارت از این کلمات است که زمین و آسمان منکران رسول الله ﷺ دگرگون کرده شوند و ببدل آنها زمین و آسمان جدیدی بنا شود که در نتیجه آن آنها گروه گروه بحضور خدای متعال صاحب غلبه کامل بیرون خواهند آمد.

☆ سُوْرَةُ اِبْرَاهِيْمَ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ ثَلَاثٌ وَخَمْسُوْنَ اَيَّةٌ وَ سَبْعَةٌ رُكُوْعَاتٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

الرَّكْعَةُ كِتَابٌ اَنْزَلْنَاهُ اِلَيْكَ لِتُخْرِجَ
النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّوْرِ ۙ يٰۤاٰذِنِ
رَبِّهِمْ اِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيْزِ الْحَمِيْدِ ②

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]
بسیاربخشنده بارهارحم کننده (۱)
[أناالله أرى آمنم خدا - من
میبینم. این کتابی است که آن را
بسوی توفروفرستاده ایم تامردم
را به اذن پروردگار ایشان از
تاریکیها بسوی نوربیرون آورده
برآن راه بیندازی که راه صاحب
غلبه کامل و صاحب ستایش
است (۲)

یعنی [راه] آن خدا که مرچه در
آسمانها و مرچه در زمین است از
آن اوست و کافران را از عذابی
شدید هلاک است (۳)

[یعنی] کسانی را که زندگی دنیا
را در مقابل آخرت زیاد دوست
دارند و از راه خدا بازمیدارند
و آنرا کج میخوانند آنها در

اللّٰهُ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي
الْاَرْضِ ۗ وَوَيْلٌ لِّلْكَافِرِيْنَ مِنْ عَذَابٍ
شَدِيْدٍ ③

الَّذِيْنَ يَسْتَحْبِبُوْنَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا عَلٰى
الْاٰخِرَةِ وَيَصُدُّوْنَ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ
وَيَبْغُوْنَهَا عَوْجًا ۗ اُولٰٓئِكَ فِيْ ضَلٰلٍ

بَعِيدٍ ①

گمراهی دور اند (۴) .

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِبَلْسَانَ قَوْمِهِ
لِيُبَيِّنَ لَهُمْ ۖ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ
وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ ۖ وَهُوَ الْعَزِيزُ
الْحَكِيمُ ⑤

و هیچ پیغمبری را نفرستادیم مگر
در زبان قوم وی تا برای ایشان
روشن بیان کند. پس خدا هر که
را خواهد گمراه میسازد و هر که
را خواهد هدایت میدهد و او
صاحب غلبه کامل صاحب حکمت
است (۵)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ
قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۗ
وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ
لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ①

و یقیناً ما موسی را با آیتهای
خود فرستادیم که قوم خود را از
تاریکیها بروشنی بیرون بیارو آنها
را به روزهای خدا تذکر بدهد. یقیناً
در آن برای همه صبورانی سیاس
گذاران بسیار آیتهاست (۶)

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ
اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَخْرَجَكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ
يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيَدَّبِحُونَ
أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ ۗ وَفِي
ذِكْرِكُمْ بَلَاءٌ مِّنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ ⑤

و [بیاد آرید] هنگامیکه موسی ب قوم
خود گفت که یاد کنید نعمت خدا
را بر خودتان چون او شما را از
فرعونیان نجات داد. آنها بشما
بدترین عذاب میدادند و پسران
شما را میکشتند و زنان شما را از
میداشتند و در آن شما را از

لج

پروردگار خود آزمایشی بزرگ
بود (۷)

و هنگامیکه پروردگارتان اعلام
کرد که اگر شما سپاسداری کنید
حتماً من به شما فزونتر میدهم و
اگر ناسپاسی کنید یقیناً عذاب من
بسیار سخت است (۸)

و موسی گفت، اگر شما و هر چه
در زمین است همه بهم ناسپاسی
کنید پس خدا یقیناً بی نیازی
صاحب ستایش است (۹)

آیا شما را خبر آنهایی آمد که پیش از
شما بودند یعنی قوم نوح و عاد و
ثمود و کسانی که بعد از ایشان بودند
آنها را جز خدا کسی نمیداند. آنها
را رسولان نشان بانسانه های آشکار
آمدند پس آنها [تکبرکنان] دستهای
خود را بر دهنهای خود نهادند و
گفتند یقیناً ما به آنچه با آن شما
فرستاده شدید انکار میکنیم و
یقیناً ما جهت آنچه بسوی آن مارا

وَإِذْ تَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلُكُمْ بِبُحُرٍ مُّكْرَمَةٍ
لَّا يَزِيدُكُمْ وَلَا يَنْقُصُكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ
الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ عَذَابَ اللَّهِ الشَّدِيدِ ⑧

وَقَالَ مُوسَىٰ إِنَّ تَكْفُرًا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي
الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ ⑨

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبُوءُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمُ
نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ ۗ وَالَّذِينَ مِنْ
بَعْدِهِمْ ۗ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ ۗ جَاءَتْهُمْ
رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي
أَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا
أُرْسِلْتُمْ بِهِ وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِمَّا
تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ ⑩

میخوانید درشکی ناراحت کننده

هستیم (۱۰)

رسولان آنها گفتند، آیا جهت خدا شك است که آفریدگار آسمانها و زمین است؟ او شمارا میخواند تا گناهانتان را برای شما بیامرزد و شماراتانهایت زمانی معین فرصت دهد. آنها گفتند، نیستید شما جز بشری مانندما. [آیا] میخواهید ما را باز دارید از آنچه پدران ما پرستش میکردند. پس ما را حجتی غالب و آشکار بیار (۱۱)

رسولان ایشان بدیشان گفتند، یقیناً نیستیم ما جز بشری مانند شما اما خدا بر هر که از بندگان خود بخواهد منت مینهد و ما را توان نیست حجتی غالب بیاریم جز به اذن خدا و باید مومنان بر خدا توکل کنند (۱۲)

و چیست ما را که بر خدا توکل نکنیم حالانکه او [خودش] ما را به

قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ يَدْعُوكُمْ
لِيُعَفِّرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُوخِّرَ كُفْرَكُمْ
إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۗ قَالُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ
مِّثْلُنَا ۗ تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا عَمَّا كَانُوا
يَعْبُدُ آبَاءَنَا وَنَا فَا تُوْنَا بِسُلْطَنِ مُّبِينٍ ۝

قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ
مِّثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ
مِنْ عِبَادِهِ ۗ وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ
بِسُلْطَنِ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ وَعَلَى اللَّهِ
فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۝

وَمَا لَنَا أَلَّا تَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَبْنَا
سُبُلَنَا ۗ وَلَنْصَبِرَنَّ عَلَىٰ مَا أَدَيْمُونَا ۗ

وَعَلَىٰ اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿۱۳﴾
 راهای مارهنمائی کرد و البته ما
 صبرکنیم بر آنچه بما اذیت کنيد
 پس بايد توکل کنندگان بر خدا
 توکل کنند (۱۳)

و کسانی که کفر کردند به رسولان
 خویش گفتند، حتماً ما شما را از
 سرزمین خود تبعید کنیم یا باید
 در ملت ما برگردید. پس پروردگار
 ایشان برایشان وحی فرستاد که
 یقیناً ستمکاران را به هلاک می
 رسانیم (۱۴)

و یقیناً شما را پس از آنهاد سرزمین
 [آنها] آبادان نمائیم. این برای آن
 کس است که از مقام بیمدارد و
 از هشدارم میترسد (۱۵)

و ایشان [از خدا] بیروزی خواستند
 و هر دشمنی طغیانگر هلاک شد (۱۶)
 و رای آن برایش جهنم است و از
 آبی چرک زخم نوشانده شود (۱۷)
 او آنرا جرعه جرعه بنوشد و
 نتواند براحتی فروبرد و مرگ

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ
 لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِّنْ اَرْضِنَا اَوْ نَعُوذَنَّ فِي
 مِلَّتِنَا فَاُوْحِ اِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ
 الظَّالِمِينَ ﴿۱۴﴾

وَلَنُسَكِّنَنَّكُمْ الْاَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذٰلِكَ
 لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيْدِ ﴿۱۵﴾

وَأَسْتَفْتَحُوا وَاخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ﴿۱۶﴾

مِّنْ وَّرَآئِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقٰى مِنْ مَّاءٍ
 صٰدِيْدٍ ﴿۱۷﴾
 يَتَجَرَّرُ عَلَيْهِ وَّلَا يَكَادُ يُسِيْعُهُ وَيَأْتِيهِ
 الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَ مَا هُوَ بِمَيِّتٍ ۗ

وَمَنْ وَّرَاهُ عَذَابٌ غَلِيظٌ ①۸

او را از هر سوی بیاید و نتواند
بمیرد و ورای آن عذابی بسیار
سخت است (۱۸)

مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ
كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ
عَاصِفٍ ۗ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَىٰ
شَيْءٍ ۗ ذَٰلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبُعِيدُ ①۹

مثل آنانکه پروردگار خود کفر
کردند اینست که اعمال ایشان
مانند آن خاکستراست که بر آن
در روز طوفان بادی تند بوزد. بر
هیچ از آنچه کسب کردند قدرت
نیابند. همین است که گمراهی
دور است (۱۹)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
بِالْحَقِّ ۗ إِنَّ يَشَاءُ يَذْهَبِكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ
جَدِيدٍ ②۰

آیا حالی نیستی که خدا آسمانها
و زمین را بحق آفریده است اگر
بخواهد شمارا میبرد و آفرینش
جدیدی میآرد (۲۰) ++

وَمَا ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ ②۱

و این بر خدا هیچ مشکل
نیست (۲۱)

وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ
لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا
فَهَلْ أَنْتُمْ مُخْتَلِفُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ

و همه بهم برای خدا بیرون آیند.
پس مستضعفان به مستکبران
گویند، ما شمارا پیروی کنندگان

++ ایت ۲۰: اظهار احتمالی است که اگر خدا بخواهد او میتواند نوع بشر را کلیه نابود

سازد و مخلوقی جدید را وارث زمین بگرداند و اینکار خدا را هیچ مشکل نیست.

مِنْ شَيْءٍ ۱۰ قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ
لَهَدَيْنٰكُمْ ۱۱ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجْرُنَا أَمْ
صَبْرُنَا مَا لَنَا مِنَ مَحِيصٍ ۱۲

۱۰
۱۱
۱۲

بودیم پس آیا شما بکمی هم عذاب
خدا را از ما دورکنند گانید؟ آنها
گویند، اگر خدا بامهدایت میداد
حتماً شمارا هدایت میدادیم برای
ما یکسانست چه بیتاب باشیم چه
صبرکنیم ما را هیچ راه گریز
نیست (۲۲)

وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ
وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقِّ ۱۰ وَعَدْتُمْ
فَأَخْلَفْتُمْ ۱۱ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ
سُلْطٰنٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ
لِي ۱۲ فَلَا تَلُمُونِي وَلَوْلَمَّوْا أَنْفُسَكُمْ ۱۳ مَا
أَنَا بِمُصْرِحٍ ۱۴ وَمَا أَنْتُمْ
بِمُصْرِحِينَ ۱۵ إِنْ كَفَرْتُمْ بِمَا
أَشْرَكْتُمُونَ مِنْ قَبْلِ ۱۶ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ
عَذَابٌ أَلِيمٌ ۱۷

و چون کار گذرانیده شود شیطان
گوید یقیناً وعده ی که خدا به
شما داد آن وعده درست بود در
حالی که وعده که من به شما دادم
تخلف آن میکردم و مرا بر شما
غلبه ی نبود جز آنکه شما را فرا
خواندم و شما مرا پذیرفتید. پس
مرا ملامت نکنید بلکه خودتان را
ملامت کنید. امروز نه من فریاد
رس شما ام و نه شما فریادرس
منید. یقیناً من انکار کنم بدانچه
قبلاً مرا شریک میکرداندید. همانا!
ستمکارانند که برای آنها عذابی
دردناک است (۲۳)

و آنانکه ایمان آوردند و اعمال شایسته کردند و اورد باغهای شوند که در دامنه آنها نهرهای روان است. ایشان در آنها به اذن خدا جاویدان شوند. تحفه آنان در آنها سلام [بهمدیگر] است (۲۴)

آیادیدی چگونه خدا مثل زد که کلمه پاک مانند درختی پاک است - اصل آن محکم پیوسته و شاخه اش در آسمان است (۲۵)

مأکولاتش را به اذن خدا هر آن می دهد و خدا برای مردم مثلها میزند تا باشد که آنها پند بگیرند (۲۶)

و مثل کلمه ناپاک مانند درختی است که از روی زمین برکنده شود و برای آن [جای] قرار نیست (۲۷)

خدا آنانکه ایمان آوردند را در زندگی دنیا و در آخرت بگفتار استوار ثابت میدارد و خدا ستم کاران را گمراه مینماید و خدا

وَأَدْخَلَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ^ط يُحِبُّهُمْ فِيهَا سَلَامٌ^{١٣}

الْمُتْرَكِيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ^{١٤}

تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا^ط وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ^{١٥}

وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ^{١٦}

يُمَيِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ^{١٧} وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ^{١٨} وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ^{١٩}

ع
١٣

میکند آنچه بخواهد (۲۸)

ایانگاه کردی بسوی آنانکه نعمت
خدا را بکفر بدل کردند و قوم خود
را در خانه هلاک فرودادند (۲۹)

یعنی جهنم که وارد آن شوند و
چه زشت قرارگاه است (۳۰)

و شریکان خدا گزیدند تا از راه
او گمراه سازند. بگو، بهره بکشید
پس حتماً مسیر شما بسوی آتش
است (۳۱)

بگو به آن بندگانم که ایمان آورده
اند که نماز را بپای دارند و
انفاق کنند نهان و عیان از آنچه
اعطایشان کرده ایم پیش از آنکه
روزی فرارسد که در آن نه داد و
ستد و نه دوستی است (۳۲)

خدا است آنکه آسمانها و زمین را
آفرید و آب را از آسمان فرو
فرستاد. پس بوسیله آن برای شما
از میوهها رزق درآورد و کشتیها
را برای شما سخر کرد تا بفرمان

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا
وَ أَحْلَوْا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبُورِ ۝۱۳

جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا ۖ وَيَسَّ الْقَرَارُ ۝۱۴

وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ ۖ
قُلْ تَمَعُوا فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ ۝۱۵

قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ
وَيُنْفِقُوا رِزْقَهُمْ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً مِّنْ
قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خِلَالَ ۝۱۶

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ
الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ ۖ وَسَخَّرَ لَكُمْ
الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ ۖ

وَسَخَّرَ لَكُمُ الْاَنْهَارَ ۝۳۳

او در دریا حرکت کنند و نهرها

را برایشما مسخر کرد (۳۳)

و خورشید و ماه مدام گردش

کنندگان را برایشما مسخر کرد و

برای شما شب و روز را مسخر

کرد (۳۴)

و هر چه را از او درخواستید شما

را داد و اگر نعمت‌های خدا بشمرید

نمی‌توانید آنها را بشمار آرید. یقیناً

انسان بسیار ستمکننده‌ی بسیار

ناسپاس است (۳۵)

و آنگاه که ابراهیم گفت،

پروردگارا! این شهر را جای ایمن

بساز و مرا و فرزندانم را از

این نگهدار که بتان را پرستش

کنیم (۳۶)

پروردگارا! آنها بسیاری از مردم

را گمراه ساخته‌اند. پس آنکه از

من متابعت کرد آنگاه حتماً او از

من است و آنکه از من نافرمانی

کرد پس تو بسیار آمرزنده‌ی بارها

وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ

دَابِّينَ ۚ وَسَخَّرَ لَكُمُ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ ۝۳۴

وَأْتِكُمْ مِّنْ كُلِّ مَأْسَأَتٍ مَّوَهُ ۗ وَإِن

تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا ۗ إِنَّ

الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ ۝۳۵

ع ۳۳

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ

أَمِنًا وَاجْعَلْ بَنِيَّ وَبَنِيَّ أَنْ تَعْبُدَ

الْأَصْنَامَ ۝۳۶

رَبِّ إِنَّهُمْ أَضَلُّنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ ۚ

فَمَنْ يَتَّبِعْنِي فَإِنَّهُ مِنِّي ۚ وَمَنْ عَصَانِي

فَأِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝۳۷

رحم کننده هستی (۳۷)

پروردگارا! من بعضی از نژادم را
 دروادی لم یزرع نزدخانه مقدس
 تو مسکن داده ام ای پروردگار
 مآتایشان نمازرا بپای دارند. پس
 دلهای مردم را بسوی ایشان متماثل
 بساز و ایشان را از میوه ها رزق
 اعطا کن تا باشد ایشان سپاسداری
 کنند. (۳۸)

پروردگارا! یقیناً تو میدانی آنچه
 مانهان کنیم و آنچه ما عیان نمائیم
 و یقیناً بر خدا چیزی نهان نیست در
 زمین و نه در آسمان (۳۹)

ستایش مطلق از آن خداست آنکه
 مرا سرکه هلت اسمعیل و اسحاق
 اعطا کرد. یقیناً پروردگارم بسیار
 شنوای دعا است (۴۰)

پروردگارا! بساز مرا بپای دارنده
 نماز و نژادم را. پروردگارا! دعائم
 را قبول بفرما (۴۱)

پروردگارا! بیامرز مرا و والدینم

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ
 ذِي زُرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا
 لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ
 النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ
 الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ ﴿٣٨﴾

رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ
 وَمَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ
 وَلَا فِي السَّمَاءِ ﴿٣٩﴾

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ
 إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ
 الدُّعَاءِ ﴿٤٠﴾

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ
 ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ ﴿٤١﴾

رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ

يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ ﴿١٣﴾

۱۳

را و مومنان را روزی که حساب
برپا گردد (۴۲)

وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ
الظَّالِمُونَ ۗ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ
تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ ﴿١٤﴾

و مرگز خدا را از آن امر غافل
مپندار که ستمکاران انجام دهند.
یقیناً او آنها را تا روزی فرصت
دهد که دیدگان در آن خیره
بماند (۴۳)

مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ
إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ ۗ وَأَفِئْتُهُمْ هَوَآءِ ﴿١٤﴾

آنها هراسان و سرمای خود بالا
کرده سرگردان شوند و نگاه آنها
بسوی آنها برنگردد [یعنی چیزی
دیده نشود] و دلهای آنها ویران
گردد (۴۴)

وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَا تِيهِمُ الْعَذَابُ
فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا آخِرْنَا إِلَىٰ
أَجَلٍ قَرِيبٍ ۗ لُنَجِبْ دَعْوَتَكَ وَنَتَّبِعِ
الرُّسُلَ ۗ أَوْلَمْ تَكُونُوا أَقْسَمْتُمْ مِّنْ
قَبْلِ مَا لَكُم مِّنْ زَوَالٍ ﴿١٥﴾

و هشدار بده مردم را از آن روز
که به آنها عذاب فرارسد. پس
کسانیکه ستم کردند گویند: ای
پروردگار ما! ما را مدتی کوتاه
مهلت بده. ما دعوت تو را پذیرفته
و از رسولان تو متابعت خواهیم
نمود. [خطاب شود] آیا شما پیش
از این قسمانی خوردید که به شما
هیچ زوال نیست (۴۵)

و شما در منازل آنهائی مسکن می داشتید که بر جانهای خودستم کردند و شمارا این امر نیک روشن شده بود که ما با آنها چگونه رفتار کردیم و مثلها را برای شما بروشنی بیان کرده ایم (۴۶)

و بیگمان حیلۀ خود را [حتی المقدور] تدبیر کردند و حیلۀ آنها نزد خدا است اگر چه حیلۀ آنها بود که کومها از آن از جای خود دور میشد (۴۷)

پس مبندار که خدا وعده خود را با رسولان خود حُلف کننده است. یقیناً خدا صاحب غلبه کامل و انتقام گیرنده است (۴۸)

روزیکه زمین به زمین دیگری و هم آسمان بدل کرده شود و برای خدایکتای صاحب جبروت بیرون آیند (۴۹)

و مجرمان را آنروز به زنجیرها بسته خواهی دید (۵۰)

وَسَكَنْتُمْ فِي مَسْكِينَ الَّذِينَ ظَلَمُوا
أَنْفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُمْ كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ
وَضَرَبْنَا لَكُمْ الْأَمْثَالَ ①

وَقَدْ مَكَرُوا وَمَكَرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ
مَكْرُهُمْ ۗ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ
مِنْهُ الْجِبَالُ ②

فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخَلَّفًا وَعَدِمَهُ رَسُولُهُ ۗ
إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ ③

يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ
وَالسَّمَوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ
الْقَهَّارِ ④

وَتَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقَرَّنِينَ فِي
الْأَصْفَادِ ⑤

سَرَّابِيَهُمْ مِّنْ قَطْرَانٍ وَتَغْشَىٰ

وَجُوهَهُمُ النَّارُ ۝۱۱

لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ ۗ إِنَّ اللَّهَ

سَرِيعُ الْحِسَابِ ۝۱۲

هَذَا بَلَاغٌ لِّلنَّاسِ وَلِيُنذِرُوا بِهِ وَيَعْلَمُوا

أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُولُو

الْأَبَابِ ۝۱۳

جامه های آنها از قطرانست و آتش

چهره های آنها را فرا گیرد (۵۱)

تا خدا هر نفس را پاداش دهد به آن

چه او کسب کرد. حتمًا خدا زود

حساب است (۵۲)

این برای مردم پیامی آشکار

است و برای اینکه بوسیله آن

هشدار داده شوند و تا بدانند که

تنها او معبود یگانه است و تا

خردمندان پند بگیرند (۵۳)

۱۳

۱۵ - سورة الحجر

این سوره مکی است و بابسم الله یکصدآیت دارد.

این سوره با "التر" میآغازد و مقطعات پس از این دیگر تکرار نشده است. بعلمت نشانه های جلالی و جمالی که در سوره گذشته مزبور است گاهی دلهای کافران نیز مرعوب میشود و گاه بیگانه آنان حسرت میبرند کاشکی ما نیز از آنجمله تسلیم شدگان بشویم. اما بعداً دوباره بحالت اصلی خود باز میگردند. آنها از شناختن حقیقت غلبه پیغمبران بوسیله این اتهام طفره میروند که شاید چشمان آنها جادو شده است.

خدای متعال بصراحت اعلام میکند که دشمن هر چه میتواند بگوید البته مائیم که این کتاب را نازل کرده ایم و در آیه نیز از آن نگهداری خواهیم کرد.

در آیتهای بعدی سخن از بروج گفته میشود که سورة البروج را بخاطر میآرد و پرده را از این موضوع که "ما این کلام را حفاظت خواهیم کرد" برمیدارد و حاکی از اینست که خداوند در غلامی آنحضرت ﷺ چنین مردان را برانگیزد که همه وقت به نگهداری قرآن مواظب باشند. ضمناً بروج عبارت از این نکته نیز است که آن مجددان دین که پس از آنحضرت ﷺ بعنوان دوازده برج آمده بودند ایشان نیز ماموران بر همین کار بوده اند.

بطوریکه مضامین قرآن را پایان نیست بر همین منوال خداوند گاه به گاه بخاطر برآوردن نیازهای مادی انسان نیز چنین مخازن را ارزانی میدارد که پایان ناپذیرند. چنانچه نظام سوخت یکی از بزرگ ترین مثلثهای این

قبیل است. یقوت انسان را این فکر دامنگیر بود که اگر چوب تمام شود آنگاه چه میتوان کرد. گاهی این فکر فراگرفت که اگر مخازن زغال بپایان رسد چه کار توان کرد. بعدها این اندیشه تحت فشار گذاشت که اگر مخازن نفت تمام شد چه میشود. اما پیش از اینکه مخازن نفت بپایان برسد خدای لم یزل توجه انسان را به نیرو دیگری که پایان ناپذیر است جلب نمود یعنی نیروی اتمی. اگر انسان قابل به استفاده بردن از این نیرو بشود و تدابیر لازم را برضد تاثیرات منفی این بکاربرد، پس این نیرو تا قیامت پایان نمیابد. پس مانند خزائن روحانی قرآن، برای بقای بشر مخازن مادی نیز بی پایان است.

سپس این ذکر است که بدنبال نازل آمدن این دو نوع مخزن که برای انسان تا قیامت ادامه خواهد داشت، شیطان نیز تردیدها خواهد انداخت و این سلسله تردیدها نیز تا قیامت انقطاع ناپذیر است.

ضمناً علاوه بر ذکر حضرت ابراهیم علیه السلام سخن از دیگر پیغمبران و قومهای ایشان نیز گفته میشود. بدین ترتیب مثل از قومهای اصحاب الایکه و اصحاب الحجر آورده فهمانیده میشود که خداوند در آینده نیز مخالفان پیغمبران را مدام به نابودی خواهد کشید.

ضمناً در این سوره سخن از مژده ای به حضرت ابراهیم علیه السلام جهت تولد یکی از پسران ایشان نیز گفته میشود. اگرچه این پیشگوئی حضرت اسحاق و حضرت یعقوب را هم ذکر میکند. اما ترجیحاً این پیشگوئی بستگی به حضرت اسماعیل علیه السلام دارد که از نژاد روحانی و جسمانی ایشان تولد آنحضرت ﷺ تقدیر شده بود.

پس آنحضرت ﷺ این تسلی داده شدند که از تمسخر مخالفان صرف نظر کن ما حساب را خودما با آنها تسویه کننده ایم. هرگاه دلت از سخنان آنها رنج کشد پس خدای خود را با صبوری پیوسته ستایش کن.

☆ سُوْرَةُ الْحَجْرِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ مِائَةٌ آيَةٌ وَسِتَّةٌ رُكُوعَاتٍ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

سیاربخشنده بارهارحم کننده (۱)

أَنَا اللَّهُ أَرَى [منم خدا - من می

الرَّافِدُ تِلْكَ آيَةُ الْكِتَابِ وَقُرْآنٍ

بینم این آیتهای کتاب و قرآنی

مُبِينٍ ②

آشکار است (۲)

رَبَّمَا يَوْمَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَكُنُوا
مُسْلِمِينَ ①

ای بسا دوستدارند کسانی که کفر
کردند کاشکی مسلمانان بودند (۳)
و گذاران آنها را بخورند و وقتاً بهره
کشی کنند و امیدها آنرا غافل سازد
پس بزودی آنها بدانند (۴)

ذُرَّهُمْ يَا كُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِهِمُ
الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ①

و مامیچ شهری راهلاک نساختیم
مگر برای آن کتابی معلوم بود (۵)
و میچ قومی نه نهایت زمانی خود
را پیشی گیرد و نه پس افتد (۶)
و گفتند، ای آنکه بر او این ذکر
ناز کرده شد یقیناً تو دیوانه ای (۷)
چرا با فرشتگان نزد ما نمی آیی اگر
تو از راستگویانی (۸)

وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ
مَعْلُومٌ ①

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا
يَسْتَأْخِرُونَ ①

وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ
إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ ⑦

لَوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَكَةِ إِنْ كُنْتَ
مِنَ الصَّادِقِينَ ⑧

ما فرشتگان را فرو نمی فرستیم مگر
با حق و آنگاه آنها مهلت دادگان
نباشند (۹)

مَا نُنزِّلُ الْمَلَكَةَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا كَانُوا
إِذَا مُنظَرِينَ ①

یقیناً ما این ذکر را نازل کرده ایم و
یقیناً ما آنرا نگهدارندگانیم (۱۰) +

إِنَّا نَحْنُ نُزِّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ①

و البته پیش از تو نیز در گروه های

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي شَيْعٍ

آیت ۱۰: وعده حفاظت قرآن ابدی است. مرگه به قرآن معنای دروغین نسبت داده

شود خدا کسی وجود روحانی را برای اصلاح آن مبعوث مینماید.

الْأَوَّلِينَ ﴿۱۱﴾

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ

يَسْتَهْزِءُونَ ﴿۱۲﴾

كَذَلِكَ نَسَلُّكَ فِي قُلُوبِ

الْمُجْرِمِينَ ﴿۱۳﴾

لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ

الْأَوَّلِينَ ﴿۱۴﴾

وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا

فِيهِ يَعْرُجُونَ ﴿۱۵﴾

پیشین [رسولان] فرستادیم (۱۱)

و هیچ رسولی بر آنها نیامد مگر

با او تمسخر میکردند (۱۲)

اینگونه ما این [بیباکی] را در دلهای

مجرمان داخل مینمائیم (۱۳)

ایمان نیارند به این [رسول] حال

آنکه عاقبت کارپیشینان گذشته

است (۱۴)

و اگر دری را بر آنها از آسمان باز

میکردم پس در آن بالا رفتن را می

گرفتند [تا نشانه ای از صداقت

رسول را بچشمان خود مشاهده

کنند] (۱۵)

البته بازهم میگفتند فقط چشمان

مادمهوش کرده شد بلکه ما قومی

سحرشدگانیم (۱۶)

و همانا ما در آسمان منازل ستارگان

ساختیم و آن [آسمان] را برای

بینندگان مزین نمودیم (۱۷)

و آنها را از هرشیطانی رانده شده

نگه داری کرده ایم (۱۸)

لَقَالُوا إِنَّمَا سَكِرَاتُ أَبْصَارِنَا بَلْ نَحْنُ

قَوْمٌ مَسْحُورُونَ ﴿۱۶﴾

وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا

لِلنَّظِيرِينَ ﴿۱۷﴾

وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ﴿۱۸﴾

مگر آنکه استراق سمع کند پس
شعله آتش دنبالش میکند (۱۹)

و زمین را گسترانیدیم و در آن
کوهها نهادیم و در آن از هر چیزی
موزون را رویانیدیم (۲۰)

و در آن امرار معاش قرار دادیم
برای شما و آنرا که شما رزق
دهندگان نیستید (۲۱)

و هیچ چیزی نیست مگر گنجهایش
نزدما است و آنرا نازل نمیکیم
مگر به اندازه معین (۲۲)

و بادهای گرانبار را فرستادیم پس
از آسمان آبی نازل کردیم پس
آنرا به شما نوشانیدیم حالیکه شما
به اندوختن آن قادر نبودید (۲۳)

و همانا ما هستیم که زنده میکنیم
و میمیرانیم و ما هستیم که وارث
[هر چیز] شویم (۲۴)

و یقیناً دانسته ایم از شما سبقت
داران را و البته دانسته ایم هم
پس ماندگان را (۲۵)

إِلَّا مَنْ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ شِهَابٌ
مُبِينٌ ⑩

وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ
وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ ⑪

وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَمَنْ نَسْتُمِلُهُ
يُرْزَقِينَ ⑫

وَأَنْ مِّنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا
نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ ⑬

وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ فَأَنْزَلْنَا مِنَ
السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ
بِخَزِينِينَ ⑭

وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَنَحْنُ
الْوَارِثُونَ ⑮

وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَلَقَدْ
عَلِمْنَا الْمُسْتَأْخِرِينَ ⑯

و یقیناً پروردگارتو آنها را محشور کند. هر آینه او بسیار صاحب حکمت صاحب علم دائمی است (۲۶)

و یقیناً آدمی را از لجن بویناک از گل خشکیده با صدای جرنگ آفریدیم (۲۷)

و جنها را پیش از این از آتش باد سخت گرم آفریدیم (۲۸) ++

و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت، من بر آنم که بشری از گلی خشک با صدای جرنگ از لجن پوسیده بیافرینم (۲۹) ++

پس چون من آنرا بیآرایم و کلام خود را در او بدمم پس برای او سجده کنان بیفتید (۳۰) ++

وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ ۗ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿٢٦﴾

ع

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ ﴿٢٧﴾

وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ ﴿٢٨﴾

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ ﴿٢٩﴾

فَإِذْ أَسَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ ﴿٣٠﴾

++ آیات ۲۷-۳۰: در این آیه‌ها و امر علی الخصوص لایق تدبر اند.

اول اینکه انسان از گل محض نه آفریده شد بلکه از آن لجن است درجه عفونت پدید آمده بود و باز صورت گل خشکیده با صدای جرنگ را پذیرفت. این موضوعی است که به هیچ گوشه ای ذهن حضرت اقدس محمد ﷺ از خود نمیتوانست راه یابد و حتی نکته آفرینش انسان از گل خشکیده با صدای جرنگ در هیچکدام کتاب الهی دیگر یافت نمیشود و این مسئله را دانش پژوهندگان امروزه حل کرده اند. [ص#

فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ﴿٣١﴾

پس فرشتگان همه ایشان بهم
سجده کردند (۳۱)

إِلَّا إِبْلِيسَ ۖ أَبَىٰ أَنْ يَكُونَ
مَعَ السَّاجِدِينَ ﴿٣٢﴾

جز ابلیس که سر باز زد که با سجده
کنندگان باشد (۳۲)

قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ إِلَّا تَكُونُ
مَعَ السَّاجِدِينَ ﴿٣٣﴾

فرمود، ای ابلیس! چیست ترا که
با سجده کنندگان نشدی (۳۳)

قَالَ لَمْ أَكُنْ لِأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ
صَلْصَالٍ مِنْ حَمَآءٍ مَسْنُونٍ ﴿٣٤﴾

گفت نیستم من که برای بشری که
او را از گلی خشک با صدای جرنج
ازلجن پوسیده آفریده ای سجده
کنم (۳۴)

قَالَ فَأخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ﴿٣٥﴾

فرمود: پس تو از این [مقام] بیرون
شو که یقیناً تورانده شده ای (۳۵)

وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَىٰ يَوْمِ الدِّينِ ﴿٣٦﴾

فرمود، یقیناً تاروز جزا بر تو لعنت
است (۳۶)

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَىٰ يَوْمِ
يُبْعَثُونَ ﴿٣٧﴾

گفت، پروردگارا! مرا مهلت بده
تا روزی که [آدمیان] برخیزانده

بقیه آیات ۲۷-۳۰: دوم اینکه جن پیش از آغاز آفرینش انسان آفریده شد از چنین باد که از آسمان وزد و گرمای سخت آتش سان بهمراه دارد. اینهم چنین امر است که فکر آنهم نمیتوانست از خود بخاطر آنحضرت صلی الله علیه وسلم خطور کند تا آن گاه که خدای عالم الغیب به آن امر مطلع نمیساخت. آفرینش اجنه از نارسموم عبارت از میکروبهاست و از این نکته این مسأله نیز حل شده که لجن بویناک چطور بوجود آمد. لجن بویناک صورت حاصل نمیکند تا آنگاه که باکتری موجود نباشد.

شوند (۳۷)

فرمود. یقیناً تو از مهلت دادگان

ای (۳۸)

تا روز وقت معلوم (۳۹)

گفت. بزوردگارا! چون مرا گمراه
قراردادی حتماً برای آنها [گمراهی
را] در زمین مزین نشان دهم و

مه آنها را گمراه سازم (۴۰)

مگر بندگان تو از آنها که مخلصان

اند (۴۱)

فرمود. [نشان دادن] این راه راست

بر من است (۴۲)

البته [آنانکه] بندگان من [اند]

بر آنان ترا هرگز غلبه نباشد جز آنها

از گمراهان که از بی توروند (۴۳)

و یقیناً جهنم و عدمگاه مه آنها

است (۴۴)

آنهاست در راست. برای هر کدام در

بخشی از آنها مقرر است (۴۵)

البته متقیان در باغها و چشمه

سارها باشند (۴۶)

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ﴿٣٨﴾

إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿٣٩﴾

قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ
فِي الْأَرْضِ وَلَا أَغْوِيَهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٠﴾

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ ﴿٤١﴾

قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ ﴿٤٢﴾

إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَنٌ

إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَوِينَ ﴿٤٣﴾

وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٤﴾

لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ

جُزْءٌ مَّقْسُومٌ ﴿٤٥﴾

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٤٦﴾

بسلامتی ایمن وارد آنها شوند (۴۷)
 و مرچه کینه در دل‌های ایشان است
 برکنیم. برادروار و روبروی همدیگر
 تخت نشین شوند (۴۸)

ایشانرا در آنجا نه خستگی لمس
 کند و نه ایشان از آنجا بیرون
 رانده شوند (۴۹)

بندگانم را خبر کن که یقیناً من
 آمرزگاری بارها را حکمکننده ام (۵۰)
 و اینکه یقیناً عذابم نیز بسیار درد
 ناک است (۵۱)

و بدیشان درباره مهمانان ابراهیم
 حالی کن (۵۲)

چون بر او داخل شدند پس سلام
 کردند او گفت، ما که از شما ترسان
 ایم (۵۳)

گفتند، نترس البته ما تو را به
 پسری دانا مژده میدیم (۵۴)
 گفت، آیا مرا مژده میدید با اینکه
 مرا پیری در رسیده است، پس مرا
 به چه مژده میدید؟ (۵۵)

أَدْخَلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ ﴿٤٧﴾
 وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غِلٍّ
 إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ ﴿٤٨﴾

لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا
 بِمُخْرَجِينَ ﴿٤٩﴾

نَبِيُّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٥٠﴾

وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ ﴿٥١﴾

وَنَبِّئُهُمْ عَن صَيْفِ إِبْرَاهِيمَ ﴿٥٢﴾

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَّا
 مِنْكُمْ وَجِلُونَ ﴿٥٣﴾

قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ
 عَلِيمٍ ﴿٥٤﴾

قَالَ أَبَشَّرْتُمُونِي عَلَىٰ أَنْ مَسَّنِيَ الْكِبَرُ
 فِيمَ تَبَشِّرُونَ ﴿٥٥﴾

گفتند. الحق بتموژده داده ایم پس

از نو میدان مباش (۵۶)

او گفت. کیست جز گمراهان که

از رحمت پروردگار خود نو مید

گردد (۵۷)

گفت. ای فرستادگان! پس مقصود

شما چیست؟ (۵۸)

گفتند. البته مابسوی قوم مجرمان

فرستاده شده ایم (۵۹)

جز آل لوط. یقیناً ما همه ایشان

را نجات دهیم (۶۰)

جز زنش که مابازشناخته ایم که

حتماً او از پس ماندگان شود (۶۱)

پس چون فرستادگان نزد قوم

لوط آمدند (۶۲)

گفت. همانا! شما گروهی بیگانگان

اید (۶۳)

گفتند. بلکه تورا [خبری] آورده ایم

به آنچه آنان شك میکردند (۶۴)

و آمده ایم به تو بحق و یقیناً ما

راستگویانیم (۶۵)

قَالُوا بَشْرُكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُنْ مِنَ

الْقَاطِبِينَ ﴿٥٦﴾

قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ

إِلَّا الضَّالُّونَ ﴿٥٧﴾

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿٥٨﴾

قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ

مُجْرِمِينَ ﴿٥٩﴾

إِلَّا آلَ لُوطٍ ۗ إِنَّا لَمَنْجُوهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٦٠﴾

إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَرْنَا ۗ إِنَّا لَمِنَ

الْغَابِرِينَ ﴿٦١﴾

فَلَمَّا جَاءَ آلَ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ ﴿٦٢﴾

قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُّكَرُّونَ ﴿٦٣﴾

قَالُوا بَلْ جِئْنَاكَ بِمَا كَانُوا فِيهِ

يَمْتَرُونَ ﴿٦٤﴾

وَآتَيْنَكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿٦٥﴾

پس با اهل خود در پاره شب کوچ کن و در پی آنان حرکت کن و هیچ کدام از شما دور زده نگاه نکند و به همان سو حرکت کنید که امر شده اید (۶۶)

و فرمان را به او رساندیم که آنها بامداد از بیخ کنده شوند (۶۷) و مردم شهرشادمان آمدند (۶۸) او گفت: ایشان مهمانان منند پس مرا رسوا نکنید (۶۹)

و از خدا بترسید و مرا خوار نکنید (۷۰) گفتند، آیات را از [مناسبات] جهانیان منع نکرده بودیم؟ (۷۱) گفت، [توجه کنید] اینان دختران منند [از اینان شرم کنید] اگر شما کنندگان اید (۷۲)

[خداوند وحی کرده است] سوگند بجان تویقیناً آنها در بدمستی خود سرگردان اند (۷۳) پس صبحگاه آنها را عذابی غریبه بگرفت (۷۴)

فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ الْإِيلِ وَأَنْتَ عِدَابُ رَبِّهِمْ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ وَامْضُوا حَيْثُ تُؤْمَرُونَ ﴿٦٦﴾

وَقَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَلِكَ الْأَمْرَ أَنَّ دَابِرَ هَؤُلَاءِ مَقْطُوعٌ مُصْبِحِينَ ﴿٦٧﴾

وَجَاءَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿٦٨﴾
قَالَ إِنَّ هَؤُلَاءِ ضَيْفِي فَلَا تَفْضَحُونِ ﴿٦٩﴾

وَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَخْزُونِ ﴿٧٠﴾

قَالُوا أَوْلَمْ نُنْهَكَ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿٧١﴾

قَالَ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي إِنْ كُنْتُمْ فَعِلِينَ ﴿٧٢﴾

لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿٧٣﴾

فَأَخَذْتَهُمُ الصَّيْحَةَ مُشْرِقِينَ ﴿٧٤﴾

فَجَعَلْنَا عَلَيْهِمْ
حِجَابًا مِّنْ سِجِّيلٍ ﴿٧٥﴾

پس آن شهر را زیرو رو نمودیم و
بر آنها سنگهایی کلوخه باران
کردیم (۷۵)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ ﴿٧٦﴾

یقیناً در این [واقعه] پژوهندگان
را آیتی بزرگست (۷۶)

وَإِنَّهَا لِبَسْبِيلٍ مَّقِيمٍ ﴿٧٧﴾

و البته آن [شهر] برجاده بزرگ
واقع است (۷۷)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٧٨﴾

یقیناً پژوهندگان را در این نشانه
ای بزرگ است (۷۸)

وَإِنْ كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ لَظَالِمِينَ ﴿٧٩﴾

و یقیناً اهل درختزار نیز ستمکاران
بودند (۷۹)

فَأَنْتَقَمْنَا مِنْهُمُ ^{وَاللَّيْلِ} وَإِنَّهُمَا لَبِآئِمٌ
مُّبِينٌ ﴿٨٠﴾

پس ما از آنها انتقام گرفتیم و آندو
برجاده آشکار واقع است (۸۰)

وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسِلِينَ ﴿٨١﴾

وهرآینه اهل حجر نیز از پیغمبران
خود تکذیب کردند (۸۱)

وَأَتَيْنَاهُمُ آيَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿٨٢﴾

و آنانرا آیتهای خود دادیم پس
از آنها اعراض میکردند (۸۲)

وَكَانُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا
أَمْنِينَ ﴿٨٣﴾

و آنان بیخطر در کوهها خانه ما
می تراشیدند (۸۳)

فَأَخَذْتَهُمُ الصَّيْحَةَ مُصْحِينَ ﴿٨٤﴾

پس آنها را نیز صبحگاه عذابی
غریده بگرفت (۸۴)

آنگاه آنچه کسب میکردند بکار
ایشان نیامد (۸۵)

و آسمانها و زمین و هر چه میان
آندواست را فقط بحق آفریده ایم
و ساعت حتماً میآید. پس گذشت
کن با گذشتی نیکو (۸۶)

هر آینه پروردگارتو آفریدگاری
با کمال و صاحب علم است (۸۷)
و یقیناً هفت [آیه] بارها حفظ
خوانده و قرآن بزرگی به تو اعطا
کرده ایم (۸۸) ++

و نگشادیدگان خود را حریصانه
بسوی آن مایه عیش که بعضی از
گروه های آنان داده ایم و بر آنها
غم نخور و بال [مهر] خود را بر
مومنان فرود بیار (۸۹)

فَمَا آغْنِي عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۞^{۸۵}

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا
بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ ۞ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَأَتِيَةٌ
فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ ۞^{۸۶}
إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلْقُ الْعَلِيمُ ۞^{۸۷}

وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ
الْعَظِيمَ ۞^{۸۸}

لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْتُمُوهُ
أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ
وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ ۞^{۸۹}

++ آیت ۸۸: چنین برآید که سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي عبارت از آن هفت آیه از سوره
الفاتحه است که معنای آنها بتکثیر در قرآن تکرار میشود و مصدر حروف مقطعات نیز
سوره فاتحه است. هیچکدام حرف از مقطعات نیست که خارج از آن سوره گرامی
باشد. حالانکه علاوه بر آن در سوره فاتحه هفت حرف چنین است که بطور مقطعات
به کار برده نشده است.

و بگو. همانا! من بیم دهنده ای
آشکار ام (۹۰)

مانند آن [عذاب] که برازهم منقسم
شدگان فرو فرستادیم (۹۱)
آنانکه قرآن را پاره پاره
کردند (۹۲)

پس سوگند به پروردگار تو حتماً
ما از همه آنها بپرسم (۹۳)

درباره آنچه انجام میدادند (۹۴)

پس علناً بیان کن به آنچه امرشوی
و از مشرکان اعراض کن (۹۵)
یقیناً ما در مقابل استهزاء کنندگان
برای تو بس ایم (۹۶)

کسانیکه با خدا مبعودی دیگر قرار
داده اند پس بزودی بدانند (۹۷)
و البته میدانیم که دلتنگ شوی از
آنچه میگویند (۹۸)

پس تسبیح کن با حمد پروردگار
خود و از سجده کنندگان باش (۹۹)
و پروردگار خود را عبادت کن تا آن
انتها که به یقینت شود (۱۰۰)

وَقُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ ﴿٩٠﴾

كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ ﴿٩١﴾

الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ ﴿٩٢﴾

فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٩٣﴾

عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٤﴾

فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ
الْمُشْرِكِينَ ﴿٩٥﴾
إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ ﴿٩٦﴾

الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ ۚ
فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٩٧﴾
وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرَكَ بِمَا
يَقُولُونَ ﴿٩٨﴾

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ ﴿٩٩﴾

وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ ﴿١٠٠﴾

۱۶- النحل

این سوره در مکه نازل شد و با بسم الله ۱۲۹ آیت دارد.

در زمینه واژه "یقین" که در پایان سوره گذشته ذکر شد از آن يك معنى مرگ نیز گرفته میشود اما در مقام اول همان بمعنای یقین است. آغاز این سوره با این سخن میشود که آن امر که بیقینت وعده شده بود بزودی میرسد. پس ای منکران! بطلب آن تعجیل نکنید و باید باور کنید که خداوند فرشتگان را از آسمان بر هر که از بندگان خود بخواهد نازل میکند.

مضافاً سخن از آفرینش جانوران رفته و پیشگوئی میشود که خداوند چنین انواع سواریهها پدید خواهد آورد که اینها شمارا به آن هیچ دانشی نیست. این پیشگوئی در آنزمان درمورد آن سواریههای گوناگون کرده شد که در زمان کنونی ایجاد شده است.

بر همین منوال درمورد هر نوع جنبندگان گفته شد که حیاتی همه اینها متکی بر آن آب است که از آسمان فرو میبارد و از آن رستنیهای زمین می رستد و درختان و اثمار پدید میآیند. اما يك جنبه آب آنست که سایر جنبندگان و چهارپایان از آن بیخیراند. مثلاً چهارپایان علف میچرند بی آنکه بی از گنه آن برده باشند. پس آن زندگی که پیغمبران خدا ناشی از آب روحانی نایل شوند و آن فیض را که ایشان دورتر پخش میکنند این عمل را آنان پی نمی برند که قرآن آنها را بمثل چهارپایان تعریف کرده است و آنها "أشْر" گفته شدند یعنی حال آنها بدتر از چهارپایان است. چهارپایان که فهم ندارند که این امر را پی برند اما اینها بظاهر دین را میفهمند باز هم محروم

از فیض آن هستند.

سپس سخن از بیشمار نعمتهای خداوند می‌رود. درعین حال ذکر از نعمتهای دریایی نیز بیان میشود. از آنجمله انواع ماهی است که آب شور از دریا مینوشد، از آن غذا می‌خورد و در آن زیست میکند. باینهمه در گوشتش به ذره ای هم طعم شوری نیست. درضمن این امر نیز مورد توجه قرار داده میشود که این نظام حیات که متکی بر آب است نه آن کوهها وابستگی دارد که در زمین می‌خکوب محکم ایستاده اند. اگرچه این کوهها نبودند نظام تبخیر آب شفاف از دریاها و باریدن آنها نبود.

قرآن مجید از پهن شدن سایه‌ها بر زمین بدین رنگ حاکی است که گویی آنها به سجده فرورفته اند. اما جنبنده‌ها و فرشتگان نیز بحضور عظمت خداوند سجده میکنند. جنبنده‌های زمین بعلت دریافتن امرار معاش از زمین همواره در زبان حال بحضور خدا سجده میکنند و فرشتگان بعلت برخوردار بودن از دانش آب که از آسمان فرود می‌آید سر به سجود می‌مانند.

آیه کریمه ۶۲ عبارت از این موضوعی شگفت‌انگیز است که اگر خدا بعلت هر يك ستمکاری آدمیان در مقام عقوبت برآید در آنصورت صف تمامی جنبندگان در زمین درهم پیچیده شود. حقیقت امر اینست که توجه انسان به این امر جلب کرده میشود که او باید فکر کند که اگر جنبندگان نبودند بقای انسان نیز غیر ممکن بود. بهمین علت بلافاصله فرمود که شمارا در دامها درس عبرت است.

ضمناً مثل از زنبور عسل زده عظمت وحی بیان میشود. درباره می‌چکدام جانوری دیگر ذکر وحی شدن نیست. بظاهر زنبور عسل نیز مانند مگس

های دیگر است که بر کثافت نشوونما مییابند. تفاوت تنها اینست که این از طریق وحی از هرنوع کثافت پاک شده است. این کندوی خود را نیز بر جاهای بلند و بالا مانند کوهها، درختان و داربستها وغیره درست میکند. این وحی شده است که آبِ هرنوع گل را بمکد. اگرچه کلمه ثمر بکار برده شد ولی این نیز دارای حکمتی دوگانه است. وقتیکه زنبور عسل گل را میکند در نتیجه مکیدنش آن گل میوه میآرد و این زنبور آبِ هرکدام میوه را همان از گلها می مکد و منتها عسلی که درست میکند آن دارای درمانی بزرگ است. کلمات "یخرج من بطونها" به این امر کنایه ای است که عسل تنها از آب گلها تهیه نمیشود بلکه لعابی که از بطن زنبوردرمیآید زنبور آنها را با آب گل میآمیزد. باز زبانچه خود را تکراراً در هوا درمیآرد و آن آمیزش را غلیظ کرده تبدیل به عسل نموده آنها را در حجره های کندو خود حفظ میکند.

سپس مثل از دو غلام داده میشود. یکی آنچنان احمق است که در کارش هیچ خیری نیست. دومین آنست که خدا او را رزق حسن معاشرت اعطاء کرده و او آن را به هر سوبنفع جامعه مردم بخش مینماید. این یکی نیز به زنبور عسل مشابیهت دارد. مگسی غیر از زنبور عسل از قبیل غلام اول است که در آن هیچ از جنبه ای سود نیست و زنبور عسل همچون غلامی است که به حسن معاشرت برخوردار است و او این ارزانی حسن را در جامعه مردم بخش مینماید.

سپس مثل انواع غلامان بر مردم بسته میشود. آنکس که به وحی خدا برخوردار نیست و خدا را گنگ می پندارد او خودش ابکم یعنی لال است. او دست به هرکاری زند معامله بزیان آنکار تمام کند - خسر الدنيا والآخرة.

دومین نوع غلامان پیغمبران خدا میباشند که به مردم تعلیم عدالت بهم میرسانند و مدام گام به صراط مستقیم می نهند. باید یادگرفت که در زمینه زنبورعسل نیز بهمین متوال گفته شد که راههای پروردگار خود را دنبال کن. پس رسولان را ازین جهت این بسیار فضیلت حاصل است که ایشان بر آن يك راه راست قدم مینهند که حتماً تا خدا میرساند.

بعلاوه، این سوره عبارت از ذکر پرندگان میباشد و اظهار میدارد که آن مرغان که در آسمان پرواز میکنند را نپندارید که اتفاقاً بالها اعطا شده آنها را نیروی پرواز پیدا شد. تنها پدید آمدن بالها نمیتوانست مرغان را نیروی پرواز مهیا کند تا استخوانهای نرم و خالی و ساختگی خاص سینه و عضلاتی نیرومند در هر دو طرف سینه آنها ساخته نمیشد که همراه با اینقدر بار سنگین زمینه بلند پروازی فراهم میسازد. این پدیده ای حیرت انگیز است که اردکی وزین نیز میتواند پیوسته چندین هزار میل درحالت پرواز بماند. ترکیب درونی اش همچون قسمت جلویی جت هواپیما است که هوا را منتشر میسازد و ناشی از این ساختگی هوا آنها را تا حد اقل تحت فشار قرار میدهد. اردکی که این فشار هوا را بیشتر تحمل میکند دیگران را طی پرواز پیشوائی میکند. چندی بعد، اردکی دیگر از پشت سر آمده جایگزین آن میشود. در ضمن، همین مرغان، مرغان آبی میشوند. آنها به غرق روبرو نمیشوند با آنکه بعلمت سنگینی وزن خود باید به غرق فرو میرفتند. علت غرق ناپذیری این است که پرهای کوتاه بر تن آنها باد را در خود جمع میکنند. این باد قید در پرها آنها را از غرق نگهداری میکند. این کار امکان پذیر نیست تا وقتی که پرها دارای چنین مواد روغنی نباشند که آنها را از جذب آب جلوگیری کند.

مشاهده میشود که مرغان پرهای خود را از منقار خود میگذارند. این امر شگفت انگیز است که آنگاه خداوند از بدن آنها چنین مواد روغنی در میآرد که مالیدن آن بر پرهای بسیار مهم است. اکنون سوال مطرح میشود که چگونه آن مواد خود بخود بوجود آمد و چطور به منقار آنها رسید و چگونه در مرغان نیروی ادراک پیدا شد که جلوگیری از فرود رفتن آب در بدن خود ضروری است و الا در آب غرق میشوند؟

سپس ذکر از آن معجزه شگفت آور قرآن است که هر چیز را بتفصیل بیان میکند و از این جهت آن برتری که قرآن را بر کتابهای دیگر حاصل است همان فضیلت رسول الله ﷺ را بر دیگر پیغمبران است. بهمین دلیل است که بطوریکه پیغمبران بر قومهای خویش شهید بودند رسول الله ﷺ بر همه ایشان شهید قرار داده شدند.

تعلیم قرآن بر هر چیز محیط است و مثلش در آیه ۹۱ موجود است که آن خود تمامی تعلیمات اخلاقی و روحانی را دربر گرفته و بر آنها حاوی است. نخستین همه، سخن از عدالت می رود که بی آن هرگز اصلاح در دنیا امکان پذیر نیست. سپس ذکر از احسان است که انسان را مقامی بالاتر از عدالت فراهم میآرد. بالآخر ذکر از ایثار ذی القربی کرده موضوع را برانتهای بلندی اش رسانده است. متن این آیه حاکی است که ایشان به ممدردی نوع انسان بطوری انفاق میکنند چنانکه مادر در حق فرزندان خود هزینه مینماید و در قبال این طمع هیچ خدمت یا مزدی به دلش راه نمییابد. این والاترین رتبه به آنحضور ﷺ حاصل بود. ایشان پاک از تصور هر نوع عوض، نوع انسان را فیض میرساندند.

در آخرین رکوع این سوره حضرت ابراهیم علیه السلام که تک نفر بود بعنوان يك امت ارائه داده شد. زیرا که بوجود آمدن بسیاری امتهای از وجود ایشان قرار شده بود و این موضوع رسالت آنحضرت ﷺ را فرا گرفته به بالاترین مرتبه خود میرسد. پس آنحضرت ﷺ نیز وحی شدند که سنت ابراهیمی را فراگیر و مجملأ بیان شد که باحکمت و موعظه حسنه مردم را بسوی پروردگار خود بخوان. اما اینکار تقاضا دارد که انسان دست خود را به انتهای صبر محکم بند کند و واژه "لا تستعجل" عبارت از کنایه بهمین موضوع است. انقلاب روحانی آنأ صورت وقوع حاصل نمیکند بلکه انتهای صبر را متقاضی میباشد و این نوع صبر بدون تقوی بدست نیآید و از اینهم بیشتر به کسانی حاصل میشود که حسن عمل یعنی درعمل خود احسان را پیش میگیرند.

ضمناً يك جنبه از موضوع احسان در کلمات "یا مبالعدل والاحسان" بیان شده است و یکی دیگر را آن شرح است که رسول الله ﷺ بیان فرمودند که معنای احسان اینست که گامیکه تو برای عبادت بپا شوی بطوری بپا شوگویی که خدا را می بینی و حد اقل تقاضای احسان اینست که برای عبادت در آن حالت احترام بپا شوگویی که خداوند تو را می نگیرد.

☆ سُورَةُ النَّحْلِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ مِائَةٌ وَتِسْعٌ وَعِشْرُونَ آيَةً وَسِتَّةٌ وَعِشْرُونَ كُورَةً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]
بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحٰنَهُ
وَتَعَلَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ②

فرمان خدا فرامیرسد پس برای
آن تعجیل نکنید. او پاک و بالاتر
است از آنچه شرك میورزند (۲)

يُنزِلُ الْمَلٰٓئِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ
مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا
إِلٰهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ ③

اوفرشتگان را با روح القدس با
فرمان خود بر هر که از بندگان خود
بخواهد فرو میفرستد که هشدار
دهید که همانا هیچ معبودی نیست
جز من پس از من بترسید (۳)

خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ تَعَلَىٰ
عَمَّا يُشْرِكُونَ ④

او آسمانها و زمین را باحق آفرید.
بسیار بالاتر است از آنچه شرك
میورزند (۴)

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ
خَصِيمٌ مُّبِينٌ ⑤

اوانسان را از نطفه ای آفرید اینک
ناگاه اوستیزه گری آشکار شد (۵)
و چهارپایان را آفرید. شمارا در
آنها اسباب بحصول گرمی و منافع
است و هم از آنها میخورید (۶)

وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ
وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ⑥

و شما را در آن زیبایی است چون
شامگاه آنها را بعد از چرامیآرید و
وقتی برای چرا میبرید (۷)

و بارهای شمارا حمل کنند بسوی
شهری که شمارانمیشد بلازحماتی
طاقت فرسا تا آن برسید. هرآینه
پروردگار شما بسیار مهربان بارها
رحم کننده است (۸)

و اسبان و استرها و الاغها [آفرید]
که هم بر آنها سواری کنید و هم مایه
زینت شود و برایشما بوجود آرد
آنچه را نمیدانید (۹)

و بر خداست هدایت کردن [مردم]
براه راست حالیکه از آن [راه]ها
برخی کج است و اگر خدا می
خواست حتماً همه شمارا بهم
هدایت میداد (۱۰)

اوست آنکه آب را برای شما از
آسمان نازل کرد. از آنست برایشما
نوشیدنی و از آنست [رستن] درختان
که در آنها [دامها] میچرانید (۱۱)

و لَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ
وَحِينَ تَسْرَحُونَ ﴿٧﴾

و تَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا
بُلُغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ ۗ إِنَّ رَبَّكُمْ
لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿٨﴾

وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا
وَزِينَةً ۗ وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٩﴾

وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ ۗ
وَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿١٠﴾

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ
شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ ﴿١١﴾

برایشما بدان کشت و زیتون و خرمه و انگورو هرنوع میوهها را میرویانند. یقیناً در این آیتی است برای قومیکه میندیشند (۱۲)

و برایشما شب و روز و خورشید و ماه را مسخر کرد و ستارگان نیز با امر او مسخرند. یقیناً در این آیت‌های است برای قومیکه عقل کنند (۱۳)

و او هرچه را در زمین از انواع مختلف برای شما آفرید [همه آنها در خدمت شما مسخراند]. یقیناً در این آیتی است قومی را که پند میپذیرند (۱۴)

و اوست آنکه دریا را مسخر کرد تا از آن گوشت تازه ای بخورید و از آن مایه زینت درآرید که آنها را میپوشید و کشتیها را میبینی که در آن آب را شکافته حرکت کنند تا شما فضل او را تلاش کنید و تا شما سپاس گذارید (۱۵)

يُثِبْتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ
وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الشَّجَرِ
إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿١٦﴾

وَسَخَّرَ لَكُمْ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ
وَالْقَمَرَ ۗ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ
بِأَمْرِهِ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ
يَعْقِلُونَ ﴿١٧﴾

وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا
أَلْوَانُهُ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ
يَذَكَّرُونَ ﴿١٨﴾

وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِيَتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا
طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا
وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاحِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا
مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٩﴾

و نهاد در زمین کوه‌ها را که شمارا
امرار معاش می‌سازد و نهرها و
راه‌های تاشامدایت بیابید (۱۶)
و بسیار علامتها رهنمون دیگر و
آنها از ستارگان نیز رهنمائی می
گیرند (۱۷)

آیا آنکه می‌آفرینند نظیر آنست که
نی‌آفرینند؟ پس چرا بند فرا نمی
گیرید؟ (۱۸)

و اگر نعمت خدا را بشمارید آنرا
احاطه نمی‌کنید. یقیناً خدا آمرزگار
بارها رحیمکننده است (۱۹)

و خدا میداند آنچه نهان کنید و
آنچه عیان کنید (۲۰)

و آنرا که گذشته از خدا می‌خوانند
چیزی را نی‌آفرینند حالیکه آنها
خود آفریده میشوند (۲۱)

مردگانند نه زندگان و درک نکنند
کی بر خیزانده شوند (۲۲) ++

وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ
تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَارًا وَسُبُلًا لَّعَلَّكُمْ
تَهْتَدُونَ ﴿١٦﴾
وَعَلَّمْتَ^١ وَبِالتَّجْمِيمِ هُمْ يَهْتَدُونَ ﴿١٧﴾

أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ^٢ أَفَلَا
تَذَكَّرُونَ ﴿١٨﴾

وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا^٣ إِنَّ
اللَّهَ لَعَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٩﴾

وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسْرُُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ﴿٢٠﴾

وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ
لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ﴿٢١﴾
أَمْوَاتٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ^٤ وَمَا يَشْعُرُونَ^٥
أَيَّانَ يَبْعَثُونَ ﴿٢٢﴾

++ آیت ۲۲: اینجا رد آن مشرکان است که ایمان داشتند به خدایان قلبی که همچون
مردگان و فاقد آثار زندگی بودند.

معبودش نامعبودی یگانه است. پس آنانکه به آخرت ایمان نیآوردند دل‌های آنان انکارکننده است و آنان تکبرکنندگانند (۲۳)

هیچ شکى نیست که یقیناً خدا میدانند آنچه نهان کنند و آنچه عیان کنند. یقیناً او تکبرکنندگان را دوست ندارد (۲۴)

و چون گفته شود چیست آنچه پروردگارتان نازل کرد گویند، اساطیر پیشینیانست (۲۵)

[گویی می‌خواهند] که روز قیامت کلیه بارهای خویش را بردارند و هم بارهای آنهایی بردارند که آنها را بدون علم گمراه میکردند. باش!

بسیار بد است آنچه بردارند (۲۶) البته پیشینیان ایشان نیز نیرنگ کرده بودند. آنگاه خدایانهای آنان را از بنیادها خراب کرد و بر آنها بام از بالای آنها فرو افتاد و آنها را عذاب از سوی آمد که گمان نکردند (۲۷)

إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ ۖ قَالِذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَهُمْ
مُستَكْبِرُونَ ﴿٢٣﴾

لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا
يُعْلِنُونَ ۗ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ ﴿٢٤﴾

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا
أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٢٥﴾

لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ
وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضَلُّونَهُمْ بِغَيْرِ
عِلْمٍ ۗ أَلَا سَاءَ مَا يَزُرُونَ ﴿٢٦﴾

قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَاَتَى اللَّهَ
بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ
مِنْ فَوْقِهِمْ وَأَتَتْهُمْ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ
لَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٧﴾

سپس روز قیامت آنها را رسوا کند و گوید، کجايند آن شریکانم که جهت آنها شما مخالفت میکردید؟ آنانکه دانش داده شدند گویند، امروز ذلت و سختی بر کافران است (۲۸)

آنانکه فرشتگان آنانرا وفات دهند در حالیکه بر خویشتن ستم میکنند پس صلح نهند که هرگز مازشته کاری نیکردیم. آری ایقیناً خدا آگاه است به آنچه شما میکردید (۲۹)

پس بداخل درهای جهنم بشوید که در آن مدت متمادی ماندگارید. پس جایگاه متکبران بسیار زشت است (۳۰)

و کسانی که تقوی اختیار کردند را گفته شود، چیست که پروردگار شما نازل کرد گویند، سراپا خیر. کسانی که در این دنیا نیکوکاری کردند خوبی [مقدر] است و خانه آخرت که بس نیکو است. و به آنچه

ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُخْزِيهِمْ وَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تُشَاقِقُونَ فِيهِمْ^ط قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالسُّوءَ عَلَى الْكَافِرِينَ^ل

الَّذِينَ تَتَوَفَّيهِمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي^ط أَنْفُسِهِمْ^ص قَالُوا السَّلَامَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ^ط بَلَىٰ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ^ج

فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا^ط فَلَيْسَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ^ج

وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ^ط قَالُوا خَيْرًا^ط لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ^ط وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ^ط وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ^ل

عالی است خانه متقیان (۳۱)

باغهای جاودانست که بداخل آنها شوند. در دامنه آنها نهرهای روان شود. برای ایشان در آنهاست آنچه بخواهند. خدا پاداش متقیان این گونه میدهد (۳۲)

کسانیکه فرشتگان ایشانرا وفات دهند [حالیکه] یا کند، گویند سلام بر شما وارد بهشت شوید بدان عمل که میکردید (۳۳)

آیا آنها انتظار دارند جز اینکه آنانرا فرشتگان آیند یا فرمان پروردگار تو در رسد؟ بدینسان عمل کردند کسانیکه پیش از آنها بودند خدا بر آنهاستم نکرد بلکه خود بر خودشان ستم میکردند (۳۴)

پس آنها را در رسیدن شستیه‌های اعمال خود و آنها را گرفت آنچه به آن تسخر میکردند (۳۵)

و گفتند آنانکه شرك کردند اگر خدا میخواست گذشته از او چیزی را

جَنَّتْ عَدْنٌ يَدْخُلُونَهَا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَلِكَ
يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ ﴿٣١﴾

الَّذِينَ تَتَوَفَّيهِمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ
يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا
كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٣٢﴾

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ
يَأْتِي أَمْرٌ رَرِيكٌ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ
قَبْلِهِمْ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ
كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٣٣﴾

فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتٌ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ
مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٣٤﴾

وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا
عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ نَحْنُ وَلَا

پرستش نمی‌کردیم ماونه بدرانما
ونه خلاف میل او چیزی را حرام
قرار میدادیم. همینطور کردند آنانکه
پیش از آنها بودند. پس آیات‌کلیف
رسولان است مگر آنکه آشکارا
ابلاغ کنند؟ (۳۶)

و یقیناً در هر کدام امت رسولی
فرستادیم که خدا را عبادت کنید
وازبتان دوری‌گزینید. پس از آنها
اند که خدا آنها را هدایت داد و
از آنانند که گمراهی بر آنها واجب
شد. پس در زمین بگردید و بنگرید
که فرجام تکذیب کنندگان چگونه
شد (۳۷)

اگر بر هدایت آنها حرص زنی پس
یقیناً خدا هدایت نمیدهد آنها را
که گمراه میکنند و آنها را کسی
از یاوران نیست (۳۸)

و قسمهای خورند به خدا قسمهای
جدی خویش که هر که بمیرد خدا
او را برنخیزاند. بلی! این وعده‌ی

أَبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ^ط
كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ^ج قَهْلٌ
عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغَ الْمُبِينُ^ح

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا
اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الصَّاغُوتَ^ج فَمِنْهُمْ مَنْ
هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ
الصَّلَاةُ^ط فَسَيَرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا
كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ^ح

إِنْ تَحْرِصْ عَلَى هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ
لَا يَهْدِي مَنْ يُضِلُّ وَمَا لَهُمْ
مِنْ نَصِيرِينَ^ح

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ^ل لَا يَبْعَثُ
اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ^ط بَلَى وَعَدَّا عَلَيْهِ حَقًّا
وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ^ح

است که براو بفرض است و اما
اکثر مردم نمیدانند (۳۹)
تا آن امر را برایشان آشکار سازد
که در آن اختلاف میکنند و تا آنها
که کفر کردند بدانند که آنها دروغ
پردازانند (۴۰)

گفتار ما برای چیزی مرگه آن را
بخواهیم فقط اینست که برای آن
میگویم، باش. پس آن رومیند و
منتها میشود (۴۱)

و آنانکه در راه خدا مهاجرت کردند
از آن پس که ستم دیدند ایشان
راجای نیکو دهیم در دنیا و البته
مزد آخرت بزرگتر است کاشکی
میدانستند (۴۲)

[این پاداش است برای] آنانکه
صبر کردند و بر پروردگار خویش
توکل میکنند (۴۳)

و پیش از تو کسی را نفرستادیم
جز آن مردان که بسوی ایشان
وحی میفرستادیم. پس از اهل ذکر

لَيَبَيِّنَنَّ لَهُمْ الَّذِي يَخْتَلِفُونَ فِيهِ وَلَيَعْلَمَنَّ
الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ ﴿٤٠﴾

إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ
كُنْ فَيَكُونُ ﴿٤١﴾

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا
ظَلَمُوا لِنُبُونِهِمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً
وَلَا جَزَاءَ لَآخِرَةٍ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا
يَعْلَمُونَ ﴿٤٢﴾

الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٤٣﴾

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي
إِلَيْهِمْ فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ

لَا تَعْلَمُونَ^{۴۴}

پرسید اگر شما نمیدانید (۴۴)
[وما ایشانرا] با نشانه های آشکار
و صحیفه های [فرستادیم] و بسوی
تو نیز ذکر فرورفستاده ایم تا
مردم را آشکار کنی آنچه بسوی آنها
ناز کرده شده بود و تا آنها به
تفکر پردازند (۴۵)

پس آیا کسانی که برای بدیهانیرنگ
زدند ایمن شده اند که خدا آنها را در
زمین فروبرد یا عذاب آنها را بیاید
از سوی که گمان هم نکنند (۴۶)
یا آنها را در آمدورفت آنها بگیرد.
پس نیستند آنها که [مقصود خدا
را] بمعجز آورند (۴۷)

یا آنها را جهت کاشش تدریجی
بگیرد. پس پروردگارتو بسیار مهر
نواز بارها رحم کننده است (۴۸)
آیا ایشان مشامده نکردند هر چه
خدا آفریده است سایه های آن از
چپ و راست تغییر مکان کرده
برای خدا سجده میکنند و آنان

بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ^{۴۵} وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ
لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ
يَتَفَكَّرُونَ^{۴۶}

أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ
اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ
حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ^{۴۷}
أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقْلِبِهِمْ فَمَا هُمْ
بِمُعْجِزِينَ^{۴۸}

أَوْ يَأْخُذَهُمْ عَلَى تَخَوُّفٍ^{۴۹} فَإِنَّ رَبَّكُمْ
لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ^{۵۰}
أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ
يَتَقَيُّوهُ أَظَلُّوا عَنِ الْيَمِينِ وَالشَّمَائِلِ سُجَّدًا
لِلَّهِ وَهُمْ دَخِرُونَ^{۵۱}

فروتنی کنندگانند (۴۹)

و خدا را سجده کنند هر چه در آسمان
ما و هر چه در زمین از جنندگان
است و فرشتگان نیز و آنان تکبر
نمیکنند (۵۰)

میترسند از پروردگار غالب خود و

انجام دهند مانکه امر شوند (۵۱)

و خدا گفت، دو تا معبود نگیرید.
یقیناً فقط او معبودی یگانه است.

پس صرفاً از من بترسید (۵۲)

و از آن اوست هر چه در آسمانها و
زمین است و اطاعت از او واجب
است پس آیا غیر از خدا همی
ترسید (۵۳)

و هر چه نعمت شمارا است پس از
خدا است. پس چون شما را سختی
در رسد آنگاه بسوی او زاری می
کنید (۵۴)

سپس هرگاه سختی را از شما
دور سازد بیدرنگ گروهی از شمایه
خدای خود شریک قرار دهند (۵۵)

و لِلّٰهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي
الْاَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ
لَا يَسْتَكْبِرُوْنَ ۝

يَخَافُوْنَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُوْنَ
مَا يُؤْمَرُوْنَ ۝

وَقَالَ اللّٰهُ لَا تَتَّخِذُوْا الْهٰٓمِیْنَ اٰنۜسِیۜنَ ۚ اِنَّمَا
هُوَ اِلٰهٌ وَّاحِدٌ ۚ فَاٰیٰیۙ فَاَرْهَبُوْنَ ۝

وَلَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَلَهُ الدِّیۜنُ
وَاصِبًا ۗ اَفَغَیۜرَ اللّٰهِ تَتَّقُوْنَ ۝

وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللّٰهِ ۗ اِنَّمَا اِذَا
مَسَّكُمُ الضَّرُّۙ فَاِلَیۙهِ تَجۜرُّوْنَ ۝

ثُمَّ اِذَا كَشَفَ الضَّرَّ عَنْكُمْ اِذَا فَرِحۜوْا
مِّنْكُمْ بِرَبِّهِمْ يُشۜرِكُوْنَ ۗ

تanasپاسی کنند به آنچه ایشان را در داده ایم. پس بکمی بهره بکشید آنگاه [نتیجه اش را] حتماً خواهید دانست (۵۶)

وسمی گزینند از آنچه ایشان را رزق داده ایم برای آنچه را که نمیدانند. سوگند به خدا که حتماً پرسیده شوید از آنچه شما برمی بافتید (۵۷)

و برای خدا دختران ساخته اند. او پاک است. حالیکه برای خودشان است آنچه دوست دارند (۵۸) و مرگه کسی از آنها مژده ای از دختری داده شود صورتش از اندوه تیره میگردد و او خشم را فروبرنده است (۵۹)

متواری شود از مردم ازرنج آن مژده که بدو داده شد - آیا در مقابل خواری او [احسان خدا را] نگهدارد یا او را در خاک فروکند باش! بسیار زشت است آنچه آنها

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْتَهُمْ ۖ فَتَمَتَّعُوا^ق فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٥٦﴾

وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِّمَّا رَزَقْنَاهُمْ ۖ تَاللَّهِ لَتَسْتَلْنَ عَمَّا كُنْتُمْ تَقْتَرُونَ ﴿٥٧﴾

وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ ﴿٥٨﴾

وَإِذْ بَشَّرْنَا أَحَدَهُمْ بِالْأُنثَىٰ ۖ فَظَلَّ وَجْهَهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ﴿٥٩﴾

يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَبِهِ ۖ أَيَسْكُنُ فِي الثَّرَابِ ۖ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٦٠﴾

فیصل میدهند (۶۰)

برای آنانکه به آخرت ایمان نمی
آرند مثل بسیاری زشت است و والا
ترین مثل برای خدا است و او
صاحب غلبه کامل صاحب حکمت

ع. ۳۳

است (۶۱)

و اگر خدا مردم را بعلت ستمگری
ایشان مواخذه میکرده میچ جنبنده
را بر زمین باقی نمیگذاشت و اما
آنها را تا مدتی معین فرصت دهد.
پس هر آن نهایت زمانی آنها فرا
رسد نه لحظه ای تاخیر کنند و نه
پیشی گیرند (۶۲)

و برای خدا قرار دهند آنچه را
خودشان دوست ندارند و زبان
های آنها دروغ سراید که [هر چیزی]
نیکو برای آنهاست. بیگمان برای
آنها آتش است و یقیناً آنها بی یار و
یاور رهانیده شوند (۶۲)

سوگند به خدا که یقیناً ما بسوی
قوم های پیش از تو [رسولان]

لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ
السَّوْءِ ۗ وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ ۗ وَهُوَ
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١١﴾

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمَّا
تَرَكَ عَلَيْهِمَا مِنْ ذَاتِهِ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ
إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا
يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً ۚ وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ﴿١١﴾

وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكْرَهُونَ وَتَصِفُ
أَلْسِنَتُهُمُ الْكُذِبَ أَنَّ لَهُمُ الْحُسْنَىٰ ۗ لَا
جَرَءَ أَنْ لَهُمُ النَّارَ وَأَنَّهُمْ مُّفْرَطُونَ ﴿١١﴾

تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّنْ قَبْلِكَ
فَزَيَّنَّ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُوَ

وَلِيَهُمُ النَّيُومَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦٤﴾

فرستادیم. پس شیطان آنها را
اعمالشان مزین نمود. پس امروز
او دوست آنانست حالانکه آنها را
عذابی دردناکست (۶۴)

وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا تِبْيَانٌ لَّهُمْ
الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ ۗ وَهُدًى وَرَحْمَةً
لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٦٥﴾

و کتاب را بسوی تو فرستادیم
مگر اینکه برای آنها آشکارسازی
آنرا که در آن اختلاف کنند و [برای
اینکه] هدایت و رحمت است برای
قومیکه ایمان آورند (۶۵)

وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ
الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً
لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴿٦٦﴾

و خدا نازل کرد از آسمان آبی را که
بدان زمین را پس از مرگش زنده
نمود. یقیناً در این نشانه ای بزرگ
است قومی را که گوش کنند (۶۶)

وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً ۗ لِيُسْقِيَكُمْ
مِمَّا فِي بُطُونِهِمْ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ
لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّرِيبِينَ ﴿٦٧﴾

و یقیناً شمارا در چهارپایان نیز
نشانه ای بزرگ است. شمارا می
نوشانیم از آنچه در شکم های آنها
است از میان سرگین و خون.
شیری خالص که نوشندگان را
خوش مزه است (۶۷)

وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ
تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا ۗ إِنَّ فِي

و از میوههای خرما و انگور [هم می
نوشانیم] از آن می و رزقی نیکو

ذَلِكَ لآيَةٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٦٨﴾

میگیرید. یقیناً در این نشانه ای
بزرگ است برای قومیکه عقل
کنند (۶۸)

و پروردگارتو بسوی زنبور عسل
وحی کرد که در کوهها و در درختان
و در [گیاه خزنده] آنچه را دار بست
زند خانه بساز (۶۹)

سپس بخور از میوههای هرگونه و
راه های پروردگار خود را فروتن
بپو. از شکمهای آنها شربتی درمیآید
که رنگهایش گوناگونست و مردم
را در آن شفاست. یقیناً در این
آیتی بزرگ است برای قومیکه
بیاندیشند (۷۰)

و خدا شمارا آفرید سپس شمارا
وفات دهد و کسی از شما است که
به سن تهی و حواس باخته رسانده
شود تا پس از دانستن هیچ نه
داند یقیناً خدا صاحب علم دایمی
مدام قدرتمند است (۷۱)

و خدا در رزق برخی از شما را

وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ
الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا
يَعْرِشُونَ ﴿٦٩﴾

ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ
رَبِّكَ ذُلُلًا ۚ يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا
شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِّلنَّاسِ ۗ
إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٧٠﴾

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ ۗ وَمِنكُمْ
مَّن يُّرَدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمَرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ
بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ﴿٧١﴾

وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ فِي

بر برخی فضیلت داده است. پس آنانکه برتری داده شدند نیستند که مالهای خود را به زیردستان خود برگردانند که آنان در آن یکسان گردند. پس آیا نعمت خدا را (بعلم آن) انکار کنند؟ (۷۲)

و خدا است بخاطر شما از جنس خود شما جفتهای ساخت و برای شما از جفتهای شما پسران و نوادگان در داد و از پاکیزه های رزق شما میاگرد. پس آیا باطل ایمان آرند و به نعمتهای خدا انکار کنند؟ (۷۳) و عبادت میکنند جز خدا آنچه را که جهت رزق آنها از آسمانها و زمین هیچ هم مالک نیست و آنان که استعداد هم ندارند؟ (۷۴)

پس برای خدا مثلها نه زنید. یقیناً خدامیدانند و شما نمیدانید (۷۵) خدا مثل میزند از بنده ای که در ملک کسی است و برجیزی قدرت ندارد و از آنکه او را از جانب خود

الرِّزْقِ ۚ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَأْدِي رِزْقِهِمْ عَلَىٰ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ ۗ أَفَبِعِزَّةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ ﴿٧٢﴾

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ ۗ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ ﴿٧٣﴾

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِنَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ شَيْئًا وَلَا يَسْتَطِيعُونَ ﴿٧٤﴾

فَلَا تَضُرُّهُ أَمْثَالُ ۗ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٧٥﴾

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ ۖ وَمِنْ رِزْقِ اللَّهِ مِتَارٌ رِزْقًا حَسَنًا

رزقی نیکوارزانی داریم پس او از آن هم نماند اتفاق میکند و هم عیان. آیا این دو یکسانند؟ ستایش مطلق خاص خدا است اما اکثر ایشان نمیدانند (۷۶)

هم خدامثل دوتن رامینند. یکی از آندو گنگ است - برجیزی قدرت ندارد و او برارباش باری است. او را هر سوبفرستد خیری نیآرد آیا او و آنکه بداد امر کند و او بر راه راست است میتواند یکسان باشند؟ (۷۷)

و از آن خدا است غیب آسمانها و زمین و امر قیامت همچون چشم بهم زدن است یازودتر از آن. یقیناً خدا بر هر چیز مدام قدرتمند است (۷۸)

خدا شمارا از شکمهای مادرانتان بیرون آورد که هیچ نمیدانستید و برای شما گوش و چشمان و دل ساخت تا شما شکر کنید (۷۹)

فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَ جَهْرًا هَلْ يَسْتَوُونَ^{٧٦} الْحَمْدُ لِلَّهِ^{٧٦} بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ^{٧٦}

وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبُكْمٌ لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَ هُوَ كَلٌّ عَلَى مَوْلَاهُ^{٧٦} أَيْمَانًا يُوَجِّهُهُ^{٧٦} لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ^{٧٦} هَلْ يَسْتَوِي هُوَ^{٧٦} وَ مَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ^{٧٦} وَ هُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ^{٧٧}

وَ لِلَّهِ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ^{٧٧} وَ مَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ^{٧٧} إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^{٧٨}

وَ اللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ^{٧٩} لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا^{٧٩} وَ جَعَلَ لَكُمْ السَّمْعَ^{٧٩} وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ^{٧٩} لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ^{٧٩}

آیا پرندگان را در جو آسمان مسخر شده ندیدند؟ آنها را جز خدا کسی نگه نمیدارد. یقیناً در آن اهل ایمان را آیت‌های است (۸۰)

و خدا برای شما در منازلتان آرامش نهاد و برای شما از پوست چهارپایان [مانند] خانه‌ها ساخت که آنها را روز کوچ خود و روز توقف خود سبک میابید و از پشم آنها و از کرک آنها و از موهای آنها اثاث تهیه کردن و تا زمانی بهره‌کش می‌است (۸۱)

و خدا برای شما از آنچه او آفرید سایه افکنهای ساخت و برای شما در کوهها پناه گاههای ساخت و برای شما جامه‌های میبیا کرد که شما را از گرما حفظ میکند و جامه‌های ساخت که شما را از سختی جنگ حفظ کند. اینگونه او نعمتهای خود را بر شما بکمال میرساند تا شما فرمانبردار شوید (۸۲)

أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوِّ السَّمَاءِ ۗ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٨٠﴾

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ ۗ وَمِنْ أَصْوَابِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثَاثًا وَمَتَاعًا إِلَى حِينٍ ﴿٨١﴾

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ مِمَّا خَلَقَ ظِلَالًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ وَسَرَابِيلَ تَقِيكُمُ بَأْسَكُمْ ۗ كَذَلِكَ يُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسَلِمُونَ ﴿٨٢﴾

پس اگر روی برتابند آنگاه بر تو تنها

آشکارا ابلاغ کردن بود (۸۳)

آنها نعمت خدا را شناخته بازهم از

آن انکار کنند و اکثرشان کافران ^ع

اند (۸۴)

و روزیکه ما از هریک امت يك

گواه مبعوث نمائیم سپس کسانی

که کفر کردند اجازه داده نشوند

[که هیچ حرف زنند] و نه آنها

رسائی به آستانه داده شوند (۸۵)

و چون کسانی که ستم کردند عذاب

را بنگرند آنگاه آن از آنها کاسته

نشود و نه آنها مهلت داده

شوند (۸۶)

و چون کسانی که شرك ورزیدند

شریکان [خیال بافته] خود را

بنگرند گویند، ای پروردگار ما!

اینهایی اند شریکان ما که ما آنها

را گذشته از تو میخواندیم. آنگاه ^ع

آنها سخن [خود آنها] را بسوی آنها

خواهند افکند، یقیناً شما دروغ

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلْغُ الْمُبِينُ ﴿٨٣﴾

يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا

وَ أَكْثَرُ هُمْ الْكَافِرُونَ ﴿٨٤﴾

وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا ۗ لَأَلَّا

يُؤْذِنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ۗ وَلَا هُمْ

يُسْتَعْتَبُونَ ﴿٨٥﴾

وَ إِذْ أَرَأَى الَّذِينَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا يُخَفِّفُ

عَنَّهُمْ ۗ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿٨٦﴾

وَ إِذْ أَرَأَى الَّذِينَ أَشْرَكُوا شُرَكَاءَ هُمْ قَالُوا

رَبَّنَا هَؤُلَاءِ شُرَكَاءُ وَا لَّذِينَ كُنَّا نَدْعُوا

مِنْ دُونِكَ ۗ فَأَلْقَوْا إِلَيْهِمُ الْقَوْلَ إِنَّكُمْ

لَكَاذِبُونَ ﴿٨٧﴾

گویان آید.“ (۸۷)

پس امروز آنها بسوی خدا طرح صلح نهند و مرجه برمیافتند از آنها ناپیدا شود (۸۸)

کسانی که کفر کردند و از راه خدا باز داشتند آنها را عذابی بر عذاب بیفزائیم چه فساد میگردند (۸۹)

و روزی که در هر قوم گواه ای بر آنان از خود ایشان برخیزانیم و تو را بر همه آنها گواه بیاوریم و بسوی تو کتابی نازل کرده ایم که هرامر را آشکارا بیان کنده و هدایت و رحمت و فرمانبرداران را مژده است (۹۰)

و یقیناً خدا بعدالت و احسان و عطا کردن مانند عطا کردن به خویشا -
- و ندان امر میکند و از فحشائی و منکرات و سرکشی باز میدارد تا شما نصیحت فراگیرید (۹۱)

و عهد خدای را وفا کنید هرگاه عهد کنید و سوگند ما را یس از استواری

وَأَقْوَامًا إِلَى اللَّهِ يَوْمَئِذٍ السَّلَامِ وَصَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿۸۸﴾

الَّذِينَ كَفَرُوا وَاصْذُوعًا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زِلْفَهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ ﴿۸۹﴾

وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِّنْ أَنفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ ۖ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ ﴿۹۰﴾

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَائِي ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ ۚ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿۹۱﴾

وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْإِيمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ

آنها نشکنید در حالیکه شما خدا را
ضامن خود برگزیده اید و البته
خدا میداند آنچه انجام دهید (۹۲)

و مانند آن زن نشوید که رشته
تابیده خود را پس از استواری آن
تکه تکه کرد. سوگندهای خود را
میان خود بفریب میگیرید مبادا
قومی از قومی برتر آید. یقیناً خدا
بدان شمارا فقط آزمایش میکند و
البته روز قیامت بر شما روشن تر
سازد آنچه را که در آن شما
اختلاف میکردید (۹۳)

و خدا اگر دوست داشت همه شمارا
یک امت میساخت و اما او هر که
را خواهد گمراه میسازد و هر که را
خواهد هدایت میدهد و حتماً شما
برسیده شوید از آنچه عمل می
کردید (۹۴)

و قسمهای خود را میان خود بفریب
نگیرید مبادا قدم شما پس از اثبات
آن بلفزد و [طعم] بدی را بچشید

عَلَيْكُمْ كَفِيلًا ۱۰ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا
تَفْعَلُونَ ۱۱

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِي تَقَصَّتْ غَزْلَهَا مِنْ
بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا ۱۲ تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ
دَحْلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَى
مِنْ أُمَّةٍ ۱۳ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ ۱۴ وَلِيُبَيِّنَنَّ
لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنتُمْ فِيهِ
تَخْتَلِفُونَ ۱۵

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً
وَلَكِنْ يَفْضِلُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ ۱۶
وَلْتَسْأَلْنِ عَمَّا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۱۷

وَلَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَحْلًا بَيْنَكُمْ
فَتَنَزَلَ مِنْكُمْ لَحْمٌ مَذْجُومٌ ۱۸
السُّوءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ۱۹

وَلَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۱۵﴾

بدانچه از راه خدا بازمیداشتید و

شمارا عذابی بزرگ باشد(۹۵)

و بيمان خدای را ببهایی ناقابل

معاوضه نکنید. یقیناً آنچه نزد خدا

است برای شما فقط آن نیکو

است اگر شما میدانید(۹۶)

آنچه نزد شماست تمام میشود و

آنچه نزد خداست باقی میماند و

حتماً مزد دهم آنانرا که صبر کردند

مزد ایشان مطابق آن نیکو ترین

عمل که انجام می دادند(۹۷)

هر که نیکو کاریها انجام دهد مرد

است یا زن و او مومن است آن

گاه یقیناً او را زنده نگهداریم به

زندگی پاکیزه و حتماً ایشان را

پاداش دهم پاداش ایشان به آن

بهترین عمل که انجام می

دادند(۹۸)

پس چون قرآن فروخوانی آنگاه

به خدا پناه ببر از شیطان رانده

شده(۹۹)

وَلَا تَسْتَرْوْا بِعَهْدِ اللَّهِ ثُمَّ قَلِيلًا إِلَّا مِمَّا

عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ

تَعْلَمُونَ ﴿۱۶﴾

مَاعِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ ۚ

وَلَنَجْزِيَنَ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ

بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۷﴾

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ

مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيٰوةً طَيِّبَةً ۚ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ

أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۸﴾

فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ

الشَّيْطٰنِ الرَّجِيْمِ ﴿۱۹﴾

البته او را غلبه ی برآنان نیست که ایمان آوردند و بر پروردگار خود توکل میکنند (۱۰۰)

غلبه او فقط برآنها است که او را دوست میگیرند و کسانی که به او ^{۱۴} [خدا] شرک آوردگانند (۱۰۱)

و چون آیتی بجای آیتی تبدیل کنیم و خدا نیکوتر میدانند آنچه نازل کند گویند، توفیق فرابانده ای. حقیقت اینست که بیشتر از ایشان نمیدانند (۱۰۲)

بگو. روح القدس آنها را از جانب پروردگار تو بحق نازل کرده است تا آنکه ایمان آورده اند را ثبات دهد و مسلمانان را هدایت و مژده باشد (۱۰۳)

و البته ما میدانیم آنها میگویند که او را فقط بشری آموخته است. زبان آنکه بدو این امر بسته شود اعجمی است در حالیکه این [قرآن در] زبان عربی [رسا و] روشن

إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطٰنٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿١٠٠﴾

إِنَّمَا سُلْطٰنُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ ﴿١٠١﴾

وَإِذْ بَدَلْنَا آيَةً مَّكَانَ آيَةٍ ۗ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَنْزِلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ ۗ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٠٢﴾

قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ ﴿١٠٣﴾

وَلَقَدْ نَعَلِمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ ۗ لِسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَبِي ۗ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ ﴿١٠٤﴾

است (۱۰۴)

مانا! آنکه به آیت‌های خدا ایمان
نمی‌آورند خدا آنها را هدایت نمی‌دهد
و آنها را عذابی دردناکست (۱۰۵)
دروغ تنها آنها بهم می‌بافد که به
آیات خدا ایمان نمی‌آیند و مانها
دروغ پردازانند (۱۰۶)

مرکه پس از ایمان خود به خدا
انکار و رزد مگر آنکه و ادا کرده
شود حال آنکه دلش مطمئن بر
ایمان است [بری الذمه است] و
اما کسانی که سینه بکفر باز کردند
پس بر آنها غضب از خدا است و
برایشان عذابی بزرگست (۱۰۷)
اینست چه آنها در مقابل آخرت
زندگی دنیا را برگزیدند و اینکه
خدا قوم کافران را هدایت نمی
دهد (۱۰۸)

مانهاند که خدا بر دلهاشان و گوش
هاشان و چشمانشان مهر نهاده است
و مانها غفلتکارانند (۱۰۹)

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ
لَا يَهْدِيهِمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٠٥﴾

إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكُذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
بِآيَاتِ اللَّهِ ۗ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكٰذِبُونَ ﴿١٠٦﴾

مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ
أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلٰكِنْ
مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ
غَضَبٌ مِّنَ اللَّهِ ۗ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٠٧﴾

ذٰلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحَبُّوا الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا عَلَى
الْآخِرَةِ ۗ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
الْكَافِرِينَ ﴿١٠٨﴾

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ
وَسَمِعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ ۗ وَأُولَٰئِكَ هُمُ
الْغٰفِلُونَ ﴿١٠٩﴾

لاجرم همانند که در آخرت آنها
زیانکارانند (۱۱۰)

سپس یقیناً پروردگارتو برای
آنان که بعد از اینکه به فتنه مبتلا
کرده شدند مجرت کردند بازجهد
کردند و صبر کردند حتماً پروردگار
تو پس از این فراخ آمرزش بارها
رحم کننده است (۱۱۱)

روزی که هرکس در دفاع جان خود
جدل کننده آید و هرکس آنچه او
عمل کرد تمام داده شود و آنان
ستم کرده نشوند (۱۱۲)

و خدا مثل شهری میزند که جای
ایمن و آرام بود. آن را رزقش از
هر سو فراوان می‌آمد. پس آن از
نعمتهای خدا ناسپاسی کرد. پس خدا
آنرا جامهٔ گرسنگی و بیم پوشاند
بعلت آن اعمال [ساکنان آن] که
می کردند (۱۱۳)

و یقیناً ایشان را رسولی از خودشان
آمد. پس او را تکذیب کردند.

لَا جَرَمَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْخٰسِرُونَ ﴿۱۱۰﴾

ثُمَّ اِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِيْنَ هَاجَرُوْا مِنْۢ بَعْدِ مَا
فُتِنُوْا ثُمَّ جَهِدُوْا وَصَبَرُوْا اِنَّ رَبَّكَ
مِنْۢ بَعْدِهَا غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿۱۱۱﴾

يَوْمَ تَأْتِيْ كُلُّ نَفْسٍ تُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا
وَتُوْفَىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُمْ
لَا يُظْلَمُوْنَ ﴿۱۱۲﴾

وَضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ اٰمِنَةً
مُّطْمَئِنَّةً يَّاتِيْهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْۢ كُلِّ
مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِاَنْعَمِ اللّٰهِ فَآذَقَهَا اللّٰهُ
لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوْا
يَصْنَعُوْنَ ﴿۱۱۳﴾

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُوْلٌ مِنْهُمْ فَكَذَّبُوْهُ
فَاَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَهُمْ ظٰلِمُوْنَ ﴿۱۱۴﴾

آنگاه عذاب آنها را در گرفت حالی

که آنها ستمکاران بودند (۱۱۴)

پس بخورید حلال و پاکیزه های از

آنچه خدا بشمارزق داده است و به

نعمت خدا شکر کنید اگر شماعبادت

را خاص او میگذارید (۱۱۵)

او بر شما حرام کرده است فقط

مردار و خون و گوشت خوک و آن

چیز را که بر آن نامی بغیر از خدا

برده شود. پس آنکه ناچار گردد

و خواهشمند و تجاوزگرنیست آن

گاه یقیناً خدا فراه آمرزش بارها

رحمکننده است (۱۱۶)

و نگویید برای آنچه زبانهایتان

دروغ ستاید که این حلال است و

این حرام است تا بر خدا بر بافید

همانا کسانی که بر خدا بر بافند موفق

نمی شوند (۱۱۷)

بهره ی است ناچیز [که میگردند]

و آنها را عذابی دردناکست (۱۱۸)

و بر آنانکه یهود شدند حرام ساخت

فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا

وَأَشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنَّ كُنتُمْ لِيَّاهُ

تَعْبُدُونَ ﴿١١٥﴾

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ

الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ

اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ

رَحِيمٌ ﴿١١٦﴾

وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتَكُمُ

الْكُذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَهَذَا حَرَامٌ

لِتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ إِنَّ الَّذِينَ

يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ لَا يُفْلِحُونَ ﴿١١٧﴾

مَتَاعٌ قَلِيلٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١١٨﴾

وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا مَا قَصَصْنَا

بودیم آنچه بیش از این بر شما بیان کرده ایم و ما بر آنها ستم نکردیم بلکه آنها خود بر جانهای خود ستم می کردند (۱۱۹)

سپس یقیناً پروردگارتو برای آنان که بنادانی بدی کردند، سپس توبه و اصلاح کردند یقیناً پروردگار تو بعد از آن فراخ آمرزش بارها رحمکننده است (۱۲۰)

یقیناً ابراهیم [خودش] يك امت بود که برای خدا فرمانبردار و مدام بسوی او متمایل و از مشرکان نبود (۱۲۱)

برای نعمتهای او سپاسگذار بود - خدا او را برگزید و او را بصراط مستقیم هدایت کرد (۱۲۲) و در دادیم خوبی او را در دنیا و در آخرت یقیناً او از شایسته کاران است (۱۲۳)

سپس بسوی تو وحی فرستادیم که ملت ابراهیم حنیف را پیروی

عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ^ع وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ^ع

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا غَفُورٌ رَحِيمٌ^ع

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا^ط وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ^ع

شَاكِرًا لِلْإِنْعَامِ^ط اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ^ع

وَأَتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً^ط وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ^ع

ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا^ط وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ^ع

کن و او از مشرکان نبود (۱۲۴)
 یقیناً سبست بر آنان [آزمایش] قرار
 داده شد که در آن اختلاف کردند
 و یقیناً پروردگار تو روز قیامت
 بین آنها قضاوت کند در امری که
 در آن اختلاف میکردند (۱۲۵)

بخوان بسوی راه خدا با حکمت و
 اندر زنیکو و ستیزه کن با آنها با
 آن [دلیل] که نیکوتر است. یقیناً
 پروردگار تو داناترست به آنکه
 از راه او گمراه گردد و هم داناتر
 به هدایت یافتگان است (۱۲۶)

و اگر عقوبت کنی آنگاه عقوبت
 کنی همانند آنچه شماعقوبت شدید
 و اگر صبر کنی یقیناً این برای صبر
 کنندگان نیکوتر است (۱۲۷)

و صبر کن و صبر تو فقط بخاطر خدا
 است و بر آنها غم نخور و در تنگی
 نباش از آنچه نیرنگ زنند (۱۲۸)
 یقیناً خدا با آنانست که تقوی کنند
 و آنانکه احسان کنندگانند (۱۲۹)

إِنَّمَا جُعِلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا
 فِيهِ ۗ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ
 الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١٢٥﴾

أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ
 وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي
 هِيَ أَحْسَنُ ۗ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ
 ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ
 بِالْمُهْتَدِينَ ﴿١٢٦﴾

وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا
 عُوقِبْتُمْ بِهِ ۗ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ
 لِلصَّابِرِينَ ﴿١٢٧﴾

وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا
 تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا
 يَمْكُرُونَ ﴿١٢٨﴾

إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ
 مُحْسِنُونَ ﴿١٢٩﴾

۱۷ - بنی اسرائیل

این سوره مکی است و با بسم الله ۱۱۲ آیت دارد. این سوره الاسراء نیز نامیده میشود.

آن موضوع ارتقاء روحانی آنحضرت ﷺ که در سوره گذشته جاری بود ذکرش در این سوره نیز ادامه دارد. ایشان را نشان داده شد که آن سفر نبوتها که در فلسطین پایان رسید سفر رسالت شما در آنجا تمام نشده بلکه از آنجا بسوی بلندیها بیشتر سر به آغاز نهاده است. ضمن ذکر از نبوت حضرت موسی علیه السلام توضیح داده شد که اگرچه ایشان نیز دارای رتبه ای بالاتر بودند اما حضرت محمد ﷺ به رتبه ای بالا ترین برخوردار شدند. این سوره اکنون ذکر یهود را به این نحو نقل میکند که ایشان ناشی از جرما از فلسطین میهن خود تبعید کرده شدند و بندگان سختگیر از جانب خدا بر ایشان مسلط گردیدند. این بندگان به کوچهای ایشان داخل شده پیش روی پرشتاب کرده تمامی شهر را به نابودی کشیدند. اما خداوند برایشان يك شانس دیگر فراهم میآورد که ایشان فلسطین را در تحت تسلط خود درآورند بطوریکه شرایط کنونی زمان حاکی از آن حقیقت است. در عین حال این نیز واضح کرده شد که اگر آنان از روی توبه بر سر مردم دست مهر نه نهادند در آنصورت نه بعلمت جنگ با مسلمانان بلکه خدا خود آنان را از فلسطین بیرون رانده و بندگان نیکوکار خود را به پادشاهی فلسطین برگزیند. بدیهی است که مسلمانان را بر فلسطین غلبه بدست نمیآید تا آن نهایت که دارای شرایطی مربوط به بندگان نیکوکار نباشند.

سپس سخن از آن بدیها میرود که یهودیان را بعلت سختدلی ایشان فراگرفته بود یعنی بخل، ول خرجی، زنا، قتل و غارتگری، مال یتیم را خوردن، عهدشکنی و تکبر و غیره و مسلمانان توصیه شدند که از اختیار کردن این اعمال دوری گزینند.

ضمناً این سوره حاکی است که هنگامیکه تو از این قرآن عظیم تلاوت میکنی آنان فاقد فهمیدن آنند. آنان به شرك تا آن نهایت خوی گرفته اند که بمحض ذکر ازیکتائی خداوند روی برگردانده بطوری پابفرار مینهند که گویی آنها در سخن توحید هیچ علاقه ای ندارند. پس ناشی از انکار خدا ایمان آنان به روز بازپسین نیز کلیه برطرف میشود و قومیکه به روز آخرت ایمان نیآوردند و جوابگویی خود قائل نیستند آنان در جریمکاری قدم خود را آزادانه و پیوسته جلو تر مینهند.

پس از آن اشاره به آن رویاء رسول ﷺ است در چه ایشان در حالت مکاشفه ای اوضاع فلسطین بنمایش گذارده شدند و باز ایشان در بلندهای روحانی بیشتر درآمدند.

سپس نسبت به شجره ملعون تعریف شد که منظور از این آن یهودیان اند که در پایان سوره الفاتحه ذکر شدند که آنان همواره مورد غضب هم از خدای متعال قرار گیرند و هم از بندگانش. مردمانیکه به غضب و انتقام عادت کنند مثل ایشان مانند آتش است که نشوونما را نابود میسازد. در مقابل این، بندگان فروتن خاصیت "طین" را همراه دارند که هر نوع نشوونما از وسیله ایشان میشود. پس این ذکر دال بر اینست که یهودیان پیوسته تلاش کنند که کوششهای سودمند آنحضرت ﷺ را به نابودی کشند و گمان کنند که چطور

اینان که از گل نشوونما میبندند بتوانند مارا مقابله کنند. اما نشوونما اینهمه دنیا این امر را اثبات میکند که هیچگاه آتش نمیتواند رشدونمو پدید آمده از قدرت خدا را نابود سازد. کلیه باغستانها و سبزه زارها به این دلیل گواهی بپا ایستاده اند.

پس از این آن آیتهای قرآن اند که با کلمات "اقم الصلوات" شروع می شوند و مقام محمود رسول ﷺ را تذکر میدهند. پس با این وجود که مخالفان به مذمت ایشان تلاش کنند ولی خدای متعال مدام ایشان را به رتبه ای بالاتر ترفیع می دهد. گویی که خداوند حین عمل ارتقاء روحانی ایشان را بر مقام بالاترین به این رنگ ترفیع داد که تدریجاً ایشان به مقام محمود نایل شوند. البته این رتبه بی تلاش و بی هیچ بدست نمیرسد. برای این فرمان است "فتجهد به نافلة لك". برای این شبها برپا بر خیز و مدام به دعاها بپرداز.

اینك این عمل به رسیدن مقام محمود همان در حیات رسول ﷺ شروع شد و دشمنان بچشم خود دیدند چون ایشان بظاهر مغلوب از خاک مکه خارج شدند. در عین حال در آن زمان در این سوره يك پیشگوئی نیز شد که تو دوباره وارد این شهر شده و اعلام خواهی کرد "جاء الحق و زهق الباطل انّ الباطل كان زهوقاً" - حق آمد و باطل فرار کرد و باطل را فرار مقدر بود. اینست چنانکه با آمدن نور تاریکی فرار میکند.

پس از آن آیت ۸۶ متعلق به روح است. گاهی که مردم از رسول الله ﷺ پرسیدند که روح چیست، خداوند پاسخ داد که بگو نیست روح مگر امر پروردگارم.

مسیحیان به روح الله بودن حضرت عیسیٰ علیه السلام اعتقاد دارند و

مسلمانان نیز ایشان را همینطور لقب میکنند. اما این امر حضرت عیسی را در جای ویژه نمی نشانند. چنانکه هر کدام آفریده آفرینش خود را با امر خدا آغاز کرد، بر همین منوال حضرت عیسی نیز با امر خدا آفریده شدند.

در زمینه موضوع فوق در پایان این سوره شرح کشفی داده میشود که حضرت عیسی را بمحض این علت که ایشان بلا نسبت پدری بدنیا آمدند بر مقام پسر خدا برگزیده شوند، ظلمی بسیار بزرگست. ستایش مطلق فقط از آن خدا است. او را به هیچ پسری نیاز نیست و نه کسی در ملکش او را شریک است. هیچگاه او چنین رفیق رانیاز نداشت که گویی در حالت ناتوانی او را مددگار شود.

☆ سُورَةُ بَنِي إِسْرَائِيلَ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ مِائَةٌ وَاثْنَتَا عَشْرَةَ آيَةً وَاثْنَا عَشَرَ رُكُوعًا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ① بِحَقِّ

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا

پاك است آنكه بنده خود را منگام

مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا

شب از مسجد حرام تا آن مسجد

الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ الْأَيْتَانِ

اقصى برد كه حومه آنرا بركت

داده ایم تا او را از آیتهای خود

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ②

نشاندهیم. یقیناً او بسیار شنوای

بینا است (۲) ++

وَأَتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى

و به موسی کتاب دادیم و آنرا

لِبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا تَتَّخِذُوا مِن دُونِي

برای بنی اسرائیل هدایت نمودیم

++ آیت ۲: قرآن مجید حاکی از دو سفر روحانی رسول الله ﷺ است - یکی را

اسراء گویند و دومین معراج است. ضمن اسراء ایشان به دیدار فلسطین برده

شدند که دال بر رفتن با جسم ظاهری نیست بلکه دیدار روحانی است. زیرا

آنگاه که فردی برپا شد و پرسید که بفرمایید که فلان فلان ساختمان فلسطین

چگونه است. در حدیث است که آنگاه آن ساختمان جلوی چشمان آنحضرت ﷺ

پدیدار شد و ایشان آنرا رویت کرده پرسش آنکس را پاسخ گفتند. چنانچه در

حدیث بخاری است: "لما كذبتني تريت قم في الحجر فجلى لي الله لي بيت المقدس

فطفت اخبرهم عن آياته و انا انظر اليه" - بخاری کتاب التفسیر سورة بنی

اسرائیل.

وَكَيْلًا ①

که از من گذشته کارسازی نه
گزینید(۳)

ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ ۱ إِنَّهٗ كَانَ
عَبْدًا شَكُورًا ②

[ایشان] فرزندزادگان آنانند که با
نوح سوار کرده بودیم یقیناً او
بندهٔ سپاسگذار بود(۴)

وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ
لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ
عُلُوًّا كَبِيرًا ③

و در کتاب به بنی اسرائیل این
سرنوشت اعلام کرده بودیم که
حتماً دوبار در زمین فساد کنید و
سرکشی بزرگ کرده تسلط فرا
گیرید(۵) ++

فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ
عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بِأْسِ شَدِيدٍ فَجَاسُوا
خِلَالَ الدِّيَارِ ۱ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا ④

پس چون اولین آندو وعده فرا
رسید برخلاف شما چنین بندگان
خود را برپا کردیم که سخت جنگ
آوردند. پس آنها در میان شهرها
غارت و خسارت کرده داخل
شدند و این وعدهٔ حتمی الوقوع
بود(۶) ++

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ
وَأَمَدَدْنَكُمْ بِأَمْوَالِ الْوَبْنِيِّنَ وَجَعَلْنَكُمْ
أَكْثَرَ نَفِيرًا ⑤

سپس برای شما سلطهٔ را بر آنها
بازگردانیدیم و شما را با دارائیه‌ها
و اولاد یاری دادیم و شما را
گروهی بزرگتر ساختیم(۷) +++

إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ^{تد}
 وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا^ط فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ
 الْآخِرَةِ لِيَسُوءَ أَوْجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا
 الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ
 وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا^٥

اگر نیکوکاری کنید جهت خودتان
 نیکوکاری کنید و اگر بدی کنید پس
 [آنها] جهت خودتانست. پس چون
 وعده دومین برسد [حمله بردگان]
 چهره هایتانرا مایوس سازند و
 بداخل مسجد شوند بطوریکه بار
 اول داخل شدند و بر هر چه غلبه
 یابندرا کاملاً نابود سازند (۸) ++

عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُم^ع وَإِنْ عُدْتُمْ
 عُدْنَا^ط وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا^٥

امکان دارد که پروردگارتان بر شما
 ترحم کند و اگر تکرار کنید مایه
 تکرار کنیم و جهنم را برای کافران
 فراگیرنده قرار داده ایم (۹) ++

آیات ۵-۹: طبق تقدیر خداوند چون بنی اسرائیل در زشتکاریها خود غرق شدند
 نبودند و عملاً آنانرا نیست و نابود کردند و یاباه مهاجرنشینی و ادا شدند. پس چون خداوند
 بنوبت اول وعده، بنی اسرائیل را بر فلسطین سلطه داد پس ترحم کرده در عدد و
 دارائی ایشان برکت نهاد و توصیه کرد که اگر حسن سلوک را بکار گرفتید برفع خود
 شمامست و اگر زشتکاریها را تکرار کنید بزیاقتان تمام شود. چون در زمان آخر
 فلسطین چیره شوند علتش زشتکاریهای مسلمانان باشد و باز به آزمایش افکنده
 شوند. اگر آنان در منطق مفتوح داد و رحمت را پیش گیرند غلبه ایشان بطول انجامد.
 بعکس میچ قوم را با آنان یارائی مقابله نباشد که ایشانرا سرنگون سازد بلکه خداوند
 چنین اسباب را پدید آورد که ابرقدرتها از یاری ایشان دست بکشند.

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ
وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ
الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا ﴿١٠﴾

یقیناً این قرآن جهت آن [راه]
هدایت میکند که استوارتر است
و به آن مومنان که نیکوکاری کنند
مژده میدهد که ایشانرا پاداشی
بسیار بزرگ است (۱۰)

وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ
أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١١﴾

و اینکه کسانی که به آخرت ایمان
نمیآورند برای آنها عذابی دردناک
آماده کرده ایم (۱۱)

وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ
وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا ﴿١٢﴾

و انسان بدی را میخواند بطوری
که او خیر را میطلبد و انسان
بسیار عجول است (۱۲)

وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتٍ فَمَحَوْنَا آيَةَ
الَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً
لِتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ
السِّنِينَ وَالْحِسَابِ وَكُلُّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ
تَقْصِيلًا ﴿١٣﴾

و شب و روز را دونشانه قرار
دادیم پس نشانه شب را محو می
نمایم و نشانه روز را بصیرت بخش
میگردانیم تا فضل پروردگار خود
را تلاش کنید و تا شمارسالها و
حساب را بدانید و ما هر امری
را تفصیل داده ایم (۱۳)

وَ كُلِّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَبْعَهُ فِي عُنُقِهِ
وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ

و هر انسانی را نامه عملش در گردن
او افکنده ایم و روز قیامت برایش
کتابی در آوریم که آنرا گشوده

یابد(۱۴) ++

مَنْشُورًا ⑩

کتاب خود را بخوان. امروز نفس تو برای محاسبه تو بس است(۱۵)
 هر که هدایت یابد پس فقط برای جان خود هدایت مییابد و هر که گمراه گردد خلاف آن [جان خود گمراه] است. و هیچ باربرداری بار دیگری را بر ندارد و نیستیم ماکه معذب کنیم تا آنگاه که رسولی را بر نیانگیزیم(۱۶)

إِقْرَأْ كِتَابَكَ ۱ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا ۱۰
 مَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ ۚ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا ۗ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۗ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا ۱۱

وهرگاه قصد کنیم که شهری را هلاک سازیم فرمان کنیم خوشحالان آن را [که خودخواهی کنند]. پس آنها در آن فسق و فجور کنند آنگاه قول بر آنها صادق میکند. پس ما آنها را نیست و نابود میسازیم(۱۷)

وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا ۱۷

وای بسا مردم را پس از نوح هلاک

وَكَمَ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِنْ بَعْدِ

++ آیت ۱۴: اینجا طائر بمعنای پرندۀ ای نیست که در گردن مرکب افکنده شود بلکه بمعنای نامه عمل است که اگرچه بظاهر افکنده ی نیست ولی روز قیامت آشکار گردد. این کلام رمزی است بطوریکه حافظ نیز سرود. "گردان را بی خطر سرمیبرند" و اینجا گردان بمعنای شاعران نام دار و بزرگ و عالم اند.

کردیم و پروردگارتو به گنامان

بندگان خود آگامی بینا است (۱۸)

هر که زندگانی این دنیا میخواید

ما هر چه بخواهیم برای آنکه قصد

کنیم برای او عاجلانه در همین

دنیا میدهم سپس برای او جهنم

ساخته ایم که سخت نکومیده و

رانده وارد آن میگردد (۱۹)

و هر که آخرت را آهنگ کرد و

برای آن سزاوار آن میکوشد و او

مومنست پس همانها اند که کوشش

آنان لائق تشکراست (۲۰)

ما از عطای پروردگارتو اینان و

آنان همه را کم میکنیم و عطای

پروردگارتو باز داشته نشود (۲۱)

نگاه کن چگونه بعضی را از آنها

بر بعضی برتری دادیم و آخرت هم

در درجات بزرگتر است و هم در

فضیلت دادن بزرگتر است (۲۲)

انبازی با خدا نگرینید و الان کومیده

بی یار و یاور میسانی (۲۳)

نُوحٌ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ

خَيْرًا بَصِيرًا ﴿۱۸﴾

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا

نَشَاءُ لِمَنْ تُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ

يَصْلُهَا مَذْمُومًا مَذْحُورًا ﴿۱۹﴾

وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا

وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ

مَشْكُورًا ﴿۲۰﴾

كُلًّا لِمَدَّ هُوَ لَاءٌ وَهُوَ لَاءٌ مِنْ عَطَاءِ

رَبِّكَ ۗ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ

مَحْظُورًا ﴿۲۱﴾

أَنْظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ ۗ

وَلِلْآخِرَةِ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ

تَفْضِيلًا ﴿۲۲﴾

لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعَدَ

مَذْمُومًا مَذْحُورًا ﴿۲۳﴾

و پروردگارتو گذرانیده است که جز او هیچ راعبادت نکنید و به والدین احسان کنید. اگر یکی از آندو یا هر دوی نزد تو به پیری برسند پس به آندوی نگو اف و نه آن دوی را سرزنش کن و با آندوی کریمانه گفتگو کن (۲۴)

و برای آندو از ترحم بال فروتنی بگستران و بگو، پروردگارا! بر ایندو ترحم فرما بطوریکه ایشان در کودکی مرا پروریدند (۲۵)

پروردگارتان داناتراست آنچه درد لهایتانست. اگر شمانیکو کاران اید آنگاه یقیناً او بسیار توبه کنندگان را آمرزنده است (۲۶)

و به خویشی حقش بده و هم به مسکین و به درمانده راه و ول خرجی مکن (۲۷)

حتماً و لخرج کنندگان برادران شیطانها اند و شیطان ناسپاس پروردگار خود است (۲۸)

وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ
وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ۗ إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ
الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَيْهِمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا
أَقِبٌ وَلَا تَهْرَهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا
كَرِيمًا ﴿٢٤﴾

وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ
وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي
صَغِيرًا ﴿٢٥﴾

رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ ۗ إِنَّ
تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ
غَفُورًا ﴿٢٦﴾

وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمَسْكِينِ وَالْبَنِ
السَّبِيلِ وَلَا تَبْذُرْ بِنْدِيرًا ﴿٢٧﴾

إِنَّ الْمُبْذِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيْطَانِ ۗ
وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا ﴿٢٨﴾

و اگر تو را از آنها اعراض کردنی است. به آرزوی رحمت پروردگار خود که برایش امید داری باز برای آنها سخنی نرم بگو (۲۹)

و دست خود را به گردن خود بسته مدار و نه آنرا بگشا تمام گشاده که نکوهیده و حسرت زده بنشین (۳۰)

هرآینه پروردگار تو برای هر که بخواهد رزق را تنگ میگرداند و میگشاید. یقیناً او به بندگان خود آگاهی بینا است (۳۱)

و اولاد خود را از بیم تنگدستی مکشید. این مائیم که هم به آنها رزق میدهم و هم به شما. کشتن آنان خطای بزرگ است (۳۲)

و نزدیک زنا نروید. یقیناً آن فحشائی است و راهی بسیار زشت است (۳۳)

و نفسی که خدا آنرا حرمت داده است بناحق نکشید و آنکه مظلوم

وَ اِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمْ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِّنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَّهُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا ﴿۲۹﴾

وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ
وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسِطِ فَتَقْعَدَ مَلُومًا
مَّحْسُورًا ﴿۳۰﴾

إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ
وَيَقْدِرُ ۗ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا
بَصِيرًا ﴿۳۱﴾

وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشِيَةَ إِمْلَاقٍ ۗ
نَحْنُ نُرْزِقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ ۗ إِنَّ قَتْلَهُمْ
كَانَ خَطَاً كَبِيرًا ﴿۳۲﴾

وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنَىٰ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً
وَسَاءَ سَبِيلًا ﴿۳۳﴾

وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا
بِالْحَقِّ ۗ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا

کشته شود پس یقیناً ما وارث او
 را حق [از عوض] استوار داده ایم.
 پس او در مورد قتل تجاوز نکند.
 یقیناً او مورد تائید گرفته شده
 است (۳۴)

و نزدیک به دارائی یتیم نروید
 جز با آنطور که نیکوترست تا آن
 زمان که به سن بلوغ خود برسد
 و به عهد وفا کنید. هر آینه از عهد
 پرسیده شود (۳۵)

و کیل را تمام دهید چون کیل
 کنید با ترازوی راست وزن کنید
 اینکار نیکو و انجامکار نیکوتر
 است (۳۶)

و دنبال نکن آنچه تو را به آن
 هیچ دانشی نیست. یقیناً گوش و
 چشم و دل - جهت هر کدام از آنها
 پرسیده شود (۳۷)

و در زمین بزرگی کرده راه مرو.
 یقیناً هرگز نمیتوانی زمین را
 بشکافی و هرگز بلندی کوهها را

لَوْلِيهِ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ ۞^ط
 اِنَّهٗ كَانَ مَنصُورًا ۞

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيْمِ اِلَّا بِالَّتِي هِيَ
 اَحْسَنُ حَتّٰى يَبْلُغَ اَشَدَّهٗ ۞^و وَاَوْفُوا
 بِالْعَهْدِ ۞ اِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُوْلًا ۞^{۳۵}

وَاَوْفُوا الْكَيْلَ اِذَا كَلْتُمْ وَزِنُوْا
 بِالْقِسْطِ اِسْمِ الْمُسْتَقِيْمِ ۞^ط ذٰلِكَ خَيْرٌ
 وَّ اَحْسَنُ تَاْوِيْلًا ۞^{۳۶}

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ ۞ اِنَّ
 السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ اُولٰٓئِكَ كَانَ
 عِنْدَهُ مَسْئُوْلًا ۞^{۳۷}

وَلَا تَمْشِ فِي الْاَرْضِ مَرَحًا ۞ اِنَّكَ لَنْ
 تَخْرِقَ الْاَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ
 طُوْلًا ۞^{۳۸}

نمیرسی (۳۸)

اینهمه امورات که زشتی آنها نزد پروردگارتو ناپسند است (۳۹)

این از آن سخنان پر حکمت است که پروردگارتو آنرا بسوی تو وحی کرد و معبودی دیگر را با خدا مگزین و گرنه نکومیده و رانده به جهنم افکنده میشوی (۴۰)

پس آیا پروردگارتان شمارا برای پسران برگزید و خود از فرشتگان دختران گرفت؟ حتماً سخنی بزرگ است که شما میگوئید (۴۱)

و یقیناً در این قرآن [آیتهای را] تکرار آبیان کرده ایم تا پند گیرند باینهمه جز نفرت کنان فرار کردن بر آنها چیزی نمی افزاید (۴۲)

بگو، اگر با او خدایانی بودند آنگونه که میگویند آنگاه حتماً راهی را بسوی صاحب عرش تلاش میکردند (۴۳)

او پاکست و بسیار بلندتر است

كُلَّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ
مَكْرُوهًا ﴿٣٩﴾

ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَى إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ
الْحِكْمَةِ ۗ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ
فَتُلْقَى فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَدْحُورًا ﴿٤٠﴾

أَفَأَصْفُكُمْ رَبُّكُمُ بِالْبَنِينَ وَ اتَّخَذَ
مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنَاثًا ۗ إِنَّكُمْ تَقُولُونَ
قَوْلًا عَظِيمًا ﴿٤١﴾

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ
لِيَذَّكَّرُوا ۗ وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا ﴿٤٢﴾

قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذَا
لَا بُتَغُوا إِلَى ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا ﴿٤٣﴾

سُبْحٰنَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ ۗ عُلُوًّا كَبِيرًا ﴿٤٤﴾

از آنچه میگویند (۴۴)

هفت آسمان وزمین و هر چه میان آنهاست اورا تسبیح میگویند و نیست چیزی مگر آن با حمد او تسبیح میگوید. اما شامتسبیح آنها را درک نمیکنید. یقیناً او بسیار

بردباری آمرزنده است (۴۵)

و هنگامیکه قرآن را تلاوت کنی ما میان شما و میان آنها که به آخرت ایمان نیآوردند پرده ای مخفی

می نهیم (۴۶)

و ما بر دلهای آنها نیز پرده می افکنیم که نتوانند آنرا درک کنند و در گوشهای آنها سنگینی میافکنیم و هنگامیکه تو در قرآن ذکر از پروردگارت میکنی که او یکتا است آنها از بی میلی بر پشتهای

خود بر میگردند (۴۷)

ما داناتریم به آنچه برای شنیدن آن تلاش کنند چون بسوی تو گوش باز دهند و چون آنها نجوی کنند

تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ
وَمَنْ فِيهِنَّ^ط وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ
بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ^ط
إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ۝

وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ
الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا
مَسْتُورًا ۝

وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ
يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا
ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا
عَلَىٰ آذَانِهِمْ نُفُورًا ۝

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ
يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَىٰ إِذْ

چون ستمکاران گویند شما فقط
از بی آنکس میروید که جادو
شده است (۴۸)

نگاه کن برای تو چه مثل‌های می
زنند. پس گمراه شده اند و نتوانند
به راه راست برسند (۴۹)

و گویند. آیا چون استخوان‌های محض
و ریزه ریزه شویم آیا واقعاً ما
به آفرینشی نوین برخیزانده
شویم؟ (۵۰)

بگو. سنگ شوید یا آهن (۵۱)
یا آفرینشی که به خاطر شما از آن
هم [در سستی] بزرگتر آید. پس حتماً
گویند، که ما را بازگرداند؟ بگو،
همانکه بار اول شمارا آفرید. آنگاه
بسوی تو [رو کرده] سرمای خود را
جنبش دهند و میپرسند، آن تا چند
بکشد؟ بگو، امکان دارد که زود
باشد (۵۲)

روزیکه شما را بخواند پس شما
با حمد او لبیک گوید و گمان

يَقُولُ الظَّالِمُونَ اِنْ تَتَّبِعُونَ اِلَّا رَجُلًا
مَّسْهُورًا ﴿٤٨﴾

اَنْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْاَمْثَالَ
فَصَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَدِيلاً ﴿٤٩﴾

وَقَالُوا اِذَا كُنَّا عِظَامًا وَّرَفَاتًا اِنَّا
لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ﴿٥٠﴾

قُلْ كُونُوا حِجَارَةً اَوْ حَدِيدًا ﴿٥١﴾
اَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ
فَيَقُولُونَ مَنْ يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِي
فَطَرَكُمْ اَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ
اِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَى هُوَ
قُلْ عَسَى اَنْ يَكُونَ قَرِيْبًا ﴿٥٢﴾

يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ
وَتَتَّظِنُونَ اِنْ لَبِثْتُمْ اِلَّا قَلِيْلًا ﴿٥٣﴾

کنید که مکت نکردید جز مدتی

اندک (۵۳)

و بگوبه بندگانم بگویند آن سخن
که آن نیکوتر است. یقیناً شیطان
میان ایشان ستیزه بر میانگیزد
یقیناً شیطان انسان را دشمنی

آشکار است (۵۴)

پروردگارتان داناتر به شما است
اگر خواهد بر شما ترحم کند و اگر
خواهد بشما عذاب میدهد و تورا
بر آنها داروغه فرستاده ایم (۵۵)

و پروردگارتون نیکوتر میداند آن
را که در آسمانهاست و در زمین و
یقیناً ما بعضی از پیمبران را بر
بعضی برتری داده ایم و داود را

زبور دادیم (۵۶)

بگو. بخوانید آنها را که گذشته از
او چیزی گمان میکردید. پس [نگاه
کنید] که نتوانند سختی را از شما
دور کنند و نتوانند آنها را تبدیل

کنند (۵۷)

وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ۖ
إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ ۖ إِنَّ الشَّيْطَانَ
كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا ﴿٥٤﴾

رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ ۖ إِنَّ يَسَاءَ يَرْحَمُكُمْ أَوْ
إِنَّ يَسَاءَ يُعَذِّبُكُمْ ۖ وَمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ
وَكَيْلًا ﴿٥٥﴾

وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَنْ فِي السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ ۖ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ
عَلَى بَعْضٍ ۖ وَآتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا ﴿٥٦﴾

قُلْ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا
يَمْلِكُونَ كَشْفِ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَلَا
تَحْوِيلًا ﴿٥٧﴾

آنها را که اینها میخوانند آنها که [خود] بسوی پروردگار خود وسیله ای تلاش کنند که کدامین آنها [از روی وسیله] سزاوارتر است و رحمت او را امید داشته و از عذاب او خواهند ترسید. یقیناً از عذاب پروردگار تو باید ترسید (۵۸)

و هیچ شهری نیست مگر ما آنرا بیش از روز قیامت هلاک کننده یا آنرا سخت عذاب دهنده ایم. این در کتاب مرقوم است (۵۹)

و چیزی ما را باز نداشت که آیتهای خود را بفرستیم مگر که پیشینیان به آنها انکار کرده بودند و نمود را ناه آیتی بصیرت افروز دادیم پس آنها به آن ستم کردند و ما آیتها نمیفرستیم جز بتدریج ترساندن (۶۰)

و چون به تو گفتیم که یقیناً پروردگار تو مردم را احاطه کرده است و آن رویاء که به تو نشان

أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَى رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا ﴿۵۸﴾

وَإِنْ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا ۖ كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا ﴿۵۹﴾

وَمَا مَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأَوْلُونَ ۖ وَاتَّبِعُوا مَوَدَّةَ الثَّاقَةِ مَبْصُرَةً فَظَلَمُوا بِهَا ۖ وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا تَخْوِيفًا ﴿۶۰﴾

وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ ۚ وَمَا جَعَلْنَا الرُّءْيَا الَّتِي آرَيْتَكَ إِلَّا فِتْنَةً لِّلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ ۚ

وَنُحَوِّفُهُمْ ۗ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا
كَبِيرًا ۝۱۱

دادیم تنها آزمایشی برای مردم
بودو آن درخت نیزکه در قرآن
ملعون است و ما آنها را بتدریج
میتراسانیم. بازهم آن بر آنها فقط

سرکشی بزرگ میفزاید (۶۱)

و چون به فرشتگان گفتیم که
برای آدم سجده کنید پس همه
ایشان سجده کردند جز ابلیس. او
گفت، آیا سجده کنم برای آنکس که

او را از گل خلق کردی؟ (۶۲)

او گفت، مرا حالی کن، اینست آنکه
را بر من برتری داده ای؟ اگر مرا
تا روز قیامت فرصت دهی حتماً نژاد

او جز اندک راهلاک سازم (۶۳)

فرمود، برو پس هر که از آنها از
تو متابعت کند آنگاه حتماً پاداش
جهنم پاداشی کامل شماست (۶۴)

و هر که از آنها را توانستی بصدای
خود بفریب و با سواران خود و
با پیادگان خود بر آنها بتاز و در
مالها و فرزندان با آنها شرکت کن و

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ
فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ ۖ قَالَ ءَأَسْجُدُ لِمَنْ
خَلَقْتُ طِينًا ۝۱۱

قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ
لَئِن آخَرْتَنِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا خُتُوكَنَّ
ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا ۝۱۲

قَالَ أَذْهَبُ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ
جَهَنَّمَ جَزَاءٌ وَكُمُ جَزَاءٌ مَّوْفُورًا ۝۱۳

وَاسْتَفْزِرُ مِنْ أَسْطِطَعَتْ مِنْهُمْ
بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبُ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ
وَرَجْلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ

وَالْأَوْلَادِ وَعِدَّهُمْ ^ط وَمَا يَعِدُهُمُ
الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ^{۱۵}
إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَنٌ
وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا ^{۱۶}

آنرا و وعده هابده و شیطان آنرا
جز فریب هیچ وعده ای ندمد (۶۵)
هرآینه بندگانم اند که ترا بر آنان
هیچ چیرگی نیست و پروردگار
تو بس کارسازی است (۶۶)

رَبُّكُمْ الَّذِي يُزْجِي لَكُمْ الْفُلْكَ
فِي الْبَحْرِ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ ^ط إِنَّهُ كَانَ
بِكُمْ رَحِيمًا ^{۱۷}

پروردگار تو آنست که برای شما
کشتیهارا در دریا میراند تا شافضل
او را تلاش کنید. یقیناً او بر شما
بارها رحمکننده است (۶۷)

وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ
تَدْعُونَ إِلَّا آيَاتِهِ ^ط فَلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ
أَعْرَضْتُمْ ^ط وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا ^{۱۸}

و چون شمارا در دریا سختی میرسد
هر که را جز او میخوانید ناپیدا
میشود. پس چون او شمارا بسوی
خشکی نجات دهد از او پهلوتی
کنید و انسان ناسپاس است (۶۸)

أَفَأَمِنْتُمْ أَنْ يُخْصِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ
يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا
لَكُمْ وَكِيلًا ^{۱۹}

پس آیا شما ایمن شدید که او شما
را جانب دشت به خاک فروبرد یا
بر شما بادی تند ریگ افشان
بفرستد و باز هیچ کارسازی
برای خود نیابد (۶۹)

أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَىٰ
فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِنَ الرِّيحِ

یا ایمن شدید که بار دیگر شمارا
در آن [دریا] برگرداند و بادی تند

بر شما بوزاند و شمارا غرق سازد
چه ناسپاسی میکردید سپس برای
خود بر خلاف ما هیچ انتقام
گیرنده به آن نیابید(۷۰)

و یقیناً ما فرزندان آدم را احترام
گذاشتیم و ایشان را در دشت و دریا
سواری دادیم و از پاکیزه ها رزق
ایشان دادیم و آنان را بر بسیاری از
آفریده های خود برتری دادیم(۷۱)
[بخطا پردازید] روزیکه ما هر قومی
را به امام ایشان بخوانیم و هر که
کتابش بدست راست خود داده
شود. پس آنان کتاب خودشان را
بخوانند و باندازه رشته در درز
هسته هم ستم کرده نشوند(۷۲)

و هر که در این [دنیا] کور است
پس او در آخرت هم کور است و
گمراهتر از راه است(۷۳)++

و نزدیک بود جهت آنکه به توحی

فَيُغْرِقْكُمْ بِمَا كَفَرْتُمْ لَوْلَا تَجِدُوا
لَكُمْ عَلَيْنَاهُ تَبَعًا ۝

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ
وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ
عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا ۝

يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ فَمَنْ
أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ
كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا ۝

وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ
أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا ۝

وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أَوْحَيْنَا

++ آیت ۷۳: اعمی دال بر گوری از چشمان صوری نیست که روز قیامت نیز کور باشد

بلکه منظور بیننده ای است که فاقد بصیرت معنوی است.

کردیم تو را به فتنه اندازند تا
بربانی بر ما بغیر از آن. اینحال
بی درنگ حتماً آنها تو را دوست
میگرفتند (۷۴)

و اگر تورا ثبات نمیدادیم البته
مکن بود کمی به آنها مایل می
شدی (۷۵)

آنگاه حتماً تو را میچشاندیم دو
برابراز [عذاب] این زندگی، هم دو
برابر از مرگ. سپس هیچ را در
مقابل ما یاوری نمییافتی (۷۶)

ونزدیک بود قدمهای تورا از سر
زمین بلغزانند تا تورا از آن بیرون
کنند و آنگاه آنهاهم پس از تو مکت
نمیگردند جز اندک (۷۷)

این شیوه جهت آن رسولان ما
است که بیش از تو فرستادیم و
تو در شیوه ما تحولی نخواهی
یافت (۷۸)

بپا بدار نماز را هنگام برگشت
خورشید تا تاریکی شب و قرآن

إِلَيْكَ لَتَفْتَرِي عَلَيْنَا غَيْرَهُ^{٧٤} وَإِذَا
لَا تَخَذُوكَ خَلِيلًا^{٧٥}

وَلَوْلَا أَنْ تَبْتُنَّكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكَنُ
إِلَيْهِمْ شِئَانًا قَلِيلًا^{٧٥}

إِذَا لَأَذَقْنَاكَ ضِعْفَ الْحَيَاةِ وَضِعْفَ
الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا^{٧٦}

وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِزُّوكَ مِنَ الْأَرْضِ
لَيُخْرِجُوكَ مِنْهَا وَإِذَا لَا يَلْبَثُونَ
خَلْقَكَ إِلَّا قَلِيلًا^{٧٧}

سُنَّةَ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا
وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا^{٧٨}

ع
٨

أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ
الْيَلِّ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ^٨ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ

كَانَ مَشْهُودًا ﴿۷۹﴾

خواندن بامگامی را. یقیناً قرآن
خواندن بامگامی است که به آن
گوامی داده میشود (۷۹)

و در پاره شب با [تلاوت] این
[قرآن] تهجد بخوان. این برای
تو اضافه بر فرض است. بزودی
بروردگارت تو را بمقام محمود
مبعوث کند (۸۰)

و بگو، بروردگار! مرا بداخل
آور که بداخل شدنم بر راستی
باشد و بیرون آور که بیرون
آمدنم بر راستی باشد و مرا از
نزد خود یاوری نیرومند عطا
کن (۸۱)

و بگو حق آمد و باطل نابود شد
یقیناً باطل نابود شدنی است (۸۲)
و نازل کنیم آنچه از قرآن که آن
درمان و مومنان را رحمت است و
بر کافران نیفزاید جز زیان (۸۳)
و وقتی که بر انسان انعام کنیم
اعراض کند و به پهلوی خود افتاده

وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ ۗ عَسَىٰ أَنْ
يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا ﴿۸۰﴾

وَقُلْ رَبِّ ادْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ
وَ اَخْرِجْنِيْ مَخْرَجَ صِدْقٍ وَ اجْعَلْ
لِيْ مِنْ لَّدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا ﴿۸۱﴾

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ ۗ اِنَّ
الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوْقًا ﴿۸۲﴾
وَ نُنزِلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاۗءٌ وَ رَحْمَةٌ
لِّلْمُؤْمِنِيْنَ ۗ وَ لَا يَزِيْدُ الظَّالِمِيْنَ اِلَّا
خَسٰرًا ﴿۸۳﴾

وَ اِذَا اَنْعَمْنَا عَلٰى الْاِنْسَانِ اَعْرَضَ
وَ نَايِبًا بِنَيْبِهِ ۗ وَ اِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ

يُوسَىٰ ٨٤

دور شود و چون او را گزندى برسد

بسیار نومید میگردد (۸۴)

بگو هر کدام بر نهاد خود عمل کند.

پس پروردگارتو دانانتر به آنست

که او راست تر راه است (۸۵)

و درباره روح از تو سئلت کنند.

بگو روح از امر پروردگارم است

و شما از علم جز اندک هیچ داده

نشدید (۸۶)

و اگر میخواستیم حتماً باز میبردیم

آنچه را بر تو وحی کنیم. سپس

برای خود خلاف ما به آن کار

سازی نمی یافتی (۸۷)

جز رحمت پروردگار خود. یقیناً

فضل او بر تو بسیار بزرگست (۸۸)

بگوا گرانس و جن همگی گرد آیند

براینکه قرآن مانند این بیآرند

باز هم نتوانند مانند آنرا بیآرند

اگر چه بعضی از آنها پشتبان بعضی

باشند (۸۹)

والبته ما در قرآن برای مردم از

قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ ۖ فَرَبُّكُمْ
أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَىٰ سَبِيلًا ٨٥

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ ۖ قُلِ الرُّوحُ مِنْ
أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا
قَلِيلًا ٨٦

وَلَيْسَ شِسْمًا لَّنْذَهَبِنَّ بِالذِّى أَوْحَيْنَا
إِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُكَ بِهِ عَلَيْنَا وَكَيْلًا ٨٧

إِلَّا رَحْمَةً مِّنْ رَبِّكَ ۖ إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ
عَلَيْكَ كَبِيرًا ٨٨

قُلْ لِّمَنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ
أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ
بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ
ظَاهِرًا ٨٩

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ

هرگونه مثلی را بر گردانیده بیان کرده ایم پس اکثر مردم فقط ناسپاسی کنان انکارکنند (۹۰)

و گویند هرگز ما بر تو ایمان نی آریم تا آنگاه که برای ما از زمین چشمه ای بشکافی (۹۱)

یا باغی از خرما و انگور از آن تو باشد و در میان آن نهرهای حفر کنی (۹۲)

یا آسمان را بر ما آنگونه که گمان کنی تکه تکه فرو بار یا خدا و فرشتگان را روبرو بیآر (۹۳)

یا خانه طلائی از آن تو باشد یا در آسمان بالا روی اما بالا رفتن تو را هم باور نکنیم تا آنگاه که کتابی بر ما نازل کنی که آنرا بخوانیم. بگو. پروردگام [از این امور] پاک است. من فقط یک بشر رسول هستم (۹۴)

و به مردم چون هدایت ایشان را آمد چیزی باز نداشت که ایمان

كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا
كُفُورًا ﴿٩٠﴾

وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ
الْأَرْضِ يَنْبُوعًا ﴿٩١﴾

أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَعِنَبٍ
فَتَفْجِرَ الْأَنْهَارَ خِلَالَهَا تَفْجِيرًا ﴿٩٢﴾

أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمَتْ عَلَيْنَا
كَسَفًا أَوْ تَأْتِي بِلِلِّهِ وَالْمَلَكَةِ قَبِيلًا ﴿٩٣﴾

أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِّنْ زُخْرٍ أَوْ
تَرْفُقَ فِي السَّمَاءِ ۖ وَلَنْ نُؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ
حَتَّى تُنَزِّلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرُؤُهُ ۗ قُلْ
سُبْحَانَ رَبِّيَ هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا
رَّسُولًا ﴿٩٤﴾

وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ
الْهُدَىٰ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا

رَسُولًا ۱۵

میآوردند مگر گفتند، آیا خدا بشری
را پیغمبر برانگیخته است؟ (۹۵)

بگو، اگر در زمین فرشتگان با
اطمینان راه میرفتند حتمًا ما بر
ایشان از آسمان فرشته ای را
پیغمبر فرود میفرستادیم (۹۶)

بگو، خدایان من و میان شاگواه
بس است. یقیناً او به بندگان خود
آگامی بینا است (۹۷)

و آنکس را که خدا هدایت دهد
مان هدایت شده است و آنرا که
او گمراه قرار دهد آنگاه تو برای
آنها از او گذشته یاران نیمایی
و روز قیامت آنرا بر رویهای آنها
کورو گنگ و کرمحشور کنیم مأوی
آنها جهنم است. زبانه آتش هرگاه
فرو نشیند برایشان بیفزایم (۹۸)

این پاداش آنهاست چه به آیت
های ما انکار کردند و گفتند، آیا
چون ما استخوانها و ریزه ریزه
شدیم آیا حتمًا ما به آفرینشی نوین

قُلْ لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَمْشُونَ
مُطْمَئِنِّينَ لَنَرْنَا عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَاءِ
مَلَكَارًا سُوًّا ۱۶

قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ
إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ۱۷

وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِّ
فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِهِ
وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ
عُمِيًّا وَبُكْمًا وَصُمًّا مَّا وَوَهُمْ جَهَنَّمَ
كَلَّمَا خَبَتْ زِدْنُهُمْ سَعِيرًا ۱۸

ذَلِكَ جَزَاءُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا
وَقَالُوا إِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا إِنْ
لَمُبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ۱۹

برخیزانده شویم؟ (۹۹)

آیا حالی نشوند، خدای که آسمانها و زمین را آفرید قادر بر این است که همانند آنها بیافریند و برایشان نهایت زمانی مقرر داشته است که در آن شکی نیست پس ستم کاران فقط ناسپاسی کرده انکار کردند (۱۰۰)

بگو، اگر شما مالک از گنجهای رحمت پروردگارم میبودید آنگاه هم حتماً از ترس نفق [آنها را] نگه میداشتید و یقیناً انسان خسیس است (۱۰۱)

و یقیناً ما به موسی نه (۹) نشانه روشن دادیم. پس از بنی اسرائیل بپرس که چون او ایشان را آمد آنگاه فرعون او را گفت، ای موسی! یقیناً من تو را جادو شده ای تلقی میکنم (۱۰۲)

او گفت، حتماً تو دانسته ای که آن [نشان]های را که بصیرت افروز

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ
وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلًا لَا رَيْبَ فِيهِ ۗ قَالُوا
الظَّالِمُونَ إِلَّا كُفُورًا ﴿۹۹﴾

قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ
رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ ۗ
وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا ﴿۱۰۰﴾

ع
۱۱

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ
فَسَأَلَ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ
فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يُمُوسَىٰ
مَسْحُورًا ﴿۱۰۱﴾

قَالَ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا أَنْزَلَ هَؤُلَاءِ إِلَّا
رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِصَافِرٍ وَرَائِي

است کسی جز پروردگار آسمانها
وزمین نازل نکرده است و ای
فرعون! یقیناً من تورا انسانی ملامت
شده می پندارم (۱۰۳)

پس او خواست که ایشان را از
زمین برکند آنگاه ما او و هر که
با او بود جمیع را بهم غرق
ساختیم (۱۰۴)

و از آن پس به بنی اسرائیل
گفتم که در زمین سکونت کنید.
پس گاهی که وعده آخرت فرارسد
باز شمارا گردخواهیم آورد (۱۰۵)
و ما آنرا الحق نازل کردیم و الحق
نازل آمد و تورا فقط مژده دهنده
و بیم دهنده فرستاده ایم (۱۰۶)

و قرآن را جزو نازل کرده ایم
تا آنرا برای مردم آمسته آمسته
بخوانی و آن را با قدرتمندی و
تدریجاً نازل کرده ایم (۱۰۷)

بگو بدان ایمان آورید یا ایمان
نیآورید البته کسانی که بیش ازین

لَا ظَنُّكَ يَفْرَعُونَ مُتَّبِعًا ﴿١٠٣﴾

فَأَرَادَ أَنْ يَنْتَفِزَهُمْ مِنَ الْأَرْضِ
فَأَغْرَقَهُ وَمَنْ مَعَهُ جَمِيعًا ﴿١٠٤﴾

وَقُلْنَا مَنْ بَعْدِهِم لَبَنِي إِسْرَائِيلَ اسْكُنُوا
الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ
جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا ﴿١٠٥﴾

وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلْنَا وَمَا
أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿١٠٦﴾

وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى
مَكْتَبٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا ﴿١٠٧﴾

قُلْ إِمْتُوايَةَ أَوْلَاتُؤُمُومُوا إِنَّ الَّذِينَ
أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ

يَخْرُونَ لِلْأَذْقَانِ سَجْدًا ۝

علم داده شدند چون برایشان فرو خوانده شود گریان بر رویها به سجده میفتادند (۱۰۸)

وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعَدْرُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا ۝

و میگویند، پروردگارا پاک است. یقیناً وعده پروردگار ما حتی الوقوع است (۱۰۹)

وَيَخْرُونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا ۝

و گریان سجده کنان برویها می افتادند و این [قرآن] ایشان را در فروتنی میفزود (۱۱۰)

قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ ۗ أَيَّامًا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ ۗ وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافُتُ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا ۝

بگو، خدا را بخوانید خواه رحمن را هر کدام را بخوانید پس نامهای نیکو بتمام از آن اوست و نماز خود را نه بلند بخوان و نه آنرا آهسته بخوان و راه میانه ایندو را پیش بگیر (۱۱۱)

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الدُّلِّ وَكَبِيرُهُ تَكْبِيرًا ۝

و بگو، ستایش مطلق برای خدای است که پسری فرانگرفت و او را در سلطنت شریکی نمیشود و هیچ گاه نیازیست که او را از جهت زبونی یاوری باشد و بزرگی او را سرشار بیان کن (۱۱۲)

۱۸ - سورة الكهف

این سوره در مکه در چهارمین یا پنجمین سال نبوت نازل شد و با بسم الله ۱۱۱ آیت دارد.

آغاز این سوره با آن مطلب سوره بنی اسرائیل شروع شد درجه بنده بودن حضرت عیسی علیه السلام بصراحت و جلال بیان شده و در کلماتی ساده تراعلام شد که اینها اصلاً علمی ندارند که حضرت عیسی چطور متولد شدند و نه دیگر به این امر دانش دارند که خداوند از نظام زادوولد کلیه پاک است و آنها برخدا دروغی بزرگ بسته اند و این ادعای آنها بی ارزش و بی اساس است.

ضمناًذکری از مسیحیان ابتدائی را بیان آورده اظهار شد که چطور ایشان خاک مسطح را برای حفاظت و اعتلای توحید خدای متعال ترك گفته منزلگاه منزوی در غارها برگزیدند. قبل از ذکر اصحاب کهف آیتهای ابتدائی حاکی از اینست که هر چه نعمتهای ظاهری بمردم ارزانی داشته شد جنبه ی آزمایش ایشان را همراه دارد. اما زمانی بیاید که اینهمه از آنان ربوده بسوی ایشان واگذار شود که بخاطر خدا زیبایش و آسودگی زمین مسطح را ترك کرده رحل اقامت در غارها افکندند.

پس از آن مثل از آن دو بهشتها یعنی باغها داده میشود که يك فرد بر مبنای آن باغ با دیگری بامناعت طبع حرف زد که من اینهمه ارزانی داشته شدم و تو در مقابلم تهی دست و فقیر هستی. اما در عین حال این هشدار هم اعلام شد که چون خشم شعله ور خداوند بر نعمتهای شما فروبارد پس شما

را خاکستر خواهد ساخت و بعبارت دیگر همان موضوع "صعیداً جزأً" تکرار شده است.

طی همین سوره ذکر از سفر حضرت موسی به همراهی حضرت عیسی علیه السلام یافت میشود در چه ایشان را منتهای حدما مربوط به امت ایشان نشان داده و آن مقام خاطر نشان شد که ماهی غذای روحانی از آنجا به دریا باز رفت و این سخن اشاره ای به آن دور مسیحیت قبل از اسلام میکند که ایشان وضعیت روحانی خویش را از دست داده بودند.

سپس آنحضرت ﷺ بصورت آن بزرگ تمثیل کرده میشوند که مردم ایشان را حضرت خضرنام دهند و شرح داده شد که آن حکمت که به او داده شود بالاتر از دسترسی حضرت موسی علیه السلام میباشد و آن صبوری که بدست آوردن کنه آن لازم است حضرت موسی دارای آن نبودند و رسول الله ﷺ بر حضرت موسی علیه السلام به این فضیلت برخوردارند که ایشان همراز حکمتهای خدای برگزیده شدند.

ضمناً ذکر از ذوالقرنین میرود که اشاره ای بسوی آنحضرت ﷺ میباشد که ایشان را پادشاهی دو زمان اعطا کرده شود - یکی از اولین و دومین از آخرین. ضمن این ذکر. صورت از سفر حضرت ذوالقرنین بتفصیل بیان میشود که دارای بسیار کنایات است که اینجا گنجایش بیان آن را ندارد. اما این امر بحر حال قطعی است که امت حضرت محمد ﷺ در کشور های غربی که خورشید در آب ناپالوده ای از خیالات اهل آنها غروب کرده بچشم میخورد. گسترش خواهد یافت و سفر ایشان بسوی خاور تا آن سرزمین است که ورای آن بین خورشید و زمین هیچ پرده ای نیست.

در پایان این سوره بیان قاطعی عبارت از قصه عروج و زوال مسیحیت میباشد. عروج ابتدائی مسیحیت ناشی از کردار یکتاپرستان بظهور رسید و زوال آنوقت صورت گرفت که اعتقاد بر خدای یگانه رو به زوال گذاشته تا به گرفتن هزاران اولیا را بر مقام خدائی منجر شد. چنانکه راجع به سنت های فرضی که عملاً امروزها به رتبه الوهیت برگزیده میشوند در پایان این سوره بصورت این کلمات ذکر می‌رود: "افحسب الذین كفروا ان يتخذوا عبادی من دونی اولیاء" یعنی کسانی که رسول الله ﷺ را انکار کردند، می‌پندارند که گذشته از خدا بندگان او را اولیاء برگزینند؟

رسول الله ﷺ به عرفانی آشکار برخوردار بودند که این سوره مربوط به دجال است. لذا ایشان توصیه فرمودند کسیکه ده آیت نخستین و ده آیت آخرین این سوره را تلاوت کند او از فتنه دجال ننگه داشته شود. باین وجود که ایشان نیز یک بشر بودند از زبان ایشان اعلام به این صورت بظهور آورده شد که من یک بشرام ولی پاک از هر نوع شرک. پس اگر شما نیز میخواهید که به دیدار پروردگار خود برخوردار شوید باید از آلودگی شرک پاک بشوید. اینجایبشگوئی به این عنوان نیز شده است که وحی خدا جاری خواهد ماند. بندگان پاک خدا که خویشان را از شرک پاک بدارند خدا با ایشان نیز تکلم خواهد کرد.

☆ سُوْرَةُ الْكُهْفِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ مِائَةٌ وَاحِدٌ عَشْرَةٌ آيَةٌ وَاثْنَا عَشَرَ رُكُوْعًا

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

ستایش مطلق برای خدا است

آنکه کتاب را بر بنده خود نازل

کرد و در آن هیچ کجی نیست (۲)

محکم استوار و استواری دهنده

است تا به عذابی سخت از جانب

اوبترساند و مؤمنان که نیکوکاری

کنند را مژده دهد که آنانرا

پاداشی بسیار نیکو است (۳)

آنان در آن دایماً مکث کنندگان

اند (۴)

و بترساند آنها را که گفتند، خدا

پسری فرا گرفته است (۵)

آنانرا به آن هیچ دانشی نیست و

نه به پدران ایشان، سخنی بزرگ

است که از زبانشان درمیآید، آنان

فقط دروغ میگویند (۶)

پس آیات و دنبال آنها بیاعت شد

اندوه جان خود را باز نده ای اگر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ

وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا ②

قِيمًا لِيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا لِمَنْ لَدُنْهُ

وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ

الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا ③

مَا كَثُرْنَ فِيهِ أَبَدًا ④

وَيُنذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا ⑤

مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَائِهِمْ ⑥

كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ ⑦

إِنْ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا ⑧

فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ

لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِذِهِ الْحَدِيثِ آسَفًا ⑨

آنها بدین سخن ایمان نیآرند؟ (۷)
 یقیناً ما هر چه روی زمین است را
 زینت آن ساخته ایم تا ما ایشان
 را بیآزمائیم که کدام یکی از آنها
 در عمل نیکوتر است (۸)

و یقیناً ما آنچه روی آنست را
 دشتی خشکزار میگردانیم (۹)
 آیا گمان کنید که اهل غار ما و اهل
 نوشته ما از جمله نشانه های ما
 اعجوبه بوده اند (۱۰) ++

چون جوانانی بفارپناهنده شدند
 پس گفتند: پروردگارا! ما را از نزد
 خود رحمتی اعطا کن و ما را در کار
 ما هدایت کن (۱۱)

پس مادر غارها گوشهای ایشان را
 سالیانی چند [از شنیدن سخنان

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَّهَا
 لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۝

وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا ۝

أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ
 وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِن آيَاتِنَا عَجَبًا ۝

إِذْ أَوَى الْفِتْيَةَ إِلَى الْكَهْفِ فَنُؤُوا
 رَبَّنَا إِنَّا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةٌ وَهِيَ لَنَا
 مِن أَمْرِنَا رَشَدًا ۝

فَقَضَرْنَا عَلَىٰ أَدَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ
 عَدَدًا ۝

++ آیت ۱۰: اصحاب الرقيم بمعنای اهل نوشته های است. ایشان در کف خود نوشته های پر ارزش واگذارده بودند بر آنچه اروپایان امروز پژوهش بسیار کرده اند. این آیه نیز اعجازی را همراه دارد. احتمالاً آنحضرت صلی الله علیه وسلم از اصحاب کف که مطلع بودند ولی اصحاب کف را اصحاب الرقيم گفتن کسی نمیتوانست چنین گوید جز خدای عالم الغیب.

ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْجَرْبِيِّنَ أَحْصَى

لِمَا لَيْسُوا أَمْدَاءً ۝۱۳

ع
۳۳

بیرونی] باز داشتیم (۱۲) ++

سپس آنها را برخیزانیدیم تا بدانیم کدام یکی از آندو گروه درستتر می‌شمارد که برای چه مدت درنگ

کردند (۱۲)

نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ ۗ إِنَّهُمْ

فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى ۝۱۴

ماخبرایشان را بر تو برآستی بیان میکنیم. یقیناً ایشان چند جوان بودند که به پروردگار خود ایمان آورده بودند و ما ایشان را بر

هدایت افزودیم (۱۴)

وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا

رَبَّنَا رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُوَ مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذْ أَشْطَطَّا ۝۱۵

ودلهای آنان را تقویت دادیم وقتی که بپاشدند. پس گفتند، پروردگار ما پروردگار آسمانها و زمین است. هرگز ما گذشته از او کسی را معبود نخوانیم و گرنه یقیناً ما حرفی

دور از اعتدال زنیم (۱۵)

++ آیت ۱۲: اینجا سنین بمعنای زمان الی نه سال است زیرا که سنین جمع سنه است که برای عدد سه الی نه آورده میشود. اگرچه زمان کامل جهت مکت مسیحیان یکتا پرست در غارها برای نگهداری از ایمان خود بالغ بر کمی بیشتر از سه صد سال است اما عملاً ایشان بیش از نه سال درنگ نکردند. زیرا که درحین این زمان سه صد سالگی هنگامیکه مخالفت دشمنان فرو می رفت آنگاه ایشان از غارها در میآمدند.

اینانند قوم ما که جز او خدایانی
گزیده اند. چرا در حق آنها دلیلی
غالب و روشن نمی‌آورند؟ پس
کیست ستمکارتر از آنکس که بر

خدا دروغ بهم بافت (۱۶)

و چون شما از آنها و آنها را
جز خدا عبادت میکنند کنار گرفته
اید پس به سوی غار پناه گیرید.
پروردگارشما رحمت خود را بر
شما میگستراند و کار شمارا برای

شما آسان نماید (۱۷)

و خورشید را هنگام طلوع مینگری
که از غار ایشان بسمت راست
کنار کشیده و هنگام غروب راه
بریده از سمت چپ ایشان می
گذرد و ایشان در آن درجای گشاد
اند. این از آیات خدا است. هر که
را خدا هدایت دهد او هدایت شده
است و هر که را گمراه گرداند
آنگاه برایش دوستی هدایت

کننده نمی‌یابی (۱۸)

هُوَ لَا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطٰنٍ بَيِّنٍ ۚ فَمَنْ
أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرٰى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ۙ

وَإِذِ اعْتَرٰتُمُوهُمُ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا
اللَّهَ فَأَوَّا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ
مِنْ رَحْمَتِهِ وَيُهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ
مَرْفَقًا ۗ

وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَرْوَعُنْ
كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَتْ
تَّقْرِضُهُمْ ذَاتَ الشِّمَالِ وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ
مِنْهُ ۚ ذٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ ۙ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ
الْمُهْتَدِ ۚ وَمَنْ يُضِلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا
مُرْسِدًا ۙ

و توایشان را بیدار می پنداری
 حالیکه ایشان خوابند و ما ایشان
 را به راست و چپ میگردانیم و
 سگ ایشان بازوهای خود را پهن
 کرده در آستانه میماند و اگر بر
 ایشان با دقت بنگری حتماً پشت
 کرده از آنها رو به فرارنهی و از
 آنها پرهول شوی (۱۹) ++

اینگونه ما ایشان را بیدار کردیم
 تا از همدیگر مسئولت کنند. گوینده
 از آنان گفت، چقدر درنگ کردید؟
 گفتند، روزی یا پاره ی از آن
 درنگ کردیم. گفتند، پروردگار شما

وَتَحْسَبُهُمْ آيِقَاطًا وَ هُمْ رُقُودٌ ۙ
 وَ نُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَ ذَاتَ الشِّمَالِ ۙ
 وَ كَلْبُهُمْ بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ ۙ
 لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا
 وَ لَمَلَّيْتَ مِنْهُمْ رُعبًا ۝

وَ كَذَلِكَ بَعَثْنَاهُمْ لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ ۙ قَالَ
 قَائِلٌ مِنْهُمْ كَمْ لَبِئْتُمْ ۙ قَالُوا لَبِئْنَا
 يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ ۙ قَالُوا رَبُّكُمْ
 أَعْلَمُ بِمَا لَبِئْتُمْ ۙ فَاذْعَبُوا وَ أَحَدِكُمْ

تَقْرِئُ الْاَنْبِيَاءَ بِاَعْتَابِ عَدُوِّ الْحَرُوفِ بَانَ الْاَتَاءِ بَعْدَ الْاِيَاءِ مِنْ

++ آیت ۱۹: مفسران را از این بیان که "توایشان را بیدار میپنداری حالیکه آنان خفته اند" این استدلال است که آنان به خواب ظاهری رفته بودند و این پندار درست نیست. این بیان براین مطلب دلالت کند که آنان از حالات خارجی ناآگاه بودند لذا این زمان برای ایشان با خواب برابر بود. اگر موضوع بخواب ظاهری نسبت داشت پس این سخن اینطور گفته نمیشد که اگر تو آنان را بنگری از آنها بیمناک و پرهول شوی. کسیکه بخواب است نه کسی از او میترسد و پرهول میشود. بحقیقت آنان مردم زحمتکش بودند و هرگاه رومیان به غارها رفته به گرفتاری آنان تلاش میکردند سگی را بر سر غار نشسته می یافتند که از عوعو آن سگ اهل غار از حمله متوجه و پنهان میشدند.

داناتر است که چقدر درنگ کردید. یکی از شمارا با این سکه خود بسوی شهر بفرستید. پس باید مشاهده کند که کدام یکی طعام پاکیزه تراست آنگاه شمارا از آن طعام بیآرد و باید به نرمی رفتار کند و بر شما کسی را آگاه نسازد (۲۰)

یقیناً آنها کسانی اند که اگر بر شما غلبه یابند شما را سنگسار کنند یا شمارا در ملت خود برگردانند و آنگاه ابداً رستگار نخواهید شد (۲۱)

و بدین ترتیب ما بر [احوال] آنان اطلاع دادیم تا [مردم] بدانند که وعده خدا حتمی الوقوع است و اینکه ساعت [انقلاب] است که در آن شکی نیست. چون در کار خود بهم دیگرستیزه کردند. پس بعضی از آنها گفتند که بر آنان ساختمان یادگاری بنا کنید. پروردگار ایشان داناتر به [احوال] ایشان

التصنيف الاول واللام الثانية من التصنيف الاخير

بُورِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرُوا
أَيُّهَا أَرْزُقِي طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ
وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا ۝

إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ
أَوْ يَعْذِبُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُفْلِحُوا
إِذَا أَبَدْنَا ۝

وَكَذَلِكَ أَعْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ
وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا ۚ
إِذِ يَتَنَزَّعُونَ مِنْهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا
ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُيُوتًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ ۗ
قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ
لَنَنْخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا ۝

است. پس آنانکه در امر خود چیره شدند گفتند، ما که یقیناً بر آنها مسجدی بنا میکنیم (۲۲)

حتماً گویند، سه تن بودند و چهارمین ایشان سگ ایشان بود. و گویند پنج تن بودند و ششمین ایشان سگ ایشان بود و [گاهی] گویند هفت تن بودند و هشتمین ایشان سگ ایشان بود. بگو تنها پروردگارم به عدد ایشان داناتر است [و جز او] ایشان را هیچ کس نمیداند. پس درباره ایشان نستیز جز گفتگوی سرسری و در مورد ایشان از کسی از آنان استفسار مکن (۲۳) ++

سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ
وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ
رَجْمًا بِالْغَيْبِ ۗ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ
وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ ۗ قُلْ رَبِّيَ أَعْلَمُ
بِعِدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ ۗ فَلَا
تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا ۗ وَلَا
تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا ۗ

۱۵/۱۸

++ آیت ۲۳: درباره عدد اصحاب کُفّ روایاتی مختلف یافت میشود. اما مرجا ذکر از عدد ایشان می‌رود سخن از سگ ایشان نیز گفته میشود. چرا مسیحیان سگ را دوستدارند علتش معلوم نیست زیرا در بابیل سخن از این جهت نرفته است. البته قرآن حاکی است که مسیحیان راستین سگ را به مدت دراز برای نگهبانی خود بکار می‌گرفتند. بنابر این دل‌بستگی داشتن به یک همراهی وفادار امر طبیعی است. نسبت به عدد ایشان به رسول اللہ ﷺ گفته شد که در مورد اصحاب کُفّ شرح کشفی بدست کسی نیست. پس درباره ایشان فقط صحبت سرسری کن.

وَلَا تَقُولَنَّ لِشَايٍ اِنَّنِي فَاعِلٌ ذٰلِكَ
عَدَاۗٓءُ

و مگو برای چیزی که یقیناً من
فردا آنرا کننده ای ام (۲۴)

اِلَّا اَنْ يَّشَاءَ اللّٰهُ ۗ وَاذْكُرْ رَبَّكَ اِذَا
نَسِيتَ وَقُلْ عَلٰى اَنْ يَّهْدِيَنِّي رَبِّيْ
لَا قُرْبَ مِنْ هٰذَا رَشْدًا ۝

جز اینکه خدا بخواهد و هرگاه
فراموش کردی پروردگار خود را
یاد کن و بگو بعید نیست که
پروردگارم مرا به سخنی درست
تر از این هدایت نماید (۲۵)

وَلِيُثَوِّفُ كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِيْنَ
وَاَزْدَادُوْا تِسْعًا ۝

وایشان درغار خود طیسه صدسال
چندسال شمرده درنگ کردند و
نه[سال برآن] را افزودند (۲۶)

قُلِ اللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا لِيُثَوِّفَ لَهُ غَيْبُ
السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۗ اَبْصَرُ بِهِ وَاَسْمِعُ
مَا لَهُمْ مِنْ دُوْنِهِ مِنْ وَّلِيٍّ ۗ وَلَا يُشْرِكُ
فِيْ حُكْمِهٖ اَحَدًا ۝

بگو خدا داناترست به آنچه درنگ
کردند. غیب آسمانها و زمین از آن
او است - چه نیکوبیننده و چه
نیکو شنونده است. برای آنان فقط
او دوست است و او درحکومت
خود کسیرا شریک نمیسازد (۲۷)

وَاقْلُ مَا اُوْحِيَ اِلَيْكَ مِنْ كِتٰبِ رَبِّكَ ۗ
لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمٰتِهٖ ۗ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُوْنِهِ
مُلْتَحِدًا ۝

و تلاوت کن آنچه از کتاب
پروردگارت بوسی تو وحی میشود.
کلمات او را تغییر دهنده ی نیست
و توجز او پناهمگامی نخواهی
یافت (۲۸)

و خویشتن را با آنان شکبیا بدار
 که پروردگار خود را صبح و شام
 خواهان خوشنودی او میخوانند
 و دیده های تو بدوستی زینت
 دنیا از ایشان برنگردد و او را
 متابعت نکن که ما دل او را از
 یاد خود غافل کرده ایم و آنکه
 هوای نفسانی خود را متابعت کرد
 و کارش از حد گذشته است (۲۹)

و بگوحق آنست که از پروردگار
 شما باشد. پس هر که بخواهد ایمان
 آورد و هر که بخواهد انکار کند.
 البته ما برای ستم کاران آتشی
 آماده کرده ایم که دیوارهایش
 آنها را احاطه کرده است و اگر
 فریاد کنند پس فریاد رسی شوند
 با آبی مانند مس گداخته که چهره
 های ایشان را بسوزاند. چه بد
 آشامیدنی و چه زشت آرامش
 گاهی است (۳۰)

البته کسانی که ایمان آوردند و

وَاصِرٌ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ
 رَبَّهُمْ بِالْغَدْوَةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ
 وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنِكَ عَنْهُمْ^ع تُرِيدُ
 زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا^ع وَلَا تُطِغْ مِنْ
 أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ
 وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا^{۳۰}

وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ^ف فَمَنْ شَاءَ
 فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ^ل إِنَّا
 أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا^ل أَحَاطَ بِهُمْ
 سُرَادِقُهَا^ط وَإِنْ يَسْتَخِيثُوا يُخَاثُوا^ل بِمَاءٍ
 كَالْمُهْلِ يَشْوِي^ط الْوُجُوهَ^ط بِئْسَ
 الشَّرَابُ^ط وَسَاءَتْ مَرْتَفَقًا^{۳۱}

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا

نُضِيعُ أَجْرٍ مِّنْ أَحْسَنَ عَمَلًا ۖ ﴿۱۵﴾

نیکوکاری کردند هرگز مایاداش
آنکه نیکو کاری کند ضائع نمی
گذاریم (۲۱)

مانند که برای ایشان باغهای
جاودان است. زیر [قدمهای] آنها
نهرهای روانست. ایشان در آنجا از
دست بندهای طلائی آراسته شوند
و جامه های سبز ابریشم نازک و
دیبا کلفت تن کنند. ایشان در
آنها برتختهای تکیه کننده باشند.
بسیار نیکو پاداش است و بسیار
نیکو آرامش گامی است (۲۲)

و برای ایشان مثل دومرد بیان
کن که به یکی از آندو ما دو باغ
انگور ساختیم و دور آندو را با
درختان خرما فرا گرفتیم و میان
آندو کشت زاری رویانیدیم (۲۳)
هریک آندو باغ مأكولات خود را
می داد و از آن چیزی کم نمیکرد
و میان آندو نهری جاری کرده
بودیم (۲۴)

أُولَٰئِكَ لَهُمْ جَنَّاتٌ عَدْنٌ تَجْرِي مِنْ
تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُجَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ
مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ
سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى
الْأَرَآئِكِ ۖ نِعْمَ الثَّوَابُ ۗ وَحَسُنَتْ
مُرْتَفَقًا ۖ ﴿۱۶﴾

وَاضْرِبْ لَهُم مِّثْلًا مِّثْلًا رَّجُلَيْنِ جَعَلْنَا
لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ
وَ حَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَ جَعَلْنَا بَيْنَهُمَا
زُرْعًا ۖ ﴿۱۷﴾

كَلَّمَا الْجَنَّتَيْنِ آتَتْهُمَا لَمَّا ظَلَمَ مِنْهُ
شَيْئًا ۖ وَفَجَّرْنَا خِلْفَهُمَا نَهْرًا ۖ ﴿۱۸﴾

و او را [باغهای مملو از] میوه بود.
 پس او به همراهی خود در حالیکه
 با او گفتگو میکرد گفت: من بیشترم
 از تو در ثروت و نیرومندتر ام
 در گروه (۳۵)

و او وارد باغ خود شد در حالی
 که او برای خویشتن ستمکار بود
 [و] گفت، گمان نمیکنم هیچگاه
 این نابود گردد (۳۶)

و گمان نکنم که قیامت برپا گردد
 و اگر به سوی پروردگار خود
 برگردانده شوم حتمًا بازگشت
 گاهی از این هم نیکوتر خواهم
 یافت (۳۷)

رفیقش حالیکه بدو گفتگو میکرد
 گفت، آیا کفر میکنی به آنکه تورا از
 گل و باز از چکه آب آفرید. سپس
 تورا مردی فعال آراستید (۳۸)

اما [میگویم] که پروردگارم همان
 خدا است و من به پروردگار خود
 کسی را شریک نمیآرم (۳۹)

وَ كَانَ لَهُ نَمْرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ
 يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَ أَعَزُّ
 نَفَرًا ﴿٣٥﴾

وَ دَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ قَالَ
 مَا أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا ﴿٣٦﴾

وَ مَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن
 رُّدِدْتُ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا
 مُنْقَلَبًا ﴿٣٧﴾

قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ
 أَكْفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ
 مِنْ نُّطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّكَ رَجُلًا ﴿٣٨﴾

لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي
 أَحَدًا ﴿٣٩﴾

و چرا چون وارد باغ خود شدی
 نگفتی "هرچه خدا خواهد و قدرت
 مطلقاً برای خدا است" اگر دیدی
 مرا که من در مال و اولاد از تو
 کمترم (۴۰)

پس امید است که پروردگارم
 مرا باغی نیکوتر از تو در دهد و
 بر آن [باغ تو] آفتی محاسبه کرده
 از آسمان بفرستد پس آن دشتی
 خشکزار گردد (۴۱)

یا آبش در زمین فرورود پس
 طاقت برای [باز] جستن آنرا
 نیآوری (۴۲)

و میوه اش [با آفت] احاطه کرده
 شد پس او دو کف خود را
 میگردانید بر آن مزینه که در آن
 کرده بود و آن [باغ] بردار بست
 های خود فرو افتاده بود و او
 میگفت، ای کاشکی احدی را به
 پروردگار خود شریک قرار نمی
 دادم (۴۳)

وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتِكَ قُلْتَ مَا شَاءَ
 اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ۚ إِنَّ تَرَنَّا أَقَلَّ
 مِنْكَ مَا لَأَوْلَدًا ﴿٤٠﴾

فَعَسَىٰ رَبِّيٰ أَنْ يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِّنْ
 جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّنَ
 السَّمَاءِ فَتُصْبِحُ صَعِيدًا زَلَقًا ﴿٤١﴾

أَوْ يُصْبِحَ مَاءً وَهِيَ غُورٌ فَلَنْ تَسْتَطِيعَ لَهُ
 طَلَبًا ﴿٤٢﴾

وَأُحِيطَ بِشَمْرِهِ فَاصْبَحَ يَقْلِبُ كَفَّيْهِ
 عَلَىٰ مَا أَنْفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ
 عُرُوشِهَا وَيَقُولُ لِيَلَيْتَنِي لَمْ أَشْرِكْ
 بِرَبِّي أَحَدًا ﴿٤٣﴾

و برای او گروهی نبودند که در مقابل خدا او را یاری میدادند و نتوانست که انتقام بکشد (۴۴)

آنوقت اختیار از آن خدا بود که حق است. او نیکو درباداش است و نیکو برای عاقبت است (۴۵)

و برای ایشان مثل زندگانی این دنیا بیان کن که مانند آبی است که آن را از آسمان فرورستادیم پس رستنی زمین به آن درهم آمیخت. پس آن شکسته و خرد شد که باد آنرا میپیراند و خدا بر هر چیز با کمال قدرتمند است (۴۶)

مال و اولاد زینت زندگی دنیائیند و نیکبها باقیمانده نزد پروردگار تو بهتر است برای ثوابی و بهتر است جهت آرزو. (۴۷)

و روزیکه کوهها را بحرکت آوریم و میبینی زمین درون خود را بروز دهد و آنها را [درآفت] گرد آوریم پس احدی از آنها را وا نگذاریم (۴۸)

وَلَمْ تَكُنْ لَهُ فِئَةٌ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ
وَمَا كَانَ مُنْتَصِرًا ۙ

هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ ۗ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا
وَخَيْرٌ عُقْبًا ۙ

وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا
أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ
الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ
الرِّيحُ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
مُقْتَدِرًا ۙ

أَمْوَالٌ وَالْبُنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
وَالْبَقِيَّةُ الصَّلِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ
ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمْلًا ۙ

وَيَوْمَ نُسِطِرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ
بَارِزَةً ۗ وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ
أَحَدًا ۙ

و صف کشیده بر پروردگارتو
 عرضه شوند. یقیناً پیش ما آمدید
 بدانسان که شمارا اول بار آفریده
 بودیم. بلکه شما گمان میکردید که
 برایشما هیچ وعده گاهی مقرر
 نخواهیم داشت (۴۹)

و کتاب آورده شود. پس مجرمان
 را از آنچه در آن است بیناک
 خواهی دید و گویند ای وای!
 این کتاب را چیست که چیزی نه
 کوچک و نه بزرگ را فرو می
 گذارد مگر همه را شمار کرده است
 و هر چه عمل کردند حاضر خواهند
 یافت و پروردگارتو به کسی ستم
 نخواهد کرد (۵۰)

و چون به فرشتگان گفتیم که
 برای آدم سجده کنید. پس سجده
 کردند همه جز ابلیس. او از جنها
 بود. پس او از فرمان پروردگار
 خود روگردانی کرد. پس آیا گذشته
 از من او و نژادش را بدوستی

وَعَرَضُوا عَلَي رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا
 كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ
 زَعَمْتُمْ أَنَّنِي جَعَلْ لَكُمْ مَوْعِدًا ۝۱۹

وَوَضَعَ الْكِتَابَ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ
 مُشْفِقِينَ مَافِيهِ وَيَقُولُونَ يَايَلَيْتَا مَا
 لَنَا هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا
 كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا
 حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا ۝

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ
 فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ ۝ كَانَ مِنَ الْجِنِّ
 فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ ۝ أَفَتَتَّخِذُونَهُ
 وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ
 عَدُوٌّ ۝ بئس للظالمين بدلاً ۝

فراگیرید حالیکہ آنها دشمن شما
اند؟ معاوضہ ستمکاران بسیار
زشت است (۵۱)

من آنها را بر آفرینش آسمانها و
زمین گواہ نگرفتم و نہ بر
آفرینش خودشان و نیستم من کہ
گمراہ کنندگان را بازوئی خود
بگزینم (۵۲)

وروزیکہ گوید، آنانرا کہ شریکان
من گمان میکردید بخوانید. پس
آنان آنها را بخوانند پس آنها
جوابی بہ آنها ندمند و میان آنها
ملاکتگامی قرار خواهیم داد (۵۳)
و مجرمان بہ آتش بنگرند و
گمان کنند کہ آنها در آن افتادگانند
و میچ بازگشتگامی از آن نخواهند
یافت (۵۴)

والبتہ در این قرآن برای مردم از
ہر کدام مثل را بیان کردہ ایم و
انسان بیشتر از ہر چیز ستیزہ
کنندہ است (۵۵)

مَا أَشْهَدْتُهُمْ خَلْقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَلَا خَلْقَ أَنْفُسِهِمْ ۗ وَمَا كُنْتُ مُتَّخِذَ
الْمُضِلِّينَ عِزًّا ۝۵۱

وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَاءِيَ الَّذِينَ
زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ
وَجَعَلْنَا بَيْنَهُم مَّوْبِقًا ۝۵۲

وَرَأَى الْمُجْرِمُونَ النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُمْ
مُؤَاقِعُهَا وَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرِفًا ۝۵۳

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ
كُلِّ مَثَلٍ ۗ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ
جَدَلًا ۝۵۴

وجه چیزی بازداشت مردم را چون ایشان را هدایت آمد که ایمان می‌آوردند و از پروردگار خود آمرزش میخواستند جز اینکه [میخواستند] روند پیشینیان آنان را نیز بی‌آیدیا آنانرا عذابی زودتر آینده بی‌آید (۵۶)

و مارسولانرا نافرستادیم مگر مرزده دهنده و بیم دهنده و کسانی که کفر کردند بدروغ جدال میکنند تاحق را بدان بلغزانند و آنها آیت‌های من و از آنچه آنها بپیم داده شدند را بباد سخریه گرفتند (۵۷)

و کیست ستمکارتر از آنکه به آیت‌های پروردگار خود تذکر داده شد بازهم از آنها روی برتابید و به فراموشی سپرد آنچه را دو دست او پیش فرستاد. یقیناً ما برد‌های ایشان پرده افکنده ایم تا آنها درک نکنند و درگوش‌های ایشان سنگینی‌است و اگر آنها را بسوی

وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ
الْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا أَنْ
تَأْتِيَهُمْ سُنَّةٌ الْأَوَّلِينَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ
الْعَذَابُ قُبُلًا ﴿٥٦﴾

وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ
وَمُنذِرِينَ ۚ وَيَجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا
بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا
آيَتِي وَمَا أَنْزَرُوا هُرُوعًا ﴿٥٧﴾

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ
فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدُهُ ۗ إِنَّا
جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ
وَفِي أذَانِهِمْ وَقْرًا ۗ وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى
الْهُدَىٰ فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا ﴿٥٨﴾

هدایت بخوانی پس هرگز هدایت

نخواهندیافت (۵۸)

و پروردگارتو صاحب آمرزش و صاحب رحمت است. اگر او آنها را بمواخذه بگیرد بدانچه انجام دهندحتماًعذاب را بر آنان زودتر بیآرد. اما برای آنها وعده گاهی است که از آن گریزگاهی نه خواهند یافت (۵۹)

و این قریه ها بودند که چون ستم کردند ما نابودشان ساختیم و برای هلاکشان وعده گاهی قرار داده ایم (۶۰)

وهنگامیکه موسی به [همراهی] حوان خود گفت، هرگز من دست برنمیدارم تاآنگاهکه محل اتصال دو دریا برسم اگرچه قرنها راه بروم (۶۱) ++

پس چون آندو بمحل اتصال دریا رسیدند مامی خود را [آنجا] فراموش کردند و آن در دریا رو

وَرَبِّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ ۖ لَوْ
يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبُوا الْعَجَلَ لَهُمْ
الْعَذَابُ ۖ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَّنْ يَجِدُوا مِنْ
دُونِهِ مَوْيِلًا ﴿٥٨﴾

وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا
وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا ۖ ﴿٥٩﴾

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَتْلِهِ لَا أَبْرَحُ حَتَّىٰ
أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا ﴿٦٠﴾

فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنَهُمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا
فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا ﴿٦١﴾

به راه نهاد(۶۲)++

پس هنگامیکه آندو گذشتند او به [مهرامی] جوان خود گفت، غذای چاشت مارا بیار. یقیناً مارا ازین

سفر خستگی رسیده است(۶۳)

او گفت، آیا حالی شدی وقتی ما بر سنگی پناه بردیم آنگاه من مامی را فراموش کردم و آنرا از من فراموش نساخت جز شیطان که آنرا بخاطر میداشتم و عجب آن

راه خود را در دریا در گرفت(۶۴)

او گفت، همین را که مامیخواستیم.

پس آندو ردپای خود را دنبال

کرده برگشتند(۶۵)

فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَاهُ إِنِّي جَدَّاءٌ نَا
لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هَذَا نَصَبًا ﴿٦٣﴾

قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ
فَارِئِي نَسِيتُ الْحُوتَ وَمَا أَنْسِيئُهُ إِلَّا
الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي
الْبَحْرِ عَجَبًا ﴿٦٤﴾

قَالَ ذَلِكَ مَا كُنَّا نَبِغُ ﴿٦٥﴾ فَارْتَدَّا عَلَى
أَثَارِهِمَا قَصَصًا ﴿٦٥﴾

++ آیت ۶۱-۶۲: در این آیات اشاره ی به سوی يك مگاشه حضرت موسی است در چه

عیسی ظهورکننده در امت ایشان به همراه ایشان بر سفر نشان داده میشود.

حوت بمعنای آموزش روحانی است که موجب غذای روحانی میگردد. مجمع

البحرین عبارت از آن زمان است که امتهای حضرت محمد صلی الله علیه وسلم و

حضرت موسی علیه السلام بهم متصل شوند یعنی امت حضرت موسی شامل ایمان

آوردگان بر حضرت عیسی تا بظهور رسیدن امت رسول الله صلی الله علیه وسلم

ادامه دهند. امام مسیحیان بسیار جلوتر از آن زمان حال و هوای خود را خراب و خرافاتی

خواهند ساخت و از دست در رفتن مامی را همین مفهوم است.

فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِّنْ
عُنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِمَّا لَدُنَّا عِلْمًا ﴿١٦﴾

پس آندو [در آنجا] از بندگان ما
بندۀ ی‌رایافتند که او را از جانب
خود رحمتی بسیار بزرگ داده
بودیم و از نزد خود به او دانش
آموخته بودیم (٦٦)

قَالَ لَهُ مُوسَىٰ هَلْ أَتَيْتَكَ عَلَىٰ أَن
تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُسُلَنَا ﴿١٧﴾

موسیٰ به او گفت آیا من از پی تو
بروم براینکه بی‌آموزی مرا از آن
هدایت که بتو آموخته شد (٦٧)

قَالَ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿١٨﴾

او گفت: یقیناً تو با من طاقت صبر
نه خواهی آورد (٦٨)

وَكَيفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ
خُبْرًا ﴿١٩﴾

و چگونه صبر کنی بر آنچه آنرا به
تجربه فرانگرفته ای (٦٩)

قَالَ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا
أَعْصِي لَكَ أَمْرًا ﴿٢٠﴾

او گفت: انشأ الله حتماً مرا شکیبا
می یابی و در هیچ امر تو را
نافرمانی نکنم (٧٠)

قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ
حَتَّىٰ أُحَدِّثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا ﴿٢١﴾

او گفت: پس اگر در پی من آمدی
آنگاه مرا هیچ نپرسی تا [خودم]
برای تو از آن درسخن آیم (٧١)

فَأَنْطَلَقَا^{٢٢} حَتَّىٰ إِذَا رَكَبَا فِي السَّفِينَةِ
خَرَقَهَا^{٢٣} قَالَ أَخْرَقْتُهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا^{٢٤}

پس آندو رهسپار شدند تا چون
سوار کشتی شدند او آنرا ترکاند.
او گفت آنرا ترکاندی تا اهل آنرا

لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا مَّرًّا ﴿٢٥﴾

غرق سازی؟ یقیناً چیزی زشت

آورده ای (۷۲)

او گفت: آیا نگفته بودم که یقیناً با

من طاقت صبر نخواهی آورد (۷۳)

گفت، مرا مواخذه نکن به آنچه

فراموش کردم و از کارم مرا

سخت گرفته بیش از طاقتم

تکلیف نده (۷۴)

پس رهسپار شدند تا چون با پسری

روبرو شدند آنگاه او آنرا کشت.

او [موسی] گفت، آیا يك جان

پاك را کشتی بفریاز جانی [که

او کشته باشد]؟ یقیناً تو چیزی

ناپسند آورده ای (۷۵)

قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ
صَبْرًا ﴿٧٢﴾

قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا
تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا ﴿٧٣﴾

فَانطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا قَيَاغُلَمَا فَفَقَتَاهُ
قَالَ أَقَاتَلْتُمْ نَفْسًا سَازِجِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ
لَقَدْ جِئْتُمْ شِئًا تُكْرَهُ ﴿٧٤﴾

او گفت، آیا به تو نگفته بودم که **قَالَ الْمَأْمُورُ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ** **مَعِيَ صَبْرًا** ^(۷۶) یقیناً بهر راه من طاقت صبر نه خواهی آورد (۷۶)

او گفت، اگر بعد ازین از چیزی از تو بپرسم پس مرا همراه نه گیر. یقیناً عذری از من بتو رسیده است (۷۷)

پس آندو راهی شدند تا چون نزد اهل قریه رسیدند از مردمش غذا درخواستند اما آنها ازین انکار کردند که آندو را مهمان کنند. آندو آنجا دیواری یافتند که می خواست منهدم شود. پس او آنرا استوار کرد. او [موسی] گفت اگر میخواستی البته برای آن اجرت میگریفتی (۷۸)

او گفت، اینک بین من و بین تو جدائی است. البته تو را بحقیقت آن آگهی می دهم که بر آن نه توانستی صبر کنی (۷۹)

باتوجه به کشتی پس آن برای **أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسْكِينٍ**

ساکین بود که در دریا کار می کردند. پس خواستم آنرا عییدار سازم چه پادشاهی آنها را تعقیب میکرد که هر کشتی را به غصب میگرفت (۸۰)

وباتوجه به پسر پدر و مادرش هر دوی مومن بودند. پس باک داشتیم که مبادا سرکشی و ناسپاسی کرده آندو را بیارطاعت فرسائی تکلیف کند (۸۱)

پس خواستم که آندو را پروردگار ایشان در عوض [پسری] پاکتر و ترحم کننده تر در دهد (۸۲)

و باتوجه به دیوار، پس آن از آن دو پسر یتیم آن شهر بود و زیر آن گنج آندو پنهان بود و پدرشان نیکوکار بود. پس پروردگار تو خواست که آندو بسن بلوغ خود برسند و گنج خود را (خود) بیرون آورند. این از پروردگار تو رحمتی بود و اینکار بسبب خود نکرده ام.

يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرْدْتُ أَنْ أَعِيبَهَا
وَكَانَ وِرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ
غَضَبًا ﴿٨٠﴾

وَأَمَّا الْعُلَمَاءُ فَكَانَ أَبُوهُمُ مُؤْمِنِينَ فَخَشِينَا
أَنْ يُرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا ﴿٨١﴾

فَأَرَدْنَا أَنْ يُبَدِّلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ
زَكْوَةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا ﴿٨٢﴾

وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي
الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ
أَبُوهُمَا صَالِحًا فَآرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا
أَشُدَّهُمَا وَيَسْخَرَا جَاكِنُهُمَا رَحْمَةً
مِّنْ رَبِّكَ وَمَا فَعَلْتُمْ عَنْ أَمْرِي ذَلِكُمْ
تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا ﴿٨٣﴾

این حکمت آنست که بر آن تو نه

توانستی صبر کنی (۸۳)

و درباره ذوالقرنین ازتواستفسار

میکنند. بگو، حتماً کسی از ذکرش را

بر شما میخوانم (۸۴) ++

یقیناً ما در زمین او راجاه و مقام

داده بودیم و او را وسائل هر کار

فراهم کردیم (۸۵) ++

پس اوراهی رادنبال کرد (۸۶) ++

تا چون او سمت غرب خورشید

رسید آنگاه آنرا دید که در منبع

لجن آلود غروب میکرد و در جوار

آن قومی را یافت. ما گفتیم: ای

ذوالقرنین خواه عذاب کن و

خواه جهت ایشان خوش رفتاری

فراگیر (۸۷) ++

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ ذِي الْقُرْنَيْنِ ۖ قُلْ

سَأَلْتُوَأَعْلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا ۗ ﴿٨٤﴾

إِنَّمَا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَاتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ

شَيْءٍ سَبَبًا ۗ ﴿٨٥﴾

فَاتَّبَعِ سَبَبًا ۗ ﴿٨٦﴾

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا

تَعْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَوَجَدَ عِنْدَهَا

قَوْمًا قُلُوبًا يَذَّالِقُونَ ۖ إِنَّمَا أَنْتَ تُعَذِّبُ

وَأَمَّا أَنْ تَخْذِفَ بِهِمْ حُسْنًا ۗ ﴿٨٧﴾

++ آیات ۸۴ - ۸۷: ذوالقرنین حقیقی آنحضرت صلی الله علیه وسلم اند. ایشان يك

دوره امت حضرت موسی رادیدند و دوره ی دیگر است که خداوند برای تجدید حیات

امت ایشان کسی از پیروکاران مطیع ایشان را برای اینکار بر میانگیزد. بدین ترتیب

مردوزمان به آنحضرت نسبت داده شود. اما امری که در این زبان تصویری بیان

شده است مربوط به يك واقعه تاریخی است که احتمالاً منظور از آن کوروش

پادشاه ایران است و درباره وی سخن در بائبل نیز رفته است. [ص# ۱۶۹۵]

قَالَ آمَا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا ثَكْرًا ﴿۸۸﴾

او گفت: آنکه ستم کرد ما او را عذاب دهیم. سپس او بسوی پروردگار خود بازگردانده شود که او وی را عذابی سختتر خواهد داد (۸۸) و هر که ایمان آورده و نیکوکاری کرد پس او را پاداشی نیکو است و برایش از فرمان خود به آسایش فیصل دهیم (۸۹)

وَأَمَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءٌ الْحَسَنَىٰ ۖ وَسَنُؤَلِّهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا ﴿۸۹﴾

پس راهنی دیگر را دنیا نکرد (۹۰) تا چون او جای مطلع خورشید رسید پس آنرا بر قومی طلوع کنان یافت که میان ایشان و ورای آن [خورشید] مانعی قرار نداده بودیم (۹۱)

ثُمَّ اتَّبَعَ سَبَبًا ﴿۹۰﴾

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَمْ نَجْعَلْ لَهُم مِّن دُونِهَا سَبْتًا ﴿۹۱﴾

همینطور شد، و ما هر تجربه او را احاطه کرده بودیم (۹۲)

كَذَٰلِكَ ۖ وَقَدْ أَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا ﴿۹۲﴾

بقیه ۶۹۱#ص: او دارای نیرو و روحانی فوق العاده و یکتا پرست بود. این آیتها حاکی از سفرهای خاوری و باختری او میباشد. نسبت به ساختن دیوار منظور ازین تنهایک دیوار نیست بلکه دیوارهای مختلف است که در زمان باستانی از جلوگیری حمله کنندگان برخلاف چنین ملتهای که طاقت بدفاع خود نمیآوردند استوار کرده میشد. از آنجمله يك دیوار در روسیه است و دیوار چین نیز است. یعنی حفاظت کردن از طریق دیوارها رسم آن زمان بود.

ثُمَّ اتَّبَعَ سَبَبًا ۝

پس راهی دیگر را دنبال کرد (۹۳)

تا چون در میان دو دیوار رسید
ورای آن دو قومی دیگر را یافت
که سخن را بشکل درک می
کردند (۹۴) ++

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ
دُونِهِمَا قَوْمًا لَّا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ
قَوْلًا ۝

گفتند ای ذوالقرنین یقیناً یا جوج
ما جوج در زمین فساد کننده اند.
آیا ما برای تو بر این خراجی
مقرر کنیم تا میان ما و میان آنها
سدی بسازی (۹۵) ++

قَالُوا يَا قُرْنَيْنِ إِنَّا يَا جُوجَ
وَمَا جُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ
نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا
وَبَيْنَهُمْ سَدًّا ۝

او گفت، یارائی که پروردگارم
جهت این مرا داد بهتر است. پس
شما بمن [فقط] یاری از نیروئی دهید
تا میانتان و میان ایشان سدی
بسازم (۹۶) ++

قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي
بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا ۝

قطعات آهن برایم بیارید تا چون
میان دو کوه را [پر کرده] برابر
ساخت گفت اکنون [آتش] بدمید. تا
آن انتها که چون آن را آتش [سان]
ساخت گفت، بیارید مرا مس که
بر آن بریزم (۹۷) ++ [ص# ۶۹۷]

أَتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ ۗ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَى
بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا ۗ حَتَّىٰ إِذَا
جَعَلَهُ نَارًا قَالَ اتُّونِي ۗ أُفْرِغْ عَلَيْهِ
قِطْرًا ۗ

فَمَا اسْطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا ﴿١٨﴾
 قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا ﴿١٩﴾

پس نتوانستند که آن را بپزند و نتوانستند آنرا نقب بیافکنند (۹۸) او گفت، این رحمت پروردگارم است. پس چون وعده پروردگارم فرارسد آنرا ریزه ریزه کند، یقیناً وعده پروردگارم حتمی الوقوع است (۹۹) ++

وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا ﴿٢٠﴾
 وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِلْكَافِرِينَ عَرْضًا ﴿٢١﴾

و آنروز بگذاریم که بعضی از آنها بر بعضی موج زنند و در صورت دیده شود همه آنها را جمع کنیم (۱۰۰) و آنروز جهنم را آشکارا روبروی کافران قرار دهیم (۱۰۱)

آیات ۹۴-۹۷: دیواری که ذکرش در این آیتها می‌رود آن میان ترکیه و روسیه دیوار دربند است که بوسیله آن راه میان دریای اخضر و کوه قاف بسته شده بود. این دیوار را کوروش جهت جلوگیری کردن از حمله کنندگان اروپائی برخلاف ملت‌های ضعیف استوار کرده بود. کوروش بعموض اینکار از آنان هیچ مزدی نخواست بود بلکه فقط نیروئی کارگروآمن و مس طلبیده بود و کاربنائی نیز مطابق رهنمائی کوروش انجام داده میشد.

++ آیت ۹۹: در زمانیکه یاجوج و ماجوج را خروج در دنیا باشد آنگاه این دیورها بی معنی شده خواهد بود و از روی نوشته‌ها غلبه یاجوج و ماجوج بر همه دنیا بطوری صورت خواهد گرفت که طغیان دریائی موج به موج بیش می‌رود. پس درحقیقت غلبه جهانی آنان را در نتیجه غلبه دریایی آنان شروع شدن بود.

الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَنِ
ذِكْرِي وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا ۝

آنانکه دیدگان آنها از یادم در
برده بودند و طاقت شنوائی را
نداشتند (۱۰۲)

أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ يَتَّخِذُوا
عِبَادِي مِنْ دُونِ أَوْلِيَاءِ ۗ إِنَّا أَعْتَدْنَا
جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نُزُلًا ۝

پس آیا آنها که کفر کردند گمانکنند
که جز من بندگان را سرپرستان
خود خواهند ساخت؟ یقیناً ما جهنم
را برای کافران محل پذیرائی
آماده کرده ایم (۱۰۳)

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا ۝

بگو آیا شما را به زیانکارتران در
اعمال آگهی دهیم (۱۰۴)

الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ
صُنْعًا ۝

کسانیکه همه کوششهای آنها در
زندگی دنیا فرورفت و گمان کنند
که آنان هنر صنایع را به حد کمال
میرسانند (۱۰۵)

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَإِلَّا يَتَرَبَّهَتْ
وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا تُقِيمُ لَهُمْ
يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا ۝

مانهاند که به آیتهای پروردگار
خود و دیدار او انکار کردند.
پس اعمال آنها هدر رفت پس روز
قیامت به آنها هیچ ارجی نه
گذاریم (۱۰۶)

ذَٰلِكَ جَزَاءُ وَّهُمْ جَهَنَّمَ بِمَا كَفَرُوا
وَآتَّخَذُوا آلِيَّيْ وَرُسُلِي هُرُوعًا ۝

این است پاداش آنها جهنم چه
کفر کردند و آیتهای ما و رسولان

ما را بیاد سخریه گرفتند (۱۰۷) البته کسانی که ایمان آوردند و نیکوکاری کردند جای پذیرائی آنان بهشتهای فردوس است (۱۰۸) در آن جاودانانند و هیچگاه جدائی از آنها نخواهند خواست (۱۰۹)

بگو، اگر دریاها به [نوشتن] کلمات پروردگار مرکب گردد حتماً دریاها تمام شود قبل از اینکه کلمات پروردگار پایان برسد هر چند کمک بمانند آن (دریاها زاید) بیاریم (۱۱۰)

بگو، من [فقط] بشری ام مانند شما. وحی میشود بسویم که معبود شما معبودی یگانه است. هر که دیدار پروردگار خود را میخواهد پس باید نیکوکاری کند و در عبادت پروردگار خود احدی را شریک قرار ندهد (۱۱۱)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا ﴿۱۰۷﴾

خُلِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا ﴿۱۰۸﴾

قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا ﴿۱۰۹﴾

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا ﴿۱۱۰﴾

۱۹ - سورة مریم

این سوره در مکه نازل شد و با بسم الله ۹۹ آیت دارد. زمان نزولش چهارمین یا پنجمین سال قبل از هجرت حبشه است.

این سوره حاکی از تولد حضرت عیسیٰ علیه السلام است که بلا وجود پدر بدنیا آمدند و گفته میشود که این تولد برچنین معجزه ای متکی بود که مردم آن زمان نمیتوانستند آنرا درک کنند. ضمناً ذکر از این امر ضروریست که اهل تحقیق مسیحیان این امر را به قاطعیت اثبات کرده اند که از بطن دوشیزه ای بی آنکه او به مردی نزدیکی کرده باشد بچه ای توان متولد شد. در اوایل تصور بر این بود که تنها تولد دختر امکان پذیر است ولی از تحقیق اخیر به اثبات رسیده است که تولد پسر نیز امکان دارد.

تاجائیکه تولد معجزانه تعلق دارد آن به گاه ها به این رنگ و روی نیز بظهور میرسد که بچه ای در آن مرحله سن زن و شوهر متولد میشود که بظاهر ایشان تولد را برای خود خارج از امکان میپندارند. همین صورت حضرت زکریا علیه السلام را پیش آمد. ایشان آزمند اولاد بودند. اما ایشان پیر فرتوت شده و سرایشان از سفیدی موها برافروخته بود. همسر ایشان نه تنها پیر بلکه نازا هم بود. پس تولد اعجازی را يك مثل اینست که با وجود این کم بودیها ایشان از اولاد بصورت حضرت یحییٰ برخوردار شدند. این آزمندی اولاد بخاطر ایشان ناشی از تفکر بر حالات حضرت مریم خطور کرد. این امر بلا ذکر نباید بماند که وجود پاك حضرت مریم بود که تولد معجزانه حضرت عیسیٰ علیه السلام بلا وجود پدری از آن مقدر شده بود.

سپس شرح از آن جریان حوادث است که حضرت مریم علیها السلام فلسطین را ترك کرده بسوی خاور آن رفته بودند و شب و روز آنجا را در ذکر خداوند میگذراندند و حین این گوشه نشینی نخست بار بوسیله فرشته ای متمثل به رنگ و روی انسان ایشان را مؤده پسری داد.

پس از فارغ شدن حضرت مریم بهمهراه حضرت عیسیٰ به فلسطین باز شدند. آنگاه یهودیان سخت غوغا برپا کرده اینرا اولادی ناجایز تلقی کردند. آنگاه خداوند به حضرت مریم فرمان داد که بخاطرم روزه کری کلامی بگیر و این پسر [که آنگاه در گهواره ای بود یعنی دو یا سه سالگی داشت] خودش به آنها پاسخ خواهد داد. حضرت عیسیٰ جلوی علماء یهودیان چنان سخنانی پرمعرفت گفتند که خارج از حیطه فکری از بچه ناپاکی بود. این سخنان شامل پیشگویی از پیغمبر بودن ایشان نیز بود. همزمان ایشان این پیش گوئی نیز کردند که خداوند ایشان را از چاله های آنها جهت قتل ایشان نیز حفظ خواهد کرد. در ضمن گفتند، "وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَ يَوْمَ أَمُوتُ وَ يَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا" یعنی درود بود بر من از جانب خدا روزیکه بدنیا آمدم و هنگامیکه میمیرم وفات طبیعی میمیرم و درود است بر من از خدا روزیکه برخیزانده شوم.

آیتی شبیه این در مورد حضرت یحییٰ علیه السلام نیز نازل آمد که حاکی است "سَلَامٌ عَلَیْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ يَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا" که درود براو روزیکه بدنیا آمد و درود بر او روزیکه بمیرد و درود براو روزیکه برخیزانده شود. از این آیت استدلال ما این است که حضرت یحییٰ نیز بقتل نرسیدند..

سپس ضمن ذکر از حضرت ابراهیم علیه السلام سخن از اولاد معجزانه ایشان نیز می‌رود. ایشان را در سن کهولت هم حضرت اسمعیل داده شدند و هم حضرت اسحاق و بعدها از نژاد ایشان حضرت یعقوب علیه السلام بظهور آمدند.

علاوه بر آن ذکر از دیگر انبیاء می‌رود در چه صورتهای مختلف از ولادت روحانی بیان میشود و مثل رفع حضرت عیسی علیه السلام نیز بصورت رفع حضرت ادریس علیه السلام ارائه داده شد. ایشان همه آن بندگان نیکوکار خدا بودند که بعدها نژاد ایشان نتوانستند نیکوکار بمانند و نمازهای خود را ضائع دادند و خواهشهای نفسانی خود را دنبال کردند. پس برای ایشان هشدار است که حتماً آنان عوض کجی خواهند یافت.

در این سوره صفت رحمانیت خدا را بتکثیر ذکر است. رحمان را معنای است بی انتها رحمکننده و بلا استدعا اعطا کننده. موضوع این سوره عیناً به این صفت خداوند مطابقت دارد.

پایان این سوره حاکی از این است که پسری را به خدا نسبت دادن گناهی بزرگ است در نتیجه آنچه ممکن است که زمین و آسمان بشکافد و این امر دال بر اینست که این مردم مبتلا به جنگهای چنان هولناک گردانده شوند که گویی آسمان بر ایشان از هم پاشیده فرو افتاده است.

بعکس در آخرین آیتهای این سوره ذکر از آن مردمان است که پرهیزکاری کرده نیکوکاری را فرامیگیرند. در نتیجه خدای رحمان در دل های ایشان محبت همدیگر پدید می‌آورد و نه کینه ای همدیگر که ذکر از آن قبلاً رفته است.

☆ سُورَةُ مَرْيَمَ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبُسْمَلَةِ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ آيَةً وَسِتَّةٌ رُكُوعَاتٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بسیاربخشنده بارهارحم کننده (۱)

كَهَيِّحْص ②

أَنْتَ كَافٍ وَ هَادٍ يَا عَالِمٌ يَا صَادِقٌ

این ذکر از رحمت پروردگار تو

ذَكَرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَّرِيًّا ③

است بربنده او زکریا (۲)

إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا ④

چون پروردگارش را صدای آهسته

خواند (۴)

قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاسْتَعَلَ

گفت، پروردگارا! استخوانهایم

سست و سرم از شدت پیروی بر

الرَّأْسِ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ

افروخته است بازهم پروردگارا!

شَقِيًّا ⑤

به خواندن توبدبخت نشدم (۵)

وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي

ویقیناً من پس از من از شریکانم

بیمدارم حالیکه زخم نیز نازا

وَكَانَتْ أُمَّرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ

است. پس مرا از نزد خود وارثی

لَدُنْكَ وَلِيًّا ⑥

عطاکن (۶)

يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ ۖ وَاجْعَلْهُ

که هم از من ارث برد و هم از آل

يعقوب ارث برد و ای پروردگار

رَبِّ رَضِيًّا ⑦

من او را خیلی پسندیده بنما (۷)

يَزَكِّرِيَا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلْمٍ اسْمُهُ
يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا ⑩

ای زکریا! احتمالاً ما ترا نوید به
پسری میدهم که نام او یحیی
است. ما پیش از این کسی را
نامیده ایم (۸)

قَالَ رَبِّ إِنِّي كُنْتُ نَذِيْرًا
وَوَكَّاتٍ أَمْرًا تِي عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ
عِتْيَانًا ⑪

او گفت، ای پروردگار من پسری
برایم چگونه امکان پذیر است
حالیکه زخم نازا است و منم به
سن شدت پیری رسیده ام (۹)

قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ
وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ تَكُ شَيْئًا ⑫

گفت، همینطور. پروردگارتو گفته
است که اینکار بر من آسان
است و یقیناً من پیش ازین تو
را آفریده ام در حالیکه چیزی
نبودی (۱۰)

قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ
أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا ⑬

او گفت : ای پروردگار من برای
من نشانه قرار بده. او گفت نشانی
تو این است که با مردم سه شب
متوالی سخن نگوئی (۱۱)

فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَى
إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا ⑭

پس او بر قوم خود از محراب
بیرون آمد و بسوی ایشان اشاره
نمود که صبح و شام تسبیح
گوئید (۱۲)

يُحْيِي خُذَالِكِثْبَ بِقُوَّةٍ ۖ وَآتَيْنَاهُ
الْحُكْمَ صَبِيحًا ۙ

ای یحیی کتاب را محکم بگیر و
ما او را سرکودکی حکمت اعطا
کرده بودیم (۱۲)

وَخَنَانًا مِّنْ لَّدُنَّا وَزَكُوهً ۖ وَكَانَ تَقِيًّا ۙ

و او را از نزد خود مهر و پاک
خوی بخشیدیم و او پرهیزکار
بود (۱۴)

وَ بَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا
عَصِيًّا ۙ

و برای والدین خودوظیفه شناس
و هرگز سختگیر و گردنکش نه
بود (۱۵)

وَسَلَّمَ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ
وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا ۙ

و سلام بر او روزیکه بدنیا آمد و
روزیکه از دنیا برود و روزیکه
زنده بر خیزانده شود (۱۶)

وَ اذْكَرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ ۙ اِذْ اَنْتَبَدَتْ
مِنْ اَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا ۙ

و در [این] کتاب مریم را یاد کن
چون او از اهل خود درمکانی به
سوی شرق کناره گیری کرد (۱۷)

فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا ۗ
فَاَرْسَلْنَا اِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا
سَوِيًّا ۙ

پس او میان خود و آنها پرده ی
اختیار کرد. پس ما به سوی او
فرشته خود را فرستادیم و او
برای او شباحت بشری متناسب
الاعضاء اختیار کرد (۱۸)

قَالَتْ اِنَّنِي اَعُوذُ بِالرَّحْمٰنِ مِنْكَ اِنْ

او گفت من از تو به رحمان پناه

كُنْتَ تَقِيًّا ۱۱

میبرم اگر پرهیزکار ای (۱۹)

قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكَ
عُلْمًا زَكِيًّا ۱۲

او گفت، منم فرستاده پروردگارتو
تاتورا پسری پاک نهادبخشم (۲۰)

قَالَتْ أَلَيْ يَكُونُ لِي عُلْمٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي
بَشَرًا لَمْ أَكْ بَغِيًّا ۱۳

او گفت، چطور پسری برایم امکان
پذیراست حالیکه بشری مرا لمس
نکرده ونه بدکاره ای ام (۲۱)

قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّئٌ
وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِّنَّا وَكَانَ
أَمْرًا مَّقْضِيًّا ۱۴

او گفت، همینطور. پروردگارتو گفته
که این کاربرای من آسانست و
[ما آنرا میفرینیم] تا او را برای
مردم نشانی و ازما رحمتی قرار
دهیم و تصمیم قطعی بر این کار
رفته است (۲۲)

فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا ۱۵

پس به او آبستن شد و با او بیگانی
دوربه گوشه عزلت افتاد (۲۳)

فَاجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ
قَالَتْ يَلَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا
مِّنْ سَيِّئًا ۱۶

پس درد زایمان او را بسوی تنه
درخت خرما برد. او گفت، ای کاش!
من پیش از این مرده و از یاد
رفته بودم (۲۴)

فَتَادِبْهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ
رَبُّكَ تَحْتِكَ سَرِيًّا ۱۷

پس [خواننده] او را ازست زیرین
صدا کرد که غم نخور پروردگارت
پائین تو چشمه ای جاری کرده

است (۲۵)

و تنه درخت خرما را بسوی خود
بتکان که رطب تازه را بر تو می
ریزد (۲۶)

پس بخور و بنوش و چشمان خود
را روشن دار پس اگر دیدی احدی
از بشر پس بگو براستی من برای
رحمان روزه ای نذر کرده ام. پس
امروز من بکسی تکلم نمیکنم (۲۷)

پس او را برداشت و نزد قومش
آورد. آنان گفتند. ای مریم اهرآینه
تو کاری زشت آورده ای (۲۸)

ای خواهر هارون پدرت بود نبود
مادر تو بدکاره بود (۲۹) ++

آنگاه او به آن [پسر] اشاره کرد.
گفتند. چگونه ما تکلم کنیم با آنکه
هنوز کودکی در گهواره است (۳۰)

وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقُ
عَلَيْكِ رُطَبًا جَنِيًّا ۝۲۵

فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا ۚ فَمَا تَرَيْنَ
مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا ۚ فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ
لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ
إِنْسِيًّا ۝۲۷

فَأْتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحِيَّةً ۚ قَالُوا مِيرِمُ لَقَدْ
جِئْتِ شَيْفَارِيًّا ۝۲۸

يَا خَتَّ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأَ سَوْءٍ
وَمَا كَانَتْ أُمَّكَ بَغِيًّا ۝۲۹
فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ ۚ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ
كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا ۝۳۰

++ آیت ۲۹: اینجا حضرت مریم "خت هارون" گفته شد. ولی در پایان سوره آشکار شد
که این هارون برادر حضرت موسی نبود. آنجا اسم هارون برادر موسی به روشنی ذکر
شده است و حضرت مریم بسیار بعد از ایشان بودند. لذا قوم یا ایشان را طنزاً خواهر
هارون گفتند یا احتمالاً هارون برادر ایشان بود. بحر حال او برادر حضرت موسی نبود.

اوگفت، یقیناً من بنده خدا هستم.
او مرا کتاب داده و مرا پیغمبری
برگزیده است (۳۱)

و مرا مبارک نموده هر کجا باشم
و مرا بنماز و زکوت توصیه کرده
است تا مدیکه حیات دارم (۳۲)

و به مادرم وظیفه شناس ام و مرا
سختگیر و سختدل نساخت (۳۳)

و درود است بر من روزیکه به دنیا
آدم و روزیکه میمیرم و روزیکه
زنده کرده برخیزانده شوم (۳۴)

اینست عیسیٰ پسر مریم، آن امر
حق که در آن شك میکنند (۳۵)

نیست خدا که پسری بگیرد. او پاک
است. هر آن به امری آهنگ کند
پس به آن تنها این گوید، باش پس
آن رونهد و منتها میشود (۳۶)

و یقیناً خدا هم پروردگار من است
و هم پروردگار شما. پس او را
عبادت کنید همین راه راست
است (۳۷)

قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ ^ط آتَنِي الْكِتَابُ
وَجَعَلَنِي نَبِيًّا ^{٣١}

وَجَعَلَنِي مُبْرَكًا آيِنَ مَا كُنْتُ
وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ
حَيًّا ^{٣٢}

وَبَرًّا بِوَالِدَتِي ^ط وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا
شَقِيًّا ^{٣٣}

وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ
وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا ^{٣٤}

ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ ^ط قَوْلَ الْحَقِّ
الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ ^{٣٥}

مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وُلْدٍ ^ط سُبْحٰنَهُ
إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ
فَيَكُونُ ^{٣٦}

وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ ^ط هَذَا
صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ^{٣٧}

پس گروهمازهم اختلاف کردند.
پس هلاکت آنها را که کفر کردند
از حضور در روزی بزرگ (۳۸)

چه خوب بشنوند و چه خوب
بینند روزیکه نزد ما بیایند. ولی
ستمگران امروز در گمراهی آشکار
اند (۳۹)

و آنها را از روز حسرت بترسان
روزیکه امر قضاوت شود. حال این
است که آنها به غفلتند و ایمان
نمیآرند (۴۰)

یقیناً ما زمین و هر چه بر آنست
را وارث شویم و بسوی ما بر
گردانیده شوند (۴۱)

و در [این] کتاب ابراهیم را یاد
کن. یقیناً او پیغمبری راستگو
بود (۴۲)

چون او به پدر خود گفت، ای پدر
من چرا عبادت میکنی آنرا که نمی
شود و نمیبیند و نه هیچ هم به
کار تو میآید (۴۳)

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ
لِّلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ

عَظِيمٍ ۳۸
أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُوتُنَّا لَكِنِ
الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۳۹

وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ
الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا
يُؤْمِنُونَ ۴۰

إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِنَّا
يُرْجِعُونَ ۴۱

وَأذْكَرُ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ ۗ إِنَّهُ كَانَ
صِدِّيقًا نَبِيًّا ۴۲

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا
يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا ۴۳

ای پدرم! یقیناً مرا آن دانشی آمده است که به تونی آمد. پس در پی من بیا که تو را براه درستی هدایت کنم (۴۴)

ای پدر من! شیطان را عبادت نکن یقیناً شیطان نافرمان رحمان است (۴۵)

ای پدر من! من بیدارم که بتو از رحمان عذابی برسد. آنگاه دوست شیطان شوی (۴۶)

او گفت، ای ابراهیم! آیات او از خدایان من روگردانی میکند؟ اگر باز نیایستی حتماً ترا سنگسار کنم. مرا برای مدتی دراز تنها بگذار (۴۷)

او گفت: سلام بر تو. البته من برای تو از پروردگارم استغفار میطلبم. یقیناً او بر من بس مهربانست (۴۸)

و برکنار میشوم از شما و آنچه را جز خدا خوانید و پروردگار خود را میخوانم. ممکن است که بخواندن پروردگارم بدبخت نمازم (۴۹)

يَا بَتِ اِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِيْ اِهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا ۝۴۴

يَا بَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ ۙ اِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمٰنِ عَصِيًّا ۝۴۵

يَا بَتِ اِنِّيْ اَخَافُ اَنْ يَّمْسَكَ عَذَابٌ مِّنَ الرَّحْمٰنِ فَتَكُوْنَ لِلشَّيْطٰنِ وَلِيًّا ۝۴۶

قَالَ اَرَاغِبُ اَنْتَ عَنْ اِلٰهِيْ يٰ اِبْرٰهِيْمُ ۙ لِيْنِ لَّمْ تَنْتَهَ لِاَرْجَمَنَّكَ وَاَهْجُرْنِيْ مَلِيًّا ۝۴۷

قَالَ سَلٰمٌ عَلَيْكَ ۙ سَاَسْتَغْفِرُكَ رَبِّيْ ۙ اِنَّهٗ كَانَ بِيْ حَفِيًّا ۝۴۸

وَاَعْتَرٰكُمْ وَمَا تَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ وَاَدْعُوْا رَبِّيْ ۙ عَسٰى اَلَّا اَكُوْنَ بِدُعَاۗءِ رَبِّيْ شَقِيًّا ۝۴۹

بس چون عزلت گزیداز آنها
و آنچه راجز خدا عبادت میکردند
او را اسحاق و یعقوب اعطا کردیم
و همه را پیغمبر برگزیدیم (۵۰)

و آنانرا رحمت خود بخشیدیم
ایشان را زبان صدق بلند شأن
در دادیم (۵۱)

و در [این] کتاب موسی را یاد کن.
یقیناً او خالص گردانیده و نبی
فرستاده ای بود (۵۲)

و او را از سوی راست طور ندا
کردیم و نجا گفته او را نزدیک
نمودیم (۵۳)

و او را از رحمت خود برادرش
هارون پیغمبری عطا کردیم (۵۴)
و در [این] کتاب اسمعیل را یاد
کن یقیناً او راست وعده و نبی
فرستاده ای بود (۵۵)

و اهل خود را بنماز و زکوت
امر میکرد و نزد پروردگار خود
خیلی پسندیده بود (۵۶)

فَلَمَّا اعْتَزَلْتَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ
اللَّهِ ۗ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ ۗ وَكُلًّا
جَعَلْنَا نَبِيًّا ۝

وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ
لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا ۝

وَإِذْ كُنَّا فِي الْكِتَابِ مُوسَىٰ إِنَّهُ كَانَ
مُخْلِصًا وَقَدْ كَانَتْ رِسُولًا نَبِيًّا ۝

وَنَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ
وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا ۝

وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ
نَبِيًّا ۝

وَإِذْ كُنَّا فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ ۗ إِنَّهُ كَانَ
صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا ۝

وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ
وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا ۝

و در [این] کتاب ادريس را يادکن
يقيتاً او درست کاری پيغمبری
بود (۵۷)

و او را به مقامی بلند ترفيع
داديم (۵۸)

همانند که خدا برایشان انعام داد
که بودند از پيغمبران از اولاد
آدم و از آنانکه با نوح سوار کرديم
و از نژاد ابراهيم و اسراييل و
از آنانکه ما هدايت داديم و بر
گزيديم. چون آيتهای رحمان بر
ایشان تلاوت ميشد سجده کنان و
گریان فرو می افتادند (۵۹)

پس بعد از آنها جانشینانی جانشین
گردیدند که نماز را ضائع کردند
و از موسهای نفسانی پیروی کردند.
پس حتماً عاقبت گمراهی را بر
خوردند (۶۰)

جز آنکه توبه کرد و ایمان آورد
و اعمال شایسته انجام داد. پس
همانها بداخل بهشت شوند و هیچ

وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ
صِدِّيقًا نَبِيًّا ﴿٥٧﴾

وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا ﴿٥٨﴾

أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ
النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ
نُوحٍ وَ مِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ
وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا
إِذْ اتَّكَلَى عَلَيْهِمْ آيَةُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا
سُجَّدًا وَبُكِيًّا ﴿٥٩﴾

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا
الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسَوْفَ
يَلْقَوْنَ غِيًّا ﴿٦٠﴾

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا
فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ
شَيْئًا ﴿٦١﴾

هم ستم کرده نشوند (۶۱)

بهشتهای جاودانی که رحمان به
بندگان خود ازغیب وعده داده
است. حتمًا وعده او وفا کرده
میشود (۶۲)

نشوند درآنها هیچ مرزه درائی
جز سلام و برای ایشان درآن
[بهشت] ما صبح و شام رزق
ایشان [مبیا] است (۶۳)

اینست آن بهشت که ما ازبندگان
خود وارث آن او را گردانیم که
پرهیزکار است (۶۴)

و [فرشتگان گویند ما] فرود
نیایم مگر با فرمان پروردگار
تو. از آن او است هرچه روبروی
ما است و هرچه پشتسرما است و
هرچه میان آنست و پروردگار
تو فراموش کننده نیست (۶۵)

پروردگار آسمانها و زمین و آنچه
میان آنهاست. پس او را عبادت
کن و برعبادت او با صبوری

جَنَّتِ عَدْنِیْ وَ عَدَّ الرَّحْمٰنُ عِبَادَهُ
بِالْغَيْبِ ۱۶ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا ۱۶

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا ۱۷ وَلَهُمْ
رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا ۱۷

تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ
كَانَ تَقِيًّا ۱۸

وَمَا نَنْزِلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ ۱۹ لَهُ مَا بَيْنَ
أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ ۲۰ وَمَا
كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا ۲۰

رَبُّ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا
فَاعْبُدْهُ وَ اصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ ۲۱ هَلْ تَعْلَمُ
لَهُ سَمِيًّا ۲۱

بایدار باش. آیا تو همنام او را
می شناسی؟ (۶۶)

وانسان گوید، آیا چون مردم باز
زنده کرده درآورده شوم؟ (۶۷)

آیا انسان بیدانمیآرد که ما او را
قبلاًم خلق کردیم حالیکه او هیچ
چیزی نبود (۶۸)

پس سوگندبه پروردگارتوحتماًما
محشورکنیم آنهاوشیطانهارا و از
آن پس حتماً آنها را برزانونما افتاده
گردجهنم احضارنمائیم (۶۹)

سپس حتماً برکشیم از هر کدام
گروه آنها را از آنها که برخلاف
رحمان سخت تریبود (۷۰)

سپس یقیناًمائیم داناتربه آنها که
سزاوارترند که در جهنم سوزانده
شوند (۷۱)

و نیست هیچ کس از شما [ستم
گران] جزاینکه واردآن شود. این
پروردگارتو به فرض تصویب
شده است (۷۲) ++ [ص# ۱۵ ۷]

وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ إِذَا مَا مِثَّ لَسَوْفَ
أُخْرَجُ حَيًّا ۝۱۷

أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ
وَلَمْ يَكُ شَيْئًا ۝۱۸

فَوَرَبِّكَ لَنَحْضُرَنَّهُمْ وَالشَّيْطِينَ ثُمَّ
لَنَحْضُرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا ۝۱۹

ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ
عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا ۝۲۰

ثُمَّ لَنَخْنُ أَعْلَمَ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَىٰ بِهَا
صِلِيًّا ۝۲۱

وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ
حَتْمًا مَقْضِيًّا ۝۲۲

سپس آنانکه پرمیزگاری کردند
را نجات دهیم وستمکاران را بر
زانوما فروافتاده بگذاریم(۷۲)

و چون آیتهای ما بر آنها فرو
خوانده شود کسانیکه کفرکردند
به کسانیکه ایمان آوردند گویند،
کدام یکی از دوگروه بهتردرمقام

و نیکوتر در مجلس است(۷۴)
و چه بسانسلهای را پیش از آنها
ملاك ساختیم که برتردراثاث و
خودنمائی بودند(۷۵)

بگو، آنکس که در گمراهی است
پس رحمان حتماً او را مهلت دهد
تا آن انتها که چون ببینند به آنچه
وعدۀ داده شوند خواه عذابست
خواه ساعت قیامت آنگاه بدانند

ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ نَذَرُ الظَّالِمِينَ
فِيهَا جُنْيًا ﴿٧٢﴾

وَ اِذْ اتَّلَى عَلَيْهِمْ اٰیٰتِنَا بَيِّنٰتٍ قَالَ الَّذِيْنَ
كَفَرُوْا لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اٰى الْفَرِیْقِيْنَ
خَيْرٌ مَّقَامًا وَاَحْسَنُ نَدِيًّا ﴿٧٤﴾

وَ كَمْ اَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنْ قَرْنٍ هُمْ
اَحْسَنُ اٰثًا وَّرَعِيًّا ﴿٧٥﴾

قُلْ مَن كَانَ فِي الضَّلٰلَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ
الرَّحْمٰنُ مَدًّا حَتّٰى اِذَا رَا وَا مَا
يُوْعَدُوْنَ اِمَّا الْعَذَابَ وَاِمَّا السَّاعَةَ
فَسَيَعْلَمُوْنَ مَن هُوَ اَشْرُّ مَكَانًا وَاَوْضَعُفُ

++ آیت ۷۲: "ان منکم واردما" را معنای این نیست که هرکس حتماً بداخل جهنم
میشود. قرآن نسبت به پاک کرداران میفرماید که ایشان حتی صدای آهسته از جهنم
نیز نخواهند شنید. پس اینجا جهنم عبارت از جهنم دنیائی است که نیکوکاران
برای خدا تحمل میکنند. به گاه به گنهکاران نیز قبل از مرگ اذیتی دردناک میرسد.
آنها یکنوع جهنم است که در این دنیا میرسد.

جُنْدًا ۷۶

که کی بدتر در رتبه و نا توانتر
در لشکراست (۷۶)

و خدا کسانی که هدایت یافتند را
در هدایت میفراید و نیکیهایی
باقیمانده نزد پروردگارتو بهتر
است در پاداش و بهتراست در
فرجام (۷۷)

پس آیانگریستی آنها که به آیت
های ما انکار کرد و گفت که حتمًا
من مال و اولاد داده شوم (۷۸)
آیا برغیب مطلع شده است یا
عهدی از رحمان گرفت؟ (۷۹)
باش! حتمًا نوشته داریم آنچه
گوید و او را قبل از عذاب مهلت
دهیم (۸۰)

و وارث شویم آنچه را میگوید
نزد ماتنها خواهد آمد (۸۱)
و معبودانی جز خدا فرا گرفته اند
تا مایه عزت آنها باشند (۸۲)
باش! حتمًا آنها بعبادت آنان انکار
کرده و برخلاف آنها باشند (۸۳)

وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى ۷۶
وَالْبَقِيَّةُ الصَّالِحَةُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ
ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَرَدًّا ۷۷

أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ
لَأُوتِينَ مَالًا وَوَلَدًا ۷۸

أَطَّلَعَ الْغَيْبَ أَمِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ
عَهْدًا ۷۹

كَلَّا ۗ سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّهُ مِنَ
الْعَذَابِ مَدًّا ۸۰

وَنَرِيهٗ مَا يَقُولُ وَيَأْتِنَا فَرْدًا ۸۱

وَاتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِّيَكُونُوا
لَهُمْ عِزًّا ۸۲

كَلَّا ۗ سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ
وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ صُدًّا ۸۳

أَلَمْ تَرَ أَنَا أَرْسَلْنَا الشَّيْطَانَ عَلَى
الْكَافِرِينَ تَوْرًا هُمْ أَرَأَىٰ

آیاندیدی که ماشیطانها را خلاف
کافران فرستیم که آنها را بطریق
گوناگون برانگیزند (۸۴)

فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ ۗ إِنَّمَا عَدَدُّ عَدَائِكَ

پس تعجیل مکن بر آنها یقیناً آنها
را لمحہ بلمحہ می‌شماریم (۸۵)

يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفَدَّا ۗ

روزیکه متقیان را بسوی رحمان
جهت هیئت نمایندگان محشور
کنیم (۸۶)

وَسَوْقَ الْمُجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَرَدًّا ۗ

و مجرمان را بطور قومی وارد
شونده بر آب بسوی جهنم سوق
دهیم (۸۷)

لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ
الرَّحْمَنِ عَهْدًا ۗ

شفاعتی را اختیار ندارند جز آنکس
که از رحمان عهدی گرفت (۸۸)

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا ۗ

گویند، خدا پسری برگزید (۸۹)
یقیناً امری زشت آورده اید (۹۰)

لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا ۗ

نزدیک است آسمان از آن بشکافد
و زمین از هم بپاشد و کوه‌ها
لرزان فروافتند (۹۱)

تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَّقَطْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ

که برای رحمن پسری ادعا کرده
اند (۹۲)

الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا ۗ

أَنْ دَعَا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا ۗ

وَمَا يَنْبَغِي لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا ۗ

در حالیکه نشاید رحمان را که او

پسری بگزینند (۹۳)

نیست هر کدام از آنانکه در آسمان
ها و زمین است مگر برای رحمن
مانند برده ای آینده است (۹۴)

یقیناً او آنها را فرا گرفته است و
آنها را بخوبی شمرده است (۹۵)
و هر کدام آنها روز قیامت در
حضور او بفرد خواهد آمد (۹۶)

البته کسانی که ایمان آوردند و
نیکو کاری کردند در رحمن برایشان
[اسباب] محبت فراهم آورد (۹۷)
پس یقیناً ما اینرا بزبان تو
آسان کرده ایم تا بدان به متقیان
مژده و قوم ستیزه گران را بدان
بیم دهی (۹۸)

وجه بسانسلهای را پیش از آنها
هلاک کردیم. آیا کسی از آنها را
احساس می کنی یا آنها را آوازی
میشنوی؟ (۹۹)

إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِي
الرَّحْمَنِ عَبْدًا ﴿١٤﴾

لَقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا ﴿١٥﴾

وَكُلُّهُمْ أِتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا ﴿١٦﴾

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا ﴿١٧﴾

فَأَنَّمَا يُرِيهٖ بِلسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ

وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا ﴿١٨﴾

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنْ قَرْنٍ هَلْ

نُحِسُّ مِنْهُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ

رِكْرًا ﴿١٩﴾

ع ۹
ب ۹

۲۰ - سورة طه

این سوره مکی است و با بسم الله ۱۳۶ آیت دارد.

این سوره با مقطعات "طه" شروع میشود. این مقطعات در هیچکدام دیگر سوره بیان نشده است. معنای این مقطعات است - ای پاك رسول و هادی کامل.

سوره گذشته حاکی از جنگهای هولناک بود. بدیهی است که این اخبار بر قلب آنحضرت ﷺ گران میگذشت. بنا بر این خداوند به ایشان توصیه کرد که تو در نتیجه این غمناک نشو. این تنزیل است از آنکه او آفریدگار آسمانها و زمین است و او رحمان است که بر عرش قرار گرفت.

چون منشأ تمامی رسالتها رحمانیت است و مانند سوره گذشته در این سوره نیز موضوع رحمانیت جریان دارد لذا یکبار دیگر ذکر از حضرت موسی' میروود که چطور خداوند ایشان را برپایه صفت رحمانیت رسول خود برگزید. آنهمه منت هائیکه بر سر حضرت موسی' علیه السلام نهاده شد منشأ آنها رحمانیت بوده است.

این سوره حاکی است که چطور جادوگران به سجده افتادند و فرعون آنان را تهدید به مجازات سنگین کرد. اما کسانیکه جلوه رحمانیت را روت کرده باشند ایشان مرعوب از چنین تهدیدها نمیشوند. پس ایمان ایشان بر حضرت موسی' علیه السلام با وجود این تهدید بقوت خود برقرار ماند.

پس از این خداوند به رسول الله ﷺ خطاب کرد که ایشان از تو در مورد کوه ها مسئلت میکنند. درباره کوه ها که هیچوقت از آنحضرت ﷺ

مسئلت نشده بود، بدیهی است مشرکان جهت ابر قدرت ما، بلند همچون کوه ما میپرسیدند که چطور تودر مقابل آنان پیروزمند شوی. يك جانب دولت کسری و جانب دیگر دولت قیصرمانند کوهها ایستاده بودند. برای پاسخ این امر آموخته شد که ابر قدرتهای متکبر به ایمان متمایل نمیشوند تا آنگاه که گردنکشی ایشان شکسته نشود و همچون دشتی ریگزار نشوند که کاملاً هموار و بی پستی و بلندی گردد. و قتیکه اینطور شود پس آنان به آن رسول پیروی کنند که در او هیچ کجی وجود ندارد.

آیت ردیف ۱۰۹ نیز تکرار از صفت رحمان است و آیت ۱۱۰ نیز حاکی از جلوه رحمان است که همه صداها در مقابل رعب و شان او فرومی نشیند گویی که همه آنها سرگوشی حرف زنند.

پس باز به ذکر حضرت آدم مراجعت کرده میشود. زیرا که منشأ آفرینش ایشان نیز جلوه رحمانیت بود و نخستین بار چهار اصل اساسی از شریعت ایشان تعریف شده است یعنی هر کدام حضرت آدم را قبول کند او نه گرسنه ای بماند و نه بی لباس و نه تشنه ای و نه در آفتاب بسوزد.

سپس رسول الله ﷺ یکبار دیگر تعلیم داده میشوند که در مقابل اذیت از دشمنان صبور باش و قبل از طلوع خورشید و قبل از غروب خورشید و شبگاهان و هر دو کنار روز با حمد پروردگارت او را تسبیح بگو. این آیه عبارت از همه نمازهای شب و روز است.

در پایان این سوره گفته میشود که بگو، همه منتظرانند که از این زدو خورد چه نتیجه ای درمیآید. پس بزودی آشکار گردد که کی بر راه راست است و کیست که هدایت مییابد.

☆سُورَةُ طه مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ السَّمَلَةِ مِائَةٌ وَسِتُّ وَثَلَاثُونَ آيَةً وَثَمَانِيَةٌ رُكُوعَاتٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیاربخشنده بارها را حکمکنده (۱)

طَيْبٌ هَادِيٌّ - ای پاک [رسول]

طه ②

هادی کامل (۲)

قرآن بر تو نازل نکردیم تا رنج

مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى ③

بری (۳)

مگر تذکر است برای آنکس که

إِلَّا تَذَكُّرَةً لِّمَنْ يَخْشَى ④

میترسد (۴)

فروفرستان آن از جانب او است

تَنْزِيلًا لِّمَنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَوَاتِ

که زمین و آسمانهای افراشته را

الْعُلَى ⑤

آفرید (۵)

رحمان - او بر عرش مستقر شد (۶)

الرَّحْمَنِ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى ⑥

از آن اوست آنچه در آسمانهاست

لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا

و آنچه در زمین است و آنچه

بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى ⑦

میان آندو است و آنچه زیر زمین

است (۷)

و اگر حرف با صدای بلند زنی پس

وَأَنْ تَجْهَرُ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ

یقیناً او که پنهان و پنهان تر را

وَأَخْفَى ⑧

میداند (۸)

خدا، جزا و کسی معبود نیست همه
نام های نیکو به او اختصاص
دارند (۹)

و آیا سرگذشت موسیٰ به تو
رسید؟ (۱۰)

چون او آتشی را دید پس به اهل
خود گفت درنگ کنید من آتشی
را دیده ام. امید است که از آن
پارهٔ برای شما بیارم یا نزد آن آتش
رهنمائی بدست بیارم (۱۱) ++

پس هنگامیکه او نزد آن رسید
صدا شد. ای موسیٰ! (۱۲) ++

یقیناً من پروردگارتو ام. پس
هر دو کفش خود را در آر. یقیناً تو
دروادی مقدس طوی هستی (۱۳) +
و من تورا برگزیده ام. پس گوش
فرا بده بدانچه وحی میشود (۱۴)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ
الْحُسْنَىٰ ①

وَهَلْ أُنْتِكَ حَدِيثُ مُوسَىٰ ②

إِذْ رَأَىٰ نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي
أَنْتُمْ نَارَ الْعَلِيِّ أَيْكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ
أَوْ أَجِدُ عَلَى النَّارِ هُدًى ③

فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَمُوسَىٰ ④

إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ ⑤ إِنَّكَ
بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طَوًى ⑥

وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْمِعْ لِمَا يُوحَىٰ ⑦

++ آیات ۱۰-۱۳: حضرت موسیٰ چیزی آتش سان دیدند و به دو نوع امکان اظهار
داشتند و امکان دومین که "او اجد علی النار هدی" یعنی ممکن است که از نزد آن
آتش هدایتی بیارم. راست درآمد. آن آتش چنین نبود که ایشان شعله ای از آن
را بدست گرفته نزد خانواده خود بازآمده باشند.

یقیناً منم خدا. جز من کسی معبود نیست. پس مرا عبادت کن و برای یاد من نماز را بیای بدار (۱۵)

یقیناً ساعت آینده است. امکان دارد که آنرا پنهانکنم تا هر نفس پاداش داده شود برای آنچه میکوشد (۱۶)

پس تورا از [تکمیل تقاضا] آن باز ندارد آنکس که بر آن ایمان نیارد و از هوای نفس خود پیروی کند و گرنه هلاک میشوی (۱۷)

و این در دست راست تو چیست ای موسی! (۱۸)

او گفت. این عصای منست که بر آن تکیه زخم و بدان برای گوسفندان خود بر گها فرو میریزم و برای من در آن فواید دیگر نیز است (۱۹)

او گفت. اینرا بنه ای موسی (۲۰) پس او آنرا بنهاد که بناگاه گویی ماری حرکت کننده شد (۲۱)

او گفت. آنرا بگیر و مترس. ما آنرا بحالت قبلی خود بر گردانیم (۲۲)

إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي
وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي ⑩

إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِتُجْزَىٰ
كُلُّ نَفْسٍ بِمَا سَعَىٰ ⑪

فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَّآ يُؤْمِنُ بِهَا
وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَىٰ ⑫

وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَىٰ ⑬

قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّوْا عَلَيْهَا وَاهْتَسَبُوا
بِهَا عَلَىٰ غَنِيٍّ وَلِيَ فِيهَا مَارِبٌ أُخْرَىٰ ⑭

قَالَ أَلْقِهَا يَا مُوسَىٰ ⑮

فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَىٰ ⑯

قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ ۗ سَنُعِيدُهَا
سِيرَتَهَا الْأُولَىٰ ⑰

سِيرَتَهَا الْأُولَىٰ ⑱

ودست خود را در پهلوی خود بغش،
آن سفید [درخشان] بلاعیب درآید
- [این] آیتی دیگر است (۲۲)

تاتورا [در آتیه] از آیت‌های بزرگ ما
نیز نشان دهیم (۲۴)

بروبسوی فرعون که او سرکشی
کرده است (۲۵)

او گفت، پروردگارا سینه مرا برای
من بگشا (۲۶)

و کارم را برایم آسان بفرما (۲۷)
و گره زبانم را باز بفرما (۲۸)

تا آنها سختم را بفهمند (۲۹)
و از خانواده ام نایبی برای من
قرار ده (۳۰)

مارون برادرم را (۳۱)

پشت مرا بدو محکم کن (۳۲)
و او را در کارم شریک کن (۳۳)

تاتورا بکثرت تسبیح گوئیم (۳۴)
و تورا بسیار یاد کنیم (۳۵)

یقیناً تو به حال ما بینامستی (۳۶)
او فرمود، ای موسی! خواسته تو

وَاضْمُمُ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجَ
بِضَاءٍ مِنْ غَيْرِ سَوْءٍ آيَةً أُخْرَىٰ ﴿٣٢﴾

لِنُرِيكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَىٰ ﴿٣٣﴾

إِذْ هَبَّ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ﴿٣٤﴾

قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ﴿٣٥﴾

وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ﴿٣٦﴾

وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي ﴿٣٧﴾

يَفْقَهُوا قَوْلِي ﴿٣٨﴾

وَاجْعَلْ لِي وِزِيرًا مِّنْ أَهْلِي ﴿٣٩﴾

هَارُونَ أَخِي ﴿٤٠﴾

اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي ﴿٤١﴾

وَاشْرِكْهُ فِي أَمْرِي ﴿٤٢﴾

كَيْ تُسَبِّحَكَ كَثِيرًا ﴿٤٣﴾

وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا ﴿٤٤﴾

إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا ﴿٤٥﴾

قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَىٰ ﴿٤٦﴾

برآورده شد (۳۷)

و یقیناً ما یکبار دیگر نیز بر تو منت

نهاده بودیم (۳۸)

چون بسوی مادر تو وحی کردیم

آنچه وحی کرده میشود (۳۹)

که او را در صندوق نهاده پس آنرا

در دریا بیفکن. پس دریا آنرا بساحل

افکند تا دشمن تو و دشمنش او

را بگیرد و من محبت خود را

بر تو بیفکنم و تاجلوی چشمان

ما پروریده شوی (۴۰)

[و بیاد آور] چون خواهرت راه می

رفت و میگفت، آیا بشما بگویم

کی او را بپروراند. پس ماتو را

به سوی مادرت برگردانیدیم تا

چشمانش روشن شده و محزون

نگردد و تو تنی را کشتی آنگاه

ماتورا از اندوه نجات دادیم و به

آزمایشهای گوناگون آزمودیم.

پس چندسال در اهل مدین بسر

بردی سپس به حدواندازه [عمر

وَلَقَدْ مَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَى ﴿٣٧﴾

إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ ﴿٣٨﴾

أَنِ اقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَاقْذِفِيهِ فِي الْيَمِّ

فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِّي

وَعَدُوٌّ لَّهُ ۗ وَالْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةٌ مِّنِّي ۗ

وَلِتُصْنَعَ عَلَىٰ عَيْنِي ﴿٤٠﴾

إِذ تَمْشِي أُوخْتِكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ

عَلَىٰ مَنْ يَكْفُلُهُ ۗ فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ

كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ ۗ وَقَتَلْتَ

نَفْسًا فَجَنَيْكَ مِنَ الْعَمِّ وَقَتَلْتَ

فُتُونًا ۗ فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ۗ

ثُمَّ جِئْتَ عَلَىٰ قَدَرٍ مِّنَّا ۗ ﴿٤٠﴾

نبوت [رسیدی ای موسی! (۴۱)]
 و تورا برای خودبرگزیدم (۴۲)
 تو و برادرت باآیتهای من بروید
 و دریادمن سست مشوید (۴۳)
 شما دوی بسوی فرعون بروید
 که او سرکشی کرده است (۴۴)
 پس با او بملایمت سخن گوید
 امکان دارد که پند بپذیرد یا
 بترسد (۴۵)

آندوی گفتند: ای پروردگار ما! یقیناً
 ما میترسیم که مبادا بر ما تعدی
 کند و سرکشی کند (۴۶)
 گفت، نترسیدیقیناً من با شما دوی
 هستم - میشنوم و می بینم (۴۷)
 پس هر دو نزد او بروید و بگوئید
 که ما دو فرستاده پروردگار تو
 هستیم. پس بنی اسرائیل را با
 ما بفرست و بدیشان عذاب مکن.
 یقیناً ما از پروردگارتو با نشانی
 بزرگ آمده ایم و درود بر هر که
 از هدایت پیروی کند (۴۸)

وَاصْطَفَعْنَاكَ لِنَفْسِي ۙ
 اِذْهَبْ اَنْتَ وَاخُوكَ بِاَيَّتِي وَاَلَا تَنْبِيَا فِي
 ذِكْرِي ۙ
 اِذْهَبَا اِلَى فِرْعَوْنَ اِنَّهُ طَغٰ ۙ
 فَقُوْلَا لَهُ قَوْلًا لَّيْنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ
 اَوْ يَخْشٰ ۙ

قَالَ رَبَّنَا اِنَّا نَخَافُ اَنْ يَّفْرُطَ عَلَيْنَا
 اَوْ اَنْ يَّطْغٰ ۙ
 قَالَ لَا تَخَافَا اِنِّي مَعَكُمْ اَسْمِعْ
 وَاَرٰى ۙ
 فَاتِيَهُ فَقُوْلًا اِنَّا رَسُوْلَا رَبِّكَ فَاَرْسَلْ
 مَعَنَا بَنِي اِسْرَآءِيْلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ ۙ قَدْ
 جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِّنْ رَبِّكَ ۙ وَالسَّلَامُ عَلٰى مَن
 اتَّبَعَ الْهُدٰى ۙ

إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ
كَذَّبَ وَتَوَلَّى ﴿۴۹﴾

هرآینه بسوی ما وحی شده است
که یقیناً هر که دروغ گوید و روی
برتابد بر او عذاب است (۴۹)
او گفت. پس پروردگارشما دوی
کیست؟ ای موسی! (۵۰)

قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمْ يَا مُوسَى ﴿۵۰﴾

او گفت. پروردگار ما اوست که هر
چیز را آفرینش آن اعطا کرد و پس
از آن بر راه هدایت انداخت (۵۱)
او گفت. پس تکلیف قوم های قبلی
چیست؟ (۵۲)

قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ
ثُمَّ هَدَى ﴿۵۱﴾

قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَى ﴿۵۲﴾

او گفت. علم آنها نزد پروردگارم در
کتابی [محفوظ] است. پروردگارم
نه لغزش میخورد و نه فراموش
می کند (۵۳)

قَالَ عَلِمَهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَا
يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنْسَى ﴿۵۳﴾

آنکه زمین را برایشما گسترشی
قرار داد و برایشما در آن راه های
نهاد و از آسمان آب نازل کرد. پس
بدان جفت های از نباتاتی گونا
گون در آوردیم (۵۴)

الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ مَهْدًا وَوَسَّلَكَ
لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً
فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْ نَّبَاتٍ شَتَّى ﴿۵۴﴾

بخورید و دامهای خود را بچرانید.
یقیناً در این برای اهل خرد آیت

كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ
لَآيَاتٍ لِّأُولِي النَّهْيِ ﴿۵۵﴾

های بزرگ است (۵۵)

آفریدیم شما را از آن و در همان
شماره برابر گردانیم و از همان شماره
باردیگر بیرون آوریم (۵۶) ++

و البته ما آیتهای خود را بتامی
آنها اوران نشان دادیم اما او تکذیب
کرد و ابا نمود (۵۷)

او گفت. آیانز ما آمدی تا ما را از
سرزمین ما با جادویی خود جلا
کنی ای موسی! (۵۸)

پس البته ما هم پیش تو جادویی
مثل آن میآوریم. پس بین ما و
بین خود وعده گاهی بگذار که نه
ما خلف آن کنیم و نه تو. این
مقام [برای هر دو طرف] برابر
است (۵۹)

مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا
نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى ﴿٥٦﴾

وَلَقَدْ آرَيْنَا آيَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَى ﴿٥٧﴾

قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا
بِسِحْرِكَ يَا مُوسَى ﴿٥٨﴾

فَلَمَّا تَبَيَّنَكَ بِسِحْرٍ مِّثْلِهِ فَأَجْعَلْ بَيْنَنَا
وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَا نُخْلِفُهُ نَحْنُ وَلَا
أَنْتَ مَكَانًا سَوِيًّا ﴿٥٩﴾

++ آیت ۵۶: این آیه حاکی است که شما در این خاک آفریده شدید و از این درآیید.
در این مورد ایرادی توان گرفت که کسانی که امروزها سوار بر موشکها و غیره در فضا
میروند چگونه این اصل برایشان اطلاق میشود؟ پاسخ اینست که انسان تا هر
انتهای که میرود او هوا و غذای زمین را به همراه دارد و او هیچگاه نمیتواند
رها و بی نیاز از آن بماند.

او گفت، وعده گاه شما روز جشن است و بدین [ترتیب] که مردم چاشتگاه گرد آورده شوند (۶۰)

پس فرعون روی برگردانده رفت و تزویر خود را تکمیل کرد پس باز آمد (۶۱)

موسی به آنها گفت، وای بر شما! بر خدا دروغ برنمایید و الا او شما را بعذاب نابود سازد و یقیناً بی مراد است هر که بریافتد (۶۲)

پس در کار خود بهم نزاع کرده و پنهانی دسیسه های محرمانه می کردند (۶۳)

گفتند: یقیناً ایندو صرفاً جادوگران اند و مردو میخواهند که شمارا با جادو خود از وطن شما جلاکنند و راه و روشی مثالی شمارا نابود سازند (۶۴)

پس تدابیر خود را جمع کنید و صف کشیده بیآئید و یقیناً امروز رستگارت آنکه برتر آید (۶۵)

قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَأَنْ يُحْشَرَ
النَّاسُ ضُجًى ⑩

فَتَوَلَّى فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ آتَى ⑪

قَالَ لَهُمُ مُوسَى وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَيَّ
اللَّهُ كَذِبًا فَيَسْحِبِكُمْ بِعَذَابٍ ⑫ وَقَدْ
خَابَ مِنْ أَفْتَرِي ⑬

فَتَنَازَعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ وَأَسْرُوا
النَّجْوَى ⑭

قَالُوا إِنَّ هَذَيْنِ لَسِحْرَانِ يُرِيدَانِ أَنْ
يُخْرِجَاكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا
وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثَلَى ⑮

فَأَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ اتُّوَصَفَاءُ ⑯ وَقَدْ
أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنْ اسْتَعْلَى ⑰

گفتند. ای موسی! آیا اول میفکنی
و یا ما باشیم نخستین آنکه می
افکنند (۶۶)

او گفت، بلکه شما بیفکنید. پس
ناگهان به او خیال بسته شد که
ریسمانهای ایشان و چوبهای ایشان
از سحر آنها میدود (۶۷)

پس موسی در دل خود احساس
ترس کرد (۶۸)

گفتم نترس یقیناً تویی که تو
برتر خواهی آمد (۶۹)

و بیفکن آنچه در دست راست تو
است. آن فروبرد آنچه را ساخته
اند. فقط نیرنگ جادوگری را
ساخته اند و نیرنگ جادوگری از
مرسوم آید کامران نمیشود (۷۰)
پس جادوگران به حالت سجده
فرو افکنده شدند. آنان گفتند، ما
به پروردگار موسی و هارون ایمان
آوردیم (۷۱)

او گفت: آیا ایمان آوردید پیش از

قَالُوا يَا مُوسَى إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ
نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَى ﴿٦٦﴾

قَالَ بَلِ الْقَوْمَ فَإِذَا جَاءَهُمْ
وَعَصِيَّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ
أَنَّهُمْ سُلِّحُوا ﴿٦٧﴾

فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى ﴿٦٨﴾

قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى ﴿٦٩﴾

وَأَلْقَى مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفَ مَا
صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ سِحْرٍ وَلَا
يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى ﴿٧٠﴾

فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سُجَّدًا قَالُوا أَمْثَلِ رَبِّ
هُرُونَ وَمُوسَى ﴿٧١﴾

قَالَ أَمْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ أَدْنَى لَكُمْ إِنَّهُ

آنکه من به شما اجازه دهم؟ یقیناً این بزرگتر خود شماست که شما راجادوئی آموخته است. پس من دستهایتان و پاهایتان را از جهت مخالف میبرم و حتماً شما را بر شاخه های خرما بدار میکشم و بفهمید که کدام یکی از ما سختتر و ثابت تر در عذاب است (۷۲)

گفتند: هرگز تو را ترجیح ندهیم بر آنچه از نشانهای روشن ما را آمد و او که ما را آفرید. پس فیصله بده آنچه را فیصله دهنده ای. تو می توانی فقط فیصله از زندگی این دنیا بدهی (۷۳)

یقیناً ما بپروردگار ما ایمان آورده ایم تا او خطاهای ما و آن جادوئی که بر آن ما را ناچار کردی را برای ما بیامرزد و خدا بهتر و صاحب بقاء است (۷۴)

یقیناً آنکه بحضور پروردگار خود جرمکار میآید. پس برای او جهنم

لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَا قَطْعَ بـ أَيَدِيكُمْ وَأَرْجُلِكُمْ مِّنْ خِلَافٍ وَلَا وَصَلَبَتِكُمْ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمَنَّ إِنَّا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَى ٧٢

قَالُوا لَنْ نُؤْتِيَنَّكَ عَلَى مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ٧٣

إِنَّا أَمَّا بِرَبِّنَا لِيُغْفِرَ لَنَا خَطِيئَتَنَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَى ٧٤

بـ

إِنَّهُ مَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى ٧٥

است. در آن اونه بمیرد و نه زنده
بماند (۷۵)

وآنکه نزد او مؤمن آید در حالیکه
شایسته کاری کرد پس همانند
که برای ایشان درجاتی بلندتر
است (۷۶)

بهشتهای جاودان که در دامنه آنها
نهرهای روان است. ایشان در آنها
جاویدان اند. این پاداش است آن
کسراکه پاکیزگی فراگرفت (۷۷)
و یقیناً وحی فرستادیم بر موسی که
ببربندگانم را هنگام شب و برای
ایشان اختیارکن رامی در دریاکه
خشک است. نه بیداری دستگیر
شدن را و نه هم میترسی (۷۸)

و تعقیب کرد فرعون با سپاه خود
ایشان را پس آنها را چیزی از
دریا فراگرفت آنچه آنها را فرا
گرفت (۷۹)

و فرعون قوم خود را گمراه ساخت
و هدایت نکرد (۸۰)

وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ
فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى ﴿٧٥﴾

جَنَّاتٍ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
خَالِدِينَ فِيهَا ۚ وَذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى ﴿٧٦﴾

وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَىٰ أَنِ اسْرِ
بِعِبَادِي فَأَضْرِبْ لَهُمُ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ
يَبْسًا ۖ لَّا تَخَفْ دَرَكًا وَلَا تَخْشَى ﴿٧٨﴾

فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُودٍ فَغَشِيَهُمْ مِّنَ
الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ ﴿٧٩﴾

وَأَصْلَ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَىٰ ﴿٨٠﴾

وای فرزندان اسرائیل ماشا را
از دشمن شانجات دادیم و سمت
راست طور با شما پیمان بستیم
و بر شاترنجین و بلدرچین نازل
کردیم (۸۱)

بخورید از پاکیزهها که ما شمارا
رزق داده ایم و در آن تجاوزگری
نکنید و الا بر شما خشم من نازل می
آید و بر مرکه خشم من نازل شود
پس یقیناً او هلاک میگردد (۸۲)
و یقیناً من بسیار آمرزنده ای ام
برای آنکه توبه کند و ایمان آورد
و نیکوکاری کند، سپس بر هدایت
برقرار باشد (۸۳)

و ای موسی چه تو را از قوم
خود شتاباند؟ (۸۴)
موسی گفت، آنان نیز از بی من اند
و پروردگارا بسوی تو شتابیدم تا
تو خوشنودشوی (۸۵)
او گفت، یقیناً ما پس از تو قومت
را آزمودیم و سامری آنها را گمراه

يٰۤاَيُّهَا اِسْرَائِيْلُ قَدْ اَنْجَيْنَاكَ مِنْ
عَدُوِّكُمْ وَاَوْعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ
الْاَيْمَنِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّٰ وَالسَّلْوٰى ۝۸۱

كُلُوْا مِنْ طَيِّبٰتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا
فِيْهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِيْ ۚ وَمَنْ
يَحِلَّلْ عَلَيْهِ غَضَبِيْ فَقَدْ هَوٰى ۝۸۲

وَ اِنِّىْ لَخَفَّارٌ لِّمَنْ تَابَ وَاَمِنَ وَعَمِلَ
صَالِحًا ثُمَّ اِهْتَدٰى ۝۸۳

وَمَا اَعْجَلَكْ عَنْ قَوْمِكَ يٰمُوسٰى ۝۸۴

قَالَ هُمْ اَوْلٰٓءِىَّ اَثَرٰى وَعَجَلْتُ اِلَيْكَ
رَبِّ لِتَرْضٰى ۝۸۵

قَالَ فَاِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ
وَاصَلَّهُمُ السَّامِرِىَّ ۝۸۶

کرد (۸۶)

پس موسیٰ خشناک و رنجیده خاطر بسوی قومش بازگشت. او گفت، ای قوم من! آیا پروردگارتان شمارا وعدهٔ نیکی ندادند بود؟ پس آیامت آن وعده بر شما طول کشید یا درصدد برآمدید که غضب پروردگارتان بر شما فرود آید پس شما از عهد من تخلف کردید (۸۷) گفتند، ما تخلف از پیمان شما با اختیار خود نکردیم اما باری که از زیورات قوم بر دوش ما نهاده شد پس ما آنرا برانداختیم. پس اینطور سامری طرحی نهاد (۸۸) ++ پس او برایشان گوسالهٔ درآورد که بیکری [بی جان] بود. آن ماغ گاوی میکشید. آنگاه آنان گفتند که

فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ
أَسِفًا قَالَ يَقَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ
وَعَدَا حَسَنًا أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ
أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّنْ
رَّبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُم مَّوْعِدِي ﴿٨٧﴾

قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلِكِنَا
وَلَكِنَّا حَمَلْنَا أَوْزَارًا مِّنْ زِينَةِ الْقَوْمِ
فَقَدَفْنَا هَذَا كَذَلِكَ الْفَى السَّامِرِيُّ ﴿٨٨﴾

فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خَوَارٍ
فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَىٰ

++ آیت ۸۸: زیوراتی که قوم موسیٰ بهمهرا داشت وزین بود. پس سامری طمع افکند که آن زیورات آنان بدو بسپارند تا او برایشان گوساله ای درست کند که معبود ایشان باشد. ایشان آن زیورات را به سامری دادند و بهانه ای آوردند که بردوش ایشان باری بود که آنرا برانداخته اند.

فَنَسِيَ^{۱۸}

اینست معبودشما و معبود موسی.

پس از او فراموشکاری شد (۸۹)

آیا نمینگرند که آن بهیچ سخن
ایشان پاسخ نمیدهد و برای
ایشان اختیار ندارد زیان را و

ع
۳۴

نه سود را (۹۰)

حالانکه پیش از آن البته هارون
به آنها گفته بود، ای قوم من! جزاین
نیست که شما فقط به آن آزموده
شدید و یقیناً پروردگارتان بسیار
بخشنده است. پس مرا متابعت
کنید و به فرمانم گردن نهید (۹۱)

گفتند، جلوی این پیوسته نشنگان
ایم تا موسی بسوی ما باز گردد (۹۲)
او گفت، ای هارون چه تو را [از
مواخذه] باز داشت چون تو آنها را
گمراه دریافتی - (۹۳)

- که مرا پیروی نکردی، پس آیا از
فرمانم سرپیچی کردی؟ (۹۴)
او گفت، ای فرزند مادرم نگیر ریش
مرا و نه موی سرم را. من ترسیدم

أَفَلَا يَرَوْنَ^{۱۹} أَلَا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا
يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا أَوْلًا نَفْعًا^{۲۰}

وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلُ يَقَوْمُ
إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ
فَاتَّبِعُونِي وَاطِيعُوا أَمْرِي^{۲۱}

قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَكْفِينَ حَتَّى
يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَى^{۲۲}

قَالَ يَهُرُونَ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ
ضَلُّوا^{۲۳}

أَلَا تَتَّبِعَنِ^{۲۴} أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي^{۲۵}

قَالَ يَبْنَؤُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا
بِرَأْسِي^{۲۶} إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ

مبادا بگویی چرا میان فرزندان
اسرائیل تفرقه افکندی و منتظر
فرمان من نشدی (۹۵)

او گفت، ای سامری منظور تو چه
است؟ (۹۶)

او گفت، دریافتم آنچه را آنها در نه
یافتند پس کمی از اثر پیغمبر بر
گرفتم باز آنرا برانداختم و نفسم
برایم اینطور آراستید (۹۷)++

او گفت، پس دور شو! برای تو در
طول عمر است که بگوئی، "هرگز
لمس نکن" و یقیناً برای تو وعده
گاهی است که آن خلاف نه کرده
خواهد شد و نگاه کن معبود خود را
که مدام بر آن مقیم بودی حتماً آن
رامیسوزانیم و سپس خاکسترش
را در دریا می پراکنیم (۹۸)++

بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي ۝۹۵

قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا مِصْرِي ۝۹۶

قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ
قَبْضَةً مِّنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا
وَكَذَلِكَ سَوَّلْتُ لِي نَفْسِي ۝۹۷

قَالَ فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ
تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَّنْ
تُخْلَفَهُ ۚ وَانظُرْ إِلَى إِلْهِكَ الَّذِي
ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَّنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ
لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا ۝۹۸

++ آیت ۹۶: سامری این عذر آورد که درباره نبوت او احساس کرد که آن نیرنگی
است و آنرا برافکند و نفسش اینکار را برایش آراستید.

++ آیت ۹۸: بمجازات اینکار سامری حضرت موسی بدو گفتند، اینک تو در این حالت
زنده بمان که پیوسته بگوئی، "مراهیچکس لمس نکند". معلوم میشود که [ص ۷۲۷] ۷۲۷

یقیناً معبودش فقط خدای است که
جز او کسی معبود نیست. او هر چیز
را بدانش فرا گرفته است (۹۹)

إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۗ
وَسِعَ كُلُّ شَيْءٍ عِلْمًا ۝

اینگونه اخبار گذشته ما را بر تو
بیان کنیم و یقیناً تو را ذکر از نزد
خود اعطا کرده ایم (۱۰۰)

كَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ
سَبَقَ ۗ وَقَدْ آتَيْنَكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا ۝

هر که ازین روی برتابد پس یقیناً
روز قیامت باری سنگین بدوش
گیرد (۱۰۱)

مَنْ أَعْرَضَ عَنْهَا فَاِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
وِزْرًا ۝

آنها در این حالت مدت دراز بمانند
و روز قیامت این برایشان باری
بسیار زشت است (۱۰۲)

خَلِدِينَ فِيهِ ۗ وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
حِمْلًا ۝

روزی که در صور دمیده شود و گنه
کاران را آن روز جمع کنیم [بکثرت]
با چشمان آبی را (۱۰۳) ++

يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ
الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا ۝

آنها بهیچ آهسته حرف زنند که مکث

يَتَخَفَتُونَ بَيْنَهُمْ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا ۝

او میروص بود و بعلت این مرض مردم را از خود دور میداشت. این امر در اروپا
نیز تا قرن گذشته جریان داشت که بیسی ها را فرمان بود که زنگی بگردن کرده
راه روند تا مردم مرد و اطراف خیابان از بیسی بودن او متوجه شوند.

++ آیت ۱۰۳: اینجا معنای زُرْقًا مردم با چشمان آبی است. غالباً ذکر از ملت های
مسیحی می رود که بسیار کثیر از ایشان با چشمان آبی اند.

نکردید مگر ده [روز] (۱۰۴) ++
 ماداناترایم به آنچه خواهند گفت
 چون رامی بهتروگزیده تررا فرا
 گیرنده از آنها گوید، شما مکت نه
 کردید جز روزی (۱۰۵)

و در باره کوهها از تومیس پرسند. پس
 بگو، پروردگام آنها را ریزه ریزه
 خواهد ساخت (۱۰۶)
 پس آنها را دشت خشکزاری می
 گذارد (۱۰۷)

تو در آن نه کجی را خواهی دید و
 نه نشیب و فراز را (۱۰۸)
 آنروز آنها دعوت کننده ای را
 پیروی کنند که او را هیچ کجی
 نیست و برای [احترام] رحمان
 صداها آرام شود پس فقط صدای
 آمسته خواهی شنید (۱۰۹)

روزی که شفاعت سودمند نگیرد
 جز آنرا که برایش رحمان مجاز
 گرداند و در حق او سخن گفتن
 را خوش آید (۱۱۰)

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ
 أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا يَوْمًا ۝۱۰۴

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا
 رَبِّي نَسْفًا ۝۱۰۵

فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا ۝۱۰۶

لَا تَرَى فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا ۝۱۰۷

يَوْمَ مِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ
 وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا
 تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا ۝۱۰۸

يَوْمَ مِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ
 الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا ۝۱۱۰

حاشیه آیت ۱۰۴ صفحه ۷۳۷:

ایشان روز قیامت غلبه بزرگی خویش را تا دیر از دور خواهند نگریست سرگوشی کنان که غلبه ایشان بیش از ده نبوده است یعنی از ده قرن یا هزار سال بیشتر نبود.. تاریخ مسیحیت حاکی از همین امر است که ایشان را غلبه هزار سالگی نصیب شده بود. پس از نخستین سه قرن رسول اللّٰه صلی اللّٰه علیه وسلم غلبه مسیحیان اروپائی همان تا سه قرن مانده است و پس از آن غلبه ایشان رو به زوال گذاشت.

او میدانند آنچه است بی‌شروی آنها
و پشتسر آنها حالیکه آنها نتوانند
او را بدانش احاطه کنند (۱۱۱)

و چهارمها برای حی و قیوم فروافتد
و یقیناً خوار گردد آنکه بارستم را
بدوش گرفت (۱۱۲)

و هر که شایسته کاری کند و او مومن
است آنگاه او را خوف ستمکاری
و حق گشی نخواهد بود (۱۱۳)

و اینطور ما قرآن را گشاده زبان و
رسانا ز لکردیم و هر نوع هشدار
را در آن بیان کرده ایم تا باشد که
تقوی فرا گیرند یا او برای آنها نشانه
ای عبرت‌ناک بظهور آورد (۱۱۴)

پس خدا پادشاه حق بسیار بلند
شأن است و به [خواندن] قرآن
تعجیل مکن پیش از آنکه وحی آن
بر تو بپایان برده شود و بگو،
پروردگارا مرا در دانش تزیاید
بدمی (۱۱۵)

و یقیناً ما پیش از این از آدم

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا
يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا ﴿١١١﴾

وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ ۗ وَقَدْ
خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا ﴿١١٢﴾

وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ
فَلَا يَخُفْ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا ﴿١١٣﴾

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَوَصَرَّفْنَا
فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ
يُحَدِّثُ لَهُمْ ذِكْرًا ﴿١١٤﴾

فَتَعَلَى اللَّهِ الْمَلِكُ الْحَقُّ ۗ وَلَا تَعْجَلْ
بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ
وَحْيُهُ ۗ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا ﴿١١٥﴾

وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَتَنَىٰ وَكَلَّمَ

نَجِدْ لَهُ عَزْمًا ﴿۳۱﴾

پیمانی گرفته بودیم پس او
فراموش کرد اگرچه او را آهنگ
کننده آن نیافتیم (۱۱۶)

و چون بفرشتگان گفتیم که برای
آدم سجده کنید. پس سجده کردند
مگر ابلیس - او سر باز زد (۱۱۷)
پس گفتیم ای آدم! یقیناً این دشمن
تو و برای زوج تو است. پس شما
دوی را از بهشت بیرون نسازد
پس بدبخت شوی (۱۱۸)

یقیناً برای تو مقدر است که نه در
آن گرسنه باشی و نه عریان (۱۱۹)
و اینکه نه در آن تشنه باشی و نه
زیر آفتاب بسوزی (۱۲۰)

پس شیطان بدو وسوسه انداخت
و گفت آیا به تو آگاه سازم بر
درختی جاودان و پادشاهی که
هرگز پوسیده نگردد (۱۲۱)

پس آندو کمی از آن خوردند پس
عورت های ایشان بر آنان پدید
آمد و شروع کردند از برگهای

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَكِ اجْعُدُوا لِآدَمَ
فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ ۖ أَبَى ﴿۳۲﴾

فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَّكَ
وَلِرَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ
فَتَشْقَى ﴿۳۳﴾

إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَى ﴿۳۴﴾

وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَصْحَى ﴿۳۵﴾

فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ
أَدْرَاكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا
يَبُلَى ﴿۳۶﴾

فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوَاتُهُمَا وَطَفِقَا
يَخِصْفِنَ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ
وَغَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى ﴿۳۷﴾

بهشت بر خود بپوشانند پس آدم
از پروردگار خود نافرمانی کرد
و از راه دور شد (۱۲۲)

باز هم خدا او را برگزید و توبه
قبول کرده بر او مایل شد و هدایت
داد (۱۲۳)

او گفت، بیرون روید شادو از آن
بامگی همراهان. بعضی از شما با
بعضی دشمن شده اند. پس لازم
است هرگاه شما را از من هدایتی
برسد پس هر که از هدایت من
پیروی نماید پس نه او گم راه
گردد و نه تیره بخت گردد (۱۲۴)
و آنکه از یاد من روی برتابد یقیناً
زندگانی برایش تنگ و روز قیامت
او را کور بر خیزانیم (۱۲۵)

گوید، پروردگارا! چرا مرا کور در
آوردی حالیکه بینا بودم (۱۲۶)
او گوید، همینطور است. تو را آیت
های مامیاً مدباز هم آنها را فراموش
میکردی. پس امروز همان طور

ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَىٰ ﴿۱۲۲﴾

قَالَ اهْبِطْ مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ
لِبَعْضٍ عَدُوٌّ ۖ فَاٰمَآءَآ تِيْنَكُمْ مِّنِّي هُدًى ۙ
فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَىٰ ﴿۱۲۳﴾

وَمَنْ اَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَاِنَّ لَهُ مَعِيشَةً
ضَنْكًا وَّ نَحْسًا ۗ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَعْمَىٰ ﴿۱۲۵﴾

قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِيْ اَعْمَىٰ وَقَدْ كُنْتُ
بَصِيْرًا ﴿۱۲۶﴾

قَالَ كَذٰلِكَ اَتٰتَا فَنَسِيْنَهَا
وَ كَذٰلِكَ الْيَوْمَ تُنٰسَىٰ ﴿۱۲۷﴾

فراموش کرده شوی (۱۲۷)

وبدینسان مایاداش میدمیم او را
که اسرافکنندوبه آیتهای پروردگار
خودایمان نیآرد وعذاب آخرت
سختتر و پایدارتر است (۱۲۸)

پس آیابرایشان هدایت نیآورد
که ما بسامردمی از ازمنه پیش از
آنهاکه در منازل آنان قدم میزنند
را هلاک ساختیم؟ یقیناً اهل خرد را

دراین آیتهای بزرگ است (۱۲۹)
و اگر فرموده پروردگارتو پیشی
نگرفته ونهایت زمانی معین نبود
حتماً [عذاب] چسپیده میشد (۱۳۰)

پس صبرکن بر آنچه میگویندو با
حمد پروردگار خود تسبیح بگو قبل
از طلوع خورشید و قبل از غروب
آن و درپاره های شب و در اطراف
روز تاتو خوشنود شوی (۱۳۱)

ودیدگان خود را دوخته مگشا به
سوی آنچه که به آن بعضی از گروه
های آنها را بطور زینت زندگانی

وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ
بِآيَاتِ رَبِّهِ ۗ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ
وَأَنْفَى ۝۱۲۸

أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمَا أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ
الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسْجِدِهِمْ ۗ إِنَّ فِي
ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي التَّلَاٰهِي ۝۱۲۹

وَلَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ
لِرِزَامِنَا وَأَجَلَ مُسَيِّ ۝۱۳۰

فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ
قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا ۚ
وَمِنْ أَنَايِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ
لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ ۝۱۳۱

وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ
أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

لِنَفْسِهِمْ فِيهِ ۖ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ
وَأَبْقَى ﴿۳۲﴾

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا ۖ
لَا تَسْأَلْكَ رِزْقًا ۗ نَحْنُ نَرْزُقُكَ ۗ
وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى ﴿۳۳﴾

وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِينَا بِآيَةٍ مِنْ رَبِّهِ ۗ أَوَلَمْ
تَأْتِهِمْ بَيِّنَةٌ مَا فِي الصُّحُفِ الْأُولَى ﴿۳۴﴾

وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِنْ قَبْلِهِ
لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا
فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَسْذِلَّ
وَنُخْزِي ﴿۳۵﴾

قُلْ كُلٌّ مُتَرَبِّصٌ فَتَرَبَّصُوا ۗ
فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ
السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى ﴿۳۶﴾

دنیابر خوردار نمودیم تا آنها را در
آن بیآزمائیم و رزق پروردگارتو
نیکوتر و پایدارتر است (۱۳۲)

واهل خود را بنماز امر کن و بر آن
استوار باش. ما از تو هیچ رزقی نمی
خواهیم ما تو را رزق دهنده ایم و
انجام نیکو برای تقوی است (۱۳۳)

وگویند چرا او برای ما از پروردگار
خود یک آیت هم نمیآورد. آیا آنها را
نشانه روشن نیامد که در صحف
قبلی موجود است؟ (۱۳۴)

واگر ما آنها را قبل از این بعدایی
هلاک کرده بودیم حتماً میگفتند،
پروردگارا! چرا رسولی بسوی ما
 نفرستادی که از آیات تو پیروی
میکردیم پیش از آنکه ذلیل و
رسوا میشدیم (۱۳۵)

بگو، هر کدام منتظر است پس شما
نیز منتظر باشید. پس حتماً بدانید
آنکه اهل راه راست است و آنکه
هدایت را دریافت (۱۳۶)

۲۱ - الانبياء

این سوره مکی است و زمان نزولش چهارمین یا پنجمین سال نبوت است و با بسم الله ۱۱۲ آیت دارد.

آن حساب که ذکرش در پایان سوره گذشته رفت که مردم جوابگو شوند و این امر بر تو آشکار گردد که تنها تو بر هدایت استوار هستی. اینک ابتدای این سوره حاکی است که ساعت آن حساب فرارسیده است اما بیشتر مردم از این در حالت غفلت اند.

باز در این سوره گفته میشود که پیش از تونیزما رسولان را از مردان برمیکزیدیم و ایشان دارای چنین جسم نبودند که بی غذا زنده بمانند. اینجا بر الوهیت حضرت مسیح نیز خط بطلان کشیده میشود زیرا ایشان که در طول عمر غذا میخورده اند.

بلافاصله پس از ذکر فوق این امر بیان میشود که بیخردان معبودان خود را همان از زمین بر بافته اند و به دنبال دلیلی بزرگ مبنی بر این امر داده شد که دو خدا نمیتوانند وجود داشته باشند و گرنه هر یک خدا به همراه آفریدگان خود جدا شده و زمین و آسمان دو گانه و از فساد دور نشدنی فرا گرفته شود. حالانکه نگاه به هر جای از کاینات برسد فقط یگانگی بچشم میخورد. لذا فرموده شد که ما قبلانیز هر قدر رسولان را میفرستادیم بسوی ایشان وحی میکردیم که بغیر از خدا هیچ معبودی نیست.

آیت ۲۷ عبارت از این ادعای دروغین آنها است که خدا پسری برگزیده است. اما چون پسری بر مقام معبود فرضی گرفته شود آنگاه تنها يك معبود

تعلق نمی گیرد بلکه مفروضاتی دیگر نیز شامل حال میگردد. بلافاصله پس از آن گفته شد که علاوه بر حضرت عیسیٰ علیه السلام بسیاری دیگر بندگان پاك خدا نیز شریکان خدا قرار داده شدند.

بلافاصله در مجاورت آیتی است که پرده ای را از اسرار کاینات بطوری برداشته است که بخاطر آدمی آنزمان اصلاً نمیتوانست خطور کنند. این آیت حاکی از این امر است که تمامی کاینات در شکل چنین تویی در بسته بود که هیچ چیزی نمیتوانست از آن بیرون رود. پس ما آنرا درهم ترکیبیم که بیدرنگ تمامی کاینات از هم پاشید. سپس بوسیله آب هر چیزی زنده را پدید آوردیم و بلافاصله پس از آب، با "رَوَاسِي" نظام نزول آب را ذکر میشود. بدنیاال این گفته میشود که چطور آسمان از زمین و اهل زمین نگهداری میکند. باز ذکر از گردش پیوسته ای از زمین و آسمان و اجرام فلکی میرود و حاکی از اینست چنانکه زمین و آسمان را دوام آوردن نیست در عین حال انسان نیز بی دوام است و ای رسول! هر چند مردم قبل از تو بوده اند هیچکدام از ایشان دوامی نداشت.

ضمناً ذکر از تمامی پیغمبران پیش از رسول الله ﷺ میرود که چطور خداوند به ایشان فیض رحمانیت رساند و این اصل اجتناب ناپذیر را معرفی کرد که هرگاه اهل قریه ای یکبار بهلاك رسانده شوند دیگر هیچگاه بسوی آن باز نمیگردند. در زمان یاجوج و ماجوج چون پژوهندگان علم ظاهراً ادعای به زنده کردن مردگان کنند حتی آنگاه هم بازگشت مردگان امکان پذیر نه خواهد شد.

این سوره حاکی از این امر است که زمین و آسمان درهم پیچیده شود

و در عین حال گفته میشود که این وضعیت همیشه نمیآید بلکه از همین کاینات که معدوم شود يك کاینات جدیدی بوجود آورده خواهد شد. خدای متعال قدرتمند است به این امر که آنرا تکرار کند.

در آخرین رکوع این سوره آنحضرت ﷺ را مظهر کامل خدای متعال که رحمان برای جمیع عالم است قرارداد خطابه شد تو رانیز برای همه جهانها بعنوان رحمت فرستاده ایم.

در آخرین آیت این سوره رسول الله ﷺ بعرض خداوند خود می‌رسانند که تومیان من و میان مخالفانم بداد فیصل بده. زیرا که ایشان نماینده از خدای رحمان هستند پس به همه جهانیان متنبه می‌سازند که خدای رحمان بنده خود را که مظهر او در جمیع عالم است هرگز تنهانمیگذارد.

سوره متعاقب الحج است که ثبوت کامل به این امر است که رسول الله ﷺ بعنوان رحمة للعالمین مبعوث شده بودند و تنها بیت الله جای است که در آنجا مردم از اکناف عالم برای برگزاری مراسم حج گرد می‌آیند.

☆ سُوْرَةُ الْاَنْبِيَاءِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ مِائَةٌ وَثَلَاثَ عَشْرَةَ اَيُّوْرًا سَبْعَةَ رُكُوْعَاتٍ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

بسیاربخشنده بارما رحم کننده (۱)

مردم را حساب ایشان فرارسیده

اِقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ ②

است با این وجود آنها روی در

غفلة معروضون ②

غفلت برگرداندگانند (۲)

آنانرا هیچ ذکری جدیدی نمیآید

مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنْ رَبِّهِمْ مُحَدَّثٍ اِلَّا

مگر آنرا میشوند گویی که آنها

اسْتَمَعُوْهُ وَهُمْ يَلْعَبُوْنَ ③

بازی میکنند (۳)

[در اینحالکه] دلهای آنان غلفت گر

لَا هِيَةَ قُلُوْبُهُمْ ④ وَاَسْرُوا السَّجْوٰى ⑤

است و سرگوشیهارا پنهان کردند

الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا ⑥ هَلْ هٰذَا اِلَّا بَشَرٌ

آنانکه ستمکردند. آیا این بشری

مِثْلِكُمْ ⑦ اَفْتَاتُوْنَ السَّحْرَ وَانْتُمْ

جز مثل شما است؟ پس آیا به

تُبْصِرُوْنَ ⑧

سوی جادو میروید با آنکه آنرا

میبینید؟ (۴)

او گفت، پروردگارم میداند هر

قُلْ رَبِّيْ يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ

سخن را که در آسمانها و زمین

وَالْاَرْضِ وَهُوَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ ⑨

است و او بسیار شنوای صاحب

علم دائمی است (۵)

بعکس گویند، این خواب های

بَلْ قَالُوْا اَصْغَاتُ اَحْلَامٍ بَلِ افْتَرٰهُ بَلْ

پراگنده بلکه او بهم بافته است.
درحقیقت او شاعری است. پس
باید مارانشانه ای بزرگ رابیآرد
آنگونه که پیشینیان [رسولان]
فرستاده شدند(۶)

میچ قریه ای که قبل از آنها ما
آنرا هلاک ساختیم ایمان نیآورده
بود. پس آیا اینها ایمان آرند؟(۷)
وقبل ازتونفرستادیم مگر مردان
را که بسوی ایشان وحی می
فرستادیم. پس ازاهل ذکرپرسید
اگر شما نمیدانید(۸)

و ما ایشان را جسمی نساختیم که
غذا نخورند و نه آنان جاودان
بودند(۹)++

سپس وعده ایشانرا راست کردیم
پس ایشان و هرکس را خواستیم
نجات دادیم وتجاوزگران را هلاک
ساختیم(۱۰)

هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ
الْأَوَّلُونَ ①

مَا آمَنَتْ قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا
أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ ⑦

وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رَجَالًا نُوْحِي
إِلَيْهِمْ فَسَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ
لَا تَعْلَمُونَ ⑧

وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا آلَا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ
وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ ⑨

ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ
نَشَاءُ وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ ⑩

++آیت ۹: این آیت حاکی از این امر است که هیچ پیغمبری در دنیا وجود نداشت که بلا
خوردن غذا زندگی میکرد. پس پیغمبری که غذا میخورد طول عمر غیر طبیعی داده نمیشود.

لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ ۗ^ط
 أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۙ

البته ما بسوی شما کتابی را فرو
 فرستادیم که در آن ذکر شما
 [موجود] است. پس آیا عقل نمی
 کنید؟ (۱۱)

وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً
 وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ ۙ

و ای بسا قریه ما را هلاک کردیم
 که ستمکار بودند و پس از آنان
 قومی دیگر را پدید آوردیم (۱۲)
 پس همینکه عذاب ما را احساس
 کردند ناگهان آنها از آن پا به
 فرار نهادند (۱۳)

لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ
 فِيهِ وَمَسْكَنِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَسْأَلُونَ ۙ

فرار نکنید و برگردید بسوی جائی
 که در آن نعمت و آسایش داده
 شدید و بسوی منازلتان تا اینکه
 شما پرسش کرده شوید (۱۴)

قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ۙ

گفتند دریغاً! یقیناً ما ستمکاران
 بودیم (۱۵)

فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ
 حَصِيدًا خُمِدِينَ ۙ

پس پیوسته همین بودبانگ آنها تا
 آن انتها که آنها را ویران ساختیم
 [همچون] مزرعهٔ درو شده (۱۶)

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا
 لِحَيْثٍ ۙ

و آسمان و زمین و هر چه میان
 آندو است را بازی کنان بوجود

نیآورده ایم(۱۷)

اگر خواسته بودیم که مایه بازی فراگیریم حتماً آنرا از نزد خود میگرفتیم اگرما [اینکار] کنندگان بودیم(۱۸)

بلکه حق را بر باطل میزنیم که آنرا پایمال کند. پس بلافاصله آن نابود میشود و هلاک باد بر شما بدانچه اراجیفی میسازید(۱۹) و از آن او است آنچه در آسمانها و زمین است و کسانی که نزد او هستند از عبادت او تکبر نمیکنند و نه خسته میشوند(۲۰)

شب و روز تسبیح میگویند - کوتاهی نمیکنند(۲۱)

آیا معبودانی از زمین برگزیده اند که آنها هم میآفرینند؟(۲۲) اگر در ایندو [زمین و آسمان] جز خدا معبودانی بودند یقیناً ایندو نابود می شدند. پس پاکست خدا که پروردگار عرش است از آنچه

لَوَارِدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهُمْ آلًا تَحَدُّثُهُ مِنْ
لَدُنَّا ۗ إِنَّ كُفَّافِعِلِينَ ﴿۱۸﴾

بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ
فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ ۗ وَلَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا
تَصِفُونَ ﴿۱۹﴾

وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَمَنْ
عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ
وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ ﴿۲۰﴾

يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ ﴿۲۱﴾

أَمْ اتَّخَذُوا إِلَهًا مِّنَ الْأَرْضِ هُمْ
يُنشِرُونَ ﴿۲۲﴾

لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا
فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا
يَصِفُونَ ﴿۲۳﴾

بیان میکنند (۲۳)

او بر سیده نشود از آنچه انجام دهد
حالی که آنها بر سیده شوند (۲۴)

آیا جز او معبودانی برگزیده اند؟
بگو دلیل قطعی خود را بیارید. این
ذکر آنانست که بامن هستند و ذکر
آنانست که پیش از من بودند اما
بیشتر ایشان بحق دانش ندارند

و آنها روی گردانانند (۲۵)

و پیش از تو رسولی نفرستادیم
مگر بسویش وحی میکردیم که
براستی کسی معبود نیست مگر
من پس مرا عبادت کنید (۲۶)

و گویند رحمن پسری فرا گرفته
است. او پاک است. بلکه ایشان
بندگان گرامی هستند (۲۷)

ایشان در گفتار از فرمان او پیشی
نمی گیرند و بفرمان او عمل می
کنند (۲۸)

او میداند آنچه پیشروی ایشان
است و آنچه پشت سر ایشان

لَا يُسْئَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْئَلُونَ ﴿٢٣﴾

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ هَاتُوا
بُرْهَانَكُمْ ۚ هَذَا ذِكْرٌ مَنْ مَعِيَ وَذِكْرٌ
مَنْ قَبْلِي ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ
الْحَقَّ فَهُمْ مُعْرِضُونَ ﴿٢٤﴾

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا
نُوحِيَنَّ إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا
فَاعْبُدُونِ ﴿٢٥﴾

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ مِنْ وَلَدٍ ۚ سُبْحٰنَهُ
بَلْ عِبَادٌ مُكْرَمُونَ ﴿٢٦﴾

لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ
يَعْمَلُونَ ﴿٢٧﴾

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا
يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَىٰ وَهُمْ مِنَ

خُسَيْتِهِ مُسْفِقُونَ ﴿۲۱﴾

است و ایشان شفاعت نمیکنند
جز برای آنکه او خوشنود باشد و
ایشان از رعب او بیمناکند (۲۹)
و آنکس از آنها که گوید بغیر از
او من معبودم پس همانست که او
را پاداش جهنم دهیم. ستم کاران
را عوض اینگونه میدهم (۳۰)

ع
۲۱

وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِنْ دُونِهِ
فَذَلِكْ نَجْرِيهِ جَهَنَّمَ ۚ كَذَلِكَ نَجْزِي
الظَّالِمِينَ ﴿۳۰﴾

آیا ندیدند آنانکه کفر کردند که
آسمانها و زمین مردو بسته بود.
پس آندوی راشکافته جدا ساختیم
و هر کدام زنده چیز را از آب
پدید آوردیم. پس آیا ایمان
نیآرند؟ (۳۱)

أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا ۗ وَجَعَلْنَا
مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا ۗ أَفَلَا
يُؤْمِنُونَ ﴿۳۱﴾

و در زمین کوهها نهادیم تا اسباب
خوراکی ایشان فراهم سازند و در
آن جاده های نهادیم تا آنها هدایت
یابند (۳۲)

وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ
تَمِيدَ بِهِمْ ۖ وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا
لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ﴿۳۲﴾

و آسمان راستنی محفوظ ساختیم
و آنها از آیتهای او روی گردانان
اند (۳۳)

وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا ۗ وَهُمْ
عَنِ أَيُّهَا مَعْرِضُونَ ﴿۳۳﴾

واوست که شب و روز و خورشید

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ

وَأَقْرَبَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ﴿٢٤﴾

و ماه را آفرید. همه در مدار [خود] روانند (۲۴)

وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ ۗ
أَقَابِينَ مَتَّ فَهُمْ الْخَالِدُونَ ﴿٢٥﴾

و برای هیچ بشری قبل از تو ابدیت قرار ندادیم. پس آیا اگر تو بمیری آنها جاودان باش کنند؟ (۳۵) ++
مرفس چشنده طعم مرگ است و شمارا با شروخیرسخت آزمایش کنیم و به سوی ما برگردانده شوید (۳۶)

كُلُّ نَفْسٍ ذَا آيَةٍ الْمَوْتِ ۗ وَنَبَلُّوكُمْ
بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً ۗ وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ﴿٢٦﴾

و وقتی آنانیکه کفر کردند ترا بینند ترا بیادسخریه میگیرند [و گویند] آیا اینست آنکه از معبودان شما حرف میزند؟ و همانند که به ذکر رحمن منکرانند (۳۷)

وَإِذْ أَرَأَيْتَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَتَّخِذُونَكَ
إِلَّا هُزُوعًا ۗ أَهَذَا الَّذِي يَذْكُرُ إِلَهُتَكُمْ ۗ
وَهُمْ يَذْكُرُ الرَّحْمَنَ هُمْ كَافِرُونَ ﴿٢٧﴾

آدمی از خمیره عجلت آفریده شد. حتماً نشانه های خود را بشما نشان دهم پس از من کار با عجله نه خواهید (۳۸)

خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ ۗ سَأُورِيكُمْ آيَاتِي
فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ ﴿٢٨﴾

++ ایت ۳۵: اینجا رسول الله ﷺ خطاب شدند که ما پیش از تو به هیچکس هم خلاف معمول عمر طولانی ندادیم پس چطور ممکن است که تو بمیری و عمر دیگران خلاف معمول طول بکشد. اینجا وفات حضرت عیسی بطور حتمی به اثبات میرسد.

گویند، انجام این وعده تابچندمی
 کشداگر شما راستگویانید (۳۸)
 کاش آنانکه کفر کردند میدانستند
 [بیچاره شوند] چون آتش را نه
 توانند بازدارند از چهرهای خود
 ونه از پشتهای خود ونه آنان یاری
 داده شوند (۴۰)

بلکه آن [ساعت] ایشانرا ناگهان
 آید و ایشان را متحیر سازد و
 طاقت نیآورند تا آنرا بر گردانند
 و نه آنان مهلت داده شوند (۴۱)
 و یقیناً پیش از تو هم به رسولان
 تمسخر شد. پس آنانرا که از ایشان
 سخریه کردند فرا گرفت همان امر
 که بدان تمسخر میکردند (۴۲)

بگو، کیست که شب و روز شما را
 از رحمن نگهدارد بلکه آنها از ذکر
 پروردگار خود روگردانانند (۴۳)
 آیا آنها را معبودانی اند که بتوانند
 در مقابل ما از آنها مدافعت کنند؟
 آنها نتوانند یاری کنند خودشان را

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدِ إِن كُنتُمْ
 صَادِقِينَ ﴿٣٨﴾
 لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكْفُونُ
 عَنْ وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَلَا عَنْ
 ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ﴿٤٠﴾

بَلْ تَأْتِيهِمْ بَعَثَةٌ فَبَهُتُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ
 رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ ﴿٤١﴾

وَلَقَدْ اسْتَهْزَيْتُمْ بِرُسُلِ مِن قَبْلِكَ
 فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا
 بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٤٢﴾

قُلْ مَنْ يَكْفُلُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ
 الرَّحْمَنِ ۗ بَلْ هُمْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِمْ
 مُعْرِضُونَ ﴿٤٣﴾

أَمْ لَهُم آلِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ مِن دُونِنَا ۗ لَا
 يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ أَنفُسِهِمْ وَلَا هُمْ مِنَّا

يُصْجَبُونَ ﴿٤٤﴾

و نه آنها از ما همراهی کرده
شوند (۴۴)

بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ وَاَبَاءَهُمْ حَتَّىٰ طَالَ
عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ ۗ اَفَلَا يَرَوْنَ اَنَّا نَاتِي
الْاَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ اَطْرَافِهَا ۗ اَفَهُمْ
الْعٰلِبُونَ ﴿٤٥﴾

بلکه ما آنها و پدران آنها را بسیار
بهرمند ساختیم تا آن انتها که عمر
بر آنها دراز شد. پس آیا نمی بینند که
ما زمین را از اطراف آن می‌کامیم؟
پس آیا آنها غالب آیندگانند؟ (۴۵)
بگو. من شمارا بوحی اخطار می‌دهم
و کران صدان می‌شوند. چون اخطار
داده شوند (۴۶)

قُلْ اِنَّمَا اُنذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ ۗ وَلَا يَسْمَعُ
الصُّمُّ الدُّعَاءَ اِذَا مَا يُنذَرُونَ ﴿٤٦﴾

و اگر وزشی از عذاب آنها را لمس
کند حتماً گویند. و احسرتا ایقیناً ما
ستمکاران بودیم (۴۷)

وَلٰٓئِنْ مَسَّتْهُمُ نَفْحَةٌ مِّنْ عَذَابِ
رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يٰوَيْلَنَا اِنَّا كُنَّا ظٰلِمِيْنَ ﴿٤٧﴾

و برای روز قیامت ماترازوهای داد
خواهیم گذاشت. پس کسی به ذره
ستم کرده نشود و باندازه خردلی
هم باشد آنرا بی‌آوریم و ما برای
حساب گرفتن بس هستیم (۴۸)

وَنَضَعُ الْمَوَازِيْنَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيٰمَةِ
فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا ۗ وَاِنْ كَانَ مِثْقَالَ
حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ اَتَيْنَا بِهَا ۗ وَكَفٰى بِنَا
حُسْبِيْنَ ﴿٤٨﴾

و یقیناً به موسی و هارون فرقان
و روشنائی و برای متقیان ذکر
در دادیم (۴۹)

وَلَقَدْ اَتَيْنَا مُوسٰى وَهٰرُونَ الْفُرْقَانَ
وَضِيّآءًا وَّذِكْرًا لِّلْمُتَّقِيْنَ ﴿٤٩﴾

الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِّنَ
السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ ﴿۵۰﴾

[یعنی] آنانکه ترسند از پروردگار
خود در تنهایی و ایشان از ساعت
بیمناک اند (۵۰)

وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبْرَكٍ أَنزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ
مُنْكَرُونَ ﴿۵۱﴾

و این ذکری پُربرکت است که
ما آنرا فر فرستاده ایم پس آیا
شما برای آن منکرانید؟ (۵۱)

وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِن قَبْلُ
وَكُنَّا بِهِ عَلِيمِينَ ﴿۵۲﴾

و یقیناً ابراهیم را رشد او از قبل
داده بودیم و ما درباره او خوب
آگاه بودیم (۵۲)

إِذْ قَالَ لِأَيِّهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَائِيلُ
الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ ﴿۵۳﴾

چون او به پدر خود و قومش
گفت، این بتان چیستند که شما
ملازم برای آنها شده اید؟ (۵۳)

قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَادِينَ ﴿۵۴﴾

گفتند، ما پدران خود را یافتیم
برای آنها عبادتگذاران بودند (۵۴)
او گفت، یقیناً شما و پدران شما در

قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ
مُّبِينٍ ﴿۵۵﴾

گمراهی آشکار بودید (۵۵)
گفتند، آیا ما را حق آورده ای یا
تو از بازی کنندگانی؟ (۵۶)

قَالُوا أَجِئْنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنْ
اللَّغِيئِينَ ﴿۵۶﴾

او گفت، بلکه پروردگار شما
پروردگار آسمانها و زمین است
که آنها را آفرید و من برایشما

قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَأَنَا عَلَىٰ ذِكْمٍ مِّنَ

الْمُهْدِينَ ﴿۵۷﴾

برآن از گواهان هستم (۵۷)
و سوگند به خدا حتماً به بتان
شما تدبیرکننده ام چون پشت
کرده رو گردانان شوید (۵۸)

وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ
تُوَلَّوْا مُدْبِرِينَ ﴿۵۸﴾

پس او آنها را خرد کرد جز بزرگتر
آنها را تا آنها بسویش رجوع
کنند (۵۹)

وَجَعَلَهُمْ جُذُءًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ
إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ ﴿۵۹﴾

گفتند، کی اینکار با معبودان ما کرده
است. یقیناً او از شما کارانست (۶۰)
گفتند: جوانی را شنیدیم که ذکر
از آنها میکرد. او را ابراهیم می
گویند (۶۱)

قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذَا بِآلِهَتِنَا إِنَّهُ لَمِنَ
الظَّالِمِينَ ﴿۶۰﴾

گفتند، پس او را جلوی چشمان
مردم بیاورید تا آنها ببینند (۶۲)
گفتند، آیا تو اینکار به معبودان
ما کردی ای ابراهیم؟ (۶۳) ++

قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ
إِبْرَاهِيمُ ﴿۶۱﴾

قَالُوا فَأْتُوا بِهِ عَلَىٰ آعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ
يَشْهَدُونَ ﴿۶۲﴾

قَالُوا ءَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا
يَا إِبْرَاهِيمُ ﴿۶۳﴾

++ آیت ۶۲: درباره این آیت گفته میشود که پس از کلمه "بَلْ فَعَلَهُ" توقف شود تا این نتیجه برآید که "کسی کرده است" بعکس نزد ما اینرا قطعاً ضرورت نیست زیرا که حضرت ابراهیم خودش به همه گفته بودند که من با معبودان کاری کننده ام. لذا این دروغ نیست. سخنی غیرممکن را بطور ممکن معرفی کردن يك طرز استدلال است که به حضرت ابراهیم علی الخصوص اعطاء بود. میچکدام از مخالفان ایشان این امر را باور نکرد که همه را زیان بت بزرگتر زده است و این (ص# ۷۵۸)

[ابراهيم]گفت، بلکه اين بزرگشان اينكار کرده است. پس بپرسيد از آنها اگر ميتوانند حرف زنند (۶۴) پس بسوی مردم خود برگشتند. آنگاه گفتند يقيناً شما خودتان ستم کارانيد (۶۵)

سپس سر به گريبان کرده شدند [وگفتند] البته ميدانی که آنها حرف نميزنند (۶۶)

[ابراهيم]گفت پس آيا عبادت می کنید گذشته از خدا آنچه را نه به شما هيچ سودی ميرساند و نه شما را ضرر ميزند (۶۷)

اف بر شما و بر آنچه را جز خدا عبادت ميکنيد. آيا عقل نمی کنید؟ (۶۸)

گفتند، بسوزانيد او را و معبودان را را ياری کنید اگر شما کنندگان ايد (۶۹)

قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَسَأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا سَاطِقُونَ ﴿٦٤﴾

فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٦٥﴾

ثُمَّ نَكَّسُوا عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا هُمْ بِآلِئِن يَاطِقُونَ ﴿٦٦﴾

قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ ﴿٦٧﴾

أَفِ لَكُمْ وَ لِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٨﴾

قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فاعِلِينَ ﴿٦٩﴾

بقیه آیت ۶۲: امر را غیر ممکن پنداشتن بر این اعتقاد آنان خط بطلان میکشد که معبودان آنها توانا به یاریگری هستند.

قَلْنَا يَا رَكُونِ بَرِّدًا وَسَلْمًا عَلَيَّ
إِبْرَاهِيمَ ﴿۷۰﴾

گفتیم: ای آتش سرد و سلامت باش
بر ابراهیم (۷۰) ++

وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ ﴿۷۱﴾

و قصد داشتند بر او نیرنگ زنند.
پس ما آنها را زیان کارتران
ساختیم (۷۱)

وَنَجَّيْنَاهُ وَلَوْطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي
بَرَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ ﴿۷۲﴾

و او و لوط را بسوی زمینی
نجات دادیم که در آن برکت برای
مه جهانها نهاده بودیم (۷۲)

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً ۗ

و او را اسحاق اعطا کردیم و بطور
نوه یعقوب و مه را پاک کرداران
بوجود آورده بودیم (۷۳)

وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ ﴿۷۴﴾

و ایشان را امامان برگزیدیم که به
امر ما هدایت میکردند و بسوی
ایشان برای گفتن سخنان نیکو و
بپاداشتن نماز و ادای زکات وحی
میفرستادیم و آنان عبادتگذاران

وَجَعَلْنَاهُمْ آيَةً يُهَدُونَ بِأَمْرِنَا
وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ
الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا
عِبْدِينَ ﴿۷۵﴾

++ آیت ۷۰: اینجا منظور از آتش میتوان هم آتش مخالفت و هم آتش حقیقی باشد.
چنانچه در این زمان به حضرت مسیح موعود الهام شد که "مرا از آتش مترسانید
چه آتش غلام ما بلکه غلام غلامان است" (اربعین شماره ۳- روحانی خزاین جلد
۱۷- صفحه ۴۲۶- مطبوع لندن).

سرد شدن آتش بدین معنایست که تبش آن موفق به هلاک کردن نشود بلکه آن آتش
خود فرورود.

ما بودند (۷۴)

ولوط را حکمت و دانش دادیم و او را از شهری نجات دادیم که کثافتکاریها میکرد. یقیناً آنها به بدی بزرگ فرو رفته زشتکاران

بودند (۷۵)

و اورا بداخل رحمت خود کردیم یقیناً او از نیکوکاران بود (۷۶)

[بیاد آرید] نوح را چون قبلأ ندا کرده بود. پس برای او اجابت نمودیم پس او و خانواده او را از آسفتگی بزرگ نجات دادیم (۷۷)

و او را یاری کردیم مقابل قومی که آیتهای ما را تکذیب میکردند. یقیناً آنها قومی زشتکار بودند پس

جمله آنها را غرق کردیم (۷۸)

و [بیاد آرید] داؤد و سلیمان را چون آندوی جهت مزرعه ای داوری میکردند چون شبگاه در آن رمه گوسفندان مردم چرا کرده بودند و یقیناً ماداوری ایشانرا نگه

وَلَوْطًا اتَيْنَهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ
مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبِيثَ
إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا سَوَاءً فَسَقِينَهُ ۝

وَأَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ
الصَّالِحِينَ ۝

وَنُوحًا إِذْ نَادَى مِنْ قَبْلٍ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ
فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ
الْعَظِيمِ ۝

وَنَصَرْنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا سَوَاءً فَأَغْرَقْنَاهُمْ
أَجْمَعِينَ ۝

وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ
إِذْ نَفَسَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا
لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ ۝

بانی میگردیم(۷۹)++

پس سلیمان را آن امر فهمانیدیم
و هر کدام را حکمت و دانش در
دادیم و مسخر کردیم باداؤد کومها
را تسبیح کنان و مرغان را و ما انجام
دهندگان [اینهمه] بودیم(۸۰)++

و او را برای شما صنعت زره سازی
آموختیم تا شمارا از [گزند] جنگ
هایتان حفظ کند. پس آيا شما سپاس
گذاران ميشويد؟(۸۱)

[مسخر کردیم] برای سلیمان
بادی تند که بدستور او بسوی آن
زمینی میوزید که در آن برکت
نهاده بودیم و ما بهر چیز دانایان
ایم(۸۲)++

فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ ۱۷ وَكَلَّا اتَّيْنَا حُكْمًا
وَعِلْمًا ۱۷ وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ
يُسَبِّحُونَ وَالطَّيْرَ ۱۷ وَكُنَّا فَاعِلِينَ ۱۷

وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُؤْسٍ لَّكُمْ
لِتُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ ۱۷ فَهَلْ أَنْتُمْ
شَاكِرُونَ ۱۷

وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي
بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَرَكَاتُهَا
وَكُنَّا لِكُلِّ شَيْءٍ عٰلِمِينَ ۱۷

++آیت ۷۹-۸۰: اینجا مسخر کردن گوه ها بمعنای مطیع کردن مردمان گوهستانی
را برای حضرت سلیمان است. همچنین در ارتش حضرت سلیمان سخن از لشکر پرنندگان
میروند. اینهمه کلام رمزی و عبارت از دو معنایست - یکی کسانی که به پرواز روحانی
توانائی اعطا شوند و دومین آن سواران تندرو که مانند پرنندگان بسرعت از یکجا
بجای دیگر میرسیدند. تندروترین دسته لشکریان حضرت سلیمان نیز لشکر پرنندگان
قرار داده میشود.

++آیت ۸۲: اینجا مسخر کردن بادها برای حضرت سلیمان بدین معنای است [ص: ۷۶۲]

وَمِنَ الشَّيْطَانِ مَنْ يَّعْوِضُونَ لَهُ
وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ
حَافِظِينَ ﴿۸۳﴾

و از سرکشان بودند آنانکه بخاطر
او غوطه و رمی شدند و علاوه بر آنهم
کار میکردند و ما نگهبانان ایشان
بودیم (۸۳) ++

وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أُنِّي مَسْنِيَ الصُّرُّ
وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّحِيمِينَ ﴿۸۴﴾

و ایوب، چون او پروردگار خود
را خواند که مراسم رنج رسیده
است و تو رحم کننده ترین رحم
کنندگان هستی (۸۴)

فَأَسْتَجِبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ صُرِّ
وَأَتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً
مِّنْ عِنْدِنَا وَذَكَرَى لِلْعَبِيدِينَ ﴿۸۵﴾

پس ما دعایش را برای او مستجاب
نمودیم و برای او هر چه از رنجی
بود دور کردیم و او را خانواده او
و با آنان مانند آنان [زاید] در دادیم
که از جانب ما رحمت و عبادت
گذاران را بند بود (۸۵)

وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلًّا
مِّنَ الصَّابِرِينَ ﴿۸۶﴾

و اسمعیل و ادريس و ذی الکفل
همه از صبوران بودند (۸۶)

++ بقیه آیت ۸۲: که در منطقه ساحلی فلسطین رخ بادها ماه بماه تغییر سمت میافت و
کشتیهای دریائی متعلق به حضرت سلیمان با نیرو آن بادها بحرکت میآمد و باز
بعد از یکماه بادها از سمت دیگر شروع بوزیدن میکرد.

++ آیت ۸۲: اینجا منظور از جنها آفریده از آتش نیستند وگرنه از غوطه زدن
آنها در دریاها آتش فرومیرد. بلکه اینجا بمعنای آن قومهای گردن کشان است که
حضرت سلیمان آنان را تسخیر کرده بودند و غوطه وران نیز شامل آنها بودند.

وَأَدْخَلْنَهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿۸۷﴾

وآنرا بداخل رحمت خود کردیم
یقیناً آنان از صالحان بودند (۸۷)

وَذَا التُّورِ إِذْ ذُهِبَ مُعَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ
لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا
إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ
الظَّالِمِينَ ﴿۸۸﴾

و صاحب مامی [رابخاطربیار] چون
او خشمگین رفت و پنداشت که بر
اوستخت نمیگیریم. پس درظلمات
[فراگرفته] صدا کرد که هیچ معبود
نیست مگر توئی - تو یاک هستی.

یقیناً من از ستمکارانم (۸۸) ++

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ^ط وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الغَمِّ^ط
وَكَذَلِكَ نُجِّي الْمُؤْمِنِينَ ﴿۸۹﴾

پس مداعای او را مستجاب کردیم
و او را از اندوه نجات دادیم و
مؤمنان نجات اینطور دهیم (۸۹)

وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي
فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ ﴿۹۰﴾

وزکریا [بیادار] چون او پروردگار
خود را خواند. پروردگارا! مرا تنها
مگذار. توبهترین وارثانی (۹۰)

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ^ط وَوَهَبْنَا لَهُ^ط يَحْيَى
وَأَصْلَحَ آلَهُ زَوْجَهُ^ط إِنَّهُمْ كَانُوا

پس دعایش را مستجاب نمودیم و
اورا یحیی اعطا کردیم و بخاطرش

++ آیت ۸۸: چون حضرت یونس دیدند که پیشگوئیهای اخطاری ایشان پایان
نپذیرفته است و درعین حال متوجه نشدند که خداوند بر اثر گریه و زاری پیش
گوئیهای اخطاری را برمیگرداند لذا ایشان قهر کرده بسوی دریا دررفتند که آنجا
مامی بزرگ نخست ایشان را بلعید و باز بیرون انداخت. لب بدعای که ایشان
در آن زمان ظلمتها گشودند این بود که ای خدا هیچ معبودی نیست جز تو- تو یاک
هستی یقیناً من از ستمکاران بودم.

يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا
وَرَهَبًا ۖ وَكَانُوا لَنَا خَشِيعِينَ ﴿۱۱﴾

زنش را سلامت بخشیدیم. یقیناً
ایشان در نیکیها سبقت میجستند
و ما را بامحبت و بیم میخواندند
و برای ما فروتنان بودند (۹۱)

وَأَلَّتِي أَحْصَنْتُ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا
مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْتَهَا آيَةً
لِّلْعَالَمِينَ ﴿۱۲﴾

و آنزن را که فرج خود را نگه
داری کرد، پس از امر خود در آن
دمیدیم و او و پسرش را برای
عالمیان نشانه قرار دادیم (۹۲)

إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً ۖ وَأَنَا
رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ ﴿۱۳﴾

یقیناً این امت شما است که امت
واحد است و منم پروردگار شما
پس مرا عبادت کنید (۹۳)

وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ ۗ كُلٌّ لِّإِيْتَا
رِجْعُونَ ﴿۱۴﴾

و [بعداً] مسلك خود رامیان خود
پاره پاره کردند. همگی بسوی ما
مراجعت کنندگانند (۹۴)

فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ
فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ ۗ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ ﴿۱۵﴾

پس هر که از نیکیها بجا آورد و
او مومن است پس از کوشش او
ندیده نگرفته خواهد شد. یقیناً
ما برای او نویسندگانیم (۹۵)

وَحَرَامٌ عَلَىٰ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا
يَرْجِعُونَ ﴿۱۶﴾

و قطعی ممنوع است بر قریه ای
که هلاکش کنیم که آنان باز نمی
گردند (۹۶) ++ [ص: ۷۶۵]

حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ
وَهُم مِّنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ ﴿۱۷﴾

حتی گامیکه یاجوج و ماجوج
گشوده شوند و آنها از هرکدام
بلندی شتابان بیایند۔ (۹۷) ++

وَاقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ
أَبْصَارُ الَّذِينَ كَفَرُوا ۗ يَوِيلْنَا قَدْ كُنَّا فِي
غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿۱۸﴾

ووعده حتمی الوقوع نزدیک شود
و ناگهان چشمان آنانکه کفر کردند
حیرت زده بازمانند [و گویند] وای
بر ما که یقیناً ما از این در غفلت
بودیم بلکه ستمکاران بودیم (۹۸)

إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ
حَصَبُ جَهَنَّمَ ۗ أَنْتُمْ لَهَا وَرِدُونَ ﴿۱۹﴾

یقیناً شما و آنچه راجز خدا عبادت
کنید سوخت جهنم و شما در آن
واردانید (۹۹)

لَوْ كَانَ هُوَ آلَ إِلَٰهَةٍ مَّا وَّرَدُوهَا ۗ وَكُلٌّ
فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۲۰﴾

چنانچه خدایانی بودند هرگز در
آن وارد نمیشدند و همه در آن
مدت دراز خواهند ماند (۱۰۰)

لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ ﴿۲۱﴾

برای آنها در آن ناله کردن است و
آنها در آن هیچ نشنوند (۱۰۱)

++ آیات ۹۶-۹۷: در اینجا منظور از واژه "قریة" اهل قریة اند. قومیکه بهلاک
رسانده شود دنیا باز نمیگردد. "حتی" بمعنای این نیست که در زمان یاجوج و
ماجوج قومهای درگذشته برمیگردند بلکه بدین معنای است که درگذشتگان در
زمان یاجوج و ماجوج نیز مجاز به برگشتن دنیا نه خواهند شد. پس ظاهراً اینها
چنین کرشمه ما بنمایش میگذارند گویی که مردگان را زنده میسازند اما میچکاه
نیتوانند مردگان حقیقی را زنده بنمایند.

یقیناً آنانکه برای آنان از ما فرمان خوبی پیشی گرفته است همانند که از آن دور داشته شوند (۱۰۲) حسّ آنرا هم نشنوند و آنچه دلهای ایشان دوست میداشت در آن ایشان جاویدان باشند (۱۰۳)

آشفته‌گی بزرگتر هم آنانرا انگین سازد و فرشتگان با آنان ملاقات کرده [گویند] این آنروز شما است که شما وعده داده میشدید (۱۰۴)

روزیکه آسمانرا درهم پیچانیم بطوریکه طومار نوشته هارا درهم بیچاند. آنطور که اولین آفرینش را آغاز کرده بودیم آنرا تکرار مینمائیم. این وعده بر ما بفرض است. یقیناً ما کنندگانیم (۱۰۵)

و البته در زبور نوشته بودیم پس از ذکر که حتماً سرزمین موعود را بندگان نیکوکار من به ارث برند (۱۰۶) ++

یقیناً در این پیغامی مهم است

إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ ﴿١٠٢﴾

لَا يَسْمَعُونَ حَاسِسَهَا ۖ وَهُمْ فِي مَا شَتَّهتْ أَنفُسَهُمْ خَالِدُونَ ﴿١٠٣﴾

لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَرَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّهُمُ الْمَلَائِكَةُ ۗ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿١٠٤﴾

يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ ۗ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ ۗ وَعَدَّ عَلَيْنَا ۗ إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ ﴿١٠٥﴾

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ﴿١٠٦﴾

إِنَّ فِي هَذَا بَلَاغًا قَوِيمٍ عِبْدِينَ ﴿١٠٧﴾

مردم را که عبادتگذارانند (۱۰۷)
 و تورا نفرستاده ایم مگر رحمتی
 برای همه جهانها (۱۰۸)
 بگو، یقیناً بسویم وحی میشود که
 معبودتان معبودیکتایست پس آیا
 شما فرمانبرداران میشوید (۱۰۹)
 باز اگر پشت کنند پس بگو شمارا
 یکسان مطلع ساخته ام و نمی
 دانم آیا دوراست یا نزدیک آنچه
 وعده داده میشوید (۱۱۰)

یقیناً او میشنود صدای بلند را و می
 دانند آنچه را کتمان کنید (۱۱۱)
 و نمیدانیم که شاید آن برای شما
 آزمایشی است و تا زمانی بهره
 کشی نافرجام است (۱۱۲)

او [رسول] گفت، پروردگارا! حکم
 کن بحق و پروردگارا! ما آن رحمن
 است که یاری از او خواسته شود
 بر آن سخنان که میگویند (۱۱۳)

ع
 ۱۹
 ۷
 ۷

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ﴿۱۰۷﴾

قُلِ إِنَّمَا يُوحِي إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ
 وَاحِدٌ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿۱۰۸﴾

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ آذَنْتُكُمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ ۗ
 وَإِنِ أَدْرِي أَقْرَبُ أَمْ بَعِيدٌ مَّا
 تُوعَدُونَ ﴿۱۰۹﴾

إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا
 تَكْتُمُونَ ﴿۱۱۰﴾

وَإِنِ أَدْرِي لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَّكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ
 حِينٍ ﴿۱۱۱﴾

قُلْ رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ ۗ وَرَبُّنَا
 الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا
 تَصِفُونَ ﴿۱۱۲﴾

++ آیت ۱۰۶: اشاره بسوی پیشگوئی حضرت داود علیه السلام مذکور در زبور باب

۳۷ میباشد.

۲۲ - سورة الحج

این سوره مدنی است و با بسم الله ۷۹ آیت دارد.

نخستین آیت این سوره عبارت از هشدارى مبنی بر زلزله قیامت است که به همه نوع انسان داده شود بخاطر نشان کردن اینکه اکنون رسولی بظهور آمده که همه نوع انسان را دعوت کرده که بحفاظت خدای رحمان در آیند و یک بار دیگر اخطاریه ای صادر میشود که در صورت عدم قبولیت این دعوت از چنین جنگهای هولناک هشدار داده میشود که گویی بر روی زمین قیامت تاخت خواهد آورد. آنچنان هولناک که زنانی شیرده کودکان خود را فراموش کنند و زنانی باردار بار خویش را بیفکنند. وضع مردم چنان باشد که گویی سکاری اند. در حالی که ایشان نه سکاری بلکه ناشی از عذاب خدا حواس خود را خواهند باخت.

وضع قیامت بخیال میندازد که وقتی همه نوع بشر هلاک شدند پس چگونه دوباره زنده کرده شوند؟ پاسخ اینست، خدای که نخست بار شمار از گل آفرید و باز در رحم مادر از مراحل مختلف گذراند قدرتمند به دوباره زنده گردنست. ضمناً فرمود یکی از مردم است که عبادت خدا را بطوری میگذارد که گویی بر لبه حفره ای ایستاده است. تا آنگاه که خیری بدو میرسد خوشنود است و وقتی که به آزمایش افکنده شود در حفره واژگون بیفتد. این آنکس است که در دنیا و آخرت هر دوی خسارت زده است.

سپس مجلاً ذکر از پیروکاران کلیه ادیان میرود که خداوند میانشان روز قیامت قضاوت خواهد کرد.

پس از آن این امر تاکیدی از خدای متعال است که زوار خانه کعبه را

از جلو نگیرید. بلافاصله دنبال این، ذکر از بیت الله و از آن امر می‌رود که حاکی از تاکید خداوند جهت حضرت ابراهیم علیه الصلوة والسلام است که خانه ام رادمم برای حج کنندگان و اعتکاف کنندگان تمیز و پاک بدار. این فرمان نه تنها برای حضرت ابراهیم علیه السلام بلکه به پیروان خود ایشان و به رسول الله ﷺ و پیروکاران ایشان تا قیامت تعلق دارد.

عطف به موضوع فوق به آنحضرت ﷺ فرمان میشود که مردم را برای حج خانه کعبه دعوت عمومی بکن. دنبال این، ذکر از قربانیا و غیره میشود که آنها شامل شعایر الله است. اگر به آنها بی احترامی کنید معادل با بی احترامی خانه کعبه شمرده شود. اما قربانیا که در راه خدا کنید قبول میشود فقط آنگاه که تقوی بهمراه باشد. زیرا که نه گوشت قربانی به خدا میرسد و نه خونس بلکه تنها تقوی از قربانی دهنده ای میرسد.

سپس موضوع از جهاد شمشیر بروشنی بیان کرده گفته میشود که تنها آنان جهاد شمشیر رخصت داده شوند که برخلاف آنان از جانب دشمن باشمشیر تجاوزگری شود و آنان و ادار به مهاجرت نشینی شوند بمحض این عملت که آنان مدعی بودند که خدا پروردگار ما است. سپس شرح به این موضوع عمده ای داده میشود که اگر رخصت دفاع داده نمیشد، نه تنها مساجد مسلمانان منهدم ساخته میشد بلکه معبد های یهود و مسیحیان و صومعه ها نیز به ویرانی کشیده میشد.

ضمناً سخن است از هلاکت قومهای منکران از پیغمبران قبلی و به دنبال این ذکر اشاره بدین امر شود که اگر انسان در زمین گردش کرده مدفن های آن ملت های نابود را تلاش کنی قیناً از بد فرجام آنان مطلع شود. امروز زبردستان باستان شناسی اینکار را دنبال کرده مدفن های بسا قومها قدیمی را کشف کرده اند.

آیه ۵۲ این سوره حاکی ازین فرمان است که اگر در آرزوهای پیغمبری خواهشی ازدلش شامل هم گردد خدا آن خواهش را ازبین میبرد. اینجا شیطان بمعنای آن نامی شیطان ملعون نیست بلکه اشاره به آن یکی شیطان است که دررگهای انسان مانندخون میدود. آنحضرت ﷺ درمورد این شیطان فرمودند، "ولكن الله اعاني عليه فاعلم (مسند احمد بن حنبل، مسند بنی هاشم) که خداوند بر خلاف او مرا کمک کرده و او مسلمان شده است". لذا این آیت کریمه هرگز دال بر این معناییست که هیچ شیطان واقعاُ در دلهای پیغمبران فتنه ای بر میانگیزد. زیرا که در جای دیگر [الشعراء: ۲۲۲-۲۲۳] صریحاً بیان شود که نیست شیطان که حتی نزدیک پیغمبران خدا بتواند برود. شیطان فقط بر دروغگویان و زشت کرداران نازل میآید و این بیان هیچگاه به رسولان اطلاق نمیکند.

آخرین رکوع این سوره حاکی از این امر است که آنهایی را که این مردم شریکان خدا میگزینند توانا نیستند حتی اگر مگسی چیزی را از جلوی آنها برباید آنها از آن مگس باز بگیرند. امر واقعی اینست که بمحض داخل شدن چیزی به دهن يك مگس بر اثر لعاب دهنش و بعلاوه ناشی از دگرگونی های مواد شیمی آن چیز نمیتواند در وضع اصلی خود باقی بماند.

آخرین آیت این سوره حاکی از توصیه نسبت به جهاد در راه خدا میباشد و شرح اش قبلأ داده شده است و اینهم فرموده شد که حضرت ابراهیم علیه السلام و رسول الله ﷺ و پیروان ایشان را همان خدا مسلمان قرار داده است و او دانافر به این امر است که کدام یکی در پیشگاه او کاملاً تن در میدهد. در پایان این سوره این اعلام تکرار میشود که این رسول یعنی رسول الله ﷺ برای همه جهانیان فرستاده شده اند.

☆ سُورَةُ الْحَجِّ مَدِينَةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ تِسْعٌ وَسَبْعُونَ آيَةً وَعَشْرَةُ رُكُوعَاتٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بسیاربخشنده بارهارحمکننده (۱)

ای مردم! پروردگار خود را تقوی
فراگیرید. یقیناً زلزله ساعت

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ ۚ إِنَّ زَلْزَلَةَ

السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ ①

چیزی بسیار بزرگ است (۲)

روزیکه آنرابینی هر زنی شیرده
فراموش کند آنرا که شیرمیداد و
هربارداربارخودرا بیفکند و مردم
را مدموش میبینی درحالیکه آنها
مدموش نیستند بلکه عذاب خدا

يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا

أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا

وَتَرَى النَّاسَ سُكَرَىٰ وَمَا هُمْ

بِسُكَرَىٰ وَلَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ ①

بسیار سخت است (۳)

و از مردم است آنکه درموردخدا
بیدانش جدل کند و هر شیطانی

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ

عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ ①

سرکش را پیروی کند (۴)

بر او مقدر شد که هر که با او دوستی
کند پس یقیناً او، او را نیز
گمراه سازد و او را بسوی عذاب

كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَنْ تَوَلَّاهُ فَإِنَّهُ يُضِلُّهُ

وَيَهْدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ ①

شعله ور ببرد (۵)

ای مردم! اگر شما از رستخیز در

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّن

الْبُعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ
 مِنْ نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُّضْغَةٍ
 مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنَبِّئَنَّ لَكُمْ
 وَتَقَرُّوْا فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ آجَلٍ
 مُّسَيَّءٍ ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ
 لِيَبْلُغُوْا أَشُدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَّنْ يُتَوَفَّىٰ
 وَمِنْكُمْ مَّنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا
 يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَىٰ الْأَرْضَ
 هَامِدَةً فَاذًا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ
 وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ۝

شک آید پس یقیناً ما شمارا از
 خاک آفریده بودیم سپس از نطفه
 سپس از خون بسته سپس از تکه
 گوشت از فرایند خاص آفرینش
 و فرایند عمومی آفرینش [بوجود
 آوردیم] تا [را از آفرینش را] برای
 شما آشکار کنیم و آنچه را بخواهیم
 تا نهایت زمانی معین در رحمها فرار
 دهیم. سپس شمارا کودکی در آریم
 تا از آن پس بسن بلوغت خود
 برسید. آنگاه از شما آنکس است
 که وفات داده شود و از شما آنکس
 است که به سالی فرومایه ترین
 رسانده شود تا پس از [فرا گرفتن]
 دانش هیچ نداند و زمین را خشک
 زار مییابی. پس هرگاه باران بر آن
 بباریم بحرکت آید و نمو کند و از
 [نباتات] مر جفتی سبز و شاداب
 را میرو یاند (۶) ++

++ | آیت ۶: در این سوره نخستین سخن لایق تذکرا نیست که جمله مراحل ارتقاء نسبت
 به تخلیق انسان در این بیان میشود - حتی دگرگونیهای که در شکم مادر [ص# ۷۷۲]

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُخِي الْمَوْتَى
وَأَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۷﴾

این است چه یقیناً همان خدا حق
است و اینکه یقیناً او مردگان را
زنده میکند و اینکه یقیناً او بر هر
چیز مدام قدرتمند است (۷)

وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ
يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ ﴿۸﴾

و اینکه قیامت حتماً آید. در آن هیچ
شکی نیست و اینکه یقیناً خدا بر
خیزاند آنان را که در قبور اند (۸)

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ
عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ ﴿۹﴾

و از مردم است آنکه در مورد
خدا بدون علم و بدون هدایت و
بدون کتابی روشن کننده مجادله
کند (۹)

ثَانِي عِظْفِهِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي
الدُّنْيَا خِزْيٌ وَنُذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَذَابَ

پهلوی خود را [متکبران] میپيچاند
تا از راه خدا گمراه سازد. اورا هم

بقیه آیت ۶: در جنین پدید میآید آنها نیز به ترقیب عیناً همانطور نقل است که
زبردستان دانش در زمان کنونی دریافته اند. این آیت ثبوت حتمی به این امر است
که آنحضرت ﷺ را شخصاً به این امور قبلاً هیچ دانشی نبود و هیچ وسیله ای نبود
جز خدای عالم الغیب که بتواند ایشان را به این امور آگاه سازد.

ضمناً این آیت حاکی از اینست که زمین را نیز بر خاک خشکیده آن آب پاشیده
احیا نموده بودیم. این دریافتی شگفت انگیز است که یگفته پژوهندگان دانش
چون بر زمینی خشکزار بارانی میبارد واقماً در آن علامات حیاتی پدید میآید.
اینجا اصل اشاره بدین امر است که آبی که از آسمان بسوی آنحضرت ﷺ بارید
آن يك زمین مرده ای یعنی قومی از جهت روحانی مرده را زنده نمود.

در این دنیا رسوائی است و هم
روز قیامت او را عذاب آتش
بجشانیم (۱۰)

اینست بدانعلت که دو دست تو
پیش فرستاد و یقیناً خدا برای
بندگان خود ستمکار نیست (۱۱)
و از مردم است آنکس که خدا را
عبادت بر لبه [سرسری] کند. پس
اگر او را خیر برسد به آن اطمینان
میآید و اگر او را آزمایش برسد
روی خود بر گرداند. او دنیا و آخرت
را زیان کرد. این زیان آشکار
است (۱۲)

او میخواند آنچه را جز خدا که نه
ضررش میرساند و نه سودش می
دهد و این گمراهی دور است (۱۳)
او آنرا خواند که ضررش نزدیکتر
از سودش است. چه بد سرپرست
است و چه بد رفیق است (۱۴)

براستی خدا آنانکه ایمان آوردند
و نیکوکاری کردند را داخل بهشت

ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ يَدَكَ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ
بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ ۱۱

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ ۚ
فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ ۚ وَإِنْ
أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ ۙ انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ ۗ
خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ۗ ذَٰلِكَ هُوَ
الْحُسْرَانُ الْمُبِينُ ۱۲

يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُ وَمَا لَا
يَنْفَعُهُ ۗ ذَٰلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ ۱۳
يَدْعُوا مَنْ ضَرُّهُ أَقْرَبُ مِنْ نَفْعِهِ ۗ
لَيْسَ الْمَوْلَىٰ وَلَيْسَ الْعَشِيرُ ۱۴

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا

الْأَنْهَرُ ۱۰ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ۱۰

مای کند که در دامنه آنها نهرهای روانست. یقیناً خدا میکند آنچه را دوست دارد (۱۵)

مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ
لْيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدَهُ مَا
يَغِيظُ ۱۱

آنکس که گمان میکند که خدا او [رسول] را در دنیا و آخرت کمک نمیکند پس [اگر میتواند] باید راهی بسوی آسمان بگسترده. باز آن [کمک خدا] را ببرد، باز بنگرد که آیا هیچ تدبیرش دور کننده آنچه است که [اورا] خشم میآورد (۱۶)

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ ۚ وَأَنَّ اللَّهَ
يَهْدِي مَنْ يُرِيدُ ۱۱

و اینگونه ما آنرا آیتهای آشکارا نازل کردیم و اینکه خدا هدایت میدهد آن را که میخواهد (۱۷)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ
وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا ۚ
إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۚ إِنَّ اللَّهَ
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۱۲

مانا آنانکه ایمان آوردند و آنانکه یهود شدند و صابی و مسیحی و مجوسی و کسانی که شرک کردند یقیناً خدا روز قیامت میانشان قضاوت خواهد نمود. یقیناً خدا بر هر چیز گواه است (۱۸)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ
وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ

آیا ندیدی که خداست که سجده کند اورا آنکه در آسمانها است و

آنکه در زمین است و خورشید و ماه و ستارگان و کوهها و درختان و جنبندگان و بسیار کثیر از مردم حالانکه بیشترانکه عذاب او بر آنهاحتمی الوقوع است و آنکه را خداسوا کند کسی نیست که او را گرامی بدارد یقیناً خدا میکند هر چه میخواهد (۱۹)

ایندوی ستیزه گراند که در مورد پروردگار خود ستیزه کردند. پس آنان که کفر کردند برایشان جامه های آتش بریده شود و بر سرشان آب جوشان انداخته شود (۲۰)

گداخته شود با آن هر چه در شکمهای آنها و پوستهای آنها است (۲۱)

و برای آنها گرزهای آهن است (۲۲) مرگاه قصد کنند که از آن [آتش] از شدت اندوه بیرون روند در آن برگردانده شوند و [گفته شوند طعم] عذاب آتش را

بچشید (۲۳)

وَالشَّجَرُ وَالذَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ ۗ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ ۗ وَمَن يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن مُّكْرِمٍ ۗ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ ﴿١٩﴾

هُذِنَ حَصْمِنِ احْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ ۗ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِعَتْ لَهُمْ شِيَابٌ مِّن نَّارٍ ۗ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ ﴿٢٠﴾

يُصْهَرُ بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ ﴿٢١﴾

وَلَهُمْ مَقَامِعٌ مِّنْ حَدِيدٍ ﴿٢٢﴾ كَلَّمَا أَرَادُوا أَن يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا ۗ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿٢٣﴾

یقیناً خدا آنانکه ایمان آوردند و اعمال شایسته انجام دادند را به بهشت‌های داخل کند که در دامنه آنها نهرهای روانست. در آنها از دستبندهای طلا و مروارید آراسته شوند و لباس ایشان در آنها بریشم است (۲۴)

و رهنمائی شوند بسوی گفتار پاکیزه و رهنمائی شوند بسوی راه صاحب ستایش (۲۵)

البته آنانکه کفر کردند و باز می‌دارند از راه خدا و آن مسجد حرام که آنرا یکسان قرار دادیم برای مردم که در آن [بخاطر خدا] نشت‌کنند و بادیه نشینان و آنکس که به ستم در آن کجی را بخواهد او را عذابی دردناک بچشانیم (۲۶)

و وقتی ما برای ابراهیم جایگاه خانه کعبه ساختیم [گفتیم] هیچ را شریک من نگردان و خانه ام را برای طواف کنندگان و بیای

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُجَلِّونَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ ﴿۲۴﴾

وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ ۗ وَهُدُوا إِلَى صِرَاطٍ الْحَمِيدِ ﴿۲۵﴾

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفِ فِيهِ وَالْبَادِ ۗ وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ ﴿۲۶﴾

وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ﴿۳۱﴾

ایستادگان و رکوع کنندگان و

سجده کنندگان پاك بدار(۲۷)

و اعلام بحج کن در مردم که آیند

تو را پیادگان و برآن سواری که

[بعلت خستگی سفر] لاغراست. آن

[سواری و کالا] ما از مریک راه گود

و دور خواهند آمد(۲۸)

تا منافع خود را مشاهده کنند و

در روزهای معلوم نام خدا را

[بلند] کنند جهت [احسانی] که او

ایشان را رزق از دامهای چهارپا

اعطا کرد. پس از آنها بخورید و به

بینوای نادار نیز بخورانید(۲۹)

سپس باید آلودگی [زشتیهای] خود

را دور نمایند و نذرهای خود را

وفا کنند و این خانه باستانی

را طواف کنند(۳۰)

اینگونه [فرمان دادیم] و هر که

شعائر خدا را عظمت گذارد پس

این برای او نزد پروردگارش بهتر

است. چهار پایان برای شما حلال

وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا

وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ

عَمِيقٍ ﴿٢٨﴾

لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ

اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَةٍ عَلَىٰ مَآرِزِهِمْ

مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ ۚ فَكُلُوا مِنْهَا

وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ ﴿٢٩﴾

ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُذُورَهُمْ

وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ ﴿٣٠﴾

ذَلِكَ ۗ وَمَنْ يُعْظَمْ حُرْمَتِ اللَّهِ فَهُوَ

خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ ۗ وَأُحِلَّتْ لَكُمْ

الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُثَلَّىٰ عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا

الرَّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ
الزُّورِ ﴿۳۱﴾

کرده شدند جز آنچه بر شما خوانده
شود. پس از پلیدی بتان احتراز
نمائید و از گفتار دروغ اجتناب
کنید (۳۱)

حُنَفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ ۖ وَمَنْ
يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ
فَتَخَطَفَهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوَىٰ بِهِ الرِّيحُ فِي
مَكَانٍ سَحِيقٍ ﴿۳۲﴾

مدام به خدا گرایندگان، هیچ را
با او شریک قرار ندمندگان. و هر که
به خدا شرک ورزد پس گویی که
اواز [بلندی] آسمان فرو افتاد. پس
یا او را پرندگان بر بایندیاباد او را
پرانیده در مکانی دور بیفکنند (۳۲)
این [لازم] است و هر که به شعایر
خدا عظمت گذارد پس یقیناً این
علامت از تقوی دلهاست (۳۳)

ذَلِكَ وَمَنْ يُعِظْكُمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ
تَقْوَى الْقُلُوبِ ﴿۳۳﴾

شمارا در این [قربانیا] مدتی
معین بهره کشی است. سپس آنها
را به خانه قدیم خدا رساندن
است (۳۴)

لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعٌ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ
مَحَلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْحَرَامِ ۗ

و برای هرامت طریق قربانی مقرر
داشته ایم تا نام خدا را بخوانند
بر آنچه از دامهای چهارپا که به
ایشان اعطا کرده ایم. پس معبود

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِّيُذَكَّرُوا
اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةٍ
الْأَنْعَامِ ۗ فَالْهُكْمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَلَهُ

شما معبود یگانه است. پس برای
اوتسلیم شوید و فروتنان را مؤده
بده (۲۵)

آنانکه هرگاه ذکر خدا کرده شود
دل‌های ایشان رعب زده شود و
صبرکنند بر آن سختی که به ایشان
برسد و نماز را بی‌ای دارندگانند
و انفاق میکنند از آنچه به ایشان
اعطا کرده ایم (۲۶)

و شتران قربانی که آنها را برای
شما از شعایر خدا قرار داده ایم
برای شما در آنها خوبی است. پس
بر آنها در صرف آراسته نام خدا یاد
کنید. پس هرگاه [پس از ذبح] پهلو
های آنها بزمین قرار گیرد پس از
آنها بخورید و به قناعت کننده و
نیازمندم بخورانید. اینگونه آنها
را بخدمت شما گمارده ایم تا باشد
که سپاسداری کنید (۲۷)

هرگز به خدا نه گوشت آنها می
رسد و نه خون آنها و لکن تقوای

أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ ﴿۲۵﴾

الَّذِينَ إِذَا ذَكَرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ
وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمُ وَالْمُتَّقِينَ
الصَّلَاةَ ۖ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿۲۶﴾

وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِّنْ شَعَائِرِ اللَّهِ
لَكُمْ فِيهَا حَيْرٌ ۗ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ
عَلَيْهَا صَوَافٍ ۚ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا
فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ ۗ
كَذَٰلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ
تَشْكُرُونَ ﴿۲۷﴾

لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَآؤَهَا
وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ ۗ كَذَٰلِكَ

سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَيْكُمْ ۗ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ ﴿۳۸﴾

شما به او میرسد. اینگونه آنها را
برایشما رام کرده ایم تا خدا را
بزرگ گردانید بنابراین که او
شما را هدایت داد و محسان را
مژده بده (۳۸)

إِنَّ اللَّهَ يُدْفِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ ﴿۳۹﴾

براستی خدا دفاع کننده است از
آنانکه ایمان آوردند. یقیناً خدا هر
تدام که خیانتکار و ناسپاس است
رادوست ندارد (۳۹)

أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقْتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا ۗ وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ ﴿۴۰﴾

مجاز گردانده شوند [برای قتال]
آنانکه قتال کرده شوند چه ایشان
ستم کرده شدند و یقیناً خدا بریاری
ایشان کاملاً قدرتمند است (۴۰)

الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ ۗ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيْعٌ وَصَلَوَاتٌ وَ مَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا ۗ وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿۴۱﴾

[یعنی] کسانی که از خانه های خود
بناحق بیرون کرده شدند محضاً
برای اینکه گفتند خدا پروردگار
ما است و اگر خدا مردم را دفاع
بعضی آنرا بیعضی [برانگیخته]
نسیکرد یقیناً نابود کرده میشد
رهبانخانه ها و کلیساها و معابد
[یهود] و مساجد که نام خدا در آنها

بکثرت یاد کرده میشود و یقیناً
خدایاری دهنده او است که او را
یاری دهد. یقیناً خدا بسیار قدرتمند
صاحب غلبه کامل است (۴۱)

کسانیکه اگر ایشان را در زمین
مکتت دهیم نماز را بپای دارند و
زکوت دهند و به معروفات امر
کنند و از منکرات نهی کنند و عاقبت
هر کار بدست خدا است (۴۲)

و اگر تکذیب کنند تورا پس قبل
از آنها تکذیب کردند قوم نوح و
عاد و ثمود (۴۳)

و قوم ابراهیم و قوم لوط (۴۴)
و اصحاب مدین و موسی هم تکذیب
شد. پس کافرانرا کمی فرصت دادم
باز آنها را بگرفتم. پس بنگرید که
عقوبت من چگونه بود (۴۵)

پس چه بسا شهرهای بودند که آنها
را هلاک کردیم حالیکه آنهاستمگر
بودند. پس اکنون برستغهای خود
فرو افتاده اند و جامهای معطل و

الَّذِينَ إِنَّمَا كُنُوهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا
الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا
بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ۗ وَلِلَّهِ
عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ﴿٤١﴾

وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ
قَوْمُ نُوحٍ وَقَوْمُ عَادٍ وَثَمُودُ ﴿٤٢﴾

وَقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمُ لُوطٍ ﴿٤٤﴾
وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ ۗ وَكَذَّبَ مُوسَىٰ
فَأَمَلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتَهُمْ ۚ
فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿٤٥﴾

فَكَأَيُّنَ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ
ظَالِمَةٌ فِيهَا خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيُرِي
مُعْظَلَةً وَقَصْرٍ مَشِيدٍ ﴿٤٦﴾

تصوری استوار اند] که نابود کرده شدند (۴۶)

پس آیا در زمین گردش نمیکنند تا ایشان را دلهای باشد که بدانها عقل را بکاربرند یا گوشهای باشد که بدانها شنوا گردند چه چشمان کور نشود بلکه دلهای کور شود که در سینه هاست (۴۷)

و عذاب را از تو بتعجیل میخواهند در حالیکه خدا هرگز خلاف وعده خود نکند و یقیناً روزی است نزد پروردگارت مانند هزار سال از روی آن شمار که می شمارید (۴۸)

و چه بسا شهرهای است که برای آنها مهلت دادیم در حالیکه ستمکار بودند. سپس آنها را برگرفتم و برگشت به سوی من است (۴۹)

بگو ای مردم من برایشما فقط هشدار دهنده آشکارا م (۵۰)

پس آنانکه ایمان آوردند و نیکو کاری کردند ایشان را آمرزش و

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُون لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ ④۶

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ ④۷

وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَمَلَيْتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُهَا وَإِلَى الْمَصِيرِ ④۸

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ ④۹

فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ⑤۰

رزقی گرامی است (۵۱)

و کسانی که برای آیت‌های ما سعی کنند که [آنها را] بجز آورند همانها اهل جهنمند (۵۲)

و پیش از تو هیچ رسولی و نبی نفرستادیم مگر مرگه او آرزو کرد شیطان [نفس] در آرزویش [آمیزش] نهاد. سپس خدا نسخ کند شیطان آنچه مینهد سپس خدا آیت‌های خود را استوار مینماید و خدا صاحب علم دائمی صاحب حکمت است (۵۳)

[اینست] تا شیطان آنچه مینهد را برای آنانکه در دل‌های آنان مرضی و دل‌های آنان سفت است فتنه سازد. یقیناً ستمکاران در نفاق فرورفته اند (۵۴)

[اینست] تا آنها که علم داده شدند بدانند که این از پروردگارت حق است و به آن ایمان آورند و دل‌های ایشان برای آن بگراید و یقیناً خدا آنان که ایمان آوردند

وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعْجِزِينَ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿۵۱﴾

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَمَّتْ آلِقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَتَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۵۲﴾

لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ﴿۵۳﴾

وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿۵۴﴾

رابسوی راه راست رهنمائی کننده
است (۵۵)

و پیوسته آنانکه کفر کردند از آن
در دودلی باشند تا آن انتها که به
آنها قیامت ناگهانی آید یا عذاب
روزی ناخرسند بیآید (۵۶)

سلطنت آنروز از آن خدا است او
میان ایشان حکم کند. پس آنانکه
ایمان آوردند و نیکوکاری کردند
در بهشتهای پر نعمت باشند (۵۷)

و کسانی که کفر کردند و به آیتهای
ماتکذیب کردند همانند که برای
آنها عذابی رسوا کننده است (۵۸)
و آنانکه مجرت کردند در راه خدا
بازگشته شدند یا مردند حتماً خدا
ایشان رزقی قشنگ دردمدو یقیناً
خدا بهترین رزق دهندگانست (۵۹)
یقیناً ایشان را بداخل جایگاه
کند که از آن خوش آیند و یقیناً
خدا صاحب علم دائمی بردبار
است (۶۰)

وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ
حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ
عَذَابٌ يَوْمٍ عَقِيمٍ ﴿٥٦﴾

الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ ۖ
فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي جَنَّاتِ
النَّعِيمِ ﴿٥٧﴾

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاُولَٰئِكَ
لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿٥٨﴾

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قَاتَلُوا
أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا ۗ
وَإِنَّ اللَّهَ لَهُمْ خَيْرٌ الرَّزَاقِينَ ﴿٥٩﴾
لَيُدْخِلَنَّهُمْ مُّدْخَلًا يَرْضَوْنَهُ ۗ وَإِنَّ اللَّهَ
لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ ﴿٦٠﴾

ذَلِكَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ
تُرْبِعِي عَلَيْهِ لِيُنْصَرِّتَهُ اللَّهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ
لَعَفُوفٌ غَفُورٌ ﴿۱۱﴾

همینطور شود و هر که عقوبت کند
بمثل آنکه به او عقوبت کرده شد
باز هم برخلاف او سرکشی کرده
شود یقیناً خدا او را یاری دهنده
است. یقیناً خدا خیلی عفوکننده ی
صاحب آمرزش است (۶۱)

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُوَلِّجُ الْآيِلَ فِي النَّهَارِ وَيُوَلِّجُ
النَّهَارَ فِي الْآيِلِ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ﴿۱۲﴾

اینست چه یقیناً خدا شب را در
روز داخل کند و روز را در شب
داخل کند و اینکه یقیناً خدا بسیار
شنوای دقیقاً بینا است (۶۲)

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ
مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ
الْكَبِيرُ ﴿۱۳﴾

اینست چه یقیناً همان خدا حق
است و آنچه راجز او میخوانند
همان باطل است و اینکه یقیناً
خدا است که او صاحب بلندشان
بسیار بزرگ است (۶۳)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً
فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً ۗ إِنَّ اللَّهَ
لَطِيفٌ خَبِيرٌ ﴿۱۴﴾

آیا ندیدی که خدا آب را از آسمان
نازل کرد. پس زمین از آن سرسبز
میشود. یقیناً خدا بسیار باریک بین
مدام آگاه است (۶۴)

لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَإِنَّ
اللَّهَ لَهُوَ الْعَنِّي الْحَمِيدُ ﴿۱۵﴾

از آن اوست هر چه در آسمانهاست
و هر چه در زمین و یقیناً خدا است

که او بی نیاز صاحب ستایش
است (۶۵)

آیاندیدی که خدامرچه در زمین
است را برایشما مسخر کرد و هم
کشتیهارا. آنها بفرمان او در دریا
حرکت کنند و آسمان را نگهداشته
است که بر زمین بیافتد مگر به
اذن او. یقیناً خدا بحق مردم بسیار
مهربان بارها رحمتکننده است (۶۶)
واوست آنکه شمارا زنده کرد، باز
شمارا بمیراند سپس شما را زنده
کند. یقیناً انسان بسیار ناسپاس
است (۶۷)

برای هر کدام ملت طریق قربانی
قرار دادیم که به آن طریق قربانی
کنند. پس درین امر بتونستیزند و
بسوی پروردگار خود بخوان یقیناً
تو براه راست هدایت هستی (۶۸)
و اگر بتو محاجه کنند بگو، خدا
داناتر به آنست که میکنید (۶۹)
خدا روز قیامت قضاوت کند بین شما

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ
وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ ۗ
وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ
إِلَّا بِإِذْنِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءَوْفٌ
رَّحِيمٌ ﴿٦٥﴾

وَهُوَ الَّذِي أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ
يُحْيِيكُمْ ۗ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ ﴿٦٦﴾

لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ
فَلَا يَنَازِعُكَ فِي الْأَمْرِ وَاذْعُ إِلَى
رَبِّكَ ۗ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُّسْتَقِيمٌ ﴿٦٨﴾

وَإِنْ جَدَلُوكَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا
تَعْمَلُونَ ﴿٦٩﴾
اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كُنْتُمْ

درباره آنچه شادرآن اختلاف می
کنید(۷۰)

آیا نمیدانی که خدا میداند آنچه
در آسمان و زمین است. یقیناً این
[همه] در یک کتاب است. یقیناً این
بر خدا آسان است(۷۱)

و عبادت کنند جز خدا آنچه رابه آن
او هیچ دلیلی نازل نکرد و آنچه را
به آن آنانرا دانشی نیست و ستم
کارانرا کسی مددگار نباشد(۷۲)

و هرگاه آیتهای روشن ما بر آنها
فرو خوانده شود در چهره های آنان
که کفر کردند ناپسندی را می شناسی
نزدیکست که آنها بتازند بر آنانکه
آیات ما را بر آنان فرو خوانند. بگو
بس آيا شمارا خبر دهيم به بدتر از
این - آتش - خدا به آن وعده
داده آنها را که کفر کردند و چه
زشت منزلگاهی است(۷۳)

ای مردم! يك مثل زده میشود پس
آنها گوش فرادهید. یقیناً آنها را که

فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿۷۰﴾

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ
وَالْأَرْضِ ۗ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ ۗ إِنَّ ذَلِكَ
عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿۷۱﴾

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يَنْزِلْ بِهِ
سُطْرًا ۚ وَمَا لَيْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ ۗ وَمَا
لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ ﴿۷۲﴾

وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي
وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَالْمُنْكَرَ ۗ يَكَادُونَ
يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا
قُلْ أَفَأَنْبِيئِكُمْ بِشَرٍّ مِنْ ذِكْرِكُمُ النَّارِ ۗ
وَعَدَهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ۗ وَبِئْسَ
الْمَصِيرُ ﴿۷۳﴾

يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاستَمِعُوا لَهُ ۗ
إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ

يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبُهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَحُفَ الطَّالِبِ وَالْمَطْلُوبِ ﴿٧٥﴾

جر خدا خوانید نیافرینند مگس را اگر چه برای آن گردهم آیند و اگر مگس چیزی را از آنها برباید نه توانند آنرا از آن باز گیرند. ناتوان است طالب [فیض] و هم از آن که فیض طلب میشود (۷۴)

مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٧٥﴾

آنها قدر خدا را سزاوار قدر او نه شناختند. یقیناً خدا بسیار قدرتمند صاحب غلبه کامل است (۷۵)

اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمَنْ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ﴿٧٦﴾

خدا بر میگزیند رسولانی را از فرشتگان و از آدمیان. یقیناً خدا مدام شنوای در نهایت بینا است (۷۶) ++

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ ۗ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٧٧﴾

او میداند آنچه پیشروی آنها است و آنچه پشت سر آنها است و امور بسوی خدا بر گردانده شود (۷۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَعَبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ

ای آنانکه ایمان آورده اید رکوع کنید و سجده کنید و پروردگار خود

++ آیت ۷۶: این آیه سنت خدا را بعنوان قاعده بیان میکند که به منقطع بودن آن را هیچ ذکری نیست یعنی خداوند همیشه فرشتگان یا آدمیان را بر مقام رسالت برگزیده میفرستد.

تُقْلِحُونَ ﴿۷۸﴾

رابعادت کنید و نیکیها انجام دهید ^{السجدة} تا باشد که رستگار بشوید (۷۸)

و از جهت خدا جهاد کنید که شایان جهاد اوست. او شمارا برگزید و هیچ تنگی در دین برایشما نه نهاد. [همین] دین پدر شما ابراهیم بود. [خدا] نام شما مسلمان نهاد قبالاً و هم در این [قرآن] تا رسول بر شما نگهبان باشد و تا شما بر مردم نگهبانان باشید. پس نماز را بپای دارید و زکات دهید و به خدا جنگ زنید. او آقای شماست و چه خوب ^ع آقا چه خوب یا و راست (۷۹) ++

وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ ۗ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ ۗ مَلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ ۗ هُوَ سَمَّاكُمْ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ ۚ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ ﴿۷۹﴾

++ آیت ۷۹: در این آیت نخستین سخن سزاوار کامل اینست که واژه "مسلم" برای هیچ کس انحصاری نیست. بسیار جلوتر از ظهور اسلام خداوند حضرت ابراهیم و ملت ایشان را مسلم قرار داده بود. پس از آن حضرت علیه السلام را شهید یعنی نگهبان بر مسلمانان و مسلمانان را بر ملت‌های دیگر نگهبان بودن را ذکر است. بمعنای که حضرت محمد صلی الله علیه و آله در زمان خود شهید بودند بی‌همان معنا مسلمانان در پیروی ایشان بر دیگران شهید اند. ولی شهید را معنایی نیست که دیگران به اجبار مسلمانان مورد پسند خود ساخته شوند. زیرا که حضرت محمد صلی الله علیه و آله با این وجود که شهید بودند هیچگاه جنگ مهاجمی را نه جنگیدند و نه کسی را بزور به مسلمان شدن واداشتند.

۲۳ - المؤمنون

از جمله سوره های که در مکه نازل شد این آخرین است و با بسم الله ۱۱۹ آیت دارد.

در پایان سوره گذشته ذکر بود که پیروزی حقیقی منوط به بپاداشتن نماز و برقراری زکوة و متمسک شدن به خدا است. پس رستگاری مزبور در آنجا در آیت های ابتدائی سوره مؤمنون شرح به این ترتیب داده میشود که رستگار آن مومنانند که آنان نه فقط نماز را بپایدارند و زکوة میدهند بلکه در ایشان بسیار کثیر صفات دیگر نیز یافت میشوند. این صفات از هر دو نوع است یعنی از کدام چیزها پرهیز میکنند و کدام نیکیها را بعمل میآرند.

سپس اینهم فرموده شد که اگرچه آب زندگانی از آسمان فرو میبارد و نظام نسبت به بارندگی اش موجود است اما اگر خدا بخواهد که بر پایه يك علت نوع انسان را درس عبرت بیآموزد او بر این امر توانا است که این آب آسمانی را ببرد. این فرایند را دو طریق است. اولین این که نظامی که تحت آن آب آسمانی تکراراً از بلندیها به زمین باز گردانیده میشود. خداوند در آن تحولات بوجود میآورد بطوریکه در آغاز آفرینش آب زمینی پیوسته تحت عمل تبخیر بسوی آسمان صعود میکرد و چون میبارید بر اثر حرارتی که در جوّ میانه وجود داشت مجدداً بسوی بلندی باز میگشت. دومین صورت آنست که معمولاً مشاهده هم میشود که وقتی آب در ژرف زمین فرورود آنگاه از قعر چاه ها نیز پایین تر رفته ناپیدا میشود.

ضمناً در پی موضوع آب ذکر از آن کشتیها میروود که بر سطح آب حرکت می

کنند و از آنجمله سخن از کشتی حضرت نوح علیه السلام نیز گفته میشود. جریان داشتن کشتیها بر سطح آب منوط به اذن خدا است. کشتیها هنگام بلندترین طغیان آب نیز بر سطح آن روان میمانند و گاه گاه در صورت طوفان معمولی غرق میشوند. بر همین منوال وقتیکه قومها نسبت به آب آسمانی که بصورت آب روحانی نازل میشود بوسیله رفتار خود ابراز ناشکری نمایند خداوند ایشان را مانند آب دنیائی از این آب روحانی نیز محروم میگرداند و این امر نیز ایشان را بهره‌مند نمیسازد که رسولان پیوسته در آنها همچون بارانی پیوسته مبعوث میشوند. بلکه آنها برانکارمه ایشان اصرار میورزند. بعداً ذکر از چنان منطقه کوهستانی است که چشمه سار و موجب تسکین قلب بود. همین وادی است که خداوند حضرت مسیح علیه السلام و مادر ایشان را از دشمنان نجات داده در آنجا برد. قرینه ها و علامات ابراز مینمایند که آن وادی کشمیر بود.

آیت ۷۹ عبارت از این موضوع است که در منازل ارتقائی نخست حس شتوائی اعطاء شده بود و پس حس بصری و سپس آن دل به انسان داده شد که به بصیرت عمیقی و قریح که درک مضامین روحانی برخوردار است.

از این گذشته برخی چنین آیت‌های است که موضوع آنها مشابه آن آیت‌های است که مبحث تفصیلی بر آنها قبلاً شده است. سپس آیتی است که موضوعی جدید را ارائه میدهد. چون انسانها روز قیامت پرسیده شوند که چند در زمین مکث کردید، ایشان گویند روزی یا پاره‌ی از آن مکث کردیم. خداوند فرماید بلکه از اینهم کمتر در آنجا مکث کردید. این کنایه ای به طول زمان پس از مرگ گرفته تا روز رستاخیز است. دنیا آنقدر دور دیده

شود گویی که در يك چشم بهم زدن سپری شد. این همان موضوعی است که انسان را هر روز تجربه میشود که ستارگانی که حتماً از نظام شمسی خورشید و ماه قیز بسیار بزرگتر اند از دور فقط بصورت نقطه های ریز بچشم میخورند.

آخرین آیت این سوره بعنوان دعای است که به آنحضرت ﷺ بدین کلماتی آموخته شد که بعرض پروردگار خود برسان که پروردگارا! بیامرز و ترحم فرما و تو بهترین ترحم کنندگان هستی.

☆ سُورَةُ "الْمُؤْمِنُونَ" مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ مِائَةٌ وَتِسْعَ عَشْرَةَ آيَةً وَ سِتَّةَ رُكُوعَاتٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ①

بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

یقیناً مومنان موفق شدند (۲)

الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خِشْعُونَ ②

آنانکه در نماز خود فروتنانند (۳)

وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ ③

و آنانکه از هرزه روگردانانند (۴)

وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ ④

و آنانکه [حق] زکوت ادا کنندگان

اند (۵)

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَقْرَبِهِمْ حِفْظُونَ ⑤

و آنانکه فرجهای خود را نگه

داری کنندگانند (۶)

إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ

جز بر همسران خود یا آنها که

أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ⑥

دست راست ایشان مالک شد. پس

یقیناً ایشان ناملامت شدگانند (۷)

فَمَنْ ابْتغى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ

پس آنکه ماورای آن میخواستند

الْعَادُونَ ⑧

همانها اند که تجاوزگرانند (۸)

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمْتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ

و آنانکه برای امانات و عهدهای

خود رعایت کنندگانند (۹)

رَاعُونَ ⑨

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ⑩

و آنانکه بر نمازهای خود نگهداران

اند (۱۰)

أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ ⑪

همانها اند که میراث بردگانند (۱۱)

آنانکه به ارث برندجنت فردوس
 را و ایشان در آن جاودانند (۱۲)
 و یقیناً ما انسان را از عصاره گل
 آفریدیم (۱۳)
 سپس او را دریک قرارگاه محفوظ
 نطفه قرار دادیم. (۱۴)

سپس نطفه را خونی بسته ساختیم.
 باز آن خون بسته را گوشتی نرم و
 له ساختیم. باز آن گوشتی نرم و له
 را استخوانها ساختیم. باز استخوان
 ها را گوشت پوشانیدیم. سپس آن
 را به آفرینشی دیگر پدید آوردیم
 پس فقط همان خدا صاحب برکت
 اثبات شد که بهترین آفریدگاران
 است (۱۵)

سپس شما بعد از آن حتماً مردگان
 اید (۱۶)
 سپس یقیناً شما روز قیامت
 برخیزانده شوید (۱۷)
 و یقیناً ما ممت راه فوق شما آفریده
 ایم و ما از آفرینش غفلتکاران

الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا
 خَالِدُونَ ﴿١٢﴾
 وَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ
 طِينٍ ﴿١٣﴾

ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ ﴿١٤﴾
 ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ
 مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظْمًا
 فَكَسَوْنَا الْعِظْمَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا
 آخَرَ ۗ فَتَبَرَّكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ ﴿١٥﴾

ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ ﴿١٦﴾
 ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ ﴿١٧﴾

وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقٍ ۗ وَمَا
 كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ ﴿١٨﴾

نیستیم (۱۸) ++

و آب را از آسمان به اندازه ای نازل کردیم پس آنرا در زمین جا گزین کردیم و یقیناً ما بر بردن آن هم قدرتمند ایم (۱۹)

پس بدان باغهای خرما و انگور را برایشما پدید آوردیم. شمارادر آنها میوههای فراوانست و از آن [میوه] ها شما میخورید (۲۰)

و درختی رویانید که در طور سینادر میآید که برای خوردندگان باروغن و خورشی میروید (۲۱)

و یقیناً در دامها برایشما درسی است. شمارا مینوشانیم از آن چه در شکم های آنهاست و شمارا در آنها منافع فراوانست و از آنها میخورید (۲۲)

و بر آنها و بر کشتیها سوار کرده میشوید (۲۳)

وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَتْهُ فِي الْأَرْضِ ۗ وَإِنَّا عَلَىٰ ذَهَابٍ بِهِنَّ لَقَدِيرُونَ ﴿۱۸﴾

فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَّكُمْ فِيهَا فَوَاحِشٌ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿۱۹﴾

وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالذَّهْنِ وَصَبْغٍ لِلَّكَلْبِينَ ﴿۲۰﴾

وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً ۗ نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿۲۱﴾

وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ ﴿۲۲﴾

++ آیت ۱۸: اینجا ذکر از هفت راه آسانی فوق انسانها رفته است. هفت عبارت از عددی است که بارها تکرار میشود - مثلاً روز شنبه که پس از هر هفت روز تکرار میشود. پس سبع طرایق را معنا بی شمار راه های آسانی است.

و یقیناً ما نوح را بسوی قومش فرستادیم پس او گفت: ای قوم من! خدایان را عبادت کنید. برای شما جز او هیچ معبودی نیست. پس آیا تقویٰ فراموش کردید (۲۴)

پس آن سرداران که از قومش کفر کرده بودند گفتند، نیست او مگر بشری مانند شما. او میخواهد که بر شما فضیلت بیابد و اگر خدا میخواست البته فرشتگان را نازل میکرد، مآجهد پدران پیشین خود که اینطور نشنیدیم (۲۵)

نیست او مگر آدمی که او را جنونی است. پس تا زمانی به [عاقبت] او انتظار بکشید (۲۶)

او گفت، پروردگارا! مرا یاری کن چه مرا تکذیب میکنند (۲۷)

پس بسوی او وحی فرستادیم که جلوی چشمان ما و طبق وحی ما کشتی بساز. پس چون فرمان ما آمد و چشمه ها بجوشد جفت جفت

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يُقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ ۗ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿۲۳﴾

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ ۗ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ ۗ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً ۚ مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ ﴿۲۴﴾

إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فترَبَّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿۲۵﴾

قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونِ ﴿۲۶﴾

فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعِ الْفُلَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التُّنُورُ ۗ فَاسْأَلْكَ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ

وَأَهْلَكَ الْأَمْرُ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ
مِنْهُمْ ۗ وَلَا تَخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا
إِنَّهُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿۲۸﴾

هر کدام [جانوران ضرورت] و خانواده خود را در آن بنشان جز آنکس از آنها که بر او فرمان ما پیشی گرفت و در [مورد] آنها که ستم کردند بما حریفی نزن. یقیناً آنها غرق شدگانند (۲۸)

فَإِذَا اسْتَوَيْتَ أَنْتَ وَمَنْ مَعَكَ عَلَى
الْقُلُوبِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّيْنَا مِنْ
الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿۲۹﴾

پس هر گاه تو و آنانکه باتویند بر کشتی برقرار شدی پس بگوستایش مطلق برای خدا است آنکه ما را از قومی ستمکاران نجات داد (۲۹)

وَقُلْ رَبِّ انزِلْنِي مُنزَلاً مُّبْرَكًا وَأَنْتَ
خَيْرُ الْمُنزِلِينَ ﴿۳۰﴾

و بگو پروردگارا! فرود آور مرا بر جایگاهی فرود پر برکت و تو بهترین فرود آوردگانی (۳۰)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ وَإِنْ كُنَّا لَمُبْتَلِينَ ﴿۳۱﴾

یقیناً در این آیه‌های بزرگ است و یقیناً ما آزمایش‌گانی (۳۱)

ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ ﴿۳۲﴾

سپس بعد از آنها مردم زمان دیگر را بوجود آوردیم (۳۲)

فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنْ اعْبُدُوا
اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ ۗ أَفَلَا
تَتَّقُونَ ﴿۳۳﴾

پس فرستادیم در آنها رسولی از خودایشان [او میگفت] که خدا را عبادت کنید - شمارا نیست معبودی مگر او پس آیا تقوی فرا نمی

گیرید؟ (۳۲)

و آن سرداران قومش که کفر کرده
و به دیدار آخرت انکار کرده بودند
و آنها را در زندگانی دنیا آسودگی
داده بودیم گفتند: این فقد بشری
مانند شماست - میخورد از آنچه از
آن شما میخورید و میآشامد از آنچه

شما میآشامید (۳۴)

و اگر اطاعت کنید از بشری همانند
خود یقیناً آنگاه یقیناً شما زیان
کاران اید (۳۵)

آیا شما را میترساند که چون شما
ببیرید و خاکی و استخوانها شوید
یقیناً شما در آوردگانید؟ (۳۶)

دوراست بسیار دور بدانچه وعده
داده میشوید (۳۷)

ما را فقط زندگی این دنیا است -
هم می میریم و هم زنده میمانیم و
بر خیزانده نشویم (۳۸)

یقیناً این فقط مردی است که بر
خدا دروغ میندد و ما برای او

وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا
وَكَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ وَأَتْرَفْنَاهُمْ فِي
الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشْرٌ
مِثْلُكُمْ لَا كُلُّ مِمَّا تَكُونُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ
مِمَّا تَشْرَبُونَ ﴿٣٢﴾

وَلَمَّا أَطَعْتُمْ بَشْرًا مِثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذَا
لَأَخْسِرُونَ ﴿٣٥﴾

أَيَعِدُّكُمْ أَنَّكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا
وَإِعْظَامًا أَنَّكُمْ تُمْرَجُونَ ﴿٣٦﴾

هِيَ هَاتِ هِي هَاتِ لِمَا تُوْعَدُونَ ﴿٣٧﴾

إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا
وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ﴿٣٨﴾

إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا
وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٣٩﴾

ایمان آرندگان نیستیم (۳۹)

او گفت: پروردگارا! مرا یاری کن چه

آنان مرا تکذیب کرده اند (۴۰)

[خدا] گفت، دیری نمی باید حتماً

بشیمانان شوند (۴۱)

پس صدایی غرش آنها را بحق در

گرفت و آنها را آشفال ساختیم پس

ملاك باد بر قوم ستمکاران (۴۲)

سپس اهل زمان دیگر را بعد از

آنها پدید آوردیم (۴۳)

هیچکدام امت نتواند از نهایت

زمانی معین خود پیشی گیرد و

نتواند پس افتد (۴۴)

سپس رسولان خود را پی در پی

فرستادیم. هرگاه قومی را رسول

آن آمد او را رد کردند. پس ما

بعضی از آنها را پی بعضی آوردیم

و آنها را داستان ما ساختیم. پس

لعنت باد بر قومی که ایمان نمی

آورند! (۴۵)

باز از آن پس فرستادیم موسی و

قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونِ ﴿٣٩﴾

قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لِيُصِيعُنَّ نِدْمِينَ ﴿٤٠﴾

فَأَخَذْتَهُمُ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمْ

غُثَاءً ۚ فَبَعَدَ اللَّقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٤١﴾

ثُمَّ أَنشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قُرُونًا آخَرِينَ ﴿٤٢﴾

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا

يَسْتَأْخِرُونَ ﴿٤٣﴾

ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا ۗ كُلَّمَا جَاءَ أُمَّةً

رَسُولُهَا كَذَّبُوهُ فَاتَّبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا

وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ ۚ فَبَعَدَ الْقَوْمِ

لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٤٤﴾

ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا

وَسَلْطَنٍ مُّبِينٍ ﴿۵۶﴾

برادرش هارون را با آیت‌های خود
و ادله روشن — (۴۶)

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَأِيهِمْ فَاسْتَكْبَرُوا
وَكَانُوا أَقْوَمًا عَالِينَ ﴿۵۷﴾

بسوی فرعون و سردارانش پس
آنها تکبر ورزیدند و آنها قومی سرکش
بودند (۴۷)

فَقَالُوا أَنُؤْمِنُ بِبَشَرٍ مِّثْلِنَا
وَقَوْمُهُمَا أَنَاغِدُونَ ﴿۵۸﴾

پس گفتند، آيا به دوشرمانند خود
ما ايمان آوريم حالیکه قوم آندو
بندگان مانند؟ (۴۸)

فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ ﴿۵۹﴾

پس آندوی را تکذیب کردند و از
جمله ملامک شدگان شدند (۴۹)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ لَعَلَّهُمْ
يَهْتَدُونَ ﴿۶۰﴾

و یقیناً موسی را کتاب دادیم تا باشد
آنها هدایت یابند (۵۰)

وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً
وَآوَيْنَهُمَا إِلَىٰ رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ

و پسر مریم و مادرش را آیتی قرار
دادیم و آندو را بسوی جای بلند
پناه دادیم که آرام بخش و چشمه
سار بود (۵۱)

﴿۶۱﴾

وَمَعِينٍ ﴿۶۲﴾

يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّو مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا
صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿۶۳﴾

ای رسولان! بخورید از پاکیزه ها
و اعمال نیکوی بجا آورید یقیناً من
آگاه ام بدانچه عمل کنید (۵۲)

وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا
رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ ﴿۶۴﴾

و یقیناً این امت شما یک امت است
و من پروردگار شما هستم. پس از

من بترسید (۵۳)

پس امر خود را میان خود باره باره
بخش کردند و هر یک گروه خرسند
شدند بدانچه نزدشان بود (۵۴)

پس آنها را تا زمانی در جهلشان
بگذار (۵۵)

آیا گمان کنند که آنچه ما به آن آنها
را از دارائی و فرزندان کم
کنیم - (۵۶)

ما خوبها را برایشان میفزایم.
نخیر بلکه آنها درک نمیکنند (۵۷)
براستی آنانکه از هیت پروردگار
خود ترسان اند (۵۸)

و آنانکه ایشان به آیات پروردگار
خود ایمان میآورند (۵۹)
و کسانی که ایشان به پروردگار
خود شرك نمیورزند (۶۰)

و آنانکه مرجه انفاق کنند در حال
انفاق میکنند که دل های ایشان
میلرزد که یقیناً ایشان به سوی
پروردگار خود بازگشت کنندگان

فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبْرًا كُلِّ
حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ﴿۵۴﴾

فَذَرَهُمْ فِي غَمَرَاتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿۵۵﴾

أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَّالٍ
وَبَيْنٍ ﴿۵۶﴾

نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ ۗ بَلْ لَا
يَشْعُرُونَ ﴿۵۷﴾

إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ
مُشْفِقُونَ ﴿۵۸﴾

وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ﴿۵۹﴾

وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ ﴿۶۰﴾

وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجَلَةٌ
أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ ﴿۶۱﴾

اند(۶۱)

مانهاند در نیکو کاریها شتاب کنند و آنان برای آن سبقت جویندگان

اند(۶۲)

و هیچ جان را اتکلیف نمیکنیم جز طاقت او و نزد ما کتابی است که الحق میگوید. لذا آنها ستمکرده

نشوند(۶۳)

بلکه دلهای ایشان از این بیخبر است و اعمال آنان بغیر از آنند که آنان آنرا [بظاهر] کنندگانند(۶۴)

تا چون خوشحالان آنها را بعد از گیریم ناگهان آنها زاری کنند(۶۵) امروز زاری نکنید. قطعاً شما از

ما یاری داده نمیشوید(۶۶)

آیتهای من بر شما فرو خوانده میشود باز هم شما بر پاشنه های خود بر

می گشتید(۶۷)

کبرکنان هنگام شب تا دیرگاه به آن مرزه سرائی کرده مجلس می

چیدید(۶۸)

أُولَئِكَ يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سِيقُونَ ﴿٦١﴾

وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٦٢﴾

بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِنْ هَذَا وَأُولَئِهِمْ أَعْمَالٌ مِنْ دُونِ ذَلِكَ هُمْ لَهَا عَمِلُونَ ﴿٦٣﴾

حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِمْ بِالْعَذَابِ إِذًا هُمْ يُجْرُونَ ﴿٦٤﴾

لَا تَجْرُوا وَالْيَوْمَ إِنَّكُمْ مِنَّا لَا تُنصَرُونَ ﴿٦٥﴾

قَدْ كَانَتْ آيَتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ تُنصَرُونَ ﴿٦٦﴾

مُسْتَكْبِرِينَ ۖ بِهِ سِمَاتُهَا تَهَجَّرُونَ ﴿٦٧﴾

پس آیا بر این سخن فکرواندیشه نکردند یا آنها را آمده است آنچه به پدران قبلی آنها نیا آمده بود (۶۹) یا آیارسول خود را نشناخته اند پس او را انکار میکنند؟ (۷۰) یا میگویند که او را دیوانگی است نخیر بلکه او آنرا باحق آمده است با آنکه بیشتر از آنها حق را ناخوش دارند گانند (۷۱)

و حق اگر هوای نفسانی آنها را پیروی کرده بود یقیناً آسمانها و زمین و هر چه در آنهاست فاسد می شد بلکه ما ایشان را با ذکر خودشان آمده ایم و آنها از ذکر خودشان رو گردانی میکنند (۷۲)

آیا از آنها مزد میطلبی؟ پس [گوش کنند که] اعطای پروردگار تو نیکوتر است و او بهترین رزق دهندگان است (۷۳)

و یقیناً تو آنها را براه راست می خوانی (۷۴)

أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ ﴿٦٩﴾

أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ ﴿٧٠﴾

أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُمُ بِالْحَقِّ وَ أَكْثَرَهُمُ لِلْحَقِّ كَرِهُونَ ﴿٧١﴾

وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ ﴿٧٢﴾

أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَاجُ رَبِّكَ خَيْرٌ ۖ وَهُوَ خَيْرُ الرَّزَاقِينَ ﴿٧٣﴾

وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٧٤﴾

وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ
الصِّرَاطِ لَنُكِبُونَ ﴿۷۵﴾

وبراستی آنانکه به آخرت ایمان
نمیآرند از راه حق انحراف
کنندگان اند (۷۵)

وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِّنْ
ضُرٍّ لِّلْجُوفِ فِي طُعْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿۷۶﴾

و اگر بر آنها ترحم میکردیم و آن
سختی که به آنها رسیده بود را دور
مینمودیم حتماً لجوجانه در سر
کشی خود سرگردان میشدند (۷۶)

وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُم بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكْبَرُوا
لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ ﴿۷۷﴾

والبته آنها را بمذاب در گرفتیم. پس
نه زاری کردند برای پروردگار
خود و نه فروتنی کردند (۷۷)

حَتَّىٰ إِذَا فَتَخْنَا عَلَيْهِمُ بَابًا ذَا عَذَابٍ
شَدِيدٍ إِذْأْتَاهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ﴿۷۸﴾

تا چون در عذابی سخت را بر آنها
گشودیم ناگهان آنها در این کاملاً
نومید شدند (۷۸)

وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ
وَالْأَفْئِدَةَ ۗ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ﴿۷۹﴾

واوست آنکه گوش و چشم و دلها
برایشما آفرید. بسیار کم است
آن سپاس که شما میگذارید (۷۹)
اوست آنکه در زمین بذر شما
افشاند و بسوی او محشور کرده

رَأَاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ

وَهُوَ الَّذِي
تُخْشَرُونَ ﴿۸۰﴾

تَلَاَف

وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ الْآخِرَةُ
الْأُولَىٰ ۗ قَلِيلًا مَّا تَعْقِلُونَ ﴿۸۱﴾

شوید (۸۰) . . . میکند و . . .
و او است که زنده و روز در
میراند و اختلاف شب

اختیار او است. پس آیا عقل نمی

کنید؟ (۸۱)

بلکه گفتند مانند آنچه پیشینیان

میگفتند (۸۲)

میگفتند. آیا چون مردیم و خاک

و استخوانها شدید آیا ما حتماً

برانگیختگانیم؟ (۸۳)

البته ما و قبلاً پدران ما هم این

وعده داده شدید. نیست این جز

اساطیر پیشینیان (۸۴)

بپرس زمین و هر چه در آنست از آن

کیست اگر شما میدانید؟ (۸۵)

آنها گویند. از آن خدا است. بگو

پس آیا بند نمیگیرید؟ (۸۶)

بپرس کیست پروردگار هفت

آسمان و عرش عظیم؟ (۸۷)

آنها گویند. از آن خدا است. بگو پس

آیا تقوی فرانمیگیرید؟ (۸۸)

بپرس کیست که پادشاهی هر چیز

بدست اوست و او پناه میدهد اما

در مقابل او پناه داده نمیشود

بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالِ الْأَوَّلُونَ ﴿۸۱﴾

قَالُوا إِذْ أَمِنتَآ وَكُنَّا تَرَابًا وَعِظَامًا

عَرَانَا لَمَبْعُوثُونَ ﴿۸۲﴾

لَقَدْ وَعَدْنَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ

إِنْ هَذَا إِلَّا آسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿۸۳﴾

قُلْ لِمَنْ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ

تَعْلَمُونَ ﴿۸۴﴾

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿۸۵﴾

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ

الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿۸۶﴾

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿۸۷﴾

قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ

يُجِزُّ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ

تَعْلَمُونَ ﴿۸۹﴾

[بگوئید] اگر شما میدانید (۸۹)

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَلِي تَسْحَرُونَ ﴿۹۰﴾

آنها گویند، از آن خداست. بگو پس

بکجا فریب داده میشوید (۹۰)

بَلْ آتَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَانَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿۹۱﴾

حقیقت اینست که ما آنان را حق

آوردیم و یقیناً آنها دروغگویان

اند (۹۱)

مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ

خدا هیچ پسری نگرفت و نه با او

إِلَهٍ إِذَا ذَاذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّا

معبودی است چه در آن صورت حتماً

بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحٰنَ اللَّهِ عَمَّا

مرکدام معبود جدا میشد با آنچه او

يَصِفُونَ ﴿۹۲﴾

خلق کرد و بعضی از آنها بر بعضی

مجوم می آوردند. پاکست خدا از

آنچه بیان میکنند (۹۲)

عَلِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَلَىٰ عَمَّا

دانای نهان و عیانست و بلندتر

است از آنچه شرك میورزند (۹۳)

ع

يُشْرِكُونَ ﴿۹۳﴾

بگو پروردگارا! اگر مرا بنمائی

از آنچه بيم داده میشوند [این يك

التجا است] (۹۴)

قُلْ رَبِّ إِمَّا تُرِيئِي مَا يُوعَدُونَ ﴿۹۴﴾

پروردگارا! مرا از قوم ستمگران

قرار ندمی (۹۵)

رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿۹۵﴾

و یقیناً ما برای [کار] قدرتمندایم

که بتونشان دمیم از آنچه آنها را

وَإِنَّا عَلَىٰ أَنْ نُرِيكَ مَا نَعِدُهُمْ

لَقَدِرُونَ ﴿۹۶﴾

می ترسانیم (۹۶)

دورکن بدی را به آن [طریق] که
آن نیکوتر است. ما داناتریم به
آنچه بیان میکنند (۹۷)

وبگو، پروردگارا! پناه میبرم بتو
از وسوسه شیطانها (۹۸)

و پناه میبرم بتو پروردگارم که
آنها به من راه یابند (۹۹)

تا آنگاه که چون مرگ بکسی از
آنها بیاید گوید، پروردگارا! مرا
برگردانی (۱۰۰)

باشد که نیکوکاری انجام دهم در
آن [دنیا] که ترک کرده ام. هرگز نه،
این فقط حرفی است که او زننده
آنست و پشت سر آنها سدی حائل
است تا آنروز که برخیزانده
شوند (۱۰۱)

پس چون در صورت دیده شود آن
روز هیچ خویشی میانشان نیست
و نه از همدیگر توانند مسئلت
کنند (۱۰۲)

إدْفَعْ بِأَتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ ۗ نَحْنُ
أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ ﴿٩٧﴾

وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ
الشَّيْطَانِ ﴿٩٨﴾

وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ ﴿٩٩﴾

حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ
ارْجِعُونِ ﴿١٠٠﴾

لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا ۗ
إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ
بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿١٠١﴾

فَإِذَا نْفَخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ
يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ ﴿١٠٢﴾

پس آنکس که وزن کرده‌هایش
وزین باشد همانند که موفق
شوندگان اند (۱۰۳)

و آنکس که وزن کرده‌هایش سبک
باشد پس همانند که بجانهای خود
ضرر زدند آنها در جهنم مدت دراز
خواهند ماند (۱۰۴)

آتش چهرهای ایشان را بریان کند.
[از این اذیت] آنها در آن بطوری
لبها درکشیده باشند که دندان
نمایان گردیده است (۱۰۵)

آیا آیت‌های من بر شما فروخوانده
نمی‌شد؟ پس شما به آنها تکذیب
میکردید (۱۰۶)

گویند: پروردگارا! بدبختی ما بر
ما غلبه کرده بود و ما قومی گمراه
بودیم (۱۰۷)

پروردگارا! ما را ازین بیرون بیار
پس اگر [این عمل را] تکرار کنیم
یقیناً از ستمکاران بشویم (۱۰۸)
او گوید: دور شوید در آن و سخن

فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ
الْمُفْلِحُونَ ﴿١٠٣﴾

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ
خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ﴿١٠٤﴾

تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارَ وَهُمْ فِيهَا
كُلُوبُونَ ﴿١٠٥﴾

أَلَمْ تَكُنْ أَيْتِي تَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ فَاكُنْتُمْ بِهَا
تَكْذِبُونَ ﴿١٠٦﴾

قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا
ضَالِّينَ ﴿١٠٧﴾

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِن عُدْنَا فَإِنَّا
ظَالِمُونَ ﴿١٠٨﴾

قَالَ احْسُوفِيهَا وَلَا تَكَلِّمُونِ ﴿١٠٩﴾

بمن نگوئید (۱۰۹)

یقیناً گروهی از بندگانم بودند که می گفتند، پروردگارا! ما ایمان آوردیم پس ما را بیامرز و بر ما ترحم کن و تو بهترین ترحم کننده گانی (۱۱۰)

پس شما ایشان را به استهزاء گرفتید تا آن انتها که [اعمال بد] شما را از یادم غافل کرد در حالیکه شما از آنان تمسخر می کردید (۱۱۱)

یقیناً امروز من ایشانرا پاداشی داده ام به آن صبر که میکردند این که یقیناً تنها ایشان رستگاران اند (۱۱۲)

[خدا] گوید، شما بتعداد سالها چند در زمین مکت کردید؟ (۱۱۳)

گویند، ما فقط روزی یا قسمتی از روزی [در آن] مکت کردیم پس بپرس از شمار کنندگان (۱۱۴)

[خدا] گوید، مکت نکردید جز اندک

إِنَّهٗ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا
أَمَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ
الرَّحِيمِينَ ﴿۱۰۹﴾

فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوَكُمُ
ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ ﴿۱۱۰﴾

إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا ۗ إِنَّهُمْ
هُمُ الْفَائِرُونَ ﴿۱۱۱﴾

قُلْ كَمْ لَبِئْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ ﴿۱۱۲﴾
قَالُوا لَبِئْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَسَلِّ
الْعَادِينَ ﴿۱۱۳﴾

قُلْ إِن لَّبِئْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَّوْ أَنْكُم كُنْتُمْ

تَعْلَمُونَ ﴿۱۱۵﴾

کاشکی شما میدانستید (۱۱۵)

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ

پس آیا گمان کردید که شما را

محض عبثاً آفریدیم و اینکه شما به

إِنِّي لَأَلَّا تَرْجَعُونَ ﴿۱۱۶﴾

سوی ما برگردانده نشوید (۱۱۶)

پس بسیار بلند مرتبت است

فَتَعَلَى اللَّهِ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

بادشاه حق. هیچ معبودی نیست جز

رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ ﴿۱۱۷﴾

او پروردگار عرش گرامی (۱۱۷)

و هر که با خدا معبودی دیگر را

وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ

بخواند که دلیلی برایش پیش او

لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا

نیست پس یقیناً حسابش نزد

يُفْلِحُ الْكٰفِرُونَ ﴿۱۱۸﴾

پروردگارش است. کافران قطعاً

موفق نمیشوند (۱۱۸)

وبگو. پروردگارا! بی‌آمرز و ترحم

وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ

فرما و تو بهترین ترحم کنندگان

﴿۱۱۹﴾

الرَّحِمِينَ ﴿۱۱۹﴾

هستی (۱۱۹)

۲۴- النور

این سوره مدنی است و در پنجمین سال هجرت نازل آمد و با بسم الله ۶۵ آیت دارد.

در آغاز سوره قبلی المومنون از آنجمله علامات مومنان از حفاظت فروج بویژگی ذکر است و اصولاً موضوع سوره نور نیز مربوط به همین موضوع است و سخن از مجازات زانی و زانیه می‌رود. بعلاوه گفته میشود که زشتکاران تنها بار فیقان زشتکار خود وابستگی دارند در حالیکه مومنان به این امر بدقت توجه دارند که رفیقان ایشان نیکوکاران باشند. در ضمن تاکید کرده میشود که آن بدبختها که تهمت بر زنان پاکدامن بزنند آنها مجازات سنگین کرده شوند. حضرت عائشه صدیقه رضی الله عنها که در نهایت پاکدامن بودند در این سوره ذکر از آن تهمت و کیفر آنست که بعضی بدبختها بر ایشان زده بودند. پس از این کسانی که يك زندگی پاک را پیش میگیرند پندها داده میشوند که ایشان بر این پندها عمل کرده میتوانند از خدا زندگی پاکتر را نایل آیند. از آنجمله پندها یکی اینست که بمحض ورود به خانه ها سلام کنید تا اهل خانه را به وضع غفلت بطوری نیابید که خیالات شما بلغزد. دومین مال اندیشی اینست که مومنان و مومنات چشمان را فرو بخوابانند و برهمدیگر نگاه آزادانه ای نیفکنند.

پس از اینهمه ذکر آنحضرت ﷺ بعنوان مظهر والای شان از نور خدای متعال ارائه داده میشوند. آن نور را اوصاف اساسی اینست که آن نه شرقی است و نه غربی بلکه آن هردو اطراف رایکسان منور میگرداند و همچون

چراغی است که ای بسا چراغها را روشن کند. بدنبال این ذکر از منازل اصحاب رضوان الله عليهم می‌رود که چطور رسول الله ﷺ با نور خود آنها را منور کرده بودند.

سپس مثل از کافران زده میشود که وضع دوگانه ای آنان را بیان میکند. یکی اینکه آنان تلاش کنند که عطش خودشان را در لذتهای زندگی غرق شده فرو نشانند و این تلاش منتها به حسرتها منجر میشود. بطوریکه يك تشنه سراب دشت زار را آب می‌پندارد اما چون او نزدش میرسد چیزی بدست نمی‌آرد جز اینکه خداوند این نیرنگ نفسش را مجازات کند. دومین اینکه در مقابل نور آنها را تاریکیهای لا به لا فراگیرند بطوریکه فوق دریای عمیق را ابرهای متراکم فراگیرد و درعین حال یکی غرق شونده در این تاریکیهای لا به لا به غرق روبرو است و تاریکی آنقدر آکنده ای است که او نمیتواند حتی دست خود را ببیند.

از آیت ۵۲ حاکمی است که توصیف مومنان راستین عبارت است از این که چون ایشان بسوی خدا و رسول فراخوانده شوند پس بر این ندا بیدرنگ لبیک میگویند. اینجا در کلمات قد افلح المومنون ذکر از فلاح مزبور هم رفته است یعنی همانهاست که رستگار میشوند.

این سوره دارای آیت استخلاف نیز است که حاکمی از این موضوع است که بطوریکه پس از پیغمبران پیشین جا نشینان برگزیده شدند پس از رسول الله ﷺ نیز جانشینان ایشان با اذن خدا گمارده شوند اگرچه بظاهر از روی رای انسانی منتخب شوند. یکی علامت ایشان اینست که چون قوم درحین مخاطرات و فساد می‌پندارند که دشمن بر ایشان چیره میشود ما

مخاطرات ایشان را به امن تبدیل مینمائیم.

اطاعت کامل از مومنان را علامت اینست که ایشان از رسول الله ﷺ نه تنها اطاعت میکنند بلکه به ایشان در نهایت احترام میگذارند تا آن انتها که چون ایشان برای امور اجتماعی گرد آیند هرگز بلا رخصت رسول الله ﷺ از جلسه بیرون نمیروند و بیسوادان را آداب معاشرت آموخته فرموده میشود بطوریکه همدیگر را صدا کرده میخوانید رسول الله ﷺ را آنگونه صدا نکنید.

خداوند در آخرین آیت این سوره میفرماید که شما به هر چه مدعی باشید آن ادعای شما مخلصانه هم میتواند باشد و منافقانه هم. همان خدا میداند که شما بر چه وضعی قرار دارید.

☆ سُورَةُ النُّورِ مَدِينَةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ خَمْسٌ وَسِتُّونَ آيَةً وَتِسْعَةُ رُكُوعَاتٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بسیار بخشنده بارها رحیمکننده (۱)

سورتی بزرگ که ما آنرا نازل

کرده ایم و آنرا فرض نمودیم و

در آن آیتهای آشکارا نازل کرده

ایم تا شما پند بگیرید (۲)

زناکار مرد است یا زناکاره زن

پس هر کدام از آندو را یکصد شلاق

بزنید و برای آندو جهت دین خدا

به شانرمی راه نیابد اگر شما به

خدا و روز آخرت ایمان دارید و

کیفر آندو را گروهی از مومنان باید

مشاهده کنند (۳)

مردی زناکار [طبعاً] زن نیگیرد

جز زنی زناکاره یا مشرکه و زنی

زناکاره [طبعاً] شوهر نمیکند جز

مردی زناکار یا مشرک و این

[کار قبیح] بر مومنان حرام کرده

شد (۴)

سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا

آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِّعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ②

الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ

مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا

رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ

وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ③ وَلَيْشَهِدَ عَذَابَهُمَا

طَآئِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ ④

الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً

وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ

أَوْ مُشْرِكٌ ⑤ وَحُرِّمَ ذَلِكَ عَلَى

الْمُؤْمِنِينَ ⑥

و کسانی که به زنان باکدامن تهمت میزنند سپس چهارگواه نیآرند به آنها هشتاد شلاق بزیند و گواهی آنها را ابداً قبول نکنید و همانها زشت کردار اند (۵) ++

مگر کسانی که توبه کردند از این پس و اصلاح شوند پس یقیناً خدا صاحب آمرزش بارها رحمکننده است (۶)

و آنانکه بهمسران خود تهمت زنند و آنها را گواهان نباشند جز خویشان پس گواهی هر یک از آنها چهار بار سوگند به خدا خوردن است که یقیناً او از راست گویانست (۷)

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا
بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ
جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا
وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٥﴾

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِن بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا
فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٦﴾

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَرْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ
لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ
أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَدَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ
الصَّادِقِينَ ﴿٧﴾

++ آیت ۵: در این آیت از تهمت زدن زنا جلوگیری میشود زیرا که برای این تهمت زندگان دستور است که چهار گواه دیداری را معرفی کنند و الا مستوجب مجازات مذکور میشوند. این پیش بینی است تا تهمت زندگان زنا از سوء نیت دلسرد شوند.

دومین نکته مهم اینست که چون این موضوع متعلق به همسر خود آنحضرت صلی الله علیه و آله بود و مردم شایعاتی بسیار کثیر میزدند و می شنیدند لذا آنحضرت گری زدن حرفی نزدند تا آن انتها که خدا خود بریت حضرت عائشه را بر آنحضرت صلی الله علیه و آله به اثبات رساند و از حدیث همین اثبات شده است.

و پنجمین بار این [گوید] که براو لعنت خدا باد اگر از دروغگویان است (۸)

و اگر آن زن سوگند خدا خورده چهار بار گواهی دهد که او [مرد] یقیناً از دروغگویانست [گواهی اینگونه] عذاب را از آن زن دور میکند (۹)

و پنجمین بار اینکه خشم خدا بر او [زن] باد اگر او [مرد] از راست گویانست (۱۰)

و اگر نبود فضل خدا و رحمت او بر شما و اینکه خدا بسیار پذیرنده توبه و صاحب حکمتی فراوانست [حال شماها چطور میشود؟] (۱۱)

یقیناً آنانکه دروغ آوردند گروهی از خود شما نیستند. آنرا برای خود بد مپندارید بلکه آن برای شما خوب است. هر کدام از آنها آنچه گناه کسب کرد [و بالش] برای خود او است و هر که از آنها نقش بزرگی آنرا ایفا کرد برایش عذابی بسیار

وَالْحَامِسَةُ أَنْ لَعَنَتَ اللَّهُ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكٰذِبِيْنَ ۝۸

وَيَذَرُ وَأَعْنَاهَا الْعَذَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَدَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكٰذِبِيْنَ ۝۹

وَالْحَامِسَةُ أَنْ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ ۝۱۰

وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيْمٌ ۝۱۱

إِنَّ الَّذِيْنَ جَاءُوْا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ ۗ لَا تَحْسَبُوْهُ شَرًّا لَّكُمْ ۗ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ ۗ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ مَّا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ ۗ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيْمٌ ۝۱۱

بزرگ است (۱۲)

چرا چون این سخن را شنیدند مردان مومن و زنان مومن به مردم خود خوبی رانینداشتند و نه گفتند که این تهمت آشکار است (۱۳)

چرا بر این چهارگواه نیآوردند؟ پس چون چهارگواه نیآوردند آن گاه همانها نزد خدای خود دروغ گویانند (۱۴)

و اگر فضل خدا و رحمت او در دنیا و آخرت بر شما نبود یقیناً جهت آن [فتنه] که در آن فرو رفته بودید شمارا عذابی بزرگ می رسید (۱۵)

هنگامیکه آن [دروغ] را بزبانهای خود میپرانید و لب خود را به آن سخن ترمیکردید که بدان شما را هیچ دانشی نبود و آنرا ناچیز شمردید حالیکه نزد خدا آن بسیار بزرگ بود (۱۶)

چرا آنگاه که آنرا شنیدید نگفتید

لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ
وَالْمُؤْمِنَاتُ بِنَفْسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا
إِفْكٌ مِّمَّيْنٍ ﴿١٣﴾

لَوْلَا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ
فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ قَالُوا لَكَ عِنْدَ اللَّهِ
هُمُ الْكَاذِبُونَ ﴿١٤﴾

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ
فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٥﴾

إِذْ تَلَقُّونَهُ بِالْسِّنِّتِكُمْ وَتَقُولُونَ
بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ
وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا ۗ وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ ﴿١٦﴾

وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا

أَنْ تَتَكَلَّمُ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ ﴿۱۷﴾

ما رانسردکه به آن لب به سخن
گشائیم، تو پاک هستی [ای خدا] این
تهمتی بسیار بزرگ است (۱۷)

يَعِظُكُمْ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۱۸﴾

خدا شمارا نصیحت میکند مبادا
هیچگاه [امری] همانند آنرا تکرار
کنید اگر شما مومن هستید (۱۸)

وَيُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۱۹﴾

و خدا آیات را برایشما بروشنی
بیان میکند و خدا صاحب علم دائمی
صاحب حکمت است (۱۹)

إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿۲۰﴾

براستی کسانی که دوست دارند که
منتشر گردد فحشائی میان آنان که
ایمان آوردند برای آنها عذابی درد
ناکست در دنیا و در آخرت و خدا
میداند حالیکه شما نمیدانید (۲۰)

وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿۲۱﴾

و اگر نبود فضل خدا و رحمت او بر
شما و اینکه خدا بسیار مهربان و بار
ها رحمکننده است [حتماً فحشائی
در شما گسترش میافتد] (۲۱)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوتِ الشَّيْطَانِ ۖ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوتِ الشَّيْطَانِ

ای کسانی که ایمان آورده اید قدم
های شیطان را دنبال نکنید و هر که
قدمهای شیطان را دنبال کند پس

یقیناً او بنفشائی و منکرات امر می کند و اگر فضل خدا و رحمت او بر شما نبود هیچکدام از شما ابداً پاك نمیشد. و اما خدا به هر که میخواهد پاك میگرداند و خدا بسیار شنوای مدام داناست (۲۲)

و صاحب فضیلت و گشایش از شما سوگند در دین و دنیا یاد نکنند که خویشان خود و بینوایان و هجرت کنندگان در راه خدا را چیزی نخواهند داد و باید عفو کنند و درگذرند. آیا نمیخواهید که خدا شمارا بیامرزد و خدا خیلی آمرزنده و بارها رحمکننده است (۲۳)

همانا آنها که بر زنان پاکدامن و بی خبرت همت زنند، لعنت شدند در دنیا و آخرت و آنها را عذابی بزرگ است (۲۴)

آنروز [رایا کنید] چون زبانهاشان و دستهاشان و پاهایشان برخلاف ایشان گواهی دهند به آنچه بودند

فَاتَّهَ يَا مُرِبًا نَفْحًا ۖ وَالْمُنْكَرِ ۗ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا ۚ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۲۲﴾

وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولِي الْقُرْبَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۗ وَلِيَحْفُوا وَيُصَفِّحُوا ۗ أَلَا يُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۲۳﴾

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعْنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۲۴﴾

يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۲۵﴾

انجام میدادند(۲۵)

آنروز خدا آنها را پاداششان بحق تمام دهد و بدانند که خدا است که او حق هویدایی است(۲۶)

زنان ناپاک برای مردان ناپاک و مردان ناپاک برای زنان ناپاکند و زنان پاک برای مردان پاک و مردان پاک برای زنان پاکند. ایشان از آن [تهمتها] مبره اند که میگویند. برای ایشان آمرزش و

رزقی معززا است(۲۷)+

ای کسانی که ایمان آورده اید داخل نشوید به خانه هاجزه خانه هایی خودتان آنگاه که رخصت گیرید و به اهل آنها سلام بگویید. این برای شما نیکو است تا باشد که

نصیحت بگیرید(۲۸)

يَوْمَئِذٍ يُوفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ ﴿۲۵﴾

الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ ۚ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ ۚ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ ۗ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ ۖ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿۲۷﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا ۖ وَتَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ۗ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿۲۸﴾

+آیت ۲۷: در اینجا بیان شده است که معمولاً مردان ناپاک با زنان ناپاک عقد ازدواج میندند. اما این معمول است اصول نیست. حالت استثنایی را هم همراه دارد. مبینطور مردان پاک با زنان پاک نکاح میکنند البته اینجا هم حالت استثنایی را نتوان نادیده گرفت.

فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا
حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ ۗ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ
ارْجِعُوا فَارْجِعُوا أُولَٰئِكَ لَكُمْ ۖ وَاللَّهُ
بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿۱۱﴾

پس اگر کسی را در آنها نیابید پس
داخل آنها نشوید تا آنگامه که برای
شما اجازه داده شود و اگر برای
شما گفته شود که برگردید پس
برگردید این شمارا پاکیزه تر
است و خدا آگاه به آنست که عمل
میکنید (۲۹)

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا
غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَكُمْ ۖ وَاللَّهُ
يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ لَكُمْ ۝۳۰

گناهی بر شما نیست که داخل خانه
های غیر مسکونی بشوید که در آنها
اثاث شماست و خدا میداند آنچه
عیان کنید و آنچه کتمان کنید (۳۰)
بگوبه مومنان دیدگان خود را فرو
گیرند و از فرجهای خود نگهداری
نمایند. این برای ایشان پاکتر
است و خدا نیک آگاه است به
آنچه میکنند (۳۱)

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ
وَيَحْفَظُوا أَرْوَاحَهُمْ ۚ ذَٰلِكَ أَرَىٰ لَهُمْ
إِنَّ اللَّهَ خَيْرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ﴿۳۱﴾

و بگو به مومنان که چشمان خود
را فروگیرند و از فرجهای خود
نگهداری کنند و زینت خود را ظاهر
نکنند جز آنچه نمایان از خود است
و باید مقنعه خود را بر گریبان خود

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ
وَيَحْفَظْنَ أَرْوَاحَهُنَّ ۖ وَلَا يُبْدِينَ
زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا ۚ وَلْيَضْرِبْنَ
بِحُمْرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ ۚ وَلَا يُبْدِينَ

زَيْنَتُهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ
 أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ
 بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ
 أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَاءِ
 أَبْنَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ
 أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرَ أُولِي
 الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ
 الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَتِ
 النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ
 لِيُعْلَمَ مَا يَخْفَيْنَ مِنْ زَيْنَتِهِنَّ
 وَتُؤْتَوْنَ إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا
 آيَةُ الْمُؤْمِنِينَ لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ ﴿۳۲﴾

بگذارند وزینت خود را آشکار نکنند
 جز برای شوهران خود یا پدران
 خود یا پدران شوهران خود یا
 پسران خود یا پسران شوهران
 خود یا برادران خود یا پسران
 برادران خود یا مردان زیر
 دست یا خدمتکاران خود از مردان
 که تمایلات جنسی ندارند یا طفلان
 که بر عورت‌های زنان ناآشناوند و
 پاهای خود را نزد تا [بمردم] آشکار
 کرده شود آنچه از زینت‌های خود
 پنهان میکنند و ای مومنان! جمع شما
 توبه کنان بسوی خدا فروتنی کنید
 تا باشد که شما موفق شوید (۳۲)

وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ
 وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ
 وَإِمَائِكُمْ ۖ إِن يَكُونُوا فُقَرَاءَ
 يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَاللَّهُ
 وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿۳۳﴾

و میان خود بیوگان و نیکو کاران
 از غلامان و کنیزکان خود تزویج
 نمائید. اگر آنها مستمند باشند خدا
 بفضل خود آنها را بی نیاز میسازد
 و خدا گشایش بخشاء صاحب علم
 دائمی است (۳۳)

وَلَيْسَتْ غَفِيرَةً الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا
 حَتَّى يُعْزِبَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَالَّذِينَ
 يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِنْكُمْ أَيَّمَانُكُمْ
 فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا ۗ
 وَآتُوهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ ۗ
 وَلَا تُكْرِهُوا فَتِيَّتَكُمْ عَلَى الْبِعَاءِ
 إِنْ أَرَدْتُمْ تَحْصِنًا لِيَبْتَغُوا عَرَضَ
 الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۗ وَمَنْ يُكْرِهْهُمْ فَأَنَّ
 اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِمْ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۳۱﴾

ع
۳۱

و کسانی که بمعنادزوج راه نیابند
 باید عفت ورزند تا خدا آنانرا
 بفضل خود بی نیاز سازد و آنان از
 بردگانتان که مکاتب میخوانند
 پس اگر در آنان خیری دریابید
 با آنها مکاتب کنید و از آن دارائی
 که خدا بشما در داده به آنها هم بدهید
 و کنیزکان خود را به بدکاری و
 دار نکنید اگر بخواهند عفت ورزند
 تا برخوردار از زندگی دنیا شوید
 هر که به آنها وادار کند پس یقیناً بعد
 از وادار کردن ایشان خدا صاحب
 آمرزش بارها را حکمکننده است (۳۴)
 و یقیناً ما بسوی شما آیتهای آشکار
 کننده و نمونه از آنانکه پیش از شما
 بودند و متقیان را نصیحت نازل
 کردیم (۳۵)

خدانور آسمانها و زمین است. مثل
 آن نور مانند طاقچه است که در آن
 چراغی باشد و آن چراغ در آبگینه
 باشد و آن آب گینه گویی ستاره

اللَّهُ نُورٌ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ مَثَلُ
 نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ ۗ الْمِصْبَاحُ
 فِي زُجَاجَةٍ ۗ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ

دَرِّیُّ یُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُّبْرَكَةٍ زَيْتُونَةٍ
لَا شَرْقِیَّةٍ وَلَا غَرْبِیَّةٍ ۗ یَكَادُ زَیْتُهَا
یُضِیءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّورٌ عَلٰی
نُّورٍ ۗ یَهْدِی اللّٰهُ لِنُورِهِ مَن یُشَاءُ ۗ
وَيَضْرِبُ اللّٰهُ الْاَمْثَالَ لِلنَّاسِ ۗ وَاللّٰهُ
بِكُلِّ شَیْءٍ عَلِیْمٌ ﴿۳۶﴾

تابان است آن [چراغ] از درختی
خجسته زیتون روشن کرده شود
که نه شرقی و نه غربی باشد. نزدیک
است که روغنش مشتعل گردد
اگرچه آتش آنرا لمس نکند. این
نور بر نور است. خدا هر که را
بخواهد به نور خود هدایت میدهد
و خدا برای مردم مثلها میزند و خدا
به هر چیز مدام آگاه است (۳۶) ++

++ آیت ۳۶: اینجا روغن زیتون را ذکر تمثیلی است. روغن زیتون چون افروخته
شود نور میفکند ولی دود نمیزند.

لا شرقیة ولا غربیة: مفهوم اینست که نور خدا نه برای شرق خاص است و نه برای
غرب اختصاص دارد. رسول الله ﷺ نیز بمصدق این تمثیل شرق و غرب مردوی را
رسولی تك اند و همین نور است که بوساطت ایشان به اصحاب ایشان نیز در رسید.
رسول الله ﷺ این نور خجسته ی را فقط تادردات گرامی خود محدود نداشتند بلکه
برای همگانی مشترك قراردادند بطوریکه در آیت بعدی مذکور است که آن نور در
منازل اصحاب نیز میدرخشید.

مثل ستارگان برای این زده شد که نور آنها از دورا دورا دورا بجشم میخورد و به همین
نسبت نور رسول الله ﷺ و اصحاب ایشان نیز از دورا دورا دیده خواهد شد.
مشکوة آن طاقچه محفوظ است که در آن چراغ نهاده شود. نور این چراغ از شیشه
منعکس شده نه تنها آن مشکوة را در آنچه نور است روشن سازد بلکه به بیرون نیز
منعکس شود. شیشه ی که دوروبر آن چراغ است آنرا دو منظور است [ص: ۸۲۶]

در آن خانه های که خدا امر کرده
که ترفیع داده شوند و در آنها نام
او یاد کرده شود. صبح و شام در آنها
او را تسبیح میگویند (۳۷)

مردانیکه تجارت و دادوستد آنان
را از ذکر خدا و برپا کردن نماز و
ادای زکوت غافل نمیکند. ایشان
میترسند از روزیکه دلها و دیدگان
در آن منقلب گردد (۳۸)

تا خدا بدیشان عوض دهد بهترین
آن اعمال را که انجام میدادند و
بفضل خود آنها را میفزاید و خدا
به هر که بخواهد رزقی بیحساب
میدهد (۳۹)

و آنانکه کفر کردند اعمالشان مانند
سرابی است دردشت که تشنه لب
آنرا آب پندارد تا چون نزد آن آید
آنرا هیچ نیابد و خدا را نزد آن
بیابد. پس او حسابش را به او کامل

فِي مَبُوتِ اِذْنِ اللّٰهِ اَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا
اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ﴿٣٧﴾

رَجَالٌ لَا تُلْمِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ
ذِكْرِ اللّٰهِ وَاِقَامِ الصَّلٰوةِ وَاِيتَاءِ الزَّكٰوةِ
يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ
وَالْآبْصَارُ ﴿٣٨﴾

لِيَجْزِيَهُمُ اللّٰهُ اَحْسَنَ مَا عَمِلُوْا
وَيَزِيْدَهُمْ مِّنْ فَضْلِهِ ۗ وَاللّٰهُ يَرْزُقُ
مَنْ يَّشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٩﴾

وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا اَعْمَلُوْا كَسَرَابٍ
بَقِيْعَةٍ يَّحْسَبُهُ الظَّمٰنُ مَآءً ۗ حَتّٰى اِذَا
جَآءَهُ لَمْ يَجِدْهُ سَيّٰوًا وَّجَدَ اللّٰهَ عِنْدَهُ
فَوْقَهُ حِسَابًا ۗ وَاللّٰهُ سَرِيْعُ الْحِسَابِ ﴿٤٠﴾

بقیه ۸۲۵: اول اینکه اگر گرداگرد چراغ شیشه است دود از آن بیرون نمیآید.
دوم اینکه نورش درخشنده تر بیرون آمده و گسترش مییابد.

بدهد و خدا زود حساب است (۴۰)

یا [اعمالشان] است مانند تاریکیها
در دریای عمیق که آنرا موجی باز
فوق آن موجی از آن فوق ابری
فرو پوشیده است - تاریکیهای که
رویهم چینه است. چون او دست
خود را در آورد نمیشود آنرا ببیند
و برای کسیکه خدا نور قرار ندهد

پس بدو نور نصیب نمیشود (۴۱)

آیا ننگریستی که خداست که او
را هر چه در آسمانها و زمین است
تسبیح میگوید و هم پرندگان بال
بازگشاده. هر کدام طریق عبادت و
تسبیح خود را دانسته است و خدا
نیک دانا است به آنچه میکنند (۴۲)

و پادشاهی آسمانها و زمین از آن
خدا است و بازگشت بسوی خدا
است (۴۳)

آیا ندیدی که خدا ابر را میراند.
سپس آنرا بهم میپيوند. سپس آن
را لا به لا میگرداند. آنگاه می

أَوْ كُظِّمَتْ فِي بَحْرٍ لُّجِّيٍّ يَّعْشَهُ مَوْجٌ
مِّنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ط
ظَلَمْتُ بَعْضَهَا فَوْقَ بَعْضٍ ط إِذَا
أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكْدِرْهَا ط وَمَنْ لَّمْ
يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُّورٍ ۝

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْبِغُ لَهُ مَنِ فِي السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَالظَّيْرُ صَفَّتِ ط كُلٌّ قَدْ عَلِمَ
صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ ط وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا
يَفْعَلُونَ ۝

وَاللَّهُ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَالْإِلَى
اللَّهِ الْمَصِيرُ ۝

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزْجِي سَحَابًا مِّمَّ يُؤَلِّفُ
بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ

بینی که باران از خلال آن خارج میشود و از بلندیها یعنی از آن کوهها که در آنها واقع است تگرگ نازل میکند. پس بر هر که بخواند آنرا میرساند و از هر که بخواند آن را باز میدارد. نزدیکست درخشش برق دیده های را ببرد (۴۴)

خدا شب و روز را میگرداند. یقیناً در این امراهل بصیرت رامایه عبرت است (۴۵)

و خدا جنبندگانی هرگونه را از آب آفرید. پس برخی از آنها است که برشکم خود حرکت کند و برخی از آنها است که بر دو پا حرکت کند و برخی از آنها است که بر چهار پا حرکت کند خدا میافریند هر چه دوست دارد. حتماً خدا بر هر چیز قدرتمند است (۴۶)

یقیناً ما آیتهای روشن کننده نازل کرده ایم و خدا هر که را بخواند براه راست هدایت میکند (۴۷)

يَخْرُجُ مِنْ خَلِيلِهِ وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنْ مَنْ يَشَاءُ لِيُكَادَ سَنَابِرَ قَوْمٍ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ ۝۱۸

يَقْلِبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ ۝۱۹

وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَّاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ ۗ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ ۗ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ ۗ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝۲۰

لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُبِينَاتٍ ۖ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝۲۱

و میگویند به خدا و رسول ایمان آوردیم و اطاعت کردیم. باز هم گروهی از آنها پس از این روگردانی کنند و اینها مومنان نیستند (۴۸)

و هرگاه بسوی خدا و رسول خوانده شوند تا میانشان قضاوت کند ناگهان گروهی از آنها اعراض میکنند (۴۹) و اگر ایشان را حق باشد دم از فرمان برداری او [رسول] زده بسوی او میآیند (۵۰)

آیا در قلبهای ایشان بیماری است یا به شك افتاده اند یا میترسند مبادا خدا و رسولش بر آنهاستم کند بلکه همانند که ستمکارانند (۵۱) گفتار مومنان هنگامیکه بسوی خدا و رسولش دعوت شوند تا میان ایشان قضاوت کند فقط اینست که شنیدیم و اطاعت کردیم و همانها موفق شدگان اند (۵۲)

و هر که خدا و رسول او را اطاعت کند و از خدا بترسد و او را تقوی

و يَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ ۖ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٨﴾

وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٤٩﴾

وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ ﴿٥٠﴾

أَفِ قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولَهُ ۗ بَلْ أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٥١﴾

إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ۗ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٥٢﴾

وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ اللَّهَ وَيَتَّقْهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿٥٣﴾

فراگیرد پس همانها پیروزمندان
اند (۵۳)

و قسمهای جدی خود به خدا خوردند
که اگر آنها را دستور بدهی حتماً
بیرون روند. بگو قسم نخورید
فرمانبرداری بمعروف بس است.
یقیناً خدا آگاه به آنست که انجام
میدهید (۵۴)

بگو اطاعت کنید از خدا و اطاعت
کنید از رسول پس اگر پهلو کنید
آنگاه براو فقط آنست که او تکلیف
کرده شد و بر شما آنست که شما
تکلیف کرده شدید و اگر او را
اطاعت کنید هدایت مییابید و
نیست بر رسول جز رساندن پیغام
را آشکارا (۵۵)

کسانی از شما که ایمان آوردند و
اعمال شایسته انجام دادند خدا
وعده داده که یقیناً ایشان را خلیفه
در زمین برگزیند بطوریکه او
خلیفه برگزید کسانی را که پیش

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ
أَمَرْتَهُمْ لَيَخْرُجُنَّ قُلْ لَا تُقْسِمُوا
طَاعَةٌ مَعْرُوفَةٌ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا
تَعْمَلُونَ ۝

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ
تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا
حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا
عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ۝

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا
اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ
لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ

از ایشان بودند و حتماً آن دین ایشان را برای ایشان استوار گرداند که برای ایشان پسندید و حتماً ایشانرا پس از هراس ایشان به حالت ایمن تبدیل کند. ایشان مرا عبادت کنند و چیزی را شریک من قرار ندهند و هر که پس از آن ناسپاسی کند پس همانها نافرمانان اند (۵۶)++

وَلْيَبَدِّلْهُمْ مَنْ بَعْدَ خَوْفِهِمْ أَمَانًا
يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ
كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٥٦﴾

وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا

++ آیت ۵۶: این آیت استخلاف گفته میشود درجه سخن از این موضوع می رود که خداوند سلسله خلافت را بطوریکه در زمان پیغمبران پیشین تشکیل داد پس از آنحضرت صلی الله علیه وسلم نیز برگزیند و آن خلافت نور پیغمبر را برگرفته بشیروی کند. هر بار خلیفه ی که درگذرد آنگاه جماعت مومنان به حالتی بینناک روبرو گردد آنچه بفضل خدا از برکت خلافت به حالت امن تغییر یابد. پس علامت خلافت راستین اینست که آن جماعت مومنان را از حالت ناامنی بسوی امن در آورد. حضرت مسیح موعود علیه السلام نیز در "الوصیت" همین را فرمودند که پس از درگذشت پیغمبری یا خلیفه ی عجالتاً همین احساس فراگیرده که اکنون دشمن این نور را فرونشاند اما در این آیت استخلاف وعده ی حتمی است که دشمن هر بار ناموفق گردد.

ظهور نبوت را منظور برقراری توحید خداوندی است. همانگونه خواسته نهایی خلافت راستین نیز بپاکردن عقیده توحید است.

الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿۵۷﴾

و رسول را اطاعت کنید تا شما
ترحم کرده شوید (۵۷)

گان نکن آنها که کفر کردند
[مومنانرا] در زمین بمعجز آرندگان
اند حالیکه ماوی آنها جهنم است و
البته چه زشت جایگاه است (۵۸)

ای کسانی که ایمان آورده اید آنان
که زبردست شما و کسانی از شما
که به سن مردی نرسیده اند [قبل
از داخل به اطاق شما] سه هنگام از
شما باید اجازه بگیرند - قبل از
نماز فجر و هنگام ظهر که [برای
استراحت] اجامه های خود را در می
آرید و پس از نماز خفتن این سه
هنگام برای حجاب شما است. جز
این [وقت] ها هیچ گنای بر شما و
بر آنها نیست [که بلا اجازه آمد و شد
کنید] برخی از شما بر برخی اکثراً
آمد و شد کنند. اینطور خدا آیات
خود را برایشما بوضوح بیان می
کند و خدا صاحب علم دائمی

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ
فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمُ النَّارُ وَلَيْسَ
الْمُصِيرُ ۞

يَأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَ أَذْنُكُمْ الَّذِينَ
مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا
الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ۖ مِنْ قَبْلِ
صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ
مِنَ الظَّهْرِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ۗ
ثَلَاثَ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا
عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ ۖ طُوفُونَ عَلَيْكُمْ
بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ ۗ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ
لَكُمْ الْآيَاتِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۵۸﴾

صاحب حکمت است (۵۹)

و مرگاہ کودکان از شما به سن بلوغ برسند باید اجازه گیرند بدانگونه که اجازه میگرفتند کسانی که پیش از آنها بودند. این گونه خدا آیتهای خود را برای شما بروشنی بیان کند و خدا صاحب علم

دائمی صاحب حکمت است (۶۰)

و باز نشتگان از زنان که امید نکاح ندارند پس نیست گناهی بر آنها که جامه های [زاید] خود را کنار گذارند زینت را بنمایش نگذاردگان و اگر عفت و رزقند برایشان نیکوتر است و خدا بسیار شنوای دانا است (۶۱)

هیچ باکی نیست بر کور و نه بر معلول و نه بر بیمار و نه بر خود شما که طعام صرف کنید از منازل خود یا از منازل پدران خود یا از منازل مادران خود یا از منازل برادران خود یا از منازل خواهران خود یا از منازل عموهای خود یا

وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۗ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۱۰﴾

وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ ۗ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۱۱﴾

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ

از منازل عمه های خود یا از منازل دایی های خود یا از منازل خاله های خود یا کلیدها آنچه در دست شما است یا [از منازل] دوستان خود. نیست گناهی بر شما که طعام بهم صرف کنید یا جداگانه. پس هرگاه به منازل درآئید پس ب مردم خود سلام گوید. [این] از جانب خدا درودی بر برکت و پاکیزه است. اینگونه خدا آیات خود را برای شما بوضوح بیان میکند تا باشد که بخرد یا بید (۶۲)

مومنان واقعی همانند که بر خدا و رسول او ایمان آورند و هرگاه بر امر جامع با او گرد آیند نروند تا آنگاه که از او [رسول] رخصت نگیرند. همانا کسانی که از تو اجازه میگیرند همانند که بر خدا و رسول او ایمان میآیند. پس چون از تو برای بعضی کارهای خود رخصت خواهند پس هر که از آنها را بخواهی

أَخْوَاتِكُمْ وَأُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ وَأُيُوتِ
عَمَّتِكُمْ وَأُيُوتِ أَخْوَاتِكُمْ وَأُيُوتِ
خَلَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكَتُمْ مَفَاتِحَهُ أَوْ
صَدِيقِكُمْ ۗ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ
تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا ۖ فَإِذَا دَخَلْتُمْ
بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ ۗ تَحِيَّةٌ مِّنْ
عِنْدِ اللَّهِ ۗ مُبْرَكَةٌ طَيِّبَةٌ ۗ كَذَلِكَ بَيِّنٌ
لِّلَّهِ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٦٢﴾

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ
وَرَسُولِهِ ۖ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ
جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ ۗ
إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ
يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۖ فَإِذَا
اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأَذَنْ لِمَنْ
شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللَّهُ ۗ إِنَّ

اللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿۱۷﴾

اجازه بده و برای ایشان از خدا
آمزش بخواه. یقیناً خدا خیلی
آمزنده بارها رحمکننده است (۶۳)
خواندن رسول رامیان خودمانند
خواندن همدیگر تلقی نکنید. البته
خدا میداند آنها را که گریز زده
از میان شاد میروند. پس آنها که
از فرمان او مخالفت میکنند باید
حذر کنند مبادافتنه به آنها فرارسد
یا عذابی دردناک به آنها اصابت
کند (۶۴)

باش یقیناً از آن خدا است هر چه
در آسمانها و زمین است. یقیناً او
میداند آن [چگونگی] که شما بر
آن هستید و روزی که بسوی او
برگردانده شوند آنگاه آنها را خبر
دهد به آنکار که میکردند و خدا به
هر چیز خوب دانا است (۶۵)

لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ
كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا ۖ قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ
الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَاذًا ۚ فَلْيَحْذَرِ
الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ
تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ
أَلِيمٌ ﴿۱۷﴾

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ
قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ ۗ وَيَوْمَ
يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا ۗ
وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿۱۷﴾

۲۵ - الفرقان

این سوره در آخیر دور مکه نازل شد و با بسم الله ۲۸ آیت دارد. آغاز این سوره حاکی از این ذکر است که خداوند رسول الله ﷺ را آن فرقان یعنی میزان بزرگ اعطا کرد که راستی و دروغ را بازمی‌شناسد. این همان میزان است که ذکر از آن بارها در سوره النور رفته است. اکنون در این سوره آنرا مثل‌های بیشتر آورده میشود.

از آنجمله یکی اینست که صلاحیت رسول الله ﷺ محدود نه تنها برای بازشناختن راستی و دروغ میان مردم پیرامون خود بود بلکه برای بازشناختن راستی و دروغ میان مردم جهان ایشان را فرقان بزرگ بصورت قرآن اعطا شده بود.

دشمنان رسول الله ﷺ در پاسخ معجزات ایشان برای رسالت راستین این میزان بر بافته ای را ارائه میدادند که این رسول را چیست که غذا می خورد و در بازارها حرکت میکند؟ چرا فرشته ای با وی فرود نفرستاده شد تا به همراه وی بیم میداد؟ بدین صورت آنها پیمانۀ ای درست کرده بودند که بر رسول باید گنجی از آسمان نازل شود حالانکه بر رسول نه گنج ظاهری بلکه گنج لامتناهی عبارت از تعلیم وی نازل می‌آید.

ضمناً طبق خواسته آنها رسولی باید دارای باغستان باشد که هر چه و هر کجای در آن بخواهد بی زحمت بمیل خود بخورد. خداوند در پاسخ می‌فرماید که آن باغها که ما برای تو در بهشت آماده کرده ایم نسبت به آنها این بیخردان نمیتوانند تصور هم کنند و آن باغستان شامل آن کاخهای روحانی است که

علی الخصوص برای تو ساخته شد.

ضمناً ردّ دعوی کافران فرموده شد که هر چند رسولان قبل از این گذشته اند یکی از ایشان را خاطر نشان کنید که او مانند انسانها در کوچه ها حرکت نمیکرد و اگر نمیتوانید خاطر نشان کنید پس این عمل شما کلیه انکار از مقام رسالت است که گویی خدانیتواند هیچکس را رسولی برگزیند. نسبت به نزول فرشتگان بر کافران باید بدانند که فرشتگان حتماً بر آنها نازل شوند ولی با پیغام هلاک آنها و به چنین عذابی خبر دهند که دیگر از آن نجات غیر ممکن است.

یکی این ایراد نیز گرفته میشود که چرا قرآن یکبار بهم نازل کرده نشد؟ حقیقت امر اینست که قرآن را بهم نازل نکردن بسیار حکمتهای پوشیده همراه دارد. از آنجمله یکی اینست که حال و هوای حومه آن زمان متقاضی بود که به ترتیبی که امراض ایشان بظهور رسد نزول آیتهای قرآن نیز عبارت از همان موضوع باشد. دومین اینکه هر آن قلب رسول الله ﷺ بوسیله نشانه های جدید استقامت عمیق ترا عطاء شود و نه تنها يك نشانه را بلکه ایشان طی زمان نزول قرآن يك سلسله لامتناهی نشانه ها را رویت کنند. بعلاوه اگر رسول الله ﷺ آن قرآن را که نزولش بیست و سه سال امتداد داده شد بر یافته بودند هرگز آن دارای چنین ترتیل و ترتیب نبود. آنکس که از نوشتن و خواندن بیسواد باشد چطور میتواند که بر بیست و سه سال آینده پیشی گیرد.

ضمناً حضرت مسیح موعود علیه السلام به این حکمت نیز متوجه ساختند که طی تمامی بیست و سه سال رسول الله ﷺ با اوضاعی بسیار پرخطر مواجهه

شدند. حین هولناك ترین اوضاع از اصحاب خود پیشی گرفته و جان خود را به مخاطرات انداخته خلاف دشمن نبرد کردند. بوسیله زهر نیز تلاش شد که ایشان به هلاک رسانده شوند. اما تا آن نهایت که شریعت پایان داده نشد خدای متعال ایشان را زنده نگهداشت. پس قرآن کریم را رفته رفته نازل آمدن معجزه ای بسیار بزرگ است.

بهین منوال علامات عباد الرحمن را بیان کرده پایان سوره حاکی از این امر شد که بطوریکه آسمان را دوازده برج است همینطور پس از تو برای دفاع از دین تو دوازده مجددان ظهور خواهند کرد و بعد آن بدر ظاهر شود که روشنی کامل از نور تو خواهد یافت.

در همین رکوع این سوره از جمله صفات عباد الرحمن بامیانه روی، فروتنی و درقیام و سجود زندگی گذاردن ایشان مذکور است. آخرین آیت این سوره حاکی از اینست که چرا ایشان زندگی را درقیام و سجود دعا کرده میگذارند زیرا که بغیر از وسیله دعا نتوان از خداوند زندگی یافت و هر کدام از دعا روی بگرداند و تعلق خدا را ببرد بیشتر مرض های هولناك او را فرا میگیرند و دیگر او نمیتواند از آنها نجات بیابد.

☆ سُورَةُ الْفُرْقَانِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ السَّمَلَةِ ثَمَانٍ وَسَبْعُونَ آيَةً وَسِتَّةٌ رُكُوعَاتٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیاربخشنده بارهارحم کننده (۱)

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ

صاحب برکت ثابت شد تنها آنکه

لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا ②

فرقان را بربنده خود نازل کرد تا

مشار دهنده همه جهانها باشد (۲)

الَّذِي لَهُ مَلَكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ

آنکه پادشاهی آسمانها و زمین از آن

يَتَّخِذْ وَلَدًا أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي

اوست و پسری برنگرفت و نه او

الْمَلِكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ

را کسی شریک در پادشاهی است.

او هرچیز را آفرید و آنرا فراخور

تَقْدِيرًا ③

اندازه مرتب در آورد (۳)

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَا يَخْلُقُونَ

و آنها جز او معبودانی گرفته اند

شَيْئًا وَهُمْ يُخْلُقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ

که هیچ چیزی را نمیآفرینند حال

لَا أَنْفُسِهِمْ ضَرًّا أَوْ لَنْفَعًا وَلَا يَمْلِكُونَ

اینکه خود آفریده میشوند و در حق

خود نه به زیان دست دارند و نه

مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا ④

به سود و نه مرگ در دستشان است

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا أِفْكٌ

و نه زندگی و نه حشرونشراست (۴)

أَفْتَرَاهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ

و آنها که کفر کردند گویند که

نیست این مگردوغی که او بهم

فَقَدْ جَاءَ وَعْظًا مَأْزُورًا ⑤

بافته است و دیگر مردم او را بر

مما لفة احد العاصرين

این یاری کرده اند. پس یقیناً آنان
با سراسر ستمی و دروغی آمده
اند (۵)

و گویند که اساطیر پیشینیانست
که آنها را رو نویسی کرده و
صبح وشام آنها بر او فرو خوانده
میشود (۶)

بگوناگون لکرد آنرا آنکه راز آسمانها
وزمین را میداند. یقیناً او آمرزنده
بارها رحم کننده است (۷)

و گویند این رسول را چیست که
که غذا میخورد و در بازارها می رود.
چرا فرشته بر او فرو نفرستاده شد
تا با او بیم دهنده میبود (۸)

یا گنجی بر او نازل کرده میشد یا
باغی او را میبود که از آن میخورد.
و ستمکاران گفتند که شما پیروی
نیکنید جز مردی را که او را
جادوئی شده است (۹)

بنگر چه مثلهای برای تومیزند
پس گمراه گشته اند و هیچ راهی

وَقَالُوا آسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ اكْتَتَبَهَا
فَهِيَ تُمَلَّى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ①

قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ ۗ إِنَّهُ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ②

وَقَالُوا مَالِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ
وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ ۗ لَوْلَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ
مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا ③

أَوْ يُلْقَى إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ
يَأْكُلُ مِنْهَا ۗ وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ
إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا ④

أَنْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ
فَضَلُّوا أَفَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا ⑤

را طاقت نیاورند (۱۰)

صاحب برکت ثابت شد تنها آنکه
اگر میخواست چیزهای بهتر ازین
برای تو میآفرید یعنی باغهای که در
دامنه آنها نهرهای جاری بود و کاخها

پر عظمت برای تو بنا میکرد (۱۱)
اما آنها بقیامت مکذب شده اند و
ما برای آنکه تکذیب قیامت کند
آتشی شعله ور مهیا کرده ایم (۱۲)

چون آنها از جای دور بنگرند صدای
خشم و خروش آنها بشنوند (۱۳)
و هنگامیکه در آن زنجیر کرده در
تنگنا افکنده شوند در آنجا هلاک را
بخوانند (۱۴)

امروز فقط يك هلاک را نخوانید
بلکه بسیار هلاکت های را
بخوانید (۱۵)

بپرس آیا این بهتر است یا بهشتی
جاوید که به متقیان وعده شده
است که آن برای ایشان پاداشی
و بازگشت گامی است (۱۶)

تَبَرَكَ الَّذِي إِنْ شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِّنْ
ذَلِكَ جَنَّتِ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
وَيَجْعَلُ لَكَ قُصُورًا ۝۱۱

بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ ۖ وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ
بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا ۝۱۲

إِذَا رَأَوْهُمْ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهُمْ
تَخِيْطًا وَزَفِيرًا ۝۱۳
وَإِذَا أَلْقَوْا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مَّقْرَبِينَ
دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا ۝۱۴

لَا تَدْعُوا النَّيُّومَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا
ثُبُورًا كَثِيرًا ۝۱۵

قُلْ أَذَلِكَ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ
الْمُتَّقُونَ ۗ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَوَصِيرًا ۝۱۶

لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ ۖ كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ وَعْدًا مَسْئُورًا ﴿۷﴾

برای ایشان است در آن هر چه بخواهند [زیرا که ایشان در آن جاودانانند. این بر پروردگار تو وعده‌ی به مسئولیت است (۱۷)]

وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ ءَأَنْتُمْ أَضَلَلْتُمْ عِبَادِي هَؤُلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ ﴿۱۸﴾

[و بیاد آرید] روزیکه او آنان و آنها را که جز خدا آنان عبادت میکردند را جمع کند. پس گوید، آیا شما بندگانم را گمراه کرده بودید یا آنها خود از راه راست دور شده بودند؟ (۱۸)

قَالُوا سُبْحٰنَكَ مَا كَانَ يُنْبَغِي لَنَا أَنْ نَتَّخِذَ مِنْ دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنْ مَتَّعْتَهُمْ وَأَبَاءَهُمْ حَتَّىٰ نَسُوا الذِّكْرَ ۗ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا ﴿۱۹﴾

گویند، تو پاک هستی. ما را نه سزد که فرود از تو آقایان میگزیدیم و اما آنها و پدران ایشان را متنعم ساختی تا آن انتها که ذکر [تو] را فراموش کردند و قومی مستوجب هلاک شدند (۱۹)

فَقَدْ كَذَّبُوا كُمْ بِمَا تَقُولُونَ ۗ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَلَا نَصْرًا ۗ وَمَنْ يَظْلِم مِّنكُمْ نُدْفَعُهُ عَذَابًا كَبِيرًا ﴿۲۰﴾

پس البته آنها رد کرده اند آنچه میگوئید. پس طاقت نیآورید به برگرداندن [عذاب] او کمک [گرفتن] را و هر که از شما ستم کند او را عذابی بزرگ بچشانیم (۲۰)

وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا
 إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي
 الْأَسْوَاقِ ۗ وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ
 فِتْنَةً ۗ أَتَصْبِرُونَ ۗ وَكَانَ رَبُّكَ
 بَصِيرًا ۙ

۱۰۳

و هیچ رسولی را قبل از تو
 نفرستادیم مگر یقیناً ایشان غذا
 میخوردند و در بازارها راه میرفتند
 و بعضی از شما را برای بعضی
 آزمایش قرار دادیم. آیا صبر می
 کنید؟ و پروردگارتو بسیار بینا
 است (۲۱)

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا ^{وَقَالُوا} لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْمَلِيكَةُ أَوْ نَرَى رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا ﴿۱۹﴾
 نه دارند چرافرشتگان بر ما نازل کرده نشدند یا پروردگار خود را میدیدیم. البته خویشان را و الاثر شمرده و سرکشی بسیار بزرگ کرده اند (۲۲)

يَوْمَ يَرُونَ الْمَلِيكَةَ لَا بُشْرَى يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ حَجْرًا مَّحْجُورًا ﴿۲۰﴾
 روزی که فرشتگان را ببینند آن روز مجرمان را بشارتی نباشد و گویند [بفرشتگان عذاب] دورا دوری بهتر است (۲۳)

وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا ﴿۲۱﴾
 ما پیشقدمی کنیم بسوی هرکاری که انجام دادند و آنرا ذره های پراکنده در هوا سازیم (۲۴)

أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُّسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا ﴿۲۲﴾
 اهل بهشت آنروز بهتر اند در مسکن و نیکوترند در آرامش گامی (۲۵)

وَيَوْمَ تَشْقُقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ وَنُزِّلَ الْمَلِيكَةُ تَنْزِيلًا ﴿۲۳﴾
 و [بیاد آید] روزیکه آسمان بعلت [غرش] ابرها بشکافد و فرشتگان گروه گروه نازل کرده شوند (۲۶)

أَلَمْ لِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ ۗ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا ﴿۲۴﴾
 آنروز پادشاهی از آن رحمن است و آنروز کافران را بسی دشوار

باشد(۲۷)

و[بیاد آرید]روزیکه ستمکار دست
خود را[باحسرت]گزیده و خواهد
گفت، ای کاشکی راهی با رسول
میکرفتم(۲۸)

وای بر من اکاشکی فلان رادوست
صیمی نمیگرفتم (۲۹)
یقیناً مرا از ذکر[خدا] غافل نمود
پس از آنکه مرا آمد و شیطان که
انسان را بی یار و یاور ترک کننده
است(۳۰)

و رسول گفت، پروردگارا! یقیناً
قوم من این قرآن را متروک
شمرده اند(۳۱)++

و اینطور برای هر کدام پیغمبر
دشمنان از مجرمان میسازیم و
پروردگار تو هادی و یاور بس

وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ
يَلَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا ۲۸

يَوْمَ يَلِي يَلِيَّتِي لَمَّا أَخَذُفُلًا نَاحِيَةً ۲۹

لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي ۲
وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَدُوْلًا ۳۰

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا
هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا ۳۱

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ
الْمُجْرِمِينَ ۲ وَكَفَى بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا ۳

++ ایت ۲: این آیت حتماً درباره اصحاب نیست زیرا که در حیات رسول الله ﷺ بلکه
تاسه قرن بعد از ایشان تابعین و تبع تابعین نیز قرآن را ترک نکرده بودند. لازماً این
یک پیشگویی است که در زمان آینده پایان پذیرنده بود چون امت آنحضرت ﷺ قرآن
را عملاً ترک کنند و رسول ﷺ در این مورد بحضور خدا شکایت خواهند کرد.

است (۳۲)

و گویند، آنها که کفر کردند چرا جمله قرآن یکباره براو نازل کرده نشد؟ همینطور [قرار بود نازل شود] تا بدان قلب تو را ثبات دهم و آن را مستحکم و روان ساخته ایم (۳۳)

و هیچ دلیل به تو نمیآوردند مگر ما [به رد آن] برای تو حق و تفسیری نیکوتر میآوریم (۳۴)

آنانکه جمع کرده بر روی های خود به جهنم برده شوند همانها زشتتر از جهت مقام و گرامتر در راه اند (۳۵)

و یقیناً به موسی کتاب دادیم و برادرش هارون را با او وزیر قرار دادیم (۳۶)

پس گفتیم شما دوی بسوی آن قوم بروید که آنها آیات ما را رد کرده اند. پس آنها را بسختی ملامت کردیم (۳۷)

وما یقین عبد المقصومین

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا ﴿۳۲﴾

وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا ﴿۳۳﴾

الَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ سُوءَ مَكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا ﴿۳۴﴾

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا ﴿۳۵﴾

فَقُلْنَا اذْهَبَا إِلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَدَمَّرْنَاهُمْ تَدْمِيرًا ﴿۳۶﴾

۳۴

و قوم نوح چون بیغبران ما را
رد کردند آنها را غرق نمودیم و
آنها را برای مردم آیتی قرار دادیم
و برای ستمکاران عذابی دردناک
آماده کرده ایم (٣٨)

و قوم عاد و ثمود و اهل رس و
بسیار قومهای را که میان آن [زمان]
بودند. (٣٩)

برای هر کدام مثلهای [عبرتناک] زده
ایم و [منتها] همه را بسختی هلاک
ساختیم (٤٠)

و البته [مخالفان تو] بر شهری
که بارانی شوم بر آن باریده شد،
[بارها] آمدند. پس آیا آن را نه
نگریستند؟ حقیقت این است به
رستخیز امید ندارند (٤١)

و چون تو را ببینند تو را بباد
سخریه میگیرند - آیا اینست
آنکه را خدا رسولی برانگیخته
است؟ (٤٢)

نزدیک بود که ما را از معبودان

وَقَوْمَ نُوحٍ لَّمَّا كَذَّبُوا الرَّسُولَ أَغْرَقْنَاهُمْ
وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً ۖ وَاعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ
عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٣٨﴾

وَ عَادًا وَ ثَمُودًا وَ أَصْحَابَ الرَّسِّ
وَ قُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا ﴿٣٩﴾

وَ كَلَّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَالَ ۖ وَ كَلَّا تَبَّرْنَا
تَتْبِيرًا ﴿٤٠﴾

وَ لَقَدْ آتَوْنَا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي أَمْطَرْنَا
مَطَرَ السَّوْءِ ۖ أَفَلَمْ يَكُونُوا يَرُونَهَا بَلًا
كَانُوا لَا يَرْجُونَ نُشُورًا ﴿٤١﴾

وَ إِذْ أَرَأَوْكَ إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا
أَهَذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا ﴿٤٢﴾

إِنْ كَادَ لَيُضِلَّنَا عَنْ الْهَيْتَالِ وَلَا أَنْ صَبَرْنَا

خودگمراه میکرداگر بر آنها صبر
نمیکردیم و بزودی بفهمند چون
عذاب رابینند کی از راه گمراه
تر بود (٤٣)

آیانظرگماشتی به آنکس که هوای
نفسانی خود را معبود خود فرآ گرفت
پس آیا تو میتوانی بر او وکیل
باشی؟ (٤٤)

آیا گمان میکنی که بیشتر از آنها
میشنوند یا بعقل میرسند؟ یقیناً
آنها فقط مانند چهارپایانند بلکه
از آنها هم گمراهترند (٤٥)

آیا ندیدی بسوی پروردگار خود
که سایه را چگونه میگستراند و
اگر میخواست حتماً آنرا ساکن می
گرداند سپس خورشید را بر آن
نشان دهنده قرار داده ایم (٤٦)

سپس آن [سایه] را کم کم بسوی
خود جمع میکنیم (٤٧)
و اوست آنکه شب را برای شما
پوشاک و خواب را موجب آرامش

عَلَيْهَا وَسَوْفَ يَعْلَمُونَ حِينَ يَرَوْنَ
الْعَذَابَ مَنْ أَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٤٣﴾

أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ
تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلاً ﴿٤٤﴾

أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ
يَعْقِلُونَ ۗ إِنَّهُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ
أَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٤٥﴾

أَلَمْ تَرَ إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ ۚ وَلَوْ
شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ
عَلَيْهِ دَلِيلًا ﴿٤٦﴾

ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا ﴿٤٧﴾

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ
سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا ﴿٤٨﴾

و روز را موجب گسترش قرار داد(٤٨)

و اوست آنکه بادها را مژده دهنده فرستاد پیش روی رحمت خود و آبی خالص را از آسمان نازل کردیم(٤٩)

تادیاری مرده را بدان زنده کنیم و بنوشانیم آن [آب] آنها را که بکثرت دامها و مردم آفریده ایم(٥٠) والته آنرا میان ایشان گردانده بیانکرده ایم تا پند بگیرند اما بیشتر مردم فقط ناسپاسی کنان سرباز زدند(٥١)

و اگر میل داشتیم در هر قریهٔ بیم دهنده میفرستادیم(٥٢) پس کافران را پیروی مکن و با این [قرآن] به آنها جهاد کن جهادی بزرگ(٥٣)

و اوست آنکه دو دریا را درهم بیامیزد. این یک گوارای شیرین و این نمکی شور است حالآنکه او

وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا لِّبَنِي إِدْرِيصَ
رَحْمَةً وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا ﴿٤٩﴾

لِنُحْيِيَ بِهِ بَلَدَةً مَّيِّتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا
خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنَاسِيَّ كَثِيرًا ﴿٥٠﴾

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِيهِمُ لِيَذَّكَّرُوا فَأَبَى
أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا ﴿٥١﴾

وَلَوْ شَاءْنَا لَجَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ تَذَكُّرًا ﴿٥٢﴾

فَلَا تَطِعِ الكُفْرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ
جِهَادًا كَبِيرًا ﴿٥٣﴾

وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ
فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا

بَرَزَخًا وَحِجْرًا مَّحْجُورًا ﴿۵۴﴾

میان آنها مانعی و جدائی قطعی
نهاده است (۵۴) ++

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ
نَسَبًا وَصِهْرًا ۖ وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا ﴿۵۵﴾

واوست آنکه آدمی را از آب آفرید
و برایش خویشی نَسَبی و خویشی
ازدواج قرارداد و پروردگارتو
صاحب قدرت دائمی است (۵۵)

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ
وَلَا يَضُرُّهُمْ ۖ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَىٰ رَبِّهِ
ظَهِيرًا ﴿۵۶﴾

و پرستش میکنند جز خدا آنها را که
نه آنان را سودمندونه آنانرا زیان
زنند و کافر در مقابل پروردگار
خود [دیگران را] پشتیبانی کننده
است (۵۶)

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿۵۷﴾

و تو را نفرستادیم مگر مژده دهنده
ای و بیم دهنده ای (۵۷)

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ
شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ﴿۵۸﴾

بگو من برای این از شما پاداشی
نمیخواهم جز هر که بخواهد راهی
بسوی پروردگاه خود را پیش
گیرد (۵۸)

++ آیت ۵۴: در این آیت سخن از دریای آرام و دریای اوقیانوس رفته است. آرام دریای آب شیرین است و اوقیانوس دریای نمکی و شوراست و میان این دو سدی است که نسبت به آن در آیتی دیگر ذکر رفته است که آن سد برداشته شود و این دو دریا درهم پیوسته شوند.

و بر آن زنده توکل کن که بی مرگست و با ستایش او پاکیزگی او را بیان کن و خبر داشتن به گناهان بندگان خود او را بس

مناجاة عبد المتكبر من

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ ۗ وَكَفَى بِهِ إِذْ تُؤْبَدُ عِبَادِهِ خَيْرًا ۝۱۰

است (۵۹)

همانست که آسمانها و زمین و هرچه میان آندواست را درش روز آفرید. سپس بر عرش قرار گرفت. او رحمن است. پس برای او از کسی آگاه بپرس (۶۰)

و چون به آنها گفته شود که برای رحمن سجده کنید گویند و رحمن چیست؟ آیا سجده کنیم برای آنکه تو بامفرمان میدهی؟ و [این امر]

۷۰
سجده

وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا ۝۱۱

آنها را در نفرت زیاده کرد (۶۱) صاحب بسیار برکت اثبات شدتها آنکه در آسمان برجها نهاد و در آن چراغی روشن [خورشید] و قمری تابان قرار داد (۶۲)

و اوست آنکه شب و روز را از پس آینده همدیگر گرداند برای

تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا ۝۱۲

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا ۝۱۳

آنکه دوست دارد نصیحت حاصل
کند یا دوست دارد سپاسداری
کند(۶۳)

وبندگان رحمن آنانند که بر زمین
فروتن راه روند و گویند سلام
چون جاملان به آنان مخاطب
شوند(۶۴)

و آنانکه شبها را برای پروردگار
خود سجده کنان و بپا ایستاده
می گذرانند(۶۵)

و آنانکه میگویند پروردگارا! بر
گردان از ما عذاب جهنم را یقیناً
عذاب آن چسبنده است(۶۶)
یقیناً آن خیلی بد است بطور
آرامش و منزلگاه(۶۷)

و آنانکه چون انفاق کنند نه
اسراف کنند و نه بخل ورزند بلکه
اعتدال میان این میباشد(۶۸)

و آنانکه با خدا معبودی دیگر را
نخوانند و نکشند نفسی را که خدا
[کشتن] آنرا حرام گردانده مگر

وَعِبَادَ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى
الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ
قَالُوا سَلَامًا ﴿٦٤﴾

وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا ﴿٦٥﴾

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ
جَهَنَّمَ ۗ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا ﴿٦٦﴾

إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴿٦٧﴾

وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ
يَقْتُرُوا وَوَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا ﴿٦٨﴾

وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا
يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ

وَلَا يَزْنُونَ ۚ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ
آثَامًا ۝١٦

باحق وزنا نکنند و هر که این کند
کیفر گناه را خواهد دید (٦٩)

يُضَعَفُ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْتَلِدُ
فِيهِ مَهَانًا ۝١٧

روز قیامت عذاب برایش افزوده
شود و خوار در آن مدت دراز
بماند (٧٠)

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا
فَأُولَٰئِكَ يَبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ ۖ
وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۝١٨

جز آنکه توبه کند و ایمان آورد و
نیکوکاری کند پس همانها اندکه
خدا بدیهای ایشان را به خوبیهها
تبدیل کند و خدا بسیار آمرزنده
بارها رحم کننده است (٧١)

وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى
اللَّهِ مَتَابًا ۝١٩

و آنکه توبه کند و شایسته کاری
کند یقیناً اوست که توبه کنان به
سوی خدا بر میگردد (٧٢)

وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ ۚ وَإِذَا مَرُّوا
بِاللَّعُوبِ مَرُّوا كِرَامًا ۝٢٠

و آنانکه گواهی دروغ نمیدهند و
هرگاه گذرکنند به هرزگیها کریم
وار گذرکنند (٧٣)

وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا
عَلَيْهَا صَمًّا وَعُمِيَانًا ۝٢١

و آنانکه چون به آیات پروردگار
خود تذکر داده شوند کروکور بر
آنها نمی افتند (٧٤)

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَرْوَاجِنَا
وَدُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ

و آنها که میگویند، پروردگارا! ما
را از همسران ما و فرزندان ما

إِمَامًا ﴿٧٥﴾

روشنی چشمان عطا کن و ما را

پیشوای متقیان بنما (٧٥)

همانند که داده شوند بالاخانه

هائی بپاداش آنچه صبر کردند و

ایشان در آنجا استقبال کرده و

سلام رسانده شوند (٧٦)

جاودانانند در آنها - چه تشنگ

است منزلگاه و آرامشگاه (٧٧)

بگو پروردگرم شمارا پروان کند

اگر دعای شمان بود. پس شما آنرا رد

کردید. پس حتماً [و بالمش بر شما]

چسبنده است (٧٨)

أُولَٰئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا
وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا ﴿٧٦﴾

خُلْدَيْنَ فِيهَا ١ حَسَنَتْ مُسْتَقَرًّا
وَمَقَامًا ﴿٧٧﴾

قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ ٢

فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامَاً ﴿٧٨﴾ ﴿٧٧﴾ ﴿٧٥﴾

۲۶- سورة الشعراء

این سوره در مکه نازل آمد و با بسم الله ۲۲۸ آیت دارد.

آغاز این سوره نیز با مقطعات شده و حرف "ر" نخستین بار بطور حرف مقطعه نازل کرده میشود. این را میتوان معنای مختلف شد و هست. اما شماری از دانشمندان این مقطعات را شرح اینطور میدهند که منظور از "ط" طیب و "س" سمیع و از "م" علیم میباشد.

پایان سوره گذشته حاکی بود چون انسان از دعا انکار کرده تعلق خود را با خدا میبرد. پس در نتیجه هر نوع مرض روحانی او را فرامیگیرد. در این سوره دنبال همین موضوع بعنوان مثال ذکر از آن اقوامی میروود که بعلت انکار دعا مستوجب این سلوک خداوندی شدند. پس از ذکر این ملتها تکرار مجدد از کلمه "الْعَزِيْزُ الرَّحِيْمُ" دال بر اینست زیرا که خداوند رحیم است او آنانرا بارها فرصت میداد تا باشد که آنها بازگردند. این جریان عمل پی در پی ادامه داشت. آنان به مقابله حق میپرداختند و خداوند مجدداً با رحمت نوین خود بر آنان نازل میشد.

اینجا تکرار از واژه "الْعَزِيْزُ" حاکی از این امر است که دشمنان به هر نحوی تلاش کردند تا پیغمبران او را رسوا کنند ولی خداوند نه گذاشت که آنها به آرزوی خود برسند و خدای عزیز پیغمبران خود را عزت دائمی داد. ضمناً آنحضرت ﷺ فرمان شدند که ایشان خویشاوندان خود را از عقوبت بترسانند و بال و پر خود را بر خویشاوندان روحانی خویش فرو آرند.

اگر کافران بر کفر خود پافشاری کنند پس اعلام کن که من از کفرتان بیزارم

و تو گلم تنها بر خدا است که صاحب غلبه کامل، صاحب حکمت، بارها ترحم کننده، بسیار شنوای دعاها و بسیار دانا است.

سپس چنین دلیلی آورده میشود از آنچه حتماً به اثبات میرسد که شیطانها بحر حال نمیتوانند بر پیغمبران نازل شوند زیرا که ایشان نه "أَنَّاكَ" اند و نه "أَنِّمِ" یعنی پیغمبران نه دروغگو یانند و نه گنهکاران و مردم که در جوار ایشان زیست میکنند همگان گواه بر راستگویی ایشان میباشند.

کلامی که بر آنحضرت ﷺ نازل شد در عظمت آن این امر نیز شامل است که آن پراز حسن شعرگوئی سطح اعلائی است و بسیاری از شاعران شعر گفتن را تحت تاثیر فصاحت و بلاغت شعری قرآن گرفته، ترک کردند. ولی از این بیان این گمان را تقویت دادن که رسول الله ﷺ نیز شاعری بلند مرتبه بودند از این جهت اشتباهی بزرگ است که يك شاعر که در هر کدام وادی ولگردی میکند ولی قرآن آن چنان کتابی نیست که بی سبب در هر کدامین وادیها بگردد.

در عین حال خداوند آن شعرگویان را که ایمان آورده و نیکوکاری کرده و خدا را ذکر فراوان میکنند و چون ستم شوند انتقام میگیرند مبرا قرار داد. این کنایه‌ی است بسوی آن مسلمان شاعران که از طریق شعرهای خود انتقام گرفتند از آن شاعران بدگو که خلاف رسول الله ﷺ با شعرهای خود هجوم آورده بودند.

☆ سُوْرَةُ الشُّعْرَاءِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ السُّمْلَةِ مَائَتَانِ وَثَمَانٍ وَعِشْرُونَ آيَةً وَ أَحَدُ عَشَرَ رُكُوعًا

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

طَيِّبٌ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ - پاك -

طَسَمَ ①

بسیار شنوا - بسیار دانا (۲)

این آیت‌های کتاب روشن است (۳)

آیات و جان خود را میبازی بر اینکه

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ②
لَعَلَّكَ بَآخِغٌ تَفْسِكُ اِلَّا يَكُوْنُوْا
مُؤْمِنِيْنَ ④

مومنان نمیشوند؟ (۴)

اگر بخوامیم آیتی بر آنها از آسمان

نازل کنیم پس برای آن گردنهای

اِنْ لِّسَانُنَزَّلِ عَلَيْهِمْ مِّنَ السَّمَآءِ آيَةً
فَطَلَّتْ اَعْنَاقَهُمْ اَهَا خٰضِعِيْنَ ⑤

ایشان خاضع شود (۵)

آنها را بندی جدید از رحمان نیاید

مگر از آن روگردانی میکنند (۶)

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ ذِكْرٍ مِّنَ الرَّحْمٰنِ مُحَدَّثٍ
اِلَّا كَانُوْا عَنْهُ مُعْرِضِيْنَ ⑥

پس براستی آنها [هر آیتی تو را] رد

کردند. پس حتماً آنها را بیاید اخبار

فَقَدْ كَذَّبُوْا فَاَسِيَّاتِيْهِمْ اَنْبُوْا اَمَا كَانُوْا بِهٖ
يَسْتَهْزِءُوْنَ ⑦

[از راست آمدن] آنچه که به آن

تمسخر میکردند (۷)

آیا بسوی زمین ندیدند؟ ای بسا

زوج ما بسیار نیکوی [از نباتات]

اَوْ لَمْ يَرَوْا اِلَى الْاَرْضِ كَمَا اُنْبِتْنَا فِيْهَا مِنْ
كُلِّ زَوْجٍ كَرِيْمٍ ⑧

در آن رویانیده ایم؟ (۸)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً لِّوَمَا كَانُوا أَكْثَرَهُمْ
مُؤْمِنِينَ ①

یقیناً در این آیتی بزرگ است در
حالیکه بیشتر ایشان ایمان نمی
آرند (۹)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ②
و یقیناً پروردگارتو است که او
صاحب غلبه کامل بارها رحمتکننده
است (۱۰)

وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَىٰ أَنْ أَنْتَ الْقَوْمَ
الظَّالِمِينَ ③

و چون پروردگارتو بموسی ندازد
که بسوی قومی ستمکار برو (۱۱)

قَوْمَ فِرْعَوْنَ ۗ أَلَا يَتَّقُونَ ④

قوم فرعون [بآن پیغام که،] آیا
تقوی فرانخواهند گرفت؟ (۱۲)

قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُون ⑤

او گفت، پروردگارا ابراستی من می
ترسم مبادا مرا تکذیب کنند (۱۳)

وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي

و سینه ام احساس تنگی دارد و
سخن بر زبان بخوبی نمی رود پس

فَأَرْسَلْ إِلَىٰ هَرُونَ ⑥

رسالت را به هارون بفرست (۱۴)
بعلاوه یکی گناه آنها بر گردنم

وَلَهُمْ عَلَىٰ ذُنُوبٍ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُون ⑦

نیز است و می ترسم مبادا مرا
بکشند (۱۵)

قَالَ كَلَّا ۗ فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ

فرمود، هرگز نه. پس مردوی شما
با آیات ما بروید. یقیناً ما با شما

مُسْتَمِعُونَ ⑧

مستقیم ما خوب شنوندگانیم (۱۶)

پس مردوی نزد فرعون بروید و
بگوئید، یقیناً ما رسول از
پروردگار همه جهانها هستیم (۱۷)

[برای ابلاغ این پیغام] که بنی
اسرائیل را با ما بفرست (۱۸)

[فرعون] گفت، آیا ترا در میان
خود بکودکی نپروریدیم و سالها
از عمر خود میان ما بسر بردی (۱۹)

و کردی آن کار خود را که کردی
و تو از ناسپاسان هستی (۲۰)

[موسی] گفت، آنکار آنگاه کردم که
از گم گشتگان راه بودم (۲۱)

هرگاه از شما ترسیدم پس از شما
فرار کردم. پس پروردگارم مرا
حکمت داد و مرا از پیغمبران قرار
داد (۲۲)

[آیا] اینست احسانی که منت آن
را بر من میگذاری که بنی اسرائیل
را غلام گرفته ای؟ (۲۳)

فرعون گفت و آن پروردگار جهان
ما چیست؟ (۲۴)

فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ
الْعَالَمِينَ ﴿١٧﴾

أَنْ أَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿١٨﴾

قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ
عُمُرِكَ سِنِينَ ﴿١٩﴾

وَفَعَلْتَ فَعَلْتَكِ الْتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ
الْكَافِرِينَ ﴿٢٠﴾

قَالَ فَعَلْتُهَا إِذْ أَوَّأْنَا مِنَ الْغَالِيينَ ﴿٢١﴾

فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُمْكُمْ فَوَهَبَ لِي
رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٢٢﴾

وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمَّتْهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي
إِسْرَائِيلَ ﴿٢٣﴾

قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٢٤﴾

[موسی] گفت، پروردگار آسمانها
و زمین و هر چه میان آندو است
اگر شما باورکنندگان اید (۲۵)

او گفت برای آنانکه پیرامونش
بودند آیا نمیشنوید؟ (۲۶)

[موسی ادامه داده] گفت، پروردگار
شما و پروردگار پدران پیشینیان
شما است (۲۷)

او گفت، یقیناً این رسول شما که
بسوی شما فرستاده شد حتماً
دیوانه‌ی است (۲۸)

[موسی] گفت، پروردگار شرق و
غرب و هر چه میان آندو است
اگر شما عقل کنید؟ (۲۹)

[فرعون] گفت، اگر معبودی گرفتی
جز من یقیناً ترا از زندانیان
خواهم ساخت (۳۰)

[موسی] گفت، آیا اگر چه تو را
چیزی آشکار بی‌آرم؟ (۳۱)

[فرعون] گفت، پس بی‌آر اگر تو
از راستگویانی (۳۲)

قَالَ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا
بَيْنَهُمَا إِن كُنْتُمْ مُوقِنِينَ ﴿٢٥﴾

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَأَلَا تَسْمَعُونَ ﴿٢٦﴾

قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ ﴿٢٧﴾

قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمُ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ
لَمَجْنُونٌ ﴿٢٨﴾

قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا
بَيْنَهُمَا إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٢٩﴾

قَالَ لَئِنِ اتَّخَذْتَ إِلَّاهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ
مِنَ الْمَسْجُونِينَ ﴿٣٠﴾

قَالَ أَوَلَوْ جِئْتُكَ بِشَيْءٍ مُّبِينٍ ﴿٣١﴾

قَالَ قَاتِلْهُ إِن كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٣٢﴾

پس موسیٰ عصای خود را بنهاد که
یکه‌و آن اژدهائی آشکارشد (۳۳)
پس دست خود را برکشید پس
ناگاه آن بینندگان را سفید دیده
میشد (۳۴)

[فرعون] سرداران پیرامون خود
را گفت، یقیناً این جادوگری ماهر
است (۳۵)

میخواهد شمارا بزور جادویی خود
از سرزمین شما بیرون راند. پس
چه مشورت میدمید؟ (۳۶)

گفتند: کمی فرصت بده او برادرش
را و گردآوردگان را در شهرها
بفرست (۳۷)

جمله جادوگران حرفه را نزد تو
بیآرند (۳۸)

پس جادوگران در روزمعیّن بر
وعده گاه جمع کرده شدند (۳۹)
وبه مردم گفته شد آیا گردخواهید
آمد؟ (۴۰)

تاما جادوگران رادنبال کنیم اگر

فَأَلْفَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ ﴿٣٣﴾

وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بِيضَاءٌ لِلنَّظِيرِينَ ﴿٣٤﴾

قَالَ لِلْمَلَاحِقَةِ إِنَّ هَذَا السَّحْرُ عَلَيْنَا ﴿٣٥﴾

يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ
بِسِحْرِهِ ۗ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ ﴿٣٦﴾

قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَبْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ
حُشْرِينَ ﴿٣٧﴾

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سِحْرٍ عَلَيْنَا ﴿٣٨﴾

فَجُمِعَ السَّحْرَةُ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ
مَّعْلُومٍ ﴿٣٩﴾

وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مُّجْتَمِعُونَ ﴿٤٠﴾

لَعَلَّنَا نَبْغِ السَّحْرَةَ إِنْ كَانُوا هُمْ

الْغَلْبِيِّنَ ﴿۴۱﴾

آنها برتر شوند (۴۱)

فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَإِنَّا لَنَأْتِيَنَّكَ

پس چون جادوگران آمدند به

لَا جُرِّا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَلْبِيِّنَ ﴿۴۲﴾

فرعون گفتند، آیا ما را پاداشی است

اگر برتر آیندگان باشیم؟ (۴۲)

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذًا لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿۴۳﴾

[فرعون] گفت، بلی! و یقیناً شما آن

گاه شامل مقربان بشوید (۴۳)

قَالَ لَهُمُ مُوسَى الْقَوْمَا أَأَنْتُمْ مُلْقُونَ ﴿۴۴﴾

موسى به آنها گفت، هر چه [جادوئی]

افکندگانید بینکنید (۴۴)

فَأَلْقُوا جِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ

پس ریسمانهای خود و چوبهای

دستی خود را افکندند و گفتند،

سوگند به اقبال فرعون یقیناً ما

غالب آیندگان ایم (۴۵)

فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْغَلْبِيُّونَ ﴿۴۵﴾

فَأَلْفَىٰ مُوسَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا

پس موسى عصای خود را انداخت

که ناگاه آن شروع کرد به فرو

بردن آن دروغ را که بهم بافته

بودند (۴۶)

يَأْفِكُونَ ﴿۴۶﴾

فَأَلْفَىٰ السَّحَرَةُ سُجَّدِينَ ﴿۴۷﴾

پس جادوگران سجده کنان [بر

زمین] افکنده شدند (۴۷)

قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۴۸﴾

آنان گفتند، ما ایمان آوردیم به

پروردگار همه جهانها (۴۸)

رَبِّ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿۴۹﴾

پروردگار موسى و هارون (۴۹)

[فرعون] گفت، آیا برای او ایمان آورده اید پیش از اینکه به شما اجازه میدادم؟ یقیناً آن بزرگ شاست که شمارا جادوئی آموخته بود پس بزودی بدانید حتماً دستها تان و پاهاتان را از سمت مخالف ببرم و حتماً همه شما را به دار کشم (۵۰)

گفتند: هیچ اشکالی ندارد ما که حتماً به سوی پروردگار خود برگشتگانیم (۵۱)

یقیناً ما امید داریم که پروردگار ما خطاهای ما را برای ما بیا مرزد چه ما اولین ایمان آوردگانیم (۵۲)

و بسوی موسی وحی کردیم که بندگان را شبگاه کوچ بده. همانا شما تعقیب کرده شوید (۵۳)

پس فرعون جمع کنندگان را در شهرها فرستاد (۵۴)

[آنها اعلام کردند که] همانا! اینها ناچیز و اندک اند (۵۵)

قَالَ امْتُمُّوْهُ قَبْلَ اَنْ اَذِنَ لَكُمْ ۗ اِنَّهٗ لَكَبِيْرُكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمْ السِّحْرَ ۗ فَلَسُوْفَ تَعْلَمُوْنَ ۗ لَا قَطْعَنَ اَيْدِيكُمْ وَاَرْجُلِكُمْ مِّنْ خِلَافٍ وَّلَا وَصَلْبِكُمْ اَجْمَعِيْنَ ۗ

قَالُوْا اَلَا ضِيْرٌ اِنَّا اِلَى رَبِّنَا مُتَّقِبُوْنَ ۗ

اِنَّا نَطْمَعُ اَنْ يَّعْفِرَ لَنَا رَبُّنَا حَتّٰى اَنْ كُنَّا اَوَّلَ الْمُؤْمِنِيْنَ ۗ

وَاَوْحَيْنَا اِلَى مُوسٰى اَنْ اَسْرِ بِعِبَادِيْ اِنَّكُمْ مُّتَّبِعُوْنَ ۗ

فَاَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِى الْمَدَآئِنِ حٰشِرِيْنَ ۗ

اِنَّ هٗؤُلَآءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيْلُوْنَ ۗ

وَالَهُمْ نَارًا عَالِيَةً لَظُوفًا ۝٥٦

با این حال یقیناً آنها برای ما
خشم آرندگانند (۵۶)

وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَازِرُونَ ۝٥٧

والبته همه مامواظب ایم (۵۷)

فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ۝٥٨

پس بدر کردیم آنها را از [سرزمین]
بهشتها و چشمه سار (۵۸)

وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ۝٥٩

و گنجها و جایگاه معزز (۵۹)

كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ۝٦٠

اینطور شد و بنی اسرائیل را
وارث آنها قرار دادیم (۶۰)

فَاتَّبَعُوهُمْ مُشْرِقِينَ ۝٦١

پس آنان بامگاه دنبال ایشان
افتادند (۶۱)

فَلَمَّا تَرَاءَى الْجَمْعُ مِنْ قَالٍ أَصْحَابُ مُوسَى

پس هنگامیکه هردو گروه همدیگر
را دیدند همراهان موسی گفتند

إِنَّا لَمَدْرُكُونَ ۝٦٢

یقیناً ما گیر افتاده ایم (۶۲)

قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ ۝٦٣

او گفت، هرگز نه. یقیناً پرورگارم
بامن است و حتماً مرا رهنمائی

کند (۶۳)

فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ

پس بسوی موسی وحی کردیم که
باعصای خود بردریا ضربت بزن.

الْبَحْرَ ۝ فَاَنْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ

پس دریابشکافت. آنگاه هر بخشی
همانند تپه ای بزرگ بود (۶۴) +

الْعَظِيمِ ۝٦٤

+ آیت ۶۴: این آیت حاکی از عبور کردن دریا حضرت موسی از آنجا است [ص. ۸۶۵]

وَأَرْزَأْنَاكُمْ الْآخِرِينَ ﴿١٥﴾

و گروه پسین را در اینجا [به گروه
بیشین] نزدیک آوردیم (٦٥)

وَأَجْبِنَا مُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ ﴿١٦﴾

و موسی و هر که همراهش بود همه
را نجات دادیم (٦٦)

ثُمَّ آغْرَقْنَا الْآخِرِينَ ﴿١٧﴾

سپس پسینانرا غرق کردیم (٦٧)
یقیناً در این آیتی بزرگ است
در حالیکه بیشتر ایشان ایمان
آوردگان نبودند (٦٨)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّوَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ

مُؤْمِنِينَ ﴿١٨﴾

و یقیناً پروردگارتو حتماً اوست
که صاحب غلبه کامل بارها رحم
کننده است (٦٩)

﴿١٧﴾
٨

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٩﴾

و خبر ابراهیم بر آنان بخوان (٧٠)
چون او به پدر خود قومش گفت،
چه را عبادت میکنید؟ (٧١)

﴿١٨﴾
٨

وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ بَنَاءَ إِبْرَاهِيمَ ﴿٢٠﴾

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٢١﴾

گفتند، بتان را میپرستیم و بخاطر

قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَنْظِلُّ لَهَا عُكْفِينَ ﴿٢٢﴾

بقیه آیت ٦٤: که محل اتصال رودخانه نیل و دریا است. گاهی آب سیل در
رودخانه نیل از بالا با آن سرعت میآید که گویی دیوار آب میآید. همین طور دریا هم
هنگام مدّ با موجهای سیل برانگیخته توسعه مییابد. پس خداوند حضرت موسی را
آنوقت بحفاظت از محل اتصال رودخانه و دریا عبور داد که آبهای آیندو هنوز
بهم نشده بودند و فرعون و لشکریانش که ایشانرا دنبال میکردند بعلت بهم
شدن سیل رودخانه و دریا بغرق افکنده شدند.

[پرستش] آنها نشتگانیم (۷۲)
 او گفت، آیا آنها شمارا گوش کنند
 چون میخوانید؟ (۷۳)
 یا شمارا سود میرسانند یا ضرر
 می زنند؟ (۷۴)
 گفتند بلکه پدران خود را دیدیم
 همینطور عمل میکردند (۷۵)
 او گفت، آیا نگریستید آنچه راشما
 پرستش میکنید؟ (۷۶)
 شما و پدرانتان که قبلاً بودند (۷۷)
 پس یقیناً اینها جز پروردگار جهان
 ما دشمنان من اند (۷۸)
 آنکه مرا آفرید پس او مراد هبری
 میکند (۷۹)
 و آنکه مرا می خوراند و می
 نوشاند (۸۰)
 و چون مریض شوم آنگاه او مرا
 شفاء میدهد (۸۱)
 و آنکه مرا میرانده سپس زنده
 خواهد کرد (۸۲)
 و از آنکه امید دارم که روز جزا

قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ ۞۷۲

أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يُضُرُّونَ ۞۷۳

قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ ۞۷۴

قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ ۞۷۵

أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ الْأَقْدَمُونَ ۞۷۶

فَأِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِّي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ ۞۷۸

الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ ۞۷۹

وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ ۞۸۰

وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ ۞۸۱

وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ ۞۸۲

وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ

خطاهای مرا ببخشد (٨٣)
 پروردگارا! مرا حکمت عطا کن و
 مرا شامل نیکوکاران بنما (٨٤)
 و برای من زبان راستی در
 آیندگان قرار بده (٨٥)
 و مرا از وارثان بهشت پر نعمت
 بگردان (٨٦)
 و پدوم را بیامرز. یقیناً او از
 جمله گمراهان بود (٨٧)
 و مرا خوار نکنی روزیکه مردم
 بر خیزانده شوند (٨٨)
 روزیکه سودی نه بخشد هیچ
 دارائی و نه پسران (٨٩)
 مگر آنکه خدا را سلیم الطبع
 بیاید (٩٠)
 و بهشت نزدیک متقیان کرده
 شود (٩١)
 و جهنم رو بروی گمراهان آورده
 شود (٩٢)
 و به آنها گفته شود کجا اند آنها
 را که شما پرستش میکردید (٩٣)

الدِّينِ ۞
 رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَ اَلْحَقْنِي
 بِالصَّالِحِينَ ۞
 وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْاٰخِرِينَ ۞
 وَ اجْعَلْنِي مِنْ وَّرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ ۞
 وَ اغْفِرْ لِي اِنَّهُ كَانَ مِنَ الصَّالِحِينَ ۞
 وَ لَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ ۞
 يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُونَ ۞
 اِلَّا مَنْ اٰتَى اللّٰهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ۞
 وَ اُرْلَقَتْ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ ۞
 وَ بَرَزَتْ الْجَحِيْمُ لِلْغٰوِينَ ۞
 وَ قِيلَ لَهُمْ اَيْنَمَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ ۞

فرود از خدا. آیا به شما یاری می

کنند یا انتقام میگیرند؟ (۹۴)

پس بر روی افکنده شدند در آن

آنها و سرکشان (۹۵)

و جمله لشکرهای ابلیس (۹۶)

گویند، درحالیکه آنها در آن بهم

ستیزه کنند (۹۷)

سوگند به خدا بیگمان ما در

گمراهی آشکار بودیم (۹۸)

و قتیکه شمارا با پروردگاره عالم

ما یکسان قرار میدادیم (۹۹)

و مارا کسی گمراه نکرد مگر

مجرمان (۱۰۰)

پس برای ما کسی شفاعت کننده

نیست (۱۰۱)

و نه دوست صمیمی (۱۰۲)

پس کاشکی یکبار مارا برگشتی بود

پس از مومنان میشدیم (۱۰۳)

یقیناً در این آیتی بزرگ است و

بیشتر ایشان ایمان آوردگان

نیستند (۱۰۴)

مِنْ دُونِ اللَّهِ ۗ هَلْ يَنْصُرُونَكُم

أَوْ يَنْتَصِرُونَ ۗ

فَكُبِّبُوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ ۗ

وَجُودُوا لِابْلِيسَ اجْمَعُونَ ۗ

قَالُوا وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ ۗ

تَاللَّهِ إِنْ كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۗ

إِذْ نَسَوْنَ كُمْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۗ

وَمَا أَضَلَّنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ ۗ

فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ ۗ

وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ ۗ

فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۗ

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ۗ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ

مُؤْمِنِينَ ۗ

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿۳۶﴾

و یقیناً پروردگار تو است که او صاحب غلبه کامل بارها را حکمکننده است (۱۰۵)

كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ ﴿۳۷﴾

قوم نوح هم رسولان را تکذیب کردند (۱۰۶)

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿۳۸﴾

هنگامیکه برادر ایشان نوح به آنها گفت آیا تقوی را پیشه نمی کنید؟ (۱۰۷)

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿۳۹﴾

یقیناً من برای شما رسولی امین هستم (۱۰۸)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿۴۰﴾

پس خدا را تقوی کنید و مرا اطاعت نمایید (۱۰۹)

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۚ إِنْ أَجْرِيَ

و هیچ مزدی از شما برای این نمی خواهم. مزدم فقط بر پروردگار همه جهانها است (۱۱۰)

إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۴۱﴾

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿۴۲﴾

پس خدا را تقوی فراگیرید و مرا اطاعت نمائید (۱۱۱)

قَالُوا أَنُؤْمِنُ مِنْ لَدُنْكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذُلُونَ ﴿۴۳﴾

گفتند: آیا ترا باور کنیم با آنکه محض فرومایگانی از تو متابعت کرده اند؟ (۱۱۲)

قَالَ وَمَا عَلِيٌّ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۴۴﴾

او گفت، مرا چه دانشی است به

آنچه آنان میکردند (۱۱۳)

حساب ایشان فقط برپروردگاری

است کاشکی دریابید (۱۱۴)

و نیستم طردکننده مومنان (۱۱۵)

من فقط بیم دهنده آشکارا

هستم (۱۱۶)

گفتند، ای نوح! اگر دست برنداری

حتماً از سنگسار شدگان می

شوی (۱۱۷)

[نوح] گفت، پروردگارا! یقیناً قوم

من مرا تکذیب کرده اند (۱۱۸)

پس میان من و میان ایشان

آشکارا قضاوت کن و نجات بده

مرا و آنانکه از مومنان با من

هستند (۱۱۹)

پس او و آنان که با او بودند را

در کشتی بر نجات دادیم (۱۲۰)

پس از آن بازماندگان را غرق

نمودیم (۱۲۱)

یقیناً در این آیتی بزرگ است و

بیشتر از آنان ایمان آوردگان

إِنْ حِسَابُهُمْ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّي لَوَ تَشْعُرُونَ ﴿١١٣﴾

وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١٥﴾

إِن أَنَا إِلَّا أَنْذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿١١٦﴾

قَالُوا لَئِن لَّمْ تَنْتَهَ يٰ نُوحُ لَتَكُونَنَّ

مِنَ الْمَرْجُومِينَ ﴿١١٧﴾

قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ ﴿١١٨﴾

فَأَفْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتَحَا وَنَجِّنِي

وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١٩﴾

فَأَنْجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِّ

الْمُسْحُونِ ﴿١٢٠﴾

ثُمَّ أَعْرَقْنَا بَعْدَ الْبَاقِينَ ﴿١٢١﴾

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمَنْ كَانَ أَكْثَرُهُمْ

مُؤْمِنِينَ ﴿١٢٢﴾

نبودند (۱۲۲)

و یقیناً پروردگارتو است که
صاحب غلبه کامل بارها رحم
کننده است (۱۲۳)

عادیان [نیز] پیغمبران را رد
کردند (۱۲۴)

هنگامیکه برادر ایشان هود به
آنها گفت آیا تقویٰ فرا نمی
گیرید (۱۲۵)

یقیناً من برای شما رسولی امین
هستم (۱۲۶)

پس خدا را تقویٰ فراگیرید و
مرا اطاعت کنید (۱۲۷)

مزدی بر این از شما نمیطلبم.
مردم تنها بر پروردگار همه جهانها
است (۱۲۸)

آیا بر هر کدام تبه بیهدف یادگاری
[بخودبالیده] بنا مکنید؟ (۱۲۹)

و صنایع [گونگون] میسازید تا
جاویدان باشید (۱۳۰)

و وقتی گرفت و گیر کنید مستمگرانه

ع
۱۸

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿۱۲۲﴾

كَذَّبَتْ عَادٌ الْمُرْسَلِينَ ﴿۱۲۳﴾

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿۱۲۵﴾

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿۱۲۶﴾

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿۱۲۷﴾

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِي

إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۲۸﴾

أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ ﴿۱۲۹﴾

وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ

تُخْلَدُونَ ﴿۱۳۰﴾

وَإِذَا بَطِشْتُمْ بَطِشْتُمْ جَبَّارِينَ ﴿۱۳۱﴾

گرفت و گیرمیکنید (۱۳۱)

پس خدا راتقوی فراگیرید و

مرا اطاعت کنید (۱۳۲)

و بترسید از او که شمارا با آن

چیزهایاری کرد که میدانید (۱۳۳)

شما را یاری داد با دامها و

پسران (۱۳۴)

و باغها و چشمه سار (۱۳۵)

یقیناً من میترسم بر شما از عذابی

روز بزرگ (۱۳۶)

گفتند، یکسان است بر ما خواه

اندرز کنی یا از اندرز کنندگان

نباشی (۱۳۷)

این فقط خُلق پیشینیان است [که

بما میآموزی] (۱۳۸)

و ما عذاب شدگان نیستیم (۱۳۹)

پس او را رد کردند پس آنها را

هلاک نمودیم. یقیناً در این آیتی

بزرگست اما بیشترشان مومنان

نیستند (۱۴۰)

و یقیناً پروردگارتو صاحب غلبه

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ۞

وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ ۞

أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ ۞

وَجَنَّتٍ وَعُيُونٍ ۞

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ

عَظِيمٍ ۞

قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَضْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ

مِّنَ الْوَعِظِينَ ۞

إِنَّ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ ۞

وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ ۞

فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ ۞ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ۞

وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ ۞

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۞

کامل و بارها رحم کننده
است (۱۴۱)

ثمودیان [نیز] پیغمبران را
تکذیب کرد (۱۴۲)

هنگامیکه برادر ایشان صالح به
آنان گفت آیاتقوی' راپیشه نمی
کنید؟ (۱۴۳)

براستی من برای شما رسولی
امین هستم (۱۴۴)

پس خدا را تقوی' اختیار کنید و
مرا اطاعت کنید (۱۴۵)

و مزدی بر این از شما نمیخواهم.
مزدم تنها بر پروردگار همه جهانها
است (۱۴۶)

آیا در اینجا امین رها کرده
شوید؟ (۱۴۷)

در باغها و چشمه سار (۱۴۸)
و کشتهها و خرماها که شکوفه های
آنها پربار است (۱۴۹)

و مهارت را بکار برده در کوهها
خانه ها میتراشید (۱۵۰)

كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٤١﴾

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلا تَتَّقُونَ ﴿١٤٢﴾

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٤٣﴾

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاطِيعُونَ ﴿١٤٤﴾

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۗ إِنْ أَجْرِيَ

إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٤٥﴾

أَثَرُكُمْ فِي مَا هُمْنَا أَمِينٌ ﴿١٤٦﴾

فِي جَنَّتٍ وَعُيُونٍ ﴿١٤٧﴾

وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلَعَتْ هَاضِمٌ ﴿١٤٨﴾

وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَرِهِينَ ﴿١٤٩﴾

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا^ج

پس خدا را تقویٰ فراگیرید و
مرا اطاعت کنید (۱۵۱)

وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ^ل

و فرمان از تجاوزگران نه
برید (۱۵۲)

الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ

آنانکه در زمین فساد میکنند و به
اصلاح نمیپردازند (۱۵۳)

وَلَا يُصْلِحُونَ^{سب}

قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ^ع

گفتند، یقیناً تو فقط از جمله آنان
هستی که حواس از جادویی پرت
کرده شوند (۱۵۴)

مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا فَأْتِ بآيَاتِنِ

نیستی تو جز بشری همانندما. پس
بیآرآیی اگر تو از راستگویان
هستی (۱۵۵)

كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ^{سب}

قَالَ هَذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شَرْبٌ وَلَكُمْ شَرْبٌ

او گفت، این ناقه است که برای
آن نوبت آب خوردن است و شما
را [هم] نوبت آب است در روز
معین (۱۵۶)

يَوْمٍ مَّعْلُومٍ^ج

وَلَا تَمْسُوها بِسَوْءٍ فَيَأْخُذْكُمْ عَذَابٌ

پس آنرا بقصد سوئی دست نزنید
وگرنه عذاب روزی بزرگ شما
را فرا گیرد (۱۵۷)

يَوْمٍ عَظِيمٍ^{سب}

فَعَقَرُوا هَاقًا صَبَحُوا لِمِثْنٍ^ل

پس آنرا پی کردند پس سخت
پشیمان شدند (۱۵۸)

فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ۗ وَمَا
كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۱۵۹﴾
وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿۱۶۰﴾

﴿۱۶۰﴾

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ ﴿۱۶۱﴾

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿۱۶۲﴾

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿۱۶۳﴾

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا أَمْرًا

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۗ إِنْ أَجْرِيَ

إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۶۴﴾

أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿۱۶۵﴾

وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ

پس عذاب آنها را در گرفت، یقیناً در
این آیتی بزرگست و بیشتر آنها
ایمان آوردگان نبودند (۱۵۹)

و یقیناً پروردگار تو صاحب
غلبه کامل بارما رحم کننده
است (۱۶۰)

قوم لوط [هم] رسولان را تکذیب
کرده بودند (۱۶۱)

چون برادر ایشان لوط به آنها
گفت آیا شما تقوی اختیار نمی
کنید؟ (۱۶۲)

براستی من برای شما رسولی
امین هستم (۱۶۳)

پس خدا را تقوی اختیار کنید و
مرا اطاعت کنید (۱۶۴)

و مزدی بر این از شما نمی
خواهم. مزدم فقط بر پروردگار
مه جهانها است (۱۶۵)

آیا در سراسر جهان نزد مردان
میآید؟ (۱۶۶)

و آنها ترك میکنند که خدا برای

شما از مسران شما آفرید؟ بلکه
شما قوم تجاوزگرانید (۱۶۷)

گفتند، ای لوط! اگر تو باز نیایستی
حتماً تو از [شهر] بیرون رانندگان
خواهی شد (۱۶۸)

او گفت البته من از کردار شما
بیزارم (۱۶۹)

پروردگارا! امن و اهل مرا نجات
ده از آنچه آنها میکنند (۱۷۰)

پس نجات دادیم او و اهلش
مگانی را (۱۷۱)

مگر پیر زنی که از باز ماندگان
بود (۱۷۲)

پس دیگرانرا هلاک کردیم (۱۷۳)

و بارانی بر آنها بارانیدیم. پس
بسیار بد بود بارانی برای بیم
دادگان (۱۷۴)

یقیناً در این آیتی بزرگ است و
بیشتر ایشان مومنان نبوده
اند (۱۷۵)

و یقیناً پروردگار تو است که

أَرْوَا جِكْمًا ۖ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ ﴿۱۶۷﴾

قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهَ يَلُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ
الْمُخْرَجِينَ ﴿۱۶۸﴾

قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ ﴿۱۶۹﴾

رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ ﴿۱۷۰﴾

فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ﴿۱۷۱﴾

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغُبَرِ ۚ إِنَّ رَبَّ

كُنَّا لَمَدْرِينًا ۚ لَأُخْرِينَ ﴿۱۷۲﴾

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا ۖ فَسَاءَ مَطَرُ

الْمُنذَرِينَ ﴿۱۷۳﴾

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ

مُؤْمِنِينَ ﴿۱۷۴﴾

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿۱۷۵﴾

صاحب غلبه کامل بارها رحم

کننده است (۱۷۶)

اهل بیشه [هم] پیغمبران را

تکذیب کردند (۱۷۷)

چون شعیب به آنها گفت آیا

تقویٰ فرانمیگیرید؟ (۱۷۸)

یقیناً من برای شما رسولی امین

هستم (۱۷۹)

پس خدا را تقویٰ پیش گیرید و

مرا اطاعت کنید (۱۸۰)

و مزدی بر این از شما نمیخواهم.

مزد من فقط بر پروردگار همه

جهانها است (۱۸۱)

کیل کامل دهید و از کم دهندگان

نباشید (۱۸۲)

و با ترازوی راست وزن

کنید (۱۸۳)

و بمردم کالاهای ایشان کم ندهید

و مفسدانه در زمین ناامنی را

گسترش ندهید (۱۸۴)

و برسید از آنکه آفرید شمارا و

كَذَّبَ أَصْحَابُ لَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ ﴿٧٦﴾

إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿٧٨﴾

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿٧٧﴾

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا عَمَّ

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۚ إِنْ أَجْرِيَ

إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٨١﴾

أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ

الْمُخْسِرِينَ ﴿٨٢﴾

وَزِنُوا بِالْقِسْطِ ۖ أَلْمُسْتَقِيمِ ﴿٨٣﴾

وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْمُوا

فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿٨٤﴾

وَأَنْتُمْ الَّذِينَ خَلَقْتُمْ وَالْحِجْلَةَ الْوَالِينَ ﴿٨٥﴾

آفرینش اولین را (١٨٥)
 گفتند، تو فقط از جادو حواس
 پرت شدگانی (١٨٦)
 نیستی، تو جز بشری مانند ما و تو را
 از دروغگویان میپنداریم (١٨٧)
 پس بیفکن بر ما پاره‌ی از آسمان
 اگر تو از راستگویانی (١٨٨)
 [شعیب] گفت، پروردگام داناتر به
 آن کار است که میکنید (١٨٩)
 پس او را رد کردند. آنگاه آنها را
 عذاب روز ابر مهلك سایه افکن
 فرا گرفت یقیناً آن عذاب روزی
 بزرگ بود (١٩٠)
 یقیناً در این آیتی بزرگست و
 بیش تر ایشان ایمان آوردگان
 نبوده اند (١٩١)
 و یقیناً پروردگارتو صاحب غلبه
 کامل بارها را حکمکنده است (١٩٢)
 و یقیناً این [کلام] نازل کرده از
 پروردگار همه جهانهاست (١٩٣)+
 روح الامین با آن نازل آمد (١٩٤)

قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمَسْحُورِينَ ﴿١٨٥﴾

وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَإِنْ نَطُّبُّكَ لَمِنَ

الْكَذِبِينَ ﴿١٨٦﴾

فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِنْ كُنْتَ
 مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿١٨٧﴾

قَالَ رَبِّيَ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٨٨﴾

فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابٌ يَوْمَ

الظُّلَّةِ ۗ إِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٨٩﴾

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ۗ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ

مُؤْمِنِينَ ﴿١٩٠﴾

ع
١٩٤

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٩١﴾

وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٩٢﴾

نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ ﴿١٩٣﴾

بر دل تو تا تو از بیم دهندگان
شوی (۱۹۵) ++

بزبان عربی آشکاراست (۱۹۶) ++
و یقیناً این در صحیفه های پیشین
[مذکور] بود (۱۹۷) ++

آیا آنان را نشانه ای نیست که
علمای بنی اسرائیل [هم] آن را
می دانند (۱۹۸) ++

و اگر آن را بر کسی از عجمیان
نازل میکردیم (۱۹۹)

پس او آن را بر آنها فرو می
خواند نبودند که به آن ایمان می
آوردند (۲۰۰)

اینطور آن [امر] را بداخل دلهای
مجرمان کرده ایم (۲۰۱)

[که] به آن ایمان نیآوردند تا آنگاه
که عذابی دردناک را رویت
کنند (۲۰۲)

عَلَىٰ قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ ۗ

بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُّبِينٍ ۗ

وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ ۗ

أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ
بَنِي إِسْرَائِيلَ ۗ

وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ ۗ

فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ ۗ

كَذَٰلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ۗ

لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّىٰ يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ۗ

++ آیات ۱۹۳-۱۹۸: قرآن کریم بوسیله حضرت جبرائیل علیه السلام نازل کرده شد

که دومین نام ایشان الروح القدس نیز است و آن بر قلب آنحضرت ﷺ جاری کرده شد.

فَيَأْتِيهِمْ بَعْثَةٌ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٢١٣﴾

پس آن ایشان را ناگهان آید در
حالی که آنان درک هم نه
کنند (۲۰۳)

فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنْظَرُونَ ﴿٢١٤﴾

پس گویند، آیا ما مهلت دادگان
ایم؟ (۲۰۴)

أَفِعْدَابِإِنَّا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿٢١٥﴾

پس آیا عذاب ما را زود می
خواهند (۲۰۵)

أَفَرَأَيْتَ إِن مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ ﴿٢١٦﴾

پس آیا نگرستی اگر آنانرا چند
سال بهره ای برسانیم (۲۰۶)

ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿٢١٧﴾

سپس آنان را آید از آنچه بیم
داده میشدند (۲۰۷)

مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَمْتَعُونَ ﴿٢١٨﴾

هیچ بکارایشان نیاید آنچه بهره
موقتی که رسانده میشدند (۲۰۸)

وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا
مُنذِرُونَ ﴿٢١٩﴾

و هیچ شهری را ملامت نکردیم مگر
برایش بیدمندگان بودند (۲۰۹)

ماتفه ۱ عند المظلمين

[این] ذکر بسیار [عبرت ناک] است و
مرکز ماستگران نبودیم (۲۱۰)

ذِكْرِي ^ث وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٢٢٠﴾

و شیطانها با این [وحی] نازل نه
شدند (۲۱۱)

وَمَا تَزَلَّتْ بِهِ الشَّيْطَانُ ﴿٢٢١﴾

و نه آنها را سزاوار است و نه آنها
[اینرا] استطاعت دارند (۲۱۲)

وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ ﴿٢٢٢﴾

إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعَزُؤُلُونَ ﴿۲۱۳﴾

یقیناً آنها از شنیدن [کلام الهی]
معزول شده اند (۲۱۳)

فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ
الْمُعَذِّبِينَ ﴿۲۱۴﴾

پس با خدا هیچ معبودی دیگر را
نخوان و گرنه از عذاب شدگان
بشوی (۲۱۴)

وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ ﴿۲۱۵﴾

و قبیله یعنی قرابتداران خود را
بترسان (۲۱۵)

وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ
الْمُؤْمِنِينَ ﴿۲۱۶﴾

و بال خود را فرود آر بر آنان
از مومنان که تو را پیروی می
کنند (۲۱۶)

فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا
تَعْمَلُونَ ﴿۲۱۷﴾

پس اگر از تو نافرمانی کنند پس
بگو براستی من برکنارم از آن
کار که میکنید (۲۱۷)

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ﴿۲۱۸﴾

و توکل کن بر صاحب غلبه کامل
بارها رحم کننده (۲۱۸)

الَّذِي يَرَبُّكَ حِينَ تَقُومُ ﴿۲۱۹﴾

آنکه می بیند تو را چون بپا
ایستی (۲۱۹)

وَتَقَلَّبَكَ فِي السَّجِدِينَ ﴿۲۲۰﴾

و ببقراری تو را در سجده
کنندگان (۲۲۰)

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۲۲۱﴾

یقیناً او بسیار شنوای صاحب علم
دائمی است (۲۲۱)

هَلْ أَنْبِئُكُمْ عَلَىٰ مَنْ نَزَّلَ الشَّيْطَانُ ۖ

آیاب تو خبر کنم بر آنکه شیطانها
بکثرت نازل می‌آیند (٢٢٢)

تَنْزَّلَ عَلَىٰ كُلِّ أَقَّاكٍ أَثِيمٍ ۗ

نازل می‌آیند بکثرت بر هر کدام
دروغ بردازی گنامکار (٢٢٣)

يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثُرُهُمْ كَاذِبُونَ ۖ

گوش [به سخنان آنها] فرامی‌دهند و
از آنها بیشتر دروغ‌گویانند (٢٢٤)

وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ ۗ

نسبت به شاعران، تنها گمراهان
آنها را پیروی میکنند (٢٢٥)

الْمُرْتَدَّاهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهيمُونَ ۗ

آیا نمی بینی که آنها در هر وادی
سرگردانند (٢٢٦)

وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ ۗ

و اینکه آنها می‌گویند آنچه عمل
نمیکنند (٢٢٧)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

مگر آنان [از آنها] که ایمان
آوردند و شایسته کاری کردند و

وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا

خدا را زیاد ذکر کردند و انتقام
گرفتند از پس آنچه ستم شدند

ظَلَمُوا ۗ وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ

و کسانی که ستم کردند خواهند
دانست که به کدام بازگشتگامی

ۚ

مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ۗ

برگردند (٢٢٨)

۲۷ النمل

این سوره در مکه نازل آمد و با بسم الله ۹۴ آیه دارد.

آغاز این سوره با حروف مقطعات طسّ میشود. خدای سبحان طیب است و او حضرت محمد رسول الله ﷺ را نیز طیب بوجود آورد و بر طیب شیاطین نازل نمیشوند. لذا احتمالاً این کلام از چنین خدای طیب است که بسیار صاحب حکمت است و او وحی طیب و پر حکمت را بر بنده طیب خود فرستاد.

ضمناً ذکر از حضرت موسی بازگو کرده گفته میشود خداوند بندگان پاک خود را بوسیله وحی متبارک مینماید. چنانکه آیت ۹ حاکی از این است که آن بندگان نیکوکار خدا که نور خدا را تلاش میکنند خداوند ایشان را جلوه نور خود نشان داده بسوی برکات میخواند.

پس از این ذکر از حضرت داؤد علیه السلام و حضرت سلیمان علیه السلام میرود که مشتمل بر بسیار چنین امورات است که از مصطلحات قرآنی پرده ای برداشته و انسان را از تاریکیها بروشنی درمیآرد. اما در این موضوع بسیاری از چنین آیاتی متشابه شامل است که از آن کسانی که در دلهای ایشان کجی است به ژرفای موضوع نرسیده گمراهر میشوند. از آنجمله بیشتر از همه قابل توجه منطق الطیر است. منطق الطیر از روی قرآن زبان آنان است که همچون مرغان در آسمان پرواز میکنند یعنی در زبان آسمانی گفتگو میکنند. این خیال درست نیست که حضرت سلیمان علیه السلام به آن زبان دانا بودند که در آن مرغان بهم حرف میزنند. بسیاری آیتهای این سوره این سوء زن را رد میکنند. بعنوان مثال به فرموده قرآن قوم نمل بهم حرف میزدند و حضرت

سلیمان آنرا فهمیدند. اگر منظور از نمل بجای قوم نمل به گفته بعضی از مفسران مورچه های پنداشته شود باز هم مورچه که طیر یعنی پرنده ای نیست. پس حضرت سلیمان که منطق الطیر اعطا شده بودند چطور زبان مورچه ها را درک کردند.

بعلاوه گفته میشود که در ارتش حضرت سلیمان علیه السلام لشکر پرندگان نیز بود که سرداران آن سراغ ملکه سبارا گرفته به دربار وی رسید. چون او بازگشت علت از عدم حضور خود را بیان کرد. از آنچه چنین برمیآید که گویی او تمامی آن سخنان را که در دربار ملکه گفته شد، درک میکرد. جالب اینست که زبان درباریان و ملکه که زبان پرندگان نبود. ضمناً وقتیکه او نامه حضرت سلیمان را به ملکه ارائه داد باز هم آن گفتگو که میان ملکه و درباریان صورت گرفت آنهمه در زبان انسانی بود و آن پرنده توانست درک کند. مجلاً میتوان گفت که در این سوره همه قصه ها و اساطیر را نسبت به کلمات منطق الطیر رد کرده همین معنا مورد تایید قرار داده میشود که بندگان خدا در زبان آسمانی صحبت میکنند.

ضمناً ملکه از روی سیاسی برتری حضرت سلیمان را قبول کرده بود اما هنوز در حقیقت دست از دین خود برداشته به دین توحید حضرت سلیمان داخل نشده بود. برای فهماندن این امر کارایگران حضرت سلیمان علیه السلام چنین فرشی را در دربار ایشان درست کردند که آن مانند شیشه میدرخشید و ایجاد احساس مینمود که آن نه فرش بلکه آب است. بنابراین ملکه سبأ برای پرهیز از آب جامه را از ساقهای خود برداشت. آنگاه حضرت سلیمان بدو پند دادند که خورشید نیز که مثل این منبع نور بچشم میخورد

درحقیقت فیض از نور خدا حاصل میکند و آنانکه اینرا منبع نور می پندارند همینطور فریب میخورند که نگاه ملکه سبا فریب خورد. پس از این سخن ملکه به حقیقت امرحالی شد که هرسو فقط جلوه خدا است و باقی جلوه ها همگان فریب نظر است.

سپس پیوسته ذکر از آن پیغمبران میرود که چون ایشان پرچم توحید را بلند کردند، ملت‌های مشرک بطوریکه قوم سبأ مشرک بود تکراراً ایشان را رد کردند و اگرچه خداوند قوم سبأ را بعلمت هدایت یافتن ایشان بخشود اما دیگران بعلمت دنبال کردن راه شرک، ملامت کرده شدند.

سپس فرمود که موضوع توحید خداوندی که سرچشمه حیات است همچون باران برانبیاء نازل میشود. لذا زندگی مادی هم متکی بر آب آسمانی است و زندگی روحانی هم به انبیا از فیض آب آسمانی حاصل میشود.

درضمن سؤال برداشته شده است که آیا گذشته از خدا هیچ هم خدای ساخته میتواند نظام باریدن آب شفاف را تنظیم کند؟ این موضوع بر این سخن بپایان رسانده شد که خداوند بمیان دریاها مانعی درست کرده است. این موضوعی است که همچون آب آسمانی بر رسول الله ﷺ نازل شد وگرنه در زمان ایشان هیچ نوع معلومات علمی یا جغرافیائی وجود نداشت. موضوعی که قرآن مجید درباره مانعی بمیان دریاها بیان کرده است در حقیقت در این یک پیشگوئی پنهان بود که باید هنگام راست آمدن آن برای کاوشگران ایمان افروز اثبات میشد - یعنی خداوند دریاها را که میان آنها مانعی ناقابل عبور ساخته شد، بهم خواهد پیوست. درباره این موضوع پیشگوئی آشکار درآیت‌های دیگر مزبور است.

اکنون همان موضوع دعا را که پیوسته در چند سوره های گذشته جاری است بازگو کرده فرموده میشود که چون يك درمانده دعا میکند خدا آنرا مستجاب مینماید. امری شگفت انگیز اینست که این موضوع نیز تعلق به دریاها دارد. بطوریکه به گفته آیتهای دیگر چون بعضی مردم گرفتار در طغیان دریاها نومید میشوند و در نهایت وضع آشفتهگی و بیقراری خدای متعال را میخوانند، او آنانرا از آن طغیان هولناک نجات داده به خشکی می رساند. ولی با وجود این نجات و قتیکه بعضیها مجدداً بسوی شرك باز میگردند پس خداوند بر این امر قدرتمند است که آنانرا در خشکی فروبرد. این موضوع بتفصیل در آیتهای دیگر نیز بیان شده است و در عین حال در قرآن مجید ذکر از آنانکه در زمین فرو برده شدند نیز یافت میشود. بعنوان مثال امروز نیز دیده میشود که به گاه ها در صورت زلزله ها شهرهای بزرگ بر اثر انفجار زمین بخاک کرده میشوند.

در ادامه این موضوع فرموده شد که بایستی انسان فکر کند که کیست که در تاریکیهای دشت و دریا او را از مرنوع مخاطرات نجات میدهد؟ آیا معبودی دیگر جز خدا است؟ دنبال این فرمود، کیست که نخست بار تخلیق میکند و پس آن تخلیق را مدام تکرار میکند؟ آیا معبودی دیگر هم جز خدا است؟ این عبارت از این درس است که قتیکه آنان می بینند که نخست بار هم همان خدای متعال میآفریند [و گرنه آغاز آفرینش را هیچ راهی نیست] و سپس روزانه همان عمل را پیوسته تکرار کرده هر آن در تمام دنیا از برکت آب زندگی گوناگون را از خاک درمیآرد، دیگر چطور ممکن است که او به انجام این امر ناتوان بماند که انسان را پس از مرگش بخواسته خود دوباره

زنده بنماید؟ اما چنانکه آنها را بر آخرت هیچ دانشی نیست بنابراین بجهت دوباره زنده شدن خود مردد میمانند. خداوند رسول الله ﷺ را از روی این پس منظر خطاب کرده فرمود که مثل کافران و مشرکان همچون دو میت است و صدای تو به مردگان نمیرسد. پس وقتی که تو آنان را بسوی هدایت میخوانی صدای تو به این کران عقل نمیرسد. بر همین منوال کوران رانیز نور تو هیچ بهره ای نمیرساند زیرا که برای دنبال کردن نور باید چشمان نیز دارای نور باشند.

در آیت ۸۳ هشدار بزرگ است به آنهایی که زندگی را روی زمین همچون جانوران میگذرانند که جنبنده ای زمینی به کیفر آنها گمارده خواهد شد. اینجابر "تکلمهم" مردومعنا اطلاق میشود. یکی معنایست که آن جنبنده تکلم خواهد کرد یعنی در زبان حال با آنها تکلم خواهد کرد و معنای دیگر اینست که آن آنها را گزیده و آنها به مرضی بسیار هولناک گرفته خواهند شد. پس در این آیه کریمه کلمات "دابة الارض" حاکی از آن موشهای است که هم دابة اند و هم روی زمین موجب گسترش مرض طاعون میباشند. آن کرمهای بر پشت اینها سوار اند که از نیش زدن آنها طاعون گسترش مییابد.

کوه ها را مردم در زمان رسول الله ﷺ جامد میپنداشتند. ولی آیت ردیف ۸۹ حاکی از اینست که آنها با اینکه محکم در زمین پیوست اند همچون ابرها مدام پرواز میکنند. در این مورد هیچ استنباط نتوان کرد جز اینکه آنها نیز همراه با زمین مانند ابرها گردش میکنند. آخرین قسمت این آیت قطعی اثبات کرد که منرخدائی که این کوه ها را در زمین میخکوب کرده است چطور از آن تنقید توان کرد؟ اینجا این اندیشه نیز ازاله کرده شد که این واقعه

روزقیامت صورت خواهدگرفت. روز قیامت که هیچ چشم این کوه ها را پرواز کنان نخواهد دید و اگر کوه ها آنروز پروازکنند این برخلاف ادعای اتقن کلّ شیء خواهدبود. بنابراین چاره ای نیست جزاینکه انسان قبول کند که کوهها درزمین آنگونه گردش میکنند که ابرها درآسمان پروازکرده بچشم میخورند. این همه امور بیان میشود تا دانشمندان بخود ببندند که خدای متعال پروردگارایشان صانع بزرگ است.

درآخرین آیه این سوره این وعده داده میشود که نشانه های مذکور برای نوع انسان حتماً بظهور رسانده خواهند شد. آنها شامل هم نشانه های زمینی و هم نشانه های آسمانی میباشند و اهل علم در زمان آینده به این امر گواهی خواهندداد که چنانکه قرآن مجیدفرموده بودعیناًمانطورصورت گرفته است.

☆ سُوْرَةُ النَّمْلِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ أَرْبَعٌ وَتِسْعُونَ آيَةً وَ سَبْعَةٌ رُكُوعَاتٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیاربخشنده بارها رحم کننده (۱)

طَيِّبٌ وَ سَمِيعٌ - پاک و بسیار

شنوا - این آیات از قرآن و

کتابی آشکار است (۲)

هدایت و مژده است مومنان

را (۳)

آنانکه نماز را بپای دارند و زکوت

میدهند و آنانکه ایشان به آخرت

یقین دارند (۴)

یقیناً کسانیکه به آخرت ایمان

ندارند برای آنها اعمالشان مزین

نشان داده ایم پس آنها سرگردان

میشوند (۵)

مانهاند که برایشان عذابی بد

است و آنها در آخرت زیانکارتر

اند (۶)

و یقیناً قرآن به تو از نزد صاحب

بسیار حکمت صاحب علم در داده

﴿۱﴾

طَسَّ تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ

مُذِينٍ ①

هُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ ②

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ

وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ③

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّاتٌ لَهُمْ

أَعْمَالُهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ ④

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي

الْآخِرَةِ هُمْ الْأَخْسَرُونَ ⑤

وَإِنَّكَ نَتَلَقَى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ

عَلِيمٍ ⑥

میشود(٧)

هنگامیکه موسی به اهل خود گفت
به راستی من آتشی میبینم. پس
یا از آنجا برای شما خبری میآرم یا
برای شما پاره آتش میآرم تا شما
گرم شوید(٨)+

پس چون نزدش آمد ندا داده شد
که برکت داده شد آنکه در این
آتش است و آنکه پیرامون آنست
و پاک است خدا پروردگار همه
جهانها(٩)++

ای موسی! یقیناً این [خطاب کننده]
منم خدا صاحب غلبه کامل صاحب
حکمت(١٠)++

إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا
سَاتِيكُمْ مِنْهَا خَبِرَ أَوْ آتِيكُمْ بِشَهَابٍ
قَبَسٍ لَّعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ﴿٧﴾

فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي
النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسَبَّحْنَ اللَّهَ رَبَّ
الْعَالَمِينَ ﴿٨﴾

يُوسَىٰ إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٩﴾

وَأَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تُهْتَزُّ كَانَهَا

++ آیات ٨- ١٠: در این سه آیت سخن از واقعه نازل شدن وحی بر حضرت موسی
رفته است چون ایشان با خانواده خود از مدین مهاجرت کرده بسوی مصر باز می
گشتند. آنوقت زمستان بود و ایشان به آتش نیاز داشتند. ایشان برکوه طور شعله ی
روشن آتش سان دیدند. اما چون ایشان آنجا رسیدند هیچ آتش نبود بلکه بخشی از
درخت بطور فوق العاده روشن دیده میشد. آنگاه خداوند برایشان وحی فرستاد
که آنچه را تو آتش سان روشن می بینی آن آتش نیست بلکه نور من میدرخشد. این
تمثیلی است.

جَانٌّ وَّلِيٌّ مُدْبِرًا وَّلَمْ يَحْقُبْ ط اِمْرًا
لَا تَخَفْ ۖ اِنِّي لَا يَخَافُ لَدَى
الْمُرْسَلُونَ ۙ ﴿١١﴾

آن را حرکت کننده دید گویی آن
ماری بود، پشت کرده برگشت و
پشت سر نگاه نکرد. ای موسی!
نترس. همانا رسولان در قرب من
نمیترسند (۱۱)

اَلَا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلْ حِسَابًا بَعْدَ سُوْءٍ
فَاِنِّي غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿١٢﴾

مگر آنکه ستم کرد سپس بدی را
به نیکی تبدیل نمود پس یقیناً من
بسیار آمرزنده‌ی بارها را حکمکننده
ام (۱۲)

وَاَدْخَلَ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ
بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوْءٍ ۖ فَاِنِّي تَسْعُ اَيْتٍ اِلَى
فِرْعَوْنَ وَ قَوْمِهِ ۗ اِنَّهُمْ كَانُوْا قَوْمًا
فٰسِقِيْنَ ﴿١٣﴾

و دست خود را بداخل گریبان
خود کن آن بدون عیب درخشان
بیرون آید. [ایندو] شامل نه نشانه
است بسوی فرعون و قومش البته
آنها قومی زشت کردارانند (۱۳)

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ اٰيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوْا هٰذَا
سِحْرٌ مُّبِيْنٌ ﴿١٤﴾

پس چون آنها را آیتهای بینش
بخش ما آمد گفتند، اینکه جادوئی
آشکار است (۱۴)

وَجَحَدُوْا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا اَنْفُسُهُمْ
ظُلْمًا وَّعُلُوًّا ۗ فَاَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
الْمُفْسِدِيْنَ ۙ ﴿١٥﴾

و ظلم و سرکشی کنان به آنها
انکار کردند با آنکه دلهای ایشان
آنها را باور کرده بودند. پس بنگر
فرجام مفسدان چگونه است (۱۵)

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ
 عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۶﴾

یقیناً داود و سلیمان را دانشی
 فراوان داده بودیم و مردو گفتند،
 ستایش مطلق برای خداست آنکه
 ما را بر بیشتر از بندگان مومن
 خود برتری داد (۱۶)

وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ
 عِلْمُنَا مَطِيقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ
 شَيْءٍ ۗ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ ﴿۱۷﴾

و سلیمان وارث داود شد و گفت ،
 ای مردم! ما زبان پرندگان آموخته
 شده ایم و ما را از هر چیز ارزانی
 داده شد. یقیناً این فضلی آشکار
 است (۱۷)

وَخُسْرَ لِسُلَيْمَانَ جُودَهُ مِنَ الْجِبِّ
 وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿۱۸﴾

و برای سلیمان لشکریانش از جنها
 و انسانها و پرندگان گردآورده
 شدند پس آنها جداگانه صف آرایی
 شدند (۱۸)

حَتَّىٰ إِذَا اتَّوَعَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ ۗ قَالَتْ
 نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسْكِنَكُمْ ۗ لَا
 يَحْطَمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُودُهُ ۗ وَهُمْ لَا
 يَشْعُرُونَ ﴿۱۹﴾

تا آنگاه که چون بر وادی نمله
 رسیدند زنی گروه نمل گفت: ای
 قوم نمل! درخانه های خود بیایید
 [تا] سلیمان و لشکریانش شمارا
 له نکنند حالیکه ایشانرا احساس
 هم نباشد (۱۹)

فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ

بس [سلیمان] از سخنش تبسم

نمود و گفت، پروردگارا! توفیقم بده
 که شکر آن نعمت بجا آورم که بمن
 و والدینم ارزانی داشتی و این
 که نیکوکاری کنم که تو را خوش
 آید و مرا برحمت خود به داخل
 بندگان نیکوکار خود بنما (۲۰)

و او انسانی بلند خیال را ناپیدا
 یافت پس گفت مرا چیست که
 همد را نمی بینم یا او از غیبت
 کنندگان است (۲۱) ++

حتماً او را سخت عذاب دهم یا
 او را بکشم یا باید [بدفاع خود]
 مرا دلیلی محکم بیآرد (۲۲)

پس [سلیمان] را دیری نپایید که او
 [همدهد] آمد و بمحض رسیدن گفت،
 آن امری را فرا گرفته ام که تو آن
 را فرانگرفتی و تو را خبر حتمی از
 قوم سبا آورده ام (۲۳)

براستی من زنی را دیدم که بر

أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي
 أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ
 صَالِحَاتٍ تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي
 عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ﴿٢٠﴾

وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى
 الْهَدْدَ ۗ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ ﴿٢١﴾

لَأَعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَا أَذِجُّنَّهُ
 أَوْ لِيَأْتِيَنِّي بِسُلْطَنِ مُبِينٍ ﴿٢٢﴾

فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطَّتْ بِمَا
 لَمْ تَحِظْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ
 بِنَبَأٍ يَقِينٍ ﴿٢٣﴾

إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ

++ آیت ۲۱: "طیر" بمعای بلند خیال انسان است [غریب القرآن]. "همدهد" در عبرانی

"همدهد" اسم یکی ژنرال از ارتش حضرت سلیمان بود [جیوش انسائیکلوپدیا].

مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ ﴿٢٤﴾

آنها حکمرانی میکرد و او را هر چیز ارزانی داشته شد و وی را تختی بزرگ است (٢٤)

وَجَدُّهُمَا وَقَوْمَهُمَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ ﴿٢٥﴾

و آن [زن] و قومش را جز خدا به خورشید سجده کنان دیدم و شیطان اعمال آنها را به آنها زیبا بنمایش گذارده است. پس آنها را از راه راست بازداشته است پس آنها هدایت نمیابند (٢٥)

أَلَّا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبْءَ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ﴿٢٦﴾

[شیطان آنها را برانگیخته است] که آن خدا را سجده نکنند که چیز های پوشیده در آسمانها و زمین را درآورد و میداند آنچه نهان کنید و آنچه عیان کنید (٢٦)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿٢٧﴾

خدا است که نیست معبودی جز او و او پروردگار عرش عظیم است (٢٧)

قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٢٨﴾

[سلیمان] گفت، ما بررسی میکنیم آیا راست گفتی یا تو از دروغ گویانی (٢٨)

إِذْ هَبُّ بِكِتَابِي هَذَا فَأَلْقَاهُ إِلَيْهِمْ ثُمَّ

این نامه من ببر و آنرا روبروی

ایشان بگذار سپس از آنها بگرد
و بنگر که چه پاسخ میدهند (۲۹)
[این نامه را دید و] ملکه گفت، ای
سرداران! یقیناً نامه ای گرامی به
سوی من فرستاده شد (۳۰)

همانآن از سلیمان است و البته
اینست، بنام خدا بسیار بخشنده و
بارها رحم کننده (۳۱)

اینکه بر علیه من سرکشی نکنید و
مرا فرمانبرداران بیایید (۳۲)
[ملکه] گفت، ای سرداران! در کار
من رای دهید. نیستم من امری را
سپری کنم تا بمن رای دهید (۳۳)
گفتند، ما دارندگان نیروئی و جنگ
جویان سرسخت هستیم در حالی
که امر کردن بتواست. پس بخود
بیاندیش تا چه امر کنی (۳۴)

ملکه گفت، براستی پادشاهان چون
وارد شهری شوند آنرا فاسد کرده
و عزتمندان از ساکنان آنرا خوار
گردانند و همینطور میکنند (۳۵)

تَوَلَّ عَنْهُمْ فَأَنْظِرْ مَاذَا يَرِجُونَ ﴿۳۱﴾

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوْاِئِنِّي أُلْقِيَ إِلَيْكِ كِتَابٌ
كَرِيمٌ ﴿۳۲﴾

إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ ﴿۳۳﴾

أَلَا تَعْلَمُونَ عَلَيَّ وَأَتُونِي مُسْلِمِينَ ﴿۳۴﴾

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوْا أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا
كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُوْنَ ﴿۳۵﴾

قَالُوا نَحْنُ أَوْ لَوْاقُوَّةٌ وَأَوْ لَوْ أَبِيسُ
شَدِيدٌ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانظُرِي مَاذَا
تَأْمُرِينَ ﴿۳۶﴾

قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً
أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِهَا
أَذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿۳۷﴾

وَإِنْ مُرْسَلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَظِرَةٌ
بِمِ رِجْعِ الْمُرْسَلُونَ ﴿٣٦﴾

والبته من هدیة ی بسوی ایشان
می فرستم. پس منتظر میشوم که
فرستادگان با چه [جوابی] باز می
گردند (٣٦)

فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمٌ قَالَ أَتِمِدُّوْنَ بِمَالِ
فَمَا آتَيْنِ اللّٰهَ خَيْرٍ مِّمَّا آتَيْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ
بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ ﴿٣٧﴾

پس وقتیکه [فرستاده] سلیمان را
آمد او گفت، آیا میخواهید مرا با
مال کمک کنید حالیکه آنچه خدا
بمن در داده است خیلی بهتر از
آنچه است که بشما داده شد. شما
بهدیة خود خرسند میشوید (٣٧)

ارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَّا قِبَلَ
لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِّنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ
صٰغِرُونَ ﴿٣٨﴾

[ای فرستاده] بسوی ایشان باز گرد
والبته مانند ایشان با لشکرهای
میآیم که آنرا طاقت [مقابله]
آنها نباشد و آنها را از آن [شهر]
خوار بیرون کنیم حالیکه آنها
بیچارگانند (٣٨)

قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوْا أَيْكُمُ يَا بَنِي بَعْرِشَہَا
قَبْلِ أَنْ يَأْتُوْا نِي مُسْلِمِينَ ﴿٣٩﴾

[سلیمان] گفت: ای سرداران! کیست
از شما که تخت او را مرا بیآرد
بیش از اینکه مرا فرمانبرداران
شده بیآیند (٣٩)

قَالَ عَفْرِيْتُ مِّنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ

گفت عفریت از جنها، من آنرا

تَقْوَمُ مِنْ مَّقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ
أَمِينٌ ﴿۱۹﴾

نزدتو می‌آرم قبل از اینکه از جای
خود کوچ کنی و یقیناً من بر آن
توانای قابل اعتماد هستم (۴۰) ++

گفت آنکه اورا علم کتاب بود، من
آنها نزد تو می‌آورم بیشتر از این
که دسته نگاهبانان توبسوی تو
بازگردند. پس هنگامیکه آنها نزد
خود نهاده یافت گفت، این محض
از فضل پروردگارم است تا مرا
آزمایش کند آیا شکر می‌کنم یا
ناشکری میکنم و هرکه شکر کند
پس فقط برای نفس خود شکر می
کند و هرکه ناشکری کند آنگاه
یقیناً پروردگارم بی نیاز صاحب
اکرام است (۴۱) ++

قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا
أَتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ ۚ
فَلَمَّا رَأَاهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ
فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي ءَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ ۚ
وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ ۚ وَمَنْ
كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ ﴿۲۰﴾

++ آیت ۲۰: عفریت جنی نیست که عرفاً جن گفته میشود سرداران جابر از قومهای
کوهستانی نیز جن گفته میشوند و آنان تابع حضرت سلیمان بودند.
++ آیت ۲۱: درین آیت علم کتاب بمعنای علم بائبل نیست. آنحضرت ﷺ فرمودند علم
رادونوع است. علم الادیان و علم الابدان که این یکی از امثال آنست. عفریت دانش
پژوهنده ی بزرگ بود و او بزرور علم خود میتوانست مشکلترین چیزی را کپی کند. پس
او ادا کرده که او میتواند اینکار مشکل را انجام دهد قبل از اینکه لشکریان تو برسند.

[سليمان] گفت، تختش را برای
وی معمولی بگردانید. بینم آیا
بحقیقت مییابد یا از جمله کسانی
است که هدایت نمییابند(۴۲)++
پس هنگامیکه او [ملکه] آمد از او
پرسیده شد آیا تختش اینسانست؟
او گفت، گویی این همانست و ما
دانش همان قبل از این داده شده
و تسلیم شدگان بودیم(۴۳)++

و [سليمان] او را بازداشت از آنچه
را که فرود از خدا عبادت میکرد.
یقیناً او از قوم کافران بود(۴۴)
بدو گفته شد که وارد کاخ شود.
پس چون آنرا دید آنرا آبی عمیق

++آیت ۴۲: بنابر سخن عفریت حضرت سليمان فرمان دادند که تخت ملکه را
معمولی ساخته برایش بنمایش گذارده شود و قرار بر این نبود همان تخت ملکه
فرا آورده شود بلکه مفهوم این بود که آن تخت کپیه کرده درست شود تا بر تختی
که او غرور داشت بطور معمولی بنمایش گذارده شود.

++آیت ۴۳: در این آیت تمامی محتویات سخن آشکار میگردد. ملکه این طور نه
پرسیده شد که آیا همین تخت تو است بلکه پرسیده شد که آیا تخت تو همین گونه
است. ضمناً جواب ملکه این نبود که این همان است بلکه گفت که این اینقدر
متشابه آنست که گویی همان است.

قَالَ نَكِرُوا لَهَا عَرَشَهَا نَنْظُرَ أَتَهْتَدِي أَمْ
تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ ﴿٤٢﴾

فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَهَكَذَا عَرَشُكَ
قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ ۖ وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِنْ
قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ ﴿٤٣﴾

وَصَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ
إِنَّهَا كَانَتْ مِنْ قَوْمٍ كَافِرِينَ ﴿٤٤﴾

قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ ۖ فَلَمَّا رَأَتْهُ
حَسِبَتْهُ لُجَّةً ۖ وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقِهَا ۖ قَالَ

إِنَّهُ صَرَخَ مُمَرَّدٌ مِّنْ قَوَارِيرَ ۖ قَالَتْ
رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ
سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٦﴾

۴۶
۱۸

پنداشت و جامه را از دوساق خود برداشت. سلیمان گفت، یقیناً این کاخی است نشانده ای از آبگینه ها [ملکه] گفت پروردگارا! یقیناً بر جان خودستم کردم. حالا با سلیمان برای خدا پروردگار همه جهانها تسلیم می شوم (۴۵) ++

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا
أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ ۖ فَأِذَا هُمْ فَرِيقَن
يَخْتَصِمُونَ ﴿٤٧﴾

و همانا بسوی ثمود برادر ایشان صالح را فرستادیم [او گفت] خدایا عبادت کنید. پس ناگاه آنها دو گروه شده ستیزه کردند (۴۶) او گفت، ای قوم من! چرا قبل از خوبی به بدی عجله میکنید؟ چرا از خدا مرزش نمیطلبید تا شما تراحم کرده شوید (۴۷)

قَالَ يَقَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ
الْحَسَنَةِ ۚ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ
تُرْحَمُونَ ﴿٤٧﴾

++ آیت ۴۵: ملکه اجازه داده شد که به کاخ وارد شود. فرش آن کاخ از آبگینه درست شده بود و از روی درخشندگی خود آب بجشم میخورد حالانکه فرش معمولی بود و آب هرگز آنجا وجود نداشت. ملکه آنرا آب پنداشت و جامه خود را بسوی بالا جمع کرد تا خست نشود. آنگاه حضرت سلیمان بدو برگفت که اینهم جوال نگاه است بدانگونه که خورشید را روشن دیده میپنداری که آن خودش منشاء نور است درحالیکه بحقیقت نور خدای در آن روشن همی شود. بنا بر این گفتار او بخرد یافت که ما خورشید را بنا حق پرستش میکردیم.

قَالُوا ظَلَمْتُمْ أَتَمَنَّا بِكُمْ وَيَمَنُ مَعَكُمْ قَالُوا
ظَلَمْتُمْ كُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ
تَفْتَنُونَ ﴿٤٨﴾

گفتند. تو و به کسانی که با تو
اند را بفال بد میگیریم. او گفت
فال بدشانزد خداست بلکه شما
قومی هستید که آزمایش کرده
شوید (۴۸)

وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ
فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ﴿٤٩﴾

و نه تن در شهر بودند که در سر
زمین فساد میکردند و اصلاح نمی
کردند (۴۹)

قَالُوا اتَّقُوا اللَّهَ لِنُبَيِّنَهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ
لَنَقُولَنَّ لَوْ لِيَوْمِهِمْ مَا شَهِدْنَا مَا هَلِكَ أَهْلُهُمْ
وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿٥٠﴾

گفتند. بهم سوگند به خدا یاد
کنید که حتماً بر او و اهل خانه
اش شیخون زنیم سپس به
سرپرست او گوئیم هرگز هلاک
اهل خانه اش را مشاهده نکردیم
و یقیناً ما راستگویانیم (۵۰)

وَمَكْرُؤٌ مَكْرُؤٌ مَكْرُؤٌ مَكْرُؤٌ مَكْرُؤٌ
يَسْعُرُونَ ﴿٥١﴾

و آنها نیرنگی بزرگ زدند و ما
هم [جواباً] نیرنگ کردیم و آنها
میچ در نیافتند (۵۱)

فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ ۗ أَنَا
دَعَرْتُهُمْ وَقَوْمُهُمْ آجَمِعِينَ ﴿٥٢﴾

پس بنگر فرجام نیرنگ آنها چه
گونه بود. یقیناً ما آنها و قوم ایشان
همگان را هلاک ساختیم (۵۲)

فَتِلْكَ بَيُوتُهُمْ خَاوِيَةٌ بِمَا ظَلَمُوا ۗ إِنَّ فِي

پس این خانه های آنانند که

ذَلِكَ آيَةٌ لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٥٦﴾

مخروبه شد به [علت] آن ستم
گری آنها که میکردند. یقیناً در این
آیتی است برای قومیکه دانش را
بکار برند (٥٣)

وَأَنْجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿٥٦﴾

ونجات دادیم کسانی را که ایمان
آوردند و تقوی را پیشه کردند (٥٤)
ولوط را چون اوبقوم خود گفت،
آیا مرتکب فحشائی میشوید
حالیکه شما خوب در مییابید (٥٥)
آیا احتمالاً شما زنان را ترك کرده
نزد مردان بشهوت میآید؟ بلکه
شما قومی هستید که خود را بنادانی
میزنید (٥٦)

وَلَوْ طَأَّ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ
وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ ﴿٥٥﴾

أَيُّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ
النِّسَاءِ ۗ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ ﴿٥٦﴾

پس جواب قومش هیچ نبود مگر
این که گفتند که خاندان لوط را
از شهر خود بیرون کنید یقیناً آنها
مردانی پاکی جویانند (٥٧)

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا
أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِنْ قَرْيَتِكُمْ ۚ إِنَّهُمْ
أَنْفُسٌ يَتَّبِعُهُرُونَ ﴿٥٧﴾

پس ما او را نجات دادیم و هم
اهلش را جز زنش که وی را از جمله
بازماندگان شمردیم (٥٨)

فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ ۗ قَدَّرْنَا
مِنْ الْعَذَابِ لَهَا ﴿٥٨﴾

و بر آنها يك بارانی بارانیدیم و

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا ۚ فَسَاءَ مَطَرُ

الْمُذْرِبِينَ ﴿٥٩﴾

چه زشت است بارانی برای
هشدار دادگان (۵۹)

قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ
اصْطَفَىٰ ۗ اللَّهُ خَيْرٌ مَّا يُشْرِكُونَ ﴿٦٠﴾

بگو ستایش مطلق از آن خداست
و درود باد بر آن بندگان که او
ایشان را برگزید. آیا خدا بهتر
است یا آنها که شریک قرارداده
شوند (۶۰)

یا [بگویند] کیست که آسمانها و زمین را آفرید و آب را برایشما از آسمان فرو فرستاد و بدان باغ های رونق بخشاء رویانیدیم. شما را ممکن نبود که درختان آنها را رشدونمو دهید. آیا هیچ معبودی است با خدا؟ اینچنین نیست بلکه

آنها قومی بی انصاف اند (۶۱)

یا کیست که زمین را قرارگاهی ساخت و در آن نهرهای جاری کرد و برای آن کوهها قرارداد و میان دودریا مانعی نهاد. آیا هیچ معبودی است با خدا؟ [نخیر] بلکه بیشتر ایشان نمیدانند (۶۲)

یا کیست که بیچاره را اجابت کند چون او را میخواند و سختی را دور کند و شمارا وارث زمین میگرداند آیا هیچ معبودی است با خدا؟ کم است آنچه پند میگیرند (۶۳)

یا کیست که شمارا در تاریکی های بروبحر رهنمائی میکند و کیست

أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا ۗ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ ﴿٦١﴾

أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلْفَهَا أَنْهْرًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا ۗ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ هُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٦٢﴾

أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ ۗ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ قَلِيلًا مَا تَدَّكُرُونَ ﴿٦٣﴾

أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُرْسِلُ الرِّيْحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ

که پیشروی رحمت خودبادهای
مژده رسان را میفرستد. آیا هیچ
معبودی است با خدا؟ بلندتر است
خدا از آنچه شرك میورزند (۶۴)
یا کیست که آفرینش را ابتدا کند
سپس آن را تکرار کند و کیست
که شمارا در آسمان و زمین رزق
درمیدهد. آیا هیچ معبودی است
با خدا؟ بگودلیل خود را بیآرید
اگر شمارا استگویانید (۶۵)

بگو نمیداند آنکه در آسمانها و زمین
است غیب راجز خدا و نمیابند
چه هنگام برخیزانده خواهند
شد (۶۶)

بلکه دانش آنان در مورد آخرت
بفایت رسیده است بلکه آنها از آن
درشکنند بلکه آنها در مورد آن کور
شده اند (۶۷)

و آنانکه کفر کردند گفتند آیا چون
ما خاک شویم و پدران ما آیا باز
حتماً بیرون آورده شویم؟ (۶۸)

رَحْمَتِهِ ۱۰۰ ؕ اِلٰهَ مَعَ اللّٰهِ ۱۰۱ تَعَلٰى اللّٰهُ عَمَّا
يُشْرِكُوْنَ ۱۰۲

اَمَّنْ يَّبْدُوْا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيْدُهُ وَمَنْ
يَّرْزُقْكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْاَرْضِ ۱۰۳ ؕ اِلٰهَ مَعَ
اللّٰهِ ۱۰۴ قُلْ هَاتُوْا بُرْهَانَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ
صٰدِقِيْنَ ۱۰۵

قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ
الْغَيْبَ اِلَّا اللّٰهُ ۱۰۶ وَمَا يَشْعُرُوْنَ اٰيٰتِ
يُبْعَثُوْنَ ۱۰۷

بَلِ ادْرٰكِ عِلْمِهِمْ فِي الْاٰخِرَةِ ۱۰۸ بَلْ هُمْ
فِي شَكٍّ مِّنْهَا ۱۰۹ بَلْ هُمْ مِّنْهَا عَمُوْنَ ۱۱۰ ع

وَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا اِذَا كُنَّا تُرَابًا
وَاٰبَاؤُنَا اَبْنَا الْمُخْرَجُوْنَ ۱۱۱

البته قبلاً هم ما و پدران ما این وعده داده شدیم. این فقط افسانه های پیشینیان است (۶۹)

بگو، بگردید در زمین و بنگرید که فرجام مجرمان چگونه بود (۷۰) و بر آنها غم نخورو از آنچه نیرنگ زنده در تنگی مباش (۷۱)

و میگویند انجام این وعده تا بچند میکشد اگر شما راستگویان اید (۷۲)

بگو نزدیک است بعضی از آن [امور] که بشتاب میخواهید دنبال شما درآمده است (۷۳)

و یقیناً پروردگار تورا بر مردم فضلی فراوان است و اما بیشتر ایشان شکر نمی کنند (۷۴)

و برستی پروردگارتونیک میداند آنچه در سینه های خود کتمان کنند و آنچه عیان کنند (۷۵)

و چیزی از غایب در آسمان و زمین نیست مگر در کتابی آشکار موجود

لَقَدْ وَعَدْنَا هَذَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ ۗ
إِنْ هَذَا إِلَّا آسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿۶۹﴾

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ
كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ ﴿۷۰﴾
وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ
مِّمَّا يَمْكُرُونَ ﴿۷۱﴾

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ
صَادِقِينَ ﴿۷۲﴾

قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ رَدْفٌ لَكُمْ بَعْضُ
الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ ﴿۷۳﴾

وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ
أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ﴿۷۴﴾

وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ
وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿۷۵﴾

وَمَا مِنْ غَائِبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي
كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿۷۶﴾

است (۷۶)

یقیناً این قرآن بر بنی اسرائیل
اکثر آن [سخنان] بیان میکند که
آنان در آن اختلاف دارند (۷۷)+
و یقیناً آن مومنان را هدایت و
رحمت است (۷۸)

یقیناً پروردگارتو میان ایشان به
حکمت خود قضاوت نماید و او
صاحب غلبه کامل صاحب علم
دائمی است (۷۹)

پس توکل کن بر خدا یقیناً تو
برحق آشکار هستی (۸۰)
و هرگز تو صدا نه مردگان را
بشنوایی و نه کران را بشنوایی
وقتی پشت کرده برگردند (۸۱)

و نیستی تو که کوران را از
گمراهی آنها بهدایت بیاری. تو
نمیشنوایی مگر به آنانکه به آیت

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يْقُصُّ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ
أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٧٧﴾

وَإِنَّهُ لَهْدَىٰ وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٧٨﴾

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُم بِحُكْمِهِ ۚ وَهُوَ
الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ﴿٧٩﴾

فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۗ إِنَّكَ عَلَىٰ الْحَقِّ
الْمُبِينِ ﴿٨٠﴾

إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تَسْمَعُ الصُّمَّ
الدُّعَاءَ إِذَا وُلُّوا مُدْبِرِينَ ﴿٨١﴾

وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَىٰ عَنْ صَلَاتِهِمْ ۗ
إِنَّ تُسْمَعُ إِلَّا مَنْ يُوْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ

++ آیت ۷۷: درباره عجوبه های گذشته بایبل حاکی از داستانهای شکفت انگیز است.
قرآن کریم حقیقت آنها را بیان کرده برده ی را از داستانها برداشته است در صورتیکه
بنی اسرائیل آنها را بر ظاهر تعبیر میکردند.

مُسْلِمُونَ ﴿۸۱﴾

های ما ایمان می‌آرند پس ایشان

فرمانبردارانند (۸۲)

و هنگامیکه فرمان بر آنها واجب گردد جنبنده‌ی از زمین بیرون آریم که آنها را بگرد [برای] این که مردم به آیت‌های ما باور نمی‌کردند (۸۳)

وروزیکه گردآریم ازمرکدام امت لشکری از آنها که آیت‌های ما را تکذیب کردند. پس آنها جدا جدا صف آرائی کرده شوند (۸۴)

تاآنگاه که چون [نزدخدا] بی‌آیند او گوید، آیا آیت‌هایم را تکذیب کردید حالانکه به علم آنها را احاطه نکرده بودید؟ یا چه بود که شما میکردید (۸۵)

و فرمان بر آنها صادر شود بعلمت آن ستم که میکردند پس [جواباً] آنها حرفی نزنند (۸۶)

آیاندیدی که ما ساختیم شب را تا در آن آرامش یابند و روز را

وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ ﴿۸۲﴾

ع
۴

وَيَوْمَ نَخْشِرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿۸۳﴾

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمْ وَقَالَ أَكْذَبْتُمْ بآيَتِي وَلَمْ تَحِيطُوا بِهَا عِلْمًا أَمْ آذَانُكُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۸۴﴾

وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ لَا يُنْطِقُونَ ﴿۸۵﴾

أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ

يُؤْمِنُونَ ﴿۸۷﴾

روشنائی بخش. یقیناً در این آیتی
بزرگ است برای قومیکه ایمان
آرند (۸۷)

و روزیکه در صور دمیده شود و
هرچه در آسمانها است و هرچه
در زمین است بترسد جز آنکه
را خدا بخوامد و همگان نزد او
خاضعانه بیایند (۸۸)

و کومها را میبینی. تو آنها را
ساکت و جامد گمان کنی حالانکه
مانند حرکت ابرها آنها حرکت می
کنند این صناعت آن خداست که
هرچیز را استوار ساخت. یقیناً
او مدام آگاه است به آن عمل که
میکنید (۸۹)

هرکه نیکی آورد پس پاداش او
بهتر از آن باشد و آنها امروز از
آشفتهگی ایمن شوند (۹۰)

و هرکه بدی آورد پس چهره های
آنان در آتش و از گون افکنده شود
آیا پاداش داده شوید جز آنچه

وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي
السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ
اللَّهُ ۗ وَكُلٌّ أَتَوْهُ دَخِرِينَ ﴿۸۸﴾

وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ
تَمُرٌّ مَرَّ السَّحَابِ ۗ صُنعَ اللَّهُ الَّذِي لَا تُقْنِ
كُلَّ شَيْءٍ ۗ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ ﴿۸۹﴾

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا ۗ وَهُمْ
مِنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ مُنُونَ ﴿۹۰﴾

وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وَجُوهُهُمْ
فِي النَّارِ ۗ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ

تَعْمَلُونَ ﴿۱۱﴾

شما میکردید (۹۱)

إِنَّمَا أَمْرٌ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ
الَّذِي حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَأَمْرٌ أَنْ
أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿۱۲﴾

من فقط این فرمان شده ام که
پروردگارا این شهر را عبادت کنم
آنکه اینرا حرمت داد و هرچیز
از آن اوست و فرمان شده ام که

از فرمانبرداران باشم (۹۲)

وَأَنْ أَتْلُو الْقُرْآنَ فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا
يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ ۗ وَمَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا
مِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿۱۳﴾

و اینکه قرآن را تلاوت کنم. پس
هرکه هدایت یابد برای خود
هدایت مییابد و هرکه گمراه گردد
پس بگو من فقط از هشدار

دمندگانم (۹۳)

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ
فَتَعْرِفُونَهَا ۗ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا
تَعْمَلُونَ ﴿۱۴﴾

و بگو ستایش مطلق برای خدا
است. بزودی نشانه های خود را
به شما نشان دهد. آنگاه آنها را
بشناسید و پروردگار تو بغفلت

نیست از آنچه میکنید (۹۴)

﴿۱۳﴾

۲۸ - سورة القصص

این سوره درمکه نازل شد و با بسم الله ۷۹ آیت دارد.

آغاز این سوره نیز با مقطعات طسّم شده است از آنچه اثبات میشود که موضوع طیب، سمیع و علیم که شرح آن قبلاً داده شده است، ادامه داده میشود. چنانکه در سوره گذشته ذکر از نشانه های بزرگ صورت گیرنده در آینده رفته است، در این سوره بیان کرده میشود که خدا علم به زمان گذشته نیز بهمان اندازه دارد چنانکه علم از آینده دارد. ضمناً علمی که به آنحضرت ﷺ نسبت به حضرت موسی علیه السلام داده شد آن دارای بسیار معجزات است. محلاً اینکه آبی که کودکی معصوم حضرت موسی را نتواست غرق کند همان آب موجب غرق فرعون و لشکریانش شد.

سپس این ذکر است که یهودیان این زمان از تو انکار کنان میگویند که اگر نشانه های مانند موسی بر تو نازل شود ما انکار نخواهیم کرد. اما آنان این امر را فراموش میکنند که یهودیان آن نشانه های را که در زمان حضرت موسی ظاهر شدند هم رد کرده بودند و الا اینهمه نشانه ها را رویت کرده متمایل به بت پرستی نمی شدند. همه ای منکران خواه به زمان گذشته تعلق دارند یا به زمان رسول الله ﷺ مربوط اند روش آنان عیناً کج مانند مدیگر است. آنان بظاهر بر نشانه های پیشینیان ایمان میآوردند و چون نشانه های امثال آنها را جلوی چشمان خود فرود آمده رویت کنند به آنها انکار میکنند.

ضمناً ذکر از آن اهل کتاب میرود که هم قبلاً بر موسی علیه السلام ایمان آورده بودند و چون معجزات را بر رسول الله ﷺ نازل آمده دیدند پس

بر پایه پاکی خصلت خود بر آنها هم ایمان آوردند. اینطور ایشان به پاداش دوگانه حقدار شدند.

مجمل اینهنه مبحث اینطور است که انسان هدایت را بزور نمی تواند بدست آورد بلکه خداوند پاکدلان را خودش هدایت میدهد. بعلاوه اینهم گفته شده که ذکر کثیر از ملاکت قومهای پیشین که یافت میشود اینطور نیست گویی که خداوند بر آنها ستم روا داشت بلکه آنها هدف آن ستمگری خود درآمدند که بنادانی بر جانهای خویش و بر رسولان زمان روا میداشتند.

سپس قرآن کریم میفرماید بطوریکه شب و روز بهم تبدیل میشوند تاریکیها نیز مدام بر انسان مسلط کرده نمیشود. بوسیله کلامی فصیح و بلیغ و والا مرتبه متنبه کرده میشود که اگر شب برای همیشه مسلط میشد شما نمی توانستید در آن تاریکیها ببینید ولی بوسیله گوشهای شنوا میتوانستید گوش کنید. بعکس اگر روز برای همیشه مسلط کرده میشد آنگاه باید کران را نیز راه در روشنی روز دیده میشد. پس چرا نمی بینند؟

سپس ذکر از قارون میرود. او دارائی بی شمار اعطاء شده بود و مردم بنگامی پرحسرت بسویش دیده میگفتند، ای کاش آنها نیز دارائی مثل آنها بدست میآوردند. اما عاقبت او این شد که او با گنج های خود بخاک کرده شد. در ابتدای همین سوره هشدار داده شد که خداوند نه تنها بر غرق کردن در دریاها توانا است بلکه اگر او بخواهد بعضی متکبران را بهمراه دارائی های خودشان در زمین فرو میبرد. بعنوان مثال ما در زمان کنونی نیز می بینیم که چون زمین بر اثر زلزله ها میشکافد شهرهای پر جمعیت و ایجادهای بزرگ زمان، بی نام و نشان به خاک کرده میشوند.

پس از این آیتها يك آیت [۸۶] چنین است که برای اثبات کردن بر دشمنان کافی بود که این کلام خدا است و این بهر حال حتمی الوقوع است و آن اینست که ما تو را دوباره بداخل معاد یعنی مکه مینمائیم. پس آنان این معجزه را جلوی چشمان خود راست آمده دیدند. پیشگویبائی زمان گذشته و کنونی را بعد از این چه گنجایش تردید باقی میماند؟ درنهایت نتیجه اینست که هیچ چیزی به اثبات نمیرسد جز توحید خداوندی. ذکر از ملاکتهای گذشته به اثبات میرساند که هر چیز فناپذیر است - آن فنا خواه بعثت غضب الهی است خواه تحت قانون طبیعی. تنها جلوه خدا جاودان است.

☆ سُوْرَةُ الْقَصَصِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ تِسْعٌ وَتَمَانُونَ آيَةً وَتِسْعَةٌ رُكُوعَاتٌ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بسیاربخشنده بارها رحم کننده (۱)

طَيِّبٌ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ - پاك -

طَسْمٌ ②

بسیارشنوا - بینهایت دانا (۲)

تِلْكَ آيَةُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ③

این آیتهای کتاب آشکار

است (۳)

ما از خبر موسی و فرعون بر تو به

تَتْلُوْا عَلَيْكَ مِنْ نَّبِيٍّ مُوسَى وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ

حق میخوانیم برای قومیکه ایمان

لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ④

آرند (۴)

مانا فرعون در زمین سرکشی

إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا

کرد و ساکنان آنرا گروه گروه

شِيْعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ

نمود. او از آنها گروهی را بیچاره

يُدْبِحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ ⑤ إِنَّهُ

میساخت. پسران ایشان را می

کشت و زنان ایشان را نگه

كَانَ مِنَ الْمُنْفِسِدِينَ ⑥

میداشت. یقیناً او از فسادکاران

بود (۵)

و ما درصدد آمدیم که بر آنهایی

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي

که در زمین ناتوان پنداشته شدند

الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَيْمَةً وَنَجْعَلَهُمُ

منت نهیم و ایشان را رهنماها

الْوَارِثِينَ ﴿۱۰﴾

برگزینیم وایشان را وارث قرار
دهیم (۶)

وَنُمَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ
وَهَامَانَ وَجُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا
يَحْذَرُونَ ﴿۱۱﴾

و آنها را در زمین قدرتمندسازیم و
فرعون و هامان و لشکریان آندو
را [از بنی اسرائیل] نشان دهیم از
آنچه بیمناک بودند (۷)

وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ ۖ
فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا
تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي ۚ إِنَّا رَأَدُّوهُ إِلَيْكَ
وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿۱۲﴾

و بسوی مادر موسی وحی فرستادیم
که او را شیربده. پس هرگاه درباره
او ترسیدی پس او را در دریا
بیفکن و نه در ترس باش و نه
اندوه بخور. یقیناً او را بسوی تو
بازگردانیم و او را از رسولان
[رسولی] قرار دهیم (۸)

فَالْتَقَطَهُ آلُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا
وَ حَرْنًا ۗ إِنَّ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُودَهُمَا
كَانُوا خَاطِبِينَ ﴿۱۳﴾

پس خانواده فرعون [باذن خدا]
او را برداشت تا برایشان دشمن
و [موجب] اندوه گردد. یقیناً
فرعون و هامان و لشکریان آندو
خطاکاران بودند (۹)

وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتْ عَيْنِي ۖ
وَلَا تَقْتُلُوهُ ۗ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ

و زن فرعون گفت، این [مایه]
آسودگی دیدگان من و تو خواهد
بود. او را نکش. ممکن است ما را

تَخَذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿۱۰﴾

سودمند گردید یا ما او را به فرزندی
بگزینیم در حالیکه آنها هیچ هم
درک نمی‌کردند (۱۰)

وَاصْبَحَ فُؤَادُ أَمِّ مُوسَىٰ فُرِحًا ۚ إِنَّ
كَادَتْ لِتُبَدِي بِهِ لَوْلَا أَنَّ رَبَّنَا عَلِي
قَلْبَهَا لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۱﴾

و دل مادر موسی [از تفکر] خلاصی
یافت. نزدیک بود که این [راز]
رافاش کند اگر قلبش رانه پیوسته
بودیم [اینطور کردیم] تا او از
مومنان شود (۱۱)

وَقَالَتْ لِأَخْتِهِ قُصِيهِ فَبَصَّرَتْ بِهِ عَنْ
جُنُبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿۱۲﴾

و [مادر موسی] به خواهرش گفت،
دنبالش برو پس وی او را از
دور میدید در حالیکه آنها پی نمی
بردند (۱۲)

وَحَرَّمَ نَاعِلِيهِ الْمَرَاعِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ
هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ
لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ ﴿۱۳﴾

و ما همان از پیش زنان شیرده
را بر او حرام کرده بودیم. پس
[خواهرش] گفت، آیا شما را بر
خانواده خیردم که او را برای
شما پروراند و آنها خیرخواه او
باشند (۱۳)

فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا
تَحْزَنَ ۚ وَتَعَلَّمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ

پس [اینگونه] او را به مادر خود
باز گرداندیم تا چشمانش روشن
گردد و اندوهگین نشود و تابداند

أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٤﴾

ع ١٤

که وعده خدا حق است اما بیشتر

مردم نمیدانند (۱۴)

و هنگامیکه به سن توانائی خود

رسید و استوار گردید ما او را

حکمت و دانش در دادیم و محسنان

را پاداش این گونه میدهم (۱۵)

پس وارد شهر شد و قتیکه مردمش

بغفلت بودند. پس در آنجا دو مرد

را دید که بهم ستیزه میکردند.

این [یکی] از قبیله او بود و آن

[دیگری] از دشمنان او بود. پس آن

که از قبیله او بود برخلاف آنکه

از دشمنانش بود او را بیاری

خواست. پس موسی او را مشتی

زد و او را از پای در آورد. [موسی

در دلش] گفت، این از کار شیطان

است. یقیناً او دشمن گمراه کننده

آشکار است (۱۶) ++

[موسی] گفت، پروردگارا! یقیناً

من بر جان خود ستم کرده‌ام. پس

مرا بی‌آمرز. پس او را آمرزید.

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ آتَيْنَاهُ حُكْمًا

وَعِلْمًا ۖ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٥﴾

وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينٍ غَفْلَةٍ مِّنْ

أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَٰذَا

مِنْ شَيْعَتِهِ وَهَٰذَا مِنْ عَدُوِّهِ ۖ فَاسْتَعَاثَ

الَّذِي مِنْ شَيْعَتِهِ عَلَىٰ الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ ۗ

فَوَكَزَهُ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ ۖ قَالَ هَٰذَا

مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ ۗ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ

مُبِينٌ ﴿١٦﴾

قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي

فَغَفَرَلَهُ ۗ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿١٧﴾

یقیناً اوبس آمرزنده ی بارها رحم
کننده است (۱۷) ++

او گفت چه بر من منت نهادی پس
هرگز پشتبان مجرمان نخواهم
شد (۱۸) ++

پس بامگاه ترسان و به اطراف
مراقب بوده بداخل شهر شد. پس
ناگاه همان که دیروز او را به
یاری خواسته بود از او یاری می
جوید. موسی بدو گفت یقیناً تو یک
گمراه آشکارا هستی (۱۹) ++

پس هنگامیکه آهنگ کرد که دست
فراز برد به آنکس که دشمن هر
دوی بود او گفت: ای موسی! آیا
میخواهی مرا بکشی چگونه که
دیروز تنی را کشتی؟ تونمیخواهی
مگر در زمین زور کنی و دوست
نداری که از اصلاح کنندگان
باشی (۲۰) ++

مردی از انتهای شهر سعی کرده
آمد و گفت، ای موسی! یقیناً

قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ
ظَاهِرًا لِّلْمُجْرِمِينَ ﴿١٨﴾

فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا
الَّذِي اسْتَنْصَرَهُ بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِحُهُ
قَالَ لَهُ مُوسَى إِنَّكَ لَعَوِيٌّ مُّبِينٌ ﴿١٩﴾

فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَنْ يَبْطِشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوٌّ
لَّهُمَا قَالَ يَا مُوسَى أَتُرِيدُ أَنْ تَقْتُلَنِي كَمَا
قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْأَمْسِ ۗ إِنَّ تُرِيدُ إِلَّا أَنْ
تَكُونَ جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ وَمَا تُرِيدُ أَنْ
تَكُونَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ ﴿٢٠﴾

وَجَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ يَسْعَى
قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَائِكَةَ آمُرُونَ بِكَ

يَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ اِنَّ لَكَ مِنْ
النُّصْرَةِ ۝۳۱

سرداران خلاف تو بهم مشورت
میکنند تا تورا بکشند. پس در رو.
یقیناً من از خیر خواهان تو
هستم (۲۱) ++

فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ
نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝۳۲

پس او هراسان و به اطراف
مراقب بوده از آنجا خارج شد.
گفت، پروردگارا من! مرا از قومی
ستمکار نجات بده (۲۲) ++

وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى
رَبِّيَ اَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ ۝۳۳

و هنگامیکه بسوی مدین رو آورد
گفت، نزدیکست پروردگارم مرا
براه راست هدایت کند (۲۳) ++

++ آیات ۱۶-۲۴: معلوم میشود حضرت موسی در تاریکی صبحگاهی به خانه خود
میآمدند. روزی ایشان در راه يك اسرائیلی را با يك نفر از فرعونیان دعوی کرده
دید. چون او حضرت موسی را بیاری خود خواست ایشان به مرد فرعونیان مشت
زدند و او جان از دست داد.

روز دیگر در تاریکی صبحگاهی باز حضرت موسی گذرمیکردند که همان کس ستیزه
گر از قوم ایشان با يك نفر دیگر از فرعونیان ستیزه شروع کرد و دمیکه حضرت
موسی قدم بیاری شخص از قوم خویش جلو بردند شخصی از فرعونیان فریاد زد که
آیا هم بمن همانطور رفتار کنی که تو دیروز یکی از ما را کشته بودی. پس از بیان
این دو رویداد در آیت مجاور این بیان شده است که سرداران فرعونیان بر آن
شدند که موسی به مجازات قتل رسانده شود. آنگاه يك نفر که آگاه بود به حضرت
موسی از پیش متنبه ساخت و ایشان از آنجا بسوی مدین رهسپار شدند.

ووقتیکه بداخل آبگاہ مدین شد
آنجاگروهی از مردم را دید [که به
دامها] آب میدادند و جدا از آنان دو
زن را دید که [گوسفندان خود را]
دور میراندند. موسی گفت، شما
دوی را چه کار است؟ آندو گفتند،
ما آب نمی دمیم تا چوپانها [آب
داده] برنگردند و بدرماخیلی پیر
است (۲۴)

پس او برای آندو [دامهارا] آب داد.
سپس بسمت سایه برگشت و
گفت، پروردگارا! یقیناً چیزی که
از خیر نازل کنی من برای آن
نیازمندم (۲۵)

پس یکی از آندو [دختر] باکمال
حیا قدم زده نزدش آمده گفت،
بدرم تورا میخواند تا ترا عوض
آن بپردازد که برای ما آب دادی.
پس گامیکه نزد او آمد و سرگذشت
را برای او بیان نمود او گفت نترس
از قوم ستمکاران نجات یافته

وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً
مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ ۖ وَوَجَدَ مِنْ
دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ ۗ قَالَ مَا
خَطْبُكُمَا ۗ قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى
يُصَدَرَ الرَّعَاءُ ۖ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ ﴿۲۴﴾

فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ
رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ ﴿۲۵﴾

فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ ۗ
قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ
مَا سَقَيْتَ لَنَا ۗ فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ
عَلَيْهِ الْقِصَصَ ۗ قَالَ لَا تَخَفْ ۗ
نَجَّوْكَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿۲۶﴾

ای (۲۶)

یکی از آندو [دختر] گفت، ای پدرم! او را برای خدمت استخدام کن. پس هر که را برای خدمت استخدام کنی بهترتر اوست که نیرومند امین باشد (۲۷)

او گفت [ای موسی] یقیناً من می خواهم که یکی از ایندو دخترم را با تو بعقد ازدواج ببندم بر این شرط که هشت سال مرا خدمت کنی. پس اگرده سال را تمام کنی پس از میل خودت است. نمی خواهم بر تو سخت گیرم و انشا الله مرا از نیکوکاران خواهی یافت (۲۸)

[موسی] گفت، این میان من و میان تو قرار شد هر کدام از ایندو زمان را بپایان برسانم پس خلاف من زیادتی نباید باشد و هرچه می گوئیم خدا بر آن وکیل است (۲۹)

قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ ﴿٢٧﴾

قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ بِمَا نَعْبُدُ رَبَّنَا عَلَىٰ أَنْ تَأْجُرَ نِيَّيْنِي مَنِّي حِجَابًا ۖ فَإِنِ أَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَكَ ۖ سَتَجِدُنِي إِنِ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٢٨﴾

قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ ۖ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ ۖ وَاللَّهُ عَلَيَّ مَا نَقُولُ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا ﴿٢٩﴾

۲۶
۲۷
۲۸
۲۹

پس چون موسی مدت معین را
 بپایان رساند باهل خود رهسپار
 شد. او از جانب طور آتش سان
 دید. اوبه خانواده خود گفت درنگ
 کنید. یقیناً من آتشی احساس کرده
 ام. امکان دارد که از آن برای
 شما خبر بیآرم یا اخگری تا شما
 گرم شوید (۳۰)

پس وقتی که به آن آمد ندا شد از
 کنار وادی پربرکت دریک بخش
 خجسته از درخت که ای موسی!
 همانا منم خدا پروردگار همه
 جهانها (۳۱)

واینکه عصای خود را بیفکن. پس
 چون آنرا دید که آن حرکت می
 کرد گویی مار است او پشت کرده
 برگشت و پشت سر نگاه نکرد. ای
 موسی! جلوی او نترس یقیناً تو از
 ایمن شدگانی (۳۲)

دست خود را بداخل گریبان خود
 کن آن بی نقص روشن درآید و

فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ
 آنس مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ
 امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ
 مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ
 تَصْطَلُونَ ﴿٣٠﴾

فَلَمَّا آتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ
 فِي الْبُقْعَةِ الْمُبْرَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ
 يُّمُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٣١﴾

وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ ۚ فَلَمَّا رَأَاهَا تَهْتَزُّ
 كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ ۚ
 يُّمُوسَى أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ ۚ إِنَّكَ مِنَ
 الْأَمِينِينَ ﴿٣٢﴾

أَسْلُكُ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ
 بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سَوَاءٍ ۚ وَأَضْمُمُ إِلَيْكَ

جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذُنُوبِكُمْ بِرُءُوسِهِمْ مِنْ
رَبِّكَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ ۗ إِنَّهُمْ كَانُوا
قَوْمًا فَسِيقِينَ ﴿۳۱﴾

قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا
فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ ﴿۳۲﴾

وَإِخِي هَارُونَ ۖ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا
فَأَرْسَلُهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي ۗ إِنِّي
أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ ﴿۳۳﴾

قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِإِخِيكَ وَنَجْعَلُ
لَكُمَا سُلْطٰنًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا ۚ
بِأَيَّتِنَا أَنْتُمْ وَمَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغٰلِبُونَ ﴿۳۴﴾

فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا
هٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرًى وَمَا سَمِعْنَا بِهٰذَا

بازو خود را [برای دوری] از ترس
بسوی خود جمع کن پس این دو
دلیل قاطع است از پروردگارتو
بسوی فرعون و سرداران‌ش. یقیناً
آنها قومی زشت کردار بودند (۳۳)

[موسی] گفت، پروردگارا! براستی
من یک تن از آنها را کشته‌ام. پس
می‌ترسم مبادا مرا بکشند (۳۴)

و برادرم هارون در زبان از من
زبان آورتر است. پس او را با من
مددگار بفرست، او مرا تصدیق
خواهد کرد. البته من [اینهم] بیم
دارم مبادا مرا تکذیب کنند (۳۵)

حتماً ما بازوی تورا با برادر تو
نیرومندسازیم و شامادوی رانشانه
ای برتر دهیم. پس آنها با [حضور]
آیتهای ما تا شامادوی نمیرسند. شما
دوی و آنانکه شما را پیروی کنند

غالب آیندگانید (۳۶)

پس هنگامیکه موسی با آیتهای
روشن ما آنانرا آمد گفتند اینکه

۱۱۳
مقاله
عبدالمنعم

فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ ﴿٢٧﴾

فقط جادوئی بهم بافته است و در
بدران پیشین خود مانند آن نه
شنیده بودیم (۳۷)

و موسی گفت، پروردگارم داناتر
است به آنکه از جانب او باهدایت
آمد و کیست که خانه آخرت نصیب
او گردد. یقیناً ستمکاران هیچگاه
موفق نمیشوند (۳۸)

و فرعون گفت، ای سرداران! من
که برای شما جز خود کسی دیگر
را معبود نمیدانم. پس ای هامان
بخاطرم بر [اجر] گل آتش بیفروز
پس برای من قصری بساز تا بر
معبود موسی بنگرم و البته من او
را از دروغگویان میپندارم (۳۹)
و او و لشکریانش در زمین بناحق
تکبر کردند و گمان کردند که آنها
بسوی ما برگردانده نشوند (۴۰)
پس ما او و لشکریانش را فرو
گرفتیم و آنها را در دریا انداختیم
پس بنگر فرجام ستمکاران چه

وَقَالَ مُوسَى رَبِّي أَعْلَمُ بِمَنْ جَاءَ
بِالْهُدَىٰ مِنْ عِنْدِهِ وَمَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ
الدَّارِ ۗ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٨﴾

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأَ مَا عَلِمْتُ
لَكُمْ مِنْ الْوَعْدِ ۚ إِنِّي فَادُّكُمْ بِكُمْ
عَلَى الطَّيْنِ فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا لَعَلِّي
أُطَّلِعَ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ
الْكَاذِبِينَ ﴿٣٩﴾

وَاسْتَكْبَرُوا وَكُفَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ
الْحَقِّ وَظَنُّوا أَنَّهُم إِلَيْنَا لَا يَرْجِعُونَ ﴿٤٠﴾
فَأَخَذْنَاهُ وَجُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ ۗ
فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ﴿٤١﴾

گونه بود(۴۱)

و آنها [فرعونیان] را پیشوایانی
قرار داده بودیم که بسوی آتش
میخواندند و روز قیامت یاری

داده نشوند(۴۲)

و لعنت هم دراین دنیا دنبالشان
نهادیم و در روز قیامت از حال
افتادگان باشند(۴۳)

و همانا موسی را از آن پس که قوم
های پیشین را هلاک کرده بودیم
کتاب دادیم. آن برای مردم بینش
افروز و هدایت و رحمت بود تا
آنها پند بگیرند(۴۴)

و توب جانب غرب [طور] نبودی چون
بسوی موسی فرمان وحی کردیم
و نه تو از گواهان بودی(۴۵)

و اما بسیار قومهای را سربلند کردیم
حتی عمر بر آنها دراز شد. و تو در
اهل مدین آیتهای ما را بر آنها فرو
خوانده مقیم نبودی بلکه مائیم
که فرستنده رسولان بودیم(۴۶)

وَجَعَلْنَاهُمْ آيَةً يُدْعَوْنَ إِلَى الثَّارِ عَ وَيَوْمَ
الْقِيَامَةِ لَا يَنْصُرُونَ ﴿٤١﴾

وَاتَّبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً عَ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ
هُم مِّنَ الْمَقْبُوحِينَ ﴿٤٢﴾

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِن بَعْدِ مَا
أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَى بَصِيرًا لِلنَّاسِ
وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٤٣﴾

وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْعَرَبِ إِذْ قَضَيْنَا إِلَى
مُوسَى الْأَمْرَ وَمَا كُنْتَ مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿٤٤﴾
وَلَكِنَّا أَنشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ
الْعُمُرُ عَ وَمَا كُنْتَ تَأْوِيًّا فِي أَهْلِ مَدْيَنَ
تَتَلَوْا عَلَيْهِمُ آيَاتِنَا وَلَكِنَّا كُنَّا
مُرْسِلِينَ ﴿٤٥﴾

و تو کنار طور نبودی آنگاه که ندا کردیم اما تو یک رحمت هستی از پروردگار خود تا بیم دهی قومی را که قبل از تو آنها را هیچ بیم دهنده نیآمد تا باشد که آنها پند بگیرند (۴۷)

و مبادا آنانرا سختی برسد بعلت آن چه دستهای ایشان پیش فرستاد پس بگویند پروردگارا! چرا نه فرستادی رسولی بسوی ما تا از آیتهای تو پیروی میکردیم و از جمله مومنان میشدیم (۴۸)

پس هنگامیکه آنان را از جانب ما حق آمد گفتند چرا او داده نشد مانند آنچه موسی داده شد. آیا به آن انکار نکردند که قبلاً به موسی داده شد؟ گفته بودند ایندو جادو گران بشتیان همدیگراند و گفته بودند حتماً ما به هر چیز انکار کنندگانیم (۴۹)

بگو اگر شمارا استگو یانید کتابی را

وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِنْ رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُمْ مِّنْ نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿۴۷﴾

وَلَوْلَا أَنْ تُصِيبَهُمْ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمْت أَيْدِيهِمْ فَيَقُولُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۴۸﴾

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْلَا أُوتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ أَوَلَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ قَالُوا سِحْرَانِ تَظْهَرَانِ ۗ وَقَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَفْرٍ مِّنْهُ

قُلْ فَاتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ

مِنْهُمَا أَتْبَعَهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٥٠﴾

از جانب خدا بیآرید که آن از این دو [تورات و قرآن] بیشتر هدایت دهنده باشد من آنرا پیروی خواهم کرد (۵۰)

فَإِنْ لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ ۗ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٥١﴾

پس اگر دعوت تو را قبول نکنند پس بدان که فقط از هوای نفسانی خود پیروی میکنند و کیست گمراه تر از آنکه بغیر از هدایت خدا از هوای نفسانی خود پیروی کند یقیناً خدا قومی ستمکار را هدایت نمی کند (۵۱)

وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٥٢﴾
الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٣﴾

و یقیناً ما سخن را برای ایشان به خوبی رسانده بودیم تا باشد که پند گیرند (۵۲)
کسانی که آنرا کتابی پیش از این داده بودیم [بسیاری از] ایشان به این [قرآن] ایمان دارند (۵۳)

وَإِذْ يُثَلَّىٰ عَلَيْهِمْ قَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ ﴿٥٤﴾

و هرگاه [قرآن] برایشان تلاوت شود گویند ما به این ایمان آوردیم یقیناً این از جانب پروردگار ما حق است. یقیناً ما پیش از این فرمان برداران بودیم (۵۴)

مانهاند که پاداش خود دو بار داده شوند چه صبرکردن و بودی را بانیکی دور میکنند و انفاق میکنند از آنچه به ایشان ارزانی داشته ایم (۵۵)

و هرگاه یاوه گوئی میشوند از آن اعراض کنند و میگویند اعمال ما برای ما و اعمال شما برای شما است. سلام بر شما ما به نادانان رغبت نداریم (۵۶)

یقیناً نتوانی هدایت کنی هر که را بخواهی و اما خدا هر که را بخواهد هدایت میکند و او دانا تر است به آنها که لایق هدایت اند (۵۷)

و گفتند اگر با تو هدایت را پیروی کنیم از وطن خود ربهوده می‌شویم. آیا ایشان را مسکن ندادیم در حرمی ایمن که بسوی آن میوه های هرگونه آورده میشود؟ [این] از نزد ما رزقی است. اما بیشتر

أُولَئِكَ يُؤْتُونَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَ آوَىٰ ذُرِّيَّتَهُنَّ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ وَ مَآزَرَٰزَقَهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿۵۵﴾

وَ إِذْ أَسْمَعُوا اللَّغْوَ اعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَّا أَعْمَالُنَا وَ لَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلِّمْ عَلَيْكُمْ ﴿۵۶﴾
لَا نَتَّبِعِي الْجَاهِلِينَ ﴿۵۷﴾

إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يُشَاءُ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿۵۷﴾

وَ قَالَ الْوَالِدُ الَّذِي كَفَرَ إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يُشَاءُ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿۵۷﴾
وَ قَالَ الْوَالِدُ الَّذِي كَفَرَ إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يُشَاءُ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿۵۷﴾

ایشان نمی دانند (۵۸)

وجه بساقریه های راهلاک ساختیم که بر خوشحالی خود متکبر شده بودند. پس این نشیمنهای آنهاست که پس از آنها جز مدتی کم سکونت کرده نشدند و یقیناً تنها ما وارث

شدیم (۵۹)

و پروردگار تو ملامک نکند قریه های را تا آن گامکه رسولی را در مادر آنها مبعوث کنده آیتهای ما را بر آنها تلاوت کند و ما قریه های را ملامک نکنیم مگر ساکنان آنها ستم

کار شده باشند (۶۰)

و هر چه بشماداده شد فقط اثاث زندگی دنیا و زینت آنست و آنچه نزد خداست بهتر و ثابت تر است.

پس آیا عقل نیکنید؟ (۶۱)

پس آیا آنکه را وعده نیکوئی داده ایم و او یابنده آنست همانند آن است که او را بامتاع زندگی دنیا بهره مند ساختیم سپس او در روز

وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا فَبَلَغَتْ مَسْكِنَهُمْ لَمْ تَسْكُنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ ﴿٥٨﴾

وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمِّهَا رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ ﴿٥٩﴾

وَمَا أَوْتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَتُهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٠﴾
 أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعَدًّا حَسَنًا فَهُوَ لَا يَأْتِيهِ كَمَنْ مَتَّعْنَاهُ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ ﴿٦١﴾

قیامت [برای جوابگوئی] از جمله
احضار شدگان باشد؟ (۶۲)

وروزیکه او آنها را فراخوانده و
خواهد گفت، کجاستند آن شریکان
من که آنها را شما [شريك] گمان
میکردید؟ (۶۳)

کسانیکه بر آنها فرمان صدق کند
خواهند گفت: پروردگارا! اینهایی
اند که آنانرا گمراه کردیم. ما آنان
را گمراه کردیم بطوریکه خود ما
گمراه شدیم. [اکنون] ما ابراز
بیزاری کرده بسوی تو میآیم. هرگز
اینها عبادت ما نمیکردند (۶۴)

و گفته شوند که شریکان خود را
بخوانید پس آنها را خواهند خواند.
پس آنها برای آنها هیچ پاسخی
نخواهند داد و آنها عذاب را مشاهده
خواهند کرد. کاشکی هدایت می
یافتند (۶۵)

و روزیکه خدا به آنها ندا کند و
پرسد، چه جواب به رسولان ما

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ
الَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٦٢﴾

قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ
الَّذِينَ آغْوَيْنَا آغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا
تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ مَا كَانُوا إِلَّا نَاعِبِدُونَ ﴿٦٣﴾

وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ
يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ لَوْ أَنَّهُمْ
كَانُوا يَهْتَدُونَ ﴿٦٤﴾

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ
الْمُرْسَلِينَ ﴿٦٥﴾

دادید؟ (۶۶)

پس اخبار آن روز بر آنها مشتبه گردد. پس آنها از همدیگر هم مسئلت نکنند. (۶۷)

پس اما آنکس که توبه کرد و ایمان آورد و نیکوکاری کرد پس بعید نیست که او از جمله رستگاران باشد (۶۸)

و پروردگارتو هر چه خواهد می آفریند و [از آن] اختیار میکند و آنان را هیچ اختیاری نیست. پاک است خدا و بلندتر از آنچه شرك می ورزند (۶۹)

و پروردگارتو میداند آنچه سینه های آنها پنهان کند و آنچه را عیان کند (۷۰)

و اوست خدا. نیست معبودی مگر او. ستایش مطلق در دنیا و آخرت از آن اوست. حکم از آن اوست و بسوی او بازگردانده شوید (۷۱)
بگو. مرا حالی کنید اگر خدا

فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ ﴿٦٧﴾

فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ ﴿٦٨﴾

وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ ۗ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ ۗ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٦٩﴾

وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٠﴾

وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۗ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ ۗ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٧١﴾

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ الْآيِلَ

شب را بر شام تا روز قیامت دراز
نماید کدام معبود است جز خدا که
شماراروشنی بیآرد. پس آیا گوش
نمیکنید؟ (۷۲)

بگو. مرا حالی کنید اگر خدا روز را
بر شما تا روز قیامت دراز نماید
کدام معبود است جز خدا که شمارا
شب آورد که در آن آرامش می
یابید. آیا از بصیرت کار نمی
گیرید؟ (۷۳)

و از رحمت خود شب و روز را
برای شما برای این پدید آورد تا
در آن آرامش یابید و تا فضل او
را تلاش کنید و تا شما سپاس
بگذارید (۷۴)

وروزیکه آنها را فراخواند و گوید.
کجا اند آن شریکانم که شما آنها را
[شریکم] گمان میکردید؟ (۷۵)

و از هر کدام امت یک گواه بر
انگیزم و بگوئیم که برهان تان
بیآرد. آنگاه آنها بدانند که حق

سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ
يَأْتِيكُمْ بِضِيَاءٍ ۗ أَفَلَا تَسْمَعُونَ ﴿۷۲﴾

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ
سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ
يَأْتِيكُمْ بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ ۗ أَفَلَا
تُبْصِرُونَ ﴿۷۳﴾

وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمْ لَيْلًا وَالنَّهَارَ
لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ
وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۷۴﴾

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ
الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿۷۵﴾

وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا
بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَصَلَّ

عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٧٦﴾

ع
٧٦

تنها از آن خدا است و هر چه بر می
بافتند از آنها ناپیدا شود (۷۶)

یقیناً قارون از قوم موسی بود.
پس او برخلاف ایشان [قوم خود]
سرکشید و او را گنجهای دادیم
که [وزن] کلیدهای آنها گروهی
نیرومند را خسته میکرد. هنگامیکه
قوش او را گفت، خود خواه مباش
یقیناً خدا خود خواهان را دوست
ندارد (۷۷)

و در آنچه خدا به تو ارزانی کرده
است خانه آخرت را تلاش کن و
از دنیا [نیز] سهم خود را فراموش
نکن و احسان کن بطوریکه خدا
برتوا احسان کرده است و در زمین
فساد مجو. یقیناً خدا فسادکاران را
دوست ندارد (۷۸)

او گفت، این داده شده ام فقط به
علت آن دانشی که نزد من است.
آیا نمیدانند که یقیناً خدا هلاک کرده
است از قبلش آن نسلهای را که

إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى
عَلَيْهِمْ ۖ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ
مَفَاتِحَهُ لَتَنُورُ أ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ
إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا
يُحِبُّ الْفَرِحِينَ ﴿٧٧﴾

وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا
تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا
أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي
الْأَرْضِ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ﴿٧٨﴾

قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي ۗ أَو
لَمْ يَعْلَمَنَّ اللَّهُ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ
الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَآكْثَرُ

آنهاستخراز او در نیرو و زیادتر
در جمعیت بودند؟ و مجرمان از
گناهان خود پرسیده نشوند (۷۹)
پس او در تزیین خود بر قوم خود
بیرون آمد. آنها که زندگی دنیا را
دوست داشتند گفتند، کاشکی برای
ما هم بود مانند آنچه قارون داده
شد. یقیناً او نصیب دار بزرگی
است (۸۰)

و آنانکه دانشی داده شدند گفتند،
وای بر شما. ثواب خدا خیلی بهتر
است برای آنکس که ایمان آورد
و نیکوکاری کند امانیست جز صبر
کنندگان که به آنها این [معرفت]
داده شود (۸۱)

پس ما او و خانه او را بزمین فرو
بردیم و برای او هیچ گروهی نبود
جز خدا که او را یاری میکرد و او
از انتقام گیرندگان نشد (۸۲)

و کسانی که تا دیروز مقام او را
آرزو میکردند گفتند، دریغ! خدا

جَمَعًا وَلَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ
الْمُجْرِمُونَ ﴿۷۹﴾

فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ ۖ قَالَ الَّذِينَ
يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا لِيَلْتَنَأَمِلُوا
أَوْتَى قَارُونَ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ﴿۸۰﴾

وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلْتَمِثُ ثَوَابُ
اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا
يُلْقِيهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ ﴿۸۱﴾

فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ ۗ فَمَا كَانَ لَهُ
مِنْ فِتْنَةٍ يَتَّصِرُونَ ۗ مِنْ دُونِ اللَّهِ ۗ وَمَا كَانَ
مِنَ الْمُتَّصِرِينَ ﴿۸۲﴾

وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ
يَقُولُونَ وَيَكُنَّ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ

برای هر که از بندگان خود می خواهد رزق را فراخ میگرداند و تنگ میگرداند و اگر خدا بر ما منت نهاده بود ما را [نیز] فرو میبرد و دریغاً کافران موفق نشوند (۸۳)

این خانه آخرت است که ما آنرا برای آن مردم میسازیم که در زمین نه خود ستائی میجویند و نه فساد و عاقبت برای متقیان است (۸۴)

هر که نیکوکاری آورد پس برای او [پاداش] نیکوتر از آنست و آنکه بدی را آورد پس کسانی که بدیها کردند پاداش داده نشوند جز آن چه میگردند (۸۵)

یقیناً آنکه قرآن را برتو فرض کرد حتماً تو را بسوی بازگشتگاهی باز گرداند. بگو، پروردگام دانانتر است آن که هدایت آورد و آنکه او در گمراهی آشکار است (۸۶) و تو هیچ خواهش نداشتی که کتاب

يَسْأَلُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْ أَنَّ مِنَ اللَّهِ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا وَيُكَانَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكٰفِرُونَ ﴿٨٣﴾

﴿٨٣﴾

تِلْكَ الدَّارُ الْاٰخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِيْنَ لَا يُرِيْدُوْنَ عُلُوًّا فِي الْاَرْضِ وَلَا فِسَادًا وَالْعٰقِبَةُ لِلْمُتَّقِيْنَ ﴿٨٤﴾

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِيْنَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ اِلَّا مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿٨٥﴾

اِنَّ الَّذِيْ فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْاٰنَ لَرٰءَدُكَ اِلَى مَعَادٍ ۗ قُلْ رَبِّيْٓ اَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدٰى وَمَنْ هُوَ فِي ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ﴿٨٦﴾

وَمَا كُنْتَ تَرْجُوْا اَنْ يُلْقٰى اِلَيْكَ الْكِتٰبُ

بتوداده شود مگر از پروردگارتو
رحمت است. پس پشتبان کافران
باش (۸۷)

و تو را از [پیروی] آیات خدا باز
ندارند پس از آنگاه که بر تو نازل
شده باشد و بسوی پروردگار خود
بخوان و از مشرکان باش (۸۸)

و با خدا هیچ معبودی دیگر را
نخوان. هیچ معبودی نیست مگر
او. هر چیز هلاک شدنی، است مگر
جلوه او. حکم از آن او است و به
سوی او بازگردانده شوید (۸۹)

إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا
لِلْكَافِرِينَ ﴿٨٧﴾

وَلَا يَصُدُّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أَنْزَلَتْ
إِلَيْكَ وَأَدْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ
الْمُشْرِكِينَ ﴿٨٨﴾

وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ ۚ لَا إِلَهَ إِلَّا
هُوَ ۚ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ ۗ لَهُ
الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٩﴾

۲۹ - العنكبوت

این سوره در مکه نازل شد و با بسم الله ۷۰ آیت دارد.

بازاین سوره هم از "الم" شروع میشود درجه میتوان کنایه ی باشد که خداموضوعات سوره البقره را مجدداً بیان مینماید. چنانکه در سوره البقره یهود را ذکر بود که ایمان آوردن آنان برای خداتا آنگاه که به آزمایشها جور در نیآمدند. قابل قبول نشد. اینک همان موضوع در این سوره نیز بازگو کرده میشود. در این زمان رسول الله ﷺ هم مانند پیشینیان فقط ادعای ایمان کافی نیست بلکه گذشتن از هر نوع آزمایش ها مانند ملت های پیشین لازم است.

سپس خداوند میفرماید که بعضیها از جانب مادر و پدر نیز روبرو با آزمایش های سخت میشوند. والدین بعلت مشرک بودن فرزندان خود را به شرک می خوانند. اما انسان باید بداند مادر و پدر که خداوند در حقشان به روش احسان تعلیم داده است، احسان خداوند در حق او بالاتر از احسان مادر و پدر است. لذا او شرک را در مقابل هیچ بهائی بخاطر مادر و پدر خود قبول نکند.

بطوریکه در آغاز سوره بقره ذکر از منافقان کرده پرده از بیماری های درونی آنان برداشته شد. در این سوره ذکر از منافقان جاری میشود و بیماری های روحانی گوناگون آنان تجزیه و تحلیل میشوند.

مدعیان ایمان ازین آزمایش نیز میگذرند که سرداران شان به آنها می گویند، دنبال ما بیایید و اگر مسلک ما نادرست هم باشد ما بار شما را بدوش میگیریم. بلی! احتمالاً اینها هم بار خویش را و هم بار پیروان خویش را بعلت گمراه ساختن آنان بدوش خواهند گرفت و روز قیامت این امر قضاوت شود

که اینها چگونه دروغ بر خدا میبستند.

سپس ذکر از قومهای حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت لوط و بسیار قومهای دیگر رفته است که بعلت مخالفت از پیغبران خویش ملاک کرده شدند و علامات آنها تا حال در زمین باقی مانده است. باستان شناسان آثار بسیاری از قومهای کهن را اکتشاف نموده اند و البته سراغ گرفتن از بسا قوما هنوز باقی است. حتی درباره کشتی نوح هم گفته میشود که باستان شناسان از آن نیز غافل نیستند و روزی حتماً آنرا کشف خواهند کرد.

سپس در آیه مرکری ۴۲ که به عنوان سوره "العنكبوت" تعلق دارد فرموده میشود: کسانی که معبودانی غیر از خدا بر میگزینند مثل آنان با عنکبوتی است که رشته ای پیچدار مییافت. استدلال مشرکان نیز همچنین پیچدار اما در حقیقت بینهایت احقانه است و مثل فرا گرفته های آن نیز مانند آن مگس های احق است که در تار عنکبوت بدام میافتند و آنها نمیدانند که هیچ دامی دیگر ناتوان تر از تار عنکبوتی نیست.

در تار عنکبوت این تضاد است که اگر چه تاری که از لعابش در میآید اینقدر محکم است که نخی با آن کلفتی و سنگینی. از آهن هم آنقدر محکم نیست باز هم آن دامی ناتوانتر اثبات میشود. پس برای دشمنان اعلام است که دامی محکم تر هم بسازند اما انجامش نیست مگر مانند تار عنکبوت که بظاهر محکم ولی در حقیقت بسیار ناتوان اثبات شده است.

در پایان خداوند جویندگان خود را مژده ای میدهد. مسلك شما رچه باشد هر کدام دین دارای آن راستی است که بر آن فکرو اندیشه کرده بخواسته خدا هدایت انسان بسوی راستی اسلام ممکن است.

☆ سُورَةُ الْعَنْكَبُوتِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سَبْعُونَ آيَةً وَ سَبْعَةُ رُكُوعَاتٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

الْمَرَّةِ

أَنَا اللَّهُ أَعْلَمُ مِنْ خَدَائِدَانِ تَرَا زَمَهُ (۲)

آیا مردم پنداشتند که رها کرده

شوند [بصرف] اینکه میگویند ما

ایمان آورديم و آنان آزمایش

کرده نشوند (۳)

أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا
وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ ②

و یقیناً آنها که پیش از آنها بودند را

آزمایش کردیم. پس یقیناً خدا باز

شناسد آنها را که راستگویند و

البته دروغ گویان را [نیز] باز

بشناسد (۴)

وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ
اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكٰذِبِينَ ③

آیا گمان کردند آنها که بدیها کنند

بر ما سبقت گیرنده اند. چه زشت

است آنچه قضاوت کنند (۵)

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ
يَسْفُقُونَا أَسَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ④

آنکس که به دیدار خدا امید دارد

پس یقیناً وقت معین خدا رسنده

است و او بسیار شنوای صاحب

علم دائمی است (۶)

مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنْ أَجَلَ اللَّهُ
لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ⑤

وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ
لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿۷﴾

پس هر که جهاد کند پس فقط بنفع
خودش جهاد میکند. یقیناً خدا
بی نیاز از همه جهانها است (۷)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ
أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۸﴾

و کسانی که ایمان آوردند و نیکو
کاری کردند یقیناً بدیهای ایشان را
از ایشان دور نمایم و حتماً پاداش
دهیم ایشان را طبق آن نیکوترین
عمل که انجام می دادند (۸)

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا ۗ وَإِن
جَاهَدَكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ
عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا ۗ إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ
فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۹﴾

وانسان را توصیه کردیم به مادرو
پدر خود احسان کن [گفتیم] اگر
باتوستیزه کنند که بامن آنچه را
شريك آور که به آن تورا دانشی
نیست پس آندو را پیروی نکن.
بازگشت شما بسوی من است آن
وقت شما را آگاه سازم به آنچه
شما میکردید (۹)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ ﴿۱۰﴾

و کسانی که ایمان آوردند و نیکو
کاری کردند را حتماً به نیکوکاران
داخل کنیم (۱۰)

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا
أُودِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ

و از مردم آنانند که میگویند "به
خدا ایمان آوردیم". پس آنگاه که

درواه خدا آزار داده شوند آزمایش مردم را مانند عذاب خدا قرار می دهند و پس چون یاری پروردگارتو فرار سده حتماً گویند، یقیناً ما با شما بودیم. آیا خدا دانتر به آن نیست که در دلهای همه جهانیانست؟ (۱۱) و البته خدا خواهد دانست آنانکه ایمان آوردند و یقیناً هم منافقان را خواهد دانست (۱۲)

و کسانی که کفر کردند گویند به آنانکه ایمان آوردند که راه ما را پیروی کنید ما خطاهای شما را بدوش خواهیم گرفت در حالیکه نیستند آنها که هیچ هم از خطاهای آنها به دوش گیرندگان باشند یقیناً آنها دروغگو یانند (۱۳)

و یقیناً بدوش کشند بارهای خود - شان را و با بارهای خودشان بارهای دیگر نیز و حتماً پرسیده شوند در روز قیامت از آنچه بودند برمیافتند (۱۴)

اللَّهُ ۙ وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ ۙ أَوَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ ﴿۱۱﴾

وَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ ﴿۱۲﴾

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطِيئَتَكُمْ وَمَاهُمْ بِمُحْمِلِينَ مِنْ خَطِيئَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ ۙ إِنَّهُمْ لَكَذِبُونَ ﴿۱۳﴾

وَلَيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَّعَ أَثْقَالِهِمْ ۙ وَلَيَسْئَلُنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿۱۴﴾

و یقیناً ما نوح را بسوی قومش
فرستاده بودیم پس او در ایشان
پنجاه کم هزار سال مکث کرد.
پس طوفان آنها را فروگرفت و
آنها ستمکاران بودند(۱۵)++

پس ما او و [با او] سواران کشتی
را نجات دادیم و آن [کشتی] را
نشانه ای برای همه جهانها قرار
دادیم(۱۶)

و ابراهیم [را فرستادیم] چون بقوم
خود گفت که خدا را عبادت کنید
و او را تقوی اختیار کنید. این
برایشما بهتر است. [و بهتر بود]
اگر شما میدانستید(۱۷)

یقیناً شما بفریاد خدا بتانرا عبادت
میکنید و دروغ بهم میبافید. البته
آنرا که جز خدا عبادت کنید رزقی
را برایشما اختیار ندارند. پس رزق
را از نزد خدا بخواهید و او را

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ
فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا
فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ ﴿١٥﴾

فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ
وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ ﴿١٦﴾

وَإِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ
وَاتَّقُوهُ ۚ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ
تَعْلَمُونَ ﴿١٧﴾

إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا
وَتَخْلُقُونَ أَفْكَالًا ۚ إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ
دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا
عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ ۚ

++ آیت ۱۴: عمر حضرت نوح ۹۵۰ سال بیان میشود ولی این نه عمر ظاهری بلکه عمر

شریعت ایشان است.

إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿۱۸﴾

عبادت کنید و او را سپاسگذارید
بسوی او باز گردانده شوید (۱۸)
واگر تکذیب کنید پس یقیناً ملتها
پیش از شما نیز تکذیب کرده بودند
و نیست بر پیغمبر جز رساندن
[پیغام] آشکارا (۱۹)

آیا ندیدند که چطور خدا آفرینش
را آغاز میکند. سپس آن را تکرار
میکند. یقیناً این بر خدا آسان
است (۲۰)

بگوسیر کنید در زمین پس بنگرید
که چطور خدا آفرینش را ابتداء
کرد. باز خدا آنرا بصورت پیدایش
آخرت بر بخیزاند. یقیناً خدا بر هر
چیز مدام قدرتمند است (۲۱)

هر که را خواهد عذاب میدهد و هر
که را خواهد رحم میکند و بسوی
او بازگشت داده شوید (۲۲)

و نیستید شما در زمین و نه در
آسمان عاجز کنندگان [خدا] و برای
شما جز خدا هیچ دوستی نیست و

وَإِنْ تَكْذِبُوا فَعُدَّ كَذِبَ أَمْرٍ مِنْ
قَبْلِكُمْ ۖ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ
الْمُبِينُ ﴿۱۹﴾

أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ
يُعِيدُهُ ۗ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿۲۰﴾

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ
بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ ۗ
إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۲۱﴾

يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَإِلَيْهِ
تُقْلَبُونَ ﴿۲۲﴾

وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي
السَّمَاءِ ۗ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ

وَلَا نَصِيرٌ ﴿۳۳﴾

نه یابوری است (۲۳) ^{۲۹}/_{۱۴}

و کسانی که به آیات خدا و ملاقات او را انکار کردند همانند که از رحمت نومید شده اند و همانند که آنرا عذابی دردناکست (۲۴)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَٰئِكَ يَئِسُوا مِن رَّحْمَتِي وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۳۴﴾

پس جواب قومش نبود مگر اینکه گفتند، او را بکشید یا او را بسوزانید. پس خدا او را از آتش نجات داد. یقیناً در آن آیاتی است آن مردم را که ایمان می‌آوردند (۲۵)

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنْجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿۳۵﴾

و او گفت، شما که خدا را ترک کرده بتنازاجت محبت همدیگر در زندگانی دنیا برگزیده اید. سپس در روز قیامت بعضی از شما به بعضی انکار کنند و بعضی از شما بعضی را لعنت کنند و مأوی شما آتش باشد و شما را هیچ از یاوران نباشد (۲۶)

وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَيَلْعَنُ بَعْضُكُم بَعْضًا وَمَأْوَىٰكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن نَّاصِرِينَ ﴿۳۶﴾

پس لوط برای او [ابراهیم] ایمان آورد و گفت من بسوی پروردگارم مهاجرت کننده ام. یقیناً او صاحب

فَأَمِّنَ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي ۗ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۳۷﴾

غلبه کامل صاحب حکمت
است (۲۷)

و او را اسحق و یعقوب بخشیدیم
و در نژادش [هم انعام] نبوت و
کتاب را قرار دادیم و او را مزدش
در این دنیا دادیم و هم در آخرت
یقیناً او از صالحان است (۲۸)

و لوط چون به قوم خود گفت،
یقیناً شما به فحشائی [پر شتاب]
میآیید. احدی از جهانها شما را به
آن سبقت نگرفته است (۲۹)

آیاشما بر مردان [بشهوت] میآیید
و راهزنی میکنید و درگردهائی
خود ناپسندها میآرید. پس جواب
قومش نبود مگر اینکه گفتند
عذاب خدا را نزد ما بیآر اگر
تو از راستگویانی (۳۰)

[لوط گفت] پروردگارا در مقابل
قوم فساد کاران مرا یاری
کن (۳۱)

پس گامیکه فرستادگان ما بمزده

و وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي
ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَأَتَيْنَاهُ آجْرَهُ فِي
الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٢٨﴾

وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ
الْفَاحِشَةَ مِمَّا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنْ
الْعَالَمِينَ ﴿٢٩﴾

إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ
السَّبِيلَ ۗ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيكُمُ الْمُنْكَرَ ۗ
فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا ائْتِنَا
بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٣٠﴾

قَالَ رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ
الْمُفْسِدِينَ ﴿٣١﴾

ع
١٥

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَىٰ ۖ

قَالُوا إِنَّا مَهْلِكُوا أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ إِنَّا
أَهْلُهَا كَانُوا ظَالِمِينَ ﴿٢٧﴾

بسوی ابراهیم آمدند گفتند. یقیناً
ما اهل این قریه را ملامت کنندگان
ایم. یقیناً ساکنان آن ستمکاران
اند (۲۲) ++

قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطًا قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ
بِمَنْ فِيهَا إِنَّهُ نَسَجْتَهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ
كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ﴿٢٨﴾

او گفت. یقیناً در این [شهر] لوط هم
است. ایشان گفتند ما داناتریم
به آنکه در آن است. یقیناً ما او و
خانواده اش جز زنش را نجات
دهیم. آنزن از جمله باز ماندگان
است (۳۳)

وَلَمَّا أَنْ جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا
سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالُوا لَا
تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ إِنَّا مُنْجُونَ
وَأَهْلِكَ إِلَّا امْرَأَتَكَ كَانَتْ مِنَ
الْغَابِرِينَ ﴿٢٩﴾

و گاهی که فرستادگان مانند لوط
آمدند او از ایشان ناخوش آمد و
بسبب ایشان طاقت او تنگ شد.
پس گفتند: ترس مدار و اندوه گین
مباش. ما تو و همه خانواده تو را
نجات میدیم جز زن تو که البته
او از بازماندگانست (۳۴)

++ آیت ۳۲: فرشتگان که برای نابودی قوم لوط مامور شدند قبلاً برحضرت ابراهیم
نیز نازل آمده بودند و چون حضرت ابراهیم رقیق القلب بودند لذا ایشان برای
عفو آن قوم لوط در درگاه خدای متعال بسیار اصرار ورزیدند.

یقیناً بر مردم این شهر عذابی از آسمان نازل کننده ایم چه آنها نافرمانی میکنند (۳۵)

و البته از آن يك نشانه روشن واگذارديم برای آن مردم که عقل کنند (۳۶)

و بسوی مدین برادرایشان شعیب [رافرستادیم] پس او گفت، ای قوم من خدا را عبادت کنید و به روز آخرت امید داشته باشید و مفسدانه در زمین نا امنی نگسترانید (۳۷)

پس او را تکذیب کردند. پس زلزله آنها را فرو گرفت پس در حالتی شدند که در منازل خود به زانوها در افتاده بودند (۳۸)

و عادی و ثمود را [نیز زلزله گرفت] و این از [ویرانی] منازلشان بر شما روشن گردیده است و شیطان اعمالشان را برای آنها زیبا نشان داد و آنها را از راه [راست] بازداشت حالانکه بخوبی میدیدند (۳۹)

إِنَّا مَنزِلُونَ عَلَىٰ أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿۳۵﴾

وَلَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيِّنَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿۳۶﴾

وَالِىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ وَلَا تَعْمُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿۳۷﴾

فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذْتَهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جُثَمِينَ ﴿۳۸﴾

وَعَادًا وَثَمُودًا وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِّن مَّسْكِنِهِمْ^ت وَرِزْنٍ لَهُمُ الشَّيْطٰنُ أَعْمٰلُهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ ﴿۳۹﴾

وَقَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَدْ
جَاءَهُمْ مُوسَى بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي
الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَاقِينَ ﴿٤٠﴾

و قارون و فرعون [را هم کيفر
گمراهی آنها داديم] و يقيناً موسى
آنان را بانسانه های آشکار آمده
بود باز هم آنها در زمين خود خواهی
کردند و [از کيفر ما] سبقت گیرندگان
نبودند (۴۰)

فَكَلَّا أَخَذْنَا بِذُنُوبِهِ فَمِنْهُمْ مَن أَرْسَلْنَا
عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَن أَخَذَتْهُ
الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَن خَسَفْنَا بِهِ
الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَن أَعْرَقْنَا وَمَا كَانَ
اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ
يَظْلِمُونَ ﴿٤١﴾

پس ما هر کدام از آنها را بعلت
گناهش بگرفتيم. پس از آنها بود که
بر آن سنگریزه هابارانیديم و از
آنها بود که آنها غرش هولناک
فرو گرفت و از آنها بود که آنها
بزمین فرو برديم و از آنها بود که
آنها غرق نموديم و نبود خدا که
بر آنها ستم کند و اما بر جانهای خود
ستم میکردند (۴۱) ++

مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ

مثل کسانی که دوستان گذشته از

++ آیت ۴۱: در این آیت سخن از این رفته است که با چه وسیله ها قوم های مخالف
پیغمبران زمان خود بھلاک رسانده شدند. بر بعضیها باد سنگریزه های بارانیديم
و برخی ها را غرشی خوفناک فرو گرفت و بعضیها ناشی از زلزله ها بخاک برده
شدند و بعضیها بفرق افکنده شدند. معمولاً همین چهار طریق است که برای هلاک
دشمنان پیغمبران بکار برده میشود.

كَمَثَلِ الْعُنْكُبُوتِ ۱۳۱ اِتَّخَذَتْ بَيْتًا ۱۳۲ وَإِنَّ
أَوْهَانَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعُنْكُبُوتِ ۱۳۳
لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۱۳۴

خدا گرفته اند مانند مثل عنكبوت
است. آن خانه ی ساخت و یقیناً
سست ترین خانه ها خانه عنكبوت
است کاشکی میدانستند (۴۲)

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مِنْ
شَيْءٍ ۱۳۵ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۱۳۶

یقیناً خدا میداند آنچه را جز او
میخوانند و او صاحب غلبه کامل
صاحب حکمت است (۴۳)

وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ ۱۳۷ وَمَا
يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعُلَمَاءُ ۱۳۸

و این مثلهای است که ما برای
مردم بیان میکنیم و آنها را درک
نمیکند جز صاحبان علم (۴۴)

خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۱۳۹ إِنَّ
فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ۱۴۰

خدا آسمانها و زمین را بحق آفریده
است یقیناً در این مومنان را
آیتی بزرگ است (۴۵)

فروخوان آنچه از کتاب برتووحی شود و نماز رابهای دار. یقیناً نماز از فحشائی و ناپسندها باز میدارد و یقیناً ذکر خدا بزرگتر است و خدا میداند آنچه میکنید (۴۶)

و با اهل کتاب مباحثه کن فقط به آن [طریق] که آن نیکوترست جز آنان از ایشان که ستم کردند. بگو ما ایمان آورده ایم به آنکه بسوی ما نازل کرده شد و بسوی شما نازل کرده شد و معبود ما و معبود شما یکتا است و ما برای او گردن نهادگانیم (۴۷)

و اینگونه ما کتاب را بسوی تو نازل کردیم. پس کسانی که ایشان را کتاب دادیم به آن ایمان میآرند و از آنان [اهل کتاب هم] است آنکه به آن ایمان میآرد و به آیات ما انکار نکند مگر کافران (۴۸)

و پیش از این توهیج کتابی نمی خواندی و نه آنرا بدست راست

أَتْلُ مَا أُوْحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ ۗ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ ۗ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ﴿۴۶﴾

وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ۗ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُمْ ۗ وَالهُنَا وَالْهَكُمْ ۗ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿۴۷﴾

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ ۗ فَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ ۚ وَمِنْ هَؤُلَاءِ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ ۗ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ ﴿۴۸﴾

وَمَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكَ إِذًا لَا زِتَابَ الْمُبِطُونَ ﴿۴۹﴾

خود مینوشتی و گرنه ردکنندگان
 حتماً [از تو] به شك میفتادند (۴۹)
 بلکه آن آیت‌های آشکار است در
 سینه‌های آنانکه علم داده شدند و
 به آیت‌های مافقط ستمگران انکار
 میکنند (۵۰)

و گویند، چرا بر او از پروردگارش
 نشانه نازل کرده نشد؟ بگو نشانه
 ها فقط نزد خداست و من فقد بیم
 دمنده‌ی آشکارام (۵۱)

آیا این برایشان بس نیست که
 کتابی بر تو نازل کرده ایم که بر
 آنها فرو خوانده میشود و یقیناً در
 این برای قومیکه ایمان آرند
 رحمت است و پند است (۵۲)

بگو خدا بین من و بین شما گواه
 بس است. او میداند آنچه در
 آسمانها و زمین است و کسانیکه
 بیاطل ایمان آوردند و به خدا
 انکار کردند همانندکه زیانکاران
 اند (۵۳)

بَلْ هُوَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فِي سُذُورِ الَّذِينَ
 أُوتُوا الْعِلْمَ ۗ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا
 الظَّالِمُونَ ﴿٥٠﴾

وَقَالُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَاتٌ مِّن رَّبِّهِ ۗ
 قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ ۗ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ
 مُّبِينٌ ﴿٥١﴾

أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ
 يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَرَحْمَةً وَّذِكْرًا لِّ
 لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٢﴾

قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ شَٰهِدًا
 يَعْلَمُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَالَّذِينَ
 آمَنُوا بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ ۗ أُولَٰئِكَ
 هُمُ الْخٰسِرُونَ ﴿٥٣﴾

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ ۗ وَلَوْلَا أَجَلٌ مُّسَمًّى لَّجَاءَهُمُ الْعَذَابُ ۗ وَلِيَأْتِيَهُمْ بَعْتَةٌ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٥٦﴾

و آنها عذاب را از تو بتعجیل می خواهند و اگر نهایت زمانی مقرر نبود آنها را عذاب حتماً می آمد البته آن آنرا ناگهان می آید در حالیکه آنها هیچ درک نکنند (۵۴)

يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ ۗ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿٥٥﴾

آنها عذاب را از تو بتعجیل می خواهند و یقیناً جهنم کافران را احاطه کننده است (۵۵)

يَوْمَ يَغْشَاهُمْ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٥٦﴾

روزی که عذاب آنها را از فراز آنها و زیرپاهای آنها فروپوشد و [خدا] گوید، بچشید [طعم] آنچه شما می کردید (۵۶)

يُعْبَادِي الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ ﴿٥٧﴾

ای بندگان من که ایمان آورده اید و نیکوکاری کردید زمین من بسیار فراخ است، پس تنها مرا عبادت کنید (۵۷)

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ۗ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ﴿٥٨﴾

هر کس [طعم] مرگ را چشیده است، سپس به سوی ما برگردانده شوید (۵۸)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ

و کسانی که ایمان آوردند و نیکو کاری کردند حتماً ایشانرا در بالا

تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ
الْعَمِلِينَ ﴿٥٩﴾

خانه های بهشت جا دهم که در
دامنه آنها نهرها روان باشد. ایشان
در آن جاویدانند. عمل کنندگان را
چه خوب پاداش است (۵۹)

الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٦٠﴾

کسانی که صبر کرده و بر پروردگار
خود توکل می‌کردند (۶۰)

وَكَأَيِّنْ مِنْ ذَا بَأْسٍ لَّا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ
يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ ۗ وَهُوَ السَّمِيعُ
الْعَلِيمُ ﴿٦١﴾

و چه بسا جنبندها هستند که رزق
خود را برنمی‌دارند. خدا است که
هم به آنها رزق میدهد و هم به شما
و او بسیار شنوای صاحب علم
دائمی است (۶۱)

وَلَيْسَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ
لِيَقُولَنَّ اللَّهُ فَاَلَيْ يُوَفِّكُونَ ﴿٦٢﴾

و اگر از آنها بپرسی کیست که
آسمان ها و زمین را آفرید و
خورشید و ماه را مسخر کرد؟ حتماً
گویند، خدا. پس کجا منحرف کرده
میشوند (۶۲)

اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ
وَيَقْدِرُ لَهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٦٣﴾

خدا است که برای هر که از
بندگان خود می‌خواهد رزق را فراخ
گرداند و برای او [رزق] تنگ می
گرداند. یقیناً خدا به هر چیزیک
دانا است (۶۳)

و اگر از آنها بپرسی کیست که آب را از آسمان نازل کرد پس زمین را بدان پس از مرگش زنده نمود؟ حتماً گویند، خدا، بگوستایش مطلق برای خدا است اما بیشتر آنها عقل نکنند (۶۴)

و نیست این زندگی دنیا مگر بازی و بازیچه و البته خانه آخرت زندگی حقیقی است، کاشکی می دانستند (۶۵)

پس وقتی سوار کشتی شوند دین را برای او خالص کرده خدا را خوانند، پس هرگاه آنها را بسوی خشکی نجات دهد بیدرنگ آنها شرک میورزند (۶۶)

تا ناشکری کنند بدانچه به آنها بخشیده ایم و تا موقتاً بهره کشی کنند، پس بزودی [نتیجه] آن را بدانند (۶۷)

آیاندیدند که ما حرمی جای ایمن ساخته ایم در حالیکه مردمان از

وَلَيْسَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً
فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا لِيَقُولُنَّ
اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ ۗ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا
يَعْقِلُونَ ﴿٦٤﴾

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُمْ وَلِحَبِّ
وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ ۗ
لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٦٥﴾

فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَا اللَّهُ مُخْلِصِينَ
لَهُ الدِّينَ ۗ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ
يُشْرِكُونَ ﴿٦٦﴾

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ ۗ وَلِيَتَمَتَّعُوا
فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٦٧﴾

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا مِمَّا
وَيَتَخَفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ ۗ

أَفِيَابَاطِلٍ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ
يَكْفُرُونَ ﴿٦٨﴾

پیرامون آن ربوده میشوند. پس
آیا به باطل ایمان بیارند و نعمت
خدا را انکار میکنند؟ (۶۸)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ
كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ ۗ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ
مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ ﴿٦٩﴾

و کیست ستمکارتر از آنکه بر خدا
دروغ بهم بافتد یا حق را تکذیب
کند چون او را بیاید. آیا منزلگاه
کافران در جهنم نیست؟ (۶۹)

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَهُمْ صُبُلَنَا ۗ
وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٧٠﴾

و آنانکه در تلاش ما کوشند یقیناً ما
ایشانرا براه خود هدایت کنیم و
یقیناً خدا با محسنان است (۷۰)

۳۰- الروم

این سوره در مکه نازل آمد و با بسم الله ۶۱ آیت دارد.

این سوره نیز بامقطعات آلم شروع شده است. سورت‌های شروع شده با مقطعات آلم حاکی از این ذکر است که خدا داناتر است که چه شد و چه خواهد شد.

سوره قبلی در پایان خود مدعی بود که یقیناً خدا با احسان کنندگان است و بزرگترین احسان کنندگان آنحضرت ﷺ بودند. پس ایشان مؤده ای داده میشوند به پیروزیهای بیشتر که ذکر از آنها چندین بار در این سوره رفته است. نخست در قالب پیشگوئی بیان فرمود که مشرکان فارس [که به یکتا پرستی بحر حال مدعی که بودند] در مقابل دولت مسیحیان روم به پیروزی نایل آیند. بر پایه راست آمدن آن پیشگوئی آنان کمی از خاک آن کشور را بدست آوردند و مشرکان بر اساس این واقعه فال گرفتند که آنان در مقابل آنانکه با خدامنسوب اند پیروزی نهائی را هم بدست خواهند آورد. این سوره عبارت از این اعلام است که هرگز اینطور نخواهد شد. یقیناً رومیان خاک مین از دست داده ای خود را بازگیرند و آنوقت مسلمانان شادمان گردند بر پایه این توقع که اکنون ایشان را نیز انشاء الله در مقابل بت پرستان پیروزی بزرگ بدست خواهد آمد.

این پیشگوئی از آنروزها است که مسلمانان هنوز بسیار ناتوان بودند و هیچکس نمیتوانست مدعی برای پیروزی بزرگ باشد. ضمناً در وعده مزبور این پیشگوئی نیز مضر بود که مسلمانان در مقابل ابر قدرت مشرکان دولت

كسرى نيز به پيروزى بزرگ نايل خواهند آمد. پس عیناً همینطور بظهور رسید. مردم مدركى اینقدر مهم را مشاهده کرده نیز از هستى خداوند انكار همى کنند. پس ایشان يكبار ديگر بسوى اين حقيقت متوجه ساخته شوند كه آيا ایشان درباره زمين و آسمان يانفسهای خویش تعقل نمیکنند تا مدارك هستى خداوند را در وجود خودشان و در آفاق زمين و آسمان مشاهده کنند؟ باز ایشان به آثار ملت‌های پیشین متوجه ساخته میشوند كه اگر ایشان نیز مثل پیشینیان از حال خود بی خبراند پس باید به عاقبت آنها بنگرند. آنها بزرگترین ملت‌های دنیائی بودند و آنان زمين را در مقابل ملت‌های موجود در زمان رسول الله ﷺ بیشتر آبادان کردند و اما چون آنان را رسولان خدا آمدند بعلت انكار ایشان با آن عظمت‌های خود بخاك کرده شدند.

بعدها این موضوع بوسیله مثل‌های گونا گون پیوسته جریان دارد كه به هر كجا نگاه را بدوانید موضوع مرگ پس از زندگى و زندگى پس از مرگ تعمیم داده بچشم میخورد. اما افسوس كه انسان بر این امر تأمل نمى كند كه این همگان نظام را این مقصد نهائی نمیتواند باشد كه تکراراً او بخاطر همین دنیا زنده کرده شود. آخرین مرحله زندگى همانست كه در آن او بخاطر محاسبه در محضر خداوند احضار کرده شود.

پس آنحضرت ﷺ يكبار ديگر به این امر نصیحت شوند كه تو صبور باش. وعده خدا بحر حال حق است و آنهائی كه باور نمیکنند تو را از موضع خودت دور نیفکنند. اینجا صبر را مفهوم اینست كه به نیکیها چنگ زنی و به هیچ ارزش قائل شده سخن حق را ترك نگویید.

☆ سُوْرَةُ الرَّوْمِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ اِحْدَى وَسِتُّونَ آيَةً وَسِتَّةُ رُكُوْعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]
بسیاربخشنده بارهارحم کننده(۱)

الْمَع ①

أَنَا اللَّهُ أَعْلَمُ - منم خدا از همه
داناتر(۲)

عُلِبَتِ الرَّوْمُ ②

رومیان مغلوب کرده شدند(۳) ++
در زمین نزدیک و آنها پس از
مغلوب شدن خود بزودی غلبه
خواهندیافت(۴) ++

فِي آدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلِبِهِمْ
سَيَغْلِبُونَ ③

در سه الی نه سال.فرمان از آن
خدا است پیش از آن و پس از آن
و مومنان [نیزاز پیروزیهای خود]
آنروز بسیارخرسندشوند(۵) ++

فِي بَضْعِ سِنِينَ ۱ اللَّهُ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلِ وَمِنْ
بَعْدِ ۲ وَيَوْمَ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ ④

بیاری خدا. او یاری میکند هرکه
را بخواهد و اوصاحب غلبه کامل
بارها رحمکننده است(۶) ++

بِئْصْرِ اللَّهِ ۱ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ ۲ وَهُوَ الْعَزِيزُ
الرَّحِيمُ ⑤

وعدۀ خدا است. خدا خلف وعده
خود نمیکند اما بیشتر مردم نمی
دانند(۷) ++ [حاشیه ص# ۹۵۷]

وَعَدَ اللَّهُ ۱ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ وَعَدَهُ وَلَكِنَّ
أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ⑥

يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ
عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَفْلُونَ ﴿۸﴾

آنها ظاهر زندگی دنیا را میدانند
درحالیکه آنها از آخرت بیخبر
اند (۸)

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَّا خَلَقَ اللَّهُ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ
وَاجِلٌ مُّسَىٰ ۗ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ
بِلِقَائِي رَبِّهِمْ لَكَفِرُونَ ﴿۹﴾

آیا درخودشان تفکر نکنند که خدا
آسمانها و زمین و آنچه میان آندو
است را فقط بحق و نهایت زمانی
معین آفریده است و یقیناً بیشتر
مردم بملاقات پروردگارخودشان
منکران اند (۹)

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا
كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۗ
كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ

آیا در زمین سیر نکنند تا بنگرند
که فرجام آنها که قبل از آنان
بودند چطور بود. آنان سخت تر
از آنان در توانائی بودند و زمین

++ آیات ۳-۷: در این آیت‌های ابتدایی از سوره الروم کلمات غلبت الروم را بدین
معنای ذکر است که دولت روم حین جنگ با دولت آتش پرست کسری از ایران در
خاک نزدیکی به شکست روبرو شود. اما همان وقت این پیشگویی نیز فرموده شد
که رومیان را فتح دوباره بر دولت کسری حاصل شود و آن واقعه در مدت نه سال
صورت خواهد گرفت. اینهم دلیلی فوق العاده بر راستی رسول الله ﷺ است که
این خیر ایشان را خدای متعال خود داد.

در همان آیتها منتهای پیشگویی مربوط به غلبه مسلمانان نیز است و همان طور که مندرج
است با شأن بزرگی پایان پذیرفت. این پیروزی نیز در بضع سین بموقع جنگ
بدر بدست مسلمانان آمد.

را خوب میکافتند و آبادان کردند
 آنرا بیشتر از آنچه آنها آنرا آبادان
 کرده اند و آنانرا رسولان ایشان
 بانشانه های آشکارآمدند. پس نبود
 خدا که بر آنهاستم میکرد و اما خود
 بر جانهای خودستم میکردند(۱۰)

سپس عاقبت آنها که بدی کردند
 بسیار بد شد چه به آیات خدا تکذیب
 کردند و داشتند به آنها تمسخر
 میکردند(۱۱)

خدا است که آفرینش را آغاز می
 کند سپس آنرا تکرار میکند سپس
 بسوی او بازگرانده شوید(۱۲)
 و روزیکه قیامت برپا گردد مجرمان
 نومید شوند(۱۳)

و کسی از شریکانشان برای آنها
 شفاعت کننده نباشد و آنها [خود]
 شریکان خود را انکار خواهند
 کرد(۱۴)

و روزیکه قیامت برپا گردد آنروز
 [مردم] پراکنده شوند(۱۵)

وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا
 وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ ۖ فَمَا كَانَ
 اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ
 يَظْلِمُونَ ۝۱۰

ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوْاىَ أَنْ
 كَذَّبُوا آيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِءُونَ ۝۱۱

اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ
 تُرْجَعُونَ ۝۱۲

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ
 الْمُجْرِمُونَ ۝۱۳

وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ مِنْ شُرَكَائِهِمْ شُفَعَاؤُا
 وَكَانُوا بِشُرَكَائِهِمْ كُفْرِينَ ۝۱۴

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُومِذِيَّتَقَرُّوْنَ ۝۱۵

پس آنانکه ایمان آوردند و نیکو کاری کردند پس ایشان در گلزاری شادان گردانیده شوند (۱۶)

و آنانکه انکار کردند و تکذیب کردند به آیتهای ما و به ملاقات آخرت را، پس همانند که در عذاب احضار شوند (۱۷)

پس [در هر حال] پاکست خدا وقتی که وارد شام شوید و آنگاه که بامگاه کنید (۱۸)

و ستایش مطلق برای او است در آسمانها و زمین و شبگاه و هنگامی که ظهر میگذرانید (۱۹)

زنده را از مرده بیرون میآرد و مرده را از زنده بیرون میآرد و زمین را پس از مرگش باز زنده میگرداند و همینطور هم شما در آورده شوید (۲۰)

و از نشانهای اوست که شما را از گل آفرید. سپس [گویی] ناگهان شما بشر پراکنده همی شدید (۲۱)

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ ﴿۱۶﴾

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ فَأُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ ﴿۱۷﴾

فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ ﴿۱۸﴾

وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ ﴿۱۹﴾

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۚ وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ ﴿۲۰﴾

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ ﴿۲۱﴾

و از آیت‌های اوست که زوج های شما را از جنس شما آفریدتا بسویشان میل کرده آرامش یابید و محبت و رحمت را میان شما نهاد. یقیناً در این آیات است برای قومی که تفکر کنند(۲۲)

و از آیت‌های اوست آفرینش آسمانها و زمین و اختلاف زبانهای شما و رنگهای شما. یقیناً در این برای صاحبان علم آیت‌های است(۲۳)++
و از آیت‌های اوست خواب شما هنگام شب و روز و جستن فضل او. یقیناً در این آیت‌های است مردم را که گوش باز میدهند(۲۴)

و از آیت‌های اوست که شمارا در حالت ترس و امید برق نشاندهند و آب را از ابرنازل کند. پس بدان

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢٢﴾

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافَ أَلْسِنَتِكُمْ وَالْوَأْنِكُمْ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالِمِينَ ﴿٢٣﴾

وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاءُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴿٢٤﴾

وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبُرْقَ خَوْقًا وَطَمَعًا وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ

++آیت ۲۳: اینجا اشاره ای است که در ابتدا فقط يك زبان بود و آن الهامی بود و بعدما در نتیجه منتشر شدن انسان در منطقه های مختلف با تبدیلی خاک، زبان نیز تغییر همیافت. بر همین منوال درابتداء رنگ انسان نیز یکسانی بود و بعدما آن نیز تحت تاثیر آب و هوا منطقه تبدیل می شد.

بَعْدَ مَوْتِهَا ^ط إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ
يَعْتَلُونَ ^{٢٥}

زمین را پس از مرگش زنده
میکند. یقیناً در این آیه‌های است
برای مردمی که خردمندی را بکار
برند (۲۵)

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ
بِأَمْرِهِ ^ط ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِّنَ
الْأَرْضِ ^ق إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ ^{٢٦}

و از آیات اوست که آسمان و زمین
با فرمان او استوار است. سپس
گامیکه او شما را از زمین بانگ
زند ناگهان شما درآیید (۲۶)

وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ^ط كُلٌّ لَّهُ
قَلْبُونَ ^{٢٧}

و از آن اوست هر چه در آسمانها و
زمین است. همه فرمانبرداران
اویند (۲۷)

وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ
أَهْوَنُ عَلَيْهِ ^ط وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ^ج وَهُوَ الْعَزِيزُ
الْحَكِيمُ ^{٢٨}

و اوست آنکه آفرینش را آغاز
کند سپس آنرا تکرار کند و این
بر او آسانتر است و مثل او در
آسمانها و زمین بلندتر است و او
صاحب غلبه کامل صاحب حکمت
است (۲۸)

ضَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِّنْ أَنْفُسِكُمْ ^ط هَلْ
لَكُمْ مِّنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّنْ شُرَكَاءَ
فِي مَا رَزَقْتُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ

او برای شما مثل از خود شما میزند.
آیا از زیردستان شما در آن شریکان
اند که به شما رزق داده ایم پس
شما در آن هم سنگ شوید و بترسید

از آنها مانند ترسیدنشان از خویشان خود؟ اینگونه ما آیت‌های خود را تفصیل میدهم برای مردمی که عقل کنند (۲۹)

حقیقت اینست آنانکه ستم کردند بیدانش هوائی نفسانی خود را دنبال کردند. پس کی هدایت دهد آنکه را خدا گمراه گرداند و آنها را کسی از یاوران نباشد (۳۰)

پس مدام حق گرا بوده توجه خود را برای دین راست کن. این آن فطرت خداست که بر آن او مردم را آفرید و در آفرینش خدا تغییری نیست. دین برقرار و برقرار کننده اینست. اما اکثر مردم ندانند (۳۱) + انابت کنان بسویش [راه روید] او را تقوی اختیار کنید و نماز را

تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ ۗ كَذَلِكَ نَفِّصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿۳۰﴾

بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۖ فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ ۖ وَمَا لَهُمْ مِنْ ناصِرِينَ ﴿۳۰﴾

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا ۗ فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا ۗ لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ۗ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ ۗ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۳۱﴾

مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ ۚ وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿۳۱﴾

++ آیت ۳۱: یعنی خداوند آدمیان را بر فطرت آفریده است و هر يك انسان بر همان يك دین متولد میشود یعنی با فطرت پاک و تمیز و باز بزرگ شده در نتیجه تا فراتر گوناگون لغزش میخورد. بر اساس این آیت مثلاً خواه بجهت ی هندو، مسیحی، یهودی یا مشرک است هنگام تولد او معصوم چشم بدنیا می‌گشاید.

بیادارید و از مشرکان نباشید (۳۲)
 [نباشید از] آنانکه دین خود را پاره
 پاره کردند و گروه گروه شدند هر
 کدام گروه خرسند اند به آنچه
 نزد آنها است (۳۳)

و گامیکه بمردم سختی لمس کند
 پروردگار خود را بسویش انابت
 کنان میخوانند. سپس گامی که
 بدیشان رحمت خود بچشانند ناگهان
 گروهی از آنها به پروردگار خود
 شرك میورزند (۳۴)

تاناشری کنند به آنچه آنها را داده
 ایم پس بهره موقتی بکشید. باز
 [فرجامش را] بزودی بدانید (۳۵)
 آیاما دلیلی قاطع بر آنها نازل کرده
 ایم پس آن تکلم میکند جهت آنچه
 با او شريك قرار میدهند؟ (۳۶)

و هرگاه بمردم رحمت بچشانیم به
 آن میخرامند و اگر به آنها سختی
 برسبدان [علت] که دستهای آنها
 بیش فرستاد ناگهان آنها نوید

مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِعَابًا كُلٌّ
 حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُوا ۝۳۲

وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ
 مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا آذَاهُمْ مِنْهُ رَحْمَةٌ
 إِذْ أَفْرَيقَ مِنْهُمْ يَرِيحُهُمْ يَشْرِكُونَ ۝۳۳

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْتَهُمْ ۖ فَتَمَتَّعُوا^{تفتت}
 فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۝۳۴

أَمْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا
 كَانُوا بِهِ يَشْرِكُونَ ۝۳۵

وَإِذَا آذَنَّا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا ۖ وَإِنَّا
 نُصِبُهُمْ سَبِيئَةً ۖ بِمَا قَدَّمَتْ آيَاتِنَا لَهُمْ
 إِذْ أَهُمَّ يَفِطْنُونَ ۝۳۶

شوند (۳۷)

آیا ندیدند که خدا برای هر که خواهد رزق فراخ میگرداند و تنگ میگرداند یقیناً در این امر آیت های است برای قومی که ایمان آرند (۳۸)

پس بده به خویشی حشش و به بی‌نوا و در مانده راه. این نیکو است برای آنانکه خوشنودی خدا را آرزو دارند و همانها موفق شدگان اند (۳۹)

و آنچه از ربا دمید تا به اموال مردم داخل شده افزوده شود پس نزد خدا افزوده نمیشود و آنچه از زکوت به آرزوی خوشنودی خدا میدهد پس همانند که افزایش گیرندگانند (۴۰)

خدا است آنکه شمارا آفرید. سپس به شما رزق بخشید. سپس شمارا می میراند باز شما را زنده کند. آیا از شریکان شما است آنکه

أَوْلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿۳۷﴾

قَالِ ذَالِقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ ۗ ذَٰلِكَ حَيْزٌ لِّلَّذِينَ يَرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ ۗ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۳۸﴾

وَمَا آتَيْتُم مِّن رَّبِّالْيَرَبُؤَافِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرَبُؤَاعِنْدَ اللَّهِ ۗ وَمَا آتَيْتُم مِّن زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ ﴿۳۹﴾

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ۗ هَلْ مِنْ شَرِكَا بِكُمْ مَّن يَفْعَلُ مِنْ ذَٰلِكُمْ مِّن

سَيُطْرَقُ سَبْحَتَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٤١﴾

[هیچ کدام] از این [کار]ها چیزی
 هم انجام دمد؟ او پاک است و
 بالاتر است از آنچه شرک می
 آورند (۴۱)

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ
 أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي
 عَمِلُوا أَلْعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٤٢﴾

فسادغلبه یافت در دشت و دریا
 بسبب آن بدیها که مردم کسب
 کردند تا به آنها طعم بعضی از
 اعمالشان بچشانند تا باشد که رجوع
 کنند (۴۲)

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ
 كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ ۗ كَانِ
 أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ ﴿٤٣﴾

بگو در زمین بگردید پس بنگرید
 که فرجام آنها که قبل بودند چطور
 شد. بیشترشان مشرک بودند (۴۳)

پس توجه خود را بسوی دین
 استوار راست کن پیش از آنکه
 روزی برسد که از خدا برگشت
 آن ممکن نیست آن روز آنها
 پراکنده شوند (۴۴)

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَيِّمِ مِنْ قَبْلِ أَنْ
 يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ
 يُصَدَّعُونَ ﴿٤٤﴾

هر که کفر کند پس کفرش بر خود
 او است و آنانکه نیکوکاری کنند
 پس در حق جان خود اقدام بعمل
 آرند (۴۵)

تا بفضل خود عوض دهد به آنانکه ایمان آوردند و نیکوکاری کردند. یقیناً او کافران را دوست نه دارد (۴۶)

و از آیت‌های اوست که بادها مؤده دهنده‌گانی را میفرستد تا شمارا از رحمت خود بچشاند و تا کشتیها بفرمان او حرکت کنند و تا فضل او را تلاش کنید و تا باشد که شماسپاس بگذارید (۴۷)

و البته پیش از توهم رسولان را بسوی قوم‌های ایشان فرستادیم. پس ایشان نزد آنها با نشانه‌های آشکار آمدند. پس ما انتقام گرفتیم از آنها که جرم کردند. مدد مومنان بر ما بفرض بود (۴۸)

خداست آنکه میفرستد بادها - پس بر میانگیزد ابری را - پس آن را در آسمان می‌گستراند بطوریکه دوست دارد و آنرا قطعاتی می‌سازد - باز می‌بینی که از خللاش باران

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ ۗ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ ﴿۴۶﴾

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيحَ مَبْشُرَاتٍ ۖ وَلِيَدَّبِقُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ ۖ وَلِتَجْرِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ ۖ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ ۖ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۴۷﴾

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَأَنْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرُمْ ۗ وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۴۸﴾

اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا ۖ فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كَسَفًا تَرَىٰ الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ ۚ

درمیآید. پس گامیکه میرساند آن را به هرکه از بندگان خود می خواهد ناگهان ایشان شادمانی می کنند(۴۹)++

حالانکه قبلاً پیش از اینکه [آب باران] بر آنان نازل کرده میشد نو مید شده بودند(۵۰)++

پس آثار رحمت خدا را بنگر. چه گونه اوزمین رازنده میکند. یقیناً اوست [خدا] زنده کننده مردگان و او بر هر چیز مدام قدرتمند است(۵۱)++

واگر بادی بفرستیم پس [در نتیجه این باد] آن [سیره] را زردگون ببینند حتماً بعد از آن ناسپاسی کردن میگیرند(۵۲)

پس نیستی توبشوانی مردگان را

فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مِنْ يَسَاءٍ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿٤٩﴾

وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُنْزَلَ عَلَيْهِمْ مِنَ قِبَلِهِ لُمُبَلِّسِينَ ﴿٥٠﴾

فَانظُرْ إِلَىٰ آثَرِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۗ إِنَّ ذَٰلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَىٰ ۗ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٥١﴾

وَلَئِنْ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا لَظَلُّوا مِنْ بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ ﴿٥٢﴾

فَإِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تَسْمَعُ الصَّمَّةَ

++ آیات ۴۹-۵۱: در این آیه تا بخی شدن آبی صاف دریا و باز باکوه های بلند تصادف کرده جاری شدن آبی صاف رابسوی زمین های زیرین. و بدانعلت زنده شدن زمین مرده. را ذکر میشود. اگر این نظام از جانب خدا اجرانمیشد آنگاه هرگز امکان پذیر نبود که هیچ آثار زندگی در زمین یافت میشد.

و نه به گوش رسائی دعوت کران
را چون پشت کرده بروند (۵۲)

و نتوانی تو رهنمائی کنی کوران را
از گمراهی آنها - تو نتوانی بشنوانی
جز آنرا که به آیتهای ما ایمان آرد.
پس همانها فرمان بردارند (۵۴)

خدا است آنکه شما را از ناتوانی
آفرید. باز بعد از ناتوانی نیرومندی
ساخت. سپس بعد از نیرومندی،
ناتوانی و پیری ساخت. او میآفریند
مرجه دوستدارد و او صاحب علم
دائمی مدام قدرتمند است (۵۵)

و روزیکه قیامت برپا گردد مجرمان
قسم خورند [در دنیا] فقط ساعتی
درنگ کردند. همینطور [قبلاًهم]
در جوال میشدند (۵۶)

و کسانی که دانش و ایمان داده
شدند گویند یقیناً در کتاب خدا
تا روز رستخیز مکث کردید. پس
این روز رستخیز است اما شما
نمیدانید (۵۷)

الدَّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ ﴿۵۲﴾

وَمَا أَنْتَ بِهَادِ الْعَمَىٰ عَنْ صَلَاتِهِمْ ۖ إِنَّ
تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ
مُسْلِمُونَ ﴿۵۴﴾

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ
مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ
ضَعْفًا وَشَيْبَةً ۖ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۚ وَهُوَ
الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ ﴿۵۵﴾

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ
مَا لَيْشُوا غَيْرَ سَاعَةٍ ۗ كَذَلِكَ كَانُوا
يُؤْفَكُونَ ﴿۵۶﴾

وَقَالَ الَّذِينَ أُوْتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ
لَبِئْسَ مَا فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَىٰ يَوْمِ الْبَعْثِ ۗ
فَهَذَا يَوْمَ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا
تَعْلَمُونَ ﴿۵۷﴾

پس آنروز آنها که ستم کردند را
معذرت آنها سودی نبخشد و نه
عذر از آنها قبول کرده شود (۵۸)

و البته در این قرآن هرگونه مثل
را برای مردم بیان کرده ایم و
اگر آنها را هر کدام آیتی بیاری
آنها که کفر کردند حتماً گویند شما

فقط دروغگویانید (۵۹)

اینگونه خدا بردل‌های آنها مهربند
که دانشی ندارند (۶۰)

پس صبر کن. یقیناً وعده خدا حق
است و کسانی که یقین ندارند تو
را سبک نپندارند (۶۱)

فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا
مَعذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ﴿٥٨﴾

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ
كُلِّ مَثَلٍ ۖ وَلَئِنْ جِئْتَهُمْ بِآيَةٍ لَيَقُولَنَّ
الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ ﴿٥٩﴾

كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ
لَا يَعْلَمُونَ ﴿٦٠﴾

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفُّكَ
الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ ﴿٦١﴾

۶
۹

۳۱ - سورة لقمان

این سوره در مکه نازل آمد و با بسم الله ۲۵ آیت دارد.

آغاز این سوره نیز با "آلم" میشود و سورة البقرة نخستین سوره است که با آلم شروع شده بود و اکنون مضامین آن سورة مبارکه در قالب جدید ارائه داده میشوند. بطوریکه در ابتدای سورة البقرة نزول الکتب را ذکر است در آغاز این سوره نیز ذکر از آن هدایت خداوندی میرود که مضر در آن کتاب است. اما موضوع از این جهت افزایش پیدا میکند که آنجا کتاب را مطلب ابتدائی تقوی را در نظر گرفته به آن مردم هدایت دادن بود که راستی را دلیرانه راستی میگفتند. اما اینجا کتاب به هدایت ایشان نیز مدعی شده است که در حالت تقوی پیشرفته منتصب بر مقام محسنین هستند و از این پس هدایت را هر چند مراحل لامتناهی است، این سرچشمه هدایت پایان ناپذیر آنها را نیز آبیاری خواهد کرد.

در این سوره یکبار دیگر زور به این امر داده شده است که خدا بر بسیار قوه ها اختیار دارد که شما نمیتوانید آنها را با چشم صوری ببینید. چنانکه شاقوه ثقل را نمیتوانید ببینید دیگر چطور با چشمان صوری آفریدگار اینگونه قوه های بیشمار را میتوانید ببینید؟

حضرت لقمان علیه السلام میان مردم به حکمت بسیار معروف بودند. در این سوره پس از "آلم" با واژه "الکتاب" کلمه "الحکیم" اضافه شده است از آنچه معلوم میگردد که اکنون سخنان حکمت به نسبت لقمان حکیم در قالب مختلف پیراسته میشود. از آنجمله سخنان حکمت ایشان مهم ترین اینست که

ایشان به پسر خود نصیحت فرمودند که هیچگاه او کسی را با خدا شریک قرار ندهد. باز وی را تعلیم احسان در حق والدین آموختند چه آندوی با آفریدگار جهانیان بدین معنای مشابهت اندک دارند که ظاهراً سبب زاد و ولد میشوند. در ضمن تاکید به این امر کرده میشود که اگر کوچک ترین خیال شرک به دل شما راه یابد به علم علیم و حکیم خدا خواهد بود. او به دانه های به اندازه خردلی که در زمین و سنگی خاره پنهان است نیز علم دارد و هم خبیر است. اینجا در واژه "خبیر" اشاره ای بدین سوم معلوم میگردد که او به عاقبت تمامی پیش آمدهای آینده آدمی نیز مطلع است.

سپس فرمانی عمده تربیا داشتن نماز است. این نخستین فرمان از جمله فرامین سورة البقرة میباشد. زندگی مؤمن سراسر متکی بر بپا داشتن نماز می باشد و توفیق امر بالمعروف و نهی عن المنکر تنها ناشی از بپا داشتن نماز بدست میآید. اما حال انسان اینست باآنکه او را توفیق نیکی از جانب خدا بدست میآید او بر اثر فضیلت های معمولی خود بر دیگران تفاخر کرده خودستائی میکند. پس او را تعلیم تواضع داده فرمان شد که باید بر زمین با فروتنی راه رود و صدای خود را فروکشد.

سپس انسان متوجه ساخته میشود به سپاسگذاری که عمده ترین موضوع این سورة کریمه میباشد. حضرت لقمان علیه السلام به پسر خود تکراراً توصیه به سپاسگذاری میکنند. پس حکمتی که حضرت لقمان اعطاء شدند عمده ترین نکته اش که از آن نصیحت ایشان را آغاز میشود شکر خدا است. نعمت های خدا را هرگز پایان نیست. او زمین و آسمان و نیروهای مخفی در آنها همگان را برای نشوونمای انسان رام کرده است تا آن انتها که

کهکشانشا واقع برکناره های کاینات نیزحتماً بر نیروهای مخفی در انسان کم و بیش تاثیر میگذارند. ولی بازم بعضیها هیچ دانش به این کاینات ندارند و با آنکه بی سواد اند بازم نسبت به خدای متعال حرفهای بی موا میزنند. آنان را نه کتابی است و نه هدایت که دارای تعلیم به پشتبانی شرک باشد.

ضمناً با گفتن "کتاب منیر" این وسوسه ازاله کرده میشودکه بت پرستان به اثبات تعلیم موهوم خودشان بعضی کتب امثال "ودا" ارائه میدهند. ولی "ودا" هیچ دلیلی به پشتبانی خود ندارد بلکه انسان را در بیشتر تاریکیها فرو میکند.

هیچ حساب را نمیشود که اسرار قدرت و حکمت خداوندی تعمیم یافته در کاینات را احاطه کند تا آن انتها که اگر تمامی دریاها گوهر شود و درختان قلم بازم بیان از اسرار قدرتهای خداوند پایان نیپذیرد اگرچه دریاها خشک شوند و درختان تمام گردند.

بدنبال آن چنین آیتی [۲۹] است که پرده را از رازهای آفرینش انسان عجب گونه برمیدارد. انسان متوجه ساخته میشود که اگر او در پیرامون آن جنین به تفکر بپردازد که در رحم مادر تشکیل مییابد و اینکه او از کدام مراحل تخلیق میگذرد. آنگاه او میتواند علم به اسرارحکمتها مربوط به نخستین آفرینش خود تاحدی بدست آرد. لذا پژوهشگران علم محققاً بیان میکنند که بمحض از ابتدای آبستنی گرفته تا مرحله تکمیل جنین تمامی آن دگرگونیه درجنین پیوسته واقع میشوند که داستان ارتقائی را از آغاز زندگی گرفته بازگو میکنند. این موضوعی بسیار وسیع و عمیق است و تمامی زبردستان علم براین نکته بهم متفق هستند. این نخستین آفرینش انسان است

و به فرموده خدا بطوریکه شما از کرمی حقیر پیشرفت کرده به منتهای صلاحیتهای بشری رسیدید بر همین منوال شما در آفرینش جدید خود تا روز قیامت آنقدر پیشرفت کرده خواهید داشت که انسان را در مقابل آن صورت تکمیل شده همان حیثیت باشد که در مقابل انسان آن حقیر کرم را بود که از آن زندگی را آغاز شد.

پایان این سوره حاکی از این اعلام است که ساعتی مزبور را علم چون انسان از مردگان در صورت انتهای تکمیل شده خود برخیزانده شود، تنها نزد خدا است. او میداند که آن چه هنگام و چطور بظهور خواهد رسید و بعلاوه در پی همین موضوع ذکر از آن دیگر امور نیز میرود که آنها را فقط خدا میداند و انسان در آن علم هرگز سهیم نیست و آن امور بدین ترتیب اند که آب از آسمان چه هنگام و چطور خواهد بارید؟ و چیست در رحمهای مادران که پرورده میشود؟ و انسان فردا چه بدست خواهد آورد؟ و محل مرگش کجا است؟

اینجا دور کردن يك شك لازم است. این زمان پیشرفته مدعی است که میتوان از كمك آلات و اسباب جدید مشخص کرد که در شکم مادر چیست تا آن انتها که این آگاهی نیز امکان پذیر است که آیا بچه صحت مند است یا مریضی مادر زاد و آیا او دختر است یا پسر. ولی با این ادعای حتمی نمیشود بیقین گفت که آن بچه در شکم مادر معلول است یا نه. تنها برپایه ی امکان غالب ذکر میکنند. بلکه بارها این پیشگوئی پزشکان نیز نادرست درآمد که بچه دختری است یا پسر. انسان این امر را بسیار مشاهده میکند که به گاه پزشکان ویژه گرزایمان در بچه نقصی مادر زاد را با تحقق بیان میکنند.

اما چون آن بچه متولد میشود او سالم و بی عیب چشم بدنیا می‌گشاید. به
گاه آنان بی‌یقین می‌گویند آن دختری است یا پسر، اما تولد بعکس میشود.

☆ سُوْرَةُ لُقْمَانَ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ خَمْسٌ وَثَلَاثُونَ آيَةً وَارْبَعَةٌ رُكُوعَاتٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیاربخشنده بارهارحمکننده (۱)

الْمَرَّةِ ②

أَنَا اللَّهُ أَعْلَمُ - منم خدا داناتر از

همه (۲)

تِلْكَ آيَةُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ ③

این آیتهای کتاب صاحب حکمت

اند (۳)

هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ ④

محسنان را هدایت و رحمت

است (۴)

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ
وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ⑤

آنانکه نماز رابپای دارند و زکوت

دمند و آنانکه آخرت را ایمان

دارند (۵)

أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ
هُمُ الْمُفْلِحُونَ ⑥

مانها برمدایت ازپروردگارخود

اند ومانها موفق خواهندشد (۶)

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ

و از مردمند آنانکه به حرفهای پوچ

معامله میکنند تا بیدانش از راه

خدا گمراه سازند و آن را بباد

سخریه بگیرند. همانهاند که برای

ایشان عذابی خوار کننده ای

است (۷)

يُضِلُّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ يَغْيِرُ عِلْمَهُ ⑦

وَيَتَّخِذَهَا هُزُوعًا ⑧ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ

مُهِينٌ ⑨

وَإِذْ تَتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتِنَا وَلِي مُّسْتَكْبِرًا كَانُ
لَمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَسَّرَهُ
بِعَذَابِ الْيَوْمِ ۝۸

و چون آیت‌های ما بر او فرو خوانده
شود تکبرکنان پشت میکند گویی
آنها را گوش نکرده است گویی در
گوش‌هاش سنگینی است. پس بدو

به عذاب دردناکی مژده بده (۸)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ
جَزَاءُ النَّعِيمِ ۝۹

یقیناً کسانی که ایمان آوردند و
نیکوکاری کردند برای ایشان
بهشت‌های پر نعمت است (۹)

خَالِدِينَ فِيهَا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا وَهُوَ
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝۱۰

در آنها جاویدانند. وعده خدا حق
است و او صاحب غلبه کامل
صاحب حکمت است (۱۰)

خَلَقَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَالْأَرْضِ
فِي الْأَرْضِ رَوَاسِي أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ
فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً
فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ ۝۱۱

آسمانها را آفرید بدون ستونهای
که آنها را ببینید و در زمین کوهها
نهاد تا شمارا غدامها سازند و هر
کدام جنبنده را در آن گستراند.
و آب را از آسمان نازل کرد و
هر کدام جفت نجیبی را در آن
[زمین] پدید آوردیم (۱۱)

اینست آفرینش خدا. پس بمن
نشان دهید چیست که آفریده اند
آنانکه بغیر از او یند بلکه ستمکاران

هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ
مِنْ دُونِهِ ۚ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ

مَبِينٌ ۱۲

بَع

در گمراهی آشکار اند (۱۲)

و یقیناً به لقمان حکمت دادیم که
خدا را سپاس بگذارد و هر که سپاس
بگذارد فقط برای جان خود سپاس
میگذارد و هر که ناسپاسی کند پس
یقیناً خدایی نیازی صاحب ستایش
مطلق است (۱۳)

وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ ۗ
وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ ۗ وَمَنْ
كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ۝۱۳

و چون لقمان به پسر خود گفت
حینی که او را نصیحت میکرد ای
پسر دلبندم! با خدا شرك نوز.
یقیناً شرك ستمگری بزرگی
است (۱۴)

وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ
يَبْنَى لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ ۗ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ
عَظِيمٌ ۝۱۴

و انسان را در مورد والدین خود
با تاکید سفارش نمودیم. مادرش
او را در ضعف بر ضعف برداشت
و شیر باز گرفتنش در دو سال
بود. این [سفارش کردیم] که
سپاسداری کن بمن و والدین خود
بازگشت بسوی من است (۱۵)

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ
وَهُنَّ عَلَى وَهْنٍ وَفِصْلُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ
اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ ۗ إِلَى الْمَصِيرِ ۝۱۵

و اگر آندو با تو محاجه کنند که
آن را شریکم بگردان که به آن

وَإِنْ جَاهَدَكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ
لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي

اللَّيْثُ مَعْرُوفًا ۚ وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ
إِلَىٰ تُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا
كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾

تو را دانشی نیست پس آندو را
پیروی نکن درحالیکه دردنیا با
آندو بمتعارف رفاقت کن و راه او
را پیروی کن که بسویم انابت
کرد. سپس بازگشت شهابسوی من
است. آنگاه شمارا آگاه سازم به
آنچه شما میکردید (۱۶)

يٰۤاَيُّهَا اِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ
خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِيْ صَخْرَةٍ اَوْ فِي السَّمٰوٰتِ
اَوْ فِي الْاَرْضِ يٰۤاَتِ بِهَا اللّٰهُ ۗ اِنَّ اللّٰهَ
لَطِيْفٌ خَبِيْرٌ ﴿١٧﴾

[لقمان گفت] ای پسردلبندم! همانا
چیزی اگر به اندازه دانه خردلی
است و در سنگی خاره یا در آسمانها
یا در زمین هر کجا موجود باشد
خدا حتماً آنرا درآرد. یقیناً خدا
بسیارباریک بین آگاه است (۱۷)

يٰۤاَيُّهَا اِقِمِ الصَّلٰوةَ وَاْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ
وَاَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاَصْبِرْ عَلٰى مَا
اَصَابَكَ ۗ اِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُوْرِ ﴿١٨﴾
وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي
الْاَرْضِ مَرْحًا ۗ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ
مُخْتَالٍ فَخُوْرٍ ﴿١٩﴾

ای پسردلبندم! نماز را بپای دار
و بمعروفات امر و از منکرات نهی کن
و صبر کن بر آنچه بتو در رسد. یقیناً
این از امور مهم است (۱۸)
و بزرگی فروخته از مردم روی
نه تاب و خرامان در زمین قدم
برندار. بر راستی خدا هر کدام متکبر
و خودخواه را دوست ندارد (۱۹)

و در رفتار خود میانه روی اختیار کن و صدای خود را فرو بردار. یقیناً ناپسند ترین صداها صدای خراست (۲۰)

آیا ننگریستی که خدا هر چه در آسمانها و زمین است را برایشما مسخر نمود و نعمتهای ظاهری و باطنی را برایشما به اتمام رساند و بعضی از مردم اند که در مورد خدا بدون دانش یا هدایت یا کتابی روشن ستیزه میکنند (۲۱)

و چون برای آنها گفته شود پیروی کنید آنچه را خدا نازل کرده است، گویند بلکه آنرا پیروی کنیم که بر آن بدران خود را یافتیم. آیا هر چند شیطان آنها را بسوی آتشی شعله و ربخواند [باز هم آنرا پیروی کنند؟] (۲۲)

و آنکه توجه خود را به خدا تسلیم نماید و احسان کننده است پس گویی او به دست آویزی

وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ ۱ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَيْرِ ۲

أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَافِي السَّمَوَاتِ وَمَافِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً ۱ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ ۲

وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ ۳

وَمَنْ يُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ

عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ۲۳

استوار چنگ زده است و منتها
برگشت همه امور بسوی خدا
است (۲۳)

و هر که کفر کند پس کفرش تورا
اندوهگین نسازد. بازگشت ایشان
به سوی ما است. آنگاه آنها را آگاه
سازیم بدانچه میکردند. یقیناً خدا
به اسرار سینه ما دانا است (۲۴)
آنانرا کمی بهره‌مند سازیم. سپس
ناچار آنانرا بسوی عذابی سخت
ببریم (۲۵)

و اگر از آنها بپرسی که کی آسمانها
و زمین را آفرید؟ حتماً گویند، خدا.
بگو ستایش مطلق برای خدا است
اما بیشتر آنها نمیدانند (۲۶)
برای خدا است هر چه در آسمانها
و زمین است. یقیناً خدا بی نیازی
صاحب ستایش است (۲۷)

و اگر هر چه درختان در زمین
است قلمها باشد و دریا [مرگب
و] آنها کمک کنند پس از آن هفت

وَمَنْ كَفَرَ فَلَا يَحْزُنُكَ كُفْرُهُ ۱۱ إِنَّا
مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا ۱۲ إِنَّ اللَّهَ
عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۲۴

نُمَتِّعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ
غَلِيظٍ ۲۵

وَلَيْسَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ لِيَقُولَنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ ۱۳
بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۲۶

لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۱۴ إِنَّ اللَّهَ هُوَ
الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ۲۷

وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ
أَقْلَامًا وَالْبَحْرِ يَمْدُهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ

دریا [دیگر] کلمات خداتمام نشود.
خدا صاحب غلبه کامل صاحب
حکمت است (۲۸)

آفرینش شما و برخیزاندن شما
نیست مگر مانند یکتا. یقیناً خدا
بسیار شنوای بینا است (۲۹)

آیا ننگریستی که خدا شب را به
داخل روز میکند و روز را به
داخل شب میکند و خورشید و ماه
رامسخر کرده است. هر کدام بسوی
نهایت زمانی مقرر خود روان است
و اینکه خدامدام آگاه است بدانچه
انجام دهد (۳۰)

این بدانعلت است که یقیناً خدا
حق است و آنچه را جزا و میخوانند
باطل است و یقیناً خدا است که او
والاشان بسیار بزرگ است (۳۱)

آیا ننگریستی که کشتیها با نعمت
خدا در دریا حرکت میکنند تا شما
را از آیتهای خود نشان دهد. یقیناً
در این امر برای هر کدام صبرکننده

أَبْحَرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ
عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٨﴾

مَا خَلَقَكُمْ وَلَا يَعْتَكُمُ إِلَّا كَنَفْسٍ
وَاحِدَةٍ ۗ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ﴿٢٩﴾

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ
وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ
وَالْقَمَرَ كُلًّا يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى
وَأَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٣٠﴾

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ
دُونِهِ أَبَاطِلٌ ۗ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ
الْكَبِيرُ ﴿٣١﴾

أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ
اللَّهِ لِيُرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ
لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿٣١﴾

بسیار سپاسگذار آیت‌هایست (۳۲)
 گامیکه موج آنها را مانند سایه فرا
 گیرد دین را برای او خالص کرده
 خدا را میخوانند. پس چون آنها
 را بسوی خشکی نجات دهد آنگاه
 [برخی] از آنها راه میانه پیشگیرند
 و به آیات ماستیزه نمیکند جز هر
 کدام که فریبکار و سخت ناسپاس
 است (۳۳) ++

ای مردم! پروردگار خود را تقوی
 فراگیرید و بترسید از روزیکه نه
 بدر بکار پسر آید و نه پسر هیچ هم
 بکار پدر آید. یقیناً وعده خدا راست
 است. پس نه زندگی شمارا بفریبید
 و نه شیطان فریبنده در باره خدا
 شمارا بفریبید (۳۴)

وَإِذْ أَعَشَيْهِمْ مَوْجَ كَالظُّلَلِ دَعَا اللَّهَ
 مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى
 الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا
 إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ ﴿٣٣﴾

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ وَأَخْشَوْا يَوْمًا
 لَا يَجْرِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ
 جَازٍ عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا
 تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمْ
 بِاللَّهِ الْعُرُورُ ﴿٣٤﴾

++ آیت ۳۳: این آیت حاکی از این جنبه‌ی روانی انسان است که چون در طغیان
 دریا فراگرفته شود آنگاه خواه کسی خدا ناشناس باشد یا مشرک فقط خدا را یاد
 کند و چون خدا وی را نجات دهد باز بسوی حالت قبلی خود برمیگردد مگر
 کسیکه راه میانه را پیش گیرنده است، او به خشکی نجات یافته هم خدا را
 فراموش نمیکند.

إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ
 الْعَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا
 تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا
 تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ
 عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿٣٥﴾

ع
۳۳

یقیناً خدا است که علم قیامت نزد
 اوست و باران را فرو میفرستد و
 میداند آنچه در رحمها است و
 کسی نداند چه کسب کند فردا و
 کسی نداند در کدام زمین بمیرد.
 یقیناً خدا صاحب علم دائمی
 پیوسته آگاه است (۳۵)

۳۲ - السجده

این سوره در مکه نازل آمد و با بسم الله ۳۱ آیت دارد.

مقطعات الم [انا الله اعلم] واقع در آغاز این سوره بستگی این سوره را با آخرین آیه‌های سوره قبله آشکار میسازد. آیه‌های آخیر سوره قبله حاکی از این موضوع بود که بسیار کثیر امور است که آنها را جز خداوند کسی نمی‌داند و در انا الله اعلم عیناً همان موضوع تکرار می‌شود.

سپس مجدداً سخن از اسرار زمین و آسمان را گفته می‌شود که آنها را بغیر از خدا هیچکس نمی‌داند. سپس چنین آیتی است که راز عمر کاینات را عجب گونه افشا می‌کند. خداوند می‌فرماید در مقابل روزی شمار کرده شما روز خدا برابر یک هزار سال است و روزهای یکسال انسانی را با هزار ضرب زده عددی که حاصل می‌شود ذکرش در این سوره رفته است. بعلاوه خداوند در آیتی دیگر [سوره الماعراج ۵] می‌فرماید که روز خدا برابر با پنجاه هزار سال است. پس اگر این روز را ضرب با روز يك هزار ساله طبق حساب زده شود حاصل آن تقریباً بیست بیلیون سال است و نزد پژوهندگان علم نیز عمر این کاینات هیجده الی بیست بیلیون سال است. بهمین نسبت خداوند اعلام فرمود که علم پنهان و آشکار فقط از خدا است که هر چیز را بنحوی نیکوتر تخلیق نمود. امری شگفت انگیز اینست که این تخلیق بتمام از خاک معمولی انجام داده شد. پس از این باز نسبت به آفرینش ذکر از آن دیگر مراحل است که جنین در رحم مادر طی می‌کند.

سپس دوباره ذکر از شك مردم نسبت به مجدداً زدن شدن فرموده يك

این نکته جدید نقل میشود که هر انسان را فرشته مرگ جداگانه ای است که او عوامل و باریک در باریک خرابیهای وضع اش را در نظر گرفته نتیجه ای درست در میآورد که روح آن بشر باید کی باز گرفته شود. اینجا باز موضوعی از آخرین آیتهای سوره گذشته در قالب جدیدی پیراسته میشود.

در رکوع اخیر این سوره با ذکر حضرت موسی علیه السلام موضوع "آلم" را بازگو کرده فرموده میشود که درباره ملاقات او متردد باش. بعضی مفسران این ملاقات را دال بر ملاقات خدا نمی گیرند بلکه به گفته ایشان این عبارت از ملاقات حضرت موسی علیه السلام با رسول الله ﷺ میباشد. اگرچه این معنای هم گرفته شود پیدا است که این آن ملاقات نیست که در روز قیامت با همگان رسولان بعمل خواهد آمد بلکه علی الخصوص ذکر از آن ملاقات میرود که در حین معراج با حضرت موسی علیه السلام صورت گرفت و حضرت موسی از جهت نمازها مشورت خویش را ارائه دادند. در پایان این سوره رسول الله ﷺ فرموده شدند که از دشمنان و اذیت کنندگان اعراض ورزند.

☆ سُوْرَةُ السَّجْدَةِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ اِحْدَى وَثَلَاثُوْنَ اَيَّةً وَ ثَلَاثَةُ رُكُوْعَاتٍ

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

الْمَلَّحِ ②

اَنَا اللّٰهُ اَعْلَمُ - منم خدا داناتر (۲)

فروفرستاند این کتاب کامل در

تَنْزِیْلِ الْكِتٰبِ لَا رِیْبَ فِیْهِ مِنْ رَبِّ

این شکی نیست که از جانب

الْعٰلَمِیْنَ ③

پروردگارش جهانها است (۳)

آیا میگویند آنرا بر یافته است؟

اَمْ یَقُوْلُوْنَ اَفْتَرٰهُ ۗ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ

بلکه آن از پروردگارتوحق است

لِنُنذِرَ قَوْمًا مَّا اَتَتْهُمْ مِنْ نَّذِیْرٍ مِّنْ قَبْلِكَ

تا بیم دهی قومی را که هیچ بیم

لَعَلَّهُمْ یَهْتَدُوْنَ ④

دهنده ی پیش از تو بسوی ایشان

نیامد تا باشد که آنها هدایت

یابند (۴)

خدا است آنکه آسمانها و زمین و

اللّٰهُ الَّذِیْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَمَا

آن چه میان آندو است را در شش

بَیْنَهُمَا فِیْ سِتَّةِ اَیَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰی عَلٰی

زمان آفرید. سپس بر عرش برقرار

الْعَرْشِ ۗ مَا لَكُمْ مِنْ دُوْنِهِ مِنْ وَّلِیٍّ وَّ لَا

شدوشما راجزاو نیست دوستی

شَفِیْعٍ ۗ اَفَلَا تَتَذَكَّرُوْنَ ⑤

و نه شفاعت کننده ای. پس آیا

بند نمیگیرید؟ (۵)

فیصله را بتدبیر از آسمان بسوی

یُدْبِرُ الْاَمْرَ مِنَ السَّمٰءِ اِلَى الْاَرْضِ ثُمَّ

يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ
سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ ﴿٦١﴾

زمین نازل میکند. سپس در روزی
بسوی او بیلامی رود که مقدارش
از آن [حساب] که می‌شمارید هزار
سال است (۶)

ذَلِكَ عَلِيمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ
الرَّحِيمُ ﴿٦٢﴾

اینست دانای نهان و عیان که
صاحب غلبه کامل بارها را حکمکننده
است (۷)

الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ
الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ ﴿٦٣﴾

آنکه هر چه را او آفرید نیکوترین
ساخت و آفرینش انسان را از
گل آغاز کرد (۸)

ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ ﴿٦٤﴾
ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُّوحِهِ وَجَعَلَ
لَكُمْ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا
مَّا تَشْكُرُونَ ﴿٦٥﴾

سپس نژادش را از عصاره آبکی
ساخت (۹)

سپس او را آراستید و روح خود
را در او دمید و برایشما شنوائی
و بینائی و دلها قرار داد. کم است
آن سپاسداری که مکنید (۱۰)

وَقَالُوا إِذَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ أَإِنَّا لَفِي
خَلْقٍ جَدِيدٍ بَلْ هُمْ بِلِقَائِ رَبِّهِمْ
كَفِرُونَ ﴿٦٦﴾

وگویند. آیا چون در خاک گم شویم
آیا حتماً مادر آفرینش نوینی [مبتلا]
شویم؟ حقیقت این است که آنها
بملاقات خدا منکرانند (۱۱)

قُلْ يَتَوَفَّكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ

بگو. آن فرشته مرگ که بر شما

يَكُمُّكُمْ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تَرْجِعُونَ ﴿١٧﴾

مقرر است شما را وفات دهد و از آن پس بسوی خدا بازگردانده شوید (۱۲)

و اگر بزه کاران را بنگری چون پیشگاه پروردگار خود سر فرو کرده بایستند و گویند [پروردگارا! ما دیدیم و شنیدیم پس ما را بر گردان که نیکوکاری کنیم. یقیناً ما باورکنندگانیم (۱۳)]

وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ ﴿١٨﴾

و اگر میخواستیم به هر کدام نفس هدایت اورا [حسب حالش] میدادیم اما فرمانم صدور یافته که حتماً جهنم را از جمله جنها و انسانها پُر مینمایم (۱۴)

وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدًىٰ وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿١٩﴾

پس [عذاب را] بجشید چه ملاقات امروز خود را فراموش کرده بودید یقیناً ما [هم] شما را فراموش کرده ایم پس عذاب دیرپا را بجشید بدانچه شما میگردید (۱۵)

فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٠﴾

یقیناً تنها آنان به آیات ما ایمان میآرند که هرگاه نسبت به آنها یاد

إِنَّمَا يُوْمِنُ بِالآيَاتِ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا حَرُّوا وَسَجَدُوا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا

يَسْتَكْبِرُونَ ﴿١٦﴾

آوری شوند سجده کنان بزمین
فرو میفتند و با حمد پروردگار
خود او را تسبیح می گویند و
ایشان تکبر نمیکنند (۱۶)

تَجَافَى جُوبَهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ
رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا ۚ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ
يُنْفِقُونَ ﴿١٧﴾

پروردگار خود را با بیم و امید
خوانده پهلومای ایشان از خواب
گاه ها جدا میشود و انفاق کنند از
آنچه بدیشان رزق داده ایم (۱۷)
پس هیچکس نمیداند که برای
ایشان چه روشنی چشمان بنهان
داشته شد به [پاداش] آنچه عمل
میکردند (۱۸)

فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِّن قُرَّةِ
أَعْيُنٍ ۚ جَزَاءِ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٨﴾

پس آیاسیکه مومن است میشود
مانند آنکه فاسق است. آنان یکسان
نیستند (۱۹)

أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا ۗ
لَا يَسْتَوُونَ ﴿١٩﴾

نسبت به کسانی که ایمان آوردند و
نیکوکاری کردند پس مأوی ایشان
بهشتی است [بطور] پذیرائی به
آن عمل که بجا میآوردند (۲۰)

أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ
جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ نُزُلًا بِمَا كَانُوا
يَعْمَلُونَ ﴿٢٠﴾

و نسبت به آنانکه نافرمانی کنند
پس مأوی آنها آتش است. هر گاه

وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ ۗ كُلَّمَا
أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا

اراده کنند که از آن خارج شوند
در آن بازگردانده شوند و برای
ایشان گفته شود که آن عذاب
آتش را بچشید که به آن شما انکار
میکردید (۲۱)

وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ
بِهَا تُكذِّبُونَ ﴿۲۱﴾

و حتماً آنها را بچشانیم عذابی
کوچک دون عذابی بزرگ تا باشد
که آنها [بسوی هدایت] باز
گردند (۲۲)

وَلَنذِيقْتَهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الَّا ذُنًى دُونَ
الْعَذَابِ الَّا كَبُرَ عَلَيْهِمْ يَرْجِعُونَ ﴿۲۲﴾

و کیست ستمکارتر از آنکه به آیت
های پروردگار خود تذکر داده شود
باز هم از آنها روی بتابد. یقیناً ما از
مجرمان انتقام کشنده ایم (۲۳)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ
أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ
مُنْتَقِمُونَ ﴿۲۳﴾

و یقیناً به موسی کتاب دادیم.
پس درباره ملاقات او در شک
مباش و آنرا برای بنی اسرائیل
هدایت قرار داده بودیم (۲۴) ++

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُنْ فِي
مِرْيَةٍ مِّنْ لِّقَائِهِ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي
إِسْرَائِيلَ ﴿۲۴﴾

++ آیت ۲۴: این آیت را يك معنا این میشود که درباره ملاقات موسی مردد مباش. غالباً
این اشاره است به واقعه معراج حینی که آنحضرت ﷺ با حضرت موسی ملاقات کردند و
بعدها این ملاقات بارها تکرار شد. حین ذکر موسی ذکر از ملاقات خدا بداند علتست چنان
که حضرت موسی را ملاقات نصیب شد آنحضرت ﷺ را بیشتر از آن رویت خدا حاصل شد.

وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ اٰیٰمَةً يَّهْدُوْنَ بِاَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوْا ۗ وَكَانُوْا بِاٰیٰتِنَا يُوْقِنُوْنَ ﴿۲۵﴾

پس چون صبوری نشان دادند از آنها امامانی برگزیدیم که بفرمان ما هدایت میکردند و به آیتهای ما یقین داشتند (۲۵)

اِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِیْمَا كَانُوْا فِیْهِ يَخْتَلِفُوْنَ ﴿۲۶﴾

یقیناً پروردگارتواست که قضاوت کند میانشان در روز قیامت در آن [امور] که در آنها اختلاف می‌انگیزند (۲۶)

اَوْلَمْ يَّهْدِیْهِمْ كَمَا اَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنَ الْقُرُوْنِ یَمْشُوْنَ فِیْ مَسٰكِنِهِمْ ۗ اِنَّ فِیْ ذٰلِكَ لَاٰیٰتٍ ۗ اَفَلَا یَسْمَعُوْنَ ﴿۲۷﴾

آیا آنها را هدایت نداد که چه بسا از ملتهای پیش از آنها را ملامت کردیم که در مساکن آنان گام میزنند. یقیناً در این بسیار نشانه‌های است. پس آیا گوش نمیکنند؟ (۲۷)

اَوْلَمْ یَّرَوْا اَّا تَأْسُوْۤاۤلُ الْمَآءِ اِلَى الْاَرْضِ الْجُرُزِ فَتُخْرِجُ بِهٖ زُرْعًا تَاْكُلُ مِنْهٗۤ اَنْعَامُهُمْ وَاَنْفُسُهُمْ ۗ اَفَلَا یُبْصِرُوْنَ ﴿۲۸﴾

آیا ندیدند که آب را بسوی زمینی با بر ساق میدهیم پس بدان سبزه در آوریم که از آن میخورند دام‌های آنان و هم خود آنان آیا نگاه نمیکنند؟ (۲۸)

وَيَقُوْلُوْنَ مَتٰی هٰذَا الْفَتْحُ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِیْنَ ﴿۲۹﴾

و میپرسند که این فتح تا به چند میکشد اگر شمارا استگویانید (۲۹)

قُلْ یَوْمَ الْفَتْحِ لَا یَنْفَعُ الَّذِیْنَ كَفَرُوْا

إِيْمَانَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْتَظَرُونَ ﴿۳۰﴾

آنها که کفر کردند هیچ سودی ندمد

و نه آنها مهلت داده شوند (۳۰)

فَأَعْرَضَ عَنْهُمْ وَانْتَظِرُوا إِلَهُكُمْ

پس از آنها اعراض کن و منتظر

[فرمان خدا] باش. البته آنها هم

منتظرانند (۳۱)

۳۰
۱۱

مُنْتَظَرُونَ ﴿۳۱﴾

۳۳- الاحزاب

این سوره در مدینه نازل آمد و با بسم الله ۷۴ آیت دارد.

بمحض آغاز این سوره موضوع از آخرین آیتهای سوره گذشته ارائه داده میشود عبارت از اینکه کافران و منافقان تلاش کنند تا تو را از مسلک تو دور کنند. پس باید از آنها اعراض کنی و آنها را پیروی نکن بلکه آنها را پیروی کن که وحی بسوی تو فرستاده میشود.

آیت کریمه ردیف ۵ حاکی از این اصل استواری است که انسان در یکوقت نمیتواند محبت با دو وجود جدا جدا عیناً همسان داشته باشد. کنایه ای در این عبارت بدین جهت است که بر دل تو فقط محبت خدا غلبه دارد و محبت تو در دنیا نیز بر پایه آن محبت است که تو با خدا داری. لذا آن حدیث این موضوع را روشن تر میسازد درجه فرموده شد که اگر تو لقمه ای غذا را هم بخاطر خدای متعال به دهن همسر خود نهی آنها به عبادت شمار خواهد رفت.

سپس ذکر از رسمی از اعراب است که همسران خود را مادر گفته از آنان اظهار بیزار میگردند. این رسم بد را برکنده توجه به این امر جلب کرده میشود که تعلق مادرانه و پسرانه استوار بر پایه آن دستورهای است که خدا معرفی کرده است. پس چطور شما میتوانید آنها را با دهن های خود عوض کنید. بر همین منوال اگر یکی پسر خوانده شود او نمیتواند بر مقام فرزندی قرار گیرد. پسر آنست که خویشی صلبی را داشته باشد. پسر گفتن فقط اظهار الفت است و بیش از آن چیزی نیست.

مجدداً دنبال این موضوع گفته میشود که دل را فقط يك اولی یعنی محبوب تر است و باید مومنان را محبوب ترین همه رسول الله ﷺ باشند. ضمناً ذکر از دیگر قوم و خویشی ها به ترتیب میرود که ایشان از روی قرب شما برهمدیگرفضیلت دارند.

این سوره که دارای آیت خاتم النبیین نیز است و بعضی علماء که فاقد عرفان اند اینرا بدین معنا میگیرند که ایشان ﷺ آخرین نبی هستند و هیچگاه پس از ایشان هیچ پیغمبری نخواهد آمد. این عقیده اشتباهی را نیز رد مینماید با ذکر آن میثاق که از هر کدام پیغمبری گرفته میشود که اگر پس از شما پیغمبری آید که سخنان شما را تایید کننده باشد آنگاه بر امتهای شما بفرض است که آنان بجای انکار آن پیغمبر او را تایید کننده بشمار آیند. این سوره نسبت به رسول الله ﷺ گفت "ومنك" یعنی ما از تو نیز عهد گرفتیم. پس امت ایشان نیز توصیه کرده میشود که کسی مدعی نبوت واجد آن شرایط که صدرصد پیروکار رسول الله ﷺ باشد و او از فیض محمدی به انعام نبوت برخوردار شود و فقط تعلیم ایشان ﷺ را بلا تغییر و تبدل ارائه دهنده است و برای اعتلای آن وارد جهاد شده است نه فقط اینکه مخالفت او بر شما حرام است بلکه بر شما لازم است که او را یاری دهید.

سپس معنای اساسی احزاب را رعایت کرده در این سوره ذکر از جنگ خندق میرود درجه احزاب از تمامی عرب برمیدینه هجوم آورده بودند و برای نجات مدنیان هیچ صورت ظاهری امکان پذیر نبود. آنگاه خداوند معجزه ای را در حق ایشان نشان داد که بوسیله گردبادی هولناک مومنان را یاری کرد که ناشی از آن چشمان کافران کورگشت و آنها در حالت آشفتگی پابفرار نهادند.

مرکبهای بسیار که جابجا بسته بودند مجرم آوردگان را مهلت نشد تا آنها را باز کرده با خود ببرند. پس مرکبهای خود را با ائنه دیگر واگذارده در رفتند و آن قلت مواد غذایی که مسلمانان را روبرو بود نیز دور شد.

حالتی که یثرب قبل از این واقعه ای داشت اینجا ذکر از آن نیز می رود. آنقدر خوفناک مصیبت و تباهی ایشان را فرا گرفته بود که چشمان ایشان ناشی از خوف خیره شده بود و منافقان به مسلمانان مدینه میگفتند که اکنون شمارا هیچ جای پناه نیست. آنگاه مومنان بدیشان پاسخ میدادند که ایمان ما که از قبل هم استوارتر شده است چه ما آگاهی به این حمله احزاب از پیش داده شده بودیم و این اشاره ایشان بسوی سورة القمر آیت "سَيَهْرَمُ الْجَمْعُ وَ يَوْلُونَ الدَّبْرَ" بود. پس مسلمانان وقت جنگ به عهد خود وفا کردند. بعضی بودند که آنها گم شامل نبودند اما انتظار داشتند کاشکی ایشان را نیز مانند یاران رسول الله ﷺ شامل جنگ احزاب توفیق اثبات قدم و فداکاریها بدست آید.

در آیت ۲۸ این سورة خداوند به رسول الله ﷺ فرمان داد که ایشان با زن مطلقه پسر خوانده خویش عقد ازدواج بندند و این فرمان بر ایشان بسیار گران میگذشت و بعلاوه تا حدی این خوف نیز دامنگیر بود که منافقان بعلت این ازدواج ایراد خواهند گرفت. بنا بر این ایشان درباره این ازدواج سخت متردد بودند. اما عمل کردن بر فرمان خدا بحرحال الزامی بود.

پس از این چنین آیتی [۴۱] است که میشود آنرا قله این سوره خواند و آن به واقعه حضرت زید رضی الله عنه نیز بستگی دارد. این اعلام بدین

عنوان بود که درحقیقت رسول الله ﷺ نه پدر زید بودند و نه پدر کسی انسان مانند شماها بلکه ایشان خاتم النبیین هستند. یعنی ایشان را مقام ابّوت روحانی یعنی مقام پدری روحانی انبیاء اعطاء شده است. سیاق عبارت همین معنای را میپردازد حالانکه خاتم النبیین را بسیار معنا دیگر نیز است که همگان منطوق این آیت قرآن است و براساس هر کدام از آن معناها رسول الله ﷺ خاتم النبیین به اثبات میرسند. بعنوان مثال خاتم را يك معنى مصدق است و از میان تمامی شریعتهای پیغمبران تنها يك شریعت حضرت محمد رسول الله ﷺ است که رسولان پیشین متعلق به هر زمان را تصدیق میکند. هیچکدام از کتب مذاهب دنیا نمیتواند آیتی با این شان بالا ارائه دهد.

ضمناً آیتی بعد از این تذکر به آن دعای حضرت زکریا علیه الصلوة والسلام است که خدای متعال پس از مژده به اعطای پسری بر ایشان وحی فرستاد که صبح و شام خدا را تسبیح بگو.

سپس در آیات ۴۶-۴۷ ذکر از شاهد، مبشرو نذیر بودن رسول الله ﷺ میروند. ایشان شاهد بودند هم بر صداقت رسولی بلند مرتبت پیش از خود حضرت موسی علیه السلام و هم بر غلام خود که ظهورش پس از ایشان قرار بود. مثال ایشان با خورشید داده میشود که همه جهانها را روشن میسازد و ماه نیز از او روشنی حاصل میکند. پس تقدیر شده است که ماه ای آنگاه که تاریکی شب جهان را فرا گرفته باشد روشنی خود رسول الله ﷺ را به فرزندان نوع انسان برساند. پس این دارای این پیشگوئی بود که در آتیه در زمان تاریکیها همینطور بظهور خواهد آمد.

ضمناً مومنان آداب تقویٰ آموخته میشوند و والاترین رتبه رسول الله ﷺ را رعایت کرده ایشان توصیه کرده میشوند که بعدِ نهایت احترام آنحضرت ﷺ بر ایشان بفرض است. گاهی رسول الله ﷺ خویشاوندان و یاران خود را بر منزل خود به مهمانی دعوت میکردند. اصحاب در این آیتها نصیحت میشوند که چون رسول الله ﷺ ایشان را به مهمانی دعوت کنند آن گاه اینرا يك دعوت معمولی پنداشته پیش از وقت بخانه ایشان ﷺ رسیده منتظر آشپزی نباشید. چون غذا آماده به صرف شود و شما خواسته شوید پس بروید و پس از صرف آن رخصت گرفته برگردید و اگر حین صرف طعام به چیزی نیاز دارید آنگاه از پس پرده به امهات المومنین مطلع سازید. اینجا امهات المومنین در مقابل سایر زنان مسلمان علی الخصوص توصیه به پاکیزگی کرده میشوند. چه بلند رتبه ایشان تقاضا دارد که نباید رسول الله ﷺ بعلت کوچکترین لغزش ایشان سخنی تهمت آمیز را بشنوند.

بطوریکه منافقان بر رسول الله ﷺ تهمتهای بیمورد برافته اذیت کردند بر همین منوال حضرت موسی علیه السلام نیز هدف بهتانهای بیمورد قرار داده میشدند. پس در پایان این سوره این موضوع مجدداً نقل میشود که رسول الله ﷺ را با رسولی پرجلال پیشین خود حضرت موسی علیه السلام مشابَهت های فراوان است. بطوریکه حضرت موسی علیه السلام گفته شدند که بحرحال ایشان نزد خداوند "وجه" هستند همانطور رسول الله ﷺ نیز تسلی داده شدند که تو را هیچ زبانی ناشی از این بهتانها نمیرسد چه تو نزد خدا "وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ" هستی.

در پایان این سوره یکبار دیگر در دو آیت اشاره به حضرت موسی علیه

السلام کرده فرموده میشود که آن بار امانت که بدوش تو نهاده ایم سنگین تر از آن بار است که بر شانه حضرت موسی علیه السلام نهاده شده بود. تا آن انتها که کوه ها نیز از رعب این سنگینی بار ریزه ریزه میشوند. اما تو به برداشتن این بار سنگین قدم خود را جلوتر نهاده ای و خویشتن را در تحت بسیارستم قرار داده ای بی آنکه میپنداشتی که عاقبت این کار چطور خواهد شد.

☆ سُورَةُ الْاَحْزَابِ مَدَنِيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ اَرْبَعٌ وَ سَبْعُونَ آيَةً وَ تِسْعَةٌ رُكُوعَاتٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]
بسیاربخشنده بارهارحم کننده(۱)

ای بیغمبیرا خدا را تقوی اختیار کن
و از پی کافران و منافقان نرو.
یقیناً خدا صاحب علم دائمی بسیار
صاحب حکمت است(۲)

و پیروی کن آنچه را بسوی تو از
پروردگارت ووحی فرستاده میشود.
یقیناً خدا نیک آگاه است به آن
کار که میکنید(۳)

و برخدا توکل کن و خدا برای
کارسازی بس است(۴)

خدا نه برای هیچکس در سینه او
دو قلب قرارداد و نه آن همسران
خود را که ظهار میکنید مادرانتان
گرداند و نه پسرخواندگان شمارا
پسران شما ساخت. این گفتار شما
فراخی دهانهای شما است و خدا
راست میگوید و اوست که براه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ
وَالْمُنَافِقِينَ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ②

وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ۗ إِنَّ اللَّهَ
كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ③

وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۗ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا ④
مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّنْ قَلْبَيْنِ فِيْ جَوْفِهِ ۚ
وَمَا جَعَلَ أَرْوَاجَكُمْ إِلَيْ تَظْهَرُونَ مِنْهُنَّ
أُمَّهَاتِكُمْ ۚ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ
أَبْنَاءَكُمْ ۗ ذَٰلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ ۗ
وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ ⑤

راست هدایت میکند (۵)

آنرا جهت پدران آنان بخوانید
این نزد خدا منصفانه تراست و اگر
پدران ایشان را نمیدانید پس آنها
در دین برادرانتان و دوستانتان
اند و در مورد آن خطا که بدین
[نسبت] کردید بر شما باکی نیست
و اما هر چه دل هایتان بعمد کنند
[گناه است] و خدا بینهایت آمرزنده

بارها رحم کننده است (۶)

نبی به مومنان از جانهای ایشان هم
اولیتر است و همسرانش مادران
آنانند و خویشان رحمی در کتاب
خدا بعضی از ایشان ببعضی اولی
تر از [سایر] مومنان و مهاجران
اند مگر بسوی دوستان خود نیکو
کاری [بعنوان احسان] کنید. این

در کتاب مرقوم است (۷)

و چون از انبیاء پیمان ایشان
گرفتیم و هم از تو و هم از نوح
و ابراهیم و موسی و عیسی پسر

أَدْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ
فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَاخْوَانُكُمْ فِي
الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ ۗ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ
فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ ۗ وَلَكِنْ مَا تَعَدَّتْ
قُلُوبُكُمْ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ⑤

أَتَيْتُ أَوْلِيَ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ
وَأَزْوَاجَهُ أُمَّهَاتِهِمْ ۗ وَأَوْلُوا الْأَرْحَامَ
بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ
الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا
إِلَى أَوْلِيَّكُمْ مَعْرُوفًا ۗ كَانَ ذَلِكَ فِي
الْكِتَابِ مَسْطُورًا ⑦

وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ
وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى

مریم و از ایشان بیمانی محکم
گرفتیم (۸)

تاراستگویان را از راستی ایشان
سوال کند و برای کافران عذابی
دردناک آماده کرده است (۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید نعمت
خدا را بر خود یاد کنید چون لشکرها
نزد شما آمده بودند. پس بادی تند
و لشکرهای را علیه آنها فرستادیم
که آنها را نمیدیدید و خدا به آنچه
عمل کنید بینا است (۱۰)

چون آنها از فراز شما و از نشیب
شما نزد شما آمدند و گامیکه چشمان
متحیر شد و دلها [تپیده] تا گلوها
رسید و به خدا گمانهای گوناگون
میردید (۱۱)

مومنان آنجا آزمایش شدند و
لرزشی شدید [آزمایش] لرزانده
شدند (۱۲)

و چون منافقان و آنانکه در دلهای
آنها بیماری بود گفتند آن وعده که

ابن مریم وَاخَذْنَا مِنْهُم مِّيثَاقًا غَلِيظًا ﴿٨﴾

لِيَسْأَلَ الصَّادِقِينَ عَنْ صَدُقِهِمْ ۗ وَاعْدُدْ
لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٩﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ
عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا
عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا ۗ وَكَانَ
اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ﴿١٠﴾

إِذْ جَاءُوكُم مِّن فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ
مِنكُمْ ۖ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ
الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ ۖ وَتَنْظُرُونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا ﴿١١﴾

هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا
شَدِيدًا ﴿١٢﴾

وَإِذ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي
قُلُوبِهِم مَّرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ

الْأَعْرُورَ ۱۳

خداو رسولش بمادادند فقط فریب
بود (۱۳)

و هنگامیکه گروهی از آنها گفت،
ای یثربیان! شمارا امکان پایداری
نیست پس بازگردید و گروهی از
آنها از پیغمبر اجازه طلبیده می
گفتند که منازل ما نامحفوظ است
حالآنکه آنها نامحفوظ نبودند، فقط
درصد بفرار برآمده بودند (۱۴)

و اگر بر آنها از هر سوی هجوم آورده
میشد سپس به فتنه خواسته می
شدند حتماً آنرا [بعمل] می آوردند و
درنگ نمی کردند جز آنکه (۱۵)

در حالیکه از این پیش با خدا عهد
بسته بودند که پشت نخواهند بر
گرداند و عهد خدای پرسیده می
شود (۱۶)

بگو، فرار شما را هرگز سودی
نبخشد اگر از مرگ یا قتل فرار
کنید و در آن صورت بهره مند نشوید
جز آنکه (۱۷)

وَ إِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا
مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا ۚ وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ
مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ ۗ
وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ ۗ إِنَّ يُرِيدُونَ الْإِفْرَارَ ۱۳

مناقشه
میان یثربیان

وَلَوْ دَخَلَتْ عَلَيْهِمْ مِّنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ
سُئِلُوا الْفِتْنَةَ لَا تَوْهَا وَمَا تَلَبُّوا بِهَا إِلَّا
يَسِيرًا ۱۴

وَلَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا
يُؤْتُونَ الْأَدْبَارَ ۗ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ
مَسْئُولًا ۱۵

قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمْ الْفِرَارُ ۚ إِنْ فَرَرْتُمْ مِّنَ
الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذًا لَّاتَمَّتْ عَوْنُ إِلَّا
قَلِيلًا ۱۶

قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً ۗ وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿۱۸﴾

بگو، کیست شمارا از خدا نجات دهد اگر او درصدد رنج شما باشد یا برایشما رحمت را اراده کند و برای خودجز خدا یار و یاورى نیابند(۱۸)

قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمَعْوِقِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا ۚ وَلَا يَأْتُونَ الْبَأْسَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿۱۹﴾

خدا خوب می شناسد از شما باز دارندگان [جهاد] را و آنهاکه گویند برادران خود را بسوی ما بیایید و برای نبرد نمی آیند جز اندک(۱۹)

أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ ۚ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدْوُرُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ ۚ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِالسِّنَةِ ۚ حَدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ ۗ أُولَٰئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ ۗ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿۲۰﴾

برضد شما بسیار بخل و رزند. پس چون [موقع] ترس برسد آنها را می بینی به تو مینگرند که [از وحشت] دیدگان شان می گردد مانند آنکس که بیهوشی مرگ بر او پوشانده باشد. پس گاهی که ترس دور شود بزبانهای تیز شما را می آزارند بر خیر بخل و رزندگان. آنها کسانی اند که ایمان نیاوردند. پس خدا اعمال آنان را ضائع کرد و این برخدا آسان است(۲۰)

يَحْسِبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يُذْهِبُوا ۗ وَإِنْ

گمان کنند که لشکرها منور نرفته

يَاۤ اَۡحْزَابِ الْاَحْزَابِ يُوَدُّوۡاۤ لَوۡ اَنَّهُمۡ بَادُوۡنَ فِى
الْاَعْرَابِ يَسۡاَلُوۡنَ عَنۡ اَثَابِكُمْ ۗ وَلَوۡ
كَانُوۡا فِىۡكُمْ مَّا قَاتَلُوۡا اِلَّا قَلِيۡلًا ۙ

ع ۲۱
۳۳

اند و اگر لشکرها [باز] آیند آرزو
کنند کاشکی در میان بدویان دشت
نشین بوده اخبار شمارا معلوم می
کردند و اگر در میان شما باشند

جنگ نکنند جز اندک (۲۱)

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِى رَسُوۡلِ اللّٰهِ اَسُوۡةٌ
حَسَنَةٌ لِّمَنۡ كَانَ يَرۡجُو اللّٰهَ وَالْيَوْمَ الْاٰخِرَ
وَذَكَرَ اللّٰهَ كَثِيۡرًا ۙ

یقیناً شمارا در رسول خدا نیک
نمونه ای است برای هر که به خدا
و روز آخرت امید دارد و خدا را
زیاد یاد کند (۲۲)

وَلَمَّا رَاَ الْمُؤْمِنُوۡنَ الْاَحْزَابَ قَالُوۡا
هٰذَا مَا وَعَدَنَا اللّٰهُ وَرَسُوۡلُهٗ وَصَدَقَ
اللّٰهُ وَرَسُوۡلُهٗ ۗ وَمَا زَادَهُمۡ اِلَّا اِيۡمَانًا
وَتَسْلِيۡمًا ۙ

و چون مومنان لشکرها را دیدند
گفتند همان است که خدا و رسولش
بما وعده داده بود و خدا و رسول
او راست گفته بود و این فقط بر
ایمان و فرمان برداری ایشان

افزود (۲۳)

مِنَ الْمُؤْمِنِيۡنَ رِجَالٌ صَدَقُوۡا مَا عَاهَدُوۡا
اللّٰهَ عَلَيْهِ ۗ فَمِنْهُمۡ مَّنۡ قَضٰى نَحْبَهٗ
وَمِنْهُمۡ مَّنۡ يَّنتَظِرُ ۗ وَمَا بَدَّلُوۡا
تَبَدِيۡلًا ۙ

مردانى از مومنان اند که هر چه
عهد خدای بستند بر آن راست پا
شدند و از آنهاست آنکه نذر خود
را انجام داد و کسی از آنان است
که انتظار میکشد و [در روش خود]

هیچ تغییری نداد (۲۴)

لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ
الْمُنْفِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ ۗ إِنَّ
اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٢٥﴾

تا خدا را راستگویان را پاداش راستی
ایشان بدهد و به منافقان اگر
بخواهد عذاب دهد یا توبه قبول
کنان بر آنها بگراید. یقیناً خدا
بسیار آمرزندهٔ بارها رحم کننده
است (۲۵)

وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا
حَيْرًا ۗ وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ ۗ
وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا ﴿٢٦﴾

و خدا آنها که کفر کردند را بخشم
آنها [بطوری] رد کرد که به خیری
نایل نشدند و خدا مومنان را در
جنگ بس است و یقیناً خدا قدرت
مند صاحب غلبه کامل است (۲۶)

وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوا مِنْ أَهْلِ
الْكُتَيْبِ مِنْ صِيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي
قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ
وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا ﴿٢٧﴾

و او آنانرا از اهل کتاب که آنها
را پشتبانی کردند از قلعه های آنان
فرود آورد و در دل های آنان رعب نهاد
شما گروهی را میکشید و گروهی
را به اسارت میگرفتید (۲۷) ++

وَأُورَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ
وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَمْ تَطَّوْهَا ۗ وَكَانَ اللَّهُ
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا ﴿٢٨﴾

و شمارا زمین های آنها و منازل
آنها و اموال آنها و زمینی که آن
را [منوز] نه تاخیدوارت نمود
و خدا بر هر چیز قادر است (۲۸) ++

۲
۱۹

++ آیت ۲۷: در اینجا سخن از خیانت یهود هنگام جنگ احزاب رفته [ص# ۱۰۰۶]

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأَسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا ﴿۳۱﴾

ای نبی! به همسران خود بگو اگر شما زندگی دنیا و زینت آنرا می‌خواهید پس بی‌آید تا شما را متنعم سازم و شما را با روشی نیکو برهانم (۲۹)

وَإِنْ كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالذَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿۳۲﴾

و اگر شما خدا و رسول او و خانه آخرت را می‌خواهید پس یقیناً خدا برای نیکوکاران از شما پاداشی بزرگ آماده کرده است (۳۰)

يُنِسَاءَ النَّبِيِّ مَنِ يَاْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَعَّفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ ۖ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿۳۳﴾

ای همسران پیغمبر! هر که از شما فحشائی آشکار را بیاورد برایش عذاب دو برابر است و این بر خدا آسان است (۳۱)

بقیه آیت ۲۷: است. آنان بدفاع خود قلعه‌های استوار ساخته بودند اما وقتی که خدا درسد نابودی آنها برآمد قلعه‌های ایشان هیچ بدرشان نخورد بلکه آنها را بدست خودشان نابود کردند.

++ آیت ۲۸: این آیت عبارت از پیشگویی درباره فتوحات چنین مناطق است که مسلمانان هنوز قدم به آنجا نه نهاده بودند. بحقیقت این پیشگوییهای را يك سلسله طولانی است.

وَمَنْ يُقِنْتْ مِنْكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ ۖ وَيُقِنْتْ صَالِحَاتُهَا ۖ أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ ۖ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا ﴿۳۳﴾

و هر که از شما به خدا و رسول اطاعت کرده و شایسته کاری کند وی را اجرش دو برابر بدهیم و برای او رزقی کریمانه آماده کرده ایم (۳۳)

يُنِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ ۚ إِنَّ اتَّقِيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا ﴿۳۴﴾

ای همسران پیغمبر! هرگز شما مانند یکی از زنان [سایر] نیستید اگر تقوی فراگیرید. پس سخن با ناز و عشوه مگویید مبادا آنکس که در دلش بیماری است دچار طمع گردد پس سخن زبنده ی بگویید (۳۴)

و در خانه های خود بنشینید و نمایش ندهید آرایش را مانند آرایش جاهلیت گذشته و نماز را بپای دارید و زکوت بدهید و خدا و رسولش را اطاعت کنید. ای اهل بیت! نیست مگر خدا دوست دارد که مرنوع آلودگی را از شما دور سازد و شما را به پاکیزگی حد کمال پاک سازد (۳۴)

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۗ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ﴿۳۵﴾

و بخاطر سپارید آنچه از آیتهای

وَأذْكُرَنَّ مَا يَمْثِلِي فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ

خدا و حکمت در خانه های شماتلوت کرده شود. همانا خدا بسیار باریک بین آگاه است (۳۵)

یقیناً مردان مسلمان و زنان مسلمان و مردان مومن و زنان مومن و مردان فرمانبردار و زنان فرمانبردار و مردان راستگو و زنان راستگو و مردان صبرکننده و زنان صبرکننده و مردان فروتن و زنان فروتن و مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده و مردان روزه دار و زنان روزه دار و مردان حفظ کننده فروج و زنان حفظ کننده فروج خود و مردان ذکر زیاد کننده خدا و زنان ذکر زیاد کننده [مه] را خدا آمرزش و پاداشی عظیم مهیا کرده است (۳۶)

و نسرزد مومن و مومنه را چون خدا و رسولش کاری را قضاوت کند که [باز هم] آنان را در کار خود اختیار باشد و هر که خدا و رسولش را

وَالْحِكْمَةَ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا ۝^{۳۵}
 إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ
 وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَنَاتِينَ وَالْقَنَاتِ
 وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ
 وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ
 وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّامِعِينَ
 وَالصَّامِعَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ
 وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّكِّرِينَ اللَّهُ كَثِيرًا
 وَالذَّكْرَاتِ ۗ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا
 عَظِيمًا ۝^{۳۶}

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى
 اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ
 الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ ۗ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ

وَرَسُولُهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا ۝۳۷

نافرمانی کند پس یقیناً در گمراهی
آشکار گم گشته است (۲۷)

وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ
وَإَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ
وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ
مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ
تَخْشَاهُ ۝ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا
زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ
حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا
مِنْهُنَّ وَطَرًا ۝ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا ۝۳۸

و هنگامیکه میگفتی به آنکه بر او
خدا انعام کرد و هم تو انعام کردی
که مسر خود را نگهدار [طلاق نده]
و خدا را تقوی کن و در دل خود
آن امر را پنهان میکردی که خدا
آشکار کننده آن بود و از مردم
میترسیدی و خدا سزاوارتر است
که از او بترسی. پس گامیکه زید
حاجت خود را از آن زن برآورد
آن زن را بنکاح تو در آوردیم تا
مومنان را نسبت به زنان پسر
خواندگان خود تنگی نباشد چون
آن [پسر خوانده] ما حاجت خود را
از زنان برآورده باشند و فرمان
خدا شدنی است (۲۸)

پیغمبر را در آن امر که خدا برای
او واجب نمود هیچ تنگی نیست.
این سنت خدا است که در آنان
نیز بود که از پیش گذشته اند و

مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ
اللَّهُ لَهُ ۝ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ ۝
وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا ۝۳۹

یقیناً امر خدا به میزان دقیق تقدیر

میشود (۳۹) ++

[این سنت خدا گذشته است در]

آنکه پیغام خدا را می‌رسانند و

از او می‌ترسیدند و نمی‌ترسیدند

مگر از خدا و خدا را حساب گرفتن

بس است (۴۰) +

محمد پدر کسی از مردان [مانند]

شمانیست ولی او رسول خدا و

خاتم جمله انبیاء است و خدا به

هر چیز خوب دانا است (۴۱) ++

ای کسانی که ایمان آورده اید خدا

را ذکر فر او ان کنید (۴۲)

و او را تسبیح بگویید با مکانها

و شامگاهان (۴۳)

اوست آنکه می‌فرستد رحمت را

بر شما و فرشتگانش تا شمارا از

تاریکیها به روشنی بیرون آورد

و به مومنان بارها رحم کننده

است (۴۴)

خوش آمد ایشان روزیکه با او

الَّذِينَ يَبْلُغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ

وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ ۗ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ

حَسِيبًا ﴿۳۹﴾

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ

وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ ۗ

وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿۴۰﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ذُكِّرُوا اللَّهَ ذِكْرًا

كَثِيرًا ﴿۴۱﴾

وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿۴۲﴾

هُوَ الَّذِي يُصَلِّيْ عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ

لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۗ وَكَانَ

بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا ﴿۴۳﴾

خَيْرٌ لَّهُمْ يَوْمَ يَقُونَهُ سَلَامٌ ۗ وَأَعَدَّ لَهُمْ

أَجْرًا كَرِيمًا ﴿۴۵﴾

ملاقات کنند سلام است و برای ایشان رزق گرامی آماده کرده است (۴۵)

ای پیغمبر! یقیناً ماتو را فرستاده ایم گواه و مژده دهنده و بیم دهنده (۴۶).

ودعوت کننده بسوی خدا باذن او و خورشیدی منورکننده (۴۷)

و مژده بده مومنان را که [این] برای ایشان از خدا فضلی بزرگ است (۴۸)

و اقتدای کافران و منافقان نکن و ایذارسانی آنها را نادیده بگیر و توکل بر خدا کن و خدا را کار سازی بس است (۴۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید گاهی که با زنان مومنه عقد ازدواج کنید سپس به آنها طلاق دهید بیشتر از اینکه به آنها نزدیکی کنید پس شمارا هیچ عده بر آنها نیست که آنرا بشمارید پس آنها را بهره مند

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿۴۶﴾

وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِآذِنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا ﴿۴۷﴾

وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُم مِّنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا ﴿۴۸﴾

وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذُنَهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿۴۹﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا فَمَعَهُنَّ نَسْرًا حَوْهِنَّ سَرَّاحًا جَمِيلًا ﴿۵۰﴾

سازید و آنها را بروش نیکوی
رما کنید(۵۰)

ای پیغمبر! براستی ما برای تو
حلال قراردادده ایم آن همسران
تو که مهریه ایشان پرداختی و آن
زنان زیر دست تو که خدا به تو
غنیمت کرده است دختران عموی
تو و دختران عمه مایت و دختران
دایت و دختران خاله مایت که با
تو مهاجرت کرده اند و زنی مومنه
که خویشتن را برای پیغامبر عرضه
نماید اگر پیغمبر بخواهد که با آن
زن عقد ازدواج بزند. این بغير از
مومنان برای تو اختصاص دارد.
حتماً میدانیم آنچه بر آن [مومن] ما
فرض کردیم در مورد همسران
ایشان و کنیزکان ایشان تا بر تو
سخت نگذرد و خدا بسیار آمرزنده
بارها رحم کننده است(۵۱)

هر که از آن [همسر] ما را میخواهی
جدا کن و هر که را میخواهی با خود

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ
الَّتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ
يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ
عَمِّكَ وَبَنَاتِ عَمَّتِكَ وَبَنَاتِ خَالِكَ
وَبَنَاتِ خَلَّتِكَ الَّتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ
وَأُمَّرَأَةً مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ
إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَكَ
مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ۗ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا
عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ
أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ ۗ
وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۝

تُرْجَى مِنْ تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَتُؤَيَّ إِلَيْكَ مَنْ
تَشَاءُ ۗ وَمَنْ ابْتَغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا

جَاخَ عَلَيْكَ ۗ ذَٰلِكَ أَذَىٰ أَنْ تَقَرَّ
 أَعْيُنُهُنَّ وَلَا يَحْزَنَنَّ وَيَرْضَيْنَ بِمَا
 آتَيْتَهُنَّ كُلَّهُنَّ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي
 قُلُوبِكُمْ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا ﴿۵۲﴾

نگهدار. و زنی را که جدا کردی
 اگر میخوای او را بازگیری بر
 تو گناهی نیست. این نزدیکتر
 اینست که چشمان ایشان روشن
 گردد و رنجور نباشند و همه آنان
 خرسند شوند بدانچه به آنان بدمی
 و خدا میداند آنچه در دلهای شما
 است و خدا صاحب علم دائمی
 بسیار بردبار است (۵۲)

لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ
 بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ
 إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ
 شَيْءٍ رَاقِبًا ﴿۵۳﴾

بعد برای تو [زاید] زنان روانیست
 و نه اینکه بجای ایشان همسرانی
 بدل کنی اگرچه زیبایی ایشان به
 تو شگفت آرد جز آنانکه زبردست
 تواند و یقیناً خدا بر هر چیز مراقب
 است (۵۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ
 إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَىٰ طَعَامٍ غَيْرِ
 نَظْرَيْنِ إِنَّهُ ۗ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ
 فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا
 مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ ۗ إِنَّ ذُكُّكُمْ كَانَ

ای کسانی که ایمان آورده اید به
 خانه های پیغمبر داخل نشوید جز
 اینکه شما را بصرف طعام دعوت
 شود بفریز از اینکه آمادگی آن
 [طعام] را منتظران باشید و چون
 [بصرف طعام] خوانده شوید در

يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِ مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا
يَسْتَحْيِ مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ
مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ
ذِكْرُكُمْ أَظْهَرَ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا
كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ
تَنكِحُوا أزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ
ذِكْرَكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا ﴿٥٥﴾

آیید و چون طعام را صرف کردید
منتشر شوید [آنجا نشسته] جویندگان
گفتگو نباشید یقیناً این امر به
پیغمبر میآزارد اما [به اظهار آن]
از شما شرم دارد ولی خدا از بیان
حق شرم ندارد. هرگاه از ایشان
[همسران پیغمبر] برای چیزی
سوال کنید پس ایشان را از پس
پرده سوال کنید. این پاکیزه تر
برای دلهای شما و دلهای ایشان
است و نه سزد شمارا که رسول
خدا را بیآزارد و نه اینکه ابداً
پس از او با همسران او عقد ازدواج
بندید. یقیناً این نزد خدا امری
بزرگ است (۵۴)

اگر عیان کنید چیزی را یا نهانش
کنید پس یقیناً خدا به هر چیز دانا
است (۵۵)

ایشان [همسران پیغمبر] را باکی
نیست در مورد پدران خود و نه
پسران خود و نه برادران خود و

إِنْ تُبْدُوا شَيْئًا أَوْ تُخْفُوهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ
شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿٥٥﴾

لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِي آبَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ
وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا نِسَاءِهِنَّ وَلَا مَا

نه برادرزادگان خود و نه خواهر
 زادگان خودونه زنان [مومن] خود
 ونه زیردستان خودو[ای همسران
 پیغمبر] خدا راتقوی کنید یقیناً
 خدا برهر چیز نگهبان است(۵۶)
 یقیناً خدا وفرشتگان او بر پیغمبر
 درود میفرستند. ای کسانیکه ایمان
 آورده اید شما نیز بر او درود و
 سلام بسیار گرم بفرستید(۵۷)++
 یقیناً کسانی که خدا و رسول او را
 میآزارند خدا به آنها لعنت کرده
 درد دنیا و آخرت و برای آنها عذابی
 رسواکننده مهیا کرده است(۵۸)
 همانا آنانکه به مومنان و مومنات

مَلَكَتْ أَيْمَانَهُنَّ^ج وَاتَّقِينَ اللَّهَ^ط إِنَّ اللَّهَ
 كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا^ه

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ^ط
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا
 تَسْلِيمًا^{ه۷}

إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ
 اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا
 مُّهِينًا^{ه۸}

وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

++آیت ۵۷: درباره این آیت حضرت اقدس مسیح موعود علیه الصلوة والسلام
 میفرماید: "از این آیت پدید میآید که اعمال رسول اکرم آنچنان بودند که خدای
 متعال برای تحسین یا تحدید اوصاف ایشان هیچ کلمه‌ی به کار نبرد. کلمات میسر
 بودند اما خدا خودش آنها را به کار نبرد یعنی ستایش اعمال صالحه ایشان پهن
 تر از تحدید بود. این نوع آیت در شأن هیچکدام پیغمبر دیگر به کار نرفته است.
 در روان ایشان آن صدق و صفا بود و اعمال ایشان در نزد خدای متعال آنقدر
 پسندیده بود که او برای همیشه فرمان داد که در آتیه مردم بعنوان سپاس گذاری
 درود بفرستند. [گزارش رویداد جلسه سالیانه ۱۸۹۷ صفحه ۵۰-۵۱]

بَعِثْنَا مِیْنَاهُمْ ۗ
 یَغَیْرُ مَا کُتِبَ لَهُ فَاذْحَمَّوْا بُهْتَانًا وَاَوْرَاثًا
 از آن کسب کرده باشند برآستی
 بهتان بزرگی و گناهی آشکار بدوش
 گرفتند (۵۹)

یَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ
 وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ
 جَلَابِئِبِهِنَّ ۚ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا
 يُؤْذِينَ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۝
 ای پیغمبر! بگو به همسران خود
 و دختران خود و زنان مومنان که
 چادرهای خود را بر خود سرکنند.
 این نزدیکتر است که آنها شناخته
 شوند و آزاریده نشوند و خدا
 بسیار آمرزنده بارها رحم کننده
 است (۶۰) ++

لَیْسَ لِمَنْ یَنْتَهی الْمُنْفِقُونَ وَالَّذِیْنَ فِی
 قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ وَالْمُرْجَفُونَ فِی الْمَدِیْنَةِ
 نَغْرِبَاتُکَ بِهِمْ ثُمَّ لَا یَجَاوِرُونَکَ فِیْهَا
 إِلَّا قَلِیْلًا ۙ
 اگر منافقان و آنانکه در دل‌های آنها
 بیماری است و آنانیکه در مدینه
 شایعه میپراکنند باز نایستند حتما
 تو را بر [عقوبت] آنها برانگیزیم.
 سپس در این [شهر مدینه] تو را
 مجاورت نکنند جز اندک (۶۱) ++

مَلْعُونِیْنَ ۗ اَیْمَانُ تُقْفُوْا اُخْذُوْا وَقْتِلُوْا
 ++ آیت ۶۰: اینجا منظور از دستور حجاب این معلوم میشود که بوسیله حجاب زنان
 مسلمان در مقابل زنان غیر از مسلمان باز شناخته شوند و گرنه یهود از سوء نیت
 میتوانستند گویند که آنها نمیدانستند که زنی اذیت شده مسلمان است.

تَقْتِيلاً^(۶۲)

گرفته و بسختی کشته شوند(۶۲)+

سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ

[این] سنت خدا در پیشینیان هم

تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا^(۶۳)

بود و در سنت خدا تحولی نمی

یابی(۶۳)

يَسْأَلُ النَّاسَ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا

مردم تو را از قیامت میپرسند.

عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ

بگو: علمش تنها نزد خدا است و

السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا^(۶۴)

چه چیزی تو را فهم دهد که شاید

ساعت نزدیک باشد(۶۴)

إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكُفْرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ

یقیناً خدا کافران را لعنت کرده و

سَعِيرًا^(۶۵)

برای آنها آتشی شعله ور آماده

کرده است(۶۵)

خُلْدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا

مدت دراز در آن مقیم شوند.

نَصِيرًا^(۶۶)

[آنجا] نه سرپرستی و نه یآوری

خواهند یافت(۶۶)

بقیه آیات ۶۱-۶۲: خداوند به رسول الله صلی الله علیه وسلم وعده ی داد که تو بر آنان غلبه مییابی و آنان شهر تو را ترک گویند. آنگاه زیر لعنت خدا باشند و چنین حالات رخ دهد که هرکجا یافته شوند بمواخذه گرفته و قتل آنان مجاز گردانده شود.

در اینجا از فتنه پردازهای بنو قریظه که آتش جنگ را تا مکه برافروختند ذکر خصوصی است. برای جلوگیری از این فتنه هیچ چاره ی نبود جز اینکه آنها بچنگ آورده بقتل رسانده شوند.

يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ
يَلَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ ﴿٦٧﴾

روزیکه چهره هایشان در جهنم واژ
گون کرده شود، گویند: کاشکی
خدارا اطاعت میکردیم و رسول
را اطاعت میکردیم (۶۷)

وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا
فَأَصَلُّوْنَا السَّبِيلَا ﴿٦٨﴾

و گویند: پروردگارا! یقیناً ما
سرداران خود و بزرگان خود را
اطاعت کردیم. پس آنها ما را
گمراه کردند (۶۸)

رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ
وَالْعَنَهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا ﴿٦٩﴾

پروردگارا! آنها را عذاب دوبرابر
بده و بر آنها لعنت کن لعنتی
بزرگ (۶۹)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا
مُوسَىٰ فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ
وَجِيهًا ﴿٧٠﴾

ای کسانیکه ایمان آورده اید
نشوید مانند آنانکه به موسی
آزاریدند. پس خدا او را تبرئه
کرد از آنچه گفتند و او نزد خدا
بلند شأن بود (۷۰)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا
سَدِيدًا ﴿٧١﴾

ای کسانیکه ایمان آورده اید خدا
را تقوی اختیار کنید و لب به سخن
راست و استوار بگشایید (۷۱)

يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ
ذُنُوبَكُمْ ۗ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ

او اعمال شما را برایشما اصلاح
نماید و گناهامان شما را برایشما

فَارْقُورًا عَظِيمًا ﴿۷۱﴾

بی‌آمرزد و هر که خدا و رسولش را اطاعت کند پس یقیناً موافقت بزرگ را موفق شده است (۷۲)

یقیناً امانت را بر آسمانها و زمین و کوه ها عرضه داشتیم که خود داری کردند که آنرا بدوش گیرند و از آن بیمناک شدند در حالیکه انسان کامل آنرا برداشت. یقیناً او [بر خویشتن] بسیار ستمگر و [از عواقب تکلیف] بی پروا بود (۷۳) ++

اینطور بود تا خدا منافقان و منافقات و مشرکان و مشرکات را عذاب دهد و تا خدا بر مومنان و مومنات توبه قبول کنان متمایل شود و خدا بینهایت آمرزنده بارها رحمکننده است (۷۴)

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا
وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ
ظَلُومًا جَهُولًا ﴿۷۳﴾

لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ
وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ
عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ
عَفُورًا رَحِيمًا ﴿۷۴﴾

++ آیت ۷۳: در این آیت گریه ذکر از فضیلت آنحضرت ﷺ بر دیگر جمله پیغمبران آمده است زیرا امانتی که بصورت تعلیم قرآن نازل آینده بود پیش از آنحضرت ﷺ هیچ پیغمبری تاب نداشت که بار آنرا بدوش خود تحمل کند. پس منظور از امانت قرآن مجید است.

ظلوماً جهولاً را بعضی مفسران اصلاً معنای نادرست نسبت می‌دهند. ظلوماً را مفهوم ستم بر دیگری نیست بلکه بر جان خویش ستمکننده‌ی است که باری اینقدر سنگین را برداشت. همینطور منظور از جهولاً جاهل مطلق نیست بلکه آنکس است که مسئولیتی با این بزرگی را پذیرفت و از عواقب آن بی پروا ماند. همه آن سلسله مظالم که بر آنحضرت ﷺ روا داشته شد پس از شروع نزول قرآن رو به آغاز کرد.

۳۴ - سورة سبأ

این سوره در مکه نازل شد و با بسم الله ۵۵ آیت دارد.

ابتدای این سوره عبارت از این کلمات است که ستایش مطلق از آن خدا است که آسمانها را مالك و زمین هم ترانه او را میسراید و در آخرت نیز ترانه از حمد او سروده شود. اینجا کنایه ای آشکار بسوی رسول الله ﷺ است که غلامان راستین ایشان زمین و آسمان را مملوازستایش و نیایش خدا خواهند کرد.

سپس به تشریح کوه ها پرداخته مضافاً گفته میشود که کوه ها بمعنای ملت های زحمت کش کوهستانی میباشند. بعنوان مثال کوه ها برای حضرت داؤد علیه السلام بظاهر مسخر نشده بودند بلکه قوم های زحمت کش ساکن بر کوه ها رام کرده شدند. پس کوه ها که ذکر از آنها در پایان سوره گذشته رفت شرح به آنها اینجا داده میشود.

سپس شرح به اوضاع آن اجنه است که برای حضرت داؤد و حضرت سلیمان مسخر کرده شدند و ایشان کارهای طاقت فرساز آنها میگرفتند و گفته شد که آنان اجنه در قالب انسان بودند و نه آن اجنه معروف که آفریده از شعله های آتش پنداشته میشوند. درباره این اجنه قرآن مجید جای دیگر می فرماید که آنها در بند و زنجیر بودند حالانکه اجنه آتش را که در بند و زنجیر نتوان کرد و اینکه آنان غوطه خورده از دریا مرواریدها در می آوردند حالیکه جنی ساخته از آتش که نمیتواند در دریا غوطه خورد زیرا آتش که بداخل آب فرومی نشیند. اینهمه امور سپاسگذاری را برآل داؤد

بفرض مینمود. پس حضرت سلیمان علیه السلام که از میان آل داود از روی خویشی صلیبی و روحانی ارشدیت داشتند حق سپاسگذاری را بجا آوردند. ولی چون ایشان آگاه کرده شدند که پسرایشان که جانشین تخت ایشان است همچون جسمی فاقد زندگی روحانی است ایشان روی به دعا آوردند که پروردگارا اصف سلطنت را در دوره اش بپیچان چه من به این سلطنت دنیائی هرگز علاقه مند نیستم. پس عیناً همینطور بظهور آمد. پس از درگذشت حضرت سلیمان چون پسرایشان تخت نشین گشت رفته رفته بر قوم های کوهستانی معلوم گشت که پادشاهی بیخرد برایشان مسلط است آنان علیه او طغیان کردند و بدینسان سلطنت ظاهری حضرت سلیمان علیه السلام پاره پاره گردید.

چون سلطنت های بزرگ از هم میپاشند آنگاه بجای اینکه اهل سلطنت بر اثر محبت همدیگر این دعا کنند که دلهای ما بهمدیگر نزدیکتر گردانده شود بعکس طعمه نفرتها قرار گرفته به دعای دور شدن از همدیگر میپردازند. آنگاه ایشان زیر پای غضب الهی له کرده اساطیر نابود شدگان ساخته می شوند. میان محل سکونت های ایشان آنقدر دوری افکنده میشود که دورادور بجای باغستان و گلزارها، بیسه ها و نیستان بچشم میخورند.

در پایان سوره گذشته آنحضرت ﷺ تعلیم صبوری داده شدند. اکنون مجدداً توصیه میشود که پیوسته صبور باش و قلب ایشان با این مژده ثبات داده شده سلطنت های پیشین که همچون قومهای کوچک بودند ولی خداوند تورا سلطنت با تعمیم روحانی بر سراسر جهان در داده است.

ضمناً توجه مخالفان بدین امر جلب کرده میشود که آنان فردا فرد یا دو

دو بپایستاده در محضر خدا دعاکنند و از آن پس تعقل کرده دریابند که آن شهزاده علم و حکمت که قرآن حکیم اعطا شده است هرگز مجنون نیست. سپس فرموده شد که برای این امر تفکر کن چون آنان سخت آشفته خاطر بگردند و آن آشفتگی دور نشود و آنان از جای نزدیک درگرفته شوند. جای نزدیک "حبل" جان است یعنی آنان از درون خودشان مبتلا به عذاب کرده شوند. در آیت مجاور اشاره به مکان دور عبارت از این امر است که اینگونه مردم را توبه کردن بسیار دور است. چنانکه حدوث کردن پیش آمده بر خودشان باعث نشد که ایشان توفیق توبه بدست آورند آنگاه چطور امکان پذیر است که آنان از خوف عذاب آنچه را بسیار دور گمان میکنند توفیق به توبه حقیقی بدست آورند. میان اینچنین منکران و تکمیل خواهشات نفسانی آنها مانع همیشگی نهاده میشود همانگونه که به پیشینیان ایشان رفتار شده بود اما این تیره بختها مدام متردد میمانند.

☆ سُوْرَةُ سَبَاٍ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ خَمْسٌ وَخَمْسُونَ آيَةً وَ سِتُّ رُكُوعَاتٍ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]
 بسیاربخشنده بارهارحم کننده (۱)
 ستایش مطلق برای آن خدا است
 که از آن اوست هرچه در آسمانها
 است و هرچه در زمین است و در
 آخرت هم ستایش مطلق از آن
 اوست او بسیار صاحب حکمت
 مدام آگاه است (۲)

او میداند آنچه داخل زمین گردد
 و آنچه از آن خارج شود و آنچه
 از آسمان نازل شود و آنچه در
 آن بالا رود و او بارها رحم کننده
 صاحب آمرزش است (۳)

و کسانی که کفر کردند میگویند
 ساعت بر ما نیاید. بگو، آری -
 سوگند به پروردگام که برغیب
 آگاه است حتماً بر شما میآید -
 نشود پوشیده از او باندازه ذره
 در آسمانها و نه در زمین و نه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي
 الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ
 الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ①

يَعْلَمُ مَا يَلْجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا
 وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا
 وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ ①

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ
 قُلْ بَلَى وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ لَعَلَّكُمْ
 يَعْرَبُونَ عَنْهُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا
 فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا
 أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ①

کوچکتر از آن و نه بزرگتر مگر
در کتابی آشکار است (۴)

تا [خدا] عوض دهد کسان را که
ایمان آوردند و نیکوکاری انجام
دادند. همانند که برایشان آموزش
و رزقی کریمانه است (۵)

و آنانیکه میکوشند تا آیات ما را
بیچاره سازند همانند که آنها را
عذابی دردناک از عذابی لرزنده
است (۶)

و آنانکه علم داده شدند بنگرند
هرچه بسوی تو از پروردگار تو
نازل کرده آمد آن حق است و
بسوی راه صاحب غلبه کامل و
صاحب ستایش هدایت میکند (۷)

و کسانیکه کفر کردند میگویند
آیا شما را نشاندهیم مردی را که
به شما خبر میدهد هنگامیکه از هم
پاشیده بکلی ذره ذره شدید حتماً
به آفرینش نوی [داخل] شوید (۸)
آیا بر خدا دروغی بهم بافته است

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ۝

وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعْجِزِينَ أُولَئِكَ
لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رَّجْزٍ أَلِيمٍ ۝

وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ
إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى
صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ۝

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَى
رَجُلٍ يُنَبِّئُكُمْ إِذَا مُزِّقْتُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ
إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ ۝

أَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ

الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ
وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ ①

یا او رادیوانگی است؟ در حقیقت
آنها که به آخرت ایمان نمی‌آرند
در عذاب و گمراهی دور سرگردان
اند (۹)

أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَى مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا
خَلْفَهُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ۗ إِن لَّشَاءُ
نَخِسِفُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ نُسْقِطُ
عَلَيْهِمْ كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ ۗ إِن فِي ذَلِكَ لَآيَةً
لِّكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ ②

پس آیا بسوی آن [پدیده ها] نگاه
نکردند که در آسمان و زمین پیش
روی ایشان [تجلی یافته] اند یا
آنچه قبل از آنها بودند. اگر
بخواهیم آنها را بزمین فروبریم
یا پاره‌ی از آسمان بر آنها فرو
افکنیم. یقیناً در این آیتی بزرگ
است برای هر آن بنده‌ی که توبه
کند (۱۰)

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا ۗ يُجِبَالٌ أَوْجٍ
مَعَهُ وَالطَّيْرَ ۗ وَالنَّالَةَ الْحَدِيدَ ③

و یقیناً داود را از جانب خود
فضلی در دادیم [چون این اذن دادیم
که ای کوه ها! با او فروتنی کنید
و ای مرغان [شاهم] و آهن را
برای او نرم ساختیم (۱۱)] ++

إِن أَعْمَلَ سِبْغَتٍ وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ
وَأَعْمَلُوا صَالِحًا ۗ إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ

[وگفتیم] که زره های کامل بقدر
جسم بساز و حلقه های [زره] را تنگ
بدار و نیکوکاری کنید. یقیناً من به

بَصِيرٌ ﴿۱۱﴾

وَلَسَلِيمٌ الرِّيحَ غُدُوَهَا شَهْرٌ
وَرَوْحَهَا شَهْرٌ ۚ وَاسْلَأَهُ عَيْنِ
الْقَطْرِ ۗ وَمِنَ الْجِنَّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ
بِإِذْنِ رَبِّهِ ۗ وَمَنْ يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا
نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ ﴿۱۲﴾

مرجه عمل کنید بی‌نامستم (۱۲) ++
و برای سلیمان بادی را [مسخر
کردیم] سفر بامدادی آن [هم برابر
سفر] یکماه بود و سفر شامگاهی
آن [هم برابر سفر] یکماه بود و
چشمه مس را برای او جاری کردیم
و از جنها آن [قومهای وحشی را رام
کردیم] که زیر دست او بفرمان
پروردگارش بزحمت کار میکردند
و هر که از آنها از امر ما منحرف شود
او را عذاب جهنم بچشانیم (۱۳) ++

++ آیات ۱۱-۱۲: مسخر کردن گوه ها را مفهوم رام کردن آن قومهای زحمت کش
کوهستانی است که حضرت داود آنها را تسخیر کرده بودند و کارهای سنگین برای
حضرت داود انجام دادند. غالباً منظور از طیور [پرندگان] آن مردم نیکوکارانند
که برایشان ایمان آورده و از نظر روحانی نسبت به طیور داده شدند. مضافاً نعمتی
دیگر که به حضرت داود اعطاء شد آن تخصص گذاختن آهن و استفاده از آن بود.
زره های دفاعی حین جنگ ساخته از حلقه های آهن از زمان ایشان بکار برده
شد. حضرت داود بدین امر نیز فرمان شدند که زره ها نه با حلقه های بزرگ بلکه
با حلقه های تنگ ساخته شوند. اگر زره ها قبل از حضرت داود ساخته هم میشد
آنگاه بحر حال زره ها با حلقه های تنگ در زمان ایشان ایجاد شده بود.

++ آیت ۱۳-۱۴: بادها را تابع فرمان حضرت سلیمان کردن بدین معنا نیست بطوری
که بعضی مفسران قصه های بیان میکنند که ایشان بالونی ایجاد [بقیه ص# ۱۰۲۸]

آنان هر چه اومیخواست برایش
 میساختند - قلمه های بزرگ و
 مجسمه ها و لگنهای مانند استخرها
 و دیگهای بزرگ یکجا نشانده. ای
 آل داؤد! شکر کنید به سزاواری

يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ
 وَتَمَائِيلٍ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ
 رُزِيَّتٍ ۗ اِعْمَلُوا اِلَٰلَٰهَ دَاوُدَ شُكْرًا
 وَقَدِيْلٍ مِّنْ عِبَادِي الشُّكُوْرِ ﴿۱۴﴾

کرده بودند بلکه اشاره به آن بادهای تند و وز بر ساحل دریائی است که بعد از
 یکماه تغییر رخ میدادند و کشتیها را بانیرو آن بادها سریعاً حرکت کردن و سپس
 باز گشتن مطلب این آیت است.

حضرت داؤد برآه قدرتِ تخصص داشتند درحالیکه حضرت سلیمان صنعت کان
 کندن برای فلز گرانبها یعنی مس و استفاده کردن از آن بنحوی گوناگون آموخته
 شده بودند.

جناتی که در اینجا مذکور اند سخن از آنها پیش از این حین ذکر در باب حضرت
 داؤد نیز رفته است. مفهوم این موضوع مردمان کوهستانی و زحمت کشانند. در
 آیت مجاور این ذکر است که آن مردمان چنان کارهای سنگین و طاقت فرسا انجام
 میدادند که برای ملتهای متمدن امکان پذیر نمیشد. برای تفصیل آنکارها نخست
 سخن از قلمه های بزرگ است. باز درباره مجسمه ها و استخرها. لکن های بزرگ
 و دیگها گفته شده است. این دیگها آنچنان بزرگ بودند که جابجا کردن آنها کاری
 طاقت فرسا بود و یکجا میماندند. غالباً در اینها غذای برای ارتش بزرگ ایشان
 آماده کرده میشد.

پس از یادآوری این نعمتها نه تنها حضرت داؤد بلکه آل ایشان نیز توصیه
 میشوند که سپاسگذار باشند. این نعمتها بازگرفته نمیشود تا آنگاه که سپاسگذاری
 کنید. سپس در زمان پسر حضرت سلیمان این نعمتها از دست رفت چه او نه دارای
 خصوصیت روحانی بود و نه استعداد دولتمداری را داشت.

شکرش واندک اند از بندگانم که
شکر میکنند (۱۴) ++ [حاشیه
ص#۱۰۲۸]

پس هنگامیکه فرمان مرگ را بر
او گذرانیدیم کسی به آنها بر مرگ
او آگاه نکرد مگر کرمی [پسرش
ناخلف] که چوب دستی [سلطنت]
او را میخورد. پس چون آن [نظام
سلطنت] بامنشین شد آنگاه برجن
[کومستانی] ما آشکارگشت اگر
آنها غیب را میدانستند در عذابی
رسوا کننده مکث نمیکردند (۱۵)

براستی برای [قوم] سبا درمسکن
خود آیتی بزرگ بود. راست و
چپ دوباغ بود. [ای قوم سبا]
بخورید از رزق پروردگار خود و
برای او سپاس گذارید [پایتخت
سبا] شهرزیبائی بود و [آن شهر را]
پروردگاری بس آمرزنده بود (۱۶)
پس [ازحق] اعراض کردند. پس
سیل بندشکسته [موجزن] بر آنها

فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَى
مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَاتِهِ
فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجُنُبُ أَنْ لَوْ كَانُوا
يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِئُوا فِي الْعَذَابِ
الْمُهِينِ ۝۱۵

لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتِ
عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُّوا مِنْ رِزْقِ
رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ ۝ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبِّ
غَفُورٍ ۝

فَاعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرَمِ
وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِ أُكُلٍ

فرستادیم و هردو باغ را در چنین
 دو باغ تبدیل کردیم که هردو
 دارای میوه های بد مزه و درخت
 گز و کم کم سدر بودند (۱۷)

این عوض آنها بود چه ناسپاسی
 کردند و آیا جز ناسپاسان بکسی
 [اینطور] کیفر میکنیم؟ (۱۸)

و میان ایشان و میان شهرهای که
 در آنها خیری فراوان نهاده بودیم
 شهرهای هویدا ساخته بودیم و
 راه پیمودن را در آنها [آسان و]
 ممکن کرده بودیم [مقصود این
 بود که] شبها و روزها در آنها
 ایمن راه بپیمایید (۱۹)

اما [چون ناسپاس شدند] گفتند:
 پروردگارا! میان سفرهای ما دوری
 بیفکن و بر خودشان ستم کردند.
 پس آنها را افسانه های ساختیم و
 آنها را پاره پاره نمودیم. یقیناً
 در این برای هر یک صبرکننده و
 سپاس گذار آیت های است (۲۰)

حَمَطٌ وَأَثَلٌ وَوَشَىٰ مِّنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ ﴿۱۷﴾

ذٰلِكَ جَزَیْنَهُمْ بِمَا كَفَرُوا ۗ وَهَلْ نُجَازِی
 اِلَّا الْكٰفِرَ ﴿۱۸﴾

وَجَعَلْنَا بَیْنَهُمْ وَبَیْنَ الْقُرَى الَّتِی بَرَكْنَا
 فِیْهَا قُرَى ظَاهِرَةً وَقَدَّرْنَا فِیْهَا السَّیْرَ
 سِیْرًا وَفِیْهَا لَیَالِیًا وَایَّامًا اٰمِنِیْنَ ﴿۱۹﴾

فَقَالُوْا رَبَّنَا بَعْدَ بَیِّنٍ اَسْفَارِنَا وَظَلَمُوْا
 اَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنٰهُمْ اَحَادِیْثَ وَمَمَزَقْنٰهُمْ
 كُلَّ مُمَزَقٍ ۗ اِنَّ فِیْ ذٰلِكَ لَآیٰتٍ لِّكُلِّ صَبّٰرٍ
 شٰكُوْرٍ ﴿۲۰﴾

وَلَقَدْ صَدَقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُمْ
فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۲۱﴾

وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِّنْ سُلْطٰنٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ
مَنْ يُّؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي
شَكٍّ ۚ وَرَبُّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِیظٌ ﴿۲۲﴾

ویقیناً ابلیس اندیشه خود را بر
آنها راست آورد. پس بدو پیروی
کردند جز گروهی از مومنان (۲۱)
و او [ابلیس] را بر آنها هیچ غلبه
نبود مگر [خواستیم] تا باز شناسیم
آنکه به آخرت ایمان می‌آورد و آنکه
از این در شک است و پروردگار
تو بر هر چیز نگهبان است (۲۲)

بگو بخوانید آنهایی را که جز خدا
[چیزی] گمان کنید. آنها باندازه
ذره هم مالک نیستند در آسمانها
و نه در زمین و نه برای آنها در
آندو هیچ سهمی است و برای او
هیچ از آنها پشتیبان نیست (۲۳)

و در درگاه او شفاعت بکار نیاید
جز برای آنکه او برایش اذن کرده
باشد تا آنگاه که چون آشفته‌گی از
دل‌های آنها دور کرده شود [از
شفاعت کنندگان خود] بپرسند [هم
اکنون] پروردگار شما چه گفت؟
گویند، حق [گفت] او او بلند مرتبت

قُلْ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ لَا
يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمٰوٰتِ وَلَا فِي
الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهَا مِن شُرَكَاءَ وَمَا
لَهُ مِنْهُمْ مِّنْ ظٰهِيرٍ ﴿۲۳﴾

وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ ۚ
حَتَّىٰ إِذَا فُزِّعَ عَن قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا
قَالَ رَبُّكُمْ ۚ قَالُوا الْحَقُّ ۚ وَهُوَ الْعَلِيُّ
الْكَبِيرُ ﴿۲۴﴾

و بسیار بزرگ است (۲۴)

بپرس: کی شمارا از آسمانها و زمین
رزق میدهد. بگو: خدا. یقیناً ما یا
شمالته یا برمدایت یادرگمرامی
آشکاره مستیم (۲۵)

بگو: شما پرسیده نشوید از آنچه
ماجرم کنیم و نه ما پرسیده شویم
از آنچه شما میکنید (۲۶)

بگو: خدا ما را جمع کند سپس
میان ما باحق قضاوت نماید و او
فیصل دهنده آشکارا صاحب علم
دائمی است (۲۷)

بگو: مرانشان دهید آنهائی را که
با او شریک بستید. هرگز چنین
نیست بلکه همان خدا است که
صاحب غلبه کامل صاحب حکمت
است (۲۸)

و نفرستادیم تو را مگر مژده
دهنده و بیم دهنده برای همه مردم
اما بیشتر مردم نمیدانند (۲۹)

و میگویند انجام این وعده تا

قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ
لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿۲۵﴾

قُلْ لَا تَسْأَلُونَ عَمَّا أَجْرْنَا وَلَا نَسْأَلُ عَمَّا
تَعْمَلُونَ ﴿۲۶﴾

قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبَّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا
بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ ﴿۲۷﴾

قُلْ أَرُونِي الَّذِينَ أَلْحَقْتُمْ بِهِ شُرَكَاءَ
كَلَّا بَلْ هُوَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۲۸﴾

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا
وَنَذِيرًا ۚ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۲۹﴾

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدِ ۖ إِن كُنتُمْ

صَدِیقَیْنِ ﴿۳۰﴾

بچند میکشد اگر شما راستگویان

اید؟ (۳۰)

بگو وعدمگاه شما روزی است که

نه لحظه از آن عقب مانید و نه

پیشی گیرید (۳۱)

وکسانیکه کفر کردند میگویند:

مرکز ایمان نیآریم برای قرآن

و نه بر آن [پیشگوئیا] که پیش

روی آنست و کاشکی میدیدی گامی

که ستمکاران نزد خدا باز داشت

شوند. برخی از آنها سخن را به

برخی پس دهند و آنان که ناتوان

پنداشته شدند برای آنان که تکبر

میکردند گویند اگر شما نبودید حتما

ما ایمان آوردگان بودیم (۳۲)

گویند آنانکه تکبر کردند به آنها

که ناتوان پنداشته شدند آیا ما

شمارا از هدایت چون شمار آمد

باز داشتیم؟ بلکه شما خودتان بزه

کاران بودید (۳۳)

و گویند آنها که ناتوان پنداشته

قُلْ لَكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَخِرُونَ عَنْهُ

سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ ﴿۳۱﴾

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا

الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ ۗ وَلَوْ تَرَىٰ

إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۙ

يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ

الَّذِينَ اسْتُضِعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا

أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ ﴿۳۲﴾

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتُضِعِفُوا

أَنْحُنُّ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهَدَىٰ بَعْدَ إِذْ

جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ ﴿۳۳﴾

وَقَالَ الَّذِينَ اسْتُضِعِفُوا لِلَّذِينَ

شدند به آنها که تکبر کردند بلکه این فریبکاری شب و روز بود چون بما امر میکردید که به خدا انکار کنیم و برای او انبازان قرار دهیم و ندامت را پنهان سازند دمیکه عذاب را نگرند و در گردن های آنها که کفر کردند طوقه نهمیم. آیا عوض داده شوند جز آنچه داشتند می کردند؟ (۳۴)

و در هیچ شهری بیم دهنده نه فرستادیم مگر خوش حالان آن گفتند، همانا ما به آنچه می نکرانیم که با آن شما فرستاده شدید (۳۵) و گفتند، ما در مالها و اولاد بیشتر ایم و ما عذاب شدگان نیستیم (۳۶) بگو: براستی پروردگام رزق هر که را بخواهد فراخ گرداند و تنگ گرداند اما بیشتر مردم نمی دانند (۳۷)

و نیستند مالهای شما و فرزندان شما آنکه شمارا نزد ما برتبه قرب

اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ الْيَلِّ وَاللَّهَارِ اِذْ تَأْمُرُونَنَا اَنْ نَّكْفُرَ بِاللّٰهِ وَنَجْعَلَ لَهُ اَنْدَادًا ۗ وَاَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَاَوْا الْعَذَابَ ۗ وَجَعَلْنَا الْاَغْلَالَ فِيْ اَعْنَاقِ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا ۗ هَلْ يُجْزَوْنَ اِلَّا مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿۳۴﴾

وَمَا اَرْسَلْنَا فِيْ قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيْرٍ اِلَّا قَالُوْا مُتْرَفُوْهَا ۗ اِنَّا بِمَا اُرْسِلْتُمْ بِهِ كٰفِرُوْنَ ﴿۳۵﴾

وَقَالُوْا نَحْنُ اَكْثَرُ اَمْوَالًا وَاَوْلَادًا ۗ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِيْنَ ﴿۳۶﴾
 قُلْ اِنَّ رَبِّيْ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَّشَاءُ وَيَقْدِرُ ۗ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿۳۷﴾

وَمَا اَمْوَالُكُمْ وَاَوْلَادُكُمْ بِاِيْتِيْ تَقْرَبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفٰى اِلَّا مَنْ اٰمَنَ وَعَمِلَ

صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرُفَاتِ آمُونَ ﴿۳۸﴾

بیآرند مگر آنکه ایمان آورد و نیکوکاری کرد پس همانند که برای ایشان پاداش دو برابر است به [علت] آن کار که کردند و ایشان در بالاخانه های ما ایمن شدگانند (۳۸)

وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي آيَاتِنَا مُعْجِزِينَ أُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ ﴿۳۹﴾

و کسانی که آیتهای ما را به عجز آرندگان میکوشند همانها در عذاب احضار شدگانند (۳۹)

قُلْ إِنْ رَبِّي يَبْسُطِ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ ۖ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ خَلْفُهُ ۗ وَهُوَ خَيْرُ الرَّزُقِينَ ﴿۴۰﴾

بگو یقیناً پروردگام برای هر که از بندگانش بخواهد رزق را فراخ مینماید و [گامی] برایش تنگ می نماید و آنچه از چیزی انفاق کنید پس اوست که عوض میدهد و او بهترین رزق دهندگان است (۴۰)

وَيَوْمَ يُحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهَؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ ﴿۴۱﴾

و روزیکه جمیع آنها را محشور کند سپس بفرشتگان گوید، آیا اینها شمارا عبادت میکردند؟ (۴۱) ++

قَالُوا سُبْحٰنَكَ أَنْتَ وَلِيِّنا مِنْ دُونِهِمْ ۗ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرَهُمْ بِهِمْ مُمُؤِنُونَ ﴿۴۲﴾

گویند: تو پاک هستی، تویی دوست ما نه آنها، بلکه آنها جنها را عبادت میکردند و بیشتر آنها به آنان ایمان آوردگان بودند (۴۲) ++ [ص ۱۹۳۶]

فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَفْعًا
وَلَا ضَرًّا ۗ وَنَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا
عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنتُمْ بِهَا تَكْذِبُونَ ﴿۴۳﴾

پس امروز سود و زیان ممدیگر
را در اختیار ندارند و گوئیم برای
آنانکه ستم کردند، عذاب آن آتش
بچشید که به آن انکار میکرده
اید (۴۳)

وَإِذْ أَنْتَلَىٰ عَلَيْهِمُ آيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا
إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانُ
يَعْبُدُ آبَاءَكُمْ ۗ وَقَالُوا مَا هَذَا إِلَّا
إِفْكٌ مُّفْتَرَىٰ ۗ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا
لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ ۗ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ
مُبِينٌ ﴿۴۴﴾

و چون آیتهای روشن ما بر آنها
فروخوانده شود گویند نیست این
مگر آدمی که میخواهد باز دارد
شما را از آنچه پدران شما عبادت
میکردند و گویند نیست این جز
دروغی که بهم بافته شد و کسانیکه
کفر کردند برای حق چون نزدشان
آمد گفتند، این فقط جادوئی آشکار
است (۴۴)

وَمَا آتَيْنَهُمْ مِنْ كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا وَمَا
أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِنْ نَذِيرٍ ﴿۴۵﴾

و ندادیم آنانرا هیچ از کتب که آن
را میآموختند و نه پیش از تو بیم
دهنده‌ی بسویشان فرستادیم (۴۵)

++ آیت ۴۱-۴۲: در این آیتها ذکر از آن مشرکان است که سرداران بزرگ خود را
به خدایی برگزیده بودند. در اینجا منظور از جن همان سردارانند. مشرکان نام
بعضی از فرشتگان را نیز میگفتند که آنان معبودان آنانند. این بر فرشتگان فقط
تهمتی است و فرشتگان در روز قیامت از این تهمت اظهار بریت نمایند.

و تکذیب کرده بودند آنها که پیش از اینها بودند حالیکه اینها به یکدم آن نرسیده اند که به آنها بخشیده بودیم. پس آنها [نیز چون] رسولانم را تکذیب کردند آنگاه گرفتم چه [سخت] بود (۴۶)

بگو شمار فقط به یک امر نصیحت میکنم که بیای ایستید برای خدا دد دو ویک ویک باز خوب فکر کنید که رفیق شمارا دیوانگی نیست. او فقط برای شما پیش از عذابی شدید بیم دهنده است (۴۷)

بگو هر چه عوضی را از شما میطلبم پس آن بخاطر شماست. عوض من فقط بر خداست و او بر هر چیز گواه است (۴۸)

بگو، یقیناً پروردگارم با حق [بر باطل] ضربه میزند. او دانای نهانها است (۴۹)

بگو حق رسیده است و باطل نه [چیز را] ابتدا میکند و نه [آنها]

وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۗ وَمَا بَلَّغُوا
مُخْشَارَ مَا آتَيْتَهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِي ۗ^{٤٦}
فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ۙ^{٤٧}

قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ ۚ أَنْ تَقُومُوا
لِلَّهِ مَثَلِي ۚ وَفَرَادَىٰ تُمَثَّفَكُرُوا ۗ مَا
بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ ۗ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ
لَّكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ۙ^{٤٧}

قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ ۗ إِنْ
أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ ۚ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
شَهِيدٌ ۙ^{٤٨}

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَٰمَ
الْغُيُوبِ ۙ^{٤٩}

قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبَدِيهِ الْبَاطِلُ وَمَا
يُعِيدُ ۙ^{٥٠}

تکرار میکنند (۵۰)

بگو، اگر گمراه شوم خلاف نفس خود گمراه شوم و اگر هدایت یابم پس بدانعلت است که خدا بسوی من وحی میکند. یقیناً او بسیار شنوای نزدیک است (۵۱)

و کاشکی میدیدی چون بیسناک شوند. پس [بیم] زایل نگردد و از جای نزدیک [یعنی زودتر] گرفته شوند (۵۲)

وگویند، به این ایمان آوردیم و چسان آنان را از جای دور [ایمان را] بدست آوردن ممکن است (۵۳) حالانکه از این پیش به آن انکار کردند و از مکانی دور درغیب تیرهای بی هدف پرتاب میکنند (۵۴) و میان آنها و میان آرزوهای آنها جدائی افکنده شود بطوریکه تَبَلابا امثال آنها کرده شد. یقیناً آنها دچار شکی ناراحت کننده بودند (۵۵)

قُلْ إِنْ صَلَّيْتُ فَإِنَّمَا أَصِلُّ عَلَى نَفْسِي وَإِنْ اهْتَدَيْتُ فَمَا يُؤْحِي إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ ﴿٥١﴾

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَرَغُوا فَلَاقَتَهُمْ وَأَخَذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ ﴿٥٢﴾

وَقَالُوا أَمْثَابُهُمْ وَإِلَىٰ لَهُمُ التَّنَاقُوسُ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ ﴿٥٣﴾

وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ وَيَقْدِفُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ ﴿٥٤﴾

وَجِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاءِهِمْ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُّرِيبٍ ﴿٥٥﴾

۳۵- سورة فاطر

این سوره در مکه نازل شد و با بسم الله ۶۶ آیت دارد.

آغاز این سوره نیز مانند سوره قلی با الحمد میشود. سوره گذشته از پادشاهی خداوند بر زمین و آسمان و مشغول ماندن تمامی کاینات در ذکر خدا با زبان حال، حاکی بود. اینجا چون خداوند نخست بار زمین و آسمان را پدید آورد توجه به حمد خدا جلب میشود زیرا که زمین و آسمان را بوجود آوردن بی هدف نمیتواند باشد. در عین حال قبل از وجود زمین و آسمان بسوی رحمانیت یک آفریدگار اشاره میشود.

آیت ردیف ۲ دال بر ذکر آن فرشتگان است که دو دو و سه سه و چهار چهار پر دارند. البته این را هرگز این مفهوم نیست که فرشتگان را بظاهر پَر است بلکه آن چهار والنسی [Valencies] اساسی ماده را ذکر است که در نتیجه اش جمله پدیده های شیمیائی بوجود میآید. پژوهندگان علم علی الخصوص خدا پرستان توجه را بدین سو جلب میکنند که در نتیجه عکس العمل شیمیائی از دیگر ماده های چهار والنسی کاربن آن زندگی بوجود آمده است که دانشمندان آنرا carbon based life مینامند. این آیه قرآن بیان میکند که فرشتگان دارای بیشتر از این بالها نیز وجود دارند که شما آنان را در حال کنونی نمیدانید و در تحت تاثیر آنان تغییراتی بزرگ شیمیائی بظهور خواهند رسید که عجاله انسان گمان هم از آنها نمیتواند بکند.

مجدداً این سوره حاکی از ذکر آن دو دریا است که آب یکی شور و دومین آب شیرین و مطلوب دارد. اما صنعت خداوند شکفت انگیز است که

گوشت جانوران پرورده آب شور نیز شیرین میماند و گوشت پرورده های آب شیرین نیز شیرین میماند. این چه عجب پدیده ای است که گوشت مامی ها پرورده آب شور کلیه از تاثیر شوریدگی آب پاك میماند.

پس از این آیت‌های [۱۷- ۱۸] می‌آید که نوع انسان را متنبه می‌سازد که اگر شما به نعمتهای خداوند سپاسگذاری نکردید و به انکارش پافشار ماندید پس اگر خداوند بخواهد شما را بخاك فرو برده و بجای شما مخلوق جدیدی می‌آرد و این امر دور از شان کبریائی او نیست.

ضمناً توجه انسان بدین امر جلب کرده میشود که زندگی بر زمین در هر قالبی که باشد متکی بر آبی فروباریده از آسمان میباشد و میوه های متنوع از آن آب میروید. رنگهای آنها از هم جدا است. این مسأله اختلاف رنگها کنانه ای است به این امر که بطوریکه میوه های درآمدی از خاک همرنگ دارای رنگهای متنوع میباشد بر همین منوال اگرچه آدمیان هم از نژاد يك آدم هستند ولی رنگهای ایشان و زبان های ایشان مختلف است و هیچ مشابهت از هم بچشم کسی نمیخورد مگر به آن بینندگان که خدا ایشان را عرفان اعطاء کرده است.

کسانیکه با خدا انبازان قرار میدهند نمیتوانند آن چیزها را که در زمین پدید می‌آیند بر مقام همتائی آن کردگار بگزینند تا چه رسد به اینکه تصور ایشان شريك او را در آن آسمانها تلاش کند که درباره آنها ایشان را هیچ هم دانشی نیست.

سپس آدمیان متنبه ساخته شدند که زمین و آسمان با نیروی خود بر مدارهای خود استوار نیستند بلکه اگر دست تقدیر خداوند آنها را پیوسته

نگه نداشته باشد و آن اجرام های فلکی یکبار از مدار های مربوطه بلغزند پس زمین و آسمانها را قیامت فراگیرد و آنها دیگر هیچگاه دوباره بر هیچ مداری مستقر نخواهند شد.

☆ سُوْرَةُ فَاطِرٍ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سِتُّ وَأَرْبَعُونَ آيَةً وَخَمْسَةٌ رُكُوعَاتٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]
بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

ستایش مطلق از آن خدا است که
آفریننده آسمانهای زمین است -
فرشتگان را رسولانی دارندگان
بالحای دوتاوسه تاو چهارتا [یعنی
قوة ها] قراردمنده - میفزاید در
آفرینش هرچه دوستدارد خدا بر
هر چیز مدام قدرتمند است (۲)

آنچه خدا برای مردم از رحمت
بگشاید پس کسی آنرا جلوگیرنده
نیست و آنچه را جلوگیرد سپس
کسی آنرا جاری کننده نیست و
او صاحب غلبه کامل صاحب
حکمت است (۳)

ای مردم! نعمت خدا را بر خودتان
یاد کنید. آیا آفریننده ی است جز
خدا که از زمین و آسمان رزق

الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ
مَثْنَى وَثُلثَ وَرُبْعٍ ۚ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا
يَشَاءُ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ②

مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا
مُمْسِكَ لَهَا ۗ وَمَا يُمْسِكُ ۙ فَلَا يُرْسِلُ لَهُ
مِنْ بَعْدِهِ ۗ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ③

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ ۗ
هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِّنْ

السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ۗ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۗ فَآتِنِي
تُوفِيقُونَ ④

اعطا کند. هیچ معبودی نیست جز او
پس کجا منحرف کرده میشوید (۴)
و اگر تو را رد کنند پس رسولان
پیش از تو نیز رد کرده شدند و همه
امور بسوی خدا بر گردانده شود (۵)

وَإِنْ يَكْذِبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ رُسُلٌ مِّنْ
قَبْلِكَ ۗ وَ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ⑤

ای مردم! یقیناً وعده خدا حق است.
پس زندگی دنیا شمارا نفریبد و
هیچ فریبکار شمارا درباره خدا
گول نزند (۶)

يَأَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا
تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا ۗ وَلَا يَغُرَّنَّكُمْ
بِاللَّهِ الْعُرُورُ ⑥

همانا شیطان دشمن شماست پس
اورادشمن فراگیرید. او فقط دار
و دسته خود را میخواند تا از به
آتش افکنندگان شوند (۷)

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا ۗ
إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ
السَّعِيرِ ⑦

کسانیکه کفر کردند برای آنها عذابی
سخت است و آنانکه ایمان آوردند
و نیکوکاری کردند ایشانرا آمرزش
و پاداشی بسیار بزرگ است (۸)

الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ۗ
وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ
مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ⑧

پس آیا آنکه برایش زشتی عملش
زیبا بنمایش گذارده شود و او
آنرا زیبا بنگرد [فریب خورده تر
از او کسی است.]؟ یقیناً خدا هر که

أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَاهُ حَسَنًا ۗ
فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ
يَشَاءُ ۗ فَلَا تَذْهَبُ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ

را خواهد گمراه میگرداند و هر که
را خواهد هدایت میدهد. پس دل
تو از آنها دریغ داشته از دست
نرود. یقیناً خدا خوب میدانند آنچه
میکند (۹)

و خداست آنکه بادها را فرستاد.
پس آنها بر رابر میدارند. پس آن
رابسوی شهری مرده سوق میدهم
و به [وسیله] آن زمین را پس از
مرگش زنده مینمایم. همینطور
دوباره بر خیزیدن است (۱۰)

هر که خواهان عزت است پس
عزت بتمام از آن خداست. کلمه
پاک بسوی او بالا میرود و نیکو
کاری آن را بیلا میبرد و آنانکه
نیرنگ زنده آنان را عذابی سخت
است و نیرنگ آنها در رود (۱۱) +

و خدا شما را از گل آفرید سپس

++ آیت ۱۱: برخی از مردم نشت و برخاست خود را با کسانی نامور موجب بزرگی
میپندارند. مومنان توصیه کرده میشوند که بزرگی بدست خداست و هر چند مخالفان
در دنیا به تذلیل ایشان تلاش کنند آن ضائع خواهد رفت.

حَسْرَتٍ ۱۰ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ۱۱

وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا
فَسُقْنَهُ إِلَىٰ بَلَدٍ مَّيَّتٍ فَآحِينًا بِهِ
الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۱۰ كَذَلِكَ النُّشُورُ ۱۱

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا ۱۰
إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ
الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ ۱۰ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ
السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ۱۰ وَمَكْرُ
أُولَٰئِكَ هُوَ يُبْوَرُ ۱۱

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ

جَعَلَكُمْ أَرْوَاجًا ۖ وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ
وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ ۗ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ
مُعَمَّرٍ ۖ وَلَا يُنْقِصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي
كِتَابٍ ۗ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿۱۷﴾

از نطفه و از آن پس شما را جفت
های ساخت و هیچ ماده باردار
نمیشود و نه او میزاید مگر بعلم
او و هیچ سالخورده عمر دراز
نمیآید و نه از عمر او کاسته میشود
مگر آن در کتابی است. یقیناً این
بر خدا آسانست (۱۷)

وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ ۗ هَذَا عَذَبٌ فُرَاتٍ
سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ ۖ وَمِنْ
كُلِّ تَاكُونٍ لِحَمَاطٍ رِيًّا ۚ وَتَسْتَخْرِجُونَ
حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا ۚ وَتَرَى الْفَلَكَ فِيهِ
مَوَازِرَ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ ۚ وَلَعَلَّكُمْ
تَشْكُرُونَ ﴿۱۸﴾

و دو دریایکسان نیستند. این آب
شیرین است آشامیدن آن خوش
مزه و گوارا است و آن شور و
تلخ است و از هر کدام گوشت تازه
میخورید و زیوری استخراج می
کنید که آنها را میپوشید و کشتی
ها را مشاهده کنید که شکافنده در
آن حرکت میکنند [این است] تا
از فضل او تلاش کنید و تا باشد که
شما سپاس گذار شوید (۱۸)

يُؤَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ ۗ
وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۗ كُلٌّ يَجْرِي
لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ۗ ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ

شب را بداخل روز میکند و روز
را بداخل شب میکند و خورشید
و ماه را مسخر کرده است. هر یک
بسوی مدت معین خود حرکت می

الْمَلِكُ ۖ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا
يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ ۝۱۹

کند این خداپروردگار شماست.
پادشاهی از آن او است. کسانی را
که جزا و میخوانید مالک پوست
هسته خرما هم نیستند (۱۴)

إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دَعَاءَكُمْ ۖ وَلَوْ
سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ ۖ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ
يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ ۖ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ
خَيْرٍ ۝۲۰

اگر آنها را بخوانید خواندن شما
را گوش نکنند و اگر بشنوند شما
را پاسخ ندهند و روز بازپسین
شرك شمارا انکار کنند و مانند آگاه
کننده ای بزرگ کسی شمارا آگاه
نسازد (۱۵)

الثالثة
ع ۱۴

يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ ۖ وَاللَّهُ
هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ۝۲۱

ای مردم! شما محتاج خدا اید و
خدا است که او بی نیاز صاحب
ستایش است (۱۶)

إِنْ يَشَاءُ يُدْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ۝۲۲
وَمَا ذَلِكُ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ ۝۲۳

اگر بخواهد شما را نابود سازد
و آفرینش نوی پدیدآورد (۱۷)
و این امر بر خدا هرگز دشوار
نیست (۱۸)

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۖ وَإِنْ تَدْعُ
مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ جِهَلًا لَا يُحْمَلُ مِنْهُ شَيْءٌ ۖ وَلَوْ
كَانَ ذَا قُرْبَىٰ ۖ إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ

و هیچ باربرداری بار دیگری را
بدوش نگیرد و اگر سنگین باری
بسوی بار خود بخواند چیزی از
بار او برداشته نشود هر چند از

رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ ۗ وَمَنْ تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ ۗ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ﴿۱۹﴾

خویشان باشد. تو فقط آنها را می ترسانی که از پروردگار خود بنهان می ترسند و نماز را بپای دارند و هر که پاکیزگی اختیار کند برای نفس خود پاکیزگی اختیار کند و بازگشت بسوی خدا است (۱۹)

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ ﴿۲۰﴾
وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ ﴿۲۱﴾
وَلَا الظِّلُّ وَلَا الْحَرُورُ ﴿۲۲﴾

و مساوی نیستند نابینا و بینا (۲۰)
و نه تاریکیها و نه روشنی (۲۱)
و نه سایه و نه آفتاب (۲۲)

وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ ۗ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَنْ يُشَاءُ ۗ وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ ﴿۲۳﴾

و نه زندگان و نه مردگان مساوی اند. یقیناً خدا هر که را بخواهد می شنواند و نیستی تو که بسمع آنان برسانی که در قبرها مستند (۲۳)

إِن أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ ﴿۲۴﴾
إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا ۗ وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ ﴿۲۵﴾

تو فقط يك بيم دهنده هستی (۲۴)
یقیناً ما تو را با حق مژده دهنده و بيم دهنده فرستاده ایم و هیچ امتی نیست مگر حتماً در آن بيم دهنده ی گذشته است (۲۵)

وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۗ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ

و اگر تو را رد کنند پس حتماً رد کرده بودند آنها که قبل از آنها بودند. ایشانرا نیز رسولان ایشان

وَبِالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ ﴿٢٦﴾

بانسانه های روشن و صحیفه ها و

با کتابی تابان آمده بودند (۲۶)

سپس بگرفتیم آنها را که کفر

کردند. پس عقوبتم چقدر سخت

بود (۲۷)

ثُمَّ أَخَذْتُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَكَيْفَ كَانَ

۲۷
۱۵

نَكِيرٌ ﴿٢٧﴾

آیا ندیدی که خداآب را از آسمان

فرومیغریستد. پس بدان میوهها به

رنگهای مختلف بدید میآریم و

بعضی کوهها رگ سفید و بعضی

رگ قرمز اند. رنگ آنها مختلف

است و سیاه رگ هم هستند (۲۸)

و از مردم و جنبنده هاو چهارپایان

نیز بعضی اند که رنگهای آنها

مختلف است. یقیناً از خدا از

بندگانش فقط صاحبان دانش می

ترسند. یقیناً خدا صاحب غلبه کامل

آمرزگار است (۲۹)

یقیناً آنانکه کتاب خدا میخوانند

و نماز را بپای دارند وانفاق

کنند نهان و عیان از آنچه ایشان

را رزق داده ایم امیدوار تجارتی

الْمُتَرَانِ اللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً

فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا

وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُّخْتَلِفٌ

أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ ﴿٢٨﴾

وَمِنَ النَّاسِ وَالْدَّوَابِّ وَالْأَنْعَامِ

مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ

مِنَ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ

غَفُورٌ ﴿٢٩﴾

إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا

الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا

وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ ﴿٣٠﴾

اند که هیچگاه نابود نشود(۳۰)
 تا خدا آنانرا مزدایشان کامل دهد
 و برایشان بفضل خود بیفزاید.
 یقیناً و بسیار آمرزگاری قردان
 است(۳۱)

و آنچه از کتاب بسوی تو وحی
 کرده ایم همان حق است. تصدیق
 کننده آن است که پیشروی آن
 است. یقیناً خدا به بندگان خود
 بسیار آگاه و بینا است(۳۲)

سپس وارث کتاب قراردادیم
 آنانرا که از بندگان خود برگزیدیم
 پس برخی از ایشانند که بر نفس
 خود سختگیرند و برخی از ایشان
 میانه رو اند و برخی از ایشان به
 فرمان خدا در نیکیها سبقت جوینده
 اند. همین است که آن فضل بزرگ
 است(۳۳)++

لِيُؤْفِقَهُمْ أَجْرَهُمْ وَيَزِيدَهُمْ مِنْ
 فَضْلِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٣١﴾

وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ
 الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ
 بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ ﴿٣٢﴾

ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ
 عِبَادِنَا ۗ فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ ۗ وَمِنْهُمْ
 مُّقْتَصِدٌ ۗ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذِنَ
 اللَّهُ ۗ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ﴿٣٣﴾

++ آیت ۳۳: اینجا ذکر از سه نوع مومنان است (۱) الایش گناه دارند و به اگر اه و
 اجبار نفس خود را بر راه خدا میرانند (۲) میانه روها (۳) در نیکیها از مدیگر
 سبقت میجویند.

جَبَّتْ عَدْنٌ يَدْخُلُونَهَا يُجَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ
أَسَاوِرٍ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا
حَرِيرٌ ﴿۲۲﴾

بهشتهای جاودان است که داخل
آنها شوند. در آنها از دستبندهای
طلائی و مروارید آراسته شوند
و لباس ایشان در آنها ابریشمی
باشد (۲۴)

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي آذَهَبَ عَنَّا
الْحَزْنَ ۖ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ ﴿۲۵﴾

وگویندستایش مطلق برای خدا
است که اندوه را از ما دور کرد.
یقیناً پروردگار ما بینهایت آمرزنده
قدردان است (۲۵)

الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمَقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ ۗ لَّا
يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا
لُغُوبٌ ﴿۲۶﴾

آنکه ما را از فضل خود درجای
با مرتبه ویژه فرود آورد. ما را در
آن نه سختی رسد و نه ما را در آن
خستگی رسد (۲۶)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ ۗ لَّا يُقْضَىٰ
عَلَيْهِمْ فِيهَا مَوْتٌ وَأُولَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِنْ
عَذَابِهَا ۗ كَذٰلِكَ نَجْزِي كُلَّ كٰفِرٍ ﴿۲۷﴾

و آنانکه کفر کردند آنها را آتش
جهنم است. نه بر آنها گذرانده شود
تابمیرندونه عذابشان از آنها کاسته
شود. هر یک ناسپاس را اینگونه
پاداش میدمیم (۲۷)

وَهُمْ يَصْطَرِحُونَ فِيهَا ۗ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا
نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ ۗ

و آنها در آن ناله کنند. پروردگارا!
ما را بیرون آر تا نیکوکاری کنیم
غیر از آنچه میکردیم. آیا شما را

چندان عمر نداده بودیم طی آنچه
پند گیرد آنکه پندگیرنده است؟
وهم شمارا بیم دهنده آمده بود. پس
بچشید و ستمکاران را کسی یاور
نیست (۳۸)

یقیناً خدا دانای نهان آسمانها و
زمین است. یقیناً او دانا است به
آنچه در سینه مایست (۳۹)

اوست آنکه شما را در زمین
جانشین قرارداد. پس مرکه انکار
کند انکارش بر خود او است و
کافران را کفرایشان نزد پروردگار
ایشان چیزی نمیفزاید جز خشم
(او) و نه کافران را کفر ایشان

چیزی میفزاید جز خسارت (۴۰)
بگو. آیا آن شریکان خود را دیدید
که جز خدا میخوانید؟ مرا نشان
دهید آنچه در زمین آفریده اند یا
آنها را در آسمانها شراکت است یا
آنها را کتابی داده ایم پس آنها از
روی آن بردلیلی روشن استوار

أَوَلَمْ نَعْمَرْكُمْ مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ
وَجَاءَكُمْ التَّذْوِيرُ^ط فذوقوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ
مِنْ نَّصِيرٍ^ع

۳۸

إِنَّ اللَّهَ عَلِيمُ غَيْبِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ^ط
إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ^ح

هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ^ط
فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ^ط وَلَا يَزِيدُ
الْكَافِرِينَ كُفْرَهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا^ع
وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرَهُمْ إِلَّا
خَسَارًا^ح

قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَ كُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ
مِنْ دُونِ اللَّهِ^ط أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ
الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَوَاتِ^ع أَمْ
آتَيْنَهُمْ كِتَابًا فَهُمْ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْهُ^ع بَلْ إِنْ
يَعِدُ الظَّالِمُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا^ح

اند؟ نه چنین است بلکه بعضی از
ستمکاران ببعضی فقط وعده های
فریبنده میدهند(۴۱)

یقیناً خدا آسمانهاوزمین را نگه
داشته است مبادا بلفزند.اگر هر
دو [یکباره] بلفزنداز آن پس کسی
نیست که آندو را نگهدارد. یقیناً
او بسیار بردبار بسیار آمرزنده
است(۴۲)

وبخدا سوگندهای محکم خوردند
که اگر آنانرا بیم دهنده آیدحتماً
بیشتر از هر یک امت هدایت یابند.
پس چون آنانرا بیم دهنده آمد
آنها را نیفزود مگر نفرت(۴۳)

[بعلت] تکبر و نیرنگ زشت [آنها]
در زمین و نیرنگ زشت فقط
صاحب آنها را احاطه میکند.پس آیا
منتظرند جز سنت پیشینیان[که بر
آنها از جانب خدا اجرا شد]؟ پس هر
گز تو سنت خدا را تغییری نمی
یابی و هرگز سنت خدا را تحولی

إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ
تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ
أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ ۗ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ﴿۴۱﴾

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ
جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنْ
إِحْدَى الْأُمَمِ ۗ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا
زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا ﴿۴۲﴾

اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ ۗ وَلَا
يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئِ إِلَّا بِأَهْلِهِ ۗ فَهَلْ
يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ ۗ فَلَنْ
تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ۗ وَلَنْ تَجِدَ
لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا ﴿۴۳﴾

نمیایی (۴۴)

آیا در زمین نگشتند تا میدیدند که فرجام آنها که پیش از آنها بودند چگونه شد با آنکه آنها سختتر از اینها در نیرو بودند؟ و نیست چیزی در آسمانها و زمین تا او را بجز آرد. یقیناً او صاحب علم دائمی قدرتمند

است (۴۵)

و اگر خدا مردم را مواخذه میکرد به آنچه کسب کردند هیچ جنبنده را بر پشت آن [زمین] باقی نمیگذاشت. اما او آنها را تا نهایت زمانی معین مهلت دهد. پس چون نهایت زمانی آنان پایان رسد [آشکار شود که]

خدا بینندگان خود بینا است (۴۶)

أولم یسیروا فی الأرض فینظروا
کیف کان عاقبة الذین من قبلهم
وكانوا أشد منهم قوة^{۱۷} وما كان الله
لیعجزه من شیء فی السموات ولا فی
الأرض^{۱۸} إنه کان علیمًا قدیداً^{۱۹}

وَلَوْ یُؤَاخِذُ اللهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا
تَرَكَ عَلَى ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَٰكِنْ
یُوَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ فإِذَا جَاءَ
أَجَلُهُمْ فَإِنَّ اللهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِیرًا^{۱۷}

++ آیت ۴۶: در این آیت گناه به انسان نسبت داده شد ولی در نتیجه آن ملاکت جانوران بیان میشود. از این منظور این نیست که گناه یکی کند کیفر دیگری برد. بلکه حقیقت اینست که مرگ جنبندگان بزبان انسان تمام شود زیرا که زندگانی انسان به جانوران وابستگی دارد. اگر جنبندگان از بین روند بقای انسان امکان پذیر نیست. در اینجا منظور از دابة مرنوع جانوری است که بر زمین حرکت کند و حتی به هر طریقی می جنبد.

۳۶-سورة یس

این سوره در مکه نازل آمد و با بسم الله ۸۴ آیه دارد.

در پایان سوره گذشته ذکر از آن قسمنامه کافران بود که اگر ایشانرا هیچ مشداردمنده ای میآمد ایشان بیشتر از همه ملت های پیشین بر هدایت او ایمان میآوردند. در ابتدائی آیتهای سوره یسین خداوند به رسول ﷺ خطاب کرده میفرماید ما تو را بسوی قومی رسالت داده ایم که نزد پدران ایشان از مدت مدیدی هیچ بیم دهنده ای نیآمده بود. اما با این وجود درباره کثیر از ایشان این فرمان خداوند راست آمد که آنها ایمان نخواهند آورد. پس در پایان سوره گذشته بیان از مدعی بودن کافران به این امر که اگر آنان را بیم دهنده ای میآمد آنگاه حتماً آنان ایمان میآوردند رد کرده میشود. سپس تمثیلی از دشمنان انبیاء آورده بیان میشود که حقیقت امر این است که این تکبر ایشان است که آنها را از قبولیت هدایت باز میدارد. آنطور که بگردن کسی طوقی افکنده شود و در نتیجه گردنش کشیده میماند پس گردن يك متکبر نیز مانند اوسفت و کشیده میماند. لذا ایمان فقط آنکس میآورد که درونش خالی از تکبر است.

ذکری که از آیه ۱۴ شروع میشود مفسران درباره اش نظرهای متنوع داده اند. اما تفسیری که حضرت حکیم مولانا نورالدین خلیفه المسيح الاول رضی الله عنه در این باب بیان کرده اند بدل راه مییابد و آن اینست که نخستین دو پیغمبر که حضرت موسی و عیسی علیهما السلام بودند رسول الله ﷺ با تایید آندوی بر ایشان عزت نهادند. اما پس از انکاری پیوسته کافران

شخص چهارمین از قریه ای دور بپا شد و او به کافران متنبه ساخت که آن وجودی بلندترین مرتبت که برای شما بیشمار سامان هدایت مهیا میسازد بی آنکه مزدی بطلبد بر او ایمان آورید.

در زمان نزول قرآن نزد کافران فقط خرما را بصورت نرماده جفتی بود و بخاطر کسی نمیتوانست خطور کند که خدای متعال نه تنها درختان میوه را جفت جفت آفریده است بلکه آیت ۳۷ مدعی است که هرچیزی از کاینات جفت جفت است و علم امروز پرده ای را از همین حقیقت برداشته است که حتی ماده و اتم و ذرات اتم فرعی [sub-atomic] را نیز جفت جفت است. مجعلاً موضوع جفت ها بسیار لامتناهی است و برای پی بردن موضوع توحید فهمیدن این مطلب الزامی است. همان آفریدگار کاینات بی نیاز از جفت است و الا تمامی مخلوق به جفت نیاز دارد.

ضمناً پس از ذکر فوق درآیتی موضوع احیاء نو را بازگو کرده آن مردگان که روز آخرت برانگیخته شوند نشان داده میشوند با این اظهار تعجب که کیست که او مارا دوباره زنده کرده است. در پاسخ این گفته می شود که براستی همگان رسولان خدا راست میگفتند.

آیت ۸۱ حاکی از در آوردن آتش از درختی سرسبز میباشد. مردم می پندارند که چون درخت خشک میگردد فقط آنگاه آتش از آن در می آید. این موضوع هم درجای خود درست است. اما اینهم واقعیت است که از درختانی سرسبز نیز آتش میتوان درآید و اینطور همی شود. لذا به گفته های زبردستان علم نباتات چون برگهای درخت نوع سدر بر اثر بادهای تند بهم دیگر برخورد کنند آنگاه آنها ناشی از تسلسل این عمل آتش میگیرند و جنگل های بزرگ

بر اثر این آتش نابود میشوند.

آخرین آیه این سوره بر ذکر بپاخواستن در روز بازپسین منجر میشود درجه اعلام شده است که هر چیز کاینات را مالک تنها خدا است و ای فرزندان آدم! شما بسوی او بازمیگردید.

☆ سُوْرَةُ یَسٍ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ اَرْبَعٌ وَثَمَانُوْنَ اَيَةٌ وَ خَمْسَةٌ رُكُوْعَاتٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]
بسیاربخشنده بارها رحم کننده (۱)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

یَا سَيِّدَ - ای سردار! (۲)

یَسٍ ②

سوگند به قرآن صاحب حکمت
(۳) ما

وَ الْقُرْآنِ الْحَكِیْمِ ③

یقیناً تواز رسولان هستی (۴)

اِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِیْنَ ④

[استوار] بر صراط مستقیم (۵)

عَلٰی صِرَاطٍ مُّسْتَقِیْمٍ ⑤

[این] تنزیلِ صاحب غلبه کامل
بارها رحم کننده است (۶)

تَنْزِیْلِ الْعَزِیْزِ الرَّحِیْمِ ⑥

تامشدار دمی قومی را که بدران
ایشان هشدار داده نشدند پس آنها
غافل هستند (۷)

لَتُنذِرَ قَوْمًا مَّا اُنذِرَ اَبَاؤُهُمْ فَهُمْ
غَفْلُوْنَ ⑦

یقیناً این فرمان بر بیشتر آنها
راست آمد. پس آنها ایمان نه

لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلٰی اَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا
یُؤْمِنُوْنَ ⑧

آورند(۸)

یقیناً درگردنهای آنها طوقهای افکنده ایم و آنها تاجانه هارسیده است پس آنها سر به بالا نگه داشتگانند(۹)++

و مانعی از پیشروی آنها و مانعی از پشتسر آنها قرار داده ایم. پس آنها راپوشانیده ایم پس آنها نمی بینند(۱۰)++

یکسانست برای ایشان خواه آنها را بترسانی خواه آنها را نترسانی ایمان نیارند(۱۱)

توقف میترسانی آنرا که نصیحت راپیروی کند و از رحمان درغیب میترسد. پس او را مژده آمرزش و پاداش کریمانه بده(۱۲)

یقیناً ما مردگان را زنده نمایم و نوشته داریم آنچه بیش فرستند و

++ ایت ۹-۱۰: ظامرا بر کافران میچ نوع طوق افکنده نمیشود و هم نه همه کافران کور میباشند. لذاحتماً این کلام تمثیلی است و بدین معنای است که طوقهای که بر آنان افکنده اند از نیکیها باز میدارند و آنان فاقد ازبینائی معنوی اند.

إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ ﴿۸﴾

وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ﴿۹﴾

وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۱۰﴾

إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ ﴿۱۱﴾

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ ۚ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي لِقَائِ

إِمَامٍ مُّبِينٍ ۱۴

۱۴
۱۳

هم آثار ایشان را و مرجیز را در
بزرگ راهی آشکار [زیر زمین]
نگه داشته ایم (۱۳)

و ایشانرا مثل اصحاب قریه بیان
کن چون آنها را رسولان [خدا]
آمدند (۱۴)

چون بسوی ایشان دو [رسول]
فرستادیم. پس مردو را رد کردند.
آنگاه آندو را با سوئی تقویت
دادیم پس گفتند یقیناً ما بسوی
شما فرستادگانیم (۱۵)

آنها گفتند: نیستید شما مگر بشری
مانند ما و رحمن چیزی نازل
نکرده است. شما فقط دروغ می
پردازید (۱۶)

گفتند: پروردگار ما میداند که یقیناً
ما بسوی شما فرستادگانیم (۱۷)

نیست بر ما جز ابلاغی آشکار (۱۸)
گفتند: یقیناً ما شمارا بفال بد می
گیریم البته اگر باز نیایستادید
حتماً شمارا سنگسار کنیم و حتماً

وَأَضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ ۱۴
إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ ۱۴

إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا
فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ
مُرْسَلُونَ ۱۵

قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلَنَا وَمَا أَنْزَلَ
الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنَّ أَنْتُمْ إِلَّا
تَكْذِبُونَ ۱۶

قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ ۱۷

وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ۱۸

قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنْتَهُوا
لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُمْ مِنَّا عَذَابٌ
أَلِيمٌ ۱۹

شما را از ما عذابی دردناک
برسد (۱۹)

گفتند: بدشگونی شما با خود شما
است. آیا اگر خوب تذکر داده
شوید [باز هم انکار کنید]؟ امر
واقعی اینست که شما قوم تجاوز
گرانید (۲۰)

و مردی از اقصای شهر سعی کرده
آمد. او گفت: ای قوم من! [این]
فرستادگان را پیروی کنید (۲۱)
ایشان را پیروی کنید که از شما
هیچ مزدی نمیطلبند و ایشان
مدایت یافته هستند (۲۲)

قَالُوا طَآئِرُكُمْ مَّعَكُمْ ۗ أَإِن
ذَكَرْتُمْ ۗ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ﴿۱۹﴾

وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَّسْعَى قَالَ
يَقَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ ﴿۲۰﴾

اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ
مُهْتَدُونَ ﴿۲۱﴾

وچيست مرا كه عبادت نكنم آنرا
 كه مرا آفريد و شما نيز بسوى او
 بازگشت داده شويد (۲۳)

آيا جز او معبودانى بگيرم كه اگر
 رحمن بزيان من قصد كند مرا
 شفاعت آنها هيچ كفايت نكند و نه
 مرا برهانند (۲۴)

يقيناً من در آنصورت فوراً در
 گمراهى آشكار بشوم (۲۵)

يقيناً من به پروردگار شما ايمان
 آورده ام. پس مرا گوش كنيد (۲۶)
 گفته شد داخل بهشت باش. او گفت:
 اى كاشكى قوم من ميدانست (۲۷)
 بدان رفتارآمزش كه پروردگارم
 بمن كرد و مرا از گرامى داشتگان
 قرارداد (۲۸)

و از آن پس لشكري بر قومش از
 آسمان نازل نكرديم و نه ما نازل
 كننده بوديم (۲۹)

آن فقط صدای مولناك بود كه به
 ناگاه آنها فرورده [خاكستر]

وَمَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ
 تُرْجَعُونَ ﴿٢٣﴾

أَتَأْخِذُ مِنْ دُونِ الْهَاءِ إِنْ يُرَدِّ
 الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِي عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ
 شَيْئًا وَلَا يُنْقِذُونِ ﴿٢٤﴾

إِنِّي إِذْ أَنفَىٰ صَلِّ مُبِينٍ ﴿٢٥﴾

إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ ﴿٢٦﴾

قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ ۗ قَالَ يَلَيْتَ قَوْمِي
 يَعْلَمُونَ ﴿٢٧﴾

بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ
 الْمُكْرَمِينَ ﴿٢٨﴾

وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ
 مِنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ ﴿٢٩﴾

إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ
 خُمِدُونَ ﴿٣٠﴾

شدند (۳۰)

وای بر بندگان انبیاید رسولی آنان را مگر که بدو تسخر میکنند (۳۱)
 آیا ندیدند که چه بسا نسلهای از پیش آنها را مَلَک نمودیم که حتماً آنها بسوی آنان باز نمیگردند (۳۲)
 نیست مگر همه در حضور ما احضار

شدگان (۳۳)

و زمین مرده برایشان آیتی است. آنها زنده کردیم و از آن دانه بیرون آوردیم پس از آن می خوردند (۳۴)

و در آن باغهای خرما و انگور نهادیم و در آن چشمه های شگفتیم (۳۵)

تا بخورند از میوه [اعطا کرده] او و آنچه دست های ایشان کسب کرد. پس آیا شکر نمی کنند؟ (۳۶)
 پاکست آنکه آفرید جفت های همه آنها از آنچه زمین میرویانند و از خود ایشان و از آنچه میوه ها که نمی

يَحْسِرَةٌ عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَّبِّكَ
 رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٣١﴾
 أَلَمْ يَرَوْا كَمَا أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿٣٢﴾
 وَإِنْ كُلُّ لَمَّا جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُخْضَرُونَ ﴿٣٣﴾

وَأَيُّ لَّهُمْ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا
 وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ ﴿٣٤﴾

وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ
 وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ ﴿٣٥﴾

لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ
 أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٣٦﴾

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا
 تُوِّبَتْ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا

يَعْلَمُونَ ﴿٣٧﴾

دانند (۳۷)

و شب هم ايشان را آيتى است. روز را از آن برميكشيم. پس ناگاه آنها درتاريخيها فروميروند (۳۸)

هُم مُّظْلَمُونَ ﴿٣٨﴾

و خورشيد بسوى منزلگاه خود حرکت ميكند. اين تقدير [جارى کرده خداى] صاحب غلبه كامل صاحب دانش است (۳۹) ++

وَآيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا

وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ۗ ذَلِكَ

تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿٣٩﴾

و ماه را منازل مقرر کرده ايم تا آن انتها که مانند شاخى کهنه از خرما مى گردد (۴۰) ++

وَالْقَمَرَ قَدَّرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ

كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ ﴿٤٠﴾

خورشيد ران ميشود که به ماه برسد و نه شب را ميشود که از روز پيشى گيرد و هر کدام بر مدار [خود] روان اند (۴۱) ++

لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ

الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ ۗ وَكُلٌّ فِي

فَلَکٍ يَّسْبَحُونَ ﴿٤١﴾

++ آيت ۳۹-۴۱: اين آيتهاى گريه در مورد جرم هاى فلکى حاکی از چنين سخنان است

که آنحضرت ﷺ را از خود حتى تصور نيز ممکن نبود. جريان بهم نرسيدن خورشيد و ماه روزانه مشاهده ميشود اما ماه چرا کوچک ميشود و باز بزرگ ميشود. اين عمل به گردش بستگى دارد. بعلاوه اين سخن گفته ميشود که خورشيد نيز بسوى اجل مسمى حرکت ميكند. اين جمله را يك معنا اينست که يك وقت خورشيد نيز به نهايت زمانى خود رسيده پايان خواهد پذيرفت و يك معنای ديگر که پژوهندگان فلک امروزه مادر آورده اند اينست که خورشيد باجمع جرم هاى خود به يکسو حرکت ميكند [ص ۱۰۶۴

و برای ایشان آیتی است که ما
نواد ایشان را در کشتی پرسوار
کردیم (۴۲)

و برای ایشان مثل آن [دیگر
سواریه]ا پدید آوریم بر آنچه
سوار خواهند شد (۴۳)

و اگر ما غرق آنها بخواهیم پس
برای آنها نه فریاد رسی باشد و نه
آنها نجات داده شوند (۴۴)

جز رحمتی از ما و تا یکوقت برای
بهره کشی موقتی (۴۵)

و چون برای ایشان گفته شود که
تقویٰ فراگیرید در آن امور که پیش
روی شما است و آنچه پشت سر
شماست تا شما رحم کرده شوید
[متوجه نمیشوند] (۴۶)

وَ آيَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِكِ
الْمُسْحُونِ ﴿٤٢﴾

وَ خَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ ﴿٤٣﴾

وَ إِن نَّشَاءُ نُغْرِقُهُمْ فَلَا صَرِيحَ لَهُمْ وَلَا
هُمْ يُنْقَذُونَ ﴿٤٤﴾

إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ ﴿٤٥﴾

وَ إِذِ اقْبَلْ لَهُمْ انْقُؤَا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَ مَا
خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٤٦﴾

بقیه آیت ۳۹-۴۱: یعنی تمامی کاینات بطور مجموع متحرك است و گرنه میبایستی
سیاره ها بهم بخوردند و با آنکه تمامی کاینات حرکت میکند فاصله ها میان جرم های
فلکی تغییر ناپذیر است. این پژوهش تازه ترین از پژوهش های پژوهش گران
فلکیات است از آنچه ضمناً این اثبات میشود که دیگر کایناتی نامشخص نیز است که
این همه از قدرت کشش آن بسوی آن متحرك میباشد.

وایشان را آیتی از آیت‌های پروردگار
ایشان نمی‌آید مگر از آن اعراض
کنندگان میشوند (۴۷)

و هنگامیکه گفته شوند انفاق کنید
از آنچه خدا بشما رزق عطا کرده
است گویند آنانکه کفر کردند به
کسانی که ایمان آوردند آیا آنها را
بخورانیم که اگر خدا دوست داشت
خود به آنها میخوراند (۴۸)

و میگویند که انجام این وعده تا
بچند میکشد اگر شما راستگویان
اید (۴۹)

آنان منتظر نیستند جز برای صدای
هولناک که آنها را بگیرد در حالی
که به مجادله مشغول باشند (۵۰)
پس نتوانند وصیت کنند و نه به
خانواده خود برگردند (۵۱)

و در صور دمیده شود پس ناگاه
آنان از قبرها درآمدند به سوی
پروردگار خود بشتابند (۵۲)

گویند: ای وای بر ما! کیست که

وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا
كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿٤٧﴾

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ
قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْطِعِمُ
مَنْ نُؤْيِسَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا
فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٤٨﴾

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ
صَادِقِينَ ﴿٤٩﴾

مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً
تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ ﴿٥٠﴾

فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَى
أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ ﴿٥١﴾

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ
الْأَجْدَاثِ إِلَى رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ ﴿٥٢﴾

قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا

مارا از آرامگاههای مابرخیزاند.
 همانست به آنچه رحمن وعده داد
 وفرستادگان راست میگفتند (۵۳)
 این فقط صدای هولناک باشد. پس
 بیدرنگ همگان آنها درحضور ما
 عرضه کرده شوند (۵۴)

پس امروز هیچ کس هیچ هم ستم
 کرده نشود و نه عوض داده شوید
 جز آنچه شما میکردید (۵۵)
 یقیناً اهل بهشت امروز از سرگرمی
 های گوناگون لذت برند (۵۶)

ایشان و زوجهای ایشان در سایه
 ما بر تختها تکیه زده باشند (۵۷)

برای ایشان در آن میوهها باشد و
 آنان را باشدمرچه بخوانند (۵۸)
 سلام گفته شود از رب رحیم (۵۹)
 ای مجرمان! امروز جدا شوید (۶۰)
 ای بنی آدم! آیا بشما تاکیداً پند نه
 داده بودیم که شیطان را پرستش

مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ ﴿۵۳﴾

إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ
 جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ ﴿۵۴﴾

فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تَجْرُونَ
 إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۵۵﴾

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ
 فَكِهُونَ ﴿۵۶﴾

هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلِّ عَلَى
 الْأَرَابِكِ مُتَّكُونَ ﴿۵۷﴾

لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مَائِدَعُونَ ﴿۵۸﴾

سَلَّمَ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ ﴿۵۹﴾

وَأَمَّا زُورُ الْيَوْمِ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ ﴿۶۰﴾
 أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ بِنَبِيِّ أَدَمَ أَنْ لَا
 تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ

مَبِينٌ ۱۱

نکنید یقیناً او دشمنی آشکار شما
است (۶۱)

و اینکه مرا عبادت کنید. این راه
راست است (۶۲)

و البته او آفرینشی کثیر از شما
را گمراه ساخت. پس آیا خرد را
بکار نمی بستید؟ (۶۳)

این همان جهنم است که شما وعده
داده میشدید (۶۴)

امروز بداخل آن شوید چه شما
کفر میکردید (۶۵)

امروز بر دمنهای آنها مهربیم و
دست های آنها با تکلم کنندو پاهای
آنها گواهی دهند بدانچه کسب می
کردند (۶۶) ++

وَأَنْ اَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ۱۲

وَلَقَدْ اَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا اَفَلَمْ
تَكُونُوا تَعْقِلُونَ ۱۳

هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ۱۴

اِصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ۱۵

الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى افْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا

اَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ اَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا

يَكْسِبُونَ ۱۶

++ ایت ۶۶: توضیح انسان که روز قیامت خواسته شود آن تنها بروفق گواهی فرشتگان
نیباشد بلکه اعضای بدن انسان خود اقرارگنمان خود خواهند کرد. در این جمله.
پاسخ به سوالی مبنی بر خیال شاعرانه غالب نیز داده میشود. او گفته بود که ما
بناحق مبنی بر نوشته های فرشتگان بما واخذه گرفته شویم آیا هنگام نوشتن ایشان
کسی از جانب ما هم حضور داشت؟ خلاصه در آنروز آدمی از خود بمعاصی خود
اقرار خواهد کرد. نظام قرآن مجید بر عدالت مندی استوار است. آنروز هم گواهی ما
و هم اقرار گنمان بهم حاضر خواهد بود.

و اگر خواسته بودیم چشمان آنها را مسخ میکردیم. آنگاه آنها به راه پیش می افتادند اما [راه را] چطور میدیدند؟ (۶۷)

و اگر ما میخواستیم آنها را در منازل خود از بین میبردیم. پس نمی توانستند راه بروند و نه باز می گشتند (۶۸)

و آنکس که او را طول عمر دهیم در خلقت او را کاهش میدیم. پس آیا عقل نمی کنند؟ (۶۹)

و او را شعر نیاموختیم و نه این برای او می شایست. این فقط بندی و قرآنی آشکار است (۷۰) تا بترساند آنها که زنده است و فرمان بر کافران راست آید (۷۱) آیا ندیدند که ما از آنها که دست قدرت ماساخت برای ایشان چهار پایان آفریدیم. پس ایشان مالک آنها شده اند (۷۲)

و آنها را برای ایشان رام نمودیم

وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَلَّىٰ يَبْصُرُونَ ﴿٦٧﴾

وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَىٰ مَكَاتَتِهِمْ فَمَا اسْتَبَاقُوا صُبْحًا وَلَا يُرْجِعُونَ ﴿٦٨﴾

وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ ۗ أَفَلَا يَعْقِلُونَ ﴿٦٩﴾

وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ ۗ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ ﴿٧٠﴾

لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٧١﴾

أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِيئَانَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَلَكَونَ ﴿٧٢﴾

وَدَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا

يَا كُفْرًا ۷۳

پس بعضی از آنها سواری ایشان اند

و از آنها [بعض را] میخورند (۷۳)

و ایشان را در آنها منافع و نوشیدنی ها است. پس آیا شکر

نمیکنند؟ (۷۴)

و خدا را رها کرده معبودان گرفته

اند تا آنها یاری داده شوند (۷۵)

آنها نتوانند آنان را یاری دهند

در حالیکه آنها برای [گواهی

دادن خلاف] آنان لشکری احضار

شدگانند (۷۶)

پس سخن آنها تو را اندوهگین

نسازد. یقیناً ما میدانیم آنچه پنهان

کند و آنچه عیان کنند (۷۷)

آیا انسان ندید که ما او را از

نطفه ای آفریدیم؟ آنگاه چه

انقلاب! که او ستیزه گری آشکار

شد؟ (۷۸)

و برای ما مثلهای زد و خلقت

خود را فراموش ساخت. گفت کی

استخوانها را زنده کند حالیکه

وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبٌ أَفَلَا

يَشْكُرُونَ ۷۴

وَاتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَّعَلَّهُمْ

يُنصِرُونَ ۷۵

لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ

جُنُودٌ مَّحْضَرُونَ ۷۶

فَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا

يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ۷۷

أَوَلَمْ يَرِ الْإِنْسَانَ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِن نُّطْفَةٍ

فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ ۷۸

وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ ۗ قَالَ

مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ ۷۹

آنها پوسیده شوند(۷۹)

بگوزنده کند آنها را آنکه آفرید
آنها رانخت بار و او بهر کدام

آفرینش خوب دانا است(۸۰)

آنکه برای شما از درخت سبز
آتشی ساخت. پس شما از آنها بعض

را به سوزاندن گرفتید(۸۱)

آیا آنکه آسمانها و زمین را آفرید
براین قادر نیست که مانند آنها

بیافرینند؟ چرا نه درحالیکه او
آفریننده بزرگ صاحب علم دائمی

است(۸۲)

فرمان او فقط اینست هرگاه
چیزی را اراده کند که برایش

میگوید. باش. پس آن رونهد و منتها
میشود(۸۳)

پس پاك است آنکه پادشاهی هر
چیز بدست اوست و بسوی او باز

گردانیده خواهید شد(۸۴)

قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ ۖ
وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ ﴿٨٠﴾

الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ
نَارًا ۖ فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقَدُونَ ﴿٨١﴾

أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
بِقَدِيرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ ۗ بَلَىٰ ۗ
وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ﴿٨٢﴾

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ
كُنْ فَيَكُونُ ﴿٨٣﴾

فَسَبِّحْ لِلَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ
وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٤﴾

۳۷ - سورة الصفات

این سوره درمکه نازل آمد و با بسم الله ۱۸۲ آیت دارد.

قبل از آنکه شرح به آیت‌های ابتدائی سوره الصفات داده شود این امر لازم به تذکر است که اینجامده ترین موضوع این است : گامیکه این پیش گوئیه‌پایان بپذیرد لازماً اینهم اثبات شود که احیاء نوینی که به آن اعلام باقوت کمیشود هم صورت وقوع حاصل خواهد کرد. چنانکه در آیت ۱۲ خداوند می فرماید. بپرس از اینها که آیا شما درتخلیق خود محکم تراید یا آنچه ما را که خدا خلقت اعطاء کرده است؟ پس از این مسئلت برای کافران مبهوت کننده تر این اعلام است که خدای سبحان بحیثیت خالق بالاتر از نیروهای تخلیق شما است و قدرتمند است به این امر که چون شما مردگان خاک شوید مجدداً شمارا زنده نماید و همزمان این هشدار نیز صدور یافت که چون شما مجدداً زنده کرده شوید آنگاه زبون نیز ساخته خواهید شد. بعبارت دیگر کسانی که منیع بودن تخلیق خود مدعی بودند بر آنها اثبات گردد که تخلیق آنان که با هیچ هم حیثیت نیست و اشدّ خلقتاً یعنی محکم تر در آفرینش تنها ذات خدای متعال است.

اینک ما توجه را به آیت‌های ابتدائی این سوره جلب مینمائیم. کلمات "والصفات صفاً" در حقیقت دال بر آگاهی آن هواپیماهاست که انسان بسازد و آنها صاف به صف بر دشمنان حمله کنند و بسیار هشدار داده و جزوه های کثیر بر آنان بیافکنند که گردنها بنهید و گرنه نابود کرده میشوید.

سپس خدای متعال میفرماید که اینها را چه حیثیت است که بر پایه طاق

ظاهری خود مدعی خدا بودن خود شده اند. خدا فقط، خدای یکتا است. سپس فرمود که او پروردگار شرقها است. این آیت نیز دال بر یک پیشگوئی است و الا در آن زمان هیچکس بیش از یک شرق به تصور "شرقها" قائل نبود که در زمان کنونی پیداشده است. این کنایه ای به آن روزگار است که انسان بوسیله آن ایجادات جدید و گوناگون که دارای نیروی پرواز فوق العاده بلندتر بعنوان مثال موشک های اکتشافی، تلاش خواهد کرد که رازهای ملاء اعلی را معلوم کند. چنانکه در زمان کنونی تلاشها جریان دارد. ولی از هر سو بر آنها سنگها پرتاب شود یعنی مورد هدف نشانه احجار سماوی پرخطر قرار گرفته شوند و جز بدست آوردن کمی از رازهای آسمان نزدیک، هیچ هم موفق نشوند. اینهمه آن امور اند که بر آنها تحولات زمان و ایجادات جدید گواه است که عیناً به گفته فوق واقعیت عینی حاصل کرده اند.

در ابتدای این سوره چه ذکر از آن جنگها است که بدنبال فتوحات مادی میان قوما واقع شود لذا اینجا ذکر از قتال رسول الله ﷺ نیز می رود که خالصاً در راه خدا بود و در حین آن شمشیر به هدف ریختن خون دیگران کشیده نشده بود بلکه جماعت اصحاب را مانند قربانیها بکشتن دادن بود و این عمل بستگی به آن قربانی حضرت ابراهیم علیه السلام داشت که ایشان به قربانی پسر خود حضرت اسماعیل علیه السلام آماده شده بودند. این خیال مفسران که میشی در بته ای گیر افتاده بموض قربانی حضرت اسماعیل رها شده بود در نهایت بی اساس است که ذکرش نه در قرآن است و نه در حدیث. میشی در مقابل حضرت اسماعیل چطور بزرگتر توان باشد؟ حضرت اسماعیل بدان علت زنده نگهداشته شدند تا دنیا آن منظره ذبح عظیم را مشاهده کند که قرار بود که در

زمان رسول الله ﷺ بحق خواهد رسید.

از نسبت سوره الصفات تاجائیکه قبل از این ذکر از بسیار حمله های صف بسته رفته است قرآن مجید در پایان این سوره بیان می فرماید که در حقیقت صف بسته که لشکرهای ما است. در این سوره هم ذکر از لشکرهای صف بسته رسول الله ﷺ می رود و هم ذکر از لشکرهای صف به صف آن فرشتگان میشود که در حمایت رسول الله ﷺ از آسمان فرو فرستاده شدند. در بادی نظر این قتال کنندگان صف به صف ناتوان و بعکس دشمن ایشان بسیار نیرومند بود و باید شکست می خوردند، اما تقدیر خدائی برتر آمد و خدا و خدا داران برتر شدند.

☆ سُوْرَةُ الصَّفَاتِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ مِائَةٌ وَثَلَاثٌ وَثَمَانُونَ آيَةً وَخَمْسَةٌ رُكُوعَاتٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ① بِحَمْدِ بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بسیاربخشنده بارهارحم کننده (۱)

سوگندبه [ارتش] صف بندی کنندگان

وَالصَّفَاتِ صَفًّا ②

صف درصف (۲)

پس به آنانکه بیانگ بلند سرزنش

فَالرُّجْرَاتِ زَجْرًا ③

کنند (۳)

پس ذکر بلند کنندگان را (۴)

فَالْتَلَيْتِ ذِكْرًا ④

یقیناً معبود شما حتماً یکتا است (۵)

إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ ⑤

پروردگار آسمانهاست و پرورد-

رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

گار زمین است و هم آنچه را که

وَرَبُّ الْمَشَارِقِ ⑥

میان آندواست و پروردگار مشرقها

است (۶)

یقیناً ما آسمان نزدیک را با

إِنَّا زَيْنًا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ

زینت ستارگان مزین ساخته

الْكَوَاكِبِ ⑦

ایم (۷) ++

و[این] از هر کدام شیطانی رانده

وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ ⑧

حفاظت است (۸) ++

آیات ۷-۸: این آیات حاکی از نظام ظاهری کاینات است که چگونه جو [ص# ۱۰۷۵]

آنان نتوانند سخن ملاءاعلی را
 بشنوند و از هر سو سنگ پرتاب
 شوند— (۹)

لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى
 وَيُقَذَّفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ ۝۹

مردود شمرده و آنها را عذابی
 پیوسته است (۱۰)
 مگر آنکس که يك یا دو سخن
 بر باید آنگاه شعله فروزان او را
 هم دنبال کند (۱۱)

دُحُورًا وَأُولَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ ۝۱۰
 إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ
 شَهَابٌ ثَاقِبٌ ۝۱۱

پس بپرس از آنها آیا آنها محکتر
 در آفریدن اند یا آنها [محکتر در
 آفرینش اند] که ما آفریدیم؟ یقیناً

فَأَسْتَفْتِيهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَنِ خَلَقْنَا
 إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَّازِبٍ ۝۱۲

بقیه آیات ۷-۸: زمین شهب ثاقب پیایی سقوط کننده بسوی زمین را همان در جو
 سوزانده خاکستر میسازد و دنبال این تا دورشعله ای گشان گشان دیده میشود.
 ضمناً اینهم گفته شد که انسان در زمانی تلاش خواهد کرد که اخبار کاینات را بدست
 آورد از آنچه در زمان نزول قرآن که گمانی هم نمیتوان بخاطر کسی خطور کرد.
 اما بسوی سواران موشکهای محفوظ از هر سو سنگها پرتاب کرده خواهد شد و آنها
 نتوانند بالاتر از این سماءالدنیا بیروند. آنها موفق به رسیدن فقط تا حد این آسمان
 نزدیکی بشوند.

بطور روحانی منظور از این آن شیطانها در قالب انسان اند که از سوء نیت وحی
 را کنجکاوی کننده و حدس زننده اند. شیطان نمیتواند نزدیک به نزول وحی
 برود اما شیطان انسانی همچون سامری توانست تا حدی حدس زند که چرا مردم
 بعلمت وحی مرعوب میشوند.

ما آنها را از گلی چسبنده آفریده
ایم (۱۲)

در حقیقت تورا [آفرینش] خوشایند
است و آنها تمسخر میکنند (۱۳)
و هنگامیکه بند کرده شوند بند
نمی گیرند (۱۴)

و چون آیتی را ببینند تمسخر
میکنند (۱۵)

و گویند، اینکه محض جادویی
آشکار است (۱۶)

آیا وقتی مردمی و خاک و استخوان
شدیم آیا واقعا ما برخیزانندگان
ایم (۱۷)

و آیام پدران پیشین ما؟ (۱۸)
بگو: بلی، در حالیکه شما خوار
شدگانید (۱۹)

پس آن فقط يك سرزنی است
که ناگهان آنها چشم دوخته
خواهند نگریست (۲۰)

و گویند: وای بر ما! اینکه روز
جزاء است (۲۱)

بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ ﴿۱۲﴾

وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ ﴿۱۳﴾

وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ ﴿۱۴﴾

وَقَالُوا إِن هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿۱۵﴾

إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا إِنْ أُنَّا
لَمَبْعُوثُونَ ﴿۱۶﴾

أَوِ آبَاءُ نَا أَلَّا وُلُونًا ﴿۱۷﴾

قُلْ نَعْمُ وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ ﴿۱۸﴾

فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ
يَنْظُرُونَ ﴿۱۹﴾

وَقَالُوا لَوْلَا يُبَلِّغُنَا هَذَا يَوْمَ الدِّينِ ﴿۲۰﴾

این آن روز فیصله است که به آن
شما تکذیب میکردید (۲۲)

محشور کنید کسانیرا که ستم کرده
بودند و همراهان آنانرا و آنچه
را که پرستش میکردند (۲۳)

دون از خدا. پس آنها را بسوی
راه جهنم بیفکنید (۲۴)
آنها را نگهدارید. یقیناً آنها پرش
شدگانند (۲۵)

شمارا چیست که [امروز] بهمدیگر
کمک نمیکنید؟ (۲۶)
بلکه آنها امروز [هرجرم را] تسلیم
کنندگانند (۲۷)

وبعضی از آنها بسوی بعضی سوال
کنان متوجه شوند (۲۸)
گویند: شما بودید که نزدما ازست
راست ما [برای فریبکاری از جهت
دین] میآمدید (۲۹)

باسخ دهند بلکه شما هم از مومنان
نبودید (۳۰)
مارا بر شما از دلیل برتری نبود بلکه

هَذَا يَوْمَ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ
تُكَذِّبُونَ ۗ

أَحْشُرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ
وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ ۗ

مِنْ دُونِ اللَّهِ فَأَهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ
الْجَحِيمِ ۗ

وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ ۗ
مَا لَكُمْ لَا تَنصُرُونَ ۗ

بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ ۗ

وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ۗ

قَالُوا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ ۗ

قَالُوا بَلْ لَمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ۗ

وَمَا كَانُوا لَنَا عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَنِ ۗ

بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا طَٰغِيْنَ ﴿۳۱﴾

شما خود قوم سرکشان بودید (۳۱)

فَحَقِّ عَلَيْنَا قَوْلَ رَبِّنَا ۗ اِنَّ لَذَآئِقُوْنَ ﴿۳۲﴾

پس سخن پروردگار ما بر ما راست آمد. یقیناً ما چشندگان [طعم عذاب]

هستیم (۳۲)

فَاَعْوَيْكُمْ ۗ اِنَّا كُنَّا غَوِيْنَ ﴿۳۳﴾

پس ما شمارا گمراه کردیم - یقیناً ما خود نیز گمراه بودیم (۳۳)

فَاِنَّهُمْ يَوْمَ يُؤْمَدُ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُوْنَ ﴿۳۴﴾

پس در آنروز آنها در عذاب بهم شریک باشند (۳۴)

اِنَّا كَذٰلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِيْنَ ﴿۳۵﴾

همانا ما بجرمان همینطور رفتار می کنیم (۳۵)

اِنَّهُمْ كَانُوْۤا اِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ ۙ يَسْتَكْبِرُوْنَ ﴿۳۶﴾

یقیناً آنها بودند هنگامیکه گفته می شدند که جز خدا کسی معبود نیست تکبر میکردند (۳۶)

وَيَقُوْلُوْنَ اِبْتَالًا تَارِكُوْا الْهِتٰنَ لِشَاعِرٍ مَّجْنُوْنٍ ﴿۳۷﴾

و میگفتند: آیا ما بخاطر شاعری مجنون معبودان خود را ترك کنیم؟ (۳۷)

بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِيْنَ ﴿۳۸﴾

حقیقت اینست که او بحق آمده بود و همه رسولانرا تصدیق کرده بود (۳۸)

اِنَّكُمْ لَذَآئِقُو الْعَذَابِ الْاَلِيْمِ ﴿۳۹﴾

همانا شما حتماً چشندگان عذاب درد ناک هستید (۳۹)

و یاداش داده نمیشود جز آنچه

شما میکردید (۴۰)

بندگان مخلص خدا استثنائی

اند (۴۱)

همانند که برای ایشان رزقی

مشخص است (۴۲)

میوهها [متنوع] حالی که ایشان

بسیار احترام کرده شوند (۴۳)

درباغهای پر نعمتها (۴۴)

روبروی همدیگر بر تختها

نشسته (۴۵)

جامی پر آب از چشمه های جاری بر

ایشان بگردش آورده شود (۴۶)

در نهایت شفاف نوشندگان را

سراسر لذت (۴۷)

نه در آن [مشروب] نشسته باشد و نه

آنان از آن عقل رازایل کنند (۴۸)

و نزد آنان زنان چشمان فرومشته،

حدقه فراخ و زیبا باشند (۴۹) ++

[بسیار درخشان] گویی آنها تخم های

ماکیانند فرو پوشیده (۵۰) ++

وَمَا تَجْرُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۴۰﴾

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ ﴿۴۱﴾

أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ ﴿۴۲﴾

فَوَاكِهَ ۚ وَهُمْ مُكْرَمُونَ ﴿۴۳﴾

فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿۴۴﴾

عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ ﴿۴۵﴾

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِّنْ مَّعِينٍ ﴿۴۶﴾

بَيِّضَاءَ لَدَدَةٍ لِّلشَّرِبِ ۖ إِنَّ ۙ

لَا فِيهَا عُوقُولٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يَنْزِفُونَ ﴿۴۸﴾

وَعِنْدَهُمْ قُصِرَاتُ الظَّرْفِ عِينٌ ﴿۴۹﴾

كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَّكْنُونٌ ﴿۵۰﴾

پس بعضی از آنها بیعضی سوال

کنان متوجه شوند(۵۱)

گوینده از آنها گوید: برآستی مرا

همدمی میبود.(۵۲)

میگفت: آیاتو از تصدیق کنندگان

این [امر] هستی؟(۵۳)

آیا چون مرده و خاک و

استخوان شویم حتماً عوض داده

شویم(۵۴)

[گوینده] گوید آیا مینگری؟(۵۵)

پس او با دقت نگاه کرد که او را

درست در وسط جهنم یافت(۵۶)

گفت: سوگند به خدا نزدیک بود

مرانیز هلاک میکرد(۵۷)

و اگر نعمت پروردگرم نبود حتماً

از جمله احضارشدگان بودم(۵۸)

پس آیاما میرندگان نبودیم؟(۵۹)

جز نخستین مرگ ما و مرگ عذاب

++ آیات ۵۰-۵۱: این تمثیلات است و گرنه حوران را تخم های ماکیان فروپوشیده

گفتن هیچ معنای نمیبیرد از جز اینکه زوجهای روحانی ایشان نیز مانند تخم های

ماکیان باطناً پاکیزه و شفاف خواهند بود.

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٥١﴾

قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ ﴿٥٢﴾

يَقُولُ أَتَيْتُكَ لِمَنِ الْمُصَدِّقِينَ ﴿٥٣﴾

إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَدِينُونَ ﴿٥٤﴾

قَالَ هَلْ أَنْتُمْ مُّظْلِعُونَ ﴿٥٥﴾

فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاءٍ الْجَحِيمِ ﴿٥٦﴾

قَالَ تَاللَّهِ إِنْ كِدْتَ لَتُرْدِينَ ﴿٥٧﴾

وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنْتَ مِنَ

الْمُخْضَرِّينَ ﴿٥٨﴾

أَفَمَنْ أَحْسَنُ بِمِيتَتَيْهِ ﴿٥٩﴾

إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَىٰ وَمَنْ أَحْسَنُ

بِمَعْدِيَيْنَ ﴿۱۰﴾

داده نشویم (۶۰)

إِنَّ هَذَا هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿۱۱﴾

یقیناً این موافقت بزرگی است

[برای آنکه ایمان آورد] (۶۱)

لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَمَلُونَ ﴿۱۲﴾

بس باید عملکنندگان برای [حصول

رتبه] مثل این عمل کنند (۶۲)

أَذَلِكَ خَيْرٌ تُرْزِلَا أَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّومِ ﴿۱۳﴾

آیا این پذیرائی نیکوتر است یا

درخت زقوم؟ (۶۳)

إِنَّا جَعَلْنَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ ﴿۱۴﴾

یقیناً این را برای ستمکاران آزمایش

قرار داده ایم (۶۴)

إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ

البته این درختی است که در قعر

جهنم میروید (۶۵)

الْجَحِيمِ ﴿۱۵﴾

شکوفه هایش همانند سرهای شیطان

ها است (۶۶)

طَلَعَهَا كَأَنَّه رُءُوسُ الشَّيْطَانِ ﴿۱۶﴾

پس مرآینه آنها از آن خورندگان

اند باز شکمها را از همان پر

کنندگان اند (۶۷)

فَأِنَّهُمْ لَا كَلُونَ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ

مِنْهَا الْبُطُونَ ﴿۱۷﴾

سپس یقیناً ایشان را برآن [طعام]

نوشابه آمیخته به آب جوش

است (۶۸)

تُمْ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهِا شَوْبًا مِّنْ حَمِيمٍ ﴿۱۸﴾

سپس یقیناً بازگشت ایشان

بسوی جهنم است (۶۹)

تُمْ إِنَّ مَرَجِعَهُمْ لِأِلَى الْجَحِيمِ ﴿۱۹﴾

إِنَّهُمْ أَلْفُوا أَبَاءَهُمْ ضَالِّينَ ﴿۷۰﴾

یقیناً آنها پدران خویش را گمراه یافته بودند (۷۰)

فَهُمْ عَلَىٰ أَثَرِهِمْ يَهْرَعُونَ ﴿۷۱﴾

پس آنها بر نقش پای آنهایی دوامده میشوند (۷۱)

وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ ﴿۷۲﴾

ویقیناً پیش از آنها اکثر پیشینان نیز گمراه شده بودند (۷۲)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُنْذِرِينَ ﴿۷۳﴾

ویقیناً در آنها بیم دهندگان فرستاده بودیم (۷۳)

فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذِرِينَ ﴿۷۴﴾

پس بنگر فرجام بیم دادگان چه طور بود؟ (۷۴)

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ ﴿۷۵﴾

مگر بندگان مخلص خدا (۷۵)

وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ ﴿۷۶﴾

و یقیناً نوح بما ندا کرد. پس ما چه خوب اجابت کننده ایم (۷۶)

وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ

و او و خانواده اش را از آشفته‌گی بزرگ نجات دادیم (۷۷)

الْعَظِيمِ ﴿۷۷﴾

و همان نژاد او را باقیمانندگان قرار دادیم (۷۸)

وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ ﴿۷۸﴾

و یادباد نیکوی او را درآیندگان باقی گذاردیم (۷۹)

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿۷۹﴾

درود بر نوح در همه جهانها (۸۰) و یقیناً ما پاداش نیکوکاران همین

سَلَّمَ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ ﴿۸۰﴾

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿۸۱﴾

گونه میدهم (۸۱)

یقیناً او از بندگان مومن ما بود (۸۲)

سپس دیگرانرا غرق کردیم (۸۳)
و یقیناً از گروهش ابراهیم نیز بود (۸۴)

[یادکن] چون او نزد پروردگار خود بقلب سلیم آمد (۸۵)

چون او به پدرش وقوش گفت، چیست را پرستش میکنید؟ (۸۶)
آیا جز خدا معبودانی سراپادروغین را دوستدارید؟ (۸۷)

پس چه گمان به پروردگار جهانها کرده اید (۸۸) ++

پس او نگاهی به ستارگان انداخت (۸۹) ++

پس گفت: یقیناً من بیزارم (۹۰) ++
پس از او اعراض کنان پشت کرده رفتند (۹۱) ++

پس بنهانی بسوی معبودان آنها رفت و پرسید آیا نمیخورید؟ (۹۲) ++

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿۸۱﴾

ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ ﴿۸۳﴾

وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِابْرَاهِيمَ ﴿۸۴﴾

إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿۸۵﴾

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ ﴿۸۶﴾

أَبِفَكَ الْهِتَاءُ دُونَ اللَّهِ تَرِيدُونَ ﴿۸۷﴾

فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۸۸﴾

فَنظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ ﴿۸۹﴾

فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ ﴿۹۰﴾

فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ ﴿۹۱﴾

فَرَاغَ إِلَى إِلَهِتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ﴿۹۲﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مَا لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ ﴿۱۳﴾

چيست شما را كه به نطق نمى
آييد؟ (۹۲)

فَرَأَعْلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ ﴿۱۴﴾

پس بدست راست ضربه بزور
نواخته بر آنها قصد مخفى كرد (۹۴)

فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزْفُونَ ﴿۱۵﴾

پس آنها [قومش] دوندگان بسوى
او آمدند (۹۵)

قَالَ اتَّعَبِدُونِ مَا تَنْحِتُونَ ﴿۱۶﴾

او گفت: آيا مپرسستيد آنچه را بدست
[خود] ميتراشيد (۹۶)

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ ﴿۱۷﴾

در حاليكه خدا آفريد شمارا و هم
آنچه را كه مىسازيد (۹۷)

قَالُوا ابْنُوا لَهُ بُيُوتًا فَأَنْقُوهُ فِي

گفتند: جاى [آتش] برايش بنا كنيد.
پس او را در آتش بيفكنيد (۹۸)

الْجَحِيمِ ﴿۱۸﴾

پس بدو درصدد نيرنگ [ظالمانه]
شدند پس آنها را بست شدگان
نموديم (۹۹)

فَارَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ ﴿۱۹﴾

واو گفت: يقيناً من بسوى پروردگار
خود رونده ام، حتماً او مرارهنمائى

وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهْدِينِ ﴿۲۰﴾

كند (۱۰۰)

++ آیات ۸۸-۹۲: اينجا سقيم بمعناى بيمار نيست والاپس از اين گفتار انجام دادن كارى سنگين همچون شكستن بتان براى مريضى ممكن نبود. سقيم را معنا بيزار نيز است. پس حضرت ابراهيم گفتند، من از شما و بتان شما بيزارم و به شكستن بتان قصد كردند.

رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿۱۰۱﴾

پروردگارم! مرا [وارث] از نیکو کاران عطاکن (۱۰۱)

فَبَشِّرْهُ بِخُلُوفٍ حَلِيبٍ ﴿۱۰۲﴾

پس او را مژدهٔ پسری بردبار دادیم (۱۰۲)

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَبْنَؤُا اِنِّى اَرَى فِى الْمَنَامِ اَنِّى اَذْبَحُكَ فَاَنْظُرْ مَا ذَاتَرى قَالَ يَا بَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِى اِنْ شَاءَ اللّٰهُ مِنَ الصَّٰرِىۡنَ ﴿۱۰۳﴾

پس چون وی با او به [سن] سعى و کار رسید گفت، ای پسر دلبندم! یقیناً من در خواب دیده ام که ترا ذبح میکنم. پس فکر کن چه نظر داری. او گفت: ای پدرم! آنچه امر شدی انجام بده. حتماً مرا اگر خدا خواهد از صبرکنندگان مییابی (۱۰۳) ++

فَلَمَّا اَسْلَمَا وَ تَلَّهٗ لِجَبِیۡنَ ﴿۱۰۴﴾

پس چون هر دوی تسلیم [رضا] شدند و او را روی پیشانی انداخت (۱۰۴)

++ آیت ۱۰۳: در اینجا سخن از آمادگی حضرت ابراهیم برای ذبح کردن فرزند خود حضرت اسماعیل به صوری، گفته میشود. حضرت ابراهیم خوابی نه فقط یکبار بلکه بارها میدیدند که ایشان فرزند خود را ذبح میکنند. اما با این وجود که معنای ذبح ظاهری بخاطر ایشان خطور کرد باز هم ایشان لب بگرفتن جان فرزند خود نگشودند تا آنگاه که او به رضایت خود اظهار آمادگی نکرد. بطوریکه در کلمات "فلما بلغ مع السعی" ذکر است که چون به سن سعى و کار خود رسید و به انجام کارهای طاقت فرسا پرداخت. اما تعبیر این خواب این بود که وی در دشتی خشکزار رها کرده شود. پس خدا ایشان را بعمل آوردن این خواب به صور، بازداشت و منتها مطلع ساخت که تو این خواب را از پیش تکمیل کرده ای.

در عین حال او را ندا کردیم. ای
ابراهیم! (۱۰۵)

رویای خویش را راست آوردی
یقیناً نیکوکاران را ما اینطور مزد
میدهیم (۱۰۶)

یقیناً این آزمایشی آشکار
است (۱۰۷)

پس او را بعموض ذبح عظیمی
حفظ نمودیم (۱۰۸) ++

و یادباد نیکوی او را در آیندگان
باقی گذاشتیم (۱۰۹)

دروود بر ابراهیم (۱۱۰)
محسنان را پاداش اینطور می
دهیم (۱۱۱)

یقیناً او از بندگان مومن ما
بود (۱۱۲)

و او را برای اسحاق [بطور]
پیغمبر نوید دادیم که از شایسته
کاران بود (۱۱۳)

وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا اِبْرَاهِيمُ ﴿۱۰۵﴾

قَدْ صَدَقْتَ الرَّءْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي
الْمُحْسِنِينَ ﴿۱۰۶﴾

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ ﴿۱۰۷﴾

وَقَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ ﴿۱۰۸﴾

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿۱۰۹﴾

سَلَّمَ عَلَيَّ اِبْرَاهِيمَ ﴿۱۱۰﴾

كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿۱۱۱﴾

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۱۲﴾

وَبَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ ﴿۱۱۳﴾

++ آیت ۱۰۸: مقصود ذبح عظیم آنحضرت ﷺ اند که بیشتر از همه انبیاء فداکاری

کردند و ظهور ایشان متکی بر نجات حضرت اسماعیل علیه السلام بود.

و بر او و بر اسحاق برکت
 نهادیم و از نژاد آندو هم نیکی
 کنندگان بودند و هم بر نفس خود
 آشکارا ستمکاران بودند (۱۱۴)

وَبَرَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰ اسْحَقَ ۖ وَمِنْ
 ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ ۖ وَظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ
 مُبِينٌ ﴿١١٤﴾

۲۳۹
۷

و یقیناً بر موسی و هارون منت
 نهادیم (۱۱۵)

وَلَقَدْ مَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿١١٥﴾

و آندو و قوم آندو را از اندوهی
 بزرگ نجات دادیم (۱۱۶)

وَنَجَّيْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكُرْبِ
 الْعَظِيمِ ﴿١١٦﴾

و ایشان را یاری دادیم و ایشان
 غالب آیندگان شدند (۱۱۷)

وَنَصَرْنَهُمْ فَاكْتَوَاهُمْ الْعَلِيِّنَ ﴿١١٧﴾

و آندو را کتابی روشنی بخش
 دادیم (۱۱۸)

وَأَتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ ﴿١١٨﴾

و آندو را براه راست هدایت
 نمودیم (۱۱۹)

وَهَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿١١٩﴾

و یادباد نیکوی آندو را در
 آیندگان باقی گذاردیم (۱۲۰)

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْأَخْرَبِ ﴿١٢٠﴾

درود بر موسی و هارون (۱۲۱)
 یقیناً ما پاداش نیکوکاران همین
 طور میدهیم (۱۲۲)

سَلَّمَ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿١٢١﴾

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٢٢﴾

یقیناً آندوی از بندگان مومن ما
 بودند (۱۲۳)

إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٢٣﴾

وَإِنَّ الْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٢٣﴾

یقیناً الیاس نیز از رسولان بود (۱۲۴)

إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٢٥﴾

هنگامیکه به قوم خود گفت: آیا تقوی را اختیار نمیکنید؟ (۱۲۵)

أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ ﴿١٢٦﴾

آیا 'بعل' را میخوانید و بهترین آفریدگاران را ترک کنید؟ (۱۲۶)

اللَّهُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ ﴿١٢٧﴾

خدا را که پروردگار شما و پروردگار پدران پیشین شما است (۱۲۷)

فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿١٢٨﴾

پس او را تکذیب کردند پس یقیناً آنها احضار شدگانند (۱۲۸)

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ ﴿١٢٩﴾

جز بندگان مخلص خدا (۱۲۹) و یادباد نیکوی او را در آیندگان

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿١٣٠﴾

باقی گذاردیم (۱۳۰)

سَلَّمَ عَلَىٰ آلِ يَاسِينَ ﴿١٣١﴾

درود بر الیاسین (۱۳۱) ++

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣٢﴾

یقیناً ما پاداش محسنان اینگونه

++ آیت ۱۳۱: اینجا الیاسین بجای الیاس گفته میشود. مفسران گویند که سه الیاس

بودند. زیرا کمتر از سه کلمه الیاس تعلق نمیگیرد. اما در زبان عبری صیغه جمع

برای احترام هم استفاده میشود. بعنوان مثال در کتب عبری اسم آنحضرت ﷺ نه

"محمد" بلکه "محمدیم" نوشته شده است. بعلمت اینکه ایلیا [الیاس] نیز فداکاری

فوق العاده نشان دادند پس اسم ایشان در صیغه جمع نوشته شده است.

- می دهیم (۱۳۲)
- یقیناً او از بندگان مومن ما بود (۱۳۳)
- و همانا لوط از رسولان بود (۱۳۴)
- هنگامیکه او و اهلش همگی را نجات دادیم (۱۳۵)
- جز پیرزنی که از برجای ماندگان بود (۱۳۶)
- باز دیگران را هلاک نمودیم (۱۳۷)
- و مسلماً شما از [مدفن] آنها گذر میکنید صبحگاهان (۱۳۸)
- و شبانگاه. پس آیا بخرد نمی یابید (۱۳۹)
- و یقیناً یونس از رسولان بود (۱۴۰)
- چون او به سوی کشتی پیر فرار کرد (۱۴۱)
- پس او قرعه انداخت. پس او از بیرون افکندگان شد (۱۴۲)
- پس مامی او را بلعید درحالیکه او [خود را] از ملامت کنندگان
- إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿۳۳﴾
- وَإِنَّ لَوْ طَائِمِينَ الْمُرْسَلِينَ ﴿۳۴﴾
- إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ﴿۳۵﴾
- إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَيْرِينَ ﴿۳۶﴾
- ثُمَّ دَمَرْنَا الْأَخْرِينَ ﴿۳۷﴾
- وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِمْ مُصْبِحِينَ ﴿۳۸﴾
- وَبِالْأَيْلِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿۳۹﴾
- وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿۴۰﴾
- إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلِّ الْمَشْحُونِ ﴿۴۱﴾
- فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ ﴿۴۲﴾
- فَأَلْتَمَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ ﴿۴۳﴾

بود (۱۴۳)

پس اگر او از تسبیح کنندگان

نبرد (۱۴۴)

یقیناً در شکم آن مکث میکرد تا
روزی که [مردم] برخیزانده

شوند (۱۴۵)

پس او را بدستی خشک و خالی
افکندیم درحالیکه او سخت بیمار

بود (۱۴۶)

و بوته ای کدوسان برای پوشاندن
او رویانیدیم (۱۴۷)

و او را بسوی صدمزار نفر
فرستادیم بلکه ایشان [در تعداد]

افزایش مییافتند (۱۴۸)

پس آنان ایمان آوردند پس آنان
را تادمی بهر مند ساختیم (۱۴۹)

پس از آنها بپرس آیا برای
پروردگار دختران و برای ایشان

پسرانند؟ (۱۵۰)

یافرشتگان را زنان آفریدیم و
آنها بر آن گواه هستند (۱۵۱)

فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ ﴿١٤٣﴾

لَلْبَيْتِ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿١٤٤﴾

فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ ﴿١٤٦﴾

وَأَشْبَأْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّنْ يَقْطِينٍ ﴿١٤٧﴾

وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ ﴿١٤٨﴾

فَأَمَّاؤَافَمَّتْعَهُمُ إِلَى حِينٍ ﴿١٤٩﴾

فَأَسْتَفْتِهِمُ أَلرِّبَّكَ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ

الْبُيُوتُ ﴿١٥٠﴾

أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ ﴿١٥١﴾

باش ایقیناً آنها از روی دروغ
بربافته خودشان میگویند (۱۵۲)

[که] خدا را پسری است در حالیکه
حتماً آنها دروغ پردازانند (۱۵۳)

آیا او دختران را بر پسران
برگزیده است؟ (۱۵۴)

شما را چیست؟ چسان قضاوت می
کنید؟ (۱۵۵)

پس آیا پند نمیگیرید؟ (۱۵۶)

یا برای شما دلیلی غالب و روشن
است؟ (۱۵۷)

پس کتاب خود را بیارید اگر
شما راستگویانید (۱۵۸)

و میان او و میان جنه‌انسی قرار
داده اند. در حالیکه جنه‌انسی می
دانند که آنها نیز احضار خواهند
شد (۱۵۹)

پاک است خدا از آنچه بیان می
کنند (۱۶۰)

بندگان برگزیده خدا [از این
سخنان] مستثنی اند (۱۶۱)

أَلَا إِنَّهُمْ مِّنْ أَفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ ﴿١٥٢﴾

وَلَدَ اللَّهُ ۗ وَاللَّهُ لَكَذِبُونَ ﴿١٥٣﴾

أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ ﴿١٥٤﴾

مَا لَكُمْ ۖ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿١٥٥﴾

أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿١٥٦﴾

أَمْ لَكُمْ سُلْطَنٌ مُّبِينٌ ﴿١٥٧﴾

فَأْتُوا بِكِتَابِكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٥٨﴾

وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نَسَبًا ۗ وَلَقَدْ

عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لِمُحْضَرُونَ ﴿١٥٩﴾

سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ ﴿١٦٠﴾

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿١٦١﴾

پس یقیناً شما و آنچه را عبادت می کنید (۱۶۲)

نتوانید شما که خلاف او [کسی را] همراه کنید (۱۶۳)

مگر آنکه او بداخل جهنم شدنی است (۱۶۴)

و فرشتگان گویند [برای هر کدام ما مقامی مشخص است (۱۶۵)

و حتماً ما صف در صف هستیم (۱۶۶)

و یقیناً ما تسبیح کنندگانیم (۱۶۷)

و آنان [کافران] می گفتند (۱۶۸)

اگر ما راهیچ ذکر پیشینان رسیده بود (۱۶۹)

یقیناً از بندگان مخلص خدا می شدیم (۱۷۰)

اما [اکنون چون] آن [خدا] را انکار کرده اند پس [فرجام را] حتماً خواهند دانست (۱۷۱)

و البته این فرمان ما در حق بندگان فرستاده ما پیشی گرفته

است (۱۷۲)

فَأِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ ۗ

مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفِتْنِينَ ۗ

إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ ۗ

وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ ۗ

وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ ۗ

وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ ۗ

وَإِنْ كَانُوا يَقُولُونَ ۗ

لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِنَ الْأُولِينَ ۗ

لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ ۗ

فَكَفَرُوا بِهِ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ۗ

وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا

الْمُرْسَلِينَ ۗ

یقیناً همانند که به ایشان نصرت داده شود (۱۷۲)

ویقیناً لشکرماست که ایشان غالب شوندگان اند (۱۷۴)

پس تامدتی از آنها دوری کن (۱۷۵) و آنها را بنگر پس آنها هم حتماً بزودی بدانند (۱۷۶)

پس آیا به عذاب ما عجله می کنند؟ (۱۷۷)

پس هنگامیکه آن به محوطه ایشان فرود آید آنگاه صبحگاه هشدار دادگان بسیار بد باشد (۱۷۸)

باز بمدتی از آنها دوری کن (۱۷۹) و بنگر پس آنها هم حتماً خواهند دید (۱۸۰)

پاکست پروردگار تو ربّ العزت از آنچه بیان میکنند (۱۸۱)

و درود بر همه پیغمبران (۱۸۲) و ستایش مطلق برای خدا پرورد -
- گار همه جهانها است (۱۸۳)

إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ ﴿۱۷۲﴾

وَإِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ ﴿۱۷۴﴾

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿۱۷۵﴾
وَأَبْصُرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ ﴿۱۷۶﴾

أَفِعْدَابًا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿۱۷۷﴾

فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ ﴿۱۷۸﴾

وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿۱۷۹﴾
وَأَبْصُرْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ ﴿۱۸۰﴾

سُبْحٰنَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿۱۸۱﴾

وَسَلِّمْ عَلَى الْمُرْسَلِينَ ﴿۱۸۲﴾

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۸۳﴾

۳۸-سورة ص

این سورة درمکه نازل شد و با بسم الله ۷۹ آیت دارد.

این سورة فقط بايك حرف مقطع "ص" شروع میشود. مفسران شرح میدهند که "ص" بمعنای "صادق القول" میباشد یعنی آن خدا که سخنانش حتماً به اتمام رسد و قرآن که مشتمل بر پنجاهای بزرگ شأن است بر این امر گواه قرار داده شد که انکار از قرآن تنها بعلت آن خود خواهی است که منشأ از مخالفت میگیرد.

در این سورة ذکر از آن مکاشفه حضرت داؤد علیه السلام میرود که خاطر نشان کننده آزمندی فطرت آدمی است که اگر او را برتری نودونه درصد هم داده شود او صددرصد آنرا میخواهد و برای ناتوانان و ناداران يك درصدمه وانمیگذارد. در سورة گذشته سخن از جنگهای ابرقدرتها میرود که آنها نیز بدنبال این هدف اند که حقوق حکومت همه کشورهای نادار و عقب مانده از ایشان ربوده و حکومت دنیا بی مشارکت دیگری افسار کرده شود. بعبارت دیگر این دعوی خدائی است. پس از آن نوع انسان به نسبت حضرت داؤد علیه السلام توصیه کرده شوند که ستیزه های میان خود را با عدالتمندی سپری کنید و نه ستمکاری و تجاوزگری.

این سورة حاکی از دوست داشتن حضرت سلیمان علیه السلام اسپان است. این واقعه را به اشتباه تفسیر کرده بعضی علماء بیان میکنند که يك مرتبه ایشان بر اسپان آهسته دست زده بر ساق هایشان دست نوازش می کشیدند که در حین این دلگرمی وقت نماز گذشت. آنگاه قهرو غضب حضرت

سلیمان بعلت غفلتکاری خود تا به آن نهایت رسید که فرمان به کشتن اسبان صادر کردند. ولی این تفسیرخنده آور را آن یکی آیت رد میکند درچه ایشان میفرمایند که آنها را نزد بازآرید. از این معلوم میگردد که پیغمبران را مرکب های که برای جهاد در راه خدا بخشیده میشوند ایشان آنها را بسیار دوست دارند و میخواهند که آنها را بارهابینند. رسول الله ﷺ نیز فرمودند که برای امت من در پیشانیهای آن اسبان تا قیامت برکت نهاده شد که برای جهاد آماده کرده شوند.

دراین سوره حضرت ایوب علیه السلام بعنوان مثال پیغمبری بلند مرتبت و صاحب شکیبائی معرفی میشوند و آن حقایق بیان میشود که در بائیل در قالب اساطیری عجیب و غریب نقل شده است.

☆ سُوْرَةُ صَ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ تِسْعٌ وَثَمَانُونَ آيَةً وَخَمْسَةٌ رُكُوعَاتٍ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بسیاربخشنده بارهارحم کننده (۱)

صادق القول - راست گفتار -

سوگند به قرآن صاحب ذکر (۲)

حقیقت اینست کسانیکه کفر

کردند در تکبر و مخالفت فرورفته

اند (۳)

چه بسا ملت‌های از پیش آنها را

بهلاك رساندیم. آنگاه [برای کمک]

صدا کردند درحالیکه وقت نجات

نبود (۴)

و تعجب کردند که آنها را هشدار

دهنده از میان خودشان آمد و

کافران گفتند این جادوگری سخت

دروغگو است (۵)

آیا و بسیار معبودان را یکتا معبود

ساخته است. همانا این چیزالته

تعجب انگیز است (۶)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ ①

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ ②

كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ فَنَادَوا

وَلَاتَ حِينَ مَنَاصٍ ③

وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ ④

وَقَالَ الْكٰفِرُونَ هَذَا سِحْرٌ كَذٰبٌ ⑤

أَجْعَلِ الْاِلٰهَةَ اِلٰهًا وَّاحِدًا ۙ اِنَّ هٰذَا

لَشَيْءٌ عَجَابٌ ⑥

و اعیان از آنان رفتند [وگفتند] که بروید و بر معبودان خود صبر کنید. یقیناً این [کار] آهنگ شده است (۷)

ما به این در مورد هیچ ملتی آینده هم نشنیده ایم. این حرف فقط اختراعی است (۸)

آیا از میان ما ذکر [فقط] بر او نازل کرده شد؟ در حقیقت آنها از ذکرم در شک اند - در حقیقت عذابم را نه چشیده اند (۹)

آیا گنجهای رحمت پروردگار تو صاحب غلبه کامل و فراخ عطا نزد آنان است؟ (۱۰)

یا آیا پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه میان آندو است برای آنان است؟ پس باید همه چاره های را منظم بکار بندند (۱۱)

[اینهم] از احزاب لشکری است که آنجا مغلوب کرده شوند (۱۲)

بیش از آنها قوم نوح و عاد و فرعون

وَأَنْطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنْ امْشُوا
وَاصْبِرُوا عَلَىٰ إِلِهِتِكُمْ ۚ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ
يُرَادُّ ۗ

مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْأَخْزَةِ ۚ إِنَّ
هَذَا إِلَّا اخْتِلَافٌ ۗ

ءَأَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرَ مِنْ بَيْنِنَا ۗ بَلْ هُمُ
فِي شَكٍّ مِّنْ ذِكْرِي ۗ بَلْ لَّمَّا يَدُوقُوا
عَذَابِي ۗ

أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ
الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ ۗ

أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا
بَيْنَهُمَا ۗ فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ ۗ

جُنُدًا مَّا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِّنَ
الْأَحْزَابِ ۗ

كَذَبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ عَادُ

دارنده میخهاتکذیب کردند(۱۳)
و نمود و قوم لوط وساکنان بیشه
ها همانند احزاب [مذکور] (۱۴)
نیست هیچکدام جزاینکه رسولان
را تکذیب کردند و کیفرم بر آنها
حتمی الوقوع شد(۱۵)

و آنها انتظار ندارند جزیک بانگ
مولناک را که در آن هیچ وقفه ی
نباشد(۱۶)

و گفتند: پروردگارا! ما را بهره ما
زودتر پیش از روز حساب بده(۱۷)
صبر کن بر آنچه میگویند و یاد
کن بنده ماداؤد را که دارای
دسترسی بود. یقیناً او بسیار توبه
کار بود(۱۸)

براستی ما کوه هارا با او مسخر
کرده بودیم. آنها شامگاهان و
صبحگاهان تسبیح میکردند(۱۹)
و پرندگان جمع کرده را [برایش
مسخر کرده بودیم]. همه در حضور
او [خدا] فروتنان بودند(۲۰)

وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ ﴿١٣﴾
وَتَمُودٌ وَقَوْمٌ لُوطٍ وَأَصْحَابُ لَيْكَةِ ط
أُولَئِكَ الْأَحْزَابُ ﴿١٤﴾

إِنْ كُنَّ إِلَّا كَذَّبَ الرَّسُلَ فَحَقَّ
عِقَابُ ﴿١٥﴾

وَمَا يَنْظُرُ هَؤُلَاءِ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مَّا
لَهُمْ مِنْ فَوَاقٍ ﴿١٦﴾

وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا قِطْنَآ قَبْلَ يَوْمِ
الْحِسَابِ ﴿١٧﴾

إِصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَادْكُرْ عَبْدَنَا
دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿١٨﴾

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعُثِيِّ
وَالْإِشْرَاقِ ﴿١٩﴾

وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَهُ أَوَّابٌ ﴿٢٠﴾

و پادشاهی او را تقویت دادیم و
او را حکمت و کلامی داوری کننده
بخشیدیم (۲۱)

آیابه تو خیرستیزندگان آمد چون
از روی دیوار کاخ پریدند (۲۲)
چون بر داؤد داخل شدند آنگاه
او از آنها آشفته خاطر شد. گفتند،
نترس ما دوستیزندگانیم که یکی
بر دیگری تجاوز میکند. پس میان
ما بحق قضاوت کن و تجاوز نکن و
ما را بسوی راه راست هدایت
کن (۲۳)

همانا این برادرم است. وی را
نودوئه میش اند و برایم یک میش
است پس گوید آنرا بمن واگذار
کن و در میحث مرا مغلوب می
سازد (۲۴)

او گفت البته با خواستن میش تو
بسوی میش های خود بر تو ستم
کرده است و یقیناً بسیار شریک‌اند
که بعضی از آنها بر بعضی ستم می

وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَأَتَيْنَهُ الْحِكْمَةَ
وَفَصَّلَ الْخِطَابِ ۲۱

وَهَلْ أَتَاكَ نَبُؤُا الْخَصْمِ ۱۰۰ اِذْ تَسَوَّرُوا
الْمِحْرَابَ ۲۲
اِذْ دَخَلُوا عَلٰى دَاوُدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوْا
لَا تَخَفْ ۱۰۱ خَصْمِنِ بَغِيٍّ بَعْضًا عَلٰى
بَعْضٍ فَاِحْكُمْ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ
وَاِهْدِنَا اِلٰى سَوَاءِ الصِّرَاطِ ۲۳

اِنَّ هٰذَا اَخِي ۱۰۲ لَهُ تِسْعٌ وَّتِسْعُوْنَ نَعْجَةً
وَلِي نَعْجَةٌ وَّاحِدَةٌ ۱۰۳ فَقَالَ اَكْفُلْنِيْهَا
وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ ۲۴

قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجِكَ اِلٰى
نِعَاجِهِ ۱۰۰ وَاِنَّ كَثِيْرًا مِّنَ الْخٰطِاِءِ لَيَبْغِي
بَعْضُهُمْ عَلٰى بَعْضٍ اِلَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا
وَعَمِلُوْا الصّٰلِحٰتِ وَقَلِيْلٌ مَّا هُمْ ۱۰۱ وَظَنَّ

دَاوُدَ إِنَّمَا فَتَتُهُ فَأَسْتَغْفِرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ ﴿۲۵﴾

استغفرت

کنند جز آنانکه ایمان آوردند و شایسته کاری کردند و کم اند مانند ایشان و داود پنداشت که ما او را آزمایش کرده بودیم. پس وی از پروردگار خود آمرزش طلبید و فروتن به روی فرو افتاد و توبه کرد (۲۵)

پس او را این [غزش] آمرزیدیم و یقیناً برای او نزد ما قرب و مقام نیکوی بود (۲۶)

ای داود! یقیناً ما تو را در زمین خلیفه گماردیم. پس میان مردم بداد قضاوت کن و پیروی از هوای نفس نکن که تو را از راه خدا گمراه سازد. براستی کسانی که از راه خدا گمراه گردند آنرا عذابی سخت است چه روز حساب را فراموش ساخته بودند (۲۷)

و آسمانها و زمین و آنچه میان آندو است را بلامقصد نیافریده ایم. این گمان کسانی است که

فَغَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ ۗ وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَآبٍ ﴿۲۶﴾

يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ۗ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ يَوْمَ الْحِسَابِ ﴿۲۷﴾

۲۷

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ۗ ذَٰلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا ۗ فَوَيْلٌ

انکار کردند. پس هلاک باد از
[عذاب] آتش بر آنان که کفر
کردند (۲۸)

آیا کسانی که ایمان آوردند و نیکو
کاری کردند را مانند فسادکاران
در زمین قرار دهیم و متقیان را
مانند بدکرداران بگردانیم؟ (۲۹)

کتابی بزرگ که مابسوی تو نازل
کرده ایم بسیار برکت داده شده
است تا [مردم] در آیتهایش تدبیر
کنند و تا خردمندان پند گیرند (۳۰)
و داؤد را سلیمان دادیم. چه نیکو
بنده بود. یقیناً او بسیار توبه کار
بود (۳۱)

چون شامگاه بر او اسبهای تند
رو عرضه نموده شد (۳۲)

پس او گفت: یقیناً من دوستی مال
را از روی یاد پروردگارم دوست
دارم تا آنها در پرده پنهان
شدند (۳۳) ++

[او گفت] آنها را روبرویم باز آورید.

لِّلَّذِينَ كَفَرُوا مِن النَّارِ ۗ

أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ
الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ ۗ

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِّيَدَّبَّرُوا
آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ ۗ

وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ دَسَلِيمَ ۗ نِعْمَ الْعَبْدُ
إِنَّهُ أَوَّابٌ ۗ

إِذْ عَرَضَ عَلَيْهِ بِالْعَشيِّ الصُّفُفَاتُ
الْجِيَادِ ۗ

فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَن ذِكْرِ
رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ۗ

رَدُّوْهَا عَلَيَّ ۗ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ

وَالْأَعْنَاقِ ②

پس [از نظر لطف] بر ساقها و گردن
های آنها [از نوازش] دست کشیدن
را شروع کرد (۳۴) ++

وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَالْقَيْنَاءَ عَلَى كُرْسِيِّهِ

والبته سلیمان را آزمودیم و جسمی
[بی علم و حکمت] را بر تختش نهادیم
سپس او [به سوی خدا] انابت
کرد (۳۵) ++

جَسَدًا ثَمَّ أَنَابَ ③

++ آیات ۳۳-۳۴: کثیر مفسران از این آیت این معنای میگیرند که حضرت سلیمان را با دسته اسبان خویش آنقدر دوستی بود که در تماشا آنها فرورفته ایشان نماز را قضا کردند و ازین کوتاهی قهر کرده ایشان جمیع آنها را پی کرده و گردن های آنها را از تن جدا ساختند. این توجیه بینهایت بیخردانه است و اینرا به قرآن نسبت دادن برخلاف وقار آنست. اگر نماز قضا شده بود آنگاه میبایستی پیش از این سخن از نماز خواندن میرفت. ضمناً تماشا کردن اسبان بمیل خود ایشان بود باز تقصیر از اسبان بیچاره چه بود که گردن های آنها زده شد؟ امر واقعی اینست که چون آن دسته اسبان برای جهاد در راه خدا نگهداری شده بود لذا ایشان به اظهار دوستی دست به ساق ها و ران های آنها کشیدند بطوریکه امروز هم یکی دوستدار اسب ها سلوک همینگونه میکند.

++ آیت ۳۵: این آیت را مطلب اینست که وارث ایشان نه اوصاف روحانی داشت و نه شایستگی دولتمداری. لذا او جسمی بی ارزش بود. منظور از "و القینا علی کرسیه" تخت نشینی وی است. در حق این آیت نیز برخی از علماء ستمگری کرده و حضرت سلیمان را گویی فاسق میگردانند. طبق بیان آنان زنی خوشگل که همسر ایشان نبود بر صندلی ایشان مسند نشین شد و ایشان بدو میل بدی پیدا کردند و باز خیال گرفتند اینکه برایم از جانب خدا آزمایشی بود [بقیه ص # ۱۱۰۲]

گفت پروردگارا مرا بیامرز و مرا
سلطنت اعطا کن که پس از من به
کسی نشاید. یقیناً تو بسیار فراخ
عطا هستی (۳۶) ++

پس مسخر نمودیم برای وی باد
را که با امر او بنرمی میوزید به
مرسوی که او میخواست (۳۷)

و شیطانهای را که مامر مریک هنر
بنائی و غوطه باز بودند (۳۸)
و دیگران به زنجیرها بسته
را (۳۹)

این بدون حساب اعطای ما است.
پس منت بگذار یانگه دار (۴۰)
یقیناً او را در پیشگاه ما تقرب و
مقام نیکوی بود (۴۱)

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا
يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ
الْوَهَّابُ ①

فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً
حَيْثُ أَصَابَ ②

وَالشَّيْطَانِ كُلِّ بَنَاءٍ وَغَوَاصٍ ③

وَآخِرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ ④

هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ
حِسَابٍ ⑤

وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَّآبٍ ⑥

این داستان متشابه آن یکی است که مفسران در مورد حضرت یوسف نیز برافته اند.
++ آیت ۳۶: این آیت حاکی از نتیجه نهائی تمامی آیتهای گذشته میباشد. چون به
ایشان مشخص شد که پسر ایشان نه دارای روحانیت است و نه هم دولت مدار است
پس ایشان وی را نفرینند و به حضور خدا التجاج کردند که پس از من کسی را سلطنتی
بابزرگی سلطنت من داده نشود. پس از وقائع تاریخ به اثبات میرسد که پس از
حضرت سلیمان آن سلطنت پیوسته رو به زوال گذاشت.

وَاذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ ۗ ﴿۱۱﴾

و بنده ما ایوب را یاد کن چون پروردگار خود را خواند که یقیناً شیطان مرا رنج و عذاب رسانده است (۴۲) ++

أَرْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُعْتَسِلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ ۗ ﴿۱۲﴾

[گفتیم] مرکب خود را لگدبزن. آب خنک برای شستشوئی و آشامیدن [همین نزدیک] است (۴۳) ++

وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرَى لَأُولِي الْأَبَابِ ۗ ﴿۱۳﴾

و ما او را خانواده اش و مانند آنان بعلاوه آنان بعنوان رحمت ما و صاحبان خرد را ذکری درس آموز بخشیدیم (۴۴)

وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَاصْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنُتْ ۗ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ ۗ ﴿۱۴﴾

و دسته شاخهای خشک و تر درم بگیر و بدست خود بگیر و بدان بزن و سوگند را نقض نکن. یقیناً ما او را شکیبایافتیم. چه نیکو بنده ای بود. یقیناً او تکرار آناست کننده بود (۴۵) ++

++ آیات ۴۲-۴۵: گزندی که شیطان به حضرت ایوب رسانید بسیار دردناک بود. طبق بائبل ایشان را شدیداً بیماری جلدی فرا گرفته بود. بدانعلت عیال ایشان از آن بیماری کرامت داشته ایشان را برپشته آشغال افکنده ترک کردند. قرآن مجید ذکر از این نوع قضیه ای نیآورده است. [۱۱۰۵]

و یاد کن بندگان ما ابراهیم و اسحق و یعقوب را که دارای دسترسی و صاحب بصیرت بودند (۴۶)

یقیناً ما ایشانرا خالصانه بعلمت ذکر از خانه آخرت برگزیدیم (۴۷) و یقیناً آنان نزد ما از برگزیدگان و دارندگان خوبها بودند (۴۸)

واسمعیل و الیسع و ذوالکفل را یاد کن و هر کدام از خوبترینان

وَأَذْكُرُ عَبْدَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولِي الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ ۝

إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ ۝

وَأَنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَخْيَارِ ۝

وَأَذْكُرُ إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ ۝ وَكُلٌّ مِّنَ الْأَخْيَارِ ۝

بقیه آیات ۴۲- ۴۵: بنص قرآن خدای متعال حضرت ایوب را فرمان داد که دست ی شاخها زده مرکب خود را جلو برد و توصیه کرد که سوگند خود را نشکند. درباره این قصه ی شگفت انگیز منقول میشود که در اینجا منظور اسب نیست بلکه زن است یعنی ایشان سوگند یاد کرده بودند که به همسر خود صد ضربه شاخ زنند بدانعلت خداوند فرمان داد که با جارو بزن و اگر این جارو صد ساقه داشته باشد سوگند پایان میپذیرد. اما این قصه بهم بافته ی است. آن زنان پیغمبران که نافرمانان بودند اسم همسر حضرت ایوب شامل آنها مذکور نیست. پس منظور از ضِعْفاً شاخ زدن به مرکب است تا آن ایشان را به آبی برساند که با استعمال آن ایشان سلامت را بازیابند.

خدای متعال چون حضرت ایوب را سلامت باز بخشید آنگاه ن تنها اینکه خانواده ایشان بسبب عیادت بسوی ایشان بازگشتند بلکه خداوند مانند آنان يك جماعت فداکاران نیز ایشان را درداد.

بوده اند(۴۹)

این ذکری بزرگ است و یقیناً
برای متقیان بازگشتگامی نیکو
است(۵۰)

یعنی باغهای جاودان است. برای
آنان درما خوب گشوده داشته
شود(۵۱)

تکیه زده در آنجا میوههای فراوان
و آشامیدنیها خواهند طلبید(۵۲)
و نزد ایشان زنان همسال چشم
[باحیا] فرومشته باشند(۵۳)++

اینست آنچه برای روز حساب
و عده داده شوید(۵۴)

یقیناً اینست رزق ما که آنرا
هرگز پایان نیست(۵۵)

همینطور باشد و یقیناً بازگشتگاه
برای سرکشان بسیار بدهاست(۵۶)
جهنم - بداخل آن شوند. پس چه
زست بستری است(۵۷)

هَذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَآبٍ ﴿۵۰﴾

جَنَّتٍ عَدْنٍ مَّفْتَحَةٌ لَهُمُ الْأَبْوَابُ ﴿۵۱﴾

مُتَّكِنِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ
كَثِيرَةٍ وَوَسْرَاءٍ ﴿۵۲﴾

وَعِنْدَهُمْ قُضِرَتُ الْأَرْفِ آتْرَابٌ ﴿۵۳﴾

هَذَا مَا تُوْعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ ﴿۵۴﴾

إِنَّ هَذَا لِرِزْقِنَا مَا لَهُ مِنْ نَفَادٍ ﴿۵۵﴾

هَذَا وَإِنَّ لِلظَّالِمِينَ لَشَرَّ مَا بِي ﴿۵۶﴾

جَهَنَّمَ ۚ يَصْلَوْنَهَا ۚ فَيَنْسِفُ الْمِهَادُ ﴿۵۷﴾

++ آیت ۵۲: این کلام که نزد ایشان زنانی چشمان فرومشته باشند. تمثیلی است و

دال بر فروتنی و حیاء ایشان میباشد.

هَذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَعَسَاقٌ ⑤

این [حتماً شدنی است]. پس باید
آنها بچشند - آبی جوشان و یخ
بسته (۵۸)

وَأَخْرَجْنَا مِنْ شَكْلَةٍ أَرْوَاحَهُمْ ⑥

و چیزهای دیگر هم شکل آن (۵۹)
این آن لشکری است که با شما
داخل [آن] شونده اند. آنها را هیچ
خوش آمدنیست. مسلماً آنها داخل
آتش شوند (۶۰)

هَذَا قَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَعَكُمْ لَا مَرْحَبًا

بِهِمْ ① إِنَّهُمْ صَالُوا النَّارِ ②

آنها [به گروهی لعنت کننده] گویند:
بلکه شما [ملعون] اید. شمارا خوش
آمد نیست. شما این [همه] را برای
ما پیش فرستادید. پس چه زشت
قرارگاه است (۶۱)

قَالُوا بَلْ أَنْتُمْ لَأَمْرَحِبًا بِكُمْ ③ أَنْتُمْ

قَدْ مَتَمُّوهُ لَنَا فَبِئْسَ الْقَرَارُ ④

گویند: پروردگارا! آنکه اینرا برای
ما پیش فرستاد برایش عذابی در
آتش دو برابر بیافزا (۶۲)

قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَرَدُّهُ عَذَابًا

ضِعْفًا فِي النَّارِ ⑤

وگویند: چیست مارا آنمردم را
نمی بینیم که آنها را از شیران
میشمردیم (۶۳)

وَقَالُوا مَا لَنَا آلَانِ رِجَالًا لَا كُنَّا

نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ ⑥

آیا آنها را حقیر شمرده بودیم یا
چشمان ما [از شناسائی] آنان لغزش

أَتَّخَذْنَاهُمْ سِحْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمْ

الْأَبْصَارُ ⑦

خورد؟ (۶۴)

حَتَّمَا لِيْنَ مَجَادِلِهٖ اَمَلِ اَتَشِ وَاَقَعِيْتِ
است (۶۵)

بگو، من فقط بیم دهنده ی ام و
هیچ معبودی نیست جز خدای یکتا
صاحب جبروت (۶۶)

پروردگار آسمانها و زمین و هر چه
میان آندو است - صاحب غلبه
کامل - آمرزگار (۶۷)

بگو: آن يك خبر بزرگی
است (۶۸)

شما از آن اعراض کنندگانید (۶۹)
مرا هیچ دانشی به ملای اعلی نبود
چون آنها مجادله میکردند (۷۰)

بسوی من وحی میشود فقط اینکه
من بیم دهنده آشکارا (۷۱)

چون پروردگارتو بفرشتگان گفت
مانا من از گل بشری آفریننده
ام (۷۲)

پس مرگاه آنرا کاملاً آراستیدم و
کسی از روح خود در آن دمیدم پس

اِنَّ ذٰلِكَ لِحَقٌّ تَخَاصُمِ اَهْلِ النَّارِ ۝۱۵

قُلْ اِنَّمَا اَنَا مُنذِرٌ ۙ وَمَنْ اِلَّا اللّٰهُ

اَنْوَاجِدُ الْقَهَّارُ ۝۱۶

رَبُّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

الْعَزِيْزُ الْغَفَّارُ ۝۱۷

قُلْ هُوَ نَبُوٓا۟ عَظِيْمٌ ۝۱۸

اَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُوْنَ ۝۱۹

مَا كَانَ لِيْ مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلٰٓئِكِ الْاَعْلٰى اِذْ

يَخْتَصِمُوْنَ ۝۲۰

اِنْ يُوحٰى اِلَيَّ اِلَّا اَنْمَآ اَنَا نَذِيْرٌ مُّبِيْنٌ ۝۲۱

اِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ اِنِّيْ خَالِقٌ بَشَرًا

مِّنْ طِيْنٍ ۝۲۲

فَاِذْ اَسُوۡبَيْتُهُ وَتَفَخَّتْ فِيْهِ مِنْ رُّوْحِيْ

فَقَعُوۡا لَهٗ سٰجِدِيْنَ ۝۲۳

برای او سجده کنید(۷۳)

پس فرشتگان جمله ایشان سجده کردند(۷۴)

مگر ابلیس. او تکبر کرد و بوده از کافران(۷۵)

او گفت: ای ابلیس! ترا چه بازداشت که سجده کنی آنرا که من به دو دست [قدرت] خود آفریده بودم. آیا تکبر کردید یا تو از صاحبان بلند مرتبه هستی(۷۶)

گفت: من بهتر از اویم. مرا از آتش آفریدی و او را از گل آفریدی(۷۷)
فرمود: پس از اینجا بیرون شو یقیناً تو رانده شده ای(۷۸)

و یقیناً بر تو تا روز جزاء لعنت من است(۷۹)

گفت: پروردگارا! پس مرا مهلت بده تا روزی که همه برخیزانده شوند(۸۰)

فرمود: پس یقیناً تو از مهلت دادگانی(۸۱)

فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ﴿۷۳﴾

إِلَّا ابْلِيسَ ۖ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ

الْكٰفِرِيْنَ ﴿۷۵﴾

قَالَ يَا ابْلِيسُ مَا مَنَعَكَ اَنْ تَسْجُدَ لِمَا

خَلَقْتُ يَدَيَّ ۗ اسْتَكْبَرْتَ اَمْ كُنْتَ مِنَ

الْعٰلِيْنَ ﴿۷۶﴾

قَالَ اَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ ۗ خَلَقْتَنِيْ مِنْ نَّارٍ

وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِيْنٍ ﴿۷۷﴾

قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَاِنَّكَ رَجِيْمٌ ﴿۷۸﴾

وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِيْ اِلَى يَوْمِ الدِّينِ ﴿۷۹﴾

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِيْ اِلَى يَوْمٍ

يُبْعَثُوْنَ ﴿۸۰﴾

قَالَ فَاِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِيْنَ ﴿۸۱﴾

تا روز وقت معلوم (۸۲) گفت: سوگند به عزت توحتمًا همه اینها را گمراه کنم (۸۲)++
جز از آنها آن بندگان که مخلص تویند (۸۴)++

فرمود: پس حق اینست که من فقط حق میگویم (۸۵)
حتماّ جهنم را از تو و از همه آنها که از تو تقلید کنند پرخواهم کرد (۸۶)

بگو من برای این هیچ مزدی از شما نمیخواهم و نه من از متکلف ما هستم (۸۷)
این فقط تذکر بزرگی است برای همه جهانها (۸۸)

و حتماّ حقیقت آن را پس از یک مدت خواهید دانست (۸۹)

إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ۝

قَالَ فِعْرَتُكَ لَا غُوبِيَهُمْ أَجْمَعِينَ ۝^{۸۲}

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ ۝^{۸۱}

قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقَّ أَقُولُ ۝^{۸۵}

لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّنْ تَبِعَكَ

مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ ۝^{۸۶}

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا

مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ ۝^{۸۷}

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ۝^{۸۸}

وَلَتَعْلَمَنَّ بِنَاءَ بَعْدَ حِينٍ ۝^{۸۹}

++ آیات ۸۴-۸۵: گامیکه خدای متعال شیطان را مردود کرد و از روی خودنمایی از خداوند مهلتی خواست که بندگان را که بر من رجحان دادی اگر بمن فرصت داده شود ایشان را هر نوع فریب داده از تو میربایم و آنان بجای تو از من پرستش کنند مگر آن بندگان که خاص تو باشند. حتماّ برایشان من هیچ اختیاری نتوانم یابم.

۳۹ - سورة الزمر

این سوره در مکه نازل شد و با بسم الله ۷۶ آیت دارد.

در پایان سوره قبلی ذکر از آن بندگان شده بود که دین را خاص خدا قرار داده از پرستش شیطان انکار کرده سر به عبادت خدا سپردند. در این سوره بمحض آغازش اعلام است که ای رسول! دین را خالصانه برای خدا قرارداده عبادت را خاص او بگذار. یقیناً خدا تنها دین خالص را قبول دارد. سپس يك دليل كافران رد کرده میشود. آنان بت پرستی را معمولاً این توجیه میکنند که خدایانی بر یافته وسیله تقرب خدا میشوند. خداوند فرمود هرگز چنین نیست بلکه وسیله همان است که دینش مانند دین آنحضرت ﷺ خالص و پاک از آلودگی شرک باشد.

سپس این حقیقت بازگو کرده میشود که زندگی انسان را آغاز از یکتا شده بود. سپس چون انسان در رحم مادر بطور جنین مراحل ارتقائی طی میکرد آن جنین در سه تاریکی پنهان بود - نخستین تاریکی شکم مادر است که رحم را دربر گرفته است - دومین تاریکی از خود رحم است در آنچه جنین پرورده میشود و سومین تاریکی پلیسنتا [Placenta] یعنی پرده ی دور جنین که آن را درون رحم مادر دربر گرفته است.

باز به آنحضرت ﷺ اذن به این اعلام داده شد که مرا تنها همین فرمان است که عبادت خویش را خاص او بنمایم. سپس فرمود که بگو تنها خدا است که برای او دینم را خالصانه به عبادت او سپرده خواهم داشت. شما در جای خود بغیر از او هر کدام را میخواهی عبادت کنید و بملاوه بگو. آنانکه

اینطور کنند یقیناً معامله بخصارت ایشان تمام گردد. چه آنان علاوه بر گمراهی خود، موجب شوند که نسلهای آینده خود را نیز بر اثر این کجی در ژرفای تاریکی بیفکنند.

ضمناً این نکته بیان شده است که آنکس که خدای متعال سینه او را برای ذکر خود فراخی ببخشد بهتر از او هیچکس نمیتواند باشد. پس بسیار تیره بختند کسانی که از ذکر پروردگار خود توافل میکنند.

آیت ۲۴ این سوره عبارت از این اعلام است که خدا برای تو سخنی دلپذیر بیان میکند که او بر تو کتابی که بتکرار خوانده شود نازل کرده است درجه بعض چنین آیتهاى اند که متشابهات و جفت جفت اند اما به شرح آنها آیتهاى دیگر عیناً متشابه آنها نیز وجود دارند که کاوشگران حق را برای درک کردن متشابهات کمک میکنند. این همان موضوع است که در کلمات *يَفْسَّرُ بَعْضُهُ بَعْضًا* بیان شده است. در جای دیگر فرمود آنانکه *رَأْسُخُونَ فِي الْعِلْمِ* یعنی در علم نافذ اند برای ایشان که هیچ آیت هم متشابه نیماند بلکه بر ایشان هر چیز روشن است.

این سوره دارای آن آیت کریمه نیز است که بر حضرت مسیح موعود علیه السلام الهام شده بود و ایشان این کلمات یعنی *"أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ"* [آیا خدا برای بنده خود کافی نیست] را برنگین ترسیم کرده بر انگشتر نشانده بودند. بهمین نسبت احمدیان انگشترهای مثل آن را بطور تبرک و نیک فال بر انگشت میکنند.

آیت ۴۳ این سوره پرده را از این راز مهم برمیدارد که خواب نیز یک نوع مرگ است درجه روح یا شعور بتکرار غرق می شود و طبق نظامی

مقرر کرده از خدای متعال درست بروقت معین با ته مغز برخوردار کرده باز میگردد. زبردستان علم بر این امر پژوهشگری کرده میگویند این واقعه در وقت معین شخصی در خواب را بتکرار پیش میآید. این وقت معین با ساعت اتمی نیز میتوان میزان کرد و در این مدت معین هیچ تفاوتی بچشم نخواهد خورد. اما چون خداوند جان را پس از غرق باز نمیگرداند این حالت را مرگ یا وفات میخوانند.

چنانکه اینجا ذکر از احضار شدن در محضر خدا و جدا شدن از دنیا برای همیشه است پس برای آنانکه خوف از جوابگوئی را دارند مژده ای است که خداوند مختار است که هر نوع گناه را بیآمرزد. او بسیار بخشنده و بارها رحم کننده است. پس بدرگاه او فروتن شوید و خویشتن را به او بسپارید پیش از اینکه آن عذابی شمارا درگیرد و قبل از توبه جان از تن دررود و حسرت برده اعلام کنید کاشکی انسان در پیشگاه خداوند جسورانه دست بگناه نمیزد.

نام این سوره "زمر" است و در دو آیت اخیر [زمر] گروه در دو قسمت منقسم کرده شد. یکی گروه از آنان است که گروه درگروه به جهنم رانده شوند و یکی از آنان است که گروه درگروه به بهشت برده شوند.

☆ سُوْرَةُ الزُّمْرِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ سِتُّ وَ سَبْعُونَ آيَةً وَ ثَمَانِيَةُ رُكُوعَاتٍ

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

نازل آمدن این کتاب از خدا

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ

صاحب غلبه کامل صاحب حکمت

الْحَكِيمِ ②

است (۲)

یقیناً ما [این] کتاب را با حق نازل

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ بِالْحَقِّ فاعْبُدِ

کرده ایم. پس دین را خاص او

اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ③

قرار داده خدا را عبادت کن (۳)

باش [دین] خالص شایان خدا است

أَلَّا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ ④ وَالَّذِينَ

و کسانی که جز او دوستان گرفته

اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا

اند [گویند که] آنها را پرستش نمی

إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى ⑤ إِنَّ اللَّهَ

کنیم مگر برای اینکه ما را بسوی

يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ⑥

خدا نزدیک کرده به بلندتر رتبه

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَذِبٌ كَفَّارٌ ⑦

تقرب برسانند. یقیناً خدا میان

آنها قضاوت نماید در آن باره که

آنها در آن اختلاف میکردند یقیناً

خدا آنکه دروغگوی سخت

ناسپاس است را هدایت نمی

دهد (۴)

خدا اگر میخواست پسری بگیرد
حتماً از آنچه او آفریده هر چه را
دوستداشت برمیگزید. او پاک
است. او خدا یکتای صاحب
جبروت است (۵)

او آسمانها و زمین را بحق آفرید.
او پوشش شب را بر روز میفکند
و پوشش روز را بر شب میفکند.
او خورشید و ماه را مسخر نمود.
مگى به نهایت زمانی خود حرکت
میکنند. هشدارا او صاحب غلبه
کامل آمرزگار است (۶)

شمارا از یکتا آفرید. سپس از
خود آن جفت آنرا ساخت و برای
شاهشت جفت از چهارپایان نازل
کرد. شمارا درشکهای مادرانتان
درسه تاریکی خلقی پس از خلقی
میآفریند. این خدا پروردگار شما
است. پادشاهی از آن او است. هیچ
معبودی نیست جز او. پس بکجا
برگردانده شوید (۷) + [ص ۱۱۱۶]

لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَأُصْطَفَىٰ مِمَّا
يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۗ سُبْحٰنَهُ ۗ هُوَ اللَّهُ
الْوٰحِدُ الْقَهَّارُ ۝

خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ بِالْحَقِّ ۗ يَكُوْرُ
الَّيْلَ عَلٰى النَّهَارِ وَيَكُوْرُ النَّهَارَ عَلٰى الْاَيْلِ
وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۗ كُلٌّ يَجْرِي
لِاجْلِ مُسَبِّ ۗ اَلَا هُوَ الْعَزِيْزُ
الْعَقَّارُ ۝

خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَّاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا
زَوْجَهَا وَاَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْاَنْعَامِ ثَمْنِيَةَ
اَزْوَاجٍ ۗ يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُوْنِ اُمَّهَاتِكُمْ
خَلْقًا مِّنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِى ظُلُمٰتٍ ثَلٰثٍ ۗ
ذٰلِكُمْ اللّٰهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمَلِكُ ۗ لَا اِلٰهَ اِلَّا
هُوَ ۗ فَاَلِى تُصْرَفُوْنَ ۝

اگر انکار کنید پس یقیناً خدا بی نیاز از شما است و کفر را برای بندگان خود دوست ندارد و اگر سپاس گوید آن را برایش می پسندد. هیچ باربری بار دیگری را بدوش نگیرد. سپس بازگشت شما بسوی پروردگارتانست پس او شما را آگاه سازد به آنچه می کردید. یقیناً او به رازهای سینه ها خوب آگاه است (۸)

إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ①

وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِّنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ

++ آیت ۷: واژه انزل اگرچه معنای نازل کردن را میپردازد ولی در اینجا بمعنای آفرینش چیزهای فائده مند فوق العاده استعمال میشود و نه بمعنای نازل شدن از آسمان به صور. همه دنیا میدانند که چهارپایان مثل باران از آسمان فرود نمیآیند بلکه واژه نزول برای آنها بدانعلت بکار رفته است که آنها برای انسان سودی فراوان همراه دارند. همین واژه "نزول" برای آمد ثانی حضرت عیسی بکار برده شد. بلکه این فوق همه در حق آن حضرت صلی الله علیه وسلم بکار برده شده است. بعنوان مثال قرآن فرمود قد انزل الله اليكم ذكراً رسولاً (سورة الطلاق ۱۱-۱۲). تمامی علماء قبول دارند که آنحضرت (ص) با جسم صوری از آسمان نزول نکرده بودند. ایشان را باید که هم در عقیده خود درباره نزول حضرت عیسی نیز تجدید نظر کنند.

خواند. سپس چون از جانب خود نعمت را به او عطا کند فراموش سازد آنچه را که قبلاً بسوی آن دعامیکرد و برای خداشريك قرار دهد تا از راه او گمراه سازد. بگو بهره ناقابل بکفر خود بگیر یقیناً تو از اهل آتش هستی (۹)

آیا کسیکه در پاره های شب عبادت کننده است [گاهی] سجده کنان و [گاهی] بپا ایستاده، از آخرت می ترسد و رحمت پروردگار خود را امید دارد [صاحب دانش نیست؟] بپرس آیا آنانکه دانش دارند و آنها که دانش ندارند یکسان اند؟ یقیناً فقط صاحبان خرد اندرز می گیرند (۱۰)

بگو: ای بندگان من که ایمان آورده اید! پروردگار خود را تقوی فرا گیرید. کسانی که حسن عمل نشان دهند را در این دنیا هم خوبی است و زمین خدا فراخ است.

يَدْعُوا إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَجَعَلْ لِلَّهِ أَتْدَادًا
يُضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ ۗ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ
قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ ۝۱

أَمْ هُوَ قَانِتٌ أَنْ آتَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا
يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ ۗ
قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ
لَا يَعْلَمُونَ ۗ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو
الْأَلْبَابِ ۝۱

قُلْ يُعْبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ ۗ
لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ ۗ
وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ ۗ إِنَّمَا يُوَفَّى
الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۝۱

البته فقط صبرکنندگان پاداش
خودشان کامل بدون حساب داده
شوند (۱۱)

بگو برآستی من امر شده ام که
دین را مخلصانه برای او قرار
داده خدا را عبادت کنم (۱۲)
و امر شده ام که من نخستین
فرمان برداران باشم (۱۳)

بگو، یقیناً من اگر پروردگار خود
را نافرمانی کنم از عذاب روزی
بزرگ میترسم (۱۴)

بگو: من دین خود را مخلصانه
برای او قرار داده خدا را عبادت
میکنم (۱۵)

پس او را ترك کرده هرچه را می
خواهی پرستش کنید. بگو برآستی
خسارت کاران [واقعی] آناند که
جانهای خود و خانواده خود را روز
قیامت خسارت دادند. هشدار! این
خسارتی آشکار است (۱۶)

برای آنها هم از بالای آنان سایه

قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ
الدِّينَ ۗ

وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ ۗ

قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ
يَوْمٍ عَظِيمٍ ۗ

قُلْ اللَّهُ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي ۗ

فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ ۗ قُلْ إِنَّ
الْخَسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ
وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ أَلَا ذَلِكَ هُوَ
الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ۗ

لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَمِنْ

آتش است و هم از زیر آنها سایه
[آتش] است [یعنی آتش از هر سو
آنها را فرا گیرد]. این است که به
آن خدا بندگان خود را میترساند.
ای بندگانم! پس مرا تقوی اختیار
کنید (۱۷)

و کسانی که اجتناب کردند بتان
را که عبادتشان کنند و بسوی خدا
فروتنی کردند ایشان را مژده
بزرگ است. پس بندگانم را مژده
بده (۱۸)

کسانی که به سخن گوش باز دهند
پس بهترین آنرا پیروی کنند همانها
اند که خدا ایشان را هدایت
کرده است و همانند که صاحبان
خردند (۱۹)

پس آیا آنکه فرمان عذاب بر او
راست آمد [میتواند نجات یابد؟]
پس آیات او را هم میتوانی نجات
دهی که سراپا در آتش است؟ (۲۰)
اما کسانی که پروردگار خود را تقوی

تَحْتَهُمْ ظِلٌّ ۗ ذَٰلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهُ بِهِ
عِبَادَهُ ۗ يُعْبَادِ فَاتَّقُونَ ﴿۱۷﴾

وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا
وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ ۗ فَبَشِّرْ
عِبَادِ ﴿۱۸﴾

الَّذِينَ يَسْمَعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ
أَحْسَنَهُ ۗ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ
وَأُولَٰئِكَ هُمُ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿۱۹﴾

أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ ۗ أَفَأَنْتَ
تُنْقِذُ مَنْ فِي النَّارِ ﴿۲۰﴾

لَكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ عُرفٌ مِّنْ

فَوْقَهَا عُرْفٌ مَّبْنِيَّةٌ ۖ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
الْأَنْهَارُ ۗ وَعَدَّ اللَّهُ ۗ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ
الْمِيعَادَ ۖ ﴿۲۱﴾

الْمُتَرَانَّ اللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً
فَسَلَكَهُ يَنَابِيعٌ فِي الْأَرْضِ ۖ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ
زُرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ۖ ثُمَّ يَهْبِجُ فَتُرَبُّهُ
مُضْفَرًا ۖ ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا ۗ إِنَّ فِي
ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِبِأُولِي الْأَلْبَابِ ۖ ﴿۲۲﴾

۲۳
۱۱

أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ
عَلَى نُورٍ مِّنْ رَبِّهِ ۗ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ
قُلُوبُهُمْ مِّنْ ذِكْرِ اللَّهِ ۗ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ
مُّبِينٍ ﴿۲۳﴾

پیش گیرند برای ایشان بالاخان
های است که فوق آنها بالاخان
های دیگر بنا شده باشد. دردمانه آنها
نهرها روان است. [این] وعده خدا
است. خدا خلف وعده نمیکنند (۲۱)
آیندیدی که خدا آب را از آسمان
نازل کرد - پس آنرا در زمین در
صورت چشمه ها جاری کرد سپس
بدان مزرعه ای در میآرد - رنگش
مختلف است - سپس [آن رسیده
یا نرسیده] خشک گردد. پس زرد
شدن آنرا مینگری. سپس آنرا ریزه
ریزه میگرداند. یقیناً خرد مندان
را در این اندرزی بزرگست (۲۲)
پس آیا کسیکه سینه او را خدا
برای اسلام بگشاید باز او بر
نوری از پروردگار خود [استوار]
است [میشود او مانند کسانی عاری
از یاد خدا باشد؟] پس هلاک باد
بر کسانی که دلهای آنها [عاری] از
ذکر خدا سفت اند. آنها در گمراهی

آشکاراند (۲۳)

خدا نیکوترین بیان را کتابی
متشابه ی بارها تکرار شونده نازل
کرده است که از آن پوستهای
ایشان که از پروردگار خود می
ترسند بلرزه میفتد. سپس پوست
های ایشان و قلبهای ایشان به ذکر
خدا [متمایل] نرم شود. این هدایت
خدا است که بدان هر که را
دوست دارد هدایت میدهد و آنکه
را خدا گمراه گرداند پس او را
هیچ هدایت دهنده ی نیست (۲۴)

پس آیا آنکه روز قیامت چهره خود
را برای نجات از سختی عذاب
سپری قرار دهد [تواند نجات یابد؟]
و به ستمکاران گفته شود بچشید
آنچه را کسب میکردید (۲۵)

کسانیکه از پیش آنها بودند نیز
تکذیب کرده بودند. پس عذاب
آنها را از آن جهت آمد که تصور هم
نمیکردند (۲۶)

اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا
مَثَانِيًّا ۖ تَقْشَعْرُ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ
رَبَّهُمْ ۗ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ
إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ۗ ذَلِكَ هَدَى اللَّهُ يَهْدِي بِهِ
مَنْ يَشَاءُ ۗ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ
هَادٍ ۖ ﴿٢٤﴾

أَفَمَنْ يَتَّبِعْ بَوَجهِهِ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ
الْقِيَامَةِ ۗ وَقِيلَ لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنتُمْ
تَكْسِبُونَ ۖ ﴿٢٥﴾

كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَآتَهُمُ
الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ۖ ﴿٢٦﴾

پس خدا آنها را رسوائی چشاند در
زندگانی دنیا و عذاب آخرت بزرگ
تر است کاشکی میدانستند (۲۷)

و البته در این قرآن از هر کدام
مثل برای مردم بیان کرده ایم تا
آنها پند بگیرند (۲۸)

این قرآن فصیح و بلیغ دارای
هیچ کجی نیست تا آنها تقوی را
فرا گیرند (۲۹)

خدایان میکند مثل چنین کس که
وابسته به چند شریکان بهم مناقشه
کنندگان است و مثل آن کس که
کلیه برای یک نفر است. آیا ایندو
یکسان حال اند؟ ستایش مطلق از
آن خدا است. اما امر واقعی اینست
که بیشتر ایشان میدانند (۳۰)

یقیناً توهم میبری و یقیناً آنها هم
میمیرند (۳۱)

سپس یقیناً شما روز قیامت در
حضور پروردگار خود با یکدیگر
ستیزه خواهید کرد (۳۲)

فَاذَاقَهُمُ اللَّهُ الْخِزْيَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

يَعْلَمُونَ ﴿۲۷﴾

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ

كُلِّ مَثَلٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿۲۸﴾

قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَّعَلَّهُمْ

يَتَّقُونَ ﴿۲۹﴾

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ

مُتَشَكِّسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِّرَجُلٍ هَلْ

يَسْتَوِينَ مَثَلًا ۚ الْحَمْدُ لِلَّهِ ۚ بَلْ

أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۳۰﴾

إِنَّكَ مَيِّتٌ وَ إِنَّهُمْ مَيِّتُونَ ﴿۳۱﴾

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ

تَخْتَصِمُونَ ﴿۳۲﴾

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ
وَكَذَبَ بِالصَّدْقِ إِذْ جَاءَهُ ۗ أَلَيْسَ
فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ ﴿۳۲﴾

۲۴۱
۳۲

پس کیست ستمکارتر از آنکس
که دروغ برخدا بندد و صدق را
چون نزدش بیاید تکذیب کند.
آیا برای کافران جایگاه درجهنم
نیست؟ (۳۲)

وَالَّذِي جَاءَ بِالصَّدَقِ وَصَدَّقَ بِهِ
أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ﴿۳۳﴾

و کسیکه با صدق آید و [آنکه] به
آن تصدیق نماید همانانند که پرهیز
کارانند (۳۳)

لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۗ ذَٰلِكَ
جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ ﴿۳۴﴾

برای ایشان است نزد پروردگار
ایشان هرچه بخواهند. شایسته
کاران را این پاداش است (۳۴)

لِيُكَفِّرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا
وَيَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ الَّذِي
كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۳۵﴾

تا خدا زشتیهای آن [اعمال] که می
کردند را از آنان دورسازد و آنان
را بدهد پاداش ایشان به بهترین
آن اعمال که میکردند (۳۵)

أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ ۗ وَيُخَوِّفُونَكَ
بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ ۗ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ
فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿۳۶﴾

آیا خدا برای بنده خودبس نیست؟
و تورا میترسانند از آنانکه غیر
از اویند و آنکه را خدا گمراه
قراردهد پس او را هدایت دهنده
ای نیست (۳۶)

وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ ۗ أَلَيْسَ

و آنکه را خدا هدایت دهد او را

اللَّهُ بَعَزِيزٌ ذِي انتِقَامٍ ﴿۳۸﴾

گمراه کننده ی نیست. آیا خدا صاحب غلبه کامل انتقام گیرنده نیست؟ (۳۸)

وَلَيْنُ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ ۗ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَتُ رَحْمَتِهِ ۗ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿۳۹﴾

و اگر از آنها بپرسی کی آسمانها و زمین را آفرید؟ حتماً گویند خدا. پس بگو، آیا نگریستید که اگر خدا بخواهد مرا گزند رساند آنچه ما را بغیر از خدا میخوانید آیا آنها دورکننده زیان آن [گزند] اند؟ و اگر برای من برحمت اراده کند آیا آنها رحمت او را بازدارند - گان اند؟ بگو خدا برای من بس است. توکل کنندگان بر او توکل میکنند (۳۹)

قُلْ يَقَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ ۗ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿۴۰﴾

بگو، ای قوم من! هرکاری که می خواهید برجای خود بکنید البته منم کننده ای ام. پس بزودی بدانید (۴۰)

مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴿۴۱﴾

کی را عذابی میرسد که او را خوار کند و بر او عذابی پایدار نازل میشود (۴۱)

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ ۚ
فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ ۚ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا
يُضِلُّ عَلَىٰهَا ۚ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ۙ

یقیناً ما کتاب را بر تو بحق
برای [نفع] مردم نازل کرده ایم. پس
هر که هدایت یابد پس برای نفس
اوست و آنکه گمراه شد پس فقط
خلاف آن [نفس] گمراه شود و تو
بر آنها نگهبان نیستی (۴۲)

اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي
لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا ۖ فِيمِصْرُ النَّفْسِ
الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأَخْرَىٰ
إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ
لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۙ

خدا جانهارا هنگام مرگشان قبض
می کند و آنکه نمرده است را در
خوابش [قبضکند] پس بر آنکه مرگ
گذرانیده شد او را نگه میدارد و
دیگری را تا زمان معین [پس] می
فرستد. یقیناً در این آیتهای است
برای قومیکه تفکر کنند (۴۳)

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ ۗ قُلْ أَوْ
لَوْ كَانُوا لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ ۙ
قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا ۗ لَهُ مُلْكُ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ ثُمَّ إِلَيْهِ
تُرْجَعُونَ ۙ

آیا آنها جز خدا شفیعمان گرفته اند؟
بگو. اگر چه آنها چیزی را اختیار
ندارند و عقل نمیکند؟ (۴۴)
بگو: شفاعت کاملاً بدست خدا است.
پادشاهی آسمانها و زمین از آن او
است سپس بسوی او برگردانده
شويد (۴۵)

و مرگاه خدای یگانه را ذکر شود

وَإِذَا دُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ

دلهای آنها که به آخرت ایمان ندارند رنج برند و چون ذکر شود آنان را که غیر از اویند بیدرنگ شادمان میشوند (۴۶)

بگو ای خدا آفریدگار آسمانها و زمین دانای نهان و عیان! تو میان بندگان خود داوری کن در آن باره که در آن اختلاف میکنند (۴۷)

و اگر بود همگی آنچه در زمین است از آن آنها که ستم کردند و مانند آن بلاوه آن حتماً آنرا برای نجات خویشان از عذاب بد روز قیامت فدا میداند و برای ایشان از جانب خدا پدید آید آنچه را گمان هم نمی کردند (۴۸)

و زشتیهای آنچه کسب کردند برای آنها پدیدار گردد و آنها را فراگیرد آنچه به آن تسخر می کردند (۴۹)

پس هرگاه انسان را گزند می رسد ما را میخواند. سپس چون

الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَإِذَا ذُكِرَ
الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿٤٦﴾

قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
عَلِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ
عِبَادِكَ فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٤٧﴾
وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْأَرْضِ
جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ مِنْ سُوءِ
الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ وَبَدَّ اللَّهُ مَا
لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ ﴿٤٨﴾

وَبَدَّ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا كَسَبُوا وَحَاقَ بِهِمْ
مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٤٩﴾

فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا
حَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِّنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ

او را از جانب خود نعمت عطا کنیم گوید: این فقط بنابر دانشی داده شده ام. درحقیقت این فتنه بزرگی است و اما بیشتر ایشان نمیدانند (۵۰)

البته آنانکه پیش از آنها بودند همین را گفته بودند. پس بکار ایشان نیامد هرچه کسب می کردند (۵۱)

پس رسید به آنها بدیهای آنچه کسب کردند و کسانی از این مردم که ستم کردند را هم حتماً برسد بدیهای آنچه بدست آوردند و آنها نتوانند [خدارا] بجز آرند (۵۲)

آیا نمیدانند خدا برای هر که خواهد رزق را فراخ نماید و تنگ می نماید. یقیناً در این آیت‌های است برای قومیکه ایمان می‌آرند (۵۳)

بگو ای بندگان من که برجانهای خود تجاوز کرده اید! از رحمت خدا نومید نشوید. یقیناً خدا همه

عَلَىٰ عِلْمٍ ۗ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَٰكِن ۗ
أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۵۰﴾

قَدْ قَالُوا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَمَا آغْنَىٰ
عَنَّهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿۵۱﴾

فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا ۗ وَالَّذِينَ
ظَلَمُوا مِنْهُمْ هَٰؤُلَاءِ سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتُ
مَا كَسَبُوا ۗ وَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿۵۲﴾

أَوَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ
لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ
لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿۵۳﴾

قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا
تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ
الدُّنُوبَ جَمِيعًا ۗ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ

الرَّحِيمِ ﴿۵۴﴾

گناهان را می آمرزد. یقیناً او بسیار آمرزنده بارها رحمکننده است (۵۴)

و بسوی پروردگار خود انابت کنید و او را فرمانبردار شوید قبل از این که شمارا عذاب آید. سپس یاری داده نشوید (۵۵)

و پیروی کنید بهترین آنچه را که بسوی شما از پروردگار شما نازل کرده شد پیش از آنکه عذاب شما را برسد درحالیکه شما درک هم نکنید (۵۶)

مبادا کسی گوید یا حسرتا! بر آن کوتاهی که در پهلوی [روبروی] خدا میکردم و من که محض از تمسخر کنندگان بودم (۵۷)

یا بگوید، اگر خدا مرادایت میکرد حتماً از متقیان میشدم (۵۸)
یا بگوید وقتی عذاب را بنگرد که اگر برایم یکبار بازگشتی باشد آنگاه از نیکوکاران میشوم (۵۹)

وَأَنبِئُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ ﴿۵۵﴾

وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَ أَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿۵۶﴾

أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَحْسَرْتُ عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّخِرِينَ ﴿۵۷﴾

أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ﴿۵۸﴾
أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَىٰ الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿۵۹﴾

بَلَىٰ قَدْ جَاءَ ثُكَّالُ الْيَتِيمِ فَكَذَّبَتْ بِهَا
وَاسْتَكْبَرَتْ وَكُنْتَ مِنَ الْكٰفِرِيْنَ ﴿۱۰﴾

بلی! البته ترا آیت‌های من آمد و
آنها را رد کردی و تکبر را بکار
بردی و تو از کافران بودی (۶۰)
و روز قیامت کسانی که برخداد روغ
گفتند را خواهی دید که روی‌های
آنها سیاه اند. آیا جایگاه تکبر
کنندگان در جهنم نیست؟ (۶۱)

وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ
وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ
مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِيْنَ ﴿۱۱﴾

و خدا کسانی که تقویٰ فرا گرفتند
را نجات دهد با سر بلندی ایشان،
نه گزندى به ایشان برسد و نه
ایشان اندومگین شوند (۶۲)

وَيَجِيءُ اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ
لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۱۲﴾

خدا آفریدگار هر چیز است و او
بر هر چیز نگهبان است. (۶۳)

اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
وَكَيْلٌ ﴿۱۳﴾

کلیدهای آسمانها و زمین از آن او
است و کسانی که به نشانه‌های خدا
انکار کردند همانها اند که خسارت
کاران اند (۶۴)

لَهُ مَقَالِيدُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ
وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِآيٰتِ اللّٰهِ اُولٰٓئِكَ هُمُ
الْحٰسِرُوْنَ ﴿۱۴﴾

بگو، آیا مرا فرمان میدهد که
غیر خدا را عبادت کنم؟ ای
جاملان! (۶۵)

قُلْ اَغْيِرَ اللّٰهُ تَاْمُرُوْٓنِيْ اَعْبُدُ اَيُّهَا
الْجٰهِلُوْنَ ﴿۱۵﴾

و یقیناً بسوی تو و بسوی آنها که

وَلَقَدْ اَوْحٰٓى اِلَيْكَ وَاِلَى الَّذِيْنَ مِنْ

قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكَتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ
وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَسِرِينَ ﴿٦٦﴾

از پیش تو بودند وحی کرده شد
که اگر شرک کردی یقیناً عمل تو
ضائع رود و حتماً از خسارت
کاران شوی (۶۶)

بَلِ اللَّهِ فَاَعْبُدُوهُ كُنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿٦٧﴾

بلکه خدا را عبادت کن و از سپاس
گذاران باش (۶۷)

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ
جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَوَاتُ
مَطْوِيَّاتٍ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا
يُشْرِكُونَ ﴿٦٨﴾

و آنها قدر خدا را شایان قدر او
نه شناختند و زمین روز قیامت
کلیهٔ درمشت او باشد و آسمانهای
پیچیده بدست راست او باشند.
او پاک است و بلندتر از آنچه
شرک ورزند (۶۸) ++

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي
السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ

و در صور دمیده شود و هر چه در
آسمانهاست و هر چه در زمین است
بیهوش افتد مگر آنکه را خدا خواهد

++ آیت ۶۸: در این آیت نقشهٔ قیامت کشیده شد: (۱) در آنروز زمین کلیهٔ در قبضه خدا باشد و (۲) تمامی آسمان یعنی کاینات پیچیده در دست راست او باشد. منظور از دست راست، دست قدرت است و نه دست راست صوری. موضوع پیچیدن کاینات در این زمان از روی پژوهش علمی کاملاً راست آمده است که زمین و آسمان بدان گونه داخل یک "بلیک هول فنا" کرده شوند گویی که آنها بهم پیچیده اند. در آیتهای دیگر به وضاحت بیشتر گفته میشود که منظور از تمثیل پیچیدن چه است.

اللَّهُ ثُمَّ نُنْفَخُ فِيهِ آخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ
قِيَامٌ يُنْظَرُونَ ﴿٦٩﴾

سپس در آن دوباره دمیده شود.
پس ناگهان آنان برپا ایستاده می
نگرند (۶۹)

وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ
الْكِتَابُ وَجَاءَتْ بِالنَّبِيِّنَ وَالشَّهَدَاءِ
وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا
يُظْلَمُونَ ﴿٧٠﴾

وزمین بنور پروردگار خود روشن
گردد و نامه اعمال [روبرو] نهاده
شود و پیغمبران و گواهی دهنندگان
احضار شوند و میان ایشان قضاوت
بحق کرده شود و ایشان ستم
کرده نشوند (۷۰)

وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ
بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿٧١﴾

و مرتن آنچه عمل کرد کاملاً داده
شود و او داناتراست به آنچه می
کنند (۷۱)

ع
٤

وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُرَّارًا
حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا فَتَحَتْ أَبْوَابُهَا
وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ
مِّنْكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ
وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا قَالُوا
بَلَىٰ وَلَكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى
الْكَافِرِينَ ﴿٧٢﴾

و کسانی که کفر کردند گروه در گروه
بسوی جهنم رانده شوند تا آن انتها
که چون به آن برسند درهایش
گشوده شود و نگهبانانش به آنها
گویند: آیا رسولان از خود شما نزد
شما نیامده بودند که آیتهای
پروردگار شما را بر شما میخواندند
و شما را از ملاقات این روز شما
هشدار میدادند؟ آنها گویند: بلی.

اما فرمان عذاب بر کافران راست
آمد (۷۲)

گفته شود: به درهای جهنم وارد
شوید که در آن مدت دراز ماندگان
اید. پس چه زشت است جایگاه
متکبران (۷۳)

و آنانکه خدا را تقوی کردند
گروه در گروه ببهشت برده شوند
حتی چون به آن برسند درهای آن
گشوده شود و نگهبانانش به ایشان
گویند: درود بر شما، خوشا بحال
شما! پس جاودان به آن وارد
شوید (۷۴)

و گویند: ستایش مطلق از آن خدای
است که ما را وعده خود وفا کرد
و ما را وارث سرزمین [موعود]
گرداند جا میسازیم در بهشت هر
جا بخواهیم پس پاداش عمل
کنندگان چه تشنگ است (۷۵)

و فرشتگان را بینی که پیرامون
عرش را بدور گرفته باشند و

قِيلَ ادْخُلُوا ابْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا
فَبِئْسَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٧٢﴾

وَسَيُقَى الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ
زُمُرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ
أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ
عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ ﴿٧٣﴾

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَهُ
وَآوَرَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُوا مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ
نَشَاءُ ۚ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَمِلِينَ ﴿٧٤﴾

وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِّينَ مِنْ حَوْلِ

با حمد پروردگار خود تسبیح گویند
 و قضاوت میان ایشان بداد شود و
 گفته شود ستایش مطلق برای خدا
 پروردگار همه جهانها است (۷۶)

الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ
 بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ
 الْعَالَمِينَ ﴿٧٦﴾

۴۰-سورة المومن

این سوره در مکه نازل شد و با بسم الله ۸۶ آیت دارد.

حروف ابتدائی این سوره مقطعات حَمّ است و شش سوره بعدی نیز با همین مقطعات شروع کرده میشود. اینطور با این جمعاً هفت سوره است که با حَمّ شروع میشوند. خداوند داناتر است که این سوره ها را وابستگی که با سوره الفاتحه است آن چیست؟

در سوره گذشته فرزندان آدم توصیه شدند که از رحمت خدا نباید نومید شد. قنوط [نومیدی] اصلاً صفت شیطان است. آنکس که بر رحمت خدا از ته قلب توکل کند و از گناهان خود توبه حقیقی کند آنگاه خداوند توانا است که همه گناهانش را بیآمرزد.

بر همین منوال در سوره گذشته فرشتگان حاقّین خوانده شدند که ایشان پیرامون عرش را احاطه کرده اند. اما در این سوره علاوه کرده شد که آمرزش شما وابستگی به دعاهاى فرشتگان نیز دارد که عرش خدا را بدوش گرفته اند. خداوند هر جا موجود است و او هر يك چیز کاینات را برداشته است. لذا اینجا ذکر از صفات تنزیه او میباشد و عرش دال بر صفای قلب آنحضرت ﷺ است. آن تختگاه خدای متعال است. فرشتگان برای تقویت قلب ایشان آنرا از هر چهار سو فرا گرفته اند. ایشان برای بندگان گنهکاران خدا نیز دعا می کنند و بعلاوه برای نژاد ایشان نیز. پس یقیناً این دال بر آن ادعیه برخاسته از عرش دل رسول الله ﷺ است که ایشان تا قیامت برای نیکو کاران خدا در آتیه و نژاد ایشان کرده اند.

در این سوره ذکر از آن شهزاده است که چون فرعون در صد شد که حضرت موسی را بکشد، او ایمان آورده بود ولی آنرا پنهان داشت. اما چون جلوی او طوطئه ای بقتل حضرت موسی چیده شد آنگاه او از اظهار ایمان خود نتوانست باز ایستد و بقوم خود هشدار بزرگ داد که اگر موسی دروغ گوی است او را ول کنید چه دروغگویان خود به خود هلاک میشوند. اما اگر او بر راستی استوار باشد آنگاه او از آنچه ما شمارا میترساند بعضی از آنها شما را فرا گیرد.

اینجا قومهارا برای همیشه نصیحتی است که کار مدعیان نبوت به خدا بسپارند. اگر ایشان دروغگو اند او خود ایشان را هلاک سازد و اگر ایشان درستکار باشند و شما بدیشان انکار کردید آنگاه از وعیدهای ایشان بعضی را برخودتان راست آمده خواهید دید. چون این اعلام به آن مدعیان نبوت هم بستگی دارد که بعد از رسول الله ﷺ به نبوت مدعی شده بودند لذا سرگذشتهای آن مدعیان حاکی است که کسانی از آنها که دروغگو بودند هلاک کرده و بفراموشی سپرده شدند.

به نسبت نبوت حضرت یوسف علیه السلام نیز ذکر از مدعی بودن مردم به این امر است که پس از ایشان هیچ پیغمبری ظهور نخواهد کرد. اگر این سخن درست بوده آنگاه چطور رسول الله ﷺ بعد از حضرت یوسف به پیغمبری برگزیده شدند؟ پس این ادعای محض از آن مردم است که از تقدیر خدائی هیچ دانشی ندارند. هر چیزی بسته توان شد مگر راه فضل خدا. ضمناً بدنبال اینکه خداوند دروغگویان را هلاک میسازد این آگاهی هم داده شد که او راستگویان را احتمالاً یاری میدهد. پس هر چه زور دارید بکار برید هیچگاه

شما نتوانید پیغمبران راستین خدا را بشکست رو برو کنید.

آیت ۶۶ باردیگر به خالص کردن دین مورد تاکید قرار میدهد بدین جهت که جز خدای زنده دیگری هیچ معبودی نیست. پس دین را برای او خالص کرده فقط او را بخوانید.

☆ سُوْرَةُ الْمُؤْمِنِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سِتُّ وَثَمَانُونَ آيَةً وَتِسْعَةٌ رُكُوعَاتٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

ح ۳۰

بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

حمید، مجید - صاحب حمد صاحب

تمجید (۲)

نازل کردن این کتاب از خدا

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ②

صاحب غلبه کامل دانائی کامل

است (۳)

آمرزنده گناهان و پذیرنده توبه -

عَافِرِ الذُّبْحِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ

سخت کیفر - صاحب دهمش و

الْعِقَابِ ذِي الطَّلُوعِ ③ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ④

وسعت است. هیچ معبودی نیست

جز او. بازگشت بسوی اوست (۴)

در آیاتهای خدا ستیزه نکند جز

مَا يَجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا

آنهائیکه کفر کردند. پس آمد و

رفت آنها آزادانه در کشور تو را

فَلَا يَغْرُرُكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ ⑤

فریب ندمد (۵)

قوم نوح پیش از آنها و گروهی

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ

مختلف پس از آنها نیز تکذیب

کرده بودند و هر قوم [نسبت] به

مِنْ بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ

يَرْسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَدَلُوا بِالْبَاطِلِ
لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتَهُمْ^٦
فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ ①

رسول خود همت را به این اراده
گمارده بودند که او را بگیرند و
بدروغ [با او] مجادله کنند تا
حق را بدان رد کنند. پس آنها را
بگرفتم. پس [بنگرید که] عقوبت
من چطور بود (٦)

و اینگونه فرمان پروردگارتو بر
آنها تیکه کفر کردند راست می‌آید
که آنها واردان آتش اند (٧)

آنانکه عرش را بدوش گرفته اند
و آنانکه پیرامون آند با حمد
پروردگار خود تسبیح میخوانند و
بدو ایمان می‌آیند و آمرزش می
طلبند برای آنانکه ایمان آوردند
- پروردگارا! هرچیز را برحمت
ودانش فرا گرفته ای. پس کسانیکه
توبه کردند و راه تو را پیروی
کردند را بی‌آمرز و ایشان را از
عذاب جهنم نگهدار (٨)

پروردگارا! ایشان را به بهشت
های دایم داخل کن آنکه را وعده

وَكَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ
كَفَرُوا إِنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ ②

الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ
يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ
وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا
وَسِعَتْ كُلُّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ
لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ
عَذَابَ الْجَحِيمِ ③

رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي

داده بودی به ایشان و آنکه از پدران ایشان و همسران ایشان و فرزندان ایشان نیکوکاری کند. یقیناً تو صاحب غلبه کامل صاحب

حکمت هستی (۹)

وایشانرا از زشتیها نگهدار و هر که را آنروز از [نتایج] بدیها حفظ کردی پس یقیناً وی را رحمت کردی و همین موافقت بزرگی

است (۱۰)

مانا آنها که کفر کردند صد اشوند که نفرت خدا از نفرت بهم شما بزرگ تر است. چون به ایمان خوانده می شدید آنگاه انکار میکردید (۱۱)

گویند: پروردگار ما تو ما را دوبار میراندی و دوبار زنده کردی پس مابه گناهان خود اقرار مینمایم. پس آیا ازین راه گریز است؟ (۱۲) ++

وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ
وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّتِهِمْ ۗ إِنَّكَ أَنْتَ
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۹﴾

وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ ۗ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ
يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ ۗ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ
الْعَظِيمُ ﴿۱۰﴾

بج

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَأْتُواكَ لَمَقَاتِ اللَّهِ
أَكْبَرُ مِنْ مَقَاتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ
إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ ﴿۱۱﴾

قَالُوا رَبَّنَا آمَنَّا أَشْتَتِينَ وَآحْيَيْنَا
أَشْتَتِينَ فَأَعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى
خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ ﴿۱۲﴾

++ آیت ۱۲: بظا هر آدمی یکبار میرد. البته دوبار زنده شدنش بعقل میرسد. یکی این زندگی و دومین آن زندگی بعدی. در "أَمَّتْنَا الشَّتَيْنِ" منظور از نخستین مرگ عدم کلی است یعنی نخست بار ما را از عدم کلی بوجود آورده بودی.

اینحال شما است چه هرگاه خدا به یگانگی خوانده میشد انکار میکردید و اگر بدو شریک آورده میشد باور میکردید. پس [اکنون] فیصله کلیه در اختیار خدا است که بسیار بلندتر، بسیار بزرگتر (۱۳) اوست که شمارا نشانه های خود نشان دهد و برایشما رزق را از آسمان نازل کند و پندنگیرد جز آنکه انابت کند (۱۴)

پس خدا را بخوانید اطاعت را برای او اختصاص داده اگرچه کافران ناپسند دارند (۱۵)

او صاحب درجاتی بلند پایه و صاحب عرش است. روح را بفرمان خود نازل کند بر هر که از بندگان خود میخواهد تا به روز ملاقات همدار دهد (۱۶)

روزیکه ایشان بیرون آیند چیزی از [حال] ایشان بر خدا مخفی نباشد امروز پادشاهی از آن کیست؟ برای

ذَلِكُمْ بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ ۚ وَإِنْ يُشْرَكَ بِهِ تُؤْمِنُوا ۗ فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ ۝۱۳

هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ وَيُنَزِّل لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَنْ يُنِيبُ ۝۱۴

فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ۝۱۵

رَفِيعِ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ ۚ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ ۝۱۶

يَوْمَ هُمْ بَرْزُورٌ ۚ لَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ ۚ لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ

الْوَّاحِدِ الْقَهَّارِ ﴿١٧﴾

خدا است که یکتای صاحب جبروت
است (١٧)

امروز هرنفس مزد داده شود به
آنچه کسب کرد. امروز ستمکاری
نیست. یقیناً خدا زود حسابست (١٨)
و آنها را از روز عقوبت نزدیک
شده بترسان. گامیکه دلها از اندوه
به گلوها برسد. ستمکاران را نه
باشد دوست صمیمی و نه شفیعی
که قبول کرده شود (١٩)

او میداند خیانت چشان را و آنچه
را سینه ما پنهان کنند (٢٠)

و خدا با حق قضاوت میکند و آنهایی
را که جز او خوانند چیزی را قضاوت
نکنند. یقیناً خدا است که او بسیار
شنوای بیناست (٢١)

آیا در زمین گردش نکردند تا می
دیدند که فرجام آنها چطور شد که
از پیش آنها بودند. آنها با کمالتر
از اینها در نیرو و نشانیهای وا
گذارده در زمین بودند. پس خدا

الْيَوْمَ تُجْرَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ ۗ لَا
ظُلْمَ الْيَوْمَ ۗ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿١٨﴾

وَأَنْذَرَهُمْ يَوْمَ الْأَرْزَاقِ إِذِ انْقَلَبُ
لَدَى الْحَنَاجِرِ كُظْمِينَ ۗ مَا لِلظَّالِمِينَ
مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ ﴿١٩﴾

يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي
الضُّوُرُ ﴿٢٠﴾

وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ ۗ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ
مِنْ دُونِهِ لَا يَقْضُونَ بِشَيْءٍ ۗ إِنَّ اللَّهَ هُوَ
السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿٢١﴾

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا
كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ
قَبْلِهِمْ ۗ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً
وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ

آنها را به گنامان ایشان بگرفت و آنها را کسی از خدا نجات دهنده نبود (۲۲)

این بود چه آنان را رسولان ایشان با نشانه های آشکار میآمدند بازهم آنان انکار کردند. پس خدا آنها را بگرفت. یقیناً او بسیار نیرومند و سخت عقوبت است (۲۳)

یقیناً موسی را با نشانه های خود و دلیلی غالب و آشکار فرستادیم (۲۴)

بسوی فرعون و هامان و قارون پس گفتند اینکه جادوگری بسیار دروغ پرداز است (۲۵)

پس گامیکه او از جانب ما ایشان را بحق آمدگفتند: پسران ایشان را بکشید که با او ایمان آوردند و زنان ایشان را زنده نگهدارید و نیرنگ کافران نیست مگر بهدر رونده (۲۶)

بِذُنُوبِهِمْ^ط وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ^{۲۲}

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ
بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ^ط إِنَّهُ
قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ^{۲۳}

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطٰنٍ
مُّبِينٍ^{۲۴}

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَارُونَ فَقَالُوا
سِحْرٌ كَذَّابٌ^{۲۵}

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا
اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ
وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ^ط وَمَا كَيْدُ
الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلٰلٍ^{۲۶}

وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى
وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ
دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ
الْفَسَادَ ﴿٢٧﴾

و فرعون گفت بگذارید من موسی
را بکشم و او باید پروردگار خود
را بخواند. براستی من میترسم
که دین شمارا عوض کند یا فساد
را در زمین شیوع دهد (۲۷)

وَقَالَ مُوسَى إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ
مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ ﴿٢٨﴾

و موسی گفت: یقیناً من به پروردگار
خود و پروردگار شما پناه میبرم از
هر تکبر کننده که به روز حساب
ایمان نیآورد (۲۸)

وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ
يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ
يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ
مِنْ رَبِّكُمْ ۗ وَإِنَّ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ
كَذِبُهُ ۗ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا يُصِيبْكُمْ
بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي
مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ ﴿٢٩﴾

و گفت مردی مؤمن از فرعونیان
که ایمان خود را پنهان داشته بود
آیا مردی را برای این میکشید که
او میگوید، خدا پروردگار من است
و شمارا با نشانه های آشکار از
پروردگار شما آمده است؟ و اگر
دروغگو باشد پس دروغش بر خود
او است و اگر راستگو است پاره
از آن چیزها که شمارا میترساند
شمارا میرسد. یقیناً خدا آنرا که
او تجاوزگر و سخت دروغگو

است هدایت نمیدهد (۲۹) ++

يَقَوْمَ لَكُمْ الْمَلِكُ الْيَوْمَ ظَهَرِينَ فِي
الْأَرْضِ فَمَنْ يَنْصُرُنَا مِنْ بَأْسِ اللَّهِ إِنْ
جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا
أَرَى وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ
الرَّشَادِ ۝

ای قوم من! امروز بدست شما
چنین پادشاهی است که در زمین
چیره می شوید پس کی ماریاری
دهد از گرفت عذاب خدا اگر ما
را بیاید. فرعون گفت فقط آنچه
بشما حالی کنم آنچه را حالی
میشوم و شما را فقط براه هدایت
رهنمائی میکنم (۳۰)

وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَقَوْمِ إِنِّي أَخَافُ
عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ ۝

و گفت آنکه ایمان آورده بود ای
قوم من! یقیناً من میترسم بر شما
[روزگاری] مانند روز احزاب نه
آید (۳۱)

++آیت ۲۹: آن مرد مومن که ذکرش دراین آیت است او از خویش وندان و از
سرداران بزرگ فرعون بود و مانند حضرت آسیه او نیز به حضرت موسی ایمان
آورده بود. اما ایمان خود را پنهان میداشت.

ازاین آیت میرسد هنگامیکه فرعون و سردارانش به قتل حضرت موسی تصمیم
میرفتند او ایمان مخفی خود را علنی نمود و به آنها پند نمود که دست از اینکار
بردارند ودلیلی آورد که اگر او دروغگوی است پس گزند دروغ بر خود او میفتند.
کسیکه به اونسبت دروغ داده شد او خودش آن دروغگوی را مواخذه کند. اما اگر
او راستگوی درآمد آنگاه آفت های که او پیشگویی میکند بعضی از آنها دنبال شما
افتاده منجر به هلاک شما شوند. این علامت دایمی از پیغمبران راستگویان است و ملت
های که بسوی ایشان پیغمبران مبعوث میشوند برای ایشان پندی استوار است.

مانند روش قوم نوح و عاد و ثمود و آنانکه پس از آنان بودند و خدا برای بندگان خود ستم را قصد نه دارد (۳۲)

و ای قوم من! براستی من بیم دارم بر شما از روزیکه صدای بلند به همدیگر زده خواهد شد. (۳۳)

روزیکه پشت کرده پابفرارنمید شمارا از خدایجات دهنده ی نباشد و مرکه را خدا گمراه قرار دهد پس کسی او را هدایت دهنده نیست (۳۴)

البته شما را یوسف هم پیش از این با نشانه های روشن آمده بود. پس شما مدام در شك مانندید از آنچه که با آن شمارا آمد تا آن انتها که چون او درگذشت گفتید که خدا بعد از او رسولی را مبعوث نخواهد کرد. اینگونه خدا گمراه میگرداند آنکس را که او تجاوز گری در شك فرو رونده

مِثْلَ دَابِ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَ ثَمُودَ
وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ^ط وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ
ظُلْمًا لِلْعِبَادِ^{٣٢}

وَيَقُومُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ
التَّنَادِ^{٣٣}

يَوْمَ تَوْتُونَ مَدْبِرِينَ^ج مَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ
مِنْ عَاصِمٍ^ح وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ
هَادٍ^{٣٤}

وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ
فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ^ط حَتَّى
إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ
رَسُولًا^ط كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ
مُسْرِفٌ مُرْتَابٍ^{٣٥}

است (۳۵)

کسانی که درباره آیت‌های خدا مجادله کنند بدون دلیل قاطعی که آنها را آید گنای بزرگست نزد خدا و نزد آنانکه ایمان آوردند. اینطور خدا بر دل هر کدام متکبر زور گو مهرینهد (۳۶)

الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَنٍ أَتَاهُمْ ۖ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا ۗ كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ ﴿٣٦﴾

و فرعون گفت: ای هامان برای من کاخی بنا کن تا من به آن راه ها برسم (۳۷)

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانَ ابْنِ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ ﴿٣٧﴾

راه های آسمانها تا بسوی خدای موسی نگاه دزدکی کنم و براستی من حتمًا او را دروغگو گمان می کنم و اینگونه برای فرعون اعمال زشتش زیبانشان داده شد و از راه بازداشته شد و نبود نیرنگ فرعون جز غرق در بی مرادی (۳۸)

أَسْبَابَ السَّمَوَاتِ فَأَطَّلِعَ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ كَاذِبًا ۗ وَكَذَلِكَ زَيْنَ فِرْعَوْنَ سَوْءٍ عَمَلِهِ وَصَدَّعِنِ السَّبِيلَ ۗ وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ ﴿٣٨﴾

وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَتَقَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِيكُمْ
سَبِيلَ الرَّشَادِ ۝

و گفت آنکه ایمان آورده بود: ای قوم من! مرا پیروی کنید، شمارا راه هدایت نشان خواهم داد (۳۹)

يَتَقَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ
الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ ۝

ای قوم من! این زندگانی دنیا سر و سامان موقتی بیش نیست و یقیناً آن سرای آخرت است که شایان منزل گاه است (۴۰)

مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا
وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْشِيَ وَهُوَ
مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ
فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ ۝

هر که زشتکاری کند پس پاداش داده نشود مگر همانندش و هر که از مرد یا زن نیکوکاری کند و او مومن است پس همانها وارد بهشت شوند. رزق در آن بدون حساب داده شوند (۴۱)

وَيَقَوْمِ مَا لِيَ أَدْعُوكُمْ إِلَى النَّجْوَى
وَتَدْعُونَنِي إِلَى النَّارِ ۝

و ای قوم من! مرا چیست که شما را بسوی نجات میخوانم حالی که شما مرا بسوی آتش میخوانید (۴۲)

تَدْعُونَنِي لِأَكْفُرَ بِاللَّهِ وَأَشْرِكَ بِهِ مَا
لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى
الْعَرِيزِ الْعَقَّارِ ۝

مرا میخوانید تا به خدا انکار کنم و آنچه را شریک او قرار دهم که به آن مرا دانشی نیست و من شمارا بسوی صاحب غلبه کامل آمرزگار میخوانم (۴۳)

بیگمان مرا میخوانید بسوی آنچه برای خواندن آن نه در دنیا جواز است و نه در آخرت و اینکه یقیناً بازگشت مابسوی خدا است و اینکه یقیناً تجاوزگرانند که اهل آتشند (۴۴)

پس یقیناً یادخواهید کرد آنچه بشما میگویم و کار خود را به خدا میسپارم. یقیناً خدا بندگان را نیک بینا است (۴۵)

پس خدا او را نگهداشت از بدیهای آنچه نیرنگ میکردند و فرعونیان را عذاب بد احاطه کرد (۴۶)

آتش - صبح و شام بر آن عرضه می شوند و هنگامیکه قیامت برپا شود [گفته شود که] فرعونیان را به داخل عذاب سختتر کنید (۴۷)

و هنگامیکه در آتش بهم ستیزه کنند پس مستضعفان به مستکبران گویند، یقیناً ما پیروان شما بودیم.

لَا جَرَمَ أَنْمَا تَدْعُونَنِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ وَأَنْ مَرَدَّنَا إِلَى اللَّهِ وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ ﴿٤٤﴾

فَسَتَذْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ ۗ وَأَفْوُضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿٤٥﴾

فَوَقَّهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا وَوَحَّاقٍ بِإِلِّ فِرْعَوْنَ سُوءِ الْعَذَابِ ﴿٤٦﴾

النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ ۗ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ ﴿٤٧﴾

وَإِذْ يَحْجُرُونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا

فَهَلْ أَنْتُمْ مُّغْنُونَ عَنَّا نَصِيْبًا مِّنَ
النَّارِ ۝۱۹

بس آیا شما می‌توانید بخشی از عذاب را از ما دور سازید؟ (۴۸) گویند کسانی که تکبر کردند یقیناً ما همه در آن ایم. یقیناً خدا بین بندگان حکم کرده است (۴۹)

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا ۝۲۰
اللَّهُ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ ۝۲۱

و آنهائیکه در آتش باشند به ننگه بانان جهنم گویند: پروردگار خود را دعا کنید که يك روز که کسی عذاب را از ما بکاهد (۵۰)

وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِّنَ الْعَذَابِ ۝۲۲

گویند: آیا شما را رسولان شما بانسانه های روشن نیامده بودند. گویند بلی. گویند پس دعا کنید. اما دعای کافران مگر پوچ است (۵۱) یقیناً ما به رسولان خود و آنها که با ایشان ایمان آوردند را هم در این دنیایاری دهیم و هم روزی که گواهان برپا خیزند (۵۲) ++

قَالُوا أَوَلَمْ تَكُ تَأْتِيكُمْ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ ۚ قَالُوا بَلَىٰ قَالُوا فادْعُوا ۚ وَمَا دَعُوا الْكٰفِرِينَ إِلَّا فِي ضَلٰلٍ ۝۲۳

إِنَّا لَنُنصِّرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ ۝۲۴

++ آیت ۵۲: خداوند پیغمبران خود را حتماً یا بندگان نصرت خود قرار می‌دهد. یَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ را مطلب قیامت یعنی روز فیصله است - روزیکه برخلاف مجرمان گواهی های ناقابل تردید ارائه داده شود.

آنروزستمکاران را عذر خواستن
 آنها سودی نبخشد و برای آنها لعنت
 و برای آنها خانه بد است (۵۳)

و یقیناً ما موسی را هدایت دادیم
 و بنی اسرائیل را وارث کتاب
 نمودیم (۵۴)

که خردمندان را هدایت و اندرزی
 بود (۵۵)

پس صبر کن، یقیناً وعده پروردگار
 توحق است و برای خطاهای خود
 استغفار کن و با حمد پروردگار
 خود تسبیح بخوان شامگامان
 و بامگامان (۵۶) ++

همانا کسانی که درباره آیات خدا
 بدون آنکه دلیلی قاطع آنها را آمده
 باشد ستیزه کنند نیست در دلهای
 ایشان جز خودخواهی آنچه را آنها
 نرسند. پس به خدا پناه بر. یقیناً او
 بسیار شنوای بینا است (۵۷)

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ
 اللعنة وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ﴿٥٣﴾

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْهُدَى وَأَوْرَثْنَا بَنِي
 إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ ﴿٥٤﴾

هُدًى وَذِكْرَى لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿٥٥﴾

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ
 لِذُنُوبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ
 وَالْإِبْكَارِ ﴿٥٦﴾

إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ
 سُلْطَنٍ أَتَاهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا
 كِبْرٌ مَا هُمْ بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ
 هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿٥٧﴾

++ آیت ۵۶: معنای "ذنب" نسبت به آنحضرت ﷺ بمعنای از یاد رفتن و سهوی است و

نه سرزدن گناه.

لَخَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرَ مِنْ
خَلْقِ النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا
يَعْلَمُونَ ﴿۵۸﴾
وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ
وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَا
الْمُشْرِكِينَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ﴿۵۹﴾

آفرینش آسمانها و زمین یقیناً
بزرگتر است از آفرینش انسانها
و اما بیشتر مردم نمیدانند (۵۸)
و نیستند یکسان نابینا و بینا نه هم
آنانکه ایمان آوردند و نیکوکاریها
کردند و زشت کاران [یکسان]
اند. کم است بند آنچه شما می
پذیرید (۵۹)

إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَلَكِنَّ
أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۶۰﴾

همانا ساعت حتمی الوقوع است.
در این شکی نیست و اما بیشتر
مردم ایمان نمیآرند (۶۰)

وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ
إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي
سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دُخْرِينَ ﴿۶۱﴾

و پروردگار شما گفت مرا بخوانید
شمارا اجابت میکنم. البته کسانیکه
از عبادت من کبر و رزند حتماً بذلت
و خواری بداخل جهنم گردند (۶۱)

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الَّيْلَ لَتَسْكُنُوا فِيهِ
وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى
النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ
لَا يَشْكُرُونَ ﴿۶۲﴾

خدا است آنکه برای شما شب را
قرار داد تا در آن آرامش یابید و
روز را بینائی بخش. یقیناً خدا
را بر مردم فضلی زیاد است و اما
بیشتر مردم سپاس نگذارند (۶۲)

ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ

اینست خدا پروردگار شما آفریننده

هر چیز. هیچ معبودی نیست جز او. پس کجافریب داده میشود (۶۳) همینطور فریب داده شوند کسانی که به آیات خدا انکار کنند (۶۴) خدا است آنکه زمین را قرارگاه و آسان را موجب بقاء [شما] قرار داد و شمارا صورت داد و صورتهای شما را نیکوتر ساخت و شما را از پاکیزه هارزق درداد. اینست خدا پروردگار شما. پس تنها همان خدا صاحب برکت ثابت شد که پروردگار تمامی جهانها است (۶۵)

اوست زنده. نیست معبودی جز او. پس دین را برای او خالص نموده او را بخوانید. ستایش مطلق برای خدا پروردگار همه جهانها است (۶۶)

بگو. براستی من نهی شده ام که عبادت کنم آنها را که جز خدا می خوانید گامیکه مرا از پروردگارم نشانه های روشن آمده است و

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۚ فَالَّذِينَ تُوْفِكُونَ ﴿٦٦﴾

وقفلا

كَذَلِكَ يُؤْفِكُ الَّذِينَ كَانُوا بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ ﴿٦٦﴾

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ قَرَارًا
وَالسَّمَاءَ بِنَاءً ۚ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ
صُورَكُمْ ۖ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ ۗ
ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ ۗ فَتَبَرَّكُ اللَّهُ رَبُّ
الْعَالَمِينَ ﴿٦٥﴾

هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ
مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ۗ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ ﴿٦٦﴾

قُلْ إِنِّي نُهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ
مِنْ دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِي الْبَيِّنَاتُ مِنْ
رَبِّي ۖ وَأُمِرْتُ أَنْ أُسَلِّمَ لِرَبِّ

الْعَالِمِينَ ﴿١٧﴾

امر شده ام که کاملاً فرمانبردار
پروردگارمه جهانباشوم (٦٧)

اوست آنکه شما را از گل باز از
نطفه باز از خون بسته آفرید.
سپس شمارا کودکی بیرون میآرد.
سپس [توفیق بخشد] تا بعد بلوغ
خودبرسیدتا از آن پس به پیران
سال باشید و تا بنهایت زمانی معین
خودبرسید. و بعضی از شما از قبل
وفات داده شوند، و [این است] تا
شما عقل کنید (٦٨)

اوست آنکه زنده کند هم می
میراند. پس هرگاه به امری تصمیم
گیرد پس برای آن فقط میگوید
باش آنگاه آن رونهد و منتها می
شود (٦٩)

آیا ندیدی کسانی را که در آیات
خدا محاجه میکنند. آنها کجا منحرف
کرده میشوند (٧٠)

کسانیکه انکار کردند بکتاب و به
آن امور که با آن رسولان خود را

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ
لُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا
ثُمَّ لِيَتَّبِعُوا الشُّدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا
شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى مِنْ قَبْلُ
وَلِيَتَّبِعُوا أَجَلًا مُسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ
تَعْقِلُونَ ﴿١٨﴾

هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ ۚ فَإِذَا قُضِيَ
أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿١٩﴾

وَلِيَتَّبِعُوا

مَعَالِمَهُمْ

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ
أَلَّا يُصِرُّوا ۗ ﴿٢٠﴾

الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ وَمَا أَرْسَلْنَا بِهِ
رُسُلَنَا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٢١﴾

میفرستادیم پس آنها بزودی خواهند دانست (۷۱)

گامیکه در گردنهای ایشان طوق باشد و زنجیرها [باآنچه] کشیده شوند (۷۲)

در آبی جوشان. سپس در آتش انداخته شوند (۷۳)

سپس برایشان گفته شود: کجا اند که شما آنها را شریک قرار می دادید (۷۴)

بغیر از خدا - گویند: از ما گم شده اند. بلکه ما که پیش از این چیزی را نمیخواندیم. اینطور خدا کافران را گمراه قرار میدهد (۷۵)

این است چه شما در زمین بناحق شادمانی میکردید و چه شما فیس میکردید (۷۶)

داخل درهای جهنم شوید - در آن مدت دراز منزل کنندگانید. پس منزلگاه متکبران بسیار زشت است (۷۷)

إِذَا أَعْلَلَ فِي آعْنَاقِهِمُ وَالسَّلْسِلُ^ط
يُسْحَبُونَ^{٧١}

فِي الْحَمِيمِ^{٧٢} ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ^{٧٣}

ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ^{٧٤}

مِنْ دُونِ اللَّهِ^ط قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَلْ لَمْ
نَكُنْ نَدْعُوا مِنْ قَبْلُ شَيْئًا^ط كَذَلِكَ يَضِلُّ
اللَّهُ الْكُفْرِينَ^{٧٥}

ذَلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ
بِغَيْرِ الْحَقِّ^ط وَإِذَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ^{٧٦}

أَدْخَلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا^ع
فَيْئَسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ^{٧٧}

بس صبر کن. یقیناً وعده خدا حق است پس اگر برخی آنکه آنها را اخطار میکردیم تورا نشاندمیم یا تو را وفات دمیم بحرحال بسوی ما برگردانده شوند (۷۸)

والبته پیش از توهم رسولانی را فرستادیم. بودند از ایشان آنانکه بر تو ذکر کرده ایم و بودند از ایشان آنان که بر تو ذکر نکرده ایم و رسولی را ممکن نیست که بدون اذن خدا آیتی بیآرد. پس چون امر خدا آید قضاوت به داد کرده شود و تکذیب کنندگان آنگاه زیان کنند (۷۹) ++

خدا است آنکه چهار پایان را برای شما ساخت تابعی از آنها را سواری

++ آیت ۷۹: نخستین سخن در این آیت لایق تذکرایست که از میان بیشمار پیغمبران فقط برخی از ایشان بزبان رسول الله ﷺ ذکر شده اند. اما این کل تعداد پیغمبران نیست. بلکه از میان پیغمبران گوناگون تعدادی بعنوان نمونه ارائه شده اند. در حالیکه بطور نمونه اجتماعی ایشان آنحضرت ﷺ را ذکر است. در قرآن مجید با رسول الله ﷺ جمعا ۲۵ پیغمبران را طبق پیشگوئی مکاشفات ذکر است [مکاشفه باب ۴- ۱۱].

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَأِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِنَّا يُرْجِعُونَ ﴿۷۸﴾

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَّن قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَّن لَّمْ نَقُصِّصْ عَلَيْكَ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ فُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ ﴿۷۹﴾

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿۷۹﴾

کنید و از آنها بعضی را می‌خورید (۸۰)
و شما را در آنها منافع است و تا
بر آنها [سوار شده] حاجتی در دل‌های
خود را بر آورید و بر کشتیها نیز
برداشته میشوید (۸۱)

و شما را آیت‌های خود نشان میدهد
پس شما کدامین آیت‌های خدا را
انکار خواهید کرد؟ (۸۲)

پس آیاد زمین سیر نمی‌کردند پس
میدیدند که فرجام آنها که از بیش
آنها بودند چطور شد؟ ایشان از
اینجا بیشتر و با کمال تردن رومیروندی
و واگذارند آثار [عظمت] در زمین
بودند. پس هیچ بدرد آنها نخورد
آنچه کسب میکردند (۸۳)

پس هرگاه ایشان را پیغمبران
ایشان بانسانه‌های آمدند شادمان
ماندند به همان دانش که نزد ایشان
بود و فرا گرفت آنها را همان تمسخر
که آنرا میکردند (۸۴)

پس چون عذاب ما را دیدند، گفتند

وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَلِتَبْلُغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً
فِي صُدُورِكُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ
تُحْمَلُونَ ۝۸۱

وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ ۚ فَآيَ آيَاتِ اللَّهِ
تُكْفِرُونَ ۝۸۲

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا
كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۗ
كَانُوا أَكْثَرُ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَأَثَارًا فِي
الْأَرْضِ فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا
يَكْسِبُونَ ۝۸۳

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَرَحُوا
بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا
كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ۝۸۴

فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحَدَّهُ

وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ ﴿۸۵﴾

ما ایمان آورده ایم به خدا که او
یگانه است و انکار کرده ایم بر
اساس آنچه با او شرک ورزندگان
بودیم (۸۵)

فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا
بِأَسْنَانِ سُنَّتِ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي
عِبَادِهِمْ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكٰفِرُونَ ﴿۸۶﴾

پس ایشان را ایمان ایشان سودی
نیآورد چون عذاب مارادیدند. این
سنت خدا است که جهت بندگانش
گذشته است و کافران آنوقت
زیان کشیدند (۸۶)

۱۴ - حَمَّ السَّجْدَةِ

این سوره مکی است و با بسم الله ۵۵ آیت دارد.

پس از سوره المومن سوره حَمَّ السَّجْدَةِ است. ابتدای این سوره نیز با مقطعات حَمَّ میشود. بمحض شروع این سوره ادعا میشود که قرآن مجید نازل شده است در آن زبان فصیح و بلیغ که آن موضوعات را به روشنی بیان کرده است. اما منکران در پاسخ میگویند که بر دلهای ما پرده‌ی است، گوشهای ماسنگین و میان ما و شامحاجبی حائل است و رسول الله ﷺ را مخاطب ساخته اعلام میکنند که هر چه میتوانی بکن و ما هم باعزم در کار خود مشغول هستیم. اکنون نباید این امر بخیال افتاد که دشمنان انبیاء ایشانرا بی آزار آزاد به انجام دادن ممرکار میگذارند. بلکه مفهوم اینست که تو کار خود را ادامه بده و مایبوسته سعی خواهیم کرد که تو را به شکست روبرو کنیم.

بعکس رسول الله ﷺ این پاسخ آموخته شدند که تو به آنها بگو که اگرچه منم آدمی مثل شما هستم اما آن وحی که بر من فرستاده شد در نتیجه آن میان من و شما تفاوت زمین و آسمان بوجود آمده است.

در این سوره برخی چنین آیت‌های است که بعضیها بعلت عدم ادرك در مورد آنها ایراد میگیرند. بعنوان مثال نسبت به آیات ۱۱ تا ۱۳ میپندارند که آن تمامی کاینات که در ابتدای آفرینش همچون مه در جوگسترش یافته بود ذکر از آن کرده میشود در حالیکه آفرینش زمین بسیار بعد از آن صورت گرفته است.

در حقیقت اینجا آن موضوع نقل میشود که نظام غذایی که در زمین موجود است آن در چهار دور به تکمیل رسانده شد و قرار دادن کوه ما در

این، نقش عمده ای را ایفا کرده است. سپس فرمود که آسمان بالائی آن بصورت دودی بود. این دود بحقیقت در صورت چنین بخاراتی وجود داشت که بلندتر از هفت آسمان در جوار زمین بود و آن بخارات چون تکراراً بر زمین میبارید آنگاه در اثر شدت گرما دوباره بسوی بلندیهای آسمان بصورت دود بالا می رفت. مدت مدید این چگونگی زمین را فراگرفته بود و منتها آن آب بر زمین باریده در صورت دریاها در روی زمین گسترش یافت که از آنجا بصورت بخارات بالا رفته و با کوهها برخورد کرده باز بر زمین به باریدن گرفت. سپس هفت آسمان در جوار زمین در دو دور به تکمیل رسانده شدند و هر طبقه آسمان فرمان معین داده شد که آنرا فلان کار انجام دادن است.

امروز پژوهشگران علم، آسمانی در جوار زمین دارای هفت طبقه را ذکر کرده میگویند که هر کدام طبقه کار معینی را برعهده دارد و غیر از آن بقای انسان بر زمین ممکن نبود و اینهمه طبقات آسمان بر حفاظت زمین و اهل زمین مامور شده اند.

آن استقامت که به آن رسول الله ﷺ آموزش داده شدند تفصیل و پاداش بزرگ آن در دو بخش ذکر شده است. بخش اول عبارت از این مژده به همه ای مومنان است که اگر ایشان در مقابل ستمکاریهای دشمن شکیبائی نشان دهند آنگاه خداوند برایشان فرشتگانی را نازل خواهد کرد که دلهای ایشان را تقویت بدهند و با ایشان مکلام شده تسلی بدهند که ما هم در این دنیا با شما هستیم و در آخرت نیز باشما خواهیم شد.

سپس در این آیتها که با کلماتی وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ شروع میشوند موضوع را جلو تر برده فرمود که اگر شما علاوه بر حفاظت خود

تو گُل بر خدا کرده با صبر و حکمت در رساندن پیغام به ایشان شکیبائی نشان دادید آنگاه آنانکه دشمن سرسخت شمایند آنان یقوت جان نثاران شما خواهند شد. اما این ممجزه گذشته از همه باشان والاتر در ذات گرامی آنحضرت ﷺ بظهور رسید که صبورترین صبرکنندگان بودند و ایشان ناشی از صبر به مَسِرَّت فراوان برخوردار بودند و واقعاً که در زندگی ایشان بسیار کثیر دشمنان جان ایشان تبدیل به جان نثاران ایشان گشتند.

پایان این سوره عبارت از این ذکر است که ما آنانرا که منکر از ملاقات خدا هستند نشانه های فراوان نشان خواهیم داد که مربوط به هم نشانه های بظهور رسیده بر آفاق و هم به آن نظام زندگی حیرت انگیز باشند که خداوند در اجسام ایشان تنظیم کرده است. پس آنانکه توفیق نگاه کردن بر آفاق و درون خودش بدست آورند همانند که اعلام ایشان این خواهد بود. رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.

☆ سُوْرَةُ حَمِّ السَّجْدَةِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ خَمْسٌ وَخَمْسُونَ آيَةً وَسِتَّةٌ رُكُوْعَاتٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

حَمَّ ②

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]
بسیاربخشنده بارهارحم کننده (۱)
حمید، مجید - صاحب حمد صاحب
تمجید (۲)

تَنْزِیْلٌ مِّنَ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ③

نازل کردن این از جانب رحمن
[و] رحیم است (۳)

كِتٰبٌ فُصِّلَتْ اٰیٰتُهُ قُرْاٰنًا عَرَبِیًّا لِّقَوْمٍ
یَعْلَمُوْنَ ④

کتابی است که آیاتش بوضوح
بیان شد [بصورت] قرآنی که فصیح
و بلیغ است برای قومیکه
بدانند (۴)

بَشِیْرًا وَاَنْذِیْرًا ۚ فَاَعْرَضَ كَثَرُهُمْ
فَهُمْ لَا یَسْمَعُوْنَ ⑤

مژده دهنده است هم بیم دهنده.
پس بیشتر ایشان روگردانی
کردند و آنها گوش نکنند (۵)

وَقَالُوْا اَقْلُوْا بَآئِیْنَ اَكِنَّهٗمَّ مَا تَدْعُوْنَآ
اِلَیْهِ وَفِیْٓ اٰذَانِنَا وَقُرْوَٰنٌ مِّنْ بَیْنِنَا وَبَیْنِكَ
حِجَابٌ فَاَعْمَلْ اِنَّا عَمِلُوْنَ ⑥

وگفتند، دل‌های ما در پرده است از
آنچه ما را بسوی آن میخوانی و
گوش‌های ما سنگین است و در
میان ما و درمیان شما پرده‌ی
است. پس هرچه میل داری بکن

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

البته مامم برجای خود کنندگان

ایم (۶)

بگو من هم مانند شما فقط بشری هستم. بسوی من وحی میشود که معبود شما معبودیگانه است. پس در حضور او با استواری بپایستید و از او آمرزش بطلبید و هلاک باد بر مشرکان (۷)

کسانی که زکات نمیدهند و همانند که به آخرت منکراند (۸)

یقیناً کسانی که ایمان آوردند و نیکو کاری کردند پاداش ایشان بدون انقطاع است (۹)

بگو آیا او را انکار کنید که زمین را در دو زمان آفرید و برایش شریکان قرار میدهد؟ اینست پروردگار همه جهانها (۱۰)

و او در مناطق مرتفع آن کوهها ساخت و در آنها برکت نهاد و در آنها سامان خوردنوش از خود آنها در چهار زمان مقرر داشت که [این

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ
أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ
وَاسْتَغْفِرُوا لَهُ ۗ وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ ۗ

الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ
هُمْ كَفِرُونَ ۝

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ
أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ۙ

قُلْ أَبِئْسَ مَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ
الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ
أنداداً ۗ ذَٰلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ ۝

وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَرَكَ
فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَمْوَاطَهَا فِي أَرْبَعَةِ
آيَاتٍ ۗ سَوَاءٌ لِلْسَّالِفِينَ ۝

نیازها [طلبکاران را یکسانست (۱۱)]
سپس بسوی آسمان متوجه شد و
آن دودی بود. پس او به آن و
زمین گفت هر دوی بخوشی یا
ناخوشی بیآیید. هردو گفتند ما
بخوشی حاضر آمده ایم (۱۲)

پس او آنها را در دو زمان درمفت
آسمان ساخت و قوانین هر آسمان
را در آن وحی کرد و آسمان دنیا
را با چراغها و اسباب نگهبانی مزین
کردیم این تقدیر صاحب غلبه
کامل صاحب دانش است (۱۳)

پس اگر روی برتابند آنگاه بگو
شمارا بعدابی مانند عذاب عاد و
ثمود هشدار میدهم (۱۴)

چون ایشان را پیش روی ایشان
و در زمانی قبل از ایشان رسولان
آمدند که عبادت نکنید جز خدا را
گفتند. اگر پروردگار ما میخواست
البته فرشتگان را نازل میکرد.
پس یقیناً ما با آن پیغام که

ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ
فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا
أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ ﴿١١﴾

فَقَضَّسَهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ
وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا
السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ ۗ وَحِفْظًا ۗ ذَٰلِكَ
تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿١٢﴾

فَإِنْ أَعْرَضُوا قُلْ أُنذِرْكُمْ صُحُفَةً
مِّثْلَ صُحُفَةِ عَادٍ وَثَمُودَ ﴿١٣﴾

إِذْ جَاءَتْهُمْ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ
وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ ۗ
قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً فَإِنَّا
بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿١٤﴾

فرستاده شدید به آن انکار
کنندگانیم (۱۵)

پس نسبت به عاد آنهار زمين بنا
حق کبر ورزیدند و گفتند، کیست
سختتر از ما در نیرو؟ آیانی بینند
که خدای که آنها را آفرید سختتر از
آنها در نیرو است و آنها به آیتهای
مالجوجانه انکار میکردند (۱۶)

پس ما بادی تند را در روزمائی
شوم بر آنها فرستادیم تا آنها را در
زندگی دنیا عذاب ذلت بچشانیم و
البته عذاب آخرت رسوا تر است
و آنها یاری نخواهند شد (۱۷)

و باتوجه به نمود پس به آنها
هدایت دادیم اما آنها بر هدایت
کوری را ترجیح دادند. پس صاعقه
عذاب خوارکننده آنها را گرفت به
آنچه داشتند کسب میکردند (۱۸)

و نجات دادیم ایشان را که ایمان
آوردند و تقوی میکردند (۱۹)
و روزیکه دشمنان خدا بسوی آتش

فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ
الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ
يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ
مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ﴿۱۵﴾

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي
أَيَّامٍ نَّحِسَاتٍ لِّنُذِقَهُمُ عَذَابَ
الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلِعَذَابِ
الْآخِرَةِ أَخْزَىٰ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ﴿۱۶﴾

وَأَمَّا مُودُ فَهَدَيْنَهُمْ فَاسْتَجَبُوا لِعَنَىٰ
عَلَى الْهُدَىٰ فَآخَذْتَهُمْ صِغْقَةَ الْعَذَابِ
الَّذِي كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿۱۷﴾

وَنَجَّيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿۱۸﴾

وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ

احاطه کرده برده شوند و آنها گروه

گروه تقسیم کرده شوند (۲۰)

تا چون به آن برسند گوش های

ایشان و دیدگان ایشان و پوست

های ایشان برخلاف ایشان گواهی

دمنده آنعمل که میکردند (۲۱) ++

و گویند به پوستهای خود چرا بر

خلاف ما گواهی دادید. پاسخ دهند:

آن خدا ما را بتکلم آورد که هر چیز

را به تکلم آورد و اوست که شما

را اوّل بار آفرید و بسوی او باز

گردانیده شوید (۲۲) ++

و نمیتوانستید شما پنهان شوید [از

این] که گواهی دهد برخلاف شما

شنوایتان و نه چشمانتان و نه

پوستهایتان ولی شما گمان کرده

بودید که خدا نمیداند بیشتر را

از آنچه میکنید (۲۳) ++

و آن گمان شما که به پروردگار

خود گمان میکردید شما را هلاک

کرد و شما از زیانکاران شدید (۲۴)

يُوزَعُونَ ﴿٢٠﴾

حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ

سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا

كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢١﴾

وَقَالُوا الْيَلُودُ بِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا

قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ

وَ هُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ إِلَيْهِ

تُرْجَعُونَ ﴿٢٢﴾

وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ

سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ

وَلَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا

مِمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٢٣﴾

وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ

أَرَدِكُمْ فَاصْبِرْتُمْ مِنَ الْخَيْرِينَ ﴿٢٤﴾

و اگر صبرکنند آتش جایگاه آنها
است و اگر عذر آورند پس آنها
از عذر پذیرفتگان نباشند(۲۵)

و برای آنان رفیقانی قرار دادیم
که آنها برای ایشان پیراسته
آوردند آنچه پیشروی ایشان بود
و آنچه پشت سر ایشان بود و بر
ایشان همان فرمان راست آمد که
در مورد قومهای بود که قبل از
آنان از جن و آدمی گذشته بودند.

یقیناً آنها زیانکاران بودند(۲۶)

و گفتند آنانکه کفر کردند این قرآن
را گوش نکنید و در آن شلوق کنید
تا بدینسان برتری بیابید(۲۷)

فَإِنْ يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ^{٢٥} وَإِنْ
يَسْتَعْتِبُوا فَمَا لَهُمْ مِنَ الْمُعْتَبِينَ^{٢٥}

وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ
أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ

الْقَوْلُ فِي أُمِّ قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ

الْجِنَّ وَالْإِنْسِ^{٢٦} إِنَّهُمْ كَانُوا خَسِرِينَ^{٢٦}

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا
الْقُرْآنِ وَالْعَوَاءُ فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلَبُونَ^{٢٧}

++ آیات ۲۱-۲۳: در این آیتها از آنجمله گواهی های که روز قیامت برخلاف مجرمان
فراهم شوند شکفت انگیز گواهی پوست تن است. در آن زمان که گواهی پوست تن
بخطا رخطور نمیگردد ولی کارشناسان علم حیوانیت امروز بطور قطعی به اثبات رسانده
اند که شکل و شباهت بیرونی و درونی انسان بیشتر در هر یک مسام پوست مرتسم کرده
شده است. حتی اگر جانوری میلیونها سال پیش اینطور زیر خاک باشد که مسام های
پوستش سالم باشند. پس بر اساس یکی از آن مسامها جانوری اصلاً مانند آن مجدداً توان
تخلیق کرد. عمل تخلیق انسان و میش ها از روی علم پیدایش [Genetic
Engineering] و مسام های پوست تن نیز این گواهی قرآن را به اثبات میرساند.

فَلَنذِيقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا
وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا
يَعْمَلُونَ ﴿۱۸﴾

پس یقیناً ما کسانی که کفر کردند
را عذابی سخت بچشانیم و حتماً به
آنها پاداش بدترین آن عمل
که میکردند (۲۸)

ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ الثَّارِ لَهُمْ فِيهَا
دَارُ الْخُلْدِ ۗ جَزَاءُ ۗ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا
يَجْحَدُونَ ﴿۱۹﴾

این [امر حتمی] است که پاداش
دشمنان خدا آتش است. برای
ایشان در آن منزلگاهی دراز مدت
است. این پاداش است چه به آیت
های ما دانسته انکار میکردند (۲۹)
و کسانی که کفر کردند گویند،
پروردگارا! ما را از آن جنها و
انسانها بنما که ما را گمراه کردند
تا آندو را زیر پای خود له کنیم
تا از خوارترینها بشوند (۳۰)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرِنَا الَّذِينَ
أَضَلْنَا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ نَجْعَلَهُمَا
تَحْتِ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ ﴿۲۰﴾

همانا آنانکه گفتند خدا پروردگار
ماست از آن پس پایداری کردند
فرشتگان بر ایشان بکثرت نازل
شوند که نترسید و اندوه گین
نشوید و دلشاد شوید به بهشتی
که شما وعده داده میشوید (۳۱) ++
ماهم در زندگی این دنیا دوستان

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا
تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا
تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ
تُوَعَدُونَ ﴿۲۱﴾

نَحْنُ أَوْلَىٰ بِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي

الْأَخْرَةَ^{۳۲} وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهُ
 أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ^{۳۳}

شما ایم و هم در آخرت و برای شما
 در آن مهیا است هر چه دل های
 شما آرزو کنند و برای شما در آن مهیا
 است هر چه طلب کنید (۳۲) ++

نَزَّلْنَا مِنْ غُفُورٍ رَحِيمٍ^{۳۴}

این از جانب بینهایت آمرزنده بار
 ما رحمت کننده پذیرائی است (۳۳)

وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ
 وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ
 الْمُسْلِمِينَ^{۳۵}

و کیست نیکوتر در سخن از آنکس
 که بسوی خدا بخواند و نیکوکاری
 کند و گوید، یقیناً من از فرمان
 برداران کامل هستم (۳۴)

وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ^{۳۶} ادْفَعْ
 بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ
 عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ^{۳۷}

و نتوان شدیکسان نیکی [با بدی]
 و نه بدی [با نیکی]. دفاع کن با
 چیزی که نیکوترین است. پس
 ناگهان آنکس که بین او و تو
 عداوت است او مانند یک دوست
 صمیمی میشود (۳۵)

آیات ۴۱-۴۲: در این آیات ذکر است که نزول وحی مدام جاری خواهد ماند و بر آن
 کسان نازل شود که بخاطر خدا راه استقامت پیش گیرند و هنگام آزمایشها ثابت
 مانند. در آنصورت فرشتگانی که بر ایشان نازل آیند، گویند که ما هم در این دنیا
 با شما ایم و هم در آن دنیا با شما باشیم و همه آرزوهای نیکو شما را بپایان

برسیم.

و این رتبه داده نشود جز آنان را که صبرکنند و این رتبه داده نشود جز آنکه نصیبار بزرگی است (٣٦) و اگر انگیزی از شیطان تو را میانگیزد آنگاه به خدا پناه ببر. یقیناً او بسیار شوای صاحب علم دائمی است (٣٧)

و از آیتهای او است شب و روز و خورشید و ماه. سجده نکنید خورشید را و نه ماه را و خدا را سجده کنید که آنها را آفرید اگر شاعباد ترا خاص او گذارید (٣٨) و اگر تکبر کنند پس [بدانند] آنانکه نزد پروردگارتو هستند شب و روز او را تسبیح میخوانند و ایشان خسته میشوند (٣٩)

و از آیتهای اوست که زمین را افتاده مبینی. پس هرگاه آب را بر آن نازل کنیم تکان خورد و نمو کند. یقیناً آنکه آنرا زنده کرد حتماً مردگان را زنده کننده

وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا ۗ وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا ذُو حِظٍّ عَظِيمٍ ﴿٣٦﴾

وَأَمَّا يَنْزِعُكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ ۗ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٣٧﴾

وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ۗ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿٣٨﴾

فَإِن اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْمُونَ ﴿٣٩﴾

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ ۗ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيِ الْمَوْتَى ۗ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤٠﴾

است. یقیناً او بر هر چیز آنچه را خواهد مدام قدرتمند است (۴۰) ++
 هرآینه کسانی که در آیت‌های ما انحراف ورزند بر ما مخفی نمی‌مانند. پس آیا روز قیامت آنکه به آتش افکنده شود بهتر است یا آنکه ایمن آید؟ بکنید هر چه میل دارید. یقیناً او در نهایت بینای آنست که می‌کنید (۴۱)

یقیناً [کیفر شوند] آنانیکه به ذکر انکار کردند چون نزد ایشان آمد حالانکه یقیناً آن کتابی غالب و گرامی بود. (۴۲)

دروغ آنرا نمی‌آید از پیش رویش و نه پشت سرش. نازل کردن آن از

إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفُونَ عَلَيْنَا ۗ أَفَمَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ خَيْرًا مِّنْ يَّاتِيهِ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ۗ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝۴۱

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّ لَهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ ۝۴۰

لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ ۗ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ ۝۴۱

++ آیت ۴۰: در اینجا سخن از زنده بودن زمین پس از باریدن باران رفته است. پس زندگی پس از مرگ نیز بهمین موضوع بستگی دارد. بعثت ثانی برای همه است ولی بحقیقت زندگی روحانی نصیب آنان میشود که از آبی از آسمان نازل شونده برخوردار باشند یعنی پیغمبران را پذیرفته و بر تعلیمات ایشان عمل میکنند. آب آسمان بر هر جای زمین میبارد باز هم بر فایده صخره‌ها و زمینی بایر هیچ نمیفزاید و تنها آن خاک را حیات می‌بخشد که دارای مادهٔ حیاتی است.

صاحب حکمت صاحب ستایش
است (٤٣)

برای تو گفته نمیشود جز آنچه به
رسولان پیش از تو گفته شد. یقیناً
پروردگارتو صاحب بسیار آمرزش
هم عذابی دردناک دهنده است (٤٤)

و اگر ما آنرا قرآن اعجمی [غیر
فصیح] ساخته بودیم یقیناً می‌گفتند
که چرا آیتهاش روشن ساخته
نشد. آیا اعجمی و عربی [یکسان]
اند؟ بگو، آن برای ایشان که ایمان
آورده اند هدایت و شفاء است و
آنها که ایمان نیآرند در گوشهای
ایشان سنگینی است و آن [هدایت]
بر آنها مخفی است. همانند که از
جای دور خوانده شوند (٤٥)

و البته موسی را نیز کتاب داده
بودیم پس در آن اختلاف کرده شد
و اگر فرمان پروردگارتو پیشی
نگرفته بود یقیناً میان آنها قضاوت
کرده میشد و یقیناً آنها از آن در

مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ
مِنْ قَبْلِكَ ۗ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَعْفِرَةٍ
وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ ۝٤٤

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا ثَقَلُوا لَئِن لَّوَلَا
فُصِّلَتْ آيَاتُهُ ۗ أَءَعْجَبِي ۗ وَعَرَبِي ۗ قُلْ
هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءً ۗ وَالَّذِينَ
لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ
عَلَيْهِمْ عَمًى ۗ أُولَٰئِكَ يُنَادُونَ مِنْ
مَّكَانٍ بَعِيدٍ ۝٤٥

ع
٤٣
١٩

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ ۗ
وَلَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ
بَيْنَهُمْ ۗ وَاللَّهُ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَرِيبٍ ۝٤٦

شکی ناراحت کننده اند. (۴۶)

هر که شایسته کاری کند پس برای
 نفس اوست و هر که بدی کند پس
 بر جان اوست و پروردگار تو بر
 بندگان بیچاره خود به ذره ای هم
 ستم کننده نیست (۴۷)

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ
 فَعَلَيْهَا وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ ۴۷

علم ساعت بسوی او برگردانده شود و بعضی میوه ما از غنچه های خود بیرون نیاید و ماده ای بار دار نمیشود و نه هم میزاید مگر بعلم او و [یاد کنید] روزیکه به آنها بانگ زند که کجا اند شریکانم؟ آنها گویند: ما تو را آگاه میسازیم

که کسی از ما گواه نیست (۴۸)

و ناپیداشود از آنها آنچه را که قبلاً می خواندند و بفهمند که ایشان را هیچ گریزگامی نیست (۴۹)

انسان از خواستن خوبتر فرو نمی ماند. اما اگر بدی او را برسد پس دل شکسته نوید میشود (۵۰)

و اگر بدو رحمت خود بچشانیم پس از آنکه گزند بدو رسید حتماً گوید: این برای من است و گمان نمی کنم قیامت برپا گردد و اگر هم به سوی پروردگار خود بازگردانده شوم یقیناً برای من خوبی نزد او بالاتر است. پس یقیناً

إِلَيْهِ يَرْدُّ عَلْمُ السَّاعَةِ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرَاتٍ مِنْ أَكْمَامِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا يَعْلَمُهُ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ آيُنُ شُرَكَاءِئِي قَالُوا أَلَيْكَ مَا مِئَامِنُ شَهِيدٍ ۴۸

وَصَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَدْعُونَ مِنْ قَبْلُ

وَوَطُّوا مَا لَهُمْ مِنْ مَّحِيصٍ ۴۹

لَا يَسْمُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِنْ

مَسَّهُ الشَّرُّ فَيُوسِسْ قَنُوطٌ ۵۰

وَلَيْنِ أَدْقُهُ رَحْمَةٌ مِّنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ

مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ هَذَا لِي وَمَا أَظُنُّ

السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَيْنُ رُجِعْتُ إِلَى رَبِّي

إِنِّي عِنْدَهُ لِلْحَسَنِ ۴۸ فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ

كَفَرُوا بِأَعْمَالِهِمْ وَلَنَذَيِّقُهُمْ مِّنْ

عَذَابٍ غَلِيظٍ ۵۱

آنها که کفر کردند را آگاه سازیم
 بآنچه میگردند و حتماً به آنها عذاب
 شدیدی بچشانیم (۵۱)

وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ
 وَنَآبِجَانِيهِ ۚ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو
 دُعَاءٍ عَرِيضٍ ۵۲

وهرگاه بر انسان انعام کنیم روی
 بر تابد و کنار کشیده دور میشود و
 هرگاه بدو گزندی برسد آنگاه دعا
 های عریض را کننده است (۵۲)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثَمَرٌ
 كَفَرْتُمْ بِهِ مِنْ أَضَلِّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقِ
 بَعِيدٍ ۵۳

بگو. حالی کنید اگر او از جانب خدا
 باشد باز هم شابه او انکار کردید
 [پس] کیست ستمکارتر از آنکه در
 مخالفت غرق است؟ (۵۳)

سَتَرِيهِمْ أَيْتَانِ فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ
 حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ ۗ أَوَلَمْ يَكْفِ
 بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۵۴

حتماً ما آیتهای خود را به آنها
 در اطراف جهان و در خود ایشان
 نشاندهیم تا بر آنها خوب آشکار
 گردد که آن حق است. آیا این به
 پروردگار تو بس نیست که او بر
 هر چیز نگهبان است (۵۴)

أَلَا إِنَّهُمْ فِي مَرِيضَةٍ مِّنْ لِّقَاءِ رَبِّهِمْ ۗ
 أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ ۵۵

باش احتمالاً آنها از دیدار پروردگار
 خود در شك اند. باش ایقیناً او
 هر چیز را احاطه کرده است (۵۵)

ع
 ۱

۴۲- الشوری

این سوره در مکه نازل آمد و با بسم الله ۵۴ آیت دارد.

آخرین آیه سوره گذشته حاکی از این بود که چون نعمت نبوت نازل می شود آنگاه مردم از قبولی آن اعراض میورزند و چون بعلت انکار شری به آنها تمسک کند برای دور شدن آن به دعا های عریض میپردازند. پس آنان متنبه ساخته میشوند که خداوند آنانرا آن نشانه های خود نیز نشان خواهد داد که بر آفاق ظهور میکنند و مظاهر بزرگی از قانون قدرت میباشد و هم آن نشانه های به نمایش گذارد که در درون هر کدام انسان بعنوان گواهی به هستی خدای متعال وجود دارند.

در این سوره پس از مقطعات فرموده شد بطوریکه قبلاً وحی فرستاده شده بود و پیشینیان به آن پشت گردانده بودند بر همان منوال اکنون بر تو وحی بعنوان نعمتی بزرگ فرستاده میشود. اما دنیا داران این نعمت آسمانی را قبول نکنند زیرا که آنها آزمند به نعمتهای دنیا میباشد.

سپس در آیه کریمه - ۸ آنحضرت ﷺ بعنوان بیم دهنده ای کُلُّ عَالَمٍ معرفی میشوند. چه مادر همه قریه ها یعنی مگه جای را که خداوند مرکز تمامی دنیا برگزیده است اگر آن بیم داده شود آنگاه همه جهان بیم داده شد و کلمات وَمَنْ حَوْلَهَا همه محل سکونت های روی جهان را احاطه کرده است. سپس ذکر از یَوْمِ الْجَمْعِ است. مفهوم این کلمات اینست، بطوریکه مکه محل گردائی همه نوع انسان برگزیده شد. یکی دیگر محل گردائی روز آخرت است که آنگاه جمیع نوع انسان جمع کرده خواهند شد.

پس رسول الله ﷺ را مبعوث کرده سعی بر آن بود که همه مردم بمنوان امت واحده ای جمع کرده شوند. اما خداوند میدانست که اهل دنیا این نعمت را رد کرده در وضع ازهم جداخواهند ماند چه نیست خداکه مردم را باجبار بر هدایت جمع کند و الا او همه مردم گیتی را يك امت میساخت.

وحی فرستادن را بر رسولان پیشین نیز همین مقصود بود که ایشان مردم را بهم گرد آورند. اما مرگاه ایشان آمدند بدبختانه مردم از این نعمت انکار ورزیده انشاقاتی فزونتر پیدا کردند. علت اصلی تفرقه این بیان میشود که ایشان از همدیگر کینه داشتند. اکنون مسئله این است چرا قضیه ایشان با وجود نافرمانیهای پیوسته ایشان بپایان داده نمیشود؟ پس جوابش اینست تا آنزمان که انسان را بر زمین سلسله آزمایش مقدر است قضیه ایشان پیش از سرآمد آنزمان در این دنیا طی کرده نمیشود. اگرچه موقتاً قضیه هر کدام ملت در مدت اجل مسمی آن در این دنیا، طی کرده میشود اما چون اقوام دنیا متوالیاً جایگزین همدیگر میشوند لذا مجموعاً این قضیه بشر هنگام اجل مسمی منتهای، بپایان داده خواهد شد.

سپس رسول الله ﷺ توصیه میشوند که بعلت اختلاف و نافرمانیهای منکران هیچ جای تردد نیست، مرگاه خدا امر را به همایش آنها بگذراند حتماً آنها را جمع خواهد کرد. يك پیشگوئی بزرگ نسبت به این همایش در سوره جمعه نیز موجود است.

مفسران فرقه شیعه آیت ۲۴ این سوره را دور از سیاقش رفته این ترجمه میکنند که گویی رسول الله ﷺ به این امر توصیه میشوند که بگویند، ای مردم! من هیچ اجری از شما نمیطلبم جز اینکه اجر خویشانم را بپردازید.

البته این آیت را هرگز این مطلوب نیست. اجر برای خویشان طلبیدن در حقیقت اجر برای خودخواستن است. معنای این آیه اینست که من اجری نه برای خودم میخواهم و نه برای خویشانم ولی شما خویشاوندان خودتان را فراموش نکنید و شمارا بفرض است که به تکمیل نیازهای ایشان هزینه کنید. رسول الله ﷺ بوضاحت میفرمایند که صدقه به من و نژادم هرگز داده نشود. این موضوع که برناداران و نیازمندان هزینه کنید علی الخصوص بر اقرباء خود سوالی را مطرح میکند که چرا خداوند خودش آذوقه ایشانرا مستقیماً نمیرساند؟ پاسخ اینست که گشایش و تنگی رزق منوط به حکمتهای دیگر میباشد. گاهی مردم با افزایش رزق آزموده شوند و گاهی بتنگی رزق. آنانکه بگشایش رزق آزموده شوند سخن از ایشان رفته است و ایشان با آنکه فراخی رزق دارند بخیال ناداران حتی از خویشان خود نیز نمیفتند.

سپس آیت ۳۰ رازی حیرت انگیز را فاش میکند که در زمان رسول الله ﷺ هیچ انسان زمینی را تصورش هم نمیتوانست بشود. آسمانها در آن زمان مانند پلاستک امروزه با هفت لایه و ماه و ستارگان نشانده در آن مانند دانه های نگین بر لباس آراسته، پنداشته میشد. چه کس را گمان بود که همچون جنبنندگان این زمین در آنجا نیز وجود دارند. نه تنها خبر حتمی به این امر داده شد که در آسمانها نیز مخلوقی وجود دارد بلکه موضوع در صورت "جمع" نقل کرده به بلندی آسمان بسته شد که حتماً در زمانی مخلوق زمینی و مخلوقی که بر آسمان زندگی کنند، جمع کرده خواهند شد. آیا این همایش جسمانی است یا مخابراتی علمش تنها به خدا است. اما زبردستان علم امروز تلاش میکنند که بیک نحوی ارتباط ایشان با بومیان آسمان برقرار گردد.

بعبارت دیگر ایشان وادار شده اند که بعلاوه زمین بر اجرام فلکی دیگر نیز به وجود داشتن جنبندگانی تعقل کنند.

در همین سوره که عنوانش نیز "الشوری" است ذکر از همایشی دیگر نیز می‌رود یعنی برای مسلمانان شعاری مقرر داشته شد که مرگه اموری مهم در پیش آید پس باید گرد آمده بهم تعقل کنند.

یکی دیگر آیه کوچک این سوره شماره ۴۱ فوقیت تعلیم قرآن را بر همه تعلیمات اسبق به اثبات می‌رساند. فرموده میشود که اگر کسی مورد تجاوز گری قرار گرفته شود بایستی او در انتقام گرفتن معامله بمثل کند و بدنبال جوشش انتقام گیری تجاوزگری نکند. اما اگر او عفو را بطوری بکار برد که منجر به اصلاح شود آن عمل بسیار بهتر است. گاهی مردم ناشی از عفو بر بدی جسورتر میشوند. عفو کردن درست است اگر اصلاح بعمل آید.

آیت ۵۲ عبارت از انواع وحی است. بنص این آیه هیچکس را ممکن نیست که خدا بدو بغیر از وسیله وحی تکلم کند. گاهی این وحی از پس پرده است یعنی متکلم دیده نمیشود اما قلب انسان آن کلام را بوضاحت در مییابد. گاهی فرستاده خدا در قالب فرشته ای نازل میشود و هرچه وحی برساند عیناً همان است که خدا بدو امر کرد. سپس خطاب به آنحضرت ﷺ کرده فرمود که ما وحی را بر تو نیز بر همان منوال فرستاده و تو را به امر خود کلامی زندگی بخش اعطاء کرده ایم.

در پایان این سوره مجدداً این موضوع بازگو میشود که زمین و آسمان و هرچه میان آنها است بتمام از آن خدا است و همه امور برگشت بسوی خداوند داده شوند.

☆ سُوْرَةُ الشُّوْرَى مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ أَرْبَعٌ وَخَمْسُونَ آيَةً وَخَمْسَةٌ رُكُوعَاتٌ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

حَمْدٌ ②

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]
بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)
حمید مجید - صاحب حمد صاحب
تمجید (۲)

عَسَقٌ ③

عَلِيمٌ، سَمِيعٌ، قَدِيرٌ. بسیار دانا، بسیار
شنا، صاحب قدرت کامل (۳)
اینطور وحی فرستد صاحب غلبه
کامل صاحب حکمت بسوی تو و
بسوی آنانکه پیش از تو بودند (۴)
برای اوست هرچه در آسمانها است
و هرچه در زمین است و او بلند
مرتبت صاحب عظمت است (۵)

كَذَلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ
قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ④

لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ⑤
وَهُوَ
الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ⑥

نزدیک است آسمانها از بالای خود
بشکافند و فرشتگان با حمد پرورد -
گار خود تسبیح خوانند و آمرزش
طلبند برای آنها که در زمین اند.
باش ایقیناً خدا آمرزنده ی بارها
رحم کننده است (۶) ++

تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَّقَطُرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ
وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ
وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ ⑦
اللَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ ⑧

++ آیت ۶: چون افتهای بزرگ آسمانی بر انسان افتد، فرشتگان آسمانی نیز (ص ۱۱۸)

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهُ
حَفِظَ عَلَيْهِمْ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ۝۷

و خدا بر آنها نیز نگهبانست که
جز او دوستان برگرفته اند و تو
بر آنها وکیل نیستی (۷)

وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا
تُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ
يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ
وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ ۝۸

و بدینسان ماقرآن عربی رابسوی
تووحی فرستادیم تا تو مادر
شهر ما و آنکه پیرامون آنست را
بترسانی و بترسانی از روزگردائی
که در آن شکی نیست. گروهی در
جنت و گروهی در آتشی شعله ور
باشند (۸)

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً
وَلَكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ
وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وِثْقٍ وَلَا نَصِيرٍ ۝۹

و خدا اگر میخواست حتماً آنها همه
را يك ملت میساخت اما هر که را
میخواهد بداخل رحمت خود می
نماید و نسبت به ستمکاران نیست
آنها را دوستی و نه یاریگری (۹)

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ ۚ قَالَ اللَّهُ هُوَ
الْوَالِيُّ وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝۱۰

آیا آنها دوستانی جزا گرفته اند؟
پس خدا است که اوبهترین دوست
است و اوست که مردگان را زنده
کند و او بر هر چیزی که بخواهد

بقیه آیت ۶: در حق بندگان نیکوکاران خدا استغفار میکنند. فرشتگان در ذات
خود بیگناه اند اما برای بندگان نیکوکار خدا استغفار میکنند.

قدرت دائمی دارد(۱۰)

و هر چیزی که در آن اختلاف پیدا کنید پس داوری آن بدست خدا است. این است خدا پروردگارم، بر او توکل کرده و بسوی او انابت میکنم(۱۱)

او آفریدگار آسمانها و زمین از عدم است. او ساخت برای شما از خودتان جفتها و هم از چهارپایان جفتها. او در این شمارا میافزاید. هیچ چیزی هم مثل او نیست و او بسیار شنوا بسیار بینا است(۱۲)++

کلیدهای آسمانها و زمین در قبضه اوست. رزق را برای هر که خواهد

وَمَا خَتَقْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ
إِلَى اللَّهِ ۗ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ
وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ۝

فَاطِرُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ جَعَلَ لَكُمْ
مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَرْوَاجًا ۚ وَمِنَ الْأَنْعَامِ
أَرْوَاجًا ۚ يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ
شَيْءٌ ۚ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ۝

لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ يَبْسُطُ
الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ ۗ إِنَّهُ بِكُلِّ

++آیت ۱۲: در زمان آنحضرت ﷺ از جفت بودن جانوران و بعضی از درختان آگاهی بود اما این دانش نبود که خداوند هر چیز را جفت جفت آفریده است. در زمان کنونی این امر اثبات شده است که حتی هر ذره ی ماده نیز جفت جفت است. دوم اینجا رویانیدن انسان را ذکر است از آنچه معلوم میشود که آغاز زندگی از نباتات شده بود و این عیناً درست است. اینجا واژه "ذَرَأَ" است. این موضوع در آیتهای دیگر بوضاحت بیشتر بیان شده است. بعنوان مثال در سوره نوح: ۱۸ فرموده شد: أَنْبَتَكُمْ مِّنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا.

فراخ میکند و هم تنگ میگرداند.
یقیناً او به هر چیز نیک دانا
است (۱۳)

او همان احکام دین را برایشما
اجرا کرده است که برای آنها به
نوح هم اکیداً توصیه کرده بود
و آنکه بسوی تووحی فرستاده ایم
و آنچه به آن به ابراهیم و موسی و
عیسی نیز اکیداً توصیه کرده
بودیم که دین را با استواری بپا
دارید و هیچ تفرقه در آن نیفکنید.
سنگین است بر مشرکان آنچه به
سوی آن آنها را میخوانید. خدا هر
که را میخواهد برای خود بر
میگزیند و بسوی خود هدایت
میدهد آنرا که انابت کند (۱۴)

و تفرقه نیفکنند مگر میان خود
طغیان کرده پس از اینکه دانش
آنان را آمده بود و اگر فرمان
پروردگار توتانهایت زمانی معین
جلونیفتاده بودحتاکار میان آنها

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا
وَ الَّذِي آوَىٰ إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ
إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا
الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ ۚ كَبُرَ عَلَى
المُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ ۗ اللَّهُ
يَجْتَبِي ۙ إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي ۙ إِلَيْهِ مَنْ
يُنَيبُ ﴿۱۴﴾

وَمَا تَتَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ
الْعِلْمُ بَعْضًا بَيْنَهُمْ ۗ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ
مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى لَّفُضِّى
بَيْنَهُمْ ۗ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكُتُبَ مِنْ

بَعْدِهِمْ لَنْ نَرِيَ شَكَّ مِنْهُ مَبْرُؤٍ ۝۱۵

گذرانیده میشد و یقیناً آنها که
پس از آنها ارث کتاب داده شدند
البته از آن درشکی ناراحت کننده
اند (۱۵)

فَلذَلِكَ فَادْعُ ۚ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ ۚ
وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ ۚ وَقُلْ أَمِنْتُ بِمَا
أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ
بَيْنَكُمْ ۗ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ ۗ لَنَا أَعْمَالُنَا
وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ ۗ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا
وَبَيْنَكُمْ ۗ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا ۗ وَإِلَيْهِ
الْمَصِيرُ ۗ ۝۱۶

پس بنا بر این [آنها را] دعوت
کن و پایداری کن بطوریکه فرمان
شده ای و دنبال هوای نفسانی آنها
نرو و بگو. من بر آن ایمان می‌آریم
که خدا از سخنان کتاب نازل کرده
است و امر شده ام که میان شما
عدالت‌مندی کنم. پروردگار ما و
پروردگار شما خدا است. اعمال ما
برای ما و اعمال شما برای شما است
و بین ما و بین شما هیچ دعوی [کار
گر] نیست. خدا ما را جمع خواهد
کرد و بازگشت بسوی اوست (۱۶)
و آنها که در مورد خدا محاجه کنند
از این پس که آن قبول شده است
دلیل آنها نزد پروردگار ایشان
باطل است و بر آنها غضب و برای
آنها عذابی سخت است (۱۷)

وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا
اسْتُجِيبَ لَهُمْ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ عِنْدَ
رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَ لَهُمْ عَذَابٌ
شَدِيدٌ ۝۱۷

خدا او است آنکه کتاب را بحق و میزان فروفرستاد و چه تو را حالی کند که شاید آن ساعت قریب است (۱۸)

آنها آنرا بتعمیل میخواهند که به آن ایمان نمیآرند و آنانکه ایمان آوردند از آن میترسند و میدانند که آن حق است. هشدار ابراستی آنانکه در مورد ساعت محاجه کنند البته در گرامی فرورفته اند (۱۹) خدا بر بندگان خود لطف کننده است. هر که را خواهد رزق میدهد و اوبسیارتوانای صاحب غلبه کامل است (۲۰)

هر که کشت آخرت را میخواهد ما برای او در کشتش میفزاییم و هر که کشت دنیائی را میخواهد او را از آن میدهیم و برایش در آخرت هیچ بهره ی نیست (۲۱)

آیا برای [حمایت] آنها شریکان اند که برای آنها چنین احکام اجراء

اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ ۖ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ ﴿١٨﴾

يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا ۗ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَمْشَقُونَ مُنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ ۗ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ﴿١٩﴾

اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ ﴿٢٠﴾

مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ ۗ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ ﴿٢١﴾

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاؤُا شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذُرْ بِهِ اللَّهُ ۗ وَلَوْ لَا كَلِمَةُ

کرده اند که خدا به آن دستوری
 نداده بود؟ و اگر طریق فیصله را
 دستور نبودحتماً کارمیان ایشان
 گذرانیده میشد. یقیناً ستمکاران
 را عذابی دردناکست (۲۲)

ستمگران را بيمينك ميبيني از آنچه
 کسب کردند حالانکه آن به آنها
 حتمی الوقوع است و آنانکه ایمان
 آوردند و نیکوکاری کردند در باغهای
 بهشت باشند. برای ایشان هر چه
 خواهند نرزد پروردگارا ایشان [مهیبا]
 است. همین است که آن فضل
 بزرگ است (۲۳)

اینست آنکه را خدا به آن بندگان
 خود مژده میداد که ایمان آورده
 و نیکوکاری کردند. بگو. من از شما
 بر این هیچ پاداشی نمیطلبم جز آن
 محبت که در خویشاوندان میباشد
 هر که نیکی [ناپیدا] را پدیدار سازد
 ما برایش حُسن را در آن زیاده می
 نمایم. یقیناً خدا بسیار آمرزنده ی

الْفُضْلِ لِقَضَىٰ بَيْنَهُمْ ۗ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ
 لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۲۲﴾

تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ
 وَاقَعٌ بِهِمْ ۗ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
 الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَةٍ أَلْبَنَةٍ لَهُمْ
 مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۗ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ
 الْكَبِيرُ ﴿۲۳﴾

ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا
 وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ۗ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ
 عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ ۗ وَمَن
 يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا ۗ إِنَّ اللَّهَ
 غَفُورٌ شَكُورٌ ﴿۲۳﴾

پذیرنده سپاس است (۲۴)

آیامیگویند بر خدا دروغ بهم بافته است؟ پس خدا اگر میخواست بر دل تو مهر مینهاد و خدا باطل را می زداید و حق را با کلمات خود به اثبات میرساند. یقیناً او به امور

سینه ما خوب دانا است (۲۵)

و اوست آنکه توبه را از بندگان خود میپذیرد و از بدیها عفو می نماید و میداند آنچه میکنید (۲۶) و قبول کند دعای آنان را که ایمان آوردند و نیکوکاری کردند و ایشانرا بفضل خود میفزاید در حالیکه کافرانند که آنها را عذابی

سخت است (۲۷)

و اگر خدا رزق بندگان خود را فراخ مینمود حتماً در زمین یاغی گری میکردند و اما هر چه میخواهد باندازه ی فرو میفرستد. یقیناً او به بندگان خود بخوبی آگاه و بینا

است (۲۸) ++ [ص# ۱۱۸۷]

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشَاءِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَى قَلْبِكَ ۗ وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ ۗ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿۲۵﴾

وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴿۲۶﴾

وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ﴿۲۷﴾

وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ ۗ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ ﴿۲۸﴾

و اوست آنکه باران نازل میکند
ازین پس که نومیدشوند و رحمت
خودرامیگستراند و او کارسازی
صاحب ستایش است (۲۹)

و از آیتهای اوست آفرینش آسمانها
و زمین و هر چه جنبنده دارد آندو
گسترانید و اوبر جمع کردن آنها
هر گاه بخواهد قدرتمند است (۳۰)

و هر چه مصیبت بشما برسد پس
بسبب آنست که دستهای شما کسب
کرد حالانکه او از بیشتر امور
عفو می نماید (۳۱)

و نمیتوانید شما در زمین بمعجز
آرندگان باشید و برای شما گذشته
از خدا هیچ سرپرست نیست و نه

وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ مِّنْ بَعْدِ مَا
قَطَرُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ ۗ وَهُوَ الْوَلِيُّ
الْحَمِيدُ ﴿٢٩﴾

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا
بَيْنَهُمَا مِنْ مِّنْ دَابَّةٍ ۗ وَهُوَ عَلَىٰ
جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ ﴿٣٠﴾

وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَمَا كَسَبَتْ
أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ ﴿٣١﴾

وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ ۗ وَمَا
لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٣٢﴾

++ آیت ۲۸: اگر خدا میخواست رزق را فراوان مینمود و هیچکس بینوا نمی ماند.
اما او به توزیع رزق بعضیها را زیاده و به بعضیها کم درداد درحالیکه مردو
طریق موجب آزمایش اند. برخی از مردم بعلت فراوانی رزق بی راه شوند
و بعضیها بعلت ناداری رزق گمراه شوند بطوریکه آنحضرت ﷺ فرمودند که "کاد
الفقر ان یكون کفرا" یعنی نزدیک است که تنگدستی به حالت کفر برساند. پس
در این آیت بسوی مرام اشتراکی نیز اشاره است که منتها ناداری به انکار خدای
متعال منجر میشود.

یاریگری (۳۲)

و کشتیها رونده در دریا مانند کوه
ما از آیتهای او است (۳۲) ++

اگر بخواهد باد را ساکن گرداند پس
آنها بر سطح آن [دریا] را کد بمانند
یقیناً در این هر صبر کننده و سپاس
گذار را نشانه های است (۳۴) ++

یا ملاکشان سازد بدانچه [سواران
آن کشتیها] کسب میکردند و او
از بیشتر امور گذشت میکند (۳۵)

و بدانند آنانکه در آیتهای ما جدل
کنند، برای آنها هیچ جای فرار
نیست (۳۶)

پس هر چه به شما داده شد فقط
اثاث موقتی برای زندگانی این
دنیا است و هر چه نزد خدا است
نیکوتر و پایدارتر است برای آنان

وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ﴿٣٢﴾

إِنْ يَشَاءُ يُسَكِّنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ
عَلَى ظَهْرِهِ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ
شَكُورٍ ﴿٣٤﴾

أَوْ يُوقِفَهُنَّ بِمَا كَسَبْنَ وَأَيْحُفَ عَنْ
كَثِيرٍ ﴿٣٥﴾

وَيَعْلَمَ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا مَا لَهُمْ
مِنْ مَّحِيصٍ ﴿٣٦﴾

فَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ
الدُّنْيَا ۗ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ
آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٣٧﴾

++ ایت ۳۳-۳۴: اینجا از جمله نشانه های بزرگ خداوند سخن از کشتیهای گفته می
شود که مانند کوه ماسر به فلک کشیده در آب میروند. پیدا است که در زمان آنحضرت
ﷺ کشتیهای معمولی با بادبان حرکت میکردند، پس لازماً این پشگویی برای آینده
بود که در زمان کنونی به ظهور رسیده است.

که ایمان آوردند و بر پروردگار خود توکل کنند (۳۷)

و کسانی که از گناهان بزرگ و فحشائی اجتناب کنند و چون غضبناک شوند ایشان عفو می نمایند (۳۸)

و آنانکه بدعوت خدا لبیک گویند و نماز را برپا کنند و کارهای ایشان بامشورت هم انجام گیرند و از هر چه به ایشان داده ایم انفاق کنند (۳۹)

و کسانی که چون بر آنها ستم گردد انتقام گیرند (۴۰)

و عوض بدی مثل آن بدی است که کرده شد. پس هر که عفو کند و اصلاح آورد آنگاه پاداش او بر خدا است. یقیناً او ستمکاران را دوست ندارد (۴۱)

و البته هر که انتقام گیرد پس از ستم بر خودش پس همانند که هیچ باکی بر آنها نیست (۴۲)

وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبِيرَ الْإِثْمِ
وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ
يَغْفِرُونَ ﴿٣٨﴾

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا
الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ
وَمَا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿٣٩﴾

وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ ﴿٤٠﴾

وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا
وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ
الظَّالِمِينَ ﴿٤١﴾

وَلَمَنْ أَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا
عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ ﴿٤٢﴾

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ
وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ
أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝۴۲

یقیناً الزام فقط بر آنانست که بر
مردم ستم کنند و در زمین بناحق
سرکشی آغالند. همانند که آنها
را عذابی دردناکست (۴۲)

وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ
الْأُمُورِ ۝۴۳
وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَبِئْسَ
بَعْدِهِ ۝۴۴ وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ
يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ ۝۴۵

و هر که صبر کند و بیامرزد یقیناً
این از کارهای پرمت است (۴۳)
و هر که را خدا گمراه گرداند پس
او را از آن پس یآوری نیست، و
ستم کاران را میبینی که هرگاه
عذاب را رویت کنند گویند آیامیچ
را می به برگشت [آن] است؟ (۴۵)

وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَشِيعِينَ مِنَ
الدُّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ ۝۴۶
وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ الْخَسِرِينَ الَّذِينَ
خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ ۝۴۷

و آنها را بنگری که بر آن [عذاب]
عرضه شوند سرنگونان ازذلت -
آنها از نگاه دزدکی آن [عذاب] را
مینگرند. کسانی که ایمان آوردند
گویند: مرآینه خسارتگران همانها
اند که در روز قیامت خود را و
خانواده خود را بخسارت افکندند.
مشدار! یقیناً ستم کاران در عذابی
پایدار باشند (۴۶)

وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ أَوْلِيَاءٍ يَنْصُرُونَهُمْ

و گذشته از خدا آنها را دوستان

مَنْ دُونَ اللَّهِ ۗ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ
مِنْ سَبِيلٍ ﴿۱۷﴾

نباشند که آنها رایاری دهند و مرکه
را خدا گمراه سازد پس برای او
میچ راهی نیست (۴۷)

اسْتَجِيبُوا لِلرَّبِّ كُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمَ
لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ ۗ مَا لَكُمْ مِنْ مَلْجَا
يَوْمَ يَذُوقُوا مَا لَكُمْ مِنْ تَكْوِيرٍ ﴿۱۸﴾

فرمان پروردگار خود را لبیک
گویید پیشتر از آنکه روزی برسد
که آن را از جانب خدا برگشت
نیست. آنروز شما را نه جای پناه
است و نه شما را جای انکار
است (۴۸)

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ
حَفِظًا ۗ إِنْ عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَاغُ ۗ وَإِنَّا إِذَا
أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا ۗ وَإِنْ
تُصِبُّهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ
الْإِنْسَانَ كَفُورٌ ﴿۱۹﴾

پس اگر روی برتانبند پس ما تو را
بر آنها نگهبانی نفرستاده ایم. بر
تو فقط ابلاغ کردن است و یقیناً
هرگاه انسان را از جانب ما رحمت
بچشانیم به آن شادمان میگردد
و اگر آنها را گزندى برسد بدانعلت
که دستهاشان پیش فرستاد پس
یقیناً انسان ناسپاس میگردد (۴۹)
سلطنت آسمانها و زمین از آن خدا
است هرچه را بخواهد میافریند.
مرکه را خواهد دختران میدهد و
مرکه را خواهد پسران میدهد (۵۰)

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ يَخْلُقُ
مَا يَشَاءُ ۗ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاءً ۗ وَيَهَبُ
لِمَنْ يَشَاءُ الدُّكُورَ ﴿۲۰﴾

یا گامی آنها را قاطعی میکند - مادینه و نرینه - و هر که را خواهد نازا میسازد. یقیناً او صاحب علم دائمی صاحب قدرت دائمی است (۵۱)

و نرسد بشری را که خدا با او تکلم کند جز بوحی یا از پشت پرده یا بفرستد پیغام رسانی که باذن او هر چه بخواهد وحی کند. یقیناً او بلند شان صاحب حکمت است (۵۲)

و بدین ترتیب مابسوی تو از امر خود کلامی زندگی بخش وحی فرستادیم. تو نمیدانستی کتاب چیست و ایمان چیست. اما ما آن را نور ساختیم که به [وسیله] آن هر که از بندگان خود بخواهیم هدایت دهیم و یقیناً تو مردم را براه راست هدایت میکنی (۵۳)

راه آن خدا که هر چه در آسمانها و هر چه در زمین است از آن او است. باش! همه امور بسوی خدا بر میگردد (۵۴)

أَوْيَرُوجُهُمُ ذُكْرَانًا وَإِنَّا نَجْعَلُ
مَنْ نَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ﴿٥١﴾

وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا
أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا
فَيُوحِي بِلَاذُنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيمٌ
حَكِيمٌ ﴿٥٢﴾

وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ
أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا
الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نُّهْدِي بِهِ
مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي
إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٥٣﴾

صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا
فِي الْأَرْضِ ۗ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ
الْأُمُورُ ﴿٥٤﴾

۴۳ - سورة الزُّخْرَف

این سوره درمکه نازل آمد و با بسم الله ۹۰ آیت دارد.

بمحض آغاز این سوره تکرار از واژه "أمّ" است. در سوره گذشته ذکر از "أمّ القری" بود بدین عنوان که مکه مادر مه ای قریه ما است. در این سوره ذکر از سوره الفاتحه است که این کلام عظیم الشان را بمنزله مادر است. بعبارت دیگر تمامی مضامین قرآن در آن بطوری جمع کرده شده اند که رحم مادر این مورد را احاطه میکند که انسان را قبل از پیدایش با آنهمه صفات تزئین نماید که برایش مقدر شده اند.

باز فرموده شد، چون شاد در دشت و دریا مسافرت کنید آنگاه بیاد آرید که همان خدا است که کشتیهایی روان در دریا یا جانورانی حرکت کننده در زمین که بر آنها سوار میشوید، برایشما رام کرد. بسیاری از شما باشند که با حوادث روبرو شده به آن مقاصد نرسند که بخاطر آنها عازم شده بودند. اما بدانید که مقصد نهائی همانست که به آن رسیده در بارگاه خدائی حضور خواهید یافت.

نخستین آیت این سوره سخن از اهل کتاب میگوید و آیتهای بعد از مشرکان. پس از این، ذکر از آن پیغمبران پیشین و علی الخصوص ایشان که به سوی قومهای مشرک رسالت داده شدند و انکار از ایشان از جانب کافران و بعلمت انکار، بد فرجام آن کافران، میرود.

قبلاً خدای سبحان ذکر از همایش همه ای نوع بشر را بریک دست، کرده میفرماید که اگر ما را اینطور کردن بود آنگاه برای همایش جمله آزمندگان دنیا فقط یک صورت بود که خانه های آنان را با زر و سیم و دیگر اسباب

عیش و نوش می انباشتیم. اما اینکه محض اسباب عیش و نوش ظاهری و بی اساس و مال و منال فناپذیر و بهره کشی دنیائی بدست آنها میرسید. اما عاقبت نیکو فقط نصیب متقیان میشود.

اینجا يك علت از جمع نشدن مردم بر يك دست اینهم بیان میشود که چون رفیقان ایشان خدانشناس میباشند آنها به دام منکران خدا میافتند. ولی روز قیامت هر که در دنیا تحت تاثیر رفیقی گمراه رفته باشد به آن رفیق خود با اظهار این حسرت خواهد گفت، کاشکی میان من و تو دوری شرق و غرب میبود و من به این مجازات نمیرسیدم.

در این سوره آیت مهمی دیگر است که پرده را از چگونگی نزول حضرت مسیح بر میدارد و بدنبال این ذکر میگوید که حضرت مسیح که يك مثل بودند و چون جلوی مشرکان ذکر از حضرت مسیح آورده میشد، مخاطب به رسول الله ﷺ میگفتند، اگر قرار است که یکی غیر الله را بپذیریم، بهتر است که بجای غیر الله از قومی دیگر کسی را از قوم خود به آن مقام برگزینیم. آنان این امر را درک نمیکردند که مسیح نه خدا بلکه بنده ای انعام شده خدا بود و برای آنها بعنوان مثلی بود از آنچه بسیار درس میتوان گرفت.

سپس در این سوره پیشگوئی میشود که مسیح در آتیه نیز بعنوان مثل نازل خواهد شد با این علامت که ساعت برای انقلاب معظم فرارسیده است. این سوره شأن معظم آنحضرت ﷺ را بیان میکند. ایشان بزرگترین عبادت کنندگان خدا بودند. پس اگر خدا را پسری بود هرگز ایشان از عبادت او اعراض نمیکردند. پس انکار کردن ایشان از عبادت پسر فرضی خدا به اثبات میرساند که ایشان یقین کامل داشتند که خدا را هیچ پسری نیست.

☆ سُورَةُ الزُّخْرُفِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ تَسْعُونَ آيَةً وَ سَبْعَةُ رُكُوعَاتٍ

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

حَمِيدٌ مَجِيدٌ - صاحب حمد،

صاحب تمجید (۲)

سوگند به کتاب بیان کننده

آشکار (۳)

یقیناً ما اینرا قرآنی فصیح و

بلیغ قراردادده ایم تا شما عقل

کنید (۴)

و یقیناً آن [قرآن] در ام الكتاب

است نزد ما بسیار بلند مرتبت و

دارای حکمت است (۵)

پس آیا از نصیحت کردن شما برای

این دوری گزینیم که شما قوم

تجاوز گرانید؟ (۶)

و ای بسا پیغمبری در پیشیان

فرستاده بودیم (۷)

و هیچ پیغمبری ایشان را نیامد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

حَمْدٌ ①

وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ②

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ

تَعْقِلُونَ ③

وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيَّا لَعَلٌّ

حَكِيمٌ ④

أَفَضْرِبَ عَنْكُمْ الذِّكْرَ صَفْحًا أَنْ

كُنْتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ ⑤

وَكَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيِّ فِي الْأَوَّلِينَ ⑥

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ

عبدالمجید

يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٥﴾

فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَمَضَىٰ

مَثَلُ الْأَوَّلِينَ ﴿٦﴾

وَلَيْن سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ

وَالْأَرْضِ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ

الْعَلِيمُ ﴿٧﴾

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ

لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿٨﴾

وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ

فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا ۚ كَذَلِكَ

تُخْرَجُونَ ﴿٩﴾

وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُمُ

مِّنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ ﴿١٠﴾

لِيَسْتَوُوا عَلَىٰ ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذَكَّرُوا ۖ وَإِنَّمَا

رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا

مگر به او مسخره میکردند (۸)

پس ما سختتر از آنها در جنگ
آوری را هم هلاک کردیم و مثل
پیشینیان گذشته است (۹)

و اگر بپرسی از آنها کیست که
آسمانها و زمین را آفرید حتمًا
گویند، آنها را صاحب غلبه کامل
صاحب دانش آفریده است (۱۰)

آنکه زمین را برایشما گسترشی
قرارداد و برایشما در آن راههای
نهاد تا شما رهنمائی بیابید (۱۱)
و آنکه آب را از آسمان باندازه
نازل کرد. پس شهری مرده را
بدان زنده نمودیم. همینطور شما
بیرون آورده شوید (۱۲)

و آنکه زوج هرچیز را آفرید و
برای شما کشتیهای گوناگون و
چهارپایان بوجود آورد آنچه را
سوار شوید (۱۳)

تابریشتهای آنها استوار بنشینید.
سپس نعمت های پروردگار خود

سُبْحٰنَ الَّذِیْ سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَاَمَا كُنَّا لَهُ
مُقْرِنِیْنَ ۝۱۵

رایادکنید چون بر آنها قرار گیرید
و بگوید پاک است آنکه این را
برای ما رام کرد حالیکه ما به رام
کردن آن طاقت نمیآوردیم (۱۴)

وَ اِنَّا اِلٰی رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُوْنَ ۝۱۵

و یقیناً ما بسوی پروردگار خود
باز گشتگانیم (۱۵)

وَجَعَلُوْا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا ۗ اِنَّ
الْاِنْسَانَ لَكَفُوْرٌ مُّبِیْنٌ ۝۱۶

و آنها بعضی از بندگان او را برای
او جزو قرار دادند یقیناً انسان
ناسپاسی آشکار است (۱۶)

ع
۷

اَمْ اَتَّخَذَ مَا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَاَصْفَكُمْ
بِالْبَيْنِیْنَ ۝۱۷

آیا از آنچه او آفرید دخترانی
گرفت در حالیکه برایشما پسران
برگزید (۱۷)

وَ اِذَا بُشِّرَ اَحَدُهُمْ بِمَا صَرَبَ لِلرَّحْمٰنِ
مَثَلًا ظَلَّ وَجْهَهُ مُسْوَدًّا وَّهُوَ كَظِیْمٌ ۝۱۸

و هرگاه کسی از آنها مژده داده
شود به آنکه برای خدا مثل اعلیٰ
میزند پس رویش سیاه می گردد
حالیکه او غم سخت را فرو برنده
است (۱۸)

اَوْ مَنْ يُنَشَّؤْا فِي الْحِلِیَةِ وَ هُوَ فِي
الْخِصَامِ غَیْرٌ مُّبِیْنٌ ۝۱۹

آیا آنکه در زیورپرورش مییابد و
او درستیز نتواند سخن واضعتر
بگوید [وی را نصیب خدا می
گردانید]؟ [۱۹]

و فرشتگان که بندگان رحمن اند رازنان [دیویها مندی] قرار دادند. آیا به آفرینش آنها گواه اند؟ یقیناً گواهی ایشان نوشته شده و پرسش خواهند شد (۲۰)

و گویند اگر رحمن میخواست ما آنها را پرستش نمیکردیم. ایشان را به آن هیچ دانشی نیست. آنها که فقط حدس میزنند (۲۱)

آیا قبلاً ما به آنها کتابی داده ایم پس آنها به آن چنگ زده اند؟ (۲۲) بلکه میگویند البته ما پدران خود را بر مسلکی یافتیم و یقیناً بر نقش قدم آنان هدایت یافتگان ایم (۲۳)

و بهمین ترتیب از پیش تو در هیچ شهری بیم دهنده نفرستادیم مگر خوشحالان آن گفتند که ما پدران خود را بر مسلکی یافته ایم و یقیناً ما از نقش قدم ایشان اقتداکنندگانیم (۲۴)

وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبُدُ الرَّحْمَنِ إِنَاثًا أَشْهَدُوا خَلَقَهُمْ^ط سَتَكْتُبُ شَهَادَتَهُمْ وَيَسْأَلُونَ^{١٠}

وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ^ط مَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ^{١١}

أَمْ أَنَيْنَهُمْ كِتَابًا مِنْ قَبْلِهِ فَهُمْ بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ^{١٢}

بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِمْ مُّهْتَدُونَ^{١٣}

وَكَذَٰلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِمْ مُّقْتَدُونَ^{١٤}

قُلْ أَوْلَوْا جِئْتُكُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ
عَلَيْهِ آبَاءُكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ
بِهِ كَافِرُونَ ﴿۲۵﴾

او گفت: آیا [هم در آن صورت که] اگر
شمارا بهتر از آن چیزی بیارم که
بر آن پدران خود را یافته بودید؟
گفتند: یقیناً ما انکار میکنیم به آنچه
بدان تو فرستاده شدی (۲۵)

فَأَنْتَقِمْنَا مِنْهُمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ
عَاقِبَةُ الْمُكذِبِينَ ﴿۲۶﴾
وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي
بِرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ ﴿۲۷﴾

پس ما از آنها انتقام گرفتیم. پس
بنگر عاقبت مکذبان چطور
بود ﴿۲۶﴾

و چون ابراهیم به پدر خود و
قومش گفت: یقیناً من بیزارم از
آنچه شما عبادت میکنید (۲۷)
مگر آنکه مرا آفرید پس اوست که
حتماً مرا هدایت دهد (۲۸)

إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ ﴿۲۸﴾
وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ
يَرْجِعُونَ ﴿۲۹﴾

[و خدا] آن [سخن] را نشانه بزرگی
باقی مانده در اعقاب وی قرارداد
تا باشد آنان رجوع کنند (۲۹)

بَلْ مَتَّعْتُ هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ
جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ مُّبِينٌ ﴿۳۰﴾

حقیقت اینست که آنها و پدران
آنان را موقتاً متنعم نمودم تا آن
انتها که ایشان را حق و رسولی
بصراحت بیان کننده آمد (۳۰)

وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ

و چون حق ایشان را آمد گفتند

وَأَنبَاهِهِ كَفِرُونَ ﴿۳۱﴾

این جادویی است و یقیناً ما
آنها انکار کنندگانیم (۳۱)

وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ
مِّنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ ﴿۳۲﴾

وگفتند چرا این قرآن بر شخص
نامی از دوشهر بزرگ نازل کرده
نشد (۳۲)

أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ
قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَّعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ
الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ
دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُم بَعْضًا سَخِرِيًّا
وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ﴿۳۳﴾

آیا ایشان رحمت پروردگار تو
را تقسیم کنند؟ مائیم که امرار
معاش ایشان رامیان ایشان در
زندگانی دنیا تقسیم کرده ایم و
بعضی از ایشان را بر بعضی در
درجات برتری داده ایم تابعی
از آنها بعضی را تسخیر کنند و
رحمت پروردگار تو نیکوتر از آن
است که جمع میکنند (۳۳)

وَلَوْلَا أَن يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً
لَّجَعَلْنَا لِمَن يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ
سُقْفًا مِّنْ فَضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا
يَظْهَرُونَ ﴿۳۴﴾

و اگر این احتمال نبود که همه
مردم قومی یک نواخت خواهند
شد حتماً برای آنها که رحمن را
انکار کنند سقف خانه های ایشان
و پله های که بر آنها بالا آیند را
از نقره میساختیم (۳۴)

وَلِبُيُوتِهِمْ أَبْوَابًا وَسُرُورًا عَلَيْهَا

وهم درهای منازل ایشان و مسند

يَتَّكُونَ ۝۱

مای را که بر آنها تکیه میزنند (۳۵)

وَزُخْرُقًا وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ

و تزئین اعطا میگردیم. این همه

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ

فقط اثاث فنا پذیر زندگی دنیا

لِلْمُتَّقِينَ ۝۲

است و آخرت نزد پروردگارتو

ع

برای متقیان است (۳۶)

وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِضْ لَهُ

و هر که از یاد رحمن سرباززند

شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ ۝۳

برایش شیطانی بگماریم. پس او

همنشین او گردد (۳۷)

وَأَنَّهُمْ لِيَصُدُّوهُمْ عَنِ السَّبِيلِ

و یقیناً آنها آنانرا از راه گمراه

وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ ۝۴

سازند درحالیکه گمان کنند که

آنها هدایت یافتگانند (۳۸)

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ

حتی چون نزد ما آید گوید [به

بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَيَنْسُ الْقَرِينُ ۝۵

همراهی خود] کاشکی میان من و

میان تو دوری مشرق و مغرب

میبود. پس چه زشت همنشین

است (۳۹)

وَلَنْ يَنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنَّكُمْ فِي

و چون ستم کرده ای امروز هرگز

الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ۝۶

شمارا سودنیارد اینکه همه شما در

عذاب شریکانید (۴۰)

أَفَأَنْتَ تَسْمِعُ الصَّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْىَ

پس آیا کران را توانی شنواند

وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۝۷

یا هدایت توانی کرد کوران را

و آن را که درگرمای آشکار

است (۴۱)

پس اگر تو را ببریم بازهم یقیناً

ما از آنها انتقام گیرنده ایم (۴۲)

یا نشان دهیم تو را آنکه را به

آنها وعده داده ایم پس یقیناً ما

بر آنها کاملاً قدرتمند ایم (۴۳)

پس جنگ بزن آنرا که بر تو وحی

فرستاده شود. یقیناً تو بر راه

راست هستی (۴۴)

و یقیناً این برای تو و برای قوم

تو ذکری بزرگ است و حتماً شما

پرسیده خواهید شد (۴۵)

و بپرس آنان را که قبل از تو از

رسولان خود فرستاده بودیم آیا

گذشته از رحمن خدایانی قرار

داده بودیم تا عبادت کرده

شوند؟ (۴۶)

والبته ما موسی را بسوی فرعون

و سردارانش با نشانه های خود

فرستاده بودیم. پس او گفت، یقیناً

فَأَمَّا نَذَهَبَتْ بِكَ فَأَنَا مِنْهُمْ
مُتَّبِعُونَ ﴿۴۱﴾

أَوْ نُرِيكَ الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ فَأَنَا عَلَيْهِمْ
مُقْتَدِرُونَ ﴿۴۲﴾

فَأَسْمِسُكَ بِالَّذِي أَوْحَىٰ إِلَيْكَ ۚ إِنَّكَ
عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿۴۳﴾

وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ ۚ وَسَوْفَ
تُسْأَلُونَ ﴿۴۴﴾

وَسَأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا
أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِلَهًا
يُعْبَدُونَ ﴿۴۵﴾

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ
وَمَلَائِكِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ
الْعَالَمِينَ ﴿۴۶﴾

من از پروردگار جهانها رسولی
مستم (۴۷)

پس چون او آنان را با آیتهای ما
آمد فوراً از آنها خنده کردن
گرفتند (۴۸)

و آنها را میچ آیتی نشان نمیدادیم
مگر آن بزرگتر از نظیر [آیت قبل] است
خود میبود و آنها را بعذاب گرفتیم
تا آنها رجوع کنند (۴۹)

و گفتند، ای جادوگر! برای ما از
پروردگار خویش بخواه برای آن
چه او بشما وعده داده است. یقیناً
ما هدایت یافتگان شویم (۵۰)

پس چون عذاب را از آنها دور
ساختیم بیدرنگ به عهد شکستن
گرفتند (۵۱)

و فرعون در قوم خود اعلام کرد،
ای قوم من آیا از آن من نیستند
کشور مصر و این نهرهای که به
تصرف من جاری اند. پس آیا به
بصیرت نمیابید؟ (۵۲)

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا
يُصْحَكُونَ ﴿٤٨﴾

وَمَا نُرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ
أُخْتِهَا وَأَخَذْنَهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ
يَرْجِعُونَ ﴿٤٩﴾

وَقَالُوا يَا أَيُّهَا السَّحَرُ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا
عَهِدَ عِنْدَكَ إِنَّا لَمُهْتَدُونَ ﴿٥٠﴾

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ
يَنْكُثُونَ ﴿٥١﴾

وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ
أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ
تَجْرِي مِنْ تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿٥٢﴾

حقیقاً من بهتر از آنکس هستم که
بی توان است و نتواند سخن
رسانم بگوید (۵۳)

پس چرا بر او انگوهای طلائی
فرود فرستاده نشدند یا فرشتگان
با او گروه گروه میآمدند؟ (۵۴)

پس او به قوم خود هیچ ارجی
نگذاشت پس آنها او را اقتداء
کردند. بیگمان آنها قومی بدکردار
بودند (۵۵)

پس چون ما را بخشم آوردند ما
از آنها انتقام گرفتیم. پس همه
آنها را غرق کردیم (۵۶)

پس ما آنها را قصه های گذشته و
برای آیندگان سامان عبرت قرار
دادیم (۵۷)

و هرگاه عیسی پسر مریم بعنوان
مثلی آورده شود ناگهان قوم تو از
آن غوغا کردن میگردند (۵۸)

و گویند: آیا معبودان ما نیکوترند
یا او. این حرف را برای تو فقط

أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ ۗ وَلَا
يَكَادُ يُبِينُ ﴿۵۳﴾

فَلَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آسُورَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ
أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِنِينَ ﴿۵۴﴾

فَأَسْحَفَ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ ۗ إِنَّهُمْ كَانُوا
قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿۵۵﴾

فَلَمَّا أَسْفُونَا أَتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ
أَجْمَعِينَ ﴿۵۶﴾

فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِّلْآخِرِينَ ﴿۵۷﴾

وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذْ أَقْرَبُوكَ
مِنْهُ يَصِدُّونَ ﴿۵۸﴾

وَقَالُوا ءِإِنَّا خَيْرٌ أَمْ هُوَ ۗ مَا ضَرَبُوهُ
لَكَ إِلَّا جَدَلًا ۗ بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ ﴿۵۹﴾

به ستیز میزنند. بلکه آنها قومی

سخت ستیزه گر اند (۵۹)

او فقط بنده ی ما بود. ما بر او

انعام کردیم و او را برای بنی

اسرائیل مثل ی [قابل تقلید] قرار

دادیم (۶۰)

و اگر میخواستیم فرشتگان را

از خود شما برمیگزیدیم که در

زمین جانشینی میکردند (۶۱)

و یقیناً او ساعت انقلاب را شناخت

خواهد بود. پس به آن [ساعت] هرگز

شک نکنید و مرا پیروی کنید.

این راه راست است (۶۲)

و شیطان شما را باز ندارد. یقیناً

او دشمنی آشکار شما است (۶۳)

و چون عیسی با ادله روشن آمد

گفت. من شمارا حکمت آورده ام

و برای این آمده ام که شمارا

بعضی از آن سخنان بوضوح بیان

کنم که در آن اختلاف دارید. پس

خدارا تقوی اختیار کنید و مرا

إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ

مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿۵۹﴾

وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي

الْأَرْضِ يَخْلُفُونَ ﴿۶۰﴾

وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا

وَاتَّبِعُونِ ۗ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿۶۱﴾

وَلَا يَصُدُّكُمْ الشَّيْطَانُ ۚ إِنَّهُ لَكُمْ

عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿۶۲﴾

وَلَمَّا جَاءَ عِيسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ

جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ

الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ ۚ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ۗ ﴿۶۳﴾

اطاعت کنید(۶۴)

یقیناً خدای است که پروردگار من و پروردگار شما است. پس او را عبادت کنید. این راه راست است(۶۵)

پس گروههای از میان خودشان بهم اختلاف انگیختند پس آنهایی که اختلاف کردند را از عذاب روزی دردناک هلاک باد(۶۶)

آیا منتظراند مگر ساعت [قیامت] آنان را در حالی ناگهان آید که ایشان احساس هم نداشته باشند(۶۷)

آنروز بعضی دوستان صمیمی دشمن همدیگر کردند جز متقیان(۶۸)
ای بندگان من! امروز بر شما هیچ بیمی نباشد و نه شما اندوهگین شوید(۶۹)

کسانیکه به آیات ما ایمان آوردند و فرمانبردار شدند(۷۰)

شما و جفت های شما بداخل بهشت شوید. شما شادمان کرده

إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٦٤﴾

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ ۗ قَوْلٌ لِّلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابٍ يَوْمَ إِلِيمِ ﴿٦٥﴾

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٦٦﴾

إِلَّا خِلَافَ يَوْمٍ مِثْلِهِ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ ﴿٦٧﴾
يُعْبَادِ لَا خَوْفَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ﴿٦٨﴾

الَّذِينَ آمَنُوا بِالْآيَاتِ وَكَانُوا مُسْلِمِينَ ﴿٦٩﴾
أَدْخَلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ ﴿٧٠﴾

شوید (۷۱)

وتشتهای طلائی و کوزه های بلورین
برایشان بدور آورده شود و به هر
چه دلها تمنا کند و چشمان سرور
یابد در آن مهیا است و شما در آن
جاودانان اید (۷۲)

و این آن بهشتی است که وارث
آن گزیده شدید بعلت آن اعمال
که شما انجام میدادید (۷۳)

شمارا در آن میوههای فراوانست
که از آنها خواهید خورد (۷۴)
البته مجرمان در عذاب جهنم
بمدت دراز خواهند ماند (۷۵)

آن از آنها کاسته نشود و آنها
در آن نومید مکت کنند (۷۶)

و ما بر آنها ستم نکردیم و اما
آنها خود ستمکاران بودند (۷۷)

و بانگ زنند ای مالک، پروردگار
تو ما را مرگ دهم! او گوید: بر راستی
شما [در همین جا] مکت کنندگان
اید (۷۸)

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصُحَافٍ مِّنْ ذَهَبٍ
وَ أَكْوَابٍ ۖ وَ فِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ
وَ تَلَذُّ الْأَعْيُنُ ۖ وَ أَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۖ

وَ تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا
كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۖ

لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِّنْهَا
تَأْكُلُونَ ۖ

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ
خَالِدُونَ ۖ

لَا يُفَتَّرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْسُونَ ۖ

وَ مَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا هُمُ
الظَّالِمِينَ ۖ

وَ نَادَوْا يُمْلِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ ۗ قَالَ
إِنَّكُمْ مُكْتَبُونَ ۖ

یقیناً ما نزد شما بحق آمده بودیم
اما بیشتر از شامق را ناپسند
دارندگان بودند (۷۹)

آیا آنها درصدد انجام کاری شده
اند؟ پس یقیناً ما هم درصدد [انجام
کاری] شده ایم (۸۰)

آیا گمان میورزند که ما هر راز
ایشان ونجوایشان رانیشنویم؟
بلی، رسولان ما نزد ایشان
نویسندگانند (۸۱)

بگو، رحمن را اگر پسری بود
پس من از نخستین عبادتگذاران
بودم (۸۲)

پاك است پروردگار آسمانها و
زمین، پروردگار عرش از آنچه
آنها بیان میکنند (۸۳)

پس آنها را بگذار می مرزه سرائی
کنند و بازی کنند تا آن انتها که
آنروز خود را ببینند که وعده داده
شدند (۸۴)

و اوست آنکه در آسمانها معبود

لَقَدْ جِئْتُمْكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ
لِلْحَقِّ كِرْهُونَ ﴿۷۹﴾

أَمْ أَبْرَمْوَا أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرَمُونَ ﴿۸۰﴾

أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ
وَنَجْوَاهُمْ ۗ بَلَىٰ وَرُسُلْنَا لَدَيْهِمْ
يَكْتُبُونَ ﴿۸۱﴾

قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ
الْعَبِيدِ ۖ ﴿۸۲﴾

سُبْحٰنَ رَبِّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ رَبِّ
الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿۸۳﴾

فَذَرَهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا
يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ ﴿۸۴﴾

وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ

است و در زمین معبود است و او صاحب بسیار حکمت صاحب علم دائمی است (۸۵)

و فقط آن يك صاحب بینهایت برکت ثابت شد که پادشاهی آسمانها و زمین و هر چه میان آندو است از آن اوست و علم این ساعت مخصوص نزد او است و بسوی او باز گردانیده شوید (۸۶)

و آنها را که جز او میخوانند هیچ اختیار برای شفاعت ندارند جز آنانکه به [سخن] حق گواهی دهند و ایشان که علم دارند (۸۷)

و اگر از آنها بررسی کی آنها را آفرید حتماً گویند: خدا. پس کجا فریب داده میشوند؟ (۸۸)

و [یادکن وقت این] گفتارش را که پروردگارا! این مردم مرگز ایمان نیارند (۸۹)

پس تو از اینها گذشت کن و بگو سلام. پس بزودی بدانند (۹۰)

إِلَهُ ۖ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ﴿۸۵﴾

وَتَبَرَكَ الَّذِي لَهُ مَلَكُ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۖ وَعِنْدَهُ عِلْمُ
السَّاعَةِ ۖ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿۸۶﴾

وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ
الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ
يَعْلَمُونَ ﴿۸۷﴾

وَلَمَنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ
فَأَلَىٰ يَوْمِئِذٍ لَّيُؤْفَكُونَ ﴿۸۸﴾

وَقِيلَ لَهُ يَرْبِّ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَا
يُؤْمِنُونَ ﴿۸۹﴾

فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ ۖ فَسَوْفَ
يَعْلَمُونَ ﴿۹۰﴾

۴۴ - الدخان

این سوره مکی است و با بسم الله ۶۰ آیت دارد.

ابتدائی موضوع از سوره الدخان اشاره به موضوع سوره القدر مینماید آنچه از این ابتدائی آیات کریمه این سوره آشکار است که ما این کتاب را در چنین شبی تاریک نازل کرده ایم که بسیار بابرکت بود چه انوار ابدی را پس از این تاریکی ظهور کردن بود. حین این شب فیصل به هریک سخن حکمتمند داده خواهد شد.

در پایان سوره گذشته این موضوع جریان داشت که مخالفان را در بازی و بازیچه سرگردان بگذار و از آنها اعراض کن. آنوقت فرارسیده است چون حق از باطل تفکیک کرده شود. لذا این موضوع درآیتهای ابتدائی این سوره بیان میشود.

این سوره را "دخان" نام دادن عمده ترین علت اینست که هیچ بامداد رحمت را بعد از آن تاریکیها که در آنها آنان گرفتار اند، پدید آمدن نیست بلکه آن تاریکیها همچون دخان یعنی دود موجب افزایش عذابشان خواهد شد. اینجا میتوان کنایه ای بسوی دود اتمی هم شد که هیچ چیزی در سایه آن محفوظ نیست بلکه هر چیز طعمه هلاکتهای گوناگون قرار میگیرد. لذا زبردستان علم جدید متنبه میسازند که هر نوع زندگی حتی جرثومه ها یا میکروبها پنهان زیر خاک زمین نیز در سایه دود اتمی هلاک خواهند شد. خدای تعالی میفرماید چون اینطور شود آنگاه آنها روی به خدا آورده گویند، خدایا! این عذاب دردناک را از ما دور بفرما. اینجا این پیشگویی نیز میشود

که آن عذاب وقفه وقفه خواهد آمد. پس از ملاکتهای يك جنگ جهانی تا زمانی فرصت داده شود و از آن گذشته جنگ جهانی دیگر با ویرانیهای مجدد خواهد آمد.

درباره سوره الدخان آنحضرت ﷺ را این علم داده شد که پیشگویی های این سوره را زمان ظهور و ابستگی به ظهور دجال دارد.

☆ سُوْرَةُ الدُّخَانِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سِتُّونَ آيَةً وَثَلَاثَةٌ رُكُوعَاتٌ

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]
 بسیار بخشنده، بارها رحم کننده (۱)
 حمید، مجید - صاحب حمد صاحب
 تمجید (۲)

سوگند به کتاب آشکار (۳)
 یقیناً ما اینرا در شبی خجسته ای
 نازل کردیم یقیناً ما بیم دهندگان
 بودیم (۴)

در آن [شب] هر کدام امری بر حکمت
 فیصله داده شود (۵)

امری که از جانب ما است، یقیناً
 ما هستیم فرستندگان رسولان (۶)
 رحمتی از پروردگار تو، بیگمان
 اوست بسیار شنوای صاحب علم
 دائم (۷)

[از جانب] پروردگار آسمانها و
 زمین و هر چه میان آندو است
 اگر شما باور کنید گانید (۸)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

حَمْدٌ ②

عبدالمطعم بن
 عذرة

وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ③

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَرَّكَةٍ إِنَّا كُنَّا

مُنذِرِينَ ④

فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ ⑤

أَمْرًا مِّنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ⑥

رَحْمَةً مِّنْ رَبِّكَ ⑦ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ

الْعَلِيمُ ⑧

رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ⑨

إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ ⑩

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ
وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ ⑩

هیچ معبودی نیست جز او. او زنده
کند و میمیراند. پروردگار شما و
پروردگار پدران پیشین شما (۹)
حقیقت اینست که آنها در شک
بازی میکنند (۱۰)

بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ ⑪

بس منتظر باش روزی را که آسمان
دودی آشکار را بیارد (۱۱)
مردم را فراگیرد. این عذابی درد
ناک باشد (۱۲)

فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ
مُبِينٍ ⑫

پروردگارا! عذاب را از ما دور
کن. یقیناً ما ایمان آرندگانیم (۱۳)
اینک بندشان از کجا در حالیکه
ایشان را رسولی با ادله روشن
آمده بود (۱۴)

يَغْشى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ⑬

رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ ⑭

باز هم از او روی برتابیدند و
گفتند، آموزش داده [بلکه] دیوانه
است (۱۵)

ثُمَّ تَوَلَّوْا عُنُقَهُ وَقَالُوا مَا عَلَّمَنَا مَجْنُونٌ ⑮

البته ما عذاب را زمانی اندک دور
کنیم. بهر صورت شما [همان سخنان
را] اعاده کنید گانید (۱۶)

إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ
عَائِدُونَ ⑯

يَوْمَ نَبِّطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَىٰ إِنَّا
مُتَّقِمُونَ ﴿١٧﴾

روزیکه سخت گیریم [شمارا]
سخت گرفتنی بزرگ حتماً انتقام
کشندگانیم (۱۷)

وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ
وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ ﴿١٨﴾

و یقیناً ما پیش از آنها قوم فرعون
را آزمایش کرده بودیم حال آنکه
آنها را رسولی گرامی آمده بود (۱۸)
[گفت] اینکه بندگان خدا را بمن
واگذار کنید. یقیناً برای شمارسولی
امین ام (۱۹)

أَنْ أَدْوَأَ إِلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ ۗ إِنِّي لَكُم رَسُولٌ
أَمِينٌ ﴿١٩﴾

و اینکه در مقابل خدا هرگز سر
کشی نکنید. هرآینه من شمارا دلیلی
غالب آشکارا آورده ام (۲۰)

وَأَنْ لَا تَعْلُوا عَلَيَّ اللَّهُ ۗ إِنِّي أَنَا رَبُّكُمْ
يَسْلُطُنَ مُبْدِينٌ ﴿٢٠﴾

و یقیناً من به پروردگار خود و
پروردگار شما پناه میبرم که مرا
سنگسار کنید (۲۱)

وَإِنِّي عُدْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ
تَرْجُمُونِ ﴿٢١﴾

و اگر به من ایمان نمیآرید پس
مرا تنها بگذارید (۲۲)

وَإِن لَّمْ تُوْمِنُوا لِي فَاَعْتَرُونِ ﴿٢٢﴾

پس او پروردگار خویش را خواند
که اینها قوم بزمکارانند (۲۳)

فَدَعَا رَبَّهُ أَنْ هُوَ لَأَيُّ قَوْمٍ
مُّجْرِمُونَ ﴿٢٣﴾

پس بابندگانم شبگاه کوچ کن.
البته شما تمقیب کرده شوید (۲۴)

فَأَسْرِ بِعِبَادِي لَيْلًا إِنَّكُمْ مُّتَّبِعُونَ ﴿٢٤﴾

و دریا را ترک کن چون آن آرام
است. یقیناً آنها لشکری اند که
غرق کرده شوند (۲۵)

آنها وا گذاشتند بسا باغها و چشمه
سارمائی را (۲۶)

و کشتها و جایگامهای ارجمند (۲۷)
و نعمتی که در آن آسودگان بوده
اند (۲۸)

مینظور شد و ما قومی دیگر را
وارث آن گردانیدیم (۲۹)

پس نه آسمان بر آنها گریست و نه
زمین ونه مهلت دادگان بودند (۳۰)
و البته ما بنی اسرائیل را نجات
دادیم از عذابی خوارکننده (۳۱)

[که] از فرعون [بود]. یقیناً او از
تجاوزگری کنندگان بسیار جباری
بود (۳۲)

و یقیناً ما آن [بنی اسرائیلی] ما را
بر اساس علم برجهانیان ترجیح
داده بودیم (۳۳)

و آنان را بعضی از آن نشانه های

وَأَتْرَكَ الْبَحْرَ رَهْوًا ۱۰ إِنَّهُمْ جُنْدٌ
مَّعْرُقُونَ ۱۱

كَمْ تَرَكُوا مِنْ جِثَّتٍ وَعُيُونٍ ۱۲

وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ۱۳

وَنَعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ ۱۴

كَذَلِكَ ۱۵ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ ۱۶

فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا
كَانُوا مُنظَرِينَ ۱۷

وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ
الْمُهينِ ۱۸

مِنْ فِرْعَوْنَ ۱۹ إِنَّهُ كَانَ عَلِيًّا مِنَ
الْمُسْرِفِينَ ۲۰

وَلَقَدْ اخْتَرْنَاهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَيَّ
الْعَالَمِينَ ۲۱

وَاتَّيْنَاهُمْ مِنَ الْآيَاتِ مَا فِيهِ بَلَاءٌ مُبِينٌ ۲۲

دادیم که در آنها آزمایشی آشکار بود (۳۴)

یقیناً این مردم میگویند (۳۵)
نیست آن [دیگر] جز اولین مرگ
ما و ما برخیزانندگان نیستیم (۳۶)
پس بیآرید پدران ما را اگر شما
راستگویانید (۳۷)

آیا آنها بهترند یا قوم تبع و آنانکه
از پیش آنها بودند. ما آنها را
هلاک کردیم. یقیناً آنها بزمکاران
بودند (۳۸)

و آسمانها و زمین و هر چه میان
آندوست را بازی کنان نه آفریده
بودیم (۳۹)

و آندو را نیفریدیم مگر بحق و
اما بیشتر ایشان نمیدانند (۴۰)
یقیناً روز فیصله همگی آنها را
وعده گاهی است (۴۱)

روزیکه دوستی بکار هیچ دوست
نه آید و نه آنها یاری کرده
شوند (۴۲)

إِنَّ هُوَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۚ يُقُولُونَ ۗ
إِنَّ هِيَ إِلَّا مَوْتَتُنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ
بِمُنشَرِينَ ۚ
فَأْتُوا بِآبَائِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۗ

أَهُمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ تُبَّعٍ ۗ وَالَّذِينَ مِنْ
قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا
مُجْرِمِينَ ۗ

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا
بَيْنَهُمَا الْعِجِينَ ۗ

مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ
لَا يَعْلَمُونَ ۗ

إِنَّ يَوْمَ الْفُصْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ ۗ

يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَىٰ عَنْ مَوْلَىٰ شَيْئًا وَلَا
هُم يُنصَرُونَ ۗ

إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ ۗ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٤٣﴾
 مگر بر آنکه خدا رحم کند. یقیناً او صاحب غلبه کامل بارها رحم کننده است (۴۳)

إِنَّ شَجَرَتَ الزَّقُّومِ ۗ طَعَامٌ لِّلْإِثْمِ ۗ كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ ۗ ﴿٤٤﴾
 یقیناً شجر زقوم (۴۴)
 طعام بزهکار است (۴۵)
 همچون مس گداخته در شکم می جوشد (۴۶)

كَغَلِي الْحَمِيمِ ۗ خَذُوهُ فَاعْتَلُوهُ إِلَىٰ سَوَاءِ الْجَحِيمِ ۗ ﴿٤٥﴾
 مانند جوشیدن آب جوشان (۴۷)
 او را بگیرد و او را بکشید بسوی وسط جهنم (۴۸)

ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ ۗ ذُقْ ۗ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ ۗ ﴿٤٦﴾
 سپس بر سرش کمی عذاب آب جوشان بریزد (۴۹)
 بچش. یقیناً تو که صاحب بزرگی و ارجمند بودی (۵۰)

إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ ۗ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ ۗ ﴿٤٧﴾
 همانا اینست آنچه [نسبت] به آن شما شك میکردید (۵۱)
 یقیناً متقیان در جای ایمن باشند (۵۲)

فِي جَنَّتٍ وَعُيُونٍ ۗ يَلْبَسُونَ مِنْ سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتَقَلِّبِينَ ۗ ﴿٤٨﴾
 در باغها و چشمه سارها (۵۳) ++
 لباس سندس و استبرق تن کرده رو بروی هم تکیه زده نشسته

باشند(۵۴)++

مینطور بشود و ایشان را به
دوشیزگان فراخ چشم هم جفت
نمائیم(۵۵)

ایشان در آن ایمن مرنوع میوهها
طلب خواهند کرد(۵۶)

و در آن نچشند مرگ جز مرگ اول
و او آنها را از عذاب جهنم حفظ
نماید(۵۷)

این بطور فضل از پروردگارتو
است. یقیناً این پیروزی بزرگ
است(۵۸)

پس ما آنرا بر زبان تو آسان نموده
ایم تا ایشان پند بگیرند(۵۹)

پس منتظر باش یقیناً آنها نیز
منتظر اند(۶۰)

كَذٰلِكَ نَنْزِلُ فِيْهِمْ بِحُوْرٍ عَيْنٍ ۝۵۴

يَدْعُوْنَ فِيْهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمِنِيْنَ ۝۵۵

لَا يَذُوْقُوْنَ فِيْهَا الْمَوْتَ اِلَّا الْمَوْتَةَ
الْاُولٰٓئِ وَوَقَّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيْمِ ۝۵۶

فَضَلًا مِّنْ رَّبِّكَ ۚ ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ
الْعَظِيْمُ ۝۵۸

فَاِنَّمَا يَسَّرْنٰهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ
يَتَذَكَّرُوْنَ ۝۵۹

فَاَرْتَقِبْ اِنَّهُمْ مَّرْتَقِبُوْنَ ۝۶۰

۵۷
۵۶
۵۵

++ آیات ۵۴-۵۵: این تمثیل آن چیزها بیان شده است که مردم در دنیا دوست دارند و مگر نه حالت اصلی آنها کسی نمیداند.

۴۵- سورة الجائیه

این سورة در مکه نازل آمد و با بسم الله ۲۸ آیت دارد.

در این سورة آیت ۱۴ چنین آیتی است که پرده را از رازهای زمین و آسمان بنحوی برمیدارد که آیتی شبیه اش در هیچکدام کتب قبلای نازل نشده است. فرموده میشود، تمامی آنچه در زمین و آسمان است برای انسان مسخر شده است. پس کسانی که فکر کنند بدانند که همگان اجرام سماوی بر انسان تاثیری میگذارند. گویی که انسان مائیکروبیونیورس (Micro Universe) است و مجمل این کائنات پهناور است.

پس، بعد از این ذکر که قیامت حتماً برپا گردد فرمود، نشانه ای میتناک قیامت را رویت کرده و بدفرجام خویش را جلوی چشمان خود نگریسته آنها به زانوهای زمین خواهند افتاد. بعبارت دیگر ایشان در مقابل جلال خدای متعال به سجده بیفتند و آرزو کنند کاشکی از این عذاب بزرگ رهانیده شوند. سپس فرمود که هر کدام امت فراخور کتاب شریعت خود قضاوت کرده شود.

در پایان این سورة توجه انسان یکبار دیگر بسوی این امر جلب کرده میشود که تمامی کاینات به زبان حال خدای متعال را ستایش میکند و اینکه کبریائی بتمام از آن اوست و او صاحب غلبه کامل و صاحب حکمت است.

☆ سُوْرَةُ الْجَائِيَةِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ ثَمَانٍ وَثَلَاثُونَ آيَةً وَأَرْبَعَةٌ رُكُوعَاتٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیاربخشنده بارمارحم کننده (۱)

حَمْدٌ ②

حَمِيدٌ مَجِيدٌ - صاحب حمد صاحب

تمجید (۲)

نازلکردن این کتاب از خدای

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ

صاحب غلبه کامل صاحب حکمت

الْحَكِيمِ ③

است (۳)

یقیناً در آسمانها و زمین مومنان را

إِنَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ

بسیار آیت های است (۴)

لِلْمُؤْمِنِينَ ④

و در آفرینش شما و هر چه جنبنده

وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبْتُغِي مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٍ

او میگستراند آیتهای است برای

لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ⑤

قومیکه یقین دارند (۵)

و دگرگون کردن شب و روز و

وَإِخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ

آنچه خدا از آسمان رزقی نازل کند

مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ

و زمین را بدان پس از مرگش زنده

بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ الرِّيْحِ آيَاتٍ لِقَوْمٍ

کند و رخ راجا بجا کرده و زانندن

يَعْقِلُونَ ⑥

بادما آیتهای است برای قومیکه

عقل کنند (۶)

این آیتهای خدا است که آنها را

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَبِأَيِّ

حَدِيثٌ بَعَدَ اللَّهُ وَآيَتِهِ يَوْمَ مَوْنٍ ﴿٧﴾

برتو با حق فرو خوانيم. پس اينها
پس از خدا و آيتهاي او به کدام
سخن ايمان خواهند آورد؟ (۷)

وَيْلٌ لِّكُلِّ أَقَالِكِ آيْمِي ﴿٨﴾

هلاک باد بر هر يك افترا کننده
و دروغگویی بزرگ (۸)

يَسْمَعُ آيَةَ اللَّهِ تَتْلَى عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ
مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ
بِعَذَابِ آيْمِي ﴿١﴾

او آيتهاي خدا را گوش ميکند که بر
او خوانده ميشود. باز هم کبرکنان
اصرار ميورزد که گویی او آنها
را نشنیده است. پس او را بعدابی
در دناک مژده بده (۹)

وَإِذْ أَعْلَمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُرُؤًا
أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿١٠﴾

و مرگاه او بر بعضی از آیات ما مطلع
ميگردد آنها را بپاد سخریه ميگيرد.
مانها اند که برای آنها عذابی
خوار کننده است (۱۰)

مَنْ وَرَّأَبَهُمْ جَهَنَّمَ وَلَا يُعْنِي عَنْهُمْ مَا
كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ
أَوْلِيَاءَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١١﴾

[و] از ورای آنها جهنم است و
ميچ هم به کاريشان نه آيد آنچه
کسب کردند و نه آنچه راجز خدا
دوستانی گزیدند در حالیکه برای
ايشان عذابی بزرگ است (۱۱)

هَذَا هُدًى وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ
لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رَّجْزِ آيْمِي ﴿١٢﴾

این هدایتی بزرگ است و آنانکه
به آيتهاي پروردگار خود انکار

ع
۱۲

کردند برای آنها از عذابى لرزنده

عذابى دردناك [مقدر] است (۱۲)

خدا است آنكه دریا را برای شما

مسخر کرد تا با امراو در آن کشتیها

روان شوند و تا فضل او را تلاش

کنید و تا شما سپاس بجا آرید (۱۳)

و آنچه در آسمانها است و آنچه در

زمین است از آن همگی را برای

شما مسخر کرد. یقیناً در این آیتهاى

است برای قومى که تفکر کنند (۱۴)

بگو به کسانیکه ایمان آوردند که

به آنها که به روزهاى خدا امید

ندارند رفتار عفو کنند تا قومى را

پاداش دهد مطابق آنچه کسب مى

کردند (۱۵)

هرکه نیکوکارى بجا آرد پس به

نفع خود اوست و هرکه بدى کند

پس خلاف خود اوست. باز شما به

سوى پروردگار خود برگشت داده

شوید (۱۶)

و یقیناً بنی اسرائیل را کتاب

اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ

الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ

وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٣﴾

وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي

الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ

لِّقَوْمٍ يَّتَفَكَّرُونَ ﴿١٤﴾

قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا

يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا

يَكْسِبُونَ ﴿١٥﴾

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ ۗ وَمَنْ أَسَاءَ

فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ ﴿١٦﴾

وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ

وحکمت و نبوت در دادیم و آنان را از پاکیزه ما رزق بخشیدیم و آنها را بر همه عالمیان فضیلت اعطا کردیم (۱۷) ++

و آنانرا تعلیمات آشکار از شریعت اعطا کردیم. پس آنها اختلاف نه کردند مگر خلاف همدیگر سرکشی کرده پس از آنکه ایشان را علم آمد. یقیناً پروردگارتو روز قیامت در آن امور فیصله دهد که در آنها اختلاف میکردند (۱۸)

سپس تو را بریک امر شریعتی معظم استوار نمودیم. پس از پی آنان نرو و از هوای نفسانی آنها پیروی نکن که نادانانند (۱۹) ++

وَالْحُكْمَ وَالْثُبُوتَ وَرَزَقْنَهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿۱۷﴾

وَأَيُّهُمْ يَبْئُتِ مِنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ ۗ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿۱۸﴾

ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَى شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۱۹﴾

++ آیت ۱۷: منظور از فضیلت بنی اسرائیل بر عالمیان این است که ایشان را بر جهانهای مشخص آنزمان فضیلت حاصل بود. دنیا در بخش های مختلف آنقدر منقسم بود که بنی اسرائیل درباره آنها هیچ اطلاعی نداشتند. باز هم هر چند جهانهای آنزمان بر بنی اسرائیل معلوم بود ما ایشان را بر همه آنها فضیلت دادیم.

++ آیت ۱۹: باز از آن پس به آنحضرت ﷺ شریعت اعطا شد. چون ایشان پیغمبر همه جهانی بودند شریعت ایشان ﷺ نیز همه جهانی بود.

إِنَّهُمْ لَنْ يُغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنَّ
الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ
وَالِيُ الْمُتَّقِينَ ﴿۲۰﴾

یقیناً آنان در مقابل خدا هیچ هم
بکارتو نیایند و ستمگران یقیناً
دوست همدیگر اند و خدا دوست
متقیان است (۲۰)

هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ
لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿۲۱﴾

این برای مردم بصیرت افروز
سخنان است و هدایت و رحمت
قومی را که یقین دارند (۲۱)

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ
نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتِهِمْ
سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿۲۲﴾

آیا پنداشته اند آنانکه گناه های
گوناگون کسب کنند که آنها را
مانند آنان قرار دهیم که ایمان
آوردند و نیکوکاریها کردند [که
گوئی] زیستن آنان و مردن آنان
همسان باشد؟ بسیار زشت است
آن قضاوت که میکنند (۲۲)

وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ
وَلِيَجْزِيَ كُلَّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا
يُظَلَمُونَ ﴿۲۳﴾

و خدا آسمانها و زمین را بحق
آفرید تا هر جان پاداش داده شود
فراخور آنچه او کسب کرد و آنها
ستم کرده نشوند (۲۳)

أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ
اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَوَحَّتْ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ

پس آیدیدی آنکس را که هوای نفس
خویش را معبود خویش برگرفت
و خدا او را بر مبنای علمی گمراه

وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِمْ عَشِيرَةً ۖ فَمَنْ يَهْدِيهِ
مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿۲۴﴾

نموده و بر شنوائی و بینائی او
مهر نهاده و بر دیدگانش پرده
افکنده است؟ پس کیست پس از
خدا که او را هدایت دهد؟ آیا
باز هم پند نیگیرید؟ (۲۴)

وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ
وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا
لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا
يُظُنُّونَ ﴿۲۵﴾

و گویند، نیست آن [زندگی] جز
زندگم دنیائی ما - ما هم میمیریم
هم زنده شویم و نیست مارا ملک
کند جز روزگار حال آنکه آنها را
به این هیچ هم دانشی نیست. آنها
فقط حدس میزنند (۲۵)

وَإِذْ تَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ مَّا كَانَ
حُجَّتَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا اتُّوَابَا بَابِنَا إِن
كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۲۶﴾

و مرگاه آیتهای روشن ما بر آنها
خوانده شود دلیل آنان نیست جز
اینکه گویند: پدران ما را بیارید
اگر شمارا استگویانید (۲۶)

قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ
يَجْمَعُكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ
وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۲۷﴾

بگو خدا است که شما را زنده می
کند. سپس شمارا میمیراند. سپس
شمارا جمع کند بسوی روز قیامت
که در آن هیچ شکی نیست و اما
بیشتر مردم نمیدانند (۲۷)

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَيَوْمَ

و از آن خدا است پادشاهی آسمانها

و زمین و روزیکه قیامت برپا گردد دروغگویان آنروز زیان خواهند کشید (۲۸)

و مرکدام ملت را بزانو درآمده ببینی و هرامتی بسوی کتاب خود فراخوانده شود. امروز مزد داده شوید بدانچه شما میکردید (۲۹)

این کتاب ما است که برخلاف شما بحق سخن گوید. یقیناً ما مینوشتیم هرچه شما میکردید (۳۰)

پس کسانی که ایمان آوردند و نیکو کاری کردند پس ایشان را پروردگار ایشان در رحمت خود داخل کند. این پیروزی آشکار است (۳۱)

و باتوجه به آنها که انکار کردند، [گفته شوند] پس آیا آیتهای ما بر شما فرو خوانده نمیشد؟ باز هم تکبر کردید و شاقوم بزمکاران شدید (۳۲)

و هنگامیکه گفته شود. وعده خدا

تَقُومُ السَّاعَةُ يَوْمَ يَخْسَرُ الْمُبْطِلُونَ ﴿٢٨﴾

وَتَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَائِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٩﴾

هَذَا كِتَابُنَا يُنطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٣٠﴾

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيَدْخُلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ ﴿٣١﴾

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ أَيْتِي تُتْلَى عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ ﴿٣٢﴾

وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا

رَبِّ فِيهَا قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ ۗ
 اِنْ نَّظُنُّ اِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ
 بِمُسْتَيْقِنِينَ ﴿۳۳﴾

حق است و ساعتی است که در
 آن هیچ شکی نیست گوئید. ما
 نمیدانیم ساعت چیست. ما [اینرا]
 فقط گمان میپنداریم و ما یقین
 آوردگان نیستیم (۳۳)

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتٍ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ
 مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿۳۴﴾

و برای آنان آشکار شود زشتی
 های آنچه میکردند و آنها را احاطه
 کند بدانچه داشتند تسخر می
 کردند (۳۴)

وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنسِكُمْ كَمَا نَسَيْتُمْ لِقَاءَ
 يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَا اُولَئِكَ النَّارُ وَمَا
 لَكُمْ مِّنْ نُصْرَةٍ ﴿۳۵﴾

و گفته شود. ما امروز شما را
 فراموش میکنیم بطوریکه شما
 ملاقات امروز خود را فراموش
 کرده بودید و جایگاه شما جهنم
 است و شما را کسی از یاوران
 نیست (۳۵)

ذَلِكُمْ بِاَنكُمُ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللّٰهِ هُزُوًا
 وَغَرَّتْكُمْ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا ۗ فَالْيَوْمَ لَا
 يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ﴿۳۶﴾

این بدانعلت است که شما آیتهای
 خدا را ببادسخریه گرفتید و زندگی
 دنیا شمارا فریب داد. پس امروز از
 آن [آتش] خارج کرده نشوند و نه
 عذر ایشان قبول کرده شود (۳۶)
 پس ستایش مطلق از آن خدا است

فَلِلّٰهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمٰوٰتِ وَرَبِّ

الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۳۷﴾

که پروردگار آسمانها و پروردگار
زمین است [همان که] پروردگار
تمامی جهانها است (۳۷)

وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ

و از آن او است کبریائی در
آسمانها و زمین و او صاحب غلبه
کامل صاحب حکمت است (۳۸)

وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۳۸﴾

ع
۳۸

۴۶ - الاحقاف

این سوره در مکه نازل شد و با بسم الله ۳۶ آیت دارد.

بمحض آغاز این سوره اظهار از همان حقیقت مذکور در آخرین آیات سوره گذشته میشود که هر چه در زمین و آسمان و میان آندو است خدا را ستایش میکند. در ابتدای این سوره فرموده میشود که زمین و آسمان و هر چه در آندو است بر آن حق استوار اند که قبلاً ذکر شد. مجلاً باید گفت که تمامی کاینات در حق کسی جز خدای حق گواهی نیندهد. بلافاصله پس از این به مشرکان خطاب کرده میشود که زمین و آسمان و هر چه در آنها است آفرینش خدا است. شمارا باید آفرینش خدایانی بر یافته خودتان نشان دهید. در حقیقت در این مضمیر دلیل اینست که بر هر کدام آفریده ها مهرچایی او نشانده شده است.

اگرچه در این سوره ذکر از هلاکت قوم عاد میرود که بوسیله احقاف بیم داده شدند ولی این اسلوب قرآن را نباید ندیده گرفت که با تذکر سرگذشت‌های پیشینیان اشاره به وقایع متشابه پسینیان نیز کرده میشود.

در این سوره مجدداً کنایه ای به موضوع دخان یعنی دود شده است که هرگاه ابرها سایه افکنند آنان می پندارند که آسمان بر ایشان نعمت های میبارد. اما چون آن ابر ایشان را فرارسد آنگاه حالی شوند که آن همراه با چنین بادهای تشعشعی است که هر چیزی را هلاک سازند. پس ایشان آنقدر توفیق هم نتوانند بدست آورند که از مساکن خود بیرون آیند و چیزی جز منزلی ویران ایشان گواه بر وجود ایشان نباشد. ناگاساکی و میروشیما در

ژاین مصداق این امر میباشند.

آیه ۳۴ عبارت از این موضوع است که آیا آنان نمینگرند که خدا از آفرینش آسمان و زمین درمانده نمیشود. انسان آن زمان نمیتوانست ببینند ولی انسان امروز که به معلوم کردن رازها تلاش میکند میداند که زمین و آسمان تکراراً در عدم غرق میشوند و مجدداً در آفرینشی جدید درمیآیند و این فعل خداوندی که تکراراً زمین و آسمان را بحالت عدم برده بر سطح هستی در میآورد خاطر نشان میکند که هیچگاه او از عمل تخلیق دچار خستگی نمیشود. پس اینک انسان چطور خیال کند که چون او نابود شود خدا را توانائی نیست که او را دوباره بوجود آورد؟!۱

☆ سُوْرَةُ الْاِحْقَافِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سِتُّ وَثَلَاثُوْنَ اَيَّةٌ وَارْبَعَةُ رُكُوْعَاتٍ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

بسیار بخشنده، بارها رحم کننده (۱)

حمید مجید - صاحب حمد صاحب

۱۳۴۱

ح م ج

تمجید [۲]

نازل کردن این کتاب از خدای

صاحب غلبه کامل، صاحب حکمت

است [۳]

تَنْزِیْلَ الْكِتٰبِ مِنَ اللّٰهِ الْعَزِیْزِ

الْحَكِیْمِ ②

آسمانها و زمین و هر چه میان

آندو است را نه آفریدیم جز

بحق و برای مدت معین، و آنها که

کفر کردند اعراض کنند از آنچه

هشدار داده شوند (۴)

مَا خَلَقْنَا السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا

اِلَّا بِالْحَقِّ وَاَجَلٍ مُّسَمًّى ③ وَالَّذِیْنَ

كَفَرُوْا عَمَّاۤ اُنْذِرُوْا مُّعْرِضُوْنَ ④

بگو آیا نگریستید آنچه را جز

خدا میخوانید؟ مرانشانمید چه

چیز را در زمین آفریده اند؟ یا

برای ایشان در آسمانها مشارکتی

است؟ برای من کتابی پیش از

این یا نوشته ی علمی بیآرید

اگر شما راستگویانید (۵)

قُلْ اَرَءَیْتُمْ مَا تَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ

اُرُوْنِیْ مَاذَا خَلَقُوْا مِنَ الْاَرْضِ اَمْ اَلَهُمْ

شِرْكٌَ فِی السَّمٰوٰتِ ⑤ اِیْتُوْنِیْ بِكِتٰبٍ

مِّنْ قَبْلِ هٰذَا اَوْ اَثَرٍ ⑥ مِنْ عِلْمٍ اِنْ كُنْتُمْ

صٰدِقِیْنَ ⑦

وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ
لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ
عَنْ دُعَائِهِمْ غَفْلُونَ ﴿٦﴾

و کیست گمراوتر از آنکه جز خدا
آنها را میخواند که نمیتوانند تا
قیامت او را جوابی بدهند؟ و آنها از
خوانده شدن خود بیخبراند (۶)

وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً
وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ ﴿٧﴾

و هنگامیکه مردم محشور کرده
شوند آنها [که پرستش میشدند]
به دشمنی آنها برآیند و از پرستش
آنان انکار کنندگان شوند (۷)

وَإِذَا تَلَّى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ
كَفَرُوا وَاللَّحِقَ لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا سِحْرٌ
مُبِينٌ ﴿٨﴾

و هنگامیکه آیات روشن ما بر آنها
خوانده میشود آنها که کفر کردند
درباره حق چون نزدایشان آمد
گویند، این جادوئی آشکار
است (۸)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ ۗ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ
فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا ۗ هُوَ أَعْلَمُ
بِمَاتِيضُونَ فِيهِ ۗ كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي
وَبَيْنَكُمْ ۗ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٩﴾

آیا میگویند که او آنرا بریافته
است؟ بگو، اگر آنرا بریافته بودم
آنگاه شما در مقابل خدا به نجاتم
هیچ طاقتم نیاوردید. او داناتر
به آنست که در آن مستغرق اید. او
میان من و میان شما بس گواه
است و او آمرزگاری بارها رحم
کننده است (۹)

بگو من از رسولان آغازی نیستم
و نمیدانم چه رفتار کرده شود
بمن و یا به شما. من فقط آنرا
پیروی کنم که بمن وحی فرستاده
میشود و نیستم من جز بیم دهنده
آشکار (۱۰)

قُلْ مَا كُنْتُ بِدَعَا مِنَ الرَّسُلِ وَمَا
أَدْرِي مَا يَفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ ۗ إِنَّا نَنْبِئُ
إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيْنَا وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ
مُّبِينٌ ﴿۱۰﴾

بگو آیا نگریستید [به آن نتیجه
که] اگر او از جانب خدا باشد و شما
او را انکار کنید حالانکه گواهی
دهنده ی از بنی اسرائیل بر [ظهور]
مثیل خود گواهی داده بود پس او
که ایمان آورد و شما تکبر کردید.

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ
وَكَفَرْتُمْ بِهِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ بَنِي
إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ مِثْلِهِ فَأَمَنَ
وَاسْتَكْبَرْتُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي
الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿۱۱﴾

++ آیت ۱۱: اینجا منظور از شاهد حضرت موسیٰ علیه السلام هستند و منظور از ایمان آوردن ایشان ایمان آوردن بر پیغمبری که در آینده ظهور کند یعنی حضرت محمد ﷺ هستند که درباره ظهور ایشان حضرت موسیٰ علیه السلام گواهی داده بودند. در استثناء ۱۸: ۱۸ مرقوم است: من برای ایشان از میان برادران خود ایشان یک پیغمبر بپاکرده کلام خود را دردمن او افکنم و هر چه به او فرمان دهم همان را به ایشان خواهد گفت.

منظور از "وَاسْتَكْبَرْتُمْ" آن قوم بنی اسرائیل است که رسول الله ﷺ را انکار کردند. آنان فهمانیده شده اند که بنیان گذار ملت شما بر رسول الله ﷺ ایمان میداشت اما شما منکران او هستید. گویی که شیوه شما پیوسته انکار کردن است آنچه از تکبر منشأ میگیرد.

یقیناً خدایه قوم ستمکاران هدایت

نمیدمد (۱۱)

و آنها که کفر کردند گفتند به آنها
که ایمان آوردند اگر این خوب
بود بسوی آن بر ما سبقت نمی
گرفتند و چون به آن هدایت نه
یافتند گویند این يك دروغ

باستانی است (۱۲)

و پیش از این کتاب موسی رهنا
و رحمتی بود و این کتاب تصدیق
کننده در زبان فصیح و بلیغ است
تا بیم دهد آنها را که ستم کردند
و نیکوکاران را مؤده است (۱۳)

مانا آنانکه گفتند، پروردگار ما
خدا است سپس راه وفا پیمودند
پس بر آنها نه بیم است و نه آنها
اندوهناک شوند (۱۴)

مانها اهل بهشتند در آن جاویدان
اند. این پاداش است به آن عمل
که داشتند میکردند (۱۵)

و انسان را اکیداً نصیحت کردیم

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ
خَيْرًا مَّا سَبَقُونَا إِلَيْهِ ۖ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ
فَسَيَقُولُونَ هَذَا آفَاكٌ قَدِيمَةٌ ۝

وَمِنْ قَبْلِهِ كَتَبَ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً ۖ
وَهَذَا كِتَابٌ مُّصَدِّقٌ لِّسَانِ عَرَبِيٍّ لِّيُنذِرَ
الَّذِينَ ظَلَمُوا ۗ وَبُشْرَىٰ لِلْمُحْسِنِينَ ۝

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا
فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝

أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا ۗ
جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا ۖ

که به والدین خویش احسان کند، مادرش او را بارنج برداشت و بارنج او را زاد و حملش و شیر گرفتنش سی ماه است تا آن انتها که چون به بلوغیه خود رسید و چهل ساله شد گفت، پروردگارا! توفیقم بده تا سپاسگذارم برای آن نعمت تو که بر من و بر والدینم ارزانی داشتی و اینکه نیکوکاری کنم که تو را خوش آید و نژادم را برای من اصلاح کن. یقیناً من بسوی تو رجوع میکنم و یقیناً من از فرمانبرداران هستم (۱۶)

مانهاند که از ایشان نیکوترین از آن اعمال که کردند را بپذیریم و از بدهیهای ایشان عفو نمایم. ایشان شامل اهل بهشت هستند. [این] آن وعده راست است که داده می شدند (۱۷) ++ (ص# ۱۲۳۶)

و آنکس که به والدین خود گفت، اف بر شما، آیامرامیترسانید که من

حَمَلْتَهُ أُمَّهُ كُرْهًا وَوَضَعْتَهُ كُرْهًا
وَحَمَلُهُ وَفِضْلُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّى إِذَا
بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ
رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي
أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ
صَالِحَاتٍ تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي
إِنِّي تَبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٦﴾

أُولَئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا
عَمِلُوا وَتَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي
أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعَدَ الصِّدْقِ الَّذِي
كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿١٧﴾

وَالَّذِي قَالَ لِوَالِدَيْهِ أُفٍّ لَكُمْ

بیرون آورده خواهم شد با آنکه
پیش از من بساقومهادرگذشته اند
و آندو به خدا فریادکنان [به پسر
خود] گفتند: هلاک برتو، ایمان بی‌آر.
یقیناً وعده خدا راست است. پس
او گفت: اینها فقط اساطیر پیشینیان
است (۱۸)

مانه‌اند که بر آنها آن فرمان [خدا]
راست آمد که بر ملت‌های درگذشته
پیش از آنها از جن و بشر [راست]
آمده بود. یقیناً آنها خسارتکاران
اند (۱۹)

و هر کدام را مراتب است از
[روی] آنچه عمل کردند و اینست تا
[خدا] آنان را پاداش اعمال ایشان
کامل دهد و ایشان ستمکرده نه
شوند (۲۰)

و [بیاد آرید] روزی آنانکه کفر
کردند روبروی آتش عرضه شوند.
+ آیت ۱۷: أَحْسَنُ مَا عَمِلُوا یعنی خداوند پاداش نیکو نه بمیزان کم نیکوکاری بلکه

أَتَعْدِنِي أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ
الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي ۚ وَهُمَا يَسْتَعِيبُنِ اللَّهَ
وَيَلْكَ أَمِنْ ۗ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ ۖ فَيَقُولُ مَا
هَذَا إِلَّا آسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ۝

أُولَئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي
أَمْرِ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ
وَالْإِنْسِ ۗ إِنَّهُمْ كَانُوا خَسِرِينَ ۝

وَلِكُلِّ دَرَجَةٍ مِمَّا عَمِلُوا ۚ
وَلِيُوقِيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَهُمْ
لَا يُظْلَمُونَ ۝

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ ۗ
أَذْهَبْتُمْ طَيْبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا

بمیزان بهترین بخش نیکوکاری خواهد داد.

شما چیزهای پاک و پسندیده خود را در زندگانی دنیا خود تمام کردید و به آنها کامروا شدید. پس امروز عذاب رسوا کننده بپاداش داده شوید چه شما در زمین بناحق تکبر میکردید و چه شما زشت کاری میکردید (۲۱)

و برادر عباد را یاد کن چون او بقوم خود نذر دهبسته های ریگ هشدار داد در حالیکه از پیشرویش و از پشت سرش هشدارهای [بسیار] گذشته بود که جز خدا قطعاً کسی را عبادت نکنید. بر راستی من بر شما از عذاب روزی بزرگ میترسم (۲۲)

گفتند: آیا آمدی نزد ما تا ما را از معبودان خود منحرف کنی؟ پس بیار بدانچه ما را میترسانی اگر تو از راستگویانی (۲۳)

او گفت: علم که فقط نزد خدا است. من بشما آنچه ابلاغ میکنم که با آن فرستاده شده ام و اما شما را

وَاسْتَمَعْتُمْ بِهَا^ع فَالْيَوْمَ تُجْرَوْنَ عَذَابَ
الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي
الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ
تَفْسُقُونَ^ع

وَإِذْ كُرِّمْنَا^ط إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ
بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَّتِ التُّدْرُ مِنْ بَيْنِ
يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ^ط
إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ
عَظِيمٍ^ع

قَالُوا أاجِئْنَا لِنَأْفِكَنَا عَنِ الْهِتَانِ^ع فَاتِنَا
بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ^ع

قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ^ع وَأُبَلِّغُكُمْ مَا
أُرْسِلْتُ بِهِ وَلَكِنِّي أَرِكُمْ قَوْمًا

تَجْهَلُونَ ۱۴

فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُسْتَقْبِلَ أَوْدِيَّتِهِمْ ۙ
 قَالُوا هَذَا عَارِضٌ مُمْطِرُنَا ۗ بَلْ هُوَ مَا
 اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ ۗ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ۱۵

قومی جاهل می بینم (۲۴)

پس چون آنرا ابری بسوی وادی
 های خود پیش آینده دیدند گفتند،
 این ابری است که بر ما بارش
 میبارد. نخیر! بلکه اینست همانکه
 آنرا بشتاب میخواستید. این بادی
 تند است که در آن عذابی دردناک

است (۲۵)

هر چیز را به فرمان پروردگار
 خود نابد سازد. پس [بطوری نابد]
 شدند که جز خانه های ایشان هیچ
 هم دیده نمیشد. اینگونه ما به قوم

بزهکاران پاداش می دهیم (۲۶)

والبته به آنها تمکنی داده بودیم که
 آن تمکن بشما نداده ایم و برای
 آنان گوشها و چشمان و دلها ساختیم
 پس گوشهای ایشان و چشمان
 ایشان و دلهای ایشان هیچ هم بکار
 ایشان نیامد چون به آیتهای خدا
 ع حاجه کردند و فراگرفت آنها را
 آنچه به آن تمسخر میکردند (۲۷)

تُدْمِرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا
 لَا يُرَى إِلَّا مَسَكِنُهُمْ ۗ كَذَلِكَ
 نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ۱۶

وَلَقَدْ مَكَّنَّا لَهُمْ فِي مَا آتَيْنَاهُمْ مِنْكُمْ فِيهِ
 وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَ أَبْصَارًا وَ أَفْئِدَةً ۗ
 فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا
 أَبْصَارُهُمْ وَلَا أَفْئِدَتُهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِذْ
 كَانُوا يَجْحَدُونَ ۗ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ حَاقَ بِهِمْ
 مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ۱۷

وَلَقَدْ أَهَلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ مِنَ الْقُرَىٰ
وَصَرَفْنَا الْأَيِّتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿۲۸﴾

و البته ما شهرهای پیرامون
شمارا هلاک کردیم و آیتهای را
بطریق گوناگون بیان کرده ایم
تا شما رجوع کنید (۲۸)

فَلَوْلَا نَصْرَهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ
اللَّهِ قُرْبَانًا إِلَهًا ۗ بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ ۗ
وَذَلِكَ إِفْكُهُمْ وَمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿۲۹﴾

پس چرا آنانرا یاری نکردند آنها را
که بخاطر تقرب جز خدا معبودانی
گرفته بودند؟ بلکه آنها از اینها کم
گشتند. این بود [نتیجه] دروغ اینها
و آنچه فرا مییافتند (۲۹)

وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِنَ الْجِبِ
يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ ۗ فَلَمَّا حَضَرُوهُ
قَالُوا ائْتُوا فُلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ
قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ ﴿۳۰﴾

و چون گروهی از اجنه را بسوی
تو گرداندیم که قرآن را گوش می
کردند. پس چون آنها نزدش آمدند
گفتند. ساکت باشید. پس آنگاه که
سخن پایان یافت بسوی قوم خود
مشاردهندگان باز گشتند (۳۰) ++
گفتند. ای قوم ما ایقیناً ما کتابی
گوش کرده ایم که پس از موسی

قَالُوا ائْتُوا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِنْ

+ آیت ۳۰: اجنه مذکور نه اجنه تصویری بعرف عام بلکه سرداران قومی بزرگ بودند
که با شنیدن اخبار رسول الله ﷺ بر آن شدند که حضور یافته آگاهی پیدا کنند و
تصمیم نهائی بگیرند. پس چون آنان بسوی قوم خویش بازگشتند نوید از صداقت
آنحضرت ﷺ به سمع ایشان رساندند.

نازل کرده شد تصدیق کننده برای آنچه پیش روی آن بود. آن بسوی حق و بسوی راه راست هدایت میکند (۳۱) ++

ای قوم ما دعوت کننده بسوی خدا را لبیک گوید و بر او ایمان بیآید. او گناهانتان را برایشما آمرزیده و از عذاب دردناک حفظ خواهد کرد (۳۲) ++

و هر که دعوت کننده خدا را لبیک نگوید پس او نتواند در زمین عاجز کننده بشود و در مقابل خدا برایش دوستان نیستند همانند که در گمراهی آشکاراند (۳۳)

آیا مشاهده نکردند که خدای که آسمانها و زمین را آفرید و از آفرینش

بَعْدَ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٣١﴾

يَقَوْمًا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُمْ مِّنْ عَذَابِ إِلِيمٍ ﴿٣٢﴾

وَمَنْ لَا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءُ ۗ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٣٣﴾

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ

++ آیت ۳۱: اینجا آشکار کرده شد که آن پیغمبر که قرار بود پس از حضرت موسی یک شریعت کامل بیآرد ظهور کرده است.

++ آیت ۳۲: آنان هنگام برگشت در قوم خویش پس از بیان مذکور خود ایشان را توصیه کردند که آن پیغمبری راستین است لذا بر او ایمان بیآید که بنفع خود شماست و هشدار دادند هر که بفرستاده‌ی خدا نکار کند، نتواند او را زیان زند.

وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَعْى بِخَلْقِهِنَّ بِقَدْرِ
عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ ۗ بَلَىٰ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۳۴﴾

آنها هیچ فرومانند بر این امر
توانا است که مردگانرا زنده نماید
بلی! یقیناً او بر هر چیز مدام قدرت
- مند است (۳۴) ++

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ ۗ
أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ ۗ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا ۗ
قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ
تَكْفُرُونَ ﴿۳۵﴾

[و بیاد دارید] روزیکه عرضه شوند
بر آتش آنها که کفر کردند آیا این
راست نبود؟ گویند بلی سوگند به
پروردگار [این راست بود]. او
گوید پس عذاب را بجشید بدان
علت که شما انکار میکردید (۳۵)

فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ
الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ ۗ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ
يَرُونَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبُثُوا إِلَّا
سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ ۗ بَلَّغْ ۗ فَهَلْ يَهْلِكُ إِلَّا
الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ ﴿۳۶﴾

پس صبر کن آنگونه که رسولانی
صاحب عزم صبر کردند و برای
آنان تعجیل مکن. روزیکه مشاهده
کنند آنچه راهشدار داده شوند
[گمان نکنند] گویی درنگ نکردند جز
ساعتی از روز. بیغام ابلاغ شد.
پس آیا کسی هلاک کرده میشود

جز قوم فسادکاران (۳۶)

++ ایت ۳۴: پس از اندرز مذکور توجه ایشان به آن صداقت دایمی جلب کرده شد
که هر کدام پیغمبر قوم خود را بسوی آن میخواند یعنی ایشان باید به روز رستاخیز
ایمان آرند که بدون این اعتقاد ایمان مکمل نمیشود.

۴۷ - سورة محمد

این سوره در مدینه نازل آمد و با بسم الله ۲۹ آیت دارد.

این سوره اگرچه از لحاظ داشتن شمار آیتها بسیار کوتاه است ولی عملاً عبارت از مجمل تمامی سوره های است بر همان منوال که رسول الله ﷺ مظهر تمامی رسولان هستند.

در آیه ۱۹ این سوره فرموده میشود که برای قیامت روحانی بزرگ که آنحضرت ﷺ مبعوث کرده شدند تمامی علامات ظهورش نمایان شده است. پس نصیحت گرفتن ایشان آنوقت که آن ساعت برپا گردد چه بدرد خواهد خورد.

☆ سُوْرَةُ مُحَمَّدٍ مَدِيْنَةٍ وَهِيَ مَعَ السَّمَلَةِ تِسْعٌ وَثَلَاثُونَ آيَةً وَأَرْبَعَةٌ رُكُوعَاتٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]
 بسیاربخشنده، بارهارحکمننده (۱)
 کسانی که کفر کردند و از راه خدا
 باز داشتند او اعمال ایشان را
 ضائع داد (۲)

الَّذِينَ كَفَرُوا وَاصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ
 أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ ②

و کسانی که ایمان آوردند و نیکو
 کاری کردند و ایمان آوردند بر آنچه
 بر محمد نازل کرده شد و همان
 از پروردگار ایشان راستی کامل
 است عیبهای ایشان را دور نماید
 و احوال ایشان را اصلاح کند (۳)
 اینست زیرا آنها که کفر کردند
 دروغ را پیروی کردند و آنانکه
 ایمان آوردند حق را از پروردگار
 خود پیروی کردند. اینگونه خدا
 برای مردم مثلهای آنان بیان می
 کند (۴)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا
 بِمَا نَزَّلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ
 رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ
 بَالَهُمْ ②

ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ
 وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ ③
 كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ ④

پس چون شماروبروی آنها شوید

فَإِذَا أَقْبَمْتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضْرَبَ

الرِّقَابِ ۗ حَتَّىٰ إِذَا أَخْتَمْتُمُوهُمْ
 فَشَدُّوا الوَثَاقَ ۗ فَمَا مَتَابَعِدُ وَإِنَّمَا
 فِدَاءٌ حَتَّىٰ تَصْعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ۗ
 ذَلِكَ ۗ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَآتَصَّرَ مِنْهُمْ
 وَلَكِنْ لِّيَبْلُوَ أَبْغَضَكُمْ بَعْضٌ ۗ وَالَّذِينَ
 قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ
 أَعْمَالَهُمْ ۝

که کفر کردند پس گردنهای [آنها] را
 بزیند تا آنگامکه چون خون آنها
 را بکثرت ریختید پس محکم بند
 کنید. پس بعداً یا با منت نهادن یا
 با فدیہ گرفتن آزاد کردن است
 تا آن انتها که جنگ خلع سلاح
 کند. همینطور باید شود و اگر خدا
 میخواست از آنها انتقام میگرفت
 اما او میخواهد که بعضی از شما را
 ببعضی آزمایش کند و کسانی که در
 راه خدا بسختی اذیت داده شدند
 پس او اعمال ایشان را ضائع
 نمیدهد (۵) ++

++ آیت ۵: در این آیت مهم ترین پهلوهای جهاد در راه خدا بیان شده است. نخست
 اینکه قومهایی که برخلاف مومنان شمشیر بردارند آنها مغلوب ساخته حتماً محکم
 بند شوند تا آنگاه که جنگ پایان یابد. سپس یا آنان بعموض فدیہ یا بلا فدیہ منت
 نهاده رها کرده شوند.

کسانی که جنگهای دفاعی اسلام را تهاجمی و اجباری بخاطر مسلمان ساختن قرار
 میدهند این آیت شدیداً اعتقاد ایشان را رد میکند. این بهترین فرصت است که
 اسیران به اجبار مسلمان ساخته شوند. ولی تا چه برسد باینکه به اجبار مسلمان
 ساخته شوند فرمان اینست که اگر اسیران اسلام را هم قبول نکنند آزاد کرده
 شوند و اگر فدیہ نگیرید آنصورت هم خوب است.

او آنرا هدایت داده و به احوال ایشان اصلاح خواهد آورد (۶) و ایشان را بداخل آن بهشت کند که آنرا او برای ایشان عالیتر ساخت (۷)

ای کسانی که ایمان آورده اید اگر به خدایاری دهید او به شما یاری کند و قدمهای شمارا استوار سازد (۸) و کسانی که کفر کردند بر آنها هلاک باد و [خدا] اعمال ایشان را ضائع داد (۹)

این بود چه آنها ناپسند داشتند آنچه را خدا نازل کرد پس او اعمال ایشان را ضائع داد (۱۰) پس آیدار زمین نگشتند تا می دیدند که عاقبت پیشینیان ایشان چطور بود. ما بر آنها ملاکت افکنیم و برای این کافران نیز همانند آنها سلوک میشود (۱۱)

این بدانعلت است که خدامولای آنان است که ایمان آوردند و

سَيَهْدِيَهُمْ وَيُصْلِحُ بِاللَّهِ ٦

وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمْ ٧

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّصِرُوا اللَّهَ
تَتَّصِرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ ٨

وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَحَسَّاءُ لَهُمْ وَأَصْلٌ
أَعْمَالُهُمْ ٩

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأَحْظُ
أَعْمَالُهُمْ ١٠

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا
كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ١١
دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ١٢ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا ١٣

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ

الْكٰفِرِيْنَ لَا مَوْلٰى لَهُمْ ﴿۱۲﴾

ع ۱۲

اینکه کافران اند که هیچ مولای
آنها نیست (۱۲)

یقیناً خدا کسانی که ایمان آوردند و
اعمال شایسته انجام دادند را
وارد بهشت‌های کندک در دامنه آنها
نهرها رواند و آنها که کفر کردند
کام روایی کنند و بخورند آنطور
که چهارپایان خورند و آتش جای
گاه آنها است (۱۳)

و چه بسا شهرهای بودند که قدرت
مندتر بودند از شهر تو که تو را
از آن بیرون کردند. ما آنها را
بهلاك رساندیم و برای آنها کسی
یاری دهنده نبود (۱۴)

پس آیا کسیکه از پروردگار خود
بر هدایت استوار است مانند آن
است که زشتی اعمالش برای او
مزین نشان داده شود و آنها از هوای
نفسانی خود پیروی کنند؟ (۱۵)

مثل آن بهشت که بمتقیان وعده
داده میشود [بدین ترتیب است

اِنَّ اللّٰهَ يَدْخُلُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوْا
الصّٰلِحٰتِ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا
الْاَنْهٰرُ وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا يَتَمَتَّعُوْنَ
وَيَاكُلُوْنَ كَمَا تَاْكُلُ الْاَنْعَامُ وَالنّٰارُ
مَشْهُوٰى لَهُمْ ﴿۱۳﴾

وَكَآئِيْنَ مِنْ قَرْيَةٍ هِيَ اَشَدُّ قُوَّةً مِنْ
قَرْيَتِكَ الَّتِيْ اَخْرَجْتِكَ اَهْلَكْنٰهُمْ فَلَا
نَاصِرَ لَهُمْ ﴿۱۴﴾

اَفَمَنْ كَانَ عَلٰى بَيِّنَةٍ مِنْ رَّبِّهِ كَمَنْ زُرِّيْنَ
لَهُ سُوْءٌ عَمَلِهٖ وَاَتَّبَعُوْا اَهْوَاءَهُمْ ﴿۱۵﴾

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِيْ وُعِدَ الْمُتَّقُوْنَ ۗ فِيْهَا

أَنْهَرٌ مِّنْ مَّاءٍ غَيْرِ آسِنٍ ۚ وَأَنْهَرٌ مِّنْ
 لَّبَنٍ لَّمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ ۚ وَأَنْهَرٌ مِّنْ خَمْرٍ
 لَّذَّةٌ لِلشَّرْبِ بَيْنَ ۙ وَأَنْهَرٌ مِّنْ عَسَلٍ
 مُّصَفًّى ۖ وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ
 وَمَغْفِرَةٌ مِّنْ رَبِّهِمْ ۗ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ
 فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ
 أَمْعَاءَهُمْ ۝۱۶

که [در آن نهرهای آبی تغییرناپذیر
 و نهرهای شیری است که طعمش
 هرگز عوض نمیگردد و نهرهای
 باده است که نوشندگان را لذت
 بخش است و نهرهای عسل خالص
 است و برای ایشان در آنها هر نوع
 میوهها و از پروردگار خود آمرزش
 است. آیامیشود ایشان مانند کسانی
 باشند که بمدت دراز در آتش بمانند
 و آبی جوشان نوشانده شوند که
 روده های آنها را ببرد؟ (۱۶) ++
 و از آنانند که [بظاهر] گوش بتو دهند
 حتی چون از نزد تو بیرون روند به
 آنانکه علم داده شدند میگویند، هم
 اکنون او چه گفته بود. همانهاند که

وَمِنْهُمْ مَّنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ ۚ حَتَّىٰ إِذَا
 خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا
 الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ أَنفَا ۚ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ

++ آیت ۱۶: این آیت پی در پی تمثیلاتی بیان میکند و گرنه در این دنیا مادی نه
 آبی را که از بوسیدگی محفوظ است و نه شیراز خرابی سالم است و نه هیچ شراب
 وجود دارد که بدون مستی فقط لذت دهد. بعلاوه اگر انسان رافقط این چیزهای
 میسر باشد او نمیتواند تنها بر این چیزها اطمینان خاطر حاصل کند. پس بدیهی است
 که اینها تمثیلات است. کسانی که این چیزها را در این دنیا نیکو می پندارند یا
 فواید را به اینها وابسته مییابند مژده ی داده میشوند که ایشان در بهشت به
 بهترین چیزها بنفع خود برخوردار خواهند شد.

خدا بر دلهای ایشان مهر نهاده و
هوای نفس خود را پیروی
کردند (۱۷)

و کسانی که هدایت یافتند خدا
آنان را در هدایت افزود و آنان
را تقوای ایشان در داد (۱۸)

پس آیا آنان فقط ساعت را
انتظار دارند که آنها را ناگهان آید؟
پس یقیناً علماش که آمده است.
پس برای آنها کجا [بدرد خورد]
بند پذیرفتن آنها چون آن ایشان
را بیاید؟ (۱۹)

پس بدانکه یقیناً هیچ معبودی
نیست جز خدا و درخواه آمرزش
باش برای گناهان خود و برای
مومنان و مومنات و خدا میداند
جایگاه سفری شما را و هم مسکن
گاه شمارا (۲۰)

و گویند کسانی که ایمان آوردند
چرا سوره‌ی نازل کرده نشد؟ پس
چون سوره‌ی محکم فرورستاده

طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا
أَهْوَاءَهُمْ ۝۱۷

وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ
تَقْوَاهُمْ ۝۱۸

فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ
بَغْتَةً فَفَجَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَلَّى لَهُمْ إِذَا
جَاءَتْهُمْ ذُكُرُهُمْ ۝۱۹

فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ
لِذُنُوبِكَ وَاللِّمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلِّبِكُمْ وَمَثْوِئِكُمْ ۝۲۰

وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا أَلَا نَزَّلَتْ سُورَةٌ
فَإِذَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ مُّحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا

شود و در آن ذکرقتال کرده شود،
میبینی آنها را که در دلهای ایشان
مرض است بسوی تو مینگرند
نگریستن آنکه بغشی مرگ مبتلا
است. پس ملاک باد بر آنها (۲۱)

اطاعت و سخنی معروف باید باشد.
پس چون این امر استوار شده
است پس اگر خدا را مخلص می
ماندند حتماً برای ایشان نیکو
بود (۲۲)

پس آیا شما را ممکن است که
اگر متولی شوید در زمین فساد
کنید و رشته خویشی را ببرید؟
[مرگزنه] (۲۳)

مانهاند که خدا آنها را لعنت کرد
و آنها را کرساخت و چشمان ایشان
را کور کرد (۲۴)

پس آیا قرآن را تدبیر نمیکند یا
بر دل هایشان قفلهاست؟ (۲۵)
یقیناً کسانی که پشت کرده مرتد
گشتند از این پس که هدایت بر

الْقِتَالُ ۱ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ
مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشِيِّ
عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ ۲ فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ ۳

طَاعَةٌ ۴ وَقَوْلٌ مَّعْرُوفٌ ۵ فَإِذَا عَزَمَ
الْأَمْرَ ۶ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا
لَّهُمْ ۷

فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي
الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ ۸

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ
وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ ۹

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ
أَقْفَالٌهَا ۱۰

إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ
مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ

آنها روشن شده بود، شیطان
[اعمالشانرا] برای آنان پیراسته
نشان داد و امیدهای دروغین
داد (۲۶)

لَهُمْ وَأَمْلَى لَهُمْ ۝۲۶

اینست چه آنها به کسانی که نازل
کرده خداراناسند داشتند گفتند
ما در بعضی سخنان شمارا اطاعت
کنیم و خدا رازهای آنان را خوب
میداند (۲۷)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ
اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ ۗ وَاللَّهُ
يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ ۝۲۷

پس چطور باشد چون فرشتگان
به آنها وفات دهند؟ ایشان بر چهره
های آنها و پشت های آنها ضربه
زنند (۲۸)

فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يُضْرَبُونَ
وُجُوهُهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ ۝۲۸

اینست چه ایشان پیروی کردند
آنچه را که خدا را بخشم میآرد
و خوشنودی اوراناخوش داشتند.
پس او اعمال ایشان را نابود
کرد (۲۹)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ
وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ ۝۲۹

آیا گمان کردند کسانی که در دلهای
آنان مرض است که خدا کینه های
آنها را بیرون نیآرد؟ (۳۰) ++

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ
لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَصْغَانَهُمْ ۝۳۰

و اگر بخواهیم یقیناً آنها را به تو نشان دهیم و حتماً آنها را از سیمای آنان بشناسی و حتماً آنها را از طرز گفتار آنها بشناسی و خدا اعمال

شمارا میداند(۳۱)++

و حتماً شما را آزمایش کنیم تا آنگاه که از شما جهادکنندگان و صبرکنندگان را باز شناسیم و احوالتان را آزمایش کنیم(۳۲)

همانا آنها که کفر کردند و از راه خدا باز داشتند و به مخالفت رسول برخاستند با آنکه هدایت برایشان روشن شده بود نتوانند هیچ هم گزند به خدا برسانند و او اعمال آنان را ضائع دهد(۳۳)

ای کسانی که ایمان آوردید اطاعت

وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ
بِسِيمَتِهِمْ^ط وَلَنَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ^ط
وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ^{٣١}

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجْهِدِينَ
مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ^ط وَنَبْلُوَ أَعْبَارَكُمْ^{٣٢}

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ
وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ
الْهُدَىٰ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا^ط وَسَيَحِطُّ
أَعْمَالَهُمْ^{٣٣}

++ آیات ۳۰-۳۱: در این آیتها منافقان متنبه ساخته شدند که اگر آنها می پندارند که بغض و کینه را در سینه های خود پنهان دارند و کسی به این امر آگاه نمیشود این صورت امکان پذیر نیست. درباره رسول الله ﷺ فرمود که تو آن منافقان را از سیمای ایشان و از طرز گفتار ایشان میشناسی. پس آنها میتوانند از نگاه مردم ساده لوح پنهان باشند ولی حال ایشان بر آنحضرت ﷺ خوب روشن است.

کنید خدا را و اطاعت کنید رسول
را و اعمال خود را ضایع نه
دهید (۳۴)

یقیناً آنانکه کفر کردند و از راه
خدا باز داشتند سپس مردند در
شرایطی که آنها کافران بودند پس
مرگز خدا آنها را نمی‌آمرزد (۳۵)

پس ضعف نشان ندهید که بسوی
صلح بخوانید در حالیکه شما غالب
آیندگانید و خدا با شما است و هرگز
[پاداش] اعمالتان را کم ندهد (۳۶)

زندگی دنیا فقط بازی و برای
تکمیل آرزوهای نفسانی چنان
وسیله است که هدف اعلای زندگی
را بغفلت می‌فکند و اگر شما ایمان
آرید و تقوی را فرا گیرید او پاداش
شما را بدهد و مالهای شما را از
شما نخواهد (۳۷)

اگر آن [اموال] را از شما خواهد
و اصرار ورزد حتماً بخل می‌کند و
کینه های شما را بیرون کند (۳۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا
الرَّسُولَ وَلَا تَبْطُلُوا أَعْمَالَكُمْ ﴿٣٤﴾

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَأَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ
ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يَخْفَرَ اللَّهُ
لَهُمْ ﴿٣٥﴾

فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ ۗ وَأَنْتُمْ
الْأَعْلَوْنَ ۗ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتْرُكَكُمْ
أَعْمَالَكُمْ ﴿٣٦﴾

إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ ٱلْعَاقِبَةُ
تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أُجُورَكُمْ
وَلَا يَسْأَلُكُمْ أَمْوَالَكُمْ ﴿٣٧﴾

إِنْ يَسْأَلْكُمْ مَوَالِيَهُمْ فَيُخْفِكُمْ تَبَخَّلُوا
وَيُخْرِجْ أَضْعَانَكُمْ ﴿٣٨﴾

هَآأَنَّهُ هُوَ لَآءِ تُدْعُونَ لِتُنْفِقُوا فِي
 سَبِيلِ اللَّهِ ؕ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ ؕ وَمَنْ
 يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلُ عَنِ نَفْسِهِ ؕ وَاللَّهُ
 الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ ؕ وَإِنْ تَوَلَّوْا
 يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ؕ ثُمَّ لَا يَكُونُوا
 أَمْثَالَكُمْ ؕ

ع
۸

ای اشمائی هستید که برای انفاق
 در راه خدا خوانده میشوید و از
 شما کسی است که بخل میکند با
 آنکه هر که بخل کند یقیناً برخلاف
 نفس خود بخل کند و خدا بی نیاز
 است و شما نیازمند، و اگر پشت
 کنید او بجای شما قومی دیگر
 را تبدیل کند. سپس آنان مانند
 شما نخواهند بود (۳۹)

۴۸ - سورة الفتح

این سوره هنگام برگشتن از صلح حدیبیه نازل آمد و با بسم الله ۳۰ آیت دارد.

دنبال سوره محمد سوره الفتح است که حاکی از بلندترین مقام آنحضرت ﷺ میباشد. در آیت شماره ۱۱ این سوره مذکور است که رتبه آنحضور ﷺ تا آن انتها بلند است که ایشان کاملاً برای خدا شده بودند و بهمین دلیل آمد ایشان گویی که آمد خدای متعال قرارداد شده. بیعت کردن بر دست ایشان گویی بیعت کردن بر دست خدا بود. بطوریکه که فرموده شد " اِنَّمَا يَبِيعُونَ اللَّهَ بِدَلِّهِمْ قَوْلَ اٰیٰتِهِمْ يَعْنِيٰ يَقِيْنًا كَسَانِيْ كَمَا يَبِيعُوْنَ مِنْ اَيْدِيْهِمْ " یعنی یقیناً کسانی که بیعت از تو میکنند ایشان بیعت از خدا میکنند. دست خدا است که بر دست ایشان است.

در آیت ۱۹ خداوند مجدداً موضوع بیعت را بیان مینماید. در موقع صلح حدیبیه چون مومنان زیر سایه درختی بر دست آنحضرت ﷺ مجدداً بیعت میکردند درعین حال این وعده نیز داده شد که آن آزرده‌گی که در دل اصحاب رضوان الله عليهم بعثت میسر نیامدن برگذاری مراسم حج راه یافته بود آن پس از بیعت کلیه دور شد و موجب آرامش قلبی گردید و آن امر که بظاهر جنبه شکست پنداشته میشد یعنی عدم ورود درمکه آن اساس پیروزی‌های آتیه به اثبات رسید درجه "فتح قریب" نیز شامل بود و هم آن پیروزیها که بعدها بدست آمدند.

در پایان مومنان وعده ای داده شدند که آن رویای که آنحضور ﷺ نشان

داده شدند یقیناً الحق به اتمام خواهد رسید و اصحاب رضوان الله عليهم بر آن گواه قرار گیرند چون ایشان برای برگزاری مراسم حج وارد مکه خواهند شد و این چیرگی بر مکه علامت غلبه بر نوع انسان قرار خواهد گرفت.

پس از سوره محمد در این سوره نیز اسم مبارک آنحضرت ﷺ بیان شده است و با قطعیت ذکر از آن پیشگوئی حضرت موسی علیه السلام است در چه بعثت آنحضرت ﷺ با اسم مبارک ایشان و تمامی صفات آن پیغمبر صاحب جلال ﷺ و یاران ایشان نقل شده است. سپس ذکر از يك پیشگوئی از انجیل نیز میرود. بعبارت دیگر پیشگوئی مربوط به بعثت آنحضرت ﷺ نه تنها در عهدنامه قدیم وجود دارد بلکه در عهدنامه جدید نیز از جانب حضرت مسیح علیه السلام بعنوان مظهر شأن جلالی ایشان ﷺ بازگو کرده میشود و تشبیه این شأن با چنین مزرعه ای داده میشود که هیچکدام متکبر با وجود سوء قصد خودش نتواند موفق شود که آنرا زیر پای خود له کند و نه تنها يك برزگر بلکه بسیار چنین برزگران باشند که آن مزرعه را کشت خواهند کرد.

☆ سُورَةُ الْفَتْحِ مَدِينَةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ ثَلَاثُونَ آيَةً وَأَرْبَعَةُ رُكُوعَاتٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتياز]
بسیار بخشنده، بارها رحمت کننده (۱)

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا ②

یقیناً ما تو را پیروزی دادیم
پیروزی آشکار (۲)+

لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا

تا خدا تو را بیامرزد از هر لغزشی
گذشته تو و آنچه بعد آید و
نعمت خود را بر تو بکمال رساند
و تو را بر راه راست گامزن
بدارد (۳)++

تَأَخَّرَ وَ يَتَبَّرَ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ

صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ③

و خدا تو را یاری کند یاری با
عزتمندی غالب (۴)+

وَيُنصِرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَظِيمًا ④

++ آیات ۲-۴: مومنان موده داده شدند که ایشان پیروزیهای بزورگ بدست خواهند آورد.

در آیت ۳ کلمه ذنب به رسول الله ﷺ منسوب شده است و منظور از آن گناه نیست یعنی این مطلب نیست که بطوریکه قبلاً تو گناه میکردی در آینده نیز گناه کن و منتها گناهان تو آمرزیده خواهد شد. مطلب اینست که بطوریکه قبلاً تو از گناه پاک بودی و تمام زندگی تو بر این امر گواه است خداوند برای زندگی آینده تو نیز قول حفاظت میدهد تا آن آنها که اتمام نعمت بشود. اینجا منظور از نعمت نبوت است.

اوست آنکه در قلب های مومنان آرامش نازل کرد تا ایمان را با ایمان خود بیفزایند و از آن خدا است لشکرهای آسمانها و زمین و خدا صاحب علم دائمی صاحب بسیار حکمت است (۵)

تا مومنان و مومنات را بداخل بهشتهای کند که در دامنه آنها نهر های روانست و در آنها جاودان باشند و زشتیهای آنانرا ازایشان دورنماید و این نزدخدا پیروزی بزرگ است (۶)

و تا عذاب دهد منافقان و منافقات و مشرکان و مشرکات را که برخدا بدگمانی میبردند-گردش مصیبتها بر خود آنها میفتد و خدا بر آنها غضبناک شده و بر آنها لعنت کند و برای آنها جهنم آماده کرده است وجه زشت جایگامی است (۷)

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ
الْمُؤْمِنِينَ لِيَزِدُوا إِيمَانًا مَعَ
إِيمَانِهِمْ ۗ وَاللَّهُ جُودٌ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝

لِيَدْخُلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا
وَيُكْفَرُ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ ۗ وَكَانَ ذَلِكَ
عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا ۝

وَّ يُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ
وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ
بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ ۗ عَلَيْهِمْ دَآبْرَةُ السَّوْءِ ۗ
وَعَصَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ
وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ ۗ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ۝

و لشکرهای آسمانها و زمین ازان
خداست و خدا صاحب غلبه کامل
صاحب حکمت است (۸)

وَاللَّهُ جُبُودٌ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَكَانَ
اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ۝

یقیناً ما تو را گواه و مزده دهنده
و بیم دهنده فرستادیم (۹)

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَ مُبَشِّرًا
وَ نَذِيرًا ۝

تا شما بر خدا و رسولش ایمان
آرید و او رایاری دهید و او را
تعظیم گذارید و صبحگاه و شبگاه
او را تسبیح گوئید (۱۰)

لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ
وَ تُوَقِّرُوهُ ۖ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً
وَآصِيلًا ۝

هرآینه کسانی که تورا بیعت کنند
آنها فقط به خدا بیعت کنند. دست
خدا فوق دستهای ایشان است.
پس هر که پیمان را بشکنند پس بر
خلاف جان خود پیمان می‌شکنند و
آنکه وفا کند به آنچه بر آن او با
خدا عهد بست پس یقیناً خدا او
را پاداشی بزرگ بدهد (۱۱)

إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ ۖ
يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ ۚ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا
يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ ۚ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ
عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ۝

باز گذشتگان از بادیه نشینان

سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ

حتماً گویند که ما را اموال ما و خانواده ما مشغول داشت. پس برای ما آموزش بطلب. به زبانهای خود میگویند آنچه در دلهای ایشان نیست. بگو. اگر خدا در صد باشد که شمارا سود دهد یا در صد باشد که زیانی بزند بگو پس کی برای شما در مقابل خدا به ذره‌ی هم اختیار دارد. حق اینست که هر چه عمل کنید خدا آگاه است (۱۲)

بلکه شما گمان کردید که رسول و مومنان هرگز بسوی خانواده های خود برنگردند و این در دلهای شما آرایش داده شد و شما بر خدا سوء ظنی را گمان کردید و شما قومی ملام شده اید (۱۳)

و آنکه به خدا و رسولش ایمان نه آرد. پس یقیناً ما برای کافران آتشی شعله ور تهیه کرده ایم (۱۴)

شَعَلْتُمْ أَمْوَالَنَا وَاهْلُونَافَاَسْتَغْفِرُنَا
يَقُولُونَ بِالسِّنْتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ
قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ
أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا بَلْ
كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿۱۲﴾

بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ
وَ الْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَ زَيْنَ ذَلِكَ
فِي قُلُوبِكُمْ وَ ظَنَنْتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ
وَ كُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا ﴿۱۳﴾

وَ مَنْ لَمْ يُؤْمَرْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا
أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا ﴿۱۴﴾

و پادشاهی آسمانها و زمین از آن خدا است. هر که را بخواهد میآمرزد و هر که را بخواهد عذاب میدهد و خدا آمرزندهٔ بارها رحم کننده است (۱۵)

منگامیکه بسوی غنیمتها روید تا آنها را جمع کنید بازگذشتگان حتماً گویند بگذارید ما را که دنبال شما بیایم - میخواهند که کلام خدا را تبدیل کنند. بگو، هرگز دنبال ما نیآید. اینطور خدا از پیش گفته بود. پس گویند، شما از ما حسد میورزید. امر واقعی این است که اینها نمی فهمند جز اندک (۱۶)

بازگذشتگان از بادیه نشینان را بگو: بزودی شما بسوی قومی خوانده شوید که خیلی جنگاور باشند. شما با آنان جنگ کنید یا ایشان مسلمان شوند پس اگر شما اطاعت کنید خدا شمارا پادشاه

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ يَعْرِضُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿۱۵﴾

سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انطَلَقْتُمْ إِلَى مَغَائِمٍ لِتَأْخُذُواهَا ذُرُونَا نَتَّبِعْكُمْ ۚ يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلِمَ اللَّهِ ۗ قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ ۗ فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسَدُونَنَا ۗ بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿۱۶﴾

قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سُدْعُونَ إِلَى قَوْمِ آوِي بَأْسٍ شَدِيدٍ تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسَلِّمُونَ ۚ فَإِنْ تَطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا ۗ وَإِنْ تَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِنْ قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿۱۷﴾

نیکی بدمد و اگر روی برتابید
 بطوریکه قبل‌روی برتابیده بودید
 او شمارا به عذابى دردناك معذب
 نماید (۱۷)

نیست باکی برنابنا و نه برمعلول
 باکی است و نه بر بیمار باکی است
 و کسیکه خدا و رسول او را اطاعت
 کند او وی را بداخل بهشتهای
 کند که در دامنه آنها نهرهای روان
 است و هر که پشت کند او را عذابى
 بسیار دردناك دهد (۱۸)

یقیناً خدا از مومنان خرسند شد
 چون ایشان زیر درخت باتوبیعت
 میکردند و او آنچه در دلهای
 ایشان بود را می دانست. پس او
 برایشان آرامش نازل کرد و آنان
 را پیروزی نزدیک در داد (۱۹)

و غنیمتهای فراوان که آنها را
 بدست می‌آوردند و خدا صاحب
 غلبه کامل بینهایت حکمت مندی
 است (۲۰)

لَيْسَ عَلَى الْآعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى
 الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ
 حَرَجٌ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ
 جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَنْ
 يَتَوَلَّ يَعْذِبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٧﴾
 لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ
 يَبَايَعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي
 قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ
 وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا ﴿١٩﴾

وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ
 عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿٢٠﴾

وَعَدَّكُمْ اللَّهُ مَعَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُوهَا
فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ
عَنْكُمْ^ج وَلِتَكُونَ آيَةً^ج لِلْمُؤْمِنِينَ
وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا^ل

و خدا شما را به غنیمت های فراوان وعده داده است که آنها را بدست آرید پس این را برای شما عجلتاً داده و دستهای دشمن را از شما بازداشته تا مومنان را نشانه‌ی باشد و شمارا

براه راست هدایت دهد (۲۱)

و [پیروزیهای] دیگر که بدست نیآورده اید. خدا آنها را احاطه کرده است و خدا به هر چیز مدام قدرتمند است (۲۲)

و اگر کسانی که کفر کردند با شما قتال کنند حتماً پشت دهند. باز هیچ دوست و یآوری نیابند (۲۳)
این سنت خدا است که قبلاً هم گذشت و تو سنت خدا را تبدیلی نیابی (۲۴)

و اوست آنکه در زمین مکه دستهای آنانرا از شما بازداشت و دستهای شما را از آنان بازداشت پس از آنکه شما را پیروزمند

وَآخِرَى لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ
اللَّهُ بِهَا^ط وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا^ل

وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَالْوَلِيُّوا
الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا
وَلَا نَصِيرًا^ل
سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ^ج وَلَكِنْ
تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا^ل

وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ
وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ
أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ^ط وَكَانَ اللَّهُ بِمَا

تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ۱۵

ساخت و خدا بینا است به آنچه

شما عمل کنید (۲۵)

مانها اند که کفر کرده و شما را از مسجد حرام بازداشته بودند و هم قربانی را که بازداشته شد تا به جایگاه خود برسد و اگر نبودند چنین مومن مردان و مومن زنان که آنانرا شناخته آنانرا زیرا به میکردید، پس نادانسته از آنها شما را زبانی میرسید. این بود تا خدا مرکه را بخواهد بداخل رحمت خود کند. اگر رُک جدا شده بودند حتمًا به آنانکه از آنها کفر کردند

عذابی دردناک میدادیم (۲۶)

چون کسانی که کفر کردند در دل های خود غیرت یعنی غیرت جاهلانه را گزیدند، پس خدا بر رسول خود و بر مومنان آرامش خویش نازل کرد و ایشان را بر تقوی ثابت داشت و فقط آنان حقدار تر و اهل آن بودند و خدا دانای هر چیز

ع ۲

هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ
 الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهُدَىٰ مَعَكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ
 مَجَلَّهُ^۱ وَلَوْلَا رِجَالُ الْمُؤْمِنُونَ وَالنِّسَاءُ^۲
 الْمُؤْمِنَاتُ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَّوُّوهُمْ
 فَصَيْبَكُمْ مِنْهُمْ مَعَرَّةً بِغَيْرِ عِلْمٍ^۳
 لِيَدْخُلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ^۴ لَوْ
 تَزَلَّيْلُوا الْعَذَابَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ
 عَذَابًا أَلِيمًا ۱۶

إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ
 الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ
 سَكِينَتَهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ
 وَأَلَزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَىٰ وَكَانُوا أَحَقَّ
 بِهَا وَأَٰهْلَهَا^۱ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ
 عَلِيمًا ۱۶

است (۲۷)

بِقِيْنَارٍ وَيَا رَسُوْلَ خُوْدِ رَا رَا سْت
 گردانید که اگر خدا بخواهد حتماً
 شما ایمن، موهای سر خود تراشیده
 و کوتاه کرده بدون ترس داخل
 مسجد حرام خواهید شد. پس او
 میداند آنچه شما نمیدانید. پس
 او بعلاوه این پیروزی نزدیک را
 مقدر کرده است (۲۸)

اوست که رسول خود را با هدایت
 و دین حق فرستاد تا آن را بر هر
 کدام [شعبه] دین غالب نماید و خدا
 را گواهی بس است (۲۹) ++

محمد رسول الله و کسانی که با او
 اند در مقابل کفار سختتراند - به
 میان خود مهر آوراند. تو ایشان
 را رکوع کنان سجده کنان میبینی

لَقَدْ صَدَقَ اللهُ رَسُوْلَهُ الرَّءْيَا بِالْحَقِّ ۗ
 لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللهُ
 آمِنِينَ ۗ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ
 وَمُقَصِّرِينَ ۗ لَا تَخَافُونَ ۗ فَعَلِمَ مَا لَمْ
 تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا
 قَرِيبًا ﴿۲۸﴾

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُوْلَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِيْنِ
 الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّیْنِ كُلِّهِ ۗ وَكَفَىٰ
 بِاللّٰهِ شَهِیْدًا ﴿۲۹﴾

مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ ۗ وَالَّذِيْنَ مَعَهُ
 اَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ
 تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُوْنَ فَضْلًا مِّنْ

++ آیت ۲۹: اینجا پیشگوئی است که اسلام بر کلیه ادیان دنیا غلبه خواهد یافت.
 هنگام نزول این آیت غلبه ظاهری حتی بر مکه نیز نصیب نشده بود. پس در آن
 زمان این پیشگوئی که اسلام بر تمامی ادیان جهان غلبه خواهد یافت حامل عظمتی
 بی مثل است.

اللَّهُ وَرِضْوَانًا سَيِّئًا هُمْ فِي وُجُوهِهِمْ
 مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ۗ ذَٰلِكَ مَثَلُهُمْ فِي
 التَّوْرَةِ ۗ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ ۗ
 كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ
 فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سَوْقِهِ يُعْجِبُ
 الزَّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ ۗ وَعَدَّ اللَّهُ
 الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ
 مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ۝

ما در چهره های ایشانست و این
 مثل ایشان است که در تورات
 است و در انجیل علامت ایشان
 مانند مزرعه ای است که غنچه های
 خود را درآرد، پس آنرا نیرومند
 سازد، پس آن فربه شود و بر ساقه
 خود استوار گردد، برزگران را
 شادمان سازد تا بعلت آنها کافران
 را بخشم آرد. خدا به کسانی از
 آنها که ایمان آوردند و نیکوکاری
 کردند را وعده آمرزش و پاداش
 بزرگی داده است (۳۰) ++

++ آیت ۳۰: صفات آنحضرت ﷺ بیان شده در این آیت نه تنها تا در ذات گرامی
 ایشان محدود داشته شد بلکه بیدرنگ فرموده شد والذین معه یعنی این خوبیها
 بداخل آنان نیز سراعت کنند که با آنحضرت هستند. از آنجمله صفات عمده ترین در
 کلمات "أشداء على الكفار" بیان شده است. البته معنای این کلمات این نیست که
 ایشان بعلت سختدلی خود بر کافران سختگیر باشند بلکه از جهت قبول نکردن
 تاثیر کافران "سخت" خوانده شده اند و گرنه دل های ایشان پراز رحمت باشند
 که بدانعلت بهمیگری با رحمت و ملاحظت رفتار خواهند کرد. مقصود ایشان از جهاد نه
 کسب دارائی دنیا بلکه خوشنودی خدا خواهد بود. ایشان بحضور خدا رکوع کنان

وسجده کنان فروتنی کرده و فضل او را طلب کنند. منظور از فضل چنین دارائی دنیا است که خوشنودی خدای متعال رانیز همراه داشته باشد. این آن جنبه های مهم جهاد ایشان است که درباره ایشان در تورات نقل شده است.

نسبت به مسیح موعود که در آخرین دوره در امت آنحضرت ﷺ ظهور کند و قبول کنندگان ایشان، مثل در انجیل با چنین روئیدگی زده شد که بتدریج رشد و نمو کنند و بر ساقه ی خود استوار گردد و برزگران از رویت آن یعنی در خدمت دین سهیم شدگان بسیار خرسند شوند و در نتیجه منکران ایشان خشناک تر گردند. البته خداوند به ایمان آوردگان راستین و طلبکاران آمرزش او، مژده ی پاداش بزرگی و آمرزش داده است.

۴۹- سورة الحجرات

این سوره پس از فتح مکه نازل شد و با بسم الله ۱۹ آیت دارد.
 آن مراتب جلال و جمال آنحضرت ﷺ که سوره گذشته حاکی بود پس از آن اصحاب رضوان الله عليهم توصیه شدند که شما را نه سزد که جلوی آن رسول عظیم الشأن نگاه بالا کرده و نه هم صدا را بلند کرده سخن گویند. بدینسان درباره کسانی که آنحضرت ﷺ را از دور صدا را بلند کرده از خانه بیرون میخواندند اظهار رنجش کرده شد.

سپس آیت - ۱۰ عبارت از بهترین طریق کار است که میبایستی دولت مداران کشورهای اسلامی در صورت اختلاف همدیگر درآتیه آنها دنبال کنند. بدیهی است که در زمان آنحضرت ﷺ که دولت های اسلامی را مبارزه همدیگر خارج از موضوع بود. بنابراین در این سوره منشوری عظیم الشأن ارائه داده میشود که نه تنها برای کشورهای اسلامی اختصاص داده میشود بلکه کشورهای غیراسلامی نیز میتوانند در صورت مبارزه همدیگر آنها اعمال کرده باهم صلح دهند. عمده ترین مطالب آن منشور بترتیب زیر است:

(۱) اگر دو کشور اسلامی بهم مبارزه کنند پس بر دیگر کشورهای اسلامی بفرض است که همه باهم آندو کشور مبارز را از پیکار بازدارند و هر کدام از آندو به نصیحت تسلیم نشود آنگاه کشورهای اسلامی همه بهم برخلاف آن کشور اسلامی عملیات نظامی را اعمال کنند.

(۲) پس چون آنها دست از مبارزه بکشند آنگاه میبایستی تلاش شود تا میان آندو صلح داده شود.

(۳) اما چون برای صلح کوشش کنید باید عدالت‌مندی کامل را رعایت کنید و با مردود فریق بداد رفتار کنید زیرا که نتیجه منتهائی همین است که خدا عدالت‌مندان را دوست دارد و هر که را خدا دوستدارد هرگز او را به شکست روبرو نمی‌کند.

یکبار دیگر توجه به این امر جلب کرده میشود که اگرچه این خطاب به رخ مسلمانان است اما آن طریق کار که آموخته میشود برای همه نوع انسان سودمند است.

پس از آن علت اصلی تفرقه و انشقاق میان ملت‌های مختلف بیان میشود و آن نژاد پرستی است. هرگاه قومی قوم دیگری را بباد سخریه میگیرد، خویشتن را جدا و بالاتر از دیگری شمرده این طور میکند.

ضمناً چنین متفرق خرابیهای معاشرتی نقل میشود که منشأ اختلافات اند. ضمناً این مطلب را وضاحت میشود که چرا خداوند ملت‌های را به رنگها و نژادهای مختلف منقسم کرده است؟ این برای اظهار برتری برهمدیگر نیست بلکه از جهت شناسائی همدیگر سهولتی است. بعنوان مثال اگر گفته شود که فلان کس امریکائی است و فلان آلمانی است برای این گفته نمیشود که نژاد امریکائی را بر دیگران فضیلت حاصل است بلکه فقط برای شناخت اینطور گفته میشود.

☆ سُورَةُ الْحُجُرَاتِ مَدِينَةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ تِسْعَ عَشْرَةَ آيَةً وَرُكُوعَانِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]
بسیار بخشنده ، بارها رحمکننده (۱)
ای کسانی که ایمان آورده اید از
خدا و رسول او پیشقدمی نکند
و خداتر اتقوی فرا گیرید. یقیناً خدا
شنوای صاحب علم دائمی است (۲)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيْ
اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۗ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ
عَلِيمٌ ①

ای کسانی که ایمان آورده اید صدا
های خود را از صدای پیغمبر بلندتر
نکنید و او را با چنین صدای بلند
نخوانید که بعضی از شما بعضی
دیگر را میخوانند مبادا اعمال شما
ضائع شود و شما درک هم نکنید (۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ
فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ
بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن
تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ①

یقیناً کسانی که صداهای خود را در
حضور رسول فرو میکشند همانند
که خدا دلهای ایشان را برای تقوی
آزمایش کرده است و ایشان را
آمرزش و پاداش بزرگی است (۴)
مانا آنانکه تو را از بیرون خانه

إِنَّ الَّذِينَ يَعْضُونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ
رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ أَمْتَحَنَ اللَّهُ
قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى ۗ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ
عَظِيمٌ ①

إِنَّ الَّذِينَ يَأْدُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ

أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿۵﴾

میخوانند بیشترشان نادانند (۵)
و اگر آنها صبر میکردند تا آنگامه
تو خود بر ایشان بیرون میآمدی
یقیناً در حق ایشان بهتر بود خدا
آمرزنده ی بارها رحم کننده
است (۶)

وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ
لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۱﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید اگر
فاسقی شمارا خبری بیآرد پس
رسیدگی کنید مبدا بنادانی قومی
رازیان رسانده پس بر کردار خود
بشیمان شوید (۷) ++

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ
بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ
فَتُصِيحُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَدِيمِينَ ﴿۱﴾

و بدانید که در شمار رسول خدا است
اگر او در بسیاری از امور شما
را تقلید کند حتماً به سختی مبتلا
شوید و اما خدا ایمان رانزد شما
محبوب گردانید و آنرا در دلهای
شما مزین ساخت و کفر و فساد و

وَاعْلَمُوا أَن فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ ۗ لَوْ
يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ
وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ
وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ

+ آیت ۷: در مدینه بسیار شایعه پراکنان آنچنان شایعات میپراکنند که آنها را
درست پنداشته ناشی از شک محض بعضی به قتل بعضی برانگیخته میشدند. چنانچه
شتابکاری بسختی بازداشته شد. چه از این شایعات عین ممکن بود که بعضی از
بیگناهان به تجاوز قرار گیرند و بعداً مومنان شرمسار شوند.

نافرمانی را نزد شما نفرت انگیز نمود. همانها اند که راه راست یافتگانند (۸)

از جانب خدا این بعنوان فضلی بزرگ و نعمتی است و خدا صاحب علم دائمی صاحب حکمت است (۹)

و اگر دو گروه از مومنان جنگ کنند پس میان ایشان صلح دهید. پس اگر یکی از آنها برخلاف دیگری تجاوز کند پس شما جنگ کنید با آنکه تجاوز میکند تا آن انتها که به فرمان خدا برگردد و اگر برگردد پس میان آنها بداد صلح دهید و انصاف کنید یقیناً خدا انصاف کننده را دوستدارد (۱۰)

یقیناً مومنان [بهم] برادر اند پس میان برادران خود صلح دهید و خدا را تقوی اختیار کنید تا شما رحم کرده شوید (۱۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید تمسخر نکنند قومی [از شما] بقومی

الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ ۗ أُولَٰئِكَ هُمُ الرَّشِدُونَ ۝۸

فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَنِعْمَةً ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝۹

وَإِنْ طَافَتِ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ آقْتَتُوا فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا ۚ فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ ۚ فَإِنْ فَاءَتْ فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ۝۱۰

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۝۱۱

ع ۳۳

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّن

دیگری احتمال که آنها بهتر از ایشان باشند، و نه زنان به زنان یحتمل که آنان بهتر از آنها باشند و از مردم خود عیبجویی نکنید و نه همدیگر را بالقبهای بد بخوانید. داغ فسق بعد از ایمان چیزی بد است و آنکه توبه نکند پس همانها اند که ستم گراندند (۱۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید از گمان کثیر بریز کنید. یقیناً بعضی گمانها گناه است و نه تجسس کنید و نه از هم دیگر غیبت کنید. آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ پس شما از آن کرامت دارید. و خدا را تقوی فرا گیرید. یقیناً خدا بسیار توبه پذیر بارها رحم کننده است (۱۳)

ای مردم! یقیناً ما شما را از نر و ماده آفریدیم و شمارا خانواده ها و قبیله ها قرار دادیم تا همدیگر

قَوْمٍ عَلَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءً مِّنْ نِّسَاءِ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ ۚ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ ۚ بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ ۚ وَمَنْ لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿۱۲﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ ۖ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا ۚ أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ﴿۱۳﴾

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ

رابشناسید. یقیناً نزد خدا گرامیتر
اوست که متقی تر است. یقیناً
خدا صاحب علم دائمی مدام آگاه
است (۱۴)

گویند بادیه نشینان که ما ایمان
آوردیم. بگوشما ایمان نیآورده اید
و اما بگویید ما مسلمان شده ایم
در حالی که ایمان هنوز بداخل
دلهایتان نشده است. و اگر شما
خدا و رسول او را پیروی کنید
در اعمال شما هیچ هم تقلیل ندهد.
یقیناً خدا بسیار آمرزنده بارها
رحمکننده است (۱۵) ++

یقیناً مومنان همانند که بر خدا و

++ آیت ۱۵: در این آیت کریمه از ایمان و اسلام تعریف ابتدائی کرده میشود که
ایمان را از اسلام جدا میسازد. همه میتوانند مدعی شوند که در دل آنان ایمان
است اما اینجا توضیح داده میشود که آنان حداکثر میتوانند بگویند که مسلمان
شده اند. به بیان دیگر کسانی که در دلهای ایشان اگر ایمان نباشد باز هم میتوانند
خودشان را مسلمان بخوانند. بسیاری اند در میان آنان که در حالت کفر میمیرند و
بسیاری اند چنان که هنوز ایمان به دل ایشان داخل نشده است اما پس از قبول
کردن اسلام ظاهری. منتها مومنان راستین هم خواهند شد.

لِتَعَارَفُوا ۱ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ
اتَّقِيكُمْ ۱ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ۱۵

قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا
وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ
الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ ۱ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ
وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا ۱ إِنَّ
اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۱۵

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ

رسول او ایمان آوردند، سپس به شك مبتلا نشدند و بامالهای خود و جان های خود در راه خدا جهاد کردند، همانا اند که ایشان راست گویانند (۱۶)

بگو، آیه خدادین خود می آموزید حالانکه خدامیداند آنچه در آسمانها است و آنچه در زمین است و خدا به هر چیز خوب دانا است (۱۷)

منت مینهند بر تو که مسلمان شده اند. بگو، اگر شما راستگویان اید اسلام خود را بر من منت ننهید بلکه خداست که بر شما منت می گذارد که شما را به ایمان هدایت داد (۱۸)

یقیناً خدا میداند نهان آسمانها و زمین را و خداینا است به آنچه میکنید (۱۹)

وَرَسُولِهِ تَمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ^ط أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ^{١٦}

قُلْ أَتَعْلَمُونَ اللَّهُ بِدِينِكُمْ^ط وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ^ط وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ^{١٧}

يَمُنُّونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا^ط قُلْ لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُمْ^ج بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَيْكُمْ لِلْإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ^{١٨}

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ^ط وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ^ع

۵۰ - سورة ق

این سوره حین دوره ابتدائی مکه نازل آمد و با بسم الله ۴۶ آیت دارد. این سوره از جمله حروف مقطعات با حرف "ق" شروع میشود. بنظر علماء جید حرف "ق" اختصار واژه "قدر" میباشد و دنبال این نخستین کلمه "قرآن" آمده است که از "ق" شروع میشود. پس از آن، ذکر از منکران قدرت خداوند میرود که میگویند که خدا را این توانائی از کجا است که چون ما مرده خاکستر شویم مجدداً ما را روز قیامت جمع کند. بنظر آنان این امر بسیار دور از عقل است. خداوند میفرماید ما میدانم آنچه زمین از آنها کم میکند. اما با این وجود ما قدرتمندیم که ذراتی منتشر آنرا جمع کنیم. توجه آنان بسوی وستعتهای آسمان جلب کرده گفته میشود که در این کاینات بزرگتر حتی یک نقض هم نتوانند خاطر نشان کنند پس چطور توانند انکار از قدرتهای آفریدگار این را کنند؟

سپس گفته میشود که آن وسوسه ها که در دلهای ایشان برمیخیزد ما از آنها کاملاً آگاه ایم زیرا ما که به انسان از رگ جانش هم نزدیکتر هستیم. ضمناً این پیشگوئی فرموده شد که حتماً همه بهم بر خیزانده شوید و با برانگیخته شدگان یک سَوق دهنده و گواهی نیز همراه باشد.

در ذکر جهنم گفته میشود که بی دینان گروه در گروه در پی همدیگر هیزم جهنم میشوند. آنچنان جهنم که شکمش هیچگاه پرشدنی نیست. چون خداوند تمثیلاً از آن بپرسد که آیاشکمت پرشد آن در زبان حال پاسخ گوید که آیا دیگر اینچنین بدنصیبها نیز هستند؟ من برای آنها نیز جای دارم.

درعین حال بهشت نزدیک بهشتیان کرده شود. *غَيْرَ بَعِيدٍ* را این مطلب هم میشود که این امر مرگز دور از قیاس نیست. پس آنحضرت ﷺ نصیحت شدند که از طمن و مرزه دهانی آنها را ندیده بگیر. پیشگوئیا که در قرآن فرموده شدند حتمی الوقوع اند. پس از طریق قرآن آنکس را نصیحت کن که از مجازات میترسد.

اینجا مرگز این مفهوم نیست که رسول الله ﷺ از جمیع مردم تنها آنان را نصیحت کنند که از مجازات خدائی میترسند. نصیحت که برای همه انسانها یکسانست اما بهره مند فقط آن میگردد که از مجازات خدائی ترس دارد.

☆ سُورَةُ قَ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سِتُّ وَأَرْبَعُونَ آيَةً وَثَلَاثَةٌ رُكُوعَاتٍ

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده بارها رحمکننده (۱)

بَجَّ

قِ وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ ②

قدیر - دارای قدرت کامل -

سوگند به قرآن صاحب عزت (۲)

در حقیقت تعجب کردند که ایشان

را هشدار دهنده ی از خود ایشان

آمده است. پس کافران میگویند

این امری شگفت انگیز است (۳)

آیا چون مردیم و خاک شدیم؟ این

بازگشتی دور است (۴)

ما نیک میدانیم آنچه زمین از

آنها میکامد و نزد ما کتابی نگه

دارنده ای است (۵)

بلکه به حق تکذیب کردند چون

آنان را آمد. پس آنها در امری

درهم آمیخته هستند (۶)

پس آیا فوق خود بسوی آسمان

نظر نگماشتند که چطور ما آنرا

بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنذِرٌ مِنْهُمْ

فَقَالَ الْكٰفِرُونَ هٰذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ ③

وَإِذْ آمَنَّا وَكُنَّا تُرَابًا ذَلِكَ رَجَعٌ

بَعِيدٌ ④

قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ

وَإِذْ نَا كُتُبَ حَفِيفٌ ⑤

بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي

أَمْرٍ مَرِيجٍ ⑥

أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ

بَنَيْنَاهَا وَرَبَّيْنَاهَا وَمَالَهَا مِنْ فُرُوجٍ ⑦

ساختیم و آنرا زینت دادیم و در

آن میج شکافی نیست (۷)

وزمین را گسترش دادیم و کومها

را در آن محکم نهادیم و از مرنوع

جفت‌های شاداب را رویانیدیم (۸)

چشان بازکننده و یادآوری است

برای هر کدام بنده‌ی که [به خدا]

انابت کننده است (۹)

و آبی پربرکتی را از آسمان نازل

کردیم. پس بدان باغهاودانه خرمن

را رویانیدیم (۱۰)

و نخلهای بلند قامت را که آنها را

خوشه های رویهم چیده اند (۱۱)

رزقی برای بندگان - و شهری مرده

را به آن [باران] زنده نمودیم.

بیرون آمدن چنین است (۱۲)

قبل از آنان تکذیب کرده بودند

هم قوم نوح و اهل معادن و

ثمود (۱۳)

و عاد و فرعون و برادران

لوط (۱۴)

و الْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَالْقَيْنَا فِيهَا رِوَاسِيَ

وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ۝۸

تَبْصِرَةً وَذِكْرَى لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ ۝۹

وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّبْرَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ

جَبْتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ ۝۱۰

وَالنَّخْلَ بَسَقَتْ لَهَا طَعْمٌ نَضِيدٌ ۝۱۱

رِزْقًا لِلْعِبَادِ ۝ وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيْتًا

كَذَلِكَ الْخُرُوجُ ۝۱۲

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ

الرِّسِّ وَثَمُودٌ ۝۱۳

وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ وَإِخْوَانُ لُوطٍ ۝۱۴

و اهل بیشه هاو قوم تبع. همه به رسولان تکذیب کردند. پس هشدارم بر آنها راست آمد (۱۵)

پس آیابه آفرینش اولین در مانده شدیم؟ نخیر. بلکه آنها از آفرینشی جدیدی در شکی هستند (۱۶)

و یقیناً ما انسان را آفریدیم و می دانیم آنچه نفسش او را وسوسه کند و ما بسویش نزدیکتر از رگ جان او هستیم (۱۷)

چون دو سخن گیرنده سخن می گیرند ایشان راست و چپ می نشینند (۱۸) +

او سخنی نمیگوید مگر نگهبانی نزدش آماده است (۱۹) ++

[چون] آید غشی مرگ برحق. این است همان که تو از آن گریز می

وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَقَوْمٌ تُبِعَ كُلٌّ
كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدُ ﴿۱۵﴾

أَفَعَيَّبْنَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ
مِّنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿۱۶﴾

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلَهُمَّ مَاتَّوَسُّوسٍ
بِهِ نَفْسَهُ ۗ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ
الْوَرِيدِ ﴿۱۷﴾

إِذِ تَلَقَى الْمُتَلَقَيْنِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ
الشِّمَالِ قَعِيدٌ ﴿۱۸﴾

مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ
عَتِيدٌ ﴿۱۹﴾

وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ۗ ذَٰلِكَ مَا

++ آیات ۱۸-۱۹: اینجا به نگهبانان اعمال انسان اشاره است. فرشتگان بسمت راست انسان نشسته نیکبایش را مینویسند و بسمت چپ نشسته بدیهارا مینویسند. این فرشتگان بچشم صوری دیده نمیشوند بلکه این کنایه ای است بسوی آن نظام شهادت که خداوند مقرر داشته است.

كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدٌ ①

میکردی (۲۰)

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ ①

و در صور دمیده شود. این روز
مشار است (۲۱)

وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ ②

و هر نفسی که بیاید با او سوق
دهنده‌ی و گواهی باشد (۲۲)

لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا

یقیناً تو در این مورد در غفلت ماندی.
پس ما پرده‌ی تو را از تو برداشته
ایم و امروز نگاه تو بسیار تیز
است (۲۳)

عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ

حَدِيدٌ ③

و منشنش گوید. اینست آنچه
نزدم آماده است (۲۴)

وَقَالَ قَرِينُهُ هَذَا مَا لَدَىٰ عَتِيدٍ ④

[ای سوق دهنده و گواه!] در جهنم
بیفکنید شادوی هر سخت ناسپاس
و عنادکننده [حق] را (۲۵)

الْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلٌّ كَفَّارٌ عَنِّي ⑤

بازدارنده از نیکوکاری. متجاوزی.
به شك مبتلا کننده‌ی را (۲۶)

مَنَاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُّرِيبٍ ⑥

آنکه با خدا معبودی دیگر ساخته
بود. پس شادوی او را در عذابی
سخت برانید (۲۷)

الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَأَلْقِيهِ فِي

الْعَذَابِ الشَّدِيدِ ⑦

منشن او گوید. پروردگارا! من

قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْغَيْتُهُ وَلَكِنْ كَانَ

فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ۝

او را به سرکشی نکشیدم و اما
او خود به گمراهی دور فرورفته
بود (۲۸)

قَالَ لَا تَخْصِمُوا لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ
إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ ۝

[خدا] گوید، نزد من ستیزه نکنید
و من به شما هشدار از پیش
فرستاده ام (۲۹)

مَا يَبْدُلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ وَمَا أَنَا بِظَلَّامٍ
لِّلْعَالَمِينَ ۝

فرمان نزد من عوض کرده نشود و
من بر بندگان بیچاره خود ستم
کننده نیستم (۳۰)

يَوْمَ نَقُولُ لِحَبَشَمَ هَلْ أَمْتَلَاتِ وَتَقُولُ
هَلْ مِنْ مَّزِيدٍ ۝

روزی که از جهنم بپرسیم، آیا پر
شدی. آن پاسخ دهد، آری بیش هم
است؟ (۳۱)

وَأَرْزَقْتِ الْجَنَّةَ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ ۝

و بهشت نزدیک متقیان کرده شود
هیچ دور نباشد (۳۲)

هَذَا مَا تَوْعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ ۝

اینست آنچه وعده داده شوید
بخاطر هر کدام مراجعت کننده و
نگهدارنده (۳۳)

مَنْ حَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ وَجَاءَ
بِقَلْبٍ مُّنِيبٍ ۝

آنکه از رحمان به نهان میترسد و
قلبی انابت کننده آورده است (۳۴)

ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ۚ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ ۝

ایمن بداخل آن شوید. این روز
بی پایان است (۳۵)

لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ ﴿۳۵﴾

آنرا است در آن هر چه بخواهند
و نزد ما بیشترم است (۳۶)

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ
مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ
مَّحِيصٍ ﴿۳۷﴾

و چه بسیار قومهای پیش از آنها را
هلاک کردیم که آنها به سخت
گرفتن سختتر از اینها بودند. پس
آنها در زمین غارها کردند [اما] آیا
هیچ پناه گاهی بود؟ (۳۷)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ
أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ ﴿۳۸﴾

هماندراین البته یادآوری است
برای آنکه اهل دل است یا گوش
فراهد و او بینا است (۳۸)

وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا
بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ۚ وَمَا مَسَّنَا مِنْ
لُغُوبٍ ﴿۳۹﴾

و یقیناً ما آسمانها و زمین و هر چه
میان آندو است را در شش زمان
آفریدیم و هیچ خستگی بما لمس
نکرد (۳۹)

فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ
قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ ﴿۴۰﴾

پس صبر کن بر آنچه گویند و قبل
از طلوع خورشید و قبل از غروب
با حمد پروردگار خویش تسبیح
بگو (۴۰)

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَآذْبَارَ السُّجُودِ ﴿۴۱﴾

و در پاره ای شب نیز او را
تسبیح بگو و هم پس از سجده
ما (۴۱)

وَأَسْمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَّكَانٍ
قَرِيبٍ ﴿٤٧﴾

و گوش کن روزیکه ندا دهنده از
جای نزدیک منادات کند (۴۲)

يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ۗ ذَٰلِكَ
يَوْمُ الْخُرُوجِ ﴿٤٨﴾

روزیکه صدای مولناک الحق
باشوند. آن روز بیرون آمدن
است (۴۳)

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَإِنَّا
الْمُصِيرُ ﴿٤٩﴾

یقیناً ما هستیم که زنده کنیم و می
میرانیم و بازگشت بسوی ما
است (۴۴)

يَوْمَ تَشْفَقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ۗ ذَٰلِكَ
حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ ﴿٥٠﴾

روزیکه زمین بالای ایشان از
سرعت حرکت بشکافد. این رستا
خیزی بر ما آسان است (۴۵)

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ ۗ وَمَا أَنْتَ
عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ ۗ فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ
يَخَافُ وَعِيدِ ﴿٥١﴾

ما داناتریم به آنچه میگویند و تو
بر آنها به اجبار اصلاح کننده نیستی
پس بوسیله قرآن پیوسته اندرز
کن او را که از هشدارم می
ترسد (۴۶)

۵۱-سورة الذَّارِيَات

این سوره از جمله سورت‌های ابتدائی است که در مکه نازل شد و با بسم الله ۶۱ آیت دارد.

بمحض آغاز این سوره پیشگوئیهای مذکور در سوره های گذشته بشمول بهشت و جهنم آنچنان بیقین بیان کرده میشوند بطوریکه مخاطبان قرآن بهم صحبت میکنند.

در این سوره کریمه جنگهای در زمان آینده مجدداً بطورگواه قرارداد میشوند تا مردم این پیشگوئیها را بچشم خود بحق رسیده ببینند و پس در این امر هیچ جای تردید باقی نماند که رسولی که علم غایب بر او مکشوف کرده شد حتماً امور زندگی پس از مرگ نیز او را خدا دانای غیب گفت. فرمود، سوگند به پاشندگان تخم - اینک این پیشگوئی ظاهرأ نیز حرف بحرف به حق رسیده است زیرا که واقعاً امروزها تخم ما بوسیله هواپیماها و میلی کپترها پاشیده میشود و هواپیماها بارهای سنگین را برداشته پرواز میکنند و با وجود این سنگینها سبک رو میباشند. بوسیله همین هواپیماها هم ابرقدرتها غالب و هم ملتهای مغلوب و قهرزده اطلاعات را بدست میآرند. اینهمه را گواه گردانده این نتیجه ای درآورده شد که به آنچه شما وعده ای داده میشوید، حتمی الوقوع است و روز جزاء یعنی روز قضاوت هم در دنیا برای ملتهای دنیائی و هم روز قیامت برای همه نوع انسان بپا خواهد شد. سپس آشکار نموده شد که این پاشندگان تخم و باربرداران بر زمین حرکت کنندگان نیستند بلکه در آسمان پرواز کنندگان اند. پس آن آسمان

گواه قرارداد شده که دارای راه های آنها است. چنانکه اگر نگاه افکنیم مرجا علامات راه های هواپیماها بچشم میخورند. پس نتیجه اینهمه به این امر منجر میشود که شماها به آخرت انکار کرده به گمراهی شدیدی مبتلا شده اید. اگر این سخنان بجای آنحضرت ﷺ از جانب کسی حدس زنده می بود آنگاه کسانی که اینگونه حرف را با حدس زده بودند همه بهلاک رسانده شدند اما این رسول راستین ﷺ برای همیشه باقی است.

این کلام مرقع فصاحت و بلاغت میباشد. پس از ذکر تخم پاشندگانی از آسمان توجه به اینسوجلب کرده میشود که تمامی اسباب رزق شما از آسمان فرومیآید اما درعین حال یکی آن نوع رزقی است که کنه اش را انسان نمی تواند درک کند و فرشتگان نیز همان رزق داده میشوند. لذا ذکر از مهمانان حضرت ابراهیم علیه السلام میرود که فرشتگان بوده اند و در قالب انسان برایشان ظاهر آمده بودند. هنگامیکه حضرت ابراهیم علیه السلام جلوی ایشان آن بهترین رزق عرضه داشتند که آذوقه انسان است آن مهمان فرشتگان از میل آن اجتناب ورزیدند چه رزق ایشان از نوع مختلف بود. دنبال ذکر از حضرت ابراهیم علیه السلام سخن از ای بسا پیغمبرانی گذشته نیز گفته میشود.

سپس چنین آیتی است که آسمان را مدام وسعت پذیر عنوان میکند درباره آنچه علم انسان در زمان آنحضرت ﷺ حتی تا حد خیال هم وجود نداشت. در زمان کنونی زبردستان فلکیات این حقیقت را ارائه داده اند که آسمان پیوسته وسعت پذیر میماند تا آن انتها که به اجل مسّی یعنی به نهایت زمانی معین خود رسیده بسوی مرکزی بازخواهد گشت.

موضوع رزق را بنحوی ارائه داد که همه وجودهای انسانی و ملکوتی بحر حال يك نوعی رزق را نیازمندند. تنها يك ذات است که از هر نوع رزق بی نیاز است و آن ذات خدای است که رزق دهنده ای همگان میباشد.

☆ سُورَةُ الذَّارِيَاتِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ إِحْدَى وَسِتُّونَ آيَةً وَثَلَاثَةُ رُكُوعَاتٍ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بسیار بخشنده، بارها رحمکننده (۱)

سوگند به [تخم] پاشندگان (۲)

پس باربرندگان را (۳)

پس سبک رفتار روندگان را (۴)

پس بخش کنندگان امر مهم را (۵)

حتماً راست است فقط آن چه

وعدۀ داده شوید (۶)

و یقیناً روز جزاء حتم الوقوع

است (۷)

سوگند به آسمان دارنده راهها (۸)

یقیناً شما در امر اختلاف هستید (۹)

پس از او همان برگردانده شود

که برگردانده شود (۱۰)

حدس زندگان هلاک شدند (۱۱)

آنانکه در غفلت گمراه شده

اند (۱۲)

میپرسند روز جزاء کی باشد (۱۳)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

وَالذَّرِيَّتِ ذَرَوًا ①

فَالْحِمْلِتِ وَقْرًا ②

فَالْجُرِيَّتِ يُسْرًا ③

فَالْمَقْسِمِ امْرَأًا ④

إِنَّمَا تُوْعَدُونَ لَصَادِقٍ ⑤

وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ ⑥

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْجُبكِ ⑧

إِنكُم لَفِي قَوْلٍ مُّخْتَلِفٍ ⑨

يُؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ ⑩

قُتِلَ الْخَرِصُونَ ⑪

الَّذِينَ هُمْ فِي عَمْرٍةٍ سَاهُونَ ⑫

يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ ⑬

روزیکه آنها بر آتش گذاخته
شوند (۱۴)

طعم فتنه خود بچشید. این همان
است که به آن شما تعجیل می
کردید (۱۵)

یقیناً متقیان میان باغها و چشمه
سار باشند (۱۶)

ایشان بگیرند آنچه پروردگار
ایشان بدیشان در دهد. یقیناً
ایشان از این پیش نیکوکاران
بودند (۱۷)

کم بود آنچه در شب می
خوابیدند (۱۸)

و بامدادان هم استغفار می
کردند (۱۹)

و در مالهای ایشان حتی بود
سایلان را و نیازمندی بی
سؤال را (۲۰)

و برای یقین دارندگان در زمین
نشانه های است (۲۱)

و هم در نفسهای خود شما. پس آیا

يَوْمَهُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ ﴿١٤﴾

ذُوقُوا فَتَنَتَكُمْ ۗ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ
بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ ﴿١٥﴾

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿١٦﴾

أَخِذِينَ مَا أَنَّهُمْ رَبُّهُمْ ۗ إِنَّهُمْ كَانُوا
قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ ﴿١٧﴾

كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ ﴿١٨﴾

وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ﴿١٩﴾

وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ ﴿٢٠﴾

وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِّلْمُوقِنِينَ ﴿٢١﴾

وَفِي أَنفُسِكُمْ ۗ أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿٢٢﴾

نمیگیرید؟ (۲۲)

و رزق شما در آسمان است و آنچه که وعده داده میشوید (۲۳) پس سوگند به پروردگار آسمانها و زمین یقیناً آن راست است بمثل آنچه شما [بهم] تکلم میکنید (۲۴) آیا خبر مهمان گرامی ابراهیم به تو رسید (۲۵)

چون ایشان براو بداخل آمدند گفتند، سلام. او هم سلام گفت [و در دلش گفت] مردم ناشناخته [بنظر میآید] (۲۶)

پس بشتاب او بسوی اهل خانه خود رفت و گوساله ای فربه [و بریان] آورد (۲۷)

پس آن رابه ایشان عرضه داشت [و] پرسید آیا نمیخورید؟ (۲۸) پس از ایشان خوف راحس کرد. آنان گفتند، نترس وبه اوبه پسری دانشمند مژده دادند (۲۹)

آنگاه همسرش بانگ زده جلو آمد

وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ ﴿٢٢﴾

فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطُقُونَ ﴿٢٣﴾

ع
۱۸

ع
۱۹

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثٌ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ ﴿٢٥﴾

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٍ مُنْكَرُونَ ﴿٢٦﴾

فَرَاغَ إِلَى أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ ﴿٢٧﴾

فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ﴿٢٨﴾

فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ وَبَشَّرُوهُ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ ﴿٢٩﴾

فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صَرََّةٍ فَاصْكَتْ

وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ ﴿۳۰﴾

وسیلی توی چهره خود زد و گفت،

[من] پیرزنی نازا هستم (۳۰)

قَالُوا كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ إِنَّهُ هُوَ

گفتند: همینطور [شود که] پروردگار

تو گفته است. یقیناً او صاحب

بسیار حکمت صاحب علم دائمی

الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ﴿۳۱﴾

است (۳۱)

- گفت: کار شما چیست ای فرستاد
 ۱۲۴۱۴۱ - گان؟ (۳۲)
- گفتند: یقیناً ما بسوی قوم بزمکاران
 فرستاده شده ایم (۳۳)
- تا بر آنها سنگریزه های گل
 بفرستیم (۳۴)
- نزد پروردگارتو نشان زده برای
 تجاوزگران (۳۵)
- پس در آن آنانکه مومنان بودند را
 بیرون آوردیم (۳۶)
- پس در آن فقط يك خانه از
 فرمان برداران یافتیم (۳۷)
- و در آن نشانه [عبرت] واگذارديم
 برای آنهاکه از عذابی دردناك می
 ترسند (۳۸)
- و در [واقعه] موسی [نیزآیتی بود]
 چون ما او را بادللی روشن بسوی
 فرعون فرستادیم (۳۹)
- پس او با معتمدین خود روی
 برگرداند و گفت يك جادوگراست
 یادیوانه (۴۰)
- قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿٣٢﴾
- قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ ﴿٣٣﴾
- لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّنْ طِينٍ ﴿٣٤﴾
- مُسْوَمَةٌ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ ﴿٣٥﴾
- فَأَخْرَجْنَا مَن كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٣٦﴾
- فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ
 الْمُسْلِمِينَ ﴿٣٧﴾
- وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ
 الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿٣٨﴾
- وَفِي مُوسَىٰ إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ
 بِسُلْطَنِ مُّبِينٍ ﴿٣٩﴾
- فَتَوَلَّىٰ بِرُكْنِهِ وَقَالَ سِحْرٌ أَوْ مَجْنُونٌ ﴿٤٠﴾

پس او و لشکریانش را بگرفتیم
و آنها را در دریا افکندیم در حالیکه
او ملامت شونده بود (۴۱)

و در عاد [نیز نشانه‌ی بود] وقتی بر
آنها بادی ویرانگر فرستادیم (۴۲)

بر آنچه گذر میکرد چیزی باقی نمی
گذاشت مگر آن را مانند چیزی
پوسیده میگردانید (۴۳)

و در ثمود [هم نشانه‌ی ای بود] گامی
که به ایشان گفتیم بمدتی بهره
برداری کنید (۴۴)

پس آنها از فرمان پروردگار خود
سرباز زدند و صاعقه آنها را بگرفت
و آنها چشم دوخته ماندند (۴۵)

پس نه طاقت ایستادن راداشتند
و نه انتقام گیرندگان بودند (۴۶)
و قوم نوح از این پیش [نشان
عبرت بود]. یقیناً آنها قومی فاسق
بودند (۴۷)

و آسمان را به قدرت مخصوصی بنا
کرده ایم و یقیناً ما توسعه دهندگان

فَأَخَذْنَاهُ وَجُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ
وَهُوَ مَلِيمٌ ۱۱

وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ
الْعَاقِمَةَ ۱۲

مَا تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلْنَاهُ
كَالرَّمِيمِ ۱۳

وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَعَوا حَتَّىٰ
حِينٍ ۱۴

فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذْتَهُمُ
الصَّعِقَةَ وَهُمْ يَنْظُرُونَ ۱۵

فَمَا اسْتَطَاعُوا مِنْ قِيَامٍ وَمَا كَانُوا
مُنتَصِرِينَ ۱۶

وَقَوْمَ نُوحٍ مِنْ قَبْلُ ۱۷ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا
فَاسِقِينَ ۱۸

۱۷

وَالسَّمَاءَ بَيْنَهُنَّ أَبْيَدًا وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ ۱۸

ایم(۴۸)++

و زمین را هموار نمودیم و چه

خوب گسترانندگانند(۴۹)

و هر چیز را به زوج آفریدیم تا

شما اندرز بگیرید(۵۰)

پس بسوی خدا شتابان بدوید.

یقیناً من از جانب او برای شما

هشدار دهنده آشکار هستم(۵۱)

و با خدا معبودی قرار ندهید. یقیناً من

از جانب او برای شما هشدار دهنده

آشکار هستم(۵۲)

مینطور بسوی ایشان که پیش از

آنها بودند رسولی نیامد مگر می

گفتند که او جادوگری یا دیوانه‌ی

است(۵۳)

وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمُهَدُّونَ ﴿۴۸﴾

وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ
تَذَكَّرُونَ ﴿۴۹﴾

فَفِرُّوْا إِلَى اللَّهِ ۚ إِنَّ لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ
مُبِينٌ ﴿۵۰﴾

وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ ۚ إِنَّ لَكُمْ
مِنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿۵۱﴾

كَذَلِكَ مَا آتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ
رَّسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مُجُنُّونٌ ﴿۵۲﴾

آیت ۴۸: بآید به این مردالت میکند که خداوند آسمان را بنا کرده فوایدی بشمار در آن نهاد. درعین حال اینهم فرمود که ما اینرا همیشه توسعه پذیر خواهیم داشت و علی‌الخصوص این بخش بیان که ما اینرا همیشه توسعه پذیر خواهیم داشت کلامی بلند مرتبت و اعجازی میباشد و یک پیغمبر می‌توانست از جانب خود بیان کند. این امر پژوهندگان علم باکمک آلات جدید بیان کرده اند که این کیهان لمحہ به لمحہ توسعه پذیر است. در زمان رسول الله ﷺ این کاینات بهر کس جامد و راکد دیده میشد.

أَتَوَاصُوا بِهٖ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَٰغُوْنَ ﴿۵۴﴾

آیا بهمدیگر به این نصیحت میکنند
بلکه آنها قومی گردنکش اند (۵۴)

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ ﴿۵۵﴾

پس از آنها روی برتاب. هرگز تو
سزاوار ملامت نیستی (۵۵)

وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَی تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِیْنَ ﴿۵۶﴾

و نصیحت کن یقیناً نصیحت به
مومنان فایده میبخشد (۵۶)

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴿۵۷﴾

وجن و بشر را نیافریدم مگر این
که مرا عبادت کنند (۵۷) ++

مَا أُرِيدُ مِنْهُم مِّن رِّزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ
يُطْعَمُوْنَ ﴿۵۸﴾

من رزقی از آنها نمیخواهم و نه این
را میخواهم که مرا بخورانند (۵۸)

إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ﴿۵۹﴾

یقیناً تنها خدا بسیار رزق دهنده
است. بسیار قدرتمند و صاحب
صفات برقرار است (۵۹)

فَإِنَّ لِلَّذِیْنَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِّثْلَ ذُنُوبِ

پس یقیناً آنها که ستم کردند را
پاداش ستم است مثل پاداشی که

أَصْحَابِهِمْ فَلَا یَسْتَعْجِلُونَ ﴿۶۰﴾

هم قبیل آنها را بود. پس پاداش را
از من بتمعجل طلب نکنند (۶۰)

++ آیت ۵۷: منظور از جن و انس مردم خاص و مردم عام، ملت‌های بزرگ و قدرتمند و

ملت‌های کوچک و ضعیف میباشند. مقصود از آفرینش مردوی عبادت خداوند است. اگر

جن بمعنای جنی معروف گرفته شود آنگاه میبایستی آنها نیز پاداش عبادت خویش یعنی

نویدهبشت داده شوند. ولی داخل شدن جن‌ها در بهشت هیچ جای تذکر نیست.

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي كَفَرُوا
يُوعَدُونَ ﴿١١﴾

بِسْ هَلَاكَتْ اسْتَبَهْ أَنَهَا كَهْ كَفَرُوا
كَرَدَدْنَدْ دَرْ أَنْ رُوزْ خُودْ ائِشَانْ كَهْ
وَعْدَهْ دَادَهْ مِيشُونَدْ (٦١)

۵۲- سورة الطور

این سوره از آنجمله سوره های است در ابتداء در مکه نازل آمد و با بسم الله ۵۰ آیت دارد.

آغاز این سوره نیز با گواهی های آسمانی شده است. نخستین گواهی است گواهی طور که بر آن حضرت موسی علیه السلام را خبری به رسولی با رتبه ای شامختر از خودایشان یعنی آنحضرت ﷺ داده شد. سپس سوگند به کتابی یاد شد که بر صحیفه های گشوده و چرمی نوشته شده است. چون در زمان قدیم نوشتن برچرم رسمی بود برای اینست که آن کتاب نوشته بر چرم گفته میشود. در همان کتاب پیشگوئی بیت الله است آنچه مملو از متقیان و روحانیت خواهد بود. یکباردیگر گواه گردانده میشود آسمانی با سقف بلند و دریای طفیان کرده که بین آندو آبی مسخر کرده شد که تکیه گاه زندگی میباشد.

پس از تذکر گواهی های آسمانی خداوند هشدار میدهد که روزی که آسمان سخت لرزه خورد و ابرقدرتهای مانند کوه ها برکنده و در همه دنیا پراکنده شوند، آنروز مکذبان را در همین دنیا هلاکت خواهد بود.

پس مجرمان را وعید جهنم و متقیان را نوید بهشت داده میشود. پس خداوند آنحضرت ﷺ را به نصیحت کردن پیوسته اشاره کرده گواهی میدهد که ای رسول! سخنان تونه مانند کاهن ها بی هوا است و نه تو مجنون هستی زیرا که کلام خودت و کلامی که بر تو نازل میشود این دو امر مذکور را رد میکند. پس بخاطر ابلاغ کردن فرمان پروردگار خود صبور باش. تو جلوی

چشمان ما هستی یعنی هرآن در حفاظت ما قرار گرفته ای. و باستایش خدای خویش او را تسبیح بخوان خواه تو برای عبادت روز بپا شوی یا شبگامان برای عبادت بپاشوی. هنگامیکه ستارگان فروروند بازهم بعبادت پروردگار خویش مشغول باش.

☆ سُورَةُ الطُّورِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ خَمْسُونَ آيَةً وَرُكُوعَانِ

- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①
بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]
بسیار بخشنده بارها را حکمکننده (۱)
و سوگند به طور (۲)
و به کتابی مسطور (۳)
در صحیفه های گشوده پوست (۴)
و سوگند به خانه آباد (۵)
و سوگند به سقی بلند کرده (۶)
و سوگند به دریای طفیان کرده (۷)
یقیناً عذاب پروردگارت حتمی
الوقوع است (۸)
کسی آنرا دورکننده نیست (۹)
روزی که آسمان سخت بلرزد (۱۰)
و کوه ها بکثرت روان شوند (۱۱)
پس ملاک باد در آن روز بر
مکذبان (۱۲)
الَّذِينَ هُمْ فِي حَوْضٍ يَلْعَبُونَ ⑩
روزی که بزور به جهنم رانده
شوند (۱۴)
- وَالطُّورِ ①
وَكَتَبَ مَسْطُورٍ ②
فِي رَقٍ مَّنْشُورٍ ③
وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ ④
وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ ⑤
وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ ⑥
إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ ⑧
مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ ⑨
يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا ⑩
وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا ⑪
فَوَيْلٌ لِلْمُكَذِّبِينَ ⑫
الَّذِينَ هُمْ فِي حَوْضٍ يَلْعَبُونَ ⑩
يَوْمَ يَدْعُونَ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ دَعَاً ⑬

همین آن آتش است که به آن

تکذیب میکردید (۱۵)

پس آیا این جادویی است یا شما

بصیرت را بکار نمیبردید (۱۶)

وارد آن شوید. پس صبر کنید یا

صبر نکنید شمارا یکسانست. فقط

عوض آن داده شوید که شاعمل

میکردید (۱۷)

یقیناً متقیان در بهشتها و نعمت ها

باشند (۱۸)

شادمان بدانچه پروردگار ایشان

به آنان داد و پروردگار ایشان

بدیشان از عذاب جهنم حفظ

نماید (۱۹)

بخورید و بیاشامید با خوشمزگی

بعلت آنچه شما میکردید (۲۰)

بر تختهایی در صف کشیده تکیه زده

باشند و ایشان را با زنان درشت

و سیاه چشم جفت نمائیم (۲۱)

و کسانی که ایمان آوردند و اولاد

آنان نیز ایشانرا با ایمان پیروی

هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكذِّبُونَ ﴿١٥﴾

أَفَسِحْرٌ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ﴿١٦﴾

إِصْلَوْهَا فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا
سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ ؕ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ
تَعْمَلُونَ ﴿١٧﴾

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ ﴿١٨﴾

فَكِهِينَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ وَعَ وَوَقَّهْمُ
رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿١٩﴾

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَيْئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٠﴾

مُتَّكِئِينَ عَلَى سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ
وَزَوَّجَهُمْ بِحُورٍ عِينٍ ﴿٢١﴾

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ

بِإِيمَانٍ الْحَقْنَابِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا

أَلْتَهُمْ مِّنْ عَمَلِهِمْ مِّنْ شَيْءٍ ۗ كُلُّ
أَمْرٍ إِيمًا كَسَبَ رَهِيْنٌ ﴿۲۷﴾

کردند اولاد ایشان را هم به آنان
ملحق نمائیم و آنان را از اعمال
ایشان میچ کم ندمیم. مرکس رمین
بکسب کرده های خود است (۲۲)

وَأَمَدَدْنَهُمْ بِفَاكِهَةٍ وَ لَحْمٍ مِّمَّا
يَسْتَهْوُونَ ﴿۲۸﴾

و ایشان را یاری کنیم [و اعطا
کنیم ایشانرا] نوعی میوه و نوعی
گوشت از آنچه میل کنند (۲۳)

يَتَنَزَّعُونَ فِيهَا كَأَسَا لًا لَّغَوْ فِيهَا
وَلَا تَأْتِيهِمْ ﴿۲۹﴾

در آنجا جامهای ممدیگر را [با
عاطفه] بر بایند. در آنها نه بیبودگی
است و نه امرگناه است (۲۴)

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ
لُؤْلُؤٌ مَّكُونٌ ﴿۳۰﴾

و پسرانی خوردسال ایشان گویی
آنان مرواریدهای نهفته اند گرد
ایشان دور زنند (۲۵) ++

وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿۳۱﴾

و بعضی از آنان بسوی بعضی احوال
پرسی کنان روی آورند (۲۶)

قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ ﴿۳۲﴾

گویند: یقیناً ما قبلأ در خانواده خود
بیمناک می ماندیم (۲۷)

فَمَنْ لِّلَّهِ عَلَيْنَا وَوَقْنَا عَذَابَ السُّمُومِ ﴿۳۳﴾

پس خدا بر ما منت نهاد و ما را از
عذاب و زش های سوزاننده نجات

++ آیت ۲۵: تمثیلاً ذکر از نعمتهای بهشت است که در آن خدمتگاران پسران خوردسال
باشند که گویی "مرواریدهای نهفته" اند. این اثبات میکند که این کلام تمثیلی است.

داد(۲۸)

یقیناً ما از این پیش هم او را می
خواندیم. یقیناً بس او نیکورفتار
بارها رحم کننده است(۲۹)

پس تو پیوسته نصیحت کن. بنعمت
پروردگارت نه کاهن هستی و نه
دیوانه(۳۰)

آیا میگویند، شاعری است که برای
او گردش روزگار را انتظار
داریم(۳۱)

بگو منتظر باشید پس حتماً منم با
شما از جمله منتظرانم (۳۲)
آیا پراکندگی خاطرشان آنها را به
این امر کند یا آنها قومی سرکش
اند؟(۳۳)

آیا گویند، او این را از خود دروغ
بسته است. حقیقت اینست که آنها
ایمان نخواهند آورد(۳۴)
پس باید بیارند مانند آن کلامی
را اگر راستگو یانند(۳۵)

آیا بدون چیزی [خود بخود] آفریده

إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ ۗ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ
الرَّحِيمُ ۙ

۱۳۴

فَذَكِّرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ
وَلَا مَجْنُونٍ ۙ

أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ مَّتَرَبِّصٌ بِهِ رَبِّبِ
الْمُتُونِ ۙ

قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ
الْمُتَرَبِّصِينَ ۙ
أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَامُهُمْ بِهَذَا أَمْ هُمُ
قَوْمٌ طَاغُونَ ۙ

أَمْ يَقُولُونَ تَقْوَلُهُ ۗ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ ۙ

فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا
صَادِقِينَ ۙ

أَمْ خَلَقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ

الْخُلُقُونَ ۳۶

شدند یا خودشان آفریدگاران
اند (۳۶)

أَمْ خَلَقُوا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بَلْ لَا
يُوقِنُونَ ۳۷

آیا آنها آسمانها و زمین را آفریده
اند؟ حقیقت اینست که آنها باور
نخواهند کرد (۳۷)

أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمُ
الْمُضْطَرُّونَ ۳۸

آیا نزدشان گنجهای پروردگارتو
است یا ایشان داروغه اند (۳۸)

أَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ فَلْيَأْتِ
مُسْتَمِعَهُمْ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ۳۹

آیا آنها نردبانی است که در
آن [بالا رفته] سخنان گوش کنند؟
پس باید شنونده از ایشان دلیلی
روشن بیآرد (۳۹)

أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمْ الْبَنُونَ ۴۰

آیا برای او [خدا] دختران و برای
شما پسران اند؟ (۴۰)

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَّغْرَمٍ
مُّثْقَلُونَ ۴۱

آیا مزدی از آنها میخواهی که آنها
از غرامت سنگین بارانند؟ (۴۱)

أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ ۴۲

یا غیب است نزدشان پس آنها [آن
را] مینویسند (۴۲)

أَمْ يَرِيدُونَ كَيْدًا ۱ فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ
الْمَكِيدُونَ ۴۳

یا میخواهند نیرنگ زنند؟ پس آنها
که کفر کردند همانانند که نیرنگ
برخلاف آنها زده شود (۴۳)

أَمْ لَهُمْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ ۲ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا

آیا برای ایشان معبودی است جز

خدا؟ پاك است خدا از آنچه شرك
میرزنند (۴۴)

و اگر پاره از آسمان سقوط کرده
را ببینند گویند این ابری برهم
نشسته است (۴۵)

پس آنها را برهان تا آن انتها که به
آن روز خود برخورد کنند که در آن
صایقه ی بر آنها افکنده شود (۴۶)
روزی که هیچ حيله ایشان بکار
ایشان نیاید و نه ایشان یاری
داده شوند (۴۷)

و یقیناً کسانی که ستمکاری کردند
را عذاب بعلاوه آنست. اما اکثر
ایشان نمیدانند (۴۸)

و برای فرمان پروردگار خود صبر
کن. پس یقیناً تو جلوی چشمان
ما هستی و با ستایش پروردگار
خود تسبیح بگو، هنگامیکه بر می
خیزی (۴۹)

و هم شب را برای او تسبیح بگو
و هم پس از غروب ستارگان (۵۰)

يُشْرِكُونَ ﴿٤٤﴾

وَإِنْ يَرَوْا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا
يَقُولُوا سَحَابٌ مَّرْكُومٌ ﴿٤٥﴾

فَذَرَهُمْ حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ
يَصْعَقُونَ ﴿٤٦﴾

يَوْمَ لَا يُعْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا
وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٤٧﴾

وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ
وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٨﴾

وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا
وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ ﴿٤٩﴾

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ ﴿٥٠﴾

۵۳- سورة النجم

این سوره بلافاصله پس از هجرت حبشه پنجمین سال نبوت نازل شد و با بسم الله ۶۳ آیت دارد.

نام این سوره النجم است و در پایان سوره قبلی نیز ذکر از "اذْبَارَ النَّجْمِ" می‌رود. سپس موضوع بسوی شرق‌های برگردانده می‌شود و پیشگویی به شکستن آن ستارگان می‌شود که مشرکان آنها را پرستش می‌کرده اند و فرمود که رسول الله ﷺ این امر را از پیش خود برنباخته اند زیرا که هیچگاه ایشان به سخن بمیل نفس خویش نمی‌آیند.

قبلاً در پایان سوره "الذَّارِيَاتُ" خدای که ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينِ خوانده شد و هم الرِّزَّاقِ سخن از همان خدا گفته در این سوره او بنام "شَدِيدُ الْقُوَى" و "ذَوِ الْمِرَّةِ" ذکر می‌شود یعنی خدای که صاحب صفاتی بسیار محکم و صاحب حکمتی بی مانند است.

سپس ذکر از واقعه معراج می‌رود. رسول الله ﷺ نزدیک پروردگار خویش شدند و خدای متعال برحمت خود بر ایشان فرود آمد و همچون وتری دوکمان شد. این آیه‌های پیچیده اند که به شرح آنها بنحوی گوناگون تلاش شده است. یقیناً این واقعه حاکی از هیچ آسمان ظاهری نیست بلکه ذکر از ماجرای فوق العاده ای است که بر قلب آنحضرت ﷺ گذشت. مکاشفه ای که نظیرش در زندگی هیچ کدام پیغمبر یافت نمی‌شود. قلب ایشان در محبت خدای متعال به رخ فلک بلند شد و خدا به محبت بنده خویش بر دلش فرود آمد. ضمناً مطلب از قَابَ قَوْسَيْنِ اینست که آنحضرت ﷺ صورت آن وتری را

گرفتند که میان کمان خداوند و آنحضرت ﷺ هردوی را همان يك وتر بود. بعبارت دیگر تیری از کمان خداوند پرتاب شده همان بود که از کمان آنحضرت ﷺ پرتاب میشد. این تفسیر عیناً بنص این آیت قرآن مجید است وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى.

سپس معراج جسمانی با این آیت بکلی نفی کرده میشود که مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى - یعنی دیدگان صوری خدا را دیدار نکرد بلکه آن خدای را که چشمان قلب رسول الله ﷺ دید قلبش در بیان آن هیچ دروغ نگفت.

بدنبال فوق، ذکر از يك سدره می‌رود که بعنوان نرده ای تقسیم کننده مرزهای میان خدا و بندگانش میباشد. در حقیقت قبلاً نیز میان اعراب رسمی بود و امروز نیز آن یافت میشود که هرگاه مرز ملکی از یک صاحب ملک تمام میشود آنگاه برای بازشناسی مرز دو ملک میان آندو سدرهای خاردار افکنده میشود. پس هرگز در آسمان درخت سدره وجود نداشت که ورای آن آنحضرت ﷺ نمیتوانستند بروند. این تفسیر بسیار خنده آور است که بعضی مفسران از قرون وسطی بوجود آورده بودند. مطلب فقط اینقدر است که آنحضرت ﷺ تا آن مقام ارفع قرب خداوندی رسیدند که ورای آن رسیدن هیچ بنده ای را امکان پذیر نبود چه پس از آن موضوع از صفات تنزیه خداوندی را آغاز میشود. سپس ذکر از خدایان فرضی کافران می‌رود که آنانرا به اثبات وجود آنها هیچ دلیلی در دست نیست. آنان فقط حرفهای بی‌هوا می‌زنند. این منتهای دانش آنهاست اینجا منظور از شعر همان النجم است که مشرکان آنرا خدا قرار داده بودند. سپس مجملاً تذکری بعنوان عبرت از بدفرجام قومهای مشرک بعلت شرک ورزیدن ایشان در زمان گذشته میباشد.

☆ سُوْرَةُ النَّجْمِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ ثَلَاثٌ وَسِتُّونَ آيَةً وَثَلَاثَةٌ رُكُوعَاتٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلا امتیاز]
 بسیار بخشنده بارها رحمت کننده (۱)
 سوگند به ثریا چون سقوط کند (۲)
 نیست رفیق شما گمراه و نه
 نامراد است (۳)
 و نه از هوای نفس خود کلام می
 کند (۴)
 این فقط وحی است که فرو
 فرستاده میشود (۵)
 صاحب سخت توانائیها او را
 آموخته است (۶)
 که صاحب بسیار حکمت است.
 پس او برقرار شد (۷)
 در حالیکه برافق بالاترین بود (۸)
 سپس نزدیک شد باز فرود آمد (۹)
 پس او مانند وتر دو کمان شد یا
 از آن هم نزدیکتر (۱۰)
 پس او بسوی بنده خود وحی فرستاد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ ②

مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ ③

وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ④

إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ⑤

عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ ⑥

ذُو مِرَّةٍ ⑦ فَاسْتَوَىٰ ⑧

وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ ⑨

ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ ⑩

فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ ⑪

فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ ⑫

مرجه وحی فرستاد(۱۱)

دل دروغ نگفت آنچه دید(۱۲)

پس آیا ستیزید با او بر آنچه او دید؟(۱۳)

حالانکه او آنرا در کیفیت دیگر نیز دیده است(۱۴)

نزدیک سدره بر منتهای حد(۱۵)

نزدیک آن بهشت پناه دهنده است(۱۶)

گامیکه درخت سدره را پوشانید آنچه پوشانید(۱۷)

نگاه نه لغزید و نه از حد گذشت(۱۸)

یقیناً او از آیات پروردگار خود بزرگتر را دید(۱۹)

پس آیاتولات و عزّی را دیدی(۲۰)

و دیگر منات سومین علاوه را(۲۱)

آیا شمارا پسران و او را دختران اند(۲۲)

آنگاه این تقسیمى نا درست است(۲۳)

مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى ۝۱۳

أَفْتَمْرُؤُهُ عَلَى مَا يَرَى ۝۱۴

وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَى ۝۱۵

عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى ۝۱۶

عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى ۝۱۷

إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَى ۝۱۸

مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى ۝۱۹

لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى ۝۲۰

أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ ۝۲۱

وَمَنْوَةَ الثَّالِثَةَ الْآخِرَىٰ ۝۲۲

أَلَكُمُ الذَّكْرُ وَلَهُ الْأُنثَىٰ ۝۲۳

تِلْكَ إِذْ أَوْسَمَهُمْ ضُمُزَىٰ ۝۲۴

إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ
وَأَبَاؤُكُمْ مِمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ
سُلْطَانٍ ۖ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا
تَهْوَى الْأَنْفُسُ ۗ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ
رَبِّهِمُ الْهُدَى ۖ

این فقط نامهایند که شما و پدران
شما به آنها نامگذاری کرده اید -
خدا برای آنها هیچ دلیلی نازل
نکرد. آنها پیروی نکنند جز گمان
و آنچه نفس تحریک کند و یقیناً
ایشان را هدایت از پروردگار
ایشان آمده است (۲۴)

أَمْ لِلْإِنْسَانِ مَا تَمَّتْ لِي ۖ

آیا انسان را است هر چه تمنا
کند؟ (۲۵)

فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَىٰ ۖ

پس آخرت و ابتداء از آن خدا
است (۲۶)

وَكُمْ مِنْ مَلَائِكَةٍ فِي السَّمَوَاتِ لَا تُغْنِي
شَفَاعَتُهُمْ شَيْئاً إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ
لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَىٰ ۖ

و چه بسا فرشتگان در آسمانها و
زمین اندکه شفاعت ایشان هیچ
هم بکار نیاید مگر پس از آنکه خدا
بهر که خواهد اجازه دهد و خوشنود
گردد (۲۷)

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ
لَيَسْمُونُ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةً الْأُنثَىٰ ۖ

البته آنها که به آخرت ایمان نمی
آرند [از آنانند که] فرشتگان را با
اصرار نامهای زنان میدهند (۲۸)

وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ ۖ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا

درحالی که درباره آنها ایشان را
هیچ دانشی نیست. ایشان پیروی

الظَّنَّ ۚ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا ۝

نمیکنند جز از گمان و گمان در مقابل

حق هیچ هم بدرد نمیخورد (۲۹)

فَأَعْرَضَ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ۝

پس روی برتاب از آنکه از ذکر ما

روی برتابد و جز زندگی دنیا چیزی

نمیخواهد (۳۰)

ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ ۗ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ ۗ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدَىٰ ۝

همین مبلغ کل از علم ایشانست.

البته تنها پروردگارتو بهتر میداند

آنرا که از راه او گمراه گشته است

و او بهتر میداند آنرا که هدایت

یافت (۳۱)

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ۗ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ اَسَاءُوا وَاِيۡسَا عَمِلُوۡا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ اَحْسَنُوۡا اِلٰلْحُسْنٰى ۝

و از آن خدا است هر چه در آسمانها

است و هر چه در زمین است. برای

اینست که او آنانکه بدیها کردند را

عوض اعمال ایشان میدهد و آنانکه

کارهای نیکوتر کردند را پاداشی

نیکو میدهد (۳۲)

الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبِيْرَ الْاِثْمِ وَالْفَوَاحِشِ اِلَّا اللَّمَمَ ۗ اِنَّ رَبَّكَ وَاَسِعُ الْمَغْفِرَةَ ۗ هُوَ اَعْلَمُ بِكُمْ اِذْ اَنْشَاَكُمْ مِنَ الْاَرْضِ وَاِذْ اَنْتُمْ اَجْنَّةٌ

آنانکه از گناهان بزرگ و فحشائیهها

پرهیزکنند جز لمس خفیف یقیناً

پروردگارتو فراخ در بخشش است.

او شمارا نیکتر میداند از آنگاه

که شما را از زمین نمود کرد و از

وقتی شما جنین در شکمهای مادران خود بودید. پس بیهوا خودتان را پاك قرار ندهید. تنها اوست که بهتر میداند آنرا که متقی است (۳۳)

آیادیدی آنرا که روی برتابید (۳۴) و کمی داد و دست کشید (۳۵)

آیا او را علم نهانست پس او [نتائج] را می بیند؟ (۳۶)

آیا او به آن خبر داده نشد که در صحف موسی است؟ (۳۷)

و [آنچه در صحف] ابراهیم وفا کننده عهد است (۳۸)

اینکه هیچ باربری بار دیگری را بدوش نخواهد گرفت (۳۹)

و اینکه انسان را چیزی نیست جز آنچه کوشیده باشد (۴۰)

و اینکه کوشش او حتمًا نگریده شود (۴۱)

سپس پاداش او کامل داده شود (۴۲)

و اینکه منتها بسوی پروردگار تو

فَبُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ ۚ فَلَا تُزَكُّوا

أَنْفُسَكُمْ ۗ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى ۖ ﴿٣٣﴾

أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّى ۙ

وَأَعْطَى قَلِيلًا وَأَكْدَى ۖ ﴿٣٤﴾

أَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهَوْ يَرَى ۖ ﴿٣٥﴾

أَمْ لَمْ يُنَبِّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى ۙ

وَأِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى ۖ ﴿٣٨﴾

أَلَا تَرَى زَوَازِرَهُمْ يُوزَرُونَ ۖ خَرَى ۙ ﴿٣٩﴾

وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى ۖ ﴿٤٠﴾

وَأَنْ سَعْيُهُ سَوْفَ يَرَى ۖ ﴿٤١﴾

ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى ۖ ﴿٤٢﴾

وَأَنَّ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى ۖ ﴿٤٣﴾

[رسیدن] است (۴۳)

و اینکه اوست که میخنداند و می
گریاند (۴۴)

و اینکه اوست که میمیراند و
زنده میکند (۴۵)

و اینکه اوست که جفت را آفرید
یعنی نر و ماده را (۴۶)

از نطفه که انداخته میشود (۴۷)

و اینکه برخیزاندن دوباره بر او
است (۴۸)

و اینکه او است که توانگر سازد
و گنج بخشد (۴۹)

و اینکه فقط او پروردگار شعری
[ستاره] است (۵۰)

و اینکه او است که عاد اولی را
بهلاك رساند (۵۱)

و نمود را. پس هیچ [از آنها] را
باقی نگذاشت (۵۲)

و از این پیش قوم نوح را. یقیناً
همانها ستم کارتر و سرکش تر
بودند (۵۳)

وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى ۞٤٤

وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ وَأَحْيَا ۞٤٥

وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى ۞٤٦

مِنْ نُّطْفَةٍ إِذَا تُمْنَى ۞٤٧

وَأَنَّ عَلَيْهِ النَّشْأَةَ الْآخِرَى ۞٤٨

وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَى وَأَقْنَى ۞٤٩

وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشَّعْرَى ۞٥٠

وَأَنَّهُ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَى ۞٥١

وَتَمُودًا فَمَا أَبْقَى ۞٥٢

وَقَوْمَ نُوحٍ مِّنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا

هُمَّ أَظْلَمَ وَأَطْغَى ۞٥٣

و او شهرمایی زیر و زبر شدگان
را نیز فروافکند (٥٤)

پس آنها را پوشانید آنچه هم
پوشانید (٥٥)

پس جهت کدام نعمتهای پروردگار
خود محاجه خواهی کرد (٥٦)
این هشدارهای
پیشین (٥٧)

نزدیک شوندند نزدیکتر شد (٥٨)
نیست دورکننده آن جز خدا (٥٩)
پس آیا بر این سخن تعجب می
کنید؟ (٦٠)

و میخندید و گریه نمیکنید (٦١)
و شما غافلان آید (٦٢)

پس خدا را سجده کنید و عبادت
بجا آرید (٦٣)

نزدیک
شوندند

وَأَمْوَاتِكُمْ أَهْوَىٰ ۝٥٤

فَعَشَمَهَا مَا غَشَىٰ ۝٥٥

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكَ تَتَمَارَىٰ ۝٥٦

هَذَا نَذِيرٌ مِّنَ النَّذْرِ الْأُولَىٰ ۝٥٧

أَزِفَتِ الْأَزْفَةُ ۝٥٨

لَيْسَ لَهَا مِن دُونِ اللَّهِ كَاشِفَةٌ ۝٥٩

أَفَمِن هَذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ ۝٦٠

وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ ۝٦١

وَأَنْتُمْ سَمِدُونَ ۝٦٢

فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا ۝٦٣

۵۴- سورة القمر

این سوره در مکه نازل شد و با بسم الله ۵۶ آیت دارد.

سوره گذشته حاکی از فروافتادن "شعری" خدای دروغین مشرکان بود. عبارت دیگر این پیشگوئی شده است که حتماً شرک باخدای برپافته خود نابود کرده خواهد شد.

اکنون بمحض آغاز سورة القمر این خبر داده میشود که آن ساعت فرا رسیده و ماه شکافته بر آن گواهی داده است. منظور از ماه دوره پادشاهی اعراب است و ماه را این تفسیر نیز از آنحضرت ﷺ مروی است. اینک دور پادشاهی مشرکان برای همیشه خاتمه یافت و آن ساعت انقلاب فرارسیده که برپا شدن آن منوط به بعثت آنحضرت ﷺ بود.

پس از آن آیتی است از آنچه بطور حتمی به اثبات میرسد که مشرکان آن زمان شکافتن ماه را برای چند لمحات تماشا کرده بودند. مفسران در این مورد نادرست یا درست تفاسیری بسیار کرده اند. اما از واقعیت این انکار نتوان کرد. زیرا که اگر مشرکان ظهور این واقعه را تماشا نکرده بودند آنگاه بلا فاصله از این انکار میکردند و مومنان نیز از ایمان خویش برمیگشتند چه اساس ایمان تماماً متکی بر صدق رسول الله ﷺ بود. باگفتن "سِخْرَ مُسْتَمِرّاً" مشرکان مکه گواهی دادند که این واقعه حتماً صورت گرفته ولی جادوئی است و محمد [ﷺ] این نوع جادوها را همیشه بنمایش میگذارد.

سپس مجدداً ذکر از قومهای مشرکان پیشین میرود که هر کدام رسول زمان خود را مجنون قرار میدادند و در نتیجه کفر و گستاخگوئیهای لجوجانه

خودشان به هلاك رسانده شدند.

در این سوره يك آیه بارها تکرار شده است که ما قرآن را برای نصیحت آسان قرار داده ایم یعنی برحالات قومهای پیشین بکمی هم رای کرده این امر راحت فهمیده میشود که بزرگ ترین تباهی در دنیا شرك گسترده است. اما کسی هست که پند فراگیرد؟ مردم بسیار کثیرنه از پیشینیان پند گرفتند و نه از پسینیان پند میگیرند.

☆ سُوْرَةُ الْقَمَرِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سِتُّ وَخَمْسُونَ آيَةً وَثَلَاثَةُ رُكُوعَاتٍ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیاربخشنده بارها رحم کننده (۱)

ساعت به نزدیک رسید و ماه

اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ ②

بشکافت (۲)

و اگر آیتی را ببینند، روی برتابند

وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ

و گویند، جادویی است که همواره

مُسْتَمِرٌّ ③

بوده است (۳)

و تکذیب کردند و پی هوای نفسانی

وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أَمْرٍ

خود رفتند [شتاب کردند] حالانکه

مُسْتَقَرٌّ ④

هر امر [بروقت خود] قرار گیرنده

است (۴)

و البته آنهارا بعض اخبار رسیده

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ

است در آنچه سخت زجر و توبیخ

مُرْدَجَرٌ ⑤

است (۵)

حکمتی با کمال بود. باز هم هشدارها

حِكْمَةٌ بِالْعِزَّةِ فَمَا تَنْغِنُ التُّدْرُ ⑥

هیچ به کار نیامد (۶)

پس از آنها اعراض کن [آنان]

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ ۱ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعُ إِلَىٰ

خواهند دید [روزی که خواننده به

شَيْءٍ تُكْرَهُ ⑦

سوی چیزی بسیار ناپسند بخواند (۷)
چشمان آنها از ذلت فرو خفته، آنان
از گورها در آیند گویی که آنها ملخ
های منتشر شده اند (۸)

شتابندگان بسوی خواننده بروند.
کافران گویند امروز روزی سخت
است (۹)

قبل از آنها قوم نوح تکذیب کرده
بودند پس بنده ی ما را تکذیب
کرده بودند و گفتند دیوانه است
رانده شده (۱۰)

پس او پروردگار خود را خواند
یقیناً من مغلوب ام. پس مرا یاری
کن (۱۱)

پس مادرهای آسمان را بصورت
آبی بیابی باریده گشودیم (۱۲)
پس زمین را به صورت چشمه ها
شکافتیم. پس آب بر امری بهم
شد که مقدر شده بود (۱۳) ++

واو [نوح] را بر [کشتی] دارای تخته
ها و میخها سوار کردیم (۱۴) ++

خُشَعًا أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ
الْأَجْدَاثِ كَالْهَمِّ جَرَادٍ مُّنتَشِرٍ ۝۷

مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ ۝ يَقُولُ الْكٰفِرُونَ
هٰذَا يَوْمٌ عَسِرٌ ۝۸

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا
عِبْدَنَا وَقَالُوا مُجُنُّونَ وَإِذْ جَرَّ ۝۹

فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ ۝۱۰

فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُّنْهَمِرٍ ۝۱۱
وَاجْرِنَا الْأَرْضَ عِيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ
عَلَىٰ أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ ۝۱۲

وَحَمَلْنَاهُ عَلَىٰ ذَاتِ الْأَوَّاحِ وَدُسِّرَ ۝۱۳

تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَاءً لِمَنْ كَانَ كُفِرًا ⑩

که جلوی چشمان ما حرکت میکرد
بعنوان پاداشی برای آنکس که
انکار شده بود (۱۵) ++

وَلَقَدْ تَرَكْنَاهَا آيَةً فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ⑪

و یقیناً ما آنرا نشانه ای بزرگ
واگذارده بودیم. پس کسی گیرنده
بند است؟ (۱۶) ++

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرٍ ⑫

پس عذابم و ترساندندم چگونه ای
بود؟ (۱۷)

وَلَقَدْ سَرَّنا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ

یقیناً ما قرآن را برای بند آسان
ساخته ایم. پس کسی گیرنده بند

مُدَكِّرٍ ⑬

آیات ۱۳- ۱۶: سخن از کشتی حضرت نوح گفته میشود که از تخته های چوب و میخها ساخته شده بود. گویی که در زمان حضرت نوح فرهنگ تا این حد پیش رفت کرده بود که ایشان بر استعمال آهن مهارت بدست آورده بودند و احتمالاً برای تراشیدن تخته های چوب اره ها نیز میساختند.

درباره همین کشتی فرموده شد که این نشانه ی است که برای نصیحت گرفتگان ایمان افروز اثبات شود. از این امر این امکان نیز پیدا میشود که کشتی حضرت نوح برای آیندگان بعنوان نشانه ی محفوظ شده باشد. با این وجود که مسیحیان را به این بیان قرآن آگاهی نیست باز هم کشتی حضرت نوح را در يك محلی بعنوان نشانه ی محفوظ میپندارند و آن هر جا تلاش کرده میشود. بعضی افراد از جانب جماعت احمدیه نیز به اینکار مامور اند که سراغ آنرا پیرو آیات قرآن بگیرند. طبق تحقیق اینجانب کشتی در قمر دریای Dead sea محفوظ است و بروقت معین در آورده شود.

است؟ (۱۸)

عاد هم تکذیب کرده بودند. پس
چطور بود عذابم و ترساندندم؟ (۱۹)
یقیناً ما بر آنها بادی تند در روز
شومی پایدار فرستادیم (۲۰)
که مردم را برمیکنند گوئیکه آنها
بن های برکنده نخلی بودند (۲۱)
پس عذابم و ترسانیدم چگونه
بود (۲۲)

و یقیناً ما قرآن را بخاطر بند
آسان کردیم پس کسی گیرنده
بند است؟ (۲۳)

نمودم هشدار دهندگان را تکذیب
کردند (۲۴)

پس گفتند. آیا او را که بشری از
خود ما یکتا است پیروی کنیم؟
در آنصورت یقیناً ما در گمراهی
و دیوانگی مبتلا شویم (۲۵)

آیا از میان ما ذکر بر او نازل کرده
شد؟ بلکه او خیلی دروغگوی
خودستا است (۲۶)

كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرِي ۝۱۸

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي
يَوْمٍ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ ۝۱۹

تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ
مُنْقَعِرٍ ۝۲۰

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرِي ۝۲۱

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ
مُدَّكِرٍ ۝۲۲

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ ۝۲۳

فَقَالُوا أَبَشْرًا مِّمَّنَّا وَاجِدًا نَّتَّبِعُهُ ۗ إِنَّا إِذَا
لَفِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ ۝۲۴

ءَأُلْقِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ
كَذَّابٌ أَشِيرٌ ۝۲۵

سَيَعْلَمُونَ غَدًا مِنَ الْكَذَّابِ الْأَشْرُ ۝۲۷

فردا یقیناً بدانند کیست سخت
دروغ گوی خودستا (۲۷)

إِنَّا مُرْسِلُوا النَّاقَةِ فِتْنَةً لَّهُمْ
فَارْتَقِبْهُمْ وَاصْطَبِرْ ۝۲۸

یقیناً ما به آزمایش آنان ناقه ای را
فرستنده ایم. پس [ای صالح!] تو
مراقب آنها باش و شکیبائی
کن (۲۸)

وَنَبِّئُهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ
شِرْبٍ مَّحْتَصِرٌ ۝۲۹

و ایشان را آگاه ساز که [وقت] آب
بمیان ایشان قسمت شده است. در
هر کدام نوبت آب حاضر شدن لازم
است (۲۹)

فَأَذُوا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَى فَعَقَرَ ۝۳۰

پس آنها رفیق خود را فراخواندند.
پس او [ناقه را] بگرفت و پی
کرد (۳۰)

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرٍ ۝۳۱

پس عذابم و ترساندندم چگونه
بود (۳۱)

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً
فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ ۝۳۲

مانا ما بر آنها تندی یکباره
فرستادیم. پس همچون خرد و
خاکشی خاربست زیر پا لهیده
شدند (۳۲)

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ
مُدِّكِرٍ ۝۳۳

و یقیناً ما قرآن را بخاطر پند آسان
کردیم. پس آیا کسی پندگیرنده

است؟ (۳۳)

قوم لوط نیز به همدار دهنندگان
تکذیب کرده بودند (۳۴)

البته ما بر آنها باران سنگریزه های
فرستادیم جز آل لوط که ایشان
را صبحگاه نجات دادیم (۳۵)

بطور نعمت از نزد ما. همین گونه
پاداش میدیم او را که سپاس
داری کند (۳۶)

و یقیناً او نیز آنها را از خشم ما
همدار داده بود. باز هم به همدارها
متردد ماندند (۳۷)

وخواستند او را درباره مهمانان
خود بلغزانند. پس ما چشانشان
را کور کردیم. پس طعم عذاب و
ترساندنم را بچشید (۳۸)

و همانا صبحگاه ایشان را عذابی
برقرار فرارسید (۳۹)

پس طعم عذابم و ترساندنم را
بچشید (۴۰)

و یقیناً ما قرآن را برای بند آسان

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِالَّذُرِّ ۝۳۱

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ
لُوطٍ نَّجَّيْنَاهُمْ بِسَحَرٍ ۝۳۲

نِعْمَةٌ مِّنْ عِنْدِنَا كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ
شَكَرَ ۝۳۳

وَلَقَدْ أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا
بِالَّذُرِّ ۝۳۴

وَلَقَدْ رَاوَدُوهُ عَن ضَيْفِهِمْ فَطَمَسْنَا
أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذِرِ ۝۳۵

وَلَقَدْ صَبَّحَهُمْ بُكْرَةً عَذَابٌ مُّسْتَقِرٌّ ۝۳۶

فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذِرِ ۝۳۷

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن

مَدَّ كِرِيًّا ①

ع
۹

کردیم پس کسی بند گیرنده
است؟ (۴۱)

وَلَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ التُّذْرُ ②

و یقیناً به فرعونیان نیز بیم
دمندگان آمدند (۴۲)

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَّابًا فَآخَذْنَهُمْ آخْذَ عَزِيزٍ
مُقْتَدِرٍ ③

آنها آیات ما مه آنها را انکار
کردند. آنگاه ما آنها را گرفتیم
که صاحب غلبه کامل قدرتمند می
گرد (۴۳)

أَكْفَارُكُمْ خَيْرٌ مِنْ أَوْلِيِّكُمْ أَمْ لَكُمْ
بِرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ ④

ایا کافران [در زمان] شما از آنان
بهرتر اند یا شما را در صحیفه ها
رستگي نامه است؟ (۴۴)

أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُنْتَصِرُونَ ⑤

آیا گویند، "ما گروهی انتقام
گیرندگان ایم"؟ (۴۵) ++

سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ ⑥

یقیناً این انبوهی کثیرمزیمت داده
شوند و پشتها برگردانند (۴۶) ++

بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَذْهَى
وَأَمْرٌ ⑦

بلکه ایشان را به ساعت انقلاب
وعده داده شد و آن ساعت سخت
تر و تلختر باشد (۴۷)

++ آیات ۴۵-۴۶: این آیات از آن ایتهای ابتدائی است که در مکه نازل شدند. در
اینها گفته میشود که لشکری بزرگ کافران به مسلمانان پشت کرده یا بفرار
خواهند نهاد.

بقره

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ ﴿٤٨﴾

یقیناً بزمکاران در [حالت] گمراهی
و دیوانگی باشند (۴۸)

يَوْمَ يَسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ
ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ ﴿٤٩﴾

روزی که برویهای خود در آتش
کشیده شوند. طعم دوزخ را
بچشید (۴۹)

إِنَّا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ ﴿٥٠﴾

یقیناً ما هر چیز را باندازه ای
آفریده ایم (۵۰)

وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ ﴿٥١﴾

و فرمان ما نیاید مگر یکهو مانند
چشم بهم زدن (۵۱)

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا أَشْيَاءَكُمْ فَهَلْ مِنْ
مُدَّكِرٍ ﴿٥٢﴾

و البته ما [قبلاً نیز] هم قبیلان شما
را ملامت کردیم. پس کسی است که
اندرز را قبول کند؟ (۵۲)

وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ ﴿٥٣﴾

و هرکاری را که انجام دهند در
صحیفه ما است (۵۳)

وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُّسْتَطَرٌّ ﴿٥٤﴾

و هر یک کوچک و بزرگ مسطور
است (۵۴)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ ﴿٥٥﴾

متقیان حتماً در باغستانها و در
حالت فراخی باشند (۵۵)

فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ
مُقْتَدِرٍ ﴿٥٦﴾

بر مسند راستی در محضر یک
پادشاه نیرومند (۵۶)

بقره

۵۵- سوره رحمن

این سوره حین دوره ابتدائی در مکه نازل شد و با بسم الله ۷۹ آیت دارد.

در این سوره درباره انسان و قرآن دو کلمه جداگانه بکار گرفته شده است. برای قرآن هیچگاه کلمه "خلق" گفته نشده است و نسبت به انسان کلمه "خلق" گفته شده است. پس بعلمت عدم تدبیر بر این نکته ای مهم بعضی مسلمانان از ازمینه وسطی قرآن را مخلوق و بعضی غیر از مخلوق میپنداشته اند. بنابراین این میان مسلمانان بسیار قتل و غارت رخداد.

این سوره حاکی از میزانی است که بسبب آن توازنی در سراسر آسمان به چشم میخورد. در امر حقیقت هر یک رفعت متکی بر این توازن میباشد. پس اگر بندگان مومن خدا نیز همیشه میزان را رعایت کرده و حرفی خلاف عدل نزنند در مقابل این عمل خداوند ایشان را رفعتهای بزرگ فراهم خواهد آورد.

ضمناً خطاب به جن و انس کرده این سخن بتکرار گفته میشود که شما دوی کدام یک نعمت خدای را انکار خواهید کرد و بدنبال این تفاوتی در آفرینش جن و انس عنوان میشود که جن از شعله های آتش بوجود آورده شد. جن را شرح در زمان کنونی بطریق گوناگون داده میشود. اما اینجا شرح اینست که ویروس [Virus] و باکتری [Bacteria] نیز اجنه است که حین ابتدای آفرینش در نتیجه باریدن تشعشعات رادیوئی بوجود آمدند و در زمان کنونی پژوهندگان علم هم رأی هستند که باکتری و ویروس نیرو را مستقیماً از آتش حاصل کرده

بوجود می‌آیند.

سپس نسبت به انسان چنین پیشگوئی میشود که پرده ای را از رازهای عمیق و حکمت آمیز مربوط به آفرینش بر میدارد. تخلیق انسان از گل در کتب پیشین هم مذکور است. ولی خلق کردن انسان از گلی خشکیده مانند سفال پخته ی جرنگ کرده چنین تصوراتی که در هیچکدام کتب پیش از قرآن مجید بیان نشده است. اینجا گنجایش بتفصیل آنرا ندارد ولی زبردستان علم میدانند که در حین تخلیق چنین مرحله ای نیز آمد که لازم شده بود که ماده های تخلیقی بصورت گلی با صدای جرنگ خشک کرده شود و سپس دریا دوباره آن ماده خشک را در موجهای خود دربرگرفت و انسان را چنین سفر پیش رفت شیمیائی رو به آغاز نهاد در آنچه این شیمی های مهم برای تخلیق انسان تکراراً بسوی دوره ابتدائی خود برنگشتند.

سپس این پیشگوئی کرده شد که خدای متعال خط فاصل میان دو دریا را از بین برده و آندو بهم متصل میگرددند.

ضمناً آیت کریمه دیگری عبارت از چنین موضوعی است که در زمان وحی قرآن هیچکس آنرا تصور هم نمیکرد. انسان طاقت نیآورد که متریا دو متربلند هم بپرد تا چه برسد به اینکه هرکدام مردمان بزرگ و کوچک برای پریدن اقطارالسَّمُوتِ والارض تلاش کنند. این تلاش از رسیدن انسان به کره ماه آغاز کرده است و برای رسیدن کره های بلندتر تلاش در جریان است. اما پیشگوئی قرآن مجید اینست که انسان نمیتواند بدون "سلطان" یعنی استدلالی بزرگ شأن مرزهای کاینات را بپرد و هرگاه او به پریدن آن با این کالبد تلاش کند براو مس گذاخته ای باریده میشود. در این امر شکی

نیست که تا آنگاه که پژوهندگان علم هر نوع تدبیر امکان پذیر را برای دفاع از سنگباران اجرام فلکی اختیار نکنند نمیتوانند در موشکی سوار سفر فضائی را ادامه دهند.

پس از بیان تمثیلی از جهنم باز بیان تمثیلی از بهشت شروع میشود. میبایستی خوانندگان هرگز این کلام را بر معنای ظاهری حمل نکنند. تمام این کلام تمثیلی است. این کلام را تفکر کرده اهل تفکر میتوانند هر آن دانه های مروارید عرفان را بدست آورند و الا سرگردان و هیچ هم بدست نمیرسد. جز تصور مادی بهشت که غرق در آن حل بسیاری مسایل را نخواهند یافت. پس نام خدا بسیار پربرکت است و برکات او را به شمار آوردن محال است. او ذوالجلال والاکرام است.

☆ سُورَةُ الرَّحْمَنِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ تِسْعٌ وَسَعُونَ آيَةً وَثَلَاثَةُ رُكُوعَاتٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بنام خدا بلا استدعا و بلا امتیاز

بسیار بخشنده بارها رحمکننده (۱)

الرَّحْمَنُ ②

بلا استدعا بلا امتیاز بسیار

بخشنده (۲)

عَلَّمَ الْقُرْآنَ ③

او قرآن آموخت (۳)

خَلَقَ الْإِنْسَانَ ④

انسان را آفرید (۴)

عَلَّمَهُ الْبَيَانَ ⑤

او را بیان آموخت (۵)

الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ ⑥

خورشید و ماه بحساب [مسخر]

اند (۶)

وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ ⑦

و ستاره و درخت هر دو سجده

کنند (۷) ++ [ص#۱۳۲۷]

وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ ⑧

و آسمان را چه شأن است. او آن

را رفعت داد و نمونه عدل قرار

داد (۸) ++ [ص#۱۳۲۷]

أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ ⑨

تا اینکه در میزان تعدی نکنید (۹)

و وزن را بداد برقرار نمایید و در

وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا

وزن کردن کم نکنید (۱۰)

الْمِيزَانَ ⑩

و زمین را چه شأن است او آن

وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ ⑪

را برای آفریدگان [تکیه گاه]

ساخت (۱۱)

در آن است میوه های و خرما
خوشه دار (۱۲)

و حبوبات دارای سیوس و گل و
برگ خوشبو (۱۳)

پس [ای جن و انس] شما دوی کدام
نعمت های پروردگار خود را انکار
کنید (۱۴)

او انسان را از گلی خشکیده
مانند سفال پخته ی جرنگ کرده
آفرید (۱۵)

و جن را از شعله های آتش
آفرید (۱۶)

پس شما دوی کدام نعمتهای پرورد
- گار خود را انکار کنید (۱۷)

فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ ﴿١١﴾

وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ ﴿١٢﴾

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ﴿١٣﴾

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ ﴿١٤﴾

وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارٍ حَمِئٍ مِّنْ تَارٍ ﴿١٥﴾

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ﴿١٦﴾

آیت ۷: منظور از نجم میتوان آن ستاره باشد که مربوط به علم حساب مذکور در آیت
قبلی است و گیاهان نیز میتوانند باشند چه سخن بعدی از درخت است. این کمال
از فصاحت و بلاغت قرآن است که هر یک آیت آن بهم مربوط است.

++ آیت ۸: پس از آن سخن از رفعتهای آسمان گفته شود که خلاصه از موضوع در آیات
قبلی است که میزان بوسیله حساب برقرار کرده میشود و رفعتهای آسمان
آنقدر متوازن اند که انسان میتواند طریق عدل و انصاف را فراگیرد.

اوپروردگار دومشرق وپروردگار
دو مغرب است(۱۸) ++

پس [ای جن و انس] شما دوی کدام
نعمت های پروردگار خود را انکار
کنید(۱۹)

اودودریارا بطوری درهم بیآمیزد
که آندو بهم پیوسته یکجا خواهند
شد(۲۰) ++

[عجالتاً] در میان آندومانمئی است
که نتوانند از آن تجاوز کنند(۲۱) +
پس [ای جن و انس] شما دوی کدام
نعمت های پروردگار خود را انکار
کنید(۲۲) ++

مروارید و مرجان از آندو در می
آید(۲۳) ++

رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ ﴿۱۸﴾

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ﴿۱۹﴾

مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيٰنِ ﴿۲۰﴾

بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيٰنِ ﴿۲۱﴾

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ﴿۲۲﴾

يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ ﴿۲۳﴾

++ آیت ۱۸: در این آیه گریبه دو مشرق و دو مغرب را ذکر است حالانکه در زمان آنحضرت
ﷺ علم فقط از یک مشرق و یک مغرب بود. درین آیه کوچکتر درباره اکتشافات مهمی
در زمان آینده پیشگوئی شده است.

+ آیات ۲۰-۲۳: ذکر از آن دو دریا است که از هر دوی مروارید و مرجان استخراج شود
و آندو درهم آمیخته شود. "يَلْتَقِيَانِ" یعنی آندو در آینده یکجا کرده شوند. در زمان آن
حضرت^۳ نه مردم میدانستند و نه هم به چنین پیشگوئی امکان بود. اینجامنظور دریای
احمر و بحر الروم است که بوسیله نهر ساویر بهم پیوسته شده اند.

فَبَايَ الْآءِ رَبِّكُمْ أَتُكِّدِينَ ﴿۲۷﴾

پس [ای جن و انس] شما دوی کدام
نمتهای پروردگار خود را انکار
کنید (۲۴)

وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ
كَالْأَعْلَامِ ﴿۲۵﴾

و از آن اواست [صنعت] کشتیهائی
که کوه مانند در دریا سربرافراشته
خواهند بود (۲۵)

النَّصِيفِ

فَبَايَ الْآءِ رَبِّكُمْ أَتُكِّدِينَ ﴿۲۶﴾

پس [ای جن و انس] شما دوی کدام
نمتهای پروردگار خود را انکار
کنید (۲۶)

الْبَحْرِ

كُلٌّ مِّنْ عَلَيْهَا فَانٍ ﴿۲۷﴾

هر که بر آنست فناپذیر است (۲۷)
در حالیکه فناپذیر جاه و حشمت
پروردگار تو که صاحب جلال و
اکرام است، خواهد بود (۲۸)

وَيَبْقَىٰ وَجْهَ رَبِّكَ ذَوَالْجَلَلِ
وَ الْاِكْرَامِ ﴿۲۸﴾

فَبَايَ الْآءِ رَبِّكُمْ أَتُكِّدِينَ ﴿۲۹﴾

پس [ای جن و انس] شما دوی کدام
نمتهای پروردگار خود را انکار
کنید (۲۹)

يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ ﴿۳۰﴾

هر چه در آسمانها و زمین است تنها
از او سوال کند. هر آن او در يك
شأن نوینی است (۳۰)

فَبَايَ الْآءِ رَبِّكُمْ أَتُكِّدِينَ ﴿۳۱﴾

پس [ای جن و انس] شما دوی کدام
نمتهای پروردگار خود را انکار

کنید (۳۱)

ای دوا بر قدرت احتمالاً حساب شمارا
کاملاً تسویه خواهیم کرد (۳۲)
پس [ای جن و انس] شما دوی کدام
نعمتهای پروردگار خود را انکار

کنید (۳۳)

ای گروه جن و انس! اگر بتوانید از
حدهای آسمانها و زمین بیرون روید
پس بروید - نتوانید بیرون روید
جز بایک استدلال محکم (۳۴) ++

پس [ای جن و انس] شما دوی کدام
نعمتهای پروردگار خود را انکار
کنید؟ (۳۵)

سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيَّهَ الثَّقَلَيْنِ ﴿٣١﴾

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ﴿٣٢﴾

يَمَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ
أَنْ تَنْقُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ فَأَنْقُذُوا ۗ لَا تَنْقُذُونَ إِلَّا
بِسُلْطَنِئِنَّا ﴿٣٣﴾

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ﴿٣٤﴾

++ آیت ۳۴: از روی "یامعشر الجن و الانس" درباره جن که مخلوقی عجیب و غریب
پنداشته میشد در آن زمان میتوانست گفت که آنها برای بیرون رفتن از اقطار السموات
والارض تلاش خواهند کرد. ولی برای "انس" که این کوشش خارج از تصور بود. در اینجا
علی الخصوص قابل فکراین امر است که نه تنها اقطار الارض بلکه اقطار السموات و
الارض فرموده شد یعنی آنها خواهند کوشید که جمیع کاینات را در یک جست عبور کنند.
منظور از "الابسلطن" اینست که اگر چه آنان بکوشند ولی فقط با استدلالی استوار
موفق خواهند شد. در زمان کنونی همینطور است. پژوهندگان علم بر اساس استدلال
محکم خود اخبار از روشنی بیست بلیون سالگی دور را بوسیله استدلال محکم
خود معلوم میکنند البته اینکار برای ایشان بطور جسمانی امکان پذیر نیست.

يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شَوْاظٌ مِّنْ نَّارٍ وَّ نَحَاسٌ
فَلَا تَنْتَصِرْنَ ﴿٣٧﴾

فرستاده شود بر شما دوی شعله های
آتش و دودی. پس شما دوی نتوانید
انتقام بگیرید (۳۶) ++

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ﴿٣٧﴾

پس شما دوی کدام نعمتهای
پروردگار خود را انکار کنید؟ (۳۷)
پس ناگهان آسمان بشکافت و مانند
جرمی سرخگون گردد (۳۸)

فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً
كَالدِّهَانِ ﴿٣٨﴾

پس شما دوی کدام نعمتهای
پروردگار خود را انکار کنید؟ (۳۹)
پس آنروز انسان و نه جن از
لغزش خود پرسیده نشود (۴۰) ++
پس شما دوی کدام نعمتهای
پروردگار خود را انکار کنید (۴۱)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ﴿٣٩﴾

فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ
وَّلَا جَانٌّ ﴿٤٠﴾

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ﴿٤١﴾

++ آیت ۳۶: امروز ما چون خلانوردان سوار بر موشکها میکوشند تا «سما و ارض»
را عبور کنند بر آنان همینطور که در این آیت فرموده شد شعله ها و يك نوع دود
افکنده میشود.

++ آیت ۴۰: در این آیت فرموده شد که آنروز جن و انس درباره لغزش های خود
پرسش نشوند و منظور از این پرسش در روز قیامت نیست چه آنروز از هر کدام
کوچک و بزرگ پرسش شود ولی در دنیا در صورت جنگهای جهانی نه ابرقدرتها از
ملت های کم نیرومندسئوالی میکنند و نه ملت های اشتراکی کوچک از ملت های بزرگ
سرمایه دارسوالی میکنند. این بخش پیشگوئی را بیشتر روشن شدن هنوز باقی است.

مجرمان از سیمای خود شناخته
شوند. پس از موهای پیشانی و از
پاما گرفته شوند (۴۲)

پس شما دوی به کدام نعمتهای
پروردگار خویش را انکار
کنید؟ (۴۳)

اینست آن جهنم که مجرمان به آن
انکار میکردند (۴۴)

آنها میان آن و آب جوشانی
سوزان گردش خواهند کرد (۴۵)
پس شما دوی به کدام نعمت های
پروردگار خود انکار کنید؟ (۴۶)

هر که از مقام پروردگار خود در بیم
است او را دوبهشت است (۴۷)+

پس [ای جن و انس] شادوی کدام
نعمتهای پروردگار خود را انکار
کنید (۴۸)

يَعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمِهِمْ فَيُؤْخَذُ
بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ ۞

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ۞

هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا
الْمُجْرِمُونَ ۞

يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ ۞

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ۞

وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٌ ۞

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ۞

++ آیت ۴۷: آنکه خدا را تقوی کند او را هم جنت دنیا و هم جنت آخرت داده شود.
منظور از جنت دنیا غالباً آن جنت است که در آیه الا بذكر الله تطمئن القلوب
مذکور است.

ذَوَاتَا أَفْئَانٍ ۴۹

مردو [بهشت] پرشاخ و برگ (۴۹)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ۵۰

پس شما دوی به کدام نعمت های
پروردگار خود انکار کنید؟ (۵۰)

فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيانِ ۵۱

در آندو دو چشمه روان است (۵۱)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ۵۲

پس شما دوی به کدام نعمتهای
پروردگار خود انکار کنید؟ (۵۲)

فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ ۵۳

در آندو هر نوع میوه جفت جفت
است (۵۳)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ۵۴

پس شما دوی به کدام نعمت های
پروردگار خود انکار کنید؟ (۵۴)

مُتَّكِنِينَ عَلَى فُرْشٍ بَطَّائِنُهَا مِنْ

ایشان بر فرشهای تکیه زنند که
آسترهای آنها استبرق است و میوه
های مردو بهشت رسیده از سنگینی

إِسْتَبْرَقٍ ۵۵ وَجَنَّاتٍ جُنتَيْنِ دَانٍ ۵۵

خم شده است (۵۵)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ۵۶

پس شما دوی به کدام نعمتهای
پروردگار خود انکار کنید؟ (۵۶)

فِيهِنَّ قُصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ

در آنها چنین زنان چشمان فرو
مشته اند که آنها را کسی از انس

إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ ۵۷

و نه جن پیش از این [بهشتی] ها
لمس نکرده است (۵۷)

پس [ای انس و جن] شادوی به کدام
نعمت های پروردگار خود انکار
کنید؟ (۵۸)

گویی آنها یاقوت و مرجان اند (۵۹)
پس شما دوی به کدام نعمت های
پروردگار خود انکار کنید (۶۰)

آیا عوض احسان جز احسان
است؟ (۶۱)

پس شما دوی به کدام نعمتهای
پروردگار خود انکار کنید (۶۲)
و بعلاوه این دو، دو بهشت دیگر
است (۶۳)

پس شما دوی به کدام نعمتهای
پروردگار خود انکار کنید (۶۴)
مردوی سرسبز است (۶۵)

پس شما دوی به کدام نعمتهای
پروردگار خود انکار کنید؟ (۶۶)
در آندو دو چشمه فوران کرده
است (۶۷)

فِي أَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبِينَ ﴿٥٨﴾

كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ ﴿٥٩﴾

فِي أَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبِينَ ﴿٦٠﴾

هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ ﴿٦١﴾

فِي أَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبِينَ ﴿٦٢﴾

وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَيْنِ ﴿٦٣﴾

فِي أَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبِينَ ﴿٦٤﴾

مُدْهَامَّتَيْنِ ﴿٦٥﴾

فِي أَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبِينَ ﴿٦٦﴾

فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَيْنِ ﴿٦٧﴾

پس شما دوی به کدام نعمتهای
پروردگار خود انکار کنید؟ (۶۸)

در آندو میوه ها [متنوع] و خرما
و اناری است (۶۹)

پس شما دوی به کدام نعمتهای
پروردگار خود انکار کنید؟ (۷۰)

در آنها زنان نیکوسیرت و زیبا
روی باشند (۷۱)

پس شما دوی به کدام نعمتهای
پروردگار خود انکار کنید؟ (۷۲)

حورانی درخانه های کاخ ناغیراز
سنگ و آجر ساخته مسکن داده (۷۳)

پس شما دوی به کدام نعمتهای
پروردگار خود انکار کنید؟ (۷۴)

آنان را پیش از ایشان [بهشتیان]
آدمی و نه جن لمس نکرد (۷۵)

پس شما دوی به کدام نعمتهای
پروردگار خود انکار کنید (۷۶)

ایشان بر قالیهای سبز و بساط
های گرانها تکیه زده باشند (۷۷)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ﴿٦٨﴾

فِيهِمَا مَا أَكَلْتُمْ وَنَحْلُ وَرُمَّانٌ ﴿٦٩﴾

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ﴿٧٠﴾

فِيهِنَّ حَيْرَاتٌ حِسَانٌ ﴿٧١﴾

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ﴿٧٢﴾

حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ ﴿٧٣﴾

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ﴿٧٤﴾

لَمْ يَطْمِئِنَّهُنَّ أَنْسَ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ ﴿٧٥﴾

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ﴿٧٦﴾

مُتَّكِنِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ
حِسَانٍ ﴿٧٧﴾

++ ایت ۷۳: الخيمة: كل بيت ليس من حجارة او ما يقوم مقامها [المنجد]

فَيَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا كَذَّبْتُمْ

پس [ای جن و انس] شما دوی به
کدام نعمت های پروردگار خود
انکار کنید (۷۸)

تَبَرَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ

بسیار پر برکت است نام
پروردگار تو که صاحب جلال و
صاحب اکرام است (۷۹)

وَالْإِكْرَامِ ۷۹

ع
۱۳

۵۶- سورة الواقعة

این سوره در آغاز دور مکی نازل شد و با بسم ۹۷ آیت دارد. آغاز این سوره حاکی از این امر است که آن پیشگوئیا که سوره گذشته عنوان کرد حتمی الوقوع اند. این سوره علی‌الخصوص دارای آن اخبار از رستاخیز پس از مرگ است که بیگمان راست خواهند آمد. سپس فداکاران دور اول اسلام و فداکاران دور دوم اسلام مقایسه کرده میشوند و از آن معلوم میگردد که از جمله فداکاران در دوره اول اسلام و در دوره دوم بسیار کثیر از ایشان نسبت به قربانیا بهم شباهت داشته و ایشان درجاتی همسان داده خواهند شد. اما فداکاران دور اول را بر فداکاران دور دوم از روی ایشار و قربانی در عدد و رتبه برتری حاصل خواهد بود. ولی حین دوره دوم نیز بعضیها باشند که به آن فضیلت رتبه برخوردار شوند که فداکاران دوره اول ارزانی شده بودند.

ضمناً سخن از تیره بختان مردو دور نیز گفته میشود که بنص قرآن جناح چپی قراردادده میشوند و منظور از جناح چپی زشتکاران اند و آن صفات آنها نقل شده است که منجر به جهنمی شدن آنها خواهد شد.

تمثیلاً این سوره ذکر هم از اهل بهشت میکند و هم از اهل جهنم و این امر خوب آشکار گردانده شده است که هنگام رستاخیز هرگز شما با این کالبد مادی برخیزانده نخواهید شد بلکه مبدل به چنین خلقتی درآورده شوید که به آنچه شما تصور هم نمیتوانید کنید.

آیات ۶۲، ۶۱ حاکی از این پیشگوئی است که شکلی که در آن خداوند

شما را روز رستاخیز درآرد شما را به آن هیچ دانشی نیست. اینک سوال اینست که بظاهر که علم آن داده میشود؟ واقعیت اینست که این هشدار است و نباید این کلمات را بر ظاهر حمل کرد. بلکه این تمثیلات است که به حقیقت آنها شمارا هیچ دانشی نیست.

سپس چنین چهار امر بیان شده است که حتماً تدبیر کرده قلبی پاک از بالودگی حسادت قبول خواهد کرد که میچکس قدرتمند به ساختن این چیزها نیست مگر خدای متعال:

ماده ای که از آن تخلیق انسان آغاز شد در آن چنین صفاتی پیچیده و باریک در باریک جمع کرده شد که آنها را بیمد بظهور آمدن بود - مثلاً چشم، گوش، بینی، گلو، عضو تولید صوت و غیره همه هدایت شده اند که هر کدام از آنها تا چه حدی میتواند رشدونمو کند و چه وقت آن عمل نشوونمو باید جلو گیری شود. اینک مثل دندان است که دندان شیر بعد از چند وقت نمومیکنند و باز یک مدت کار کرده، میریزند و کودکانی که در سن کودکی سلامت این دندان خود را نمیتوانند رعایت کنند بعلت این ریزش در مرحله بعدی نمو دندان از بدتائیرش حفظ کرده میشوند. سپس دندان سن بلوغت را نوبت است که نگهداری آنها برعهده خود انسان است. چرا این دندان تاحدی رشد و نمو کرده از این عمل باز میایستند؟ اینک چه چیزی است که آنها را از رشدونمو بیشتر باز میدارد؟ دل ان - آ [DNA] انسان دارای برنامه ای کمپیوتری (Computerized system) است که دندان طبق آن برنامه تابع تقدیر خدائی عمل میکنند. زبردستان علم میگویند، بسرعتی که این دندان بگسلندکم و بیش بهمان سرعت رشد میکنند. اگر اینها فقط رشد میکردند و سستم جلو گیری وجود

نداشت آنگاه امکان بود که دندان زیرین انسان مغزش را شکافته بسیار بالاتر میرفتند و بر همین منوال دندان بالائی بخش زیرین دهن را شکافته سینه انسان را از کار میانداختند. پس فرمود، آیا اینهمه استعدادهای جنینی را شما خودتان پدید آورده اید؟ پیدا است که هیچ جوابی ندارند.

ضمناً بظاهر انسان میپندارد که دانه را در خاک او میکارد. ولی رویدن درختان و سبزیها و میوه هارا از زمین نیز فرایندی پیچیده است که آن خود بخود صورت نمیگیرد.

همینطور انسان را بر نظام آن آب که بعنوان تکیه گاه حیات از آسمان به زمین نازل میشود هیچ اختیاری نیست. بعلاوه موشکی شعله انگیز که انسان سوار بر آن تلاش میکند که بر آسمان بالارود هم تابع تقدیر خدا کار می کند و الا همان شعله موشکی میتواند آنانرا سوزانده خاکستر سازد بجای اینکه آنانرا بر بلندیا برساند. در مورد هوا پیماما و موشک های که در آسمان پرواز میکنند پیشگویی مروی از آنحضرت ﷺ موجود است که آن سوارها با آتش حرکت خواهند کرد. اما آن آتش سوارانی را که در آنها سوار باشند هیچ گزندی نخواهد رساند.

سپس "مواقع النجوم" را گواه گرداند. انسان آن زمان می پنداشت که نجوم دانه ها و سنگهای کوچک و درخشنده اند. ولی خدای متعال میفرماید که اگر شماها را دانش باشد که آن دانه های که کوچک بچشم میخورند چه چیزهای اند حتماً شما در شگفت میشوید. آن نجوم آنقدر بزرگ اند که این خورشید و ماه و زمین وغیره رادریک کنار یکی از آن نجوم توان جمع شد. پس فرموده شد که این يك گواهی بسیار بزرگ است که ما ارائه میدیم.

دنبال این گواهیها فرمود که قرآن نیز کتابی چاپ شده است. بطوریکه ستارگان بعلمت دور بودن از دیده های شما پوشیده اند بر همین منوال با اینکه ظاهرأ شما قرآن را کتابی چاپ شده کوچک می بینید اما دیدگان شما مانند ستارگان واقع در دور، رفعت های آن را نیز نمیتوانند درک کنند. ضمناً فرمود، شما میتوانید بظاهر آنرا لمس کنید یعنی شما آنقدر نزدیک آن هستید که میتوانید آنرا لمس کنید ولی هیچکس نمیتواند مطالب آنرا لمس کند مگر آنکس که دلش را خداوند پاک سازد.

☆ سُورَةُ الْوَاقِعَةِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ سَبْعٌ وَتِسْعُونَ آيَةً وَثَلَاثَةٌ رُكُوعَاتٍ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیاربخشنده بارهارحم کننده (۱)

وقتی واقع شونده واقع شود (۲)

و نیست رد کننده ای بوقوع آمدن

آن را (۳)

[بعضی هارا] پائین آورنده و [بعضی

ها] را بالا برنده (۴)

چون زمین سخت لرزانده شود (۵)

و کوهها ریزه ریزه برده شود (۶)

پس آنها مانند گردی پراکنده

شوند (۷)

و شما سه گروه شوید (۸)

پس گروهی دست راست - کیستند

گروهی دست راست؟ (۹)

و گروهی دست چپ - کیستند

گروهی دست چپ؟ (۱۰)

و سبقت گیرندگان برمه سبقت

گیرندگان باشند (۱۱)

مانها مقربان اند (۱۲)

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ②

لَيْسَ يَوْفَعَتِهَا كَاذِبَةٌ ③

خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ ④

إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا ⑤

وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا ⑥

فَكَانَتْ هَبَاءً مُتَّبَقًا ⑦

وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً ⑧

فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ⑨ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ⑩

وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمِ ⑪ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمِ ⑫

وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ ⑬

أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ⑭

دربهشتهای پر نعمت (۱۳)
 گروهی بزرگ از پیشینیان (۱۴)
 و گروهی اندک از پسینیان (۱۵)
 برتختهای پیراسته (۱۶)
 روبروی هم بر آنها تکیه زننده (۱۷)
 پسرانی [خدمتکار] دوام بخشیده
 بر ایشان دور زنند (۱۸)
 با جامها و صراحیها و کاسه های پر
 از آبی شفاف (۱۹)
 ایشان از [خوردن] آن نه به درد
 سر مبتلا کرده شوند و نه از خرد
 بیرون روند (۲۰)
 و با میوه های انواع، از آنچه
 بخواهند انتخاب کنند (۲۱)
 و گوشت مرغی، از آنچه میل داشته
 باشند (۲۲)
 و دوشیزگان فراخ چشمان (۲۳)
 همانندان مروارید نهفته (۲۴)
 بپاداش آن عمل که میکردند (۲۵)
 در آنجا هیچ یابوه گوئی و سخن
 گناه نشنوند (۲۶)

فِي جَنَّتِ التَّعِيمِ ﴿١٣﴾
 ثَلَاثَةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ ﴿١٤﴾
 وَقَلِيلٌ مِّنَ الْآخِرِينَ ﴿١٥﴾
 عَلَى سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ ﴿١٦﴾
 مُتَّكِبِينَ عَلَيْهَا مُتَّقِلِينَ ﴿١٧﴾
 يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّحَلَّدُونَ ﴿١٨﴾
 بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقٍ وَكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ ﴿١٩﴾
 لَا يَصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنْزِفُونَ ﴿٢٠﴾
 وَفَاكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ ﴿٢١﴾
 وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ ﴿٢٢﴾
 وَحُورٍ عِينٍ ﴿٢٣﴾
 كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ ﴿٢٤﴾
 جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٥﴾
 لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا نَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا ﴿٢٦﴾

جز گفتار سلام سلام (۲۷)
 و گروهی دست راست - کیستند
 که گروهی دست راستند (۲۸)
 در درختان سدر بدون خار (۲۹)
 و [باغهای] موزروی هم انباشته (۳۰)
 و سایه های به دور کشیده (۳۱)
 و آبی باران (۳۲)
 و میوه های فراوان (۳۳)
 نه قطع و نه ممنوع شوند (۳۴)
 و مسندهای افراشته (۳۵)
 یقیناً ما آن [زوج] ما را نیکوی بدید
 آوردیم (۳۶)
 پس آنها را بی مانند نمودیم (۳۷) ++
 دلربایانی همسالان (۳۸)
 برای اهل دست راست (۳۹)
 جماعتی بزرگتر از پیشینیان (۴۰)
 و جماعتی بزرگتر از پسینیان (۴۱)
 و اهل دست چپ، کیستند اهل
 دست چپ؟ (۴۲)
 دربادی سوزنده و آبی جوشان (۴۳)

إِلَّا قِيْلًا سَلَامًا سَلَامًا ﴿٢٧﴾
 وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ ﴿٢٨﴾ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ ﴿٢٨﴾
 فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ ﴿٢٩﴾
 وَطَلْحٍ مَّنْضُودٍ ﴿٣٠﴾
 وَظِلِّ مَمْدُودٍ ﴿٣١﴾
 وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ ﴿٣٢﴾
 وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ ﴿٣٣﴾
 لَّا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ ﴿٣٤﴾
 وَفُرْشٍ مَّرْفُوعَةٍ ﴿٣٥﴾
 إِنَّا أَنشَأْنَهُنَّ إِنْسَاءً ﴿٣٦﴾
 فَجَعَلْنَهُنَّ أَبْكَارًا ﴿٣٧﴾
 عُرُبًا أَتْرَابًا ﴿٣٨﴾
 لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴿٣٩﴾
 ثُلَّةً مِّنَ الْأَوَّلِينَ ﴿٤٠﴾
 وَثُلَّةً مِّنَ الْآخِرِينَ ﴿٤١﴾
 وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ ﴿٤٢﴾ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ ﴿٤٢﴾
 فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ ﴿٤٣﴾

++ آیت ۳۷: "ابکار" بمعنای "بی مانند" مراجع شود المنجد.

وَوَظِلٌّ مِّنْ يَّحْمُومٍ ۝۴۴

و سایه های از دودی سیاه (۴۴)

لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ ۝۴۵

نه خنک و نه مهربان است (۴۵)

إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ ۝۴۶

یقیناً آنان قبلاً خوش گذرانان

بودند (۴۶)

وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ

و بر گناه بزرگ داشتند اصرار

الْعَظِيمِ ۝۴۷

میورزیدند (۴۷)

وَكَانُوا يَقُولُونَ أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا

و داشتند می گفتند، آیا چون بمیریم

وَعِظَامًا إِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ۝۴۸

و خاک و استخوانها شویم آیا ما

حتماً برخیزانده شویم؟ (۴۸)

أَوْ آبَاءُ وَاوْنَا الْأَوْلُونَ ۝۴۹

آیامم پدران پیشین ما (۴۹)

قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ۝۵۰

بگو، حتماً پیشینیان و پسینیان (۵۰)

لَمَجْمُوعُونَ إِلَى مِيقَاتِ يَوْمٍ

بسوی وعده گاه زمانی معین جمع

کرده شوند (۵۱)

مَعْلُومٍ ۝۵۱

سپس یقیناً شما ای گمراهان!

ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكذِبُونَ ۝۵۲

مکذبان! (۵۲)

لَا يَكُونُ مِنْ شَجَرٍ مِّنْ زُقُومٍ ۝۵۳

حتماً از درختی زقوم خورنده

اید (۵۳)

فَمَا يُؤْنَسُ مِنْهَا الْبُطُونَ ۝۵۴

پس شکمها را از آن پرکننده

اید (۵۴)

فَشَرِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ ۝۵۵

پس بر آن آبی جوشان نوشنده

اید (۵۵)

وآب خوردندگانیدنوشیدن شتران
سخت تشنه ما (۵۶)

اینست پذیرائی ایشان در روز
جزاء (۵۷)

ما شمارا آفریده ایم پس چرا
تصدیق نمیکنید (۵۸)
حالی کنیدنطفه که شما [در رحم] می
افکنید (۵۹)

آیا شما آن را میآفرینید یا ما
آفرینندگانیم (۶۰)

مامرگ را میان شما مقرر کرده ایم
و نیستیم ما که از این بازداشته
شویم (۶۱)

که صورتهای شما را عوض کنیم و
برخیزانیم شمارا در شکلی که شما
آنها میدانید (۶۲)

و یقیناً آفرینش نخستین را دانسته
اید. پس چرا پند نمیگیرید؟ (۶۳)
حالی کنید آنچه میکارید (۶۴)
آیا شما آنها را میرویانید یا ما رویمانند
گان ایم؟ (۶۵)

فَشْرِبُونَ شُرْبَ الْهَيْمِ ۱۶

هَذَا نَزَلُ لَهُمْ يَوْمَ الدِّينِ ۱۷

نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تَصَدَّقُونَ ۱۸

أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ ۱۹

ءَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ ۲۰

نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ
بِمَسْبُوقِينَ ۲۱

عَلَىٰ أَنْ يُبَدَّلَ أَمْثَالَكُمْ وَنُنشِئَكُمْ فِي
مَا لَا تَعْلَمُونَ ۲۲

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا
تَتَذَكَّرُونَ ۲۳

أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ ۲۴

ءَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ ۲۵

اگرخواستیم آنرا ریزه ریزه می نمودیم پس شما شکوه و شکایت کرده میماندید (۶۶)

لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلَّمْتُمْ تَفَكَّهُونَ ﴿٦٦﴾

که یقیناً ما غرامت زدگانیم (۶۷)

إِنَّا لَمُخْرَمُونَ ﴿٦٧﴾

بلکه ما محروم شدگانیم (۶۸)

بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ﴿٦٨﴾

آیا دیدید آبی را که مینوشید (۶۹)

أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ ﴿٦٩﴾

آیا شما آنرا از ابرها نازل آوردید

ءَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ

یا ما نازل کنندگانیم؟ (۷۰)

الْمُنزِلُونَ ﴿٧٠﴾

اگرخواستیم آنرا شور مینمودیم

لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أَجَاجًا فَلَوْ

پس چرا سپاس نمیگویید؟ (۷۱)

لَا تَشْكُرُونَ ﴿٧١﴾

پس آیا نظرگماشتید به آن آتش

أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ ﴿٧٢﴾

که شما روشن کنید (۷۲)

آیا شما درخت [نماشعله] آن را بالا

ءَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ

برید یا ما بالا برندگانیم (۷۳) ++

الْمُنشِئُونَ ﴿٧٣﴾

ما آنرا تذکر و برای مسافران سود

نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكَرَةً وَ مَتَاعًا

مند قرار داده ایم (۷۴)

لِلْمُقْوِينَ ﴿٧٤﴾

پس نام پروردگار خود عالیشان را

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿٧٥﴾

تسبیح بگو (۷۵)

پس یقیناً من مجوم ستارگان را

فَلَا أُقْسِمُ بِمَوْقِعِ النُّجُومِ ﴿٧٦﴾

گواه میآرم (۷۶)

++ آیت ۷۴: برای این معنا مراجعه شود تفسیر الرازی.

ویقیناً این گواهی بسیار بزرگست
کاشکی میدانستید (۷۷)

وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لِّوَتَّعْلَمُونَ عَظِيمٌ ﴿۷۷﴾

یقیناً آن قرآنی ارجمنداست (۷۸)+

إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ ﴿۷۸﴾

[محفوظ] در کتابی پوشیده (۷۹) ++

فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ ﴿۷۹﴾

نتواند کسی آن را لمس کند جز پاک
شدگان (۸۰) ++

لَّا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ﴿۸۰﴾

نازل کردن [آن] از پروردگار
مه جهانها است (۸۱)

تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۸۱﴾

پس آیا شما به این کلام خوشامد
گویانید؟ (۸۲)

أَفَبِهَذَا الْحَدِيثِ أَنْتُمْ مُدْهِنُونَ ﴿۸۲﴾

و روزی خود فراهم آرید بنا بر
اینکه شما تکذیب میکنید؟ (۸۳)

وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْتُمْ تُكذِّبُونَ ﴿۸۳﴾

پس چرا نشد گامیکه [جان] به
حلقوم رسید (۸۴)

فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلُقُومَ ﴿۸۴﴾

در آنحال شما نگاه میدواندید [تا
برای خویشتن کاری کنید] (۸۵)

وَأَنْتُمْ حِينِيذٍ تَنْظُرُونَ ﴿۸۵﴾

و ما به نسبت شما نزدیکتر به آن
[جان بازنده] بودیم اما شماها دید

وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا

تُبْصِرُونَ ﴿۸۶﴾

++ آیت ۷۸-۸۰: قرآن کریم هم کتابی آشکار است و هم پنهان. ظاهراً هر کدام نیک
و بد میتواند آنرا تلاوت کند. ولی اسرار مخفی آن فقط بر آنان آشکار میشود که
از جانب خدا پاک قرار داده شوند.

نداشتید (۸۶)

اگر شما مدیونان نیستید پس

چرا نه - (۸۷)

اورا [از جنگ مرگ] بازگردانید.

اگر شما راستگویانید؟ (۸۸)

پس اگر او [جان بازنده] از مقربان

است (۸۹)

آنگاه [برایش] آرامش، محیطی معطر

و بهشتی پر نعمت باشد (۹۰)

و اما اگر از اهل دست راست

است (۹۱)

پس سلام باد بر تو آنکه از اهل

دست راست ای (۹۲)

و اگر از مکذبانان گمراهانست (۹۳)

پس آبی جوشان جای فرود آمدن

[او] است (۹۴)

و در آتش جهنم گداختن است (۹۵)

یقیناً همین است که یقین الحق

است (۹۶)

پس پروردگار بزرگ شان خود

را تسبیح بگو (۹۷)

فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ ﴿۸۷﴾

تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۸۸﴾

فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿۸۹﴾

فَرَوْحٌ وَرِيحٌ وَجَنَّتْ نَعِيمٍ ﴿۹۰﴾

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴿۹۱﴾

فَسَلَّمَ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴿۹۲﴾

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ ﴿۹۳﴾

فَنُزُلٌ مِّنْ حَمِيمٍ ﴿۹۴﴾

وَتَصْلِيَةٌ جَهِيمٍ ﴿۹۵﴾

إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ ﴿۹۶﴾

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿۹۷﴾

ع
۳۳

۵۷- سورة الحديد

این سوره در مدینه نازل آمد و با بسم الله ۳۰ آیت دارد.

ابتدای این سوره با این اعلام میشود که زمین و آسمان و آنچه در آنها است همه خدا را تسبیح میگویند. اول هم خودش است و آخر هم خودش است. او ظاهر است و هم باطن است. یعنی جلوه هایش عیان است و هم نهان است. اما دیده ای که آنها را نتواند بنگرد برایش آنها همواره نهان میماند. در يك آیت این سوره حیات دنیا را بعنوان مثال بیان کرده فرمود که این بازی و بازیچه ای محض است و هرگز باقی نمیماند. چون انسان به مرگ خویش نزدیکتر شود حتماً قبول خواهد کرد که این فقط مایه عیش چند روزها بود.

ضمناً این سوره دارای این آیه عالی رتبه است از آنچه به اثبات میرسد که خدای متعال این امر را بر آنحضرت ﷺ روشن فرموده بود که بهشت و جهنم را تصور عینی درست نیست. پس در آیه ۲۲ فرمود که برای آمرزش خدائی و پیشروی بسوی بهشت او که وسعتش بر زمین و آسمان محیط است بر مدیگر سبقت جویندگان باشید. هنگامیکه آنحضرت ﷺ این آیت را تلاوت کردند یکی از اصحاب ایشان بپا شد و پرسید، یا رسول الله! اگر بهشت بر زمین و آسمان گسترش یافته است آنگاه جهنم کجا است؟ ایشان فرمودند، آن هم همانجا است. یعنی در وسعتهای آن کاینات موجود است که در آن بهشت است ولی شما به این امر ادراک ندارید که این چطور ممکن است که جهنم و بهشت مردو یکجا قراردارند بی آنکه بهم تعلق هم داشته باشند. از این بیان

کاملاً به اثبات میرسد که رسول الله ﷺ را در آن زمان يك تصور فلسفه نسبی [Relativity] عطا شده بود - یعنی یکجا موجود بوده از تبدیلی حجم [Dimension] هیچ تعلق میان دو چیز برقرار نمیشود.

سوره الحديد را مرکزی آیت آنست در چه این اعلام شد که ما آهن را نازل کردیم. معنای که به کلمه "نزول" مردم عموم بیان میکنند از روی آن آهن از آسمان باریده است. حالانکه آن از قمر زمین استخراج میشود. لذا بر اساس این آیه حقیقت از معنای "نزول" معلوم میشود که چیزی که جنساً سودمندتر است قرآن مجید برای آن کلمه "نزول" بکار میبرد. برای دامها نیز بر همین منوال کلمه "نزول" بکار رفته است. نسبت به لباس نیز این کلمه آمده است. بالاترا همه در مورد آنحضرت ﷺ فرموده شد: قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا رَسُولًا (الطلاق ۱۱ - ۱۲) - یعنی یقیناً خداوند بسوی شما رسولی ذکر الهی مجسم را نازل کرده است. همه علماء بهم متفق هستند که ایشان ﷺ از آسمان به کالبد ظاهری خود نازل نشده بودند. لذا هیچ معنای به این کلمه نیست جز اینکه در مقابل همه ای رسولان بیشتر فیض رسان در حق انسان فقط آنحضرت ﷺ میباشد.

ضمناً در همین سوره ذکر از اصحاب رضوان الله علیهم میروید که نور ایشان هم پیشروی ایشان حرکت میکرد و هم دست راست ایشان - گویی که ایشان راه خویش را بوسیله آن نور خویش میدیدند.

☆ سُورَةُ الْحَدِيدِ مَدِينَةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ ثَلَاثُونَ آيَةً وَأَرْبَعَةٌ رُكُوعَاتٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیاربخشنده. بارها رحمکننده (۱)

خداراتسبیح میکند آنچه در آسمان

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ②

ها و زمین است و او صاحب غلبه

وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ③

کامل صاحب حکمت است (۲)

پادشاهی آسمانها و زمین از آن او

لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَعْبُدُ

است. او زنده میکند و میمیراند

وَيُمِيتُ ④ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ⑤

و به هر چیز مدام قادر است (۳)

همان اوّل همان آخر همان عیان

هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ

همان نهان است و او صاحب علم

وَالْبَاطِنُ ⑥ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ⑦

دائمی بهر چیز است (۴)

او است آنکه آسمانها و زمین را

هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي

درشش زمان آفرید. سپس او بر

سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ ⑧

عرش قرار گرفت. او میداند آنچه

يَعْلَمُ مَا يَلْجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ

بداخل زمین میشود و آنچه از آن

مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ

خارج می شود و آنچه از آسمان

فِيهَا ⑨ وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ ⑩ وَاللَّهُ

نازل میشود و آنچه در آن بالا

بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ⑪

میرود و او با شما است هر کجا

باشید و خدا پیوسته بینا است به

آنچه عمل کنید(۵)++

پادشاهی آسمانها و زمین از آن او است و جمله امور بسوی خدا باز گردانیده شوند(۶)

شب را بداخل روز میکند و روز را بداخل شب میکند و او به امور سینه ها مدام آگاه است(۷)
ایمان آرید بخدا و رسولش و انفاق کنید از آنچه شمارا در آن جانشین ساخت. پس کسانی که ایمان آوردند و انفاق کردند ایشان را اجری بزرگ است(۸)

لَهُ مَلَكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ۝۱

يُؤَيِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُؤَيِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ ۗ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۝۷
أَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفَقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَحْلِفِينَ فِيهِ ۗ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ ۝۸

قرار گرفتن خدا بر عرش را منظور اینست که خداوند پس از تکمیل امور از تمامی کاینات بیکار نه نشست بلکه بر نگهبانی آن بر عرش مستقر شد. تمامی کارهای دنیا که بظاهر خود بخود انجام میشوند بر نگهبانی آنها بفرمان خدا فرشتگانی بشمار مامورانند.

یعلم ما یلج فی الارض وما یشخ منها - پیوسته هر آن چیزی که به آسمان صعود میکند و چیزی فرود میآید. بعض بخارات و غیره است که آنها بسوی زمین برگردانیده میشود. اما برخی آنچنان تشعشعات رادیوئی و مغناطیسی اند که بر بلندی رفته خارج از حیطه کره زمین میگردند. همینطور شهابها و تشعشعات رادیوئی بیابایی بر زمین میبارند. در این مورد پژوهش پیوسته ادامه دارد و با این وجود که علم بکمی بدست آمد باز هم پژوهندگان درباره بیشتر تشعشعات فروآینده از آسمان دست به علم آنها نیافته اند. در زمان آنحضرت ﷺ تصور این علم هم نمیتوانست بخاطر کسی برسد.

و شمارا چیست که ایمان به خدا
نمیآرید و رسول شمارا میخواند
تابه پروردگار خود ایمان آرید در
حالیکه او پیمانی موثق از شما
گرفته است [بهبتر بود] اگر شما
مومنان بودید (٩)

اوست که بر بنده خود آیاتی آشکار
فرو میفرستد تا شما را از تاریکیها
به نور درآورد و یقیناً خدا بر شما
مهربان بارها را حکمکننده است (١٠)
و چیست شمارا که در راه خدا انفاق
نمیکنید در حالیکه میراث آسمانها
و زمین از آن خدا است. هیچکس
از شما نمیتواند مساوی او شود
که پیش از فتح [در راه] خدا انفاق
و قتال کرد. همانند که در درجات
بلندتر از آنانند که بعد [در راه
خدا] انفاق و قتال کردند. خدا به
همگی وعده‌ی نیکو داده است و
خدا مدام آگاه است بآنچه عمل
کنید (١١)

وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولِ
يَدْعُوكُمْ لِيُؤْمِنُوا بِكُمْ وَقَدْ آخَذَ
مِيثَاقَكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ⑩

هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ
لِّيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ٥
وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ ⑩

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ
مِيرَاثُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ٦
لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَّنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ
وَقَتْلٍ ٦ أُولَٰئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِّنَ
الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدِ وَقَتْلُوا ٦ وَكُلًّا
وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ ٧ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ

ع
٣٧

خَيْرٌ ⑩

کیست که خدا را قرض حسنه بدهد. پس او آنرا برایش بیفزاید و او را پاداشی خیلی ارجمند است (۱۲)

روزی که مومنان و مومنات را خواهی دید که نورایشان از پیش روی ایشان و از دست راست ایشان پرشتاب رود. مژده باد شما را امروز بهشتهای که در دامن آنها نهرهای روانست. ایشان در آنها جاودانانند و این پیروزی است که بسیار بزرگ است (۱۳) ++

روزی که منافق مردان و منافق زنان به آنها که ایمان آوردند گویند، بمانگاه کنید تا از نور شما فیض بگیریم! خطاب شود، پشت سر خود برگردید و نور را تلاش کنید. آنگاه میانشان دیواری نهاده شود که آنرا دردی است. باطنش است که

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا
فِيُضِعَّهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ ﴿١٢﴾

يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى
نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ
بُشْرًا كَمَا الْيَوْمَ جِئْتُمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ
الْعَظِيمُ ﴿١٣﴾

يَوْمَ يَقُولُ الْمُنْفِقُونَ وَالْمُنْفِقَاتُ
لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَسِسْ مِنْ
نُورِكُمْ ۚ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ
فَاتِّمِسُوا نُورًا ۗ فَضُرِبَ بَيْنَهُمْ
بُيُوتًا بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ
وَوَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ ﴿١٤﴾

++ آیت ۱۳: منظور از دست راست هدایت است و مومنان را نور در نتیجه هدایت

حاصل میشود.

در آن رحمت است و ظامرش است

که از پیش آن عذاب است (۱۴)

آنها به ایشان بانگ دهند. آیا ما با شما نبودیم. ایشان گویند: بلی، و اما شما خودتان خویشتن رابه فتنه افکندید و انتظار کردید و به شک مبتلا شدید و آرزوها شمارا فریب داد تا آنگاه که فرمان خدا آمد حالیکه شیطان شمارا درباره خدا

بفریبی سخت مبتلا داشت (۱۵)

پس امروز هیچ فدیة ی نه از شما گرفته شود و نه از آنها که کفر کردند. مأوی شما آتش است. این یار شما است و چه زشت جایگاه

است (۱۶)

آیا برای کسانی که ایمان آوردند آن هنگام نرسیده که دلهای ایشان از ذکر خدا و از [رعب] آن حق که نازل آمده است فروتن شوند و نباید باشند مانند آنها که از پیش ایشان کتاب داده شده بودند؟ پس

يَا دُونَهُمُ الَّذِينَ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ
وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ
وَأَرْتَبْتُمْ وَغَرَّبْتُمْ إِلَّا مَا نِيَّ حَتَّىٰ جَاءَ
أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّبَكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ ﴿١٥﴾

فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ
الَّذِينَ كَفَرُوا مَا أَوْكِعُ النَّارُ هِيَ
مَوْلَاكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٦﴾

الْمَيَّانِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ
قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ
وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ
قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ
قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فُسِقُونَ ﴿١٧﴾

زمان بر آنها طول کشید و دلهای ایشان سخت شد و بیشتر از آنها پیمان شکن بودند (۱۷)

بدانید که یقیناً خدا زمین را پس از مرگش زنده میکند. البته ما آیات را برایشما بوضوح بیان کرده ایم تا شما خرد را به کار برید (۱۸)

یقیناً مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده و کسانی که به خدا قرض حسنه داده اند آن برایشان افزوده شود و یقیناً ایشانرا پاداش گرامی است (۱۹)

و کسانی که ایمان آوردند به خدا و رسولان او همانند که نزد خدا صدیق و شهید اند. برای ایشان پاداش ایشان و نورایشان است و آنها که کفر کردند و آیتهای ما را رد کردند همانها جهنمیانند (۲۰)

بدانید که زندگی دنیا فقط بازیچه و هوسبازی و خودآرائی و نازیدن با همدیگر و سبقت جوئی است در

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١٨﴾

إِنَّ الْمُصَّدِّقِينَ وَالْمُصَّدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضْعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ ﴿١٩﴾

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿٢٠﴾

اعْلَمُوا أَنَّهَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَهِيَ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي

اموال و اولاد. این همچون مثل بارانی است که رستنی آن کافران را شکفت می‌آرد سپس آن رشد و نمو می‌یابد. پس آنرا زردگون می‌بینی. سپس آن ریزه ریزه می‌گردد و در آخرت عذابی سخت است و هم آمرزش خدا و خوشنودی و دنیا فقط اسباب فریبکاری است (۲۱)

و از هم پیشی‌گیرید بسوی آمرزش پروردگار خود و بهشتی که فراخی آن مانند فراخی آسمان و زمین است که برای آنها آماده کرده شده است که به خدا و رسول او ایمان می‌آرند. این فضل خدا است که آنرا اعطا کند به هر که می‌خواهد و خدا را فضلی عظیم است (۲۲)

هیچ سختی وارد نمی‌آید در زمین و نه در خود شما مگر آن در کتابی [نوشته] است از این پیش که ما آن را پدید آوریم. یقیناً این خدا را بس آسان است (۲۳)

الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ
 آعَجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيْجُ
 فَتَرَاهُ مُمْصَقًا ثُمَّ يَكُوْنُ حُطَامًا
 وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيْدٌ ۗ وَمَغْفِرَةٌ
 مِّنَ اللّٰهِ وَرِضْوَانٌ ۗ وَمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا
 اِلَّا مَتَاعُ الْغُرُوْرِ ۝۲۱

سَابِقُوْا اِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّنْ رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ
 عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَآءِ وَالْاَرْضِ ۗ
 اُعِدَّتْ لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ وَرُسُلِهِ
 ذٰلِكَ فَضْلُ اللّٰهِ يُؤْتِيْهِ مَن يَّشَآءُ ۗ وَاللّٰهُ
 ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيْمِ ۝۲۲

مَا اَصَابَ مِنْ مُّصِيْبَةٍ فِى الْاَرْضِ وَلَا
 فِىْ اَنْفُسِكُمْ اِلَّا فِىْ كِتٰبٍ مِّنْ قَبْلِ اَنْ
 تُبْرَاَهَا ۗ اِنَّ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيْرٌ ۝۲۳

لِكَيْ لَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا
تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ
مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿٢٤﴾

[این تقدیر خدا است] تا شما افسوس
نه خورید بر آنچه از شما برود و نه
خودستا گردید بد آنچه بشما برسد
و خدا دوست ندارد هر کدام را که

خرامان خودستا است (۲۴)

الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ
بِالْبُخْلِ ۗ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ
الْحَمِيدُ ﴿٢٥﴾

و کسانی که بخل ورزند و به مردم
به بخل امر کنند و هر که روی برتابد
پس [او بداند که] یقیناً خدا بی نیاز
صاحب بسیارستایش است (۲۵)

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا
مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ
بِالْقِسْطِ ۗ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ
شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ
يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ ۗ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ
عَزِيزٌ ﴿٢٦﴾

یقیناً ما رسولان را فرستادیم با
ادله روشن و با ایشان نازل کردیم
کتاب و میزان عدل تا مردم بر
عدالت استوار گردند و نازل
کردیم آهن که در آن سامان جنگ
شدید و برای مردم منافع است و تا
خدا باز شناسد آنرا که او و رسولان
او را در نهان یاری میدمد. یقیناً خدا
بسیار قدرتمند صاحب غلبه کامل

است (۲۶)

و یقیناً ما نوح و ابراهیم را
فرستادیم و در زادگان ایشان

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا

نبوت و کتاب نهاده بودیم. پس در آنها او هم بود که هدایت یافت در حالیکه بیشتر ایشان گمراهان بودند (۲۷)

سپس فرستادیم پی در پی بر نقش قدم ایشان رسولان خود را و دنبال ایشان عیسی ابن مریم را آوردیم و او را انجیل دادیم و دردلهای ایشان که او را پیروی کردند نرمی و مهربانی نهادیم و آن رهبانیت که آنان بدعت گذاردند ما بر آنان فرض نکرده بودیم مگر [فرض کرده بودیم] که خوشنودی خدا [تلاش کنند] پس آنها حق رعایت آن را رعایت نکردند. پس ما از آنها آنانکه ایمان آوردند [و نیکوکاری کردند] را پاداش ایشان دادیم و بیشتر آنها زشت کرداران بودند (۲۸) + (ص ۱۳۶)

ای کسانی که ایمان آورده اید خدا را تقوی اختیار کنید و برسول

فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النَّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ ﴿۲۷﴾

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَافَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِهَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ ﴿۲۸﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا

بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ
وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ
وَيَغْفِرْ لَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۳۰﴾

او ایمان آورید. او شمارا برحمت
خود دو برابر بهره اعطا کند و
برای شما نوری قرار دهد که به
آن راه روید و شما را بیامرزد و
خدا آمرزگار بارها رحم کننده
است (۲۹)

إِنَّمَا يَعْلَمَ أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا يَقْدِرُونَ
عَلَى شَيْءٍ مِّنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ
اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ
الْعَظِيمِ ﴿۳۱﴾

تا اهل کتاب [اینطور] ندانند که
ایشان [مومنان] بر فضل خدا هیچ
توانائی ندارند در حالیکه یقیناً
فضل تماماً بدست خدا است. او
آنها بدهد هر که رامیخواهد و خدا
را فضلی عظیم است (۳۰)

++ آیت ۲۸: اینجا علی الخصوص تذکر از آن رهبانیت است که میان کشیهای
مسیحیان مرد و زن بصورت بدعت مجرد ماندن رائج است. هرگز خدا را مقصود
این نبود بلکه ایشان هدایت شده بودند که راه تقوی را پیش گیرند و مسیحیان
دوره اول کما هو حق بر این توصیه عمل کردند اما بیعد مبالغه کرده بدعت
رهبانیت براه انداخته شد.

۵۸-سورة المجادله

این سوره در مدینه نازل شد و با بسم الله ۲۳ آیت دارد.

سورة المجادله را مرکزی موضوع اینست که این رسم اعراب بی معنای است که همسران خویش را بعلت رنجش مادرخوانده بر خود مرام میسازند. مادر فقط آنست که زائیده باشد. سپس فرمود که درمقابل این بیهودگیها کفاره دهید و از اینها پرهیز کرده بسوی زنان خود متمایل شوید.

درسورة الحديد ذکر ازحديد است و برای بریدن و شکافتن همین حديد بکار میرود. اما این استعمال ظاهری آن است. اما درسورة المجادله بارها ذکر از يَحَادُّونَ و حَادًّا که رفته است منظور از آن بریدن و شکافتن مددیگر از راه روحانی است و این ذکر پیوسته رفته است که کسانیکه آنحضور ﷺ را زخم روحانی میزنند و تلاش میکنند که میان اصحاب رضوان الله علیهم جدا افکنند و دنبال این هدف دسیسه های محرمانه میکنند ایشان اقدام به هلاک خودشان مینمایند. فرمود هر که خدا و رسولش را زخم طعنه ما بزنند آنها به بی مرادی روبرو خواهند شد و خدای متعال بر ذات خود فرض شمرده است که او و رسولانش حتماً غالب خواهند آمد.

☆ سُورَةُ الْمُجَادَلَةِ مَدِينَةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ ثَلَاثٌ وَعِشْرُونَ آيَةً وَثَلَاثَةٌ رُكُوعَاتٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده بارها رحیمکننده (۱)

یقیناً خدا شنید سخن آن زن که بتو

پیچید

در مورد شوهر خود مبحث کرده

و به خدا شکایت میکرد و خدا

گفتگوی هر دوی شما را میشنید

یقیناً خدا بسیار شنوای بینا

است (۲)

کسانی از شما که زنان خود را

مادران اعلام کنند نیستند مادران

ایشان مگر آنان که ایشان را

زائیدند. و یقیناً ایشان البته

سخنی ناپسند و دروغ گویند و

یقیناً خدا بسیار عفو کننده ی

بسیار آمرزنده است (۳)

و آنها که زنان خود را مادران

اعلام کنند سپس از آنچه گفتند

برگردند پس گردنی را آزاد کردن

است پیش از آنکه همدیگر را لمس

قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي

زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ

تَحَاوُرَكُمَا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ①

الَّذِينَ يُظْهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ مَا

هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ ۗ إِنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِلَّا الْآبَاءُ

وَلَدْنَهُمْ ۗ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ

الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفِيفٌ

عَفُورٌ ②

وَالَّذِينَ يُظْهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ

يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ ۚ مَنْ

قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا ۗ ذِكْرُكُمْ تَوْعَظُونَ بِهِ ۗ

وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿۵﴾

کنند. این است که به آن شما بند داده میشوید و خدا به آنچه عمل کنید مدام آگاه است(۴)

فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتِمَّ آسَاءَ فَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ فَاِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا ۗ ذَلِكَ لِتُؤْمِرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۗ وَتَلْكَ حُدُودُ اللَّهِ ۗ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۵﴾

پس هر که نیابد [که بنده آزاد کند] پس روزه دو ماه متوالی گرفتن است قبل از اینکه آندوی همدیگر را لمس کنند. پس آنکه [به این نیز] طاقت نیارد آنگاه شصت بینوا تغذیه کردن است و اینست تاشمارا از خدا و رسول او طمانینه حاصل شود و این حد های خدا است و کافران را عذابی بسیار دردناک است(۵)++

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كُبِتُوا كَمَا كُتِبَتْ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ ۗ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ ﴿۶﴾

یقیناً آنها که به خدا و رسولش مخالفت کنند با آنکه مانشانه های آشکار نازل کرده ایم هلاک کرده شوند بطوریکه هلاک کرده شدند کسانی که قبل از آنها بودند و کافران را عذابی رسوا کننده است(۶)

++ ایت ۵: ایمان بمعنای طمانینه مراجعه شود مفردات امام راغب(رح)

روزیکه خدا آنرا جمعا بر خیزاند پس به ایشان آگاه سازد به آنچه میکردند. خدا این [عمل] را بشمار آورده است در حالیکه اینها آن را فراموش کرده اند و خدا بر هر چیز گواه است (٧)

آیاندیدی که خدامیداند آنچه در آسمانها و زمین است. هیچ سه تن باهم راز نمیگویند مگر چهارمین ایشان اوست و هیچ پنجتن [باهم راز نگویند] مگر ششمین ایشان اوست و نه کمتر از آن و نه بیشتر مگر او با ایشانست هر کجا باشند. سپس روز قیامت او آنها را آگاه سازد آنچه انجام دادند. یقیناً خدا

به هر چیز نیک دانا است (٨)

آیاندیدی آنها را که از باهم راز گفتن بازداشته شدند باز هم آنچه را تکرار کردند که از آن بازداشته شدند و آنها بگناه و تعدی و نافرمانی رسول باهم راز گوئی میکنند و

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿٧﴾

ع
٧

الْمُتَرَانَّ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا آدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ آيُنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يَنْبِئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٨﴾

الْمُتَرَانَّ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوَى ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَيَتَنَجَّوْنَ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ وَإِذَا جَاءُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا

لَمْ يُحِثْ بِهِنَّ اللَّهُ وَيَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ^ط
حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ^ج يَصْلَوْنَهَا فِئْسَ الْمَصِيرُ^١

هرگاه نزد تو آیند، سلام میگویند به آن طریق که خدا به آن بر تو سلام نفرستاد، و به دلشان گویند که چرا خدا ما را عذاب نمیکند بدانچه میگوئیم [درحقیقت] جهنم آنرا بس است. آنها بداخل آن شوند. پس چه زشت جایگاه است (۹)+

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَى^ط
وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ^{١٠}

ای آنانکه ایمان آورده اید چون باهم رازگوئید پس به گناه و تعدی و نافرمانی رسول باهم راز مگوئید و به نیکی و تقوی باهم راز گوئید و از خدا بترسید که بسوی او محشور کرده شوید (۱۰)

إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ

بهم راز گفتن [به دسیسه] فقط از شیطانست تا آنانکه ایمان آوردند

+ آیت ۹: نجوی یعنی باهم راز گفتن گناهی نیست اگر منظور ظلم و برای مخالفت خدا و رسول دسیسه‌ی نباشد. برای معرفی بیشتر از مردم این قبیل بیان شده چون آنها نزد رسول حاضر آیند آنگاه بظاهر سلام کنند ولی دردل بدگوئی میکنند و باز میپندارند که در اثر این بدگوئی هیچ عذابی بر آنها نازل نیامد. خدا حال دلهای آنها میداند و حتماً آنها بداخل جهنم کرده شوند.

رنج کشند حالیکه او ایشان را هیچ هم زیان رساننده نیست جز باذن خدا. پس مومنان باید بر خدا توکل کنند (۱۱)

ای آنهاکه ایمان آورده اید هرگاه گفته شوید که در نشتگاه [برای دیگران] جا باز کنید پس جا باز کنید خدا شمارا فرای دهد و هرگاه گفته شود پاشوید پس پاشوید. خدماتم ایشان از شما که ایمان آوردند و [خصوصاً] آنانکه علم داده شدند را بالا برد و خدا آگاه است به آنچه عمل کنید (۱۲) ++

ای کسانی که ایمان آوردید هرگاه از رسول مشورت بخواهید پس بیشتر از مشورت صدقه دهید. این امر برای شما بهتر و پاکتر است. پس اگر چیزی بدست نیارید پس یقیناً خدا آمرزنده ی بارها رحم کننده است (۱۳)

اللَّهُ ۖ وَعَلَى اللَّهِ فَعَلْتُمْ كُلَّ الْأُمُورِ ۗ ﴿۱۱﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ ۗ وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فانشُرُوا وَارْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۗ ﴿۱۲﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ۗ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ وَأَطْهَرٌ ۗ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۗ ﴿۱۳﴾

++ آیت ۱۲: تَفَسَّحَ لَهُ = وَسَّعَ يَعْنِي لِغَايَةِ دِيْغَرِي جَايِ سَاخَتْ (الْمَجْدَلَةُ)

ءَأَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ
نَجْوَيْكُمْ صَدَقْتُمْ ۖ فَاذْلَمْتُمْ تَفْعَلُوا
وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا
الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۗ وَاللَّهُ
خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٤﴾

ع
۴

آیاتر سیدیدکه قبل از مشورتهاى
خود صدقه دهید؟ پس اگر نتوانید
اینطور کنید با آنکه خداتوبه شما
را قبول کرده است آنگاه نماز را
بپادارید و زکوت دهید و خدا و
رسولش را اطاعت کنید و خدا
آگاه است بدانچه عمل کنید (۱۴)

آیابسوى آنها نگاه نکردی که آن
مردم را بدوستی گرفتند که خدا بر
آنها غضب کرده بود؟ اینها نه از
شما اند و نه از آنانند و سوگندهای
دروغ یاد کنند در حالیکه آنها می
دانند (۱۵)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ
اللَّهُ عَلَيْهِمْ ۖ مَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ ۗ
وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكُذِبِ وَهُمْ
يَعْلَمُونَ ﴿١٥﴾

خدا برایشان عذابی سخت آماده
کرده است. یقیناً بسیار زشت
است آنچه عمل کنند (۱۶)

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا ۖ إِنَّهُمْ سَاءَ
مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾

ایشان سوگندهای خود را سپری
گرفته اند. پس از راه خدا باز
داشتند پس آنها را عذابی رسوا
کننده است (۱۷)

إِتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنِ
سَبِيلِ اللَّهِ ۗ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ ﴿١٧﴾

اموال ایشان و اولاد ایشان آنها

لَنْ تَغْنَى عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا

را در مقابل خدا میچ هم بی نیاز
نسازد. همانها اهل آتش اند. آنها
در آن مدت دراز بمانند (۱۸)

روزیکه خدا آنانرا جمعاً برانگیزد
پس برای او قسم خوردند بطوریکه
برای شما قسم میخورند و گمان
کنند که آنان بر موضعی [استوار]
اند. باش امانه‌اند که دروغگویان
اند (۱۹)

شیطان بر آنها غالب آمد. پس او
یاد خدا را از آنها فراموش نمود.
همانها گروه شیطانند. باش! یقیناً
گروه شیطانند که خسارتکاران
هستند (۲۰)

یقیناً آنها که خدا و رسول او را
مخالفت کنند همانها از پستتران
اند (۲۱)

خدا نوشته است حتماً من و
رسولانم غالب آیندگانیم. یقیناً
خدا قدرتمند صاحب غلبه کامل
است (۲۲)

أَوْلَادَهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً^ط أُولَئِكَ أَصْحَابُ
النَّارِ^ط هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ^{۱۸}

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعاً فَيَحْلِفُونَ لَهُ
كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ
عَلَىٰ شَيْءٍ^ط أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْكَاذِبُونَ^{۱۹}

اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَهُمْ ذِكْرَ
اللَّهِ^ط أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ^ط أَلَا إِنَّ
حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَسِرُونَ^{۲۰}

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادِّثُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ
أُولَئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ^{۲۱}

كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي^ط إِنَّ اللَّهَ
قَوِيٌّ عَزِيزٌ^{۲۲}

مرگزشماچنین مردم نمیایی که
 به خدا و روز آخرت ایمان آورند
 و دوستی با آنها کنند که خدا و رسول
 او را دشمن اند هر چند [مخالفان]
 بدران ایشان یا پسران ایشان یا
 برادران ایشان یا هم قوم ایشان
 باشند. همانند که خدا ایمان را
 در دلهایشان نگاشته و آنها را به
 امر خود مورد تایید قرار میدهد و
 آنها را داخل بهشت های نماید که
 در دامنه آنها نهرها روانست. آنان
 در آنها جاودا نمانند. خدا از آنها راضی
 شد و آنان از خدا راضی شدند. همانها
 گروه خدا اند. باش! تنها گروه
 خدا موفق شدگانند (۲۲) ++

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
 الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ
 وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ
 إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ ۗ أُولَٰئِكَ كَتَبَ
 فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ
 مِنَّا ۗ وَيَدْخُلُهُمْ جَنَّتٍ تَجْرِي مِنْ
 تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ۗ رَضِيَ اللَّهُ
 عَنْهُمْ وَرَرَضُوا عَنْهُ ۗ أُولَٰئِكَ حِزْبُ
 اللَّهِ ۗ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٢٢﴾

++ ایت ۲۲: در کلمات "ایدهم بروح منه ضمیر" هم" بسوی اصحاب رسول ﷺ میرود
 و فرموده میشود که بر اصحاب روح القدس نازل میشود. پس از این رو مسیحیان را
 هیچ جای تفاخر نیست که روح القدس بر حضرت مسیح نازل میشود چه روح القدس
 که بر غلامان محمد ﷺ نیز نازل میشود و ایشان را یاری میداد.

۵۹-سورة الحشر

این سوره در مدینه نازل شد و با بسم الله ۲۵ آیت دارد. سرآغاز این سوره ذکر از حشر است و در پایان این هم ذکر از حشر بزرگی میرود. نخستین حشرآنست که اول الحشر قرارداد شد و کیفرکه یهود داده شدند گویی که این حشر ایشان برپاشد و هرکدام بکیفر اعمال خود رسید. برای بعضیهاجلای وطن مقدرشد وبعضیها دستور داده شدند که خانه های خویش را بدستهای خود ویران کنند و بعضیها بقتل رسانده شدند. پس این نخستین حشر است در آنچه ذکر از مجازات رفت.حشری که در پایان این سوره تذکر داده شدحاکمی ازاین موضوع است که آنهایی بمجازات رسانده میشوند که یادخدا را فراموش میسازند و سپس سیاه و سفید نفس خویش را نیز به خموشی میسپارند.اما ورای آنها کسانی اند که در مراحل خدا را یاد میکنند و درنظر دارند که چه نوع اعمال خود را پیش میفرستند. ایشان را پاداشی بزرگ است.

موضوع تسبیح که در سوره های پیشین گذشته است و در آغاز این سوره نیز یاد شده است اینک این موضوع درپایان این سوره به نقطه اوج خود رسیده است و آیتی که باکلمات "هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ" شروع میشود حاکمی از اسماء حسنی بلندمرتبت خدای متعال مییابد و کلمات لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى عبارت از این بیان است که نه تنها این اسماء الحسنی بلکه جمله اسماء الحسنی از آن اوست.

☆ سُوْرَةُ الْحَشْرِ مَدِيْنَةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ خَمْسٌ وَعِشْرُونَ آيَةً وَثَلَاثَةُ رُكُوْعَاتٍ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیاربخشنده بارهارحم کننده(۱)

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي

خدا را تسبیح گوید هرچه در

آسمانها است و هرچه در زمین

الْأَرْضِ ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ②

است و او صاحب غلبه کامل

صاحب حکمت است(۲)

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ

اوست آنکه آنها را از اهل کتاب که

کفر کردند برای نخستین حشر از

الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ ۗ

خانه های آنها در آورد. شما گمان

نمیکردید که آنان بیرون خواهند

مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ

رفت و آنها پنداشتند که قلعه های

مَا نِعْتَهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ

نظامی ایشان آنها را از خدا نگهداری

مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي

خواهد کرد. پس خدا آنها را از راهی

قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ

آمد که هرگز گمان نمیکردند و در

بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا

دلهای آنان ترس نهاد و بدستهای

يَا وِلِيَّ الْأَبْصَارِ ③

خود و بدستهای مومنان خانه های

خود را ویران کردند. پس ای اهل

بصیرت! عبرت گیرید(۳) ++

++ آیت ۳: گنایه ای بسوی تبعید بنو نضیر است.

واگر خدا برای آنان جلای وطن مقدر نکرده بود حتماً آنها را عذاب در این دنیا میداد و برای ایشان در آخرت نیز عذاب آتش است (۴)

این بدانعلت است که آنها خدا و رسولش را بشدت مخالفت کردند و هر که به خدا مخالفت کند پس خدایقیناً سخت عقوبت است (۵)

هر چه از درختان خرمارا بریدید یا آن را بر اصل های خود برقرار ترک کردید پس باذن خدا بود و برای این بود که او فاسقان را رسوا کند (۶)

و آنچه خدا از [مالهای] آنان به رسول خود غنیمت داد پس شما بر آن اسبان دواندیدونه شتران. اما خدای رسولان خود را بر هر که می خواهد مسلط میکند و خدا بر هر چیز مدام قدرتمند است (۷)

خدا هر چه از [مالهای] ساکنان شهرها به رسول خود غنیمت داد

وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ ④

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ⑤

مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لِيْنَةٍ أَوْ نَزَعْتُمْ مِنْهَا قَائِمَةً عَلَىٰ أَصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيُخْزِيَ الْفَاسِقِينَ ⑥

وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ⑦

مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ

فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ
وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ لِي لَا يَكُونَ
دَوْلَةٌ بَيْنَ الْأَعْيَاءِ مِنْكُمْ ۖ وَمَا اتَّكُمُ
الرَّسُولُ فَخُذُوهُ ۗ وَمَا نَهَكُمُ عَنْهُ
فَأَنْتَهُوا ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۗ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ
الْعِقَابِ ﴿۵۹﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پس برای خدا و رسول است و
برای خویشان و یتیمان و مساکین
و درماندگان راه است تا آن فقد
طعمه گردشی میان ثروتمندان از
شما نباشد و رسول هر چه به شما
بدهد پس آنرا بگیرید و از آنچه
بازدارد پس بازایستید و خدا را
تقویٰ پیش گیرید. یقیناً خدا
سخت عقوبت است (۸)

برای آن درویش مهاجرانست که
از خانه های خود و دارائیهای
خود محروم کرده شدند و تنها به
فضل و خوشنودی خدا آرزوکنند
و خدا و رسولش را یاری کنند.
همانند که راستگویانند (۹) ++

و کسانی که خانه هارا قبل از ایشان
آماده داشتند و ایمان را [در سینه
ها] جا دادند و محبت داشتند به
کسانی که مهاجرت کرده بسوی
ایشان آمدند و در سینه های خود
از آن هیچ هم طلب نداشتند که

لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ
دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ
اللَّهِ وَرِضْوَانًا ۗ وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ
وَرَسُولَهُ ۗ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ﴿۶۰﴾

وَالَّذِينَ تَبَوَّؤُا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ
قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا
يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا
أُوتُوا وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ
بِهِمْ خَصَاصَةٌ ۗ وَمَنْ يُوَقِّعْ فِي نَفْسِهِ

فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۱۰﴾

[مهاجران] داده شدند و [آنان را] بر خویشتن برگزیدند اگرچه خود ایشان را تنگدستی بود، پس هر که از خست نفس خود بازداشته شود پس همانها موفق شدگان اند (۱۰) ++

وَالَّذِينَ جَاءُوا مِن بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿۱۱﴾

و کسانی که پس از ایشان آمدند گویند، پروردگارا! بیامرز ما را و برادران ما را که در ایمان از ما پیشی گرفتند و در دلهای ما کینه آنان نگذار که ایمان آوردند، پروردگارا بیگمان تو شفیق بارما رحم کننده ای (۱۱) ++

++ آیات ۹-۱۱: این آیات حاکی از ایمان و بلند رتبه روحانی انصار و مهاجران میباشد یکبار هیئت نمایندگان رافضیان از عراق خدمت حضرت امام زین العابدین آمدند و آنان برخلاف حضرت ابوبکر، حضرت عمرو و حضرت عثمان سخن گفتند. حضرت زین العابدین از آنها پرسیدند آیا شما از مهاجران هستید [مذکور در آیت ۹] آنها گفتند، خیر. باز ایشان پرسیدند، آیا شما از انصار هستید [مذکور در آیت ۱۰]. آنها گفتند خیر. ایشان فرمودند پس من گواهی میدهم که شما از آنان هم نیستید [آیت ۱۱] که درباره ایشان آمده است "والذین جاءوا من بعدهم یقولون ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذین سبقونا بالایمان (کشف الغمّة فی معرفة الائمة، جزو ثانی، صفحه ۲۹۰ - الوالحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح الاربلی - دارالکتاب الاسلامی بیروت - ۱۴۰۱ هجرت)

آیا بسوی آنان ندیدی که نفاق انداختند. آنان به برادران خود از اهل کتاب که کفر کردند گویند: اگر شما بیرون کرده شوید البته ما هم باشما خارج شویم و درباره شما قطعاً از کسی پیروی نه کنیم و اگر جنگ کرده شوید حتماً شما رایاری دمیم، و خدا گواهی میدهد که یقیناً آنها دروغگو یانند (۱۲)

اگر خارج کرده شوند آنها با آنان خارج نشوند و اگر آنان جنگ کرده شوند میجگاه به آنان کمک نکنند و اگر کمک کنند حتماً پشتها بگردانند سپس یاری داده نشوند (۱۳)

یقیناً شما دردلهای آنان بینا کتر از خدا اید. اینست چه آنان قومی اند که هیچ نمیفهند (۱۴)

جنگ نکنند بشما جمعاً جز در شهرهای خصاری یا از ورای دیوارها. جنگ آنها بمیان خودشان بسیار سخت است. تو آنان را بهم پیوسته

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿۱۲﴾

لَئِنْ أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ ۚ وَلَئِنْ قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ ۚ وَلَئِنْ نَصَرُوهُمْ لَيُوَلِّنَنَّ الْأَذْبَانُ ثُمَّ لَا يُنصُرُونَ ﴿۱۳﴾

لَا تَنْتُمْ أَشَدُّ رَهَبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِّنَ اللَّهِ ۗ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ﴿۱۴﴾

لَا يَقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قَرْيٍ مُّحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بِيَهُمْ شَدِيدٌ ۚ تَحْسِبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ

میبنداری حالانکه دلهای آنها ازهم جدا است چه آنها قومی بیخرد اند(۱۵) ++

شَتَّىٰ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ ﴿۱۵﴾

[اینان] همچون آن مردم اند که بتازگی قبل از اینان طعم اعمال خود را چشیدند و برای ایشان عذابی دردناک است(۱۶)

كَمَثَلِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَرِيبًا ذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ ۗ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۱۶﴾

همچون شیطان وقتی او به انسان گفت انکارکن. پس چون او انکار کردگفت، یقیناً من از تو بری الذمه هستم. همانا من از خدا. پروردگار عالمیان میترسم(۱۷)

كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ ۗ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۷﴾

پس عاقبت مردو اینطور شد که هر دودر جهنم. مدت مدید در آن بمانند. ستمگران را این پاداش است(۱۸)

فَكَانَ عَاقِبَتَهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا ۗ وَذَٰلِكَ جَزَاؤُ الظَّالِمِينَ ﴿۱۸﴾

آیت ۱۵: این پیشگوئی است درباره یهودیان که تاقیامت ادامه خواهد داشت. یهودیان راتنا آنگاه که قلمه های محکم میسر نیاید که چگونه این قلمه هامیتوان طبق حالات و زمان مختلف باشد و آنان به برتری خود اطمینان خاطر نداشته باشند هرگز بر خلاف متقابل خود دست بجنگ نیز نزنند. ولی این چگونه دال بر این نیست که دلهای آنان بهم پیوسته است. بظواهر آنها در مقابل دشمن یک دسته بنظر می رسند ولی دلهای آنها مدام ازهم جدا است. در این زمان کسانی را که آنحضرت(ص) متشابه یهود قرار دادند فرجام آنان نیز مثل یهودیان خواهد بود.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَتَنْظُرُوا
نَفْسَ مَا قَدَّمْتُمْ لِغَدٍ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۗ
إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿۲۸﴾

ای آنانکه ایمان آوردید خدایا تقوا کنید. و باید مرنفس بنگرد هر چه بجهت فردا پیش فرستد یقیناً خدا آگامست بآن عمل که میکند (۱۹) و نشوید مانند آنها که خدا را فراموش کردند. پس او هم آنها را از خودشان بغلفت انداخت. همانها بدکرداران اند (۲۰)

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَهُمْ
أَنْفُسَهُمْ ۗ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿۲۹﴾

اهل آتش و اهل بهشت نمیتوانند باهم برابر باشند. بهشتیان اند که پیروز ماندانند (۲۱)

لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ ۗ
أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿۲۹﴾

اگر این قرآن را بر کوهی نازل می کردیم حتماً آن از ترس خدا خاضع و ریزه ریزه میشد و این مثلهای است که برای مردم بیان میکنیم تا ایشان تفکر کنند (۲۲) ++

لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْنَاهُ
خَاشِعًا مُّصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ ۗ وَتِلْكَ
الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ
يَتَفَكَّرُونَ ﴿۳۰﴾

اوست خدا آنکه جزا و میج معبودی نیست. اودانای نهان و عیانست. او

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۗ عِلْمُ الْغَيْبِ

++ آیت ۲۲: در اینجا منظور فقط گوه های زمینی نیست بلکه منظور شخصیت های نامرودارای مقام بلند بالامتند بطوریکه در پایان آیت گفته شود که این مثل های زده میشود تا مردم بر اینها تدبیر کنند.

وَالشَّهَادَةُ ۚ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿۲۳﴾

بلاستدعابخشنده بارها رحمکننده
است (۲۳)

هُوَ اللهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۚ أَمْلِكُ
الْقُدْرَةَ وَالسَّلَامَ الْمُؤْمِنُ الْمُهِمِّنُ
الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ ۗ سُبْحَانَ اللهِ
عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿۲۴﴾

اوست خدا آنکه جز او هیچ معبودی
نیست. او پادشاه است. او پاک، سلام،
امان دهنده، نگهبان، صاحب غلبه
کامل ترمیم کننده کارهای شکسته،
صاحب کبریائی است. پاک است
خدا از آنچه شرک میورزند (۲۴)

هُوَ اللهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ
الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى ۗ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَهُوَ الْعَزِيزُ
الْحَكِيمُ ﴿۲۵﴾

اوست خدا آنکه آفریننده، آغاز
کننده آفرینش و مصور است. همه
نام های قشنگ از آن اوست. او را
تسبیح میگوید هر چه در آسمانها و
زمین است و او صاحب غلبه کامل
صاحب حکمت است (۲۵)

۶۰- سورة المتحنة

این سوره در مدینه نازل شد و با بسم الله ۱۴ آیت دارد.

در سوره قبلی ذکر از محشور کردن یهود رفته است و در این سوره مسلمانان متنبه ساخته میشوند آنهایی که خدا و رسول را دشمنی میکنند را هرگز بدوستی نگیرید. اگرچه بظاهر آنان دوست هم باشند دلهایشان پر از کینه است و هرآن به هلاک شما تزویر میکنند.

دنبال این، ذکر از اسوة حضرت ابراهیم علیه السلام میروند که دوستیها و دشمنیهای تنها بخاطر خدا بود. لذا هیچکدام از خویشاوندان، مادرو پدر و فرزندان بدر دشما نخورند. وابستگیهای خود را بخاطر خدا استوار کنید و بخاطر خدا کسب کنید. اما در عین حال مومنان توصیه میشوند که آن دشمنان شما که در اذیت کردن پیشی نمیگیرند سزاوار شما نیست که به اذیت کردن آنان پیشی بگیرید. تقاضای عدالتندی اینست که تا آنگاه که آنان در دوستی بشما وفا کنند شما هم با آنان وفا کنید.

چون این سوره حاکی از آن زمان است که مسلمانان را علاوه بر یهود برخلاف دیگر مشرکان نیز برای قتال دفاعی رخصت داده شده بود بنابراین مسایلی ناشی از این قتال نیز در نظر گرفته شد. بعنوان مثال اگر زنان کافران ایمان آورده مهاجرت کرده باشند باید ایمان ایشان کاملاً آزمایش شود و اگر واقعاً ایشان بامیل خود ایمان آورده باشند در آن صورت نخستین وظیفه اینست که هرگز ایشان بسوی کافران پس داده نشوند زیرا که مردوی ایشان برای همدیگر حلال نمانده اند. البته سرپرستان آنان را بپردازید آنچه

ایشان مزینه کرده باشند.

سپس در پایان ذکر از آن پیمان بیعت می‌رود که میبایستی هم از آن مومنات گرفته شود که از سوی کافران مهاجرت نموده اند و هم از آن تمام مومنات که برای بیعت میل داشته باشند.

☆ سُورَةُ الْمُتَحِنَةِ مَدِينَةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ أَرْبَعٌ عَشْرَةَ آيَةً وَرُكُوعَانِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]
 بسیار بخشنده بارها رحمتکننده (۱)
 ای کسانی که ایمان آورده اید
 دشمنم و دشمن خودتان را مرکز
 دوست نگیرید. شام بسویشان پیام
 های دوستی میفرستید درحالی که
 آنها به آن حق انکار کرده اند که
 شمار آمد. آنها رسول و شمارا [از
 خانه ما] بیرون میکنند تنها براینکه
 شما به خدا پروردگار خود ایمان
 آورده اید. اگر شمار راه من و به
 تلاش رضای من برای جهاد بیرون
 رفته محرمانه بسویشان پیام
 های دوستی میفرستید درحالی که
 من دانانترام به آنچه پنهان کنید و
 آنچه عیان کنید [این اختفای شما
 بیفایده است] و هر که از شما این
 طور عمل کند پس یقیناً او از راه
 راست گمراه شد (۲)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي
 وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِمْ
 بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ
 الْحَقِّ ۚ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ
 تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ ۗ إِنَّ كُنتُمْ خَرَجْتُمْ
 جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي ۚ
 تُسْرِفُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ ۗ وَأَنَا أَعْلَمُ
 بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ ۗ وَمَنْ
 يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ②

اگر شمارا بیابند برای شما دشمنان باشند و دستهای خود و زبان های خود را از سوء نیت بر شما دراز کنند و دوست دارند کاشکی انکار کنید (۳)

مرگزخویشان شما و فرزندان شما روز قیامت بشما میچ بهره نرسانند او میان شما جدائی افکند و خدا بینای آنست که شاعمل کنید (۴) شما را در ابراهیم و کسانیکه با او بودند اسوه حسنه است چون به قوم خود گفتند که ما بیزاریم از شما و از آنچه شما بفر از خدا عبادت میکنید. ما بشما انکار کرده ایم و میان ما و میان شاعداوت و کینه پدیدار شده است تا آنگاه که به خدای یگانه ایمان آورید مگر آن قول که ابراهیم برای پدر خویش داده بود که حتماً من برای تو دعای آمرزش کنم با آنکه من از جهت خدا در حق تو هیچ اختیاری

إِنْ يَفْقَهُوْكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَسْئَلُهُمْ بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ ﴿٦﴾

لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ^{۱۳۳۸} يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُفْصَلُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٧﴾

فَدَكَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَا اسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنْبَأْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٨﴾

ندارم [زیرا که آن استثنائی بود].
 پروردگارا! ماتنها بر تو توکل می
 کنیم و بسوی تو انابت میکنیم و
 بازگشت ما به سوی تو است (۵)

پروردگارا! ما را برای آنها که کفر
 کردند موجب آزمایش مگردان.
 پروردگارا! ما را بی‌آمرز یقیناً تو
 صاحب غلبه کامل صاحب بسیار
 حکمت هستی (۶)

یقیناً در ایشان شمارا نمونه نیکو
 است یعنی برای او که خدا و روز
 آخرت را امید دارد و هر که روی
 برتابد پس یقیناً خدا است که او
 بی نیاز صاحب ستایش است (۷)

نزدیک است خدا بین شما و بین
 آنهایی از آنان که شما دشمنی
 داشتید محبت بیافکند و خدا مدام
 قدرتمند است و خدا آمرزنده بارها
 رحم کننده است (۸)

خدا شمارا باز نمیدارد از آنانکه در
 دین بشما قتال نکردند و شمارا از

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا
 وَاعْفِرْ لَنَا رَبَّنَا ۚ إِنَّكَ الْعَزِيزُ
 الْحَكِيمُ ①

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن
 كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ ۖ وَمَن
 يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ②

عَسَى اللَّهُ أَن يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ
 عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوَدَّةً ۖ وَاللَّهُ قَدِيرٌ ۖ
 وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ③

لَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ

خانه هایتان بیرون نراندند که با آنان دوستی کنید و با ایشان بداد رفتار نمایید. یقیناً خدا دادگران را دوست دارد(۹)++

خدا شمارا فقط از آنها باز میدارد که در امر دین بشما قتال کردند و شمارا از دیارتان بیرون رانند و به اخراج شما به مدیگر پشتبانی کردند و هر که آنانرا دوست گیرد پس همانها ستم کارانند(۱۰)

ای کسانی که ایمان آورده اید چون زنان مومن مهاجرت کنان نزد شما بیایند پس آنانرا امتحان کنید. خدا ایمان آنانرا بیشتر میداند پس اگر آنانرا مومنات باز شناسید پس آنان

يُقَاتِلُوَكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوَكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ اَنْ تَبُرُوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ ۗ اِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ①
 اِنَّمَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَتَلُوَكُمْ فِي الدِّينِ وَاَخْرَجُوَكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ وَظَهَرُوا عَلٰى اِخْرَاجِكُمْ اَنْ تَوَلَّوْهُمْ ۚ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ②

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ ۗ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ ۚ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ ۗ لَا هُنَّ حِلٌّ

آیت ۹: این آیه کریمه تصور جنگهای تهاجمی را رد میکند و باز نمیدارد از رفتار نیکو با آنانکه با مسلمانان بعلت اختلاف دین جنگ نکردند و نه بیگناهمان را از منازل ایشان بیرون رانند. اشتباهاً برخی از آیتهای دیگر این استنباط کرده میشود دوستی با هر کدام غیر مسلم حرام است. اما از این آیت بدیهی است کسانی که بعلت اختلاف دین با مسلمانان نه جنگ تهاجمی کردند و نه ایشان را بیگناه از خانه های ایشان بیرون کردند با آنان نه فقط دوستی جایز است بلکه فرمان شده است که با ایشان حسن سلوک نشان داده شود.

رابسوی کافران پس نفرستید. نه ایشان برای آنها حلالند و نه آنها برایشان حلالند و [سرپرستان] هر چه به خرج دادند به آنها بدمید. و هیچ باکی برشان نیست که با آنان عقد ازداج بندید در صورتیکه آنها را مهریه ایشان بپردازید و کار نکاح زنان کافر را در اختیار خود نگیرید و بطلبید [از آنها] هر چه مزینه کردید و بطلبند [از شما] هر چه آنها مزینه کردند. این فرمان خدا است. او میان شما فیصل می دهد و خدا صاحب علم دائمی صاحب حکمت است (۱۱)

و اگر برخی از زنان شما بسوی کافران ازدست شما بروند، باز شما عوض گرفته باشید آنگاه مومنان که زنان ایشان از دست رفته باشند را بپردازید طبق آنچه آنها مزینه کردند و بترسید از آن خدا که بر او شما ایمان آوردید (۱۲)

لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ ۖ وَآتُوهُم مَّا
 أَنْفَقُوا ۖ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ
 تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ ۖ
 وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكُوفِرِ ۖ وَسَلُّوا مَّا
 أَنْفَقْتُمْ وَلَيْسَ لَكُم مَّا أَنْفَقُوا ۖ ذَلِكُمْ
 حُكْمُ اللَّهِ ۖ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ ۖ وَاللَّهُ
 عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۱۱﴾

وَإِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى
 الْكُفَّارِ فَعَاقِبْتُمْ فَاتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ
 أَزْوَاجُهُمْ ۖ مِثْلَ مَا أَنْفَقُوا ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ
 الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ ﴿۱۲﴾

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ
يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا
وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ
أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِمُهْتَانٍ يَفْتَرِيَهُ
بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ
فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ
اللَّهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۱۳﴾

ای پیغمبر چون مومنات نزد تو
بیایند که براین [امر] به تو بیعت
کنند که هیچ را شریک خدا نه
گردانند، و نه دزدی کنند و نه زنا
کنند و نه اولاد خود را بکشند و
نه تهمتی زنند که آن را پیش روی
دست و پاهای خودبهم بافته باشند
و نه در معروفات تورا نافرمانی
کنند پس بیعت ایشان را قبول کن
و برای ایشان از خدا آمرزش
بطلب. یقیناً او آمرزنده ی بارها
رحمکننده است (۱۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا
غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَسُؤُوا مِنَ
الْآخِرَةِ كَمَا يَبِيسُ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ
الْقُبُورِ ۗ

ای کسانی که ایمان آورده اید قومی
را بدوستی نگزینید که خدا بر
آنها خشمناک شد. یقیناً آنها از آخرت
نومید شده اند بطوریکه کافران
از اهل قبور نومید شده اند (۱۴)

ع
۸

۶۱ - سورة الصّف

این سوره در مدینه نازل شد و با بسم الله ۱۵ آیت دارد.

در پایان سوره گذشته سخن از پیمان بیعت رفته است. این عهد نامه نه تنها از وظایف زنان حاکی است بلکه مردان مومن نیز از روی این پیمان بیعت برای برهیز از بیماریهای روحانی عقد پیمان میکنند. پس هر دوی سر آغاز سوره صف توصیه میشوند که نسبت به پیمان بیعت خویش دو روی نکنید و نه اینکه دیگران را نصیحت کنید و خودتان بر آن عمل نکنید. اگر شما بر پیمان بیعت مخلصانه برقرار باشید آنگاه خداوند قلب های شما را بطوری بهم پیوند زند که شما را در مقابل دشمن همچون دیواری سرب دار استوار نماید.

این سوره عبارت از آن پیشگوئی نسبت به آنحضرت ﷺ نیز است در چه حضرت عیسی علیه السلام آنحضرت ﷺ را به دومین اسم ایشان یعنی احمد تذکر داده بودند که صفت جمالی ایشان را مظهر است. ذکری که در تعلق نام احمد ببعیافت میشود اثبات میکند که يك مظهر جمال آنحضرت ﷺ در آخرین زمان بظهور خواهد آمد. آنزمان او و پیروانش توفیق بدست خواهند آورد که اسلام را بجای صفت جلالی بوسیله صفت جمالی ترویج بنمایند. این نقشه آشکار میسازد که این پیشگوئی مربوط به آینده بود.

چون پایان این سوره حاکی از پیشگوئیهای این اعلام حضرت مسیح است کیست که مرا در راه خدایاری کند بر همین منوال لازم است که چون در زمان آخر مسیح محمدی این اعلام کند مسلمانان بر این پیشگوئی ایمان آورده زیر پرچم او جمع شده اعلام کنند. ما در راه خدا یاوران مسیح محمدی هستیم.

☆ سُورَةُ الصَّفِّ مَدِينَةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ خَمْسَ عَشْرَةَ آيَةً وَرُكُوعَانِ

بنام خدا [بلااستدعا و بلا امتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده بارها را حکمکنده (۱)

برای خدا تسیح میخواند هر چه

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي

در آسمانها است و هر چه در زمین

الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ②

است و او صاحب غلبه کامل

صاحب بسیار حکمت است (۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید چرا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا

تَفْعَلُونَ ③

میگویید آنچه انجام نمیدهید (۳)

گنای بزرگ است نزد خدا که

كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا

تَفْعَلُونَ ④

بگویید آنچه را انجام ندهید (۴)

یقیناً خدا دوستدار کسانی است که در

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ

راه او صف بسته قتال کنندگویی

صَفًّا كَالَّذِينَ بُنِيَ مَرَّصُوصَ ⑤

که آنان دیواری سرب دار اند (۵)

و چون موسی بقومش گفت: ای قوم

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ

من! چرا آزارم دهید با آنکه میدانید

تَوَدُّونَنِي وَقَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ

که یقیناً من بسوی شما رسول خدا

إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ

هستم. پس وقتی کج شدند پس خدا

قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ

دلهایشان را کج نمود و خدا قوم

الْفَاسِقِينَ ⑥

فاسقان را هدایت نمیدهد (۶)

وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ بَنِيَّ
إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ
مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ
وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ
أَحْمَدٌ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا
سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿۷﴾

و هنگامیکه عیسی ابن مریم گفت،
ای بنی اسرائیل! یقیناً من بسوی
شمارسول خدا ام تصدیق کننده
آنچه از تورات که پیشرویم است
و مؤده دهنده ام به رسولی بزرگ
که پس از من خواهد آمد. نامش
احمد است. پس چون او با نشانه
های روشن نزد ایشان آمدگفتند:
این جادویی آشکارا است (۷) ++

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ
الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ
لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿۸﴾

و کیست ستمکارتر از آنکه بر خدا
دروغ بنند حالیکه او بسوی اسلام
خوانده شود و خدا قومی ستمکار
را هدایت نمیدهد (۸)

يُرِيدُونَ لِيُطْفَؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ
وَاللَّهُ مَتِّمٌ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴿۹﴾

میخواهند که نور خدا را با [فوت]
دمنهای خویش خاموش کنند حالی
که خدا نور خویش را بکمال
رساننده است هر چند کافران را
خوش نیاید (۹) ++ [ص# ۱۳۹۰]

++ آیات ۷: این آیت عبارت از پیشگوئی به ظهورشان احمدیت آنحضرت ﷺ میباشد.
ایشان طبق پیشگوئی حضرت موسی هم بنام محمد جلوه کردند و هم طبق پیشگوئی
حضرت عیسی بنام احمد ظهور کردند.

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ
الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ
الْمُشْرِكُونَ ﴿١٠﴾

بج

اوست که رسول خود را باهدایت
و دین حق فرستاد تا آنرا بر هر کدام
[بخش] دین غالب گرداند اگر چه
مشرکان را ناخوش آید (۱۰) ++

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ
تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ ﴿١١﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید آیا
شمارا بر تجارتی مطلع سازم که
شما را از عذابی دردناک نجات
دهد؟ (۱۱)

تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي
سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ
ذُرِّيَّتِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١٢﴾

شما به خدا و رسول او ایمان می
آرید و با مالهای خود و جانهای
خود در راه خدا جهاد میکنید. این
برای شما بهتر است اگر شما
بدانید (۱۲) ++

++ آیت ۹: حضرت مسیح موعود میفرمایند: در این آیت بتصریح فهمانیده میشود که مسیح

موعود در چهاردهمین قرن ظهور میکند زیرا که اتمام نور را چهاردهمین شب مقرر است.

++ آیت ۱۰: این آیت بوضاحت بیان میکند که آنحضرت ﷺ رسولی برای همه جهانها

هستند. ایشان فقط بسوی پیروکاران دین مخصوصی مبعوث نشده بودند بلکه بسوی

پیروکاران هر کدام دینی که هر جا در تمامی جهانها ظهور کرد فرستاده شده اند و بر

همگان غلبه خواهند یافت. حضرت مسیح موعود علیه السلام میفرمایند: " این در

قرآن شریف پیشگوئی عظیم الشأن است که نسبت به آن علماء و محققان متفق اند

که این بردست مسیح موعود بپایان برده خواهد شد.

++ آیت ۱۲: این اسلوب ترجمه از املاء ما مَنْ به الرحمن گرفته شده است.

او گناهان شمارا در حق شمایا امرزد
و شمارا وارد کند به بهشتهای که در
دامنه آنها نهرهای روان است و
خانه های پاکیزه که در بهشتی
جاودانیست. این پیروزی بسیار
بزرگ است (۱۳)

[مژده ای] دیگر است که آن را
بسیار دوستدارید. یاری از جانب
خدا و پیروزی نزدیک. پس بومنان
مژده بده (۱۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید
یاران خدا باشید بطوریکه عیسی
ابن مریم به حواریان گفت:
کیستند که [برای رهنمائی کردن]
بسوی خدا یارانم باشند؟ حواریان
گفتند: ما یاران خدا هستیم. پس
گروهی از بنی اسرائیل ایمان
آوردند و گروهی انکار کردند پس
آنانکه ایمان آوردند را بر خلاف
دشمنان ایشان یاری دادیم پس
ایشان [بر آنها] غالب آمدند (۱۵)

يَعْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسْكِنٍ
طَيِّبَةٍ فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ۚ ذَلِكَ الْفَوْزُ
الْعَظِيمُ ﴿١٣﴾

وَأُخْرَى تُحِبُّونَهَا ۖ نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ
قَرِيبٌ ۖ وَبَشِيرٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿١٤﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا
قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِّلْحَوَارِيِّينَ مَنْ
أَنْصَارِيَّ إِلَى اللَّهِ ۖ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ
نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَّا تَطَّافَةٌ مِنْ بَنِي
إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ تَطَّافَةٌ فَأَيَّدْنَا
الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَاصْبَحُوا
ظَهْرِينَ ﴿١٥﴾

۶۲-سورة الجمعة

این سوره در مدینه نازل شد و با بسم الله ۱۲ آیت دارد.

این سوره جامع تمامی پیشگوئیا مذکور در سوره گذشته است و هر کدام معنای کلمه "جمع" در این نقل شده است. یعنی آنحضرت ﷺ موجب شوند که اولین و آخرین امت خویش را جمع کنند و جلوه صفت جلالی و صفت جمالی خویش را نیز جمع کنند. این سوره حاکی از آن تجمع هفتگی مسلمانان نیز است که روز جمعه برگزار میشود.

پایان این سوره حاکی از این پیشگوئی است که مسلمانان آینده بدنبال کسب مال و منال و مشغول در تجارتها آنحضرت ﷺ را تنها و اباگذارند. درباره این آیه بعض علماء میگویند که در زمان آنحضرت ﷺ چنین میشد که گاهی آن اصحاب مخلص ایشان که حتی حین جنگهای پرخطر نیز ایشان را تنها نمیگذاشتند چون اخبار از قافله های تجاری میشنیدند آنحضرت ﷺ را تنها گذارده بسوی آن قافله های تجاری فرار میکردند. البته این بهتان بزرگی بر اصحاب آنحضرت ﷺ است بلکه این تذکر از آن مسلمانان در زمان آخرین است که عملاً دین خویش را بففلت سپرده هیچ میل به پیغام آنحضرت ﷺ نخواهند داشت.

☆ سُورَةُ الْجُمُعَةِ مَدَنِيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ اثْنَتَا عَشْرَةَ آيَةً وَرُكُوعَانِ

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده، بارها را حکمکنده (۱)

برای خدا تسبیح میخواند هر چه

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

در آسمانها است و هر چه در زمین

الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ①

است، پادشاه است، پاک مطلق و

صاحب غلبه کامل صاحب بسیار

حکمت است (۲)

اوست که در قومی بیسواد رسولی

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ

باعظمت را از خود ایشان مبعوث

يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ

کرد که آیاتش را برایشان تلاوت

الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ

میکند، آنانرا پاک میسازد و آنانرا

کتاب و حکمت میآموزد در حالیکه

لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ②

از این پیش در گمراهی آشکار

بودند (۳) ++

++ آیت ۳: این سوره رتبه فوق العاده آنحضرت ﷺ را عنوان میکند که ایشان

ایمان آوردگان خود را تزکیه نفس قبل از بیان علم کتاب و حکمت با تلاوت آیات میکردند. این معجزه ی بزرگ از قرآن است که پیش از این در نخستین سوره

البقره آیت ۱۲۰ آن دعای حضرت ابراهیم مذکور است که به بعثت آنحضرت ﷺ

تعلق دارد. ایشان برای رسولی دعا کردند که آیات خدا را فروخواند و باز ایشان را

به علم کتاب و حکمت آگاه سازد و در نتیجه اش ایشان را تزکیه نفس کند [ص#۱۳۹۴]

وَأَخْرَيْنَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلِدُ حَقْوَاهُمْ ۖ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ①
و بسوی دیگران از ایشان] نیز
بمعوت کرده است] که هنوز به
ایشان ملحق نشده اند(۴)++

ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ⑤
این فضل خدا است که آنرا به
هر که خواهد اعطا میکند و خدارا
فضلی عظیم است(۵)++

بقیه آیت ۳: درباره قبولیت این دعا درسه جا تذکر است ولی مرجع این نوشته است
که آنحضرت ﷺ تزکیه نفس با تلاوت آیات بعمل میآوردند و آموختن کتاب و حکمت
را ذکر بعد از این است. پس این اعجاز قرآن است که نزولش ۲۳ سال طول کشید
ولی هیچ جادرایاتش تضادی یافت نمیشود.

++آیت ۴: درگروه "آخرین" مزبور در این آیت نیز ذکر از بمعوت شدن همان رسول است
که در آیت گذشته بود (مَوَالِدِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا). اما در پایان این آیت آن
چهار صفت نیست که در پایان آیت ۲ بود بلکه فقط دو صفت عزیز و حکیم بازگو شده
است. از این معلوم میشود رسولی که در آغاز این سوره مذکور است مجدداً خودش
نمیآید بلکه کسی بطور ظلمش بدون شریعت جدیدی فرستاده شود. جالب اینست که
در ضمن حضرت عیسی علیه السلام نیز همین دو صفت الهی بیان شد بطوریکه فرموده
شد: بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (النساء - ۱۵۹).

++آیت ۵: از این آیت اثبات میشود که سخن از نخستین بعثت آنحضرت ﷺ نیست والا
گفتن "يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ" لازم نبود. منظور بعثت ثانی ایشانست که در قالب يك نبی امتی
ایشان صورت میگیرد و این امتیاز از فضل و احسان الهی است که خدا میدهد به
هر که بخواهد. این امر از حدیث بخاری نیز تایید میشود. چون هنگام تلاوت این
آیه اصحاب پرسیدند من هم یا رسول الله. اینک سوال این نیست که ظهور کننده
کیست بلکه پرسیده میشود که کیستند که بسوی ایشان او فرستاده [۱۳۹۵#۳]

مثل آنان که به تورات تکلیف کرده شدند سپس آنرا [سزاوارش] برنداشتند همچون اولادى است که بار کتابها را بر میدارد. بسیار زشت است مثل آنها که آیتهاى خدا را تکذیب کردند و خدا قوم ستمگران را هدایت نمیدهد (۶)

بگو ای کسانی که یهود شدید اگر گمان کنید که با ترك همه مردم تنها شما دوستان خدا اید پس مرگ را آرزو کنید اگر شما راستگویان اید (۷)

و ابدًا به آن آرزو نکنند بدانعلت که دستهای آنان پیش فرستاد و خدا ستمکاران را بخوبى میدانند (۸)

بگو، براستی آن مرگ که از آن

بقیه آیت ۵: خواهد شد. آنحضرت ﷺ دست بر شانه حضرت سلیمان فارسی نهاده فرمودند که ایمان اگر بر ثریا هم بالا رود آنگاه از این مردمان يك رجل یا رجل آنرا از ثریا به زمین باز خواهند آورد. از این امر اثبات میشود که ذات گرامی آنحضرت ﷺ دوباره مبعوث نمیشود بلکه يك رجل در غلامی ایشان مبعوث شود که او اهل فارس یعنی از اهل عجم میباشد.

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا ۚ بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ①

قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنْكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَتَّوْا أَلْمُوتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ⑤

وَلَا يَتَمَتَّوْنَ أَبَدًا ۖ إِمَّا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ⑧

قُلْ إِنَّ أَلْمُوتَ الَّتِي تَفَرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ

فرار کنید یقیناً آن به شما در رسد
پس حتماً بسوی دانای نهان و عیان
برگردانیده شوید. آنگاه او شما
را آگاه سازد به آن عمل که می
کردید (۹)

ای آنانکه ایمان آوردید اگر در یک
بخش از روز جمعه بنماز خوانده
شوید پس بسوی ذکر خدا بشتابید و
داد و ستدر اترك کنید. این شما را
ببهرتر است اگر شما بدانید (۱۰)

پس هرگاه نماز ادا کرده شود پس
در زمین پراکنده شوید و از فضل
خدا تلاش کنید و خدا را بسیار
یاد کنید تا شما موفق شوید (۱۱)

و هرگاه معامله تجاری یا بازیچه
را ببینند بسوی آن میشتابند و
تو را تنها میگذارند. بگو آنچه نزد
خدا است نیکوتر از بازیچه و
معامله تجاری است و خدا بهترین
رزق دهنندگان است (۱۲)

مَلَقِيكُمْ ثُمَّ تَرُدُّونَ إِلَىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ
وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٩﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ
مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ
وَذَرُوا الْبَيْعَ ۗ ذِكْمُ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ
تَعْلَمُونَ ﴿١٠﴾

فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي
الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ
وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ
تُفْلِحُونَ ﴿١١﴾

وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا
وَتَرَكَوْكَ قَائِمًا ۗ قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ
مِّنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ ۗ وَاللَّهُ خَيْرُ
الرَّزَاقِينَ ﴿١٢﴾

۶۳ - المنافقون

این سوره در مدینه نازل شد و با بسم الله ۱۲ آیت دارد.

آغاز این سوره عبارت از این موضوع است که بعضی منافقان در زمان کنونی سوگندهایاد میکنند که حتماً تو رسول خدا هستی و خدا خوب میداند که واقعاً تو رسول خدا هستی اما در عین حال خدا اینهم میداند که منافقان دروغگوینند. بر همین منوال در زمان آخرین نیز بسیار کثیر مسلمانان نسبت به صداقت آنحضرت قسم ها خواهند خورد اما خدا گواه باشد که آنان فقط قسم های زبانی خوردند و خواسته های ایمان را انجام ندهند.

این سورت دارای سخن از آن رئیس المنافقین عبدالله بن ابی سلول است که در زندگی آنحضرت ﷺ وجود داشت و حاکی از آن رویداد است که چطور او هنگام برگشتن از غزوه ای نسبت به آنحضرت ﷺ آشکارا دهن دریده شده بود تا آن انتها که برای خویشتن معززترین فرد مدینه مدعی شد. او نسبت به آنحضرت ﷺ در زبان گستاخانه گفت که مدینه رسیده او رسول الله ﷺ را بیرون خواهد راند. البته آنچه تقدیر خداوندی نشان داد اصلاً به عکس بود. ایشان بزرگترین نمونه عفو را ابراز کرده و با آنکه قدرتمند بودند او را از مدینه بیرون نراندند و برایش تا دم مرگش استغفار میکرده اند تا آن انتها که خداوند ایشان را حکماً منع فرمود که در آتیه بر قبرش ایستاده برایش طلب مغفرت نکن.

☆ سُوْرَةُ "الْمُنَافِقُوْنَ" مَدِيْنَةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ اثْنَتَا عَشْرَةَ آيَةً وَرُكُوْعَانِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بسیار بخشنده، بارها رحمکننده (۱)

اِذَا جَاءَكَ الْمُنْفِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ اِنَّكَ

چون منافقان نزدتو آیند میگویند

لرَسُولِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ اِنَّكَ

که گواهی دهیم که یقیناً رسول

لرَسُولُهُ وَاللّٰهُ يَشْهَدُ اِنَّ الْمُنْفِقِينَ

خدا هستی و خدا میداند که تو

رسولش هستی بازهم خدا گواهی

لَكَذِبُونَ ②

میدهد که منافقان یقیناً دروغ

گویانند (۲) ++

اِتَّخَذُوا اٰيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنِ

آنها قسمهای خود را سپری میگیرند.

سَبِيْلِ اللّٰهِ اِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا

پس آنها از راه خدا بازدارند.

یقیناً زشت است آن عمل که آنان

يَعْمَلُونَ ③

میکنند (۳)

ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ اٰمَنُوْا ثُمَّ كَفَرُوْا فَاَقْطِعْ عَلٰی

اینست چه آنان ایمان آورده باز

انکار کردند. پس بردلهای آنها مهر

نهاده شد. پس آنان درك نمی

قُلُوْبِهِمْ فَمَهْمُ لَا يَقْتَهُوْنَ ④

کنند (۴)

++ آیت ۲: بعضی مردم با این وجود که شفاهاً به صداقت تصدیق میکنند که واقعاً

درست است اما در دلهای آنان تکذیب میباشد. پس خداوند به آنحضرت ﷺ مطلع

ساخت که سخنی راست میگویند ولی دلهای آنان مکذب است.

وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ ۖ
وَأِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ ۖ كَانَتْهُمْ
حُشْبٌ مِّنْ سِنْدَةٍ ۖ يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ
عَلَيْهِمْ ۖ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ ۖ
قَاتَلَهُمُ اللَّهُ ۗ أَلِيَّ يَوْمِ كُونٍ ۝

و چون آنانرا میبینی بیکرمای
آنان تو را خوش میآیند و اگر حرفی
زنند به گفتار آنها گوش فرامیدی.
آنها همچون چوبهای خشک بهم تکیه
داده اند. هر کدام تندر برق را بر
خودشان [غرش کرده] میپندارند.
همانها دشمن اند پس از [شر] آنها
حذر کن. بر آنها لعنت خدا باد بکجا
منحرف کرده میشوند (۵)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ
رَسُولُ اللَّهِ لَوْؤَاءُ لُؤُوسِهِمْ وَرَأَيْتَهُمْ
يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ ۝

و هرگاه گفته شوند که بیایید تا
رسول خدا برایشما آمرزش بطلبد
پس سرهای خود را بر میتابند و
آنانرا می بینی که آنان تکبر کرده
[از قبول حق] باز میایستند (۶)

سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ
تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ ۖ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ۖ إِنَّ
اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ۝

برای آنها برابر است که برای آنها
آمرزش بطلب یا برای آنها آمرزش
نطلب. هرگز خدا آنها را نمیآمرزد. حتماً
خدا بقوم فاسقان هدایت ندهد (۷)
همانها اند که میگویند، انفاق
نکنید بر آنان که نزد رسول خدا
اند تا متلاشی شوند حالیکه گنجهای

هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ
عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا ۖ وَ لِلَّهِ

خَزَائِنُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ
الْمُنْفِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ ﴿۸﴾

آسمانها و زمین از آن خدا است و
اما منافقان نمی فهمند (۸)

يَقُولُونَ لَيْسَ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ
لِيُخْرِجَنَا الْأَعْرَابُ مِنْهَا الْأَذِلَّةُ وَاللَّهُ

گویند اگر چه مدینه بازگردیم حتماً
ارجمندترین از آنها پستترین را
از آن بیرون کند حالانکه عزت

الْعِزَّةَ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ
الْمُنْفِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۹﴾

تماماً از آن خدا و رسولش و مومنان
است اما منافقان نمیدانند (۹)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ
وَأَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ

ای کسانی که ایمان آورده اید مال
هایتان و فرزندانتان شمارا از یاد
خدا غافل نکنند و آنکه اینطور

يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَسِرُونَ ﴿۱۰﴾

کند پس همانها زیانکارانند (۱۰)

وَأَنْفُسُكُمْ مِنْ مَّا رَزَقْتُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ
أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا

و انفاق کنید از آنچه شمارا اعطا
کرده ایم قبل از آنکه احدی شمارا
مرگ بیاید آنگاه گوید پروردگارا!

أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ ۗ فَأَصْدَقَ
وَأَكُنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿۱۱﴾

کاشکی مرا تا مدتی کوتاه فرصت
میدادی پس حتماً صدقه میدادم و
از جمله نیکوکاران میشدم (۱۱)

وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا ۗ
وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿۱۲﴾

و هرگز خدا جانی را که مدت معین
او فرارسد فرصت نمیدهد و خدا
مدام آگاه است به آن عمل که شما

مکنید (۱۲)

۶۴-سورة التغابن

این سوره در مدینه نازل شد و با بسم الله ۱۹ آیت دارد.

آغاز این سوره نیز مانند سوره الجمعة با کلمات **يَسْبِحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ**

وَمَا فِي الْأَرْضِ میشود. این سوره نیز ذکر از تسبیح خدا کرده حاکی از این امر است که زمین و آسمان و هر چه میان آنها است خدا را تسبیح میگوید چنان تسبیح که بالاتر از همگان رسول الله ﷺ گفتند. پس چطور امکان پذیر است که هر که به این **مُسَبِّحِ اعْظَمِ** امانت کند خدا او را مورد غضب خود قرار ندهد.

نسبت به آن "تجمع" زمان آخر که سوره جمعة حاکی از آنست این

بیشگوئی نیز کرده شد که آن راستی و ناراستی را روز بازشناسایی است.

در آن زمان که دور قربانی دارائیهها است همه فداکاران دارائی مژده

ای داده میشوند که هر چه از روی صفای قلب در راه خدا انفاق کنند خداوند

آنها قبول کرده پاداشی بزرگ میدهد.

☆ سُورَةُ التَّغَابُنِ مَدِيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ تِسْعَ عَشْرَةَ آيَةً وَرُكُوعَانِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]
بسیار بخشنده، بارها رحمت کند (۱)

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ
لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيرٌ ②

برای خدا تسبیح میخواند هر چه
در آسمانهاست و هر چه در زمین
است. پادشاهی از آن اوست و
ستایش مطلق از آن اوست و او
بر هر چیز مدام قدرتمند است (۲)

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ
مُؤْمِنٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ③

اوست آنکه شما را آفرید. پس از
شما هم کافرند و هم مومند و خدا
به آنچه انجام دهید بینا است (۳)

خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِالْحَقِّ
وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَإِلَيْهِ
الْمَصِيرُ ④

او آسمانها و زمین را بحق آفریده
و شما را تصویر کرد. پس صورتهای
شما را زیباتر ساخت و بازگشت
بسوی او است (۴)

يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ
مَا تُسْرُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ وَاللَّهُ عَلِيمٌ
بِدَاتِ الصُّدُورِ ⑤

او میداند آنچه در آسمانهاست و
زمین و میداند آنچه پنهان کنید و
آنچه عیان کنید و خدا به امور
سینه ها مدام آگاه است (۵)

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبُؤُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ

آیا شما را خبر آنها نرسید که ماقبل

کفر کرده بودند پس عقوبت کار خود را چشیدند و آنها را عذابی دردناک است (۶)

اینست چه آنها را رسولان ایشان با نشانه های روشن میآمدند پس آنها میگفتند آیا آدمیان ماراهدایت میدهند؟ پس انکار کردند و روی برتابیدند و خدا [از آنها] مستغنی شد و خدا بی نیاز صاحب بسیار ستایش است (۷)

کسانیکه کفر کردند پنداشتند که هرگز بر خیزانده نشوند. بگو بلی، سوگند به پروردگaram که حتماً بر خیزانیده شوید سپس حتماً آگاه کرده شوید به آنچه انجام میدادید و خدا را این امر آسان است (۸)

پس ایمان آرید به خدا و رسولش و به آن نور که ما نازل کردیم و خدا به آنچه انجام دهید مدام آگاه است (۹)

روزی که شمارا برای روز تجمع

قَبْلُ فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦﴾

ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿٧﴾

زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ ۗ وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿٨﴾

فَأْمُرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٩﴾

يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَٰلِكَ يَوْمٌ

جمع کند. آن روز برد و باخت است و هرکه به خدا ایمان آورد و نیکوکاری کند او زشتیهایش را از او دور نماید و او را وارد بهشت های کند که در دامنه آنها نهرهای روانست. ایشان در آنها جاودانانند.

این پیروزی بزرگ است (١٠)

و کسانی که کفر کردند و به آیتهای ما تکذیب کردند همانها اهل آتشند و در آن مدت دراز میمانند و چه

زشت باز گشتگامی است (١١)

هیچ گزندی نیرسد جز باذن خدا و هرکه به خدا ایمان آورد او دل او را هدایت میدهد و خدا به هر

چیز مدام دانا است (١٢)

و اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید رسول را. پس اگر روی برتایید آنگاه بر رسول فقط ابلاغ کردن

آشکارا است (١٣)

خدا است که جز او هیچ معبود نیست. پس مومن را باید بر خدا

التَّغَابُنِ ۖ وَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكْفِرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۗ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٠﴾

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ خَالِدِينَ فِيهَا ۗ وَسَاءَ الْمَصِيرُ ﴿١١﴾

مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ ۗ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٢﴾

وَاطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ ۗ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿١٣﴾

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۗ وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٤﴾

توکل کنند(۱۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید یقیناً از همسران شما و فرزندان شما بعضی دشمن شما نیستند. پس از آنها حذر کنید و اگر عفو کنید و گذشت کنید و بیامرزید پس یقیناً خدا آمرزنده ی بارها رحم کننده است(۱۵)

دارائیهای شما و فرزندان شما فقط آزمایش است و خدا است که نزدش پاداشی بزرگست(۱۶)++

پس خدا را تقوی فراگیرید تا حدی که میتوانید گوش کنید و اطاعت نمایید و انفاق کنید که برای جانهای شما نیکو است و هر که از خست نفس باز داشته شد پس همانند که رستگارانند(۱۷)

اگر به خدا قرضه حسنه دهید او آنرا برای شما میفزاید و شما را میآمرزد و خدا قدرشناس بردبار است(۱۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاحِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوا هُمَ^ع وَإِنْ تَعَفَوْا وَتَصَفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ^{١٥}

إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ^{١٦}

فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمِعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِأَنْفُسِكُمْ^ط وَمَنْ يُؤْكُ شَيْخَ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ^{١٧}

إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُمْضِعْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ^ط وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ^{١٨}

مدام دانا است نهان را و عیان را
 عَلِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٩﴾

صاحب غلبه کامل صاحب حکمت

است (۱۹)

++ آیت ۱۶: سخن از آن فتنه اولاد که در این آیت گفته میشود دال بر این معنای

نیست که زنان و فرزندان فتنه را علناً پدید خواهند آورد بلکه کنایه به این امر

است که انسان از روی زنان و فرزندان به آزمایش افکنده میشود و اگر او در

این آزمایش دست به موفقیت نه یابد آنگاه اومبتلا به مشکلات میشود.

۶۵- سورة الطلاق

این سوره در مدینه نازل شد و با بسم الله ۱۳ آیت دارد.

این سوره از آغاز گرفته تا پایان در مورد طلاق مسایلی گوناگون بیان مینماید. سوره گذشته را به این سوره نسبت اینست که این آنحضرت ﷺ را بعنوان آن نوری ارائه میدهد که از تاریکیها بسوی نور درمیآرد و همین نور است که در زمان "آخرین" نیز یکبار دیگر آن مردم امت که در تاریکیها سرگردان باشند را از آن تاریکیها در خواهد آورد. این موضوع دال بر این است که از فسق و فجور درآورده بداخل زندگی پاک و منزّه خواهد نمود و این موضوعی با اهمیت است. آن عبارت از تاریکیهای اعتقادات و هم تاریکیهای اعمال میباشد. لذا در سوره الطلاق نسبت به آنحضرت ﷺ فرموده شد که این رسول سراپا ذکری است و نور بسبب ذکر اعطا میشود و بسبب ذکر خداوند ایشان را فضیلتی بزرگ داد و ایشان سراپا نور شدند و ایشان غلامان راستین خویش را نیز بسوی نور در آوردند.

این سوره دارای چنین آیتی است که پرده ای را از رازهای زمین و آسمان بنحوی شگفت انگیز برمیدارد. چنانکه ذات گرامی و پاک آنحضرت ﷺ از تاریکیها به نور درمیآرد همچنان کلامی که برایشان نازل کرده شد پرده ای را از تاریکیها و رازهای کاینات برمیدارد. هر جا در قرآن بارها ذکر از هفت آسمان رفت در عین حال این هم فرموده شد که با آنهافت زمین نیز بوجود آورده شده است. اما این امر را خدا نیک میداند که چطور نزول وحی بر ساکنان این هفت زمین بعمل آمد و آنان از کدام تاریکیها نجات

داده شدند. تا حال پژوهندگان علم را به این موضوع هیچ دسترس نیست اما بطوریکه بارها به اثبات رسیده است علوم قرآن همچون "کوثر" لامتناهی است و پژوهندگان علم در آینده حتماً بر این علوم تا حدی دست خواهند یافت.

☆ سُورَةُ الطَّلَاقِ مَدِينِيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ ثَلَاثُ عَشْرَةَ آيَةً وَرُكُوعَانِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ
فَطَلَّقْتُمُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ
وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ
بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ
بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ ۗ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ
وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ
نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ
ذَلِكَ أَمْرًا ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بسیار بخشنده بارها رحمکنده (۱)

ای پیغمبر! هرگاه شما [مردم] به
زنان خود طلاق دهید پس بمدت
عده طلاقشان دهید و عده را شمار
کنید و از خدا بترسید که پروردگار
شماست. آنان را از خانه های آنان
بیرون نکنید و نه خودشان بیرون
روند مگر اینکه فحشائی آشکارا
بیآرند. این حدهای خدا است و
هر که از حدهای خدا تجاوز کند
یقیناً او برجان خود ستمکرد. تو
نمیدانی شاید خدا از آن پس فرمان
تازه ای را معرفی نماید (۲)

پس چون ایشان به پایان مدت
معین خود برسند آنگاه آنان را
بمعروف نگاهدارید یا بمعروف جدا
کنید و دوگواه عادل از خودتان
بگزینید و گواهی را برای خدا

فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ
بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ
وَ أَشْهَدُوا ذَوَى عَدْلٍ مِنْكُمْ وَ أَقِيمُوا
الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ۗ ذَٰلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ

استوار کنید. این آن امری است که بدان توصیه شود هر که به خدا و روز آخرت ایمان می‌آرد و آنکه از خدا بترسد او برایش راه نجات قرار می‌دهد (۳)

و او را رزق از راهی اعطا کند که او نتواند بیندارد و آنکه توکل بر خدا کند پس او برایش بس است. یقیناً خدا امر خود را بپایان می‌برد خدا برای هر چیز سرنوشت قرار داده است (۴)

و آنهایی از زنان شما که از عادت ماهانه نومید شده اند اگر شمار مردد اید پس عدّه آنان سه ماه است و هم برای آنانکه عادت ماهانه ندیدند - و آنها که باردار اند عدّه آنان است اینکه وضع حمل خود کنند و هر که تقوای خدا پیش گیرد خدا بفرمان خود در کار او آسایش قرار می‌دهد (۵)

این فرمان خداست که اوبسوی

يَوْمٍ مِّنْ بِلَدِهِ وَبِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۗ وَمَنْ يَتَّقِ
اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ۝

وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ ۗ وَمَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ ۗ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا ۝

وَاللَّيْئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ
إِنَّ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ ۗ وَاللَّيْئِسْنَ
لَمْ يَحِضْنَ ۗ وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ
أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ ۗ وَمَنْ يَتَّقِ
اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا ۝

ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ ۗ وَمَنْ يَتَّقِ

شما نازل کرد و آنکس که از خدا بترسد او زشتیهایش را از او دور مینماید و پاداش را برایش بزرگ میکند (۶)

آنرا ایسکونت دهید در جائیکه خود شما از حیث دارائی خود سکونت دارید و آنرا نه آزارید تا [عرصه] بر آنان تنگ گردانید و اگر ایشان باردار باشند پس بر آنان خرج کنید تا آنگاه که بار خود را بنهند. پس اگر برای شما شیر دهند آنگاه مزدشان به آنها بپردازید و میان خود بمعروف بسازید و اگر [توافق کردن] بر شما دشوار باشد آنگاه برایش [پدر] یکی دیگر [زنی شیرده] شیر دهد (۷)

توانگر باید از سمت خود هزینه کند و آنکه رزقش بر او تنگ کرده شد پس باید هزینه کند از آنچه خدا به او داده است. خدایم چکس را تکلیف نمیکند جز آنچه به او در

اللَّهُ يُكْفِّرُ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمُ لَهُ أَجْرًا ①

أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تَضَارُّوهُنَّ بِنُضَيْقُوا عَلَيْهِنَّ ۗ وَإِنْ كُنَّ أَوْلَاتٍ حَمِلْنَ فَإِنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ ۚ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ ۚ وَاتَّمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ ۚ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فَسَرِّضْهُ لَهَا أُخْرَىٰ ۗ ②

لِيُنْفِقُ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ ۗ وَمَنْ قَدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ ۗ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا ۗ سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا ③

داده است - خدا پس از تنگی،

گشایش را قرار دهنده است(۸)

وجه بسا قریه های راکه از فرمان

پروردگار خود و رسولان او سر

باز زدند پس ما آنها را بسختی

مجازات کردیم و آنها را عذابی رنج

آور دادیم(۹)

پس عقوبت کار خود را چشیدند

و فرجام کارهای ایشان بسیار

زیان آور بود(۱۰)

خدا برای آنها عذابی سخت آماده

کرده است. ای خردمندان که

ایمان آورده اید خدا را تقوی پیش

گیرید - خدا بسوی شما ذکری

بزرگ نازل کرده است(۱۱)++

بطور رسولی که آیتهای روشن

خدا را بر شما تلاوت میکند تا

کسانیکه ایمان آوردند و اعمال

شایسته انجام دادند را از تاریکیها

به روشنی بیرون آرد و آنکه به

خدا ایمان آرد و کارهای شایسته

وَكَأَيُّنَ مَنْ قَرِيَّةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا

وَرُسُلِهِ فَحَاسِبْنَهَا حِسَابًا شَدِيدًا

وَعَذَابُنَهَا عَذَابًا ثَكْرًا ﴿۸﴾

فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ

أَمْرِهَا خُسْرًا ﴿۹﴾

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا ۖ فَاتَّقُوا اللَّهَ

يَا أُولِي الْأَلْبَابِ ۗ الَّذِينَ آمَنُوا ۗ قَدْ أَنْزَلَ

اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا ﴿۱۰﴾

رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ

لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۗ وَمَنْ يُؤْمِنْ

بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ

تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا

أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا ﴿۱۲﴾

انجامدمد او را به داخل بهشتهای
نماید که در دامنه آنها نهرهای روان
است. آنان در آنها همیشه جاویدان
اند. یقیناً خدا برای او [که نیکو
کاری کند] رزقی نیکو مهیا کرده
است (۱۲) ++

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَمِنَ
الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يُنَزِّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ
لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا ﴿۱۳﴾

خدا است آنکه هفت آسمان را
آفرید و از زمینها نیز مانند آنها.
فرمان [او] میان آنها بسیار نازل
میشود تا بدانید که خدا بر هر چیز
که بخواهد مدام قدرتمند است و
اینکه خدا هر چیز را بعلم احاطه
کرده است (۱۳)

++ آیات ۱۱- ۱۲ : از این آیات کاملاً به اثبات میرسد که منظور از نزول این
نیست که انسان با جسم مادی خود از آسمان فرود میآید بلکه معنای نزول اعطا
شدن بهترین نعمتها از جانب خدای متعال است. آنحضرت ﷺ را از این رو ذکری
مجسم بیان کرده فضیلت ایشان بر تمامی پیغمبران دیگر به اثبات رسانده شده است.

۶۶-سورة التحريم

این سوره در مدینه نازل شد و با بسم الله ۱۲ آیت دارد.

آن رازهای بزرگ که سوره گذشته حاکی از آنها بود و آنها در آن کتاب مکشوف کرده شد که برآنحضور ﷺ نازل آمد اکنون این سوره رازهای کوچک رانیزخاطرنشان میسازد. بعبارت دیگرهم رازهای بزرگ بر آنحضرت ﷺ از جانب عالم الغیب مکشوف کرده شد و رازهای کوچک نیز از جانب عالم الغیب مکشوف کرده شد. پس از روی این معنا این سوره را با سوره قبلی این نسبت است که مَالِهَذَا الْكِتَابِ لَايَغَادِرُصَفِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا یعنی این کتاب عجیبی است که هم کوچکترین راز را و هم بزرگترین راز را احاطه کرده است.

در این سوره تذکر از توبه النصوح داده غلامان رسول توصیه شدند که اگرایشان باصفای باطن توبه کنندآنگاه خدا براین امرقدرتمنداست که تمامی گناهان کوچک و بزرگ ایشان را عفو نماید. علامت از قبول شدن این توبه این بیان شد که توبه کنندگان رو به اصلاح مینهند و روز بروز تواناتر بر ترك گناه میشوند و خدا تمامی زشتیها را از ایشان دور مینماید. این دور ترك بدی درحقیقت ناشی از آن نور بدست آید که ایشان داده خواهند شد مثلاًچنانکه راه رونده ای در تاریکیها از روشنائی درمیآید که او با چه نوعی از مخاطرات روبروی است. پس منظور از تَوَرَّهْمَ يَسْمَى بَيْنَ آيِدِيهِمْ اینست که آن نور مدام ایشان را رهنمائی خواهد کرد. در کلمات بِأَيَّانِهِمْ اشاره بدین امر معلوم میشودکه دارندگان آن بدیها که جناح چپ خوانده

میشوند به هیچ نوری برخوردار نشوند. نور فقط ایشان ارزانی داشت شوند که همواره درمقابل هربدی، نیکی را برمیگزینند. همانهاستند که برای استواری نیکی، نوری اعطاء کرده شوند که ایشان را استقامت بخشد.

در پایان این سوره مثل از آن دو زن تیره بختان زده میشود که بظاهر بداخل اهل پیغمبران بودند ولی عملاً در انجام وظیفه خودشان خیانت می کردند. دنبال این ذکر از دو زن بسیار پاکدامنان می رود که یکی از آندو با اینکه همسر دشمنی سَقَاک و ستمگر به خدا بود بازهم از ایمان خویش نگه داری کرد و دومین حضرت مریم علیها السلام بودند که خداوند ایشان را وجود اعجازی در صورت حضرت مسیح علیه السلام اعطاء کرد که بنابر هیچ تحریک نفسانی نبود. سپس در آیت آخرین این سوره فرموده شد که خدای متعال در وجودی پاک و درست کردار پدیدآینده در امت محمدی نیز اعجاز خواهد کرد که با این وجود که او هیچ تمایل به مناصبی بلندتر روحانی نخواهد داشت بلکه پیکر فروتنی باشد اما خداوند در او روح خویش را خواهد دمید که در نتیجه آن او یک پیکر روحانی بخشیده شود که مشابه حضرت عیسی علیه السلام خواهد بود. چنانکه فرمود *فَنَنْفَخَنَافِيهِ مِنْ رُوحِنَا* یعنی خداوند روح خود را در مرد مومن خواهد دمید.

☆ سُوْرَةُ التَّحْرِیْمِ مَدِیْنَةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ ثَلَاثَ عَشْرَةَ آیَةً وَرُكُوعَانِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بسیار بخشنده، بارها رحم کننده (۱)

ای پیغمبر! چرا حرام میسازی آنچه

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ ۚ

را خدا برای تو حلال کرده است.

تَبَتَّغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ ۖ وَاللَّهُ

تو خوشنودی همسران خود می

خواهی و خدا آمرزنده بارها ترا رحم

غَفُورٌ رَّحِیْمٌ ②

کننده است (۲) ++

خدا برای شما تحلیل کردن قسمهای

قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ ۚ

[لغو] شما لازم کرده است و خدا

وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ ۖ وَهُوَ الْعَلِیْمُ الْحَكِیْمُ ③

مولای شما است و او صاحب علم

صاحب دانش است (۳) ++

++ آیت ۲: این بحث لازم نیست که همسران را چه چیزی ناپسند بود که رسول خدا

بخاطر آنان بر خود حرام شمرد و هر چه بود خدا آنرا حلال قرارداد. گویی ارشاد

اینست که چیزهای که خداوند بوضوح حرام یا حلال کرد بنده نباید آنرا عوض

کند. مردم میتوانند بمیل خود موجب پسند و ناپسند خود حرام و حلال برگزینند چه

آنها برای دیگران نمونه نیستند ولی آنحضرت ﷺ علی الخصوص فرمان شدند چه

عمل ایشان برای امت خویش اسوه ی است.

++ آیت ۳: اینجا شکستن قسم بدین معنای نیست که قسمی که جداً بخاطر وعده کسی

خورده شود آنها تحلیل کرده شود. بلکه آن قسمها که برای تعویض حرام و حلال

واجب کرده خدا خورده شود میبایستی آنها را تحلیل کنید بلکه فدیة هم بپردازید.

وَإِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ
حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ
عَلَيْهِ عَرَّفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ
بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ
هَذَا قَالَ نَبَّأَنِي الْعَلِيمُ الْخَيْرُ ①

وگاهیکه پیغمبر بعضی از همسران
خود سخنی به راز گفت. پس گاهی
که او به آن [دیگری را] خبر داد و
خدا آن [جریان را] بر او [نبی]
مکشوف ساخت او پاره‌ی از آن
را [به همسرش] آگاه ساخت و از
[گفتن] پاره‌ی از آن خود داری
کرد. پس گاهیکه او بدو [همسر
خود] به آن خبر داد وی گفت، این
خبر به تو کی داد. او پاسخ داد
علیم و خبیر مرا خبر داده است (۴)
اگر شما دوی توبه کنان بسوی خدا
روی آورید [همین شایسته تر
است] چه یقیناً دل‌های شما دوی [به
این خطا] متمایل شده بود و اگر
شما دوی هم‌دیگر را برخلاف او
پشتبانی کنید آنگاه بدانید که یقیناً
خدا یاور او است و جبرائیل و
[هر کدام] شایسته کار از مومنان
و علاوه بر آن فرشتگان او را
پشتبانی میکنند (۵) ++ [ص# ۱۸ ۱۴

إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا
وَإِنْ تَظْهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ
وَجِبْرِيْلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ
بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ ②

نزدیک است اگر او شما دوی را طلاق دهد پروردگارش همسران نیکوتر از شما برایش عوض کند که مسلمان، مومن، تمکین کننده، توبه کننده، عبادت گذار، روزه گیرنده بیوه یا باکره باشند(۶)

ای کسانی که ایمان آورده اید جانهای خود و اهل خود را از آتش ننگه دارید که سوخت آن انسانها و سنگها است و بر آن فرشتگانی خشمگین، سخت گیر [مامور] اند. ایشان به خدا نافرمانی نکنند از آنچه او آنان را فرمان کند و بجای آورند آنچه فرمان شوند(۷)

ای کسانی که کفر کردید امروز عذر نیآورید یقیناً فقط عوض آن داده شوید که شما میکردید(۸)

ای کسانی که ایمان آورده اید با

عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ
أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكَ مَسْلَمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ
قُنَّتٍ ثَيِّبَاتٍ عِدَّتٍ سَخِيحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ
وَأَبْكَارًا ①

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ
وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ
وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا
يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا
يُؤْمَرُونَ ⑦

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَدُوا الْيَوْمَ
إِنَّمَا تُجْرُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ⑧

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً

++ آیت ۵: این آیت نامهای آندو ام المومنین گفته است که سخنی به راز رسول را افشاکرده بودند. پس امری را که خداوند مخفی داشته است به بنده ای نمیزد که بخیاالش بیفتد.

توبه خالص بسوی خدا روی بیآرید. بعیدنیست که پروردگار شما بدی هایتان را از شما دور نماید و شما را بداخل بهشتهای کند که در دامنه آنها نهرهای روانست، روزیکه خدا، رسول و ایشان که با او ایمان آوردند را رسوان کند. نور ایشان پیشروی ایشان و بدست راست ایشان میدود. ایشان گویند که پروردگارا! نور ما را برای ما بکمال برسان و ما را بیآمرز، یقیناً تو بر هر امر مدام قدرتمند ای (۹)

ای پیغمبر! با کفار و منافقان جهاد کن و خلاف آنها سختی کن و ماوی آنها جهنم است و جایگاهی بسیار زشت است (۱۰) ++

تَصَوِّحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَا يَخْزَى اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا آتِنَا لَنَا نُورًا وَآغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ①

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ ۚ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ ۗ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ②

++ آیت ۱۰: جهادی که نه از تحریک نفسانی بلکه بخاطر خدا باشد آنگاه با دشمن قتال بسختی کرده شود هر چند قلب نرم هم باشد. از آیتی دیگر معلوم میشود که فایده سختی اینست، کسانی از دشمنان که شامل قتال نباشند آنان نیز در ترس میشوند و در نتیجه به مسلمانان قتال ناحق نخواهند کرد. بطوریکه فرمود: فَشَرِّدْ بِهِمْ مَن خَلَقْتَهُمْ [الانفال: ۵۸]

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ
نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ
عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتْهُمَا
فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا
النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ ﴿١١﴾

خدا برای آنها که کفر کردند مثل
زن نوح و زن لوط آورده است.
آندو تحت فرمان دو بنده نیکو
کاران ما بودند. پس ایندو با آندو
خیانت کردند. پس آندو نتوانستند
آندو زن را از گرفت خدا حفظ
نمایند و گفته شد که مردوی با
واردان دیگر وارد آتش شوید (۱۱)
و خدا برای کسانی که ایمان
آوردند مثل همسرفرعون آورده
است چون او گفت: ای پروردگار
من! برای من نزد خودخانه ی
دربهشت بساز و مرا از فرعون و
از عملش نجات بده و مرا از قوم
ستمکاران برهان (۱۲)

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ
فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ
بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ
وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿١٢﴾

و مریم دختر عمران [رامثل زده
است] آنکه فرج خود را نگهداشت.
پس ما از روح خود کمی در آن
[کودک] میدیم و [مادر] او کلمات
پروردگار خود و کتابهای او را
تصدیق کرد و او از فرمانبرداران

وَمَرِيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ
فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا
وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ لَهَا
مِنَ الْفُتَيَانِ ﴿١٣﴾

ع
۳۰

بود (۱۲) ++

++ ایت ۱۴: در آیتی دیگر مبنی بر همین موضوع فرموده شود *فَنَفَخْنَا فِيهَا مِن رُّوحِنَا (الانبياء: ۹۲)*. در اینجا منظور از کلمه "فِيهِ" اینست که مومنانی که بطور روحانی از حالت مریمی بگذرند در ایشان نیز روح دمیده شود بعبارت دیگر تمثیلاً ایشان عیسی زمان خود برگزیده خواهند شد.

۶۷ - سورة الملك

این سوره در مکه نازل شد و با بسم الله ۳۱ آیت دارد.

این سوره با آیت تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمَلِكِ شروع میشود. خدای متعال مَلِكِ کل است و هر چه را بخواهد بر آن توانا است. پس موضوعی شگفت انگیز که در سوره گذشته عنوان شد این کنایه ای بسوی آن معلوم میشود. زیرا که از این پس موضوع پدید آوردن زندگی از مرگ شروع میشود و این اعلام امت محمدی را مژده ای بزرگست که بطوریکه خداوند قدرتمند بر درآوردن زندگان از مردگان صوری است همانگونه او توانا است که مردگان روحانی را نیز دوباره زنده کند.

بلافاصله دنبال آن فرمود تمامی کاینات را در نظر آورده تجسم کنید. آن گواه بریکتائی آفریدگار یگانه میباشد و هیچ نقصی در آن بچشم نمیخورد. اگر این کاینات بخودی خود بوجود آمده بود میبایستی دریک محلی آثار رخنه ای بچشم میخورد. اگر این کاینات را گذشته از خدای متعال شریکش بریافته ای تخلیق کرده بود یقیناً دستوراتی اجرا کرده اش با دستورات خدای یگانه مصادف میشد. پس از این رو تمامی نوع انسان دعوت تفکر داده شدند که براسرار کاینات بارها نظر بگمارند. منتها نگاه ایشان در مانده ای حسرت زده بسوی ایشان بر میگردد بی آنکه هیچ شکافی در هیچ جای آن دریافته باشند.

این سوره حاکی از چنان مرغان روحانی است که در فضای وسیع و بسیط آسمان به شرف بلند پروازی نایل میآیند. بطوریکه خدای متعال

مرغان صوری را نیروی پرواز بخشیده و میان زمین و آسمان مسخر نموده است بر همین منوال اوبندگان مومن خود را قوه پرواز اعطاء میکند. برعکس جانورانی که بر روی خودشان واژگون راه میروند هیچ رفعت ظاهری و روحانی بدست نمیآرند.

در آخرین آیه این سوره فرموده شد، آب زندگی که از آسمان فرومیبارد و پیوسته از آن استفاده میکنید آیا گاهی تدبیر کردید که اگر آن در نتیجه فقدان بارندگی سالهای متوالی از دسترس شما در قعر زمین فرورود آنگاه شما آب زلال را از کجا خواهید آورد؟ پس همچون آب صوری آب روحانی نیز از فضل خاص خدا در دسترس انسان میماند.

☆ سُوْرَةُ الْمَلِكِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ اِخْدَى وَثَلَاثُونَ آيَةً وَرُكُوْعَانِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ① بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بسیاربخشنده بارهارحمکننده (۱)

تَبْرَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمَلِكُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ② بس فقط آن يك پربرکت ثابت شد که پادشاهی درقبضه قدرت او است و او برهرچیزمدام قدرتمند است(۲)

الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيٰوةَ لِيَبْلُوَكُمْ اَيْكُمْ اَحْسَنُ عَمَلًا ۙ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْعَفُوْرُ ③ آنکه مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیآزماید که کدام يك از شما نیکوتردر عمل است و او صاحب غلبه کامل آمرزگار است(۳)

الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوٰتٍ طِبَاقًا ۙ مَا تَرٰى فِيْ خَلْقِ الرَّحْمٰنِ مِنْ تَفَوُّتٍ ۙ فَارْجِعِ الْبَصَرَ ۙ هَلْ تَرٰى مِنْ فُطُوْرٍ ④ آنکه هفت آسمان را طبقه به طبقه آفرید. درآفرینش رحمن هیچ تفاوت نمی بینی. نگاه را بگردان پس آیا شکافی رامیبینی؟(۴)++

ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ اِلَيْكَ الْبَصَرُ حَاسِئًا وَهُوَ حَسِيْرٌ ⑤ بازهم دوباره نگاه بگردان. نگاه ناکام بسوی تو بازگردد و آن خسته است(۵)

++آیت ۴: به انسان اعلام میشود هرچه میتواند برکاینات تفکرکند اما بعلت اینکه

این تخلیق خدای یکتا است دراین هیچ تفاوتی در نخواهد یافت.

و یقیناً آسمان نزدیک را با چراغ ما
 مزین ساخته ایم و وسیله راندن
 شیاطین قراردادده ایم و برای آنها
 عذاب آتش شعله ور آماده کرده
 ایم (۶).

و برای کسانی که به پروردگار خود
 انکار کردند عذاب جهنم است و
 چه زشت بازگشتگاهی است (۷)
 چون در آن افکنده شوند صدای
 خروشدنش را بشنوند و آن بجوش
 آمده خواهد بود (۸)

نزدیک است که از خشم بشکافد.
 مرگه گروهی در آن افکنده شود،
 نگهبانانش بپرسند آیا شمارا بیم
 دهنده نیامده بود؟ (۹)

گویند: بلی، یقیناً ما را بیم دهنده
 آمده بود ولی ما [او را] رد کردیم و
 گفتیم، خدا چیزی را نازل نکرده تو
 فقط در گمراهی بزرگ هستی (۱۰)
 و گویند، اگر ما گوش فرامیدادیم و
 عقل میکردیم ما شامل اهل آتش

وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ
 وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيْطِينِ وَأَعْتَدْنَا
 لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ ⑥

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ ۖ
 وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ⑦

إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ
 تَفُورُ ⑧

تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ ۖ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا
 فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ
 نَذِيرٌ ⑨

قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا
 وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ ۖ إِنْ أَنْتُمْ
 إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ ⑩

وَقَالُوا الْوَيْحُ لَنَا سَمِعْنَا آوْنَ عَقِلٌ مَا كُنَّا فِي

نمیشدیم (۱۱)

پس بگناه خود اعتراف کردند.

پس ملاک باد اهل آتش را (۱۲)

یقیناً کسانی که از پروردگار خود درغیب میترسند ایشانرا آمرزش

و پاداشی بزرگ است (۱۳)

و سخن خود را پنهان کنید یا آن را عیان کنید یقیناً او به امور

سینه ما مدام آگاه است (۱۴)

آیا آنکه خلق کرد نمیداند؟ حالانکه

اودقیق بین مدام آگاه است (۱۵)

اوست آنکه زمین را مطیع شما

ساخت. پس بر راه های او بروید

و از رزق او بخورید و بسوی او

برخیزانند است (۱۶)

آیا ایمن اید از آنکه در آسمان است

تا شما را در زمین فروبرد پس

بناگاه آن بلرزد (۱۷)

آیا شما ایمن اید از آنکه در آسمان

است که از آسمان بر شما بادی تند

سنگریزه افشان بفرستد؟ آنگاه

أَصْحَابِ السَّعِيرِ ⑪

فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ ۖ فَسُحِقًا لِأَصْحَابِ

السَّعِيرِ ⑫

إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ

مَغْفِرَةٌ ۖ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ⑬

وَأَسْرُ وَأَقُولُ لَكُمْ أَوَاجَهُرُ وَإِيَّاهُ ⑭ إِنَّهُ

عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ⑮

أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ ۗ وَهُوَ اللَّطِيفُ

ع

الْخَبِيرُ ⑯

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذَلُولًا

فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ ⑰

وَإِلَيْهِ النُّشُورُ ⑱

ءَأَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ

الْأَرْضَ فَإِذْ هِيَ تَمُورُ ⑲

أَمْ أَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ

عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ۗ فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ

نَذِيرٌ ⑧

بدانید که بیم دادن من چگونه
بود (۱۸)

و براستی تکذیب کرده بودند آنها
که پیش از آنان بودند. پس عقوبت
من چه سخت بود؟ (۱۹)

آیا پرندگان را پرپهن کرده و جمع
کرده فراز خود ندیدند؟ آنها را
هیچ نگهدارنده نیست جز رحمان.
یقیناً او هر چیز را بدقت بینا
است (۲۰) ++

یا کیستند اینهایی که بعنوان
لشکر شما در مقابل خدا شما را
یاری دهند؟ کافران فقد در فریبی
بزرگ هستند (۲۱)

یا کیستند اینهایی که شما را رزق

وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ
كَانَ نَكِيرٌ ⑨

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَفْتٍ
وَيَقْبِضْنَ ۗ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا
الرَّحْمَنُ ۗ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ⑩

أَمْ نَهَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصَرُّكُمْ
مَنْ دُونِ الرَّحْمَنِ ۗ إِنَّ الْكٰفِرُونَ إِلَّا فِي
عُرُورٍ ⑪

أَمْ نَهَذَا الَّذِي يَرِزُّكُمْ إِنْ أَمْسَكَ

++ آیت ۲۰: نسبت به پرواز کردن پرندگان در آسمان و مسخر شدن آنها در
هوامعنای دقیق همراه دارد. ساخت مرغان خصوصاً بربنای چنین اس اساس است تا
بتوانند در هوا پرواز کنند. این فقط حادثه‌ی نیست. سرعت پرواز بعضی از مرغان
شکارچی تا حد دویست میل در ساعت میرسد و بعلمت ساخت آنها این سرعت موجب
هیچ گزندی به آنها نمیشود. زیرا که باد به بیخ و سر آنها خورده به چهارسو پخش
میگردد و با همین سرعت پرواز کنان آنها مرغان دیگر را شکار هم میکنند.

رِزْقَهُ ۱۳ بَلْ لَجَّوْا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ ۱۴

دهند اگر او رزق خود را بازدارد
بلکه اینها در سرکشی و نفرت
بایداری میکنند (۲۲)

أَمَنْ يَمْشِي مُكَبِّبًا عَلَىٰ وَجْهِهِ ۱۵
أَهْنُ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ
مُسْتَقِيمٍ ۱۶

پس آیا آنکس که در جهالت خود
سرگشته راه رود هدایت کرده تر
است یا آنکه راست بر راه مستقیم
می رود؟ (۲۳)

قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ
السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ ۱۷ قَلِيلًا مَّا
تَشْكُرُونَ ۱۸

بگو اوست آنکه شما را پدید آورد و
برایشما گوشها و چشمها و دلهای
ساخت. کم تراست آنچه سپاس می
گویید (۲۴)

قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ
تُحْشَرُونَ ۱۹

بگو اوست آنکه شما را در زمین
تخم پاشی کرد و بسوی او جمع
کرده شوید (۲۵)

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ
صَادِقِينَ ۲۰

و میگویند، انجام این وعده تا
بچند میکشد اگر شما راستگویان
اید؟ (۲۶)

قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ ۲۱ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ
مُّبِينٌ ۲۲

بگو علم کامل فقط نزد خدا است
و من فقط بیم دهنده آشکارم (۲۷)

فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ

پس هرگاه آنها آنرا نزدیک بینند
چهره های کسانی که کفر کردند زشت

گردد و خطاب شود همانست آنکه
را طلب میکردید (۲۸)

بگو، حالی کنید اگر خدا هلاک کند
مرا و آنانرا که بامن اند یا ما را
ترحم کند پس کیست که کافران
را از عذابی دردناک نجات دهد؟ (۲۹)
بگو، همان رحمن است. ما بر او
ایمان آوردیم و بر او توکل
کردیم. پس بزودی شما بدانید
کیست که در گمراهی آشکار مبتلا
است؟ (۳۰)

بگو، حالی کنید که اگر آب شما در
زمین فرو رود آنگاه کیست که
شمارا آبی چشمه ها بیاورد؟ (۳۱)

كُفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ
تَدْعُونَ ﴿٢٨﴾

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكَنِی اللَّهُ وَمَنْ مَعِيَ
أَوْ رَحِمَنَا فَمَنْ يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ
عَذَابِ إِلَهِی ﴿٢٩﴾

قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ أُمَّنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا
فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٣٠﴾

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا
فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ ﴿٣١﴾

۶۸-سورة القلم

این سوره در صدر دوره مکه نازل شد و با بسم الله ۵۲ آیت دارد. این آخرین سوره است که با حروف مقطعات شروع میشود. این با حرف "ن" شروع میشود که يك معنا اش دوات است و نویسندگان با قلم همگان محتاج دوات میباشند. دوره تمامی پیشرفتهای انسان از پادشاهی قلم شروع میشود. اگر هنر تحریر از پیشرفتهای انسان برداشته شود آنگاه او بسوی جهالت برگردد و دیگر هرگز پیشرفت علمی نصیب او نخواهد شد.

دومین منظور از این آن پیغمبران خدای اند که "ذوالنون" خوانده میشوند. بعنوان مثال حضرت یونس علیه السلام که ذکر از ایشان نیز در همین سوره بدین ترتیب رفته است که آن چه واقعه ای گذشته بود که در نتیجه آن بعثت وارد نه آمدن عذاب خدا بر قوم خویش به آنچه آنان هشدار داده شده بودند، ایشان دل خود گرفته باین نیت قریه خودش را ترك کردند که آینده هیچگاه نخواهند توانست روی به قوم خویش بیآرند. آنگاه خداوند ایشان را این درس عبرت آموخت که گاهی عذاب ناشی از توبه برگشت نیز داده میشود و خداوند بدیشان این دعا نیز آموخت "لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ [سورة الانبياء ۸۸]" یعنی تو از هر ناتوانی پاک هستی یقیناً من ستمگر بودم که آزمند عذاب بر قومی توبه کننده شده بودم.

در این سوره حرف "ن" بتکرار ذکر کرده میشود که به مضامین این سوره کاملاً مطابقت دارد و هیچ جای هم موضوع سوره و این حرف از هم ناجور درآمده بچشم نمیخورد.

☆ سُورَةُ الْقَلَمِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ ثَلَاثٌ وَخَمْسُونَ آيَةً وَرُكُوعَانِ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده، بارها را حکمکنده (۱)

نَ سَوَّغْتَ بَقْلَمٍ وَ أَنْجَه رَا مِی

نَ وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ ②

نویسند (۲)

که تو بنعمت پروردگار خود دیوانه

مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ ③

نیستی (۳)

و یقیناً تو را مزدی لامتناهی

وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ ④

است (۴)

و یقیناً تو بر خلقی بزرگ استوار

وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ ⑤

مستی (۵)

پس هم تو بیینی وهم آنها ببینند (۶)

فَسَبِّحْهُ وَبِحَمْدِهِ ⑥

که از شما مفتون است (۷)

بِأَسْمَاءِ الْمَفْتُونِ ⑦

یقیناً پروردگار تو داناتر به آنست

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ

که از راهش گمراه گشته و او به

سَبِيلِهِ ⑧ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ⑧

هدایت یافتگان نیز داناترست (۸)

پس دربی مکتدیان نرو (۹)

فَلَا تَطِعِ الْمُكَذِّبِينَ ⑨

آنها میخوانند تو مدانه کنی پس

وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ ⑩

آنها هم مدانه کنند (۱۰)

و هر کدام پیوسته سوگند خورنده

وَلَا تَطِعِ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ ⑪

ای پست را اطاعت نکن (۱۱)

هَمَّا زِمَّ شَاءَ بِمِمْ ۱۱

(که) سخت عیبجو، سخن چینی کنان

بسیار راه رونده است (۱۲)

مَنَّا عِلَّ لِخَيْرٍ مُّعْتَدٍ اِثِمٌ ۱۲

(که) بازدارنده از خیر و تجاوزگر،

سخت گناه کار است (۱۳)

عُتِلَّ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٌ ۱۳

شدیداً سختگیر و علاوه بر آن

حرام زاده است (۱۴)

أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ ۱۴

تنها برای این [تکبر کند] که او ثروت

مند و دارای فرزندان است؟ (۱۵)

إِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ

هنگامیکه آیتهای ما بر او تلاوت

شود میگوید اساطیر پیشینیان

الْأَوَّلِينَ ۱۵

است (۱۶)

سَنَسِمْهُ عَلَى الْخُرُطُومِ ۱۶

یقیناً بر بینی اش داغ نهیم (۱۷)

یقیناً ما آنها را آزمایش کردیم آن

إِنَّا بَلَوْنَهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ

طور که باغداران را آزمایش کرده

الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا

بودیم چون آنها قسم خوردند که

مُصْرِحِينَ ۱۷

حتماً سپیده دم آنرا درو کنند (۱۸)

و استثناء نمی کردند [انشا الله

وَلَا يَسْتَنْوُونَ ۱۸

نمی گفتند] (۱۹)

پس از پروردگارتو بر آن [باغ]

فَطَافَ عَلَيْهَا طَآئِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ

آفتی دور زنده دور زد در حالیکه

تَأْمُونَ ﴿۲۰﴾

ایشان خواب بودند (۲۰)

فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ ﴿۲۱﴾

پس آن [باغ] همچون بریده شده

گردید (۲۱)

فَتَنَادُوا مُصْحِحِينَ ﴿۲۲﴾

پس فجر بهمدیگر ندادند (۲۲)

أَنْ أَعِدُّوا عَلَيَّ حَرْثِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ

که بامداد سرکشی خود بروید

اگر شما دروندگانید (۲۳)

صَرِمِينَ ﴿۲۳﴾

پس آنان روانه شدند و بهمدیگر

فَانْطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ ﴿۲۴﴾

سرگوشی حرف میزدند (۲۴)

أَنْ لَا يَدْخُلَنَهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ ﴿۲۵﴾

که امروز هیچ مستمندی برخلاف

میل شما بداخل نیاید (۲۵)

وَعَدُّوا عَلَيَّ حَرْدِ قَدِيرِينَ ﴿۲۶﴾

و صبحگاه رفتند بقصد دادن چیزی

بکسی (۲۶)

فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَأَصَاوُونَ ﴿۲۷﴾

پس چون آن [باغی] را روئ

کردند گفتند، یقیناً ما تباه و نابود

شدیم (۲۷)

بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ﴿۲۸﴾

بلکه ما محروم شدگانیم (۲۸)

نیکوترین آنان گفت، آیا شما را

قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْلَا

نگفته بودم که چرا تسبیح نمی

گوئید (۲۹)

تُسَبِّحُونَ ﴿۲۹﴾

گفتند، پاکست پروردگار ما یقیناً

قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿۳۰﴾

ما ستمگران بودیم (۳۰)

پس بر هدیگر ملامت کنان
رفتند (۳۱)

گفتند، وای بر ما بیگمان ما سرکش
بودیم (۳۲)

بعید نیست خدا برای ما نیکوتر
از آنها بدل کند. یقیناً ما بسوی
خدا میل کنندگانیم (۳۳)

عذاب همینطور میباشد و البته
عذاب آخرت بزرگترست. کاشکی
میدانستند (۳۴)

یقیناً متقیان را نزد پروردگارانیشان
بهشتهای پر نعمت است. (۳۵)

آیا ما فرمان برداران را مانند
مجرمان بگزینیم؟ (۳۶)

چيست شمارا؟ چطور قضاوت می
کنید؟ (۳۷)

آیا شما را کتابی است که در آن
می خوانید (۳۸)

یقیناً شمارا در آنست آنچه را
دوست دارید (۳۹)

آیا در حق شما بر ما سوگندهای است

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتْلَا وَهُمْ ۝۳۱

قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طُغْيَانٌ ۝۳۲

عَسَى رَبَّنَا أَنْ يُدْخِلَنَا خَيْرًا مِنْهَا إِنَّا إِلَى
رَبِّنَا رَاغِبُونَ ۝۳۳

كَذَلِكَ الْعَذَابُ ۖ وَالْعَذَابُ الْآخِرَةُ
أَكْبَرُ ۖ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۝۳۴

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّتِ
التَّحِيمِ ۝۳۵

أَفَجَعَلَ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ ۝۳۶

مَا لَكُمْ ۖ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ۝۳۷

أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ ۝۳۸

إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ ۝۳۹

أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ مِنَّا بِالْعَهْدِ إِلَى يَوْمِ

که [مارا] تا قیامت پایبند کند که
یقیناً اختیار شما است هرچه
فیصل دهید؟ (۴۰)

بپرس از آنان کدامی از آنان به
این امر ضامن است؟ (۴۱)

آیا درحق ایشان شریکانند؟ پس
باید شریکان خود را بیارند اگر
راست گویان اند (۴۲)

روزیکه با آشتگی مواجه گردنست
و بسجده کردن خوانده شوند پس
طاقت نخواهند آورد (۴۳)

دیدگان آنها فرومشته باشد و ذلت
آنها را فراگیرد و یقیناً به سجده
ها فرا خوانده میشوند در حالیکه
آنان تندرستان بودند (۴۴)

پس تو بگذار مرا و آنکه به این
بیان تکذیب کند. ما آنها را تدریجاً
بطوری بگیریم که متوجه هم
نشوند (۴۵)

و من به آنها مهلت میدهم. تدبیرم
بیگمان بسیار برقرار است (۴۶)

الْقِيَةِ ۱۱ إِنَّ لَكُمْ لِمَا تَحْكُمُونَ ۱۰

سَلِّمُوا إِلَيْهِمْ بِذَلِكَ زَعِيمًا ۱۱

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ ۱۲ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ
إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ ۱۱

يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى
السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ ۱۳

خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهُقُهُمْ ذِلَّةٌ ۱۴
وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ
سَلِيمُونَ ۱۱

فَذَرْنِي وَمَنْ يُكَذِّبْ بِهَذَا الْحَدِيثِ ۱۵
سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ۱۱

وَأُمْلِي لَهُمْ ۱۶ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ ۱۱

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ
مُتَقَلِّبُونَ^{٤٧}

آیا تو از ایشان مزدی میخواهی
که از غرامت گرانبارانند؟ (۴۷)

أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ^{٤٨}

آیا آنرا علم نمان است که آنان
[آن را] مینویسند؟ (۴۸)

فَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ
الْحُوتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ^{٤٩}

پس برای فرمان پروردگار خود
صبر کن و همچون صاحب ماهی
باش چون او ندا کرد و او پُر
اندوه بود (۴۹)

لَوْلَا أَنْ تَدْرَكَهُ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ لَمُبْدَى
بِالْعُرَىٰ وَهُوَ مَذْمُومٌ^{٥٠}

اگر نعمت پروردگارش او را در
نمیرسیدحتماً او را بدستی لخت
و لم یزرع درحالی میفکندیم که
او ملامت زده بود (۵۰)

فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ^{٥١}

پس پروردگارش او را برگزید و
او را از نیکوکاران شمرد (۵۱)

وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُرَ لِقَوَّكَ
بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ
إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ^{٥٢}

و بعید نیست از آنانکه کفر کردند
چون ذکر را بشنوندیقیناً تو را
با [قهر] چشمان خود بلغزانند و
گویند یقیناً او دیوانه است (۵۲)

وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ^{٥٣}

حالانکه نیست آن جز نصیحت
برای همه جهانها (۵۳)

۶۹-سورة الحاقه

این سوره در مکه نازل آمد و با بسم الله ۵۳ آیت دارد.

سورة القلم عبارت از این موضوع بود که وقتی ما مکذبان پیغمبران خود را فرصت میدهیم آن برای اینست تا پیمانہ گناہان آنها لبریزشود و سپس میچکس نمیتواند آنها را از گرفت خدای متعال برہاند.

این سوره نیز حاکی از حالت آن قومهای است که از جانب خدا بارها فرصت داده شدند اما وقتیکه پیمانہ گناہان ایشان لبالب شد آنگاه ساعت مواخذہ آنها در رسید.

عذابی که خداوند به آنحضرت ﷺ اشاره فرمود که ایشان از آن نوع انسان را بترسانند آن از جمله ادیان بستگی تنها به پیروان دین مخصوصی ندارد بلکه هرکدام متنبہ بحیثیت انسان ساخته میشود. گامیکه آن واقعه واقع شود انسان از روی دیدگاه دنیائی نیز خواهد پنداشت گویی که زمین و آسمان شکافته شده اند. هنگام بعثت ثانی انسان نیز این هشدار مجدداً راست خواهد آمد که نه او را تعلق زمینی نجات بخشد و نه تعلق آسمانی و منتها به جهنم افکنده شود.

سپس خداوند يك گواهی بزرگ را ارائه میدهد هم به تکمیل آن امور که تاحدی بچشم انسان میخورد و هم به آن امور که نگاه انسان به آنها نمی رسد یعنی اینکه سخنان رسول الله ﷺ کلمات رسولی امین گرامی است و آنها نه کلام شاعری سرگشته است و نه کلامی بیہوا از گامنی است. بلکه این تنزیلی از پروردگار همه جهانہایست.

در آخرین آیه این سوره چنین پیمانۀ ای نسبت به سنجیدن راستی آنحضرت ﷺ ارائه داده میشود که دشمن نمیتواند ردّش کند. دشمن متنبه ساخته میشود که از نظر شما که آن رسول ﷺ این کتاب مقدس را از خود بربافته است حالانکه اگر او بر خدا کوچکترین دروغی را هم بهم بافته بود آنگاه یقیناً خدا او و سلسله اش را بهلاکت میکشید. اگر خدا اینطور فیصل میداد هیچکدام از شماها نمیتوانست او را نجات دهد. بعبارت دیگر خداوند در مقابل همه نیروهای شما او را یاری داده نجات میدهد. یقیناً این بر رسالت خدای وی گواهی کشفی است. یعنی این کلام خداوند "كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي [المجادلة ۲۲]" در حق او آشکارا راست آمده است.

☆ سُورَةُ الْحَاقَّةِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ ثَلَاثٌ وَخَمْسُونَ آيَةً وَرُكُوعَانِ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]
بسیار بخشنده، بارها رحم کننده (۱)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

حتمی الوقوع (۲)

الْحَاقَّةُ ②

حتمی الوقوع چیست؟ (۳)

مَا الْحَاقَّةُ ③

تو را چه چیزی بفهماند حتمی
الوقوع چیست؟ (۴)

وَمَا آذْرَبُكَ مَا الْحَاقَّةُ ④

ثمود و عاد به آفتی هولناک انکار
کرده بودند (۵)

كَذَّبَتْ ثَمُودٌ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ ⑤

پس باتوجه به ثمود پس آنها با
آفتی سرکش هلاک کرده شدند (۶)

فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ ⑥

و باتوجه به عاد آنها هلاک کرده
شدند با بادی تندوز که پیوسته
از حد درگذرنده بود (۷)

وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصِرٍ
عَاتِيَةٍ ⑦

[خدا] آنرا هفت شب و هشت روز
متوالی بر آنها مسلط نمود [که آنها
را] بریده از میان میبرد. پس
قوم را در آن بخاک افتاده دیدی
آنها همچون ساقه درخت خرما
توخالی بودند (۸)

سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمِينَةَ
آيَاتٍ ⑧ حُسُومًا ⑨ فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا
صَرْعَى ⑩ كَالَّذِينَ هُمْ عَنْ حُلِيِّهِمْ عَاوِيَةً ⑪

فَهَلْ تَرَى لَهُمْ مِنْ يَاقِينَةٍ ⑩

پس آیا از آنها بازمانده میبینی؟ (۹)
و آمد فرعون و آنها که قبل از او
بودند و شهرمائی بعلت گناه کاریها
زیرو رو شده (۱۰)

وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَتِ
بِالْحَاطِطَةِ ⑪

پس آنان رسولِ پروردگار خود
را نافرمانی کردند. پس خدا آنها را
به گرفتی سختتر بگرفت (۱۱)

فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخَذَةً
رَّابِيَةً ⑫

یقیناً ما شما را گامیکه آب طغیان
کرد در کشتی برداشتیم (۱۲)

إِنَّا لَمَّا طَغَا الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي
الْجَارِيَةِ ⑬

تا آنها برای شما یادآوری قرار
دهیم و گوش های فرا گیرنده آن
را فرا گیرد (۱۳)

لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيهَا أذُنٌ
وَاعِيَةٌ ⑭

پس گامیکه ناگهان در صورت میدگی
برزور دمیده شود (۱۴)

فَإِذَا نَفَخَ فِي الصُّورِ نَفْحَةً وَوَاحِدَةً ⑮

و زمین و کوهها برداشته و یکپو
از هم پاشیده شوند (۱۵)

وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا
دَكَّةً وَوَاحِدَةً ⑯

پس آنروز حتمی الوقوع حتماً
صورت وقوع حاصل کند (۱۶)

فِيَوْمٍ مَيِّدٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ⑰

و آسان بشکافد پس آنروز آن
وامی باشد (۱۷) ++ [ص# ۱۴۴]

وَأَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ ⑱

و فرشتگان بر اطراف آن باشند و

وَأَمَلَكْتُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ

عَرْشِ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ مَّيْمِينَهُ^ط

آنروزفوق آنان عرش پروردگار
تورا هشت [صفات] بردارند (۱۸) +

يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَى مِنْكُمْ
خَافِيَةٌ^ط

آنروز شما عرضه داشته شوید. هیچ
راز داری از شما پنهان نماند (۱۹)

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ يَمِينَهُ لَقِيَّوُل
هَآؤُمْرًا قَرِيْرًا وَاكْتِبِيَهٗ^ط

پس آنکس که نامه اعمالش بدست
راستش داده شود پس گوید،
بیآیید بگیرد نامه اعمالم را و
بخوانید (۲۰) ++

++ آیت ۱۷: این آیه مربوط به رویدادهای زمینی است زیرا که در روز قیامت آسمان
را شکافتن مانند پارچه خارج از موضوع است. آنروز که نه این زمین است و نه آسمان.
++ آیت ۱۸: کسی را از این آیت گمان نگذرد که فرشتگان را نیرو همچون نیروی
مادی در دست است و عرش را بوسیله آن برداشته اند. عرش که مانند چیزی مادی
نیست که برای برداشتن آن نیروی مادی را نیاز دارد. واقعیت این است که فقط
خدا بتنهایی هر چیزی را برداشته است یعنی هر چیزی به او تکیه زده است.
حضرت مسیح موعود میفرمایند، عرش نام از مقام تنزه و تقدیس خدای متعال است
و دال بر حالت وراء تر بودن او میباشد. چهار صفت الهی مذکور در سورة الفاتحة
یعنی رب، رحمن، رحیم و مالک یوم الدین موسوم به چهار فرشته میشوند. این چهار
صفت عرش او را برداشته اند. بعبارت دیگر در این دنیا وجود مخفی او را
بوسیله این چهار صفت میتوان معلوم کرد و این معرفت در عالم آخرت دو
برابر افزایش خواهد یافت. گویی که بجای چهار فرشته هشت فرشته خواهند شد.
++ آیت ۲۰: هَآؤُمْرًا : مَا كَلِمَةً فِي مَعْنَى الْاِخْتِذِ. وَيَقَالُ هَآؤُمْرًا وَ هَآؤُمْرًا (مفردات امام
راغب رح) هَآؤُمْرًا را معنا است بگیرد.

یقیناًن امید داشتیم که حساب

خود را روبرو بیننده ام (۲۱)

پس او درزندگی خوش و پسندیده

باشد (۲۲)

در بهشتی بلند و بالا (۲۳)

خوشه هایش به نزدیک باشد (۲۴)

با مزه خوش بخورید و بیآشامید

به بدل آن اعمال که در روزهای

گذشته بجای آوردید (۲۵)

و اما آنکه نامه اعمالش در دست

چپش داده شود او گوید، کاشکی

نامه اعمال داده نمی شدم (۲۶)

و نمیفهمیدم حسابم چیست (۲۷)

ای کاش [آن ساعت] قضیه را تصفیه

کننده بود (۲۸)

مالم هیچ بکارم نیامد (۲۹)

غلبه من از من برباد رفت (۳۰)

اورا بگیرید و طوقش کنید (۳۱)

باز اورا بداخل جهنم افکنید (۳۲)

باز اورا در زنجیری که طولش هفتاد

ذراع است انتها اورا بکشید (۳۳)

إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلِقٌ حِسَابِيَّ ۗ

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ۙ

فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ۙ

قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ ۙ

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ

فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ ۙ

وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ ۙ

فَيَقُولُ يَلَيْتَنِي لِمَ أُوتِ كِتَابِيَّ ۗ

وَلَمْ آدُرْ مَا حِسَابِيَّ ۗ

يَلَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ ۙ

مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيَّةُ ۗ

هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيَّةُ ۗ

خُدُوهُ فَغُلُوهُ ۙ

ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلَّوهُ ۙ

ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا

فَأَسْلُكُوهُ ۙ

یقیناً او به خدای صاحب عظمت
ایمان نیآورد (۲۴)

ونه به تغذیه کردن مسکین تشویق
مینمود (۳۵)

پس امروز اینجا او را هیچ دوست
صمیمی نباشد (۳۶)

و نه غذایی است جز از آب غسل
زخمها (۳۷)

نمیخورد آنرا جز خطاکاران (۳۸) ع
پس باش! من قسم میخورم به آنچه
شما میبینید (۳۹)

و آنچه را شما نمی بینید (۴۰)
یقیناً این سخن رسولی صاحب
عزت است (۴۱)

و گفتار شاعری نیست. بسیار کم
است آن ایمان که میآرید (۴۲)

و نه حرف کاهنی است. بسیار کم
است پندی آنچه میپذیرید (۴۳)

تنزیلی از پروردگار جهانهاست (۴۴)
و اگر بعض سخنان را بدروغ بر

ما میبست (۴۵) ++

إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ ۝۴۱

وَلَا يَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمُسْكِينِ ۝۴۲

فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ لَهُمْ هَنَاءٌ حَمِيمٌ ۝۴۳

وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ ۝۴۴

لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ ۝۴۵

فَلَا أُقْسِمُ بِمَا تُبْصَرُونَ ۝۴۶

وَمَا لَا تُبْصَرُونَ ۝۴۷

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ۝۴۸

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ ۝ قَلِيلًا مَّا
تُؤْمِنُونَ ۝۴۹

وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ ۝ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ۝۵۰

تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ۝۵۱

وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ ۝۵۲

حتماً او را از دست راست می
گرفتیم (۴۶) ++

لَاخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ﴿٤٦﴾

سپس حتماً رگ جان او را قطع
میکردیم (۴۷) ++

ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ ﴿٤٧﴾

پس هیچکس از شما [مارا] از او
باز دارنده‌ی نبود (۴۸) ++

فَمَا مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ ﴿٤٨﴾

و یقیناً این متقیان را بندی
بزرگ است (۴۹)

وَإِنَّهُ لَتَذَكَّرٌ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٤٩﴾

و یقیناً ما میدانیم که میان شما
تکذیب کنندگان نیزاند (۵۰)

وَإِنَّا لَعَلَّمْنَا أَن مِّنْكُمْ مُّكذِبِينَ ﴿٥٠﴾

و یقیناً این بر کافران حسرتی
بزرگست (۵۱)

وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكٰفِرِينَ ﴿٥١﴾

و یقیناً آن حق الیقین است (۵۲)

وَإِنَّهُ لِحَقِّ الْيَقِينِ ﴿٥٢﴾

پس نام پروردگار خود صاحب
عظمت را تسبیح بگو (۵۳)

ع
١٥
١

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿٥٣﴾

++ آیات ۴۵-۴۸: در این آیات رد به این سوء تفاهم است که وحی را بدروغ به خدا نسبت دهنده را نیروی دنیائی میتواند نجات دهد. درحقیقت باآنکه مدعیان دروغین را نیروی دنیائی پشتبانی میکند بازهم آنها و پشتبانان آنها به نابودی کشیده میشوند. پس این دلیل به صداقت آنحضرت ﷺ استوار و بزرگی است. چه تمامی سرزمین عرب پس از دعوی پیغمبری بمخالفت ایشان برخاسته بودند. این آیت عبارت از این نکته باریک است که اگر تمامی اعراب بجای مخالفت به حمایت ایشان برمیخاستند اگر ادعای ایشان بادروغ آمیخته بود هرگز نجات از نابودی ممکن نبود.

٧٠- المعارج

این سوره درمکه نازل شد و با بسم الله ٤٥ آیت دارد.

همان درنخستین آیه این سوره خدای متعال به چنین عذابی هشدار داده است که کافران نمیتوانند جلوی آنرا بگیرند.

باز خداوند "ذی المعارج" قرارداده میشود یعنی بلندی او را بر آسمانی طبقه به طبقه تدبیر کرده میتوان تاحدی درک کرد وگرنه بلندیهایی او را هیچکس نمیتواند پی برد. آن بلندی که در اینجا مذکور است بر آن چنین گواهی علمی یافت میشود که ذکرش در آیت *خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ* این سوره رفته است یعنی فرشتگان بسویش در پنجاه هزار سال عروج میکنند. اینک در پنجاه هزار عروج کردن را میتوان دو معنا کرد-

اول بظاهر پنجاه هزار سال و اگر این معنا گرفته شود در اینصورت نیز بیگمان پس از پنجاه هزار سال چنین تبدیلی آب و هوا پدید میآید که سراسر زمین با برفی توده شده فراگرفته میشود و تخلیق را آغاز از نو میشود.

دوم اینکه اینجا *مَمَاتَعُدُونَ* فرموده نشده است. اگر آیتی دیگر از قرآن که در آن ذکر از هزار سال رفته است با این آیت بهم خوانده شود این مطلب درمیآید که اگر هزار سال طبق شمارش شمارمردم شمار کرده شود يك روز خداوند معادل آن هزار سال میباشد و اگر هر يك روز با تعداد روزهای يك سال ضرب داده شود آنگاه عددی که در میآید آن مدت روزهای خدا را تعیین مینماید. پس از روی این حساب اگر پنجاه هزار سال را با روزهای خدا

ضرب داده شود آنگاه عدد هیجده الی بیست بلیون سال درمیآید و این نزد پژوهندگان علم عمر کاینات است.

$$[18,250,000,000 = 365 \times 50000 \times 1000]$$

یعنی هرکدام کاینات به این عمر رسیده در نیستی غرق میشود و پس از آن وجودش از نیستی دوباره آفریده میشود.

این مدت آنقدر طولانی است که انسان اینرا دورادور میپندارد. اما گاهی که عذاب واقع شود پس آن ساعت بسیار نزدیک دیده خواهد شد. آن چنین عذابی است که انسان تلاش کند که نزدیکان و جان و مال و منال و هر چیزی دیگر را درمقابل آن فدا داده از آن نجات بدست آرد اما این امکان پذیر نخواهد شد. بلی! اگر قبل از این عذاب مومنان دارای این صفات باشند که ایشان بر نماز پایدارند و آنرا بتفکر ادا میکنند و علاوه بر این برای نگهداری از پاکیزگی خویش آن شرایط را تکمیل میکنند که بر ایشان واجب گردانده شد آنگاه ایشان آن خوش بختان هستند که از عذاب نجات داده خواهند شد.

باز آیه ٤٢ به این امر هشدار میدهد که خدا از شما بی نیاز است. پس اگر شما دست از فسق و فجور برنمیدارید آنگاه خدا بر این امر توانا است که بجای شما مخلوقی دیگر را بیآرد. پس این سوره، با تذکر عذابی که خبر از واقع شدن آن داده شد، پایان میپذیرد.

☆ سُوْرَةُ الْمَعَارِجِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ خَمْسٌ وَأَرْبَعُونَ آيَةً وَرُكُوعَانِ

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده، بارها رحم کننده (۱)

پرسنده ی درباره عذابى حتى

سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ ①

الوقوع پرسیده است (۲)

نیست آنرا برای کافران دور

لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ ①

کننده ای (۳)

از جانب خدای صاحب همه بلندیا

مِّنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ ①

است (۴)

فرشتگان و ارواح بسوی او بالا

تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ

میروند در روزی که شمار آن

كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ ①

پنجاه هزار سال است (۵)

پس صبر کن صبری نیکو (۶)

فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا ①

البته آنها آنرا به دور مینگردند (۷)

إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا ①

و ما آنرا بنزدیک مینگرم (۸)

وَتَرَاهُ قَرِيبًا ①

روزیکه آسمان همچون مس

يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ ①

گداخته ای بشود (۹)

و کوهها همچون پشم زده ای

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ ①

بشوند (۱۰)

و هیچ دوست صمیمی از دوست

وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا ①

صیمی [احوال] نپرسد (۱۱)

آنان بدیشان بنمایش گذارده
شوند. مجرم آرزوکنند کاشکی از
عذاب آنروز نجات یابد فدا داده
پسران خود را (۱۲)

و همسر خود و برادر خود را (۱۳)
و قبیله خویش را که او را پناه
میداد (۱۴)

و هر که در زمین است جمیع را.
باز آن [فدیه] اورانجات دهد (۱۵)
آگاه باش! یقیناً آن زبانه آتش بی
دود است (۱۶)

برگننده پوست است (۱۷)
آن فرا میخواند آنرا که پشت
برگرداند و روی برتابید (۱۸)
و جمع کرد پس احتکار نمود (۱۹)
یقیناً انسان سخت حریص آفریده
شد (۲۰)

هرگاه او را شری برخورد کند
سخت ناله کننده است (۲۱)
و هرگاه به او نعمت برسد سخت

يَبْصُرُونَهُمْ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي
مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بَيْنِيهِ ۱۱

وَصَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ ۱۲
وَفَقِيلَتِ أَتَىٰ نَجْوِيهِ ۱۳

وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا لَّمَّ يَنْجِيهِ ۱۴

كَلَّا إِنَّهَا لَأَنْظَىٰ ۱۵

نَزَاعَةَ اللَّشْوَىٰ ۱۶

تَدْعُو مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّىٰ ۱۷

وَجَمَعَ فَأَوْعَىٰ ۱۸

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا ۱۹

إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا ۲۰

وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَبُوعًا ۲۱

إِلَّا الْمُصَلِّينَ ﴿۲۲﴾

بخل کننده میشود (۲۲)

جز نمازگذاران (۲۳)

الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَأِیْمُونَ ﴿۲۴﴾

آنانکه بر نماز خود برقرار اند (۲۴)

وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ ﴿۲۵﴾

آنانکه در مالهای ایشان حتی

معین است (۲۵)

لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ ﴿۲۶﴾

برای سؤال کننده و بینوا (۲۶)

و آنانکه به روز جزاء تصدیق

کنند (۲۷)

وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ ﴿۲۷﴾

و آنانکه از عذاب پروردگار خود

میترسند (۲۸)

وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ

مُشْفِقُونَ ﴿۲۸﴾

یقیناً عذاب پروردگار ایشان است

که از آن در امان نتوان شد (۲۹)

إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَا مُوِنَ ﴿۲۹﴾

آنانکه فرجهای خود را نگهدارندگان

اند (۳۰)

وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ﴿۳۰﴾

جز همسران خود یا آنهایی که دست

راست ایشان مالک شد. پس یقیناً

آنان مورد ملامت نیستند (۳۱)

إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ

أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ﴿۳۱﴾

پس آنکه خواست [چیزی] جز آن

پس همانها تجاوزگران اند (۳۲)

فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ

الْعَادُونَ ﴿۳۲﴾

و آنانکه به امانات خود و پیمان

های خود رعایت کنندگانند (۳۳)

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمْتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ

رَاعُونَ ﴿۳۳﴾

وَأَنانِكِه بَرِگواهِ مای خود استوار
اند (٢٤)

وَأَنانِكِه بَرنامازهای خود نگهداران
اند (٣٥)

همانها در بهشتها احترام شدگان
اند (٣٦)

پس چه شده بود آنها را که کفر
کردند که به تو پرشتاب می
آمدند (٣٧)

از سمت راست و از سمت چپ
گروه در گروه (٣٨)

آیامر کدام از ایشان امید دارد که
به داخل بهشتی برنعمت کرده
شود (٣٩)

هرگز نه. یقیناً ما ایشان را آفریده
ایم از آنچه میدانند (٤٠)

پس باش! من به پروردگار خاوران
و باختران قسم میخورم بیقین ما
حتمّاً توانا هستیم (٤١) ++

براینکه (بجای آنان) نیکوتر از آنان
بدل کنیم و پیشی گرفتن بر ما

وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَتِهِمْ قَائِمُونَ ﴿٢٤﴾

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ
يَحَافِظُونَ ﴿٢٥﴾

أُولَئِكَ فِي جَنَّةٍ مُّكْرَمُونَ ﴿٢٦﴾

فَعَمَّالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبَلَكَ مَهْطَعِينَ ﴿٢٧﴾

عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِينَ ﴿٢٨﴾

أَيُّطَمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُدْخَلَ
جَنَّةَ نَعِيمٍ ﴿٢٩﴾

كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِمَّا يَعْلَمُونَ ﴿٤٠﴾

فَلَا أَقْسَمُ بِرَبِّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ
إِنَّا لَقَدِرُونَ ﴿٤١﴾

عَلَىٰ أَنْ تُبَدَّلَ خَيْرًا مِنْهُمْ ۗ وَمَا نَحْنُ
بِمَسْبُوقِينَ ﴿٤٢﴾

غیر ممکن است (۴۲) ++

پس بگذار آنها را غرق به مرزه
گویی و بازی کنان تا آن انتها که
آنروز خود را ببینند که وعده داده
شدند (۴۳)

روزیکه از مدفنه‌های خود سریعاً
بیرون آیند گویی آنان بسوی
قربانگاه‌ها پرشتاب میروند (۴۴)
چشمان ایشان فرومشته و خواری
آنها را فراگرفته باشد. این روزی
است که به آن وعده داده می
شدند (۴۵)

فَذَرَهُمْ يَخَوْضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّى يُلَاقُوا
يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ ﴿٤٣﴾

يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا
كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نُصَبٍ يُوْفُّونَ ﴿٤٤﴾

خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ
ذَٰلِكَ الْيَوْمِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿٤٥﴾

آیات ۴۱-۴۲: در این آیات کریمه نیز پروردگار خاوران و باختران گواه قرارداده
میشود یعنی پیشگویی است که زمانی میرسد که خاوران و باختران در مصطلحاتی
گونگون به کار گرفته شود مثلاً خاور میانه، خاور دور، خاور نزدیک و غیره. اینجا
دومین سخن شگفت انگیز اینست که خداوند توانا بر این امر است که اگر بخواهد
در این دنیا مخلوقی بهتر از آدمیان بیآرد.

۷۱ - سورة نوح

این سوره از آن جمله سوره های ابتدائی است که در مکه نازل شد و با بسم الله ۲۹ آیت دارد.

پایان سوره گذشته حاکی بود که ما برای امر توانا هستیم که مخلوقی بهتر از شما را پدید آریم. اینک سوره نوح عبارت از این موضوع است که حین عذاب بر قوم نوح، نسبتاً بر سطح کمتر، همین صورت بود که همه ای آن قوم به غرق افکنده شد جز چند نفر که در کشتی حضرت نوح پناهنده شده بودند و سپس زادگان آن سرنشینان کشتی که با حضرت نوح علیه السلام سوار شده بودند خوبتر بوجود آورده شدند.

در آیه ۵ باز سخن از نهایت زمانی معین کرده خدای متعال گفته میشود که چون آن در رسد، پس نیستید شما که آنرا دورکننده باشید. این اعاده موضوع از سوره گذشته است.

سپس ذکر از گریه و زاری حضرت نوح علیه السلام و ابلاغ کردن پیغام میرود. فرمود که تنها رساندن پیغام کفایت نمیکند بلکه پیغمبری برای فهماندن آن پیغام جان خویش را بدست هلاک میسپارد. آن فرستاده خدا هیچ وسیله ای را و نمیگذارد تا هر کدام کوچک و بزرگ قوم بتواند آن پیغام را درک کند. گاهی با زاری و گاهی پنهان تا متکبران قوم صداقت را روبروی مردم قبول کرده احساس شرمساری نکنند. گاهی علناً تا عوام الناس نیز مستقیماً از پیغام پیغمبر حالی گردند و الا سرداران ایشان که آن پیغام را پیچ داده ارائه خواهند داد. باز گاهی او توجه مردم به این طمع جلب میکند که ببینید!

اگر شما ایمان بیآرید آنگاه از باران رحمت آسمانی بسیار برخوردار خواهید شد و گاهی او مردم را در ترس میفکند که اگر ایمان نیآرید آنگاه از آسمان بجای باران رحمت بارانی هلاک کننده فرودمیآید و در آنصورت زمین هم نتواند به کمک شما برآید بلکه از آنهم هلاکت فواره خواهد زد. آنگاه پس از اتمام حجت منتها صف ایشان بیچاندند و پی قومی جدید ریخته شد.

پس آن دعای حضرت نوح علیه السلام که خدا از کافران هیچکس را باقی نگذارد بنا بر این امر بود که خداوند ایشان را این دانش داده بود که اگر اکنون آنها زنده نگهداشته شوند آنگاه فقط زاد و ولد فاسقان و فاجران ادامه خواهد داشت و از نثراد آنها زایش مومنان منقطع شده است. پس وقتیکه جماعتی برگزیده خدائی این نوع اتمام حجت را بپایان رسانده باشند آنگاه این حق ایشان است که برای مخالفان خویش دست دعا به نابودی آنها بلند کنند.

بعلاوه این سوره عبارت از این موضوع نیز است که حضرت نوح علیه السلام توجه قوم خویش را جلب کرده گفته بودند که چرا شما يك هستی باوقار خدای متعال را قبول نمیکنید؟ اوست که شما را کم کم جلو انداخته به پایه تکمیل رسانده است. همین امر از بلندیهایی طبقه به طبقه آسمان به اثبات میرسد. این موضوع از سطح ادراک آن قوم بالاتر بود. ایشان نه از زمان گذشته خودشان حالی بودند که چطور ایشان طبقه به طبقه بوجود آمدند و نه از زمان آینده خویش آگاه بودند و نه ایشان از طبقه در طبقه بودن آسمان را علمی داشتند. غالباً این يك پیشگوئی است که چون در زمان آینده

”کشتی نوح“ جدیدی ساخته خواهد شد آنگاه مردم آنزمان درباره اینهمه امور آگاه شده خواهند بود. باز هم اگر آنان دست از ترویج شرک برندارند با اینکه هر نوع اتمام حجت برایشان بپایان رسانده شده باشد منتها این دعا فَسَحِّطْهُمْ تَسْحِيطًا وَّ لَا تَذَرَعَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ شَرِيرًا بر آنان راست خواهد آمد.

☆ سُوْرَةُ نُوحٍ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ تِسْعٌ وَعِشْرُونَ آيَةً وَرُكُوعَانِ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بسیار بخشنده، بارها رحمت کند (۱)

یقیناً ما نوح را به سوی قومش فرستادیم که قوم خود را بترساند
پیش از آنکه عذابی دردناک به ایشان برسد (۲)

او گفت: ای قوم من! یقیناً من
برایشما آشکارا بیم دهنده‌ام (۳)
که خدا را عبادت کنید و از او
بترسید و از من اطاعت کنید (۴)
و گناهان شما را برایشما می‌آمرزد
و شما را تا نهایت زمانی معین
فرست دهد. یقیناً چون نهایت
زمانی معین از خدا برسد آن دور
کرده نمیشود. کاشکی شما می
دانستید (۵)

او گفت: پروردگارا! یقیناً من
قوم خود را شب و روز دعوت
کردم (۶)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ
قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ
أَلِيمٌ ①

قَالَ يَقَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ ②

إِنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا ③

يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرْكُمْ إِلَىٰ
أَجَلٍ مُّسَمًّى ④ إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا
يُؤَخَّرُ ⑤ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ⑥

وَقَالَ

قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا
وَنَهَارًا ①

پس دعوت من بر ایشان هیچ

نیفزود جز فرار کردن (۷)

و برستی مرگاہ من آنها را خواندم

تا تو آنها را بی‌آمزی سرانگشتان

خود را به گوشه‌های خود نهادند و

جامه‌های را بر خود پوشاندند و

اصرار کردند و با تحقیر کبر

کردند (۸)

سپس البته من آنها را با صدای

بلند دعوت کردم (۹)

سپس یقیناً من بخاطر آنان اعلام

هم کردم و برای آنان اخفاء هم

کردم (۱۰)

پس گفتم از پروردگار خود آمرزش

بطلبید. یقیناً او بسیار آمرزنده

است (۱۱)

او از آسمان بارانی پیوسته بارنده

را بر شما بفرستد (۱۲)

و شمارا با دارائیها و فرزندان کمک

کند و برایشما بهشتهای بسازد و

برای شما نهرهای قرار دهد (۱۳)

فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا ﴿٧﴾

وَإِنِّي لَكُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِيَتَغَفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا

أَصَابِعَهُمْ فِي فِئَ أَدَانِهِمْ وَاسْتَعْشَوْا

ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا ﴿٨﴾

ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا ﴿٩﴾

ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ

إِسْرَارًا ﴿١٠﴾

فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ

غَفَّارًا ﴿١١﴾

يُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا ﴿١٢﴾

وَيُمِدُّكُمْ بِأَمْوَالٍ وَأَبْنٍ وَيَجْعَلُ

لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلُ لَكُمْ أَنْهَارًا ﴿١٣﴾

چيست شمارا که از خدا به وقار
امید ندارید(۱۴) ++

مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا ﴿١٤﴾

درحالیکه او شما را بر اطواری
مختلف خلق کرده است(۱۵) ++

وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا ﴿١٥﴾

آیا ننگریستید چگونه خدا هفت
آسمان را طبقه بر طبقه خلق
کرد(۱۶) ++

أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَوَاتٍ
طَبَاقًا ﴿١٦﴾

و ماه را در آنها نوری قرار داد و
خورشید را چراغی روشن قرار
داد(۱۷) ++

وَ جَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَ جَعَلَ
الشَّمْسَ سِرَاجًا ﴿١٧﴾

و خدا شمارا از زمین مانندنباتی
رویانیید(۱۸) ++

وَاللَّهُ أَتْبَعَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا ﴿١٨﴾

بازشمارا در آن عودت دهد و شما
را برنگ جدیدی درآورد(۱۹) ++
و خدا زمین را برای شماگسترشی
قرار داد(۲۰)

ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ
إِخْرَاجًا ﴿١٩﴾

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ بِسَاطًا ﴿٢٠﴾

++ آیات ۱۴-۱۹: این آیات حاکی از این موضوع است که آفرینش انسان درجه بدرجه از مختلف ادوار ارتقاء گذشته صورت گرفته است. کسانی که میپندارند که خداوند هر چیزی را یکپودر حالت کنونی پدیدار ساخت آنان از صاحب وقار بودن خداوند انکار میکنند چه يك مستی صاحب وقار هیچگاه کاری را پرشتاب انجام نمیدهد. آن هر چیز را درجه بدرجه ترقی داده بلندتر میسازد. خدای متعال بر همین منوال [ص#۱۴۵۸]]

۱۲۱ **لِتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَا جَاءُ** **ع**
 تابراهای گشاده اش بروید (۲۱)
 نوح گفت، پروردگارا ایقیناً آنها
 مرانفرمانی کرده اند و آنرا پیروی
 کردند که دارائیش و اولادش بر
 او هیچ نیفزود جز خسارت (۲۲)
 و نیرنگی بزرگ را نیرنگ کرده
 اند (۲۳)

وَمَكْرُؤًا مَكْرًا كَبِيرًا
 و گفتند: هرگز معبودان خود را
 ترك نکنید و نه ودا و سواع را
 ترك کنید و نه یغوث و یعوق و
 نسر را (۲۴)

وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ
 درحالیکه آنها بسیار کثیران را
 گمراه کرده اند و تو بر کافران
 نیفزا جز گمراهی (۲۵)

وَدَاوُلًا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ
وَسَرَآةً
وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ
إِلَّا ضَلَالًا

بقیه آیات ۱۴-۱۹: آسانها را طبقه به طبقه بوجود آورد.

در پایان این آیات فرمود «انبتکم من الارض نباتا» - این فقط مصطلحی نیست بلکه حقیقت است که آفرینش انسان چنین دور را طی کرد که آن فقط بصورت نبات بود و درآیاتی دیگر این موضوع بدین صورت عنوان میشود که «لم یکن شیئاً مذکوراً» یعنی انسان درتخلیق خود از چنین حالت نیزگذشت که هیچ هم قابل ذکر نبود. در این کلام اشاره لطیفی بدین سمت است که چون تخلیق انسان از دوره نباتی میگذشت آنگاه او حواس برای شنیدن یا شنواندن صدا را نداشت و سکوت کامل حیات نباتی را فراگرفته بود.

پس از روی خطا کاریهای خود غرق
 کرده شدند پس بداخل آتش کرده
 شدند و آنها خدا را رها کرده برای
 خود هیچ را یاور نیافتند (۲۶)

ونوح گفت، پروردگارا! کسی کافر
 را روی زمین آباد نگذار (۲۷) ++
 یقیناً اگر تو آنها را ترک کنی بندگان
 تو را گمراه سازند و نزیاند جز
 ناسپاسی بدکار را (۲۸) ++

پروردگارا! بیا مرز مرا و الدینم را
 و آنکه مومن بداخل خانه ام شود
 و مومنان و مومنات را و نیفزای
 بر کافران جز نابودی (۲۹)

مَا خَطِيئَتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأَذْخَلُوا نَارًا فَلَمْ
 يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا ۝

وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي عَلَى الْأَرْضِ
 مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا ۝

إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا
 يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا ۝

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ
 بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ۝
 وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا ۝

ع
 ۱۷

آیات ۲۷ - ۲۸: این لمن حضرت نوح بر قوم خود بدینعلت بود که خداوند ایشان را
 متنبه ساخته بود که اینک این قوم و نسلهای آینده اش هیچگاه ایمان نیاورند.
 حضرت نوح را این علم از خود نمیتوانست باشد. حتماً ایشان این علم را از خدا
 فرا گرفتند و بر مبنای آن بر قوم خویش لمن کرده بودند.

۷۲ - سوره الجن

این سوره درمکه نازل شد و با بسم الله ۲۹ آیت دارد.

این سوره را تعلق بقرار معلوم با سوره نوح اینست که در این سوره نیز به قوم موده ای داده میشود که اگر شما پیغام حق را قبول کنید، آب رحمت کثیر بر شما نازل شود و اگر به آن انکار کنید پس بعدابی مدام سرکش مبتلا کرده شوید. سیلی که سوره نوح حاکی از آنست نیز پیوسته سرکش بود.

اکنون ما بر موضوعات این سوره نگاه عمومی میفکنیم درجه موضوعاتی عمده نسبت به اجنه آغاز نهاده است. علماء بالعموم خیال میکنند که منظور از اجنه مخلوقی نادیدنی و آفریده از آتش بوده است حالانکه از حدیث های مستند به اثبات میرسد که وقتی آنحضور با يك هیئت نمایندگان که بدین معنا اجنه بودند که ایشان سرداران قوم خویش بودند ملاقات کردند آنان آتش را روشن کردند تا غذای خویش را آماده کنند. پس بدیهی است هرگز اینجا سخن از هیچ نوع جن فرضی نرفته است.

ضمناً از آنجمله موضوعات عمده که ایشان تذکر دادند یکی اینست که بعضی احمقان از میان ما سخنان شگفت انگیز را به خدا نسبت میدادند. مضافاً این عقیده نیز میان مامتداول شده بود که اکنون خدا هیچ پیغمبری را مبعوث نخواهد کرد. ایشان به این اعتقاد انکار کردند زیرا که ایشان پیغمبری بزرگ را حضوراً زیارت کرده بودند.

سپس سخن از مساجد میروود که آنها خالصاً برای خدا بنا کرده میشوند.

عبادت غیر از خدا در آنها روانیست. باز ذکر از عبادت آنحضور ﷺ رفته است. ایشان را حین عبادت تفکراتی گوناگون فرامیگرفت تا توجه ایشان بهم زده شود اما با این وجود ایشان کلیه توجه خویش را خالصانه برای خدا اختصاص میدادند. آدمی هر روز مشاهده میکند که حالت شادمانی و غمناکی اش اکثراً میتواند توجه او را حین عبادت بهم زند.

اینجا یکبار دیگر این امر تکرار میشود که عذابی را که شما در ادوار می پندارید هیچکس نمیتواند بگوید که آن دور است یا نزدیک. وقتی عذاب برسد در آن صورت هر چند انسان آنرا دور بیندارد حتماً آن نزدیک دیده میشود. آنحضرت ﷺ را غیب فراوان اعطاء شده بود. ایشان در ذات گرامی خود دانای غیب نبودند. عملاً خداوند فرستادگان خویش را با آنکه ذاتاً ایشان دانا بر غیب نمیباشند پیوسته علم غیب اعطاء مینماید و غیبی که به ایشان در داده میشود لازماً بحق میرسد. همانطور فرشتگانی که با وحی رسالت نازل میشوند ایشان از پیشروی و پشت سر از آن وحی نگهداری کنان حرکت میکنند تا شیاطین در آن نتوانند هیچ نوع اختلال و تبدیلی بعمل آرند. دنبال پیغمبران بزرگ بسیار رسولان تابع ایشان نیز بظهور میآیند که عملاً بر حفاظت معنوی آن وحی که بر پیغمرانی بزرگ فرستاده شود مامور میشوند.

☆ سُورَةُ الْجِنِّ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ تِسْعٌ وَعِشْرُونَ آيَةً وَرُكُوعَانِ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده، بارها رحم کننده (۱)
بگوبسوی من وحی شده است که
گروهی از جنها سخن را بدقت گوش
کرده پس گفتند یقیناً ما قرآنی
عجیب را گوش کرده ایم (۲) ++

قُلْ أَوْحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ
الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قرآنًا عَجَبًا ②

که بسوی خوشبختی هدایت میکند.
پس ما به آن ایمان آورده ایم و
هرگز ما هیچ را به پروردگار خود
شریک قرار ندهیم (۳) ++

يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ ۗ وَلَنْ نُشْرِكَ
بِرَبِّنَا أَحَدًا ③

واینکه شأن پروردگار ما بلند است
او نگرفت همسری و نه پسری (۴)
واینکه نادانی از ما ستمکارانه بر
خدا حریف میزد (۵) ++

وَأَنَّهُ تَعَلَّى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً
وَلَا وَلَدًا ④

واینکه یقیناً ما میپنداشتیم که
هیچکس از انس و جن بر خدا دروغ
نگوید (۶) ++

وَأَنَا ظَنَنَّا أَن لَّن نَّقُولَ الْإِنسِ وَالْجِنِّ
عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ⑤

واینکه از توده مردم اشخاصی
بودند که به مردانی از مهتران

وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ
بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا ⑥

پناه میبردند پس ایشان آنها را در
 زشتکاری و جهالت افزودند(۷) ++
 و اینکه آنها گمان کردند آنگونه
 که شما گمان کردید که خدا هیچ
 کس را مبعوث نخواهد کرد(۸) ++
 و اینکه ما آسمان را جستجو کردیم
 پس آنرا پر از نگهبانان سختگیر
 و شعله های آتش یافتیم(۹) ++
 و حتماً باخاطر شنیدن بر رصدگاه
 های آن مینشستیم. پس هر که حالا
 به شنیدن بکوشد او شعله آتش را
 در کمین خود بیابد(۱۰) ++

وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَبْعَثَ
 اللَّهُ أَحَدًا ۙ

وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَهَا مِلْأَتْ
 حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهَبًا ۙ

وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ
 فَمَنْ يَسْمَعُ آلَانَ يَجِدْ لَهُ شُهَابًا رَّصَدًا ۙ

++ آیات ۲-۱۰: در این آیات دو امر علی الخصوص قابل وضاحت است. اجنه ای که
 در خدمت آنحضرت ﷺ رسیدند آنان سرداران بزرگ از قوم خویش بودند و آن اجنه
 فرضی نبودند که تولید توهمات هستند. آنان بخاطر ریختن غذا آنجا آتش را روشن کردند
 و اصحاب در آنجا زغال خموش شده و آثار آمادگی غذا را نیز مشاهده کردند. درباره آنان
 غالب خیال اینست که آنان هیئت نمایندگان بنی اسرائیل مقیم در افغانستان و از
 سرداران و اعیان قوم خویش یعنی جن بودند. آنان ذکر از بیعت آنحضرت ﷺ را شنیده
 در صدد برآمدند که حضوراً این امر را ارزیابی کنند. آنان بدنبال بحث طولانی نه فقط
 آنحضرت ﷺ را راستگو تسلیم کردند بلکه از این اعتقاد دروغین هم منکر شدند که حالا
 خدا میچکس رابه پیغمبری مبعوث نخواهد کرد چنانکه بعضی بیخردان از آنان معتقد
 بودند. سپس آنان بازگشتند و تمامی افغانستان آنزمان را به آغوش اسلام درآوردند.

وَأَنَا لَأَنْدَرِي أَسْرُّ أَرِيدِمْ فِي
الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشْدًا ۝۱۱

وبراستی ما نمیدانستیم آیا برای
هرکه در زمین است بدی خواسته
شد یا پروردگار آنان در حق آنان
درصد خوبی برآمده است (۱۱)

وَأَنَا مِنَ الصَّالِحِينَ وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ ۖ
كُنَّا ظُرَاقًا قَدَدًا ۝۱۲

و یقیناً میان ما بعض نیکان بودند
و میان ما غیر از آن نیز بودند. ما
در مسلك های گوناگون قرار گرفته
بودیم (۱۲)

وَأَنَا ظَنْنَا أَنْ لَنْ نَعْجِزَ اللَّهُ فِي الْأَرْضِ
وَلَنْ نَعْجِزَهُ هَرَبًا ۝۱۳

و البته ما یقین کرده بودیم که
هرگز نمیتوانیم خدا را در زمین
بمعجز آوریم و گریزان نیز نتوانیم
او را مات کنیم (۱۳)

وَأَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَىٰ أَمْتَابِهِ ۖ فَمَنْ
يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا
رَهَقًا ۝۱۴

و همانا وقتی ما هدایت را شنیدیم
به آن ایمان آوردیم. پس هرکه به
پروردگار خود ایمان آرد پس او از
زیان و ستم نمی ترسد (۱۴)

وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقِسِطُونَ ۖ
فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشْدًا ۝۱۵

و البته در ما هم فرمانبرداران
اند و هم ستمکارانند. پس هرکه
فرمانبردار شد پس همانند که
هدایت را تلاش کردند (۱۵)

وَأَمَّا الْقِسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ

و کسانی که ستمکار بودند همانها

حَطَبًا ۱۶

سوخت آتش شدند (۱۶)

و اگر بر مسلک درست استقامت
 نشان میدادند یقیناً آنها را آبی
 فراوان مینوشانیدیم (۱۷)

تا ایشان را در آن آزمایش کنیم و
 هر که از یاد خدا روگردانی کندوی
 را بعد از سخت بیفکند (۱۸)

و یقیناً مساجد برای خدا است. پس
 احدی را با خدا شریک نخوانید (۱۹)
 و یقیناً چون بنده خدا او را خوانده
 بپاشد نزدیک اندک گرد هم آمده
 بر او بتازند (۲۰) ++

بگو، من فقط پروردگار خود را
 میخوانم و هیچ را با او شریک
 قرار نمیدهم (۲۱)

بگو بر راستی من برایشما مالک
 زیان و سود نیستم (۲۲)
 بگو ابداً هیچکس مراد مقابل خدا
 نتواند پناه دهد و هرگز من از او
 گذشته هیچ پناه گاهی نیابم (۲۳)

کار من فقط سخنان خدا و پیغام

وَ أَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ
 لَأَسْقِيَهُمْ مَاءً غَدَقًا ۱۷

لِنَقْتَبَهُمْ فِيهِ ۱۸ وَ مَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ
 رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا ۱۹

وَ أَنَّ الْمَسْجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ
 أَحَدًا ۲۰

وَ أَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا
 يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا ۲۱

قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ
 أَحَدًا ۲۲

قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا
 رَشَدًا ۲۳

قُلْ إِنِّي لَنْ يُخَيِّرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ
 أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا ۲۴

إِنَّمَا بَلَّغُ مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ ۲۵ وَ مَنْ يَعِصْ

اللَّهُ وَرَسُولُهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا ۝۲۴

او رساندن است و هر که خدا و رسول او را نافرمانی کند پس یقیناً برایش آتش جهنم است. آنان در آن مدت متمادی بمانند (۲۴)

حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ
مَنْ أَضَعَفُ نَاصِرًا أَوْ أَقَلُّ عَدَدًا ۝۲۵

تا آن انتها که چون آنان مشاهده کنند از آنچه هشدار داده میشدند آنگاه بدانند کیست ضعیفتر مددگار و کمتر به عدد (۲۵)

قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقْرَبُ مَا تُوعَدُونَ أَمْ
يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا ۝۲۶

بگو، نمیدانم آیا از آنچه هشدار داده میشوید نزدیک است یا پروردگارم مدت آنرا به طول انجامد (۲۶)

عِلْمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ
أَحَدًا ۝۲۷

او دانایی غیب است و احدی را بر غیب خود غلبه نمیدهد (۲۷)

إِلَّا مَنْ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ
مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا ۝۲۸

جز رسولی برگزیده خود را. پس یقیناً او پیشرویش [رسول] و پشت سرش نگهبانی کنان می رود (۲۸) تاباند که آنان پیغام پروردگار خود را ابلاغ کرده اند و هر چه نزد آنانست را او فرا گرفته و شمار هر چیزی را تماماً شمرده است (۲۹)

ع
۳

لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رَسُولًا رَيْبَهُمْ
وَاحْطَاطًا بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ
عَدَدًا ۝۲۹

٧٣ - المزمل

این سوره در ابتدای دور مکه نازل شد و با بسم الله ٢١ آیت دارد.

آن چگونگی عبادت از آنحضرت ﷺ که در سوره گذشته عنوان شده بود تفصیلاً همان در آغاز این سوره یافت میشود و مجلاً بدینصورت است که ایشان شبگاه بپا شده بیشتر وقت آنرا زاری کنان میگذراندند. هیچ طریقی برای فرونشاندن خواهشهای نفس بهتر از این نیست که انسان شبگاهان بپا شده بوسیله عبادت خدا آنها را زیر پا له کند.

در این سوره یکبار دیگر مائلت آنحضرت ﷺ با حضرت موسی علیه السلام بیان کرده میشود که ایشان ﷺ نیز رسولی صاحب جلال بودند که شریعتی آوردند. پس مخاطبان رسول الله ﷺ هشدار داده میشوند که رسولی بزرگتر در جلال از حضرت موسی علیه السلام ظهور کرده است. اگر شما به مخالفت او برخیزید هیچ نتیجه ای بدست نیآید جز اینکه به غرق هلاکتها افکنده شوید چنانکه در مقابل موسی علیه السلام جابری بسیار بزرگ به تکذیب پیغام ایشان برآمده بود و منتها به نابودی کشانده شد.

☆ سُورَةُ الْمَزْمَلِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ إِحْدَى وَعِشْرُونَ آيَةً وَرُكُوعَانِ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]
بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)
ای! که خود را به جامه تشنگ
پیچیده ای (۲)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①
يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ ①

شب را بپای خیزمگر کم (۳)
نصف آن یا کمی از آن بکاه (۴)
یا بیفزا بر آن و قرآن را خوب
روشن تر بسرا (۵)

قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا ①
نُصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا ①
أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا ①

یقیناً ما فرمانی سنگین بر تو
نازل کنیم (۶)

إِنَّا سُنَلِقُ عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا ①

یقیناً بپاخاستن هنگام شب عاملی
قدرتمندتر برای رام کردن نفس و
پایدارتر از جهت گفتار است (۷)
یقیناً برای تو در روزکاری طویل
است (۸)

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً
وَأَقْوَمُ قِيلًا ①

پس نام پروردگار خود را ذکر
کن و با انقطاعی کامل بسوی او
جدا باش (۹)

إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا ①

او پروردگار شرق و غرب است.

وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ
تَبَتُّلًا ①
رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

هیچ معبودی نیست جز او. پس

او را کارساز بگیر (۱۰)

و صبرکن بر آنچه میگویند و
آنهارا با روشی نیکو ترک
کن (۱۱).

و بگذار [تنها] من و مکتبان
پروردگان نعمت را و به آنها کمی
مهلت بده (۱۲)

یقیناً نزد ما گوناگون سامان عبرت
و جهنم است (۱۳)

و غذائی گلوگیر و عذابی دردناک
است (۱۴)

روزیکه زمین و کوه هابلرزه آیند و
کوه ها توده های ریگ گردد (۱۵)
یقیناً ما بسوی شما رسولی فرستادیم
که بر شما گواه است بطوریکه ما
رسولی به سوی فرعون فرستاده
بودیم (۱۶)

پس فرعون آن رسول رانافرمانی
کرد. پس او را به مواخذة سخت
گرفتیم (۱۷)

فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا ۱۰

وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ
هَجْرًا جَمِيلًا ۱۱

وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ
وَمَهْلَهُمْ قَلِيلًا ۱۲

إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا ۱۳

وَطَعَامًا إِذْ غَضَصْتُمْ وَعَذَابًا أَلِيمًا ۱۴

يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ
الْجِبَالُ كَثِيبًا مَّهِيلًا ۱۵

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا
عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ
رَسُولًا ۱۶

فَحَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا
وَبِئْسَ ۱۷

پس اگر کفر کنید پس چگونه از
آن روز نجات یابید که کودکانرا
پیر نماید (۱۸)

آسمان با [هیبت] آن از هم بپاشد.
وعده او حتی الوقوع است (۱۹)
یقیناً این تذکری است. پس هر که
بخواهد راهی بسوی پروردگار خود
را بگیرد (۲۰)

البته پروردگارت میداند که تو
نزدیک دوثلث شب یا نصف آن یا
ثلث آن بپایبستی وهم گروهی
از ایشان که با تو هستند و خدا
شب و روز را کم و بیش میکند.
او میداند که شما نمیتوانید آنرا
مراقبت کنید. پس او برحمت خود
بر شما گرایش کرد. پس هرچه
امکان پذیر است از قرآن قرائت
کنید. او میداند که از شمارمريض هم
میباشند وهم دیگران که در زمین
خواهان فضل خدا مسافرت می
کنند و بعض دیگران که در راه

فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِن كَفَرْتُمْ يَوْمًا
يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا ۱۸

السَّمَاءِ مُنْفَطِرٍ بِهِ ۱۹ كَانَ وَعْدُهُ
مَفْعُولًا ۱۹

إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ ۲۰ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ
رَبِّهِ سَبِيلًا ۲۰

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي
الَّيْلِ وَنُصْفِهِ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ
مَعَكَ ۲۰ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ۲۰ عَلِمَ أَنَّ
لَّنْ تُحْصِيَهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَأُوا مَا
نَيَّسَ مِنَ الْقُرْآنِ ۲۰ عَلِمَ أَنَّ سَيَكُونُ مِنْكُمْ
مَّرْضَىٰ ۲۰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ
يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ ۲۰ وَآخَرُونَ
يَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۲۰ فَاقْرَأُوا مَا نَيَّسَ
مِنْهُ ۲۰ وَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ
وَاقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا ۲۰ وَمَا تَقَدَّمُوا

لَا نَفْسِكُمْ مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ
 خَيْرٌ وَأَعْظَمَ أَجْرًا ۖ وَاسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ
 إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٢١﴾

ع
 ۱۴

خداقتال خواهند کرد. پس هر چه
 امکان پذیر است از آن قرائت
 کنید و نماز را بپای دارید و زکوت
 بدهید و خدا را قرضه حسنه بدهید
 و هر چه از نیکی بخاطر خود پیش
 بفرستید آن را در درگاه خدا
 نیکوتر و به پاداش بزرگتر بیابید
 — و از خدا آمرزش بطلبید. یقیناً
 او آمرزگاری بارها را می کند (۲۱)

۷۴-سورة المدثر

این سوره در صدر دوره مکه نازل آمد و با بسم الله ۵۷ آیت دارد. بطوریکه در سوره قبلی آنحضور مژمل قرار داده شدند یعنی خویشتن را کاملاً در پتوی بیچیده - در این سوره نیز همه موضوع ادامه دارد و شرح به این امر است که آن کدام جامه های است که پیغبر آنها را محکم با خود می گیرد و آنها را پاک همی نماید. قطعاً اینجا ذکر از جامه ای ظاهری نیست بلکه ذکر از اصحاب رضوان الله علیهم می رود و علی الخصوص آن اصحاب که نزد رسول میماندند و تحت تاثیر همنشینی پاک آنحضور ﷺ پیوسته پاک میشدند و از رجز یعنی بلیدی دور میشدند در حالیکه پیش از آن کثیر از ایشان بودند که دوری گزیدن از رجز برای ایشان امکان پذیر نبود. ضمناً رجز را منظور مشرکان مکه نیز میتوانند باشند و فرمان است کاملاً انقطاع روابط به آنها بعمل آورده شود.

در این سوره ذکر از آن نوزده فرشته می رود که به کیفر مجرمان هیچ نوعی نرمی را نشان نخواهند داد. اینجا عدد ۱۹ کنایه ای به چنین استعداد های انسان میکند که ناشی از اشتباه در استفاده این استعدادها میتوان او مستوجب جهنم قرارداد شد. هر کدام عضو از سرتا پای بدن انسان که اگر آنها را آنطور که حق هر یک عضو است بکار گرفته شود آنگاه انسان میتواند از گناهان و لغزشهای مصون بماند و غالباً شمار این اعضا نوزده است. اما شمار هر چه است این سوره بر این امر روشنائی میفکند. لشکرهای خداوند بشمار اند و نباید بر عدد نوزده توقف کرده پنداشت که فقط نوزده فرشته

هستند. فرشتگانی مربوط به عذاب خدای نیز بيشمار اند و بعقوبت انسان فراخورحالش مامور کرده میشوند.

در این سوره پیشگوئی از قمری کرده میشود که خورشید را پیروی کرده ظهور خواهد کرد. این کلام نیز بسیار معناخیز میباشد. همین موضوع در سوره الشمس نیز مذکور است.

☆ سُورَةُ الْمُدَّثَرِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ سَبْعٌ وَخَمْسُونَ آيَةً وَرُكُوعَانِ

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده، بارها رحم کننده (۱)

يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ ②

ای جامه را بر خود کشیده (۲)

قُمْ فَأَنْذِرْ ③

بپاخیز پس هشدار بده (۳)

وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ ④

و پروردگار خود را بزرگ بدار (۴)

وَشِيبَكَ فَطَهِّرْ ⑤

ولباس [یعنی دوستان] خود را بسیار

پاک بنما (۵)

وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ ⑥

و از هر نوع ناپاکی کاملاً دور

باش (۶)

وَلَا تَمُنُّنَّ تَسْتَكْبِرِينَ ⑦

و منت نگذار تا زیادترگیری (۷)

وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ ⑧

و برای پروردگار خود صبر کن (۸)

فَإِذَا نَقَرْنَا فِي النَّاقُورِ ⑨

پس گامیکه در صور دمیده شود (۹)

فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ ⑩

پس آن روزی است که خیلی

سخت باشد (۱۰)

عَلَى الْكُفْرَيْنِ غَيْرُ لَيْسِرٍ ⑪

بر کافران آسان نباشد (۱۱)

ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا ⑫

من و آن را که من آفریده ام تنها

بگذار (۱۲)

وَجَعَلْتُ لَهُ مَا لَمْ مَدُّو دَالًا ⑬

و برای او مالی فراوان قرار

دادم (۱۳)

وَبَنِينَ سُهُودًا ﴿١٤﴾

و فرزندان جلوی نگاه حاضر (۱۴)

وَمَهَّدَتْ لَهُ تَمَهِيدًا ﴿١٥﴾

و من برایش [زمین را] گهواره

پرورش قرار دادم (۱۵)

ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ ﴿١٦﴾

بازهم طمع دارد که بیفزایم (۱۶)

هرگز نه. یقیناً او به آیتهای ما

دشمن بود (۱۷)

كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِإِيْتَا عَيْنِدَا ﴿١٧﴾

یقیناً او را بعدایی مبتلا سازم که

سَأُرْهِقُهُ صَعُودًا ﴿١٨﴾

مدام افزایش مییابد (۱۸)

یقیناً او خوب فکر کرد و اندازه

برد (۱۹)

إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ ﴿١٩﴾

مرگ بر او چگونه اندازه برد (۲۰)

فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ﴿٢٠﴾

بازهم مرگ بر او چگونه اندازه

برد (۲۱)

ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ﴿٢١﴾

سپس نگاه دواند (۲۲)

ثُمَّ نَظَرَ ﴿٢٢﴾

باز ترش رویی کرد و چهره را

درهم کشید (۲۳)

ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ﴿٢٣﴾

بازهم روی برتأبید و تکبر کرد (۲۴)

ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ ﴿٢٤﴾

پس گفت: این جادوئی محض است

فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ ﴿٢٥﴾

که پیروی کرده میشود (۲۵)

نیست این جز گفتار بشر (۲۶)

إِنَّ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ ﴿٢٦﴾

البته او را به جهنم افکنم (۲۷)

سَأُصَلِّيهِ سَقَرَ ﴿٢٧﴾

وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرٌ ﴿٢٨﴾

و چه ترا حالی کند جهنم چه
است (٢٨)

لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ ﴿٢٩﴾

نه چیزی باقی گذارد و نه رها
کند (٢٩)

لَوْ أَحَاطَ لِلْبَشَرِ ﴿٣٠﴾

چهره را میسوزاند (٣٠)

عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ ﴿٣١﴾

بر آن نوزده [نگهبان] است (٣١)

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا

وماکسیرا جز فرشتگان نگهبانان

مَلَائِكَةً ۖ وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً

جهنم قرار ندادیم و تعدادشان را

لِلَّذِينَ كَفَرُوا ۖ لَيْسَتِيقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا

مقرر نداشته ایم جز به آزمایش

الْكِتَابِ وَيَزِدَادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا

آنها که کفر کردند تا یقین کنند

يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ

آنانکه کتاب داده شدند و آنانکه

وَالْمُؤْمِنُونَ ۚ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي

ایمان آوردند در ایمان بیفزایند

قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ

و کسانی که کتاب داده شدند و

اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا ۗ كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ

مومنان مردد نباشند و آنهائیکه

يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ ۗ وَمَا يَعْلَمُ جُودَ

در دلهای ایشان بیماری است و

رَبِّكَ إِلَّا هُوَ ۗ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ

کافران گویند: خدا را به این مثل

لِلْبَشَرِ ﴿٣١﴾

چه اراده است. اینگونه خدا هر

رَبِّكَ إِلَّا هُوَ ۗ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ

که رامیخواهد گمراه میگرداند و

رَبِّكَ إِلَّا هُوَ ۗ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ

هر که رامیخواهد هدایت میدهد

رَبِّكَ إِلَّا هُوَ ۗ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ

و لشکر های پروردگارت را کسی

رَبِّكَ إِلَّا هُوَ ۗ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ

نمیداند جز خودش و این برای

انسان فقط اندرزی است (۳۲)
 باش! قسم به ماه (۳۳)
 و به شب چون پشت گرداند (۳۴)
 و به صبح چون روشن گردد (۳۵)
 یقیناً آن یکی از امور بزرگست (۳۶)
 آدمی را بیم کننده (۳۷)
 تا مر که از شما دوستدارد قدم پیش
 نهد یا عقب بماند (۳۸)
 هر تن رهین است به آنچه کسب
 کند (۳۹)
 جز آنهایی که بطرف راستند (۴۰)
 در بهشتها باشند. از هم بپرسند (۴۱)
 درباره مجرمان (۴۲)
 شما را چه چیزی بداخل جهنم
 کرد؟ (۴۳)
 گویند: ما از نمازیان نبودیم (۴۴)
 و ما به مسکین غذا نمیدادیم (۴۵)
 و با سرگرمان هرزه گوئیها سرگرم
 میشدیم (۴۶)
 و ما به روز جزاء انکار می
 کردیم (۴۷)

كَلَّا وَالْقَمَرَ ۙ
 وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ ۙ
 وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ ۙ
 إِنَّهَا إِلَّا حُدَىٰ الكُفْرِ ۙ
 نَذِيرٌ للبَشَرِ ۙ

لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ ۙ

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ ۙ

إِلَّا أَصْحَابَ اليمينِ ۙ

فِي جَنَّتٍ يُتَسَاءَلُونَ ۙ

عَنِ الْمُجْرِمِينَ ۙ

مَا سَأَلَكُمْ فِي سَقَرٍ ۙ

قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ ۙ

وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ ۙ

وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ ۙ

وَكُنَّا نَكْذِبُ يَوْمَ الدِّينِ ۙ

حَتَّىٰ آتَيْنَا الْيَقِينَ ۝۱۸ ط

حتیّ مرگ بما در رسید (۴۸)

فَمَا تَتَّعِبُهُمْ شِفَاعَةُ الشَّافِعِينَ ۝۱۹ ط

پس شفاعت شفیعان ایشان را

هیچ سودی نبخشد (۴۹)

فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ ۝۲۰ ط

پس چیست ایشان را که از تذکر

روگردانی کرده میروند (۵۰)

كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُّسْتَنَفِرَةٌ ۝۲۱ ط

گوی آنهاخرهای رَم کرده اند (۵۱)

فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ ۝۲۲ ط

که از شیر [ترسیده] با بفرار نهاده

اند (۵۲)

بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَنْ يُؤْتَىٰ

بلکه هر کدام از آنها می خواهد که

[برای ترویج موضع خود] صحیفه

های بتکثیر انتشار یافته داده

شود (۵۳)

صُحُفًا مُّتَشَرَّةً ۝۲۳ ط

هرگز نه بلکه از آخرت نمی

ترسند (۵۴)

كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ ۝۲۴ ط

باش! یقیناً این تذکری است (۵۵)

كَلَّا إِنَّهُ تَذْكِرَةٌ ۝۲۵ ط

پس هر که بخواند آنرا یاد

بدارد (۵۶)

فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ ۝۲۶ ط

و آنان پند نمیپذیرند مگر که خدا

وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ ۝۲۷ ط هُوَ

بخواند و همان اهل تقوی و هم

أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ ۝۲۸ ط

اهل آمرزش است (۵۷)

۷۵ - سورة القيامة

این سوره در ابتدائی دور مکی نازل شد و با بسم الله ۴۱ آیت دارد. سوره گذشته حاکی از اقرار جهنمیان است که آنها بدانعلت عقوبت جهنم کرده شدند که آنان به روز بازپسین انکار میکردند. ناشی از انکار آخرت جرم های بی پایان پدید میآید و سراسر دنیا پرازنساز میگردد. پس سرآغاز این سوره همان روز قیامت گواه قرارداده میشود و هم آن نفس را که تکراراً خویشتن را ملامت میکند. اگر انسان از این ملامت استفاد کند او میتواند که از هزار نوع گناهان ایمن شود.

علت به انکار قیامت از جانب منکران این بیان میشود که آنان میپندارند که وقتی ظاهراً تمامی اعضای بدن ایشان پراکنده شود پس چطور خداوند آنها را گرد میآورد. این فکر آنان بعلمت سراز مطلبی درنیآوردن است. قرآن بارها این مطلب را بوضاحت ارائه داده است که نه بدنهای ظاهری بلکه بدنهای روحانی شما گردآورده خواهند شد. اما دشمن بر این موضع خود پا فشاری نمود تا بتواند بارسول زمان خود تمسخر کند و انکار آخرت را فراخور دانش خویش دلیل عقلانی فراهم آورد.

اموری که در آیت قَادَا بَرَقَ الْبَصَرُ وَ حَسَفَ الْقَمَرُ وَ جَمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ مذکور است را به قیامت نسبت دادن درست نیست. این امور نه از واقعات قیامت بلکه اینها علاماتی دال بر نزدیک بودن قیامت است. زیرا روز قیامت که این نظام عالم بکلی فنا خواهد شد. آنگاه نه خورشید باشد و نه ماه و نه نظام محوری آنها و نه گرفتگی آنها و نه هم کسی روئت کننده آنها وجود خواهد داشت.

فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ يَعْنِي وَتِيكِهِ چشمان خیره شود - مطلبش اینست که در آن روزگار عذابهای هولناک بردنیا نازل خواهد شد.

ضمناً از این فرمایش که آنگاه مکذب را هیچ گریزگاهی نباشد آشکار میگردد که آن نشانه ما به اثبات رساندن صداقت يك موعود خدای بظهور خواهد آمد تا بر منکران اتمام حجت بعمل آید.

گرفتگی خورشید و ماه کی جمع خواهد شد؟ طبق فرمایش آنحضرت ﷺ تفصیلش بدین ترتیب است. در تاریخ های معین همان دریکماه که نامش رمضان است گرفتگی خورشید و ماه صورت خواهد گرفت و طبق فرمایش آنحضرت ﷺ این واقعه علامت از صداقت مهدی ایشان ﷺ میباشد. پس این واقعه بظهور رسیده است. يك پیشگوئی عبارت از این موضوع حضرت مسیح ناصری علیه السلام نیز نموده بودند.

دنبال این، ذکر از يك معجزه دیگر از آنحضرت ﷺ میرود. قرآن کریم کتابی اینقدر بزرگ طی بیست و سه سال نازل شد و حین نزول، ناشی از این اندیشه خود که مبادا فراموش نکنند ایشان ﷺ زبان خود را زود حرکت میدادند. اما خدای متعال ایشان را اطمینان داد که ما هستیم که این قرآن را نازل کرده ایم و همان ما بر جمع آوری کردن آن قدرتمند هستیم. پس قرآن کریم که مدت نزول آن بريك اُمّی بطول بیست و سه سال انجامید بسلامت جمع آوری کرده شد. حضرت مسیح موعود علیه السلام این امر را معجزه ای بزرگ قرار داده میفرمایند که طی این مدت بیست و سه سالگی دشمنان بر آنحضرت ﷺ از هر سو حمله کرده تلاش کردند که ایشان را هلاک کنند. اگر آنها همان پس از نزول بخش قرآن نعوذ بالله موفق میشدند که ایشان

ﷺ را بھلاك برسانند در آنصورت این ادعای که قرآن کتابی کامل است
نعوذ بالله اصلاً دروغ و بی معنی درمیآید.

در پایان این سوره پس از بیان کردن مراحل از آفرینش انسان فرموده
شد که او مدام رو به ترقی است. پس چطور امکان پذیر است که بالآخر او
در محضر خدا حاضر و مسؤل اعمال خویش قرار داده نشود؟

☆ سُورَةُ الْقِيَامَةِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ اِحْدَى وَاَرْبَعُونَ آيَةً وَرُكُوعَانِ

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

بسیار بخشنده. بارها رحمت کند (۱)

باش! سوگند به روز قیامت یاد می

لَا اَقْسِمُ بِیَوْمِ الْقِيَامَةِ ①

کنم (۲)

و باش! نفسی بسیار ملامت کننده

وَلَا اَقْسِمُ بِالنَّفْسِ الْوٰمِیَةِ ②

را گواه میگردانم (۳)

آیا انسان گمان میکند که هرگز ما

اَیْحَسِبُ الْاِنْسَانُ اَلَنْ نُّجْمِعَ

استخوانهایش را جمع نکنیم (۴)

عِظَامَهُ ③

باش! ما قشنگ قادر به این امر ایم

بَلٰی قٰدِرِیْنَ عَلٰی اَنْ نُّسَوِّیَ بِنٰنِهِ ④

که هر بند او را درست کنیم (۵)

حقیقت اینست که انسان دوست

بَلْ یُرِیْدُ الْاِنْسَانُ لَیْفُجِّرَ اٰمَامَهُ ⑤

دارد که پیشروی او گناه کرده

باشد (۶)

یَسْئَلُ اَیَّانَ یَوْمِ الْقِيَامَةِ ⑥

او میپرسد که انجام روز قیامت

تا بچند میکشد (۷)

پس وقتی چشم خیره گردد (۸)

فَاِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ ⑧

و ماه گرفتگی باشد (۹)

وَ حَسَفَ الْقَمَرُ ⑨

ماه و خورشید [در گرفتگی] جمع

وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ⑩

کرده شوند (۱۰)

آنروز انسان گوید گریزگامی

کجا است! (۱۱)

باش! هیچ پناه گامی نیست (۱۲)

پنهامگاه آنروز بسوی پروردگار

تو است! (۱۳)

آنروز انسان آگاه کرده شود به

آنچه او جلوفرستاد و آنچه او باز

گذاشت (۱۴)

حقیقت اینست که انسان بر نفس

خویش دارای بینش است (۱۵)

هرچند عذرهای بزرگ خود

بیآرد (۱۶)

به [وقت قرائت] آن زبان خود را

برای این زودحرکت نده تا به

[خواندن] آن بشتابی (۱۷)

جمع آوری کردن قرآن و تلاوت

آن بر ما است (۱۸)

پس هرگاه ما آنرا خوانده باشیم

پس قرائت آنرا پیروی کن (۱۹)

سپس یقیناً بیانش هم بر ما

است (۲۰)

يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ إِنَّ الْمَفْرُوعَ ۝

كَلَّا لَا وَزَرَ ۝

إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ ۝

يَتَّبِعُوا الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ ۝

بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ ۝

وَلَوْ أَلْفَىٰ مَعَاذِيرَهُ ۝

لَا تَحْرِكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ ۝

إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ ۝

فَإِذَا قَرَأَهُ فَأَتَّبِعْ قُرْآنَهُ ۝

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ ۝

مشدار ابلکه شما دنیا را دوست

دارید (۲۱)

و آخرت را نادیده میگیرید (۲۲)

در آن روز بعضی چهره ها زیبا و

تروتازه باشند (۲۳)

بسوی پروردگار خود چشم به

راه (۲۴)

و آنروز بعض چهره ها کریه

باشند (۲۵)

یقین کنند که سلوکی پشت شکن

کرده شوند (۲۶)

مشدار! هنگامیکه جان به حنجره

رسیده باشد (۲۷)

و گفته شود کیست افسونگر (۲۸)

و حدس زند اینک [وقت] جدائی

است (۲۹)

و ساق بساق بر خورد (۳۰)

آنروز بسوی پروردگار تو راندن

است (۳۱)

پس او نه تصدیق کرد و نه نماز

خواند (۳۲)

كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ ۝۱

وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ ۝۲

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاصِرَةٌ ۝۳

إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ ۝۴

وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ ۝۵

تَظُنُّ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ ۝۶

كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ ۝۷

وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ ۝۸

وَوَضَّأَتْهُ الْفِرَاقِي ۝۹

وَأُتْقَتِ السَّاقِ بِالسَّاقِ ۝۱۰

إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقِي ۝۱۱

فَلَا صَدَّقَ وَلَا صَلَّىٰ ۝۱۲

وَلَكِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى ﴿۳۳﴾

بلکه تکذیب کرد و روی
برتابید (۳۳)

ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَمْتَطِي ﴿۳۴﴾

سپس خرامنده بسوی اهل خود
رفت (۳۴)

أُولَىٰ لَكَ فَأُولَىٰ ﴿۳۵﴾

مرگ بر تو باز مرگ بر تو (۳۵)
بازهم مرگ بر تو باز مرگ
بر تو (۳۶)

ثُمَّ أُولَىٰ لَكَ فَأُولَىٰ ﴿۳۶﴾

آیا انسان گمان کند بی‌لجام ترک
کرده شود؟ (۳۷)

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى ﴿۳۷﴾

آیا او قطره ای منی نبود که
انداخته میشود (۳۸)

أَلَمْ يَكْ نُظْفَةٌ مِّنْ مَّنِيَّ يُمْنِي ﴿۳۸﴾

سپس او خونی بسته گردید. پس
او وی را آفرید پس وی را توازن
اعطاء کرد (۳۹)

ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ فَعَلَقَ فَسَوَّىٰ ﴿۳۹﴾

پس از آن دوجفت ساخت یعنی
نروماده (۴۰)

فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ ﴿۴۰﴾

آیا آن بر این توانا نیست که
مردگان را زنده نماید؟ (۴۱)

أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَدْرِ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ ﴿۴۱﴾

۷۶ - سورة الدهر

این سوره حین دور ابتدائی مکی نازل شد و با بسم الله ۳۲ آیت دارد. در این سوره توجه انسان به آغازش جلب کرده گفته میشود بر او چنین روزگاریز گذشته است که او چیزی لایق ذکر هرگز نبود. حالانکه انسان از زمانی که بوجود آمد لایق ذکر بوده است. پس اینجاسخن ازحالتهای ابتدائی انسان گفته اشاره میشود که او از چنین روزگار ابتدائی و ارتقائی گذشته است که او چیزی لایق ذکر هرگز نبود. بقرار معلوم این آن روزگار است که قوه گویائی هنوز حتی به مرغان نیز اعطاء نشده بود و يك خاموشی کامل سراسر زمین را فراگرفته بود. انسان از آن پدید آورده شد و سپس او سمیعاً بصیراً ساخته شد - هم شنوا و هم بینا. پس خدای که خاک زمین را قوه شنوائی و گویائی بخشید او قدرتمند بر این امر نیز است که او را دوباره بیفریند و حساب شنوائی و بینائی را از او بگیرد.

سپس سخن از صفات خصوصی از بهشتیان گفته میشود که ایشان احسان برکسی بدینعلت نمیکند که پاداش آن بر دارائی ایشان افزوده شود. هرگاه ایشان حسن عمل را برکسی نشان دهند اعلام ایشان اینست که ما اینکار فقط به دنبال خوشنودی خداوند میکنیم و ما ببدل این از شما پاداش و سپاس را تمنا هرگز نداریم.

☆ سُوْرَةُ الذَّهْرِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ اثْنَتَانِ وَثَلَاثُونَ آيَةً وَرُكُوعَانِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بسیار بخشنده. بارها رحمکننده (۱)

هَلْ أَلَىٰ عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الذَّهْرِ لَمْ

آیا بر انسان از روزگار لمح ای آمد

که او هیچ هم قابل ذکر نبود (۲)

يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا ②

یقیناً ما انسان را آفریدیم از نطفه

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ ③

مرکب که آنرا ما به شکلهای گونا

تَبْتَلِيهِ وَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا ④

گون در میآریم. پس او را شنوایی

بینایی ساختیم (۳)

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا

یقیناً ما او را به راه راست هدایت

كَفُورًا ⑤

دادیم. خواه سپاسگذار باشد خواه

ناسپاسی کننده (۴)

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلًا وَأَغْلَا

یقیناً ما برای کافران زنجیرها و

وَسَعِيرًا ⑥

طوقها و آتشی شعله ور مهیا کرده

ایم (۵)

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ

البته نیکان جام هائی خورند که

مِرَاجِبًا كَأْفُورًا ⑦

در آن آمیختگی کافور باشد (۶)

جشمه ای که بندگان خدا از آن

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا

بیآشامند. آنرا شکافته خوب باز

تَفْجِيرًا ⑧

کنند (۷)

ایشان نذرما را وفا میکنند و می ترسند از روزی که شرش پراکنده است (۸)

يُوقُونَ بِالَّذِي وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ
مُسْتَطِيرًا ⑧

و طعام را با وجود دوست داشتنش مسکینان و یتیمان و اسیران را تغذیه میکنند (۹)

وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مَسْكِينًا
وَيَتِيمًا وَاسِيرًا ⑨

ما شما را فقط برای خوشنودی خدا میخورانیم و هیچ پاداشی و سیاسی از شما نمیخواهیم (۱۰)

إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ
جَزَاءً وَلَا شُكْرًا ⑩

یقیناً ما میترسیم از پروردگار خود روزی را که ترشروی وحشت ناک باشد (۱۱)

إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا
قَمْطَرِيرًا ⑪

پس خدا ایشان را از شر آنروز نجات داد و ایشانرا تروتازگی و سرور در داد (۱۲)

فَوَقَّاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ
نَصْرًا وَسُرُورًا ⑫

و ایشانرا پاداشی داد بدانملت که صبر کردند بهشتی و يك نوع ابریشم (۱۳)

وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا ⑬

ایشان در آن بر تختها تکیه زده باشند. ایشان نیند در آن آفتابی سخت و نه سرمای سخت (۱۴)

مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ
فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمَهْرِيرًا ⑭

و سایه های آن بر ایشان نزدیک
آمده و خوشه های آن بطرف پائین
خمیده شود (۱۵)

و بدور آورده شود بر آنان جام های
از نقره و جام های که از بلور
باشد (۱۶)

بلورها از نقره که آنان آنها را با
زبردستی ترکیب کرده باشند (۱۷)

و ایشان در آن جامهای نوشانده
شوند که آمیزش زنجبیل دارد (۱۸)
چشمه ی در آن باشد که سلسبیل
خوانده شود (۱۹)

و پسرانی جاودان برایشان دور
زنند چون ایشان را بنگری آنان
را مرواریدهای پراکنده خواهی
پنداشت (۲۰)

و وقتی بنگری سپس آنجا نعمتی
و ملکی بزرگ خواهی دید (۲۱)
برایشان جامه های ابریشمی نازک
و دیبای ستبر باشد و بادستبندهای
نقره مزین کرده شوند و پروردگار

و دَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلُّهَا وَذُلَّتْ قُضُوفُهَا
تَذَلِيلًا ⑩

و بعضی بجز اولیای علی (علیه السلام) را در این
آیه از آنجا که در حدیث آمده است که او را
نقره و بلور دادند و او را جامه های ابریشمی
پوشانیدند و او را با دستبندهای نقره مزین
کردند و او را مرواریدهای پراکنده دادند

و يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِانِيَّةٍ مِّنْ فِضَّةٍ
وَ أَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا ⑪

قَوَارِيرًا مِنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا ⑫

و يُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَتْ مِرْجَابًا
زَنْجَبِيلًا ⑬

عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا ⑭

و يُطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ إِذَا
رَأَوْهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنشُورًا ⑮

وَ إِذَا رَأَيْتَ ثَمْرًا رَأَيْتَ نَعِيمًا وَ مَلَكًا
كَيِّرًا ⑯

عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٌ خُضْرٌ
وَ اسْتَبْرَقٌ وَّ حُلُوعًا أَسَاوِرَ مِنْ

ایشان شرابی پاک به ایشان
بنوشاند (۲۲)

یقیناً اینست پاداش شما و از
کوشش های شما سپاسگذاری
شود (۲۳)

یقیناً ما هستیم که قرآن را بر تو
با تدریجی شکومند نازل کرده
ایم (۲۴)

پس برای [عمل بر] فرمان پرورد
گار خود شکبیا باش و در آنها
هیچ گنهار و ناسپاس را بیروی
نکن (۲۵)

و نام پروردگار خود را صبح و
شام ذکر کن (۲۶)

و باره از شب برای او سجده
کنان باش و بطول شب او را
تسبیح بگو (۲۷)

یقیناً این مردم دنیا را دوستدارند
و ورای خودشان روزی سنگین
را نادیده میگیرند (۲۸)

ماایشان را آفریده ایم و اندامهای

فَصَّصَتْ وَ سَقَّمَهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا ۱۱

إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَ وَكَانَ سَعْيَكُمْ
مَشْكُورًا ۱۲

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا ۱۳

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَطِعْ مِنْهُمْ
إِيمًا أَوْ كُفُورًا ۱۴

وَ اذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَ آصِيلًا ۱۵
وَ مِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَ سَبِّحْهُ لَيْلًا
طَوِيلًا ۱۶

إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَ يَذَرُونَ
وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا ۱۷

نَحْنُ بَخْلَقْنَاهُمْ وَ شَدَدْنَا أَسْرَهُمْ ۱۸

وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَلَهُمْ تَبْدِيلًا ﴿۲۹﴾

ایشان را نیرومند ساختیم و
هرگاه بخواهیم صورتهای ایشان
را یکسره تبدیل نمائیم (۲۹)

إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ﴿۳۰﴾

یقیناً این تذکری بزرگ است
پس هرکه بخواهد راهی بسوی
پروردگار خود را بگزیند (۳۰)

وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿۳۱﴾

و شما نمیتوانید بخواهید مگر
آنچه خدا بخواهد. یقیناً خدا
صاحب علم دائمی صاحب حکمت
است (۳۱)

يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ ۗ وَالظَّالِمِينَ
أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿۳۲﴾

هرکه را میخواهد بداخل رحمت
خود مینماید و نسبت به ستمکاران،
او برای آنها عذابی دردناک مهیا
کرده است (۳۲)

۷۷ - سوره المرسلات

این سوره در مکه نازل شد و با بسم الله ۵۱ آیت دارد.

بمحض آغاز این سوره آن رویدادهای استقبالی که به زمان آخرین وابستگی دارد عنوان شده است و ذکر از پیشرفت علمی آن زمان بعنوان گواه قرار داده گفته میشود که آن خدای که به امور غیب مطلع ساخته است او توانا به این امر نیز است که هر نوع انقلاب را برپا نماید. بدنبال این موضوع سخن از چنین پروازکنندگان میرود که در ابتدا آهسته آهسته به پرواز آمده و شکل طوفانی تندوز را اختیار میکنند. در زمان کنونی هواپیماهای که با سرعت بسیار پرواز میکنند نیز با همین حالت همراه اند. آنها کم کم به حرکت کردن گرفته و ببعد با سرعتی بسیار پرواز میکنند. در زمان جنگ با دشمن بوسیله این هواپیماها جزوه هایی افشانده میشود و این عمل از افشاننده جزوه ها بمنزله این اعلام است که اگر شماها با ما باشید ما مددگار شما خواهیم بود و الا هیچکس نتواند شمارا از جنگ ما نجات دهد.

سپس فرمود وقتی ستارگان در آسمان تیره شوند و انسان تدبیر کند که بر آسمان بالا رود. اینجا تیره شدن ستارگان دال بر این امر معلوم میشود که وقتی دوره اصحاب رضوان الله علیهم بگذرد و آن نور که امت آنحضرت صلی الله علیه و آله بعد از ایشان بوسیله اصحاب همچون ستارگان بدست میآورد آنها تیره خواهد شد.

سپس فرمود، وقتی ریشه های ابرقدرتهای کوه مانند، برکنده شود و همه ای رسولان برانگیخته شوند. درباره این آیت علماء به پیدا کردن این سوء

تفاهم تلاش میکنند که این منظره مربوط به قیامت است. اما بدیهی است که روز قیامت که هیچ کوهی برکنده نشود و رسولان نیز نه برای قیامت بلکه برای این دنیا بموت میشوند. پس پیدا است که مطلب اینست که طبق پیش گوئی قرآن از برکت غلامی و اطاعت آنحضرت ﷺ چنین پیغمبری ظهور کند که ظهورش دال بر ظهور کردن همه ای رسولان گذشته خواهد بود یعنی از کوششهای آن وجود والای شان امت هر کدام پیغمبر گذشته بداخل امت آنحضور ﷺ خواهند شد.

جنگهای مذکور را یکی علامت اینست که آنها دارای تشکیلاتی سه گانه یعنی نیرو زمینی، نیرو هوایی و نیرو دریائی میباشد و در این جنگها چنین شعله های از آسمان می بارد که همچون قلمه های خواهد بود و چنین بنظر خورد که آن شعله ها شترانی زرد رنگ است. این دو آیت به اثبات میرساند که این کلام تمثیلی است زیرا که در زمان آنحضرت ﷺ جنگهای را با اینچنین کیفیت تصور هم وجود نداشت. بنابراین این يك پیشگوئی است از جانب آن علیم و خبیر که به حالات آیندگان نیز مدام آگاه است.

☆ سُورَةُ الْمُرْسَلَاتِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ إِحْدَى وَخَمْسُونَ آيَةً وَرُكُوعَانِ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده، بارها رحم کننده (۱)

وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا ②

سوگندبه فرستادگان از بی هم (۲)

فَالْعَصْفِ عَصْفًا ③

باز بسرعت بسیار تند دروندگان (۳)

وَالنَّشْرِ نَشْرًا ④

و [بیفام را] خوب منتشر کنند

گان (۴)

پس خوب تشخیص داده جدا

فَالْفُرْقَةِ فَرَقًا ⑤

کنندگان (۵)

پس هشدار داده [صحیفه ها]

فَالْمَلْقِيَةِ ذِكْرًا ⑥

افکنندگان (۶)

بعنوان حجتی یا تنبیه ای (۷)

عُدْرًا أَوْ نُذْرًا ⑦

یقیناً از آنچه بیم داده شوی حتمی

إِنَّمَا تَوْعَدُونَ لَوَاعِعًا ⑧

الوقوع است (۸)

پس زمانی که ستارگان بی نور

فَإِذَا النَّجُومُ طُمِسَتْ ⑨

شوند (۹)

و زمانیکه به آسمان شکافهای

وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ ⑩

[گوناگون] داده شود (۱۰)

و زمانیکه کوه ها از بیخ برکنده

وَإِذَا الْجِبَالُ سُفَّتْ ⑪

شوند (۱۱)

و زمانیکه رسولان بوقت معین
آورده شوند (۱۲)

برای کدام روز وقت ایشان
مقرر شده بود؟ (۱۳)

برای روز قضاوت نهایی (۱۴)

و تو را چه چیزی حالی کند که
روز قضاوت نهایی چیست؟ (۱۵)

آنروز مکذبان را هلاک است (۱۶)

آیا پیشینیان را هلاک نکردیم؟ (۱۷)

پس پسینیان را دنبال آنان می
آریم (۱۸)

به مجرمان رفتار اینطور می
کنیم (۱۹)

مکذبان را آنروز هلاک است (۲۰)

آیا شمارا از آبی حقیر خلق
نکردیم؟ (۲۱)

پس آیا آنرا در آرامشگامی ایمن
ننهادیم؟ (۲۲)

تا اندازه ی معلوم (۲۳)

پس [آنرا] ترکیب کردیم. پس ما
چه خوب ترکیب کنندگانیم (۲۴)

وَإِذَا الرُّسُلُ أَقْبَتَتْ^ط

لَا إِلَهَ إِلَّا يَوْمَ آجَلَتْ^ط

لِيَوْمِ الْفَصْلِ^ج

وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الْفَصْلِ^ط

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ^ط

أَلَمْ نُهَكَ الْأَوَّلِينَ^ط

ثُمَّ نَتَّبِعُهُمُ الْآخِرِينَ^ط

كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ^ط

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ^ط

أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ^ط

فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ^ط

إِلَى قَدَرٍ مَّعْلُومٍ^ط

فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ^ط

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٢٥﴾

مکذبان را آنروز هلاک است (۲۵)

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا ﴿٢٦﴾

آیا زمین را فرا گیرنده قرار نه

دادیم (۲۶)

أَحْيَاءٍ وَأَمْوَاتًا ﴿٢٧﴾

زنده ها و مرده ها را (۲۷)

وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ

و در آن کوههای بلند نهادیم و شمارا

وَأَسْقَيْنَكُم مَّاءً فُرَاتًا ﴿٢٨﴾

با آبی گوارا سیراب کردیم (۲۸)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٢٩﴾

مکذبان را آنروز هلاک است (۲۹)

إِنظَلِقُوا إِلَى مَا كُنتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ﴿٣٠﴾

بروید بسوی آنچه که شما آنرا

تکذیب میکردید (۳۰)

إِنظَلِقُوا إِلَى ظِلِّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ ﴿٣١﴾

بروید بسوی سایه سه شاخه (۳۱)

نه آرامش بخشد و نه از شعله های

آتش نجات دهد (۳۲)

لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ ﴿٣٢﴾

یقیناً آن شعله های به کاخ ماننده

پرتاب کند (۳۲)

إِنهَاترُمِي إِشْرَارٍ كَالْقَصْرِ ﴿٣٣﴾

گوی آن [شعله ها] بماننده شترهای

كَأَنَّهُ جُمَلَتْ صُفْرًا ﴿٣٤﴾

زرد رنگ است (۳۴)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٣٥﴾

مکذبان را آنروز هلاک است (۳۵)

هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ ﴿٣٦﴾

اینست آنروز که گنگ شوند (۳۶)

و آنها را رخصت داده نشود که

عذر بیارند (۳۷)

وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ ﴿٣٧﴾

مکذبان را آنروز هلاک است (۳۸)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٣٨﴾

اینروزتفاوتست [برای آنچه] شما

و پیشینیان را جمع کردیم (٣٩)

پس اگر شمارا هیچ تدبیری است

پس بکارم بندید (٤٠)

مکذبان را آنروز هلاک است (٤١)

یقیناً متقیان باشند در سایه ما و

چشمه سارها (٤٢)

و میوهها که آنها را دوستدارند (٤٣)

بخورید و بیآشامید خوشمزه بعوض

آن عمل که میکردید (٤٤)

یقیناً مانیکوکاران را پاداش این

طور میدهم (٤٥)

مکذبان را آنروز هلاک است (٤٦)

بخورید و کمی بهره بکشید یقیناً

شما گنهار مستید (٤٧)

مکذبان را آنروز هلاک است (٤٨)

چون گفته شوند کمر بتعظیم خم

کنید کمر خم نمیکند (٤٩)

مکذبان را آنروز هلاک است (٥٠)

پس بعد از این به کدام سخن

ایمان خواهند آورد؟ (٥١)

هَذَا يَوْمَ الْفَصْلِ جَمَعْنَاكُمْ

وَالْأَوْلَىٰ ٣٩

فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكَيْدُكُمْ ٤٠

وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ٤١

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلِّ وَعُيُونٍ ٤٢

وَفَوَاحِشٍ يُسْتَهْوُونَ ٤٣

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ٤٤

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ٤٥

وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ٤٦

كُلُوا وَتَمَعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُّجْرِمُونَ ٤٧

وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ٤٨

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ارْكَعُوا أَلَا يَرْكَعُونَ ٤٩

وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ٥٠

فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ٥١

۷۸-سورة النَّبَا

این سوره حین دوره ابتدائی مکی نازل شد و با بسم الله ۱ آیت دارد. در سوره قبلی المرسلات يك سوال اساسی از جانب کافران مطرح شده بود که انجام یوم الفصل تا بچند میکشد تا درست و نادرست را جدا افکند. در پاسخ این پرسش در سوره النَّبَا این "نَبَا عَظِيم" یعنی خبری بزرگ داده میشود که آن "یوم الفصل" رسیده است. در همین سوره فرموده شد که "یوم الفصل" وعده ای نابرگشتنی و حتمی الوقوع بود.

سپس این سوره خجسته حاکی از صورتهای گوناگون از یوم الفصل است. نخست خدای متعال مجدداً ذکر از آن نظام مینماید که آب را از آسمان میباراند و غذا را از زمین درمیآرد. پس توجه به این امر جلب کرده میشود که نوع انسان از این نظام بهره برداری نمیکند و نه تفکر میکنند که آب زلال آسمانی که درحقیقت آب هدایت روحانی است. بعلت کفراز این آب آفتهای که بر آنها افتاده و یاخواهد افتاد ذکر از آنها دراین سوره یافت میشود.

درپایان این سوره اعلام خطر مهمی شده است که اگر انسان زندگی را بر همین منوال بغفلت بگذرانند پس انجام کاراین حسرتی دردناک را اظهار خواهد نمود که کاشکی من همان از پیش به خاک فرو میرفتم و باز ازخاک در صورت انسان برخیزانده نمیشدم.

☆ سُوْرَةُ النَّبَاِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ اِحْدَى وَاَرْبَعُوْنَ اَيَّةً وَرُكُوْعَانِ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

بسیار بخشنده بارها رحیمکننده (۱)

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ ②

درباره چه از مدیگر میپرسند (۲)

عَمَّ
يَتَسَاءَلُونَ

عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيْمِ ③

درباره خبری بسیار بزرگ (۳)

[این] همان [خبر] است که آنها در

الَّذِي هُمْ فِيْهِ مُخْتَلِفُونَ ④

موردش بهم اختلاف دارند (۴)

باش احتمالاً آنها بدانند (۵)

كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ⑤

باز هم باش احتمالاً آنها بدانند (۶)

ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ⑥

آیازمین را بستری قرار ندایم؟ (۷)

اَلَمْ نَجْعَلِ الْاَرْضَ مِهْدًا ⑦

و کومها را میخهای پیوسته (۸)

وَالْجِبَالَ اَوْتَادًا ⑧

و شما را جفتهایی آفریدیم (۹)

وَ خَلَقْنَاكُمْ اَزْوَاجًا ⑨

و خواب شما را موجب آرامش

وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا ⑩

قرار دادیم (۱۰)

وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِيَاسًا ⑪

و شب را لباسی قرار دادیم (۱۱)

و روز را برای امرار معاش

وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا ⑫

کردن قرار دادیم (۱۲)

و هفت آسمان محکم را فراز شما

وَبَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا ⑬

بنا کردیم (۱۳) ++

++ آیت ۱۳: بعلمت تکثیر استعمال آسمان محذوف است و الا شامل موضوع است.

و چراغی بسیار درخشنده
نهادیم (۱۴)

و از ابرهای پرآب بارانی تند و
ریز بارانیدیم (۱۵)

تا بدان برویانیم حبوبات و
نباتات را (۱۶)

و باغهای پردرخت (۱۷)
یقیناً روز قضاوت را وقتی معین
است (۱۸)

روزیکه در صور دمیده شود و
شما فوج در فوج بیآیید (۱۹)
و آسمان گشوده شود پس دارای
دربهای گردد (۲۰)

و کوهها بحرکت آورده شوند و
بسوی نشیب متحرک گردند (۲۱)
یقیناً دوزخ درکمین است (۲۲)

سرکشان را بازگشتگاه (۲۳)
آنها در آن قرن‌ها مکث کنند (۲۴)
هرگز نچشند در آن چیزی خنک و
نه نوشابه ای (۲۵)

جز آبی جوشان و چرکابه ای

وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا ﴿١٤﴾

وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ﴿١٥﴾

لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا ﴿١٦﴾

وَجَنَّتِ الْفَاقَاتُ ﴿١٧﴾

إِنَّ يَوْمَ الْفُضْلِ كَانَ مِيقَاتًا ﴿١٨﴾

يَوْمَ يَنْفُخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا ﴿١٩﴾

وَفَتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا ﴿٢٠﴾

وَسُورَتِ الْجِبَالِ فَكَانَتْ سَرَابًا ﴿٢١﴾

إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا ﴿٢٢﴾

لِللَّظَاغِينِ مَا بَابًا ﴿٢٣﴾

لِيُشِيقْنَ فِيهَا أَحْقَابًا ﴿٢٤﴾

لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا ﴿٢٥﴾

إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا ﴿٢٦﴾

- جراحتها (۲۶) جَزَاءٌ وَّوَفَا قًا ۱۷
- این پاداشی مناسب به اعمال است (۲۷) اِنَّهُمْ كَانُوْا اِلٰی رَبِّهِمْ اَشْكٰرًا ۱۸
- یقیناً آنها به محاسبه امید نداشتند (۲۸) وَكَذَّبُوْا بِآيٰتِنَا كِذْبًا ۱۹
- و به آیتهای ما بشدت تکذیب کردند (۲۹) وَكُلُّ شَيْءٍ اَخْصَيْنٰهُ كِتٰبًا ۲۰
- و ما هر چیزی را به کتابی نگ داشته ایم (۳۰) فَذُوْ قُوْا فَلَنْ نَّزِيْدَكُمْ اِلَّا عَذَابًا ۲۱
- پس بجشید. پس ما شمارا نیفزایم جز در عذاب (۳۱) اِنَّ لِلْمُتَّقِيْنَ مَفٰزًا ۲۲
- البته متقیان را کامرانی بزرگ است (۳۲) حٰدٰثًا وَّاعْنَابًا ۲۳
- باغها و درختان انگور (۳۳) وَكُوَاعِبَ اَثْرًا ۲۴
- و دخترانی همسال (۳۴) وَكَاسًا وَّهٰقًا ۲۵
- و جامهای لبریز (۳۵) لَا يَسْمَعُوْنَ فِيْهَا لَغْوًا وَّ لَا كِذْبًا ۲۶
- و نشنوند در آن مرزوه گوئی و نه دروغی را (۳۶) جَزَاءً مِّنْ رَّبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا ۲۷
- این پاداشی است از پروردگار تو کاملاً سنجیده (۳۷) رَبِّ السَّمٰوٰتِ وَّالْاَرْضِ وَّمَا بَيْنَهُمَا
- از پروردگار آسمانها و زمین و آنچه

الرَّحْمَنِ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا ۝۳۸

میان آندو است یعنی از رحمان
است - اختیار ندارند با اوسخن
گویند(۳۸)

يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلِكَةُ صَفًّا لَا
يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ
وَقَالَ صَوَابًا ۝۳۹

روزیکه روح القدس و فرشتگان
صف کشیده بپا ایستاده باشند و
لب به سخن نگشایند مگر آنکه را
رحمن اجازه دهد و سخنی درست
گوید(۳۹)++

ذَلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ
رَبِّهِ مَا بَاءً ۝۴۰

آن روز الحق است. پس هر که
دوست دارد بازگشتگامی بسوی
خدا بگزیند(۴۰)

إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ
الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكٰفِرُ
يَلِيَّتِي كُنْتُ تُرَابًا ۝۴۱

یقیناً ما شمارا درباره عذابی نزدیک
هشدار داده ایم. روزیکه هر کس
رو بروی خود ببیند هر چه دودست
او پیش فرستاد و کافر گوید.
کاشکی خاکی میشدم(۴۱)

++ آیت ۳۹: روز قیامت هیچکس مجاز نیست که شفاعت کند مگر به اجازه خدا.
ناشی از ترس خدا خموشی کامل فرا گرفته باشد و هر که حرف زند فقط درست
حرف زند. هیچکس جرعت نداشته باشد که در حضور خدا دروغ گوید.

۷۹ - النازعات

این سوره در دوره ابتدائی مکی نازل شد و با بسم الله ۴۷ آیت دارد. طبق اسلوب قرآن یکبار دیگر تذکر از عذابهای دنیائی و کارزارها داده میشود و بوضاحت کشفی ذکر از چنین جنگهایست که در آنها ناوگانی زیر آب بکارگرفته شوند. وَالنَّازِعَاتِ غَرَقًا رايك معناينست که آن رزمنده ها زیر آب رفته برای این حمله کنند که دشمن را غرق نمایند و بر هر کدام پیروزی خویش شادمان میشوند و بدینسان این مسابقه دوجنگ وجدال در تلاش برتری برهمدیگرتمام میشود و مردوجانب دشمن همدیگر نیرنگ های بزرگ را خلاف همدیگر میزنند.

وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا را معنا شناوراند خواه آنها زیر آب شناکنند یا بر سطح آب. و بعض وقت ناوگانی زیر آب وقتی پیروزی بدست آورند روی سطح آب برمیآیند.

خلاصه از هیبت این جنگها چنین لرزه براندام افتد که قلب از آن میتپد و چشمان بسته شود. پس از این تاراجگری دنیا وجدان انسان این سوال را مطرح میکند که آیا ما دوباره از مردگان زندگان شویم با آنکه استخوان های ما پوسیده خاکستر گردد؟ فرمود، یقیناً همینطور خواهد بود و صدای هشدار دهنده چون رعد صدا کند که ناگهان ایشان خویشان را در محشر خواهند یافت.

سپس ذکر از حضرت موسی علیه السلام شروع میشود. ایشان بسوی فرعون فرستاده شدند که او مدعی به مقام خدایی شده بود و به آخرت شدیداً انکار میکرد. چون حضرت موسی بدو پیغام حق دادند جواباً او منم

زده گفت که خدای متعال تو منم. بدنبال این فیسش خدای متعال او را بنحوی بگیرفت که مایهٔ عبرت برای اولین و آخرین قرار گرفت. اولین که لشکریانش را بفرق فرو رفته تماشا کردند و آخرین کالبدی بفرق رفته و نجات یافته را. خداوند او را بعنوان درس عبرت از مرگ ظاهری درچنین حالتی نجات داد که او تا عمر طولانی مبتلا به زدوخورد زندگی و مرگ جان خویش را در حالی باخت که جسدش مومیائی کرده بعنوان مایه عبرت برای آیندگان نگه داشته شد.

سپس این سوره با ذکر این پرسش پایان میپذیرد که ظهور آمدن آن ساعت قیامت تا بچند میکشد؟ فرمود، چون آن ظهور کند آنگاه خوب آشکار گردد که منتها برگشت همه چیزها بسوی پروردگارش است و ای رسول! تو فقط او را میتوانی بترسانی که از این ساعت هیبت دارد. روزیکه آنها آنرا ببینند پس زندگی دنیا را چنین احساس کنند که از چند لمحہ بیش نبود.

☆ سُورَةُ النَّازِعَاتِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ سَبْعٌ وَأَرْبَعُونَ آيَةً وَرُكُوعَانِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ① بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

سوغندبه آنها که فرورفته برکشند

وَالزُّرْعَاتِ غَرَقًا ②

[یا برای بفرق بردن بگشند] (۲)

و به بسیار شادمانی کنندگان (۳)

وَالنُّشُطِ نَشْطًا ③

و به تشنگ شنا کنندگان (۴)

وَالسَّيِّحَاتِ سَبْحًا ④

پس به از همدیگر پیشی گرفته

فَالسَّيِّقَاتِ سَبْقًا ⑤

گان (۵)

فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا ⑥

پس به کارهای مهم را تدبیر

دفعه اول

کنندگان (۶)

روزیکه لرزنده سخت بلرزد (۷)

يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ ⑦

بدنبالش آید دنبالش آینده (۸)

تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ ⑧

دلها آنروز سخت بتپد (۹)

قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ ⑨

چشمان آنها فرومشته باشد (۱۰)

أَبْصَارُهُمْ خَائِفَةٌ ⑩

گویند: آیا یقیناً ما به حالت اولین

دفعه دوم

خود بازگردانده شویم؟ (۱۱)

يَقُولُونَ ءَأِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ ⑪

آیا بآنکه استخوان های پوسیده

ءَاِذَا كُنَّا عِظَامًا نَخِرَةً ⑫

شدیم (۱۲)

گویند: آنگاه این برگشت بسیار

دفعه سوم

قَالُوا تِلْكَ إِذْ أَكَرَّةٌ خَاسِرَةٌ ⑬

زیان آور باشد (۱۳)

پس [گوش کنید] این فقط [صدای]

سرزندی بزرگست (۱۴)

پس ناگاه آنها در میدانی وسیع

باشند (۱۵)

آیا به تو خبر موسی آمد؟ (۱۶)

وقتی او را پروردگارش در وادی

مقدس طوی ندا کرد (۱۷)

برو بسوی فرعون که او گردنکش

است (۱۸)

پس بگو: آیا برای تو ممکن است

که پاکیزگی اختیار کنی؟ (۱۹)

و ترا بسوی پروردگارت هدایت

کنم تا تو بترسی (۲۰)

پس او را آیتی بزرگ نشان داد (۲۱)

پس او تکذیب کرد و نافرمانی

کرد (۲۲)

سپس روی برتابیده تند رفت (۲۳)

پس او [مردم را] جمع کرد و ندا

زد (۲۴)

پس گفت: منم پروردگار متعال

فَاتَّمَاهِيَ زَجْرَةً وَاحِدَةً ۞

فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ ۞

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى ۞

إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ۞

إِذْ هَبُّ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى ۞

فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَى أَنْ تَزَكَّى ۞

وَأَهْدِيكَ إِلَى رَبِّكَ فَتَحْتُمُنِي ۞

فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَى ۞

فَكَذَّبَ وَعَصَى ۞

ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَى ۞

فَحَشَرَ فَنَادَى ۞

فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى ۞

شما (۲۵)

پس خدا او را به کیفری عبرتناک
دنیا و آخرت بگرفت (۲۶)

یقیناً در این برای او که میترسد
عبرتی بزرگ است (۲۷)

آیاتخلیق شماسخترست یا آسمانی
که او آنرا بنا کرده است (۲۸) ++
او افراستگی اش را بلند کرد پس
آن را آراستید (۲۹)

پس شیش را پوشاند و بامدادش را
بیرون آورد (۳۰)
و بعد آن زمین را هموار
ساخت (۳۱) ++

از آن آبش و علفش رادر آورد (۳۲)
و محکم نمود کوه ها را (۳۳)

فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْأَخْرِقِ وَالْأُولَىٰ ۗ

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَنْ يَخْشَىٰ ۗ

ءَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمِ السَّمَاءُ ۗ بَنَاهَا ۗ

رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّيْنَاهَا ۗ

وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا ۗ

وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا ۗ

أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا ۗ

وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا ۗ

++ آیت ۲۸: خداوند آسمان را خلق کرد. این تخلیق آنقدر حیرت انگیز و مبنی برجین

قدرتی بزرگست که در مقابلش تخلیق انسانی را هیچ هم ارزش نیست اگرچه او
موشک های سازد یا هواپیما و ناوگانی زیر آب. همینطور تخلیق خود انسان دارای
چنین هنرمندی است که هرچند بر آن تدبیر کرده شود منظره های لامتناهی از
هنرمندیها و قدرتهای خداوندی آشکارتر میشود.

++ آیت ۳۲: برای این معنای مرغی مراجعه شود مفردات امام راغب رحمت الله

علیه.

بطور سامان معیشت برای شما و
برای دامهای شما (۳۴) ++

پس وقتی آفتی بزرگ بیاید (۲۵)
آنروز انسان بیاد آورد آنچه کوشش
کرد (۳۶)

و جهنم بروز داده شود برای
کسیکه میبیند (۳۷)

پس اما آنکه سرکشی کرد (۳۸)
و زندگی دنیا را برگزید (۳۹)
آنکاه حتمًا همان جهنم ماوی او
است (۴۰)

و اما آنکه از مرتبه پروردگار خود
ترسانست و خود را از اغراض
نفسانی باز میدارد (۴۱)

پس یقینًا جایگامش بهشت
است (۴۲)

درباره قیامت از تو مسئلت میکنند
که برپا شدن آن تا بچند می
کشد (۴۳)

مَتَاعًا لَكُمْ وَلَا نُنْعِمُكُمْ ۞

فَإِذَا جَاءَتْ الظَّامَةُ الْكُبْرَى ۞

يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى ۞

وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَى ۞

فَأَمَّا مَنْ طَغَى ۞

وَأَثَرَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۞

فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى ۞

وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ

عَنِ الْهَوَى ۞

فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى ۞

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا ۞

++ آیت ۳۴: اینجا ذکر است که گوه ها در زمین میخکوب کرده برقرار اند. این بدینعلت است که مرار معیشت انسانها و جانوران به این گوه ها وابسته است.

فِيمَا أَنْتَ مِنْ ذِكْرِهَا ۝^{٤٤}

إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا ۝^{٤٥}

پس از ذکرش تو درجه خیالی (۴۴)
آن بسوی پروردگارت منتهی می
شود (۴۵)

توقفش مگذار دهنده هستی او را
که از این ترسان است (۴۶)

روزی که آنرا بنگرند [فکرکنند که]
گویی [دردنیا] درنگ نکردند جز
شامگاهی یا صبحگاهی اش را (۴۷)

إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ مَّن يَخْشَاهَا ۝^{٤٦}

كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا

إِلَّا عَشِيرَةً أَوْ صَحَابَةً ۝^{٤٧}

ع
٤٧

۳۰- سوره عَبَسَ

این سوره در ابتدای دوره مکی نازل شد و با بسم الله ۴۳ آیت دارد. این سوره نیز حاکی از یکنفر متکبر است که در زمان آنحضرت ﷺ وجود داشت. او برای پرسشی در خدمت ایشان ﷺ آمد. چنانکه آنحضرت ﷺ همواره آرزو داشتند که بنحوی کسی هدایت بیابد پس با وجود تکبرش ایشان با کمال شفقت بسویش متوجه شدند تا آن انتها که حین آن ملاقات مومن نابینای دنبال پرسش سوال حاضر آمد ولی آنحضرت ﷺ حائل بودنش را پسند نفرمودند. باز هم بی میلی خویش را بنحوی اظهار فرمودند که فقط آنکس که مباحثه میکرد می توانست بنگردد ولی آن مومن نابینای که بی توجه بود نیز دلگرا ن نشد. دنبال این سخن خداوند این نصیحت میفرماید، هر کدام که با صفای دل و شوق نزد تو بیآید را هیچگاه با غفلتکاری رفتار نکن و هرگز هر کدام متکبری که دنبال جستجو میآید هر چند از اعیان هم باشد را بر ناتوانان و فروماندگان برتر نشمار.

ضمناً ذکر از عظمت و شأن قرآن مجید شروع میشود که چطور آن کتاب پرده ای را از رازهای مربوط به تخلیق ابتدائی کائنات بر میدارد و حوادثی بزرگ که در پایان این کائنات و روز قیامت رخ دهد نیز بروشنی بیان می شود.

☆ سُورَةُ عَبَسَ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ ثَلَاثٌ وَأَرْبَعُونَ آيَةً وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بسیار بخشنده، بارها را حکمکنده (۱)

او اخم کرد و روی برتابید (۲)

برای اینکه نزد او نابینایی

آمد (۳)

و ترا چه حالی کند که ممکن بود

او پاکی فرا میگرفت (۴)

یابه نصیحت فکر کرده نصیحت او

را سود میداد (۵)

اما آنکه بی پروا است (۶)

بس تو برایش متوجه ای (۷)

حالانکه تکلیف تو نیست اگر او

پاکیزگی فرانگیرد (۸) ++

واما آنکه کوشان نزد تو آمد (۹)

و او [از خدا] میترسید (۱۰)

بس تو از او غافل شدی (۱۱)

باش یقیناً این بندی بزرگست (۱۲)

بس هر که خواهد یادش بدارد (۱۳)

وَقَالَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

عَبَسَ وَتَوَلَّى ②

أَنْ جَاءَهُ الْأَعْيَى ③

وَمَا يَذُرُّكَ لَعَلَّهُ يَزْكَى ④

أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى ⑤

أَمَّا مَنْ اسْتَعْنَى ⑥

فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى ⑦

وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزْكَى ⑧

وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى ⑨

وَهُوَ يَخْشَى ⑩

فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى ⑪

كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ ⑫

فَمَنْ شَاءَ ذَكَّرْهُ ⑬

++ آیت ۸: غریب القرآن

فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ ۝۱۴

در صحیفه های گرامی است (۱۴)

مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ ۝۱۵

بلندپایه ای پاک نگهداشته (۱۵)

بِأَيْدِي سَفَرَةٍ ۝۱۶

بدست نویسندگان اند (۱۶)

كِرَاهٍ بَرْرَةٍ ۝۱۷

که بسیار گرامی، نیکوکارانند (۱۷)

مرگ بر انسان! چقدر ناسپاس

قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ ۝۱۸

است (۱۸)

مِنْ أَيْ شَيْءٍ خَلَقَهُ ۝۱۹

او ویرا از چه چیز آفرید؟ (۱۹)

از نطفه ای - او را آفرید پس او

مِنْ نُطْفَةٍ ۝ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ ۝۲۰

را متناسب کرد (۲۰)

سپس مسیر را برایش آسان

ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ ۝۲۱

نمود (۲۱)

سپس او را میراند و او را به

ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ ۝۲۲

داخل قبر کرد (۲۲) ++

سپس هرگاه بخواهد او را بر

ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ ۝۲۳

انگیزد (۲۳)

باش! بجای نیآورده آنچه او بدو

كَأَلَمَّا يَفِضُ مَا أَمَرَهُ ۝۲۴

امر کرده بود (۲۴)

پس انسان به طعامش بنگرد (۲۵)

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ ۝۲۵

++ آیت ۲۲: لازم نیست که برای هرکس قبری درست شود. بسیار مردم غرق میشوند یا

طعمه جانوران وحشی میشوند. پس اینجا مراد از قبر زمانی پیش از آخرین بعثت

است. بعبارت دیگر بر هر کدام انسان زمانی قبرسان خواهد آمد.

یقیناً ما خوب آب بارانیدیم (۲۶)
 سپس زمین را خوب شکافتیم (۲۷)
 پس رویانیدیم در آن حبوبات (۲۸)
 و انگور و سبزی جات (۲۹)
 و زیتون و خرما (۳۰)
 و باغهای پردرخت (۳۱)
 و میوه ها و علف را (۳۲)
 که برای شما و برای دامهای شما
 سامان بهره مندی است (۳۳)
 پس وقتی صدای غرش بیاید (۳۴)
 روزیکه فرار کند انسان از برادر
 خویش (۳۵)
 و از مادرش و پدرش (۳۶)
 و از همسرش و از فرزندانش (۳۷)
 آنروز هر کدام از آنها را حالی
 است که او را [از همگان] بی نیاز
 سازد (۳۸)
 و آنروز چهره های است که روشن
 باشد (۳۹)
 خندان و شادمان (۴۰)
 و آنروز چهره هایی است که خاک

أَتَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا ۱
 ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا ۲
 فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا ۳
 وَعِنَبًا وَقَضْبًا ۴
 وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا ۵
 وَحَدَاقًا وَعُلْبًا ۶
 وَفَاكِهَةً وَأَبًّا ۷
 مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ ۸
 فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَةُ ۹
 يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ ۱۰
 وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ ۱۱
 وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ ۱۲
 لِكُلِّ امْرَأٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ ۱۳
 وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ ۱۴
 صَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ ۱۵
 وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ ۱۶

آلودند (۴۱)

تیرگی آنها را فراپوشاند (۴۲)

همانند ناسپاس بدکار (۴۳)

عج

تَرَهَقَّا قَتْرَةً ۱۷

أُولَئِكَ هُمُ الْكَفَرَةُ الْفَجْرَةُ ۱۸

۸۱ - سورة التکویر

این سوره در مکه نازل آمد و با بسم الله ۳۰ آیت دارد.

قرآن کریم یکباردیگر خبر میدهد به حوادث بزرگ از دنیا و بر ساعت قیامت گواه قرار گیرنده و گواه قراردادده میشود خورشید وقتی آن فروپوشانده شود. بعبارت دیگر دشمنان آن حضور ﷺ نگذارند که نور ایشان به بهبود نوع انسان برسد و تبلیغاتی کرامت انگیز آنها پابمیان خواهد گذاشت. هنگامیکه دشمن نور اصحاب رضوان الله علیهم را نیز تاریک سازد. چنانکه ستارگان پس از خورشید تاحدی برای روشنی بکار می آیند، رتبه اصحاب نیز آنچنان بود ولی نور ایشان هم از میان برده شود. این روزگاری است که کوههای بزرگ و بلند حرکت داده شوند یعنی کشتیهای دریایی بلند و بالا و هواپیماهایی بزرگ برای حمل کالا بکار گرفته شوند و شترماده ها در مقابل آنها بکار گرفته، ترک کرده شود. این روزگاری است که باغهای وحش ساخته شود. بدیهی است که در زمان آنحضرت ﷺ این وضعی وجود نداشت و باغهای وحش در زمان کنونی که جانورانی بزرگ همکل دریایی بوسیله هواپیماهای بزرگ به این باغها انتقال داده میشوند به آدمی آنزمان که اندیشه پذیرم نبود.

سپس غالباً توجه به جنگهای دریائی جلب کرده میشود. آنزمان کشتی رانی در اوقیانوسها فراوان شده و ناشی از آن مردمان دورا دور بهم پیوسته شوند. بعبارت دیگر نه تنها جانوران گرد آورده شوند بلکه آدمیان نیز بهم پیوسته خواهند شد. آن روزگاری است که دارای حکمرانی قانون باشد و انسان حتی بکیفر فرزندان خویش نیز مجاز نباشد. هر چند بظاهر حکمرانی بر سراسر

دنیا از قانون باشد بازهم میچکدام قانون نتواند که فسق و فجور را بعلمت انکار از قانون خدائی از میچکدام کشور دور بنماید. این روزگاری باشد که در آن کتب و مجلات بفرآوانی طبع و نشر کرده شود و پژوهندگان راز های آسمانی گویی که پوست آسمان را برکنند. آنروز دورخ که هم عبارت از دوزخ جنگها و هم از غضب آسمانی است، مشتمل ساخته شود. با این وجود کسانی که بر تعلیم خداوند عمل کنند و بر این کردار برقرار باشند، بهشت برای ایشان نزدیک کرده شود و هر کس دریابد آنچه او برای خویشتن پیش فرستاده باشد.

در آیات ۱۶ و ۱۷ گواه قراردادده میشوند آن کشتیها که عملیات محرمانه انجام داده به توقفگاه های مخفی خود برگردند. این امر مجدداً بیان میشود بدینعملت که اینجا سخن از چنین حملات شیطانی است که از طریق خیالات بخاطر انسان خطور کرده و بر نفسش هجوم برده باز ناپیدا میشود. سپس آن شبی گواه قرار داده میشود که آخرین دَمش را میگشود و علامات بامداد پدیدار شده و منتها این شب تار حتماً منتج به بامداد اسلام خواهد شد.

☆ سُورَةُ التَّكْوِيْرِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ ثَلَاثُونَ آيَةً وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده، بارها رحمکننده (۱)

چون خورشید دردم بیجیده

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ②

شوند (۲)

و چون ستارگان تیره گردد (۳)

وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ ③

و چون کوهها بحرکت آورده

وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ ④

شوند (۴)

و چون ناقه های باردار ده ماهه

وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ ⑤

بدون نگهبانی رهانیده شوند (۵)

و چون وحشیها جمع کرده شوند (۶)

وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ ⑥

و چون دریاها شکافته شوند (۷)

وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ⑦

و چون نفوس بهم پیوسته شوند (۸)

وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ⑧

و چون زنده درگور شده [درباره

وَإِذَا الْمَوْءِدَةُ سُيِّلَتْ ⑨

خویشتن] پرسیده شود (۹) ++

به چه گناهی کشته شد (۱۰) ++

بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ⑩

++ آیات ۹-۱۰: ذکر از دولتهای متمدن آینده است که از اقتدار والدین بر

فرزندان خویش انکار خواهند کرد. این آیت در معنای وسیعتر خود بدین شان والای راست آمده است که اگر به اثبات رسد که والدین در حق فرزندان خود تجاوز کرده اند تا چه برسد باینکه آنان قتل کرده شوند دولتها آن بچگان را به تحویل خودشان بگیرند.

و چون صحیفه ما نشر کرده
شود (۱۱)

وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ ﴿۱۱﴾

و چون پوست آسمان گنده
شود (۱۲)

وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ ﴿۱۲﴾

و چون جهنم برافروخته شود (۱۳)
و چون بهشت نزدیک کرده
شود (۱۴)

وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِرَتْ ﴿۱۳﴾

وَإِذَا الْجَنَّةُ أُنزِلَتْ ﴿۱۴﴾

هر کس بدانند آنچه آورده باشد (۱۵)
پس باش! قسم خورم آنهارا که کار
را پنهانی انجام داده برگردند (۱۶)
کشتیهارا که وقت پنهان شدن
[یا در جای پنهان شدن] پنهان
شوند (۱۷)

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرَتْ ﴿۱۵﴾

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ ﴿۱۶﴾

الْجَوَارِ الْكُنُوسِ ﴿۱۷﴾

و شب چون بیاید و پشت
کند (۱۸) ++

وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ ﴿۱۸﴾

و صبح چون نفس کشد (۱۹)
یقیناً این کلام پیغامبری ارجمند
است (۲۰)

وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ ﴿۱۹﴾

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿۲۰﴾

(که) قدرتمند است، نزد صاحب عرش
سیار بزرگوار است (۲۱)

ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ ﴿۲۱﴾

++ ایت ۱۸: عَسْعَسَ اللَّيْلِ: أَي أَقْبَلَ وَ أَدْبَرَ شَبَّ أَمْدٍ وَبَشَتْ كَرْدَ [مفردات امام راغب]

بسیار واجب اطاعت سپس امین

است (۲۲)

و رفیق شما هرگز دیوانه

نیست (۲۳)

و یقیناً او درافتی روشن او را

دیده است (۲۴)++

و بر [بیان] غیب هیچ بغل نمی

کند (۲۵)

و این کلام شیطانی رانده

نیست (۲۶)

پس کجا میروید؟ (۲۷)

این نیست جز نصیحتی بزرگ

برای همه جهانها (۲۸)

برای آنکس از شما که استقامت

نشان دهد (۲۹)

و نمیتوانید بخواهید جز آنچه خدا

پروردگار همه جهانها بخواهد (۳۰)

++ آیت ۲۴: یعنی رسول الله ﷺ هیچ سخن را از خود برنباخته اند بلکه واقعاً

ایشان جبرائیل را برافتی روشن دیده بودند.

مُطَاعٍ ثُمَّ أَمِينٌ ۝۲۲

وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ ۝۲۳

وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأَفْقِ الْمُبِينِ ۝۲۴

وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ ۝۲۵

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ۝۲۶

فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ ۝۲۷

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ۝۲۸

لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ ۝۲۹

وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ

رَبُّ الْعَالَمِينَ ۝۳۰

۸۲-سورة الانفطار

این سوره در مکه نازل شد و با بسم الله ۲۰ آیت دارد.

در ابتدائی این سوره نیزسخن از ستارگان، نه از بی نور شدن آنها بلکه فروریختن آنها، گفته میشود، که انسان در تاریکیهای شب از نور ستارگان کاملاً بی بهره ساخته شود. سپس سخن از دریا گفته این امر تکرار کرده میشود که نه تنها در دریاها کشتی رانی فراوان گردد و برای کشف رازها آنها شکافته شوند بلکه از زمین نیز باستان شناسان مدفن های فرهنگ قدیم را بر خواهند کند. آنگاه به انسان معلوم شود که پیشینیانش چه چیزی برای خویشتن پیش میفرستاده اند و پسینیانش چه چیز را برای خویشتن پیش خواهند فرستاد .

باز در پایان این سوره دنبال موضوع آخرت در آیتی این مطلب نقل میشود که ملك دنيا مربوط به صاحبان موقتی اش نیست بلکه مالك حقیقی فقط خدای متعال است که روز یوم الدین هر کدام ملك بسوی او برگردد و هر کدام وجود غیر از او از ملك محروم کرده خواهد شد.

☆ سُوْرَةُ الْاِنْفِطَارِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ عِشْرُوْنَ اَيَّةٌ وَرُكُوْعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

بسیاربخشنده بارهارحم کننده (۱)

اِذَا السَّمَاۗءُ اَنْفَطَرَتْ ②

چون آسمان ازمم بیاشد (۲)

و چون ستارگان فروریزند (۳)

وَ اِذَا الْكَوٰكِبُ اَسْتَرَّتْ ③

و چون دریاهاشکافته شوند (۴)

وَ اِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ ④

و چون قبرها باز کرده شوند (۵)

وَ اِذَا الْقُبُوْرُ بُعْثِرَتْ ⑤

مرجان بدانند آنچه او پیش فرستاد

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَاٰخَرَتْ ⑥

و او پس گذاشت (۶)

ای انسان چیست که ترا درمورد

يٰۤاَيُّهَا الْاِنْسَانُ مٰا غَرَّكَ بِرَبِّكَ

ربِّ کریم خود فریب داد (۷)

الْكَرِیْمِ ⑦

او که ترا آفرید، پس ترا مرتب کرد

الَّذِیْ خَلَقَكَ فَسُوِّبَكَ فَعَدَلَكَ ⑧

پس ترا میانه حالی بخشید (۸)

ترا ترکیب کرد در هر صورتی که

فِیْ اٰیِّ صُوْرَةٍ مَّا شَاءَ رَبُّكَ ⑨

او میل کرد (۹)

باش ا به جزاء انکار میکنید؟ (۱۰)

كَالْبَلِّ تُكَدِّبُوْنَ بِالَّذِیْنَ ⑩

در حالیکه یقیناً بر شما نگهبانان

وَ اِنَّ عَلَیْكُمْ لَحٰفِظِیْنَ ⑪

هستند (۱۱)

نویسندگان ارجمند (۱۲)

كِرٰمًا كَاتِبِیْنَ ⑫

آنان میدانند آنچه انجام مید (۱۳)

یَعْلَمُوْنَ مٰا تَفْعَلُوْنَ ⑬

یقیناً نیکان در آسایش باشند (۱۴)
و یقیناً زشتکاران در جهنم
باشند (۱۵)

روز جزاء بداخل آن شوند (۱۶)
و آنان از آن بیحضور نباشند (۱۷)
و چه ترا حالی کند که روز جزاء
چیست (۱۸)

باز هم چه ترا حالی کند که روز
جزاء چیست (۱۹)

روزی که جانی برای جانی دیگر
هیچ اختیار ندارد و آنروز فرمان
از آن خدا است (۲۰)

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ﴿١٤﴾
وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ ﴿١٥﴾

يَصَلُّونَهَا يَوْمَ الدِّينِ ﴿١٦﴾
وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ ﴿١٧﴾
وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ ﴿١٨﴾

ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ ﴿١٩﴾

يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا ﴿٢٠﴾
وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ ﴿٢١﴾

ع ۷

۸۳- سورة المطففين

این سوره در مکه نازل آمد و با بسم الله ۲۷ آیت دارد.

در این سوره توجه انسان یکباردیگر بسوی "میزان" جلب کرده میشود که شافقت آنگاه میتوانید به موفقیت نایل باشید که بر میزان استوارشوید. باش! این درست نیست که وقت گرفتن به کمال و تمام گرفته و برای توزیع پیمانه ای دیگر اختیار کنید. اینجا وضع تجارت این زمان نیز تجزیه و تحلیل میشود. هرگاه ملتهای بزرگ و ثروتمند با ملتهای ضعیف و نادار معامله میکنند حتماً این معامله منجر بزیان ملتهای ضعیف میشود. فرموده میشود که اینهایی بتفکر نمیپردازند که روز حساب بزرگ اینها گرد آورده شوند و آنروز دادوستد دنیائی نیز محاسبه شود. این آن یوم الدین است که ذکر از آن در سوره گذشته رفته است.

در آیتهای بعدی ذکر از یوم الدین آورده متنبه ساخته میشود که منکران یوم الدین هم درازمنه پیشین هلاک کرده شدند و هم در زمان آخرین به فرجام بد خویش خواهند رسید.

سپس توجه به مقایسه ای میان اهل بهشت و دوزخ جلب کرده متنبه ساخته میشود که ایشان را که آنها در دنیا تمسخرکنان، مهورده و چشم برهم زده، تذلیل کنان، کافر قرار میدادند، آنروز ایشان نیز به آنها خندان بپرسند که بگویند که اکنون حال شما چطور است؟

☆ سُورَةُ الْمُطَفِّفِينَ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ سَبْعٌ وَثَلَاثُونَ آيَةً وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

ملاك بردر كيل بى عدالتندان (۲)

آنهايکه چون از مردم كيل کنند

تمام بگيرند (۳)

و چون برای آنان كيل کنند يا

بپيمايند کم میکنند (۴)

آيا آنها فکرنیکند که حتماً آنها

برانگيخته شوند (۵)

برای [احضار] روزی بزرگتر (۶)

روزيکه تمام مردم در محضر

پروردگار همه جهانها بپا خواهند

ايستاد (۷)

آگاه باش! يقيناً نامه اعمال

بدکاران در سجین است (۸)

و چه چیزی ترا حالی کند که

سجین چیست؟ (۹)

کتابی مرقوم است (۱۰)

آنروز مکذبان را هلاک است (۱۱)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ ②

الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ
يَسْتَوْفُونَ ③

وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ
يُخْسِرُونَ ④

أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ ⑤

لِيَوْمٍ عَظِيمٍ ⑥

يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ⑦

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَارِ لَفِي سَجِينٍ ⑧

وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَجِينٌ ⑨

كِتَابٌ مَّرْقُومٌ ⑩

وَيْلٌ لِّيَوْمٍ مِّدِّ اللَّمَّكَذِبِينَ ⑪

آنها که روز جزاء را تکذیب کنند (۱۲)

و تکذیب نمیکند به آن جز هرگناه کاری تجاوزگر (۱۳)

هرگاه آیتهای ما بر او خوانده شود گوید، این اساطیر پیشینیان است (۱۴)

باش در حقیقت بردلهای آنان زنگ زد آنچه داشتند کسب میکرده اند (۱۵)

باش ایقیناً آنروز آنها از پروردگار خود در حجاب باشند (۱۶)

سپس یقیناً آنها واردان جهنم اند (۱۷)

سپس گفته شود: این همانست که شما به آن تکذیب میکردید (۱۸)

باش! یقیناً نامه اعمال نیکان در علین باشد (۱۹)

و چه ترا بفهماند که علین چیست (۲۰)

کتابی مرقوم است (۲۱)

الَّذِينَ يَكْذِبُونَ يَوْمَ الدِّينِ ۝۱۲

وَمَا يَكْذِبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ ۝۱۳

إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ۝۱۴

كَلَّا بَلْ سَوَّاهُ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۝۱۵

كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّمْ حُجُّوا ۝۱۶

ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ ۝۱۷

ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ۝۱۸

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ ۝۱۹

وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ ۝۲۰

كِتَابٌ مَّرْقُومٌ ۝۲۱

يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ ﴿٢١﴾

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ﴿٢٢﴾

عَلَى الْأَرَائِكِ يُنظَرُونَ ﴿٢٣﴾

تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ ﴿٢٤﴾

يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْمُومٍ ﴿٢٥﴾

خَلِيْمُهُمْ سِكِّطٌ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ

الْمُتَنَافِسُونَ ﴿٢٦﴾

وَمَزَاجُهُمْ مِنْ تَسْنِيمٍ ﴿٢٧﴾

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ ﴿٢٨﴾

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا

يُضْحَكُونَ ﴿٢٩﴾

وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَرُونَ ﴿٣٠﴾

وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا

فَكِهِمِينَ ﴿٣١﴾

آنرا مقربان خواهند دید (۲۲)

یقیناً نیکان در آسایش باشند (۲۳)

بر تختهای [نشسته] نظاره کنان (۲۴)

تو در سیمای ایشان تروتازگی خیر

و نعمت را خواهی شناخت (۲۵)

شرابی خالص سربهر نوشانده

شوند (۲۶)

مهرش از مشک است. پس باید در

اینمورد شایقان [مسابقه] بیشتر

از مدیگر شایق باشند (۲۷)

و آمیختگی اش از تسنیم

باشد (۲۸)

چشمه ای است که مقربان از آن

بخورند (۲۹)

البته کسانی که جرم کردند داشتند

با آنانکه ایمان آوردند استهزاء

می کردند (۳۰)

و مرگاه از نزد آنان گذر میکردند

غمزه میکردند (۳۱)

و هنگامیکه بسوی خانواده خود

باز میگشتند یاوه گویان باز می

گشتند(۳۲)

و چون ایشان را میدیدند، می گفتند:براستی آنها حتماً گمراهان اند(۳۳)

درحالیکه آنها برایشان نگهبانان نفرستاده شده بودند(۳۴)

پس کسانیکه ایمان آوردند امروز بر کافران بخندند(۳۵)

بر تخت های [نشته] نظاره کنان باشند(۳۶)

آیا کافران عوض کامل داده شدند به آنچه داشتند عمل میکردند(۳۷)

وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ ﴿٣٢﴾

وَمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَفِظِينَ ﴿٣٤﴾

فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ ﴿٣٥﴾

عَلَى الْأَرْبَابِكِ لَا يَنْظُرُونَ ﴿٣٦﴾

هَلْ نُؤَبِّ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٣٧﴾

۸۴ - سورة انشقاق

این سوره در مکه نازل شد و با بسم الله ۲۶ آیات دارد.

دنبال اسلوب سوره های قبلی یکباردیگر دگرگونیهایی بزرگ دنیائی گواه بر آخرت قراردادده میشوند. مجدداً سخن از منفجر شدن آسمان گفته میشود و این مصطلح را يك معنا اینست که آفتهای گوناگون نازل خواهد شد. سپس سخن از گسترانیدن زمین گفته میشود. بظاهر که این زمین در دنیا گسترانیده بعجم نمیخورد اما در زمان نزول قرآن بقرار علم انسان دنیا نصف بود و نصف دنیا معناً پس از کشف سرزمینهای امریکه و غیره گسترش داده شد و همین روزگار است که زمین رازهای مخفی اش را بیرون افکند که گویی تهی گردد. این زمان پیشرفت علمی پس از دریافت امریکه رو به آغاز مینهد.

ضمناً این پیشگوئی است که زمانیکه روز تبدیل به تاریکیها خواهد بود و سپس شب فرا خواهد گرفت و ماه اسلام مجدداً طلوع خواهد کرد آنروز شما آخرین پایه های پیشرفت خویش را درجه بدرجه طی کرده خواهید داشت.

☆ سُورَةُ الْإِنْشِقَاقِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ سِتُّ وَعِشْرُونَ آيَةً وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده بارها را حکمکنده (۱)

إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ ②

منگامیکه آسمان بشکافت (۲)

و گوش به پروردگار خود فرامد و

وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ③

همین بر آن لازم شده است (۳)

وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ ④

و زمین پهن کرده شود (۴)

و براندازد آنچه در آنست و خالی

وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ ⑤

گردد (۵)

و گوش به پروردگار خود فرامد و

وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ⑥

و همین بر آن لازم شده است (۶)

ای انسان ایقیناً ترا بسوی پروردگار

يَأْتِيهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ

خود بسیار کوشش کردن است. پس

كَذْحًا فَلْيُقِيهِ ⑦

[روزی] با او ملاقات کننده ای (۷)

پس آنکه نامه اعمالش بدست

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ⑧

راستش داده شود (۸)

پس بزودی بحسابی آسان محاسبه

فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا ⑨

کرده شود (۹)

و شادمان بسوی خانواده خویش

وَيُنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا ⑩

باز گردد (۱۰)

و اما آنکه نامه اعمالش از پشت سرش داده شود (۱۱)

پس حتمًا او [برای خویشتن] هلاک بخواند (۱۲)

و بداخل آتشی شعله ور شود (۱۳)
البته او میان اهل خود شادمان بود (۱۴)

براستی او گمان میکرد که هرگز برگشت کننده نیست (۱۵) ++

بلی یقینًا پروردگارش او را بیننده است (۱۶)

پس باش امن شفق را گواه قرار می دهم (۱۷) ++

و شب را و آنچه او جمع می کند (۱۸) ++

وماه را چون آن پرنور گردد (۱۹)
یقینًا شما درجه بدرجه پیشرفت کنید (۲۰) ++

وَأَمَّا مَنْ أَوْتِي كِتَابَهُ وَرَأَىٰ ظَهْرَهُ ۝۱۱

فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا ۝۱۲

وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا ۝۱۳
إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا ۝۱۴

إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَخُورَ ۝۱۵

بَلَىٰ ۙ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا ۝۱۶

فَلَا أَقْسِمُ بِالشَّفَقِ ۝۱۷

وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ ۝۱۸

وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ ۝۱۹

لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ ۝۲۰

++ آیات ۱۷-۲۰: اینجا "فلا" بدین معنای نیست که من قسم نمیخورم بلکه این انکار از خیالی است که متداول شده باشد. خداوند شفق را گواه قرار میدهد و سپس چون شب آغاز تاریکی نهد آنوقت نیز خدا انسان را کاملاً از نور بی بهره [ص# ۱۵۳] ++

پس چه مورد است که آنها ایمان
نمی آرند (۲۱)

و چون قرآن برایشان قرائت
شود سجده نمیکنند (۲۲)

بلکه آنها که کفر کردند تکذیب می
کنند (۲۳)

و خدا داناتر است به آنچه جمع
می کنند (۲۴)

پس آنها را به عذابی دردناک
مژده بده (۲۵)

جز ایشان که ایمان آوردند و
اعمال نیکوی انجام دادند ایشان
را پاداشی بی پایان است (۲۶)

فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۱۱﴾

وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ
لَا يَسْجُدُونَ ﴿۱۲﴾

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَكْذِبُونَ ﴿۱۳﴾

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ ﴿۱۴﴾

فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿۱۵﴾

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿۱۶﴾

بفیه آیات: ۱۷- ۲۰: نمیسازد بلکه ماه را برای انعکاس روشنائی خورشید مامور
مینماید و ماه نیز بلافاصله بانور کامل نمیدرخشد یعنی ناگهان بصورت بدری در نمی
آید بلکه کم کم پیشرفت میکند. بر همین منوال آن تجدید کننده دین که ظهورش در
قرن چهاردهم قرار است نیز طبق فرایند طبقاً عن طبقاً پس از پیشرفت تدریجی
بعنوان بدر کامل ظهور خواهد کرد.

++آیت ۱۵: لَنْ يَخُورَ أَيُّ لَنْ يَبْعَثَ [مفردات امام راغب رح]

۸۵-سورة البروج

این سوره درمکه نازل شد و با بسم الله ۲۲ آیت دارد.

این سوره را نسبت به سوره گذشته اینست که در آن ذکر از مجدداً طلوع کردن ماه اسلام بود. ظهور این واقعه تا بچند میکشد و آنرا منظور چیست؟ پس باید دانست که آسمان را دوازده برج است و بعبارت دیگر این پیشگوئی پس از دوازده قرن راست خواهد آمد. بطوریکه ماه گواهی درحق خورشید میدهد بر همین منوال يك گواه استقبالی درحق مشهودی بلند شان خویش یعنی آنحضرت ﷺ باشمول پیروان راستین خویش گواهی خواهد داد. هرگز ایشان مبادرت به جرمکاری نکنند مگر اینکه برظهورکننده ایمان خواهند آورد. اما با این وجود ایشان مجازات سنگین و ظالمانه کرده شوند. تا آن انتها که ایشان درآتش سوزانده و بینندگان راحت این حالت ایشان را تماشا خواهند کرد. این سلوک طبق این پیشگوئی با احمدیان نیز روا داشته میشود.

در پایان این سوره بدین امرشدیداً هشدار داده میشود که قومهای پیشین نیز وقتی اینگونه عمل ستمکارانه را پیش گرفته بودند پس ستمکاری های آنان خودشان را فرا گرفته بود. پس سوگند به قرآن که درلوح محفوظ است که شما همانیز بکیفر جرمهای خویش رسانده خواهید شد.

☆ سُوْرَةُ الْبُرُوْجِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ ثَلَاثٌ وَعِشْرُوْنَ آيَةً وَرُكُوْعٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ① بنام خدا [بلاستدعا و بلاامتیاز]

بسیاربخشنده، بارها رحم کننده (۱)

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوْجِ ②

سوگنده آسمان دارای برجها (۲)

و سوگند به روزی که وعده داده

وَالْيَوْمِ الْمَوْعُوْدِ ③

شد (۳)

و به گواهی دهنده و گواهی شده (۴)

وَشَٰهِدٍ وَّ مَشْهُودٍ ④

هلاک شوند اهل حفره ها (۵) ++

قَتِلَ اَصْحَابُ الْاَحْدُوْدِ ⑤

اهل آن آتش که با سوخت

التَّارِذَاتِ الْوَقُوْدِ ⑥

فراوانست (۶) ++

چون آنها گرداگردش نشسته

اِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُوْدٌ ⑦

باشند (۷) ++

و آنها بر آنچه بمومنان میکردند

وَهُمْ عَلٰی مَا يَفْعَلُوْنَ بِالْمُؤْمِنِيْنَ

گواه باشند (۸) ++

شُهُودٌ ⑧

++ آیات ۵-۸: این آیات حاکی از پیشگوئی هلاکت آمرمدان است که در حفره ای

آتش برافروختند و مومنان را در آن افکنده سوزاندند و برکنارنشسته تماشا میکردند.

در این واقعه این پیشگوئی مضمر است که در آینده نیز واقعه ای همانندش در زمان

موعود بوقوع خواهد آمد. پس حتماً اطلاقش بر آن احمیدیان میشود که درباره ایشان

تلاش شد که با خانه های خود زنده سوزانده شوند و کلمه قعود حاکی است آتش

زنندگان برکنار نشسته تماشا میکردند و هیچ اقدامی علیه ستمگران کرده نشد. پس

این پیشگوئی راست آمد چنانکه آشوبگران زیر سرپرستی پلیس تلاش [۱۵۲۵ #ص]

و از ایشان انتقاد نکردند جز آنکه
ایشان به خدای ایمان آوردند که
صاحب غلبه کامل لایق بینهایت
ستایش است (۹)

آن ذات که پادشاهی آسمانها و
زمین ملک اوست و خدا بر هر
چیز گواه است (۱۰)

یقیناً کسانی که مومنان و مومنات
را آزاریدند سپس توبه نکردند پس
برای آنها عذاب جهنم است و آنها
را عذاب آتش است (۱۱)

یقیناً کسانی که ایمان آوردند و نیکو
کاری کردند ایشان را بهشت های
است که در دامنه آنها نهرهای روان
است. این پیروزی بسیار بزرگ
است (۱۲)

یقیناً گرفت پروردگارت خیلی
سخت است (۱۳)

یقیناً او هم آغاز میکند و هم
تکرار میکند (۱۴)

باین وجود او بسیار آرزوگاری

وَمَا تَقْمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ
الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ①

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ٭
وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ٭

إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
ثُمَّ لَمْ يُؤْبَؤْا لَهُمْ عَذَابَ جَهَنَّمَ
وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ ٭

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ
جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ٭ ذَلِكَ
الْفَوْزُ الْكَبِيرُ ٭

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ ٭

إِنَّهُ هُوَ يُبَدِّئُ وَيُعِيدُ ٭

وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ ٭

بسیار دوستدار است (۱۵)
 صاحب عرش صاحب بزرگی
 است (۱۶)
 او کننده ای است هر چه را می
 خواهد (۱۷)

ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ ﴿١٥﴾

فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ ﴿١٦﴾

آیا ترا رسید خبر لشکرهای (۱۸)
 فرعون و ثمود (۱۹)
 بلکه کسانی که کفر کردند در تکذیب
 [مشغول] میمانند (۲۰)

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ ﴿١٨﴾

فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ ﴿١٩﴾

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ ﴿٢٠﴾

در حالیکه خدا از پیش و پشت
 سرشان احاطه کرده است (۲۱)
 بلکه آن قرآنی بزرگ است (۲۲)
 که در لوح محفوظ است (۲۳)

وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ ﴿٢١﴾

بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ ﴿٢٢﴾

فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ ﴿٢٣﴾

ع
۳۱

بقیه آیات ۵-۸-۳۳#۱۵۳۳: کردند تا احمدیان را زنده بسوزانند و خیلی بار
 موفق شدند و گاهی نا موفق هم شدند.

۸۶- سوره الطّارِق

این سوره در مکه نازل آمد و با بسم الله میجده آیت دارد.
 در این سوره ادامه به همان موضوع سوره البروج داده پیشگوئی میشود
 که خدای متعال در این شب تاریکبانی از آسمان مأمور میکند که به بندگان
 مظلوم اویاری خواهند کرد. چرا انسان بدین امر فکر نمیکند که او فقد وجودی
 جست زننده و حرف بیهوا زننده ای است؟ پس منتهاحتملاً او بمواخذه اعمال
 خود گرفته خواهد شد. پیروان حقیقی آنحضرت ﷺ در این زمان را هدایت
 است که بگذارید که شیران به شرارتهای خود مشغول باشند دیری نمیپاید
 که منتها آنها گرفتار شوند. پس منتظر باشید و کمی فرصت بدهید.

☆ سُورَةُ الطَّارِقِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ ثَمَانِي عَشْرَةَ آيَةً وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیاربخشنده، بارها رحم کننده (۱)

وسوگند به آسمان و شبگاه ظهور

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ ②

کننده (۲) ++

وتراچه حالی کند که شبگاه ظهور

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ ③

کننده چیست (۳)

ستاره بسیاردرخشان (۴)

النَّجْمِ الثَّاقِبِ ④

میچکدام نفس نیست که بر او

إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ ⑤

نگهبانی نباشد (۵)

پس انسان باید بنگرد که از چه

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ⑥

او آفریده شد (۶)

او از آبی جست زنده آفریده

خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ ⑦

شد (۷)

که از میان کمر و استخوانهای

يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ

سینه خارج میشود (۸)

وَالثَّرَائِبِ ⑧

یقیناً او بر بازگرداندن آن حتماً

إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ⑨

++آیت ۲: بمحض آغاز این سوره گواهی به ظهور کننده ای هنگام شب داده میشود.

در آیاتی بعد این توضیح یافت میشود که او النَّجْمِ الثَّاقِبِ باشد. بقرار معلوم

النجم الثاقب دال بر این است که شعله های آتش از آسمان فرو خواهد بارید.

قدرتمند است (۹)	
روزی که رازها آشکار ساخته شود (۱۰)	يَوْمَ تُبْلَى السَّرَّاءُ ﴿١٠﴾
پس او را نه هیچ توانایی باشد و نه کسی یاریگر (۱۱)	فَمَالَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ ﴿١١﴾
و سوگند به آسمان دارای باران پی در پی (۱۲) ++	وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ﴿١٢﴾
و سوگند به زمین که رویدنیها میرویند (۱۳)	وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ ﴿١٣﴾
یقیناً آن کلامی فیصله کننده ی است (۱۴)	إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَضْلٌ ﴿١٤﴾
و مرگز آن مرزه سرائی نیست (۱۵)	وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ ﴿١٥﴾
یقیناً آنها نیرنگی خواهند زد (۱۶)	إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا ﴿١٦﴾
ومن هم تدبیری خواهم کرد (۱۷)	وَإَكِيدُ كَيْدًا ﴿١٧﴾
پس کافران را مهلت بده و آنها را يك مدت فرصت بده (۱۸)	فَمَهْلٍ الْكُفْرَيْنِ أَمْ هُمْ زَوِيدًا ﴿١٨﴾

++ آیت ۱۲: الرَّجْعُ = الْمَطَرُ بَعْدَ الْمَطَرِ - باران پس از باران

++ آیت ۱۳: الصَّدْعُ: نَبَاتُ الْأَرْضِ - رویدنی زمین [الاقرب]

۸۷-سورة الاعلیٰ

این سوره مکی است و با بسم الله بیست آیت دارد.

سرآغاز این سوره این مژده ای داده میشود که همان نام خدا و نام اهل خدا غالب میآید. پس توصیه بدین امر است که پیوسته نصیحت کنید. پس منتها نصیحت بهرمنند میشود اگرچه ظاهراً در آغاز بی نتیجه بچشم خورد. سپس به انسان گفته میشود که شما از نصیحت بهره مند نمیشوید زیرا که شماها دنیا را برزندگی اخروی برگزیده اید در صورتیکه تنها آخرت خانه بهبود و بقاء است.

☆ سُورَةُ الْأَعْلَى مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ عِشْرُونَ آيَةً وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]
سیاربخشنده بارهارحکمننده (۱)

پروردگار بزرگ و بالا خود را
تسبیح بگو (۲)

آنکه آفرید و مرتب کرد (۳)
و آنکه [عناصر] را ترکیب کرده
پس هدایت داد (۴)

و آنکه برای زندگی علف درآورد (۵)
پس آنرا [برای ناسپاسان] خاشاکی
پوسیده درآورد (۶)

پس حتماً تو را قرائت میآموزیم
پس فراموش نخواهی کرد (۷)

جز آنچه خدا بخواهد. یقیناً او می
داند عیان را و آنچه پنهانست (۸)
و برای تو آسایش مهیا سازیم (۹)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى ①

الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى ①

وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى ①

وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى ①

فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى ①

سَتَقِرُّكَ فَلَاتُتْسَى ①

إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ ① إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ

وَمَا يَخْفَى ①

وَنَبِّئُكَ لِلْيُسْرَى ①

++ آیت ۵: برای این معنا مراجع شود مفردات امام راغب رح.

++ آیت ۷-۸: آن نسیان که اینجا مذکور است بدین معناییست که نمودبالله قرآن از آنحضور ﷺ فراموش میشد بلکه نسیان بدین معنا است که گاه بگاہ هنگام نماز موقتاً کلمه ای بخاطر نیاید و برای این فرمان است که مقتدیان در نماز هنگام چنین حالت میتوانند به کلمه ای درست آگاه سازند.

پس حتماً تذکر بده. یقیناً تذکر
سودمند است (۱۰)

حتماً پند فرا گیرد آنکه بترسد (۱۱)
و دوری جوید از آن کسیکه تیره
بخت است (۱۲)

آنکه بداخل آتش بزرگ شود (۱۳)
سپس نمیرد در آن و نه زنده
بماند (۱۴)

یقیناً موفق شد آنکه پاک شد (۱۵)
و نام پروردگار خود را یاد کرد
و نماز خواند (۱۶)

حقیقتاً شما زندگی دنیا را برتر
می شمارید (۱۷)
با آنکه آخرت نیکوتر و برقرارتر
است (۱۸)

یقیناً این [سخن] ها در صحیفه
های پیشین نیز است (۱۹)

در صحف ابراهیم و موسی (۲۰) عج

فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَىٰ ۝۱۰

سَيَذَكَّرُ مَنْ يَخْشَىٰ ۝۱۱

وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَىٰ ۝۱۲

الَّذِي يَصِلُ النَّارَ الْكُبْرَىٰ ۝۱۳

ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ ۝۱۴

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّىٰ ۝۱۵

وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّىٰ ۝۱۶

بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ۝۱۷

وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ ۝۱۸

إِنَّ هَذَآلْفِي الصُّحُفِ الْأُولَىٰ ۝۱۹

صُّحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ ۝۲۰

++ آیات ۱۹-۲۰: اینجا درباره قرآن فرموده میشود که بهترین تعلم از هر کدام صحیفه های پیشین در آن جمع شده است. بهترین تعلیم از صحف ابراهیم علیه السلام نیز موجود است و هم از صحف موسی علیه السلام.

۸۸ - سورة الفاشية

این سوره مکی است و با بسم الله ۲۷ آیت دارد.

در این سوره سخن از عذابهای پیوسته و فراگیرنده رفته است و آنروز چهره ها سخت خوفزده و گرفتار سختی و خسته خاطر باشند. آنان بداخل آتش شعله ورگردند و غذای آنان نیست جز گیاهی شور و خاردار که نتواند آنان را فربه نماید و نه گرسنگی آنان را دور سازد. این تمثیلی است اشاره به میوه ای از گیاهی شور و خاردار که بظاهر شیرین ولی منتها خورندگان را موجب رنج میشود.

سپس تمامی سوره جمله رویدادهای زندگی اخروی را بیان کرده منتها سخن از آن حساب میگوید برای آنچه انسان را در محضر او حاضر شدن است.

در پایان سوره مقتدیان در نماز در پیروی سنت از آنحضرت ﷺ بصدای بلند این دعا میخوانند که پروردگارا! حساب از ما آسان بگیر.

☆ سُورَةُ الْغَاشِيَةِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سَبْعٌ وَعِشْرُونَ آيَةً وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده، بارها رحم کننده (۱)

آیا تو را خبر [از ساعت] مدهوش

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ ②

کننده رسید؟ (۲)

چهره هائی آذرو زسخت خرف زده

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ ③

باشند (۳)

[یعنی تبادر کار مائردنیائی] سخت

عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ ④

مشقت کننده، خسته خاطر (۴)

به آنشی شعله ور داخل شوند (۵)

تَصْلِي نَارًا حَامِيَةً ⑤

از چشمه ی بنهایت جوشش و گرمی

تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آتِيَةٍ ⑥

رسیده نوشانده شوند (۶)

برای آنها هیچ طعامی نیست جز

لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ صَرِيحٍ ⑦

گیامی شور و خاردار (۷)

نه چاق کند و نه از گرسنگی

لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ ⑧

نجات دهد (۸)

چهره هائی آنروز تروتازه اند (۹)

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاصِبَةٌ ⑨

برای کوشش خود خوشنودند (۱۰)

لَسَعِيهَا رَاضِبَةٌ ⑩

در بهشتهای عالی (۱۱)

فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ⑪

++ آیت ۲: برای این معنی خاشعۀ مراجع شود تاج العروس.

در آن هیچ یاوه ی نشنوی (۱۲)
 در آن چشمه ی جاری است (۱۳)
 در آن تختهای بلند است (۱۴)
 و جامهای باشایستگی چیده (۱۵)
 و بالشهای ردیف هم قرار داده (۱۶)
 و فرشهای [پربها] گسترده (۱۷)
 آیا نمینگرند بسوی شتر، چطور
 آفریده شد؟ (۱۸)
 و بسوی آسمان، چگونه برافراشته
 شد؟ (۱۹)
 و بسوی کوهها چگونه محکم نشانده
 شدند (۲۰)
 و بسوی زمین چطور گسترده
 شد (۲۱)
 پس تذکر بده تو فقط تذکر دهنده
 هستی (۲۲)
 مرگزتو بر آنها نکهبان نیستی (۲۳)
 مگر آنکه روی برتابد و انکار
 کند (۲۴)
 پس خدا او را بعدایی بزرگتر
 معذب کند (۲۵)

وَاللَّيْلِ

لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَاغِيَةً ۝
 فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ ۝
 فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ ۝
 وَأَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ ۝
 وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ ۝
 وَزَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ ۝
 أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ
 كَيْفَ خَلَقَتْ ۝
 وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ ۝
 وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ ۝
 وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ ۝
 فَذَكِّرْ ۗ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ ۝
 لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ ۝
 إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ ۝
 فَيَعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ ۝

إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ﴿٢٦﴾

یقیناً بر گشت آنها بسوی ما
است (۲۶)

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ ﴿٢٧﴾

سپس یقیناً حساب گرفتن هم بر
ما است (۲۷)

۸۹-سورة الفجر

این سوره در دوره ابتدائی مکی نازل شد و با بسم الله ۳۱ آیت دارد. نام این سوره الفجراست و فجر، ده شب و باز جفت و طاق که جمعاً سیزده است را بر طلوع فجرگواه ساخته میشود. این عدد سیزده کنایه ای بسوی دوره ابتدائی مکی میباشد که پس از آن قرار بود که فجر هجرت طلوع کند.

نسبت به این سوره شرح های دیگر نیز ارائه داده شده است که از آنجمله یکی نسبت به آن فجر اشاره میکند که طلوع آن در زمان آخر قرار داشت. ولی اشاره ای به فجر اولین بطور حتم یافت میشود. پس ذکر همان را بس میدانم.

در بقیه آیت های این سوره تکراراً تحریص به خدمت نوع انسان کرده فرموده شد. هر که به آزادی ملتهای نادار و مظلوم تلاش کند برایش مژده ای است که او پاداشی بزرگ خواهد یافت. بزرگترین مژده در آخرین آیت اینست که او جان خویش را درحالتی خواهد داد که خداوند به روانش بدین گفتار بسوی خویش بخواند که ای آن نفس که نسبت بمن کاملاً مطمئن شده بودی و نه تنها راضی بلکه مرضیه نیز بودی یعنی رضایم را نیز شامل حال خود داشتی اکنون بداخل بندگانم باش و بداخل آن بهشت باش که بهشت بندگانم است.

☆ سُوْرَةُ الْفَجْرِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ اِخْدَى وَثَلَاثُونَ آيَةً وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلاستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیاربخشنده بارما رحم کننده (۱)

و سوگند به صبح (۲) ++

وَالْفَجْرِ ②

و به ده شب (۳) ++

وَلَيَالٍ عَشْرٍ ③

و به جفت و طاق (۴) ++

وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ ④

و به شب چون حرکت کند (۵) ++

وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِرَ ⑤

آیا در آن برای خردمند قسمی

است؟ (۶) ++

هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِذِي حِجْرِ ⑥

آیا ندیدی پروردگارتو با عاد چه

الَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ⑦

کار کرد؟ (۷)

++ آیات ۲-۶: این آیات برای خردمندان حاکی از این مطلب است که پس از دعوی نبوت

زندگی آنحضرت ﷺ در مکه تا سیزده سال ادامه داشت. ده سال آخر این زمان که عبارت از تاریکی سختیها بود و بدنبال این بشارتی به ظهور صبحگاه داده شد. روزگاری بود که کافران مکه پیوسته در دستگیری خود بر آنحضرت ﷺ سختتر میشدند تا آنگاه که سحرگاه هجرت برای ایشان پدیدار شد.

بعض مفسرین این موضوع را اینطور شرح میدهند که وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ یعنی جفت و طاق دال بر اولین سه قرن است یعنی زمان اصحاب. تابعین و تبع تابعین - و سپس ده شب یعنی زمان تاریکی هزارسالگی فیج و اوج است. بعد ما طبق فرمان آنحضرت نبی امتی بلا شریعت میآید. این زمان تا آغاز چهاردهمین قرن میباشد و در این زمان مسیح موعود ظهور کرد.

[از قوم عاد به] ارم که دارای ستون

های بزرگ بودند (۸)

آنانکه هیچگاه در شهرها بنائی

مثل آنها بنا نشده است (۹)

و به نمود کسانی که در وادی سنگها

تراشیدند (۱۰)

و با فرعون که دارای ساز و برگ

بود (۱۱)

اینهائی بودند که در کشورها

سرکشی کردند (۱۲)

پس در آنها دامن بفساد زدند (۱۳)

پس خدا تازیانه عذاب را بر آنها

فرو ریخت (۱۴)

حتماً پروردگارتو در کمین بود (۱۵)

پس حال انسان اینست که چون

پروردگارش او را آزمایش کرده

و سربلندش میکند و او را نعمت

میدهد آنگاه میگوید پروردگارم

مرا گرامی شمرده است (۱۶)

و اما چون او را به سختی میفکند

و رزقش را بر او تنگ میگرداند

إِرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ۝۸

الَّتِي لَمْ يَخْلُقْ مِثْلَهَا فِي الْبِلَادِ ۝۹

وَتَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ۝۱۰

وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ ۝۱۱

الَّذِينَ طَعَوْا فِي الْبِلَادِ ۝۱۲

فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ ۝۱۳

فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ۝۱۴

إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمُرْصَادِ ۝۱۵

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ

وَنَعَّمَهُ ۝ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ ۝۱۶

وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ ۝

فَيَقُولُ رَبِّيَ أَهَانَنِ ﴿١٧﴾

آنگاه میگوید: پروردگارم مرا
خوار کرد (۱۷)

كَأَلْبَلٍ لَا تَكْرُمُونَ الْيَتِيمَ ﴿١٨﴾

باش! شما کسانی هستید که یتیم
را گرامی نمی‌شمارید (۱۸)

وَلَا تَحْضُونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمُسْكِينِ ﴿١٩﴾

و نه همدیگر را بتغذیه مسکین
تشویق مینمایید (۱۹)

وَتَأْكُلُونَ الثَّرَاثَ أَكْلًا لَّمًّا ﴿٢٠﴾

و ارث را تماماً مورد طعمه قرار
میدمید (۲۰)

وَمُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا ﴿٢١﴾

و مال را با دوستی فراوان
دوست میدارید (۲۱)

كَأَلَّا إِذَا دَكَتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ﴿٢٢﴾

باش! گامیکه زمین ازهم پاشیده
ریزه ریزه کرده شود (۲۲)

وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ﴿٢٣﴾

و پروردگارتو بیاید و فرشتگان
[همراه] صفی صفی باشند (۲۳)

وَجِئَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ

و جهنم آنروز آورده شود. آن روز
انسان بند میپذیرد ولی بند گرفتن

يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَلَىٰ لَهُ الذِّكْرَىٰ ﴿٢٤﴾

برایش کجا ممکن است (۲۴)

يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي ﴿٢٥﴾

گوید: ای کاشکی برای حیاتی
خود چیزی پیش میفرستادم (۲۵)

فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ ﴿٢٦﴾

پس آنروز عذاب کسی ندهد مانند
عذاب دادن او (۲۶)

وَلَا يُوْتِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ ۝^{٢٧}

وگسی نتواند بال و پرش را ببندد

بطوری که او محکم میبندد (۲۷)

يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ۝^{٢٨}

ای نفس آرمیده (۲۸)

برگرد بسوی پروردگار خود در

حالیکه تو از او خوشنودی و او

ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً ۝^{٢٩}

از تو خوشنود است (۲۹)

پس شامل بندگانم باش (۳۰)

فَادْخُلِي فِي عِبَادِي ۝^{٣٠}

و به بهشتم وارد شو (۳۱) ۝^{٣١}

وَادْخُلِي جَنَّتِي ۝^{٣١}

++ آیات ۲۸-۳۱: در این آیتها مژده ای است برای آن مومنان که بیش از مرگ از

خدای متعال گنجه شوند که ای نفس مطمئنه! بمحضر پروردگار خود حاضر بیآیید

در حالیکه شما از او راضی و او از شما راضی باشد. سپس با فرمودن فادخلی فی

عبادی این امر روشن کرده میشود که اگرچه بظاهرا از استعمال صیغه تانیث نفس

یعنی روح مونث گردانده میشود ولی روح نه مذکراست و نه مونث و آن را خطاب

کرده گفته میشود که بداخل بندگانم باش و در آن بهشتم که برای بندگان خاص

خود قراردادده ام.

۹۰-سوره البلد

این سوره در دوره ابتدائی مکی نازل شد و با بسم الله ۲۱ آیت دارد. مجدداً ذکر از همان شهر مکه که شب هایش در سوره گذشته گواه قرار داده شد، شروع میشود. خدای متعال خطاب به آنحضرت ﷺ کرده میفرماید که من این شهر را گواه میسازم تا آنوقت که تو در آن هستی و وقتی تو را از این شهر بیرون کنند این شهر ایمن نخواهد ماند.

سپس نسلهای آینده را گواه قرار داده گفته میشود که برای انسان مرارتی پیوسته مقدر شده است. وقتی او نور نبوت بخشیده میشود آنگاه روبروی او دو درب گشوده میشود - پیشروی دینی و دنیائی. اما انسان بجای اینکه راه مشقت را اختیار کرده بسوی بلندیهای دین و دنیا بالا رود، راه آسان و سرازیر را اختیار کرده بسوی تنزل فرو میرود. اینجا مطلب بالا رفتن توضیح داده میشود. منظور بالا رفتن بر کوهی صوری نیست بلکه وقتی که گرسنگی قومهای فرومانده را فراگیرد و قوما ببندهای گرفته شوند آنان که در این هنگام برای آزادی این ملتها تلاش کنند و آنمردم روبرو به گرسنگی و ستم دیده و خوار را بپا خیزانده استوار نمایند همانند که بسوی بلندیها بالا میروند. اما این يك چنین هدفی است که بزودی بدست آینده نیست و راه صبوری را پیموده باید به فراگرفتن صبر نصیحت کرد و پیوسته رحمت را بکار گرفته باید نصیحت بسوی رحمت کرده شود.

☆ سُورَةُ الْبَلَدِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ إِحْدَى وَعِشْرُونَ آيَةً وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده، بارها رحم کننده (۱)

باش! من سوگند به این شهر می

لَا أَقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ ②

خورم (۲)

حالیکه [روزی] تو در این شهر فرود

وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ ③

آینده ای (۳)

و به پدر و آنچه او بدنیآ آورد (۴)

وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ ④

یقیناً ما انسان را آفریدیم تا او

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ ⑤

پیوسته در مشقت بسر برد (۵)

آیا میپندارد که کسی بر او غلبه

أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يُقَدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ ⑥

نخواهد یافت؟ (۶)

میگوید: من مالی فراوان را

يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَا لَا بَدَأَ ⑦

نابود ساختم (۷)

آیا میپندارد کسی او را ندیده

أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ ⑧

است (۸)

آیا ساختیم برایش دو دیده؟ (۹)

أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ ⑨

و زبان و دو لب؟ (۱۰)

وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ ⑩

و او را بسوی دو راه مرتفع

وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ ⑪

هدایت دادیم (۱۱)

پس او بر عَقَبَه [گردنه] نرفت. (۱۲)

ترا چه بفهماند عقبه چیست؟ (۱۳)

آزاد کردن بنده است (۱۴)

یا تغذیه کردن در روز گرسنگی

عام (۱۵)

یتیمی دارای قرابت (۱۶)

یا بینوائی خاک نشین را (۱۷)

سپس او از آنان باشد که ایمان

آوردند و بر صبر استوار هم دیگر را

به صبر نصیحت کنند و بر ترحم

استوار هم دیگر را به ترحم نصیحت

کنند (۱۸)

ایشان جناح راست اند (۱۹)

و کسانی که به آیات ما انکار

کردند ایشان جناح چپ اند. (۲۰)

برای آنها آتشی بسته [مقدر]

است (۲۱)

وَأُولَئِكَ

فَلَا اقْتَحَمَ الْعُقَبَةَ ۗ

وَمَا أَذْرَبِكَ مَا الْعُقَبَةَ ۗ

فَكَرَّ رَقَبَةً ۗ

أَوْ اطْعَمَ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ ۗ

يَتِيمًا إِذَا مَقْرَبَةٌ ۗ

أَوْ مَسْكِينًا إِذَا مَتْرَبَةٌ ۗ

ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا

بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ ۗ

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ۗ

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ

أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ۗ

عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّوَصَّدَةٌ ۗ

۹۱-سورة الشمس

این سوره در مکه نازل آمد و با بسم الله ۱۶ آیت دارد.

در این سوره یکبار دیگر این پیشگوئی میشود که خورشیداسلام بار دیگر طلوع خواهد کرد و ماه فیض را از روشنی خورشید کسب کرده باز خواهد درخشید. سپس باز شبی تاریک فرامیگیرد. بعبارت دیگر هیچ صبحی نیست که پس از آن تاریکیهای غفلتکاری دوباره نوع انسان را فرامیگیرد. سپس اعلامی بزرگ اینست که هر نفس را خداوند با عدل آفریده است و او را به تمیز دادن بدو خوب الهام فرموده است. آنکه استعدادهای خود را رشد داد او موفق خواهد شد و آنکه استعدادهای خود را بخاک سپرد او هلاک خواهد شد.

سپس ذکر از قوم ثمود و ناقة رسول ایشان رفته است. این امر اشاره بدینسو معلوم میشود که ناقة ای که بر آن سوار حضرت صالح علیه السلام پیغام حق میرساندند چون قوم ایشان آن ناقة را پی کردند اینکار آنها به نابودی بزرگ آنها منجر شد. پس دشمنان انبیاء هرگاه رسانه های ابلاغ ایشان را میبرند عاقبت آنها به نابودی کشیده میشوند.

☆ سُورَةُ الشَّمْسِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سِتُّ عَشْرَةَ آيَةً وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا ②

سوگند به خورشید و آفتابش (۲)

وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا ③

و سوگند ماه که از پی آن می‌آید (۲)

وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّهَا ④

و سوگند به روز چون آن [خورشید]

را خوب درخشان گرداند (۴)

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا ⑤

و سوگند به شب هنگامیکه آنرا به

تاریکی بکشد (۵)

وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا ⑥

و سوگند به آسمان و بطوری او

آن را بنا کرد (۶)

و سوگند به زمین و بطوری او

وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَّهَا ⑦

آن را گسترانید (۷)

و به نفس و بطوری او آن را

وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ⑧

آراستید (۸)

پس به [استعدادش به جدا افکندن]

فَالهَمَّهَا فَجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ⑨

زشتکاریهایش و پرمیزکاریهایش

که در او بودیعت نهاده شد (۹)

بیگمان برد آنکه آن [تقوی] را

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ⑩

افزود (۱۰)

وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّهَا ۝

و البته باخت او که آن را در
خاک فروبرد (۱۱)

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوِيهَا ۝

ثمود بعلت سرکشی خود تکذیب
کردند (۱۲)

إِذَا تَبَعَتْ أَشْقَاهَا ۝

چون بدبخت تر آنها بر خاست (۱۳)
آنگاه رسول خدا به آنها گفت،
این ناقه خدا و آبشخور آنرا [باید
مراقبت کنید] (۱۴)

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ
وَسُقِيهَا ۝

اما آنها او [رسول] را رد کردند
و آن [ناقه] را پی کردند. پس خدا
بسبب گناهان آنان آنها را پی در پی
ضربه زد و آن [شهر] را هموار
نمود (۱۵)

فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوها ۝ فَذَمَّ عَلَيْهِمْ
رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا ۝

حالی که او برای عاقبت آن هیچ
پروای نمی کرد. (۱۶)

وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا ۝

۹۲-سورة الّیل

این سورة مکی است و با بسم الله ۲۲ آیات دارد.

پس از سورة الشمس سورة الّیل میآید بطوریکه پس از روز شب میآید و این شب دنیائی نیست بلکه این تمامی سورة جنبه روحانی شب را بنحوی زیبا ارائه میدهد و در عین حال این مزده ای نیز است که چون شب فرارسد پس دنبالش روز هم حتماً میآید. فرمود، چنانکه شب و روز را تاثیر جدا جدا است پس کوششهای انسان نیز یا همچون شب تاریک اند و یا مانند روز روشن. پاداش انسان فراخور اعمال و اعتقادات او داده میشود. پس کسانی که تقوی را پیش گرفته بخشودی خدا برای بهبود نادران هزینه میکنند و سخن نیکوی را چون نزد ایشان میرسد مورد تایید خود قرار میدهند پس خدا نیز مسیر ایشان را آسان میسازد. بعکس آنکه بخل ورزد و از عاقبت آن بی پروا باشد و به سخن نیکو هرگاه نزدش میرسد تکذیب کند پس ما هم مسیرش را دشوار میسازیم.

در پایان به شخصی زشتکردار که دارای صفات فوق باشد از آتشی شعله ور هشدار داده میشود. پس او بداخل این خواهد شد و آنکس از این آتش نجات داده شود که دارائی خویش را در راه نیکوکاری هزینه کرده تقوی را پیش گرفت.

☆ سُورَةُ اللَّيْلِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ اثْنَتَانِ وَعِشْرُونَ آيَةً وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى ②

و سوگند به شب چون فرا گیرد (۲)

وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى ③

و سوگند به روز چون آشکار

گردد (۳)

وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى ④

و به آنکه او نروماده را آفرید (۴)

إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى ⑤

یقیناً کوشش شما جدا جدا است (۵)

پس آنکه [در راه حق] داد و تقوی

فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى ⑥

پیشه کرد (۶)

وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى ⑦

و به بهترین نیکی تصدیق کرد (۷)

پس او را گشایش در دهیم (۸)

فَسَيَسِّرُهُ لِيُسْرَى ⑧

و اما آنکه بخل کرد و بی نیازی

وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى ⑨

جست (۹)

وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى ⑩

و به بهترین نیکی تکذیب کرد (۱۰)

پس حتماً او را به عسرت نهیم (۱۱)

فَسَيَسِّرُهُ لِّلْعُسْرَى ⑪

و دارائش هیچ بکارش نیاید

وَمَا يَغْنِيْ عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى ⑫

چون تباہ شود (۱۲)

یقیناً هدایت دادن بر ما به فرض

إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى ⑬

است (۱۳)

یعیناً عاقبت و آغاز نیز بدست ما
است (۱۴)

پس شما را از آتشی شعله ور می
ترسانم (۱۵)

کسی بداخل آن نشود جز سخت
تیره بخت (۱۶)

آنکه تکذیب کرد و روی
گرداند (۱۷)

حالیکه نجات داده شود آنکه
بیشتر پرهیزکاری کرد (۱۸)

آنکه دارائی خود میدهد تا پاک
گردد (۱۹)

و نزدش از جانب احدی منت
نیست که [برای آن از جانب او]
پاداش داده شود (۲۰)

مگر به تلاش خشنودی پروردگار
بلندو برتر خود [هزینه کند] (۲۱)
و حتماً او خوشنود شود (۲۲)

ع
۳۷

وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ ۝۱۴

فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّىٰ ۝۱۵

لَا يَصْلُهَا إِلَّا الْأَشْقَىٰ ۝۱۶

الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ۝۱۷

وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَىٰ ۝۱۸

الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّىٰ ۝۱۹

وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَىٰ ۝۲۰

إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَىٰ ۝۲۱

وَلَسَوْفَ يَرْضَىٰ ۝۲۲

۹۳-سورة الضحیٰ

این سوره در مکه نازل شد و با بسم الله ۱۲ آیت دارد.

مجدداً در این سوره مؤده ای از روزی داده میشود که خوب روشن شده باشد و باز از شبی که بدنبال آن خواهد آمد. خطاب به آنحضور ﷺ کرده فرموده میشود که خدا هنگام سخت تاریکیها و مشکلات تو را تنها نخواهد گذاشت و هرکدام ساعت بعدی تو از ساعت قبلی خوبتر خواهد شد و سپس این مؤده ای است که خداوند اعطای خود را بر تو ارزانی خواهد داشت. پس به یتیمان باسلوک زیبا رفتار کن و به گدائی نهیب نده و نعوذ بالله بعلت این ترس که گویی نعمتهای نزد تو تمام نشود از نوع انسان پنهان ندار. بیشتر تو در راه خدا انفاق کنی خداوند بیشتر آنها را افزایش میدهد.

☆ سُورَةُ الضُّحَىٰ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ اثْنَتَا عَشْرَةَ آيَةً وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]
بسیار بخشنده، بارها را حکمکنده (۱)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

و سوگند به روز چون خوب روشن
گردد (۲)

وَالضُّحَىٰ ②

و سوگند به شب چون خوب تاریک
شود (۳)

وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ ③

پروردگارت تو را نه ترک کرد و
نه نفرت یافت (۴)

مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ ④

و یقیناً آخرت برای تو نیکوتر از
[مرحالت] قبلی است (۵) ++

وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ ⑤

و حتماً پروردگارت تو را اعطاء کند
پس تو خوشنود شوی (۶)

وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ ⑥

آیا تو را یتیم نیافت؟ پس پناه
داد (۷)

أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ ⑦

و تو را [در تلاش هدایت] سرگردان
یافت و هدایت داد (۸) ++

وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ ⑧

++ آیت ۵: آن آخرت که بهتر بودنش از اولی اینجا ذکر شده است منظور از این هر

لمحۀ ی آینده از زندگانی آنحضور ﷺ است که از هر لمحۀ پیشین خوبتر بود چه ایشان هر آن بسوی خدا به سفر مشغول ماندند.

و تو را عیالمند یافت و [برای

وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنِي ۝

کفالت] غنی نمود (۹) ++

پس با توجه به یتیم هرگز بر او

فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ۝

سختی نکن (۱۰)

و با توجه به سایل پس او را

وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ ۝

سرزنش نکن (۱۱)

و با توجه به نعمت پروردگار

وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ۝

خود پس آنرا بیان کن (۱۲) ++

++ آیات ۸-۹: در این آیات واژه ضالاً به گمراهی دلالت نمیکند بلکه عبارت از این

معنا است، هر که وجود خویش را در عشق و محبت خدا گم کرد. و ایشان عائلاً
بعلت بزرگی و وسعت امت ایشان خوانده شدند. هیچکدام پیغمبر امت به این

وسعت نصیب نشد که به نصیب آنحضور ﷺ شده است.

++ آیت ۱۲: احادیث آنحضور ﷺ بتکثیر نقل میکنند که ایشان هیچگاه احسانات و فضل

خدا را که بر وجود پاک ایشان ارزانی داشته شد پنهان نداشتند بلکه کاملاً آشکار
میکردند. آن برتربهای روحانی که خداوند برایشان نازل کرد اگر فرمان خدا

نبود ایشان آنرا در وجود خویش پنهان میداشتند. بیان کردن آن فضل دنیائی که
برایشان ارزانی داشته شد لازم بود برای اینکه حاجتمندان حاجت خویش را از

آنحضور ﷺ بخواهند و حاجت های ایشان برآورده شود و رفتار احسان با آنان مانند
رفتاری است که با اهل و عیال کرده میشود و انسان بعوض آن هیچ نوع تشکر را

نمیخواهد.

۹۴-سورة الم نشرح

این سوره در مکه نازل شد و با بسم الله نه آیت دارد.

در این سوره پس از بیان صفات نیکوی آنحضور ﷺ فرموده شد که آیا ما سینه تو را کاملاً باز نکردیم و آن بار امانت که تو بدوش گرفته بودی خدا وند تو را به ادای آن توفیق نبخشید و ذکرت را بلند نمود؟ پس این صداقت استوار را بخاطر بسپار که پس از هرکدام مشکل آسایشی پدید میآید. همین اصل است از جهت دنیا و هم از لحاظ معنویت. پس هرگاه از مشغولیات روز فرصت پیدا کنی پس شبگاه در حضور پروردگارت بپاخیز و از محبت او آرامش قلبی بیاب.

سُورَةُ الْمَنْشُورِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ تِسْعُ آيَاتٍ وَرُكُوعٌ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بسیاربخشنده بارها رحم کننده (۱)

آیا سینه تو را برای تو فراخ نه

نمودیم؟ (۲)

و بار تو را از تو دور نه

نمودیم؟ (۳)

آنچه پشت تو را شکسته بود (۴)

و ذکر تو را برای تو بلند نمودیم (۵)

پس یقیناً با سختی آسایشی

است (۶)

یقیناً با سختی آسایشی است (۷)

پس هرگاه فراغت داشتی پس

کمر همت ببند (۸)

و به پروردگار خود رغبت کن (۹) ع ۱۹

الْمَنْشُورُ لَكَ صَدْرَكَ ①

وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ ②

الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ ③

وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ④

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ⑤

إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ⑥

فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ ⑦

وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ ⑧

۹۵-سورة التّین

این سوره در مکه نازل شد و با بسم الله نه آیت دارد.

سورة التّین بدنبال سورة الانشراح، شرح به این امر است که فَاِنَّ مَعَ

الْعَسْرِ یَسْرًا ۝ اِنَّ مَعَ الْعَسْرِ یَسْرًا ۝

در این سوره خیراز ارتقاء لامتناهی داده میشود. اینجا تین و زیتون

را گواه قرار داده میشود یعنی آدم و نوح علیهما السلام و طور سینین یعنی

آن کوه حضرت موسی علیه السلام را که خداوند بر آن متجلی شد و سپس آن

بلد الامین را که آماج گاه آنحضور ﷺ بود. همراه با این پیشرفت تدریجی

این اعلام نیز کرده شد که بر همین منوال ما انسان را از حالت های ادنی

ترقی داده به منزلگاه نهائی ارتقاء رسانیده ایم. اما آنکس که از روی تیره

بختی از این استفاده نکند ما او را با برگشتگان بحالت پست ترین به درجه

پست ترین همه برمیگردانیم. بعبارت دیگر ذکر از پیشرفت لامتناهی و وارنگ

می شود. اما کسانی که ایمان آورده نیکوکاری کنند پیشرفت روحانی ایشان

لامتناهی است. پس هر که از این پس هم در امر دین به آنحضور ﷺ تکذیب

کند پس خداوند برایش بهترین فیصل دهندگان است.

سُورَةُ التِّينِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ تِسْعُ آيَاتٍ وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیاربخشنده بارهارحم کننده(۱)

والتِّينِ وَالزَّيْتُونِ ②

سوگند به انجیر و زیتون(۲)

و به طور سینین(۳)

وَطُورِ سِينِينَ ③

و این شهر ایمن(۴)

وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ④

یقیناً انسان را در بهترین حالت

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ

ارتقائی آفریده ایم(۵)++

تَقْوِيمٍ ⑤

سپس او را پست ترازیست ترین

ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ⑥

ها گردانیدیم(۶)++

جز کسانی که ایمان آوردند و اعمال

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

نیکو انجام دادند پس برایشان

فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ⑦

اجر لامتناهی است(۷)

پس کیست که پس از این تو را

فَمَا يَكْذِبُكَ بَعْدَ الدِّينِ ⑧

درباره دین تکذیب کند؟(۸)

آیا خدا قضاوت کننده بهترین

أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَكَمِينَ ⑨

قضاوت کنندگان نیست؟(۹)

++آیت ۵: برای این معنای تقویم مراجع شود مفردات امام راغب و المجد.

++آیات ۵-۶: در این آیات ذکر از ارتقاء انسان است که پیوسته ادامه دارد و چطور او از حالت های دون بالا برده بر مقام بلندترین نشانده شد. تقویم را لغوی معنی اینست که چیزی را درست کرده پیوسته خوبتر ساختن. سپس فرموده شد که باز ما

او را بهمان حالت دون تر برگردانیدیم که پیشرفتش را آغاز کرده بودیم. منظور از این فقط فاستقان و ناسپاسگذاران خدا هستند که آنها بظاهر آدمی ولی از جمله زشت ترین آفریدگان میباشند جز مومنان که طبق این سوره به ترقیات لامتناهی مژده ای داده میشوند.

به اثبات این دلیل که انسان با این وجود که بهترین آفریدگان است میتواند مخلوقی زشت ترین هم در آید این حدیث آنحضرت صلی الله علیه و آله بس است که در بدترین زمان آینده علماء آنمردم "شَرُّ مَنْ تَحْتَ أَدِيمِ السَّمَاءِ" یعنی زیر پرده آسمان بدترین مخلوق خواهند بود. [مشکوٰة، کتاب العلم]

۹۶-سورة العلق

این نخستین سوره قرآن است که در مکه نازل شد و با بسم الله ۲۰ آیت دارد.

ابتدای نزول وحی با این سوره شد درجه خداوند به آنحضور ﷺ بنام آن پروردگار خود به قرائت فرمان میدهد که هر چیز را خلعت آفرینش بخشیده است و مجدداً اقراء فرموده اعلام نمود که بامعزترین نام پروردگار خویش قرائت کن که او تمامی رازهای پیشرفت انسان را در قلم نهاده است و اگر به انسان قلم و هنر تحریر اعطاء نمیشد پس پیشرفت هیچ نوع امکان پذیر نبود.

سپس هرکدام که مانع در راه عبادت ایجاد کند هشدار داده میشود و او از این فرجام بیم داده میشود که اگر او از این کار خودداری نکند پس ما او را از موهای پیشانی خطا کارش میگیریم آنگاه او هرکدام یاریگر خویش را خواهد بخواند در صورتیکه نزد ما هم سخت کیفر دهنده فرشتگان جهنم هستند.

☆ سُورَةُ الْعَلَقِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ عِشْرُونَ آيَةً وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بسیار بخشنده، بارها رحمتکننده (۱۰)

بخوان بنام پروردگار خود آنکه

آفرید (۲)

او انسان را از خون بسته

آفرید (۳)

بخوان و پروردگار تو از همه

عزتمندتر است (۴)

آنکه با قلم آموخت (۵)

آموخت انسان را آنچه او نمی

دانست (۶)

آگاه باش! یقیناً انسان سرکشی

می کند (۷)

براینکه خود را غنی میپندارد (۸)

یقیناً بازگشت بسوی پروردگار

تو است (۹)

آیا نگریستی او را که باز می

دارد؟ (۱۰) ++

بنده ی بزرگ را وقتی او نماز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ②

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ③

اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ④

الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ⑤

عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ⑥

كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيْطَغِي ⑦

إِنَّ رَأَاهُ اسْتَغْنَى ⑧

إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَى ⑨

أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى ⑩

عَبْدًا إِذَا صَلَّى ⑪

میخواند(۱۱)++

آیا نگرستی که اگر او بر
هدایت است؟(۱۲)

یا به تقویٰ امر کند؟(۱۳)

آیا تو نگرستی اگر او [از نماز
بازدارنده بازم] تکذیب کند و
پشت گرداند؟(۱۴)

آیا او نمیداند که یقیناً خدا می
بیند؟(۱۵)

باش اگر دست بر ندارد یقیناً او
را بموهای پیشانی می‌کشیم(۱۶)
موهای پیشانی دروغگوی خطا
کار(۱۷)

پس باید او اهل انجمن را
بخواند(۱۸)

مافرشتگان جهنم را بخوانیم(۱۹)

باش امرگز او را پیروی نکن و
سجده کن و قرب را تلاش کن(۲۰)

أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَىٰ ۝

أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَىٰ ۝

أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ۝

أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ ۝

كَلَّا لَئِنْ لَّمْ يَنْتَه لَسَفَعَا بِالنَّاصِيَةِ ۝

نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ ۝

فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ ۝

سَدِّعُ الزَّبَانِيَةَ ۝

كَلَّا لَا تَطِعُهُ وَأَسْجُدْ وَاقْتَرِبْ ۝

++ آیات ۱۰-۱۱: این آیات ابتدائی زمان اسلام را ذکر میکنند که چطور بدبختان
آنحضور را از خواندن نماز بازداشته برایشان ستم میکردند.

۹۷-سوره القدر

این سوره درمکه نازل شد و با بسم الله شش آیت دارد.

این سوره حاکی از این مژده ای است که آن وحی که با قرآن آغاز کرده شد میتواند هر نوعی از شبهای تاریک را روشن سازد. پس اینجا سخن از تاریکترین شب در زمان آنحضرت ﷺ گفته میشود درجه فساد بحرو برّ را فراگیرد. اما در نتیجه دعاهاى آن فانی فی الله در شبهای تاریک بامدادی درخشنده پدیدار شد یا بعبارت دیگر قرآنی نازل آمد که نورش تا قیامت ماندگار است. منظور از "هِيَ حَتَّى مَطَلَعِ الْفَجْرِ" اینست که نزول وحی ادامه خواهد داشت تا آنگاه که صبحگاه کاملاً آشکار شود. سپس این اعلام فرمود که از جدوجهد يك نفر به طول عمرش بهتر این يك ساعت ليلة القدر است اگر به نصیب کسی بشود.

سُورَةُ الْقَدْرِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سِتُّ آيَاتٍ وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده بارها رحمتکننده (۱)

یقیناً ما اینرا در شب قدر نازل

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ②

کرده ایم (۲)

و ترا چه حالی کند که شب قدر

وَمَا آذْرُكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ③

چه است (۳)

شب قدر بهتر است از هزار ماه (۴)

القدر

لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ ④

فرشتگان و روح القدس در آن به

تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ

اذن پروردگارا ایشان بتکثیر نازل

ملائکة
عندنا نحن

رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرِ ⑤

می شوند در مورد هر چیز (۵)

سلام است. این [سلسله] ادامه

القدر

سَلَامٌ فَهِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ ⑥

دارد تا فجر طلوع کند (۶)

۹۸ - البیّنة

این سوره در مدینه نازل شد و با بسم الله نه آیت دارد.

سوره قبلی حاکی از این مطلب بود که وحی طی لیلۃ القدر نازل شده هرچیز را همچون صبحگاهی آشکار، بروشنی بیان خواهدکرد. اینک این سوره عبارت از این موضوع است که ما بر همین منوال به رسولان پیشین نیز نسبتاً به اندازه ای کوچک لیلۃ القدر داده بودیم و الا ایشان تاریکیهای آن ازمنه را تنها از کوششهای خود نمیتوانستند به صبحگاهان تبدیل کنند.

سپس نسبت به آنحضور فرموده میشود که آنجمله کتب که بر پیغمبران پیشین نازل شده بود خلاصه آنها درتعلیم توشامل شده است ومجمل تعلیمات ایشان این بود که دین خدا را بخاطرش خالص نموده او را عبادت کنید و نماز را بپادارید و زکوة دهید. این چنین دینی است که مدام برقرار و نوع انسان را نیز بر راه مستقیم استوار خواهد نمود.

سپس به کافران و مومنان از عاقبت بد و خوب مطلع ساخته گفته میشود که چون دین قیّم آید آنگاه هرکس آزاد است خواه آنرا پیروی کرده به عاقبت نیکوی برخوردار شود خواه از آن انکار کرده به فرجام بد برسد.

☆ سُورَةُ الْبَيِّنَةِ مَدِينَةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ تِسْعُ آيَاتٍ وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بسیاربخشنده بارهارحمکننده (۱)

کسانی از اهل کتاب و مشرکان
که کفر کردند هرگز دست نمی
برداشتند بآنکه ادله روشن نیز
آنان را آمده بود (۲)

رسول خدا صحیفه های پاک را
فرومیخواند (۳)

در آنها تعالیم استوار و استوار
کننده بود (۴)

و تفرقه نیفکندند کسانیکه کتاب
داده شدند مگر از این پس که
دلیلی روشن ایشان را آمده
بود (۵)

وایشان فرمان نشدندجزآنکه خدا
راعبادت کنند دین راخالصاً برای
او قراردادده مدام بسوی او فروتن
ونمازاربابای دارندوزکوت دهند و
همین دین از تعلیمات استوار و

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ
وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ
الْبَيِّنَةُ ②

رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُطَهَّرَةً ③

فِيهَا كُتِبَ قِيمَةٌ ④

وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ
بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ ⑤

وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ
لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ
وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيمَةِ ⑥

استوار کننده میباشد (۶)

براستی کسانی از اهل کتاب و مشرکان که کفر کردند در آتش جهنم باشند و در آن مدت دراز می مانند. همانها اند که بدترین

آفریدگان هستند (۷)

یقیناً کسانی که ایمان آوردند و صالحات بجا آوردند همانها اند که بهترین آفریدگان هستند (۸)

پاداش ایشان نزد پروردگار ایشان بهشتهای جاودان است که در دامنه آنها نهرهای روان است که در آنها جاودانانند. خدا از ایشان خوشنود شد و ایشان از او خوشنود شدند. این برای آنکس است که از پروردگار خود میترسد (۹)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ
وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا
أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ ﴿٧﴾

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ﴿٨﴾

جَزَاءُ لَهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا
أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ
ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ ﴿٩﴾

ع
۳۳

۹۹ - الزلزال

این سوره در مکه نازل آمد و با بسم الله نه آیت دارد.

این سوره عبارت از آن تغییرات است که در آخرین زمان صورت میگیرد و انسان بپندارد که او پیروزی بزرگ بر قانون قدرت بدست آورده است در حالیکه آنزمان زمین هرچه رازهای خویش را بیرون افکند آن فقد بفرمان پروردگار تو باشد. در آنروز ساعتی است که مردم پاداش دنیائی نیر داده شوند و آنگاه آنان ببینند که پیشرفتهای دنیائی هیچ هم به کار ایشان نیآمد جز اینکه بجنگ وجدال گرفتار پریشان حال شدند. پس آنروز هر انسان به کوچک ترین نیکی نیز پاداش خواهد یافت و هم برای کوچکترین بدی.

در آغاز این سوره مذکور است که زمین بارهای خویش را بیرون افکند و دنباله این در پایان فرموده میشود که نه تنها از نیکی و بدی سنگین محاسبه شود بلکه کسی نیکی را باندازه ذره ای نیز انجام داده باشد او پاداش آنرا درمییابد و همچنین برای بدی باندازه ذره ای نیز مجازات کرده میشود.

سُورَةُ الزَّلْزَالِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ تَسْعُ آيَاتٍ وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

هنگامیکه زمین از زلزله لرزاند

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ①

شود (۲)

و زمین دینه های خود را بیرون

وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ①

افکند (۳)

و انسان گوید آنرا چیست (۴)

وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا ①

آنروز اخبار خود را بیان کند (۵)

يَوْمَئِذٍ تُخْبِرُكَ أَخْبَارُهَا ①

چه پروردگارتو او را وحی

بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا ①

میفرستد (۶)

آنروز مردمان پریشان حال

يَوْمَئِذٍ يَصُدُّرُ النَّاسُ أَسْتَأْتَاءُ ①

بیرون آیند تا اعمال خود نشان

لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ ①

داده شوند (۷)

بس هرکه باندازه ذره ی نیکی

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ①

کند آنرا ببیند (۸)

و هرکه باندازه ذره ی بدی کند

وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ①

آنرا ببیند (۹)

۱۰۰-سورة عاديات

این سورة مکی است و با بسم الله ۱۲ آیت دارد.

پس از تذکر آن جنگها که بخاطر تسلط دنیائی جنگیده میشوند اینک ذکر از آن جنگهای است که آنحضور ﷺ و اصحاب ایشان رضوان الله علیهم بدفاع خود جنگیده بودند. این جنگها از هر جهت مختلف از جنگهای بنفع دنیائی و نیکوتر در فرجام اند. آن اسبان تندرو گواه قرار داده میشوند که بشتاب نفس زده بردشمن بطوری حمله میکنند که از نعلهای آنها شعله در میآید و حمله ور صبحگاه میشوند و شب بخون نمیزنند. این علامت از بلندترین دلاوران است و الا برای جنگهای دنیائی روش ملتها همین است که آنها بر همدیگر حمله ور پنهانی میشوند.

سپس فرموده میشود که انسان به پروردگار خویش سخت ناسپاسی می کند و خودش بر این امر گواه است. او در دوستی مالها بسیار سخت است و این کنایه ای به اینست که جنگهای دنیائی بخاطر مال و منال جنگیده میشود. پس آیا او نمیداند که چون دینه های دنیا در آورده شود و هر چه راز در سینه های انسان است آشکار ساخته شود و خداوند در آنروز از حالات ایشان خوب آگاه باشد.

سُورَةُ الْعَادِيَّاتِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ اثْنَا عَشْرَةَ آيَةً وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلاستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیاربخشنده بارهارحم کننده (۱)

وَالْعَدِيَّتِ ضَبْحًا ②

و سوگند به اسبان تیزرو با

صدای سینه (۲)

فَالْمُورِيَّتِ قَدْحًا ③

پس به جرقه های برانگیخته شعله

های درآوردگان (۳)

فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا ④

پس سوگند به سپیده دم تاخت و

تاز کنندگان (۴)

فَأَثَرَانَ بِهِ نَقْعًا ⑤

پس به آن غبار برانگیختگان (۵)

پس با آن [غبار] وسط هجوم

میرسند (۶)

فَوْسَطْنَ بِهِ جَمْعًا ⑥

یقیناً انسان در حق پروردگار

خود بسیار ناسپاس است (۷)

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ ⑦

و یقیناً بر این امر گواه

است (۸)

وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ ⑧

و یقیناً او برای دوستی مال

سرسختر است (۹)

وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ ⑨

پس آیا نمیداند وقتی آنچه درمدفنها

است برانگیخته شود؟ (۱۰) ++

أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعِثَ رَمَاهُ فِي الْقُبُورِ ⑩

وَحَصِّلَ مَا فِي الصَّدُورِ ۱۱

و آشکار کرده شود آنچه در سینه
ها است (۱۱) ++

إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ خَبِيرٌ ۱۲
يَقِينًا پروردگار ایشان آنروز به
آنها کاملاً آگاه است (۱۲)

++ آیات ۱۰-۱۱: این آیات دارای پیشگوئیا از پیشرفتهای در آخرین زمان است. منظور از بَعِثَرَ مَا فِي الْقُبُورِ اینست که حالاتی از قومهای بَخاک سپرده مکشوف شود. این آیت حاکی از پیشگوئی درباره پیشرفت فوق العاده ی از علم باستان شناسی میباشد که در زمان کنونی جلوی چشمان ما راست میآید. زبردستان باستان شناسی حالات قومهای هزاران ساله پیشین را از آثار ایشان از طریق حیرت انگیز مکشوف مینمایند.

حَصِّلَ مَا فِي الصَّدُورِ روان شناسی این زمان حاکی از این امر است که يك بیمار روانی رو به صحت نمیشود تا آنگاه که حالات دلش معلوم کرده نشود. پزشک با تزریق نیم بیهوشی از این مریض میپرسد و از این طریق تمامی رازهای سینه اش در آورده میشود.

۱۰۱-سورة القارعة

این سوره در مکه نازل شد و با بسم الله ۱۲ آیت دارد.

این سوره مجدداً حاکی از همان تنبیه است که در سوره گذشته مذکور بود که گاه و بیگاه برای بیدار کردن انسان صدای هولناک درش را میکوبد. این صدای درش را کوبنده چیست؟ باز هم بنگرید که این صدا چیست؟ چون انسان ناشی از جنگهای هولناک همچون ملخا پراکنده شود و کوهها نیز همچون پشم زده ریزه ریزه برده شوند. اینجا منظور از کوهها ابرقدرتهای دنیائی اند و حتماً ذکر از قیامت اخروی نیست زیرا آنگاه که هیچ کوهی ریزه ریزه برده نمیشود. امروز قومهای که با سازوبرگ سنگین مجهز باشند آنان پیروزند میشوند و آنانکه نسبتاً تجهیزات سبک داشته باشند به "حاویه" جنگ افکنده شوند و آن آتشی شعله ور است.

سُورَةُ الْقَارِعَةِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ اثْنَتَا عَشْرَةَ آيَةً وَ رُكُوعٌ

بنام خدا [بلاستدعا و بلا امتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

الْقَارِعَةُ ②

صدای کوبنده [از خواب غفلت] (۲)

مَا الْقَارِعَةُ ③

چیست صدای کوبنده؟ (۳)

چه ترادانا کند کوبنده چیست (۴)

وَمَا أَذْرُبُكَ مَا الْقَارِعَةُ ④

روزی که مردمان مانند ملخا

يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ

پراکنده گردند (۵)

الْمُبْثُوثِ ⑤

و کوهها مانند پشم زده شوند (۶)

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ ⑥

و اما کسیکه وزن کرده هایش

فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ⑦

سنگین آید (۷)

پس او در زندگی بسندیده

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ⑧

باشد (۸)

و اما کسیکه وزن کرده هایش

وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ⑨

سبک باشد (۹)

فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ ⑩

پس مادرش هاویئه باشد (۱۰)

چه ترادانا کند که آن چیست؟ (۱۱)

وَمَا أَذْرُبُكَ مَا هِيَ ⑪

آتش زبانه دار (۱۲) ++

نَارٌ حَامِيَةٌ ⑫

++ آیت ۱۲: مطالب این سوره به این دنیا نیز اطلاق میکند. هنگام جنگها ملتهای

که از روی تجهیزات جنگی سنگین تر باشند پیروزند میشوند و بوسیله پیروزیهای

خویش سامان عیش و نوش بدست میآرند و ملتهای که از روی تجهیزات ضعیفتر باشند منتها در آتش جنگ سوزانده میشوند.

اگر این موضوع را به قیامت ببندیم منظور اینست که کسانی که وزن کرده های اعمال ایشان سنگین باشد ایشان از لذت بهشت بهرمنند شوند و کسانی که وزن کرده های ایشان سبک باشد طعم از آتش جهنم بچشند.

۱۰۲ - سورة التكاثر

این سوره مکی است و با بسم الله نه آیت دارد.

در این سوره انسان متنبه کرده میشود که او در نتیجه دوستی مال و منال تا قبرها خواهد رسید. در این سوره از یکسو ابرقدرتها هشدار داده میشوند که این مسابقه منتها منجر به نابودی میشود. در عین حال حالت بعضی ملت‌های ضعیف نیز بیان میشود که آنها بدنبال مال و منال دنیائی از دیدن قبرها نیز خود داری نخواهند کرد. نسبت به این امر انسان از مردود جهت هشدار داده میشود - هم ملت‌های گرفتار در فعالتهای دنیائی و هم ملت‌های مذهبی دچار به توهمات گوناگون که سرانجام شماها علم آن آتش را می‌پرورید که برایشما برافروخته شده است و پس شما آنرا جلوی چشمان خود تماشا کنید و سپس چون در آن افکنده شوید آنگاه پرسیده شوید که اینک بگوید که در نتیجه طلب کورکورانه از نعمتهای دنیائی چه چیزی بدست آوردی؟

سُورَةُ التَّكَاثُرِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ تِسْعُ آيَاتٍ وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلاستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده بارها رحمکننده (۱)

أَلْهَكُمُ التَّكَاثُرُ ①

شما را سبقت جستن بهم بغفلت

انداخت (۲)

حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ②

حتی به مقبره ها نیز دیدن

کردید (۳)

كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ③

آگاه باشید! حتماً شما خواهید

دانست (۴)

تُمْ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ④

بازهم آگاه باشید! حتماً شما

خواهید دانست (۵)

كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ ⑤

آگاه باشید! اگر شما بحد علم یقین

بدانید (۶)

لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ⑥

حتماً جهنم را خواهید دید (۷)

سپس حتماً آنرا بحد یقین رأی

تُمْ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ ⑦

العين خواهید دید (۸)

سپس حتماً آنروز از نعمتها پرسش

تُمْ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ ⑧

شوید (۹)

۱۰۳-سورة العصر

این سوره ابتدائی است که در مکه نازل شد و با بسم الله چهار آیت دارد.

این سوره عبارت از این بیان است که آن انواع انسانها که ذکر از آنها در سوره های گذشته رفته است و آزمندی دنیا که از آن هشدار داده شد ناشی از آن چنین روزگاری برسد که همگان بر آن گواه باشند که انسان دچار خسارت است جز آنانکه ایمان آوردند و نیکوکاری کردند و بر حق استوار برای حق نصیحت کردند و بر صبر برقرار به صبوری اندرز دادند.

سُورَةُ الْعَصْرِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ أَرْبَعُ آيَاتٍ وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیاربخشنده بارها رحمکننده (۱)

سوگند به زمان (۲)

وَالْعَصْرِ ①

یقیناً انسان در خسارتی بزرگ

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ②

است (۳)

جز کسانی که ایمان آوردند و نیکو

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

کاری بجا آوردند و برحق استوار

ع
۲۸

وَتَوَّاصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّاصُوا بِالصَّبْرِ ③

بحق نصیحت کردند و بر صبر

برقرار به صبر سفارش کردند (۴)

۱۰۴- سورة الهمزة

این سوره مکی است و با بسم الله ده آیت دارد.

سورة الهمزة دنبال سورة العصر میآید. از آنجمله هشدارها که به قومهای آزمندسیم و زرتاحال داده شد این سوره دارای بزرگترین هشدار است. فرموده میشود. آیا بزرگ انسان این زمان میپندارد که مال و منال به آن فراوانی نزدش جمع شده است و او بیدریغ آنرا بدفاع خویش مزینه میکند که او را بردنیابرتی ابدی بدست آمده است؟ باش! او درچنین آتشی افکنده شود که در صورت ذره های کوچکترین بسته باشد و تورا چه معلوم که آن کدام آتش است؟ سؤال مطرح میشود که آتش چطور به ذره های کوچک توان بسته شد. حتماً این حاکی از آن آتش است که در اتم بسته میشود و کلمات حَطْم و اتم بهم شباهت صوتی دارند. این آن آتش است که بردلها حمله برد و برای حمله بردن در چنین ستونها بسته شود که کشیده در اتر می شوند.

اینهمه سوره بفهم انسان نمیتواند برسد تا آنگاه که حالات دوره اتمی بر او آشکار نگردد. آن مواد اتمی که این آتش در آن بسته شده است قبل از انفجار شکل عَمَدٍ مُّمَدَّدَةٍ را میگیرد یعنی بعلت فشار درونی گستردن میگرد و آتشش قبل از سوزاندن جسم. به دل آدمی حمله کرده و حرکت قلب بسته میشود. تمامی پژوهشگران علم بر این امر گواه هستند که صورت هنگام انفجار اتم بم همین طور میباشد. قبل از اینکه مواد آتشی برسد تشعشاتی نیرومند حرکت قلب را میبندد. معنای دیگر اینست که يك آتش در ذرات جسم انسان نیز مخفی است و چون آن آشکار شود بردل انسان حمله برده آنرا از کار خواهد انداخت.

سُورَةُ الْهُمَزَةِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ عَشْرُ آيَاتٍ وَ رُكُوعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

هلاک بر هر سخن چین و عیب

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ ②

کننده (۲)

آنکه مال را جمع کرد و آنرا

الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ ③

شمار میگرد (۳)

پنداشت که مال او را جاودان

يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ ④

نگه دارد (۴)

آگاه باش! حتماً او فرو حطه

كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ ⑤

افکنده شود (۵)

و چه ترا حالی کند که حطه

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ ⑥

چیست؟ (۶)

آن آتش خدا است برافروخته (۷)

نَارَ اللَّهِ الْمَوْقَدَةِ ⑦

که بر دلها چیره شود (۸)

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ ⑧

یقیناً آن برخلاف آنها از همه طرف

إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّوَةٌ ⑨

بسته شده است (۹)

در ستونهای که کشیده دراز کرده

عِ

فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ ⑩

شده است (۱۰)

۱۰۵ - سورة فيل

این سوره ابتدائی و مکی است و با بسم الله ۶ آیت دارد.

پیشرفت ملت‌های دنیائی منتها به این نقطه عروج بپایان میرسد که تمامی ابرقدرتها در پی نابودی اسلام خواهند افتاد. قرآن واقعه ای از زمان گذشته را بیان کرده میفرماید که قبل از این نیز ملت‌های بزرگ با جاه و حشمت تلاش کرده بودند که أمّ القری یعنی مکه را نابود سازند. آنان اصحاب فیل یعنی دارای فیل‌های بزرگ بودند. اما قبل از اینکه سوار بر آن فیل‌ها به مکه برسند بر آنها آن ابابیل‌ها که در چاه‌های سنگ خاره‌های دریائی آشیانه درست میکنند چنین سنگریزه‌های پرتاب کردند که جرثومه مرض آبله همراه داشت و آن مرض مهلك و خوفناك در سراسر ارتش حمله‌کنندگان گسترش یافت و بلافاصله آنها پشته‌های جسدها همچون گاهی خورده شدند و جسدهای آنها را پرندگان مردارخوار بسختی بزمین میزدند. پس اگر کسی در آتیه هم از روی فیس نیرومندی آهنگ به بیحرمتی یا نابودی اسلام و مکه کرد پس او نیز بر همین منوال به نابودی کشیده خواهد شد.

سُورَةُ الْفِيلِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ سِتُّ آيَاتٍ وَ رُكُوعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیاربخشنده بارها رحم کننده (۱)

آیا نمدانی که پروردگارتو به

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ

دارندگان فیل چه رفتار کرد؟ (۲)

بِأَصْحَابِ الْفِيلِ ①

آیا او نیرنگ آنها را بی نتیجه نه

أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ ①

ساخت؟ (۳)

و پرندگان را گروه درگروه بر

وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ ①

آنها[نه] فرستاد؟ (۴)

آنها سنگهای ازسجیل برآنها پرتاب

تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّنْ سِجِّيلٍ ①

میکردند (۵)

پس او آنها را مانند کامی خورده

فَجَعَلَهُمْ كَعَصِفٍ مَّا كُوِيَ ①

گردانید (۶)

ع
چ

۱۰۶ - سورة القريش

این سوره مکی است و با بسم الله ۵ آیت دارد.

بلافاصله پس از سورة الفیل در این سوره این مژده ای داده میشود که بطوری که اهل مکه پیش از واقعه مذکور در سورة الفیل در صورت قافله ها تجاری طی زمستان و تابستان سفر میکرده اند و ما ایشان را از طریق هر نوعی میوه ها از گرسنگی و خوف امن میبخشیدیم این سلسله آینده نیز ادامه خواهد داشت.

سُورَةُ قُرَيْشٍ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ خَمْسُ آيَاتٍ وَ رُكُوعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

برای بهم ربط دادن قریش (۲)

لَا يَلْفُ قُرَيْشٌ ②

[بلی] برای افزایش ربط همدیگر

الْفِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ ③

آنان سفرهای زمستانی و تابستانی

است (۳)

پس باید پروردگار این خانه را

فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ ④

عبادت کنند (۴)

آنکه آنانرا [به نجات] از گرسنگی

الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ ⑤ وَأَمَّنَّهُمْ

غذا داد و از ترس ایشانرا ایمن ^ع_{۳۱}

مِنْ خَوْفٍ ⑥

ساخت (۵)

۱۰۷-سورة الماعون

این سوره ابتدائی و مکی است و با بسم الله ۸ آیت دارد.

بقرار معلوم این سوره را تعلق با سوره قبلی اینست که چون خداوند به مسلمانان نعمتهای فراوان اعطاء کند ایشان از خرج در راه او راه گریز پیدانخواهند کرد و در عبادتی که پروردگار کعبه بدیشان آموخته است تظاهر را بکار نگیرند و گرنه نمازهای ایشان موجب هلاک ایشان بشود زیرا که چنین نمازها از روی تظاهر است و بر همین منوال خرج ایشان نیز از روی تظاهر باشد. ایشان هزینه های بزرگ را برای اشتها یافتن کنند در حالیکه به نیازمندان از دادن چیزهای معمولی نیز خود داری خواهند نمود.

سُورَةُ الْمَاعُونِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ ثَمَانِي آيَاتٍ وَ رُكُوعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده، بارها رحم کننده (۱)

آیا آنکس را دیدی که به دین

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْدِينِ ②

تکذیب میکند؟ (۲)

پس همین است آنکه یتیم را طرد

فَذَلِكَ الَّذِي يَدُعُّ الْيَتِيمَ ③

میکند (۳)

و به طعام مسکین تشویق نمی

وَلَا يَحْضُرُ عَلَى طَعَامِ الْمُسْكِينِ ④

نماید (۴)

پس هلاک است بر آن نماز

فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ ⑤

گذاران (۵)

که از نماز خود غافل اند (۶)

الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ⑥

آنانکه تظاهر میکنند (۷)

الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ ⑦

و کالای مورد استفاده روزانه را

وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ ⑧

نیز [از مردم] باز میدارند (۸)

۱۰۸ - سورة الكوثر

این سوره مکی است و با بسم الله ۴ آیت دارد.

بلافاصله پس از سوره الماعون به آنحضرت ﷺ مژده ای به چنین کوثر داده شده است که هیچگاه پایان پذیرنمیباشد. یکی این معنا است که آن دارائی که ایشان در راه خدا انفاق کنند اگر ایشان آنها را هزینه بیدریغ هم کنند بازهم خدای متعال پیوسته مالهای بیشتر اعطاء کند و بزرگترین مژده ها این است که به ایشان قرآن اعطاء کرده شد که مطالب آن همچون گنجی پایان نپذیر تا قیامت به سود نوع انسان ادامه خواهد داشت و هیچکس نتواند این موضوع را فراگیرنده باشد.

سپس این فرموده شد که تو بعنوان تشکر برای این انعام بزرگ عبادت کن و قربانی بده. یقیناً دشمن تو ابتر است و فیض توهرگز پایان پذیرنده نیست.

سُورَةُ الْكُوْثِرِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ اَرْبَعُ اَيَاتٍ وَ رُكُوْعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

بسیاربخشنده بارهارحم کننده (۱)

یقیناً ما تورا کوثر عطا کردیم (۲)

اِنَّا اَعْطٰیْكَ الْكُوْثَرَ ①

پس برای پروردگار خود عبادت

فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَاَنْحَرِ ①

کن و قربانی بده (۳)

یقیناً دشمن تو ابتر خواهد ماند (۴)

ع
۳۳

اِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْاَبْتَرُ ①

++ آیت ۴: کافران مکه به آنحضرت صلی الله علیه و آله طعنه ابتر بودن میزدند یعنی آنکس که هیچ فرزند نرینه ای نداشته باشد. اینجا بدیشان صلی الله علیه و آله مژده ای داده میشود که آنان که داشتن فرزندان نرینه مدعی هستند فرزندان آنان نیز فرزندان روحانی بودن تو را موجب سربلندی و خوشبختی خودشان دانسته و وابستگی خویش را با والدین بدبخت خود خواهند برید. چنانکه نسبت به عکرمه فرزند ابوجهل روایت است که پس از قبول اسلام یکی مسلمان او را طعنه به فرزند بودن ابوجهل زد و عکرمه در حضور آنحضرت صلی الله علیه و آله شکایت کرد و ایشان به آن مسلمان نهی کردند که در آتیه به عکرمه فرزند ابوجهل گفته نشود [اسدالغایبه - زیر کلمه عکرمه] بعبارت دیگر ابوجهل خودش بحالت ابتر جان باخت و نژادش از روی معنویت بسوی آنحضرت صلی الله علیه و آله نسبت داده شد.

۱۰۹ - سورة الكافرون

این سوره مکی است و با بسم الله ۷ آیت دارد.

در این سوره مجدداً کافران متنبه ساخته میشوند هیچگاه نه من از دین شما پیروی کننده ام و نه شما از دینم پیروی کنندگانید. پس شما دین خویش را دنبال کنید و من از دین خودم پیروی خواهم کرد.

سُورَةُ الْكَافِرُونَ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سَبْعُ آيَاتٍ وَ رُكُوعٌ

بنام خدا [بلاستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

بگو، ای کافران (۲)

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ②

من عبادت نکند آنچه را شما

لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ③

عبادت کنید (۳)

و نه شما عبادت کنندگان هستید

وَلَا أَنْتُمْ عِبُدُونَ مَا أَعْبُدُ ④

آنکه را من عبادت میکنم (۴)

و منهم عبادت کننده نیستم آنچه

وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ ⑤

را که شما عبادت میکنید (۵)

و شما هم عبادت کننده نیستید

وَلَا أَنْتُمْ عِبُدُونَ مَا أَعْبُدُ ⑥

آنکه را من عبادت میکنم (۶)

دین شما برایشما است و دین من

لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ⑦

برای من است (۷)

۱۱۰-سورة النصر

این سوره در مدینه نازل شد و با بسم الله ۴ آیت دارد.

در این سوره نیز دومین شکل کوثر بیان میشود یعنی بطوریکه انعامات قرآن ناتمام شدنی است بر همین منوال فتوحات اسلام نیز مبنی بر سلسله لامتناهی است و حتماً آنزمان فرارسد که مردم فوج در فوج بداخل اسلام خواهند شد. آنزمان برای برگذاری جشن شادمانی نیست بلکه باید استغفار کرد. زیرا که بعلت آن پیروزیها نباید تکبر بدل راه یابد بلکه فروتنی را بکار گرفته باید بر این یقین استوار باش که اینهمه فقط ناشی از فضل خدا است. پس آنهنگام باید بیشتر از معمول به استغفار مشغول شد و ستایش خدا را باید بیشتر فراگرفت.

سُورَةُ النَّصْرِ مَدَنِيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ أَرْبَعُ آيَاتٍ وَرُكُوعٌ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ① بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

سیاربخشنده بارها رحم کننده (۱)

هنگامیکه مدد خدا و پیروزی

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ②

بیاید (۲)

و مردم را خواهی دید که گروه در

وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ

گروه بداخل دین خدا شوند (۳)

أَفْوَاجًا ③

پس تسبیح بگو با ستایش

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْ لَهُ إِنَّهُ كَانَ

پروردگار خود و از او آمرزش

ع ۱۰

بخواه یقیناً او توبه را بارها

تَوَّابًا ④

قبول کننده است (۴)

۱۱۱- سورة اللهب

این سوره در ابتدا در مکه نازل شد و با بسم الله ۶ آیت دارد.
 ابولهب اسم عموی آنحضرت ﷺ بود که او هر جا خلاف ایشان ﷺ آتش
 نفرت بر میافروخت و همسرش نیز او را در اینکار یاریگر بود. فرموده شد
 که مردو دستش بریده شود. بعبارت دیگر هر کدام هم خواه به جناح راست
 تعلق دارد یا به جناح چپ هر گاه برخلاف اسلام شعله های آتش برافروزد
 هیچ هم بدست نیارد جز ذلت و رسوائی. آن ملتها که سوخت آتش جنگ وی
 را مهیا سازند و کمک کنند آنان هم چیزی بدست نیآرند جز اینکه به دار
 کشیده شوند.

سُورَةُ اللَّهَبِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سِتُّ آيَاتٍ وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیاربخشنده بارها رحم کننده (۱)

دو دست ابولهب ملاک شد و او

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ ②

نیز ملاک گردید (۲)

مال او و آنچه کسب کرد هیچ هم

مَا آغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ ③

بکارش نیامد (۳)

یقیناً او بداخل آتشی شعله ور

سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ ④

شود (۴)

و زنش هم که سوخت فراوان را

وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ ⑤

برداشته باشد (۵)

در گردنش رسی از لیف خرما

ع
۳۱

فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّنْ مَّسَدٍ ⑥

باشد (۶)

۱۱۲ - سورة الاخلاص

این سوره مکی است و با بسم الله ۵ آیت دارد.

این يك بسیار كوچك سوره است اما در این وعده ای از پیروزیهای بزرگ اسلام برخلاف مسیحیت داده شده است و این خبر داده میشود که نه خدا را پدری بود و نه او را فرزندی باشد. با این يك جمله مجمل ساختمان مسیحیت بتمام منهدم میشود. اگر خدا را پدری نیست آنگاه در او صفات تولد کردن فرزندی از کجا آمد؟ عیسی علیه السلام که فرزند فرضی خدا گفته میشوند چرا ایشان از پدر سهم صفاتش نگرفتند؟ اگر پدر پسر را تولد کرده بود آنگاه چرا پسر را فرزندان دیگر تولد نشدند؟ سپس گفته شد که خدا را کسی کفو نیست. بنا بر این اینگونه یاوه گوئیهای هیچ نتیجه ای ندارد جز گستاخگوئی نسبت به خدا جَلَّ شان.

سُورَةُ الْاِخْلَاصِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ خَمْسُ آيَاتٍ وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیار بخشنده بارها رحم کننده (۱)

بگو خدا یکتا است (۲)

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ②

خدا بی نیاز است (۳)

اللَّهُ الصَّمَدُ ③

نه او تولد کرد و نه تولد شد (۴)

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ④

و هیچگاه او را احدی همتا نبوده

ع
۳۷

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ⑤

است (۵)

۱۱۳ - سورة الفلق

این سوره مدنی است و با بسم الله ۶ آیت دارد.

در این سوره هشدار داده میشود که در نتیجه هر کدام تخلیق بعلاوه خیر، شر نیز پدید میآید. پس از شر آنها به خدا پناه ببرید و از شر آن شب تار هم پناه به خدا ببرید که مجدداً دنیا را فراگیرنده است و از شر آن قومها نیز به خدا پناه برید که انسان را از انسان و ملتها را از ملتها شکافته جدا میسازند. بعبارت دیگر اصل اخلاقی ایشان اینست که برای حکومت کردن میان قومها افتراق پیدا کرده شود [Divide & Rule]. اینهمه خلاصه حکومت امپراتوری است که هدفش بردن تسلط یافتن بود. در عین حال یقیناً اسلام پیشروی خواهد کرد و الا اگر قرار باشد که اسلام نابود شود در آنصورت حسادت که بوجود نمیآید. موضوع حسادت حاکی است که اسلام را یقیناً پیشروی کردن است و هرگاه آن پیشروی کند دشمن حسادت خواهد داشت.

سُورَةُ الْفَلَقِ مَدَنِيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبِسْمَلَةِ سِتُّ آيَاتٍ وَ رُكُوعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

بسیاربخشنده بارمارحکننده (۱)

بگوپناه میبرم به پروردگار [که

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ②

چیزهارا] شکافته [چیزهای نوین]

خلق کننده است (۲)

از شرّ هرچه او آفریده است (۳)

مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ③

و از شرّ تاریک کننده چون او

وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ④

فراگرفته باشد (۴)

و از شرّ آنها که در گرما

وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ⑤

میدمند (۵)

و از شرّ حسود چون حسدکنند (۶)

وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ⑥

++آیت ۵: این آیت را يك معنی این کرده میشود که از طریق افسون در گره های مناسبات همدیگر میدمند. ولی درحقیقت این يك بیشگوئی بزرگ نسبت به آن قومهای است که اقتدارایشان متکی بر این اصل اخلاقی باشد که برای حکومت کردن بر ملت های خواسته خود میان ایشان تفرقه انداخته آنانرا ناتوان سازند و خودشان بر مقام حاکمیت برآیند [Divide & Rule] و علی الخصوص اروپائیا هرجا بنا بر همین اصل حکومت کرده اند.

۱۱۴ - سورة الناس

این سوره در مدینه نازل شد و با بسم الله ۷ آیت دارد.

این سوره مجمل آنجمله کوششهای یهودیان و مسیحیان را ارائه میدهد که علامات ایشان این باشد که مدعی از ربوبیت نوع انسان شده بر مقام مالکیت از اقتصادیات مردم برآیند و بر این منوال مدعی از مقام ملوکانه هم باشند. بعبارت دیگر اختیارات سیاسی مردم را نیز در قبضه خود بگیرند و گویی که بر مقام معبودیت برآیند و هر که آنانرا پرستش کند او را بهره مند سازند و هر که آنانرا انکار کند او را خوار سازند.

خطرناکترین جنگ ابزار ایشان این باشد که آنان همچون کسی باشند که خَنَاس است یعنی به دلها تردید انداخته پنهان شوند. در آنزمان حالت اخلاقی ابرقدرتها یعنی ملتهای سرمایه دار و اشتراکی یکسان خواهد بود. منتها هر که در مقابل این امور پناه به خدا برد خداوند او را نجات میدهد.

سُورَةُ النَّاسِ مَدَنِيَّةٌ وَهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سَبْعُ آيَاتٍ وَرُكُوعٌ

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝

بسیاربخشنده بارها رحم کننده (۱)

بگو پناه میبرم به پروردگار

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ۝

مردم (۲)

پادشاه مردم (۳)

مَلِكِ النَّاسِ ۝

معبود مردم (۴)

إِلَهِ النَّاسِ ۝

و از شرّ بتکثیر و سوسه کننده که

و سوسه کرده کنار میرود (۵)

مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَفَّائِ ۝

آنکه در دل‌های همه انسانها و سوسه

میکند (۶)

الَّذِي يُوسَسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ۝

خواه آن از جنها [ارشدان] باشد

ع

مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ۝

یا از عوام الناس (۷)

++ آیات ۵-۷: این آیات حاکی از این پیشگوئی میباشند که در زمان آخرین یهودیان و مسیحیان در دل‌های دیگران تردید خواهند انداخت. الجنة و الناس را يك معنی اینست که هم در دل ارشدان و هم در دل عوام الناس و سوسه کرده شود. پس بعلت آن و سوسه که شیطان به دل ملت‌های سرمایه دار و ملت‌های اشتراکی انداخت مردود بسوی عقیده خدا شناسی رفتند. دومین معنی اینست که یهود و مسیحیان مردود و سوسه میکنند و در یقین آن‌مردم که بر آنها حکومت میکنند تردید انداخته آنانرا ناتوان میسازند.

دعای ختم القرآن

اَللّٰهُمَّ اَرْحَمْنِيْ بِالْقُرْاٰنِ الْعَظِيْمِ وَاَجْعَلْهُ لِيْ اِمَامًا وَّ نُوْرًا وَّ هُدًى وَّ رَحْمَةً
 اَللّٰهُمَّ ذَكِّرْنِيْ مِنْهُ مَا نَسِيْتُ وَّ عَلِّمْنِيْ مِنْهُ مَا جَهِلْتُ وَاَرْزُقْنِيْ تِلَاوَتَهُ
 اِنَاءَ اللَّيْلِ وَّ النَّهَارِ وَاَجْعَلْهُ لِيْ حُجَّةً يَّارَبَّ الْعَالَمِيْنَ

پروردگارا! از برکت قرآن بزرگ بر من رحم بفرما و آنرا برایم امام و نور و هدایت و رحمت بنا. پروردگارا! هر چه از آن فراموش کنم بخاطرم بیار و مرا آنچه از آن بلد نیستم بیاموز و هنگام شب و هنگام روز مرا توفیق تلاوت آن اعطاء کن و ای پروردگار جهانها! آنرا حتی بنفع من بگردان - آمین